



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

تحلیلی از زندگانی

علیه السلام

# امام سجاد



جلد ۱-۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام

نویسنده:

باقر شریف قرشی

ناشر چاپی:

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۴۳	تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام
۴۳	مشخصات کتاب
۴۳	جلد اول
۴۳	پیشگفتار
۴۴	مقدمه مترجم
۴۵	تقدیم
۴۶	مقدمه مؤلف
۵۴	بانو، شاه زنان
۵۴	اشاره
۵۴	صفات روحی
۵۵	روایات مربوط به زمان ازدواج
۵۵	اشاره
۵۵	الف- در زمان عمر
۵۵	ب- در زمان عثمان
۵۶	ج- زمان خلافت امیر المؤمنین
۵۶	بررسی روایات
۵۷	نظرات نادرست
۵۸	نام مادر امام (ع)
۵۸	ارتباط مقدّس
۵۹	ندای جاهلیت
۶۱	محبت امام علی (ع) به شاه زنان
۶۱	توجه امام حسین به شهربانو

- ۶۲ ..... ستایش مورخان
- ۶۲ ..... اشاره
- ۶۲ ..... الف- میزد
- ۶۲ ..... ب- ابن شدم
- ۶۲ ..... ج- گنجی
- ۶۳ ..... نوزاد بزرگ
- ۶۳ ..... اشاره
- ۶۳ ..... مراسم ولادت
- ۶۳ ..... جای ولادت
- ۶۴ ..... زمان ولادت
- ۶۵ ..... نامگذاری امام
- ۶۵ ..... نظریه ابن تیمیه
- ۶۶ ..... کنیه امام
- ۶۶ ..... القاب امام
- ۶۶ ..... اشاره
- ۶۶ ..... ۱- زین العابدین
- ۶۷ ..... ۲- سید العابدین
- ۶۷ ..... ۳- ذو الثففات
- ۶۷ ..... ۴- سجاد
- ۶۸ ..... ۵- زکی
- ۶۸ ..... ۶- امین
- ۶۸ ..... ۷- ابن الخیرتین
- ۶۹ ..... وفات مادر امام
- ۷۰ ..... دایه امام

- ۷۰ ..... اوصاف جسمانی امام
- ۷۰ ..... هیبت و شکوه امام
- ۷۱ ..... نقش انگشتریش
- ۷۱ ..... دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام
- ۷۱ ..... اشاره
- ۷۲ ..... رشد امام (ع)
- ۷۳ ..... رفتار امام
- ۷۳ ..... رفتار امام در خانه
- ۷۴ ..... احسان امام به دایه‌اش
- ۷۴ ..... روایت ساختگی
- ۷۵ ..... امام (ع) با والدینش
- ۷۵ ..... دعای امام به والدین
- ۷۹ ..... امام علیه السلام با پسرانش
- ۷۹ ..... وصایای امام به پسرانش
- ۸۲ ..... دعای امام علیه السلام به پسرانش
- ۸۶ ..... امام با بردگانش
- ۸۶ ..... امام با همسایگان
- ۸۷ ..... دعای امام برای همسایگان
- ۸۹ ..... رفتار امام با همنشینان
- ۹۰ ..... رفتار امام با شیعیان
- ۹۱ ..... روایتی ساختگی
- ۹۲ ..... امام (ع) تقیه را برای شیعه ضروری می‌داند
- ۹۲ ..... استغفار امام برای گنهکاران شیعه
- ۹۳ ..... رفتار امام (ع) با دشمنان

۹۴	.....	خصوصیات روحی امام علیه السلام
۹۴	.....	اشاره
۹۴	.....	بردباری
۹۷	.....	صبر امام
۹۸	.....	عزت و بزرگواری امام
۹۹	.....	شجاعت امام
۱۰۰	.....	تواضع امام
۱۰۰	.....	احسان به مردم
۱۰۱	.....	بخشندگی امام
۱۰۱	.....	داستان محمد بن اسامه
۱۰۱	.....	اطعام عمومی
۱۰۲	.....	اداره کردن صد خانواده
۱۰۲	.....	توجه به مستمندان
۱۰۲	.....	اشاره
۱۰۲	.....	الف- احترام امام به فقرا
۱۰۲	.....	ب- توجه امام به فقرا
۱۰۳	.....	نهی امام، از رد سائل
۱۰۴	.....	صدقات امام
۱۰۴	.....	اشاره
۱۰۴	.....	الف- امام (ع) جامه‌هایش را صدقه می‌دهد
۱۰۵	.....	ب- آنچه را دوست داشت صدقه می‌داد
۱۰۵	.....	ج- تقسیم اموال
۱۰۶	.....	صدقات پنهانی امام
۱۰۷	.....	تنها رضای خدا را می‌جست



۱۰۸	پارسایی در دنیا
۱۰۸	امام با صوفیان
۱۰۹	تنفر امام از بیهوده کاری
۱۱۰	توجه به خدا
۱۱۰	موارد دلپذیر از توجهات امام
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱- توسل به خدا
۱۱۱	۲- تنها توجه به خدا
۱۱۲	۳- عرض حاجت به پیشگاه خدا
۱۱۵	۴- تضرع در پیشگاه خداوند
۱۱۷	۵- اظهار ذلت در پیشگاه خدا
۱۱۸	امامت
۱۱۸	اشاره
۱۱۸	معنای امامت
۱۱۸	ضرورت امامت
۱۱۸	پیامبر و امامت
۱۱۹	مقام والای ائمه
۱۲۲	باید به ائمه مراجعه کرد
۱۲۲	اطاعت امام واجب است
۱۲۴	عصمت امام
۱۲۴	امامت آن حضرت
۱۲۵	نص بر امامت
۱۲۶	امامت در عصر آن حضرت
۱۲۶	امامت محمد بن حنفیه

- ۱۲۸ ..... امام سجاد با محمد بن حنفیه
- ۱۲۹ ..... بازگشت کابلی به دامن حق
- ۱۳۰ ..... قسمتی از دلایل امامت آن حضرت
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... ۱- خبر شهادت زید
- ۱۳۲ ..... ۲- خبر دادن امام از حکومت عمر بن عبد العزیز
- ۱۳۲ ..... ۳- خبر دادن امام از حکومت عباسیان
- ۱۳۳ ..... اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام
- ۱۳۳ ..... اشاره
- ۱۳۴ ..... نظرات معاصرین امام
- ۱۳۴ ..... اشاره
- ۱۳۴ ..... ۱- جابر انصاری
- ۱۳۴ ..... ۲- عبد الله بن عباس
- ۱۳۴ ..... ۳- زهری
- ۱۳۶ ..... ۴- سعید بن مسیب
- ۱۳۷ ..... ۵- زید بن اسلم
- ۱۳۷ ..... ۶- حماد بن زید
- ۱۳۷ ..... ۷- یحیی بن سعید
- ۱۳۷ ..... ۸- مالک
- ۱۳۸ ..... ۹- ابو بکر بن برقی
- ۱۳۸ ..... ۱۰- ابو ذرعه
- ۱۳۸ ..... ۱۱- ابو حازم
- ۱۳۸ ..... ۱۲- ابو حاتم اعرج
- ۱۳۹ ..... ۱۳- ابو حمزه ثمالی

- ۱۳۹ ..... ۱۴- امام صادق (ع)
- ۱۳۹ ..... ۱۵- عمر بن عبد العزيز
- ۱۴۰ ..... ۱۶- يزيد بن معاوية
- ۱۴۰ ..... ۱۷- عبد الملك بن مروان
- ۱۴۱ ..... ۱۸- منصور دوانیقی
- ۱۴۱ ..... ۱۹- فرزدق
- ۱۴۲ ..... ۲۰- حمیری
- ۱۴۲ ..... ۲۱- ابن شهاب
- ۱۴۲ ..... ۲۲- ابن زید
- ۱۴۳ ..... مورخان
- ۱۴۳ ..... اشاره
- ۱۴۳ ..... ۱- ابن عساکر
- ۱۴۳ ..... ۲- ابن سعد
- ۱۴۳ ..... ۳- ابن حجر عسقلانی
- ۱۴۴ ..... ۴- ابن هیثمی
- ۱۴۴ ..... ۵- ذهبی
- ۱۴۴ ..... ۶- ابو الفتح
- ۱۴۴ ..... ۷- ابو نعیم
- ۱۴۵ ..... ۸- یعقوبی
- ۱۴۵ ..... ۹- واقدی
- ۱۴۵ ..... ۱۰- صفی الدین
- ۱۴۶ ..... ۱۱- نووی
- ۱۴۶ ..... ۱۲- عماد الدین
- ۱۴۶ ..... ۱۳- ابن عنبه

- ۱۴- شیخ مفید ..... ۱۴۶
- ۱۵- جاحظ ..... ۱۴۶
- ۱۶- شراوی ..... ۱۴۷
- ۱۷- قلیوبی ..... ۱۴۷
- ۱۸- ابن تیمیه ..... ۱۴۷
- ۱۹- شیخانی ..... ۱۴۷
- ۲۰- ابن خلکان ..... ۱۴۸
- ۲۱- ابن شدقم ..... ۱۴۸
- ۲۲- منوفی ..... ۱۴۸
- ۲۳- ابو الفتوح ..... ۱۴۸
- ۲۴- مناوی ..... ۱۴۹
- ۲۵- محمد بن طلحه ..... ۱۴۹
- ۲۶- محمد بن سعد ..... ۱۴۹
- ۲۷- سید عباس ..... ۱۴۹
- ۲۸- سید محسن ..... ۱۵۰
- ۲۹- نویری ..... ۱۵۰
- ۳۰- شافعی ..... ۱۵۰
- ۳۱- علی بن عیسی اربلی ..... ۱۵۱
- ۳۲- بستانی ..... ۱۵۲
- ۳۳- وجدی ..... ۱۵۲
- ۳۴- آغا بزرگ ..... ۱۵۲
- ۳۵- ابن جوزی ..... ۱۵۳
- ۳۶- تاج الدین ..... ۱۵۳
- ۳۷- عارف تامر ..... ۱۵۳

- ۱۵۳ ..... ۳۸- زرکلی
- ۱۵۳ ..... ۳۹- احمد محمود صبحی
- ۱۵۴ ..... ۴۰- احمد فهمی
- ۱۵۴ ..... ۴۱- حسین علی محفوظ
- ۱۵۴ ..... چند نکته مهم
- ۱۵۵ ..... امام سجاد و مصائب کربلا
- ۱۵۶ ..... اشاره
- ۱۵۶ ..... امام در سرزمین کربلا
- ۱۵۷ ..... امام خبر از شهادت خود می‌دهد
- ۱۵۸ ..... روز عاشورا
- ۱۵۹ ..... خطبه امام
- ۱۶۲ ..... جنگ
- ۱۶۳ ..... شهادت نیکان
- ۱۶۴ ..... یاری خواستن امام
- ۱۶۴ ..... شهادت امام حسین
- ۱۶۵ ..... آتش زدن خیمه‌ها
- ۱۶۵ ..... هجوم دشمن به سمت امام
- ۱۶۵ ..... بی‌تابی امام زین العابدین
- ۱۶۶ ..... دفن کردن امام سجاد بدنهای شهدا را
- ۱۶۷ ..... اسیران اهل بیت در کوفه
- ۱۶۸ ..... خطابه امام زین العابدین
- ۱۶۹ ..... ابن زیاد طاغوت با امام سجاد
- ۱۷۰ ..... ربودن امام
- ۱۷۱ ..... حرکت اسرای اهل بیت به جانب دمشق

- ۱۷۱ ..... مرد شامی با امام زین العابدین
- ۱۷۲ ..... امام سجاد در مجلس یزید
- ۱۷۳ ..... خطبه امام زین العابدین (ع)
- ۱۷۷ ..... امام (ع) با منهال
- ۱۷۷ ..... عذرخواهی طاغوت از امام
- ۱۷۸ ..... گفتگوی اسقف یهودی با یزید
- ۱۷۸ ..... امام علیه السلام با یزید
- ۱۷۹ ..... حرکت به سمت مدینه
- ۱۷۹ ..... بشیر و خبر شهادت امام
- ۱۸۰ ..... خطابه امام زین العابدین
- ۱۸۲ ..... اندوه امام زین العابدین
- ۱۸۳ ..... پرداخت دیون پدر
- ۱۸۴ ..... همدردی امام با آل عقیل
- ۱۸۴ ..... اقامت امام سجاد در مدینه
- ۱۸۵ ..... عبادات امام سجاد علیه السلام
- ۱۸۵ ..... اشاره
- ۱۸۶ ..... وضوی امام
- ۱۸۶ ..... نماز امام سجاد
- ۱۸۷ ..... معطر کردن امام برای نماز
- ۱۸۷ ..... لباس امام در حال نماز
- ۱۸۷ ..... خشوع امام در نماز
- ۱۸۸ ..... هزار رکعت نماز
- ۱۸۹ ..... قضای نماز نافله
- ۱۸۹ ..... سجده‌های زیاد

- ۱۹۰ ..... تسبیح زیاد امام
- ۱۹۰ ..... مداومت امام بر نماز شب
- ۱۹۰ ..... دعای امام پس از نماز شب
- ۱۹۶ ..... ضعیف و لاغری امام
- ۱۹۶ ..... اشاره
- ۱۹۷ ..... ۱- یکی از پسران امام
- ۱۹۷ ..... ۲- جابر بن عبد الله انصاری
- ۱۹۸ ..... ۳- عبد الملک
- ۲۰۰ ..... روزه امام
- ۲۰۰ ..... در ماه رمضان
- ۲۰۰ ..... دعای امام وقت رؤیت هلال ماه رمضان
- ۲۰۵ ..... کارهای خیر امام در ماه رمضان
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... الف- اطعام به مستمندان
- ۲۰۶ ..... ب- آزادسازی بردگان
- ۲۰۷ ..... دعای امام سجاد در وقت سحر
- ۲۱۰ ..... دعای امام در وداع ماه رمضان
- ۲۱۱ ..... اشاره
- ۲۱۱ ..... ۱- بخشندگی و کرم خدا
- ۲۱۲ ..... ۲- عفو و مجازات خدا
- ۲۱۲ ..... ۳- قضای الهی
- ۲۱۲ ..... ۴- سپاس خدا از سپاسگزاران
- ۲۱۲ ..... ۵- پرده‌پوشی از گناه
- ۲۱۹ ..... در روز عید فطر

- ۲۲۳ ..... حج امام
- ۲۲۴ ..... حج پیاده
- ۲۲۴ ..... حج سواره
- ۲۲۵ ..... همراهی قاریان با امام
- ۲۲۵ ..... توشه سفر حج
- ۲۲۵ ..... نگرانی امام در وقت احرام
- ۲۲۶ ..... دعای امام کنار حجر الاسود
- ۲۲۶ ..... نماز امام زیر ناودان رحمت
- ۲۲۷ ..... امام با هشام بن عبد الملک
- ۲۳۱ ..... تشکیک ابو الفرج اصفهانی
- ۲۳۲ ..... دستگیری فرزندق
- ۲۳۲ ..... مناجات امام در بیت الحرام
- ۲۳۸ ..... امام سجاد با مردی که طواف می‌کرد
- ۲۳۹ ..... اعتراض امام بر گدایان در عرفه
- ۲۳۹ ..... آزاد کردن بردگان در عرفات
- ۲۳۹ ..... دعای امام در عرفات
- ۲۵۵ ..... روز عید قربان
- ۲۶۰ ..... جلد دوم
- ۲۶۰ ..... اشاره
- ۲۶۰ ..... علوم امام سجاد علیه السلام
- ۲۶۰ ..... اشاره
- ۲۶۰ ..... حدیث
- ۲۶۰ ..... اشاره
- ۲۶۱ ..... روایات امام از پیامبر (ص)



- ۲۷۴ ..... روایات امام از امیر المؤمنین (ع)
- ۲۸۳ ..... در فضای قرآن
- ۲۸۳ ..... اشاره
- ۲۸۳ ..... عشق به قرآن
- ۲۸۳ ..... قرآن خواندن امام
- ۲۸۳ ..... تدبیر در قرآن
- ۲۸۴ ..... دعای امام به هنگام ختم قرآن
- ۲۸۹ ..... نمونه‌هایی از تفسیر قرآن
- ۲۹۴ ..... علم فقه
- ۲۹۴ ..... اشاره
- ۲۹۵ ..... اقسام روزه
- ۲۹۸ ..... جمع بین نماز مغرب و عشاء
- ۲۹۸ ..... اعتبار نیت در عبادات
- ۲۹۸ ..... تکفیر در نماز جایز نیست
- ۲۹۹ ..... خریدن کنیز خواننده
- ۲۹۹ ..... حد زنا با خواهر
- ۲۹۹ ..... بحثهای کلامی
- ۲۹۹ ..... اشاره
- ۳۰۰ ..... قضا و قدر
- ۳۰۰ ..... خدا نور است!
- ۳۰۱ ..... تعجب امام از کسی که در وجود خدا شک دارد
- ۳۰۱ ..... توصیف خدا، به اوصاف محدود محال است
- ۳۰۲ ..... قسمتی از پندها و حکمت‌های امام
- ۳۰۲ ..... اشاره

- ۳۰۲ ..... مواعظ امام
- ۳۲۵ ..... از سخنان دلاویز و تعلیمات امام
- ۳۲۵ ..... مذمت تکبر
- ۳۲۶ ..... از همان راه امن خطر می‌آید!
- ۳۲۶ ..... زنهار از مشاجره و جدال
- ۳۲۷ ..... افتخار به گناه
- ۳۲۷ ..... انواع گناهان
- ۳۲۹ ..... حقیقت مرگ
- ۳۳۰ ..... بالاترین انواع پارسایی
- ۳۳۱ ..... بهترین اعمال در پیشگاه خدا
- ۳۳۱ ..... شناخت عدالت
- ۳۳۳ ..... صفات منافق و مؤمن
- ۳۳۵ ..... نصایح ارزشمند
- ۳۳۵ ..... مواسات و احسان به دیگران
- ۳۳۹ ..... صله ارحام
- ۳۴۰ ..... دوستی برای خدا
- ۳۴۰ ..... دعا برای مؤمن
- ۳۴۱ ..... پاداش اهل فضیلت
- ۳۴۲ ..... دعوت به دین
- ۳۴۲ ..... برحذر داشتن امام از بعضی محرمات
- ۳۴۴ ..... برحذر داشتن از طمع
- ۳۴۴ ..... سپاسگزاری از نیکی نیکوکار
- ۳۴۵ ..... امر به معروف
- ۳۴۵ ..... فضیلت سخن بر سکوت

- ۳۴۶ ..... خوشبختی انسان
- ۳۴۶ ..... مشترکات ادیان
- ۳۴۶ ..... خصلتهای ارزنده
- ۳۴۷ ..... نشانه‌های مؤمن
- ۳۴۷ ..... سخن نیکو
- ۳۴۸ ..... طبقات مردم
- ۳۴۹ ..... فروتنی
- ۳۴۹ ..... فرا گرفتن حکمت
- ۳۴۹ ..... طینت مؤمن و کافر
- ۳۵۰ ..... صبر
- ۳۵۰ ..... برخی از اخلاق مؤمنان
- ۳۵۱ ..... عصبیت
- ۳۵۱ ..... پرهیز از دروغ
- ۳۵۲ ..... استواری در گفتار
- ۳۵۲ ..... پاکدامنی
- ۳۵۲ ..... قناعت
- ۳۵۳ ..... از عوامل نجات مؤمن
- ۳۵۳ ..... از سنتها و حکمتهای انبیا
- ۳۵۳ ..... سفارش خضر به موسی (ع)
- ۳۵۴ ..... از جمله وحی الهی به موسی (ع)
- ۳۵۴ ..... حکمت در انجیل
- ۳۵۵ ..... موسی و عابد
- ۳۵۵ ..... حضرت موسی با خدا
- ۳۵۶ ..... وفات پیامبر

- ۳۵۸ ..... دوستی اهل بیت
- ۳۵۹ ..... حق پیامبران و علی بر مسلمانان
- ۳۶۰ ..... سروری اهل بیت بر مردم
- ۳۶۰ ..... سخنان دلاویز و کلمات قصار امام
- ۳۷۵ ..... تألیفات امام سجاد (ع)
- ۳۷۵ ..... اشاره
- ۳۷۵ ..... ۱- صحیفه سجّادیه
- ۳۷۵ ..... اشاره
- ۳۷۶ ..... صحیفه سجّادیه
- ۳۷۶ ..... سند صحیفه
- ۳۷۷ ..... امتیازات صحیفه
- ۳۸۶ ..... توجه بزرگان به صحیفه
- ۳۸۷ ..... شرح‌های صحیفه
- ۳۹۰ ..... ملحقات صحیفه
- ۳۹۱ ..... اشاره
- ۳۹۱ ..... بعضی از ملحقات صحیفه
- ۳۹۱ ..... دعای امام برای نیک‌سیرتی
- ۳۹۲ ..... دعای امام علیه السلام در وقت نزول فقر
- ۳۹۳ ..... دعای امام در پناهندگی به خدا
- ۳۹۳ ..... دعای امام برای آمرزش و توبه
- ۳۹۴ ..... دعای امام درباره صلوات بر پیامبر
- ۳۹۴ ..... دعای امام در وقت استجاب دعا
- ۳۹۵ ..... دعای امام در وقت آوردن و برداشتن سفره غذا
- ۳۹۶ ..... دعای امام در واگذاشتن کار خود به خدا

- ۳۹۶ ..... دعای امام در پناهندگی از خشم خدا
- ۳۹۷ ..... دعای امام در وقت خواب
- ۳۹۷ ..... دعای امام در دفع هر بیم
- ۳۹۸ ..... نمونه‌های برجسته‌ای از صحیفه
- ۳۹۸ ..... اشاره
- ۳۹۸ ..... دعای امام علیه السلام در درود بر پیامبر
- ۴۰۰ ..... دعای امام برای پیروان انبیا
- ۴۰۳ ..... دعای امام برای خود و دوستانش
- ۴۰۴ ..... دعای امام در صبح و شام
- ۴۰۸ ..... دعاهاى امام برای عاقبت به خیری
- ۴۰۹ ..... دعای امام در طلب توبه
- ۴۱۱ ..... دعای امام به هنگام بیماری
- ۴۱۲ ..... دعای امام به هنگام طلب عفو از گناهان
- ۴۱۶ ..... دعای امام برای در امان ماندن از شر شیطان
- ۴۱۹ ..... دعای امام در طلب باران
- ۴۲۰ ..... دعای امام در مواجهه با امری حزن‌آور
- ۴۲۲ ..... دعای امام در وقت سختی
- ۴۲۵ ..... دعای امام در وقت درخواست عافیت
- ۴۲۷ ..... دعای امام در وقت تنگدستی
- ۴۲۸ ..... دعای امام علیه السلام در کمک به ادای دین
- ۴۳۰ ..... دعای امام درباره ذکر و طلب توبه
- ۴۳۴ ..... دعای امام در وقت استخاره
- ۴۳۵ ..... دعای امام در وقت گرفتاری
- ۴۳۶ ..... دعای امام در مقابل رضا

- ۴۳۷ ..... دعای امام علیه السلام هنگام دیدن ابر و برق و صدای رعد
- ۴۳۸ ..... دعای امام به هنگام اعتراف به تقصیر
- ۴۴۱ ..... دعای امام، وقت شنیدن خبر مرگ کسی
- ۴۴۲ ..... دعای امام در طلب پرده‌پوشی
- ۴۴۳ ..... دعای امام به هنگام رؤیت هلال
- ۴۴۴ ..... دعای امام درباره رفع کید و مکر دشمنان
- ۴۴۷ ..... دعای امام در مورد ترس از عقاب
- ۴۴۸ ..... دعای امام در تضرع به درگاه خدا
- ۴۵۱ ..... دعای امام هنگام التماس به درگاه خدا
- ۴۵۳ ..... دعای امام به هنگام اظهار تذلل
- ۴۵۴ ..... دعای امام درباره رفع غمها
- ۴۵۵ ..... ۲- مناجاتهای پانزده‌گانه
- ۴۵۵ ..... اشاره
- ۴۵۶ ..... مناجات اول
- ۴۵۷ ..... مناجات دوم
- ۴۵۹ ..... مناجات سوم
- ۴۶۰ ..... مناجات چهارم
- ۴۶۱ ..... مناجات پنجم
- ۴۶۲ ..... مناجات ششم
- ۴۶۴ ..... مناجات هفتم
- ۴۶۵ ..... مناجات هشتم
- ۴۶۶ ..... مناجات نهم
- ۴۶۷ ..... مناجات دهم
- ۴۶۸ ..... مناجات یازدهم

۴۶۹	.....	مناجات دوازدهم
۴۷۱	.....	مناجات سیزدهم
۴۷۲	.....	مناجات چهاردهم
۴۷۳	.....	مناجات پانزدهم
۴۷۴	.....	مناجات منظوم
۴۷۴	.....	اشاره
۴۷۴	.....	مناجات اول
۴۷۵	.....	مناجات دوم
۴۷۵	.....	۳- رساله الحقوق
۴۷۵	.....	اشاره
۴۷۶	.....	بیان اجمالی حقوق
۴۷۸	.....	تفصیل حقوق
۴۷۸	.....	اشاره
۴۷۸	.....	۱- حق الله
۴۷۹	.....	۲- حق خویشتن
۴۷۹	.....	۳- حق زبان
۴۸۰	.....	۴- حق گوش
۴۸۱	.....	۵- حق چشم
۴۸۱	.....	۶- حق پاها
۴۸۱	.....	۷- حق دست
۴۸۲	.....	۸- حق شکم
۴۸۲	.....	۹- حق شهوت
۴۸۲	.....	اشاره
۴۸۳	.....	حقوق افعال آدمی

- ۴۸۳ ..... ۱۰- حق نماز
- ۴۸۴ ..... ۱۱- حق روزه
- ۴۸۴ ..... ۱۲- حق صدقه
- ۴۸۵ ..... ۱۳- حق قربانی
- ۴۸۵ ..... اشاره
- ۴۸۶ ..... حقوق ائمه
- ۴۸۶ ..... ۱۴- حق ائمه
- ۴۸۷ ..... ۱۵- حق معلّم
- ۴۸۸ ..... ۱۶- حق مالک
- ۴۸۸ ..... ۱۷- حق رعیت
- ۴۸۹ ..... ۱۸- حق شاگردان
- ۴۹۰ ..... ۱۹- حق همسر
- ۴۹۰ ..... ۲۰- حق خدمتگزاران
- ۴۹۰ ..... اشاره
- ۴۹۱ ..... حقوق خویشاوندان
- ۴۹۱ ..... ۲۱- حق مادر
- ۴۹۲ ..... ۲۲- حق پدر
- ۴۹۳ ..... ۲۳- حق فرزند
- ۴۹۴ ..... ۲۴- حق برادر
- ۴۹۴ ..... ۲۵- حقّ منعم
- ۴۹۵ ..... ۲۶- حق آزاد کرده
- ۴۹۵ ..... ۲۷- حق کسی که به تو نیکی کرده
- ۴۹۶ ..... ۲۸- حق اذان‌گو
- ۴۹۶ ..... ۲۹- حق پیشنماز



- ۴۹۷ ..... حق همنشین ..... ۳۰-
- ۴۹۸ ..... حق همسایه ..... ۳۱-
- ۴۹۹ ..... حق رفیق ..... ۳۲-
- ۵۰۰ ..... حق شریک ..... ۳۳-
- ۵۰۰ ..... حق مال ..... ۳۴-
- ۵۰۱ ..... حق طلبکار ..... ۳۵-
- ۵۰۲ ..... حق دوستی که با او معاشرت داری ..... ۳۶-
- ۵۰۲ ..... حق طرفی که بر تو ادعایی دارد ..... ۳۷-
- ۵۰۳ ..... حق کسی که تو بر او ادعا داری ..... ۳۸-
- ۵۰۳ ..... حق کسی که با تو مشورت می‌کند ..... ۳۹-
- ۵۰۴ ..... حق کسی که تو با او مشورت می‌کنی ..... ۴۰-
- ۵۰۴ ..... حق آن که از تو نصیحت می‌طلبد ..... ۴۱-
- ۵۰۵ ..... حق نصیحت‌کننده ..... ۴۲-
- ۵۰۵ ..... حق بزرگتر ..... ۴۳-
- ۵۰۶ ..... حق کوچکتر ..... ۴۴-
- ۵۰۷ ..... حق سائل ..... ۴۵-
- ۵۰۷ ..... حق مسئول ..... ۴۶-
- ۵۰۸ ..... حق کسی که باعث خشنودی تو شده است ..... ۴۷-
- ۵۰۸ ..... حق کسی که درباره تو بد قضاوت کرده است ..... ۴۸-
- ۵۰۹ ..... حق توده مردم ..... ۴۹-
- ۵۱۰ ..... حق اهل ذمه ..... ۵۰-
- ۵۱۱ ..... ۴- کتاب علی بن حسین (ع) ..... ۵۱۱-
- ۵۱۱ ..... اشاره ..... ۵۱۱-
- ۵۱۲ ..... دیوان شعر منسوب به امام ..... ۵۱۲-

- از آثار خطی امام علیه السلام ..... ۵۱۴
- مدرسه، شاگردان و اصحاب امام علیه السلام ..... ۵۱۴
- اشاره ..... ۵۱۴
- [مدرسه] ..... ۵۱۵
- اشاره ..... ۵۱۵
- صرف وقت برای نشر دانش ..... ۵۱۵
- ستایش امام از فضیلت دانش ..... ۵۱۵
- تشویق امام به جنبش علمی ..... ۵۱۶
- احترام امام به دانشجویان ..... ۵۱۶
- آداب دانش‌پژوهان ..... ۵۱۶
- حقوق معلم ..... ۵۱۷
- اجر و ثواب دانشجو ..... ۵۱۷
- خودداری از تعلیم ..... ۵۱۸
- تواضع معلم ..... ۵۱۸
- محل مدرسه امام ..... ۵۱۸
- اجتماع دانشمندان در محضر امام ..... ۵۱۹
- شاگردان و اصحاب امام ..... ۵۱۹
- اشاره ..... ۵۱۹
- الف - ..... ۵۱۹
- اشاره ..... ۵۱۹
- ۱- ابان بن اَبی عیاش ..... ۵۲۰
- ۲- ابان بن تغلب ..... ۵۲۰
- اشاره ..... ۵۲۰
- ولادت و رشد ابان ..... ۵۲۰

- ۵۲۰ ..... مقام علمی ابان
- ۵۲۱ ..... روایات ابان از ائمه
- ۵۲۱ ..... بزرگداشت ائمه از ابان
- ۵۲۱ ..... امانتداری ابان
- ۵۲۲ ..... دوستی اهل بیت
- ۵۲۳ ..... مؤلفات ابان
- ۵۲۳ ..... وفات ابان
- ۵۲۴ ..... ۳- ابراهیم بن ابی حفصه
- ۵۲۴ ..... ۴- ابراهیم بن بشیر
- ۵۲۴ ..... ۵- ابراهیم بن عبد الله
- ۵۲۴ ..... ۶- ابراهیم بن محمد
- ۵۲۵ ..... ۷- ابراهیم بن یزید
- ۵۲۵ ..... ۸- احمد بن حمویه
- ۵۲۵ ..... ۹- اسحاق بن عبد الله
- ۵۲۵ ..... ۱۰- اسحاق بن عبد الله بن ابی طلحه
- ۵۲۵ ..... ۱۱- اسحاق بن یسار
- ۵۲۶ ..... ۱۲- اسماعیل بن امیه
- ۵۲۶ ..... ۱۳- اسماعیل بن رافع
- ۵۲۶ ..... ۱۴- اسماعیل بن عبد الخالق
- ۵۲۷ ..... ۱۵- اسماعیل بن عبد الرحمن
- ۵۲۷ ..... ۱۶- اسماعیل بن عبد الله
- ۵۲۷ ..... ۱۷- افلح بن حمید
- ۵۲۷ ..... ۱۸- ایوب بن حسن
- ۵۲۷ ..... ۱۹- ایوب بن عاید

- ب- ..... ۵۲۸
- ..... اشاره ۵۲۸
- ..... ۲۰- برد اسکاف ۵۲۸
- ..... ۲۱- بشر بن غالب ۵۲۸
- ..... ۲۲- بکر بن اوس ۵۲۸
- ..... ۲۳- بکیر بن عبد الله ۵۲۸
- ث- ..... ۵۲۹
- ..... اشاره ۵۲۹
- ..... ۲۴- ثابت بن اسلم ۵۲۹
- ..... ۲۵- ثابت بن ابی صفیه ۵۲۹
- ..... اشاره ۵۲۹
- ..... نشو و نمای ثابت ۵۲۹
- ..... وثاقت ابو حمزه ۵۲۹
- ..... مقام علمی ابو حمزه ۵۳۰
- ..... مؤلفات ابو حمزه ۵۳۰
- ..... روایات ابو حمزه از ائمه ۵۳۰
- ..... وفات ابو حمزه ۵۳۰
- ..... ۲۶- ثابت بن عبد الله ۵۳۱
- ..... ۲۷- ثابت بن هرمز ۵۳۱
- ..... ۲۸- ثویر بن ابی فاخته ۵۳۲
- ..... ۲۹- ثویر بن یزید ۵۳۳
- ج- ..... ۵۳۴
- ..... اشاره ۵۳۴
- ..... ۳۰- جابر بن محمد ۵۳۴

- ۳۱- جعفر بن ابراهیم ..... ۵۳۴
- ۳۲- جعفر بن ایاس ..... ۵۳۴
- ۳۳- جعفر بن محمد ..... ۵۳۴
- ۳۴- سعید همدان ..... ۵۳۵
- ۳۵- جهم هلالی ..... ۵۳۵
- ح - ..... ۵۳۵
- اشاره ..... ۵۳۵
- ۳۶- حارث بن جارود ..... ۵۳۵
- ۳۷- حارث بن فضیل ..... ۵۳۶
- ۳۸- حبیب بن ابی ثابت ..... ۵۳۶
- ۳۹- حبیب بن حسان ..... ۵۳۶
- ۴۰- حبیب بن معلی ..... ۵۳۶
- ۴۱- حدیم بن سفیان ..... ۵۳۶
- ۴۲- حدیم بن شریک ..... ۵۳۷
- ۴۳- حرّ بن کعب ..... ۵۳۷
- ۴۴- حسان عامری ..... ۵۳۷
- ۴۵- حسن بن رواج ..... ۵۳۷
- ۴۶- حسن بن علی ..... ۵۳۷
- ۴۷- حسن بن عماره ..... ۵۳۸
- ۴۸- حسن بن محمد ..... ۵۳۸
- ۴۹- حسین بن علی ..... ۵۳۸
- ۵۰- حصین بن عمرو ..... ۵۳۸
- ۵۱- حطان بن خفان ..... ۵۳۹
- ۵۲- حفص بن عمر ..... ۵۳۹

۵۳- حکم بن عتیبه ..... ۵۳۹

۵۴- حکیم بن جبیر ..... ۵۴۰

۵۵- حکیم بن حکم ..... ۵۴۰

۵۶- حکیم بن صهیب ..... ۵۴۰

۵۷- حمید بن نافع ..... ۵۴۰

۵۸- حمید بن مسلم ..... ۵۴۰

خ- ..... ۵۴۱

اشاره ..... ۵۴۱

۵۹- خشرم بن بسار ..... ۵۴۱

د- ..... ۵۴۱

اشاره ..... ۵۴۱

۶۰- داوود صرمی ..... ۵۴۱

ر- ..... ۵۴۱

اشاره ..... ۵۴۱

۶۱- رباح بن عبیده ..... ۵۴۱

۶۲- ربیعۃ بن ابی عبد الرحمن ..... ۵۴۲

۶۳- ربیعۃ بن عثمان ..... ۵۴۲

۶۴- رزین بن عبید ..... ۵۴۲

۶۵- رشید هجری ..... ۵۴۲

اشاره ..... ۵۴۲

در پیمان جاودانگی ..... ۵۴۳

ز- ..... ۵۴۴

اشاره ..... ۵۴۴

۶۶- زیاد بن سوقة ..... ۵۴۴

- ۵۴۵ ..... ۶۷- زید بن اسلم
- ۵۴۵ ..... ۶۸- زید بن حسن
- ۵۴۶ ..... ۶۹- زید بن علی
- ۵۴۶ ..... ۷۰- زید العمی
- ۵۴۶ ..... - س -
- ۵۴۶ ..... اشاره
- ۵۴۶ ..... ۷۱- سالم بن ابی الجعد
- ۵۴۷ ..... ۷۲- سالم بن ابی حفصه
- ۵۴۷ ..... ۷۳- سالم غلام عمر
- ۵۴۷ ..... ۷۴- سدیر بن حکیم
- ۵۴۸ ..... ۷۵- سری بن عبد الله
- ۵۴۸ ..... ۷۶- سعد بن حکیم
- ۵۴۸ ..... ۷۷- سعد بن ابی سعید
- ۵۴۸ ..... ۷۸- سعد بن طریف
- ۵۴۹ ..... ۷۹- سعید بن جبیر
- ۵۴۹ ..... اشاره
- ۵۴۹ ..... مقام علمی او
- ۵۴۹ ..... تقوا و شایستگی او
- ۵۴۹ ..... قیام سعید با ابن اشعث
- ۵۵۰ ..... شهادت سعید
- ۵۵۱ ..... ۸۰- سعید بن حارث
- ۵۵۱ ..... ۸۱- سعید بن عثمان
- ۵۵۱ ..... ۸۲- سعید بن مرجانه
- ۵۵۲ ..... ۸۳- سعید بن مرزبان

- ۵۵۲ ..... ۸۴- سعید بن مسیب
- ۵۵۲ ..... اشاره
- ۵۵۲ ..... مقام علمی او
- ۵۵۳ ..... سخنان حکیمانه
- ۵۵۳ ..... تعظیم امام
- ۵۵۳ ..... اختلاف در وثاقت سعید
- ۵۵۴ ..... ۸۵- سلام بن مستنیر
- ۵۵۴ ..... ۸۶- سلمه بن ثبیط
- ۵۵۴ ..... ۸۷- سلمه بن دینار
- ۵۵۵ ..... ۸۸- سلمه بن کهیل
- ۵۵۶ ..... ۸۹- سلیم بن قیس
- ۵۵۶ ..... ۹۰- سلمان بن ابی مغیره
- ۵۵۶ ..... ۹۱- سلیمان بن سلیمان
- ۵۵۷ ..... ۹۲- سماک بن حرب
- ۵۵۷ ..... - ش -
- ۵۵۷ ..... اشاره
- ۵۵۷ ..... ۹۳- شرحبیل بن سعد
- ۵۵۷ ..... ۹۴- شیبه بن نعمه
- ۵۵۷ ..... - ص -
- ۵۵۷ ..... اشاره
- ۵۵۸ ..... ۹۵- صالح بن ابی حسان
- ۵۵۸ ..... ۹۶- صالح بن خوان
- ۵۵۸ ..... ۹۷- صالح بن کیسان
- ۵۵۸ ..... ۹۸- صفوان بن سلیم



- ۵۵۹ ..... ۹۹- صهیب
- ۵۵۹ ..... ض -
- ۵۵۹ ..... اشاره
- ۵۵۹ ..... ۱۰۰- ضحاک بن عبد الله
- ۵۵۹ ..... ۱۰۱- ضحاک بن مزاحم
- ۵۵۹ ..... ط -
- ۵۶۰ ..... اشاره
- ۵۶۰ ..... ۱۰۲- طارق بن عبد الرحمن
- ۵۶۰ ..... ۱۰۳- طاووس بن کیسان
- ۵۶۰ ..... ۱۰۴- طلحه بن عمرو
- ۵۶۱ ..... ۱۰۵- طلحه بن نضر
- ۵۶۱ ..... ظ -
- ۵۶۱ ..... اشاره
- ۵۶۱ ..... ۱۰۶- ظالم بن عمرو
- ۵۶۲ ..... ع -
- ۵۶۲ ..... اشاره
- ۵۶۲ ..... ۱۰۷- عامر بن سمط
- ۵۶۳ ..... ۱۰۸- عامر بن وائله
- ۵۶۴ ..... ۱۰۹- عبد الغفار بن قاسم
- ۵۶۴ ..... ۱۱۰- عائذ احمسی
- ۵۶۴ ..... ۱۱۱- عباس بن عیسی
- ۵۶۴ ..... ۱۱۲- عبد الرحمن بن قصیر
- ۵۶۵ ..... ۱۱۳- عبد الله برقی
- ۵۶۵ ..... ۱۱۴- عبد الله بن ابی بکر

- ۱۱۵- عبد الله بن ابی ملیکه ..... ۵۶۵
- ۱۱۶- عبد الله بن جعفر ..... ۵۶۵
- ۱۱۷- عبد الله بن حارث ..... ۵۶۵
- ۱۱۸- عبد الله بن دینار ..... ۵۶۵
- ۱۱۹- عبد الله بن ذکوان ..... ۵۶۶
- ۱۲۰- عبد الله بن زبید ..... ۵۶۶
- ۱۲۱- عبد الله بن سعید ..... ۵۶۶
- ۱۲۲- عبد الله بن شبرمه ..... ۵۶۶
- ۱۲۳- عبد الله بن شریک ..... ۵۶۷
- ۱۲۴- عبد الله بن عطاء ..... ۵۶۷
- ۱۲۵- عبد الله بن علی ..... ۵۶۸
- ۱۲۶- عبد الله بن عبیده ..... ۵۶۸
- ۱۲۷- عبد الله بن مستورد ..... ۵۶۸
- ۱۲۸- عبد الله بن محمد ..... ۵۶۸
- ۱۲۹- عبد الله بن محمد جعفی ..... ۵۶۹
- ۱۳۰- عبد الله بن هرمز ..... ۵۶۹
- ۱۳۱- عبد المؤمن بن قاسم ..... ۵۶۹
- ۱۳۲- عبید الله بن ابی الجعد ..... ۵۶۹
- ۱۳۳- عبید الله بن ابی الوشیم ..... ۵۶۹
- ۱۳۴- عبید الله بن ابی الزحمن ..... ۵۷۰
- ۱۳۵- عبید الله بن مسلم ..... ۵۷۰
- ۱۳۶- عبید الله بن مغیره ..... ۵۷۰
- ۱۳۷- عقبه بن بشیر ..... ۵۷۰
- ۱۳۸- علی بن ثابت ..... ۵۷۰

۱۳۹- عمران بن میثم ..... ۵۷۱

۱۴۰- عیسی بن علی ..... ۵۷۱

- ف- ..... ۵۷۱

اشاره ..... ۵۷۱

۱۴۱- فرات بن احنف ..... ۵۷۱

۱۴۲- فرزدق ..... ۵۷۱

۱۴۳- فلیح بن ابی بکر ..... ۵۷۲

- ق- ..... ۵۷۲

اشاره ..... ۵۷۲

۱۴۴- قاسم بن عبد الرّحمن ..... ۵۷۲

۱۴۵- قاسم بن عوف ..... ۵۷۲

۱۴۶- قاسم بن محمد ..... ۵۷۳

- ک- ..... ۵۷۳

اشاره ..... ۵۷۳

۱۴۷- کنکر ..... ۵۷۳

۱۴۸- کیسان بن کلیب ..... ۵۷۴

- م- ..... ۵۷۴

اشاره ..... ۵۷۴

۱۴۹- مالک بن عطیه ..... ۵۷۵

۱۵۰- محمد بن جبیر ..... ۵۷۵

۱۵۱- محمد بن شهاب ..... ۵۷۵

اشاره ..... ۵۷۵

الف- ولادت زهری ..... ۵۷۵

ب- دوران رشد ..... ۵۷۶

- ج- مقام علمی زهری ..... ۵۷۶
- د- سخاوت زهری ..... ۵۷۶
- ه- پیوستن به بنی امیه ..... ۵۷۷
- و- با امام زین العابدین ..... ۵۷۷
- ز- غمزدایی امام از زهری ..... ۵۷۸
- ح- نامه امام به زهری ..... ۵۷۸
- ط- روایات زهری از امام (ع) ..... ۵۸۲
- ی- اتهام زهری به دشمنی اهل بیت (ع) ..... ۵۸۲
- ک- وفات زهری ..... ۵۸۳
- ۱۵۲- محمد بن علی ..... ۵۸۳
- ۱۵۳- محمد بن عمر ..... ۵۸۳
- ۱۵۴- محمد بن قیس ..... ۵۸۳
- ۱۵۵- مسلم بن علی ..... ۵۸۴
- ۱۵۶- معروف بن خربوذ ..... ۵۸۴
- ۱۵۷- منذر ثوری ..... ۵۸۴
- ۱۵۸- منهال بن عمرو ..... ۵۸۴
- ۱۵۹- منهال بن عمر ..... ۵۸۵
- ۱۶۰- میمون بن ..... ۵۸۵
- ۱۶۱- میمون قَدّاح ..... ۵۸۵
- ی - ..... ۵۸۶
- اشاره ..... ۵۸۶
- ۱۶۲- یحیی بن امّ طویل ..... ۵۸۶
- اشاره ..... ۵۸۶
- کنیه‌ها ..... ۵۸۷

- ۵۸۷ ..... ۱۶۳- ابو مریم
- ۵۸۷ ..... اشاره
- ۵۸۷ ..... زنان
- ۵۸۷ ..... ۱۶۴- ام بَرّ
- ۵۸۷ ..... پادشاهان معاصر امام علیه السلام
- ۵۸۷ ..... اشاره
- ۵۸۸ ..... معاویه
- ۵۸۸ ..... اشاره
- ۵۸۸ ..... پدر و مادر معاویه
- ۵۸۹ ..... فتح مکه
- ۵۸۹ ..... خصوصیات روحی معاویه
- ۵۸۹ ..... اشاره
- ۵۸۹ ..... سنگدلی
- ۵۹۰ ..... خیانت
- ۵۹۰ ..... دروغگویی
- ۵۹۰ ..... پیمان شکنی معاویه
- ۵۹۱ ..... صفات انتسابی
- ۵۹۱ ..... حکومت دمشق
- ۵۹۲ ..... ایام حکومت معاویه
- ۵۹۲ ..... دور ساختن مسلمین از اهل بیت علیهم السلام
- ۵۹۳ ..... تصفیه شیعه
- ۵۹۳ ..... استانداران و کارگزاران معاویه
- ۵۹۴ ..... حکومت یزید را بر مردم تحمیل کرد
- ۵۹۴ ..... بعضی از خصوصیات معاویه

- ۵۹۴ ..... اشاره
- ۵۹۴ ..... ۱- ابن عباس
- ۵۹۴ ..... ۲- صعصعه بن صوحان
- ۵۹۵ ..... ۳- مغیره بن شعبه
- ۵۹۵ ..... ۴- سمره بن جندب
- ۵۹۵ ..... حکومت یزید
- ۵۹۶ ..... حکومت معاویه بن یزید
- ۵۹۷ ..... مروان بن حکم
- ۵۹۷ ..... اشاره
- ۵۹۹ ..... پنهان شدن شیعیان
- ۵۹۹ ..... ناسزاگویی به امیر المؤمنین
- ۶۰۰ ..... مجعولات
- ۶۰۱ ..... فوت مروان
- ۶۰۱ ..... عبد الملک بن مروان
- ۶۰۱ ..... اشاره
- ۶۰۲ ..... استانداری حجاج
- ۶۰۲ ..... اشاره
- ۶۰۲ ..... خونریزی حجاج
- ۶۰۳ ..... توهین به پیامبر
- ۶۰۳ ..... دشمنی حجاج با اهل بیت
- ۶۰۵ ..... خراب کردن کعبه
- ۶۰۵ ..... بازگرداندن حجر الأسود
- ۶۰۶ ..... زندانها
- ۶۰۶ ..... هلاکت حجاج

- ۶۰۷ ..... ظلم استانداران به مردم
- ۶۰۸ ..... امام و عبد الملک
- ۶۰۸ ..... عبد الملک شمشیر پیامبر را مطالبه می کند
- ۶۰۸ ..... اعتراض عبد الملک به امام
- ۶۰۹ ..... نامه امام به عبد الملک
- ۶۱۰ ..... دستگیری امام
- ۶۱۱ ..... هلاکت عبد الملک
- ۶۱۲ ..... ولید بن عبد الملک
- ۶۱۲ ..... اشاره
- ۶۱۳ ..... موضع امام
- ۶۱۳ ..... دعای امام برای مرزبانان
- ۶۱۸ ..... عصر امام علیه السلام
- ۶۱۸ ..... اشاره
- ۶۱۸ ..... زندگی سیاسی
- ۶۱۹ ..... طبیعت حکومت اموی
- ۶۱۹ ..... اشاره
- ۶۱۹ ..... استبداد
- ۶۱۹ ..... قدرت‌نمایی
- ۶۲۰ ..... از بین بردن آزادیهای مردم
- ۶۲۰ ..... نابود ساختن اسلام
- ۶۲۱ ..... انتشار ظلم و جور
- ۶۲۱ ..... سیاست ایجاد تفرقه و اختلاف
- ۶۲۱ ..... نهضت‌های داخلی
- ۶۲۱ ..... اشاره

- ۶۲۲ ..... نهضت امام حسین علیه السلام
- ۶۲۲ ..... انقلاب مدینه
- ۶۲۲ ..... عوامل نهضت
- ۶۲۴ ..... برکناری حاکم مدینه
- ۶۲۴ ..... پناهندگی مروان به امام
- ۶۲۴ ..... مأموریت مسلم بن عقبه برای جنگ
- ۶۲۵ ..... حرکت سپاه برای جنگ
- ۶۲۶ ..... محاصره مدینه
- ۶۲۶ ..... ورود به مدینه
- ۶۲۶ ..... جنایات و زشتیها
- ۶۲۷ ..... امام با مسلم بن عقبه
- ۶۲۸ ..... سرها در برابر یزید
- ۶۲۹ ..... انقلاب توأبین
- ۶۲۹ ..... اشاره
- ۶۳۰ ..... نخستین گردهمایی توأبین
- ۶۳۰ ..... قطعهنامه کنگره
- ۶۳۰ ..... اظهار جنبش
- ۶۳۱ ..... توأبین در عین الورد
- ۶۳۴ ..... جنبش مختار
- ۶۳۴ ..... اشاره
- ۶۳۵ ..... مقام مختار در نزد ائمه (ع)
- ۶۳۶ ..... تهمتهای ناروا
- ۶۳۷ ..... جنبش بزرگ مختار
- ۶۳۸ ..... هدفهای نهضت



- ۶۳۹ ..... اشاعه ترس و وحشت
- ۶۳۹ ..... براندازی عمومی
- ۶۴۱ ..... قتل طاغوت ابن زیاد
- ۶۴۴ ..... قیام ابن زبیر
- ۶۴۴ ..... اشاره
- ۶۴۵ ..... دشمنی او نسبت به علویان
- ۶۴۵ ..... دستگیری علویان
- ۶۴۷ ..... سقوط حکومت ابن زبیر
- ۶۴۷ ..... حیات اقتصادی
- ۶۴۸ ..... خوشگذرانی امویان
- ۶۴۸ ..... اشاره
- ۶۴۹ ..... بخشش به شعرا
- ۶۵۰ ..... بخشش به آوازه‌خوانان
- ۶۵۰ ..... هوسرانی
- ۶۵۰ ..... آوازه‌خوانی
- ۶۵۱ ..... مجالس غنا و رقص
- ۶۵۲ ..... مردم مدینه تحت تأثیر غنا قرار گرفتند
- ۶۵۲ ..... زنان آوازه‌خوان در مدینه
- ۶۵۳ ..... هرزه‌گرایی امویان
- ۶۵۴ ..... موضع امام
- ۶۵۴ ..... حیات علمی
- ۶۵۴ ..... مدرسه تابعین
- ۶۵۵ ..... حیات ادبی
- ۶۵۷ ..... به بهشت برین

- ۶۵۷ ..... اشاره
- ۶۵۷ ..... به بهشت برین
- ۶۵۷ ..... زهر دادن به امام
- ۶۵۸ ..... تصریح بر امامت امام باقر
- ۶۵۹ ..... وصایای امام به پسرش باقر العلوم
- ۶۵۹ ..... به سوی بهشت جاویدان
- ۶۶۰ ..... تجهیز پیکر امام
- ۶۶۱ ..... در آخرین اقامتگاه
- ۶۶۱ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: قرشی، باقر شریف، - ۱۹۲۶

عنوان و نام پدید آور: تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام / تالیف باقر شریف قرشی؛ ترجمه محمدرضا عطائی  
مشخصات نشر: [مشهد]: کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۲.

مشخصات ظاهری: ج ۲

فروست: (کنگره جهانی حضرت رضا(ع)؛ ۴۸، ۴۷)

شابک: بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛ بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛  
بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛ بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: عنوان اصلی: حیاه الامام زین العابدین: دراسه و تحلیل.

یادداشت: کتابنامه

موضوع: علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۹۴ - ۳۸ ق. -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: عطائی، محمدرضا، مترجم

شناسه افزوده: کنگره جهانی حضرت رضا(ع)

رده بندی کنگره: BP۴۳/ق۴ح ۹۰۴۱ ۱۳۷۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۶۴۸۱

### جلد اول

### پیشگفتار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عبد السلام بن صالح الهروی قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: رحم الله عبداً أحیی أمرنا، فقلت له: كيف يحيي أمرکم؟ قال:

يتعلم علمونا و يعلمها الناس، فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا.

مسند الامام الرضا عليه السلام دوران زندگانی امام سجاد علیه السلام از ادوار شگفت تاریخ تشیع و به لحاظ نهضت‌های شیعی و نمودارهای مجاهدت و تلاش توانفرسای آن حضرت و یارانش، یکی از پربرترین، تنبه آفرین‌ترین و عبرت‌انگیزترین دوران تاریخ تشیع به شمار می‌رود.

کتاب گرانقدر علامه آقای باقر شریف قرشی، اطلاعات گسترده و سودمندی از دوران امامت و ابعاد مختلف زندگانی آن حضرت در اختیار ما می‌نهد.

در جلد اول این کتاب، ابعاد عظیم شخصیت علی بن الحسین (ع) و امامت آن بزرگوار، همگامی آن حضرت در قیام مقدس و خونین حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) و جلوه‌های زیبای عبادت آن بزرگوار بررسی شده است و در جلد دوم از علم امام (ع)، مواعظ و حکمت‌های دربارش سخن رفته است در این جلد در ذیل عنوان مؤلفات امام (ع) به تفصیل از صحیفه سجادیه، مناجات خمس عشر، رساله الحقوق و از آنچه در منابع به عنوان: «کتاب علی بن الحسین» آمده است بحث شده و محتوای این مجموعه و ابعاد زندگی ساز معارف اسلامی در آنها آورده عنوان شده است.

تحلیلی از زندگانی سیاسی امام (ع) و حاکمان زمان امام سجاد (ع) و نیز چگونگی موضع امام در مقابل حاکمان و حوادث روزگار از دیگر مباحث مفید کتاب است گزارشی از اصحاب و راویان امام نیز در این جلد آمده است.

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام به منظور استفاده عموم از این کتاب گرانقدر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶

ترجمه آن را به دانشمند محترم آقای محمد رضا عطائی پیشنهاد کرد و نامبرده به انجام این مهم همت گماشت و ترجمه این اثر نفیس را به عهده گرفت خوشوقتیم که این کتاب هم اکنون در اختیار دوستان اهل بیت (ع) قرار می‌گیرد. برای نویسنده محترم و مترجم ارجمند آن سعادت و توفیق روزافزون آرزومندیم.

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷

### مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الهی احمدک و انت للحمد اهل، و الصیلة علی محمد نبیک الذی منتت علینا به دون الامم الماضیه، امینک علی وحیک، امام الزحمة و علی آله ائمة الهدی و قادة اهل التقی.

الهی و انطقنی بالهدی و ألهمنی التقوی و وفقنی للتی هی ازکی و استعملنی بما هو ارضی. (۱)

نگرش به تعالیم پیشوایان عظیم الشان اسلام این نکته را به خوبی روشن می‌سازد که برای آنها هیچ هدفی جز ذات مقدس پروردگار و هیچ مقصدی جز رسیدن به بارگاه مقدس او وجود نداشته است، در نظر آن ذوات مقدسه، توحید نه تنها اولین قدم بلکه آخرین قدم نیز هست. مروری در تعلیمات عالیه و زندگانی عملی آنان به روشنی نشان می‌دهد که آنان در تمام مراحل زندگی چشم دل به سوی درگاه خدا داشتند و هر عمل و حرکتی که از آنها سر می‌زد صرفاً به قصد تقرب به خدا و خشنودی او بوده است، رسیدن به درگاه الهی غایه القصوایی بوده است که تمام فعالیتها و حرکات آنها را جهت داده و وحدت می‌بخشیده است و زبان حال و مقال یکایک آنان این بود:

... إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

(۱) صحیفه سجادیه / دعای بیستم.

(۲) انعام / ۱۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸

... نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

آنان که مثل اعلای بندگی و کمالاتند، چنان مجذوب حق بودند و آن چنان در یاد خدا و انس با او که هیچ چیز نمی‌توانست آنان

را از این حضور با زدارد و توجهشان را به خود معطوف سازد و در مقام انقطاع الی الله هیچ علاقه‌ای که معارض با حب الهی باشد در وجود آنان نبود و این درخواست قلبی ایشان بود، چنان که امیر المؤمنین علیه السلام در مناجات شعبانیه، چنین انقطاع کاملی را از درگاه خدا مسألت داشت و عرض می‌کرد:

«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.»

«خدایا! کمال انقطاع به سوی خودت را به من عطا کن.»

امام سجاد علیه السلام نیز همانند سایر پیشوایان آسمانی، تنها دل در گرو یک محبت قدسی ملکوتی نهاده و از همه چیز به خاطر رسیدن به آن در گذشته، و آن حب الهی است، موج عشق و محبت الهی را در تمام سخنان و مناجاتهایش که حاصل غایت مراتب معرفت به ذات مقدس پروردگار است، می‌توان مشاهده کرد. در مناجات الذاکرین عرض می‌کند:

«و استغفرک من کلّ لذّه بغیر لذّه ذکرک.»

«از هر لذتی جز لذت یاد تو، آمرزش می‌طلبم.»

نگاهی به مناجاتهای امام علیه السلام در صحیفه سجادیه، بیانگر این مطلب است که چگونه توجه و اعتماد به خدا و تلاش برای تحصیل رضا و خشنودی او در تمام مراحل و در کلیه احوال هدف والایی بوده است که لحظه‌ای مورد غفلت و فراموشی واقع نمی‌شده است، در دعای سیزدهم صحیفه عرض می‌کند:

«اللهم انّی اخلصت بانقطاعی الیک و اقبلت بکلیّ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹

علیک ...»

«خدایا! من با بریدن از غیر و پیوستنم به تو دل را پیراسته‌ام و سراپا به سوی تو رو آورده‌ام ...»

او یاد خدا را آبرو و شرف و عزت خود می‌داند و مانند جدش علی علیه السلام که می‌گفت:

«الهی کفی بی عزّا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربّا.»

«پروردگارا! این عزت مرا بس که بنده تو باشم، و این افتخار برایم کافی است که تو پروردگار منی!» او نیز در دعای بیست و هفتم صحیفه می‌گوید:

«یا من ذکره شرف للذاکرین و یا من شکره فوز للشاکرین ...»

«ای خدایی که یادت مایه آبروی یاد کنندگان و شکرستگاری شاکران است ...»

اولین و آخرین سخن آن حضرت مانند همه ائمه اهل بیت علیهم السلام ذکر خدا بود، چنان که در دعوات راوندی آمده است که آن بزرگوار در وقت وفات عرض می‌کرد: «اللهم ارحمنی فانک کریم، اللهم ارحمنی فانک رحیم» و این کلمات را تکرار می‌کرد تا این که وفات یافت.

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایتهم.

اللهم اجعل هذا ذخرا لیوم فقری و فاقتی مشهد مقدس اول جمادی الثانی ۱۴۱۳ محمد رضا عطائی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱

(۱)

## تقدیم

به قلب امت اسلام و پیشاهنگ کرامت و آگاهی ایشان، به سرور آزادگان و سالار شهیدان امت حسین علیه السلام، با نهایت خضوع

و احترام، این مقدار بررسی از زندگانی فرزندش امام زین العابدین علیه السلام را که فضایل و علوم او تمام دنیا را پر کرده است، به پیشگاه رفیعش تقدیم می‌دارم بدان امید که بر من منت بگذارد و به لطف و رحمتش از من بپذیرد تا ذخیره عالم آخرت و روز حضور در پیشگاه آفریدگارم قرار گیرد.

مؤلف

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲

### مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
«۱» خداوند متعال، آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. بعضی از آنان فرزندان بعضی هستند، خداوند به گفتار و احوال همگان شنوا و داناست.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا «۲» همانا اراده خداوند چنین تعلق گرفته است که هر نوع آرایش را از شما خاندان نبوت بر طرف کند و شما را از هر عیب و نقص منزّه گرداند.  
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ «۳» بگو ای پیامبر! از شما مردم مزد رسالت نمی‌خواهم مگر مودت و محبت در حق خویشاوندان (که این خود به نفع امت و لازمه هدایت آنهاست) و هر که کار نیکو انجام دهد ما بر نیکویش می‌افزاییم، خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.

(۱) آل عمران / ۳۳-۳۴.

(۲) احزاب / ۳۳.

(۳) شوری / ۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳

۱- (۱) در تاریخ مشرق زمین که مهد نبوتهاست کسی در ورع و تقوا و توجه عمیق به پروردگار، در مقام امام زین العابدین علیه السلام نیست مگر پدران بزرگوارش که زندگی معنوی بشر را با نور توحید و ایمان راستین روشنی بخشیدند.  
براستی که سرگذشت این امام بزرگوار، تاریخ زندگانی انبیا و مرسلین را به خاطر می‌آورد و از هر جهت همانند آنهاست، زیرا که او در زهد و تقوا و توجهش به خدا همچون حضرت مسیح عیسی بن مریم و در گرفتاری و صبر و تحملش نظیر حضرت ایوب و در عزم راستین و اخلاق و الایش همانند رسول خدا محمد- صلی الله علیه و آله- است.  
صفات نیک و برجستگیهای معنوی و روحی او بی‌شمار است و همین قدر در عظمت او بس که در تاریخ دنیا او تنها به زین العابدین معروف گشته و جز او کسی زیننده این لقب نبوده است.

۲- (۲) امام زین العابدین علیه السلام همچون برازنده‌ترین شخصیت سیاسی که تاریخ سراغ داشته در صحنه زندگی جامعه اسلامی ظاهر شد، با وجود این که در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴

قید بیماری و اسارت امویان بود، توانست با مهارت فوق العاده‌ای اهداف انقلاب بزرگی را که پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام- آن رهبر آسمانی برای حرکت پیروزمندانه اسلامی- به وجود آورده بود، همه جا منتشر کند و با روشی روشن که بسیار حساب شده و اصیل و ابتکاری بود ارزشهای اصیل این قیام را روشن سازد.

براستی که این امام بزرگ به روشن کردن افکار عمومی و زدودن آثار تخدیر اجتماعی اقدام نمود که امت اسلامی در روزگار سیاه حکومت اموی گرفتار آن بود، حکومتی که مصمم بود تا هر نوع حرکت انقلابی را در جهان اسلام فلج کند و توانسته بود زندگی جامعه اسلامی را به زندگی مردمی سست و از هم پاشیده و بی‌روح و بی‌احساس مبدل سازد، اما در حقیقت این امام بزرگوار بود که انفجار عظیمی را در کاخهای سیاست اموی به وجود آورد تا پیروزی خیالی آنها را در هم ریخت و آثار خودبینی و جبروت ایشان را به باد داد و حیات و شادابی اسلام را دوباره بازگردانید.

امام علیه السلام تمام این پیروزیهای درخشان را با سخنرانیهای پرشور و بلند خود جامه عمل پوشاند؛ خطبه‌هایی که در کوفه، دمشق و مدینه در برابر انبوه جمعیتها ایراد کرد، اثر شگرفی در بیداری و آزاد کردن امت از دست عوامل وحشت و هراس داشت.

۳- (۱) امام زین العابدین علیه السلام از جمله نیرومندترین عوامل بقا و جاودانگی نهضت حسینی و ارتباط آن با عواطف و احساسات جامعه بوده است، به دلیل موضعگیریهای عجیبی که تاریخ نظیر آنها را در دنیای شجاعت و حماسه‌ها سراغ ندارد و از جمله، وقتی که آن حضرت را در حال اسارت نزد پسر مرجانه- که پلیدترین دژخیم روی زمین بود- بردند، امام علیه السلام او را تحقیر کرد و جرم و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵

جنایت بزرگی را که مرتکب شده بود به رخ او کشید، آن طاغوت، متقابلاً حضرت را به قتل تهدید کرد، اما امام علیه السلام به تهدید او اعتنایی نکرده با منطق رسای خود همچون تیری قلب او را هدف گرفت. براستی که سخن امام علیه السلام انعکاس عجیبی در دولتمردان و توده‌های مردم داشت و همواره اشعه تابناک آثار نهضت حسینی و امواج آن را در سراسر زمان و طول تاریخ می‌گسترده.

اما خطابه امام علیه السلام در کاخ یزید، از ارزشمندترین ودایع سیاسی اسلام است و من خطابه سیاسی به این بلاغت و با این همه تأثیر در بیداری توده‌ها و توجه افکار عمومی سراغ ندارم، براستی تمام روزنه‌ها را برای دفاع یزید و بی‌گناه جلوه دادن آن ملعون در کشتن سرور جوانان اهل بهشت و تار و مار کردن خاندان پیامبر (ص)، بروی او بست و همه مردم- پس از این سخنرانی- با تعجب و شگفتی از خطابه امام سخن می‌گفتند که خود یکی از ثمرات نهضت حسینی و صفحه‌ای از صفحات درخشان آن بود.

۴- (۱) از جمله مظاهری که امام سجاد بدان وسیله نهضت حسینی را جاودانه ساخت، گریه‌های فراوان آن حضرت بر مصائبی بود که در روز عاشورا بر پدر و خاندان و یاران آن امام رسید؛ در نتیجه امام علیه السلام، شادمانی و سرور را پیوسته بر خود حرام کرد و از تأثر و اندوه گداخته شد و یکی از پنج تن گریه‌کنندگان شد «۱» که در طول تاریخ، ضرب المثل غم و اندوه و سوگواری

(۱) ابن بابویه به سند معتبر این روایت را نقل کرده است که بکائین پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه زهرا و علی بن الحسین علیهم السلام؛ آدم در مفارقت بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف نیز در مفارقت پدر و فاطمه زهرا (ع) پس از وفات رسول خدا (ص)، آن قدر گریست که مردم مدینه از گریه او به تنگ آمدند و امام علی بن الحسین (ع) بیست سال- و به قولی بیشتر- بر مصیبت پدر بزرگوارش گریه کرد- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶

بودند.

من گمان می‌کنم که زیاد گریستن آن حضرت، نه از آن جهت بود که گرفتار شداید و مصائب طاقت‌فرسایی شد که در کربلا بر سر آن حضرت آمد، بلکه به خاطر جاودانه ساختن نهضت پدر بزرگوارش بود که آن هم به خاطر آزادسازی انسان از زیر ظلم و بردگی و طغیان صورت گرفت. براستی که گریه امام علیه السلام بر پدر بزرگوارش، سوز و گدازی در دل مسلمین ایجاد کرد و

شاید همین پدیده یکی از عواملی بوده است که توده‌های مسلمان را به پایان دادن به حکومت ننگین اموی وادار کرد، نخستین جرقه از مدینه برخاست و فرزندان صحابه، قیام مسلحانه خود را در برابر حکومت یزید- که ارزشها و مقدرات امت اسلامی را به بازیچه گرفته بود- اعلان کردند.

۵- (۱) امام بزرگوار حضرت زین العابدین علیه السلام پس از حادثه کربلا، توجه خاصی به علم و دانش مبذول کرد، زیرا که آن را بهترین وسیله انجام رسالت اصلاحی خود یافت، همان گونه که آن را بهترین ضامن آسایش روحی خود- که حوادث کربلا آن را خرد کرده بود- می‌دانست. فرزندان اصحاب و دانشمندان و فقها از هر سو برای استفاده از زلال دانش آن حضرت به خدمتش شتافتند و همگی به برخورداری از علوم و معارف آن بزرگوار پرداختند تا این که در جهان اسلام شاخصهای علم و ادب شدند که ما در این کتاب شمه‌ای از شرح حال ایشان را بازگو خواهیم کرد.

امام علیه السلام با انواع علوم و معارفی که از پدران بزرگوار خود آموخته بود به روشنگری افکار مردم عرب و مسلمان پرداخت و مردم مسلمان را بر توجه به دانشجویی تشویق فرمود و دانشجویان را گرمی داشت و عالمان را حرمت نهاد تا تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷:

این که به برکت آن حضرت درخت پربرکت علمی که جدش رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- غرس فرموده بود، بالیدن گرفت و مردم، با شور و هیجان به دنبال علم و دانش رفتند، و بحق آن بزرگوار از برجسته‌ترین چهره‌های مؤسس علم و فرهنگ در جهان اسلام است.

۶- (۱) اما سرمایه‌های فکری و علمی که از امام زین العابدین به جا مانده است که بحق نمونه ابداع و ترقی و تکامل است و به علمی خاص منحصر نیست بلکه بر بسیاری از علوم، از قبیل: فقه، تفسیر، کلام، فلسفه و علوم تربیتی و اجتماعی مشتمل است و در آن میان به علم اخلاق توجه خاصی مبذول فرموده و فوق العاده اهمیت داده است، و این توجه خاص از آن جهت است که آن حضرت تباهی اخلاق اسلامی و دور افتادن مردم را از دینشان از دست حکومت جابر اموی می‌دید که دارند تمام ارزشهای اخلاقی را نابود می‌کنند، این بود که به اصلاح جامعه و تهذیب اخلاق اجتماعی پرداخت، و شیعه معتقد است: موقعی که مردم به پیروی از پادشاهان خود تسلیم شهوات و هواهای نفس خود بودند، امام علیه السلام به وسیله فضایل اخلاقی و کرامات برجسته خود، نفوس بیمار را شروع به معالجه نمود «۱».

براستی که امام علیه السلام از لحاظ موضوعی و همه جانبه، به امور تربیتی و اخلاقی مردم پرداخت که بحثهای مربوط به این بخش از ارزشمندترین مباحث اسلامی و در نوع خود از همه ظریف تر است.

(۱) نظریه الامامیه: ۳۵۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸:

۷- (۱) شاید بهترین سرمایه‌های به جا مانده از امام علیه السلام، بلکه مهمتر و مؤثرتر از همه در رشد فکری جامعه اسلامی، دعا‌های گرانقدری باشد که به صحیفه سجادیه معروف است و دانشمندان گاهی آن را زبور آل محمد (ص) و گاهی انجیل آل محمد (ص) می‌نامند و پس از قرآن کریم و نهج البلاغه در درجه دوم اهمیت می‌دانند و بحق برنامه کامل زندگی عالی اسلامی است و تمام اینها به خاطر اشتمال آن بر آثار اخلاقی و قواعد اجتماعی آن می‌باشد. و شایان ذکر است که صحیفه سجادیه در بین طبقات مختلف علمی شیعه از مقام قابل توجهی برخوردار است، از این رو به مطالعه و بررسی و شرح آن پرداخته‌اند و تاکنون بیش از شصت و پنج شرح بر آن نوشته‌اند «۱». همچنین از جمله دلایل اهمیت دادن دانشمندان به این کتاب شریف، آن است که امام علیه السلام نسخه‌های زیادی از آن را با خطوط زیبا نوشته‌اند که خود از نفیستین خطوط عربی به شمار می‌رود. همان گونه که



بعضی از این نسخه‌ها را با تزئینات گرانبهایی تزئین کرده‌اند که در میان خطوط عربی از نفیستین ذخایر به شمار می‌آیند. ۸- (۲) بار دیگر، بر سر سخن از صحیفه سجادیه بر می‌گردیم و می‌گوییم: اهمیت این کتاب شریف منحصر به جهان عرب و اسلام نیست، بلکه به جهان غرب نیز رسیده و به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسوی نیز ترجمه شده و دانشمندان آنها نیز به مطالعه و دقت در مطالب آن پرداخته و گنجی از گنجهای اندیشه و دانش را

(۱) الذریعة الی تصانیف الشیعة.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹

در آن یافته‌اند همان طوری که آن را به گونه منبع سرشاری دیده‌اند که تربیت و تهذیب نفوس را به وسیله فضایل اخلاقی افاضه می‌کند. برآستی که این کتاب علاوه بر ذخایر اندیشه بشری، سرمایه‌ای است بی‌پایان و هرگز نمی‌توان برای آن بهائی قائل شد و مشتمل است بر انواع مسائل آموزش عالی که نظیر آنها در کتابهای دینی و اخلاقی اندک است، چنان که این کتاب، راجع به تحقیقات و بررسیهای ما نسبت به شخصیت امام علیه السلام نیز از مهمترین منابع و مآخذ می‌باشد.

۹- (۱) اما صفات برجسته و عناصر روحی امام زین العابدین علیه السلام از جمله اموری است که عقلها را به حیرت واداشته و برای هر مسلمان، بلکه هر انسان معتقد به انسانیت، باعث سربلندی و افتخار است و انسان قلبا در برابر آن همه برازندگیها و ارزشهای والا سر تعظیم فرود می‌آورد.

برآستی این امام بزرگوار به تمام آداب نیکو و فضیلت و شرف آراسته بوده و از هر نوع خودخواهی مبرا، و از تمام پیرایه‌های زندگی و زرق و برق آن بدور بود، از درخشانترین و بیژگیهای وی توجه به خدا و پیوستن به او بوده است؛ قلب شریفش به نور یقین و ایمان راستین به خدا منور، و وجود نازنینش از امید و دل بستگی به رحمت خدا سرشار بود.. و از جمله چیزهایی که تمام مورخان در آن باره هم عقیده‌اند، این است که وی آنچه در توان داشت در راه عبادت و اطاعت خدا به کار برد و در این باره هر مشقتی را متحمل شد.

مردم کسی را در آن روزگار عابدتر و پرهیزگارتر از آن حضرت ندیدند، و به خاطر همین عبادت کثیرش بود که به سید الساجدین، زین العابدین و امام المتقین ملقب شد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰

- ۱۰ -

(۱) آن قدر عبادت کرد که دل اعضای خانواده‌اش به حال او سوخت و ترسیدند که آن بزرگوار دچار زحمت و مشقت گردد و مخفیانه به نزد صحابی بزرگ پیامبر - صلی الله علیه و آله - جناب جابر بن عبد الله انصاری که مورد توجه آن حضرت بود، شتافتند و از او خواستند که از امام علیه السلام خواهش کند که خودش را آن قدر در راه عبادت به زحمت نیندازد، تا این که جابر با آن حضرت گفتگو کرد و صمیمانه از او درخواست نمود و از جمله عرض کرد: شما یادگار خاندان نبوت و بقیه الله روی زمین هستید و آن کسی که توسط او بلا و گرفتاری از مردم بر طرف می‌شود! با این همه امام علیه السلام به همان روش بر عبادت و ملازمت بر طاعت پروردگار، ادامه داد. جابر با تعجب و حیرت از آن حالات می‌گفت:

«کسی در میان اولاد انبیا علیهم السلام همچون علی بن الحسین علیهما السلام دیده نشده است!» برآستی که در میان اولاد پیامبران نظیر امام علی بن الحسین علیهما السلام در پارسایی و تقوا و توجه زیاد به خدای تعالی دیده نشده است.

۱۱- (۲) از صفات برجسته دیگری که امام علیه السلام بدان متصف بود، نیکی و احسان آن حضرت نسبت به بردگان و غلامان بود، که درباره ایشان محبت زیادی مبذول می‌داشت و از بالاترین آرمانهای امام علیه السلام در سراسر زندگیش آزادسازی غلامان

از قید بندگی و بردگی بود و تعداد زیادی از ایشان را نیز آزاد کرد و اگر فرصتی پیدا می‌کرد، برده‌ای را باقی نمی‌گذاشت و شاید عَلت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱

این عمل امام علیه السلام خاتمه دادن به بردگی و بهره‌کشی انسان از دیگر انسانها و آشنا کردن مسلمانها با حقیقت آیین بزرگشان بود که برای آزادی انسان و نجات دادن او از زیر بار ذلت و بردگی و رهاسازی جان و تن آدمیان از هر نوع اطاعت و فرمانبرداری دیگران، آمده است «۱».

- ۱۲- (۱) سزااست که بگویند: این امام و رهبر آسمانی بزرگوار، تنها رهبر گروه خاصی از مردم و فرقه معینی از فرقه‌های اسلامی نیست، بلکه امام و رهبر همه مردم در تمام زمانها با همه اختلافات فکری و گرایشها و عقاید مختلف است زیرا که آن بزرگوار- سلام الله علیه- نمونه ارزشهای والا- و کرامت انسانی بوده و تمام افتخارات آدمی از کمالات و آداب و اخلاق انسانی را تجسّم می‌بخشید.

به خاطر همین شخصیت والا- و اهمیت فوق العاده‌ای که در دل و جان مسلمین داشت، بسیاری از فرقه‌های اسلامی گفتند او از ماست از جمله معتزله که از جمله متخصّص‌ترین فرقه‌های اسلامی در مباحث کلامی هستند، با نهایت افتخار و مباحثات گفتند: آن بزرگوار از ماست! همچنان که صوفیه مدعی شدند آن حضرت یکی از بزرگان ایشان است و شرح حال او را در کتابهای مهم خود آورده‌اند «۲».

- ۱۳- (۲) مسلمانان، در سیره زندگی امام زین العابدین علیه السلام ارزشهای اسلام

(۱) طبقات معتزله: ۱۵-۱۶.

(۲) حلیة الاولیاء: ۳/ ۱۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲

را زنده و مجسم می‌دیدند و او را جلوه مداوم نور جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- می‌شمردند، زیرا که در تمام راه و روش و سیره زندگی پا به جای پای پیامبر نهاده بود، و با اخلاق والای خود دلها و عواطف مردم را قبضه کرده بود، کسی را جز او، شایسته رهبری روحی و مادی خود نمی‌دیدند. نسبت به پادشاهان اموی که هیچ فضیلتی از فضایل انسانی را نداشتند بی‌اعتنا بود، دلیل بر این مطلب داستانی است که در موسم حج در بیت الله الحرام اتفاق افتاد، موقعی که کاروانهای زیادی از تمام گوشه و کنار دنیا آمده بودند، امام علیه السلام به منظور طواف خانه کعبه در انظار نمایان شد گویی که پیامبر- صلی الله علیه و آله- تشریف آورده است، همگی آوای تهلیل و تکبیر برآوردند و به طرف آن حضرت هجوم آوردند به نحوی که بر حجر الأسود هجوم می‌برند، خوشبخت‌تر از همه کس، آن کس بود که جامه امام را لمس کند و یا دست آن حضرت را ببوسد و یا این که خاک زیر پای آن بزرگوار را برای تبرک بردارد، در صورتی که دشمن آن حضرت، هشام بن عبد الملک بزرگ خاندان اموی از جمله حاجیان آن سال بود، هیچ کس به او اعتنا نکرد و مردم شام با بی‌اعتنایی به او می‌پرسیدند که این مرد بزرگ که انبوه جمعیت این همه بدو احترام و تعظیم می‌کنند، کیست؟ آن طاغوت- با این که امام را خوب می‌شناخت- خود را به نادانی زد تا مبادا مردم شام او را تنها بگذارند، این بود که شاعر دربار اموی یعنی فرزدق شروع کرد به معرفی آن حضرت، و آن قصیده غزای جاودانه خود را که حکایت از آزاداندیشی و بیداردلی او دارد در حضور جمع، بیان کردن، به گونه‌ای که بیت الحرام را به بازار عکاظ «۱» مبدّل کرد و از همه اطراف مسجد آوای ستایش و آفرین و تقاضای تکرار

(۱) عکاظ، نام یکی از بازارهای زمان جاهلیت است، در محلی بین نخله و طایف به فاصله سه روز مسافت تا مکه قرار داشت و همه‌ساله مردم به مدّت بیست روز در ماه ذی‌قعدة الحرام در آنجا جمع می‌شدند و شعرا و سرایندگان قبایل مختلف عرب در آن مکان حضور می‌یافتند و اشعار تازه‌ای را که سروده بودند می‌خواندند و بهترین اشعار انتخاب می‌شد که معلقات سبع از جمله اشعار برگزیده آن دوران است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳

قصیده و دعای بر فرزدق بلند شد و هشام بشدتّ خشمگین گشت و رگهای گردنش پر شد! امویان بخوبی می‌دانستند که خود را بر این امت تحمیل کرده‌اند و لیاقت زمامداری ایشان را ندارند بلکه با نیروی اسلحه بر آنان سلطنت می‌کنند و معدن حکومت و رهبری، امام علی بن الحسین علیهما السلام است، از این رو نسبت به آن حضرت کینه داشتند و ولید بن عبد الملک به این مطلب اقرار کرده، می‌گفت: «تا وقتی که علی بن الحسین در دنیا وجود دارد، من آسایش ندارم!» (۱) این بود که تصمیم گرفتند تا آن حضرت را از پای در آوردند، همان طوری که دیگر ائمه مسلمین و بزرگان اسلام را - که به عنوان یک خطر برای خود احساس می‌کردند - به شهادت رساندند.

۱۴ - (۱) در این بخش از بحثمان لازم است که «به بررسی دورانی بپردازیم که امام علیه السلام در آن روزگار رشد کرد، زیرا که بررسی آن عصر از اموری است که یک محقق از آن بی‌نیاز نیست، برای این که استقرار و یا عدم استقرار سیاسی را چنین بحثی تجسّم می‌بخشد، همچنان که از اوضاع اجتماعی با پیشرفته‌ها و نوآوریها و یا جمود و انحطاطش می‌تواند، تصویری بدهد. طبیعی است که بررسی و تحقیق از این پدیده در اطلاع و آگاهی از شئون مختلف شخصیتی دخالت مستقیمی دارد که مورد بحث و بررسی است.

اما به اعتقاد من عصر امام علیه السلام در طول تاریخ از بدترین دورانهای اسلامی است، زیرا که در آن دوران بسیاری از رویدادهای مهم اتفاق افتاد که مسلمانان گرفتار آنها شدند و برای ایشان غم و رنجهایی در پی داشت که از

(۱) حیاة امام باقر (از همین مؤلف): ۵۱ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴

بدترین و دشوارترین و مخوفترین آنها مصائب کربلا - بود که خود از فجع‌ترین قضایای عالم است، زیرا که در این جریان حرمت پیامبر - صلی الله علیه و آله - درباره اولاد و خاندانش در هم شکسته شد و به هیچ وجه حرمت آن بزرگوار رعایت نشد. براستی که امام علیه السلام شاهد مصیبتی شد که بالاتر از تمام مصائب بود، آن مصیبت بزرگی که در میان تمام غمهای دنیا جاودانه و ماندنی است، مصیبتی که هر دم بخشی از آن در طول زندگانی امام علیه السلام بر قلب امام وارد می‌شد و دل آن حضرت را می‌آزرد تا آن که دار دنیا را وداع گفت، و از جمله حوادث دردناکی که بر امام علیه السلام وارد شد، واقعه حرّه بود که حرمت پیامبر - صلی الله علیه و آله - در مدینه الرسول و مرکز دعوت آن حضرت درهم شکسته شد و مأموران یزید بن معاویه همه چیز را در آنجا بر خود مباح شمردند و هر جرم و جنایتی را که خداوند، حرام کرده بود، مرتکب شدند و تمام ارزشها و فضایل را از میان بردند ... علاوه بر آن، انقلاب توأبین و قیام سردار بزرگ مختار بن - ابو عبیده - یوسف ثقفی و دیگر نهضتها که ما در لابلائی این کتاب از آنها صحبت خواهیم کرد، همه اینها در امتداد نهضت سالار شهیدان امام حسین علیه السلام بود.

از جمله رویدادهای قابل توجه آن روزگار، قیام عبد الله بن زبیر بود که با انگیزه سیاسی به وجود آمد، و به اعتقاد من، قیام ابن زبیر هرگز برای آزادی ائمت و نجات جامعه از زیر بار ظلم و جور امویان نبود، بلکه وی قیام کرد تا سلطنت را از چنگ بنی امیه بیرون آورد و خود به حکومت و سلطنت برسد و از مزایای کشور پهناور و مقام سلطنت بهره‌مند شود و چنین کسی نمی‌تواند پایبند

مصالح امت و استقلال و کرامت آنان باشد.

۱۵- (۱) در عصر امام زین العابدین علیه السلام مشکل دیگری وجود داشته است و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵

آن برخورد گروه‌های سیاسی و به نابودی کشیدن یکدیگر با دستیاری به حکومت و رسیدن به قدرت بوده است، سراسر کشور گرفتار مصائب و شداید بود. بطور یقین، این گروه‌های سیاسی موجود در آن زمان به هیچ هدفی از اهداف امت اسلامی پایبند و در صدد چاره‌جویی هیچ قضیه‌ای از قضایای سرنوشت‌ساز نبوده‌اند و تنها به خاطر مطامع و مصالح مادی خود، تلاش می‌کردند ... و مهمتر از همه این احزاب، حزب اموی بود که دولت پشتیبانش بود و با تمام قدرت آن را تأیید می‌کرد و سران و طبقه مرفه در همه جا جزو این حزب بودند. و از جمله احزاب، حزب زبیری بود که بسیاری از مردم حجاز به آن پیوستند به این امید تلاش می‌کردند که پایتخت حکومت اسلامی به سود ایشان برگردد و آنها به تنهایی حکومت را به دست بگیرند ... و در بین این احزاب، حزب خوارج بود که حزبی آشوبگر بود و نسبت به این که حکومت در انحصار قبیله قریش باشد، کینه داشت، این حزب دچار جمود و انحطاط فکری بود و امور (اجتماعی و مذهبی) بر ایشان مشتبه شده و در وادیهای گمراهی مهلکی افتاده بودند، با این حال از روی حماقت و نادانی معتقد بودند، راهی که در پیش دارند حق است و از جمله نادانیهای آنان دشمنی با امام امیر المؤمنین، تنها رهبر حق و عدالت اجتماعی در روی زمین، بود و همچنین ریختن خون مسلمانانی را که با آنان همفکر نبودند، مباح می‌دانستند که ما در آینده، آنجا که از زندگانی سیاسی دوران امام علیه السلام سخن می‌گوییم درباره تمام این احزاب بحث خواهیم کرد.

۱۶- (۱) از جمله رویدادهای مهم عصر امام علیه السلام چیزی بود که حکومت اموی بر آن همت گمارده بود و آن واجب دانستن دشنام و ناسزاگویی بر امام امیر المؤمنین و عترت طاهره علیهم السلام بر روی منابر و مأذنه‌ها و خطبه‌های نماز جمعه بود و کینه و دشمنی با ایشان را جزئی از زندگی دینی مسلمانان قرار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶

دادن، به علاوه آواره کردن شیعیان اهل بیت علیهم السلام در هر کجا که بودند و بطور گسترده کشتن و سرکوب کردن ایشان، برآستی که شیعه در دوران بنی امیه سخت‌ترین امتحان را داد. و تمام اینها را امام زین العابدین علیه السلام می‌دید و می‌شنید در حالی که نمی‌توانست از ایشان جانبداری کند و از آن گرفتاریها نجات دهد، و این خود از دردناکترین و سخت‌ترین مصائب امام علیه السلام بود.

۱۷- (۱) ما ناگزیریم تصویر مشخصی از زندگانی پادشاهانی بدهیم که در عصر امام علیه السلام بر امت اسلامی حکومت می‌کردند، و همچنین لازم است اهداف سیاسی و فکری آنان و برخورد ایشان با امام علیه السلام را بیان کنیم که به عقیده من این مطالب از جمله متممات بحث و بررسی از شخصیت والای امام است.

البته وقتی که ما درباره این پادشاهان صحبت می‌کنیم، تعصب و موضعگیری خاصی نداریم، همان طوری که بی‌محابا درباره هیچ کدام از آنها قضاوت نمی‌کنیم، بلکه تنها و تنها اعمال فجیعی را که از ایشان سرزده، مطرح می‌کنیم، و کردارهای ناشایستی که مرتکب شدند و خود را در مقابل محکمه تاریخ قرار دادند، طبیعی است که صحیح جلوه دادن و توجیه نمودن اعمال ایشان، تخلف از منطق و مخالفت با ادله و براهین دور از حقیقت و انحراف از حق است.

۱۸- (۲) اما تحقیقات ما در این کتاب بر اساس موثقتترین منابع خطی و چاپی است که مجموعه دانشهای مورخان و راویان می‌باشد. و شایان ذکر است که در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷

بیشتر رویدادها و چهره‌هایی که ما ترسیم می‌کنیم به یک منبع بسنده نکرده‌ایم بلکه از مآخذ و منابع مختلف نقل می‌کنیم تا بیشتر

در دلها جا بگیرد و به مقصود مورد نظر بهتر دلالت کند.

براستی که در مورد مراجعه به کتابهای خطی و عکس برداری شده زحمت زیاد و رنج فراوانی را متحمل شدم تا توانستم این مباحث را به دست آورم و در پاورقیهای کتاب به کتابخانه‌های مربوطه اشاره کرده‌ام.

۱۹- (۱) من در پایان این مقدمه- به صورت قطعی و مسلم- اعلام می‌کنم که در این کتاب، علاوه بر مواردی که نمی‌دانستم و تتبع لازم را نکرده‌ام، جز مقدار بسیار اندکی از زندگانی این امام بزرگی را که دنیا را فضایل و علوم او پر کرده است، نیاورده‌ام، زیرا که من هیچ کتابی از کتابهای اخلاق، حدیث، تفسیر، فقه و دیگر علوم اسلامی را بررسی نکرده‌ام مگر این که سخنی زرّین و یا نظریه‌ای اصیل و یا حدیثی بسیار مفید را در آنجا یافتیم، بنا بر این کتاب- با همه وسعت و گستردگی- جز صفحه‌ای مختصر از صفحات زندگانی آن حضرت و یا اشاره‌ای کوتاه نسبت به برخی از آثار زندگی و شخصیت والای آن امام بزرگ نمی‌باشد.

البته این سخن و یا نظیر آن را در بیشتر مقدمات کتابهایی که درباره زندگانی ائمه طاهرین علیهم السلام نوشته‌ام، تکرار کرده‌ام و خدا می‌داند که از راه غلو در محبت ایشان و یا به انگیزه عاطفی وراثت از نیاکانم نیست که به ولای اهل بیت علیهم السلام دل بسته بودند، بلکه این سخن برخاسته از تحقیق و بررسی مجدّانه و تتبع دقیق زندگانی ایشان است. و آنچه مسلم است، هر کسی که شرح زندگی اهل بیت علیهم السلام را بخواند، به این مطلب ایمان راسخ پیدا می‌کند و هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهد که ائمه- سلام الله علیهم- تجسم بخش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸

زندگانی انبیا علیهم السلام با تمام تابندگی و عظمتش می‌باشند و آنان مثل اعلای کمالات عقلانی انسان و نمونه کامل همه ارزشها و آدابی هستند که باعث افتخار آدمی می‌باشد.

۲۰- (۱) ناگزیریم به این مطلب نیز اشاره کنیم که ما به انتشار این قبیل مباحث درباره زندگانی ائمه طاهرین علیهم السلام نیازمندیم زیرا که در روزگاری زندگی می‌کنیم که انسانیت در مردابی گندیده فرو افتاده، و در انتهای سراسیمگی و در تاریکی محض دست و پا می‌زند، از سنتهای عالم وجود منحرف شده و فطرت پاکی را که خداوند با آن فطرت از دست داده و با سرکشی، ظلم، شکنجه، دلهره و سرگردانی روبروست.

براستی بشریت با تمام اضطراب، سرگشتگی و پریشانی در بیابانهای خطرناک مادیت و جهنم سوزان جنگها و عطش جان و دلها به سر می‌برد و سخت به استنشاق نسیمهای حیات بخش از فضای هدایت عترت پاک پیامبر (ص) نیازمند است که آنانند نسیم رحمتهای الهی که وزیدن آنها را بر بندگان عنایت فرموده است و آنان چون جدشان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- می‌باشند که خداوند او را برای بشریت از مؤمن و غیر مؤمن، بطور یکسان، رحمت قرار داده است.

۲۱- (۲) اکنون که دارم این مقدمه را به پایان می‌برم، لازم می‌بینم به تلاش و کوشش خلاق برادرم جناب حجة الاسلام شیخ هادی شریف قرشی که در راه تألیف این کتاب به کار برده‌اند اشاره کنم براستی که زحمات زیادی در راه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹

مراجعه به کتابهای بزرگ و دیگر منابع متحمل شدند که مورد استفاده این جانب قرار گرفت، مضافاً بر توجهات ارزشمندی که در این بحثها مبذول داشتند و من- خدا می‌داند- که از اظهار تشکر لازم نسبت به این برادر بزرگوارم عاجزم لیکن پاداش او را به خدا وامی‌گذارم، زیرا او صاحب جزا و پاداش است و او را همچون بندگان خالص خود پاداش خواهد داد.

نجف اشرف- باقر شریف قرشی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱

## بانو، شاه زنان

## اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳

بانو، شاه زنان اینک ما در برابر بانوی بزرگواری از بزرگ بانوان اسلام که در عفت، شرافت و پاکیزگی سرآمد بود، قرار گرفته‌ایم. وی بانوی بزرگوار «شاه زنان» از دودمان شاهان، مادر امام زین العابدین علیه السلام است، این بانوی بزرگوار در عالم زن مسلمان، از جایگاه والایی برخوردار است زیرا که او از جمله بزرگ زنان عصر خود بلکه در طلیعه بزرگ بانوان مسلمان بوده است این بانو به صفات برجسته‌ای آراسته بوده که از آن میان:

(۲) الف- نسب پرفروغ آن مخدّره است که نواده کسری پادشاه دادگستر [!] است که پیامبر (ص) نیز، در مقام افتخار می‌گوید: «من در زمان پادشاه دادگستر، به دنیا آمدم» (۱).

(۱) مؤلف محترم، در اینجا تحت تأثیر شهرت کاذبی قرار گرفته و بر خلاف مشی تحلیل و تحقیقی خود این حدیث را آورده است. و تا آنجا که بنده تحقیق کردم، از مورخان مشهور عامه طبری این حدیث را مرسل نقل کرده و در بحار الانوار (ج ۱۵ / ۲۵۰) آمده است: «و ذکر الطبری انّ مولده (ص) کان لاثنتی و اربعین سنه من ملک انوشروان و هو الصحیح لقوله (ص): ولدت فی زمن الملك العادل انوشروان». و نیز در بحار الانوار (ج ۱۵ / ۲۵۴) از قصص الانبیای خطی نقل کرده است: «ولدت فی زمن الملك العادل» یعنی انوشروان بن قباد. امام راحل، رهبر کبیر انقلاب اسلامی- رضوان الله تعالی علیه- در ضمن بیانات خود در تاریخ ۴ / ۸ / ۵۷ می‌فرماید: «... این که می‌گویند «انوشیروان عادل» این از اساطیر است. یک مرد ظالم سفاکی بوده است، منتهی شاید پیش سلاطین دیگر وقتی گذاشتند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴

ب- این بانو همسر سرور آزادگان و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است.

ج- وی مادر امام زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام است.

د- مادر بزرگ ائمه طاهرین علیهم السلام است، امامانی که از نسل امام زین العابدین می‌باشند.

ه- وسیله ارتباط مقدس بین عرب و فارس است. آری این جهات، شرف و بزرگی بیشتری بر شرافت و عظمت ذاتی وی افزوده است.

(۱)

## صفات روحی

اما در میان صفات روحی این بانو برجسته‌تر از همه: عفت، پاکی، کمال و آداب بلند و تیزهوشی اوست. به خاطر همین ویژگیهای فراوان و خصال نیکو و صفات کریمه او بود که امام امیر المؤمنین علیه السلام به تزویج آن بزرگوار با فرزندش امام حسین علیه السلام اقدام فرمود، همچنان که به او نظر لطف و احسان داشت ...

در اینجا بطور مختصر به برخی از حالات این بانو- تا آنجا که منابع موجود تصریح دارند- اشاره می‌کنیم:

به او گفتند عادل! و الا کجایش انوشروان عادل بوده است؟! (صحیفه نور: ۲ / ۲۱۴). و نیز روز میلاد پیامبر (ص) در تاریخ ۹ / ۹ / ۶۴

می‌فرماید: «... انوشیروان به خلاف آن چیزهایی که به واسطه شعرا، و به واسطه درباری‌های آن وقت و موبدان (آخوندهای) درباری آن وقت درست کردند، یکی از ظالم‌های ساسانیان و دنبال او یک حدیثی هم جعل شده است و به حضرت رسول (ص) نسبت داده شده است، که من متولد شدم در عهد سلطان عادل انوشیروان! این اولاً سند ندارد و مرسل است و ثانیاً کسانی که اهل تفتیش در امور هستند تکذیب کرده‌اند، معلوم است که یک دروغی است که بسته‌اند. انوشیروان ظالم باید گفت، نه عادل...» - نقل از صحیفه نور: ۱۹/۲۴۷-م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵  
(۱)

## روایات مربوط به زمان ازدواج

### اشاره

روایات درباره زمانی که مادر امام سجاد علیه السلام با امام حسین علیه السلام ازدواج کرد اختلاف دارند و این روایات به شرح ذیل می‌باشند:

(۲)

### الف - در زمان عمر

کلینی به سند خود از امام ابو جعفر باقر علیه السلام نقل کرده، می‌فرماید: «وقتی که دختر یزدگرد نزد عمر آمد، دختران مدینه از او شرف گرفتند. و مسجد به نور او درخشیدن گرفت، وقتی که عمر به سمت او نگریست او صورتش را پوشاند و گفت: روز هرمز سیاه باد که دخترانش چنین اسیر شدند! عمر [به تصور این که او را ناسزا می‌گوید] گفت: این زن مرا دشنام می‌دهد؟ خواست او را تنبیه کند که امیر المؤمنین علیه السلام به عمر فرمود: تو حق نداری چنین رفتار کنی! او را آزاد بگذار تا هر کسی از مسلمین را که می‌خواهد انتخاب کند و از سهم او حساب کن، عمر او را آزاد گذاشت و او آمد دست روی سر امام حسین علیه السلام گذاشت» (۱).

قریب به این روایت، مطلبی است که بعضی از مورّخین نقل کرده‌اند:

یزدگرد دو دختر داشت که هر دو در زمان عمر اسیر شدند، امام امیر المؤمنین آن دو را گرفت یکی را به پسرش امام حسین علیه السلام داد و از او امام زین العابدین علیه السلام به دنیا آمد و دیگری را به محمد بن ابی بکر داد که از او، قاسم متولد شد (۲). ابن خلکان نیز همین طور نقل کرده است با این تفاوت که او اضافه

(۱) اصول کافی: ۱/۴۶۷، دلائل الامامه: ۳۷۰.

(۲) شذرات الذهب: ۱/۱۰۴، نزهة المجالس: ۲/۱۹۲ و زهرة المقول: ۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶

می‌کند: آنها سه خواهر بودند و سومی را به عبد الله بن عمر داد (۱).

### ب - در زمان عثمان

شیخ صدوق روایت کرده است وقتی که عبد الله بن عامر در زمان عثمان خراسان را فتح کرد، دو دختر یزدگرد به دست او افتادند و آنها را نزد عثمان فرستاد عثمان، یکی از آنها را به حسن علیه السلام و دیگری را به حسین علیه السلام بخشید و هر دوی آنها بر سر زایمان مردند «۲».

(۲)

### ج- زمان خلافت امیر المؤمنین

گروهی از مورخان و راویان گفته‌اند، وقتی که امام امیر المؤمنین علیه السلام عهده‌دار خلافت شد، حریث بن جابر را به حکمرانی بخشی از مشرق زمین فرستاد، حریث، دختران یزدگرد پسر شهریار را نزد امام فرستاد و او شاه زنان را به پسرش امام حسین علیه السلام تزویج کرد و از او امام زین العابدین علیه السلام متولد شد و آن دیگری را به همسری محمد بن ابی بکر در آورد و از او قاسم به دنیا آمد که فقیه مشهوری بود.

این بود روایاتی که در مورد زمان ازدواج مادر امام سجاد با سید الشهداء علیه السلام رسیده و ما نقل کردیم. و شایان ذکر است که دو روایت اخیر، صراحت ندارند که شاه زنان و خواهرش اسیر شده باشند، فقط تصریح دارند بر این که آنها را نزد خلیفه فرستادند، آری روایت اولی به اسارت ایشان صراحت دارد.

(۱) وفیات الاعیان: ۲ / ۴۲۹.

(۲) عیون الاخبار و فنون الآثار: ۱۴۳، روضه الواعظین: ۱ / ۱۳۷، تحفه الزاغب: ۱۳، اعلام الوری: ۱۵۱ و ارشاد.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷ (۱)

### بررسی روایات

ناگزیریم اندکی تأمل کنیم تا این روایات ضد و نقیض را بررسی نماییم، که پس از دقت زیاد می‌بینیم، روایت اول به دلایل دیگر از صحت بدور است:

اولاً- یزدگرد در تمام مدت خلافت عمر زنده بود و پس از وفات او از دنیا رفت و در سال (۳۰ هـ-) در مرو کشته شد و این تاریخ مصادف با ششمین سال خلافت عثمان است، به احتمال قوی شاه زنان با خواهرش پس از قتل پدرشان تا زمان خلافت امام امیر المؤمنین در خفا می‌زیستند و چون حریث بن جابر حکمران آن ناحیه شد بر ایشان دست یافت و آنها را نزد امام علیه السلام فرستاد. ثانیاً- از دلایلی که نادرستی روایت اول را تأیید می‌کند، چیزی است که ابو حنیفه نقل می‌کند؛ وقتی که دختر یزدگرد را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند، فرمود:

«هر که را از مسلمانان مایلی به همسری خود انتخاب کن.»

دختر یزدگرد با دورانیشی و بزرگ‌منشی پاسخ داد:

«من سری را طالبم که همتا نداشته باشد.»

این سخن دلیل بر دورانیشی آن بانو بود، امام علیه السلام با لطف و مهربانی در جواب او گفت:



«علی خود پیرمرد است...»

معنای این سخن آن بود که امام علیه السلام رغبتی به زنان نداشت به دلیل آن که پیر و سالخورده است، به علاوه گرفتاری امور مردم که او را به خود مشغول کرده بود.

آن بانو به دنبال اظهار عقیده خود پافشاری می‌کند و می‌گوید:

«من سربسته سخنم را گفتم...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸

یکی از کشاورزان ایران به خدمت حضرت آمد و از امام تقاضا کرد تا او را به ازدواج وی در آورد، امام علیه السلام در ردّ پیشنهاد او فرمود:

«او خود می‌داند، اگر نخواست نمی‌پذیرد و اگر خواست می‌پذیرد.»

آری امام، درباره ازدواج او حق حاکمیت ندارد، بلکه ازدواج تابع تمایلات روحی اوست و کسی حق ندارد او را مطابق میل خودش مجبور کند و آن بانو نیز از قبول درخواست وی خودداری کرد. «۱» به احتمال قوی این بانو، همان (شاه زنان) باشد و زمان ازدواج وی در دوران حکومت امام امیر المؤمنین علیه السلام، صورت گرفته است.

ثالثاً- روایت سوم از دو روایت اول مشهورتر است و شهرت- بطوری که اکثر فقها گفته‌اند- یکی از مرجحات روایت است و محقق ارجمند آقای مقرر نیز این روایت را پذیرفته است.

(۱)

### نظرات نادرست

بعضی از مورخان درباره نسبت بانو شاه زنان سخنان کژاندیشانه‌ای را اظهار کرده‌اند که عبارتند از:

الف- آن بانو از سرزمین سند بود «۲».

ب- وی از اسیران کابل بوده است. «۳»

که این اقوال با نظرات تمام راویان و مورخان که گفته‌اند: وی دختر یزدگرد پادشاه ایران بوده است، مخالفت دارد. در صورتی که این قول، حتی در

(۱) اخبار الطوال.

(۲) مرآة الجنان: ۱ / ۱۹۰، التجوم الزاهرة: ۱ / ۲۲۹، المنق فی اخبار قریش: ۴۳۷.

(۳) تاریخ یعقوبی: ۳ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹

زمان خود امام سجاد علیه السلام مشهور بود و همه مردم می‌دانستند، ابو الأسود دؤلی در آن باره می‌گوید:

و ان ولیدا بین کسری و هاشم لأکرم من نیطت علیه التّمائم

هو النور نور الله موضع سرّه و منبع ینبوع الامامة عالم «۱».

- همانا مولودی که به دو خاندان کسری و هاشم مربوط است، از تمام مولودهایی که به گردنشان (جهت چشم زخم) حرز آویخته‌اند، گرامی‌تر است.

او نور است؛ نور خدا و گنجینه اسرار الهی، سرچشمه اصل امامت و عالم و داناست.-

امام زین العابدین علیه السلام، در معرفی خود، به این مطلب اشاره فرموده، می‌گوید: «من پسر دو برگزیده‌ام» که به حدیث نبوی مشهور اشاره دارد که می‌فرماید: «خدای تعالی از میان بندگان، دو گروه زبده دارد: زبندگان از عرب، قریش و زبندگان از عجم، مردم فارس می‌باشند...» (۲). بعضی از مورخان گفته‌اند: علی بن حسین علیهما السلام، بین نبوت و سلطنت را از طرف نیاکانش جمع کرد.

(۱)

### نام مادر امام (ع)

این مخدّره- مادر امام علیه السلام- به شاه زنان معروف بود، البته این

(۱) بحار الأنوار: ۱۶۶/۴۶. شیخ حر عاملی در ارجوزه خود چنین می‌فرماید:

و أمّه ذات العلی و المجدو هو بن شهریار ابن کسری

شاه زمان بنت یزد جردزو سؤدد لیس یخاف کسری - م.

(۲) و فیات الأعیان: ۴۲۹/۲، الأئمة الاثنا عشر: ۷۵ نوشته ابن طولون.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰

لفظ اسم آن بزرگوار نبود بلکه لقبی برای آن حضرت بود که در زبان عربی به معنای ملکه یا بانوی زنان است «۱». اما اسم شریف آن بزرگوار مورد اختلاف است بعضی اقوال مورخان از این قرار است:

۱- سلامه «۲»، ۲- سلافه «۳»، ۳- غزاله «۴»، ۴- سلمه «۵»، ۵- سادره «۶»، ۶- شهربانویه «۷».

این بود بخشی از اقوالی که درباره اسم این بانو، که نقل کرده‌اند اما تحقیق درباره این که کدام یک از اینها درست است به دلیل این که برای خوانندگان فایده‌ای نداشت صورت نگرفت.

(۱)

### ارتباط مقدّس

وجود این مخدّره (شاه زنان) در حقیقت رابطه مقدّسی میان عرب و عجم به وجود آورد که از همین ارتباط حضرت زین العابدین علیه السلام پا به عرصه گیتی نهاد که وی فرزند برگزیدگان و پدر ذرّیه پاکی شد که جهان عرب و عالم اسلام را با تمام عوامل آگاهی و شرف و ترقی و کمال آشنا کردند.

(۱) نور الابصار: ۱۲۶، از شبلنجی.

(۲) اصول کافی: ۴۶۶/۱، تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲ فتوگرافی، کتابخانه آیه الله حکیم، سیر اعلام النبلاء: ۲۳۷/۴، طبقات: ۲۳۸ از خلیفه خیاط، الأسامی و الکنی از نیشابوری.

(۳) تاریخ اسلام ذهبی: ۲/ ق ۴۶ فتوگرافی، کتابخانه آیه الله حکیم، الامامة فی الاسلام: ۱۱۶، انساب الأشراف: ۱۰۲، دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵/۹، نور الابصار: ۱۳۶، الکامل: ۴۶۴/۲.

(۴) صفة الصّفوة: ۵۲/۲، شذرات الذهب: ۱۰۴/۱، سرّ السلسله العلویّه: ۳۱، نهایه الارب:

۳۲۴/۲۱، خلاصه الذهب المسبوك: ۸.

(۵) الائمه الاثنی عشر: ۷۵.

(۶) الاتحاف بحب الاشراف: ۴۹.

(۷) روضة الواعظین: ۱/ ۲۳۷، عیون المعجزات خطی: ۳۱، غایة الاختصار: ۱۵۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱

سید عبد العزیز سید الأهل، می گوید: «امام زین العابدین علیه السلام وسیله ارتباط محکمی در میان ما عربها و مردم فارس شد و سپس رابطه استواری ما بین تمام انسانها گردید و گویا او یکی از وسایل نیرومندی است که دست قدرت حق برای از بین بردن جداییها و ایجاد الفت و ارتباط مردم به وجود آورده است» (۱).

براستی که این رابطه از محکمترین و پرفایده‌ترین روابط برای عرب و عجم بود که ما بین ایشان دوستی و محبت و الفت ایجاد کرد. (۱)

### ندای جاهلیت

اسلام تمام عوامل تفرقه زمان جاهلیت را که باعث از هم پاشیدن وحدت جامعه بود، از بین برد، از جمله جلوگیری از ازدواج عرب با غیر عرب را که به منظور حفظ خون و نژاد عربی مانع از ازدواج با اقوام دیگر می شدند. بطور قطع این پدیده یکی از عوامل جدایی مسلمین و از هم پاشیدن وحدتشان بود، زیرا که اسلام با کمال افتخار و سر بلندی این خودخواهیهای جدایی افکنانه و عناوین پوچ را بدور انداخت و مردم را به شرافت انسانی و آرایش روح و روان دعوت کرد. پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«همانا پرهیزگارترین شما، گرامی‌ترین فرد شماست.»

براستی که اسلام، مساوات و برابری عادلانه‌ای را به گونه‌ای مثبت بین مسلمین برقرار کرد و اختلاف طبقاتی و سایر عناصر (از آن قبیل) را از میان برد.

شخص رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خویشاوند خود، زینب بنت جحش را که یکی از بانوان بنی هاشم بود به همسری غلامش زید بن حارثه در آورد؛ با این عمل خواست که جامعه اسلامی درسی از آن حضرت بیاموزند و از این راه راست

(۱) زین العابدین: ۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲

و روشن حرکت کنند و ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز در پرتو همین راه و روش رسالت، حرکت کرده و با نژادپرستی مبارزه کردند و در برابر امتیازات جاهلی ایستادند و با کنیزان، پس از آزادسازی و یا از طریق ملکیت، پیش از آزادی ازدواج کردند که این خود اثر عمیقی در نفوس مردم عرب داشت که باعث بازگشتن آنها از طرز نگرش جاهلی خود شد. مورخان می گویند: موقعی که امام حسین علیه السلام با بانو شاه زنان ازدواج کرد و از او پرچم هدایت، امام زین العابدین علیه السلام به دنیا آمد و مردم عرب متوجه کمال و برازندگی ذاتی او شدند، قریش به ازدواج با کنیزان «امّ ولد» رو آوردند (۱) و جالب است که مبرّد راجع به مردی از قبیله قریش که مادرش کنیز بوده است نقل می کند؛ می گوید: من با سعید بن مسیب مجالست داشتم، روزی به من گفت:

«دائیهای تو کیستند؟ ...»

«مادر من، کنیز است.»

سعید، با شنیدن این سخن روی گرداند و آن مرد در نظرش خوار و بی‌مقدار آمد اما آن مرد چون باهوش بود به دنبال فرصتی ماند

تا این که روزی سالم بن عبد الله بن عمر که از برجسته‌ترین شخصیت‌های قریش بود و مادرش هم کنیز بوده است بر سعید وارد شد و با وی به گفتگو پرداخت و بعد که خداحافظی کرد و رفت آن مرد، رو به سعید کرد و گفت:

«عمو! این مرد، که بود؟» سعید برآشفته و فریاد زد و گفت:

«سبحان الله!! آیا تو براستی چنین مرد بزرگی را نمی‌شناسی این سالم بن عبد الله بن عمر بن خطاب بود ...»

آن مرد فوراً پرسید:

«مادر وی کیست؟»

(۱) تاریخ دمشق.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۳

«مادرش کنیز بود.»

(۱) روزی دیگر، قاسم بن محمد بن ابی بکر که مادر او نیز کنیز بود وارد شد، بین سعید بن مسیب و او سخنانی رد و بدل شد و همین که از نزد او رفت آن مرد دوباره همان سؤال قبلی را تکرار کرد و سعید نیز جواب مشابهی داد تا این که امام زین العابدین و سید الساجدین وارد شد و سعید با نهایت احترام و تعظیم با او برخورد کرد، وقتی که امام علیه السلام تشریف برد، آن مرد رو به سعید کرد و گفت:

«عمو! این مرد که بود؟» سعید با ناراحتی برگشت و به او گفت:

«این کسی است که هیچ مسلمانی نیست که او را نشناسد، این علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است ...»

آن مرد فوراً پرسید:

«مادرش کیست؟» «کنیزی است ...»

آن مرد بلافاصله گفت:

«عمو! پس چرا وقتی که به تو گفتم مادرم کنیز است و من بستگان و خویشاوند مادری ندارم از نظر تو افتادم؟» سعید به اشتباه خود پی برد و از آن روز آن مرد را گرامی می‌داشت و به دیده احترام می‌نگریست. (۱)

براستی این خو و خصلت پست که در آن زمان در همه جا سایه گسترده بود از بازمانده‌های عصر جاهلیت بود که از نظر فکری و اجتماعی هنوز اثرش برجا مانده بود. در این که مادر کسی رومی یا ایرانی و یا از نژادی دیگر باشد چه نقصی برای او محسوب می‌شود، شاعری در این باره می‌گوید:

(۱) کامل مبرّد: ۲/ ۴۶۲، نزهة الجلیس: ۲/ ۲۳، الاثمة الاثنا عشر: ۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۴ لا تشمتن امرأ فی ان تكون له امّ من الزوم او سواد عجماء فانما امّات القوم او عیة مستودعات و للأحساب آباء - کسی را به جرم این که مادرش رومی و یا سیاه غیر عرب است، نکوهش مکن! زیرا که مادران ظرفهای گیرنده امانتند، شرافت نسبت مربوط به پدران است - آنچه که مقام انسانی را بالا می‌برد تنها اعمال پسندیده او و خدمت‌هایی است که به مردم و وطنش می‌کند و عظمت ذاتی اوست هر چند که مادرش سیاهپوست غیر عرب باشد اما اگر اعمالش ناپسند و ذاتا پست و فرومایه باشد اگر چه سید قرشی باشد بی‌ارزش است و این مطلب را اسلام مقدّس که جز به اعمال آدمی، به چیز دیگری توجه ندارد و تنها ملاک بلندی و پستی آن را می‌داند و بس، مقرر فرموده و مورد تأکید قرار داده است.

(۱)

**محبت امام علی (ع) به شاه زنان**

امام امیر المؤمنین علیه السلام به بانو شاه زنان محبت خاصی داشت و این به خاطر ایمان و عقل فراوانش بود و اخباری از آن حضرت بجا مانده است که بیانگر فضیلت این بانوی بزرگوار است، از جمله خبرهای ذیل می‌باشد:

الف- امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسین سفارش می‌کند که نسبت به آن بانو نیکی و احسان کند و می‌فرماید:

«به شهربانو، نیکی کن که او پسندیده است و برای تو بهترین فرد روی زمین بعد از تو را به دنیا خواهد آورد.» (۱)

ب- امام علی علیه السلام به کسانی که خبر داد که شهربانو مادر پاکی

(۱) عیون المعجزات خطی در کتابخانه امیر المؤمنین نجف، اثبات الهداء: ۱۴/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۵

برای ائمه طاهرين خواهد شد و همچنین می‌فرماید:

«او مادر اوصیاء، ذراری پاک است.» (۱)

آری از این بانوی بزرگوار ائمه طاهرين پدید آمدند که خداوند پلیدی را از ایشان دور ساخته و ایشان را پاک و پاکیزه قرار داده است.

(۱) امام امیر المؤمنین علیه السلام به شاه زنان توجه خاصی داشت، زیرا که به تواناییهای فضل و کمال و ادب آن بانو واقف بود، روزی از او پرسید:

«پس از داستان فیل از پدرت چه به خاطر داری؟» شهربانو در پاسخ امام علیه السلام با این عبارات زرنگار پاسخ داد که حاکی از وسعت اندیشه و آگاهی پدرش از شئون زندگی است:

«او همواره می‌گفت: هرگاه اراده خداوند تعلق بگیرد که بر امری غلبه کند، تمام خواسته‌ها در برابر او نقش بر آب است و هرگاه اجل سر آید تنها راه چاره به مرگ و نابودی انجامد.»

امام علیه السلام از این سخن حکیمانه‌ای که پرده از واقعیت زندگی بر می‌دارد در شگفت شد و با این سخن شگفتی خود را ابراز داشت:

«چه خوب گفته است پدرت! تمام امور در برابر مقدرات الهی تسلیمند تا آنجا که مرگ آدمی نیز در تدبیر او خواهد بود...» (۲)

براستی که همه چیز در عالم هستی مقهور مشیت و اراده خداوند است و خدای تعالی قاهر و غالب است و هرگاه انسان به وسایل مطمئن و محکمی دل ببندد به امید این که خطرها را از او دفع می‌کنند، هیچ سودی به حال او نخواهند داشت زیرا که گاهی نتیجه معکوس داده و همان وسایل باعث مرگ و نابودی او می‌گردند.

(۱) بصائر الدرجات: ۹۶، اثبات الهداء: ۲۱۴/۵، ناسخ التواریخ: ۱۳/۱.

(۲) ارشاد: ۱۶۰، بحار الانوار: ۱۱/۴۶-۱۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۶

(۱)

امام حسین علیه السلام، برای همسرش بانو شاه زنان هاله‌ای از توجه و احترام قائل بود و بر دیگر زنانش مقدم می‌داشت و این بانو در حمایت و زیر سایه امام از حرمت و احترام خاصی برخوردار بود تا آنجا که ناز و نعمتهای زمان سلطنت پدرش را از یاد برد زیرا امام علیه السلام او را با تعلیمات و روحانیت اسلام تغذیه فرمود به حدی که از تشریفات سلطنت و پادشاهی بیزار شد، به قول سید عبد العزیز سید الاهل:

«امام حسین علیه السلام به قدری از تعلیمات اسلامی بدو آموخت که کاخهای مداین و برج و باروی کابل را فراموش کرد...» (۱).  
(۲)

## ستایش مورخان

### اشاره

مورخان از این بانوی بزرگوار تعریف کرده‌اند که در ذیل گفتار ایشان را می‌آوریم:

### الف - میزد

میزد، درباره این بانوی گرامی چنین می‌گوید: «شاه زنان از بهترین زنان عالم بود...» (۲)  
براستی که شاه زنان در عفت و پاکدامنی، و فراوانی عقل و بلندای ادب از بزرگترین زنان جهان بوده است.

(۱) زین العابدین: ۱۶.

(۲) الکامل: ۴۶۲ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۷.

### ب - ابن شدقم

ابن شدقم گوید: «شاه زنان دارای فضایل زیادی بود...» (۱)

### ج - گنجی

امام حافظ محمد بن یوسف گنجی می‌گوید: «خداوند تبارک و تعالی ائمه مهدیین را از نسل امام حسین علیه السلام، از دختر کسری قرار داده است، نه از دیگر زنان...» (۲).  
براستی که خداوند منان این بانوی بزرگوار را مورد الطاف و عنایت خاص خود ساخت و این فضیلت را به او ارزانی داشت که مادر بزرگوار امام زین العابدین و جد طئیه گرامی ائمه طاهرین علیهم السلام باشد که آنان کلمه توحید را در روی زمین برافراشتند....  
در اینجا سخن ما درباره فضایل و ویژگیهای این بانوی گرامی پایان می‌گیرد.

(۱) زهره المقول: ۱۶.

(۲) کفایه الطالب: ۴۵۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۹

## نوزاد بزرگ

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۱

(۱) نوزاد بزرگ دنیا به ولادت امام زین العابدین علیه السلام درخشیدن گرفت امامی که چشمه‌سارهای دانش و حکمت را در زمین شکافت و با راه و روش زندگی خود برجسته‌ترین نمونه‌ها و بالاترین درسها را- در زمینه خود را به حساب نیاوردن و دل نبستن به دنیا و توجه به خدا- به مردم داد.

خاندان نبوت، مقدم نوزاد مبارک را که پیامبر- صلی الله علیه و آله- آمدنش را مژده داده بود با نهایت شادمانی و مسرت استقبال کردند، و این شادمانی همه افرادی را که با اهل بیت علیهم السلام ارتباط داشتند- از صحابه و فرزندانشان- فرا گرفته بود، مورخان نوشته‌اند موقعی که امام به دنیا آمد، ضعیف و لاغر بود. سید عبد العزیز سید الاهل می گوید: «حضرت سجاد لاغر و ضعیف‌اندام به دنیا آمد در حالی که در نگاه‌هایش برقهایی آرام می‌جست گویی که برقهایی اندوه فرو نشسته‌ای است، و این برقهایی درهم شکسته اگر به چیزی دلالت کند باید دلیل بر غم و اندوهی باشد که در آینده فرا می‌رسد...» «۱»

آری مصائب و آلام از همان آغاز تولد به همراه او بودند، زیرا که هنوز او در گهواره بود که اراده حق، مادر پاکش را از او گرفت و از آن روز غمها یکی پس از

(۱) امام زین العابدین: ۱۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۲

دیگری به سراغ او آمدند، و هیچ کس به قدر این امام بزرگ دچار مصائب نشده است.

(۱)

### مراسم ولادت

امام امیر المؤمنین علیه السلام و یا فرزندش امام حسین علیه السلام مراسم دینی ولادت را برای این مولود مسعود اجرا کردند، به گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند که بدان وسیله در دل نوزاد عبادتگاهی پیا کرد که با احساسات تقوا و درستی می‌تپید که در حقیقت نغمه حیاتی بود که او را به سمت نیکی و عمل صالح سوق می‌داد.

آری نخستین آوایی که امام زین العابدین علیه السلام در این دار دنیا شنید، صدای «الله اکبر» بود که با دل و جان در آمیخت و جزو ذات و ارکان وجودش قرار گرفت. و در روز هفتم تولدش پدر بزرگوارش گوسفند نری را عقیقه کرد و سر مبارکش را تراشید و به وزن آن نقره، یا طلا- مطابق سنت مقدس اسلام- به فقرا داد.

(۲)

### جای ولادت

مورخان درباره مکانی که افتخار زادگاه امام زین العابدین علیه السلام را پیدا کرد، اختلاف نظر دارند که در ذیل نظرات آنها را بیان می‌کنیم:

الف- امام علیه السلام در کوفه به دنیا آمد. «۱»

ب- آن حضرت در مدینه به دنیا آمده است. «۲»

(۱) شذرات الذهب: ۱/۱۰۴.

(۲) فصول المهمه ابن صباغ: ۱۸۷، بحر الأنساب فتوگرافی کتابخانه امام امیر المؤمنین: ۵۲، دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵/۹، الامامة فی الإسلام: ۱۱۶، نور الابصار: ۱۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۳

به نظر من، ولادت آن حضرت در کوفه بوده است به دلیل اجماع راویان و مورخان بر این که آن بزرگوار دو سال پیش از وفات جدش امیر المؤمنین به دنیا آمده است «۱»، بدیهی است که امام حسین علیه السلام و اعضای خانواده آن حضرت با امام امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه بوده‌اند، و هیچ یک از ایشان در طول خلافت امیر المؤمنین در مدینه اقامت نداشته‌اند.

(۱)

## زمان ولادت

اقوال مختلفی درباره زمان ولادت آن حضرت به شرح ذیل وجود دارد:

الف- امام علیه السلام در روز پنجم شعبان سال (۳۸ هـ) «۲» مصادف با روز پنجشنبه «۳» به دنیا آمده است.

ب- در روز جمعه نهم شعبان سال (۳۸ هـ) به دنیا آمده است. «۴»

ج- روز نیمه جمادی الاولی، سال (۳۸ هـ) به دنیا آمده است. «۵»

د- روز جمعه بیست و ششم جمادی الثانی سال (۳۸ هـ) به دنیا آمد. «۶»

ه- در یکی از ماههای سال (۳۳ هـ) به دنیا آمده است. «۷» که این قول نادرست و مخالف اجماع راویان و مورخان است که همگی سال ولادت آن حضرت را سال سی و هشتم از هجرت می‌دانند.

(۱) اخبار الدول: ۱۰۹، نور الابصار: ۱۳۶، مطالب السؤل: ۴۱/۲، تاریخ الائمه ابن ثلج: ۴، دائرة المعارف: ۳۵۵/۹.

(۲) تحفه الرّاعب: ۱۳، مطالب السؤل: ۴۱/۲، فصول المهمه ابن صباغ: ۲۱۲، كشف الغمه.

(۳) صراط سوی: ۱۹۲ فتوگرافی کتابخانه امیر المؤمنین، مطالب السؤل: ۴۱/۲، نور الابصار: ۱۳۶.

(۴) روضة الواعظین: ۱/۲۲۲.

(۵) بحر الانساب: ص ۵۲.

(۶) الامامة فی الاسلام: ص ۱۱۶.

(۷) التّفخة العنبرية (عکسبرداری شده) موجود در کتابخانه آقای حکیم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۴

همان قول اول در نزد علمای شیعه مشهور است زیرا که جشنهای عمومی خود را به یاد زاد روز آن حضرت در پنجم شعبان برگزار می‌کنند.



(۱)

**نامگذاری امام**

آنچه مسلم است تمام مورخان و راویان اتفاق نظر دارند بر این که پیامبر اکرم (ص) نواده‌اش علی بن حسین را نامگذاری کرد و به او لقب زین العابدین داد و این جریان ده سال پیش از به دنیا آمدن آن حضرت اتفاق افتاد که خود از نشانه‌های بارز نبوت است. اخبار زیادی در این باره رسیده که از آن جمله اخبار ذیل است:

(۲) ۱- صحابی بزرگ جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده می‌گوید: در خدمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- نشسته بودم، در حالی که امام حسین علیه السلام نیز در دامن آن حضرت بود و با او شوخی می‌کرد، فرمود:

«ای جابر! از این (پسر) مولودی به دنیا می‌آید به نام علی، وقتی که روز قیامت فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد؛ سرور عابدان از جا برخیزد، پسر او از جا بر می‌خیزد، و بعد از او نیز پسری به نام محمد متولد می‌شود که تو ای جابر اگر او را درک کردی، سلام مرا به او برسان...» (۱)

جابر این حدیث را برای همه نقل کرد، همچنان که امام محمد باقر علیه السلام را دید و سلام جدش رسول خدا (ص) را به او رسانید و امام علیه السلام نیز با شادی و مسرت فراوان پذیرا شد.

(۳) ۲- حافظ، ابن عساکر به سند خود از سفیان بن عیینه از قول ابن زبیر نقل کرده می‌گوید: نزد جابر بودیم، ناگهان علی بن حسین علیه السلام وارد شد، جابر

(۱) وسیله المآل فی مناقب الآل: ص ۷، عکسبرداری شده، در کتابخانه امیر المؤمنین.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۵

عرض کرد: در خدمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بودم که امام حسین علیه السلام وارد شد پیامبر او را در بغل گرفت و بوسید و در کنارش نشاند، سپس فرمود:

«از این (فرزندم) پسری به دنیا خواهد آمد به نام علی بن حسین وقتی که روز قیامت شود منادی از بطون عرش ندا دهد؛ سرور عابدان بپاخیزد، و او از جا بر می‌خیزد.» (۱)

(۱) ۳- سعید بن مسیب از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«وقتی که روز قیامت شود، منادی ندا دهد، کجاست زین العابدین؟»

گویی که من به فرزندم علی بن حسین می‌نگرم، در حالی که میان صفوف جمعیت با عظمت تمام حرکت می‌کند...» (۲)

این بود برخی از روایاتی که رسیده و صراحت دارد بر نامگذاری پیامبر (ص) نواده‌اش را به نام علی (ع) و همچنین بر ملقب ساختن او به لقب زین العابدین علیه السلام. همچنان که در این روایات اشاره به اهمیت و منزلت آن حضرت در پیشگاه خدای تعالی است.

(۲)

**نظریه ابن تیمیه**

ابن تیمیه، از این که پیامبر (ص) فرزندش علی (ع) را به این نام، نامگذاری کرده انکار می‌کند و می‌گوید: «این سخن بی‌اساسی است و هیچ کس از اهل دانش آن را نقل نکرده است.» (۳)

(۱) تاریخ دمشق: ۱۴۲/۳۶، عکسبرداری شده، در کتابخانه امیر المؤمنین.

(۲) علل الشرائع: ص ۸۷، بحار الأنوار: ۳/۴۶.

(۳) منهاج السنه: ۱۲۳/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۶

براستی ابن تیمیه چشمانش را نسبت به آنچه حافظان و مورخان و راویان برجسته نقل کرده‌اند، بسته است ... آری این مرد دچار انحراف از حق و حقیقت گشته و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را - که خداوند بر همگان محبت ایشان را واجب دانسته و رسول خدا (ص) آنان را کشتیهای نجات و ایمنی قرار داده - آشکار و علنی کرده است و هر فضیلتی از فضایل ایشان را نادیده گرفته و تمام آنچه را که حافظان حدیث از روایات آنان نقل می‌کنند، انکار کرده است «۱» «۲»

(۱)

### کنیه امام

امام زین العابدین علیه السلام، کنیه‌هایی به شرح ذیل داشته است:

۱- ابو الحسن.

۲- ابو الحسین.

۳- ابو محمد! ۴- ابو عبد الله «۳».

(۱) - این حالت، از خصوصیات اشقیای امت است و این قبیل اشخاص چون شب‌پره‌هایی هستند که خود زیان می‌برند و بی‌تردید اینان مصداق «خسر الدنيا والآخرة، ذلك هو الخسران المبین» بوده و زیان جبران‌ناپذیری می‌برند، چه به قول سعدی:

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد» - م.

(۲) تهذیب اللغات و الاسماء: بخش اول صفحه ۳۴۳، نور الابصار: ص ۱۳۷، صفة الصفوة: ۵۲/۲، تحفة الزاغب: ص ۱۳.

(۳) تهذیب الكمال: م ۷/ق ۲ ص ۳۳۴ عکسبرداری شده در کتابخانه آقای حکیم، سیر اعلام النبلاء:

۴/۲۳۷، تاریخ اسلام: ۶۶/۲، تاریخ دمشق: ۱۴۲/۳۶، عکسبرداری شده در کتابخانه امام امیر المؤمنین نجف.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۷

(۱)

### لقاب امام

### اشاره

اما القاب شریف امام علیه السلام که بیانگر خصلتهای نیکو، و گویای صفات برجسته و مکارم اخلاق آن حضرت و عظمت طاعت و عبادت او برای خداست چنین است:

(۲)

### ۱- زین العابدین

این لقب را- همان طوری که گذشت- جدّ بزرگوارش رسول خدا (ص) به او مرحمت کرد و به دلیل عبادت فراوانش بود که این لقب را به وی داد «۱». و به قدری به این لقب معروف و مشهور شد که به صورت نام آن حضرت در آمد و جز او کسی به این لقب نامیده نشد، و حقّا که او زینت هر عبادت‌کننده و باعث افتخار هر فرمانبر و مطیع خدا بود.

(۳)

## ۲- سید العابدین

از جمله القاب برجسته آن حضرت، «سید العابدین» بود و این به خاطر آن همه اطاعت و فرمانبرداری از خدا بود که از آن بزرگوار سر زد و از هیچ کسی- جز جدش، امیر المؤمنین علیه السلام- آن همه عبادت صورت نگرفت.

(۴)

## ۳- ذو الثّنات

امام علیه السلام از آن رو به این لقب نامیده شد که بر مواضع سجده‌اش آثاری چون پینه‌های زانوی شتر ظاهر شد. «۲» امام ابو جعفر باقر علیه السلام، فرمود:

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳۰۶/۷، شذرات الذهب: ۱/۱۰۴، و در آنجا آمده است که «زین العابدین» گفتند به خاطر عبادات فراوانی که داشت.

(۲) صبح الاعشی: ۱/۴۵۲، بحر الانساب: ورق ۲۵، تحفه الرّاغب: ص ۱۳، الاضداد فی کلام

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۸

«پدرم در مواضع سجده‌اش، آثاری برآمده داشت که هر سال دو نوبت آنها را می‌برید؛ در هر نوبت پنج پینه را، از این جهت او را ذو الثّنات گفتند.» «۱»

و در روایت دیگری آمده است که آن حضرت این پینه‌ها را در کیسه‌ای جمع کرده بود و وصیت کرد تا به همراه بدن مقدّسش دفن کنند.

(۱)

## ۴- سجّاد

از جمله القاب شریف آن حضرت که بدان شهرت داشتند، لقب «سجّاد» «۲» بود. و این به خاطر سجده‌های فراوانش بود، زیرا آن حضرت از کسانی بود که سجده فراوان و بیشترین اطاعت پروردگار را داشتند. امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره سجده‌های زیاد پدرش می‌فرماید:

«نزد حضرت علی بن حسین علیهما السلام هیچ نعمتی از نعمتهای الهی یاد نمی‌شد مگر آن که به سجده می‌افتاد و هیچ آیه‌ای از آیات کتاب خدای عز و جل که دارای سجده باشد، تلاوت نمی‌شد مگر آن که سجده می‌کرد و از هیچ شر و بدی بیمناک نبود که خداوند از او برطرف کرده باشد مگر آن که سجده می‌کرد و هیچ‌گاه از نماز واجب فارغ نشد، مگر آن که سجده کرد، و اثر سجده در تمام مواضع سجده‌اش نمودار بود، از این رو وی را سجّاد نامیدند.» «۳»

(۲) ابن حماد سجده‌های زیاد و عبادت آن حضرت را در این اشعار لطیف بیان کرده و می‌گوید:  
و راهب اهل البیت کان و لم یزل یلقب بالسجاد حین تعیده

العرب: ۱/ ۱۲۹، ثمار القلوب: ص ۲۹۱، در این کتاب آمده است که به علی بن حسین (ع) و علی بن عبد الله بن عباس. - به خاطر آن که در مواضع سجده‌شان در اثر عبادت زیاد، پینه‌هایی چون زانوان شتر پیدا شد- ذو الثغفات گفتند.

(۱) علل الشرائع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۶/ ۴۶، وسائل الشیعه: ۴/ ۹۷۷.

(۲) علل الشرائع: ص ۸۸.

(۳) وسائل الشیعه: ۴/ ۹۷۷، علل الشرائع: ص ۸۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۹. یقزی بطول الصوم طول نهاره منبیا و یقزی ليله بتهجده  
فاین به من علمه و وفائه و این به من نسکه و تعبیده «۱» - پارسای اهل بیت علیهم السلام بود و به خاطر عبادت مداومش سجاد  
نامیدند؛ تمام روزها با حالت توجه به خدا روزه‌دار بود و شبها را به تهجد و عبادت می‌گذراند؛ بنا بر این چه کسی در دانش و  
وفای به عهد نظیر اوست؟ و کجا در عبادت و نیایش کسی را مثل او می‌توان یافت؟-

(۱)

## ۵- زکی

به آن حضرت لقب زکی دادند، چون خداوند او را از هر آلودگی پاک و پاکیزه فرموده بود، همان گونه که از پدران بزرگوارش  
پلیدی را برداشته و پاک و پاکیزه قرار داده است.

(۲)

## ۶- امین

از جمله القاب شریف آن حضرت که بدان معروف بود، لقب «امین» «۲» است، زیرا که امام علیه السلام نمونه والای این صفت  
ارزنده بود، فرمود:

«اگر قاتل پدرم، شمشیری را که بدان وسیله پدرم را به قتل رسانده در نزد من به امانت گذارد، به او باز می‌گردانم.»

(۳)

## ۷- ابن الخیرین

از القابی که امام علیه السلام بدان شهرت داشت لقب «ابن الخیرین» بود و خود به این لقب افتخار می‌کرد و می‌فرمود:

(۱) مناقب ابن شهر اشوب.

(۲) فصول المهمه از ابن صباغ: ص ۱۸۷، بحر الانساب: ورق ۵۲، نور الابصار: ص ۱۳۷.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۰.

«منم فرزند دو برگزیده.»

اشاره به قول جدش رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله- دارد که فرمود:

«خدای تعالی از بندگانش دو گروه را برگزیده است: گزیده او از عرب، هاشم و از عجم فارس است.» (۱)

(۱) شبرای این اشعار را که بیانگر افتخار او به این لقب است، به آن حضرت نسبت داده است:

خیره الله من الخلق أبي بعد جدی و أنا ابن الخیرین

فضة قد صیغت من ذهب فأنا الفضة ابن الذهبین

من له جد كجدی فی الوری أو كأبی و أنا ابن القمرین

فاطمة الزهراء أمی و أبي قاصم الكفر بیدر و حنین

و له فی یوم أحد وقعة شفت الغل بعض العسکرین - برگزیده خدا از میان خلق، پس از جدم، پدر من است و من پسر دو برگزیده‌ام، نقره‌ای که از طلا ریخته شده است که من آن نقره فرزند دو طلایم، کیست که در تمام عالم جدی چون جد من و پدری چون پدر من داشته باشد؟ در حالی که من فرزند دو ماه تابانم، فاطمه زهرا مادر من و پدرم درهم شکننده کفر در جنگ بدر و حنین است،

(۱) کامل میزد: ۲۲۲ / ۱، و فیات الأعیان: ۴۲۹ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۱

و او را در روز جنگ احد، رویدادی است که عطش یکی از دو سپاه (یعنی سپاه اسلام) را برطرف کرد. «۱» «۲»

این بود برخی از القاب امام علیه السلام، البته القاب دیگری را نیز نقل کرده‌اند «۳» که همگی حکایت از اوصاف والا و خصلتهای مهم آن حضرت دارد.

(۱)

## وفات مادر امام

اولین گرفتاری که برای امام علیه السلام پیش آمد و آن در مرحله آغازین کودکی آن حضرت بود، وفات مادر بزرگوارش بود که پس از ولادت امام در دوران بیماری زایمان اتفاق افتاد و امام علیه السلام از همراهی مادر محروم ماند.

هر چند در آن حالت امام حسین علیه السلام کوشید تا سوز و گداز و آن تب شدید همسر گرامیش شاه زنان را برطرف سازد اما نتوانست، حال آن مخدره و خیم شد و بیماری خیلی زود بر او غلبه کرد و او را پژمرده ساخت و چون کالبدی بی‌روح در بستر افتاد، در حالی که با درد و حسرت، نگاه‌های محبت‌آمیزش را به کودک خردسالش دوخته بود زیرا آن کودک ارجمند از زلال چشمه عواطف و مهر مادر سیراب نشده بود.

آری تب شدت یافت، و درد و رنج شدید بر او چیره شد و روزی چند با بیماریهای سخت، دست به گریبان بود تا این که مرغ روحش همچون ارواح بلند

(۱) الاتحاف بحب الأشراف: ص ۴۹. ملاحظه می‌فرمایید که در اول بیت دوم، ثقل و به اصطلاح عروضی «زحاف» وجود دارد.

(۲) - خواننده گرامی ملاحظه می‌فرماید که این اشعار به انتساب امام سجاد به عجم هیچ ارتباطی ندارد و از خیرترین، جز امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام، در هیچ جا مصداق دیگر به نظر من، منظور نشده است، و حدیث قبل نیز جای تأمل است - م.

(۳) ناسخ التواریخ (احوال امام سجاد (ع)).

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۲

به ملکوت اعلا و به پیشگاه خداوند یکتا پرواز کرد. «۱» و با درگذشت این بانو صفحه درخشانی از صفحات فضیلت، پاکدامنی و حیا و هر آنچه از ادب و کمال مایه افتخار یک زن است، درهم پیچیده شد. و خاندان پیامبر (ص) با وفات این بانوی بزرگوار که نمودار شرف و فضیلت بود، مصیبت زده شد. تشییع با شکوهی در حضور امام حسین علیه السلام و بزرگان اسلام و توده‌های مسلمان برگزار شد و پیکر مقدسش را در کوفه به خاک سپردند و امام حسین علیه السلام برای فقدان این بانوی بزرگوار که چند روزی بیش با او معاشرت نکرده بود سخت متأثر شد.

امام زین العابدین علیه السلام از مرحله آغازین کودکی به مصیبت مادر دچار شد و این خود موجبی بود برای غمها و گرفتاریهای پیاپی زیرا که برای هیچ کسی جز او چنین مصایبی رخ نداده است.

(۱)

### دایه امام

امام حسین علیه السلام به بانوی بزرگواری از مادر فرزندان دستور داد تا فرزندش زین العابدین را سرپرستی کند و شیر دهد و آن زن صالحه نیز تا جایی که ممکن بود توجه لازم را داشت و همچون مادر مهربانی که جگر گوشه خود را مورد عنایت قرار می‌دهد، توجه می‌کرد و امام علیه السلام را در فضای بی‌خبری از مرگ مادرش نگهداشتند و کسی او را از درگذشت مادرش مطلع نساخت- مگر پس از آن که بزرگ شد- برای این که مبادا دل آن بزرگوار بسوزد و خاطرش آزرده شود. «۲»

(۱) اثبات الوصیه مسعودی: ص ۱۴۳، امام زین العابدین: ص ۱۸.

(۲) امام زین العابدین: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۳

(۱)

### اوصاف جسمانی امام

اما صفات و برازندگیهای جسمانی آن بزرگوار، مورخان نوشته‌اند که آن حضرت گندمگون، کوتاه قد و لاغراندام «۱» و باریک بود. «۲» و چنان بود که هر چه عمر آن بزرگوار زیاد می‌شد بیشتر لاغر و ضعیف می‌گشت و این به خاطر عبادت زیاد آن حضرت بود و از سوئی غمها و مصیبت‌های عظیم قتلگاه کربلا- او را در خود غرق ساخته بود و همواره آن مصائب دلش را می‌آزرد تا وقتی که به ملأ اعلا پیوست.

(۲)

### هیبت و شکوه امام

اما شکوه امام چنان بود که همگان در مقابلش سر تعظیم فرود می‌آوردند و در خطوط چهره‌اش انوار انبیاء و شکوه و جلال اوصیاء می‌درخشید. شاعر بزرگ عرب، فرزدق در قصیده زیبای خود هیبت امام را به شرح زیر توصیف کرده می‌گوید:

یکاد یمسکه عرفان راحت‌رکن الحطیم اذا ما جاء یتلم  
یغضی حیا و یغضی من مهابت‌فلا یکلم الا حین یتسم.

- موقعی که او برای استلام می‌آمد، رکن حطیم، «۳» می‌خواست کف دستش را بگیرد، چشمش را از حیا بر هم می‌نهاد و دیگران

از شکوه و جلال او

(۱) نور الأبصار: ص ۳۶.

(۲) اخبار الدّول: ص ۱۰۹، الصّراط السّوی فی مناقب آل النّبی: ص ۱۹۲ از کتب عکسبرداری شده کتابخانه امام امیر المؤمنین.

(۳) حطیم، دیوار کعبه که حجر الاسود در آنجا است و یا جایی ما بین رکن، زمزم و مقام است که به علت ازدحام جمعیت حطیم گفته‌اند (المنجد) م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۴

چشمها را می‌بستند، جز موقعی که او لبخند می‌زد تکلم نمی‌کردند.

شیخانی قادری می‌گوید: از دیدن جلوه و زیبایی سیمایش چشم بیننده سیر نمی‌شد. «۱» براستی که شکوه و جلال او حکایت از شکوه جدش رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - داشت. جنایت پیشه خونخوار، مسلم بن عقبه که تمام ارزشها و مقدرات را ناچیز و بی‌ارزش می‌دانست موقعی که امام را دید، مبهوت شد و به خود لرزید و بیش از حد، احترام و تعظیم کرد و به اطرافیانش گفت: زین العابدین سیمای انبیاء را دارد.

(۱)

### نقش انگشتری

اما نقش انگشتری امام علیه السلام بیانگر میزان توجه و ارتباط آن حضرت بود، زیرا که این جمله - «و ما توفیقی الا - بالله» یعنی توفیقی برای من جز به خواست خدا ممکن نیست - در آن نقش بسته بود. «۲» بعضی گفته‌اند: نقش انگشتری امام علیه السلام این عبارت بود: «علمت فاعمل» «۳» یعنی دانستم پس عمل می‌کنم.

(۱) الصّراط السّوی فی مناقب آل النّبی: ص ۱۹۲.

(۲) فصول المهمه ابن صباغ: ص ۱۸۷، اخبار الدّول: ص ۱۰۹، الصّراط السّوی: ورق ۱۹۲.

(۳) عیون الاخبار ابن قتیبه: ۳۰۲ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۵

### دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام

#### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۷

(۱) دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام براستی که تمام عوامل سازنده و مفید برای یک تربیت والا، که کسی جز او را میسر نبود، بطور فراوان در اختیار امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت و در ساختار و بنای شخصیت آن حضرت به گونه خاصی به کار گرفته شد و شخصیت او را در ردیف اول از امامان جامعه اسلامی قرار داد، کسانی که پیامبر اسلام آنان را امین خود و رهبر امتش قرار داده و ادای رسالتش را به ایشان سپرده بود ...

آری در دوران و رشد و راه و رفتار امام علیه السلام تمام عناصر خیر و فضیلت و کمال تجسم یافته بود، که ما به اختصار به این دو

ویژگی از خصوصیات زندگی آن حضرت اشاره می‌کنیم:

(۲)

### رشد امام (ع)

امام زین العابدین علیه السلام در خاندان نبوت و امامت بزرگ شد، آن خانه‌ای که خداوند اجازه فرمود تا بر افراشته گردد و نام مقدّسش در آنجا برده شود، در دوران اولیّه کودکیش امام امیر المؤمنین علیه السلام از او مواظبت می‌کرد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۸

و شعاعهایی از روح پاکش را- که بوی خوشش سراسر عالم را گرفته بود- به آن حضرت بتاباند، بطوری که نواده‌اش بحق، صورتی راستین از جدّش و در تمام عناصر و خصوصیات روحی نظیر و همگون او بود.

(۱) اما آن مدّتی که امام زین العابدین در سایه جدش به سر می‌برد، بسیار کوتاه بود، مورّخان آن مدت را به دو سال محدود کرده‌اند و آن دو سال نیز از سنگین‌ترین اوقاتی بود که بر امام امیر المؤمنین علیه السلام گذشت؛ مشکلات او را احاطه کرده بود و رویدادها عجیب به صورت خطرناک و کشنده یکی پس از دیگری بر آن حضرت وارد می‌شد که دشوارتر و سنگین‌تر از همه، این بود: سپاهی که بدان وسیله با جبهه باطل معاویه می‌جنگید دچار تفرقه و سرکشی و نافرمانی شد به حدی که امام علیه السلام دست به دعا برداشت و در پیشگاه خدا می‌نالید تا او را به جوار رحمت خود ببرد و از آن جامعه فرومایه‌ای که به آرمانهای آن حضرت توجه ندارند، نجات دهد و خداوند دعایش را مستجاب کرد و شقی‌ترین فرد اولین و آخرین، فرد خطرناک جانی عبد الرحمن بن ملجم پیدا شد و او را در حالی که میان خانه خدا و در محراب نماز ایستاده بود به قتل رساند و در آخرین ساعات زندگیش اعضای خانواده و فرزندان او در اطراف بستر آن حضرت از جمله امام زین العابدین حلقه زده بودند، پیمان امامت را به پسرانش حسن و حسین علیهما السلام سپرد و بر امامت نواده خردسالش، زین العابدین تصریح فرمود و دروهای پیامبر- صلی الله علیه و آله- را به آن حضرت و به پسرش امام محمد باقر، بزرگ و رهبر نهضت فکری و علمی این امت ابلاغ کرد.

(۲) از جمله کسانی که عهده‌دار تربیت امام زین العابدین علیه السلام شدند، عموی بزرگوارش امام حسن سرور جوانان اهل بهشت و ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و سبط اکبرش بود که توجه و محبت خاصی نسبت به آن حضرت داشت و در وجود او صفات والا و خصلتهای بی نظیری را بنیان نهاد و همواره با وی بود تا این که به سر حد جوانی رسید در حالی که در اعماق وجود و ژرفای ذاتش سیره عموی بزرگوارش قهرمان اندیشه و اصلاح مسلمین، ریشه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۹

دوانید. و از دیگر کسانی که به تربیت امام زین العابدین علیه السلام پرداختند پدر بزرگوارش، سرور آزادگان، سید الشهداء امام حسین علیه السلام بود که در وجود فرزندش امتداد ذاتی و درخشش روحانیت و تجسم امامت را می‌دید این بود که بیشترین توجه و عنایت را نسبت به او مبذول داشت و تمام ارزشها و تواناییهای ارزنده خود را در قالب وجود او ریخت و او را بر دیگر فرزندان او مقدم داشت و بیشتر اوقات در کنارش بود. مورّخان می‌گویند: امام زین العابدین علیه السلام مریض شد امام حسین علیه السلام با عجله به دیدار او شتافت در حالی که دلجویی می‌کرد و می‌گفت:

«پسرم چه میل داری؟» زین العابدین علیه السلام در پاسخ پدر جوابی داد که هر بنده مخلص و متوجه به خدا می‌دهد، عرض کرد:

«دوست دارم از کسانی باشم که آنچه را پروردگارم درباره من مصلحت بداند، بدان راضی باشم...»

امام حسین علیه السلام از شنیدن این سخنان تابناک که بیانگر معرفت زیاد و ایمان عمیق وی بود، در شگفت شد و از روی تعجب

فرمود:



«مرحبا که تو همانند ابراهیم خلیلی آنجا که جبرئیل عرض کرد: (ای ابراهیم) آیا از من حاجتی داری؟ ابراهیم گفت: من کسی را بر پروردگارم مقدم نمی‌دارم، بلکه خداوند برای من کافی است و نیکو سرپرستی است!!» (۱) «(۱) براستی که زین العابدین علیه السلام در ایمان زیاد و توجه عمیق و ارتباطش با خدا نظیر ابراهیم خلیل الله بود.

(۱) بحار الانوار: ۶۶/۴۶، دعوات قطب راوندی خطی کتابخانه امیر المؤمنین.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۰

امام زین العابدین علیه السلام به حکم تربیت و کمالی که داشت نمونه‌های هر نوع افتخاری از کمالات ارزنده و ارزشهای اخلاقی بود.

(۱)

### رفتار امام

اما راه و رفتار امام زین العابدین علیه السلام، همچون رفتار پدران بزرگوارش - سرچشمه تابش و هدایت انسانها - بود و در راه و رفتارش، راه جدش امیر المؤمنین علیه السلام را می‌پیمود و از سیره و رفتار او پیروی می‌کرد. روایان اخبار می‌گویند: امام علیه السلام، موقع اشتغال به عبادت، با دقت تمام سیره جدش را مطالعه می‌کرد و نفسی عمیق و آهی سرد از دل بر می‌آورد و می‌گفت: «چه کسی توانایی دارد عبادت جدّم امیر المؤمنین را به جای آرد؟» براستی که در وجودش، حامل روح جدش؛ امام امیر مؤمنان و سرور عارفان بود و بر همان روش سیر می‌کرد و در تمام مراحل راه و رفتارش از او پیروی می‌کرد که ما بعضی از خصوصیات زندگی او را از این جهت نقل می‌کنیم:

(۲)

### رفتار امام در خانه

امام زین العابدین علیه السلام از مهربانترین و نیکوکارترین و دلسوزترین فرد به خانواده‌اش بود و هیچ امتیازی برای خود قائل نبود بلکه خود را یکی از ایشان می‌دید و از آن حضرت نقل کرده‌اند که فرمود:

«اگر به بازار بروم و مبلغی پول همراهم باشد، بدان وسیله برای اعضای خانواده‌ام - در حالی که اشتیاق به خوردن گوشت دارند - گوشتی بخرم،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۱

برای من محبوبتر از آن است که بنده‌ای را آزاد کنم.» (۱)

همیشه، صبح زود، برای تحصیل ما یحتاج خانواده‌اش از منزل بیرون می‌شد، عرض می‌کردند: کجا تشریف می‌برید؟ می‌فرمود:

«از راه حلال برای خانواده‌ام، صدقه فراهم می‌کنم، زیرا کسب حلال صدقه‌ای است از جانب خدا برای ایشان.» (۲)

امام علیه السلام همواره در امور خانه، به خانواده‌اش کمک می‌کرد. و هیچ‌گاه به کسی از ایشان در کارهای شخصی فرمان نمی‌داد، همچنان که در امور عبادی خود شخصا کارهایش را انجام می‌داد زیرا که در این امور نمی‌شود از کسی کمک گرفت و یا به کسی محول کرد.

امام علیه السلام به گونه‌ای در خانه رفتار می‌کرد که نظیر آنها را کسی ندیده است و براستی تجسم دهنده رحمت، همکاری و محبت و خود را به حساب نیاوردن بود.

(۱)

**احسان امام به دایه‌اش**

امام زین العابدین علیه السلام پس از آن که بزرگ شد و از فوت مادرش آگاهی یافت و فهمید که این زن صالحه (دایه‌اش) چقدر به او نیکی و احسان کرده و تمام آنها هم فقط برای خدا بوده است، در صدد بر آمد که به انواع نیکوهای ممکن جبران کند و تا توانست به او احسان کرد و از هم غذا شدن با او خودداری می‌کرد، بعضی ملامت کرده و مصرّانه از او پرسیدند و گفتند: «تو بهترین مردم

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۴۷.

(۲) همان مأخذ.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۲

هستی و از همه کس بیشتر صله رحم می‌کنی، با این همه چرا با مادرت هم غذا نمی‌شوی؟» امام علیه السلام جوابی داد بمانند کسی که دنیا نظیر ادب و کمال او را ندیده، فرمود:

«می‌ترسم که دستم جلوتر از او به سمت چیزی برود که چشم او پیش از من متوجه آن بوده است» (۱) و در نتیجه من عاق او گردم  
«...» (۲)

کدام انسان نظیر آن است؟ و کدام نفس ملکوتی چنین است؟ در فضیلت این امام همین قدر بس که او فرزند امام حسین است آن کسی که شرافت و عظمتش تمام دنیا را پر کرده است.

(۱)

**روایت ساختگی**

ابن کثیر، روایتی را نقل کرده است که هیچ اساس صحیحی ندارد؛ روایت کرده است که امام زین العابدین علیه السلام، مادر خود را به غلامش تزویج کرد و کنیزی را آزاد کرد سپس با او ازدواج نمود، عبد الملک این خبر را شنید، نامه‌ای نوشت و آن حضرت را ملامت کرد، امام در پاسخ وی نوشت:

«البته شما را در پیروی از رسول خدا (ص) خیر و سعادت بسیار است، برای کسی که به ثواب روز قیامت امیدوار باشد و خدا را زیاد یاد کند» (۳)، پیغمبر (ص) صفیه را آزاد کرد، سپس به همسری خود در آورد و دختر عمه‌اش زینب بنت جحش را به همسری غلامش زید بن حارثه

(۱) شذرات الذهب: ۱/۱۰۵، کامل می‌رد: ۱/۳۰۲.

(۲) عیون الاخبار ابن قتیبه: ۳/۹۷.

(۳) احزاب/ ۲۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۳

در آورد.» (۱)

اما اول این روایت با آخرش متفاوت است و آن قسمت ساختگی است و دلیل بر مجعول بودن آن:

اولاً- آن بانو، یعنی مادر امام علیه السلام در ایام زایمان از دنیا رفت و این مطلب را تمام مورخان و راویان نقل کرده‌اند و ما نیز در صفحات گذشته به مصادر آن در پاورقی اشاره کردیم.

دوم، این که امام ابو الحسن الرضا علیه السلام در حدیث خود این مطلب را به سهل بن قاسم نوشجانی بصراحت فرموده است، وی- یعنی مادر امام علی بن حسین علیهما السلام- در دوران زایمان از دنیا رفت و او را یکی از کنیزان پدرش تکفل کرد که مردم او را مادر امام می‌خواندند در صورتی که کنیز امام بود و آنها تصور کردند که امام علیه السلام، بعدها مادر خودش را به همسری غلامش در آورد! پناه به خدا! بلکه امام (ع) این زن را- کنیزی که متکفل او بود- به آن غلام تزویج کرد. سهل می‌گوید: کسی از جویندگان در خراسان نماند مگر این که این سخن امام رضا علیه السلام را نوشت. «۲»

این روایت مطلقاً اساس درستی ندارد و اما آزادسازی امام علیه السلام یکی از کنیزانش را و ازدواج کردن با او، کاری است که با روح اسلام و راهنماییهای آن موافقت دارد و هیچ مانعی هم وجود ندارد.

(۱)

### امام (ع) با والدینش

امام زین العابدین علیه السلام به پدر و مادری که او را تربیت کردند از

(۱) البداية و النهاية: ۱۰۸ / ۹.

(۲) عیون اخبار الرضا: ص ۲۷۰.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۴

همه بیشتر نیکی می‌کرد و بال محبت و رحمت را در برابر آنها می‌گسترده و هیچ نیکی و خدمتی نماند مگر این که تقدیم ایشان نمود و از جمله نیکیهای مهمی که نسبت به پدر بزرگوارش ابراز داشت این بود که در روز عاشورا از عمه‌اش زینب قهرمان کربلا، خواست که عصا و شمشیرش را به او بدهد، تا به عصا تکیه دهد و با شمشیر از پدرش دفاع کند در حالی که بیماری او را از پا در آورده بود و نمی‌توانست یک قدم روی زمین راه برود اما عمه‌اش او را از این کار بازداشت تا مبادا ذریه پیامبر (ص) قطع شود، بنا بر این چه نیکی از این بالاتر می‌شود؟ و از جمله خدمات آن حضرت به پدر بزرگوارش آن بود که پس از شهادتش به پرداخت انبوه وامهایی اقدام کرد که پدرش به مستمندان و محرومان انفاق کرده بود ... و از جمله نیکوییهای وی به والدینش دعا برای آنهاست.

(۱)

### دعای امام به والدین

اما دعای امام زین العابدین علیه السلام برای والدینش که از درخشانترین قوانین تربیت اسلامی است که به منظور اصلاح خانواده و سعادت‌مندی آنان و گسترش محبت و احترام بین افراد خانواده مقرر شده است. طبیعی است که اگر خانواده اصلاح شود تمام جامعه اصلاح شده است، همچنین اگر خانواده فاسد باشد تمام جامعه فاسد می‌شود، زیرا که خانواده ماده اصلی در بنا و ساختار اجتماعی است. در ذیل عین عبارت این نوشتار زرین از دعای امام را می‌آوریم:

«اللهم صلّ علی محمد عبدك، و رسولك و اهل بيته الطاهرين، و اخصصهم بافضل صلواتك و رحمتك و برکاتك، و سلامك و اخصص اللهم والدي بالكرامة لديك، و الصلاة منك يا ارحم الراحمين ...»

«خداوندا بر محمد بنده خاص و رسول گرامی ات و خاندان پاکش، درود

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۵

بفرست و آنان را به بهترین درود و رحمت و برکات و سلامت مخصوص گردان، و والدین مرا هم با بهترین کرامت خود و درود ویژه خود مورد لطف خاص قرار ده، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لِهَمَّا عَلَى الْهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَلْهَمْنِي مِنْهُ، وَوَقِّنِي لِلنَّفُوضِ فِي مَا تَبْصُرْنِي مِنْ عِلْمِهِ، حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتِيهِ، وَلَا تَثْقُلْ أَرْكَانِي عَنِ الْحَقُوفِ فِي مَا الْهَمْتِيهِ ...

(۱) «خداوندا باز هم بر محمد و آلش درود فرست، و مرا با لطف الهام خود به تمام حقوقی که والدینم به گردن من دارند آگاه ساز، و مرا به انجام همان وظایفی مشغول ساز که به من الهام می‌فرمایی، و مرا توفیقم ده که مشتاقانه مطابق همان آگاهی خود عمل کنم تا هیچ یک از حقوق آنان در گردنم باقی نماند، اعضا و جوارح مرا در انجام تکالیف پدر و مادرم که به من الهام می‌کنی سنگین مفرما.»

این کلمات نورانی آداب والا و اخلاق بلند امام علیه السلام و بزرگداشت آن حضرت را نسبت به والدینش تجسم می‌بخشد، آری امام علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند تا والدینش را به فضل و کرامت خود مخصوص گرداند و از حقوق واجبه‌ای که به گردن او دارند آگاه سازد تا آنها را ادا کند سنگینی آن موجب نگردد که از ادای آن بازماند. اینک به بخش دیگری از دعای امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أَوْجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ ...

«پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست چنان که ما را بدان شرف و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۶

افتخار بخشیدی و بر محمد و آلش درود فرست که به وسیله او ما را امام واجب الطاعة بر خلائق قرار دادی.»

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْرَهُمَا بَرِّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ، وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَائْتَلِجْ لَصَدْرِي مِنْ شَرْبَةِ الظَّمآنِ حَتَّى أُؤَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَاقْدِمْ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا، وَاسْتَكْثِرْ بَرِّهِمَا بِي وَانْ قَلِّ، وَاسْتَقَلِّ بَرِّي بِهِمَا وَانْ كَثُرْ ...

«خداوندا! هیبت و جلال پدر و مادرم را در نظرم چون هیبت پادشاه جبار جلوه گر ساز و مهر و رأفت آنها را مانند مادر بسیار مهربان، و اطاعت و نیکی به ایشان را در دیده‌ام از علاقه مریض زکام به خواب، روشن‌بخش‌تر و نشاط‌افزاتر و در دلم از آب گوارا برای تشنگان گواراتر قرار ده تا بتوانم خواست آنها را بر خواست خودم و خشنودی آنان را بر خشنودی خودم مقدم دارم، و احسان و لطف آنها را- اگر چه اندک باشد- زیاد، و نیکی خودم را نسبت به آنها- اگر چه زیاد باشد- اندک بشمارم.»

(۱) در دنیا هیچ نیکی و احسانی درباره والدین آن چنان که امام علیه السلام در این فرازها نسبت به پدر و مادرش بیان کرده، وجود ندارد؛ از خدای متعال درخواست کرده است که هر چه بیشتر بر آنها هیبت و جلال دهد تا فرمان آنان را ببرد و از فرمان ایشان مخالفت نکند و بدانها همچون مادر مهربانی نسبت به فرزندش نیکی کند و خواسته آنها را به خواسته خودش ترجیح دهد و خشنودی آنان را بر خشنودی خویش مقدم بدارد و از نیکی و احسانی که نسبت به او روا می‌دارند، سپاسگزاری کند و هر خوبی که به آنها می‌کند ناچیز شمارد. طبیعی است که چنین آدابی از طرف فرزندان نسبت به پدران از چیزهایی است که باعث از یاد بردن سختیهای زندگی و مشکلات پیری می‌گردد، همچنان که باعث خوشبختی خانواده و درخشش زندگی اجتماعی می‌شود. دوباره بر می‌گردیم به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۷

(۱) نقل فرازهای پرنور دیگری از دعای امام علیه السلام برای والدینش:

«اللَّهُمَّ خَفِّضْ لهما صوتی و اطب لهما کلامی و الن لهما عریکتی و اعطف علیهما قلبی، و صیرنی بهما رفیقاً، و علیهما شفیقاً، اللَّهُمَّ اشکر لهما تربیتی، و اثبهما علی تکرمتی، و احفظ لهما ما حفظاه منی فی صغری، اللَّهُمَّ و ما مسهما منی من اذی او خلص الیها منی من مکروه اوضاع قلبی لهما من حق فاجعله حطهً لذنوبهما، و علواً فی درجاتهما و زیادهً فی حسناتهما، یا مبدل السیئات باضعافها من الحسنات ...

«پروردگارا به من توفیق بده که هیچ‌گاه با صدای بلند و خشن با ایشان سخن نگویم بلکه با صدای آرام و متواضعانه با آنان صحبت کنم. و تمام اخلاق و رفتار مرا نسبت به ایشان در نظر آنها نیکو و دلپسند و قلب مرا نسبت به آنان رءوف و مهربان کن و چنان کن که خود را رفیق و شفیق آنان بدانم و در عوض زحماتی که برای تربیت من کشیده‌اند به آنان جزای نیکو مرحمت فرما و همچنین اجر و ثواب دو دنیا را به ایشان کرامت کن، و پاداش آن همه زحمتهای را که در دوران کودکیم برای نگهداری و تربیت و حفظ سلامتی من کشیده‌اند، آنان را مشمول دعایت فرما! خداوندا آنچه که از من بر ایشان آزار و اذیت رسیده و یا حقی بر گردن من دارند که دانسته یا ندانسته آنها را ضایع کرده‌ام تو از لطف و کرمت اینها را وسیله بخشش گناهانشان قرار ده و چون تو خداوند بخشنده‌ای که گناهان مخلوق را به چندین برابر حسنات و ثواب مبدل می‌کنی، آنها را وسیله علو درجات و افزونی حسنات ایشان قرار ده.»

این بند از دعای امام علیه السلام، آداب اهل بیت علیهم السلام و اهمیت تربیت ایشان را تجسم می‌بخشد. امام علیه السلام در این فرازها به آنچه قبلاً از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۸

حقوق پدر و مادر بیان کرده بود، حقوق دیگری را افزوده است که عبارتند از:

۱- فرزند باید در حضور پدر و مادر صدایش را آرام کرده و با آنها بلند حرف نزند.

۲- اخلاق و رفتار دلپسند بوده و با ایشان با درشتی و تندى برخورد نکند.

۳- دلش نسبت به ایشان از مهر و محبت و رأفت آکنده باشد.

۴- به خاطر نیکبختیها و محبتها که در دوران خردسالی کشیده‌اند- در آن حال که او سخت نیازمند به مراقبت و تربیت ایشان بوده است- برای آنها طلب مغفرت و آمرزش کند.

۵- از خداوند به خاطر اذیت و آزاری که به ایشان رسانیده و یا باعث نارضایتی آنها شده و یا در ادای حقوق آنان کوتاهی نموده است، درخواست کند تا اجر و ثواب فراوان مقرر فرماید. در عالم تربیت، نمونه‌ای از این آداب که باعث افتخار انسانند و زندگی آدمی را روشن می‌سازند، وجود ندارد و دوباره به بند دیگری از سخنان امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ و ما تعدّیا علیّ فیهِ من قول او اسرفاً علیّ فیهِ من فعل، او ضیعاه لی من حقّ، او قصراً بی عنه واجب فقد وهبته لهما، وجدت به علیهما، و رغبت الیک فی وضع تبعته عنهما، فأنّی لا أتهمهما علی نفسی، و لا استبطنهما فی بزی، و لا أکره ما تولّیاه من امری یا ربّ، فهما أوجب حقّاً علیّ، و اقدم احساناً الیّ، و اعظم منّهُ لدیّ من ان افاضیهما بعدل او اجازیهما علی مثل، این اذا یا الهی طول شغلها بتربیتی؟! و این شدّه تعبهما فی حراستی؟! و این اقتارهما علی انفسهما للتوسعه علیّ؟! هیهات ما یستوفیان منّی حقهما، و لا أدرك ما یجب علیّ لهما، و لا انا بقاض وظیفه خدمتهما ... فصل علی محمّد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۹

و آله، و اعنی یا خیر من استعین به، و وقّنی یا اهدی من رغب الیه، و لا- تجعلنی فی اهل العقوق للآباء و الامهات یوم تجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لا یظلمون ...

«خداوندا! آنچه را که پدر و مادرم در گفتارشان نسبت به من تعدی کرده‌اند و یا در تربیت من در مقام عمل و مراقبت کوتاهی نموده‌اند و یا حقی از حقوق مرا ضایع کرده‌اند و یا حق واجبی را که تو بر آنها واجب و مقرر کرده بودی بطور کامل ادا ننموده‌اند، از همه آنها گذشتم و از تو هم برای محو گناهان ایشان با شوق و علاقه طلب مغفرت می‌کنم، زیرا که من تصور نمی‌کنم، آنها در حق من کوتاهی کرده باشند، و در تمام مدتی که عهده‌دار امور من بوده‌اند هیچ کدام از کارهای آنان به نظر من ناپسند نمی‌آید، وانگهی در نظر تو حقوق والدینم بزرگتر از حقوقی است من به آنها دارم، بنا بر این اگر غفلتی از آنان درباره من شده باشد باز هم حق آنها بیشتر و بالاتر از آن است که من به اندازه جبران کنم و یا نظیر حق آنان را ادا نمایم، پروردگارا کجا ممکن است آن همه رنج و گرفتاری که آنها درباره تربیت من متحمل شدند و یا سختی‌هایی که در راه مراقبت و نگهداری من دیدند، تلافی کنم؟ هیئات که من بتوانم حق آنها را ادا کنم و نمی‌توانم حقوق واجبی را که بر من دارند و وظیفه خدمتی که نسبت به آنان دارم ادا کنم.

بنا بر این خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در ادای کامل حقوق والدینم و رضایت خاطر ایشان یاری و موفق کن، ای که بهترین یاری کننده‌ای و هر که به سوی تو راغب شد بهترین هدایت کننده‌ای، مرا از کسانی که عاق والدین اند قرار مده، در آن روزی که هر کس باید سزای کار خوب و بد خود را ببیند و تو در آن روز درباره هیچ کس ستم روا نمی‌داری.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۰

(۱) برآستی این تربیت آسمانی، نسیمی از روح خداست، تا آن که تجسمی باشد برای امتهای و ملت‌ها برای رسیدن به ارزشهای والای انسانی و ارتقای به مقام عالم ملکوت ... حقا که این امام و مربی انسانها تا آنجا مطلب را شکافته و بر فرزندان لازم دانسته است که اولاد می‌باید نسبت به تعدی در گفتار و یا تندروری در رفتار و یا کوتاهی در مقدار لازم از مراقبت و تربیت پدران، در گذرند و به پاداش تربیت و عنایت و احسان ایشان آنها را ببخشند زیرا هر چند فرزند نیکوکار باشد و نسبت به ایشان خدمت کند، نمی‌تواند بیش از اندکی از وظایف و اجیش را انجام دهد و حقوقی را که به گردن دارد ادا کند. باز گردیم به آخرین بند از دعای امام علیه السلام و گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاخْصِصْ أَبُوِي بَافْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَامَّهَاتِهِمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَسْنِي ذِكْرَهُمَا فِي اَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَفِي اَنْبِيٍّ مِنْ اَنْبَاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي بَدْعَائِي لَهُمَا، وَاغْفِرْ لَهُمَا بِرَّهْمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَى عِزْمًا، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ. اللَّهُمَّ وَانْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَانْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كِرَامَتِكَ، وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَنْتَكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَانْتَ اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱، ص: ۷۴

خداوندا بر محمد و اهل بیت عصمت و ذریه پاکش درود فرست، و به پدر و مادر من، بهترین عطایایی که پدران و مادران بندگان مؤمنت را مخصوص گردانیده‌ای مرحمت کن ای بخشنده‌ترین بخشیندگان.

خداوندا! پشت سر هر نماز و در ساعاتی از اوقات شبم و در هر لحظه‌ای از لحظات روزانه‌ام، آنان را از خاطر من مبر. خداوندا بر محمد و آل محمد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۱

درود فرست و این دعایی را که در حق آنها می‌کنم موجب آمرزش ایشان قرار ده، و به خاطر احسانی که به من کرده‌اند مغفرت و رحمت خودت را شامل حال ایشان بفرما! و با این شفاعت و درخواست من رضایت حتمی از آنان داشته باش و با لطف جاودانه‌ات آنها را به سر منزل سلامت و عافیت دنیا و آخرت برسان. خداوندا! اگر مغفرت و رحمت تو در روز ازل بر آنها تعلق گرفته است،

پس گناهان مرا به خاطر شفاعت آنان ببخش و اگر از روز ازل مغفرت تو شامل حال من بوده است پس آنها را با شفاعت من مورد لطف خود قرار ده تا این که در عالم آخرت در اثر عنایت تو در سرای کرامت و جایگاه مغفرت و رحمت تو (بهشت برین) با هم و در کنار هم باشیم، زیرا تو خداوند صاحب فضل بی پایان و احسان قدیمی و تو مهربانترین مهربانانی.» (۱)

(۱) براستی که انسان تا به این مرحله از اخلاق بلند می‌رسد و به این مرتبه از تشخیص اخلاقی می‌رسد که مقصدش جامعه کمال یافته متحد، در سایه محبت و الفت و احترام متقابل است بویژه در زندگی خانوادگی که تهذیب فرد و بنای شخصیت وی از آنجا نشأت می‌گیرد.

امام علیه السلام در این فرازهای آخر از دعا از خداوند درخواست کرده تا پدر و مادرش را مشمول آموزش و رضوان خود سازد و به برکت دعای برایشان، آنان را ببخشد و به خاطر احسانی که به او کرده‌اند آنان را بیامرزد، راستی کدام محبت و رحمت به پدر و مادر نظیر این در جهان یافت می‌شود؟

(۱) صحیفه سجادیه: دعای بیست و چهارم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۲

(۱)

### امام علیه السلام با پسرانش

اما رفتار امام زین العابدین علیه السلام با فرزندانش چنان است که، به امتیاز تربیت والای اسلامی آنان ممتاز است، زیرا در دل‌های آنان نهال خصلت‌های نیک را غرس کرده و آنان را با هدف‌های والای اصلاحی آراسته نموده است تا بدان جا که به حکمت تربیت آن حضرت از چهره‌های درخشان رجال متفکر و دانشمند و فرزندان اسلام گردیدند؛ فرزندش امام محمد باقر علیه السلام از مشهورترین رهبران اسلام و از دانشمندترین آنهاست؛ وی صاحب مدرسه فقهی بزرگ است که از آنجا فقها و دانشمندان بزرگی امثال ابان بن تغلب و زرارۀ بن اعین و دیگر از روشنگران فضای زندگی معنوی جهان اسلام بیرون آمدند. و اما پسرش عبد الله باهر، از برجسته‌ترین علمای اسلام در فضیلت و مرتبه علمی بوده است، وی علوم زیادی را از پدر بزرگوارش نقل کرده است. (۱) و دیگر مردمان از قول او این علوم و مسائل را نوشته‌اند. اما پسر دیگر امام، جناب زید که از بزرگترین دانشمندان اسلام بوده و در علوم زیادی، مانند علم فقه، حدیث، تفسیر، کلام و دیگر علوم تخصصی داشته است و او بود که حقوق ستمدیدگان و محرومان را بنیان نهاد و در راه مبارزه آنان را رهبری کرد؛ در انقلاب جاودانه‌اش که آوازه‌سیسش در تمام جامعه بزرگ اسلامی پیچید و اثر مثبت و فعالی در نابود ساختن حکومت بنی امیه گذاشت.

به هر حال ما بطور اختصار به برخی از جهات رفتار و سلوک امام علیه السلام با پسرانش را بیان می‌کنیم:

(۱) غایة الاختصار: ص ۱۰۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۳

(۱)

### وصایای امام به پسرانش

امام زین العابدین علیه السلام با برخی از سفارش‌های تربیتی خود که خلاصه تجربیات دوران زندگی آن حضرت می‌باشد ایشان را

بهره‌مند ساخته است تا فرا راه زندگی آنها باشد و بر اساس آن حرکت کنند، که ما در ذیل به برخی از آن سفارشها اشاره می‌کنیم:

(۲) ۱- امام علیه السلام به یکی از پسرانش به گونه‌ای سفارش می‌کند که بر همه دوستان و یاران پرتو افکنده و اجتناب از هر کسی که دارای خصلتهای ناپسند است- از بیم آن که مبادا تجاوز و پلیدی از او به دوستانش سرایت کند- گوشزد می‌نماید و اینک عین عبارت امام:

«یا بنی انظر خمسة فلا تصاحبهم، ولا تحادثهم، ولا ترافقهم فی طریق، فقال له ولده: من هم؟ قال (ع) إياك و مصاحبة الكذاب فإنه بمنزلة السراب يقرب لك البعيد، و یبعّد لك القریب، و إياك و مصاحبة الفاسق فإنه بايعك بأكله أو أقل من ذلك، و إياك و مصاحبة البخيل فإنه یخذلك فی ماله، و أنت أحوج ما تكون إليه، و إياك و مصاحبة الأحمق فإنه یرید أن ینفعك فیضرك، و إياك و مصاحبة القاطع لرحمه فإنی وجدته ملعونا فی كتاب الله...» (۱)

«- پسر عزیزم! پنج کس را در نظر داشته باش و با آنان همنشینی مکن و همصحبت و رفیق راه مشو! عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود:

زنهار که با دروغگو همنشین شوی زیرا دروغگو چون سراب است، دور را نزدیک می‌نماید و نزدیک را دور. و مبادا با فاسق و بدکار همنشین شوی که تو را به یک لقمه و یا کمتر بفروشد. و مبادا با بخیل مصاحبت کنی

(۱) تحف العقول: ص ۲۷۹، البدایة و النّهایة: ۱۰۵/۹، وسائل الشّیعة.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۴

که او تو را در وقت حاجت و اگذارد. و زنهار از رفاقت با احمق که او به گمان خود می‌خواهد به تو سود رساند، زیان می‌رساند. زنهار از مصاحبت با قاطع رحم که من او را در کتاب خدا (قرآن مجید) ملعون یافتم.»

(۱) ۲- از جمله وصایای بلند امام به پسرانش این وصیت است که محتوای عمیقی را در بر دارد، و مشتمل بر وصایای مهمی می‌باشد با این عبارت:

«یا بنی اصبر علی النّائبة، و لا تتعرض للحقوق، و لا تجب أخاک إلی شیء مضرته علیک اعظم من منفعتك لك...» (۱)

«پسرم در برابر مصیبت بردبار باش، به حقوق دیگران تجاوز مکن و درخواست برادر مسلمانان را در موردی که زیانش برای تو بیش از منفعت آن است مپذیر.»

امام حکیم علیه السلام فرزندش را به استقامت و صبر در برابر مصائب و رویدادهایی که بر او وارد می‌شود و پایداری در برابر آنها سفارش کرده است زیرا که این خصلت از اموری است که به حفظ شخصیت و صلابت و استواری آن می‌انجامد، همان طور که به تعدی و تجاوز نکردن به حقوق مردم سفارش فرموده است زیرا این روش برای سلامت شخص اطمینان‌بخش تر است تا تجاوز به دیگران و مقابله به مثل، و همچنین سفارش کرده است که درخواست دوست را که زیانش بیش از منفعت آن است نباید پذیرفت.

(۲) ۳- از جمله وصایای امام علیه السلام به یکی از فرزندانش، این وصیت ارزشمند است که می‌فرماید:

«یا بنی إن الله لم یرضك لی فأوصاک بی، و رضینی لك فحذرنی

(۱) البیان و التّیین: ۷۶/۲، عقد الفرید: ۸۸/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۵

منک، و اعلم أن خیر الآباء للآبناء من لم تدعه المودة إلی التفریط فیہ، و خیر الأبناء للآباء من لم یدعه التّقصیر إلی العقوق له...» (۱)

«پسرم، خدای تعالی تو را نسبت به من راضی ندیده است از این رو (محبت) مرا به تو سفارش کرده و محبت و رضای مرا نسبت به



تو ملاحظه فرموده است بدین جهت مرا از تو بر حذر داشته، بدان که بهترین پدران نسبت به پسران کسی است که محبت فرزند او را از وظیفه‌اش باز ندارد و بهترین پسران برای پدران فرزندی است که محبت پدر باعث تقصیر او از وظیفه و در نتیجه عاق شدن او نگردد.»

(۱) این وصیت، مشتمل بر نکات ارزنده ذیل است:

الف- فرزندان در اعماق دلشان، آن محبتی که پدران نسبت به آنها دارند، آنها نسبت به پدرانشان ندارند، از این رو خدای تعالی در آیات زیادی از قرآن مجید تأکید بر ضرورت رعایت و اطاعت از ایشان را فرموده است.

ب- خدای تعالی به پدران هشدار داده است که مبادا پسرانشان منشأ فتنه و بدبختی ایشان گردند.

ج- آن تربیتی مؤثر است که پدران در محبت و علاقه به فرزندان راه افراط را پیمایند که این خود یکی از عوامل بی‌بنیادی شخصیت کودک می‌گردد و باعث می‌شود که کودک در برابر رویدادها توانایی ایستادگی و استواری را نداشته باشد که دانشمندان علوم تربیت و روان‌شناسی بر این مطلب سخت تأکید کرده‌اند.

د- بهترین پسران آنهایی هستند که به خدمت و احسان بر پدران کمر بسته‌اند و بدین وسیله از حدود تقصیر و عاق شدن پرهیز کرده‌اند.

۴- از جمله وصایای گرانقدر امام علیه السلام، این وصیت است که تنها

(۱) عقد الفرید: ۳/ ۸۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۶.

به پسرش امام باقر علیه السلام فرموده و او را از مصاحبت احمق و نادان بر حذر داشته است و در این وصیت چنین آمده است:

(۱) «یا بنی ایماک من مصاحبه الأحمق أو تخالطه، و اهجره، و لا تحادثه فإن الأحمق هجنه عیاب، غایبا کان أو حاضرا، إن تکلم فضحه حمقه، و إن سکت قصر به عیه، و إن عمل أفسد، و إن استرعی اضاع، لا علمه من نفسه یغنیه، و لا علم غیره ینفعه، و لا یطیع ناصحه، و لا یستریح مقارنه، تود أمه أنها ثکلته، و امرأته انها فقدته، و جاره بعد داره، و جلیسه الوحده من مجالسته، إن کان اصغر من فی المجلس أعنی من فوقه، و إن کان أكبرهم أفسد من دونه ...» (۱)

«پسر من! از دوستی و همنشینی با احمق پرهیز و با او معاشرت مکن و از او دوری کن و هم صحبت مشو، زیرا که احمق در حضور و غیاب در پی عیبجویی است؛ اگر سخن بگویند، نادانیش او را رسوا کند و اگر سکوت کند ناتوانیش در گفتار او را ناچیز جلوه دهد و اگر کاری انجام دهد آن کار را تباه و ضایع سازد، و اگر مسئولیتی را بر عهده گیرد آن را به تباهی کشد، دانش او باعث بی‌نیازیش نشود و دانش دیگران هم به وی سودی نرساند، نصیحت ناصحان را نپذیرد و دوستش از دست او در آسایش نباشد، مادرش (به خاطر نارضایتی از رفتار او) دوست دارد (تا او بمیرد) و در عزایش بنشیند، و همسرش مایل است چنان شوهری را نداشته باشد و همسایه‌اش می‌خواهد از او دور باشد، و دوستش تنهایی را بر همنشینی با او ترجیح می‌دهد، اگر در مجلسی از دیگران کوچکتر است دیگران را ناراحت کند و اگر از اهل مجلس بزرگتر است (با گفتار و رفتار ناپسندش) آنها را فاسد گرداند.»

امام علیه السلام در این سفارش به ضرورت دوری جستن از احمق تأکید

(۱) وسائل الشیعه: ۵/ ۴۲۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۷.

کرده است بدین جهت که در ارتباط با او بدیها و خلفهای چند برابری است که به نکبت و بیچارگی می‌انجامد و در ضمن عیبا و

کاستیهای احمق را نیز بیان کرده است.

(۱) ۵- از جمله وصایای بلند امام علیه السلام این وصیت است که پسرانش را نصیحت فرموده است:

«جالسوا أهل الدین و المعرفة، فإن لم تقدروا علیهم فالوحدة أنس و اسلم فإن ابیتم إلا مجالسة الناس فجالسوا أهل المروءات فإنهم لا یزمتون فی مجالسهم...» (۱)

«با دینداران و اهل معرفت همنشینی کنید و اگر به آنها دسترسی نداشتید تنها بودن برای شما بهتر و سالم‌تر است و اگر چاره‌ای نداشتید مگر این که با مردم همنشین شوید در آن صورت با جوانمردان همنشینی کنید که آنان در مجالس خود چیزی را تحمیل نمی‌کنند.»

این بود برخی از سفارشهای تربیتی امام علیه السلام به پسرانش که در این سفارشها راههای درست را برای سلوک و رفتار ایشان در زندگی این دنیا نشان داده است.

(۲)

### دعای امام علیه السلام به پسرانش

اما دعای امام درباره پسرانش، در نهایت شکوه و جلال است، درباره رفتار دلپذیر امام علیه السلام با ایشان و آداب والا و مکارم اخلاقی که برای ایشان آرزو داشت، مطالبی را نقل کرده‌اند که ما باید گوش فرا دهیم و توجه کنیم که آنها از گرانبهاترین سرمایه‌های تربیت اسلامی می‌باشند، از جمله می‌گوید:

(۱) رجال کشی: ص ۴۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۸

(۱) «اللهم و منّ علی بقاء ولدی، و یاصلاحهم لی، و بامتاعی بهم، الهی امدد لی فی اعمارهم، و زد لی فی آجالهم، و ربّ لی صغیرهم، و قو لی ضعیفهم، و اصحّ لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم، و عافهم فی انفسهم، و فی جوارحهم، و فی کلّ ما غنیت به من امرهم، و ادرر لی، و علی یدئی ارزاقهم، و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین، مطیعین لک و لأولیائک محبّین مناصحین، و لجمیع اعدائک معاندين و مبغضین آمین ...»

«خداوندا! با دادن عمری طولانی به فرزندانم و صالح قرار دادن ایشان برایم و بهره‌مند ساختن من از ایشان به من منت بگذار. خدایا به خاطر یاری کردن به من، عمر ایشان را زیاد کن و بر روزگار زندگیشان بیفزا و خردسالانشان را برایم پرورش ده و ضعیفانشان را نیرومند کن و بدنهای آنان و دین و اخلاقشان را قوی گردان، و در جان و اعضای بدنشان و در همه اموری که برای ایشان مهم است عافیت مقرر فرما. خداوندا روزی آنها را که بر عهده من و به وسیله من باید به آنها برسد زیاد کن، و آنان را از نیکان و پرهیزگاران بینا و شنوای حق قرار بده و از مطیعان خود و اولیائت و دوستداران و خیرخواهان گردان تا با دشمنان تو در ستیز بوده و دشمن آنان باشند، آمین ...»

(۲) این فرازهای دعای امام علیه السلام تجسم‌بخش روحانیت امام علیه السلام در روش تربیت کردن فرزندانش می‌باشد که تربیت آنان را بر اساس اصلاحی فراگیر و تهذیب نامحدود استوار کرده است و مطالب زیر را برای آنان خواسته است:

الف- خداوند با دادن عمری طولانی بر ایشان و صالح قرار دادن آنان تا باعث روشنی چشمش گردند منت گذارد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۹

ب- خداوند بر آنان احسان کند و به وسیله تندرستی و سلامتی جسم و جان و دین و اخلاقشان مورد لطف قرار دهد.

ج- جانها و ارواح آنان را عافیت بخشد و این کار را به وسیله پاک کردن ایشان از رذایل اخلاقی و گناهان انجام دهد.  
د- خداوند بر اعضای بدن ایشان عافیت مرحمت کند تا به بیماری و آفت جسمانی که باعث از کار افتادن آنهاست مبتلا نگردند.  
ه- خداوند روزی را بر امام و فرزندانش ارزانی بدارد و تلخی فقر و تنگدستی را بر ایشان نچشانند که از بدترین و نکبت آورترین مصیبت‌هاست.

و- خداوند بر آنچه رضای اوست، آنان را وادارد و ایشان را از کسانی قرار دهد که به سوی نیکیها می‌شتابند و به دستور خداوند متعال عمل می‌کنند.

ز- خداوند محبت دوستانش را بر دل آنها اندازد و آنها را دشمن دشمنان خود قرار دهد.

این توجه است که باعث همبستگی و انسجام خانواده می‌گردد، وقتی که فرزند بر این روش از اخلاق والا تربیت شد، نور چشم پدر می‌گردد.

و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرامی‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ اشدد بهم عضدی، و اقم بهم أودی، و کثر بهم عددی، و زین بهم محضری، و أحي بهم ذکری، و اکفنی بهم فی غیبتی، و اعنی بهم علی حاجتی و اجعلهم لی محبین، و علی حدین مقلین، مستقیمین لی، مطیعین غیر عاصین، و لا عاقین و لا مخالفین و لا خاطئین، و اعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برهم، و هب لی من لدنک معهم اولادا ذکورا، و اجعل ذلک خیرا لی، و اجعلهم لی عونا علی ما سألتک، و اعذنی و ذریتی من الشیطان الرجیم، فأنک خلقتنا و امرتنا و رهبتنا عقابه، و جعلت لنا عدوا یکیدنا، سلطته منا علی ما لم تسلطنا علیه منه، اسکنته

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۰

صدورنا، و اجریته مجاری دمانا لا یغفل ان غفلنا و لا ینسی ان نسینا یؤمننا عقابک، و یخوفنا بغیرک، ان هممنا بفاحشه شجعنا علیها، و ان هممنا بعمل صالح ثبطنا عنه، یتعرض لنا بالشهوات و ینصب لنا بالشبهات، ان وعدنا کذبنا، و ان مانا اخلفنا و الا تصرف عنا کیده یضلنا، و انا تقنا خباله، یتزلنا اللهم فاقهر سلطانه عنا بسلطانک حتی تحبسه عنا بکثرة الدعاء لک فصبح من کیده فی المعصومین بک ...»

«خداوندا! به وسیله آنان قدرت بازوان مرا بیشتر کن و به کمک آنها خرابی امور زندگیم را سامان ده. و شمار خانواده‌ام را با آنها زیادتر کن و انجمنم را با آنها بخش، و به وسیله ایشان نام مرا حفظ کن، و در نبودن من به وسیله ایشان زندگی مرا کفایت کن و آنان را دوستدار من قرار ده، و همواره دلهاشان را به سوی من معطوف فرما، در حالی که مطیع من باشند و سرپیچی نکنند و راه خطا را نپویند و مرا در تأدیب و تربیت و نیکی به حقشان یاری فرما. و افزون بر آن فرزندان ذکور دیگری مرحمت کن و وجود آنان را برای من مایه خیر و برکت قرار ده و ایشان را در راه آنچه از تو درخواست کردم یار و یاور من گردان، خداوندا من و فرزندانم را از شر شیطان رجیم حفظ کن که تو ما را آفریده و به امور نیک فرمان داده‌ای و از کارهای بد نهی کرده‌ای و به پاداش و ثواب ما را راغب ساخته‌ای و با وعده کیفر و عذاب بیم داده‌ای و از طرفی خودت برای ما دشمنانی (از جن و انس) قرار داده‌ای که می‌توانند ما را بفریبند و آنها را- در حالی که ما بر ایشان تسلط نداریم- بر ما مسلط کرده‌ای، به حدی که وارد جان و دل ما شده و همچون خون در رگهای ما بدونند، هر چند ما از آنها غافل باشیم آنها لحظه‌ای غافل نیستند و اگر ما آنها را فراموش کنیم، آنها ما را فراموش نمی‌کنند و ما را از عذاب تو (به فریب)

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۱

ایمن می‌سازند ولی در مقابل از عذاب دیگران می‌ترسانند، و اگر ما به کار زشتی گرایش پیدا کنیم آنها به انجام آن تشویق می‌کنند و اگر به سمت کار نیکی برویم ما را با فریب خود به شک و تردید وامی‌دارند و شهوات نفسانی را در نظر ما جلوه

می‌دهند و کارهای ناپسند را خوب جلوه‌گر می‌سازند، هر وعده‌ای که بدهند، دروغ می‌گویند و اگر به چیزی امیدوار سازند از انجام آن سرباز می‌زنند. خداوند اگر تو مکر و فریب آنها را بازنگردانی، آنها ما را سخت گمراه می‌سازند و اگر تو به رحمت و لطف ما را حفظ نکنی آنها ما را می‌لغزانند و به نابودی می‌کشانند.

خدایا! قدرت و غلبه آنها را به قدرت خود مغلوب و مقهور فرما تا با دعای بسیار ما به درگاهت ما را از شر ایشان حفظ کنی و ما به لطف تو از کید دشمن در امان مانیم و از جمله پاکان و معصومان گردیم...»

(۱) این بخشهای نورانی از دعای امام علیه السلام مشتمل بر دو امر است:

اولا- امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرده تا آنچه را که امیدوار است و درباره اولاد پاکش آرزو دارد، عملی سازد و از جمله آرزوها و امیدهای امام درباره اولادش موارد ذیل است:

۱- به وسیله آنان توان بازویش را افزون و نیرومند گرداند، زیرا که فرزند صالح قوت و توان پدر است.

۲- به کمک آنان کجیها و نابسامانیها امور زندگی را سر و سامان بخشد.

۳- بدان وسیله تعداد خانواده‌اش را زیاد کند، تا خاندانی پرجمعیت و از نظر مردم قابل ملاحظه باشند.

۴- با آنها انجمنش را زینت بخشد که این خود با آداب و اخلاق برجسته ایشان میسر است.

۵- در نبود امام، به وسیله آنان امور زندگی را بچرخانند و این نیز با

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۲

اقدام بر انجام کارها میسر است.

۶- در موارد نیاز به او کمک کنند و تنها نگذارند.

۷- خدای متعال مهر و محبت پدرشان را در دل آنان قرار دهد تا مطیع اوامر او باشند و از نافرمانی او و نارضایی‌اش دوری کنند.

براستی فرزندان اگر به این صفت شایسته آراسته باشند و چنین اخلاصی نسبت به پدرانشان داشته باشند، تمام مشکلات و مصائب دنیا بر آنها هموار می‌شود و در دوران پیری که زمان ضعف و ناتوانی است در رفاه و آسایش خواهند زیست.

(۱) ثانیاً- امام علیه السلام خود و فرزندانش را از شرّ شیطان رجیم که دشمن شماره یک انسان است و آدمی را در منجلاهای بدبختی و معاصی و گناهان می‌افکند به خدا پناه برده است. امام علیه السلام به تسلط شیطان و سیطره او بر انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: که او در اعماق نفوس آدمیان جا گرفته و در تمام زوایای وجودش نفوذ دارد و مطالب دیگری را بیان کرده است، از جمله:

۱- شیطان آدمی را با فریب و نیرنگ به ارتکاب معاصی وامی‌دارد و مجازاتی را که خداوند به بندگان گنهکار وعده داده، آسان وانمود می‌کند همچنان که انسان را از غیر خدا بیمناک می‌سازد بطوری که بیش از آن که از خداوند خوف و خشیت داشته باشد از آنان می‌ترسد.

۲- انسان، وقتی که در پی معصیت برود، شیطان او را نسبت به خدا گستاخ می‌کند و هر چه بیشتر او را به ارتکاب گناه وامی‌دارد تا آنجا که غرق در گناه می‌گرداند.

۳- انسان وقتی که به کار خیر توجه کرد و به آنچه باعث تقرب به خداست همت گمارد، شیطان از او می‌رمد و دلگیر می‌شود تا آن که سرانجام از او دست بر می‌دارد.

۴- شیطان به وسیله شهوت نفسانی انسان را فریب می‌دهد و شهوات را در چشم انسان جلوه‌گر می‌سازد تا این که مطیع و تسلیم آنها شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۳

۵- شیطان شبهات و اوهام را که باعث دوری انسان از درگاه خدا می‌گردد، در دل آدمی می‌افکند.

(۱) پس از اینها، امام علیه السلام می‌گوید تمام وعده‌های شیطان به آدمیان دروغ و فریب و بی‌اساس است و هیچ گونه واقعیتی ندارد سپس از خداوند درخواست می‌کند تا کید و مکر شیطان را از همه مؤمنان برطرف کند تا این که به دام او گرفتار نشوند ... اکنون به آخرین فراز از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ اعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، و اقض لي حوائجي، و لا تمنعني الإجابة، و قد ضمنتها لي و لا تحجب دعائي عنك، و قد امرتني به، و امنن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي و آخرتي ما ذكرت منه، و ما نسيت، او اظهرت، و اجعلني في جميع ذلك من المصلحين بسؤالي اتيك، المنجحين بالطلب اليك غير الممنوعين بالتوكّل عليك المعوّذين بالتعوّذ بك، الزابحين في التجارة عليك المجارين بعزك الموسع عليهم الرزق الحلال من فضلك الواسع بجدك و كرمك، المعزّين من الدّل بك، و المجارين من الظلم بعدلك، و المعافين من البلاء، برحمتك، و المغنين من الفقر بغناك، و المعصومين من الذنوب و الزلل و الخطا بتقواك و الموفقين للخير و الرشد و الصواب بطاعتك، و المحال بينهم و بين الذنوب بقدرتك، الثاركين لكلّ معصيتك، الساكنين في جوارك، اللهم اعطنا جميع ذلك بتوفيقك و رحمتك، و اعذنا من عذاب السّعير، و اعط جميع المسلمين و المسلمات، و المؤمنين و المؤمنات مثل الذي سألتك لنفسي و لولدي، في عاجل الدنيا و آجل الآخرة، أنّك قريب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۴

مجیب، سمیع علیم، عفو غفور، رءوف رحیم، و آتنا فی الدّنيا حسنة، و فی الآخرة حسنة، و قنا عذاب النار ...» (۱)

«خداوندا آنچه را که درخواست کردم، مرحمت کن، و حوائجم را برآورده ساز و از قبول شدن دعایم محروم مگردان، زیرا که خود اجابت دعا را ضمانت کرده‌ای. خداوندا میان من و قبولی دعایم که خود امر فرموده‌ای، حجابی قرار مده، و با اصلاح امور دنیا و آخرتم که در دعا، یاد کردم و یا فراموشم شد، به زبان آوردم یا نیاوردم، ظاهر کردم و یا مخفی داشتم بر من ممت بگذار و مرا در تمام این موارد از جمله صالحان درخواست کننده قرار بده، از کسانی که با درخواست از پیشگاه تو رستگار شدند و با توکلی که داشتند از اجابت دعایشان محروم نمانند. و از جمله پناهندگان به درگاهت و کسانی که در معامله با تو سود بردند و نیز از جمله کسانی که از ظلم و ستم ستمگران در امان بوده و در اثر فضل تو روزی وسیع و حلال نصیبشان شده است قرار ده. و مرا در زمره بندگانی قرار ده که در اثر اظهار ذلت و خواری در بندگیت به عزت رسیده‌اند و در سایه عدل تو از هر ظلمی رسته‌اند و به رحمت و لطف تو از هر بلایی نجات یافته و با توسل به غنای ذاتی تو از کابوس فقر رها شده‌اند و در اثر ترس از عذابت از هر لغزش و خطا پاک گشته‌اند و به وسیله اطاعت و بندگیت توفیق کار خیر و صواب نصیبشان شده است و با رحمت خود بین آنها و گناهان فاصله انداخته‌ای بطوری که معاصی را ترک گفته و در جوار رحمت تو آرمیده‌اند. ای خدای مهربان! آنچه را که در این دعا از درگاهت طلبیدم به توفیق و لطفت به من عطا کن و مرا از عذاب آتش دوزخ نگهدار و به همه مردان و زنان مسلمان و با ایمان نظیر آنچه را که من برای خود و فرزندانم درخواست کردم، در دنیا و آخرت مرحمت فرما زیرا که تو به همه کس نزدیک و اجابت کننده

(۱) صحیفه سجادیه: دعای بیست و پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۵

دعایی، شنوا و دانا، بخشنده و آمرزنده، مهربان و رءوفی! و در دنیا و آخرت نیکی به ما عطا کن و ما را از آتش جهنم بازدار.»  
(۱) درود بر تو ای زین العابدین! به قدری حکمت و فصل الخطاب بر تو ارزانی داشته‌اند که جز به پدرانیت که در قله فصاحت، بلاغت و حکمت در جهان عرب و اسلام قرار دارند، به هیچ کس دیگری نداده‌اند.

امام علیه السلام در این فرازها دعایش از اخلاص فراوان و توجه و طاعت و دلبستگی به خدا و از همه چیز بریدن و به او پیوستن

خود پرده برداشته است زیرا که از خداوند درخواست کرده تا آنچه را که خواسته مرحمت کند و تمام حوائجش را برآورد و با اصلاح امور دنیا و آخرتش بر او منت بگذارد و او را از کسانی قرار دهد که هدف از استجابت دعایش اصلاح امور او باشد و بیشتر در درگاه او تذلل کند و خود را به خدایی بسپرد که حقایق همه اشیاء در دست اوست. آنگاه از خدای متعال درخواست کرده تا به همه مردان و زنان مسلمان و مؤمن نظیر آنچه را که به او و فرزندانش در دنیا و آخرت مرحمت کرده است، عنایت کند. آری امام علیه السلام فرزندانش را نیز با چنین روش راهنمایی و هدایت که تجسم بخش جوهره اسلام و واقع ایمان است تربیت فرموده است از این رو فرزندان آن حضرت از پرهیزگارترین فرزندان اسلام و در امور دینی از همگان برازنده‌تر بوده‌اند.

(۲)

### امام با بردگانش

امام زین العابدین علیه السلام با بردگان خود با رفق و مدارا و محبت و احسان و همچون پسران خود رفتار می‌کرد و آنها را مشمول نیکی و خیرخواهی و احسان خود قرار می‌داد، بطوری که در سایه محبت آن حضرت به قدری مدارا و تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۶

احسان می‌دیدند که در سایه پدرانشان ندیده بودند. راویان اخبار می‌گویند، هرگز آن بزرگوار کنیز یا غلامی را مجازات نکرد حتی اگر مرتکب گناهی هم شده بودند. «۱» امام علیه السلام غلامی داشت، روزی دو مرتبه او را صدا زد، او جواب نداد، مرتبه سوم امام (ع) با لطف و مدارا به او فرمود:

- «پسرم! آیا صدای مرا نشنیدی؟» - «چرا شنیدم» - «پس چرا جواب ندادی؟» - «چون می‌دانستم از مجازات در امانم.»

امام علیه السلام با شنیدن این سخن از خانه بیرون شد در حالی که خدا را حمد و سپاس می‌گفت و می‌فرمود:

«سپاس خدای را که برده مرا از من در امان قرار داده است.» «۲»

امام علیه السلام خوش حال بود که سخت دل و ستمگر نیست تا مردم از او بترسند و یا از او بر حذر باشند.

(۱)

### امام با همسایگان

امام زین العابدین علیه السلام از همه کس به همسایگانش مهربانتر بود، همواره چنان رعایت حال آنان را می‌کرد که از خانواده خودش رعایت می‌کرد به ضعفها و تنگدستان ایشان رسیدگی می‌کرد، از بیمارانشان عیادت می‌فرمود و جنازه مردگانشان را تشییع می‌نمود و هیچ نوع از احسان نبود که نسبت به همسایگان

(۱) بحار الانوار: ۱۰۳/۴۶.

(۲) تاریخ دمشق: ۱۵۵/۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۷.

انجام ندهد، حتی در دل شبهای تاریک. چنان که زهری نقل کرده است «۱» برای همسایگان ناتوان و افتاده‌اش آب می‌برد و در تاریخ انسانیت چنین نیکی و نیکوکاری نظیر ندارد.

(۱)

## دعای امام برای همسایگان

امام زین العابدین علیه السلام به نیکی و احسان و انواع محبت به همسایگان اکتفا نمی‌کرد بلکه برای آنها دعا می‌کرد و از خداوند برای ایشان توفیق و نیکی و تقوا می‌طلبید همان طوری که برای خود و اعضای خانواده‌اش دعا می‌کرد و این خوبیها را از خداوند مسألت می‌نمود. و براستی همسایگان مورد توجه امام بودند و در دعاهاى شریف خود بخصوص آنان را مورد توجه قرار داده و به شرح ذیل به آنها دعا می‌کرد:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّئِنِي فِي حَيْرَانِي، وَ مَوَالِيَّ وَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَ لَائِتِكَ، وَ وَقِّعْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ، فِي أَرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلْتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرَشِدِهِمْ، وَ مَنَاصِحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نَصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حَسَنِ مَوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونَ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ اعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ ...

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در کمک و مساعدت به همسایگانم و شیعیانی که عارف بر حق ما هستند و از دشمنان ما بیزارند،

(۱) بهجۀ الابرار.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۸

به لطف خاص خودت موفق بدار و به آنان توفیق عنایت فرما تا سنتهای تو را پابرجا دارند و دستورهای نیک تو را با یاری ضعیفان و رفع حوایج آنان و عیادت از بیماران و راهنمایی یکدیگر به خیر و صلاح، بخوبی ادا کنند، و هنگام مشورت، راه حق را به یکدیگر نشان دهند و در مشورت با هم خیانت نکنند و هر کدام که برای حاجتی مراجعه کرد دیگری به تعهد خویش عمل کند و اسرار یکدیگر را فاش نکنند و عیب یکدیگر را بر ملا نسازند و از ستمدیدگان یاری کنند و در وقت کمک به یکدیگر گذشت و مؤاسات کنند، و حاجت هم را پیش از آن که اظهار کنند برآورده سازند.»

امام علیه السلام با این دعاهاى با برکت، همسایگان خود را مشمول دعای خویش فرموده و بخصوص آنانی را که عارف و مؤمن به حق اهل بیت علیهم السلام هستند که خدای تعالی محبت آنان را فرض کرده و پیامبر خدا- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- ایشان را کشتیهای نجات و ایمن بندگان خدا و راهنمایان بر طریق رضا و طاعت خدای تعالی دانسته است مورد دعای خاص خود قرار داده است.

(۱) و از جمله در فرازهای دعای امام آمده است:

۱- خداوند آنان را برای برپا داشتن سنت اسلام و احیای واجبات و تعلیمات دینی موفق بدارد.

۲- خداوند ایشان را توفیق دهد و برای کسب محاسن آداب الهی به شرح ذیل، هدایت کند:

الف- به ضعیفان یکدیگر ارفاق و محبت کنند.

ب- برای برآوردن احتیاجات همسایگان خود همت گمارند و در امور دنیوی به ایشان کمک کنند.

ج- هر کدام از برادر دینیش بهنگام بیماری عیادت کند.

د- اگر کسی راهنمایی خواست او را ارشاد و راهنمایی کند.

ه- به کسانی که نظرخواهی و رایزنی می‌کنند، از نظر خیرخواهانه و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۹

نصیحت کامل دریغ نورد.

و- برادران همسایه که از سفر می‌آیند، به دیدارشان بشتابند و تجدید دیدار کنند.

ز- اگر کسی از همسایگان راز دلش را به او گفت باید سر او را پوشیده دارد و نزد مردمان فاش نکند.

ح- هر کدام معایب دیگری را بپوشانند و بر ملا- نکنند زیرا بر ملا- کردن عیب، باعث هتک حرمت و از میان رفتن کرامت او می‌گردد.

ط- به کمک و یاری همسایگان ستم‌دیده بشتابند و آنها را تنها نگذارند زیرا در آن صورت ستمگری گسترش می‌یابد و عدالت رخت می‌بندد.

ی- در امور اقتصاد با یکدیگر مواسات کنند و نگذارند که فقر و تنگدستی ضعیفان و تهیدستان را رنج دهد.

ک- با پرداخت کمکهای مالی و برآوردن حاجت نیازمندان پیش از آن که اظهار کنند، به کمک ایشان بشتابند زیرا که درخواست باعث ذلت شخص فقیر می‌گردد.

این بخشهای از دعای امام در حقیقت مهمترین مواد نظام اجتماعی اسلام است که هدفش فراهم آمدن جامعه‌ای در فضای آکنده از محبت و انس و علاقه به یکدیگر است و همچنین تمام عوامل تفرقه و موجبات فساد اجتماعی را از میان می‌برد.  
(۱) اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

واجعلنی اللهم اجزی بالإحسان مسیئهم، و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم، و استعمل حسن الظن فی کافتهم، و اتولی بالبر عامتهم، و اغض بصری عنهم عفتهم، و الین جانبی لهم تواضعا، و ارق علی اهل البلاء منهم رحمة، و اسرّ لهم بالغیب مودّة، و احبّ بقاء النعمة عندهم نصحا، و أوجب لهم ما أوجب لحامتی، و أرعی لهم ما أرعی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۰

لخاصّتی، اللهم صلّ علی محمّد و آله، و ارزقنی مثل ذلك منهم و اجعل لی أوفی الحظوظ فی ما عندهم، و زدهم بصیرة فی حقّی و معرفة بفضلی حتّی یسعدوا بی، و أسعد بهم آمین ربّ العالمین.» (۱)

«ای خداوند مهربان به من توفیق بده تا بتوانم در مقابل بدی برادران دینی‌ام احسان کنم و با احسان آنان را از کار بد بازدارم و از ستمی که نسبت به من روا می‌دارند درگذرم، و نسبت به همه آنان خوشبین باشم، و با همه آنان به مهربانی رفتار کنم و چشمم نسبت به همه چیز آنان پاک باشد و رفتارم با همگی نرم و مهربان باشد و درباره آنان متواضع باشم و به آن دسته از همسایگان که به مصیبتی دچار شده‌اند دلسوز باشم و در نبودن ایشان مدافع و دوست آنان بوده و بقای نعمت ایشان را خیرخواهانه از تو مسألت نمایم. و درباره آنان همان محبت و رفتار را داشته باشم که در هنگام ضرورت درباره خانواده‌ام دارم. خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست و همسایگانم را نسبت به من همان‌طور قرار ده که از درگاهت خواستار شدم، تا من هم از نعمتهایی که در دست آنهاست بهره‌مند شوم.

به آنان بینش بیشتری درباره من و اطلاع از فضیلت من مرحمت فرما تا با استفاده از من خوشبخت گردند و من هم به وسیله ایشان خوشبخت شوم، دعای مرا اجابت فرما ای پروردگار عالمیان!» (۱) براستی مهمترین درخواست امام در این فرازهای دعا، این است که مراحم خود را به ایشان برساند و هر چه بیشتر آنها را مشمول خدمات خویش بفرماید، از جمله موارد زیر است:

۱- به کسی که بدی کرده، در برابر نیکی و احسان کند، تاریشه

(۱) صحیفه سجاده: دعای بیست و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۱

شرارت را از دل و جان کسی که بدی کرده برکند.

۲- از کسی که به او ستم روا داشته و به حق او تجاوز کرده درگذرد و مقابله به مثل نکند، این همان سیره و رفتار جدش رسول



خدا- صلی الله علیه و آله- است که به افرادی که نسبت به آن حضرت ستم کرده بودند کمال گذشت و چشم‌پوشی را داشت.  
۳- نسبت به همسایگانش خوشبین باشد و به کسی از ایشان سوء ظن نداشته باشد که خوش‌بینی باعث می‌شود تا مردم با محبت و همدلی و همیاری زندگی کنند.

۴- نسبت به همه همسایگانش- چه ضعیف و یا توانمند و چه دشمن و یا دوست- نیکی و احسان فرماید.

۵- از باب تواضع با ایشان به نرمی و مدارا رفتار کند نه آن که تندخو و خشن باشد.

۶- نسبت به کسانی که دچار مصیبتی هستند دلسوز باشد و به ایشان احسان کند و برای آنان دعای خیر نماید.

۷- در اعماق قلبش محبت و رحمت نسبت به همسایگان داشته باشد.

۸- (با وسعت نظر) بقا و دوام نعمت آنان را دوست بدارد.

۹- با ایشان به احسان و نیکی رفتار کند همچون رفتاری که با خویشان و بستگان خود دارد.

۱۰- چنان از ایشان مواظبت کند که از نزدیکان خود مواظبت می‌نماید.

براستی این اخلاق برجسته و بلند که تجسم‌بخش جوهر و واقعیت اسلام است، به گونه مثبتی انسانها را به ساختن جامعه‌ای تکامل یافته و همفکر و با عاطفه دعوت می‌کند.

به هر حال امام علیه السلام پس از آن که این عواطف ارزنده را در برابر همسایگانش ابراز می‌دارد آرزو می‌کند آنان نیز نسبت به آن حضرت چنان باشند که او نسبت به ایشان با محبت و مودت است، همان گونه که از خداوند مسألت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۲

نموده تا از نعمتهای آنان بهره‌مند شود و به ایشان ببینش و آگاهی بیشتری نسبت به فضیلت آن حضرت مرحمت کند و آنان را برای رعایت حقوق آن بزرگوار موفق بدارد.

(۱)

### رفتار امام با همنشینان

اما راه و رفتار امام علیه السلام با همنشینانش، از برجستگی ویژه آداب بلند و خلق عظیم اسلامی برخوردار بود، بطوری که به تمام معاشران خود احترام می‌کرد و آنان را گرامی می‌داشت، چنان که خود آن حضرت فرمود:

«هرگز کسی با من نشست مگر فضیلت او را پاس داشتم.» (۱)

امام علیه السلام همنشینان خود را گرامی می‌داشت و به آنها الطاف زیادی می‌کرد و با اخلاق والای خود برخورد می‌نمود. روزی نصر بن اوس بر آن حضرت وارد شد، امام علیه السلام خوش آمد گفت و فرمود:

- «از کدام قبیله‌ای؟» - «از قبیله طی» - «مرحبا به تو و مرحبا به قومی که تو به آنها نسبت داری، خوب قبیله‌ای است قبیله تو!» مرد طائی نگاهی به امام کرد و عرض کرد:

- «شما خودتان را معرفی کنید؟» - «من علی بن حسین هستم» - «آیا علی بن حسین با پدر بزرگوارت در کربلا کشته نشد؟» امام علیه السلام با محبت‌هایی شیرین فرمود:

«اگر شهید شده بود که تو هم اکنون او را نمی‌دید!» (۲)

(۱) بهجة المجالس و انس المجالس: ۴۶/۱ از یوسف قرطبی.

(۲) تاریخ دمشق: ۱۴۵/۳۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۳

مورخان می‌گویند: امام علیه السلام به خود اجازه نمی‌داد تا کسی از همنشینانش نسبت به کسی که به او بدی کرده جسارتی کند، روزی یکی از دشمنان امام علیه السلام بر آن حضرت وارد شد رو به امام کرد و گفت:

«آیا تو با نماز آشنایی داری؟» ابو حازم که یکی از اصحاب امام در خدمت آن حضرت بود خواست تا طرف را تنبیه کند، امام ابو حازم را منع کرد و فرمود:

«ابو حازم دست نگهدار! همانا دانشمندان بردبار و مهربانند.»

سپس رو به آن مرد کرد و با محبت فرمود:

«آری با نماز آشنایم.»

آن مرد بعضی از مسائل نماز را پرسید، امام علیه السلام جواب داد، شرمنده شد و شروع به عذرخواهی کرد و گفت: «شما حجت را بر همه تمام کردید.» «۱» حقا که روش امام علیه السلام با همنشینان خود و دیگران همان رفتار جدش رسول گرامی (ص) بود که برای کامل ساختن مکارم اخلاق مبعوث گشته بود.

(۱)

### رفتار امام با شیعیان

امام زین العابدین علیه السلام با شیعیان خود چنان رفتار می‌کرد تا آنان برای دیگر مسلمانان در پارسایی و تقوا و زهد دینی سرمشق شایسته‌ای باشند، در راه تربیت و تهذیب اخلاق والای اسلامی شیعیان کوشید و مواعظ و نصایح زیادی فرمود و آنان را بر تقوا و عمل نیک واداشت تا آنجا که به یکی از شیعیان خود فرمود:

(۱) بهجۀ الابرار.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴

«أبلغ شیعتنا أنه لن یغنی عنهم من الله شیء، و ان ولایتنا لا تنال إلا بالورع.» «۱»

«به شیعیان ما بگو! هیچ چیز ایشان را در برابر خداوند بی‌نیاز نمی‌کند و همانا ولایت ما اهل بیت شامل حال کسی نمی‌شود مگر کسی که دارای تقوا باشد.»

براستی پرهیز از محرمات الهی از جمله مهمترین وسایل نجات انسان از عذاب و کیفر الهی است همان طوری که از موفقترین راههای رسیدن به ولایت اهل بیت علیهم السلام که خود دژی از دژهای الهی بودند.

(۱) گروهی به خدمت امام سجاد علیه السلام شرفیاب شدند و خودشان را معرفی کردند که از شیعیان هستند، امام علیه السلام بدقت به سیمای آنان نگرست و در چهره آنها آثار تقوا و صلاح ندید، فرمود:

«نشانه چهره‌های شما و اثر عبادتتان کجاست؟ آثار سجده‌هایتان کو؟»

شیعیان ما به عبادت و اضطرابشان شناخته می‌شوند، آثار عبادت در ایشان پیدا و پیشانی و مواضع سجده‌شان پهن شده و شکم‌هایشان خالی و لب‌هایشان پژمرده، چهره‌هایشان برافروخته است، بیدار خوابی شبها آنها را فرسوده و ترک آمال و امور دنیا رغبت را از ایشان بریده است موقعی که دیگران خاموشند ایشان خدا را تسبیح می‌گویند و در هنگامی که مردمان در خوابند، آنان نماز می‌گذارند و در وقت شادی مردم آنان غم‌گینند، ایشان را به تقوا می‌توان شناخت، و دل آنان به بهشت مشغول است.» «۲»

براستی، این صفاتی را که امام علیه السلام بیان فرموده است بطور چشمگیر و فراوان در خواص شیعه و اطرافیان ائمه علیهم السلام،

وجود داشت؛

(۱) در التنظيم: ص ۱۷۳.

(۲) صفات الشیعه، از جمله کتابهای خطی کتابخانه آقای حکیم در نجف.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۵

امثال عمار بن یاسر، ابو ذر، سلمان فارسی، میثم تمار و نظایر ایشان، آن کسانی که نفوس خود را به تقوا و صلاح آراسته و به جان و دل پیام اسلام را پذیرا شده بودند.

اما اکثریت قاطع از شیعیان که بی تردید از پیروان و دوستان اهل بیت علیهم السلام هستند، شکی نیست که دوستی ائمه علیهم السلام باعث آموزش است و دلیل بر این مطلب روایتی است که از آن حضرت نقل شده است، موقعی که بیمار بود و جمعی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای عیادت آمدند و عرض کردند.

- «فدایت شوم، حالتان چطور است؟» - «خوبم، خدا را برای عافیتم شکر گزارم، حال شما چطور است؟» - «یا بن رسول الله، ما در حال دوستی و محبت شما هستیم.»

آنگاه امام علیه السلام آنان را به خاطر دوستی اهل بیت (ع) به بهشت بشارت داد و فرمود:

«هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد، در روز قیامت که سایه‌ای جز سایه خدا نیست در سایه گسترده خود، جای دهد و هر که ما را به خاطر پاداشی از جانب ما دوست بدارد، خداوند بهشت را پاداش او قرار دهد و هر کس به خاطر دنیا ما را دوست بدارد، خداوند او را از جایی که انتظار ندارد روزی دهد.» (۱)

(۱)

### روایتی ساختگی

از جمله روایات ساختگی که ابن عساکر آن را نقل کرده این است که

(۱) نور الابصار: ص ۱۲۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۶

گروهی از مردم عراق به حضور امام زین العابدین علیه السلام شرفیاب شدند، امام، رو به ایشان کرد و فرمود:

«ای مردم عراق ما را به محبتی که زیننده اسلام است دوست بدارید و چون دوست داشتن بتها دوست مدارید، چنان نباشید که محبت شما نسبت به ما باعث ننگ ما باشد!» (۱)

بدیهی است که این روایت را ساخته‌اند تا مقام شیعه را پایین بیاورند و بگویند که شیعه در محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام غلو می‌کند و آنان را تا مقام خدای بزرگ می‌رساند، این تهمتی است ناروا که هیچ سند درستی ندارد.

همانا محبت شیعه نسبت به ائمه طاهرين علیهم السلام بر اساس اندیشه و آگاهی و مستند به قرآن و سنت متواتره است و هیچ گونه شائبه غلو وجود ندارد. مهمترین ویژگی دوستی شیعیان نسبت به ائمه اهل بیت (ع) آن است که احکام دینی خود را از ایشان می‌گیرند و به آنچه از ایشان رسیده است در دوران زندگی خود پای بند می‌باشند و تردیدی نیست که پیروی از فقه اهل بیت (ع) و استناد به آن در مقام عمل، ما را نسبت به واقعیت کفایت می‌کند، آیا این مطلب، غلو و باعث انحراف از دیانت است؟

همین روایت به صورت دیگری که در آن کنایه زدن به شیعه هم نیست، نقل شده، یحیی بن سعید می‌گوید: نزد علی بن حسین

علیهما السلام بودم، گروهی از مردم کوفه آمدند، امام علی بن حسین (ع) به ایشان فرمود: «ای مردم عراق! ما را به محبت اسلامی دوست بدارید، زیرا که من از پدر بزرگوارم شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرموده است ای مردم! مرا بالاتر از حدّ خودم نبرید، که خدای عزّ و جلّ مرا بنده خود قرار داده، پیش از آن که پیامبر خود سازد.» (۲)

(۱) تاریخ دمشق: ۱۵۷/۳۶.

(۲) الذّریة الطّاهرة: ص ۲۹ خطی موجود در کتابخانه امام امیر المؤمنین به شماره: ۴۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۷.

در این روایت چیزی که باعث تردید شود وجود ندارد.

(۱)

### امام (ع) تقیه را برای شیعه ضروری می‌داند

امام زین العابدین علیه السلام، با توجه به شرایط دشوار و خفقان‌آوری که وجود داشت، تقیه را برای شیعیانش لازم می‌دانست، زیرا که حکومت اموی با دقت تمام دستداران اهل بیت علیهم السلام را زیر نظر داشت تا همه آنان را از صفحه روزگار براندازد، این بود که دستور امام علیه السلام، بر اساس حکمت و مطابق با روح و حقیقت اسلام مبنی بر لزوم تقیه و مخفی داشتن شیعیان خود به شرح زیر صادر شد:

«خداوند هر گناهی را از مؤمن می‌آمرزد و او را در دنیا و آخرت پاک و پاکیزه می‌سازد، غیر از دو گناه: یکی ترک تقیه و دیگری ضایع کردن حقوق برادران دینی.» (۱)

براستی که تقیه باعث شد تا در آن روزگار سیاه خون شیعیان حفظ شود.

حکومت اموی در همه جا در پی شیعیان و در تعقیب آنها بود، و کشتار و نابودی را بین آنان گسترش داده بود، تا بدان جا که اگر کسی را به یهودی و نصرانی بودن متهم می‌کردند بهتر بود تا آن که متهم شود، شیعه آل محمد- صلوات الله علیه- است، از این رو شیعه به کسی می‌گفتند که نسبت به اهل بیت علیهم السلام- به خاطر تقیه- کینه ورزیده و هیچ توجهی به آنان ندارد، و نمی‌دانستند که این یک ضرورت مسلم اسلامی است و اگر آنان پایبند تقیه نبودند هیچ کس با اعتقاد به ولایت ائمه طاهرین (ع) باقی نمی‌ماند.

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۰۲ به نقل از محاسن برقی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۸.

(۱)

### استغفار امام برای گنهکاران شیعه

محبت امام زین العابدین علیه السلام به شیعیان و دستدارانش تا بدان جا رسیده بود که همه روزه برای گنهکاران ایشان طلب مغفرت می‌کرد، امام، به ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر فرمود:

«من هر روز و هر شب برای گنهکاران از شیعیانم صد مرتبه دعا می‌کنم، زیرا ما در برابر مصائبی صبر می‌کنیم که از آنها باخبریم،

اما شیعیان ما در برابر مصائبی که از (نتایج) آنها بی‌خبرند، شکیبایند.» (۱)

این حدیث شریف بر میزان دل‌بستگی امام علیه السلام و محبتش نسبت به شیعیان دلالت دارد، که برای گنهکارانشان طلب مغفرت و رضوان می‌نمایند، برآستی کدام نیکی و احسان بالاتر از این نیکی و احسان است؟! (۲)

### رفتار امام (ع) با دشمنان

اما رفتار امام علیه السلام با دشمنان و کینه‌توزان و ستمکاران با گذشت و بخشش و احسان و نیکی همراه بوده است. مورخان می‌گویند: اسماعیل بن هشام مخزومی، والی مدینه بشدت کینه و عداوت اهل بیت علیهم السلام را در دل داشت و در اذیت و آزار امام زین العابدین علیه السلام بسیار کوشا بود و به خاطر تقرب به حاکمان دمشق، پدران بزرگوار امام را بر روی منبر دشنام می‌داد، موقعی که ولید بن عبد الملک روی کار آمد، به دلیل اختلافاتی که پیش از رسیدن به

(۱) وافی: ۱۸۳/۲، عیون المعجزات: ص ۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۹

ملک و سلطنت بین آنها بود، او را برکنار ساخت و از او به بدی یاد کرد و به مردم اعلام کرد تا هر کس هر حقی دارد از او بازپس گیرد. ابن هشام بیش از همه کس از امام زین العابدین علیه السلام - به خاطر دشمنی و عداوت زیادی که داشت - نگران بود و می‌گفت: من از هیچ کس بجز علی بن حسین علیهما السلام نمی‌ترسم، زیرا که او مرد صالحی است خلیفه حرف او را درباره من می‌پذیرد.

اما امام علیه السلام به یاران و دوستانش فرمود مبادا باعث ناراحتی او شوید. با او ملاقات کرد و با چهره‌ای گشاده با وی روبرو شد و پیشنهاد کرد تا در مدت گرفتاریش نسبت به رفع حوائجش کمک نماید، فرمود:

«ای پسر عم! خدا ترا عافیت دهد، من از آنچه بر سر تو آمده است ناراحت شدم، آنچه دوست داری از ما بخواه!» هشام از دیدن این همه محبت پریشان شد و از روی تعجب عرض کرد:

«خداوند بهتر می‌داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد و به کسی که اراده‌اش تعلق گرفته است بسپارد.» (۱)

اکنون به دعایی گوش فرا می‌دهیم که برای دشمنان و ستمکارانی که به آن حضرت ستمها کرده‌اند طلب مغفرت می‌کند و می‌گوید:

(۱) «اللَّهُمَّ وَايْمَا عَبْد نَال مَنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَانْتَهَك مَنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ فَمَضَى بِظِلَامَتِي مَيْتًا، وَاحْصَلْتُ لِي قَبْلَهُ حَيًّا، فَاعْفُ لِي مَا أَلَمَّ بِهِ مَنِّي، وَاعْفُ لِي عَمَّا أَدْرَبَ بِهِ عَنِّي، وَلا تَقْفُ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبْتُ فِيَّ، وَلا تَكْشِفْ عَمَّا اكْتَسَبْتُ بِهِ، وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتَ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَتَبَرَّعْتَ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ وَاعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرَّبِينَ، وَعَوْضِي مِنَ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوُكَ، وَ مِنْ

(۱) حیاة الامام محمد الباقر: ۱/ ۳۵، طبقات ابن سعد: ۵/ ۲۲۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۰

دعائی لهم رحمتك حتى يسعد كل واحد منا بفضلك، و ينجو كل منا بمنك ...» (۱)

«خداوندا به هر کدام از بندگان که به وسیله ارتکاب گناهی آزاری رسیده و یا نتوانسته‌ام از عیبهای آنان پرده‌پوشی کنم و از دنیا رفته‌اند در حالی که نتوانسته‌ام از ایشان عذرخواهی کنم و یا از جانب آنها به من آزاری رسیده و اکنون در قید حیاتند، اگر من

حقی دارم آنها را بخشیدم تو هم با لطف و رحمت آنان را عفو فرما و به وسیله آن عمل بدی که درباره من کرده‌اند آنها را در عالم برزخ متوقف مفرما و پرده از خلافتی که کرده‌اند بر مدار و به لطف و احسانت این بخشش مرا نسبت به آنان صدقه و احسان قرار ده و این صدقه مرا بالاترین صدقه مقربان در گاهت مقرر فرما و در عوض گذشت من از ایشان تو هم از تقصیرات من در گذر و به جای دعای خیر من در حق آنان، تو نیز کرم و رحمت را شامل حال من بفرما! تا این که همه ما با فضل و کرم تو سعادت‌مند شویم و در اثر جود و بخشش نجات یابیم..»

حقا که امام زین العابدین علیه السلام در تاریخ بشریت - بجز پدران - نسخه بی نظیری است، که در رفتار و سلوکش دنیایی از شرف و بزرگی و انسانیت می‌باشد بعدی که زبان از توصیفش عاجز و کلمات از احاطه و یا اشاره به آن قاصر است.

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای سی و هشتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۱

## خصوصیات روحی امام علیه السلام

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۳

(۱) خصوصیات روحی امام خداوند هیچ فضیلت و یا موهبت والایی را نیافریده است که باعث تشخیص انسان باشد مگر این که آن فضیلت از جمله عناصر شخصیت و ذاتیات امام زین العابدین علیه السلام بود، هیچ کس در ویژگیها و خصوصیات روحی که بیانگر آداب بلند و اخلاق والا و تقوای شدید دینی است، همتای آن حضرت نمی‌باشد. و ممکن نیست کسی سیره ارزشمند امام علیه السلام را مطالعه کند مگر این که در برابر آن حضرت سر تسلیم و تعظیم فرود آورد و بیش از حد در شگفتی بماند و تمام بزرگان اسلام از معاصران آن بزرگوار را در برابر انبوهی از فضایل و برازنده‌گیهای آن حضرت ناچیز بشمارد. سعید بن مسیب که یکی از بزرگان علمای مدینه است می‌گوید:

«من هرگز کسی را بالاتر از علی بن الحسین علیهما السلام ندیده‌ام، و هیچ گاه او را ندیدم مگر آن که از خودم بیزار شدم.» (۱) آری صفات والای وی، او را تا قله شرف و بزرگی رسانیده بود، تا آن حد که پدران بزرگوارش رسیده بودند، آنانی که زندگی خود را در راه اصلاح اجتماعی گذراندند. و ما اینک از بعضی خصوصیات روحی و عناصر نفسانی آن

(۱) تاریخ یعقوبی: ۴۶ / ۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۴

حضرت گفتگو می‌کنیم.

(۱)

### بردباری

اما بردباری که یکی از صفات انبیا و مرسلین و از مهمترین و برجسته‌ترین صفات انسانی است، و از سیطره آدمی بر نفس و تسلیم نشدن وی در برابر انگیزه‌های خشم و انتقام سرچشمه می‌گیرد به وفور در آن امام به چشم می‌خورد جاحظ می‌گوید:

«علی بن حسین بهنگام شدت خشم با وجود قدرت، انتقام نمی‌گرفت.» (۱)

امام زین العابدین علیه السلام از همه کس بردبارتر بود و بیش از هر کسی خشم خود را فرو می‌خورد، راویان و مورخان رویدادهای زیادی از شکیبایی آن حضرت را نقل کرده‌اند که از آن جمله است:

(۲) ۱- امام علیه السلام کنیزی داشت که هر وقت می‌خواست برای نماز وضو بسازد، آب به دست آن حضرت می‌ریخت (روزی می‌خواست آب بریزد) ظرف آب از دستش به روی سر و صورت آن حضرت افتاد و شکست، کنیز بلافاصله گفت:

«خدای عز و جل می‌فرماید: وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ. (۲)»

و امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«من خشمم را فرو خوردم.»

کنیز، از بردباری و بزرگواری امام، در طمع شد و درخواست مراحم بیشتری نموده و عرض کرد:

(۱) تهذیب الاخلاق: ص ۱۹.

(۲) بخشی از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، که از جمله صفات پرهیزگاران می‌فرماید: «و فروخورند گان خشم».

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۵

«و العافین عن النَّاسِ» (۱) امام علیه السلام از روی لطف و محبت فرمود:

«خداوند از تو بگذرد.»

کنیز با شنیدن جمله امام، عرض کرد:

«و اللّٰه یحبّ المحسنین» (۲) امام علیه السلام با لطف و احسان بیشتری رو به کنیز کرد و فرمود:

«برو، تو آزادی ...» (۳)

(۱) ۲- از جمله رویدادهای مربوط به بردباری امام علیه السلام، داستان مردی بی‌شرم و فرومایه است که با امام روبرو شد و بی‌دلیل

شروع کرد به ناسزا و دشنام دادن، امام علیه السلام با نهایت لطف فرمود:

«ای جوان! عقبات سختی در پیشروی ماست، اگر من از آن عقبات بگذرم از آنچه تو گفتی باکی ندارم اما اگر در آنجا سرگردان

بمانم، حال من بدتر از آن است که تو گفتی ...» (۴)

امام سجاد علیه السلام با تمام وجود و عواطفش به خدا و گرفتاریهای عالم آخرت که جز پرهیزگاران کسی از آنها در امان نیست،

متوجه بود و چنان دلش را مشغول می‌داشت که هرزه‌گویی آن شخص فرومایه- سخنی برخاسته از باطنی فاقد اخلاق و ادب-

کمترین تأثیری در او نگذاشت.

(۲) ۳- از جمله آثار حلم امام علیه السلام آن که روزی از مسجد بیرون آمد، مردی شروع کرد به ناسزا گفتن، مردم خواستند انتقام

بگیرند و به او صدمه‌های

(۱-۲) بخش دیگری از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، یعنی: ... آنانی که از بدی مردم در گذرند، خداوند دوستدار نیکوکاران است.

(۳) تاریخ دمشق: ۳۶/۱۵۵، نهاییه الادب: ۲۱/۳۲۶.

(۴) بحار الانوار: ۴۶/۹۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۶

بزنند، امام علیه السلام آنها را منع کرد و رو به آن مرد کرد و فرمود:

«آنچه را که از اعمال ما نمی‌دانی و خداوند از تو پوشیده داشته بیشتر است! آیا حاجتی داری که برآورده سازم؟» آن مرد با شنیدن سخنان امام، شرمنده شد و می‌خواست که زمین او را فرو ببرد، امام علیه السلام وقتی که آن حال را دید، رقت کرد، عبای سیاهی را که بر دوش داشت به سمت او انداخت و دستور داد تا هزار درهم به او دادند. به این ترتیب ریشه عداوت بی‌دلیل نسبت به مردم را از دل آن مرد بیرون آورد و او را به راه حق و راستی بازگرداند و چنان شد که هرگاه امام علیه السلام را می‌دید، عرض می‌کرد: براستی که شما از اولاد پیامبرانید. «۱»

(۱) ۴- داستان دیگری از حلم امام علیه السلام نقل کرده‌اند که مرد فرومایه‌ای به امام علیه السلام جسارت کرد و او را دشنام داد، امام صورت مبارکش را از او برگرداند، آن مرد با مشاهده آن عمل، رگهای گردنش پر شد و رو به امام کرد و گفت: «با تو هستم...»

امام علیه السلام فوری در پاسخش فرمود:

«من هم (با توجه به برخورد تو) از گناه تو چشم پوشیدم.»

امام، او را ترک کرد و رفت و مقابله به مثل نکرد، «۲» در حالی که آن مرد سخت برآشفته و خشمگین بود.

(۲) ۵- از جمله دلایل عظمت حلم آن حضرت داستان مردی است که به امام علیه السلام تهمت زد و هر چه توانست جسارت کرد، سپس امام رو به آن مرد کرد و فرمود:

(۱-۲) البدایة و النّهایة: ۱۰۵ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۷

«اگر آنچه درباره من گفתי، چنانم، از خدا می‌خواهم که مرا بیامرزد و اگر نه، آنچه گفתי در من نیست، خدای تعالی از گناه تو بگذرد.»

آن مرد با شنیدن سخنان امام متحیر شد و شروع کرد به عذرخواهی و عرض کرد:

«فدایت شوم، آنچه گفتم، شما چنان نیستید، بلکه من سزاوارتر بدانهایم، مرا ببخشید.»

امام علیه السلام پس از مشاهده این حالت با لبخندی که حکایت از رضایت و بخشش آن حضرت داشت رو به آن مرد کرد و فرمود:

«خداوند از تو درگذشت.»

آن مرد در حالی که از محضر امام علیه السلام بر می‌گشت که سخت شگفت زده و قلبش آکنده از بزرگداشت و عظمت امام بود و با خود می‌گفت: خدا می‌داند که مقام رسالت خود را در خاندانی قرار دهد که خود می‌خواهد. «۱»

(۱) ۶- داستان دیگری از بردباری امام علیه السلام نقل کرده‌اند: مردی از دودمان زبیر در خدمت حضرت بود، مردی به او رسید، ضمن تعدی به او، دشنام و ناسزا گفت، آن مرد زبیری صورت از او برگرداند. وقتی که آن مرد رفت، زبیری از جا برخاست و شروع کرد به دشنام دادن به امام علیه السلام و جسارت می‌کرد در حالی که امام ساکت بود و جوابی نمی‌داد، زبیری رو به امام کرد و گفت:

«چه باعث شده است که جواب مرا نمی‌دهی؟» امام از روی لطف و مدارا فرمود:

«آنچه که باعث شد تو جواب آن مرد را ندهی همان باعث شد که من هم جواب تو را ندهم!» «۲»



(۲) الکامل میزد: ۸۰۵ / ۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۸

این بود برخی از حالات کم‌نظیری که مورخان درباره شکیبایی آن حضرت نقل کرده‌اند که خود بیانگر وسعت فضایل بی‌مانند امام علیه السلام و اوصافی است که آن بزرگوار تا برترین درجه کمال انسانی بالا برده است.

(۱)

### صبر امام

از جمله عناصر روحی امام علیه السلام، صبر در برابر مصائب و گرفتاریهای دردناک است. آنچه مسلم است هیچ‌کسی در این دنیا بمانند این امام بزرگوار گرفتار مصیبت‌ها نشده است؛ مصائب و شداید از آغاز تا پایان عمر آن بزرگوار را احاطه کرده بود؛ هنوز در نخستین مراحل کودکی بود گرفتار مصیبت بی‌مادری شد در حالی که هنوز از سرچشمه زلال مهر و محبت او سیراب نشده بود و هنوز در او ان کودکی بود که شاهد سوز و گداز خاندان و فامیل خود در فقدان جدش امام امیر المؤمنین شد که عبد الرحمن بن ملجم جنایتکار، او را به قتل رساند و در پی بی‌آن، شاهد بود که عمویش امام بزرگوار حسن بن علی علیه السلام بناچار به مصالحه با جانی فرزند جانی؛ معاویه بن ابی سفیان که لکه ننگی بر دامن جهان اسلام و عرب بود تن داد زیرا وقتی که وی بر اریکه حکومت تکیه زد، تمام انگیزه‌های جاهلیت دوباره زنده شد و کینه‌توزی فوق‌العاده وی نسبت به اسلام و مسلمین آشکار گردید؛ او تمام امکانات دولت خود را برای نابودسازی اسلام از عرصه وجود به کار گرفت و سخت‌ترین راه و روش را بر ضد اهل بیت علیهم السلام به اجرا در آورد دشنام و ناسزا را روی منابر و مأذنه‌ها بر آنان مقرر داشت و همچنین دستور داد تا تمام شیعیانی را که نمونه‌ها و تجسم عینی دین و سیاست اسلامی بودند از صفحه روزگار براندازند.

هنگامی که امام زین العابدین در بهار جوانی بود به مصیبت وفات عمویش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۹

امام حسن ریحانه رسول خدا (ص) دچار شد که توسط کسرای عرب، «۱» معاویه فرزند هند به آن حضرت زهر دادند و این حادثه در وجود امام و دیگر افراد خاندان پیامبر (ص) اندوهی عمیق به جا گذاشت و این غم بزرگ دل آنان را گداخته نمود.

(۱) و از جمله مصائب بزرگی که امام علیه السلام بدان مبتلا شد، مشاهده شمشیرهای جنایتکاران در بیابان کربلا بود در حالی که سرهای پاکان از اهل بیت عصمت علیهم السلام را به صورت دردناکی که در تاریخ هیچ ملت و امتی سابقه نداشت از تنها جدا می‌کرد و پس از به خاک و خون کشیدن این منادیان حق و عدالت، خیانتکاران فرومایه از مردم کوفه و شام، امام زین العابدین و خاندان عترت را محاصره کردند و خیمه و خرگاه پرده‌نشینان نبوت را آتش زدند و آن بزرگواران را به اسارت نزد طاغوتی پست فرومایه (پسر مرجانه) بردند و آن نابکار با دشنام و زخم زبان و جسارت با آن حضرت برخورد کرد در حالی که امام علیه السلام صبر کرده و امر خود را به خدا واگذارده بود و پس از آن او را به نزد نابکاری دیگر یعنی یزید بن معاویه بردند و غمها و مصیبت‌هایی که دلها را می‌گذاخت یکی پس از دیگری بر قلب مقدس امام وارد می‌شد و آن حضرت تمام این مصائب کشنده را- در حالی که راضی به قضای الهی بود- تحمل می‌فرمود. کجا روح و جانی چون روح و روان امام و کدام دل چون دل امام (ع) است؟

اما روح و روانش در وقت هر گرفتاری که پیش می‌آمد متوجه آفریدگار هستی و خداوند هستی‌بخش بوده و دلش همواره پاک و پاکیزه و از هر چیز استوارتر و نستوه‌تر بود.

براستی صبر و مقاومت در برابر مصائب از جمله ویژگیها و ذاتیات آن حضرت بود، و از آن بزرگوار است که در توصیف و تعریف

صبر و ایستادگی فرمود:

«صبر و مقاومت در رأس طاعت خداست.» (۲)

(۱) این عنوان را خلیفه دوم به معاویه داد.

(۲) امام زین العابدین للمقرم: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۰

و از جمله دلایل عظمت صبر آن حضرت آن است که روزی صدای ناله و شیونی از اندرون خانه‌اش شنید در حالی که جمعی در خدمت آن بزرگوار نشسته بودند از جا بلند شد تا ببیند چه خبر است، عرض کردند یکی از پسرانش دار دنیا را وداع گفته است، برگشت و جریان را به اطلاع اصحابش رساند، همگی از صبر آن حضرت در شگفت ماندند امام علیه السلام رو به ایشان کرد و فرمود:

«ما خانواده‌ای هستیم که درباره آنچه دوست داریم مطیع فرمان الهی بوده و در پیشامدهایی که باعث ناخشنودی ماست، حمد و سپاس خدا را می‌گوییم.» (۱)

و آن بزرگوار، صبر را یکی از غنیمتها و بی‌تابی را از آثار ضعف و ناتوانی می‌دانست. (۲)

براستی که نیرو و توان شخصیت امام و از پا در نیامدنش در برابر حوادث کشنده، از جمله نوادر شخصیت‌های تاریخ به شمار می‌آید.

(۱)

### عزت و بزرگواری امام

از جمله خصلت‌های ذاتی امام زین العابدین علیه السلام، عزت و بزرگواری آن حضرت است که از پدر بزرگوارش سید الشهداء علیه السلام به ارث برده است که در راه عزت و کرامتش با اشتیاق و رغبت به استقبال مرگ شتافت، در حالی که اراذل و اوباش او را بین شهادت و زبونی و ذلت مخیر کرده بودند آن بزرگوار، شهادت را برگزید و با این جمله آن فرومایگان را مخاطب قرار داد:

«به خدا قسم، من هرگز چون افراد زبون دست ذلت و خواری به شما نمی‌دهم و چون بردگان تسلیم شما نمی‌شوم...»

(۱) حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۳۸.

(۲) الدر التظیم: ص ۱۷۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۱

در امام زین العابدین علیه السلام، این خصلت ارزنده بخوبی تجسم یافته بود، می‌فرمود:

«من دوست ندارم که خودم را به خاطر نعمتهای رنگارنگ دنیا خوار کنم.» (۱)

و درباره عزت نفس می‌گوید:

«هر که شخصیت خودش را گرامی دارد، دنیا در نظر او خوار گردد.» (۲)

(۱) وقتی که امام سجاد علیه السلام را به شام به اسارت بردند، به هیچ کدام از مأموران نگهبان خویش کمترین پیشنهادی نکرد، چنان که با هیچ یک از ایشان به اهانت و تحقیر سخن نگفت.

مورخان می‌گویند: یکی از عموهای امام علیه السلام بناحق بعضی از حقوق او را تصرف کرد، آن بزرگوار در آن زمان در مکه بود و ولید بن عبد الملک هم که پادشاه زمان بود، در موسم حج به مکه آمده بود، به حضرت عرض کردند:

اگر شما به ولید بفرمایید حق شما را به شما بر می‌گرداند؟ در پاسخ کسانی که این پیشنهاد را کردند، این سخن جاودانه را که در دنیای شرف و بزرگواری مانده است به ایشان فرمود:

«آیا می‌گویید که در حرم خدای عزّ و جلّ، از غیر خدای عزّ و جلّ من چیزی درخواست کنم؟! من دوست ندارم که دنیا را از آفریننده دنیا درخواست کنم تا چه رسد که آن را از مخلوقی همانند خودم بخواهم.» (۳)

از جمله آثار عزّت نفس آن بزرگوار آن است که از راه خویشاوندی و

(۱) خصال شیخ صدوق: ص ۲۴.

(۲) بحار الأنوار: ۱۳۵ / ۷۸.

(۳) بحار الأنوار: ۶۴ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۲

انتسابش به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- هرگز درهمی نخورد. (۱) مورخان داستانهای زیادی از عزّت نفس و بزرگواری امام را نقل کرده‌اند که حکایت از زیر بار ذلّت و خواری نرفتن وجود مقدس آن حضرت است.

(۱)

### شجاعت امام

از جمله ویژگیهای روحی امام علیه السلام شجاعت و دلاوری است و امام سجاد از همه مردم شجاع‌تر و بی‌باکتر بود، براستی که او فرزند امام حسین علیه السلام می‌باشد که شجاعترین فرزندان آدم است.

از جمله موارد شجاعتش، موقعی بود که او را به عنوان اسیر بر طاغوت زمان عبید الله پسر مرجانه، وارد کردند، آن طاغوت ستمگر ابتدا شروع کرد به سخنان تسلی بخش گفتن، اما امام علیه السلام در مقابل، با کلماتی آتشین پاسخ داد بطوری که برای طاغوت فرومایه، از فرود آمدن شمشیرها و ضربات تازیانه بدتر بود، در صورتی که امام علیه السلام کمترین توجهی به سلطنت و قدرت او نکرد پسر مرجانه به شدت خشمگین شد و رگهای گردنش پر شد؛ دستور داد تا آن حضرت را بکشند. اما امام علیه السلام هیچ ترس و بیمی به خود راه نداد و بی‌تابی نکرد بلکه با کمال آرامش فرمود:

«کشته شدن عادت ما خانواده، و شهادت برای ما کرامتی از جانب خداست.»

همچنین موقعی که او را بر یزید بن معاویه هم وارد کردند، امام علیه السلام با نهایت جرأت با وی روبرو شد و جرم بزرگی را که او مرتکب شده

(۱) مجالس ثعلب: ۲ / ۴۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۳

بود گوشزد کرد و تمام راههایی را که او برای دفاع از خود و صحیح جلوه دادن جنایت خود داشت بر او بست.

براستی که امام سجاد وارث شجاعت پدرانش: علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام بود که از همه کس شجاع‌تر بودند و در دنیای اسلام و غیر اسلام کسی به شجاعت ایشان نبوده و در قهرمانی و دلاوری و نیروی اراده و صلابت در دفاع از حق و حقیقت نظیر نداشته و ندارند.

(۱)

## تواضع امام

از جمله خصوصیات بارز روحیه امام، برکناری آن حضرت از هر نوع خودخواهی است، و خودخواهی هیچ گونه نفوذی در آن بزرگوار نداشت.

مورخان داستانهای زیادی از تواضع آن حضرت نقل کرده‌اند، از آن جمله وقتی که قصد سفری داشت با افرادی مسافرت می‌کرد که او را شناسند تا خود شخصا به خدمت و احسان به آنان پردازد نه آن که کسی از ایشان به وی خدمت کند، یک بار با گروهی مسافرت کرد که او را نمی‌شناختند اما در آن میان مردی به آن حضرت نگاه کرد و آن حضرت را به جای آورد فریاد برآورد:

«وای بر شما آیا می‌دانید این مرد کیست؟» - «نه نمی‌دانیم.»

- «این علی بن حسین (ع) است.»

افراد کاروان با شنیدن این سخن همگی به سمت امام علیه السلام دویدند و دست و پای مبارک آن حضرت را بوسیده و عرض می‌کردند:

«پسر پیغمبر! آیا می‌خواهید ما را در آتش دوزخ بسوزانید؟ چه چیز باعث شد که شما خودتان را معرفی نفرمایید؟» امام علیه السلام با صدای آرام و رقت‌آوری فرمود:

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۴

«زمانی با جمعی مسافرت کردم که مرا می‌شناختند، آنان برای خشنودی رسول خدا (ص) بیش از آن چه مستحق بودم به من محبت و مهربانی کردند، از این رو من ترسیدم که شما هم مثل آنها رفتار کنید، از این جهت مخفی داشتن حال خود را دوست تر داشتم.» (۱)

از جمله دلایل برکناری امام از صفت ناپسند خودخواهی این است که هر وقت از راهی می‌گذشت و چیزی از سنگ و کلوخ در راه می‌دید که باعث ناراحتی رهگذران می‌شود، از مرکب پیاده می‌شد و با دست مبارکش آن را از سر راه دور می‌کرد. «۲» و هر وقت سوار بر استر عبور می‌فرمود؛ به کسی نمی‌گفت: کنار برو، و می‌گفت:

«راه مال همه است و من حق ندارم کسی را از راه کنار بزنم.» (۳)

حقا که در آن وجود مقدس تمام صفات پیامبر (ص) که بدان وسیله بر همه انبیا رجحان داشت - تجسم یافته بود، که از برجسته‌ترین آن صفات آداب والا و مکارم اخلاق بود.

(۱)

## احسان به مردم

از ویژگیهای امام زین العابدین علیه السلام، احسان و نیکی به مردم است؛ قلب شریفش آکنده از مهر و محبت به مردم بود. مورخان می‌گویند: ممکن نبود که امام بداند کسی وامی‌دارد مگر این که وامش را می‌پرداخت. «۴» و او از

(۱) عیون اخبار الرضا: ۲ / ۱۴۵ و قریب به این مضمون در الکامل میرد: ۲ / ۴۸۲ آمده است.

(۲) امام زین العابدین: ص ۷۰.

(۳) سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۲۴۰، تاریخ دمشق: ۳۶ / ۱۶۱.

(۴) الامام زید از ابو زهره: ص ۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۵

همه کس زودتر به رفع نیاز دیگران اقدام می‌کرد تا مبادا دیگری زودتر اقدام نماید و او از اجر و ثواب آن کار خیر محروم بماند و می‌فرمود:

«اگر دشمن من حاجتی داشته باشد و به من عرضه کند، من هر چه زودتر نیاز او را بر طرف خواهم کرد تا مبادا دیگری بر من پیشی بگیرد و او را از من بی‌نیاز کند و من از فضیلت آن محروم شوم.» (۱)

از جمله داستانهای محبت آن بزرگوار به مردم روایتی است که زهری نقل کرده، می‌گوید: در خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام بودم، مردی از اصحابش شرفیاب شد، عرض کرد: من مردی عیالوارم چهار صد دینار مقروضم و قادر به پرداخت آن نیستم.

در آن زمان نزد امام علیه السلام چیزی موجود نبود تا به او پردازد این بود، که اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود:

«کدام غم و مصیبت از این بالاتر که مؤمن آزاده‌ای ببیند برادر مؤمنش مشکلی دارد و نتواند آن را برطرف کند.» (۲)

(۱)

### بخشندگی امام

اما بخشندگی نیز یکی از ویژگیها و صفات ذاتی آن بزرگوار بود، تمام مورخان بر آنند که آن حضرت از همه مردم بخشنده‌تر و دست و دل بازتر و نسبت به فقرا و مستمندان نیکوکارتر بود. داستانهای فراوانی از بخشش و کرم آن بزرگوار نقل کرده‌اند که از جمله موارد زیر است:

(۲)

### داستان محمد بن اسامه

محمد بن اسامه مریض شد، امام علیه السلام به عیادت او رفت. وقتی که

(۱) ناسخ التواریخ: ۱۳/۱.

(۲) امالی صدوق.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۶

کنار بستر او نشست، محمد شروع به گریستن کرد، امام علیه السلام فرمود:

- «چرا گریه می‌کنی؟» - «وامی دارم.»

- «چقدر وام داری؟» - «پانزده هزار دینار.»

- «من قبول می‌کنم.»

و امام علیه السلام از مجلس برنخاست، مگر آن که آن مبلغ را پرداخت، (۱) و کابوس وحشتناک وام و اندوه او را برطرف ساخت.

(۱)

### اطعام عمومی

از آثار بزرگوار و بخشندگی آن حضرت این است که همه روزه در مدینه اطعام عمومی می‌کرد و در وقت ظهر در منزل خودش

بار عام می‌داد. (۲)

(۲)

**اداره کردن صد خانواده**

از آثار جود فراوان امام آن که صد خانوار را در مدینه بطور پنهانی «۳» اداره می‌کرد که هر خانوار شامل چند تن بودند. «۴»

(۱) البدایه و النهایه: ۹/ ۱۰۵، سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۹، تاریخ اسلام: ۲/ ۲۶۶، الحلیه: ۳/ ۱۴۱.

(۲) تاریخ یعقوبی: ۳/ ۶.

(۳) تهذیب اللغات و الأسماء: ص ۳۴۳.

(۴) بحار الأنوار: ۴۶/ ۸۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۷

براستی سخاوت دلیل بر آن است که شخص بخشنده از بخل برکنار است و نسبت به مردم احساس محبت دارد و سپاسگزار خدا در برابر نعمتهای اوست.

(۱)

**توجه به مستمندان****اشاره**

از خصوصیات ذاتی و ویژگیهای آن حضرت توجه و محبت به مستمندان و محرومان و بیچارگان بود که بخشی از موارد آن را نقل می‌کنیم:

(۲)

**الف - احترام امام به فقرا**

امام علیه السلام برای مستمندان احترام قائل بود و عواطف و احساسات ایشان را در نظر داشت و هرگاه به سائلی چیزی می‌داد آن را می‌بوسید تا اثر ذلت و نیازمندی را در آن احساس نکند. «۱» و چنان بود که هرگاه کسی به او مراجعه می‌کرد، می‌فرمود:

«خوش آمدی، مرحبا به کسی که بار مرا برای سفر آخرت به دوش می‌کشد و به سرای آخرت می‌رساند.» «۲»

براستی احترام مستمند، آن هم تا این حد از مهر و محبت باعث همبستگی جامعه و گسترش محبت در میان افراد جامعه می‌گردد.

(۳)

**ب - توجه امام به فقرا**

امام سجاد علیه السلام نسبت به فقرا و مستمندان بسیار مهربان و رؤوف بود و دوست داشت که بر سر سفره‌اش یتیمان و بیچارگان، از کار افتادگان و

(۱) حلیة الأولیاء: ۳/ ۱۳۷.

(۲) صفة الصفوة: ۲/ ۵۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۸.

مستمندانی که هیچ راهی برای ادامه زندگی ندارند، حضور پیدا کنند و خود شخصا به دست مبارکش از آنها پذیرایی می‌کرد، «۱» همان طوری که برای ایشان غذا و هیزم به پشت می‌گرفت و به خانه آنها می‌برد و به ایشان می‌رساند. «۲» و تا آنجا حال فقرا را رعایت می‌کرد و به ایشان توجه می‌فرمود که راضی نبود محصول درخت خرما را شب- به خاطر آن که فقرا در آن وقت حضور نداشتند- جمع کند تا مبادا آنها از استفاده آن محروم بمانند. روزی به آن کسی که امور منزل امام را اداره می‌کرد به خاطر این که محصول درخت خرمایی را آخر شب جمع کرده بود فرمود:

«این کار را مکن مگر نمی‌دانی که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- از چیدن میوه و بریدن درخت خرما در شب نهی کرده است. و بارها می‌فرمود: یک خوشه را به هر کس که خواست می‌دهی و روز چیدن محصول، این حق اوست.» «۳»

(۱)

### نهی امام، از رد سائل

امام علیه السلام از رد کردن سائل و محروم داشتن او نهی می‌فرمود، به این دلیل که چندین پیامد بد دارد، از جمله نابودی نعمت و فرا رسیدن بلا و گرفتاری است. سعید بن مسیب روایت کرده می‌گوید روزی در خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام شرفیاب بودم، موقعی که نماز صبح را خواند، سائلی در زد، امام علیه السلام فرمود:

«به سائل چیزی بدهید و او را دست خالی رد نکنید.» «۴»

(۱) بحار الانوار: ۶۲/ ۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۶۲/ ۴۶ و در دائرة المعارف بستانی (۹/ ۳۵۵) نیز قریب به این عبارات آمده است.

(۳) وسائل الشیعه: ۶/ ۱۳۸.

(۴) کافی: ۴/ ۱۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۹.

و امام علیه السلام در روایات زیادی بر این مطلب تأکید فرموده است.

(۱) ابو حمزه ثمالی روایت کرده می‌گوید: روز جمعه‌ای در مدینه نماز صبح را در خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام خواندم، وقتی که امام از نمازش فارغ شد برخاست و به داخل منزل رفت و من هم در خدمت او رفتم، کنیزی داشت به نام سکینه، او را صدا زد و فرمود:

«نباید گدایی از در خانه من عبور کند مگر آن که او را اطعام کنید، آخر امروز روز جمعه است.»

ابو حمزه می‌گوید: عرض کردم: مولای من همه گداها مستحق نیستند، فرمود:

«ابو حمزه! من از آن می‌ترسم که بعضی از افراد سائل مستحق باشند و ما او را غذا ندهیم و دست رد به سینه او بزنیم و در نتیجه آنچه بر یعقوب و اهل بیتش نازل شد بر ما اهل بیت نازل شود، به آنها اطعام کنید، اطعام کنید! همانا حضرت یعقوب هر روز گوسفند نری را سر می‌برید و مقداری را صدقه می‌داد و بقیه را خود و خانواده‌اش می‌خوردند اتفاقاً سائلی با ایمان و روزه‌داری مستحق- که در نزد خداوند متعال مقامی داشت- روز جمعه‌ای موقع افطار به در خانه یعقوب آمد و فریاد زد: به من سائل غریب

گرسنه مقداری از زیادی خوراکتان را بدهید! افراد خانواده یعقوب، صدای او را شنیدند، اما نمی‌دانستند که او مستحق است یا نه و حرف او را باور نکردند، وقتی که او ناامید شد در تاریکی شب دست خالی از آنجا رفت و آن شب را با شکم گرسنه به سر برد، در حالی که از گرسنگی خود به پیشگاه خدا شکوه داشت، از طرفی یعقوب و خانواده‌اش آن شب براحتی خوابیدند و در حالی که مقداری غذا که از خوراکتان زیاد آمده بود در نزد آنها موجود بود، بامداد آن شب خداوند به حضرت یعقوب وحی کرد؛ تو بنده ما را خوار کردی و با این عمل باعث خشم من شدی و باید تو را ادب کنم و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۰

عقوبت و بلا-یم را بر تو و بر اولاد تو نازل گردانم، ای یعقوب! محبوبترین انبیا در نزد من و از همه گرامیتر آن پیامبری است که بر بندگان در مانده‌ام رحم کند و آنها را به خود نزدیک سازد و در صورتی که جا و منزلی دارد- به ایشان اطعام نماید. ای یعقوب! چرا به بنده من که در عبادت خود کوشا و از ظاهر دنیا به اندکی قانع بود، رحم نکردی ... به عزت و جلالم سوگند که بلا-یم را بر تو نازل کنم و تو را و فرزندان تو را هدف مصائب گردانم.» (۱)

ابو حمزه می‌گوید: عرض کردم: مولای من! فدایت شوم، چه وقت حضرت یوسف آن خواب را دید؟ (۲) فرمود:

«در همان شب که یعقوب و خاندانش به راحتی خوابیدند و آن فقیر با شکم خالی و گرسنه شب را به سر آورد.» (۳)

براستی محرومیت فقیر محتاج و کمک نکردن به او از جمله عوامل زوال نعمت و فرا رسیدن خشم خداست، اخبار متواتره از ائمه هدی علیهم السلام در این باره فراوان است بنابراین کسی که دوست دارد نعمت الهی برایش باقی بماند، شایسته نیست که سائل را ناامید کند و یا مستمند و فقیری را از آنچه امانتی است در دست وی، محروم گرداند.

(۱)

## صدقات امام

### اشاره

از جمله چیزهایی که امام زین العابدین علیه السلام در زندگیش به آن

(۱-۲) آن شب همان شبی بود که حضرت یوسف در خواب دید یازده ستاره و خورشید و ماه او را سجده می‌کنند.

(۳) دار السلام علامه نوری: ۲ / ۱۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۱

بسیار علاقه‌مند بود صدقه دادن به فقرا برای کمک و رفع گرفتاری ایشان بود، همواره دیگران را به دادن صدقه تشویق می‌کرد، به خاطر اجر فراوانی که صدقه دارد، فرمود:

«هیچ کس بر بیچاره در مانده‌ای صدقه نمی‌دهد مگر آن که هر دعایی را که آن بیچاره در آن ساعت برای صدقه دهنده بکند خداوند برآورده می‌سازد.» (۱)

اینک بعضی از موارد صدقات آن بزرگوار را نقل می‌کنیم:

(۱)

## الف- امام (ع) جامه‌هایش را صدقه می‌دهد



امام سجاد علیه السلام لباسهای فاخر می پوشید، در زمستان لباس خز بر تن می کرد، تابستان که فرا می رسید آنها را صدقه می داد و یا می فروخت و پول آنها را صدقه می داد. و در تابستان دو جامه از جامه های مصری می پوشید، در زمستان آنها را صدقه می داد. «۲» و بارها می فرمود:

«من از پروردگارم خجالت می کشم که بهای لباسی را بخورم که با آن لباس خدا را عبادت کرده ام.» «۳»  
(۲)

### ب- آنچه را دوست داشت صدقه می داد

امام علیه السلام از آنچه دوست داشت، صدقه می داد. راویان اخبار می گویند: امام علیه السلام، بادام و شکر به فقرا صدقه می داد از علت آن پرسیدند، در پاسخ این آیه را تلاوت کرد:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.

(۱) وسائل الشیعه: ۶/ ۲۹۶.

(۲) تاریخ دمشق: ۳۶/ ۱۶۱.

(۳) ناسخ التواریخ: ۱/ ۶۷.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۲

«هرگز به نیکی نمی رسید، مگر آن که از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق کنید.» «۱»

(۱) مورخان می گویند: امام علیه السلام، موقع افطار انگور را دوست داشت، روزی روزه دار بود، کنیزش خوشه انگوری در وقت افطار به خدمت امام آورد ناگهان گدایی به در خانه آمد، دستور داد تا آن خوشه انگور را به آن گدا دادند، کنیز دوباره رفت انگور خرید، همین که خوشه انگور را به خدمت امام آورد، سائل دیگری در زد، امام دستور داد، خوشه انگور را به او دادند باز کنیز رفت و انگور خرید و به حضور امام علیه السلام آورد، گدای سومی در زد، امام علیه السلام خوشه انگور را به او داد. «۲»  
براستی که در این کار خیر نظیر پدران بزرگوارش بود که سه روز پیایی خوراکشان را به مسکین و یتیم و اسیر می دادند در حالی که خود روزه دار بودند و درباره آنها سوره هل اُتی نازل شد که این نشان بزرگواری و شرف برای ایشان در سراسر تاریخ تا پایان دنیا باقی است.

(۲)

### ج- تقسیم اموال

امام سجاد علیه السلام دو مرتبه تمام اموال خود را تقسیم کرد، یک قسمت را برای خودش نگهداشت و بخش دیگر را به فقرا و درماندگان صدقه داد. «۳» در این خصلت نیز نظیر عمویش امام حسن، ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بود که آن بزرگوار نیز دو یا سه مرتبه اموال خود را با فقرا تقسیم کرد.

(۱) بحار الانوار: ۴۶/ ۸۹.

(۲) محاسن برقی: ص ۵۴۷، فروع کافی: ۶/ ۳۵۰.

(۳) خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳۱، حلیه الاولیاء: ۳/ ۱۴۰، جمهره الأولیاء: ۲/ ۷۱، البدایه و النّهایه: ۹/ ۱۰۵، طبقات ابن سعد: ۵/ ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۳.

(۱)

### صدقات پنهانی امام

محبوبترین چیز از نظر امام علیه السلام، صدقه نهانی بود که هیچ کس از آن باخبر نباشد و می‌خواست خود و فقرایی را که به آنها چیزی می‌دهد به محبت خدا ارتباط دهد و هدفش رابطه استوار با برادران مسلمان فقیر و تهیدست بود و همواره دیگران را به صدقه پنهانی تشویق می‌فرمود و می‌گفت:

«صدقه نهانی آتش خشم خدا را خاموش می‌کند.» (۱)

بارها در ظلمت شب از خانه بیرون می‌شد و هدایا و عطا‌های خود را به مستمندان می‌رساند در حالی که صورتش را پوشانده بود و از آنها پنهان می‌داشت و فقرا با مرحمت آن حضرت در شب هنگام عادت کرده بودند، از این رو در خانه‌ها می‌ایستادند تا وقتی که امام را می‌دیدند خوش حال می‌شدند و بهم مژده می‌دادند و می‌گفتند صاحب انبان آمد. «۲» امام علیه السلام پسر عمویی داشت، شبانه به نزد او می‌رفت و شخصا به او مبلغی می‌داد اما او که نمی‌دانست می‌گفت:

علی بن حسین از من دستگیری نمی‌کند! و نفرین می‌کرد، امام نیز می‌شنید و چشم‌پوشی می‌نمود و خودش را به او معرفی نمی‌کرد، چون امام علیه السلام از دنیا رفت آن وقت متوجه شد آن کسی که شبانه به او کمک می‌رسانیده، امام علیه السلام بوده است، این بود که بعدها بر سر قبر امام می‌رفت و گریه می‌کرد و عذرخواهی می‌نمود. «۳»

ابن عایشه می‌گوید: از مردم مدینه شنیدم که می‌گفتند: صدقه نهانی از ما

(۱) تذکره الحفاظ: ۱/ ۷۵، اخبار الدّول: ص ۱۱۰، نهایه الأرب: ۲۱/ ۳۲۶.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/ ۸۹.

(۳) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۴.

قطع نشد مگر وقتی که علی بن حسین (ع) از دنیا رفت. «۱» مورخان نقل کرده‌اند که گروهی از مردم مدینه از این راه زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند که چه کسی وسایل زندگی آنها را فراهم می‌کند، وقتی که امام علی بن حسین علیهما السلام از دنیا رفت دیدند آنچه شبها برای آنها می‌آوردند قطع شد. «۲» امام علیه السلام نماز و کمکهای خود را بشدت از چشم مردم پنهان می‌داشت و هرگاه چیزی به کسی می‌داد، صورتش را می‌پوشاند تا او را نشناسد. «۳»

ذهبی می‌گوید: امام سجاد (ع) صدقه فراوان، آن هم دور از انظار مردم می‌داد. «۴»

امام علیه السلام، غدایی را که بین فقرا تقسیم می‌کرد در انبانی قرار می‌داد و به پشت مبارکش می‌گرفت و می‌برد، از این رو در پشت حضرت اثر آن باقی بود. «۵» یعقوبی نقل می‌کند: وقتی که امام سجاد علیه السلام را غسل می‌دادند، روی شانه‌های آن حضرت پینه‌ای مانند پینه زانوی شتر دیدند، از اعضای خانواده‌اش پرسیدند که این اثر چیست؟ گفتند: اثر بردن غذا در شهباست که به منازل فقرا می‌برد. «۶»

به هر حال، صدقات آن حضرت در پنهانی یکی از بزرگترین امور خیریه بوده و بیش از همه در پیشگاه خدا اجر و مزد دارد

(۱)

**تنهای رضای خدا را می‌جست**

امام علیه السلام در کارهای خیر و احسانی که به مستمندان می‌کرد جز

(۱) صفة الصفوة: ۲ / ۴۵، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹.

(۲) الاغانی: ۱۵ / ۳۲۶.

(۳) بحار الانوار: ۴۶ / ۶۲.

(۴-۵) تذکره الحفاظ: ۱ / ۷۵.

(۶) تاریخ یعقوبی: ۳ / ۴۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۵

رضای خدا و هدفی جز برای عالم آخرت نداشت، به این ترتیب از بارزترین مصادیق این آیه شریفه بود:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.» (۱)  
 «آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و به دنبال آن منتی نگذارند و آزاری نرسانند، پاداشی نیکو در نزد خدا دارند و از هیچ پیشامدی بیمناک نباشند.»

(۱) برآستی بخششها و صدقات امام به فقرا تنها و فقط برای رضای خدا بود بدون شائبه هیچ غرضی از اغراض دنیوی که سرانجام آن به خاک مربوط می‌شود.

زهری نقل کرده، گوید: شب سردی امام علی بن حسین علیه السلام را دیدم انبان آردی بر دوش حمل می‌کرد، عرض کردم:

«پسر پیغمبر! این بار، چیست؟» امام (ع) در جواب من با صدای ضعیفی فرمود:

«عازم سفری هستم، توشه آن سفر را به محل امنی می‌برم.»

عرض کردم:

«اجازه بفرمایید غلام من برساند.»

امام علیه السلام جوابی نداد، زهری خواهش کرد: اجازه بفرمایید، خودم شخصا حمل کنم! اما امام به راه خود ادامه داد و فرمود:  
 «آری من از آنچه در سفر باعث نجات من و موجب راحتیم در طول مسافرت است دست بر نمی‌دارم تو را به حق خدا به کار خودت برس.»

زهری از امام علیه السلام جدا شد و پس از چند روز با آن حضرت ملاقات کرد و تصور می‌کرد که عازم سفر بوده است اما موفق نشده! عرض کرد:

(۱) بقره / ۲۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۶

«یا بن رسول الله! گویا به آن مسافرتی که در نظر داشتید نرفته‌اید؟!» امام علیه السلام، قضیه را به او گفت و مطلع ساخت؛ سفری که آماده می‌شد و توشه لازم را فراهم می‌کرد، سفر آخرت بود، فرمود:

«زهری قضیه آن طور نیست که تو تصور کرده‌ای، بلکه مقصود من سفر مرگ بود که باید آماده شوم، آمادگی برای مرگ، دوری

از محرمات و بذل و بخشش و تلاش در کار خیر است.» (۱)

اتفاق امام علیه السلام به مستمندان برخاسته از طلب رضای خدا و کوشش برای رسیدن به مغفرت و رضوان الهی بود.

(۱)

### پارسایی در دنیا

یکی دیگر از خصلت‌های والای امام سجاد، پارسایی در دنیا و بی‌اعتنایی به هر نوع دلخوشی دنیوی بود، برآستی که امام زهد و پرهیز کامل از دنیا را پیشه کرده بود فریب و نیرنگ دنیا در او اثر نداشت و او واقعیت و حقیقت دنیا را بخوبی می‌شناخت و می‌دانست که انسان وقتی که در خوشیها و رفاه دنیا غرق می‌شود ناگزیر باید از این دنیا برود و جز عمل خیر چیزی را با خود نخواهد برد. امام علیه السلام در عصر خود در میان مردم به زاهدترین مردمان شهرت داشت. از زهری پرسیدند که زاهدترین مردم کیست؟ گفت: علی بن حسین علیه السلام.

روزی دید فقیری گریه می‌کند، متأثر شد و فرمود: «۲» «اگر تمام دنیا در دست این مرد بود و بعد از دست او می‌افتاد، سزاوار نبود که به خاطر آن گریه کند!» (۳). برآستی زهد امام به خاطر تحمل فقر و یا از

(۱) علل الشرائع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۴۶/۶۵-۶۶.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/۶۲.

(۳) فصول المهمه: ص ۱۹۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۷

باب اعتراف به عجز و یا قناعت بدون کار و کوشش نبود بلکه بر اساس تقوا و پرهیز از محرمات الهی بود و به خاطر آن که در امور دینی سخت جانب احتیاط را داشت، روش آن حضرت درست همان راه و روش جدش و پدر بزرگوارش بود که دنیا را طلاق داده بودند و جز به مقداری که برای عبادت و در راه رسیدن به فضیلت و پشتیبانی از حق لازم بود به امور دنیا اهمیت نمی‌دادند.

(۱)

### امام با صوفیان

با توجه به پارسایی و اعراض کامل از دنیا صوفیان او را یکی از بزرگان خود دانسته‌اند و شرح حال مفصّلی از او را در کتابهای خود نوشته‌اند. «۱» از جمله کلاباذی از علوم و فضایل امام سخن گفته و مقامات آن حضرت را شرح داده است و پس از نقل احوال صحابه، حالات امام را در گفتار و رفتار توصیف نموده است. «۲» به عقیده من این مطلب اهمیّت ندارد و در نهایت یک نگرش سطحی است زیرا که روش صوفیان ترک کامل زندگی دنیا و زیستن در غارها و لباسهای خشن بر تن کردن و غذاهای سخت خوردن و امور دیگری است که با واقعیت دین اسلام سازگار نیست، دینی که هیچ قانونی را مقرر نکرده است که باعث عسر و حرج برای مردم شود، در صورتی که آن زندگی که امام زین العابدین علیه السلام داشت با تصوّف متفاوت است؛ امام بهترین لباس را می‌پوشید، راویان نقل می‌کنند که آن حضرت جبه خز و ردای خز می‌پوشید و عمامه‌ای از خز بر سر می‌نهاد «۳» و بعضی از محققانی که درباره تصوّف تحقیقاتی دارند عقیده کسی را که می‌گوید امام سجاد از صوفیه است به این ترتیب مردود شمرده می‌گوید: «زهد و

(۱) جمهره الاولیاء: ۷۱ / ۲، حلیه الاولیاء: ۱۳۳ / ۳.

(۲) التّعرف: ص ۱۱.

(۳) الصّلة بین التّشیع و التّصوّف: ۱ / ۱۶۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۸

پارسایی علی بن حسین علیهما السلام معنوی و عقلی و باطنی بوده است و این نوع زهد، بهتر و بالاتر از آن زهدی است که تنها به گرسنگی و لباس پشمینه پوشیدن مربوط می‌شود، زیرا که نوع اول برخاسته از عقل و ادراک بوده و بر اساس فطرت عمیق زندگی استوار است در صورتی که لباس (ممکن است) نوعی تظاهر باشد.» (۱)

(۱) براستی سیره ائمه اهل بیت علیهم السلام در رد روش صوفیان بسیار روشن و واضح است. مورّخان می‌گویند: امام رضا علیه السلام وقتی که مقام ولایتعهدی را قبول فرمود و مردم با وی به این عنوان بیعت کردند یکی از صوفیان عرض کرد: امامت نیاز به خوردن نان سبوس نگرفته و پوشیدن لباس خشن دارد. امام علیه السلام که به بالشی تکیه داده بود با شنیدن این سخن راست نشست و به این سخن ناروا چنین پاسخ داد:

«یوسف بن یعقوب، پیامبر بود و لباسهای فاخر با کمربند زرین و پارچه‌های مصری زربفت به تن می‌کرد، جز این نیست که خداوند از امام و رهبر، عدالت و انصاف می‌خواهد، خداوند هیچ لباس و غذایی را بر او حرام نکرده است.» پس این آیه مبارکه را تلاوت فرمود: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ (۲) یعنی: بگو ای پیامبر! چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگانش آفریده، حرام کرده است؟! ...» (۳)

براستی که این خلق و خوی والا هرگز و به هیچ صورت با تصوّفی که با طبیعت اسلام ناسازگار است، تطبیق نمی‌کند.

(۱) عیون اخبار الرضا.

(۲) اعراف / ۳۲.

(۳) عیون اخبار الرضا.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۹

(۱)

### تفّر امام از بیهوده کاری

از جمله صفاتی که امام علیه السلام طبعاً متنفر بود، بیهوده کاری بود از زندگی بی‌هدف و بیهوده سخت ناراحت و متنفر بود و هرگز بدان گرایش نداشت و در تمام دوران زندگی کسی ندید که آن بزرگوار کاری بیهوده کند و یا بلند بخندد. و می‌فرمود: «هر کسی یک بار بخندد، دانشی را از خود دور کرده است.»

در مدینه مرد هرزه‌گرایی بود که مردم را می‌خندانند، گفت: این مرد - یعنی امام زین العابدین علیه السلام - مرا عاجز کرده و نتوانسته‌ام او را بخندانم، تا این که روزی آن حضرت عبور می‌کرد و دو تن از غلامان همراهش بودند، آن مرد ردای حضرت را (از راه شوخی) از دوش مبارکش برداشت و فرار کرد امام علیه السلام بدون توجه به کار زشت او به راه خود ادامه داد، همراهان امام به دنبال او رفتند و ردای حضرت را از دست او گرفتند و بر دوش مبارکش انداختند، امام علیه السلام از ایشان پرسید:

«این مرد که بود؟» عرض کردند: او مرد دلچکی است که مردم مدینه را می‌خندانند! امام علیه السلام فرمود: «از قول من به او بگویید:

خداوند روزی را آفریده است که در آن روز هر که عمرش را به بطالت بگذراند، زیان می‌برد.» (۱)

(۱) امالی صدوق: ص ۲۲۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۰

(۱)

**توجه به خدا**

از بارزترین خصلتها و خصوصیات ذاتی امام علیه السلام توجه به خدا و گسستن از خلق بود و این ویژگی در مناجاتها و دعاها و عبادات آن حضرت که بیانگر نهایت ارتباط وی با خداوند آفریدگار و هستی‌بخش می‌باشد، تجسم یافته است.

امام علیه السلام کمال توجه را به خدا داشته و تمام امور و مقاصد خود را به او واگذار کرده بود و هیچ مشکلی برای او پیش نمی‌آمد مگر آن که به درگاه خدا می‌نالید و یقین داشت که توسل به دیگری جز ناامیدی و خسران نتیجه‌ای ندارد. مورخان نقل کرده‌اند که امام علیه السلام عبور می‌کرد، مردی را دید که بر در خانه یکی از ثروتمندان نشسته است، رو به او کرد و فرمود:

«چرا در منزل این خوش‌گذران ستمگر نشسته‌ای؟» - «به خاطر گرفتاری - یعنی تنگدستی و بیچارگی» - «برخیز! تا تو را به در خانه کسی ببرم که از در این خانه بهتر است و به صاحب خانه‌ای راهنمایی کنم که از این بهتر است.»

آن مرد از جا برخاست و امام (ع) او را به همراه خود برد تا در مسجد پیامبر خدا (ص) رساند، آنگاه رو به وی کرد و فرمود:

«رو به قبله بنشین، و دو رکعت نماز بخوان، سپس دست به دعا به پیشگاه خدای تعالی بردار و بر پیامبر (ص) صلوات بفرست و آنگاه تا آخر سوره حشر و شش آیه از اول سوره حدید و دو آیه از اول سوره آل عمران را بخوان و بعد از خدای سبحان حاجتت را بخواه که چیزی نخواهی خواست مگر آن که برآورده می‌سازد.» (۱) تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ص ۱۴۰ توجه به

خدا ..... ص : ۱۴۰

(۱) الجنّة الواقیة و الجنّة الباقیه کفعمی: ص ۱۹۰ خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم بشماره مسلسل ۱۲۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۱

(۱)

**موارد دلپذیر از توجهات امام****اشاره**

نمونه توجه و اخلاص فوق العاده امام زین العابدین علیه السلام به درگاه خدا صحیفه سجاده است که انجیل آل محمد (ص) و تجسم میزان تمسک و دلبستگی امام (ع) به خدای متعال است که ما ذیلا مواردی از آن را نقل می‌کنیم:

(۲)

**۱- توسل به خدا**

امام سجاد علیه السلام با قلبی پاک و تمام وجود به خدا ملتجی می‌شد و تمام امور خود را از خرد و کلان به او واگذار می‌کرد، دعای ذیل بیانگر این حالت امام است:

«اللهم ان تشأ تعف عنا فبفضلك، و ان تشأ تعدبنا فبعذلک، فسَهِّلْ لنا عفوك بمنك، و اجرنا من عذابك بتجاوزك، فأنه لا طاقة لنا بعدلك، و لا نجاه لأحد منا دون عفوك، يا غنى الأغنياء ها نحن عبادك بين يديك، و انا افقر الفقراء اليك، فاجبر فاقتنا بوسعك، و لا تقطع رجاءنا بمنعك، فتكون قد اشقيت من استسعد بك، و حرمت من استرفد فضلک فالى من حيثذ منقلبنا عنك و الى اين مذهبنا عن بابك، سبحانك نحن المضطرون المذنبين اوجبت اجابتهم، و اهل السوء المذنبين وعدت بالكشف عنهم، و اشبه الأشياء بمشيتك، و اولى الامور بك فى عظمتك، رحمه من استرحمك، و غوث من استغاث بك، فارحم تضرعنا اليك و اغننا إذ طرحنا انفسنا بين يديك، اللهم ان الشيطان قد شمت بنا اذ شايعنا على معصيتك، فصل على محمد و آله، و لا

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۲

تشمته بنا بعد تركنا اياه لك، و رغبتنا عنه اليك.» (۱)

«پروردگارا تو اگر بخواهی از گناهان ما بگذری به خاطر لطفی است که بر ما داری و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، به اقتضای عدل خود عذاب کرده‌ای. پس (حال که به هر دو توانایی) بر ما منت بگذار و عفو و بخشش را شامل حال ما گردان و با گذشت خود ما را از عذاب نجات ده، زیرا که ما طاقت تحمل عدالت تو را نداریم و هیچ کدام از ما را نیز از عذاب تو جز آن که ببخشی راه نجاتی نیست ای بی نیازترین بی نیازها ما بندگان محتاج در پیشگاه تو ایستاده‌ایم در حالی که بیچاره‌ترین بیچارگانیم، نیاز ما را به کرم و بزرگواریت بر آورده فرما و ما را ناامید مگردان، زیرا اگر امید ما را قطع کنی و از لطف خود محروم گردانی، بیچاره و محروم خواهیم بود، در آن صورت به چه کسی رو آوریم و به درگاه که پناه ببریم، ای خداوند تو منزهی و ما بندگان درمانده‌ای هستیم که به واسطه بزرگواریت اجابت دعای آنان را بر خود لازم گردانیده‌ای، و از آن بدکارانی هستیم که وعده رفع گرفتاری از ایشان را داده‌ای، خداوند! شبیه‌ترین امور به مشیت تو و باسابقه‌ترین کارها در ذات مقدس تو، گذشت و بخشش نسبت به کسی است که از تو طلب بخشش کند و کمک به کسی است که از تو یاری بطلبد، پس خداوند! به آه و ناله ما رحم کن و ما را بی نیاز گردان زیرا که ما خود را به عنایت تو سپرده‌ایم. خداوند! همان شیطانی که ما در ارتکاب معصیت از او پیروی کردیم ما را سرزنش می‌کند، پس تو بر محمد و آلش درود بفرست و اجازه مده که شیطان پس از آن که از او رو گردانده و به درگاه تو رو آورده‌ایم ما را ملامت کند...»

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای دهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۳

براستی در این دعای شریف میزان توجه امام علیه السلام به درگاه خدا و توسل آن حضرت نمودار است، زیرا می‌بینیم که امام نیازمندی و حاجت مبرم خود را به عفو و کرم خداوند ابراز داشته و از او می‌طلبد تا از فیض و کرمش محروم نفرماید و امیدش را ناامید نسازد تا این که پس از سعادت‌مندی به وسیله معرفت خدا به شقاوت گراید، امام علیه السلام خواری و زاری خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ چنان ابراز داشته که بالاترین پرهیزگاران و پناهندگان به خدای تعالی، ابراز می‌دارند.

(۱)

## ۲- تنها توجه به خدا

امام علیه السلام از غیر خدا گسسته و فقط به خدا توجه و ایمانی راسخ و بدون شائبه داشت و معتقد بود که تمام سرچشمه‌های سود و توانایی به دست خداست و بس و پناهندگی به ما سوای او، در حقیقت پناه بردن به چیزی بی سود و زیان است. اینک به دعای آن حضرت گوش فرا می‌دهیم:

(۲) «اللهم انى اخلصت بانقطاعى اليك، و اقبلت بكلى عليك، و صرفت وجهى عمّن يحتاج، الى رفقك، و قلبت مسألتى عمّن لم يستغن عن فضلك، و رايت ان طلب المحتاج الى المحتاج سفه من رايه، و ضلّه من عقله، فكم قد رايت يا الهى من اناس طلبوا العزّ بغيرك فذلوا، و راموا الثروة من سواك فافتقروا، و حاولوا الارتفاع فأتضعوا، فصحّ بمعانينهم امثالهم حازم، وفقه اعتباره، و ارشده الى طريق صوابه اختباره، فانت يا مولاي دون كلّ مسئول موضع مسألتى، و دون كلّ مطلوب اليه ولى حاجتى، انت المخصوص قبل كلّ مدعوّ بدعوتى، لا يشرركك احد فى رجائى، و لا يتفق احد معك فى دعائى، و لا ينظمه و اياك ندائى، لك يا الهى وحدائيه العدد، و ملكه القدره»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۴

الصّمد، و فضيله الحول و القوه، و درجه العلوّ و الزّفعه، و من سواك مرحوم فى عمره، مغلوب على امره، مقهور على شانته، مختلف الحالات، متنقل فى الصفات، فتعاليت عن الأشباه و الأضداد، و تكبرت عن الأمثال و الأنداد، فسبحانك لا اله الا انت.» (۱)

«خداوندا من به خاطر اخلاصى که به تو دارم از همه کس بریده و رو به تو آورده‌ام و تمام وجودم متوجه به سوى لطف و کرم توست و از کسانی که خود به فضل تو نیازمندند رو گردانیده و به سوى تو آمده‌ام، و دریافتم که اظهار نیاز به کسی که خود نیازمند است دلیل بی‌خردی و کج‌اندیشی است، پس چه بسیار مردمی را دیدم که از غیر تو عزت خواستند و ذلیل و خوار شدند و از دیگران ثروت خواستند، فقیر شدند و خواستند تا به وسیله دیگران به مقامات والا برسند، پست و زبون شدند. خداوندا با وجود دیدن چنین مردمانی سزاوار است که عاقل راه دوراندیشی و پندآموزی را در پیش گیرد و راه صحیح را برای رسیدن به هدف انتخاب کند، پس ای مولای من از همه عالم تنها از تو مسألت می‌نمایم و حاجت می‌طلبم که نسبت به هر مطلوبی تو برآورنده حاجت من هستی و تو پیش از همه مخصوص به دعای منی، و در امیدواریم به درگاهت کسی را شریک تو نمی‌دانم و هیچ کس را در دعایم به همراه تو نمی‌خوانم، پس ندای من تنها به جانب توست ای خداوندی که در خدایی یگانه‌ای و ملک و قدرت و بی‌نیازی در هر کار مخصوص تو و فضیلت و برتری نیرو و توان و مقام بلند و عظمت از آن توست. و جز تو تمام موجودات در هستی خود نیازمند رحمت تو و مقهور آفرینش تو هستند و تمام موجودات متغیّرند و صفات گوناگون دارند، تنها تویی که از مثل و مانند مبرّا و منزّه‌ای پس تو شایسته تسبیح و تقدیسی زیرا که غیر از تو خدایی نیست.»

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای بیست و هشتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۵

در این صفحه زرّین بخوبی میزان توجه امام علیه السلام به خدای تعالی احساس می‌شود که چگونه آن حضرت با تمام وجود و همه عواطفش متوجه خدا بوده و روی دلش را از غیر خدا و همه مخلوقات که خود محتاج به بخشش و عطای او هستند بر تافته است، زیرا که امیدوار بودن و آرزو داشتن به غیر خدا از نادانی و کج‌اندیشی است. امام علیه السلام تمام امور سودبخش و همه نیرو را منحصر به خدای تعالی دانسته و کسانی که عزّت و ثروت و مقام را از راه غیر خدا می‌طلبند، سرزنش کرده است زیرا همه آنان سرانجام ناامید گشته و زیان می‌برند، همگی خوار، محتاج و درمانده می‌شوند، بنا بر این هر که طالب خیر، عزّت و کرامت است باید به خدا چنگ بزند و از غیر خدا بگسلد که حقیقت همه چیز در دست اوست و اما غیر او در تمام دوران زندگیش قابل ترحم است و در تمام امور و افعالش مقهور است ... این دعای شریف بیانگر ایمان راستین و حقیقت توحید و یکتاپرستی است.

(۱)



از جمله آثار توجه آن حضرت به خدای تعالی آن است که فقط حاجت خود را از او می‌طلبید زیرا او منبع فیض، رحمت و احسان است و همواره متوجه خدا بوده و به وسیله این دعای شریف او را می‌خواند:

«اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ، وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَيْمَانِ، وَيَا مَنْ لَا يَكْدُرُ عَطَايَاهُ بِالْأَمْتَانِ، وَيَا مَنْ يَسْتَغْنِي بِهِ، وَلَا يَسْتَغْنِي عَنْهُ، وَيَا مَنْ يَرْغَبُ إِلَيْهِ، وَلَا يَرْغَبُ عَنْهُ، وَيَا مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلَ، وَيَا مَنْ لَا تَبْدُلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلَ، وَيَا مَنْ لَا تَنْقُطُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَعْتَبِرُ دَعَاءَ الدَّاعِينَ، تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ، وَنَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ، وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۶

فمن حاول سدَّ خلَّته من عندك، ورام صرف الفقر عن نفسه بك، فقد طلب حاجته في مظانها، واتي طلبته من وجهها، و من توجه بحاجته الى احد من خلقك، او جعله سبب نجحها دونك فقد تعرَّض للحرمان، و استحقَّ من عندك فوت الإحسان ...

«ای خداوندی که آخرین مقصد حاجتمندانی و ای خدایی که تنها به لطف تو حاجتمندان به حاجت خود می‌رسند، و ای خدایی که نعمتهایت را با پول و مادیات نمی‌فروشی و ای آن که نعمتهایت را به وسیله منت تیره و ناگوار نمی‌سازی و ای خداوندی که با کمک تو می‌توان از همه کس بی‌نیاز شد ولی کسی از تو بی‌نیاز نمی‌گردد، ای خدایی که همه (به حکم فطرت) به تو گرایش دارند و کسی از تو روگردان نیست، ای بخشنده‌ای که درخواست بندگان گنجینه‌های تو را تمام نکند و ای خدایی که هیچ اسباب و عللی نمی‌تواند در حکمت تو تغییری به وجود آورد، و ای آن که نیاز نیازمندان از تو قطع نگردد و ای کسی که اجابت دعای درخواست کنندگان باعث زحمت نشود. خداوند! تو خودت را به بی‌نیازی از خلق ستوده‌ای، در حالی که از ایشان بی‌نیازی و خلق را به فقر و نیاز توصیف کرده‌ای در حالی که ایشان به تو نیازمندند، پس هر کس از تو حاجت طلبید، خوب فهمیده و حاجتش را از کسی خواسته که سزاوار بوده است و هر که به کس دیگری از مخلوقات عرض نیاز کرد و دیگری را وسیله نجات دانست، بطور یقین خود را در معرض نومیدی قرار داده و سزاوار است تا از احسان تو محروم گردد.»

(۱) اللَّهُمَّ وَلِيَّ الْيَكِّ حَاجَةٌ قَدْ قَصِرَ عَنْهَا جَهْدِي، وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَ الْيَكِّ، وَلَا يَسْتَغْنِي فِي طَلْبَاتِهِ عَنْكَ، وَهِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثْرَاتِ الْمَذْنِبِينَ، ثُمَّ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۷

انتبهت بتذكيرك لي من غفلتي، و نهضت بتوفيقك من زلتني، [و رجعت] و نکصت بتسدیدك عن عثرتي، و قلت: سبحان ربِّي كيف يسأل محتاج محتاجا و ائني يرغب معدم الي معدم؟ فقصدتك يا الهی بالرغبة، و اوفدت عليك رجائي بالثقة بك، و علمت ان كثير ما اسالك يسير في وجدك، و ان خطير ما استوهبك حقير في وسعك، و ان كرمك لا يضيق عن سؤال احد، و ان يدك بالعطاء اعلى من كل يد ...

«خداوند! به درگاه تو نیازی دارم که خود از انجام آن ناتوانم و چاره‌ای برای آن ندارم و آن حاجت مرا بیچاره و درمانده کرده است، و هوای نفس مرا وادار می‌کرد تا رفع آن حاجت از دیگری بخواهم، در صورتی که او نیز به وقت حاجت در خانه تو می‌آید و از تو بی‌نیاز نیست، در صورتی که رفتن به در خانه کسی غیر از در خانه تو از لغزشهای خطاکاران و خود گناهی از جمله گناه گنهکاران است سپس به خود آمدم و توفیقی که تو به من دادی از لغزشم بازداشت و بازگشتم و به لطف تو به اشتباهم پی بردم و با خود گفتم: منزه است پروردگارم، چگونه ممکن است بنده محتاج از محتاج دیگری و تهیدستی از تهیدست دیگری حاجت بخواهد؟ این بود که خداوند! با اشتیاق تمام آهنگ درگاه تو را کردم و با منتهای امیدواری به درگاه تو شتافتم در حالی که می‌دانستم نیازهای من - هر چند زیاد است در نزد دریای کرم تو ناچیز است و بزرگترین بخششی که من درخواست دارم در مقابل رحمت واسعه تو اندک است و کان بخشندگی تو از انجام درخواست کسی، کم نشود و دست عطا و بخشش بالاترین دستهاست.»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَ لَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْاِسْتِحْقَاقِ، فَمَا اَنَا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۸

بأول راعب راعب اليك فاعطيته، و هو يستحق المنع، و لا بأول سائل سألک فأفضلت عليه، و هو يستوجب الحرمان ...

«خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و به فضل و کرمت بار تکلیف را بر دوشم نه، نه آن که بر اساس عدالت خود مرا مکلف گردانی، زیرا من نخستین کسی نیستم که با پای اراده و اشتیاقم به درگاه تو رو آورده‌ام و تو هم مشمول فضل خود فرموده‌ای در صورتی که استحقاق آن لطف را نداشته‌ام. و نیز من اول فردی نیستم که از درگاه تو مسألت دارم و تو با وجود عدم استحقاق احسان کرده‌ای.»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ كُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَ مِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَ لِتَضَرَّعِي رَاحِمًا، وَ لِصَوْتِي سَامِعًا، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي عِنكَ، وَ لَا تَبْتِ سَبَبِي مِنْكَ، وَ لَا تَوَجَّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَ غَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ، وَ تَوَلَّنِي بِنَجْحِ طَلْبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ نِيلِ سُؤْلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَسْيِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ، وَ حَسَنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لَأَبْدِهَا، وَ لَا مَتَهَيَ لِأَمْدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلْبَتِي، أَنْتَكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.

«خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست: و به خاطر ایشان دعای مرا اجابت فرما و به نوای من توجه کن و به ناله و زاریم رحم کن و به صدای من گوش فراده و مرا از فضل و کرمت محروم مفرما و این تو سئل مرا از عنایت خود قطع مکن و در این حاجت و دیگر حاجت‌هایم به دیگران متوجه مساز و با رفع حاجتم به خواسته‌هایم موفق گردان قبل از آن که از اینجا به در خانه دیگری بروم، و با آسان کردن مشکلات و حسن تقدیرت در تمام کارهایم درود و رحمتی که روزافزون و بی‌پایان باشد و این دعای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۹

مرا وسیله تو سئل و اجابت و بر آوردن حاجتم قرار ده زیرا که رحمت تو فراگیر است و تو خود کریمی.»

امام علیه السلام، پس از این دعا، حاجت خود را می‌طلبد آنگاه به سجده می‌رود و در حال سجده می‌گوید:

فَضْلُكَ أَنْسَنِي وَ احْسَانُكَ دَلَّنِي، فَاسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا. «(۱)»

«خداوندا! فضل و کرم تو باعث شده تا من با تو انس بگیرم، بنا بر این از تو تقاضا دارم به خاطر محمد و آل محمد- درود و رحمت تو بر ایشان باد- مرا از در گاهت ناامید باز نگردان.»

(۱) این دعای شریف از شدت توسل و تمسک امام علیه السلام به خدا و ایمان فوق العاده او حکایت دارد، برآستی که او به یکتایی خداوند یقین دارد که او آخرین مقصد حاجتمندان است و اوست که نعمتها و الطافش را به بندگان ارزانی می‌دارد، و در برابر پول و مال معامله نمی‌کند و با منت نهادن بر آنها تیره نمی‌سازد، با بخشش و کرم اوست که آدمی بی‌نیاز می‌گردد و تمام مردم به احسان او نیازمندند و به کرم او محتاجند، در حالی که او از همه‌گان بی‌نیاز است. و برآستی که هوشیار و آگاه آن کسی است که برای برطرف کردن مشکلات و رفع نیاز خود تنها به خدای یکتا پناه ببرد و اما آن کسی که برای رفع مهمات و قضای حاجاتش به دیگری رو آورد خود را در معرض ناامیدی و از دست دادن احسان و بخشش قرار داده است. امام علیه السلام ناله و زاری در درگاه خدا را با درخواست آرمزش و رضوان از او، آغاز می‌کند و عرض می‌کند، هر چند درخواست او از خدای تعالی مهم باشد نسبت به کرم نامتناهی او که صاحب

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای سیزدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۰

عطایا و احسان گسترده می‌باشد، ناچیز و اندک است و دست فیض و بخشایش و کرمش از هر دست بخشنده و سخاوتمند بالا و

برتر است.

حقا که این امام بزرگوار، سید العارفین و امام المتّقین است و در دعاهاى این بزرگوار و راز و نیازهایش با خدا دیدگاههای جالبی برای اصلاح نفوس از گمراهی و سرکشی و انحراف به چشم می‌خورد.

(۱)

#### ۴- تضرع در پیشگاه خداوند

از نمونه‌های توجه به خدا این است که آن حضرت همواره به درگاه خدا اظهار عجز و لابه می‌کرد و از جمله دعای شریف ذیل را می‌خواند:

«الهی احمدک- و انت للحمد اهل- علی حسن صنعک الی، و سبوغ نعمائک علی، و جزیل عطائک عندی، و علی ما فضّلتنی من رحمتک، و اسبغت علی من نعمتک، فقد اصطنعت عندی ما یعجز عنه شکری، و لو لا احسانک الی و سبوغ نعمائک علی ما بلغت احراز حظّی، و لا اصلاح نفسی، و لکنک ابتدأتنی بالإحسان، و رزقتنی فی اموری کلّها الکفایة، و صرفت عنی جهد البلاء، و منعت عنی محذور القضاء ...»

«خداوندا! تو را حمد و سپاس می‌گویم، چه تو تنها سزاوار حمد و سپاسی که در آفرینش من به نیکی خلق کرده‌ای و نعمتهایت را بر من ارزانی داشته‌ای و بخشش زیادی به من فرموده‌ای و به قدری به من احسان کرده‌ای که از شکر آنها عاجزم و اگر لطف و احسان تو و انواع نعمتهای تو نبود هرگز به این مرحله از بهره نرسیده بودم و نمی‌توانستم نفس خویش را اصلاح کنم اما تو از آغاز خلقتم در حقم احسان فرموده و در تمام کارها مرا کفایت فرموده‌ای و رنجها و مشقتها را از من برطرف کرده‌ای و قضا و قدر بد را از من دور کرده‌ای.»

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۱

(۱) الھی: فکم من بلاء جاهد قد صرفت عنی، و کم من نعمه سابقه اقررت بها عینی، و کم من صنعیه کریمه لک عندی، انت الذی أجبّت عند الاضطرار دعوتی، و اقلت عند العثار زلتی، و اخذت لی من الأعداء بظلامتی الھی، ما وجدتك بخيلا حين سألتک، و لا منقبضا حين أردتک وجدتك لدعائي سامعا، و لمطالبی معطيا، و وجدت نعماک علی سابقه فی کلّ شان من شانی، و کلّ زمان من زمانی، فانت عندی محمود، و صنعک لدی مبرور، نعمدک نفسی و لسانی و عقلی حمدا يبلغ الوفاء و حقیقه الشکر حمدا یکون مبلغ رضاک عنی، فنجنی من سخطک یا کهفی حين تعیننی المذاهب، و یا مقیلی عثرتی، فلولا- سترک عورتی لکنت من المفضوحین، و یا مؤیدی بالنصر، فلولا نصرک ایای لکنت من المغلوبین، و یا من وضعت له الملوک نیر المذلّه علی اعناقها، فهم من سطواته خائفون و یا اهل التقوی، و یا من له الأسماء الحسنی، أسألك ان تغفو عنی، و تغفر لی، فلست بریئا فاعتذر، و لا بذی قوه فانتصر، و لا مفرّ لی فافرّ، و استقیلک عثراتی، و أتصل الیک من ذنوبی الّتی قد أوبقتنی، و احاطت بی فاهلکتنی، منها فررت الیک ربّ تائباً، فتب علیّ متعوّذاً، فاعذنی مستجیراً، فلا تخذلنی سائلاً، فلا تحرمنی معتصماً، فلا تسلمنی داعياً، فلا تردّنی خائباً، دعوتک یا ربّ مسکیناً مستکیناً مشفقاً خائفاً، و جلاً فقیراً، مضطراً الیک، اشکو الیک یا الھی ضعف نفسی عن المسارعه فی ما وعدته اولیاءک و المجانبه عمّا حذرته أعداءک، و کثره همومی، و وسوسه نفسی ...»

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۲

«خداوندا! چه بسیار بلاهای طاقت‌فرسا را که از جان من دور کرده‌ای و چه بسیار نعمتهایی که مرحمت فرموده و چشم و دلم را با آنها روشن نموده‌ای و چه بسیار عنایتها و رفتار کریمانه‌ای که در وجود من داشته‌ای. تو آن خدایی هستی که در وقت بیچارگی هرگاه به تو پناه آوردم دعایم را اجابت کرده‌ای و از لغزشهایم در گذشته‌ای و حقم را از دشمنانم بازستانده‌ای، خداوندا! تو را از

هر درخواستی که کرده‌ام، بخیل و ممسک نیافته‌ام بلکه هر گاه رو به تو آورده‌ام دعایم را مستجاب و درخواستم را اجابت کرده‌ای همواره نعمتهایت را بیش از آنچه استحقاق داشته‌ام به من داده‌ای و پیش از رسیدن وقت، هر نعمتی که لازم بوده مرحمت کرده‌ای پس خداوندا تو در نظر من ستوده و آنچه با من کرده‌ای شایسته شکر و سپاس است؛ به جان، زبان و عقلم تو را سپاس می‌گویم چنان حمد و سپاسی که فوق العاده و شایسته ذات مقدس تو باشد و باعث خشنودی تو گردد. پس خداوندا! مرا از غضب خودت نجات ده آن هنگام که من از هر سو وامانده باشم و ای آن که از لغزشهای من می‌گذری که اگر این پرده‌پوشی تو نبود من از جمله رسواشدگان بودم. ای خداوندی که خودت مرا یاری کردی که اگر کمک تو نبود هرآینه در برابر مشکلات مغلوب بودم، ای آن که گردن پادشاهان زیر یوغ مذلت تو قرار دارد و همه آنان در برابر قهر و شوکت تو بیمناکند، ای خداوندی که اهل تقوا و بخششی و ای آن که اسماء نیکو داری، خداوندا از تو تقاضای عفو دارم گناهانم را ببخشی زیرا من خودم را مبرا نمی‌دانم از این رو پوزش می‌طلبم و نیرو و قدرتی ندارم، تا به آن متکی باشم و راه فراری ندارم تا از کیفر تو فرار کنم، پس از درگاہ تقاضای عفو می‌کنم و برای عذرخواهی به درگاہ آمده‌ام، گناهانم را اگر ببخشی مرا هلاک می‌کنند و از آن گناهان با حال توبه رو به درگاہ تو آورده‌ام، تو هم از لطف و کرمیت توبه مرا بپذیر و مرا پناه ده و خوارم بر مگردان و در حالی که به لطف تو رو

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۳

آورده‌ام مرا محروم مفرما و مرا همچنان وامگذار و دست رد به سینه‌ام مزن.

خداوندا در حال درماندگی، بیچاره و هراسان، فقیر و ناتوان و مضطرب تو را می‌خوانم و از ناتوانیم به تو شکایت دارم که نه قدرت آن را دارم که سوی آن مقام والایی که به دوستان و وعده فرموده‌ای بشتابم و نه نیرویی که از وعده‌های عذابی که به دشمنانت داده‌ای دوری کنم و از زیادی غمها و وسوسه‌های هوای نفسم به تو شکایت می‌کنم.»

(۱) الهی: لم تفضحنی بسریرتی و لم تهلکنی بجریرتی، ادعوك فتجیننی و ان كنت بطیثا حین تدعوننی، و اسالك كل ما شئت من حوائجی، و حیث ما كنت وضعت عندك سرّی فلا ادعو سواك، و لا ارجو غیرك لیك، لیك تسمع من شكا الیک، و تلقی من توكل علیك، و تخلّص من اعتصم بك، و تفرّج عمّن لا ذك ...

«خداوندا! مرا به اخلاق زشتم و گناهان پنهانم رسوا مکن، از تو درخواست می‌کنم مرا اجابت فرما هر چند که من سست و کاهلم در وقتی که تو مرا به اطاعت خود می‌خوانی. خداوندا! هر حاجتی که دارم از تو درخواست می‌کنم و هر جا که باشم راز دلم را به تو می‌سپارم و جز تو کسی را نمی‌خوانم و غیر از درگاہ رحمت تو به هیچ کس امیدوار نیستم، خدایا! لیك لیك! هر که به پیشگاه تو شکایت کند می‌شنوی و هر که به تو توکل کند او را کفایت می‌کنی و هر که از درگاہت ایمنی بخواهد نجات می‌دهی و هر که به تو پناه آورد گشایشی می‌بخشی.»

(۲) الهی: فلا- تحرمنی خیر الآخرة و الأولى لقلمة شكري، و اغفر لی ما تعلم من ذنوبی، و ان تعدّب فانا الظالم المفترط المضیع الآثم المقصر المضجع المغفل حظّ نفسی، و ان تغفر فانت ارحم الراحمین.»

«خدایا به خاطر سپاس اندکم مرا از نیکیهای دنیا و آخرت محروم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۴

مکن و تمام گناهانی را که تو می‌دانی بیامرز، اگر تو مرا عذاب کنی به آن جهت است که من شایسته عذابم و بر خود ستم کرده‌ام و به راه خطا و قصور رفته و گنهکارم ولی اگر از راه لطف مرا ببخشی که تو بخشنده‌ترین بخشنده‌گانی.» (۱)

امام علیه السلام این دعای شریف را با نهایت درماندگی و زاری و افتادگی در پیشگاه خداوند بزرگ عرضه می‌کند، در حالی که از روی ایمان و معرفت و اخلاص او را می‌ستاید و به ناتوانی خود از ادای شکر نعمتهایی که به او ارزانی داشته و الطاف فراوانی که به او فرموده، اعتراف می‌کند و پس از آن با حالت پناهندگی و تمسک به درگاهش از او آمرزش و بخشش می‌طلبد. و امام علیه

السلام آن چنان خوف و ترس از عذاب خدا را اظهار کرده است که اعماق جانها و بند بند دلها را می لرزاند.

(۱)

### ۵- اظهار ذلت در پیشگاه خدا

امام سجاد علیه السلام در محبت خدا غرق بود و حد اعلاى اخلاص را داشت، در پیشگاه خداوند می نالید و در برابر عظمت او اظهار ذلت می کرد که از جمله مظاهر ابراز ذلتش در درگاه خدا این دعای شریف است:

«ربّ افحمتنی ذنوبی، و انقطعت مقالتی، فلا- حِجَّةَ لی، فانا الأسیر بلیتی، المرتهن بعملی، المتردّد فی خطیبتی، المتحیر عن قصدی، المنقطع بی، قد اوقفت نفسی موقف الأذلاء المدنّین، موقف الأشقیاء المتجرّین علیک، المستخفّین بوعدک، سبحانک ایّ جرأه اجترأت علیک، و ایّ تغریر غرّرت بنفسی؟! مولای ارحم

(۱) صحیفه سجاده: دعای پنجاهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۵

کبوتی لحرّ وجهی، و زلّة قدمی، وعد بحلمک علی جهلی، و باحسانک علی إساءتی، فانا المقرّ بذنوبی، المعترف بخطیبتی، و هذه یدی و ناصیتی استکین بالقدود من نفسی، ارحم شیبتی، و نفاذ ایامی، و اقتراب اجلی، و ضعفی، و مسکنتی، و قلّة حیلتی، مولای: و ارحمنی اذا انقطع من الدّنیاء اثری، و امحی من المخلوقین ذکری، و کنت فی المنسیّین کمن قد نسی، مولای و ارحمنی عند تغیر صورتی و حالی اذا بلی جسمی، و تفرّقت اعضائی، و تقطّعت اوصالی، یا غفلتی عمّا یراد بی، مولای و ارحمنی فی حشری و نشری و اجعل فی ذلک الیوم مع اولیائک موقفی، و فی احبائک مصدری، و فی جوارک مسکنی یا ربّ العالمین.» (۱)

«پروردگارا! گناهانم مرا مغلوب کرده و از سخن گفتن بازمانده‌ام، از این رو حجت و برهانی ندارم به رنج و سختی گرفتار و در گرو اعمالم و در گرداب گناهان سرگردان، و در راه خویش وامانده‌ام، نفس خود را در جایگاه گنهکاران واداشته‌ام و در جای آن نگون‌بختانی که بر تو گستاخی نموده‌اند؛ آنان که وعده تو را ناچیز شمرده‌اند، خداوندا! تو منزّه و پاکی به کدام جرأت و بی‌باکی بر تو جرأت کردم و به کدام گستاخی خود را به هلاکت و تباهی در افکندم! ای مولای من به افتادن با تمام رخسارم و به لغزیدن پایم رحم کن و به حلم و بردباریت بر نادانیم، و به احسان و نیکیت بر بدکرداریم عفو فرما، زیرا که من به گناه خود معترفم و به خطای خویش اعتراف می‌کنم، اینک این دست و موی پیشانی من است که در اختیار توست و من زاری می‌کنم و خود را برای کیفر و مجازات تو

(۱) صحیفه سجاده: دعای پنجاه و سوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۶

آماده کرده و تسلیمم. بر پیریم و پایان رسیدن روزهای زندگی و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی و نیازمندیم و درماندگیم رحم کن. ای مولای من! وقتی که نشان من از دنیا بریده و نامم از میان خلائق محو شود و مانند شخص فراموش شده از جمله فراموش شدگان باشم به من رحم کن. مولای من هنگام دگرگونی شکل و احوالم و هنگام پوشیدن بدنم و از هم پاشیدن جسمم و پاره شدن مفاصلم به من رحم کن، ای وای از غفلت و بی‌خبری من از هدفم! ای مولای من! مرا در برانگیخته شدن و زنده گشتم و ایستادن با دوستان در قیامت و بازگشتم در میان یاران و منزل گزیدن در جوارت رحم کن ای پروردگار جهانیان.»

(۱) براستی که ایمان به خدا تمام دل و تمایلات فطری و حرکات جسمانی و دیدگاههای اعضا و جوارح و رفتار و سلوکش را پر

کرده است و به خاطر همین جنبه فوق العاده ایمان است که سزاوار لقب امام المتقین و سید المنینین را یافته است. در اینجا سخن ما درباره برخی از خصلتهای روحی و خصوصیات ذاتی آن حضرت پایان گرفت.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۷

## امامت

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۹

(۱) امامت امامت در ساختار تفکر سیاسی و فرهنگی اسلام، عنصر فعال و حیاتبخش است و از رسالت جاودانه اسلامی جدایی ناپذیر بلکه جوهره و حقیقت آن است، به گونه‌ای که اسلام بدون امامت، فاقد واقعیتها و فعالیتهاى لازم، بلکه آیینی جامد و نمایی بی محتوا و کالبدی بدون حیات و احساس می‌باشد.

اکنون بطور اختصار درباره شئون امامت و همچنین امامت امام زین العابدین علیه السلام و سخنان آن حضرت درباره امامت بحث و گفتگو می‌کنیم.

(۲)

### معنای امامت

معنای امامت- بطوری که دانشمندان علم کلام و دیگران گفته‌اند- عبارت از رهبری معنوی و مادی امت به وسیله کسی است که از خصلتهای والا- و صفات برجسته فراوانی برخوردار است؛ مهمتر از همه دارای عدالت، ترک شهوات و دوری از خودبینی بوده و تحت تأثیر عواطف و احساسات و سایر عوامل خارجی قرار نگیرد مگر آن عواملی که باعث ارتباط با حق و عدالت گردد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۰

(۱)

### ضرورت امامت

امامت در اسلام امری است ضروری که حیات جامعه اسلامی بدون آن غیر ممکن است، امامت عنصر اصلی در اقامه عدل اجتماعی و ساختن جامعه برین است بطوری که اثری از بی عدالتی اجتماعی و فقر و محرومیت در جامعه نماند.

براستی که هدف امامت در اسلام رساندن خیرات و برکات الهی بر بندگان خدا و برخوردار نمودن همگان از فرصتهای برابر و پشتیبانی آنان در برابر بهره‌کشی و برده‌گیری است، امامت از بالاترین مراتبی است که سیر تفکر بشری در عالم حکومت و سیاست بدان رسیده و تنها در صورتی میسر است که در مسیر تعیین شده از طرف اسلام حرکت کرده و رهبران تقوایپیشه از عترت پیامبر (ص) عهده‌دار آن مقام گردند که همتای قرآن کریم و کشتیهای نجات این امتند. و ما در مبحث بعدی این مطلب را به وضوح بیان خواهیم کرد.

(۲)

### پیامبر و امامت

آنچه مسلم است و نقطه ابهامی در آن نیست، این است که پیامبر (ص) خط خلافت و امامت را پس از خود ترسیم کرده و امت را بلا تکلیف و بی سرپرست رها ننموده است تا در معرض خطرات و مشکلات قرار گیرد. آری دوازده تن از اهل بیتش را بصراحت به عنوان خلفا و جانشینان خویش نام برده که در پیشاپیش همه، بزرگ آنان امام امیر المؤمنین علیه السلام قرار دارد؛ او را شاخص و مرجع این امت تعیین کرده و در این مورد هیچ انگیزه عاطفی از نوع عواطف تقلیدی نداشته است و تنها به خاطر کفایت و صفات برجسته و ویژگیهای امام

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۱

علیه السلام و نهایت احتیاط دینیش بود که پیامبر - صلی الله علیه و آله - این مقام را به او سپرد. دانشمندان اسلامی با اختلاف گرایشها و مذاهب همگی در این مطلب اتفاق نظر دارند که امام علی علیه السلام پس از پیامبر (ص) از همه کس دانشمندتر و به امور شریعت و احکام دین آگاهتر و به شئون سیاسی، نظامی و اجتماعی واردتر بود؛ بخصوص که امت هنوز تازه مسلمان بودند و قبل از هر چیز به بیان محاسن احکام شریعت اسلام و شرح و تفصیل مسائل مورد ابتلا از قبیل عقود، ایقاعات و مواریث و حدود و امثال اینها نیاز داشتند. طبیعی است که تعیین نکردن آن حضرت برای این مقام باعث محرومیت امت از مواهب این بزرگمرد می شد و آن هم چیزی است که عقلا نباید از پیامبری که به فرموده خدای تعالی نسبت به امت سخت علاقه مند و مهربان بود صادر می شد:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. «۱»

«براستی که پیامبری از جنس شما برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت، فقر و پریشانی و جهل و نادانی شما بر او گران است و بسیار علاقه مند به شما و نسبت به مؤمنان رءوف و مهربان است.»

(۱) اما نصوصی که از پیامبر (ص) درباره امامت امام امیر المؤمنین علیه السلام رسیده، مجموعه بزرگی است که راویان و مورخان همگی نقل کرده اند و از همه مهمتر حدیث متواتر غدیر است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - در آن حدیث امام علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد و به مسلمین دستور داد تا به عنوان امیر المؤمنین با وی بیعت کنند، و در آن حدیث است که فرمود:

«هر کس را که من سرپرستم، علی سرپرست اوست، خداوند دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن بدارد.»

(۱) توبه/ ۱۲۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۲

از امام زین العابدین علیه السلام از معنای این حدیث پرسیدند، فرمود:

«رسول خدا - صلی الله علیه و آله - امام و رهبر بعد از خودش را به مردم معرفی کرده است.» «۱»

علمای بزرگ شیعه در کتابهای کلامی و دیگر کتابهایشان آن قدر دلایل علمی اقامه کرده اند که هیچ گونه مجادله و تردیدی را درباره امامت دوازده امام باقی نمی گذارد و این که آنان اوصیا و جانشینان پیغمبرند و سیره و رفتار و آثار علمی ایشان دلیل بر امامت آنان و نیابت عامه ایشان از پیامبر (ص) است، چنان که دلیل بر داشتن مقام والایی از دانش، تقوا و احتیاط دینی آنها می باشد به حدی که هیچ کس دیگر را چنین مقامی نیست.

(۱)

## مقام والای ائمه

اما منزلت و مقام والای ائمه را در پیشگاه خدا کسی جز ایشان نمی داند.

امام زین العابدین علیه السلام در چندین مورد راجع به آن سخن گفته، از آن جمله است:

(۲) ۱- فرمود:

«همانا خداوند محمد (ص) و علی (ع) و یازده تن از فرزندان او را از پرتو عظمت خود آفرید و پیش از آفرینش مخلوقات آنان را به صورت اشباحی در پرتو نور خود قرار داد که او را عبادت می‌کردند و تسبیح و تقدیس می‌نمودند و آنان پیشوایان از اولاد رسول خدا (ص) می‌باشند.» (۲)

(۱) معانی الاخبار صدوق: ص ۶۵.

(۲) اصول کافی: ۱/ ۵۳۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۳

حکیم معزّه، ابو العلاء معزّی که جز به اهل بیت علیهم السلام به همه کس بدبین بود، همین عقیده را دارد و می‌گوید:  
«و الشّخوص التي اضاء سناها قبل خلق المریخ و المیزان

قبل ان تخلق اللّیّماوات و تؤمر افلاکهن بالدّوران» - آن شخصیت‌هایی که نورانیت ایشان پیش از آفرینش مریخ و میزان و پیش از آن که آسمانها آفریده شوند و افلاک به گردش درآیند، پرتوفاکن بود-.

(۱) ۲- فرمود:

«ما یمم ائمه مسلمین و حجتهای خدا بر جهانیان و بزرگ مؤمنان و پیشوای رو سفیدان و سرپرست مؤمنان. و همچنان که ستارگان وسیله ایمنی اهل آسمانند، ما وسیله ایمنی اهل زمین هستیم، به وسیله ماست که آسمان بر زمین - جز به اذن خدا- واژگون نگردد و به وسیله ماست که زمین اهلهش را نلرزاند و از روزی که خداوند زمین را آفریده است از حجت آشکارا و یا غایب دور از انظار خالی نبوده است و خالی از حجت نخواهد بود تا وقتی که قیامت بپا شود، و اگر چنین نبود، عبادت خدا انجام نمی‌گرفت.»  
پس از شنیدن این سخنان، کسی رو به آن حضرت کرد و گفت:

«چگونه مردم از امام غایبی که دور از انظار است بهره‌مند می‌شوند؟» امام علیه السلام، با برهان قاطعی شبهه را رد کرد و فرمود:  
«از حجت غایب، چون خورشیدی که در پشت ابر پنهان است، بهره می‌برند.» (۱)  
آری به خدا قسم که ائمه اهل بیت علیهم السلام، رهبران اسلام و

(۱) امالی صدوق: ص ۱۱۲، ینابیع المودّة: ۳/ ۱۴۷، روضه الواعظین: ص ۱۷۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۴

حجتهای الهی بر تمام خلقند و اگر آنها نبودند خدا را کسی عبادت نمی‌کرد و کسی او را به یکتایی نمی‌پرستید و هیچ سنت اسلامی بپا داشته نمی‌شد و هیچ کس پایبند آن نمی‌بود و هیچ یک از شعائر اسلامی بلند نمی‌شد. آنان آیت اندوخته الهی و دروازه ورودی هستند که مردم بدان وسیله آزمون شوند؛ هر که ولایت آنان را قبول داشت نجات یافت و هر که منکر و مخالف آنان شد، هلاک گردید.

(۱) ۳- و نیز می‌گوید:

«ربّ صلّ علی اطائب اهل بیته الّمدین اخترتهم لأمرک، و جعلتهم خزنة علمک، و حفظة دینک، و خلفاءک فی ارضک، و حججک علی عبادک، و طهّرتهم من الرّجس و الدّنس تطهیرا بارادتک، و جعلتهم الوسیلة الیک، و المسلك الی جتّک، ربّ صلّ علی محمّد و آلّه صلاة تجزل لهم بها من تحفک و کرامتک، و تکمل لهم الأشیاء من عطایاک و نوافلک و توفّر علیهم الحظّ من



عوائدک، و فوائدک، ربّ صلّ علیه و علیهم صلاۀ لا- امد فی أولها، و لا- غایۀ لأمدها، و لا- نهایۀ لآخرها، ربّ صلّ علیهم زنۀ عرشک، و ما دونه، و ملء سمواتک و ما فوقهنّ و عدد اراضیک، و ما تحتهنّ و ما بینهنّ صلاۀ تقرّبهم منک زلفی، و تكون لک و لهم رضی، و متّصلۀ بنظائرهنّ ابداء.» (۱)

«پروردگارا! بر پاکان و پاکیزگان از اهل بیت پیامبر (ص) درود فرست که آنها را برای هدایت مردم برگزیده‌ای و گنجینه‌دار علم خود و نگهبانان

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای چهل و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۵

دینت و خلفای خود در روی زمین انتخاب کرده‌ای و حجت‌های خویش بر بندگانت قرار داده‌ای و آنان را از هر ناپاکی و پلیدی به اراده خود پاک ساخته‌ای و ایشان را وسیله ارشاد مردم به در گاهت و سلوک به سوی بهشت رضوانت مقرر فرموده‌ای، پروردگارا! بر محمد و آتش درود بفرست، درود و رحمتی که کرامت و بخشش خود را بر آن بیفزایی و به وسیله آن رحمت بهترین عطایا و بالاترین فضلت را کامل کنی و بهره ایشان را از لطف و احسانت افزون گردانی. پروردگارا! بر محمد و آتش درود بفرست، درودی که بی حد و بی نهایت باشد. خداوند! بر ایشان به مقدار عرش اعظمت و هر چه پس از آن است و به قدر تمام آسمانها و مافوق آنها و زمینها و آنچه در زیر آنها و بین آنهاست درود و رحمت فرست، رحمتی که باعث افزایش قرب آنان در پیشگاه او گردد و مورد رضای تو و آنان باشد و همواره نیز درود و رحمتی همچنان در پی داشته باشد.»

براستی که خدای متعال، ائمه اهل بیت علیهم السلام را برای انجام رسالت خود برگزیده و آنان را خزانه‌دار علم خود و نگهبانان دین خود و خلفای خود در زمین و حجت‌های خویش بر بندگان مقرر فرموده و به ایشان مقام والایی در پیشگاه خود داده است، پس ایشان وسیله ارشاد مردم به سوی خدا و راهنمایان به سوی بهشت برین و درهای رحمت الهی هستند.

(۱) ۴- امام علیه السلام می گوید:

«نحن خلفاء الأرض، و نحن أولى الناس باللّه، و نحن المخصوصون فی کتاب اللّه، و نحن أولى الناس باللّه، و نحن الذین شرع اللّه لنا دینه، فقال: «شرع لکم فی الدّین ما وصی به نوحا، و الذّین أوحینا إلیک و ما وصّینا به إبراهیم و موسی و عیسی» فقد علمنا، و بلغنا و استودعنا علمهم و نحن ورثه الأنبیاء، و نحن ذریه أولى العلم،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۶

أن أقیموا الدّین بآل محمد (ص) و لا تتفرّقوا فیہ ...» (۱)

«ماییم خلفای پروردگار در روی زمین و ما از همه کس به خدا نزدیک‌تریم و ماییم آن کسانی که در کتاب خدا از ویژگی برخورداریم و ماییم آن کسانی که خداوند حقایق دین خودش را برای ما مقرر کرد و فرمود:

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى (۲) و دانستیم و به حقیقت رسیدیم و علم انبیا را در نزد ما به امانت گذاردند و ما وارثان انبیاییم و ما فرزندان صاحبان دانشیم، بنا بر این دینتان را به وسیله آل محمد (ص) بپا دارید و در این راه پراکنده نشوید.

اما ای ائمه اهل بیت، شما بحق خلفای خدا در روی زمین و سزاوارترین مردم به خدایید و براستی برای شما حقایق دین خود را مقرر کرده و شما را برای تبلیغ آن برگزیده است و همچنین شما را برای ادای امانتش انتخاب کرده است هیچ کسی فضیلت شما را منکر نیست مگر آن که کافر و یا از دین منحرف باشد و کسی شما را دوست نمی‌دارد مگر آن مؤمنی که خداوند قلبش را به وسیله ایمان آزموده است.

(۱)

**باید به ائمه مراجعه کرد**

در آموختن احکام دینی باید به ائمه اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد. زیرا که آنان به امور شرع واردتر و به احکام دین از دیگران داناترند، امام زین العابدین علیه السلام در سخنان خود به این مطلب تأکید کرده و می‌فرماید:

(۱) ناسخ التواریخ: ۴۹ / ۲، بحار الانوار.

(۲) شوری / ۱۳ یعنی: خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی نیز سفارش نمودیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۷

«إن دین الله عزّ وجلّ لا یصاب بالعقول الناقصه و الآراء الباطله، و المقایس الفاسده، و لا یصاب إلا بالتسلیم، فمن سلم لنا سلم، و من اقتدی بنا هدی، و من کان یعمل بالقیاس و الزّأی هلك، و من وجد فی نفسه شیئا مما نقوله أو نقضی به حرجا کفر بالذی انزل السبع المثانی، و القرآن العظیم، و هو لا یعلم...» (۱)

«محققاً دین الهی با عقلهای ناقص و اندیشه‌های باطل و قیاسات نادرست، درست نمی‌شود و جز با تسلیم شدن در برابر حق مقرون به مصلحت نخواهد بود بنا بر این هر کس تسلیم نظر ماست، در سلامت است و هر که از ما پیروی کرد، هدایت شده است و هر که به قیاس و رأی عمل کرد هلاک شد و هر که نسبت به آن چه ما می‌گوییم و یا قضاوت می‌کنیم تردیدی به دل راه دهد به آیات قرآن و مفاهیم کتاب آسمانی ناخودآگاه، کفر ورزیده است.»

(۱) بحثهای فقهی و اصولی که دانشمندان شیعه امامیه مطرح کرده‌اند، در امور شریعت اسلام، ثابت کرده‌اند که عمل مطابق قیاس و استحسان عقلی باطل است و همچنین ثابت کرده‌اند که علم فقه علم توقیفی است و تنها باید مطابق نص عمل کنند و تعبداً بپذیرند اما اگر نصی نرسیده و یا مجمل و یا معارض به مثل باشد در آن صورت باید به اصول عملیه مراجعه کنند، زیرا این اصول در مقام عمل، مرجع و راهگشای هر کسی است که مردّد مانده و شک در صحت عمل خود دارد، اما رجوع به مرجع دیگر از قبیل قیاس و نظایر آن کافی نیست و مورد بازخواست است.

(۱) ناسخ التواریخ: ۱ / ۱۴۱ به نقل از اکمال الدین.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۸

(۱)

**اطاعت امام واجب است**

اسلام به اطاعت از امام اهمیت فراوانی قائل است زیرا که پایداری نظام اجتماعی اسلام در گرو آن است و روش زندگی اسلام متوقف بر آن می‌باشد همچنان که سرپیچی از طاعت امام باعث اختلال نظام و گسترش هرج و مرج گشته و باعث آن می‌شود که امت در معرض مشکلات و خطرات قرار گیرد، امام زین العابدین علیه السلام بر لزوم اطاعت از امام تأکید فرموده و اهمیّت و ارزشمندی این مسأله را یادآور شده، می‌گوید:

(۲) «اللهم انك ايدت دينك في كل اوان يامام اقمته علما لعبادك، و منارا في بلادك، بعد ان وصلت حبله بحبلك، و جعلته الدرعيه الى رضوانك و افترضت طاعته، و حذرت معصيته، و امرت بامتثال امره، و الانتهاء عند نهيه، و الا يتقدمه متقدم و لا يتأخر عنه متأخر، فهو عصمه اللاتذنين، و كهف المؤمنين، و عروة المتمسكين و بهاء العالمين ...»

اللهم فاوزع لوليتك شكر ما انعمت به عليه، و اوزعنا مثله فيه، و آتته من لدنك سلطانا نصيرا، و افتح له فتحا يسيرا، و اعنه بركنك الاعز، و اشدد ازره، و قو عضده، و راعه بعينك، و احمه بحفظك، و انصره بملائكتك و امدده بجندك الأغلب و اقم به كتابك، و حدودك و شرائعك، و سنن رسولك صلواتك اللهم عليه و آله، و احى به ما اماته الظالمون من معالم دينك، و اجل به صدأ الجور عن طريقتك، و ابن به الضراء من سبيلك، و ازل به الناكبين عن صراطك، و امحق به بغاة قصدك عوجا،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۹

و الن جانبه لأوليانك، و ابسط يده على اعدائك، و هب لنا رأفته، و رحمة و تعطفه و تحننه، و اجعلنا له سامعين مطيعين، و فى رضاه ساعين، و الى نصرته و المدافعة عنه مكنفين و إليك و الى رسولك صلواتك اللهم عليه و آله بذلك متقربين ...» (۱)

«خداوندا! تو دین خودت را در هر زمانی به وسیله امام و پیشوایی که او را برای بندگانت شاخص و در شهرها و سرزمینها نشان و راهنما قرار داده‌ای و پس از آن که پیمان آن امام را به پیمان خود پیوسته‌ای او را تأیید نموده‌ای و سبب خشنودی خویش گردانیده‌ای و اطاعت او را بر بندگان واجب ساخته‌ای و از سرپیچی فرمانش بر حذر داشته‌ای و به اطاعت از دستورهای او و خودداری در مواردی که او نهی کرده و پیشی نگرفتن از او و واپس نماندن از او فرمان داده‌ای، پس اوست نگهدار بندگان و پناه مردم با ایمان و دستاویز علاقه‌مندان و باعث زینت و نیکویی جهانیان.»

«بار خدایا! شکر و سپاس بر نعمتهایی که ارزانی داشته‌ای به ولی خود الهام کن و نظیر همان شکر و سپاس را به واسطه آن حضرت بر قلب ما بیفکن. و او را از جانب خود قدرت و تسلطی که پشتوانه است مرحمت فرما و برای او هر مشکلی را آسان و هر گرهی را بگشا و او را به تواناترین تکیه گاه خود یاری کن و قدرتش را استوار و بازویش را توانایی بخش و با مراقبت خود حفظش کن و به نگهداریت نگهدار و به وسیله فرشتگانت یاریش کن و بالشکر و سپاه خود که پیروزترین سپاهیانند کمک فرما و کتاب خود و احکام و حدود آن و سنتهای پیامبرت - خداوندا درودت بر او و آتش باد- را به وسیله او اجرا کن و آن احکام و دستورهای دینی را که ستمگران از بین برده‌اند، به وسیله او بیا دار و فساد و تبهکاری ستمگران را از سر راه دینت بزدا و به وسیله او دشواری

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای چهل و هفتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۰

را از راه دین خود بر طرف کن و به وسیله او منحرفان از راه را نابود کن و به دست او کج‌اندیشان و بدعتگذاران در دین را نابود گردان و دل ولی خود را بر دوستانت نرم و مهربان و دستش را بر دشمنانت باز کن و رحمت و شفقت او را شامل حال ما گردان و ما را برای شنیدن سخنان او شنوا و مطیع قرار ده و چنان کن که در راه رضا و خشنودیش کوشا و در یاری و دفاع و پشتیبانی از او آماده باشیم و به وسیله آنچه درخواست شد به سوی تو و پیامبرت - خداوندا درودهایت بر او و آل او باد- ما را مقرب گردان.»

امام علیه السلام در این بخش از سخنان خود ضرورت اطاعت از امام را بخوبی روشن کرده و حرمت مخالفت امام و ضرورت حرکت در خط و راه و روش او را آشکارا بیان نموده است، همچنان که پرده از مقام والای امام و اهمیت آن وجود مقدس برداشته است زیرا که او پناه پناهندگان و پشتیبان مؤمنان و دستاویز متمسکان است. امام علیه السلام از خداوند نگهداری، نصرت و پیروزی آشکار ولی خدا و استواری او را در اجرای واجبات دینی و سنتهای پیامبرش را که نیروی ستمگر و منحرفان از راه اسلام در برابر آنها بسیج شده‌اند، درخواست نموده است.

(۱)

**عصمت امام**

از جمله صفاتی که لازم است امام علیه السلام برخوردار باشد، پاک بودن از هر نوع آلودگی و گناه است چه آشکارا باشند و یا پنهان و لازم است که در تمام مراحل زندگی از آن مبرا باشند، امام زین العابدین علیه السلام به ضرورت این که امام صفت عصمت را دارا باشد، اشاره کرده، می‌فرماید:

«إن الإمام منّا لا یكون إلا معصوماً...»

«امام از دیدگاه ما باید معصوم و پاک باشد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۱

و از معنای معصوم می‌پرسند، در پاسخ می‌فرماید:

«و هو المعتصم بحبل الله، و حبل الله هو و القرآن لا یفترقان إلى یوم القیامة.» «۱»

«معصوم کسی است که به ریسمان خدا چنگ زند، و ریسمان خدا همان قرآن مجید است، در حالی که تا روز قیامت آن دو، از یکدیگر جدایی نپذیرند.»

در صورتی که جمعی از آن سلسله مردمانی که در امور دینی باکی ندارند و به شیعه در این عقیده که معتقد به عصمت رهبران و ائمه خود هستند اعتراض کرده و این باور را بر ایشان خرده گرفته‌اند و ائمه را با دیگر مردمانی که در برابر هوا و هوسهایشان تسلیمند مقایسه کرده‌اند و چنین عقیده‌ای یا از کینه‌توزی نسبت به اهل بیت علیهم السلام نشأت گرفته است و یا از ناآگاهی به مقام آنهاست، زیرا که بطور قطع کسی که سیره ائمه اهل بیت علیهم السلام را بدقت مطالعه کند بدون هیچ گونه شائبه، ایمان خالصانه‌ای پیدا می‌کند که آن بزرگواران مقام والایی از تقوا و ایمان را دارند که از ارتکاب هر گناهی ایشان را بازمی‌دارد، مگر سرور اهل بیت امام امیر المؤمنین علیه السلام نفرموده است:

«به خدا سوگند اگر حکومت بر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست (همه عالم هستی) به من بدهند در برابر این که من خدا را با گرفتن سبوس جوی از دهان ملخی، نافرمانی کنم، چنان معامله‌ای را نخواهم کرد!» آیا این حالت، همان عصمت نیست؟ اما مخالفان شیعه و معترضان حجابی بر عقلهایشان کشیده‌اند- و مطلب به این روشنی را- درک نمی‌کنند!

(۱) تاریخ التریب عند الامامیه: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۲

(۱)

**امامت آن حضرت**

پس از سخن درباره احادیثی که از امام زین العابدین علیه السلام درباره امامت رسیده بود، بازمی‌گردیم به امامت خود آن حضرت که خود از بدیهیات اولیه غیر قابل بحث و تردید است. از آن جهت که امام سجاد به قدری از خصلتهای والا- و صفات عالی برخوردار است که این مقدار اوصاف حمیده جز در کسانی که خداوند قلب آنان را به ایمان آزموده باشد یافت نشود و ما در آنجا که راجع به اخلاق و رفتار امام و ویژگیهای معنویش بحث می‌کردیم بدانها اشاره کردیم، و از جمله دلایل امامت آن حضرت موارد ذیل است:

## نصّ بر امامت

از نظر شیعه امامیه تعیین امام باید به عبارت صریح و روشن باشد و جای هیچ تردیدی را باقی نگذارد و درباره امامت امام زین العابدین علیه السلام نصوص و روایت صریح به تواتر رسیده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- اوصیا و جانشینان بعد از خود را دوازده تن مشخص کرده و از ایشان بصراحت نام برده است که از آن جمله امام زین العابدین است و نصوص فراوانی در این باب رسیده است. «۱»
- ۲- امام امیر المؤمنین علیه السلام بر امامت نواده‌اش زین العابدین علیه السلام تصریح کرده است؛ موقعی که در آستانه وفات قرار داشت به پسرش امام زکی حضرت حسن علیه السلام وصیت کرد و او را امام بعد از خود معین کرد

(۱) کفایه الاثر: ص ۳۱۱، غیبه شیخ طوسی: ص ۱۰۵، مختصر البصائر: ص ۳۹، سلیم بن قیس: ص ۹۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۳

و مواریث انبیاء را به او سپرد و پسرانش امام حسین و محمد بن حنفیه و تمام اولاد خود و سران شیعه را بر آن گواه گرفت و به امام حسین فرمود:

«... همانا تو بعد از برادرت حسن امام و رهبر مردمانی و رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به تو فرمان می‌دهد که مواریث را پس از خود به پسر زین العابدین بسپاری که او حجت بعد از تو می‌باشد و آنگاه دست زین العابدین را که هنوز طفلی بود گرفت و فرمود: رسول خدا- صلی الله علیه و آله- تو را موظف می‌کند که امامت را بعد از خود به پسر محمد باقر بسپاری و از طرف رسول خدا و از جانب من به او سلام برسانی.» «۱»

(۱) ۳- امام حسین علیه السلام به امامت فرزندش زین العابدین علیه السلام تصریح نموده و عهد امامت را بعد از خود به او سپرد، زهری روایت کرده می‌گوید:

در خدمت حضرت حسین بن علی علیهما السلام بودم ناگاه علی بن حسین، خردسال- یعنی زین العابدین علیه السلام- وارد شد، امام حسین او را طلبید و به سینه چسبانید و پیشانیش را بوسید، زهری رو به امام حسین کرد و عرض کرد:

«یا بن رسول الله! پناه به خدا اگر دستمان به تو نرسید، به چه کسی مراجعه کنیم؟...»

امام حسین علیه السلام فرمود:

«به این پسر مراجعه کنید که او امام و پدر دیگر امامان است.» «۲»

نظیر این حدیث را عبد الله بن عتبه نقل کرده «۳» و راویان شیعه می‌گویند:

امام حسین علیه السلام وقتی که آهنگ سفر عراق نمود، مواریثی را که از برادرش امام حسن علیه السلام دریافت کرده بود به ام سلمه همسر پیامبر (ص) تسلیم کرد و

(۱) اصول کافی: باب نص بر امامت حسن (ع)

(۲) روضة الجنّات: ص ۲۴۷-۲۴۸.

(۳) اثبات الهداة: ۵/ ۲۱۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۴

به او فرمود تا پس از شهادت وی به زین العابدین علیه السلام بدهد و موقعی که امام سجاد پس از شهادت پدر بزرگوارش به مدینه برگشت ام سلمه آن ودایع را که در نزد وی بود به آن حضرت تقدیم کرد. «۱» این ودایع از جمله نشانه‌های امامت و ولایت ائمه است و بسیاری از قبیل این نصوص را که نویسندگان پیشین شیعه در کتابهای خود آورده‌اند، در صورتی که اگر این نصوص هم نبودند، شخصیت والا و صفات برجسته امام سجاد علیه السلام خود دلیل امامت آن حضرت بود.

(۱)

### امامت در عصر آن حضرت

اما امامت در جنبه فکری و فرهنگی آن، مطابق عقیده شیعه در عصر امام زین العابدین علیه السلام ندرخشید و عموم مردم مفهوم امامت را ندانستند و به آن نگریدند جز اندکی از خواص شیعه از آن کسانی که وجودشان را در راه تعالیم و ارزشهای اسلام فدا کرده بودند، حسین بن عبد الوهّاب می گوید: «امامت - در عصر امام سجاد (ع) پوشیده و مخفی بود، جز در نظر آن گروه از مؤمنان که از آن حضرت پیروی می کردند.» «۲»

براستی گروهی از عوامل خطرناک دستگاه جور، امام علیه السلام را احاطه کرده بودند و مانع از اظهار مسائل و مطالب مربوط به امامت و بیان اصول و فروع حق و حقیقت می شدند مگر به گروه اندکی از خواص و شیعیان اظهار می فرمود. «۳» کشی در شرح حال سعید بن مسیب نقل می کند که فضل بن شاذان گفت: «در زمان علی بن حسین علیهما السلام در آغاز کار جز پنج تن: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل و ابو خالد

(۱) اصول کافی: باب نصّ بر امامت علی بن حسین (ع).

(۲) عیون المعجزات خطّی: ص ۳۱.

(۳) روضات الجنّات: ۴/ ۴۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۵

کابلی، کسی نبود و تنها این پنج نفر معتقد به امامت بودند و جز اینها کسی بر این عقیده نبود. «۱»

امام سجاد علیه السلام مدتی از مردم کناره گرفته و همچون جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام در زمان خلفا عزلت گزیده و خانه نشین بود، امام زین العابدین علیه السلام برای خودش در بیرون شهر مدینه خیمه‌ای زده بود «۲» و به عبادت و نشر علوم مشغول بود و بدین وسیله خون خود و باقیمانده اهل بیت علیهم السلام را حفظ کرد و آنان را از شرّ کین حکومت سیاه اموی که مسلمانان بشدت گرفتار آن بودند، نجات داد.

به هر حال جامعه اسلامی با اهداف فروزان امامت آشنا نبودند همچنان که با صفات والایی که باید در امام علیه السلام باشد؛ از قبیل عصمت و علم فراوان و آگاهی کامل از آنچه امت اسلامی در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیاز داشتند، نیز آشنا نبودند و علت این امر نیز به فشار و شکنجه رسمی شیعه و کشتار و بازداشت ایشان در زندانهای تاریک و مانع شدن از دیدار امام زین العابدین علیه السلام مربوط می شود و این همه ظلم و جنایت از طرف دولت پست اموی سر می زد چون از هیچ گونه ظلم و جور فروگذار نمی کرد مگر آن که بر مسلمانان روا می داشت.

(۱)

مورخان در وصف محمد بن حنفیه گفته‌اند که او در علم، پارسایی، عبادت و دلاوری از مردان برجسته روزگار بود و او بعد از امام حسن و امام حسین

(۱) رجال کشی.

(۲) فرحة الغری: ص ۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۶

علیهما السلام از همه اولاد امام امیر المؤمنین بالاتر بود. «۱» مردی پرهیزگار و دانشمند «۲» بود «۳» و چنان بود که دلها را به خود جذب کرده و گروهی از مسلمانان به امامت او معتقد شدند که به کیسانیه معروف شدند و از قدیمترین فرقه‌های اسلامی هستند و این گروه به محمد بن حنفیه لقب مهدی داده بودند که پیامبر گرامی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بشارت آمدنش را داده و او قائم آل محمد (ص) است که پیامبر فرمود در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد پر از عدل و داد می‌کند. از جمله کسانی که معتقد به امامت محمد بن حنفیه شدند، شاعر بزرگ اسلام سید حمیری است که معتقد بود او زنده و در کوه رضوی اقامت دارد و آب و غسل در نزد اوست که در اشعار معروف خود این مطالب را بیان کرده است.

ألا إن الأئمة من قریش ولاة الحق اربعة سواهم

علی و الثلاثة من بنیه هم الاسباط لیس بهم خفاء

فسبط سبط ایمان و بز و سبط غیبت کربلاء

و سبط لا یدوق الموت حتی یقود الخیل یقدمها اللواء

تغیب لا یری فیهم زمانا برضوی عنده غسل و ماء «۴» «۵» - بدانید که تمام ائمه و زمامداران حق از قریش هستند، چهار تن از ایشان عبارتند از:

علی و سه تن از پسران آن حضرت که ایشان اسباطند و بر کسی مخفی و پوشیده نیستند؛ یکی همان سبط ایمان و نیکی - امام مجتبی (ع) است و دیگری همان است که در کربلا به شهادت رسید.

(۱) عمدة الطالب.

(۲) حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۷۴.

(۳-۴) الاغانی: ۷ / ۲۴۵، البدایة و النهایة: ۹ / ۳۸.

(۵) ناگفته نماند که شیخ مفید سراینده این اشعار را کثیر بن غره می‌داند - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۷

و سبطی که طعم مرگ را نمی‌چشد (منظورش محمد بن حنفیه است) تا وقتی که آن سپاه را رهبری کند و آن پرچمها پیشاپیش او حرکت کند.

مدتی در کوه رضوی در حالی که غسل و آب در نزد اوست از انظار مردم غایب است و کسی او را نمی‌بیند.

اما وقتی که بر این شاعر بزرگ حقیقت روشن شد از این عقیده برگشت و به امامت ائمه طاهرین علیهم السلام معتقد شد و عقیده خود را به مذهب جعفری ابراز کرد و گفت:

جعفرت باسم الله و الله أكبر و أیقنت ان الله یعفو و یغفر «۱» «به نام خدا- در حالی که خداوند بزرگتر از آن است که به وصف در

آید- من جعفری مذهب شدم و یقین دارم که خداوند از گناهم می‌گذرد و مرا می‌بخشد.»

(۱)

### امام سجاد با محمد بن حنفیه

آنچه مسلم است، محمد بن حنفیه به امامت امام زین العابدین علیه السلام معتقد بوده و درباره خود قائل به امامت نبوده است و مردم بودند که چنان عقیده‌ای را درباره او داشتند و ممکن نبود که ادعای ناحقی کند زیرا که او از پرهیزگارترین افراد بود و از همه کس احتیاط دینیش بیشتر و مسأله امامت برای او مبرهن بود که کسی اختیار آن را ندارد و او یقین داشت که امام زمانش، امام زین العابدین علیه السلام است. راویان اخبار می‌گویند: روزی بین او با امام سجاد بحث صوری در پیرامون امامت در گرفت و با هم توافق کردند که کنار کعبه بروند تا در نزد حجر الاسود هر کدام ادعای خود را طرح کند و حجر الاسود ما بین آنها داوری کند و این توافق را به آن دلیل کردند تا نظر کلی را روشن کنند و قائلین به

(۱) الأغانی: ۲۳۵/۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۸

امامت محمد بن حنفیه را به راه حق بازگردانند، و هر دوراهی مکه شدند، وقتی که به مکه رسیدند آهنگ بیت الله الحرام کردند؛ امام علیه السلام رو به حجر الاسود کرد و این دعا را خواند:

(۱) «اللهم إني أسألك باسمك المكتوب في سرادق المجد، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق البهاء، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق العظمة و أسألك باسمك المكتوب في سرادق الجلال، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق العزة، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق القدرة، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق السرائر، السابق، الفائق الحسن النضير، رب الملائكة الثمانية، و رب العرش العظيم، و بالعين التي لا- تنام، و بالاسم الأ-كبر، الأكبر، و بالاسم الأعظم، الأعظم، المحيط بملکوت السموات و الأرض و بالاسم الذي اشرفت به الشمس، و أضاء به القمر، و سخرت به البحار، و نصبت به الجبال، و بالاسم الذي قام به العرش و الكرسي، و بأسمائك المقدسات المكرمات، المكنونات، المخزونات في علم الغيب عندك أسألك بذلك كله أن تصلي على محمد و آله محمد...» (۱)

(۱) «بار خدایا تو را به آن نامت که در اوج عظمت و به آن نامی که بر فراز خیمه مجد و شکوه نوشته شده است می‌خوانم، و تو را به آن نامی که در بالای خیمه بزرگی و جلال و بر روی کاخ عزت و قدرت نگاشته است مسألت دارم و به آن نامت که بر فراز پرده رازها نوشته شده و پیش از هر چیز و بالاتر از همه، نیکو و درخشان است می‌خوانم، ای پروردگار فرشتگان هشتگانه و خداوند عرش عظیم، تو را به آن چشمی که هرگز خواب نبرد و به نام بس بزرگ و بزرگتر و اسم اعظم اعظم که بر ملکوت آسمانها

(۱) ادعیه فاضل مقداد، خطی در کتابخانه آقای حکیم: ص ۱۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۹

و زمین احاطه دارد و به آن نامی که خورشید و ماه از آن روشنی گرفته و دریاها به وسیله او رام گشته و کوهها به سبب او پابرجا شده‌اند مسألت دارم و به آن نام می‌خوانم که عرش و کرسی به وسیله او استوار گشته و به نامهای مقدس و مکرم و نهفته که در علم غیب تو، در نزد تو اندوخته است، به تمام اینها تو را می‌خوانم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی.»



(۱) همین طور که امام علیه السلام نیایش می کرد ناگهان حجر الاسود از باب اعجاز و به امر الهی به زبان آمد- همان طوری که عیسی بن مریم علیه السلام در گهواره با این که کودک بی بیش نبود، به سخن آمد- گفت: امام بر حق تنها زین العابدین است و او حجت خداست بر مردم و امین الهی درباره دین اوست.

بدین وسیله حق آشکار شد «۱» و گروه زیادی از کسانی که قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند به امامت امام زین العابدین برگشتند، این رویداد را شاعر بزرگ سید حمیری به شعر در آورده، می گوید:

علی و ما کان مع عمه برد الإمامة عطف العنان

و تحکیمه حجرا أسودا و ما کان من نطقه المستبان

بتسليم عم بلا مرية إلى ابن أخ منطقا باللسان

شهدت بذلك صدقا كما شهدت بتصديق آي القرآن

علی امامی لا امتری و خلیت قولی بکان و کان «۲» داستان علی بن حسین که با عمویش (محمد بن حنفیه) درباره بازگرداندن زمام امامت و رهبری به وی و بردن داوری به نزد حجر الاسود پیش آمد و رویداد سخن گفتن حجر الاسود که بی تردید، تسلیم شدن عمو (محمد بن حنفیه) را بطور آشکار به برادرزاده (امام سجاد علیه السلام) به زبان گویا بیان کرد.

(۱) بحر الانساب: ص ۴۲، اثبات الوصیة: ص ۱۱۹.

(۲) محمد بن حنفیه: ص ۷۲ به نقل از دیوان خطی سید حمیری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۰

به این مطلب گواهی دارم همان طوری که به راستی و درستی آیات قرآن گواهی دارم؛ علی بن حسین امام من است و تردیدی بر آن ندارم. در حالی که تو بر خلاف نظر من مطالبی را اظهار کردی!

(۱)

### بازگشت کابلی به دامن حق

ابو خالد کابلی به امامت محمد بن حنفیه معتقد بود اما وقتی که حق و حقیقت بر او روشن شد از آن عقیده برگشت و به امامت امام زین العابدین علیه السلام اعتقاد یافت و علت این رویداد- بطوری که راویان نقل کرده‌اند- از این قرار است: روزی ابو خالد به محمد بن حنفیه گفت: «فدایت شوم! من برای شما احترام و محبتی قائلم و تنها به شما دل بسته‌ام، شما را به حرمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و امیر المؤمنین علیه السلام سوگند می‌دهم، بفرمایید که آیا آن امامی که خداوند اطاعت او را بر بندگانش فرض کرده است شما هستید یا خیر؟» محمد در جواب این سؤال همان پاسخی را داد که یک مؤمن طرفدار حق می‌دهد، گفت: «ای ابو خالد، قسم بزرگی دادی، امام علی بن حسین، امام و رهبر من و تو و هر مسلمان است...»

ابو خالد فوراً به حضور امام علی بن حسین علیهما السلام شتافت و اجازه ورود خواست، امام اجازه فرمود و با محبت و احترام او را پذیرفت و فرمود:

«کنکر! خوش آمدی، تو هیچ وقت به دیدن ما نمی آمدی چه اتفاق افتاده است؟» ابو خالد با تواضع و احترام عرض کرد:

«سپاس خدا را که مرا از دنیا نبرد تا وقتی که امامم را شناختم.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۱

امام علیه السلام، بلافاصله پرسید:

«چگونه امامت را شناختی؟» ابو خالد عرض کرد:

«مولای من! شما مرا به نامی خواندید که مادرم مرا به آن (کنکر) نامیده بود! در حالی که من خود آن را فراموش کرده بودم، مدتی از عمرم را در خدمت به محمد بن حنفیه گذراندم و تردیدی نداشتم که او امام است تا این که او را به حرمت خدا و رسول خدا و امیر المؤمنین قسم دادم و او مرا راهنمایی کرد و گفت: امام من و تو و همه مردم علی بن حسین است.» (۱)

سید حمیری این داستان را به شعر در آورده، می گوید:

عجبت لکنکر صروف الزمان و امر ابی خالد ذی البیان  
و من رده الامر لا ینتی الی السید الطهر نور الجنان (۲) دگرگونی روزگار و جریان امر ابو خالد که خود بیانگر حقیقت است.  
و داستان بازگرداندن بدون تردید عقیده خویش به امامت آقای پاک و مایه روشنایی بهشت، شگفت آور است.

(۱)

### قسمتی از دلایل امامت آن حضرت

#### اشاره

از جمله دلایل امامت آن حضرت اخباری است که از پیشامد بعضی از رویدادهای آینده خبر داده است و پس از دهها سال همچنان که فرموده بود تحقق یافته و این از نظر شیعه امامیه یکی از دلایل امامت به شمار می آید، زیرا که خبر دادن از امور غیبی یکی از مکنونات علم خدای تعالی است و خداوند آن را جز به

(۱) کشی: ص ۷۹-۸۰.

(۲) محمد بن حنفیه: ص ۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۲

انبیا و اوصیا نمی دهد. از جمله آنها اخباری است که امام امیر المؤمنین علیه السلام راجع به بسیاری از امور غیبی اطلاع دادند و تمامی آنها در صحنه زندگی اتفاق افتاد، راجع به کشته شدن خوارج نهروان و هلاکت ذوالثدیه (رهبر خوارج) و همچنین از زوال حکومت بنی امیه و بسیاری از رویدادها خبر داد که اگر تمام آنها را جمع کنند خود کتاب مستقلی خواهد شد و تمام آنچه خبر داده بود به وقوع پیوست، بارها آن بزرگوار به یارانش می فرماید:

«پیش از آن که مرا از دست بدهید، هر چه می خواهید برسید ... به خدایی که جان علی در قبضه قدرت اوست چیزی راجع به زمان حال تا به قیامت از من نخواهید پرسید مگر آن که به شما خبر خواهم داد ...»

و بار دیگر به اصحابش فرمود:

«اگر بخواهم به شما از حوادث آینده و رویدادهای روزگار و مصائب زمان و گرفتاری ایام و کشمکش و رنج اوقاتان خبر می دهم ...»

استاد عبد الفتاح عبد المقصود در شرح این سخن امام علی علیه السلام می گوید: «امام علیه السلام از روی گمان سخن نمی گفت و به پشتوانه علم نجوم و کهنات این حرف را نمی زد بلکه او ماورای دانستی‌ها و دیده‌های معمولی را که بخشی از مجهولات و مطالب پنهان را آشکار می سازند، به چشم خود می دید.

او پیوسته از حق و حقیقت سخن می راند و هیچ شک و تردیدی نداشت زیرا که وی بر قسمتی از علم پیامبر (ص) که از میان همه

مردم تنها به او آموخته بود، آگاهی داشت...» (۱)

براستی که خدای تعالی بخشهای عظیم و تابناکی از علوم را به ائمه اهل بیت علیهم السلام مرحمت کرده بود و آنان را به خاطر این که حجتی بر

(۱) الامام علی بن ابی طالب: ۸ / ۱۶۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۳

امامت و رهبری معنوی و مادی این امت باشد، محرم اسرار غیبی خود فرموده بود و از جمله آن کسانی که خداوند مخصوص به این فضیلت گردانیده، امام زین العابدین علیه السلام است که از بسیاری امور غیبیه خبر داد که بعدها تمام آنها به وقوع پیوست از جمله آن امور، موارد ذیل است:

(۱)

### ۱- خبر شهادت زید

از جمله اخبار غیبی که امام سجاد علیه السلام بیان کرد؛ این بود که از شهادت فرزندش شهید عالیقدر جناب زید خبر داد، ابو حمزه ثمالی می گوید:

سالی یک بار در موسم حج خدمت امام سجاد علی بن حسین برای دیدار آن حضرت شرفیاب می شدم، تا این که سالی به خدمت آن بزرگوار رسیدم در حالی که کودکی را بر روی زانویش نشانده بود وقتی که من وارد شدم کودک از جا برخاست و می خواست از در خانه بیرون رود که پایش به آستانه در، برخورد و خون از صورت مبارکش جاری گشت امام علیه السلام با عجله جلو رفت و خون از سر و صورت او پاک کرد در حالی که می فرمود:

«من تو را به خدا می سپارم و پناه به خدا از آن که تو را در کناسه به دار آویزند!» ابو حمزه می گوید: عرض کردم.

«پدر و مادرم فدایت باد! کدام کناسه؟» فرمود:

«کناسه کوفه.»

- «فدایت شوم آیا چنین چیزی حتمی است؟» - «آری به خدایی که محمد (ص) را به حق فرستاده است اگر تو پس از من زنده بمانی خواهی دید که این پسر بچه را در ناحیه کوفه کشته اند و پس از دفن، دوباره قبر او را شکافته و بدنش را در کناسه کوفه به دار آویخته و سپس از دار پایین آورده، بسوزانند و خاکسترش را به دریا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۴

بریزند....»

ابو حمزه از شنیدن این سخنان سخت نگران و حیرت زده شد، آنگاه نام آن بچه را پرسید و عرض کرد:

«فدایت شوم: نام این پسر بچه چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «زید، است.» (۱)

آری تمام آنچه را که امام فرموده بود به وقوع پیوست و چند سالی نگذشت که زید شهید که از برجسته ترین پیشوایان آزاده نهضتها بود، در برابر طاغوت اموی به منظور برپا داشتن عدالت اسلامی و احقاق حقوق انسانی بیا خاست، و نیروهای ستمگر در برابر او تجهیز شدند و او را به شهادت رساندند، گروهی از یارانش توانستند بدن او را از معرکه بیرون برند و سرانجام دفن کنند اما حکومت اموی آن بدن مقدس را از قبر بیرون آورده و در کناسه کوفه به دار آویخت تا چهار سال روی چوبه دار بود در حالی که راه آزادی و شرف و کرامت انسانی را به مردم نشان می داد و پس از چهار سال آن پیکر مقدس را از بالای دار به زیر آوردند و در

آتش سوزاندند و بخشی از خاکستر آن را به آب فرات ریختند تا به عقیده امویان مردم آن را بنوشند. برآستی تمام آنچه را که امام علیه السلام درباره فرزند بزرگوارش خبر داده بود به وقوع پیوست و بیقین این حادثه از علایم و نشانه‌های قطعی امامت آن حضرت است.

(۱)

## ۲- خبر دادن امام از حکومت عمر بن عبد العزیز

از جمله خبرهای غیبی که امام علیه السلام سالها پیش خبر داد این بود

(۱) فرحة الغری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۵

که فرمود: عمر بن عبد العزیز زمام امور مسلمین را به دست خواهد گرفت ولی مدت زیادی حکومتش نخواهد پایید که او از دنیا می‌رود «۱». که این قضیه نیز اتفاق افتاد و عمر بن عبد العزیز به خلافت رسید و مدت کمی زمام امور را در دست داشت تا این که به اجل طبیعی از دنیا رفت.

(۱)

## ۳- خبر دادن امام از حکومت عباسیان

امام سجاد علیه السلام از حکومت عباسیان خبر داد و از روی علم غیب فرمود که حکومت ایشان بر اساس ظلم و جور و فسق و فجور استوار می‌شود و آنان مسلمانان را از دین بیرون خواهند کرد و در آینده گروههایی از علویان برای مطالبه برقراری عدالت و حق در میان مردم بر ضد ایشان قیام خواهند کرد و سرانجام آنان به دست این طاغوتها به شهادت می‌رسند و عین حدیث امام به شرح زیر است.

امام ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود:

«بدانید که در نسل ابن عباس فرزندی برای آتش جهنم به ودیعت نهاده شده است و بزودی آنان، مردمان زیادی را دسته دسته از دین بیرون خواهند کرد و بزودی زمین از خون فرزندان آل محمد- صلی الله علیه و آله- رنگین می‌شود، چه آن که این بزرگان بی‌موقع قیام کرده و در پی چیزی خواهند بود که برای آنها ممکن نیست و مؤمنان ایستادگی می‌کنند و صبر و استقامت در پیش می‌گیرند تا وقتی که خداوند حکم خود را به اجرا در آورد.» «۲»

البته گروه زیادی از علویان مجاهد در برابر طاغوتهای عباسی قیام کردند؛ محمد و ابراهیم پرچم انقلاب را در برابر منصور دوانیقی که سرکشتترین پادشاه

(۱) دلائل الامامة: ص ۸۸، بصائر الدرجات.

(۲) اثبات الهداة: ۵/ ۲۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۶

تاریخ مشرق زمین بود، بر افراشتند و همچنین حسین بن علی صاحب واقعه فح بر ضد هادی عباسی برخاست و دیگر فرزندان پیامبر

(ص) قیام کردند و پرچم آزادی و کرامت را به منظور مطالبه حقوق ستمدیدگان و محرومان برافراشتند و با خون پاکشان درخت اسلام را که عباسیان می‌خواستند از بیخ و بن برکنند آبیاری نمودند. این بود بخشی از خبرهای غیبی که امام زین العابدین علیه السلام از رویداد آنها پیشاپیش خبر داده، و همان طور که فرموده بود به وقوع پیوست.

(۱) براستی که خداوند به امام زین العابدین علیه السلام علم بی‌حد و بی‌پایانی را مرحمت کرده بود چنان که به پدران بزرگوارش عنایت فرموده بود اما آن بزرگوار علوم خود را پنهان می‌داشت و برای این که مبادا نادانان به خاطر عدم تحمل حقایق به گمراهی افتند، اظهار نمی‌کرد، اما در اشعار ذیل (که منسوب به آن حضرت است) پرده از علوم خود برداشته و می‌فرماید:

أني لا أكتف من علمي جواهره كيلا يري الحق ذو جهل فيفتننا  
يا ربّ جوهر علم لو ابوح به لقليل لي أنت ممن يعبد الوثنا  
ولا استحلّ رجال مسلمون دمي يرون اقبح ما يأتونه حسنا

و قد تقدم في هذا ابو الحسن الى الحسين و اوصى قبله الحسن «۱» البته من حقایق علم خویش را پوشیده می‌دارم تا نادانان مبادا حق را ببینند (و تاب تحمل آن را نداشته) و گمراه شوند.

چه بسیار حقیقت علمی که اگر اظهار کنم خواهند گفت تو از جمله بت‌پرستانی، و هرآینه افراد مسلمان خون مرا مباح خواهند شمرد و نظرات مرا در برابر عقاید خود، زشت و عقاید خود را نیک خواهند دانست، در حالی که ابو الحسن (علی) علیه السلام در این شرایط بود و آن حضرت این را به امام حسین و پیش از او به امام حسن علیهما السلام سفارش کرد.

(۱) منهاج العابدین (فتوکپی): ص ۲ از ابو حامد غزالی، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۵۰ روح المعانی آلوسی: ۱۹۰/۶، روضات الجنّات: ۱۳۳/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۷

## اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۹

(۱) اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام تمام مسلمین درباره بزرگداشت امام زین العابدین علیه السلام اتفاق نظر دارند و به فضیلت آن حضرت اعتراف نموده و معتقدند که او نسخه منحصر به فردی بود در این دنیا که هیچ کس در فضایل، علوم و تقوا به او نمی‌رسید، و از جمله مظاهر بزرگداشت ایشان از آن حضرت این بود که به بوسیدن دست آن بزرگوار تبرک می‌جستند و بر چشمشان می‌کشیدند. «۱» و تعظیم و احترام آن حضرت منحصر به اصحاب و کسانی نبود که با وی برخورد داشتند بلکه تمام مورّخین را با همه اختلاف در نظرات و گرایشهایشان شامل می‌شود که با اعجاب و تعظیم سیره زندگی آن بزرگوار را نقل کرده و تمام عناوین برجسته و اوصاف ارزنده را به او داده‌اند. به اعتقاد من هیچ کسی نیست که شرح زندگی درخشان آن بزرگوار را مطالعه کند مگر این که سر تسلیم و تعظیم در برابر آن حضرت فرود می‌آورد بنا بر این، کسی در خصیصه‌های والا و سایر صفات برجسته به پای آن بزرگوار نمی‌رسد، و آن حضرت در دل هر انسان شریفی که علاقه‌مند به اوصاف والای بشری و انسانهای نمونه است و به انسانیت احترام می‌گذارد، جا دارد.

اینک به نظرات و سخنان معاصران آن حضرت و مورّخانی که درباره

(۱) عقد الفرید: ۲/ ۲۵۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۰.

شخصیت آن بزرگوار اظهار نظر کرده‌اند، می‌پردازیم:

(۱)

## نظرات معاصرین امام

### اشاره

بعضی از دانشمندان و شخصیت‌های گوناگون معاصر امام زین العابدین (ع) درباره شخصیت آن حضرت سخن گفته‌اند که تمامی آنها حاکی از بزرگداشت و تعظیم است چه آن کسانی که خالصانه دوستدار آن حضرت بودند و چه کسانی که در دل نسبت به آن بزرگوار، عداوت و دشمنی داشتند، ما در ذیل سخنان همه را می‌آوریم:

(۲)

### ۱- جابر انصاری

صحابی بزرگ پیامبر (ص) جابر بن عبد الله انصاری که ارادت خاصی به اهل بیت علیهم السلام داشته و از موالیان ایشان بود، شگفتی فوق العاده خود را نسبت به مقام امام علیه السلام با عبارت ذیل اظهار می‌کند:

«در میان اولاد انبیاء علیهم السلام کسی همچون علی بن حسین دیده نشده است.» «۱»

راستی که چنین است در میان اولاد انبیاء کسی در تقوا و پارسایی و تضرّع در پیشگاه خدا چون امام علی بن حسین علیه السلام دیده نشده، همان طوری که هیچ کس چون او گرفتاری ندیده است؛ بیشتر دوران زندگانش گرفتار مصائب و بلاها بود.

(۳)

### ۲- عبد الله بن عباس

عبد الله بن عباس با همه عظمت شأن و مقام و عمر زیادی که داشت، از

(۱) حیاة الامام محمد الباقر (ع): ۱/ ۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۱.

امام زین العابدین علیه السلام تجلیل می‌کرد و در مقابل آن حضرت با خضوع و تکریم خم می‌شد و همین که آن بزرگوار را

می‌دید تمام قد از جا بر می‌خواست و با صدای بلند می‌گفت: «مرحبا به دوست دوست.» «۱»

(۱)

### ۳- زهری

محمد بن مسلم قرشی معروف به زهری فقیه، یکی از پیشوایان برجسته و عالم حجاز و شام، «۲» از کسانی است که به امام علیه السلام اخلاص داشت و سخت علاقه‌مند بود، سخنان ارزشمندی را درباره امام علیه السلام گفته که بیانگر اوصاف آن حضرت و ارزشهای والا و صفات برجسته‌ای است که در آن بزرگوار جمع بوده، از جمله می‌گوید:

- الف- «هیچ فرد هاشمی را همچون علی بن حسین ندیدم.» «۳»  
 ب- «هیچ مرد قرشی را پارسا تر و بالاتر از امام سجاد ندیده‌ام.» «۴»  
 ج- «هیچ فرد قرشی را برتر از علی بن حسین ندیدم.» «۵»  
 د- «در مدینه کسی را بالاتر از او سراغ ندارم.» «۶»  
 ه- «در میان اهل بیت مردمی را بالاتر از علی بن حسین نیافتم.» «۷»  
 و- «من با علی بن حسین علیه السلام زیاد مجالست داشتم، کسی را فقیه‌تر از او ندیدم.» «۸»

(۱) تاریخ دمشق: ۱۴۷/۳۶.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۴۴۵/۹.

(۳) خلاصه تهذیب الکمال: م ۷/ق ۲، الاغانی: ۳۲۵/۱۵.

(۴) البدایة و النّهایة: ۱۰۴/۹.

(۵) سیر اعلام النبلاء: ۳۷/۴، تاریخ اسلام: ۲۶۶/۲، الکاشف: ۲۸۲/۲، طبقات الفقهاء: ۳۴/۱۰.

(۶) تهذیب اللغات و الاسماء؛ بخش اول ص ۳۴۳.

(۷) الجرح و التّعدیل: بخش اول از جلد سوم ص ۱۷۸.

(۸) خلاصه تهذیب الکمال: م ۷/ق ۲ ص ۳۳۶، تذکرة الحفاظ: ۷۵/۱، شذرات الذهب: ۱۰۵/۱، العبر فی خبر من غیر: ۱۱۱/۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۲

ز- «علی بن حسین از همه مردم زمان خود بالاتر و در اطاعت خداوند بهتر بود.» «۱»

ح- «روز قیامت، منادی ندا می‌دهد؛ امروز باید آن کسی که سرور عابدان زمان خود بوده است بپاخیزد! آنگاه علی بن حسین علیه

السلام بپا می‌خیزد.» «۲» این سخن زهری اشاره به حدیث مشهور نبوی دارد که می‌فرماید:

«وقتی که روز قیامت فرا رسد منادی از فراز عرش فریاد می‌زند: باید سرور عابدان بپاخیزد، و امام سجاد بر می‌خیزد.» «۳»

ط- «از زهری پرسیدند: زاهدترین فرد دنیا چه کسی است؟ گفت:

علی بن حسین علیه السلام.» «۴»

ی- سفیان بن عینه می‌گوید: از زهری پرسیدم: علی بن حسین را دیده‌ای؟ گفت: آری او را دیده‌ام و کسی را بالاتر از او ندیده‌ام،

به خدا سوگند من برای او هیچ دوست نهانی و دشمن علنی سراغ ندارم! پرسیدند: چطور چنین چیزی ممکن است؟ گفت: چون من

کسی را ندیدم، مگر با وجود این که او را دوست می‌داشت اما به دلیل اطلاع از فضیلت زیاد آن حضرت رشک می‌برد و همچنین

کسی را ندیدم هر چند که دشمن او بود اما به دلیل مدارا و رفتار خوب آن حضرت با وی، او نیز مدارا می‌کرد.» «۵»

یقیناً زهری این مطالب را بر زبان نیآورده مگر پس از ارتباط زیاد با امام علیه السلام و معرفت کامل به اوصاف آن حضرت و

آشنایی با خلق و خوی والا و صفات برجسته امام، و شیفتگی وی تا بدان جا رسیده بود که هر وقت به یاد امام

(۲) روضات الجنّات: ۲۴۸ / ۷، کشف الغمّه.

(۳) تاریخ دمشق: ۱۴۰ / ۳۶.

(۴) بحار الانوار.

(۵) علل الشرائع: ص ۸۸، وسائل الشیعه: ۵ / ۵۴۱، بحار الانوار: ۶۴ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۳

می‌افتاد گریه می‌کرد و می‌گفت: زین العابدین. «۱»

(۱)

#### ۴ - سعید بن مسیب

سعید بن مسیب از فقهای برجسته مدینه بود، راویان می‌گویند: کسی از تابعین دانشمندتر از او نبود، «۲» وی با امام زین العابدین علیه السلام مصاحبت داشت و از پارسایی و تقوای دینی آن حضرت آگاه بود و آنچه از امام دیده بود ضبط کرده و می‌گفت: چه کسی مثل او یافت می‌شود! و نیز چنین می‌گوید:

الف- «من کسی را پارسا تر از علی بن حسین علیه السلام ندیدم.» «۳»

ب- «هرگز کسی را بالا تر از علی بن حسین ندیدم، و هرگز با او روبرو نشدم مگر در خود احساس کوچکی کردم و هرگز او را خندان ندیدم.» «۴»

ج- مردی به سعید بن مسیب گفت: پارسا تر از فلانی ندیده‌ام، سعید از او پرسید: آیا علی بن حسین را دیده‌ای؟ گفت: نه، آنگاه سعید گفت: من پارسا تر از او را ندیده‌ام.» «۵»

د- روزی سعید بن مسیب نشسته بود و در کنار او جوانی بود از مردم قریش ناگاه امام زین العابدین علیه السلام نمایان شد، آن جوان قرشی از سعید پرسید: او کیست؟ سعید گفت: «او سید و سرور عابدان، علی بن حسین است.» «۶»

ه- «من کسی را متواضع تر و پارسا تر از زین العابدین علی بن حسین ندیده‌ام.» «۷»

(۱) تاریخ دمشق: ۱۹ / ۱۲، کشف الغمّه: ۲ / ۲۸۸، روضات الجنّات: ۲۶۴ / ۷.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۸۵ / ۴.

(۳) العبر فی خبر من غیر: ۱ / ۱۱۱، خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳۱.

(۴) تاریخ یعقوبی: ۴۶ / ۳.

(۵) سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۳۸، کشف الغمّه: ۳ / ۳۹۲.

(۶) فصول المهمه: ۱۸۹.

(۷) جمهره الاولیاء: ۷۴ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۴

این سخنان که از زبان این مرد فقیه بیرون آمده است، به برخی از صفات امام علیه السلام از قبیل پارسایی، طاعت خدا، تواضع در سلوک و رفتار با مردم اشاره دارد که تمام اینها از صفات کم نظیر و ارزشمند و در پیشگاه خدا بالاترین صفاتند.

(۱)



**۵- زید بن اسلم**

زید بن اسلم که سرآمد فقهای مدینه، و همچنین از جمله مفسران قرآن کریم بوده است «۱» از خاصان امام زین العابدین علیه السلام و شیفته فضل، پارسایی و تقوای آن حضرت بود، پرده از شگفتیهای صفات و مقامات فوق العاده امام برداشته و جملاتی در این باره دارد که از آن جمله است:

الف- «من با کسی از اهل قبله مجالست نکردم که نظیر امام علی بن حسین باشد.» «۲»

ب- «مانند علی بن حسین علیه السلام را در میان اهل بیت ندیدم.» «۳»

ج- «همانند علی بن حسین در فهم و قدرت حافظه کسی را ندیده‌ام.» «۴»

معنای سخنان زید این است که امام سجاد بالاتر از همه مسلمانان و برترین فرد هاشمی عصر خود است و همچنین او می‌گوید که کسی را در فهم و سرعت ادراک و قوه حافظه همانند امام ندیده است و این همان مطلبی است که شیعه بر آن تأکید می‌کند و معتقد است امام باید از همه مردم زمان در ویژگیها و صفات والا برجسته‌تر باشد.

(۲)

**۶- حماد بن زید**

اما حماد بن زید جهزی که از برجسته‌ترین فقهای بصره و رهبر مسلمین

(۱) تهذیب التهذیب: ۳/ ۳۹۵.

(۲-۳) تاریخ دمشق: ۱۲/ ق ۱/ ص ۱۹.

(۴) طبقات الفقهاء: ۲/ ۳۴.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۵

آن سامان بود، «۱» با امام زین العابدین علیه السلام ارتباط داشت و از صفات والای آن حضرت سخت در شگفت بوده و می‌گفت: «علی بن حسین بالاترین فرد هاشمی بود که من دیده‌ام.» «۲»

براستی که امام علیه السلام بر تمام هاشمیان دوران خود در آداب و اخلاق و کمالات برجسته خود امتیاز داشت.

(۱)

**۷- یحیی بن سعید**

اما یحیی بن سعید بن قیس انصاری مدنی که از جمله بزرگان تابعین و از بالاترین فقها و علما بوده است، «۳» با امام علیه السلام مصاحبت کرده و به فضیلت آن حضرت آشنا بود و کلمات ارزشمند ذیل از اوست:

«من از علی بن حسین علیه السلام مطالبی را شنیده و استفاده کرده‌ام و او بالاترین فرد هاشمی است که دیده‌ام.» «۴»

براستی که امام علیه السلام با ایمان، تقوا و علم و فضیلت فراوانش بالاترین فرد هاشمی بود.

(۲)

**۸- مالک**

مالک می گوید: «کسی در میان اهل بیت همچون علی بن حسین وجود نداشت.» (۵)

(۱) تهذیب التّهذیب: ۹/۳.

(۲) تهذیب اللّغات و الاسماء بخش اول: ص ۳۴۳.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۲۲۲/۸.

(۴) تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲/ ص ۳۳۶، تهذیب اللّغات و الاسماء بخش اول: ص ۳۴۳ تاریخ کبیر بخش دوم از جلد سوم: ص ۲۶۶، طبقات ابن سعد: ۱/ ۲۱۴، الجرح و التّعدیل ق/ ۱ از جلد سوم: ص ۱۷۸.

(۵) سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۸ و در تهذیب التّهذیب: ۷/ ۳۰۵ چنین آمده است: «در میان اهل بیت رسول خدا (ص) کسی همانند علی بن حسین نبود.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۶

(۱)

## ۹- ابو بکر بن برقی

ابو بکر بن برقی می گوید: «علی بن حسین بالاترین فرد زمان خود بوده است.» (۱)

براستی که امام علیه السلام در علم، تقوا و اطاعت خدا بالاترین فرد روزگار بوده است و کسی همانند او در کمال و شخصیت والایش در آن روزگار نبود.

(۲)

## ۱۰- ابو ذرعه

ابو ذرعه گوید: «من کسی را فقیه‌تر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۲)

(۳)

## ۱۱- ابو حازم

ابو حازم می گوید: «هیچ فرد هاشمی را بالاتر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۳)

و نیز می گوید: «فقیه‌تر از علی بن حسین را سراغ ندارم.» (۴)

(۴)

## ۱۲- ابو حاتم اعرج

ابو حاتم اعرج می گوید: «من کسی از هاشمیان را بالاتر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۵)

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۸.

(۲) تاریخ دمشق: ۱۲/ ق ۱/ ص ۱۸.

(۳) همان مدرک.

(۴) تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲/ ص ۳۳۶، کشف الغمه: ۳/ ۲۹۲.

(۵) تذکره الحفاظ: ۱/ ۷۵، شذرات الذهب: ۱/ ۱۰۵، العبر فی خبر من غیر: ۱/ ۱۱۱، تاریخ اسلام:

۱۶/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۷.

(۱)

**۱۳- ابو حمزه ثمالی**

ثابت بن ابی صفیه مشهور به ابو حمزه که فردی موثق و امین بود، می گوید: «من از مردم را نشنیده‌ام که کسی پارساتر از علی بن حسین باشد مگر آنچه را که از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند.» (۱) و در جای دیگر می گوید: «هرگز کسی را زاهدتر از علی بن حسین نشنیده‌ام که بهنگام سخن گفتن از زهد و وقت موعظه کردن دیگران، همه حاضران محضرش را به گریه آورد.» (۲)

(۲)

**۱۴- امام صادق (ع)**

نواده امام سجاد علیه السلام یعنی امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی از فرزندان امام امیر المؤمنین علیه السلام و از اهل بیت آن حضرت که در لباس پوشیدن و فقاہتش شبیه‌تر از علی بن حسین علیهما السلام به آن بزرگوار باشد.» (۳) برآستی که امام زین العابدین در عبادت، علم و دیگر صفات شبیه‌ترین فرد به جدش امام امیر المؤمنین بود و بحق تجسمی از آن شخصیت والا بود که با علوم و معارفش آسمان دنیا را روشن کرده است.

(۳)

**۱۵- عمر بن عبد العزیز**

عمر بن عبد العزیز از جمله کسانی است که معاصر امام زین العابدین علیه السلام بوده و از مقام والای او مطلع بود، روزی امام (ع) با وی دیدار کرد و چون برگشت، عمر رو به یارانش کرد و پرسید:

«شریفترین مردم کیست؟» جمعی از افراد چاپلوس حاضر در جلسه گفتند:

(۱) سفینه البحار: ۱/ ۵۷.

(۲) امالی شیخ مفید: ص ۱۱۷.

(۳) حاشیه دیوان حمیری: ص ۳۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۸.

«شما».

عمر، با تمام صراحت حقیقت را بیان کرد و گفت:

«هرگز! همانا شریفترین مردم این آقا بود که از نزد ما رفت- یعنی امام زین العابدین- و آن کسی که مردم دوست دارند که از پیروان او باشند، اما او دوست ندارد که پیرو دیگری باشد.» (۱)

معنای سخنان عمر، آن است که امام علیه السلام به مقامی از شرافت و بزرگی رسیده است که هیچ کسی از طبقات مختلف مردم نرسیده و همه دوست دارند که نوعی پیوستگی و ارتباط با آن حضرت داشته باشند، و این هم به خاطر مقام و منزلت والای اجتماعی آن بزرگوار است در حالی که او مایل نیست و دوست ندارد وابسته به کسی باشد زیرا همه در درجه‌ای پایین‌تر از آن حضرت قرار دارند و بزرگداشت و تجلیل عمر از امام تا بدان جا رسیده بود وقتی که خبر وفات امام را شنید، جملات زیر را در سوک آن بزرگوار گفت:

«چراغ روشنی‌بخش دنیا و زینت و جمال اسلام و زیور عبادت کنندگان دست رفت.» (۲)

(۱)

### ۱۶- یزید بن معاویه

اعتراف به فضیلت امام زین العابدین علیه السلام، منحصر به شیعیان و پیروان آن حضرت نبود بلکه دشمنان و مخالفان او نیز به عظمت او اعتراف دارند، این یزید بن معاویه است که از سرسخت‌ترین دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است، به صفات و ویژگیهای برجسته آن حضرت اعتراف دارد و این در موقعی اتفاق افتاد که مردم شام اصرار کردند تا اجازه دهد، امام علیه السلام سخنرانی کند، آن طاغوت ستمگرترس و هراس خود را با این عبارت ابراز داشت:

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۳-۴ و قریب به این مضمون در محاضرات الادبای راغب اصفهانی: ۱/۱۶۶ آمده است.

(۲) تاریخ یعقوبی: ۳/۴۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۹

«او از خانواده‌ای است که از شیرخوارگی به علم و کمال آراسته‌اند و اگر بالای منبر برود، من و تمام آل ابو سفیان را رسوا خواهد کرد.»

یزید، با این جملات پرده از میزان علمی و تواناییهای خطابی امام علیه السلام پرده برداشته و اعتراف دارد که او به قدری از توانایی بیان و استدلال قوی برخوردار است که می‌تواند موقعیت او را در جهت مخالف با مصالح حکومت او دگرگون کند.

(۱)

### ۱۷- عبد الملک بن مروان

دشمن دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام یعنی عبد الملک بن مروان نیز به فضیلت امام علیه السلام اعتراف نمود، موقعی که با او ملاقات کرد و دید در اثر عبادت زیاد نحیف و لاغر شده است، از روی تعجب رو به آن حضرت کرد و گفت:

«براستی که مقام اجتهاد و کوشش در راه خدا بر تو روشن گشته و تفضلات الهی از قبل شامل حال تو شده است و تو پاره تن رسول خدا و خویشاوندی نزدیک و رابطه قطعی با آن حضرت داری و تو بر دیگر افراد اهل بیت و مردم روزگار فضیلت زیادی داری و به تو فضل و دانش و دین و تقوای فراوانی داده شده به حدی که مثل آن را به کسی نداده‌اند و پیش از تو کسی جز

نیاکانت به آن حد نرسیده‌اند.» (۱)

(۲)

### ۱۸- منصور دوانیقی

در اینجا دشمن دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است که به فضیلت امام اعتراف کرده و آن منصور دوانیقی است که در نامه‌ای که به صاحب نفس زکیه می‌نویسد، می‌گوید:

(۱) بحار الانوار: ۷۵/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۰

«در میان شما، علویان پس از وفات رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- کسی چون زین العابدین به دنیا نیامده است.» (۱)

(۱)

### ۱۹- فرزددق

فرزدق، شاعر بزرگ عرب کسی که صفات ارزشمند امام زین العابدین علیه السلام او را در خود غرق کرده و به والایی و قداست شخصیت آن بزرگوار ایمان داشت، و در قصیده‌های جاودانه‌ای که بالبداهه برای بیان شخصیت امام و سایر ویژگیها و صفاتش سروده، این مطلب پیداست و این قصیده را موقعی سرود که طاغوت زمان؛ هشام بن عبد الملک در برابر مردم شام تجاهل کرد و اظهار داشت که امام را نمی‌شناسد تا مبادا مردم فریفته معرفت او گردند، اما فرزدق آن حضرت را به مردم چنین معرفی کرد:

هذا الذي تعرف البطحاء وطأته و البيت يعرفه و الحل و الحرم

هذا ابن خير عباد الله كلهم هذا التقى النقى الطاهر العلم

إذا رأته قریش قال قائلها: إلى مكارم هذا ينتهي الكرم

يرقى إلى ذروة المجد التي قصرت عن نيلها عرب الإسلام و العجم

يكاد يمسه عرفان راحته ركن الحطيم إذا ما جاء يستلم

يغضى حياء و يغضى من مهابته فلا يكلم إلا حين يتسم

بكفه خيزران ريحها عقب من كف اروع في عرنينه شمم

من جده دان فضل الأنبياء له و فضل امته دانت له الأمم

ينشق نور الهدى عن نور غرته كالشمس تنجاب عن اشراقها الظلم

مشتقه من رسول الله نبعته طابت عناصرها و الخيم و الشيم

هذا ابن فاطمة إن كنت جاهله بجده أنبياء الله قد ختموا

الله شرفه قدما و فضله جرى بذاك له في لوحه القلم

(۱) کامل مبرد: ۴۶۷/۲، عقد الفريد: ۳۱۰/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۱

براستی که امام بالاترین چهره‌ای بود که فرزدق در دنیای شرف و فضیلتها دیده بود، این بود که دل به محبت و ولای او سپرد. ما در آینده ضمن بحثهای آتی، تمام این قصیده را ذکر خواهیم کرد. «۱»

(۱)

## ۲۰- حمیری

اما سید حمیری که تمام ذوق و استعداد خدادادیش را وقف ستایش اهل بیت علیهم السلام نموده است زیرا یقین داشت که ایشان معدن رحمت و فضیلتند در زمین و هیچ خصوصیت و فضیلتی از فضایل ایشان را فروگذار نکرده مگر آن که در اشعاری نغز سروده است و امام زین العابدین علیه السلام را با این بیت توصیف کرده، می‌گوید:

و رابعهم علی ذو المساعی به للذین و الدنیا قوام «۲» - چهارمین فرد از ایشان علی بن حسین علیه السلام است که کمکهای فراوان به فقرا داشت و به وسیله او دین و دنیا قوام گرفته و استوار گشته است.

(۲)

## ۲۱- ابن شهاب

ابن شهاب می‌گوید: «من هیچ فرد قرشی را بالاتر از علی بن حسین

(۱) از این رو ما نیز در اینجا به خاطر عدم تکرار از ترجمه این قسمت خودداری کردیم. عبد الرحمن جامی در کتاب سلسله الذهب این قصیده را به شعر فارسی در آورده و می‌گوید زنی از مردم کوفه پس از مرگ فرزدق شبی او را در خواب دید و از او پرسید که خدا با تو چه کرد؟ گفت: خدا مرا به خاطر آن قصیده‌ای که در مدح و ثنای حضرت علی بن حسین علیه السلام گفته بودم، آمرزید. جامی می‌گوید: سزاوار است که خدای تعالی همه مردم عالم را به برکت این قصیده بیامرزد. اشعار ذیل از اوست:

صادقی از مشایخ حرمین چون شنید این نشنید دور از شین

گفت نیل مراضی حق رابس بود این عمل فرزدق را

مستعد شد رضای رحمن رامستحق شد ریاض رضوان را

زان که نزدیک حاکم جابر کرد حق را برای حق ظاهر ... م.

(۲) دیوان حمیری: ص ۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۲

علیه السلام ندیده‌ام. «۱»

(۱)

## ۲۲- ابن زید

ابن زید می‌گوید: پدرم همواره می‌گفت: «من هرگز شخصیتی به عظمت علی بن حسین علیه السلام ندیده‌ام.» «۲» اینها بودند جمعی از معاصران امام که در آن میان هم دوستان بودند و برخی هم از دشمنان که جملگی بر این عقیده‌اند که امام علیه السلام یکی از استوانه‌های تقوا و دانش در جهان اسلام است.

(۲)

**مورخان****اشاره**

اما مورخان با تمام اختلاف در اندیشه‌ها و گرایش‌هایی که دارند، همگی بر بزرگداشت و تجلیل از امام سجاد علیه السلام اتفاق نظر دارند زیرا که به آن حضرت خصلتها و ویژگی‌هایی داده شده که او را تا بلندترین قله شرف و بزرگی رسانده، بدان جا که پدران بزرگوار او رسیده‌اند، و در ذیل بعضی از اقوال ایشان را می‌آوریم.

(۳)

**۱- ابن عساکر**

حافظ ابو القاسم علی بن حسن شافعی معروف به ابن عساکر در شرح حال امام علیه السلام، می‌گوید: «علی بن حسین مورد اعتماد و امین بوده و احادیث زیادی نقل کرده، او عالیقدر، بلند مقام و پارسا بوده است.» «۳»  
و این صفات از ارزشمندترین و بالاترین اوصافی هستند که در دنیای

(۱-۲) المعرفة و التاریخ از بسوی: ۱ / ۳۶۰.

(۳) تاریخ دمشق: ۳۶ / ۱۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۳.

اسلام وجود دارد.

(۱)

**۲- ابن سعد**

محمد بن سعد، می‌گوید: «علی بن حسین شخصیتی مورد اطمینان و امین بوده، احادیث زیادی نقل کرده، بلند مقام و رفیع منزلت و پارسا بوده است.» «۱»

ملاحظه می‌فرمایید که ابن عساکر و ابن سعد در توصیف امام علیه السلام به این اوصاف اتفاق نظر دارند.

(۲)

**۳- ابن حجر عسقلانی**

ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب زین العابدین شخصیت مورد اعتماد و استواری است، او عابد فقیه فاضل مشهور است، ابن عیینه از قول زهری درباره او گفته است: من کسی را در بین مردم قریش بالاتر از او ندیده‌ام.» «۲»

(۳)

**۴- ابن هیثمی**

شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی می‌گوید: «و زین العابدین آن کسی است که در علم و زهد و عبادت جانشین پدران خویش است ... و می‌افزاید:

زین العابدین گذشت و عفو و اغماض زیادی داشت.» (۳)

براستی که امام زین العابدین علیه السلام جانشین پدرانش بوده و بالاترین صفات ایشان یعنی علم و زهد و عبادت را از ایشان به ارث برده است، علاوه بر آن که وی از گذشت و عفو و اغماض زیادی نسبت به کسانی که به آن حضرت بدی کرده بودند، برخوردار بوده است.

(۱) طبقات الکبری: ۵ / ۲۲۲.

(۲) تقریب التّهذیب: ۲ / ۳۵.

(۳) الصّواعق المحرقة: ص ۱۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۴

(۱)

**۵- ذهبی**

محمد بن احمد بن عثمان ذهبی می‌گوید: «امام زین العابدین دارای شکوه و جلال فوق العاده‌ای بود، به خدا سوگند که بجا بود و آن بزرگوار شایستگی بالاترین مقام امامت و رهبری را داشته است و این شایستگی را به خاطر بزرگی و سروری و دانش و خداپرستی و عقل و کاملش احراز کرده بود.» (۱)

ذهبی به جنبه واقعیت درخشانی که امام علیه السلام حائز بوده و همچنین به شایستگی آن حضرت برای بالاترین مقام امامت و رهبری مادی و معنوی امت اعتراف نموده است که اینها از بالاترین و مهمترین مراتب اسلام است.

(۲)

**۶- ابو الفتح**

ابو الفتح بن صدقه می‌گوید: «امام علی بن حسین بن علی بن ابی طالب- رضوان خدا بر همه ایشان باد- معروف به زین العابدین، یکی از دوازده امام و از جمله سادات و بزرگان تابعین است.» (۲)

(۳)

**۷- ابو نعیم**

حافظ ابو نعیم گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، زین العابدین و شاخص مطیعان و خاشعان فردی عابد وفادار، بخشنده و خوش‌خو بود.» (۳)

براستی ابو نعیم راجع به برخی از صفات نمونه امام علیه السلام از قبیل عبادت، وفاداری و بخشندگیش سخن گفته است.



(۱) سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۲۴۰.

(۲) درر الابکار (فتوگرافی): ص ۷۰.

(۳) حلیه الاولیاء: ۳ / ۱۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۵

(۱)

## ۸- یعقوبی

احمد بن ابی یعقوب می گوید: «امام زین العابدین بالاتر از همه مردم و عبادتش بیشتر از همه بود، او را زین العابدین و نیز ذو الثنات می گفتند به خاطر آثار سجده‌ای که در صورتش نمودار بود.» (۱)

براستی که امام زین العابدین از همه مردم بالاتر و والامقام‌تر بوده و از همه کس عبادت و طاعت پروردگار را بیشتر داشت.

(۲)

## ۹- واقدی

واقدی گوید: «زین العابدین علیه السلام از پارساترین و عابدترین مردم بوده و از همه کس تقوای الهیش بیشتر بود، او وقتی که راه می‌رفت دستش را حرکت نمی‌داد ... «۲» «۳»

براستی که واقدی به پارسایی، عبادت و تقوای و تواضع امام علیه السلام توجه داشته و آن حضرت با این اوصاف برجسته بحق بالاتر و گرامیتر از همه مردم بوده است.

(۳)

## ۱۰- صفی الدین

صفی الدین می گوید: «زین العابدین (ع) هدایتگر بزرگ و دارای راه و روش شایسته بوده است، خطیب در جامع خود از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: همانا هدایت و روش صالح و میانه روی یک جزء از بیست و پنج جزء

نبوت است.» (۴)

(۱) تاریخ یعقوبی: ۳ / ۴۶.

(۲) کنایه از این که متواضعانه حرکت می‌کرد- م.

(۳) البدایة و النهایة: ۹ / ۱۰۴.

(۴) وسیله المآل فی عد مناقب الآل: ص ۲۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۶

(۱)

**۱۱- نووی**

نووی می‌گوید: «تمام مسلمین بر عظمت امام زین العابدین در هر جهت اتفاق نظر دارند.»<sup>(۱)</sup> تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱، ۲۰۶، ۱۱ - نووی ..... ص: ۲۰۶

استی که تمام مسلمین درباره بزرگداشت و تعظیم امام علیه السلام اتفاق دارند و این تجلیل به خاطر برخورداری آن حضرت از صفات برجسته‌ای می‌باشد که جای گرامیداشت و افتخار برای همه مسلمانان است.

(۲)

**۱۲- عماد الدین**

داعی عماد الدین ادریس قرشی می‌گوید: «امام علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام پس از امام حسن و امام حسین علیهما السلام از تمام اهل بیت - علیهم جمیعا الصلاة والسلام - بالاتر و گرامیتر بوده و پارسایی و زهد و عبادتش بیشتر بوده است.»<sup>(۲)</sup>

(۳)

**۱۳- ابن عنبه**

نسب‌شناس مشهور به ابن عنبه می‌گوید: «فضایل امام زین العابدین علیه السلام بیشتر از آن که به شمار آید و یا امکان توصیف باشد.»<sup>(۳)</sup> براستی که خوبیها و فضایل امام زین العابدین را نمی‌توان توصیف کرد و بیرون از شمار است زیرا که خوبیهای امام علیه السلام در امتداد ذاتی سیره پدرانیش بود که تمام دنیا را نیکبها و فضایل ایشان روشن کرده است.

(۱) تهذیب اللغات و الاسماء: ق ۱/ ۳۴۳.

(۲) عیون الاخبار و فنون الآثار: ص ۱۴۴.

(۳) عمده الطالب: ص ۱۹۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۷

(۱)

**۱۴- شیخ مفید**

شیخ مفید می‌گوید: «علی بن حسین علیهما السلام پس از پدرش از نظر علم و عمل بالاتر از همه خلق خدا بود، فقهای اهل تسنن به قدری از مسائل علوم مختلف از آن بزرگوار نقل کرده‌اند که قابل شمارش نیست و به قدری مواظب و ادعیه و فضایل قرآن، حلال و حرام و مطالب مربوط به جنگها و حوادث ایام ضبط کرده‌اند که بین دانشمندان مشهور و زبانزد همگان است.»<sup>(۱)</sup>

حقا که امام زین العابدین علیه السلام یکی از سرمایه‌های فکری اسلامی بوده و علوم و معارف را در دنیای اسلام گسترش داده است و از آن حضرت، دانشمندان و فقها، احکام اسلام و آداب شرعی و دیگر فنون مختلف را نقل کرده‌اند.

(۲)

**۱۵- جاحظ**

ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ می‌گوید: «اما علی بن حسین، هیچ کس دیگر را درباره او ندیده‌ام مگر همچون یک نفر شیعه، و هیچ شیعه را ندیده‌ام مگر چون یک معتزلی و هیچ معتزلی را ندیده‌ام مگر یک نفر سنی (اشعری) و هیچ سنی را ندیده‌ام مگر یک نفر از شیعیان خاص آن حضرت و هیچ فردی را ندیده‌ام که در گرامیداشت و برتری دادن او حرفی داشته باشد و در مقدم داشتن او بر دیگران شک و تردید به خود راه دهد!» (۲) «معنای این سخن جاحظ آن است که مسلمین با اختلاف افکار و گرایشها همگی بر تعظیم امام علیه السلام و اعتراف به فضیلتش و اظهار محبت و دوستیش اتفاق نظر دارند.

(۱) ارشاد مفید.

(۲) عمده الطالب: ص ۱۹۳-۱۹۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۸

(۱)

## ۱۶- شراوی

شراوی می‌گوید: «امام زین العابدین - رضی الله عنه - عابد، زاهد، پارسا، متواضع و خوش خوی بود.» (۱) این اوصاف است که امام سجاد علیه السلام را تا اوج بزرگی و عظمت بالا برده و مردم را شیفته محبت و اخلاص نسبت به او کرده است.

(۲)

## ۱۷- قلیوبی

احمد قلیوبی شافعی گوید: «فضایل امام بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد و در وصف بگنجد.» (۲)

(۳)

## ۱۸- ابن تیمیه

حتی ابن تیمیه که از راه اهل بیت علیهم السلام منحرف و از دشمنان ایشان است، بر فضیلت و مقام و منزلت والای آن حضرت اعتراف نموده و می‌گوید: «امام علی بن حسین از بزرگان و سادات تابعین در علم و دیانت است ... دارای مقام خشوع بوده و صدقات نهانی داشته و دیگر فضائلی که معروف و مشهور است.» (۳)

(۴)

## ۱۹- شیخانی

شیخانی قادری می‌گوید: «مولای ما زین العابدین علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، فضایل و مکارمش مشهور است وجود و احسانش به همه جا رسیده، والامقام و گرانقدر و دارای سعه صدر بوده، کرامات ظاهریش را همه کس

(۱) الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹.

(۲) تحفه الرّاعب: ص ۱۳.

(۳) منهاج السنه: ۲/ ۱۲۳، چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۹

به چشم دیده و در کتب آثار بطور متواتر ضبط شده است.» «۱»

دسته دسته مردم از فضایل و نیکیها و مناقب امام زین العابدین سخن گفته و مکارم و فضایلش همه جا مشهور است، علاوه بر همه اینها امام علیه السلام از کرامات خدادادی که خداوند تنها به بندگان مخلصش ارزانی می‌دارد، به وفور برخوردار بود.

(۱)

## ۲۰- ابن خلکان

ابن خلکان می‌گوید: «وی- یعنی امام زین العابدین علیه السلام- یکی از دوازده امام و از جمله بزرگان تابعین است؛ زهری گوید:

من هیچ فرد قرشی را بالاتر از او ندیدم.» «۲»

(۲)

## ۲۱- ابن شدقم

ابن شدقم می‌گوید: «امام بزرگوار، زاهد علی بن حسین زین العابدین ...» «۳»

(۳)

## ۲۲- منوفی

سید محمود منوفی می‌گوید: «زین العابدین، عابد، وفادار، بخشنده با صفا بود، وقتی که راه می‌رفت دستش از ران پا به سمت عقب

نمی‌رفت. «۴» «۵»

(۱) الصّراط السّوی: ص ۱۹ فتوگرافی کتابخانه امام امیر المؤمنین.

(۲) وفيات الأعیان: ۲/ ۴۲۹.

(۳) زهرة المقول: ص ۶.

(۴) کنایه از این که متکبرانه حرکت نمی‌کرد- م.

(۵) جمهرة الاولیاء و اعلام اهل التّصوف: ۲/ ۷۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۰

(۱)

## ۲۳- ابو الفتوح

ابو الفتوح حسینی می‌گوید: «نام جاودانه و شهرت همگانی از آن علی اوسط، زین العابدین ملقب به سجاد است ... او نخستین فرزند

از فرزندان امام حسین و چهارمین معصوم- به عقیده شیعه دوازده امامی- و زاهد و پارسا- به عقیده دیگران- است...» (۱) (۲)

#### ۲۴- مناوی

مناوی می‌گوید: «زین العابدین امام استوار و مورد اعتماد است و خوبیها و مکارم او در همه جا مشهور و فضایلش در فضای هستی پراکنده، والامقام و دارای سعه صدر و کرامت بوده، او بمنزله سر نسبت به پیکره ریاست و در خور زمامداری و تدبیر امور امت بود...» (۲)

براستی این صفات برجسته‌ای را که امام علیه السلام داشته است او را به اجماع مسلمین در خور امامت و زمامداری همگان و اداره امور مسلمانان نموده است و کسی در عصر آن حضرت نظیر و مشابه وی در صفات نیک و ملکات گرانقدرش نبوده است. (۳)

#### ۲۵- محمد بن طلحه

کمال الدین محمد بن طلحه قرشی شافعی می‌گوید: «این زین العابدین، سرمشق زاهدان، سرور پرهیزگاران و امام و رهبر مؤمنان است که خو و خصلتش گواهی دهند که او از دودمان رسول خدا (ص) است و آثار او ثابت می‌کنند که او مقرب درگاه خدا و وصله‌های پیشانی‌ش بیانگر نماز و تهجد فراوان اوست. و بی‌اعتنائیش به متاع دنیا حکایت از زهد او دارد، از نیاکانش به غذای تقوا تغذیه

(۱) التَّفْحَهُ العنبریه (فتوگرافی).

(۲) الکواکب الدرّیه: ۲/ ۱۳۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۱

شده تا این که به حد اعلای از تقوا رسیده و انوار ابدیت بر او تابیده و بدان وسیله راه هدایت را پیموده و اوراد و اذکار عبادت با او قرین شده و او همواره با این اوراد انس گرفته و وظایف طاعت پروردگار ندیمش گشته و بدانها آراسته است، آری چه شبهای بسیاری را که برای پیمودن راه آخرت چون مرکب سواری با شب‌زنده‌داری گذرانده، و چه بسیار کاروانهای تشنه که کاروانسالارش در موضع دیده‌بانی مسافر از او راه را جسته است، او معجزات و کراماتی دارد که با چشمان بینا دیده شده و در آثار متواتره به ثبت رسیده؛ براستی که او از پادشاهان روز جزا و عالم آخرت است...» (۱) (۱)

#### ۲۶- محمد بن سعد

محمد بن سعد می‌گوید: «امام زین العابدین فردی مورد اعتماد و امین، پرحديث، عالیقدر، والامقام و پارسا بوده است.» (۲) (۲)

#### ۲۷- سید عباس

سید عباس موسوی می‌گوید: «زین العابدین علیه السلام از همه مردم خوش‌سیماتر و خوش‌بوتر، و بزرگوarter و از نظر شخصیت و شرافت از همگان بالاتر و گران‌قدرتر بود...» (۳)

(۳)

### ۲۸- سید محسن

سید محسن امین عاملی می‌گوید: «امام زین العابدین علیه السلام بالاترین فرد زمان خود بوده و از همه کس داناتر، فقیه‌تر، پارساتر، عابدتر، گرامی‌تر بردبارتر و استوارتر، فصیح‌تر، خوش‌خوتر و همچنین صدقاتش بیشتر و به

(۱) مطالب السؤل: ۲ / ۴۱.

(۲) البداية و النهایة: ۹ / ۱۰۴.

(۳) نزهة الجلیس: ۲ / ۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۲

مستمندان مهربانتر بوده و خیرخواه‌ترین فرد برای مسلمانان و در نزد آشنا و بیگانه، دوست و دشمن به عظمت یاد می‌شد، تا آنجا که یزید بن معاویه وقتی که دستور داد مردم مدینه به عنوان این که برده و خدمتکاران او هستند، کسی را جز علی بن حسین علیهما السلام استثنا نکرد تنها به او دستور داد که به عنوان برادر و عموزاده با وی بیعت کند.» (۱)

براستی که مرحوم امین، امام علیه السلام را به تمام اوصاف والا ستوده است زیرا هیچ فضیلتی نیست که باعث امتیاز و شرافت یک انسان باشد مگر این که آن فضیلت یکی از اوصاف و فضایل آن حضرت بوده چنان که درباره‌اش گفته‌اند:

خلقت مهدّبا من کل عیب کأنک قد خلقت کما تشاء - تو چنان پاکیزه و بدور از هر نقص و عیبی آفریده شده‌ای، که گویی همان گونه که خود می‌خواستی آفریده شده‌ای.

(۱)

### ۲۹- نویری

شهاب الدین احمد بن عبد الوهّاب نویری می‌گوید: «علی بن حسین - رحمه الله - فردی ثقه، پارسا، امین، پرحدیث و از بافضیلت‌ترین افراد اهل بیت و نیک‌طاعت‌ترین آنها بوده است.» (۲)

(۲)

### ۳۰- شافعی

امام شافعی می‌گوید: «براستی که علی بن حسین از همه دانشمندان مدینه فقیه‌تر بود.» (۳)

(۱) اعیان الشیعه: ۴ / ق ۱ / ۳۰۸.

(۲) نهایة الارب فی فنون الادب: ۲۱ / ۳۲۴.

(۳) رسائل الجاحظ: ص ۱۰۶، نهج البلاغه: ۱۵ / ۲۷۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۳

(۱)

### ۳۱- علی بن عیسی اربلی

ابو الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی می‌گوید: «مناقب امام علی بن حسین از شمار ستارگان بیشتر است، و کسی که بخواهد اوصافش را بگوید تا بی‌نهایت می‌کشاند، وی در آسمان مناقب همچون ستارگان برای طالبان هدایت می‌درخشد، چرا ندرخشد در حالی که از همه مردم جهان - جز علی، فاطمه، حسن، حسین و محمد (ص) بالاتر است و این مقدم داشتن به دلیل هماهنگی با طبع آدمی و برخاسته از سرشت اوست. بنا بر این هیچ تردیدی به خود راه مده، و هرگاه اندیشه را چنان که باید به کار اندازی خواسته خویش را از افتخارات و سروری هر چه بخواهی می‌یابی زیرا که امام و رهبر ریانی و مجسمه‌ای از نور، بزرگ بزرگان و زاهد زاهدان و قطب اقطاب، عابد عابدان، نور مشکات رسالت، نقطه دایره امامت فرزند دو قوم نیکو، از دو سو بزرگوار، دارای قلبی آرام و نور چشم، علی بن حسین علیه السلام است، آیا می‌دانی که علی بن حسین کیست؟! کسی که بیش از هر کس در درگاه خدا می‌نالید و روی دل به آن درگاه داشت، به سنت پیامبر و کتاب خدا عمل می‌کرد و سخن شایسته می‌گفت:

همواره در محراب عبادت به سر می‌برد و در معارفش بی‌نظیر بود، کسی که امروزش از دیروز بالاتر و در معارف بر همه خلاق برتری داشت و زمام اختیار شرف و بزرگی را به دست گرفت و بر بلندای آن صعود کرد و در زادگاه و اصالت و پاکی ریشه و ذاتش کسی به مرتبه او نمی‌رسد و زبان از وصف او عاجز و ناتوان است؛ در خلوت‌های راز و نیاز با خدا بی‌همتا بود، فرشتگان از نحوه حضور وی در پیشگاه خدا متعجب بودند و از موضع خوف و خشیت او در برابر خدا در شگفت بودند که چگونه سیل اشک از دیدگان می‌بارید، پس خدا تو را تأیید کند، درست در شرح حال آن حضرت دقت کن و با چشم عبرت بین آثار شگفت آور آن بزرگوار را بنگرد و در زهد و عبادت و خضوع و خشوع و تهجد و صلوات مداوم و دعاهای آن بزرگوار در اوقات مناجات با خدا و استمرار بر ملازمت در عبادتش و ایثار،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۴

صدقات و بذل و بخشش فکر کن و درباره تو سلاتش که با همه فصاحت و بلاغتی که دارد که حکایت از خضوع و خشوع آن حضرت در پیشگاه خدا می‌کند و به عجز و ناله‌اش تفکر کن و همچنین ایستادن آن حضرت را در محضر خدا - با همه طاعت فراوانش - نظیر گنهکاران و اعتراف به گناهان برای بخشش و گریه و زاری و بی‌تابی و دل شکستگی از ترس و خشیت الهی و بیم و هراسش را ببین، تمام شب او مشغول ذکر خدا و پیشانی بندگی بر خاک می‌سایید در حالی که به تقدیس پروردگار و مناجات خدای تعالی مشغول بود، خدا را مخاطب قرار می‌داد و در خانه او را می‌کوبید و خود را در محضر خدا می‌دید و از همه چیز رو می‌گردانید و تنها به درگاه او متوجه بود؛ از دنیای دون بریده و از این پیکر بشری جدا شده؛ جسمش در زمین به حال سجده افتاده و روحش به ملائکه‌ای پیوسته بود و چون آیات عذاب را تلاوت می‌کرد چنان به خود می‌پیچید که گویا مقصود آیه، اوست در حالی که آن بزرگوار بدور از عذاب الهی و می‌آز آن است. آری در حالات آن حضرت اموری عجیب و حالاتی غریب مشاهده می‌کنی؛ می‌بینی که وجودش در پیشگاه خدا مقرب بوده و یقین پیدا می‌کنی که هرگز شک و ریبی در او راه نداشت و معرفتش چون کسی بود که حجابها بر طرف شده و درهای معرفت به روی او گشوده و این همه میوه آن درخت است، همچنان که این یکی از ده گوهر و این نطفه پاک از آن چشمه جوشان است و این پدیده و تازه‌ای از آن کهن و قدیم می‌باشد و بحق این در گرانها، از آن دریای متلاطم است و این ستاره تابان از آن ماه فروزان است و این شاخه سر برآورده از آن اصل ثابت و استوار می‌باشد و این نتیجه و حاصل آن مقدمه است و براستی این جانشین محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه مجلله و معظمه است، این است اصل و

نسب پاک امام زین العابدین علیه السلام...» (۱)

(۱) علامه محقق اربلی به برجسته‌ترین صفات امام سجاد علیه السلام، که

(۱) كشف الغمه: حالات امام علی بن الحسین علیهما السلام.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۵

باعث افتخار هر مسلمانی هستند، اشاره کرده است برآستی که صفات نورانی آن حضرت استمرار و امتداد صفات و خصوصیات پدران و نیاکانش است که بدان وسیله مسیر تاریخ را عوض کردند و با آن صفات راه بشریت را روشن ساختند و آدمی را پس از آن که در بیابانهای مهلک و نادانسته‌های این زندگی دنیوی سرگردان بوده با راه و رسم حق و حقیقت آشنا کردند.

البته فضایل و نیکوهای امام علیه السلام چنان است که در وصف نگنجد و زبان از بیان تمام آنها عاجز است زیرا او شاخه‌ای از شجره نبوت و درخت امامت است که خداوند کمال مطلق را در آنها به ودیعت نهاده تا در روی زمین جلوه گر حق و حقیقت باشند.

(۱)

### ۳۲- بستانی

بستانی گوید: «زین العابدین همان ابو الحسن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب است که به خاطر عبادت فراوانش به زین العابدین ملقب شد و نیز او را سید العابدین، زکی، امین و ذی الثنات گفتند...» (۱)

(۲)

### ۳۳- وجدی

محمّد فرید و جدی می گوید: «زین العابدین همان ابو الحسن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب معروف به زین العابدین است، بعضی به او علی اصغر گفته‌اند، حسین بن علی جز از اولاد زین العابدین، اعقابی نداشته است... وی در مذهب امامیه یکی از دوازده امام است، از جمله بزرگان و رؤسای تابعین می‌باشد.» (۲)

(۱) دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵ / ۹.

(۲) دائرة المعارف قرن بیستم: ۷۹۳ / ۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۶

(۱)

### ۳۴- آغا بزرگ

شیخ المحققین، شیخ محمد حسن مشهور به آغا بزرگ تهرانی می گوید:

«امام زین العابدین و سید السّاجدین علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام چهارمین امام شیعه امامیه کسی است که تمام مورخان اسلامی بر آنند که او از جمله مشهورترین مردان تقوا و زهد و عبادت است.» (۱)

(۲)



**۳۵- ابن جوزی**

ابن جوزی می‌گوید: «این زین العابدین و رهبر پارسایان، سرور پرهیزکاران و پیشوای مؤمنان است که راه و رسم زندگی او نشان می‌دهد که وی از دودمان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و آثار او مقام قرب و نزدیکی او را به خدا ثابت می‌کند و وصله‌های موضع سجده‌اش بیانگر نماز و تهجد فراوان اوست و اعراضش از متاع دنیا حکایت از پارسایی او دارد.» (۲)

(۳)

**۳۶- تاج الدین**

تاج الدین بن محمد بن حمزه حسینی نقیب حلب می‌گوید: «علی بن حسین بزرگ بنی هاشم و جایگاه علم و برجسته‌ترین فرد ایشان بوده است.» (۳)

(۴)

**۳۷- عارف تامر**

عارف تامر گوید: «امام زین العابدین به زهد و عبادت شهرت داشت و در این صفات بی‌نظیر بوده است و از این رو به زین العابدین و سجاد ملقب گشت.» (۴)

---

(۱) الذریعة: ۱۳/ ۳۴۵.

(۲) تذکره الخواص.

(۳) غایه الاختصار: ص ۱۰۶.

(۴) الامامة فی الاسلام: ص ۱۱۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۷

(۱)

**۳۸- زرکلی**

خیر الدین زرکلی می‌گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب هاشمی قرشی، ابو الحسن ملقب به زین العابدین چهارمین امام- از نظر شیعه امامیه- از دوازده امام و یکی از کسانی که در حلم و پارسایی ضرب‌المثل است و به او «علی اصغر» می‌گویند تا از برادرش علی اکبر (۱) مشخص گردد.» (۲)

(۲)

**۳۹- احمد محمود صبحی**

دکتر احمد محمود صبحی می‌گوید: «این همان علی بن حسین است که وارث امامت وی از طریق انتساب به فاطمه زهرا (ع) بوده و برای شیعه راه رهبری معنوی را ترسیم کرده است و تشیع را با اندوهی دائمی و گریه مداوم بر امام حسین تربیت کرده و همواره در

حال عبادت بوده از این جهت، به لقب سجاد و زین العابدین مشهور شد و چون به پیامبر- صلی الله علیه و آله- و از طرفی به کسری- پادشاه ایران- منتسب بود، این الخیرتین، گفتند: «۳»

در اینجا لازم است که اندکی توقف کنیم و درباره گفته‌های دکتر احمد صبحی به بحث و بررسی بپردازیم؛ او می‌گوید: امام زین العابدین (ع) امامت را از جهت انتساب به جدش فاطمه زهرا (ع) بانوی زنان جهان به ارث برده است، این مطلب درست نیست زیرا که امامت هرگز به خاطر وراثت نبوده و یک عمل موروثی نیست بلکه تنها از راه نصّ میسر است و آن هم به دست خدای تعالی است، اوست که هر که را از بندگانش مصلحت بداند از کسانی که بطور فراوان از خصلتهای نیک و صفات والا برخوردارند برای این مقام بلند انتخاب

(۱) احتمالاً کسانی که علی اصغر گفته‌اند در مقایسه با جدش امام امیر المؤمنین باشد، اگر نه آن حضرت از نظر محققان اسلامی بخصوص شیعه «علی اوسط» است، نه علی اصغر- م.

(۲) الاعلام: ۵/ ۸۶.

(۳) نظریه الامامه: ص ۳۰۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۸

می‌کند این همان عقیده‌ای است که شیعه دارد و در کتابهای کلامی خود بر آن استدلال می‌کند. و همچنین امام زین العابدین علیه السلام نبود که تشیع را با اندوه و غم نسبت به امام حسین سرور جوانان اهل بهشت بار آورد بلکه حادثه کربلا بود که از غم خود دلها را گداخت و آن [حادثه عظیم] بود که تشیع را به عالم رنج و غم برد، البته امام زین العابدین علیه السلام، به دلیل آن که شاهد تمام صحنه‌های غم‌انگیز فاجعه کربلا بوده است در پیشاپیش همه افراد متأثر و غمگین است.

(۱)

#### ۴۰- احمد فهمی

شیخ احمد فهمی می‌گوید: «وی- یعنی امام زین العابدین علیه السلام- برترین فرد زمان و داناتر، فقیه‌تر، پارساتر، عابدتر، گرامیتر، بردبارتر، فصیحتر و باشخصیت‌ترین فرد روزگار خود بوده، به مستمندان محبت می‌کرد و یاور ضعیفا بوده است...» (۱)

(۲)

#### ۴۱- حسین علی محفوظ

دکتر حسین علی محفوظ می‌گوید: «زین العابدین پس از پدر بزرگوارش از نظر علم و عمل بالاتر از همه خلق خدا بود و در لباس، فقاقت و عبادتش شبیه‌ترین فرد اهل بیت علیهم السلام به امیر المؤمنین علیه السلام بود...» (۲)

(۳)

#### چند نکته مهم

سخنان این بزرگان از معاصران و مورخان درباره امام علیه السلام مشتمل بر چند نکته مهم است، از جمله:

(۱) امام زین العابدین: ص ۶۵.

(۲) مجله‌ البلاغ شماره ۷ سال اول: ص ۵۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۹

۱- امام سجاد علیه السلام از تمام فقهای عصر خود فقیه‌تر و به امور دینی و احکام شرع آگاه‌تر بوده است.

۲- امام علیه السلام بالاترین هاشمی زمان خود بلکه برترین فرد قرشی دوران خود بوده است، و این همه مقام به خاطر صفات والا و ویژگیهای برجسته‌ای بود که جز در پدران بزرگوارش کمتر کسی از آنها برخوردار است.

۳- وی برترین فرد روزگار خود بوده و از همه کس والامقام‌تر و برجسته‌تر بود و این عظمت به دلیل نسب والای او بود که علاوه بر خصلتها و صفات بلندش از دو سو نسب نیکو داشت و «ابن الخیرتین» بود.

۴- وی از همه مردم پارساتر و از زر و زیور زندگانی این دنیا روگردان‌تر بود و هیچ گونه توجه و اعتنایی بدانها نداشت.

۵- آن بزرگوار پارساترین و باتقواترین و محافظترین فرد در دین بوده است.

۶- آن حضرت چراغ روشنی‌بخش دنیا و زینت اسلام بوده است «۱» و این عظمت به خاطر راه و روش بزرگوارانه و عطر آگین وی بود که خود نفع‌های از نفعات نبوت و امامت بوده است.

۷- وی از بهترین، خوشبوترین، بزرگوارترین و باشرافت‌ترین مردمان روزگاران بود.

۸- آن حضرت از همه کس فصیحتر و بلیغتر بوده است، دعاها، نصایح و کلمات حکیمانه‌اش از معیارهای ادبیات عرب و از جمله گرانبهاترین اندوخته‌های فرهنگی جهان اسلام است.

۹- امام علیه السلام از بخشنده‌ترین مردمان نسبت به مستمندان و از همه کس دلسوزتر و مهربانتر نسبت به درماندگان و محرومان بود.

۱۰- آن بزرگوار از همه کس عبادت و اطاعتش نسبت به خدا بیشتر و کسی در عبادت و اطاعت از خدا- جز پدران بزرگوارش- به

پای آن حضرت

(۱) عمر بن عبد العزیز با این اوصاف آن حضرت را ستوده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۰

نمی‌رسید.

۱۱- امام علیه السلام از همه مردم خوش‌خوتر بوده و در اخلاق و آدابش نظیر جد بزرگوارش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بود.

۱۲- آن حضرت برای ریاست و زمامداری امت و رهبری معنوی و مادی جامعه اسلامی بحق شایستگی داشته است.

۱۳- تمام مسلمین بر بزرگداشت آن حضرت و اقرار بر فضیلتش متفق القولند و کسی از مخالفان آن بزرگوار در این باره خدشه نکرده و اختلاف ندارد.

این بود برخی از نکات و دقایقی که در کلمات معاصران راجع به امام وجود داشت و مورخان با تمام اختلاف گرایشها و اهدافشان ابراز داشته‌اند که خود دلیل بر تفکر والایی است که شیعه معتقد است و می‌گوید امام باید از تمام مردم زمان خود برتر و داناتر باشد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۱

## اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۳

(۱) امام سجاد و مصائب کربلا امام زین العابدین علیه السلام، همراه پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام ایام حکومت معاویه و یزید با غم و اندوه سختی زندگی را گذراند و در تمام غمها و مصائب با آن حضرت شریک بود و از جمله دشوارترین مصائبی که در آن روزگار سیاه، امام حسین علیه السلام دید، آن بود که به چشم خود می‌دید، سیاست حکومت اموی مصمم بر کوبیدن اسلام و از بین بردن اساس و ارکان دین و به ذلت کشیدن افراد مسلمان و جلوگیری از رشد فکری و عقلانی مسلمین و جدایی انداختن میان مسلمانان و اصول والای دینی آنهاست و از طرفی در روزگار حکومت معاویه نمی‌توانست آن نهضت عظیم خویش را بپا کند و این بدان جهت بود که می‌دانست در آن زمان به نتیجه نمی‌رسد و قادر بر دگرگون ساختن اوضاع موجود در جهان اسلام نمی‌باشد زیرا که معاویه از یک دیپلماسی مجهز و سیاست خاصی برخوردار بود که غلبه بر آن و درهم ریختن خطوطی را که او ترسیم کرده بود، غیر ممکن بود اما وقتی که آن طاغوت به هلاکت رسید و پس از وی یزید زمام امور را به دست گرفت، امام حسین علیه السلام وظیفه دینیش را چنین تشخیص داد که به خاطر حفظ مصالح مسلمین و رعایت حقوق ایشان و احیای دین جد گرامش، باید با یزید مبارزه کند و حکومت او را ساقط نماید، این بود که نهضت عظیم خود را اعلام کرد، آن نهضتی که خداوند بدان وسیله

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۴

قرآن مجید را نشر داد و آن را وسیله بیداری خردمندان گردانید. ما در اینجا بطور اختصار، گزیده‌هایی را از آن نهضت تاریخی و حوادث سهمگینی که به همراه داشت؛ از آنچه که امام زین العابدین علیه السلام خود دیده و شنیده است نقل می‌کنیم، علی‌رغم بیماری شدیدی که امام علیه السلام بدان مبتلا بود، تمام لحظات آن فاجعه را با احساسات رقیق و عواطف بیدارش لمس کرده است به شرح ذیل می‌آوریم:

(۱)

## امام در سرزمین کربلا

کاروان عترت طاهره که به منظور احقاق حقوق مظلومان و محرومان قیام کرده بود، به سرزمین کربلا رسید، در حالی که غمها و شداید در پیشاپیش ایشان حرکت می‌کرد و هاله‌ای از مصائب و بلاها در اطراف ایشان حلقه زده بود و بخوبی مصیبتی خردکننده را در برابر خود می‌دیدند، زیرا که قوای ستمگر و دشمنان ایشان را محاصره کرده بودند و تصمیم داشتند تا خون ایشان را بریزند و یا این که آنان را به ذلت و خواری وادار کنند در حالی که خداوند ذلت را بر ایشان نمی‌پسندید.

امام حسین علیه السلام به جوانان اهل بیت خود که در بحران جوانی بوده و بهار زندگی را می‌گذراندند، نگرست و اشک از چشمانش سرازیر شد رو به سمت آسمان کرد و گفت:

«خداوندا! ما عترت پیامبرت محمد- صلی الله علیه و آله- هستیم که ما را از حرم جدمان بیرون کرده و بدور ساخته‌اند و آزرده‌اند و

بنی امیه بر ما ستم کرده‌اند، خداوندا! حق ما را از ایشان بگیر و ما را بر گروه ستمگران پیروز گردان...» (۱)

(۱) حیاة الامام الحسین: ۹۷/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۵

سپس رو به آن دلاور مردان از اهل بیت و اصحابش کرد و فرمود:

«مردمان بندگان دنیایند و دین لقلقه زبان ایشان است و آن را بر محور زندگانی دنیای خود می‌گردانند و بهنگام آزمایش و گرفتاری دینداران اندکند...» (۱)

این سخنان تابناک بیانگر حقیقت و واقعیت عملی از زندگی مردم در مراحل مختلف تاریخ است که ایشان در هر زمان و در هر جا برده دنیایند و در دل‌های مردم از دیانت خبری نیست و هنگامی که مصائب و گرفتاریها رو می‌آورد آنها از دین رو گردانده و فاصله می‌گیرند و برآستی که بازیچه‌ای است بر سر زبانهای مردم.

(۱) آنگاه امام علیه السلام رو به یاران خود کرد و فرمود:

«اما بعد، پیشامدها را مشاهده می‌کنید، دنیا دگرگون شده و به زشتی گراییده است، و خوبیهای دنیا پشت کرده و از زندگی دنیا بجز اندکی چون باقیمانده ظرف و زندگی پستی همچون چراگاه ناهنجار، نمانده است، مگر نمی‌بینید که بحق رفتار نمی‌کنند و از باطل جلوگیری نمی‌شود، جا دارد که شخص مؤمن در این روزگار ملاقات با خدا را بر این زندگی ترجیح دهد، برآستی که من مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمگران را جز ننگ و عار نمی‌بینم...» (۲)

امام علیه السلام در این بخش از سخنانش پرده از روی بلایا و مصائب وارده، برداشته و می‌فرماید که منطق دنیا با ایشان دگرگون شده است و دست تقدیر انواع حوادث سهمگین را متوجه ایشان کرده است اما نواده پیامبر بزرگ اسلام (ص) به آن اعتنا و توجهی ندارد زیرا که او راه خود را آگاهانه انتخاب

(۱) حیاة الامام الحسین: ۹۷/۳.

(۲) معجم طبرانی، تاریخ ابن عساکر: ۷۴/۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۶

کرده است چه او حق را می‌بیند که کسی به آن عمل نمی‌کند و کسی از باطل روی نمی‌گرداند، اوضاع به گونه‌ای است که زندگی بر او ناگوار و مرگ و شهادت در راه خدا برای او خوشبختی است.

همین که سخن امام علیه السلام پایان یافت تمام اصحاب- در حالی که به خاطر برپا داشتن حق و عدالت زیباترین نمونه‌های قربانی و فداکاری را به نمایش در می‌آورد- از جا برخاستند و هر کدام از ایشان سخنی در اخلاص و صمیمیت خود نسبت به امام علیه السلام اظهار داشت و امام از ایشان تشکر و قدردانی کرد.

(۱)

### امام خیر از شهادت خود می‌دهد

در شب دهم محرم امام حسین علیه السلام وارد خیمه خود شد، و مشغول اصلاح کردن و آراستن شمشیرش بود در حالی که به شهادت خود یقین داشت، چنین می‌گفت:

یا دهر اف لک من خلیل کم لک بالاشراق و الأویل

من صاحب و طالب قتیل و الدهر لا یقنع بالبدیل

و انما الامر الی الجلیل و کل حیّ سالک سیلی ای روزگار! اف بر دوستی تو باد! چه بسا لبخند و مهربانی از خود نشان می‌دهی و دم از دوستی می‌زنی.

(اما ناگهان دگرگون شده) در پی قتل بر می‌آیی، آری روزگار بر این قانع نیست که کسی را به جای کسی در مسیر حوادث پذیرا

باشد.

پایان کار دست خداست و هر کسی - خواه و ناخواه - راه مرا خواهد پیمود (و روزی از این دنیا خواهد رفت).

آری امام علیه السلام با این اشعار خبر از شهادت خود می‌داد در حالی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۷

امام زین العابدین علیه السلام و نواده پیامبر (ص) حضرت زینب دختر امیر المؤمنین علیه السلام در آن خیمه بودند، همین که امام زین العابدین علیه السلام سخنان پدر بزرگوارش را شنید دانست که امام چه می‌گوید: گریه گلویش را گرفت و سکوت اختیار کرد - بطوری که خود آن حضرت می‌گوید - دانست که بلا نازل شده است و اما عقیده بنی هاشم احساس کرد که برادر عزیزش و دیگر کسانی آماده شهادتند و تن به مرگ داده‌اند، قلبش درهم فشرده شد، به جانب آن حضرت شتافت در حالی که جامه بر تن چاک زده و اشک از چشمانش فرو می‌بارید در مقابل برادر ایستاد و سخنانی را که از پاره‌های جگرش برمی‌خاست بر زبان آورد (۱) و گفت:

«ای وای من! کاش مرگ، مرا نابود می‌ساخت و زندگانی را از من می‌گرفت، حسین جان مولای من! ای یادگار گذشتگان! تو تن به مرگ داده‌ای و از زندگانی ناامید شده‌ای؟ امروز جدم رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و مادرم فاطمه زهرا و پدرم علی مرتضی و برادرم حسن از دنیا رفتند! ای یادگار گذشتگان و فریادرس بازماندگان!» امام حسین علیه السلام از روی مهر و محبت نگاهی به خواهر کرد و فرمود:

«خواهرم مبادا! شیطان؛ حلم و بردباری تو را از میان ببرد.»

حضرت زینب (ع) در حالی که رنگ از چهره‌اش پریده بود و مصیبت قلب رءوف و غمزده‌اش را درهم می‌فشرده رو به برادر کرد و گفت:

«این مصیبت بیشتر دل مرا می‌آزارد و بر غم می‌افزاید که تو راه چاره را بر خود منقطع و بسته بینی.»

زینب علیها سلام پس از آن که یقین پیدا کرد که برادرش کشته خواهد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۸

شد صبر و تحمل از دست داد و دست برد و یقه پیراهن چاک زد و لطمه به صورت نواخت و بی‌هوش به روی زمین افتاد، و دیگر بانوان حرم نیز با او در این مصیبت جانگداز شرکت کردند، ام کلثوم فریاد برآورد:

«وا محمداه، وا علیاه، وا اماماه، وا حسیناه، برادر! پس از تو بر سر ما چه خواهد آمد!» این منظره سهمگین در دل امام حسین علیه السلام سخت اثر کرد و دل مبارکش از غم و غصه گداخت و به جانب آن مخدرات؛ خواهران و دخترانش شتافت و آنان را به صبر و شکیبایی و تحمل رنجها و مصائبی که از این حادثه بزرگ پیش می‌آید، دستور داد و گفت:

«خواهرم زینب، ام کلثوم، فاطمه، رباب! توجه کنید، وقتی که من کشته شدم مبادا در شهادت من گریبان پاره کنید و صورت بخرائید و ناله و شیون بپا کنید!» (۱) آری همه آن بانوان حرم را به صبر و تحمل و خودداری از ناله و شیون مأمور ساخت و دستور داد که مبادا در برابر آن مصائب دشواری که بر ایشان می‌گذرد عنان صبر از دست بدهند.

(۱)

## روز عاشورا

در تمام تاریخ، رویدادی که در شدت مصائب و آلام، نظیر ماجرای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا باشد وجود ندارد؛ آری

هیچ غمی از غمهای دنیا

(۱) حیاة الامام الحسین: ۱۷۲/۳ - ۱۷۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۹

و هیچ مصیبتی از مصائب روزگار نبود مگر این که بر ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه- گذشت، امام زین العابدین علیه السلام درباره آن روز بسیار دشوار و در دنیای غمها و مصائب فراموش نشدنی چنین می گوید:

«هیچ روزی همچون روز جنگ احد بر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- سخت نگذشت که در آن روز عمویش حمزه بن عبد المطلب شیر خدا و شیر رسول خدا (ص) کشته شد و پس از آن هیچ روزی همانند روز جنگ موته بر پیامبر (ص) سخت نگذشت که پسر عمویش جعفر بن ابی طالب به شهادت رسید. - آنگاه فرمود- و هیچ روزی از روزها چون روز شهادت پدرم امام حسین نبود، زیرا که سی هزار نفر که همگی به خیال خود مسلمان بودند و به قصد آن که با ریختن خون آن حضرت به خدا تقرب می جویند در مقابل آن بزرگوار ایستادند و پدرم آنها را به یاد خدا می انداخت و آنها توجه نمی کردند تا این که به ظلم و ستم و از روی دشمنی و عداوت او را کشتند!» (۱) (۱) در سراسر تاریخ در تمام دنیای اسلام روزی سخت تر و سهمگین تر از روز عاشورای امام حسین علیه السلام پیدا نمی شود، زیرا که در آن روز این امام بزرگوار برای آن که قوانین زندگی شرافتمندانه را بپا دارد و آزادی و آسایش و امنیت و آرامش را برای همه طبقات و تمام مردم عالم فراهم آورد، قیام کرد و در برابر آن فرومایگان از تفاله‌های بشری ایستاد و آنان وحشیانه و با نهایت سنگدلی خون پاک آن حضرت را ریختند به گونه‌ای که تاریخ نظیر آن را در شدت و مرارت ندیده است و این جنایات را به خاطر آن مرتکب شدند تا این که زیر کابوس بندگی و ظلم و جنایت به سر برند.

(۱) بحار الانوار: ۱۴۷/۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۰

(۱)

### خطبه امام

هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور می شد، امام بزرگوار تصمیم گرفت تا حجت را بر آن مسخ‌شدگان تمام کند و راه هر نوع عذر و بهانه را بر ایشان ببندد و آنها را بی‌گانه‌اند که چه جنایتی را می‌خواهند مرتکب شوند، این بود که مرکبش را خواست و سوار بر مرکب شد و به سمت آن قوم روانه گشت، و چنان بود که هیبت و شکوه جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را در خاطره‌ها زنده می‌کرد و در برابر آن مردم خطبه تاریخی خود را ایراد کرد که از بلیغترین و باشکوهترین خطبه‌هایی است که در زبان عربی ایراد شده است، با صدای رسایی که تمام آن مردم می‌شنیدند، فرمود:

«أیها الناس اسمعوا قولی، و لا تعجلوا حتی أعظکم بما هو حق لکم علی، و حتی أعتذر إلیکم، من مقدمی علیکم، فإن قبلتم عذری و صدقتم قولی و أعطیتمونی النصف کتم بذلک أسعد، و لم یکن لکم علی سبیل، و إن لم تقبلوا منی العذر، و لم تعطوا النصف من أنفسکم فاجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمّه، ثم افضوا إلی و لا تنظرون، إن ولیی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین ...»

«ای مردم به سخنان من گوش فرا دهید و شتاب نورزید تا شما را موعظه کنم موعظه‌ای که حق شماست بر من و تا آن که دلیل خودم را در آمدن به عراق به شما بازگویم، آنگاه اگر عذر مرا پذیرفتید و سخنم را باور کردید و از راه عدل و انصاف وارد شدید راه خوشبختی خود را هموار ساخته‌اید و شما را بر من راهی نباشد و اگر هم عذر مرا نپذیرفتید و از راه انصاف منحرف شدید آنگاه

تصمیم خودتان را با همراہانتان یکی کنید تا کاری که می‌کنید از روی بی‌فکری نباشد، سپس به کشتن من اقدام کنید و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۱

درنگ نکنید، براستی که پشتیبان من خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و او بندگان شایسته خود را سرپرستی می‌کند.»

(۱) سخنان امام علیه السلام به گوش بانوان و پرده‌نشینان حرم وحی و نبوت رسید آواز گریه و شیون برآوردند، امام علیه السلام برادرش حضرت عباس و پسرش علی اکبر را فرستاد و فرمود: آنها را خاموش کنید و بگویید که شما پس از این، زیاد گریه خواهید کرد. وقتی که زنان ساکت شدند، امام علیه السلام، سخنان خود را دنبال کرد؛ حمد و سپاس خدای را به جای آورد و درود و تحیت بر پیامبر (ص) فرستاد و مطالبی گفت که در وصف ننگند؛ هیچ سخنوری پیش از آن و نه بعدها سخنی شیواتر و رساتر از آن نگفته است: «۱» فرمود:

«أیها الناس: إن الله تعالى خلق الدنيا فجعلها دار فناء و زوال، متصرفه بأهلها حالا بعد حال، فالمغرور من غرته، و الشقی من فتنته، فلا تغرنکم هذه الدنيا فإنها تقطع رجاء من ركن إليها، و تخيب طمع من طمع فيها، و أراکم قد اجتمعتم علی أمر قد أسخطتم الله فيه علیکم، و أعرض بوجهه الکریم عنکم، و أحل بکم نعمته، فنعم الرب ربنا، و بئس العبيد أنتم، أقررتم بالطاعة، و آمنتتم بالرسول محمد (ص) ثم إنکم زحفتم إلى ذریته و عترته تریدون قتلهم، لقد استحوذ علیکم الشيطان فأناکم ذکر الله العظيم، فبنا لکم و لما تریدون، إنا لله و إنا إليه راجعون، هؤلاء قوم کفروا بعد إيمانهم فبعدا للقوم الظالمین...»

«ای مردم! خدای تعالی دنیا را آفرید و آن را سرای فنا و زوال قرار داد در حالی که مردمانش به یک حال نیستند و دنیا همواره در دگرگونی بوده و پرفرازونشیب است بنا بر این کسی را که بفریب خورده است و هر که را گول بزند نگون بخت است، پس زنهار که این دنیا شما را نفریبد زیرا

(۱) طبری: ۶ / ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۲

که هر که دل به دنیا ببندد، امیدش را ناامید سازد و هر که طمع بر آن بندد مأیوس گرداند، آری می‌بینم همه شما بر کاری تصمیم دارید که باعث خشم خدا بر شما می‌شود و عنایت ذات مقدسش را از شما بر می‌گرداند و عذابش را بر شما روا می‌دارد، البته پروردگار ما نیکو پروردگاری است و شما بد بندگانی هستید که طاعت او را قبول کردید و به پیامبرش محمد (ص) ایمان آوردید، سپس به فرزندان و عترت او شوریدید و می‌خواهید خون آنها را بریزید، براستی که شیطان بر شما مسلط گشته و یاد خدای بزرگ را از دلهای شما برده است، مرگ بر شما و هدفی که در پیش دارید! إنا لله و إنا إليه راجعون، اینان گروهی هستند که پس از ایمان آوردن، دوباره کافر شدند، دور باد از رحمت خدا گروه ستمگران! (۱) امام علیه السلام با این بیانات آن مردم را موعظه کرد و از فریب و غرور دنیا بر حذر داشت و بر پیامدهای جبران‌ناپذیر اعمالشان توجه داد و از اقدام بر کشتن اولاد پیامبرشان ترساند و فرمود که با این عمل ایشان از اسلام بیرون گشته و کافر و مستحق عذاب و کیفر الهی می‌شوند، سپس امام بزرگوار سخنان خود را با این جملات ادامه داد و فرمود:

«أیها الناس انسونی من أنا؟ ثم ارجعوا إلى أنفسکم و عاتبوها، و انظروا هل يحل لکم قتلی و انتهاک حرمتی؟ ألسنت ابن بنت نبیکم، و ابن وصیه و ابن عمه؟ و أول المؤمنین بالله، و المصدق لرسوله بما جاء من عند ربه، أ و لیس حمزة سید الشهداء عم أبي؟ أ و لیس جعفر الطیار عمی؟ أ و لم يبلغکم قول رسول الله (ص) لی و لأخی! «هذان سیدا شباب أهل الجنة» فإن صدقتمونی بما أقول: و هو الحق، و الله ما تعدت الکذب منذ علمت أن الله يمقت علیه أهله، و يضربه من اختلقه، و إن کذبتمونی فإن فیکم من إذا سألتموه أخبرکم، سلوا جابر بن عبد الله الأنصاری، و أبا سعید الخدری، و سهل بن سعد



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۳

الساعدي و زيد بن أرقم، و أنس بن مالك يخبروكم أنهم سمعوا هذه المقالة من رسول الله (ص) لي ولأخي، أما في هذا حاجز لكم عن سفك دمي؟» (ای مردم مرا بشناسید و بدانید که من که هستم؟ آنگاه به خود آید و خود را ملامت کنید و نیک بیندیشید که آیا کشتن من و پایمال کردن حرمت من بر شما حلال است؟ مگر من فرزند دختر پیامبر شما و پسر وصی و فرزند عموزاده او نیستم؟ و آیا کسی که پیش از همه به خدا و رسولش ایمان آورد و آنچه پیامبر از طرف خدا آورده بود تصدیق کرد، پدر من نیست؟ مگر حمزه سید الشهداء عموی پدر من نیست؟ مگر جعفر طیار عموی من نیست؟ و آیا نشنیده‌اید که رسول خدا درباره من و برادرم فرمود «این دو پسر سرور جوانان اهل بهشتند»؟ اگر سخن مرا باور دارید که درست است، به خدا قسم از روزی که دانسته‌ام خدا دروغگو را دشمن می‌دارد هرگز دروغ نگفته‌ام، و اگر هم گفتار مرا باور ندارید و مرا تکذیب می‌کنید، در میان شما کسانی هستند (از یاران پیامبر) که اگر از آنها پرسید به شما خواهند گفت، از جابر بن عبد الله انصاری، ابو سعید خدری، سهل بن سعد ساعدی، زید بن ارقم و انس بن مالک پرسید تا به شما خبر دهند که خود این سخنان را از زبان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- درباره من و برادرم شنیده‌اند، آیا همین یک حدیث کافی نیست که شما را از کشتن من بازدارد؟» (۱) براستی سزاوار بود که این سخنان، افراد آن سپاه را به عواقب وخیم خواب و خیالشان توجه دهد و در صفوف آن سپاه انقلابی ایجاد کند، زیرا که این خطابه آنها را به خود و عقل و وجدانشان- اگر داشتند!- بازگردانده است تا درباره آن حضرت درست بیندیشند که وی نواده پیامبر و فرزند وصی اوست، و از همه مردم نزدیکتر و وابسته‌تر به پیامبر (ص) و او سرور جوانان اهل بهشت است، و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۴

اینها مانع از ریختن خون وی و پایمال کردن حرمت اوست، اما آن سپاه هرگز به این سخنان ارزشمند توجه نکردند زیرا غرق در جنایت و گمراهی خود بودند.

شمر بن ذی الجوشن ناپاک پلید رو به آن حضرت کرد و گفت: «او خدا را از روی تردید بندگی کند اگر فهمیده باشد که تو چه می‌گویی.»

حبيب بن مظاهر که از جمله ذخایر ایمان و اسلام بود در جواب شمر چنین گفت: «به خدا سوگند که من تو را چنین می‌بینم که خدا را با هفتاد مرتبه شک و تردید می‌پرستی و من گواهی می‌دهم که تو راست می‌گویی و تو نمی‌فهمی که امام (ع) چه می‌گوید و خدا مهر شقاوت بر دلت نهاده است.»

آنگاه امام حسین علیه السلام به سخنان خود ادامه داد و فرمود:

«فإن كنتم في شك من هذا القول، أفتشكون أني ابن بنت نبيكم فوالله ما بين المشرق والمغرب ابن بنت نبي غيري فيكم، ولا في غيركم، و يحكم أطلبوني بقتيل منكم قتلته، أو مال استهلكته، أو بقصاص جراحة...»

«ای مردم! شما اگر در این سخنان من تردید دارید، آیا در این که من پسر دختر پیامبر هستم نیز شک و تردید دارید؟ به خدا قسم که ما بین شرق و غرب عالم جز من پسر دختر پیامبر، نه در میان شما و نه در بین دیگران وجود ندارد، وای بر شما به من بگویید آیا کسی از شما را کشته‌ام و یا مالی از شما را از بین برده‌ام و یا جراحی به کسی وارد کرده‌ام که می‌خواهید دادخواهی کنید و مرا بکشید؟» (۱) زمین زیر پای مردم به لرزه در افتاد و مات و مبهوت ماندند که در پاسخ آن حضرت چه بگویند! سپس امام علیه السلام سران سپاه دشمن را مخاطب قرار داد آنهایی را که نامه نوشته بودند و اصرار کرده بودند تا آن حضرت به کوفه بیاید، فرمود:

«يا شيب بن ربعي، و يا حجار بن ابحر، و يا قيس بن الأشعث، و يا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۵

زيد بن الحرث، ألم تكتبوا إلى أن قد أينعت الثمار، و اخضر الجناب، و إنما تقدم علي جند لك مجندة...»

«ای شبت بن ربعی و ای حجار بن ابهر و ای قیس بن اشعث، ای یزید بن حرث! آیا شما نبودید که به من نامه نوشتید؛ میوه‌های درختان رسیده و بستانها سرسبز شده است، به اینجا بیا که برای تو سپاه آراسته‌ایم.»

براستی که آن فرومایگان از خیانت و پیمان‌شکنی خود خجالت نکشیدند که همگی در پاسخ، امام را تکذیب کردند و گفتند: «ما چنین کاری نکرده‌ایم؟» امام علیه السلام، از سخن آنها تعجب کرد و فرمود:

«سبحان الله، بلی و الله لقد فعلتم...»

«سبحان الله! آری و الله که نوشتید.»

(۱) امام علیه السلام صورت خود را از ایشان برگرداند و روی سخنش را به افراد سپاهیان کرد و فرمود:

«أيها الناس إذا کرهتمونی فدعونی أنصرف عنکم إلى مأمن من الأرض.»

«ای مردم! اکنون اگر ناراضی هستید پس بگذارید تا برگردم و به سرزمین امنی بروم!» قیس بن اشعث که از جرثومه‌های گناه و فساد کوفه و از خانواده‌هایی که هرگز شرافت را بو نکرده بود در پاسخ امام علیه السلام چنین گفت:

«مگر تو نمی‌خواهی به حکومت پسر عمویت تن در دهی؟ زیرا که آنها جز محبت بر تو روا نمی‌دارند و هرگز از ایشان بر تو گزندی نخواهد رسید...»

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۶

امام علیه السلام در پاسخ قیس فرمود:

«أنت أخو أخیک؟ أترید أن یطلبک بنو هاشم بأکثر من دم مسلم بن عقیل؟ لا والله لا أعطیکم بیدی إعطاء الذلیل، ولا أفر فرار

العبيد» (۱) «عباد الله إني عذت بربي و ربکم أن ترجمون، أعود بربي و ربکم من کل متکبر لا يؤمن بیوم الحساب.» (۲)

«ای قیس! تو برادر برادرت هستی؟ آیا می‌خواهی که بنی هاشم بیش از خون مسلم بن عقیل از تو مطالبه کنند؟ نه به خدا قسم هرگز چون افراد ذلیل و خوار دست ذلت بر شما ندهم و چون بردگان از مقابل شما فرار نکنم! ای بندگان خدا به خدایی پناه می‌برم که پروردگار من و شماست از این رفتار شما و از هر متکبری که به روز جزا ایمان نیاورده است.»

جای تأسف است که این سخنان نورانی بر دل ایشان نفوذ نکرد و مهر جهالت بر دلشان نقش بسته بود و آنان چون چهار پایان، بلکه گمراهتر بودند.

(۱)

## جنگ

وقتی که تمام وسایل و راههایی که امام علیه السلام برای جلوگیری از جنگ و خونریزی به کار برد، اثر نکرد، ابن سعد جنگ عمومی را بر ضد امام اعلام نمود و خود به نزدیکی سپاه امام آمد و تیری را به سمت امام رها کرد در حالی که فریاد می‌زد:

(۱) در بعضی از روایات بجای «لا افر فرار العبيد» «لا أفر بکم اقرار العبيد» آمده است یعنی چون بردگان به بردگی اعتراف نکنم.

(۲) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۱۸۴-۱۸۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۷

«ای مردم! در نزد امیر شهادت دهید که من نخستین کسی هستم که تیر به سمت اردوی حسین رها کردم...»

آن ستمگر فرومایه از سپاهیان خواست تا در نزد امیر و رئیسش پسر مرجانه گواهی دهند که او نخستین کسی است که به سمت اردوگاه حق، کرامت و شرف تیراندازی کرده است و پشت سر او تیرها همچون باران از جانب تیراندازان سپاه پسر سعد به روی

امام حسین و یارانش باریدن گرفت و کسی از ایشان نماند مگر این که تیری بر او رسید، اینجا بود که امام علیه السلام رو به یارانش کرد و فرمود:

«قوموا یا کرام فهذه رسل القوم إليکم...»

«بپاخیزید، این تیرها پیامهای این قوم بر شماست.»

پیشاهنگان حق و بزرگان اصحاب امام به آستانه جنگ شتافتند و بدین ترتیب معرکه جنگ بین دو سپاه آغاز گردید جنگی که از بدترین و سهمگین‌ترین جنگهای روی زمین بود.

(۱)

## شهادت نیکان

سپاهیان حق با لشکریان ضلالت و باطل در برابر هم قرار گرفتند در حالی که یاران امام حسین علیه السلام با شوق و رغبت با جوانان اهل بیت هر یک به دیگری پیشی می گرفتند تا هر چه زودتر به نعمتهای ابدی آخرت برسند و بدین وسیله جنبش ایمان را رهبری کردند و در هیچ یک نشانی از ضعف و سستی اراده و ایمان مشاهده نشد. و با فداکاریهای عظیم خود عظمت اسلام را ثابت کردند، آن اسلام که چنین روح پر جنبش را بر ایشان داده بود که با همه کمی جمعیتشان در برابر آن همه درندگان وحشی بایستند و سنگین‌ترین ضربات را بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۸

آنها وارد کنند.

براستی که یاران و اهل بیت امام حسین علیه السلام قهرمانیها و دلاوریهای را از خود بروز دادند که به حد و وصف نمی آید، بویژه حضرت ابو الفضل العباس علیه السلام که با برادرش امام حسین مؤاسات کرد و جان عزیزش را فدای او کرد که در تمام مراحل تاریخ برادری بالاتر از این و باوفاتر و عالی تر مشاهده نشده است و امام زین العابدین علیه السلام، این مطلب را بیان کرده و می فرماید:

«خداوند رحمت کند عمویم عباس را که برادرش را بر خود مقدم داشت و جان عزیزش را فدای آن حضرت کرد تا این که در راه یاری او دو دستش قطع شد و حق تعالی در عوض آن دو دست دو بال به او مرحمت کرد که با فرشتگان در بهشت پرواز کند همان طوری که به جعفر بن ابی طالب مرحمت کرد، و برای عمویم عباس مقامی در نزد خداست که در روز قیامت تمام شهیدان بر آن مقام رشک برند...» (۱)

(۱) حضرت ابو الفضل آخرین فردی است از برادران امام حسین که به شهادت رسید در حالی که امام علیه السلام کنار بیکر پاکش آمد و از سویدای دلش که مصائب سخت آن را درهم می فشرد صدا زد:

«الآن کمرم شکست و رشته تدبیر و چاره‌ام گسسته شد.»

امام علیه السلام پس از فقدان برادرش احساس تنهایی و ضایعه جبران‌ناپذیری را کرد، برادری که در هیچ جا و هیچ وقت خود را بر امام مقدم نداشت، اما اخبار شهادت و مصیبت بزرگ آن بزرگوار را در کتاب خود «حیاء الامام الحسین» آورده‌ایم.

(۱) بحار الانوار: ۱۴۷/۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۹

(۱)

## یاری خواستن امام

امام علیه السلام که در دریایی از مصائب گرفتار شده بود نگاهی از روی غم و حسرت به اهل بیت و یارانش انداخت و دید همه آنها مانند گوشت قربانی قطعه‌قطعه روی خاک کربلا افتاده‌اند و آفتاب بر پیکر پاره‌پاره‌شان می‌تابد و از طرفی صدای زنان و کودکان به گوشش می‌رسید که ناله و شیون برآورده و بر کشتگان خود می‌گریند و نمی‌دانند که پس از شهادت امام حسین علیه السلام از دست دشمن بر سر آنها چه‌ها خواهد آمد، تمام این مصایب بر قلب مقدس امام اثر فوق‌العاده‌ای گذاشت و آن حضرت شروع به استغاثه نمود، و برای دفاع از حرم رسول خدا- صلی الله علیه و آله- کمک و یاری طلبید، فرمود:

«آیا کسی هست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟ و آیا کسی هست که خدای یکتا را بپرستد و از خدا بترسد و به ما کمک کند؟ و آیا کسی هست که به خاطر خدا ما را یاری نماید؟» (۱) «(۲) وقتی که امام زین العابدین علیه السلام صدای استغاثه شورانگیز پدر بزرگوارش را شنید از بستر بیماری برخاست و با وجود بیماری شدیدی که داشت به عصا تکیه داد (تا به یاری پدرش بشتابد) امام حسین علیه السلام چشمش به فرزند بیمارش افتاد، فریاد برآورد، خواهرم ام کلثوم! مگذار پسر من به میدان بیاید، مبادا که زمین از نسل آل محمد (ص) خالی شود. این بود که عمه‌اش مبادرت کرد و حضرت سجاد را به بسترش بازگرداند در حالی که بیش از رنج و اندوه بیماری از مصائب و آلام رنج می‌برد، آری غمها و گرفتاریها در اطراف آن حضرت حلقه زده بود؛ از طرفی ستارگان درخشان آسمان ولایت؛ برادران و عموزادگان را می‌دید که بدن مقدسشان بر روی زمین افتاده و پیکر اصحاب با وفای پدرش چون

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۲۷۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۰

گوشت قربانی پاره پاره شده است و از سویی پدر بزرگوارش را می‌دید که در محاصره دشمنان خدا قرار گرفته و آنها کمر قتل آن حضرت را بسته‌اند و از دیگر سو، پرده‌نشینان و مخدرات وحی و نبوت در حال بیم و هراسند و چنان مضطربند که زبان یارای گفتن ندارد، چاره‌ای جز صبر ندید و تمام آن مصائب جانگداز را تحمل کرد و جریان امور را به خدا واگذار نمود.

(۱)

## شهادت امام حسین

ستمگران جنایتکار ریحانه رسول خدا (ص) را در میان گرفتند؛ با شمشیر و تیر و سنان حمله کردند و بعضی با سنگ آن حضرت را می‌زدند تا این که در اثر خونریزی زیاد، ضعف بر آن بزرگوار مستولی شد، در این میان جانی پلید شمر بن ذی الجوشن مبادرت کرد و سر مقدسش را از بدن جدا کرد. روایان خبر می‌گویند در حالی سر مقدسش از پیکر جدا شد که لبخند رضا و پیروزی بر لب داشت، پیروزی وصول به جاودانگی و ابدیت که نصیب امام علیه السلام شده بود.

براستی امام حسین علیه السلام از آن جهت شربت شهادت نوشید که در سراسر گیتی حکومت حق را برپا کند و به ظلم و جنایت خاتمه دهد و نعمتهای الهی را بین محرومان و ستمدگان تقسیم کند و امت را از چنگال حکومت امویان نجات دهد که حقوق انسانها را پایمال کرده و کشور را به کشتزاری برای خود تبدیل کرده بودند که هر چه می‌خواستند به سود خود بهره‌برداری می‌نمودند.

(۲)

## آتش زدن خیمه‌ها

اراذل و اوباش، بدون کمترین توجه بر این که در میان خیمه‌ها بانوان و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۱

زنان خاندان نبوت و کودکان اهل بیت علیهم السلام هستند، به سمت خیام حرم حمله‌ور شدند، گروهی آتش به دست و یک نفر صدا می‌زد:

«خانه‌های ستمگران! را آتش بزنید.»

آری در عرف این اوباش خیمه‌های حسینی خیمه‌های آل پیغمبر خانه‌های ظلم و ستم بود و خانه‌های امویان و مزدورانشان خانه‌های عدل و داد! در حالی که اینان تمام کشور را غرق در ظلم و ستم کرده بودند.

موقعی که آتش در خیمه‌ها زبانه کشید، دختران رسول خدا (ص) رو به بیابانها گذاشتند و آتش دامن بعضی را گرفته بود، کودکان یتیم فریاد وا ویلا برآورده و رو بیابانها فرار می‌کردند و کمک می‌خواستند و کسی نبود که به آنها کمک کند و از آنها حمایت نماید، برآستی که این منظره از دردناکترین مناظری بود که امام زین العابدین به چشم خود می‌دید و در تمام مدتی که پس از پدر بزرگوارش زندگی کرد هرگز از خاطر نبرد و همیشه می‌گفت:

«به خدا سوگند که عمه‌ها و خواهرانم را به خاطر نمی‌آورم مگر این که غم و گریه گلویم را می‌گیرد و همواره به یاد فرار آنها در بیابان کربلا- می‌افتم که از خیمه‌ای به خیمه‌ای و از اینجا به آنجا فرار می‌کردند و منادی آن گروه ستمگر فریاد می‌زد: خانه‌های ستمگران را آتش بزنید!» (۱)

(۱)

## هجوم دشمن به سمت امام

کافران جفاکار به سمت امام زین العابدین علیه السلام هجوم بردند در حالی که از شدت بیماری سخت ناتوان شده بود و حوادث سهمگین عاشورا قلبش را در هم می‌فشرد، جانی ناپاک شمر بن ذی الجوشن خواست امام سجاد را

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳ / ۲۹۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۲

بکشد که حمید بن مسلم فریاد برآورد؛ «سبحان الله! آیا می‌خواهی بچه‌ها را هم بکشی؟ آخر او بیمار است!» شمر، به سخن او اعتنایی نکرد، تا این که عقيله بنی هاشم حضرت زینب دوید و خودش را روی آن حضرت انداخت و فرمود: نمی‌گذارم او کشته شود مگر اول مرا بکشید، «۱» این بود که آن فرومایگان از کشتن امام سجاد دست برداشتند و به طرز عجیبی از چنگال آنان نجات یافت.

(۱)

## بی‌تابی امام زین العابدین

امام زین العابدین بشدت متأثر بود و از غم مصائبی که بر اهل بیت رسیده بود، آرزوی مرگ می‌کرد و موقعی که چشمش به پیکر مقدس پدرش و دیگر جوانان اهل بیت و اصحاب افتاد که برهنه و عریان در برابر آفتاب و بر روی خاکهای گرم کربلا افتاده بودند

و کسی نیست تا آن بدنهای پاک را دفن کند نزدیک بود جان از بدنش مفارقت کند، عمه‌اش زینب عقیله بنی هاشم چشمش به آن حالت امام سجاد افتاد فوری خودش را رساند و گفت:

«ای یادگار جد و پدر و برادرانم ترا چه می‌شود می‌بینم که نزدیک است جان از بدنت مفارقت کند؟ به خدا سوگند که این عهد و پیمانی از جانب خدا بر جد و پدر توست، خدای متعال از مردم پیمان گرفته از جماعتی که فرعونهای روی زمین آنها را نمی‌شناسند اما در نزد اهل آسمانها آنان معروفند، ایشان این اعضای پاره پاره و بدنهای در خون طپیده را جمع‌آوری کرده و دفن می‌کنند، و در سرزمین طف روی قبر پدرت سید الشهداء (ع) گنبد و بارگاهی می‌سازند که اثر آن هرگز از بین نرود و با گذشت شب و روز محو نگردد، هر چند که سردمداران کفر و پیروان

(۱) تاریخ قرمانی: ص ۱۰۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۳

گمراهان در محو آثار و علائم آن بکوشند، نه تنها از بین نمی‌رود بلکه بر رفعت و عظمت آن افزوده می‌شود...» (۱)

حضرت زینب یادگار برادرش را با این بیانات و نظایر آنها تسلی داد تا این که از آن همه غم و اندوه که نزدیک بود طومار زندگیش را درهم پیچد کاسته شد.

(۱)

### دفن کردن امام سجاد بدنهای شهدا را

اوباش فرومایه کوفی لاشه‌های کشتگان خویش را دفن کردند اما پیکر پاک ریحانه رسول خدا (ص) و اهل بیت و اصحاب بزرگوارش را روی خاکهای گرم کربلا به جا گذاشتند، تا این که گروهی از بنی اسد که در آن جنگ شرکت نداشته آمدند و برای دفن کردن آن بدنهای مقدس قبرهایی کردند اما چون آن پیکرهای پاک سر نداشتند، متحیر ماندند و نمی‌دانستند هر بدنی متعلق به کیست؛ در آن میان- چنان که بعضی از مآخذ شیعه نوشته‌اند- دیدند که امام زین العابدین علیه السلام آمد و یکایک شهدا را بر بنی اسد معرفی کرد، و شهدای اهل بیت و اصحاب را مشخص کرد و خود پیکر مقدس پدر بزرگوارش را در حالی که اشک از چشمانش می‌بارید در جایگاه ابدیش دفن کرد و می‌گفت:

«خوشا به حال زمینی که پیکر پاک تو را در آغوش گرفت، براستی که دنیا پس از تو تاریک و ظلمانی گشت و آخرت به نور جمالت روشن و نورانی شد، اما شبم، به بیدار خوابی و غم و اندوهم ابدی شد و یا آن که خدا برای ما اهل بیت تو سرای آخرتی را که تو هستی برگزیند، ای فرزند رسول خدا! درود و سلام من بر تو و رحمت و برکات الهی بر تو باد!»

(۱) کامل الزیارات: ص ۲۶۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۴

و روی آن قبر شریف این کلمات را نوشت:

«این قبر حسین بن علی بن ابی طالب است که او را با لب تشنه در غربت کشتند.»

فرزند دلبدش علی اکبر را در پایین پای امام علیه السلام دفن کرد و پیکر شهدای دیگر از هاشمیان و غیر هاشمی را در یک جا به خاک سپرد، سپس به همراه بنی اسد روانه نهر علقمه شد و در آنجا قبری آماده کرد و قمر بنی هاشم ابو الفضل العباس پسر امیر المؤمنین علیه السلام را در آن مدفون کرد و بشدت اشک می‌ریخت و می‌گفت:

«ای قمر بنی هاشم! پس از تواف بر این دنیا و از من به تو کسی که از شهادت استقبال کرد، درود و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد...» (۱)

این قبرهای مقدس در طول تاریخ رمز و راز کرامت انسانی و هر نوع فداکاری در راه شرافت و عدالت و حق گردید و از جمله مقدسترین و بالاترین مراکز عبادت در جهان اسلام شد.

(۱)

### اسیران اهل بیت در کوفه

بانوان و پرده‌نشینان وحی و نبوت را به صورت اسیران وارد کوفه کردند در حالی که طبل و شیپور سپاه نواخته و پرچمهای سپاهیان یزید به علامت پیروزی و دست یازی بر کشتن ریحانه رسول خدا (ص) و سید جوانان اهل بهشت در اهتراز

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۲۴-۳۲۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۵

بود، این منظره را مسلم جصاص (گچ‌کار) توصیف کرده، می‌گوید: ابن زیاد مرا برای مرمت دار الاماره کوفه احضار کرده بود و در آن میان که مشغول گچ‌کاری در گاهیه‌های کاخ بودم ناگهان سر و صدا از تمام شهر کوفه بلند شد، از یکی از خدمت‌گزاران کاخ پرسیدم:

«چه خبر است، می‌بینم کوفه یک پارچه سر و صداست؟» - «الآن سر یک فرد خارجی را می‌آورند که بر یزید خروج کرده بوده است!» - «آن خارجی اسمش چه است؟» - «حسین بن علی...»

مسلم، می‌گوید، همین که نام حسین را شنیدم از آن خدمتگزار فاصله گرفتم و بطوری لطمه به صورت خود زدم که ترسیدم چشمانم از کاسه بیرون شوند دست از گچ‌کاری کشیدم و از کاخ بیرون آمدم تا به کناسه کوفه رسیدم، همین طور که ایستاده بودم و مردم انتظار رسیدن اسیران و سرهای بریده را می‌کشیدند، ناگهان چهل شتر نمودار شد که زنان و کودکان را حمل می‌کردند و چشمم به علی بن حسین علیهما السلام افتاد که بر شتر برهنه‌ای سوار بود و از رگهای گردنش خون جاری بود و او اشک می‌ریخت و می‌فرمود:

(۱)

یا اُمَّةَ السَّوِّءِ لَا سَقِيَا لِرَبْعِكُمْ يَا اُمَّةَ لَمْ تَرَاعِ جَدَّنَا فِينَا

لَوْ اَنَّنا وَ رَسولَ اللّهِ يَجْمَعُنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَا

تَسِيرُونَ فِينَا عَلٰى الْاِقْتَابِ عَارِيَةً كَاَنَّنا لَمْ نَشَيْدُ فَيْكُمْ دِينًا. (۱)

ای مردم بد کردار خداوند باران رحمتش را بر سرزمین شما نبارد، ای

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۳۳.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۶

امتی که شما رعایت حرمت جد ما را درباره ما نکردید.

اگر در روز قیامت، ما و شما در حضور پیامبر خدا (ص) قرار گیریم، جواب پیامبر را چه خواهید داد؟

چنان ما را برهنه و عریان شهر به شهر می‌گردانید که گویا ما خانواده بنیانگذاران دین اسلام نبودیم! (۱) جذلم بن بشیر می‌گوید:

در سال (۶۱ هجری) موقع آمدن علی بن حسین از کربلا به کوفه، من وارد کوفه شدم، دیدم به همراه آن حضرت بانوانی هستند در حالی که سپاهیان یزید اطراف ایشان را گرفته‌اند و مردم کوفه برای تماشای آنها از خانه‌ها بیرون شده‌اند و آنان بر شتران بی‌جهاز سوارند، زنان کوفه از مشاهده آن منظره به گریه درآمدند و ناله و شیون سر دادند، علی بن حسین را دیدم که از رنج بیماری لاغر شده در حالی که غل به گردن داشت و دستهای مبارکش را به گردنش بسته بودند. «۱» و او با صدای ضعیفی می‌گوید:

«اگر این مردم به حال ما گریه می‌کنند و به خاطر ما نوحه‌سرای می‌نمایند پس چه کسی ما را کشته است؟!» «۲»

(۲)

### خطابه امام زین العابدین

توده‌های مردم اطراف امام زین العابدین علیه السلام حلقه زده بودند، امام علیه السلام تصمیم گرفت تا در میان آن جمعیت سخنرانی کند و آنها را به جرم بزرگی که مرتکب شده‌اند توجه دهد، و بفهماند که چه جنایتی نسبت به خود و به تمام امت اسلامی مرتکب شده‌اند، این بود که رو به آن مردم کرد و پس از حمد و

(۱) امالی شیخ مفید خطی: ص ۱۴۳.

(۲) مقتل الحسین خطی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۷

ثنای الهی فرمود:

(۱) «أیها الناس من عرفنی فقد عرفنی، و من لم یعرفنی فأنا علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، أنا ابن من انتهکت حرمته، و سلبت نعمته، و انتهب ماله، و سبی عیاله، أنا ابن المذبوح بشط الفرات من غیر ذحل، و لا ترات، أنا ابن من قتل صبرا، و کفی بذلک فخرا.

أیها الناس ناشدتکم الله هل تعلمون أنکم کتبتم إلی ابی و خدعتموه، و اعطیتموه من أنفسکم العهود و الميثاق و البیعة، و قاتلتموه، فتبا لما قدمتم لأنفسکم و سواه لرأیکم، بأیه عین تنظرون إلی رسول الله؟ إذ یقول لکم: قتلتم عترتی و انتهکتم حرمتی، فلستم من أمتی ...»

(۱) «ای مردم! هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که نمی‌شناسد بداند که منم علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، منم پسر آن کسی که حرمت او را هتک کرده و مال و نعمتش را به غارت بردند و زن و بچه‌اش را اسیر کردند، منم فرزند آن کسی که او را در کنار شط فرات بی‌جرم و گناه سر بریدند، منم فرزند آن که او را با شکنجه و عذاب کشتند و همین افتخار مرا کافی است.

ای مردم! شما را به خدا سوگند آیا می‌دانید که شماها به پدرم نامه نوشتید و او را فریب دادید به خاطر دارید که با او عهد و پیمان بستید و دست بیعت به سوی او دراز کردید، و به جنگ او برخاستید پس مرگ بر شما برای آنچه پیش از خود به آخرت فرستادید و بدا به اندیشه شما، با چه دیده‌ای به روی رسول خدا می‌نگرید؟ زیرا به شما خواهد گفت: عترت مرا کشتید، هتک حرمت مرا کردید پس از شما از امت من نیستید.»

آن مردم زبون و خود فروختگانی که روی تاریخ را سیاه کردند با شنیدن سخنان امام سجاد علیه السلام صدای گریه و شیونشان بلند شد در آن میان یکی از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۸

ایشان فریاد زد: «ای مردم! شما نمی‌دانید بیچاره شدید!» امام علیه السلام به سخنانش ادامه داد و فرمود:



«رحم الله امرأ قبل نصيحتي، و حفظ وصيتي، في الله و في رسوله و أهل بيته، فإن لنا في رسول الله (ص) أسوة حسنة.»  
 «خداوند بپامرزد آن کسی را که نصیحت مرا بپذیرد و سفارش مرا درباره خدا و پیامبر خدا و اهل بیت پیامبر (ص) پاس بدارد، زیرا که ما را از رسول خدا پیروی نیکویی است.»  
 همه مردم با شنیدن این جمله همصدا فریاد بر آوردند:

(۱) «ای فرزند رسول خدا (ص) ما همگی سخن شما را گوش می‌دهیم و اطاعت می‌کنیم و دستور شما را بر عهده می‌گیریم و از شما دوری نمی‌کنیم، دل به سوی شما داریم، هر امری دارید بفرمایید، خداوند شما را مورد عنایت خود قرار دهد، ما با دشمنان شما در ستیزیم و با هر که با شما در صلح باشد، در صلحیم و از کسانی که به شما و ما ستم کرده‌اند بیزاریم...»  
 امام علیه السلام این ابراز دوستی کوفیان را تکذیب کرده و فرمود:

«هیهات، هیهات، أيها الغدره المکره، حیل بینکم، و بین شهوات انفسکم، أتریدون أن تأتوا إلی کما أتیتم إلی أبي من قبل، کلا و رب الرافضات فإن الجرح لما یندمل، قتل أبي بالأمس و أهل بيته، و لم ینس ثکل رسول الله (ص) و ثکل أبي، و بنی أبي، إن وجده و الله بین لهاتی، و مرارته بین حناجری و حلقی، و غصته تجری فی فراش صدری...» (۱)

«هیهات، هیهات! ای فریبکاران حيله گر، که جز حيله و مکر خصلتی ندارید، آیا می‌خواهید مرا نیز همچون پدرم فریب دهید و با من نیز چنان

(۱) مثير الاحزان، از ابن نما و لهوف از سید بن طاووس.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۹

رفتار کنید که با پدرم کردید. هرگز، به خدا قسم هنوز زخمهایی که از شهادت پدرم در دل نشسته است بهبود نیافته؛ پدرم با دیگر اهل بیتش هنوز دیروز کشته شدند و هنوز درد مصیبت رسول خدا (ص) و مصیبت پدر و برادرانم فراموشم نشده است، به خدا سوگند غم ایشان گلویم را گرفته و تلخیش حنجره تا حلقم را می‌آزارد و اندوه و غصه‌اش در سینه‌ام می‌جوشد.»  
 امام علیه السلام، از سخن گفتن خودداری کرد در حالی که صورتش را از آن مردم پرمکر و آن تبهکارانی که لکه ننگی بر دامن بشریت بودند، برگرداند زیرا که آنها بودند که ریحانه رسول خدا (ص) را که برای نجات آنها آمده بود کشتند، آمده بود تا ایشان را از زیر ظلم و جور امویان نجات دهد و اینک پس از کشتن وی پشیمان شده و بر او می‌گریند!  
 (۱)

### ابن زیاد طاغوت با امام سجاد

وقتی که اهل بیت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را به دار الاماره آن جایی که پسر مرجانه حاکم کوفه اقامت داشت، وارد کردند همین که چشم آن طاغوت به امام زین العابدین علیه السلام افتاد در حالی که رنج بیماری او را بشدت ضعیف کرده بود، پرسید:

- «تو کیستی؟» - «من علی بن حسینم...»

- «مگر خداوند علی بن حسین را نکشت؟» امام علیه السلام با آرامش تمام فرمود:

«من برادری به نام علی داشتم که شماها او را کشتید و در روز قیامت از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۰

شما بازخواست خواهند کرد.»

این زیاد با شنیدن این سخنان برآشفته و با وقاحت و خودسری از جا برخاست و رو به امام فریاد زد:

«خدا برادر تو را کشت، نه ما!» امام علیه السلام با نهایت شجاعت و استواری فرمود:

«خداوند هر که را اجلس فرا رسد، بموقع می‌میراند و هیچ کسی جز به اذن خدا نمی‌میرد.»

(۱) زمین به دور سر پسر مرجانه چرخید و عظمت جنایت و گناه او را فرا گرفت و از این که یک جوان اسیر با این گشاده‌زبانی و برهان قاطع و استشهاد از قرآن با او صحبت کند و حرف او را رد کند، خشمناک شد، فریاد زد:

«تو چگونه جرأت می‌کنی جواب مرا بدهی!! و به خود اجازه می‌دهی که حرف مرا رد کنی؟! آن ناپاک پست فطرت یکی از جلّادانش را صدا زد و گفت:

«این بیچه را بگیر و ببر، سرش را از تنش جدا کن...»

در این حال نواده پیامبر (ص) زینب کبرا علیها سلام دامن صبر از دست بداد و با چنان شجاعتی که از هیچ قدرت و سلطه‌ای باک نداشت حمله برد و دست به گردن امام سجاد علیه السلام انداخت و رو به پسر مرجانه کرد و فرمود:

«ای پسر زیاد! همین قدر که خون از ما خانواده ریختی بس است آیا کسی جز این را باقی گذاشته‌ای؟ اگر می‌خواهی این تنها باقیمانده را بکشی، مرا هم با او بکش.»

آن طاغوت از این منظره متحیر شد و با تعجب گفت:

«نکشید، او را نیز با این زن، واگذارید، شگفتا از این خویشاوندی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۱

می‌خواهد به همراه وی کشته شود!» و اگر این موضوع قهرمانانه حضرت زینب نبود، هرآینه امام زین العابدین علیه السلام کشته شده بود و بقیه نسل امام حسین علیه السلام که منبع هر خیر و شرافتند در روی زمین از بین رفته بود.

جا حظ در رسائل خود می‌گوید: پسر مرجانه درباره علی بن حسین به اصحابش گفت:

«بگذارید تا من او را بکشم که او بازمانده این دودمان - یعنی نسل امام حسین - است و بدین وسیله این شاخه را قطع کنم و این گرفتاری را برطرف کنم و این ماده را ریشه کن سازم...»

اما اطرافیانش پیشنهاد کردند که خودداری کند و معتقد بودند که رنج بیماری، خود در آینده نه چندان دور او را از پا در می‌آورد.

«۱»

(۱)

## ربودن امام

یکی از کوفیان امام زین العابدین علیه السلام را ربود و او را در منزل خود مخفی کرد و نسبت به آن حضرت اکرام و احسان می‌کرد و هر وقت چشمش به آن حضرت می‌افتاد گریه می‌کرد و امام علیه السلام نیز به او خوش گمان بود اما دیری نپایید که منادی ابن زیاد اعلام کرد هر کس علی بن حسین را یافت به دار الاماره بیاورد، سیصد درهم جایزه دارد، وقتی که آن مرد کوفی صدای منادی را شنید به خدمت امام علیه السلام شتافت و ریسمانی به گردنش انداخت و دستهایش را با طناب بست و به دار الاماره برد و سیصد درهم را گرفت. «۲» این اتفاق عجیب - اگر درست باشد - حکایت از پول‌پرستی مردم کوفه و خودفروشی آنان در راه به دست

(۲) مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان: ص ۹۸، المنتظم ابن جوزی جلد پنجم، طبقات ابن سعد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۲

آوردن مادیات دارد از هر راهی که ممکن بوده است.

(۱)

### حرکت اسرای اهل بیت به جانب دمشق

یادگارهای رسالت و مخدرات وحی و نبوت را به دمشق پایتخت بنی امیه حرکت دادند در حالی که چنان غرق اندوه و غم بودند که دل هر بیننده را آب می‌کرد، مردم کوفه از هر طبقه از خانه‌هایشان بیرون آمدند تا با اسیران اهل بیت پیامبرشان خداحافظی کنند، و مرد و زنشان صدای ناله و شیون بلند کرده بودند، امام زین العابدین علیه السلام این حالت ایشان را عجیب دانسته و می‌فرمود:

«همین‌ها ما را می‌کشند و بر ما می‌گریند!!» (۱) شمر بن ذی الجوشن ناپاک فرومایه دستور داد تا غل جامعه بیاورند و به گردن امام علیه السلام بیندازند، امام را در غل کردند. (۲) کاروان در مسیر خود به سمت شام حرکت کرد. مورخان می‌گویند: امام زین العابدین علیه السلام با آن ستمگرانی که همراهش بودند، حتی یک کلمه حرف نزد و در تمام طول راه یک درخواستی نمود زیرا که امام علیه السلام آن مردم ناپاک و آن فرومایگان را می‌شناخت و می‌دانست که هر درخواستی هم بکند پاسخ مثبت نخواهند داد.

کاروان بدون وقفه حرکت می‌کرد تا این که به نزدیکی دمشق رسید و در آنجا توقف کرد تا شهر را چراغانی و آذین‌بندی کنند. همین که شهر شام با بهترین تزئین آراسته شد اسیران اهل بیت پیامبر (ص) را در میان هاله‌ای از تهلل و تکبیر به خاطر پیروزی که نواده ابو سفیان بر نواده رسول خدا- صلی الله علیه و آله- یافته بود، وارد شهر کردند.

(۱) مرآة الزمان: ص ۹۹.

(۲) انساب الاشراف: ق ۱/ ج ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۳

(۱)

### مرد شامی با امام زین العابدین

پیرمردی از مردم شام که در اثر تبلیغات دروغ و ناروا فریب خورده بود به نزد امام زین العابدین علیه السلام شتافت و رو به آن حضرت کرد و با صدای بلند گفت:

«سپاس خدا را که شما را هلاک ساخت و یزید را بر شما پیروز گردانید!» امام علیه السلام نگاهی به او کرد و دانست که او را فریب داده‌اند و حق و حقیقت بر او پوشیده است، مبلغان بنی امیه او را گول زده‌اند، فرمود:

«ای پیرمرد! آیا قرآن خوانده‌ای؟» - «آری خوانده‌ام» - «آیا این آیات را در قرآن تلاوت کرده‌ای: وَآتَ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ (۱)، وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى (۲) پیرمرد، بهت زده شد و با صدای آرامی گفت:

«آری این آیات را خوانده‌ام! اما بگو ببینم این آیات با شما چه ربطی دارد؟» امام علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند که ماییم آن خویشاوندان پیامبر که در این آیات آمده است.

ای پیرمرد! آیا این آیه را خوانده‌ای که خداوند می‌فرماید:

(۱) اسراء / ۲۶: حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن.

(۲) انفال / ۴۱: بدانید هر چه به شما غنیمت و فایده رسد خمس آن متعلق به خدا و پیامبر و خویشان اوست.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۴

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. «۱»

- «آری خوانده‌ام.»

- «ماییم آن اهل بیت، که خداوند آنان را به این تطهیر مخصوص گردانیده است.»

لرزه بر اندام پیرمرد افتاد و می‌خواست که زمین دهان باز می‌کرد و او را در کام خود فرو می‌برد تا زنده نبود و آن حرفها را نزده بود، آنگاه رو به امام علیه السلام کرد و گفت:

«شما را به خدا شما همان اهل بیت پیغمبرید؟» - «آری به حق جدّمان رسول خدا (ص) که ما بدون هیچ تردیدی همان اهل بیت پیامبریم.»

پیرمرد شامی پس از شنیدن این سخنان، خود را روی پاهای امام علیه السلام انداخت، دست و پای امام را می‌بوسید و قطرات اشک بر گونه‌هایش جاری بود و می‌گفت: «به خدا که از قاتلان شما بیزارم.»

پیرمرد از امام علیه السلام درخواست کرد تا توبه او را بپذیرد و از گناه او بگذرد، امام علیه السلام نیز او را مورد عفو و بخشش قرار داد. «۲»

(۱)

### امام سجاد در مجلس یزید

مزدوران ابوباش یزید، خاندان وحی و نبوت و اطفال امام حسین

(۱) احزاب / ۳۳: خداوند چنین اراده دارد که هر نوع آلائش را از شما اهل بیت پیامبر ببرد و شما را از هر عیبی پاک و منزّه بدارد.

(۲) حیاة الامام الحسین: ۳ / ۳۷۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۵

علیه السلام را همچون گوسفندان گردن به گردن به ریسمانی بستند، یک سر ریسمان در گردن امام زین العابدین علیه السلام و یک سر دیگرش به گردن عمه‌اش زینب بود و باقی دختران رسول خدا (ص) را در آن میان بسته بودند و هرگاه یکی از آنها در راه رفتن عقب می‌ماند او را با تازیانه می‌زدند و آنان را با این حالت - حالتی که کوهها از هول و هراس آن از هم فرو می‌ریخت - آوردند و در برابر یزید نگاه داشتند، امام زین العابدین علیه السلام رو به یزید کرد و فرمود:

«چه گمان می‌بری به رسول خدا (ص) اگر ما را بر این حال ببیند؟!» (۱) یزید با شنیدن این سخن، رو برگرداند و کسی در مجلس نماند مگر این که صدای گریه و ناله‌اش بلند شد و یزید از دیدن آن منظره اسفبار متأثر شد و چنین گفت:

«خدا روی پسر مرجانه را زشت گرداند، اگر بین شما و او خویشاوندی بود با شما چنین رفتار نمی‌کرد.»

آنگاه دستور داد تا ریسمانها را باز کردند و رو به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت:

«آی علی بن حسین می‌دانی که پدرت خویشاوندی مرا ملاحظه نکرد و حق مرا نادیده گرفت و در سلطنت من به مخالفت برخاست

این بود که خداوند با او چنین کرد که می‌بینی! امام سجاد علیه السلام با نهایت آرامش و وقار، چنین پاسخ داد: «ما أصاب من مصيبةٍ فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها انّ ذلک علی الله یسیر. لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم و الله لا یحبّ کلّ مختال فخور.» (۱)

(۱) حدید / ۲۲، ۲۳: هر رنج و مصیبتی که در روی زمین یا در خودتان بر شما وارد شود همه در کتاب (لوح محفوظ ما) پیش از آن که در دنیا ایجاد کنیم ثبت شده و خلق آن برای خدا آسان است. تا هرگز بر تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۶

یزید طاغوت خشمگین شد و آثار شادمانی از چهره‌اش محو گشت و این آیه را قرائت کرد: «ما أصابکم من مصیبهٍ فیما کسبت أیدیکم.» (۱)

امام علیه السلام فوری سخن او را رد کرد و فرمود: «این آیه درباره ستمکاران است، نه درباره ستمدیدگان و مظلومان.»

یزید با شنیدن این جواب کوبنده، صورتش را از باب تحقیر و توهین به امام از آن حضرت برگرداند. (۲)

(۱)

### خطبه امام زین العابدین (ع)

یزید، به مردم بار عام داد، و طبقات مختلف به سمت کاخ طاغوت هجوم آوردند در حالی که به خاطر پیروزی کاذبش تبریک می‌گفتند و او سرخوش و شادمان بود که دنیا به کام او گشته و سلطنت و پادشاهیش رقیبی ندارد و به خطیب خود دستور داد تا بر منبر برود و هر چه می‌خواهد درباره امام حسین و پدرش امام امیر المؤمنین بگوید، خطیب، بالای منبر رفت و هر چه توانست در نکوهش عترت پاک پیامبر گفت و بر یزید و پدرش مدایح و ستایشهای دروغین بسیار نثار کرد، یک مرتبه امام زین العابدین علیه السلام از جا بلند شد و فریاد برآورد:

«ویلک ایها الخاطب اشتریت رضاء المخلوق بسخط الخالق فتبوا مقعدک من النار.»

آنچه از دست دادید دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد دلشاد نگردید و خداوند هیچ متکبر خودستا را دوست نمی‌دارد.

(۱) شورا / ۳۰: هر گرفتاری که به شما می‌رسد به سبب رفتار خود شماست.

(۲) حیاة الامام الحسین: ۳ / ۳۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۷

«وای بر تو ای خطیب! که برای خشنودی مخلوق، خدا را به خشم آوردی جایگاه خودت را در آتش دوزخ فراهم کردی...»

و آنگاه رو به یزید کرد و فرمود:

«آیا اجازه می‌دهی که بر این چوبه‌ها بالا روم و سخنانی بگویم که خدا را خوش آید و برای حاضران مجلس اجر و ثوابی داشته باشد؟» (۱) حاضران مجلس همگی متحیر شدند و از سخن این جوان بیمار تعجب کردند که چگونه با وجود این که اسیر است سخن خطیب و امیر را رد کرد! یزید از قبول پیشنهاد امام سرباززد اما حاضران مجلس اصرار کردند که اجازه دهد، یزید در جواب آنها گفت:

«اگر او بر منبر برود، ما و تمام آل ابی سفیان را تا رسوا نکند، به زیر نخواهد آمد.»

مردم از سخن یزید تعجب کردند و گفتند:

«از این جوان علیل چه بر می آید؟» برآستی که آنها امام علیه السلام را نمی شناختند و او را همچون مردم دیگر تصور می کردند اما یزید طاغوت او را می شناخت، رو به مردم کرد و گفت:

«او از خانواده‌ای است که از شیرخوارگی به علم و دانش آراسته‌اند.»

با این همه مردم، پیوسته اصرار می کردند تا اجازه دهد او حرفهایش را بزند یزید چاره‌ای ندید، سرانجام پذیرفت و اجازه داد، امام علیه السلام بر فراز چوبه‌های منبر رفت و چنان خطبه غزایی ایراد کرد که تاریخ نظیر آن را در زیبایی و بلاغتش ندیده بود، چشمها را گریان و حاضران را نالان کرد و بر دلها و اندیشه‌های آنان سیطره افکند، از جمله سخنان آن حضرت این بود که فرمود:

(۲) «أیها الناس اعطینا ستا، و فضلنا بسبع: اعطینا العلم و الحلم، و السماحة و الفصاحة، و الشجاعة، و المحبة فی قلوب المؤمنین،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۸

و فضلنا بأنّنا النبیّ المختار محمد (ص) و منا الصدیق، و منا الطیار، و منا أسد الله، و أسد الرسول (ص) و منا سیده نساء العالمین فاطمة البتول، و منا سبطا هذه الأمة و سیدا شباب اهل الجنة.»

«ای مردم! خدای تعالی به ما اهل بیت شش خصلت مرحمت کرده است و با هفت فضیلت ما را به دیگران برتری داده است: به ما علم، بردباری، جوانمردی، فصاحت، دلاوری و محبت در دل‌های مؤمنان را داده است و همچنین ما را به این اوصاف برتری بخشیده است که پیامبر برگزیده خدا محمد- صلی الله علیه و آله- از ماست و صدیق اعظم- علی علیه السلام- از ماست و جعفر طیار و شیر خدا و رسول- حمزه سید الشهداء- از ماست و بانوی زنان جهان فاطمه بتول از ماست و دو سبط این امت، سرور جوانان بهشت- امام حسن و امام حسین علیهما السلام- از ماست.»

پس از این مقدمه‌ای که در معرفی خاندان خود فرمود، شروع کرد به بیان فضائل ایشان و گفت:

(۱) «فمن عرفنی فقد عرفنی، و من لم یعرفنی انبأته بحسبی و نسبی، أنا ابن مکة و منی، أنا ابن زمزم و الصفا، أنا ابن من حمل الزکاة بأطراف الرداء، أنا ابن خیر من ائترر و ارتدی، أنا ابن خیر من اتعل و احتفی، أنا ابن خیر من طاف و سعی، أنا ابن خیر من حج و لبی، أنا ابن من حمل علی البراق فی الهوا، أنا ابن من أسرى به من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى، فسبحان من أسرى، أنا ابن من بلغ به جبرئیل إلى سدره المنتهی، أنا ابن من دنا فتدلی فکان قاب قوسین أو أدنی، أنا ابن من صلّی بملائکة السماء، أنا ابن من أوحی إليه الجلیل ما أوحی، أنا ابن محمد المصطفی، أنا ابن علی المرتضی، أنا ابن من ضرب خراطیم الخلق حتی قالوا: لا إله إلا الله، أنا ابن من ضرب بین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۹

یدی رسول الله (ص) بسیفین، و طعن برمحین، و هاجر الهجرتین، و بايع البيعتین، و صلّی القبلتین، و قاتل بیدر و حنین، و لم یکفر بالله طرفه عین، أنا ابن صالح المؤمنین و وارث النبیین، و قاطع الملحدین، و یعقوب المسلمین، و نور المجاهدین و زین العابدین، و تاج البکائین، و اصبر الصابریین، و أفضل القائمین من آل یاسین، و رسول رب العالمین، أنا ابن المؤید بجبرئیل، المنصور بمیکائیل، أنا ابن المحامی عن حرم المسلمین، و قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین، و المجاهد اعداءه الناصبین، و أفخر من مشی من قریش أجمعین، و أول من أجاب و استجاب لله من المؤمنین، و أقدم السابقین، و قاصم المعتدین، و مبیر المشرکین، و سهم من مرامی الله علی المنافقین، و لسان حکمة العابدین، ناصر دین الله، و ولی أمر الله، و بستان حکمة الله، و عیبه علم الله، سمح، سخی، بهلول، زکی، ابطحی، رضی، مرضی، مقدم، همام، صابر، صوام، مهذب، قوام، شجاع قمام، قاطع الأصلاب، و مفرق الأحزاب، أربطهم جنانا، و اطلقهم عنانا، و اجرأهم لسانا، و أمضاهم عزیمة، و أشدهم شکیمة، أسد، باسل، و غیث هاطل، یطحنهم فی الحروب، و یدرهم ذرو الريح الهشیم، لیث الحجاز، و صاحب الاعجاز، و کبش العراق، الإمام بالنص، و الاستحقاق، مکی مدنی ابطحی، تهامی،

خیعن عقبی، بدری، احدی، و شجرى مهاجرى، من العرب سیدها، و من الوغى لیثها، وارث المشعرین و أبو السبطین الحسن و الحسین، مظهر العجائب، و مفرق الکتائب و الشهاب الثاقب، و النور العاقب، اسد الله الغالب مطلوب کل طالب، غالب کل غالب، ذاک جدی علی بن أبی طالب، (۱) أنا ابن فاطمة الزهراء، أنا ابن سیده النساء، أنا ابن الطهر البتول، أنا ابن بضعة الرسول صلی الله علیه و آله و سلم أنا ابن المرملة بالدماء انا بن ذبیح کربلاء، انا بن من بکی علیه الجن من الظلماء و ناحت علیه الطیر فی الهواء ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۰

«ای مردم! هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که نشناخته است، او را از حسب و نسب خویش آگاه سازم؛ منم فرزند مکه و منی، منم پسر زمزم و صفا منم پسر آن کسی که زکات و صدقات را به دامن ردای خود می‌کرد و به مستمندان می‌رساند، منم فرزند بهترین کسی که محرم شد و ردا بر دوش گرفت، منم پسر بهترین کسی که نعلین و کفش به پا کرد، منم فرزند بهترین کسی که طواف کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد، منم پسر بهترین کسی که حج خانه خدا را به جا آورد و تلبیه گفت، منم فرزند کسی که از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی شب هنگام سیر داده شد، پاک و منزه است خدایی که او را سیر داد، منم فرزند آن کسی که جبرئیل او را تا سدره المنتهی رساند، من فرزند آن کسی هستم که به قرب مقام عظمت ربوبی نزدیک شد و تا قاب قوسین یا کمتر پیش رفت. منم پسر آن که با فرشتگان آسمان نماز خواند، منم فرزند آن کسی که خداوند جلیل آنچه خواست بر او وحی کرد منم پسر محمد مصطفی، منم پسر علی مرتضی، منم فرزند آن که به خرطوم مردمان خدانشناس زد تا آن که لا اله الا الله گفتند، منم پسر کسی که در حضور رسول خدا- صلی الله علیه و آله- با دو شمشیر جنگید و با دو نیزه مبارزه کرد و دو بار هجرت نمود و دو مرتبه با پیامبر بیعت کرد و به دو قبله نماز خواند و در بدر و حنین با دشمنان پیکار نمود و یک چشم بر هم زدن به خداوند کفر نورزید. منم فرزند شایسته‌ترین مؤمنان و وارث پیامبران و قطع کننده ریشه ملحدان و فرمانروای مسلمانان و مشعلدار مجاهدان و زینت عبادت کنندگان و افسر گریه کنندگان و بردبارتر از همه بردباران و بالاترین شب‌زنده‌دار از آل یاسین و فرستاده پروردگار عالمین، منم فرزند آن که خداوند توسط جبرئیل به او کمک کرد و توسط میکائیل یاری نمود، منم پسر آن کسی هستم که از حریم مسلمین دفاع کرد و با ناکثین و قاسطین و مارقین پیکار نمود و با دشمنان ناصبی خود مبارزه کرد و پرافتخارترین فرد از تمام مردم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۱

قریش که بر روی زمین پا نهاده‌اند و نخستین کسی که از مؤمنان، خدا را لیبک گفت و سر در اطاعتش نهاد و پیشگام سابقین و درهم شکننده تجاوزگران و بنیانکن مشرکان و تیری از جانب خدا بر ضد منافقان و زبان حکمت عابدان، یاری کننده دین خدا و ولی امر الهی و بوستان حکمت خداوندی، و منبع علم خدا، جوانمرد، بخشنده، بزرگوار، پاکیزه، از سرزمین بطحاء، راضی به رضای خدا و مورد رضای پروردگار، پیشاهنگ، رادمرد، شکیبا، بسیار روزه‌دار، پاکیزه و استوار، دلاور، پربخشش، برنده ریشه ستمگران، از هم پاشنده گروههای مخالف از همه کس مهربانتر و بخشنده‌تر و زبان آورتر و مصمم‌تر (در برابر دشمنان) و از همه کس سرسخت‌تر بود، شیر دلاور، و ابر پربران. در میدانهای جنگ دشمنان را درهم می‌شکست و همچون تندبادی دشمنان را بسان خار و خاشاک از هم می‌پاشید، شیر سرزمین حجاز و صاحب معجزات و سپهسالار عراق، امامی که امامتش مخصوص و از روی شایستگی بود، مکی، مدنی، ابطحی، تهامی و جنگجویی که در عقبه و بدر و احد حاضر بود و در بیعت شجره حضور داشت و مهاجرت کرد، سرور مردم عرب و شیر میدان کارزار، وارث مشعر و منی و پدر دو سبط پیغمبر؛ حسن و حسین، مظهر عجایب و پراکنده‌ساز سپاهیان زبده و برق جهنده و نور شتابان، شیر پیروز حق و خواسته هر جویای حقیقت و بر هر پیروزی پیروز، این شخص جد من علی بن ابی طالب است، (۱) منم فرزند فاطمه زهرا منم پسر بانوی زنان، منم پسر طاهره بتول، منم پسر پاره تن رسول- صلی الله علیه و آله و سلم- «۱» منم فرزند آن که به خون آغشته شد، منم پسر سر بریده صحرای کربلا، منم فرزند آن که جنیان روی

زمین و مرغان هوا بر او نوحه‌سرایی کردند...» (۲)

(۱) حیات الامام الحسین: ۳/ ۳۸۷.

(۲) نفس المهموم: ص ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۲

و همچنان امام علیه السلام می‌گفت: «من» تا آنجا که مردم صدای ناله و شیون برآوردند و یزید ترسید از این که فتنه و آشوبی پاشود و پیامد ناگواری داشته باشد، زیرا که سخنان امام علیه السلام یک انقلاب فکری در مردم به وجود آورد؛ به خاطر آن که امام، خود را به مردم شام معرفی کرده بود و از آنچه نمی‌دانستند آنها را آگاه ساخته بود. این بود که یزید ناچار به مؤذنش دستور داد تا اذان بگوید و بدان وسیله سخن امام را قطع کند، مؤذن شروع کرد به اذان گفتن همین که گفت: «الله اکبر».

(۱) امام علیه السلام رو به مؤذن کرد و گفت:

«خدایی را بزرگ شمردی که هیچ چیز با او قابل قیاس نیست و او با هیچ یک از حواس درک نشود و هیچ چیز بزرگتر از خدا نمی‌باشد.»

همین که مؤذن گفت: «اشهد ان لا اله الا الله».

امام علی بن حسین علیه السلام فرمود:

«به این کلمه گوشت، پوست و خون، مغز و استخوانم گواهی می‌دهند.»

و چون مؤذن جمله «اشهد ان محمدا رسول الله» را بر زبان آورد، امام علیه السلام رو به یزید کرد و فرمود:

«ای یزید! بگو بینم این محمد جد من است یا جد تو؟ پس اگر بگویی جد توست دروغ گفته‌ای و اگر می‌گویی جد من است، پس چرا عترت او را کشتی...؟» (۱)

(۲) یزید با شنیدن این سخنان خاموش ماند و جوابی نداد، زیرا که پیامبر گرامی اسلام جد امام زین العابدین علیه السلام بود اما جد یزید، ابو سفیان، دشمن

(۱) مقتل الخواری: ۲/ ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۳

شماره یک پیامبر (ص) بوده است. برای مردم شام روشن شد که این خانواده غرق در گناه و جنایتند و حکومت امویان در راه گمراهی و انحراف مردم از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده‌اند.

البته سخنرانی امام علیه السلام منحصر بود به معرفی خاندان نبوت و آن مقام والایی که در پیشگاه خدا دارند و همچنین مبارزات و جهادی که در راه اسلام داشته‌اند و از طرفی مشتمل بود بر آنچه از قتل و شکنجه و آزار از طرف دشمن بر سر آنها آمده است و چیزی غیر از اینها نفرمود، به نظر من اکتفا کردن به این مقدار از زیباترین نوع التفات و از ظریفترین انواع بلاغت است زیرا که مردم شام هیچ چیز راجع به اهل بیت علیهم السلام نمی‌دانستند جز آنچه را که گویندگان درباری و وعاظ السلاطین به خورد آنها داده بودند. حکومت جور و مزدورانشان از دشمنی اهل بیت و دوستی بنی امیه هر چه توانسته بودند آنها را تغذیه کرده بودند.

به هر حال، خطابه امام چنان تأثیر عمیقی در توده مردم نهاد که بعضی آهسته به یکدیگر از دغلبازی سران بنی امیه و ضرر و زیان جبران‌ناپذیری که گریبان ایشان را گرفته بود سخن می‌گفتند، بطوری که همگی نسبت به یزید بدبین شده و به چشم حقارت و پستی به او می‌نگریستند. (۱)



(۱)

**امام (ع) با منهل**

امام زین العابدین علیه السلام در شام به منهل بن عمر برخورد، منهل پرسید:  
«یا بن رسول الله! چگونه بر شما گذشت؟»

(۱) جوهرة الکلام فی صلاح السادة الاعلام: ص ۱۲۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۴

امام علیه السلام نگاهی به او کرد، فرمود:

«همچون بنی اسرائیل در میان آل فرعون گذرانیدیم که پسران ایشان را می‌کشتند و زنانشان را اسیر می‌کردند، ای منهل! مردم عرب بر عجم افتخار می‌کرد که محمد (ص) از عرب است و مردم قریش بر سایر مردم عرب مباحثات می‌کرد که محمد (ص) از ایشان است، ما که اهل بیت آن بزرگواریم، در میان اینان، کشته و پراکنده‌ایم پس (ما راضی به رضای الهی بوده و می‌گوییم): انا لله و انا الیه راجعون...» (۱)

براستی که پیامبر گرامی اسلام ریشه و منبع اصلی شرافت امت عرب بوده و اوست که زندگی شرافتمندانه را برای ایشان ترسیم کرد و بزرگترین دولت و والا-ترین حکومت را برای این امت بنیان نهاد، آیا پاداش عمل او این بود مردم قریش که به وجود حضرت محمد (ص) افتخار می‌کردند که پیامبر از آنهاست، اکنون باید فرزندان او را بکشند و ریشه آنان را از بیخ و بن برکنند و زنانشان را اسیر کنند!

(۱)

**عذرخواهی طاغوت از امام**

وقتی که مردم به خاطر کشتن ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- یزید را زیاد ملامت کردند و اعتراضات روزافزون گشت، یزید، امام زین العابدین علیه السلام را خواست و شروع کرد به عذرخواهی و مسئولیت تمام جنایات را به گردن پسر مرجانه انداخت و گفت:

«خداوند پسر مرجانه را لعنت کند، به خدا سوگند که اگر من به جای او بودم، پدرت هر پیشنهادی می‌کرد، قبول می‌کردم و تا آنجا که می‌توانستم

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۲۹۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۵

می‌کوشیدم، هر چند به قیمت کشته شدن بعضی از فرزندانم تمام می‌شد، نمی‌گذاشتم او را بکشند، و لیکن تقدیر الهی چنین بود که دیدی، پسر! هر حاجتی که داشتی از مدینه با من مکاتبه کن. «۱» البته در میان خاندان تو و مردم مسلمان ممکن است مسائلی اتفاق بیفتد، تو در آن مسائل با ایشان همکاری مکن.» (۲)

امام علیه السلام با شنیدن این سخنان صورت مبارک از یزید برگردانید و جوابی نداد زیرا که او از باطن این معذرت‌خواهی یزید، آگاه بود و می‌دانست که تمام این حرفها جهت فرار از کیفر و مجازات جنایاتی است که او مرتکب شده است.

(۱)

**گفتگوی اسقف یهودی با یزید**

در مجلس یزید طاغوت، مردی از علمای یهود بود که بسیار تحت تأثیر امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت و رو به یزید کرد و پرسید:

- «این جوان کیست؟» - «علی بن حسین است.»

- «حسین کیست؟» - «پسر علی بن ابی طالب.»

- «مادر حسین کیست؟» - «دختر حضرت محمد است.»

- «سبحان الله! این پسر دختر پیغمبر شماست که کشته‌اید، چه بد مردمی هستید و رفتار بدی نسبت به بازماندگان پیامبران روا داشته‌اید! به خدا سوگند که اگر موسی بن عمران نواده‌ای در بین ما به یادگار گذاشته بود، گمان

(۱) تاریخ ابن اثیر: ۳/ ۳۰۰.

(۲) تهذیب التهذیب: ۱/ ۱۵۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۶

می‌کنم که مردم یهود به جای خدا او را پرستش می‌کردند در صورتی که شما هنوز فاصله‌ای نشده‌است که پیغمبرتان از دنیا رفته، به پسرش حمله برده‌اید و او را کشته‌اید! چه بد امتی هستید!» یزید طاغوت از شنیدن این سخنان خشمگین شد و دستور داد تا او را کتک زدند، عالم یهودی فریاد برآورد و گفت:

«اگر بخواهید می‌توانید مرا بکشید زیرا که من در تورات خوانده‌ام: هر که فرزند پیغمبرش را بکشد، برای همیشه از رحمت خدا دور است و چون بمیرد خداوند او را در آتش جهنم اندازد.» (۱)

(۱)

**امام علیه السلام با یزید**

روزی یزید ملعون امام زین العابدین علیه السلام را احضار کرد و پیشنهاد کرد تا هر حاجتی دارد از او بخواهد، امام علیه السلام فرمود:

«حاجت اول من آن است که سر مقدس پدرم را به من بازگردانی و دیگر این که آنچه را که سپاهیان تو از اموال زنان به غارت برده‌اند به ایشان بازگردانند، زیرا در آن میان بعضی از یادگارهای پدران و مادران ما هست و حاجت دیگر آن است که اگر می‌خواهی مرا بکشی، شخص امینی را همراه اهل بیت پیامبر کن تا ایشان را به مدینه برساند.»

آری امام علیه السلام سر مقدس پدرش را خواست تا یک بار دیگر آن را ببیند و آخرین وداع را با آن سر مقدس بنماید و یا آن که آن را با پیکر شریفش یکجا دفن کند، اما طاغوت در این باره پاسخی نداد و دستور داد تا آن سر مقدس را همه جا بگردانند و هدفش آن بود که مردم بترسند و برای کسانی که قصد

(۱) حدائق الوردیه: ۱/ ۱۳۱، فتوح البلدان: ۵/ ۲۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۷

خروج و نهضت دارند، عبرتی باشد.

اما درخواست دیگر امام علیه السلام یعنی بازگرداندن اموالی را که روز عاشورا از زنان و کودکان حرم به غارت برده بودند و مقصودش زر و زیور نبود بلکه مقصود آن حضرت بازگرداندن یادگارهای نفیسی بود که از جد بزرگوارش رسول خدا- مانند عمامه، زره و شمشیر و دیگر چیزهایی که بالاتر از هر ثروتی بودند- به یادگار مانده بود.

طاغوت زمان ابتدا سر به زیر انداخت و درباره درخواستهای امام اندیشید و پس از لحظه‌ای سر برداشت و گفت:

«اما روی پدرت را هرگز نخواهی دید، و اما آنچه را که از شما به غارت برده‌اند به شما بازمی‌گردانند و اما زنان را جز خودت کس دیگری به مدینه بر نمی‌گرداند و من از کشتن تو صرف نظر کردم.» (۱)

(۱)

### حرکت به سمت مدینه

یزید بن نعمان بن بشیر مأموریت داد تا همراه یادگارهای رسول خدا و پرده‌نشینان رسالت باشد و آنان را به مدینه برساند. (۲) و

دستور داد تا شب هنگام آنان را از شام بیرون ببرد که مبادا فتنه‌ای بپا شود و اوضاع شهر دگرگون گردد. (۳)

کاروان بیابانها را درمی‌نوردید و هیچ جا درنگ نمی‌کرد، همچنان به راه خود ادامه می‌داد تا این که زنان بنی هاشم از مأمورانی که برای پاسداری ایشان همراه کاروان بودند، درخواست کردند که ایشان را از راه کربلا ببرند تا یک بار دیگر با قبر سید الشهداء علیه السلام تجدید دیدار کنند، همین که به کربلا

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۴۱۴.

(۲) جوهرة الکلام فی مدح السادة الاعلام: ص ۱۲۸.

(۳) تفسیر المطالب فی امالی ابی طالب: ص ۹۳، الحدائق الوردیة: ۱/ ۱۳۳.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۸

رسیدند، مخدّرات علویّه صدا به ناله و شیون بلند کردند و چون سیل، اشک از دیدگان فرو باریدند و سه روز در کربلا ماندند و در تمام این مدت هر چه توانستند نوحه‌سرایبی کردند به حدی که صداها گرفت و دلها بریان شد، بعضی از مآخذ نوشته‌اند که صحابی جلیل پیامبر؛ جابر بن عبد الله انصاری همان وقت به زیارت قبر ابی عبد الله علیه السلام آمد و با امام زین العابدین علیه السلام ملاقات کرد و درباره مصائب و شدایدی که بر اهل بیت علیهم السلام گذشته بود صحبت کرد، آنگاه اهل بیت، کربلا را به مقصد مدینه ترک گفتند. (۱)

موکب اهل بیت علیهم السلام بسرعت رهسپار مدینه بود و جایی توقف نمی‌کرد تا این که به نزدیکی مدینه رسید، در حالی که غمها و مصائب سخت گلوی افراد کاروان را می‌فشرد و اشک از چشم مخدّرات به خاطر شهادت امام حسین و یارانش جاری بود و مصائب و شداید فراوانی را که در دوران اسارت بر آنها گذشته بود، خاطر آنها را می‌آزرد.

(۱)

### بشیر و خبر شهادت امام

وقتی که امام زین العابدین علیه السلام به نزدیکی مدینه رسید، از مرکب

(۱) تفسیر المطالب فی امالی ابی طالب: ص ۹۳ و الحدائق الوردیه: ۱/ ۱۳۳.

هر چند که این مطلب را در کتب بسیاری نقل کرده‌اند، اما بعضی از بزرگان به دلایلی ورود اهل بیت (ع) را در سال اول، به کربلا بعید دانسته‌اند؛ از جمله خود سید بن طاووس - که از جمله ناقلان این مطلب است - در کتاب اقبال و علامه نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان آن را رد کرده‌اند. و صاحب کتاب بشاره المصطفی که از قول عطیه بن سعد بن جناده شرح زیارت خود، با جابر بن عبد الله انصاری را نقل کرده است، به ملاقات ایشان با اهل بیت (ع) اشاره نکرده است. خلاصه آن که هیچ یک از بزرگان حدیث و مورخان زبده در کتاب خود به این مطلب اشاره نکرده‌اند و بدیهی است که با مسیر طولانی کربلا تا شام و حدود یک ماه توقف اهل بیت در دمشق، رسیدن ایشان روز بیستم صفر (روز اربعین) به کربلا بسیار بعید است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۹

پیاده شد و دستور داد تا خیمه‌ها را بپا کنند و عمه‌ها و خواهرانش را پیاده کرد، آنگاه رو به بشیر بن جندلم کرد و فرمود: «بشیر! خداوند پدرت را بیمارزد، او مرد شاعری بود، آیا تو هم بهره‌ای از شعر داری؟» عرض کرد: آری یا بن رسول الله! فرمود: وارد مدینه می‌شوی و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به مردم مدینه می‌رسانی.

(۱) بشیر حرکت کرد، وقتی که به مسجد پیغمبر (ص) رسید، صدای ناله و شیون بلند کرد و این اشعار را می‌خواند:

یا اهل یثرب لا مقام لكم قتل الحسین فادعی مدرار

الجسم منه بکربلاء مضرّج و الرأس منه علی القنّاء یدار - ای مردم مدینه! دیگر در مدینه اقامت نکنید، زیرا که حسین (ع) را کشتند و بدین جهت سیل اشک از چشمان من جاری است.

بدن مقدسش، در کربلا میان خاک و خون افتاده و سر مبارکش را روی نیزه‌ها شهر به شهر می‌گردانند.

مردم مدینه با شنیدن صدای بشیر به سمت مسجد پیامبر هجوم آوردند و همگی صدای گریه و شیون بلند کرده، اطراف بشیر را گرفتند و از او که شدت گریه می‌کرد تقاضا می‌کردند که اطلاعات بیشتری از اهل بیت پیامبر (ص) بدهد، بشیر گفت: «اینک علی بن حسین (ع) به همراه عمه‌ها و خواهرانش نزدیک شهر مدینه‌اند و من فرستاده ایشانم به سوی شما و شما را راهنمایی می‌کنم.» (۱)

عموم مردم به استقبال امام زین العابدین و همراهان شتافتند در حالی که صدای گریه و ناله‌شان بلند بود، و بطوری که مورخان گفته‌اند آن روز مثل روزی

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۴۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۰

بود که پیامبر (ص) از دنیا رفته بود. (۱) مردم اطراف امام سجاد علیه السلام را گرفتند و به مصائب دردناکی که بر امام علیه السلام گذشته بود تسلیت می‌گفتند و خود را در غم و اندوه وی شریک می‌دانستند.

(۱)

### خطابه امام زین العابدین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ۲۷۰ خطابه امام زین العابدین ..... ص : ۲۷۰

ام علیه السلام تصمیم گرفت تا مصائب و بلاهایی را که بر اهل بیت گذشته است برای مردم مدینه بازگو کند در حالی که از شدت ناراحتی و بیماری قادر بر سر پا سخن گفتن نبود، غمهای فراوان آن حضرت را در هم فشرده بود، این بود که چهار پایه‌ای آوردند

و امام نشست، رو به جمعیت مدینه کرد و گفت:

«الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک يوم الدين، بادئ الخلق أجمعین، الذی بعد فارتفع فی السماوات العلی، و قرب فشهد النجوى، نحمده على عظام الأمور، و فجائع الدهور، و ألم الفجائع، و مضاضة اللواذع، و جلیل الرزء، و عظیم المصائب الفاطمة، الکاظة، الفادحة، الجائحة.»

«سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان، بخشنده و مهربان، فرمانده روز جزا و آفریدگار همه خلایق است، خداوندی که از ادراک عقول برتر و رازهای نهان در نزد او آشکار است. سپاس می‌گرام آن خداوندی را بر این امور مهم و مصائب خطیر، و رویدادهای طاقت فرسا، و غمهای گدازنده و حادثه عظیم و مصائب جانسوز و سهمگین و کشنده.»

(۲) «أیها القوم إن الله تعالى ابتلانا بمصائب جلیة، و ثلمة فی الإسلام عظیمة، قتل أبو عبد الله الحسين و عترته، و سبیت نساؤه

(۱) لهوف: ص ۱۱۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۱

و صبیته، و داروا برأسه فی البلدان من فوق عامل السنان، و هذه الرزیة التي لا مثلها رزیة.

أیها الناس فأی رجالات منكم یسرون بعد قتله أم أی فؤاد لا یحزن من أجله أم أیه عین منكم تحبس دمعها، و تضن عن انهمالها، فلقد بکت السبع الشداد لقتله، و بکت البحار بأمواجها. و السماوات بأركانها، و الأرض بأرجائها و الأشجار بأغصانها، و الحیتان فی لجج البحار، و الملائكة المقربون، و أهل السماوات أجمعون.

(۱) أیها الناس أی قلب لا ینصدع لقتله، أم أی فؤاد لا یحزن إلیه، أم أی سمع یرسم بهذه الثلمة التي ثلمت فی الإسلام و لا یصم.

أیها الناس أصبحنا مشردین، مطرودین، مذودین، شاسعین عن الأمصار كأننا أولاد ترک و کابل من غیر جرم اجترمانه، و لا مکروه ارتکبناه، و لا ثلمة فی الإسلام ثلمناها، ما سمعنا بهذا فی آبائنا الأولین، إن هذا إلا اختلاق، و الله لو أن النبی تقدم إلیهم فی قتالنا كما تقدم إلیهم فی الوصیة بنا لما زادوا علی ما فعلوا بنا، فإنا لله و إنا إلیه راجعون، من مصیبة ما أعظمها، و أفجعها، و أکظها، و أفظعها و أمرها، و أفدحها، فعنده نحتسب ما أصابنا، فإنه عزیز ذو انتقام...»

«ای مردم! خداوند ما را به مصائب سختی آزمود و رخنه بزرگی در اسلام اتفاق افتاد! ابو عبد الله الحسين و عترت او را کشتند و زنان و فرزندان او را به اسارت بردند و سر مقدسش را بر سر نیزه، در شهرها گرداندند، و این مصیبتی است که نظیر آن را کسی نشنیده است.

ای مردم! کدام مردم از مردان شماس است که بعد از این مصیبت دلشاد باشد؟ و کدام چشم است که پس از دیدن این واقعه اشکبار نباشد و بتواند جلو اشک خود را بگیرد و از سیل اشک خود مانع شود، زیرا آسمانهای هفتگانه برای شهادت امام حسین علیه السلام گریستند و دریاها با امواج خروشان خود اشک باریدند و ارکان آسمانها به خروش آمدند و ماهیان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۲

دریاها در اعماق اقیانوسها و فرشتگان مقرب خدا و تمام اهل آسمانها بر این مصیبت همدستان شده و گریه کردند.

ای مردم! کدام دل است که از شهادت امام حسین (ع) شکافته نشود و کدام قلبی است که بر او نسوزد، و کدام گوش تاب شنیدن این مصیبت را دارد که بر اسلام وارد شد.

ای مردم! ما را از شهر و دیارمان بیرون کردند و پراکنده ساختند و چنان با ما رفتار کردند که با اسیران ترک و کابل کنند بدون آن که ما مرتکب جرمی باشیم و یا بدعتی و شکستی در اسلام به جا آورده باشیم، ما چنین چیزی را از نیاکان پیشین نیز نشنیده‌ایم، براستی که چنین فاجعه‌ای تازگی دارد. به خدا سوگند که اگر به جای آن سفارشها که پیامبر (ص) درباره ما فرمود، به قتل و غارت

ما دستور می‌داد از آنچه کردند، بیشتر ممکن نبود! انا لله و انا الیه راجعون، این مصیبت ما چقدر بزرگ، دردناک، سوزنده و سخت و تلخ و دشوار است، از خدای تعالی در برابر این همه مصائب می‌خواهیم که اجر و مزد عنایت کند که او مقتدر و توانا و انتقام‌گیرنده داد مظلومان از ستمگران است...»

(۱) امام علیه السلام در این خطبه خویش به مصائب عظیمی اشاره فرموده است که بر خاندان نبوت گذشته و شداید و ظلمهایی که بر سر آنها آمده و هرگز رعایت حرمت پیامبر (ص)، درباره ایشان نشده است.

صعصعه «۱» با شنیدن این سخنان جانگداز به جانب امام علیه السلام شتافت و شروع به عذرخواهی کرد که او بیمار و زمین‌گیر بوده است، امام علیه السلام، بر او و پدرش رحمت فرستاد. سپس امام سجاد با عمه‌ها و خواهران حرکت کردند در حالی که انبوه جمعیت اطراف آنها را گرفته بودند و صدای گریه

(۱) - احتمالاً سهو القلم باشد، زیرا که در منابع دیگر از جمله در بحار الانوار، لواعج الاشجان ص ۲۰۹ و منتهی الآمال: ۱/ ۵۴۲ به جای صعصعه، صوحان بن صعصعه ذکر شده است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۳  
و شیون از هر سو بلند بود تا این که به مسجد پیامبر - صلی الله علیه و آله - رسیدند و عقیده آل ابی طالب دو طرف در را گرفت و جدّ بزرگوارش را مخاطب قرار داد و عرض کرد:

«ای جد بزرگوار! برادرم حسین را کشتند و من خبر شهادت او را برای شما آورده‌ام!» «۱» بانوان و پرده‌نشینان وحی برای سید الشهداء علیه السلام عزاداری کردند و به سوک نشستند، همگی لباس سیاه پوشیدند و شروع به جانسوزترین شیون و افغان کردند.  
(۱)

### اندوه امام زین العابدین

امام زین العابدین علیه السلام تمام اوقات شبانه روزش را در غم و اندوه بر پدر و دیگران شهیدان اهل بیت می‌گذراند، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«جدم علی بن حسین (ع) بیست سال تمام بر مصیبت پدر بزرگوارش گریست و هیچ‌گاه غذایی مقابل او نگذاشتند مگر این که با دیدن آن غذا به گریه در آمد. «۲»

یکی از موالیانش بر او خرده گرفت و عرض کرد:

«من بر حال شما بیم دارم و می‌ترسم که خود را هلاک کنید.»

امام علیه السلام در پاسخ او، با ملاطفت فرمود:

(۱) مقتل الحسین مفرم: ص ۴۷۲.

(۲) امام زین العابدین احمد فهمی، ص ۳۱. ملاحظه می‌فرمایید در این حدیث آمده است که مدّت گریه امام بیست سال بود و در بعضی منابع و کتب مقاتل (مانند منتهی الآمال: ۱/ ۵۴۲) از قول امام صادق (ع) چهل سال ذکر شده است که با توجه به مدت عمر امام سجاد (۵۷ سال به قول صحیح) و سی و پنج سال زندگانی آن حضرت پس از واقعه طف، چهل سال نمی‌تواند مقرون به صحت باشد! - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۴

«ای بنده خدا! من غم و اندوهم را به پیشگاه خدا شکوه می‌برم، و من درباره خدا می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید. یعقوب علیه السلام، پیامبر بود، خدای متعال یکی از پسرانش را از نظر او غایب کرد در حالی که دوازده پسر داشت و می‌دانست آن پسرش نیز زنده است با وجود این، آن قدر بر او گریه کرد که از گریه و اندوه زیاد هر دو چشمش سفید شد و حال این که من به چشم خود دیدم؛ پدر، برادران و عموها و اصحاب و یارانمان را که در اطرافم کشته و سر بریده‌اند، چگونه غم و اندوهم تمام شود؟ ممکن نیست که من شهادت فرزند فاطمه را به خاطر بیاورم و اشک از دیدگانم جاری نشود، و هرگاه چشمم به عمه‌ها و خواهران می‌افتد، به یاد فرار آنها از خیمه‌ای به خیمه‌ای می‌افتم.» (۱)

(۱) هر وقت چشم امام علیه السلام به آب می‌افتاد سوزش دل و ناراحتی و اندوهمش چندین برابر می‌شد زیرا که او به یاد عطش پدر بزرگوار و اهل بیت آن حضرت می‌افتاد راویان اخبار می‌گویند: موقعی که آن حضرت ظرف آبی را بر می‌داشت تا بنوشد، شروع به گریه می‌کرد، می‌پرسیدند: ای مولا چرا گریه می‌کنید؟ می‌فرمود:

«چگونه نگریم و حال آن که پدرم را از آبی که برای درندگان و حیوانات بیابانها آزاد بود، منع کردند.» (۲)

آری امام علیه السلام همواره بر مصایب پدر بزرگوارش گریه می‌کرد، بعضی عرض کردند: ای مولا! شما می‌خواهید تا آخر عمر همین طور گریه کنید.

اگر شما می‌خواستید خودتان را هلاک کنید، بیش از این ممکن نبود! فرمود:

(۱) مقتل الحسین، مقرر: ص ۴۷ و در حلیه الاولیاء: ۳/ ۱۳۸ نیز قریب به این مضمون آمده است.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۵

«من خود را کشته‌ام و بر کشته خود می‌گیرم.» (۱)

(۱) گروهی از دوستان و اهل بیتش به حال امام علیه السلام رقت کردند و از گریه زیاد امام بر مصائب پدرش، دلشان به حال او سوخت و عرض کردند:

«آیا وقت آن نرسیده است که اندوه شما پایان پذیرد؟» امام علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود:

«وای بر شما! یعقوب پیامبر دوازده پسر داشت، خداوند یکی از پسرانش را از جلو چشم او دور کرد، یعقوب از بس که گریه کرد از غم او چشمانش سفید شد و پشتش خمیده گشت و حال آن که پسرش در دنیا زنده بود، اما من به چشم خود دیدم که پدر، برادر، عمو و هفده تن از اهل بیتم را در اطرافم سر بریده و کشتند، با این حال چگونه غم و اندوهم پایان پذیرد؟» (۲) برآستی که قلب مقدس امام علیه السلام از غم مصیبت پدر و اهل بیت و یارانش گداخته بود زیرا که سرهای پاکشان را با چنان قساوتی به شمشیر ستم از تن جدا کردند که در تاریخ جنگها سابقه نداشت.

(۲)

### پرداخت دیون پدر

امام حسین علیه السلام به جمعی از مردم مبلغی بالغ بر هفتاد هزار دینار بدهکار بود، امام زین العابدین علیه السلام اهتمام زیادی داشت که آنها را ادا کند به حدی که از خوردن و آشامیدن بازایستاد، و چون آن مبلغ را آماده کرد سرعت

(۱) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۹.

(۲) بحار الانوار: ۱۰۸/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۶  
 اقدام به پرداخت آنها و بریء الذمه کردن پدر بزرگوارش نمود. «۱»  
 (۱)

### همدردی امام با آل عقیل

امام زین العابدین علیه السلام نسبت به آل عقیل زیاد محبت می‌کرد و بیش از آنچه به دیگر عموزاده‌هایش محبت کند به ایشان می‌کرد، و این همه دلسوزی به خاطر حوادثی بود که در کربلا بر ایشان گذشته بود فرزندان عقیل و نوادگان والامقامش در خدمت امام حسین علیه السلام به قربانگاه شتافتند و شربت شهادت نوشیدند؛ بیشتر آنان در بهار عمر و روزگار کودکی بوده و هنوز به حد تکلیف نرسیده بودند، با این حال بشتاب تمام بر یکدیگر سبقت جستند و جان پاکشان را فدای دین خدا کردند و هیچ کدام از آن معرکه جان سالم به در نبردند.

امام زین العابدین علیه السلام به آنها توجه خاصی داشت و بازماندگان ایشان را بر دیگران مقدم می‌داشت، در این باره از آن حضرت پرسیدند: امام علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود:

«هرگاه، من خاطره فداکاری آنها را با امام حسین علیه السلام به یاد می‌آورم دلم به حال ایشان می‌سوزد.» «۲»

از جمله نیکی امام به آل عقیل و همدردی با ایشان این بود که وقتی مختار بن یوسف ثقفی آن رهبر نهضت بزرگ، اموال فراوانی را به خدمت امام علیه السلام آورد امام با آن اموال قبل از هر چیز خانه‌های آل عقیل را که توسط حکومت اموی ویران شده بود، بازسازی کرد. «۳»

(۱) سر السلسله العلویه: ص ۳۲.

(۲) کامل الزیارات: ص ۱۰۷.

(۳) غایه الاختصار: ص ۱۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۷  
 (۱)

### اقامت امام سجاد در مدینه

امام علیه السلام در مدینه اقامت کرد و از آنجا جز برای حج خانه خدا بیرون نشد، راویان اخبار نقل می‌کنند که آن حضرت سفری برای زیارت قبر جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام به عراق رفت. «۱» و بطور قطع قبر مطهر پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام را نیز در این سفر زیارت کرده است.

در اینجا سخن ما درباره مصائب کربلا و آنچه از شداید و بلاها که بر سر امام سجاد علیه السلام آمده بود، پایان گرفت.

(۱) غایه الاختصار: ص ۱۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۹  
 (۱)



## عبادات امام سجاد علیه السلام

## اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۱

عبادات امام سجاد علیه السلام تمام مسلمین بر آنند که امام سجاد از همه کس عابدتر بوده و بیش از همه خدا را اطاعت می‌کرد، و در عظمت ارتباط با خدا و عبادتش کسی نظیر او را ندیده است، به حدی که تمام پرهیزگاران و صالحان را متحیر ساخته و همین قدر در عظمت او بس که در تاریخ اسلام تنها اوست که به زین العابدین و سید الساجدین ملقب شده است.

اما عبادات امام علیه السلام از روی تقلید نبود بلکه از ایمان عمیق او به خدای تعالی و کمال معرفتش به ذات مقدس آفریدگاری سرچشمه گرفته بود براستی خدا را نه به طمع بهشت و نه از ترس آتش دوزخ می‌ستود بلکه او را شایسته عبادت دیده و عبادتش می‌کرد، درست نظیر جدش امیر المؤمنین و سید العارفین و امام المتقین علی علیه السلام که خدا را همچون آزادگان عبادت می‌کرد و در حقیقت نواده بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام نیز از او پیروی می‌کرده است. امام سجاد خود از عظمت عبادتش پرده برداشته و می‌گوید:

«من دوست ندارم که خدا را عبادت کنم و هدفی جز اجر و مزد او را نداشته باشم تا همچون بنده طمعکاری باشم که اگر طمع می‌داشت کار کند و اگر نه، کار نکند و دوست ندارم که خدا را از ترس عذابش عبادت کنم تا چون بنده بدرفتاری باشم که اگر از مولایش نترسد کار نکند...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۲

یکی از حاضران با شنیدن این سخنان پرسید: «پس برای چه خدا را عبادت می‌کنید؟» امام علیه السلام از روی ایمان خالص فرمود: «او را به خاطر نعمتهای ظاهری و باطنیش شایسته عبادت دیده و عبادتش می‌کنم...» (۱)

(۱) براستی که عبادت امام علیه السلام از روی معرفتی بود که هیچ گونه شائبه شک و تردید و وسوسه و گمان در آن دخالت نداشت و به خاطر طمع و یا ترس و بیم نبود بلکه برخاسته از ایمانی ژرف و ریشه‌دار بوده است، چنان که خود آن حضرت درباره انواع عبادت می‌فرماید:

«همانا گروهی خدای عزّ و جلّ را از روی ترس و بیم عبادت می‌کنند و این نوع عبادت، عبادت بردگان است، و گروهی دیگر خدا را از روی رغبت و میل به پاداش عبادت می‌کنند و این عبادت، عبادت بازرگانان است، و گروهی خدا را به خاطر سپاسگزاری عبادت می‌کنند که این عبادت، عبادت آزادگان است...» (۲)

اینها، انواع عبادت و اطاعت است که سنگین تر از همه در میزان سنجش اعمال و محبوبتر از همه در پیشگاه خدای متعال همان عبادت آزادگان است که تنها برای سپاسگزاری از نعمتهای منعم والامقام است نه به طمع اجر و مزد او و نه از ترس عقاب و کیفر او. امام علیه السلام در حدیث دیگری این مطلب را تأکید کرده، می‌گوید:

«عبادت آزادگان جز به قصد شکر الهی نمی‌باشد، نه به خاطر ترس و بیم

(۱) تفسیر عسکری: ص ۱۳۲.

(۲) صفة الصّفوة: ۵۳/۲، شذرات الذهب: ۱/۱۰۵، حلیة: ۳/۱۳۴، البدایة و النّهاية: ۹/۱۰۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۳

است و نه به دلیل اشتیاق و طمع...» (۱)

آری محبت خدا در دل و عواطف امام علیه السلام آمیخته و از جمله ذاتیات و عناصر وجودی او بوده است، راویان اخبار می‌گویند: امام علیه السلام، در تمام اوقات مشغول به عبادت و طاعت خدا بود، کسی از کنیز آن حضرت درباره عبادتش پرسید، وی در جواب گفت:

«مفصل بگویم و یا بطور اختصار و مجمل بیان کنم؟» گفتند: «مختصر بگو.»

کنیز گفت: «من هیچ وقت، روز برای او نهار نیاوردم و هیچ شبی برای او بستر پهن نکردم.» (۲)  
 آری امام علیه السلام بیشتر عمر خود را روزها به روزه و شبها را به عبادت می‌گذراند، گاهی مشغول به نماز و گاهی در دل‌های شب به دادن صدقه نهانی در خانه مستمندان مشغول بود قدر مسلم آن است که در تاریخ زاهدان مسلمان و عابدان اسلامی کسی همچون امام زین العابدین در عظمت اخلاص و طاعت الهی وجود نداشت و ما اینک به برخی از عبادت آن حضرت اشاره می‌کنیم:

(۱)

### وضوی امام

اما وضوء، براستی که نور و پاکیزگی از گناهان و اولین مقدمه نماز است، امام علیه السلام همیشه با طهارت و با وضو بود، راویان درباره خضوع و خشوع آن بزرگوار در پیشگاه خدا در حال وضو گرفتنش نقل کرده‌اند، و می‌گویند: وقتی که می‌خواست وضو بگیرد رنگ مبارکش زرد می‌شد، کسانش می‌گفتند

(۱) الكواكب الدرّیه: ۲ / ۱۳۹.

(۲) خصال صدوق: ص ۴۸۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۴

«این چه حالی است که موضوع وضو گرفتن بر شما عارض می‌شود؟» در پاسخ ایشان راجع به خوف و خشیت خود در حضور پروردگار می‌فرمود:

«آیا می‌دانید که در حضور چه کسی ایستاده‌ام؟» (۱) امام علیه السلام اصرار داشت که مبادا کسی در وضو گرفتن به او کمک کند و خود شخصا آب برای وضویش تهیه می‌کرد و پیش از خواب وضو می‌ساخت، وقتی که نیمه شب از خواب برمی‌خاست، اول مسواک می‌کرد سپس به وضو گرفتن می‌پرداخت و بعد رو به نماز می‌آورد. (۲)

(۱)

### نماز امام سجاد

اما نماز چنان که در حدیث آمده است، معراج مؤمن و وسیله تقرب هر پرهیزگاری است و نماز از مهمترین چیزهایی بود که امام علاقه قلبی زیادی داشت و آن را به عنوان معراج خود برگزیده بود که او را به خدا می‌رساند و تا مرحله اتصال به آفریدگار جهان و هستی بخش بالا می‌برد، و بهنگامی که قصد می‌کرد که نماز بخواند، بدن مقدّسش می‌لرزید، از علت آن پرسیدند، فرمود:

«آیا می‌دانید که در حضور چه کسی می‌ایستم و با چه کسی راز و نیاز می‌کنم؟» (۳)

(۱) درر الابدکار: ص ۷۰، نهایة الادب: ۲۱ / ۳۲۶، سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۲۳۸، الاتحاف بحب الأشراف: ص ۴۹ و اخبار الدول: ص

۱۰۹.

(۲) صفة الصفوة: ۵۳ / ۲.

(۳) وسیله المآل: ص ۲۰۷، سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۳۸، صفة الصفوة: ۲ / ۵۲، حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۳۲ و عقد الفرید: ۳ / ۱۰۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۵

و ما اینک برخی از حالات آن حضرت و معطر کردن خویش را در وقت نماز بیان می‌کنیم:

(۱)

### معطر کردن امام برای نماز

امام سجاد علیه السلام وقتی که آهنگ نماز می‌کرد خود را از شیشه عطری که در جانماز خود گذاشته بود معطر می‌کرد، «۱» در حالی که بوی مشک از آن برمی‌خاست.

(۲)

### لباس امام در حال نماز

امام سجاد علیه السلام وقتی که می‌خواست نماز بخواند، لباس پشمینه‌ای می‌پوشید و جامه خشن بر تن می‌کرد، «۲» و تمام اینها به خاطر آن بود که هر چه بیشتر در پیشگاه خداوند بزرگ خود را کوچک و خوار جلوه دهد.

(۳)

### خشوع امام در نماز

اما نماز امام علیه السلام، تجسم عینی انقطاع تام برای خدای تعالی و گسستن از عالم مادیات بود، بطوری که به هیچ چیز در پیرامون خود توجه نداشت بلکه وجود خود را نیز احساس نمی‌کرد و تنها دلش را به خدا سپرده و دلبسته او بود. راویان اخبار درباره وقت نماز آن حضرت گفته‌اند: وقتی که در محراب نماز

(۱) بحار الانوار: ۵۸ / ۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۱۰۸ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۶

می‌ایستاد رنگ مبارکش دگرگون می‌شد و از ترس خدا اعضای بدنش می‌لرزید و در نمازش همچون بنده ذلیل که در برابر پادشاهی مقتدر و بزرگ ایستاده باشد، می‌ایستاد و همواره نمازش را چون نماز وداع می‌خواند که می‌گفتی هرگز پس از آن، نمازی نخواهد خواند. امام باقر علیه السلام از خشوع پدر بزرگوارش در حال نماز چنین نقل می‌کند و می‌فرماید:

(۱) «امام علی بن حسین علیه السلام وقتی که در حال نماز بود گویی ساقه درختی است که هیچ حرکتی نداشت جز آن که باد شاخه‌ای از آن را به حرکت آورد...» «۱»

ابان بن تغلب می‌گوید، در خدمت امام صادق علیه السلام از نماز جدش امام زین العابدین علیه السلام صحبت کردم و عرض کردم:

«من خود علی بن حسین علیه السلام را دیدم وقتی که به نماز می‌ایستاد رنگ مبارکش تغییر می‌کرد...»

امام صادق علیه السلام، از روی تعجب فرمود:

«به خدا قسم که علی بن حسین می‌دانست که در حضور چه کسی ایستاده است!» «۲» آری و الله، امام سجاد معرفت کامل به عظمت پروردگار حکیم داشت و عبادتش از روی معرفت و اطاعتش از روی ایمان بود. از جلوه‌های خشوع امام در حال نماز، آن بود که هرگاه به سجده می‌رفت سر از سجده بر نمی‌داشت تا این که عرق می‌ریخت، «۳» و یا آن که از زیادی اشک چشم و گریه، در آب دیدگان غرق می‌شد. «۴» راویان خبر از ابو حمزه ثمالی نقل

(۱) وسائل الشیعه: ۴/ ۶۸۵.

(۲) وسائل الشیعه: ۴/ ۶۸۵.

(۳) تهذیب الاحکام: ۲/ ۲۸۶، بحار الانوار: ۴۶/ ۷۹.

(۴) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۷

کرده‌اند که او امام علیه السلام را در حال نماز دید که ردای مبارک از روی شانه‌اش افتاده و توجه ندارد، ابو حمزه، علت را می‌پرسد، امام می‌فرماید:

«وای بر تو آیا می‌دانی که در حضور چه کسی بودم؟ همانا از نماز بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود مگر آن مقداری که توجه قلبی دارد.»  
(۱)

(۱) امام سجاد علیه السلام از دل‌بستگی زیاد به خدا در حال نماز به جایی رسید که یکی از کودکان آن حضرت در چاه افتاد و اهل منزل فریاد برآوردند و مردم مدینه آمدند و کودک را نجات دادند، امام علیه السلام همچنان در محراب نماز ایستاده بود و توجهی نداشت، همین که از نماز فارغ شد جریان را گفتند، فرمود:

«من متوجه نشدم، در حال مناجات با پروردگار بزرگ بودم.» «۲»

روزی در خانه امام حریقی اتفاق افتاد و آن حضرت چنان سرگرم نماز بود که توجه نکرد، موقعی که از نماز فارغ شد به اطلاع آن حضرت رساندند، فرمود:

«یاد آتش بزرگ (آتش دوزخ) مرا از این آتش بازداشته بود.» «۳»

عبد الکریم قشیری، این حالت از خود بی‌خبری را که در حال نماز همیشه با امام بوده است از باب غیبت دل از ماجرای احوال خلق دانسته و می‌گوید به خاطر اشتغال حواس به حالات وارده چنین حالی دست می‌دهد، زیرا که گاهی دل از احساس خود و غیر خود به دلیل تذکر ثواب و یا اندیشه عقاب فراموش کرده و غافل می‌شود. «۴»

(۱) علل الشرایع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۴۶/ ۶۱، وسائل الشیعه: ۴/ ۶۸۸.

(۲) اخبار الدّول: ص ۱۱۰، بحار الانوار: ۴۶/ ۹۹.

(۳) صفه الصّفوة: ۲/ ۵۲، المنتظم: ۶/ ۱۴۱، نهایه الأرب: ۲۱/ ۳۲۵، سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۸.

(۴) رساله قشیریّه: ۱/ ۲۱۴، این رساله مشهورترین اثر ابو القاسم قشیری از مشاهیر صوفیه و عرفاست که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۸

(۱)

تمام مورخانی که شرح حال امام سجاد علیه السلام را نوشته‌اند بر آنند که آن حضرت در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز می‌خواند «۱»، و آن حضرت پانصد درخت خرما داشت در کنار هر کدام دو رکعت نماز می‌خواند. «۲» و به دلیل نماز فراوانش بوده است که او را «ذو الثَّنَات» گفته‌اند که در مواضع سجده‌اش پینه‌هایی چون پینه‌های زانوی شتر به وجود آمده بود و هر سال قسمتی از آنها را می‌چید و در کیسه‌ای قرار می‌داد تا موقعی که از دنیا رفت همراه بدن مقدسش دفن کردند. «۳»

(۲)

### قضای نماز نافله

هیچ نماز نافله‌ای در طول مدت عمر امام علیه السلام از آن حضرت فوت نشد و اگر نافله‌ای از نوافل روز قضا می‌شد در شب قضای آن را به جا می‌آورد و

مشتمل بر داستانهای عجیب از قبیل داستان ابو حفص حداد نیشابوری و شبلی با جنید بغدادی است و همچنین در این رساله برخی از اصطلاحات تصوّف و عرفان تفسیر و توضیح شده است از جمله می‌گوید:

«این که می‌گویند صوفی فرزند وقت خویشان است، یعنی او همواره آنچه را که برایش اولویت دارد انجام می‌دهد.» - م.

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳۰۶/۶، نور الابصار: ص ۱۳۶، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹، تذکره الحفاظ: ۷۱/۱، شذرات الذهب: ۸/۱۰۴، فصول المهمه: ص ۱۸۸، اخبار الدول: ص ۱۱۰، تاریخ دمشق: ۱۵۱/۳۶، الصراط السوی: ص ۱۹۳، اقامه الحجّه: ص ۱۷۱، العبر فی خبر من غیر: ۱/۱۱۱، دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵/۹، تاریخ یعقوبی: ۴۵/۳، المنتظم: ۱۴۳/۶، تاریخ اسلام ذهبی، الکواکب الدرّیه: ۲/۱۳۱، البدایه و النهایه: ۱۰۵/۹.

(۲) بحار الانوار: ۶۱/۴۶، خصال: ص ۴۸۷.

(۳) خصال: ص ۴۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۹

پسرانش را به این عمل سفارش می‌کرد و می‌فرمود:

«پسران من! البته این عمل بر شما واجب نیست اما من دوست دارم که هر کدام از شما که به کار نیکی عادت کردید، آن را ادامه

دهید.» «۱»

(۱)

### سجده‌های زیاد

براستی که نزدیکترین حالات بنده به پروردگارش - بطوری که در حدیث آمده - حالت سجده‌های اوست امام زین العابدین علیه السلام از باب خضوع و کوچکی در پیشگاه خدا سجده‌های فراوانی داشت و خدا را زیاد سجده می‌کرد. روایان نقل کرده‌اند: روزی امام علیه السلام از شهر بیرون شد و به صحرا رفت، یکی از غلامان پشت سر آن حضرت بود، دید آن حضرت روی سنگ سخت و مضرّسی به سجده رفت. غلام می‌گوید: شمردم، هزار مرتبه گفت: «لا إله إلا الله حقاً حقاً لا إله إلا الله تعبداً و رقاً، لا إله إلا الله إيماناً و صدقاً» «۲» و سجده شکر به جا می‌آورد و صد بار می‌گفت: «الحمد لله شکراً» و پس از آن می‌گفت:

«يا ذا لمنّ المذی لا ینقطع ابداً و لا یحصیه غیره عدداً و یا ذا المعروف الذی لا ینفذ ابداً، یا کریم، یا کریم...» و پس از آن همچنان

(در حال سجده) گریه می کرد. (۳)

(۱) صفة الصّفوه: ۵۳ / ۲.

(۲) وسائل الشّیعه: ۹۸۱ / ۴. یعنی خدایی جز تو نیست در حالی که تو حقی، خدایی جز تو نیست از روی بندگی و رقیّت و خدایی جز تو نیست، از روی ایمان و صداقت.

(۳) وسائل الشّیعه: ۱۰۷۹ / ۴، یعنی: ای صاحب احسان که هرگز احسانت قطع نگردد و جز تو کسی شمار نعمتهایت را نداند، ای نیکوکاری که نیکوکاریت هرگز پایان نیابد، ای بخشنده! ای بخشنده ...

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۰

(۱)

### تسبیح زیاد امام

امام علیه السلام پیوسته مشغول ذکر، تسبیح و حمد خدا بود، با این کلمات درخشان، خدا را تسبیح می گفت:

«سبحان من اشرق نوره کلّ ظلمه، سبحان من قدّر بقدرته کلّ قدره، سبحان من احتجب عن العباد بطرائق نفوسهم، فلا شیء یحجبه، سبحان الله و بحمده.» (۱)

(۲)

### مداومت امام بر نماز شب

از نوافلی که هرگز امام سجاده علیه السلام ترک نمی گفت، نماز شب بود که در سفر و حضر بر آن مواظبت می فرمود، «۲» تا آن که به عالم بقا شتافت و به پروردگار خود پیوست.

(۳)

### دعای امام پس از نماز شب

امام سجاده علیه السلام وقتی که از نماز شب فارغ می شد این دعای

(۱) دعوات قطب راوندی: ص ۳۴ خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم یعنی: پاک و منزله است آن خدایی که نورش هر تاریکی را روشن کرده است و پاک و منزله است آن خدایی که به قدرت خود هر قدرتی را مقدر فرموده است پاک و منزله است خدایی که از بندگان به وسایط نفوس ایشان پوشیده است و اگر نه هیچ چیز او را پوشیده نمی دارد، پاک و منزله است خداوند و به ستایش او مشغولم.

(۲) صفة الصّفوه: ۵۳ / ۲، کشف الغمّه: ۲۶۳ / ۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۱

شریف را که از برجسته ترین دعاهاى ائمه اهل بیت علیهم السلام است، می خواند، به شرح ذیل.

(۱) «اللّهم یا ذا الملک المتأیّد بالخلود و السلطان، الممتنع بغير جنود و لا- اعوان، و العزّ الباقی علی مرّ الدّهور و خوالی الأعوام و مواضی الأزمان و الأیام، عزّ سلطانک عزّ لا حدّ له باولئیه، و لا منتهی له بآخریه، و استعلی ملکک علوّا، سقطت الأشياء دون بلوغ

آمده، و لا- يبلغ ادنی ما استاثرت به من ذلك اقصى نعت الناعتین، ضلّت فیک الصّیفات، و تفسیّخت دونک النّعوت، و حارت فی کبریائک لطائف الأوهام، كذلك انت الله الأوّل فی أوّلیتک، و علی ذلك انت دائم لا تزول، و انا العبد الضعیف عملا، الجسیم املا، خرجت من یدئ اسباب المواصلات الا ما وصله رحمتک، و تقطعت عنی عصم الآمال الا ما انا معتصم، به من عفوک، قلّ عندی ما اعتدّ به من طاعتک، و کثر علیّ ما ابوء به من معصیتک، و لن یضیق علیک عفو عن عبدک، و ان أساء فاعف عنی ...

«ای خداوند صاحب ملک پاینده و جاودان و ای حکمران توانا که سلطنت بدون حمایت هیچ سپاه و یاور ابدی است و عزّت پایدار است که با سر آمدن سالها و تغییر روزگاران کسی نتواند به پایداری جلال صدمه‌ای وارد کند، چنان که برای اوّلیت ذات مقدس تو و برای ابدیت و آخریت تو حد و نهایی نیست، از این رو حکومت تو جاودانه است و به قدری بلند است که تمامی اشیاء در مرتبه‌ای پایین تر از آن قرار گرفته‌اند و توصیف بلند عارفان نازلترین مرتبه اوصاف جلال تو را نمی‌تواند بیان کند و ذات مقدس تو چنان دور از حد ادراک و عقول است که هر کس حتی با اندیشه‌های لطیف از توصیف تو عاجز است چون چنین کاری او را به تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۲

گمراهی کشاند و صفات درباره تو نارسا و لطیف‌ترین اندیشه‌ها در برابر کبریائی تو سرگردانند، همچنین تو خدایی هستی که مبدأ آفرینش و فناپذیر و بی‌زوالی و من آن بنده ناتوانم که خواسته‌ها و آرزوهایم زیاد است و برای رسیدن به مقام قرب تو، در پیشگاهت جز رحمت و عنایت وسیله دیگری ندارم و رشته هر گونه امید از دستم رفته جز رشته عفو و بخشش تو، در نزد من آن طاعت و عبادت واقعی کم و معصیت و نافرمانی که باعث دوریم شود فراوان است، اما مقام عفو تو نسبت به بنده‌ات هر چند گنهکار باشد وسیع است پس خداوندا از گناهم درگذر.»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر تعظیم و توحید پروردگار و ذکر پاره‌ای از صفات والای اوست که عبادت از جاودانگی بی‌آغاز و بی‌انجام اوست و قدرت قاهره او که در سلطنتش نیازی به سپاهیان و مددکاران ندارد و تعریفها و توصیفها از بیان صفتی از اوصافش و کمالی از کمالات ذات مقدّسش قاصرند و خداوند بسی والا و برتر است.

امام علیه السلام در اظهار خواری و خضوع و بندگی بی‌چون و چرا در پیشگاه خدا تا آنجا به پیش می‌رود که تمامی آرمانها و آرزوهایش را به خدای تعالی واگذارده و به او چنگ زده و از غیر او می‌گسلد.

اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۲) اللَّهُمّ: و قد اشرف علی خفایا الأعمال علمک، و انکشف کلّ مستوردون خبرک، و لا تنطوی عنک دقائق الأمور، و لا تعزب عنک غیبات السرائر، و قد استحوذ علیّ عدوک الذی استنظرک «۱» لغوایتی فانظرته و استمهلك الی

(۱) امام علیه السلام، در این جمله اشاره به دشمنی ابلیس با انسان فرموده است که از خداوند مهلت خواست تا آدمیان را گمراه سازد، بطوری که در آیه شریفه آمده، عرض کرد: «انظرنی الی یوم یبعثون».

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۳

یوم الدین لإضلالی فامهلته، فواقعی، و قد هربت الیک من صغائر ذنوب موبقه، و کبائر اعمال مردیه، حتّی اذا قارفت معصیتک، و استوجبت بسوء سعیی سخطتک، فتلّ عنّی عذار غدره و تلقّانی بکلمه کفره «۱» و تولّی البراءه منّی، و ادبر مولیّا عنّی فاصحرنی لغضبک فریدا، و اخرجنی الی فناء نعمتک طریدا لا شفیع یشفع لی الیک، و لا خفیر یؤمننی علیک، و لا حصن یحجینی عنک و لا ملاذ ألجأ الیه منک، فهذا مقام العائذ بک، و محلّ المعترف لک فلا یضیقنّ عنّی فضلک، و لا یقصرنّ دونی عفوک، و لا اکن اخیب عبادک التائبین، و لا اقط و فودک الآملین، و اغفر لی انک خیر الغافرین ...

«خداوندا علم نامتناهی تو بر همه اعمال پنهان و آشکار من احاطه دارد و همه امور نهانی برای تو هویداست و هیچ یک از اسرار

نهانی و حقایق نهفته این عالم بر تو پوشیده نیست.

خداوندا دشمن تو (ابلیس)، که بر اساس حکمت او را برای (آزمایش انسانها) و بر این بنده ضعیف مسلط کرده‌ای - و از تو مهلت خواسته تا روز قیامت او را مهلت داده‌ای تا مرا در مهلکه افکند - مرا به مخاطره انداخته است، خداوندا از همه گناهان کوچک و بزرگم که موجب تباهی و هلاکت من شده‌اند به درگاه تو پناه آورده‌ام، آن دشمن نابکار مرا به معصیت و اداری نمود تا آن که با عمل بدم مستحق غضب تو گردم و سپس از من فاصله گرفت و سخنان کفرآمیز القا کرد و بعد هم از این ناسپاسی من برائت جست و اظهار نفرت کرد و به من پشت نمود و مرا در برابر غضب تو تنها گذاشت و در معرض عذاب و کیفیت گذاشت، نه شفاعت

(۱) این سخن امام علیه السلام اشاره دارد به آیه شریفه: كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۴

کننده‌ای و نه یآوری که بتواند مرا از قهر تو ایمن سازد و نه حصار و دژی که در آنجا پنهان شوم و نه پناه گاهی که از عذاب تو به آنجا پناه ببرم، این است وضع کسی که به درگاه تو پناه آورده و به تقصیر خویش اعتراف دارد، پس خدایا فضل و کرمات را از من دریغ مدار و عفو و بخشش خود را از من دور مگردان و مرا ناامیدترین بندگانت قرار مده و مأیوس‌ترین کسانی که بر تو وارد شده‌اند مقرر مگردان و مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان...

(۱) امام علیه السلام در این فرازاها از ضعف نفس بشری در برابر هواهای نفسانیش و ناتوانی انسان در مقابل شیطان رجیم سخن گفته است که شیطان تمام غرایز و وسایل بشری را که در نفس انسانی موجود است از قبیل طمع، حرص و خودخواهی و شهوت و نظایر اینها را به خدمت گرفته و زمام اختیار آدمی را در دست و بر تمام مشاعر و عواطفش مسلط گشته و او را در جولانگاههای گناه و مهلکه‌ها به هر طرف که می‌خواهد می‌راند و از هر راهی که آدمی را به خدا نزدیک می‌سازد، دور می‌کند و امام علیه السلام از خدای متعال درخواست کمک و یاری در برابر این دشمن فریبکار پلید می‌کند. اکنون به بخش دیگری از این دعا گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ أَنْتَ امْرُتِي فَتَرَكْتُ، وَ نَهَيْتَنِي فَرَكَبْتُ، وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَأَ خَاطِرَ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ، وَ لَا اسْتَشْهَدُ عَلَيَّ صِيَامِي نَهَارًا، وَ لَا اسْتَجِيرُ بِتَهْجُدِي لَيْلًا وَ لَا تَتْنِي عَلَيَّ بِأَحْيَائِهَا سَنَةً، حَاشَا فَرُوضِكَ الَّتِي مِنْ ضَعْفِهَا هَلَكْتُ، وَ لَسْتُ اتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ، مَعَ كَثِيرٍ مَا اغْفَلْتُ مِنْ وُضَائِفِ فَرُوضِكَ، وَ تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ الَّتِي حَرَمَاتُ انْتِهَاجِهَا، وَ كَبَائِرُ ذُنُوبِكَ اجْتِرَحْتُهَا كَانَتْ عَافِيَتَكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا، وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْتَحْيِي

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۵

لنفسه منك و سخط عليها، و رضی عنك فتلقاك بنفس خاشعة، و رقبه خاضعة، و ظهر مثقل من الخطايا، واقفا بين الرغبه اليك، و الرهبه منك و أنت اولی من رجاء، و احق من خشيه و اتقاه، فاعطني يا رب ما رجوت، و آمني ما حذرت، و عد علي بعائده رحمتك، انك اكرم المسؤولين ...

«خداوندا! اوامر تو را ترک کردم و از آنچه مرا نهی کردی خودداری نکردم و خیالات باطل نفس سرکشم گناهان را در نظرم جلوه داد و من هم راه تمرد از فرمان تو را پیش گرفتم؛ نه روزها را با روزه گرفتن گواه بندگی خویش قرار دادم و نه به راز و نیاز و عبادات شبانه خود پناه جستیم و نه با سحرخیزی به احیای سنتهای تو پرداختم، خداوندا بیقین کسی که واجبات تو را به جا نیاورد هلاک است و من از آن کسانی نیستم که تنها با نمازهای نافله با وجود غفلت فراوان از انجام واجبات و تعدی از حدود تو و ارتکاب محرمات و گناهان کبیره، به تو تقرب جوید و عفو تو پوششی در برابر رسواییهای آنها باشیم. خداوندا! من در جای کسی ایستاده‌ام که در نزد خویش احساس شرمساری کرده و بر نفس خود خشمگین شده و از تو که همواره او را مورد لطف قرار



داده‌ای کاملاً خشنود است، از این رو با نفسی ذلیل و گردنی کج و پشتی خمیده از سنگینی بار گناهان با تو ملاقات می‌کند در حالی که در میان امید و رغبت و از طرفی ترس و وحشت قرار دارد، زیرا تو از همه کس سزاوارتری برای امیدواری و شایسته‌تری برای ترس از عذاب و کیفر! پس ای پروردگار من بدانچه امیدوارم کرم کن و از آنچه بیمناکم ایمن گردان و مرا زیر پوششی از رحمت قرار ده، که تو از همه کسانی که مورد درخواست قرار می‌گیرند بخشنده‌تری! ...»

امام علیه السلام - امامی که بحق راهب اهل بیت علیهم السلام است -

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۶

تذلل و خضوع و خشوع خود را در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند و تمام اعمال خود را با آن همه حسنات ارزنده؛ از قبیل شب‌زنده‌داری و روزه گرفتن‌های پیاپی و انجام تمام نوافل و مستحبات و احیای سنت‌های اسلامی و انواع بیشمار نیکبها، همه و همه را در برابر خدا اندک و ناچیز می‌بیند. آری کدام کس را یارای چنین توجه و ارتباط با خداست؟ و کدام دل‌بستگی تا به این مرحله می‌رسد؟ حقا که امام زین العابدین علیه السلام تنها نمونه برجسته‌ای است که عالم در دنیای پرهیزگاران و شایستگان به خود دیده است.

و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ وَاذْ سَتَرْتَنِي بَعْفُوكَ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ، بِحُضْرَةِ الْأَكْفَاءِ، فَاجْرِنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرَّسْلِ الْمُكْرَمِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، مِنْ جَارِ كُنْتَ أَكَاثِمَهُ سَيِّئَاتِي، وَ مِنْ ذِي رَحْمٍ كُنْتَ احْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّيَاتِي لَمْ اِثِقْ بِهِمْ رَبِّي فِي السَّيْرِ عَلَيَّ، وَ وَثَقْتَ بِكَ رَبِّي فِي الْمَغْفَرَةِ لِي، وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ وَثِقَ بِهِ، وَ اعْطَى مِنْ رَغْبِ إِلَيْهِ، وَ ارَافَ مِنْ اسْتِرْحَامِ فَارْحَمْنِي ...

«خداوند! حال که با عفو و گذشت در این دنیا روی گناهانم را پوشانده‌ای و عیبهایم را به لطف خود پنهان داشته‌ای و در برابر امثال و اقارنم رسوا نکرده‌ای پس در آخرت هم در مقامی که فرشتگان مقرب و پیامبران گرامی و شهدا و صالحان همه ناظر اعمال من هستند و حتی بعضی از آنها بندگانی هستند که همسایه من بوده‌اند و من در دنیا عیبهایم را از ایشان پنهان می‌کردم و از خویشاوندانم که برای حفظ آبرویم از ایشان معایبم را می‌پوشاندم، از انظار همه آنها پنهان بدار. زیرا که ای پروردگار مهربان، تو هم پرده‌پوشی و هم گذشت و اغماض لازمه ذات مقدس توست و در بخشش و کرم تنها به تو می‌شود اعتماد کرد که تو سزاوارتر به اعتمادی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۷

و از همه کس بخشنده‌تر و مهربانتر کسی هستی که چشم امید به رحمت تو داشت پس به من رحم کن و مرا ببخش!» (۱) امام سجاد علیه السلام در این فرازها از امید و اعتماد فراوانش به عفو و بخششهای خداوند پرده برداشته و از او در روز جزا طلب مغفرت و رضوان کرده است و سخن از پرده‌پوشی خداوند که نسبت به گناهان بندگان گنهکار تنها نقطه امید است، به میان آورده، همچنان که از خداوند خواسته است تا در روز قیامت جایی که در دیدگاه فرشتگان مقرب و پیامبران گرامی و شهدا و صالحان است او را از رسواییها و بر ملا شدن عیبها پناه دهد و بدین وسیله درسی به تمام مسلمانان گنهکار داده تا این که در پیشگاه خدا توبه نصح کرده و براستی پشیمان گردند و عمل صالح انجام دهند تا مشمول رضوان و رحمت الهی شوند و از رحمت واسعه پروردگار برخوردار گردند ...

دوباره بر می‌گردیم و در بخش دیگری از این دعای شریف می‌نگریم:

(۲) اللَّهُمَّ: وَ أَنْتَ حُدْرَتِي مَاءٌ مِهِينَا مِنْ صَلْبِ مَتَضَائِقِ الْعِظَامِ حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحْمِ ضَيْقَةِ سَتْرَتِهَا بِالْحَجَبِ، تَصْرَفْنِي حَالًا عَنِ حَالٍ، حَتَّىٰ انْتَهَيْتَ بِي إِلَىٰ تَمَامِ الصُّورَةِ وَ اثْبَتَّ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعَتْ فِي كِتَابِكَ «۱» نَطْفَةً، ثُمَّ عَلَقْتَهُ، ثُمَّ مَضَغْتَهُ، ثُمَّ عَظَّمْتَهُ، ثُمَّ كَسَوْتَهُ الْعِظَامَ

لحما، ثم انشأتني خلقا آخر كما شئت، حتى اذا احتجت الي رزقك، و لم استغن عن غياث فضلک، جعلت لي قوتا من فضل طعام، و شراب اجرته لأمتك التي اسكنتني جوفها، و اودعتني قرار رحمها، و لو تكلني يا رب في تلك

(۱) امام عليه السلام در این جمله به آیه شریفه: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ اشاره فرموده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۸

(۱) الحالات الی حولی، او تضطرّنی الی قوتی لکان الحول عنی معتزلا- و لكانت القوة منی بعيدة، فغذوتنی بفضلک غذاء البرّ اللطیف، تفعل ذلك بی تطولا علی الی غایتی هذه، لا اعدم برّک، و لا یبطئ بی حسن صنعک، و لا تتأكد مع ذلك ثقتی فاتفرع لما هو اخطی لی عندک، قد ملک الشّیطان عنانی فی سوء الظّنّ و ضعف یقین، فانا اشکو سوء مجاورته لی، و طاعة نفسی له، و استعصمک من ملکته، و اتضرّع الیک فی ان تسهل الی رزقی سیبلا، فلک الحمد علی ابتدائك بالنعمة الجسام، و إلهامک الشکر علی الإحسان و الإنعام، فصلّ علی محمد و آله و سهل علی رزقی، و ان تقنعنی بتقدیرک لی، و ان ترضینی بحصّتی فی ما قسمت لی، و ان تجعل ما ذهب من جسمی و عمری فی سبیل طاعتک، أنّک خیر الزّاقین ...

«خداوندا! تو آن کسی هستی که وقتی من یک نطفه پست و ناچیز در صلب پدرم بودم آن را به اراده خود در وقت معین از عروق و مجاری تنگ ستون فقرات بیرون آورده و در رحم تنگ مادر قرار دادی و به وسیله چندین حجاب پوشاندی و از صورتی به صورتی تغییر دادی تا این که به صورت کاملی در آوردی و اعضا و جوارح را استوار ساختی، چنان که در قرآن مجید توصیف کرده‌ای؛ بتدریج از نطفه به علقه و از علقه به مضغه و از مضغه به استخوان تبدیل کردی و سپس روی استخوانها را با گوشتها پوشاندی و سرانجام همچنان که اراده فرموده بودی مرا به شکل انسان مجسم ساختی و به محض این که در رحم به غذا نیازمند شدم، غذای مرا از عصاره غذای مادرم تهیه فرمودی که در رحم او جا داده بودی. خداوندا اگر تو همان وقت مرا به خودم واگذاشته بودی هرگز چنین نیرویی از خود

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۹

نداشتم و آن همه کارها از توانایم به دور بود، اما تو با عنایت خود غذای بسیار متناسب به من عطا کردی تا به لطف تو به این مرحله برسم، احسان تو را فراموش نمی‌کنم و هیچ‌گاه از کرمتم محروم نبوده‌ام و تا کنون درباره من از احسان و کرمتم تأخیر و درنگ نفرموده‌ای، با وجود اینها جای تأسف است که این همه احسان تو اطمینان مرا نسبت به تو که آفریدگار منی محکمتر نمود و در نتیجه بواسطه غفلت و فریب دنیا از احسان تو رو گردان شدم، و باعث شد که شیطان زمام امور مرا در اختیار گیرد و مرا به سوء ظن و ضعف ایمان وادارد. خداوندا اکنون دوباره به درگاهت رو آورده‌ام تا از فریب شیطان و اغوای نفس سرکشم شکایت کنم و از این دو همجوار بد به تو پناه آورم و درخواست کنم تا مرا از دست آنها نجات دهی، بازهم تضرّع می‌کنم که روزی مرا از راه آسان عطا کنی تا دوباره فریب نخورم، تو را به خاطر نعمتهای اولیئات سپاس می‌گویم و هم مجددا از این که شکر نعمتهایت را به من الهام کردی سپاسگزار باشم و همین سپاس از نعمتهایت احسان بزرگی است که خود باعث سپاس است.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و روزی مرا از راه آسان مقرر فرما و مرا به آنچه مقدر فرموده‌ای قانع و راضی کن و به من توفیق ده تا به اندازه‌ای که مقدر کرده‌ای راضی باشم خداوندا هر چه از جسم من به مرور زمان کاسته می‌شود و از عمرم می‌گذرد، موفق کن تا در طاعت و عبادت تو صرف کنم، زیرا که تو بهترین روزی‌دهندگانی ...»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر محکمترین دلایل وجود آفریدگار بزرگ است که انسان را از آب پست و

بی مقدار آفریده و در رحم تنگ قرار داده و سپس [آن نطفه] شروع به دگرگونی و تکامل از حالی به حالی تا به کمال مطلوب رسانده است که این خود از بزرگترین مخلوقات خداست؛ به دلیل آن که دارای تجهیزات عجیبی همچون سیستمهای فکری، بینایی، شنوایی و دیگر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۰

تجهیزاتی که همگی دلیل بر وجود آفریدگار حکیمند. البته سخن امام علیه السلام برگرفته از قرآن مجید است که مراتب آفرینش انسان را به تفصیل بیان کرده است. شایان ذکر است که قرآن کریم کیفیت تکوین جنین را بطور دقیق بر ملا کرده و این حقیقت شگفت‌انگیز را به انسانیت تفهیم نموده است. سید قطب می‌گوید:

(۱) «انسان در برابر اکتشاف قرآن از حقیقت پیدایش جنین، مات و سرگردان می‌ماند زیرا کسی دقیقاً نمی‌دانست تا این که پس از پیشرفت علم تشریح در سالهای اخیر، معلوم شد که سلولهای استخوان غیر از سلولهای گوشت است و ثابت شد که نخست سلولهای استخوانی در جنین درست می‌شود و بعد سلولهای گوشت و هرگز سلولی از سلولهای گوشتی در آغاز مشاهده نمی‌شود مگر پس از آن که سلولهای استخوانی فراهم شده و ساختار استخوانی جنین کامل شود و این همان حقیقتی است که قرآن مجید به ثبوت رسانده است.» (۱)

به هر حال امام سجاد علیه السلام پس از بیان نعمت و احسان فوق العاده خداوند نسبت به خود، به درگاه خدا نالیده و با تضرع درخواست کرده است تا او را از مکر و فریب شیطان نجات بخشد زیرا که نخستین دشمن آدمی است. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلِيٌّ مِنْ عَصَاكَ، (۲) و تَوَعَّدَتْ بِهَا مِنْ صَدْفٍ عَنْ رِضَاكَ، و مِنْ نَارٍ نُوْرَهَا ظِلْمَةٌ، و هَيْئَهَا اَلِيْمٌ و بَعِيْدَهَا قَرِيْبٌ، و مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بِعَضِّهَا بَعْضٌ، و يَصُوْلُ بِعَضِّهَا عَلِيٌّ بَعْضٌ، و مِنْ نَارٍ تَذْرُ الْعِظَامَ رَمِيْمًا، و تَسْقِيْ اَهْلَهَا حَمِيْمًا، و مِنْ نَارٍ لَا تَبْقَى عَلِيٌّ مِنْ تَضْرَعِ الْبِيْهَاءِ، و لَا تَرْحَمُ مِنْ اسْتَعْطَفَهَا، و لَا تَقْدِرُ عَلَيَّ التَّخْفِيْفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا، و اسْتَسَلَّمَ اِلَيْهَا، تَلْقَى سَكَانَهَا بِاَحْرَمًا

(۱) فی ظلال القرآن: ۱۶/۱۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۱

لديها من اليم التكال، و شديد الوبال، و اعوذ بك من عقاربها الفاغرة افواهها، و حياتها الصالفة بانباها، و شرابها المذی يقطع أمعاء سكانها، و ينزع قلوبهم و استهديك لما باعد منها، و آخر عنها ...

«خداوندا! من از آن آتش قهرت که گنهکاران در آن می‌اندازی و به کسانی که از راه رضای تو روی می‌گردانند وعده داده‌ای و از آن آتشی که روشنایش تاریکی و سهل و ساده‌اش دردناک و دودش نزدیک است، به تو پناه می‌برم؛ چنان آتشی که بعضی از شعله‌هایش بعضی دیگر را می‌خورند و به یکدیگر حمله می‌برند، از آن آتشی که استخوانهای گنهکاران را خاکستر می‌سازند و به جهنمیان از آن آب سوزاننده بسیار گرم می‌خورانند، آتش بس هولناکی که به زاری گنهکاران اعتنا نکند و با شدیدترین شعله‌هایش با دوزخیان روبرو شود و هرگز کاستی نگیرد.

خداوندا از عقربهای هولناک دوزخ که برای گزیدن دوزخیان دهان باز کرده و از مارهای سهمگین که با دندانهای زهرآلودشان به اهل جهنم حمله می‌برند، به تو پناه می‌برم، و همچنین از نوشیدنیها مسموم دوزخ که هر وقت دوزخیان از آنها می‌خورند تمامی اعضا و احشاء داخلی آنها را قطعه‌قطعه و جگرشان را پاره پاره می‌کند به تو پناه می‌برم، خداوندا از تو می‌طلبم که مرا از آتش دوزخ دور و از هر عذابی محفوظ بداری.

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْرِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَ اقْلِنِي عَثْرَاتِي بِحَسَنِ اِقَالَتِكَ، وَ لَا تَخْذَلْنِي يَا خَيْرَ الْمَجِيْرِيْنَ، اِنَّكَ

تقی الکریمه، و تعطی الحسنه، و تفعل ما ترید، و انت علی کل شیء قدير، اللهم صل علی محمد و آله اذا ذکر الأبرار، و صل علی محمد و آله ما اختلف اللیل و النهار صلاة لا ينقطع مددها، و لا یحصی عددها صلاة تشحن الهواء و تملأ الأرض و السماء، صلی تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۲

اللّه علیه حتی یرضی و صلی اللّه علیه و آله بعد الرضا صلاة لا حد لها و لا منتهی یا ارحم الراحمین. «۱»

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به فضل و رحمتت از آن آتشی که قهرت آن را می‌افروزد نجات ده و لغزشهای مرا به عفو و کرم نیکویت ببخش و مرا ای بهترین پناه‌دهندگان در روز جزا محروم و خوار و ذلیل مکن. خداوندا چون تو قادری از هر عذابی بازداری و هر احسانی را به بندگانت ارزانی داری و آنچه خواهی انجام دهی و بر هر کاری توانایی (پس قادری تا همه درخواستهای مرا برآوری).

خداوندا هرگاه نام نیکان برده می‌شود، بر محمد و آل محمد درود فرست تا وقتی که شب و روز در گردش است، درودی بی‌نهایت و بی‌شمار، درودی که بوی خوشش فضای عالم را پر کرده و آوازش آسمان و زمین را فراگیرد. خداوندا آن قدر بر او درود فرست که راضی شود و پس از رضایت او بازهم به درود و رحمت خود ادامه بده، درودی بی‌حد و بی‌پایان، ای بخشنده‌ترین بخشاینندگان...

(۱) این فرازهای از دعای امام علیه السلام مشتمل بر توصیف هولناک و کشنده‌ای از آتش دوزخ است که خداوند برای تبه‌کاران و خودکامگان و بندگان سرکش و طاغوتها آفریده است برای آن کسانی که ظلم و فساد را در روی زمین اشاعه داده‌اند و آنان انواع عذابها را در آتش دوزخ می‌بینند به حدی که هول و هراس آن قابل توصیف نیست، خداوند ما را از آن عذابها بازدارد. در اینجا دعای شریف امام علیه السلام که پس از نماز شب آن را می‌خواند، پایان گرفت، دعایی که از برجسته‌ترین و عالیترین دعاها اهل بیت علیهم السلام است.

(۱) صحیفه سجادیه: دعای سی و یکم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۳  
(۱)

## ضعیف و لاغری امام

### اشاره

امام زین العابدین علیه السلام از بس که نماز خوانده بود، بدنش لاغر و ضعیف گشته بود، زیرا عبادت شدت آن بزرگوار را ناتوان کرده و تا آنجا اندامش ضعیف و لاغر شده بود که باد اندام او را همچون خوشه گندمی به سمت راست و چپ متمایل می‌کرد (۱) زیرا آن قدر توان نمانده بود که خود را نگهدارد، پسرش عبد الله می‌گوید:

پدرم، شب هنگام همواره نماز به جا می‌آورد، وقتی که از نماز فارغ می‌شد، همان طور نشسته به بسترش می‌خیزید (۲) و این بدان جهت بود که قدرت ایستادن روی پا- به دلیل شدت ضعف و رنج لاغری- را نداشت.

دل اعضای خانواده و دوستانش از بروز ضعف و خستگی زیاد به خاطر نماز و عبادت فراوان، بر او سوخت و از آن بیمناک شدند که مبادا به مرگ آن حضرت منتهی شود لذا موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند اما آن بزرگوار نپذیرفت و بر ملازمت خود به نوافل و عبادات پایداری کرد تا وقتی که به پدران گرامش ملحق شد، و ما در ذیل به بعضی از کسانی که در این باره با آن

حضرت صحبت کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

(۲)

### ۱- یکی از پسران امام

یکی از پسران امام سجاد به حال امام بیمناک شد و از روی دلسوزی و وحشت عرض کرد: «پدر جان، آخر چقدر نماز؟!» امام علیه السلام با مهربانی و ملاطفت فرمود:

(۱) ارشاد: ص ۲۷۲، روضه الواعظین: ۱/ ۲۳۷.

(۲) بحار: ۴۶/ ۹۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۴  
«علاقه شدید به پروردگارم دارم.» (۱)

براستی که سخت دوستدار و دلبسته پروردگار بود و به هر وسیله و از هر راهی می‌خواست که به او نزدیک شود، در دنیای پرهیزگاران و صالحان کسی در توجه و دلبستگی شدید به خدا به پای آن حضرت نمی‌رسد.

(۱)

### ۲- جابر بن عبد الله انصاری

صحابی بزرگ پیامبر (ص)، جابر بن عبد الله انصاری، دلش به حال امام علیه السلام سوخت و از آن حضرت خواست تا اندکی عبادتش را کم کند و به خود این قدر زحمت ندهد، امام باقر علیه السلام این حدیث جابر را نقل کرده است، می‌فرماید: «وقتی که فاطمه دختر امام امیر المؤمنین علیه السلام پایداری برادرزاده‌اش علی بن حسین علیهما السلام را در عبادت و رفتاری را که با خودش داشت، مشاهده کرد نزد جابر بن عبد الله انصاری رفت و گفت:

«ای جابر! تو از اصحاب رسول خدایی و ما اهل بیت بر تو حق بسیار داریم و از آن جمله این است که وقتی که بینی کسی از ما به خودش ستم می‌کند و از رنج زیاد خود را در معرض هلاک قرار داده است، به خاطر خدا از او بخواهی تا خود را نگهدارد، اینک این علی بن حسین یادگار پدرش امام حسین علیه السلام است که به نفس خود ستم روا داشته و از عبادت زیاد پیشانی و زانوهای کفهای دستش پینه بسته ...»

جابر، به خدمت امام زین العابدین علیه السلام رسید دید، در محراب عبادت نشسته در حالی که عبادت بدنش را نحیف و لاغر کرده و از طاعت زیاد سخت رنجور است وقتی که چشم امام به جابر افتاد به استقبالش

(۱) بحار: ۴۶/ ۹۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۵

رفت و او را در کنار خود نشانده، و با صدای نحیف و آرام احوال جابر را پرسید، آنگاه جابر رو به آن حضرت کرد و گفت: «یا بن رسول الله! می‌دانید که خداوند عالم، بهشت را برای شما و دوستان شما آفریده و جهنم را برای دشمنان و مخالفان شما خلق کرده است پس چرا شما این قدر به خود رنج و زحمت می‌دهید؟!» امام علیه السلام، از روی لطف و محبت فرمود:

(۱) «ای صحابی رسول خدا! آیا نمی‌دانی که جدّ ما رسول خدا- صلی الله علیه و آله- با آن که خدا هر نوع ترک اولای گذشته و آینده او را بخشید، با وجود این- پدر و مادرم فدایش باد- از تلاش و کوشش در عبادت فروگذار نکرد تا آنجا که ساق مبارکش متورّم شد و پاهایش ورم کرد، عرض کردند: یا رسول الله! شما چرا چنین زحمت عبادت را تحمّل می‌کنید؟ و حال این که خداوند تمام ترک اولای گذشته و آینده شما را بخشیده است؟ فرمود: آیا من نباید بنده‌ای سپاسگزار باشم؟» وقتی که جابر دید که هیچ سخنی نمی‌تواند امام را قانع کند تا آن حضرت از آن همه رنج و تعب دست بردارد، عرض کرد:

«یا بن رسول الله! به مسلمانان رحم کنید که خداوند به برکت وجود شما اهل بیت در این دنیا بلاها را از مردم دفع می‌کند و عذابها را از مردمان برطرف می‌سازد و از آسمان باران فرو می‌فرستد!» امام علیه السلام با صدای آرامی پاسخ داد:

«ای جابر! من همواره به راه و روش پدرانم خواهم بود تا آنان را ملاقات کنم.»

جابر با شنیدن این سخن، متحیر ماند و نگاهی به اطرافش کرد و گفت:

هرگز در بین پیامبرزادگان کسی همچون علی بن حسین علیهما السلام دیده نشده است مگر یوسف بن یعقوب، به خدا قسم اولاد امام حسین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۶

علیه السلام بالاتر از اولاد یوسف بن یعقوبند!! حقا که از ایشان است آن کسی که به وسیله او زمین پر از عدل و داد خواهد شد، پس از آن که پر از ظلم و جور گشته باشد...» (۱)

آری به خدا سوگند که در بین تمام فرزندان انبیا همچون علی بن حسین کسی دیده نشده است در پارسایی و تقوا و دیگر فضایل و مناقبی که او را به بالاترین مقامی رسانده بود که پدران بزرگوارش رسیده بودند، جابر نیز اعلان کرد که ذریه امام حسین علیه السلام بالاتر از ذریه یوسف بن یعقوبند به این دلیل که در میان اینان مصلح بزرگ جهان قائم آل محمّد (ص) وجود دارد که پیامبر- صلی الله علیه و آله- به آمدن او بشارت داد و فرمود که او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که پر از ظلم و جور گشته است و اینها در ایام حکومت و زمامداری آن حضرت خواهد شد.

(۱)

### ۳- عبد الملک

از جمله کسانی که به خاطر زیادی عبادت و طاعت دلش به حال امام سوخت، عبد الملک بن مروان بود، موقعی که امام علیه السلام برای شفاعت جمعی از مسلمانها که حکومت مروانی آنها را بازداشت کرده بود به نزد او رفت همین که چشم عبد الملک به امام افتاد از دیدن اثر سجود در پیشانی آن حضرت تعجب کرد و گفت:

«پسر پیغمبر! آثار زحمت و کوشش عبادت در شما هویدا است در حالی که شما در پیشگاه خداوند حسناتی دارید و پاره تن رسول خدا و خویشاوند نزدیک او و وسیله و ارتباط محکمی دارید، و از همه اهل بیت افضل و از تمام مردم روزگار بالاترید، زیرا که به شما آن قدر فضیلت و دانش و دیانت و تقوا داده‌اند که به

(۱) مناقب ابن شهر اشوب، حیاة الإمام الباقر.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۷

هیچ کس نه در زمان حاضر و نه در گذشته نداده‌اند مگر به پدران و نیاکان بزرگوارت! عبد الملک همچنان امام علیه السلام را توصیف می‌کرد و فضایل و مناقب او را به زبان می‌آورد، همین که سخنانش پایان گرفت، امام علیه السلام فرمود:

(۱) «کل ما ذکرته من فضل الله سبحانه، و تأییده و توفیقه، فأین شکره علی ما أنعم؟ و لقد کان رسول الله (ص) یقف للصلاة حتی تتورم قدماه، و یظلمأ فی الصیام حتی یعصب فوه فقیل له یا رسول الله أ لم یغفر الله لک ما تقدم من ذنبک، و ما تأخر، فیقول صلّی الله علیه و آله: أ فلا أكون عبدا شکورا.

الحمد لله علی ما أولى، و أبلی، و له الحمد فی الآخرة و الأولى، و الله لو تقطعت أعضائی، و سالت مقلتای علی صدری لن أقوم لله جلّ جلاله بشکر عشر العشر من نعمه واحدة من جمیع نعمه التي لا یحصیها العادون، و لا یبلغ أحد نعمه منها، علی جمیع حمد الحامدین، لا و الله أو یرانی الله لا یشغلنی شیء عن شکره و ذکره فی لیل و لا نهار، و لا سر و لا علانیة، و لو لا أن لأهلی علی حقا، و لسائر الناس من خاصهم و عامهم علی حقوقا لا یسعی إلا القیام بها حسب الوسع و الطاقه حتی أودیها إلیهم لرمیت بطرفی إلی السماء، و بقلبی إلی الله، ثم لم أردهما حتی یقضی الله علی نفسی و هو خیر الحاکمین ...»

«آنچه تو درباره لطف و تأیید و توفیق خدای سبحان گفتی درست است، اما شکر و سپاس این همه نعمت چه می‌شود؟ رسول خدا- صلّی الله علیه و آله- به قدری در نماز می‌ایستاد که پاهای مقدسش ورم می‌کرد و در وقتی که روزه‌دار بود، دهان مبارکش می‌خشکید، به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله! آیا خداوند ترک اولای گذشته و آینده شما را نبخشیده است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آیا نباید من بنده سپاسگزاری

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۸

باشم؟

سپاس خدا را بر آزمون و بلاهای او، و سپاس او را در دنیا و آخرت. به خدا سوگند که اگر بند از بندم جدا کنند و اشک از دیدگان به سینه‌ام جاری گردد هرگز نتوانستم عشری از معشار یکی از نعمتها الهی را که شمارشگران از شمردن آنها عاجزند و کسی را یارای توصیف یکی از آنها نیست، سپاسگزاری کرده و حق آن را به جا آورم و اگر تمام حمد و سپاس سپاسگزاران جمع شود یکی از آنها را سپاس نگفته است، نه به خدا قسم، آیا ممکن است خدا مرا در حالی ببیند که در شبانه‌روز و در نهار و آشکار چیزی مرا از سپاسگزاری و ذکر او بازداشته است! و اگر حقی که کسانم بر من و سایر مردم از خاص و عام حقوقی به گردن من دارند نبود و جز با ادای آن حقوق که به مقدار تاب و توانم باید ادا کنم، راه دیگری نیست هرآینه چشمانم را به آسمان می‌دوختم و دلم را متوجه خدا می‌کردم و چشم و دل از او بر نمی‌گرفتم تا وقتی که خداوند جان مرا بگیرد و او بهترین حاکمان است.»

(۱) امام علیه السلام ضمن گفتن این سخنان گریه شدیدی کرد و سخنانش و همچنین سیمای آسمانیش که هر بیننده را به تعظیم و تکریم وامی‌داشت چنان در روح طاغوت زمان، عبد الملک تأثیر کرد که از روی تأثر و تعجب گفت:

«چقدر فاصله است، بین آن بنده‌ای که طالب آخرت است و برای آخرتش می‌کوشد با آن بنده‌ای که در پی دنیا است که از کجا به دست آورده و از آخرت بی‌بهره است!» عبد الملک عرض ادب کرد و امام درباره آن کسانی که در بازداشت بودند شفاعت فرمود و او قبول کرد و دستور آزادی ایشان را داد. «۱»

(۱) بحار الانوار: ۶۵/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۹

اینها بودند کسانی که از زیادی نماز و عبادت امام علیه السلام به حال آن حضرت رقت آوردند و با اصرار و خواهش درخواست کردند که کمتر عبادت کند و مقداری از رنج خود را بکاهد، اما امام علیه السلام نپذیرفت و در نماز آسایش روحی خود را چنان می‌دید که چیزی جای آن را بر نمی‌کرد.

(۱)

## روزه امام

امام سجاد علیه السلام بیشتر عمر خود را روزه‌دار بود، هنگامی که از کنیز آن حضرت درباره عبادتش پرسیدند، گفت: من هرگز غذایی در طول روز برای آن حضرت نیاورده‌ام. او روزه را دوست می‌داشت و دیگران را تشویق به روزه‌داری می‌کرد و می‌فرمود:

«همانا خدای تعالی و همه فرشتگان به روزه‌داران نظر دارند.» (۱)

امام علیه السلام هیچ روزی بدون روزه نبود جز دو روز عید (فطر و قربان) و روزهایی که عذری برای روزه داشتن است. اینک به اختصار از بعضی حالات آن حضرت در ماه رمضان المبارک یعنی ماه خدا و ماه طاعت سخن می‌گوییم.

(۲)

## در ماه رمضان

امام سجاد علیه السلام در ماه رمضان حال مخصوصی داشت در این ماه

(۱) دعوات راوندی: ص ۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۰

هر کاری که باعث نزدیکی آن حضرت به خدا می‌شد، انجام می‌داد، راویان اخبار می‌گویند: آن بزرگوار هیچ نوعی از انواع خیر و نیکی را ترک نگفت مگر این که انجام داد و جز به تسبیح و استغفار و تکبیر لب نمی‌گشود و موقع افطار عرض می‌کرد:

«اللّٰهُمَّ ان شئت ان تفعل فعلت.» (۱)

«خداوندا اگر اراده تو بر چیزی تعلق گرفت که انجام دهی، انجام آن قطعی است.»

(۱)

## دعای امام وقت رؤیت هلال ماه رمضان

امام سجاد علیه السلام با شوق و علاقه به استقبال ماه رمضان می‌رفت زیرا که آن ماه نیکوکاران و صالحان است، و موقع رؤیت هلال ماه رمضان، این دعای شریف را که تجسم بخش روحانیت اسلام و هدایت اهل بیت علیهم السلام است قرائت می‌کرد:

«الحمد لله الّٰذی هدانا لهذا لعلنا من اهله، لنكون لإحسانه من الشّٰكرين، وليجزينا على ذلك جزاء المحسنين، و الحمد لله الّٰذی حبانا بدینه، و اختصنا بملّته، و سبّلنا فی سبیل احسانه لنسلکها بمنه الی رضوانه، حمدا یتقبّله منّا، و یرضی به عنّا، و الحمد لله الّٰذی جعل من تلك السّبیل شهره رمضان شهر الصّیام، و شهر الإسلام، و شهر الطّهور، و شهر التّمحیص، و شهر القیام، الّٰذی أنزل فیهِ القرآن هدی للنّاس، و بینات من الهدی و الفرقان، فأبان فضیلته على سائر الشّهور، بما جعل له من الحرمات الموفوره، و الفضائل المشهوره،»

(۱) فروع کافی: ۴ / ۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۱

فحرم فيه ما احلّ فی غیره اعظاما، و حجز فیهِ المطاعم و المشارب اکراما، و جعل له وقتا بینا، لا یجیز جلّ و عزّ ان یقدّم قبله، و لا یقبل ان یؤخر عنه، ثمّ فضّل لیله واحده من لیالیه علی لیالی الف شهر، و سمّاها لیله القدر تنزل الملائکة و الرّوح فیها باذن ربّهم من کلّ امر



سلام، دائم البرکة الی طلوع الفجر علی من یشاء من عباده بما احکم من قضائه ...

«حمد و سپاس به پیشگاه خداوندی که ما را به حمد و ثنایش هدایت نمود و ما خانواده را از جمله سپاسگزاران نعمتش قرار داد تا ما نسبت به احسان او سپاسگزار باشیم، تا به خاطر این سپاسگزاری به ما پاداش نیکوکاران را مرحمت کند. و سپاس خداوندی را که ما را به دین خود هدایت کرد و ما را از جمله خواص ملت خود قرار داد و ما را به راه شناخت احسان خود رهبری کرد تا به لطف خویش ما را در بهشت جاودانه سکونت دهد، حمد و سپاسی که قابل پذیرش او و باعث خشنودی وی از ما گردد. حمد و سپاس سزاوار آن خدایی است که ماه مبارک رمضان، ماه روزه‌داری، ماه اسلام و ماه پاکبها و ماه خلوص و ماه قیام را یکی از راههای رسیدن به بهشت قرار داد، ماهی که قرآن را در آن ماه برای هدایت مردم نازل کرد که این قرآن هدایت کننده و مشتمل بر آثار روشن رستگاری و جدا کننده بین حق و باطل است، و بدین وسیله بر ماههای دیگر فضیلت آن ماه را آشکار ساخته است که در این ماه چیزهای زیادی را به مسلمانان حرام کرده و فضایل بسیاری نسبت به ماههای دیگر ارزانی داشته است و چیزهایی را که در ماههای دیگر حلال بوده، در این ماه حرام کرده و به پاس حرمت این ماه از خوردنیها و آشامیدنیها پرهیز داده و برای روزه گرفتن در این ماه وقت مقرری تعیین کرده و اجازه نداده کسی این وقت را به جلو، یا عقب بیندازد. علاوه بر اینها شبی از شبهای این ماه را بر شبهای هزار ماه برتری

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۲

داده و آن شب را لیلۃ القدر نامیده است که فرشتگان و روح (جبرئیل) به امر خدای متعال برای تعیین سرنوشت و تقدیر امور به روی زمین می آیند و تا طلوع فجر آن شب تحیت و برکت بر کسی می فرستند که خداوند از میان بندگان به او نظر لطف داشته و در قضای الهی گذشته است.»

(۱) این سخنان نورانی امام علیه السلام مشتمل بر بزرگداشت و احترام ماه مبارک رمضان و تعریف این ماه به بهترین اوصاف است، از جمله:

۱- ماه اسلام است، بنا بر این، هر که در این ماه روزه بگیرد، در قلمرو اسلام وارد شده و هر که از روی علم و عمد روزه اش را بخورد، مسلمان نیست.

۲- این ماه، ماه پاکبهاست، زیرا که این ماه، ماه پاکی از گناهان و تزکیه نفس از پلیدیهاست.

۳- ماه خلوص است، در این ماه است که مسلمانان آزمایش می شوند و خالص می گردند و بدان وسیله، بنده فرمانبردار از گنهکار مشخص می گردد.

۴- ماه رمضان، ماه قیام است، زیرا که آن ماه، بهار نیکان و نیکوکاران است، از آن رو که ایشان شبهای این ماه را به عبادت و طاعت می گذرانند.

۵- از جمله امتیازات این ماه، آن است که در این ماه قرآن کریم نازل شده است؛ خداوند قرآن را در شب قدر نازل کرده است که از مهمترین شبهای رمضان است و در آن شب، فرشتگان و جبرئیل به اذن پروردگار برای تقدیر امور و ابلاغ تحیت و درود بر مؤمنان تا طلوع فجر نازل می شوند.

۶- از جمله ویژگیهای این ماه شریف آن است که خدای تعالی در این ماه چیزهایی را به بندگانش حرام کرده است که در ماههای دیگر حرام نفرموده است؛ خداوند به پاس این ماه در مدت روزه‌داری هر نوع خوردن و آشامیدن را بر روزه‌داران حرام کرده است ... و اینک به بخش دیگری از این دعا گوش فرا می دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۳

و اجلال حرمته، و التَّحْفُظُ بما حضرت فيه، و اعْتِنَا على صيامه بكفِّ الجوارح عن معاصيك، و استعمالها فيه بما يرضيك حتى لا نصغى باسماعنا الى لغو، و لا- نسرع بابصارنا الى لهو، و حتى لا نبسط ايدينا الى محذور، و لا نخطو باقدامنا الى محجور، و حتى لا تعي بطوننا الا ما احللت، و لا تنطق ألسنتنا الا بما مثلت، و لا نتكلف الا ما يدنى من ثوابك، و لا نتعاطى الا الذى يقى من عقابك، ثم خلص ذلك كله من رءاء المرءين، و سمعهُ المسمعين، لا نشرك فيه احدا دونك، و لا نبتغى فيه مرادا سواك ...

«خداوندا بر محمد و آل محمد- صلوات الله عليه و عليهم اجمعين درود فرست و به ما توفيق شناخت فضیلت و پاس داشتن حرمت ماه مبارک رمضان را مرحمت فرما تا بتوانیم خود را از نزدیک شدن به محرمات حفظ کنیم و ما را بر روزه‌داری این ماه با حفظ اعضا و جوارحمان از گناهان، یاری فرما تا بتوانیم در آنچه رضای توست به کار اندازیم بطوری که با گوشه‌ایمان سخن بیهوده نشنویم و با چشمانمان کارهای ناپسند و لهو و لعب را نبینیم و دستمان را به اموال حرام دراز نکنیم و با پایمان به راه خطا نرویم و شکمهایمان را جز با غذای حلال پر نکنیم و زبانهایمان جز سخن مجاز و ذکر تو را نگویند و کارهایی را انجام دهیم که ما را به اجر و ثواب نزدیک کند و در پی چیزی نرویم مگر آنکه از عذاب و کيفر تو بازدارد، خداوندا باز هم به ما توفیق بده تا اعمال و عبادات ما در این ماه مبارک از شائبه ریای ریاکاران و سمعه «۱» سمعه کاران به دور باشد و جز تو را در عبادت شریک قرار ندهیم و هدفی جز تو را نجوییم ...»

(۱) سمعه، همان ریاکاری است با این تفاوت که ریاکار سعی می‌کند تا مردم عمل نیک او را ببینند ولی در سمعه، می‌خواهد عملی را که دور از انظار انجام داده، به گوش مردم برساند- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۴

(۱) امام علیه السلام، در این بخش از دعایش به آنچه که سزاوار بوده تا روزه‌دار آراسته باشد اشاره فرموده است؛ روزه‌دار در این ماه بزرگ باید اعضا و جوارحش را از محرمات الهی حفظ کند؛ زبانش را از دروغ، غیبت و بهتان، گوشش را از سخن بیهوده و ناروا و دستش را از دزدی و تجاوز به مال مردم بازدارد. و نباید به سوی چیزهایی بشتابد که خداوند او را منع کرده و بر حذر داشته است از قبیل رفتن به جاهایی که گناه در آنجا انجام می‌گیرد و نخوردن مال حرام، همچنین امام علیه السلام می‌فرماید روزه‌دار باید اعمالش شایسته و نیکباهش تنها برای خدا باشد بدون آلودگی به ریا و یا جاه طلبی و یا سمعه در بین مردم زیرا که تمام اینها باعث از بین رفتن عمل است. اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفَرَضْتَهَا الَّتِي فَرَضْتَهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَاَوَاقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ، وَانزَلْنَا فِيهَا مَنْزِلَةَ الْمُصَيِّبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا، عَلَى مَا سَنَّ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا، وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أُمَّمِ الطُّهُورِ وَاسْبِغِهَا وَابْنِ الْخُشُوعِ وَابْلُغْهَا، وَوَقَّفْنَا فِيهَا لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّيْلَةِ وَانْتِعَاذَ جِيرَانِنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَانْخَلَصْ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ وَانْظَهِّرْهَا بِأَخْرَاجِ الزَّكَاةِ، وَانْجِرْنَا مِنَ هَاجِرِنَا، وَانْصِفْ مِنَ ظَلْمِنَا، وَانْزَلْنَا مِنَ عَادَانَا، حَاشَا مِنْ عَوْدِي فِيكَ وَلَكَ فَإِنَّ الْعَدُوَّ الْمَذِي لَنَا نَوَالِيَهُ، وَالحِزْبَ الْمَذِي لَنَا نِصَافِيَهُ، وَانْتَقِرْبِ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَاةِ بِمَا تَطَهَّرْنَا بِهِ مِنَ الذَّنُوبِ، وَتَعَصَّمْنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعِيُوبِ، حَتَّى لَا يُوْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۵

نورد من ابواب الطاعة لك، و انواع القربة اليك ...

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و در این ماه به ما توفیق بده تا بر اوقات پنج گانه نماز و به حدود نماز که تعیین کرده‌ای و واجباتی را که بر ما واجب فرموده‌ای و به وظایفی که ما را موظف نموده‌ای و بر اوقاتی که مقرر فرموده‌ای آشنا باشیم و ما را از آن

نماز گزارانی قرار ده که جایگاه و ارکان نماز را حفظ کنیم و در وقت آن به جا آوریم؛ همان طوری که سنت پیامبر و رسول گرامیت- درود و تحیت تو بر او و آل او باد- در رکوع و سجود و تمام فصول آن است با کمال پاکی و طهارت و با خضوع و خشوع تمام می‌باشد. خداوندا در این ماه مبارک به ما توفیق مرحمت کن تا به خویشاوندان و بستگان خود نیکی و احسان کنیم و به همسایگانمان با احسان و بخشش برخورد نماییم و اموال و ثروتمان را از آلودگیها برکنار داریم و با دادن زکات و صدقات پاک سازیم و بتوانیم با کسانی که از ما دوری گزیده‌اند، ارتباط پیدا کنیم و با هر که به ما ستم کرده است به عدالت و نیکی رفتار نماییم و با کسانی که با ما دشمنی کرده و در ستیزند راه مسالمت، پیش گیریم جز با کسی که دشمن تو و دشمن دین توست زیرا که دشمنان تو دشمنانی هستند که ما هیچ‌گاه با آنان دوستی نخواهیم کرد و آنها را از دسته مخالف خواهیم شناخت تا وقتی که در مخالفت با تو پافشاری کنند. خداوندا به ما توفیق ده تا با انجام کارهای نیک که باعث پاک شدن ما از گناهان می‌شوند به تو نزدیک شویم و ما را از این که دوباره به سوی گناهان و خطاها برگردیم، باز می‌دارند، بطوری که هیچ یک از فرشتگان به مقام ما بندگان مطیع نرسند و در مرتبه‌ای پایین‌تر از ما قرار گیرند ...»

(۱) این قسمتهای از دعای امام علیه السلام مشتمل بر امور بسیار مهمی است، شایسته است که روزه‌دار آنها را مراعات کند و بدانها عمل نماید، به شرح زیر:

۱- مراقبت بر انجام نماز- که ستون دین است- در اوقاتی که خداوند مقرر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۶

فرموده و به همراه آنچه که از سنن، آداب، اذکار، در رکوع، سجود، بلکه در تمام شئون نماز که روش پیامبر بزرگوارش بوده و انجام دادن تمام آنها به کاملترین و بهترین وجه از خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند یکتا.

۲- نیکی و احسان به خویشاوندان و صله رحم که از بالاترین عبادتهاست.

۳- احسان به همسایگان و خوشرفتاری با ایشان.

۴- پاکیزه کردن اموال با پرداخت خمس و زکات واجب.

۵- برقرار ساختن ارتباط با دوستان و برادران دینی که از ما فاصله گرفته‌اند.

۶- عدالت و انصاف نسبت به ظالم و تجاوز نکردن در گفتار و رفتار در حق او، زیرا که این خود از مکارم اخلاق می‌باشد.

۷- مسالمت با دشمن و ستیز نکردن با او، مگر آن که دشمنی با او برای خاطر خدا و در راه خدا باشد که در این صورت باید از او برید و نباید با او به مسالمت رفتار کرد.

۸- تقرب به خدا به وسیله اعمال پاکیزه و رفتار خوش که در ماه مبارک رمضان به این اعمال تأکید شده است و استحباب آنها مؤکد است.

پس از آن بخش، اینک به فرازهای دیگری از این دعای شریف گوش می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ اِنِّي اسالُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَدُ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ اِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مَنْ مَلَكَ قَرْبَتَهُ اَوْ نَبِيَّ ارسلته اَوْ عَبْدَ صالِحٍ اِختصصته، اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ اَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَ اَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا اَوْجِبْتَ لِاهْلِ الْمَبالغَةِ فِي طَاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنَا فِي نِظْمٍ مِنْ اسْتِحَقَّ الرَّفِيعُ الْاَعْلَى بِرَحْمَتِكَ ...

«خداوندا! به مقامی که این ماه در نزد تو دارد و به حق کسانی که از اول تا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۷

آخر این ماه به عبادت تو قیام کرده‌اند؛ از پیامبران، فرشتگان مقرب و انبیای مرسل و بندگان صالح که از خاصان درگاه تو، درخواست دارم که بر محمد و آلش درود فرستی و ما را هم، در این ماه مبارک، آن ثواب را عنایت کنی که بر اولیای وعده

داده‌ای و آنچه را که بر کوشش کنندگان در راه طاعت مقرر فرموده‌ای به لطف و کرمیت نظیر آن را برای ما مقرر فرمایی و جزو آن بندگانی محسوب فرمایی که استحقاق عالیترین مقام را در پیشگاه تو دارند ...»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ، وَالتَّقْصِيرَ فِي تَمَجِيدِكَ، وَ الشُّكَّ فِي دِينِكَ، وَ الْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحَرَمَتِكَ، وَ الْإِنْخِدَاعَ لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يَعْتَقُهَا عَفْوُكَ، أَوْ يَهْبِهَا صَفْحُكَ، فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ، وَ اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَ أَصْحَابِ ...

«خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از شرک و الحاد به توحید و یکتاپرستی خود بازدار، و از کوتاهی و غفلت در شناخت و کوتاه‌نظری در معرفت عظمت و جلال خودت حفظ فرما، ما را از ابتلای به شک درباره دینت و نادانی نسبت به شریعتت و غفلت از پاس داشتن حرمت نگهدار، و ما را از افتادن در دام دشمن (شیطان رجیم) مصون دار، خداوندا بر محمد و آلش رحمت و درود فرست و چون در هر شبی از شبهای این ماه بزرگ بسیاری از بندگان را به لطف خود از آتش دوزخ نجات می‌دهی ما را نیز جزو آن آزادشدگان قرار بده و ما را از بهترین کسانی که در این ماه زندگی می‌کنند و از اهل و اصحاب این ماه هستند محسوب فرما.»

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَمْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ اَمْحَاقِ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۸

هَالَاةٍ، وَ اسْلُخْ عَنَّا تَبَعَاتِنَا مَعَ اِنْسِلَاخِ اَيَّامِهِ، حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا، وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ اَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اِنْ مَلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَ اِنْ زَغْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا، وَ اِنْ اَشْتَمَلْ عَلَيْنَا عِدْوُكَ الشَّيْطَانِ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ.

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و با پایان گرفتن این ماه شریف گناهان ما را محو کن و با تمام شدن روزهای این ماه عواقب بد گناهان ما را از نامه عملمان زایل کن تا با تمام شدن ماه ما را نیز از گناهان پاک و پاکیزه کرده باشی و از خطاها و لغزشها خالص نموده باشی. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و اگر در این ماه شریف غفلتی بر ما چیره شده است به راه صحیح بازگردان و اگر تیرگی در دل ما راه یافته است، استوار و خالص گردان و اگر در این ماه عزیز دشمن تو (شیطان) بر ما مسلط شده است ما را از شر او رها کن.»

(۱) اللَّهُمَّ اشْحِنْهُ بَعَادَتِنَا اَيَّامَكَ، وَ زَيِّنْ اَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَ اعْنَا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصِّيَالَةِ وَ التَّضَرُّعِ الْيَكِ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الذَّلَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارَهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَ لَا لَيْلَهُ بِتَفْرِيطٍ، اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْاَيَّامِ، كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «۱»، وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ «۲» وَ مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ، وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ «۳» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ

(۱) مؤمنون / ۱۱.

(۲) مؤمنون / ۶۰.

(۳) مؤمنون / ۶۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۹

اَوْانٍ، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدٌ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَ اَضْعَافٌ ذَلِكَ بِالْاَضْعَافِ الَّتِي لَا يَحْصِيهَا غَيْرُكَ، اِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَرِيدُ ...»

«۱»

(۱) «خداوندا ما را در راه عبادت خودت یاری کن و تمامی ساعات و لحظات این ماه شریف را با عبادت و اطاعت ما جلوه‌گر ساز و یاری کن تا روزها را با روزه‌داری و شبهای این ماه شریف را با نماز و تضرع به درگاهت و خضوع و خشوع در پیشگاه تو به

پایان بریم، بطوری که هیچ روزی از این ماه با غفلت از تو نگذرد و شبهایش، به وقت گذرانی سپری نگردد، خداوندانه تنها در این ماه بلکه در سایر ماهها و همه اوقات و تمام عمر ما را به طاعت خودت موفق بدار و ما را جزو بندگان صالح خودت قرار بده، آن بندگان که به فرموده خودت: «وارث بهشت برینند و در آنجا جاودانه‌اند.» و آنهایی که هر چه از مال دنیا به آنها داده‌ای در راه تو می‌دهند و همواره دل‌هایشان ترسان است از این که چگونه به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.» و از جمله «آنهایی که در راه انجام خیر پیشدستی می‌کنند و از دیگران سبقت می‌گیرند.» خداوند بر محمد و آلش درود و رحمت فرست در هر همه وقت و هر لحظه، به تعداد درودهایی که بر همه کس می‌فرستی و بلکه دو برابر آن درودها که جز تو کسی شمار آنها را ندادند، زیرا که تو به هر چیزی که اراده کنی قادر و توانایی ...»

(۱) براستی که دعاهای امام سجاد علیه السلام، خود مدرسه‌ای است برای تعلیمات و آگاهیهای دینی که روح ایمان و جوهر اخلاص به خدا را به قلب شنونده افافیه می‌کند. این جملات درخشان از نیایش امام، مشتمل بر نکات ذیل می‌باشد:

۱- امام علیه السلام خدا را به حرمت ماه رمضان و به حرمت کسانی که

- 
- (۱) صحیفه سجادیه: دعای چهل و سوم.
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۰
- از بندگان صالح در این ماه خدا را عبادت می‌کنند درخواست نموده است تا این که او را از جمله اولیای مقرب خود و در شمار کسانی قرار دهد که شایستگی مقام والایی در پیشگاه او را دارند.
- ۲- اعمال او را اعمال شایسته و نیکوها و خیرات او را خالص و تنها به خاطر خود بدون آمیختگی به ریا و امثال آن که عمل را فاسد می‌کنند، قرار دهد.
- ۳- از خداوند مسألت می‌کند تا او را از شک و اوهامی که باعث فساد در امور دینی هستند برکنار سازد.
- ۴- درخواست می‌کند که خداوند توفیق دهد تا مبادا به راهی جز راهی که خداوند مقرر کرده است، برود و مبادا از محرمات الهی غفلت ورزد.
- ۵- مبادا فریب شیطان رجیم را بخورد و تحت تسلط او قرار گیرد.
- ۶- خداوند بر او منت گذارد و او را از جمله آزادشدگان در این ماه بزرگ محسوب فرماید.
- ۷- خداوند او را به عبادت و طاعت در این ماه و تضرع و خضوع و خشوع در این ماه موفق بدارد.
- این بود بخشی از مطالب مهمی که از این جملات و این بخش از نیایش امام علیه السلام استفاده می‌شود.
- (۱)

## کارهای خیر امام در ماه رمضان

### اشاره

امام سجاد علیه السلام در ماه مبارک رمضان کارهای خیر فراوانی داشت از جمله کارهای خیر آن حضرت از این قرار است:

(۲)

## الف - اطعام به مستمندان

اسلام به غذا دادن بر روزه‌داران تشویق زیادی کرده و آن را مستحب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۱

دانسته است، امام زین العابدین علیه السلام در هر روزی از ماه مبارک رمضان دستور می‌داد تا گوسفندی را ذبح کنند و گوشت آن را بپزند، و در شامگاه بر سر دیگها می‌آمد و بو می‌کشید، وقتی که می‌دید غذا آماده است، می‌فرمود: کاسه‌ها را بیاورید، و دستور می‌داد به مستمندان، بیوه‌زنان و یتیمان می‌دادند تا این که همه دیگها پایان می‌یافت و چیزی برای افطار آن حضرت باقی نمی‌ماند و خود با نان و خرما افطار می‌کرد. «۱»

(۱)

## ب- آزادسازی بردگان

از جمله امور خیریه امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان این بود که بردگان زیادی را آزاد می‌کرد و غلامانی را می‌خرید و از قید بردگی رها می‌نمود، با وجود این که در سایه محبت آن حضرت محترمانه زندگی می‌کردند و با آنان همچون فرزندان خود رفتار می‌کرد و اگر خلافی می‌کردند از بدی آنها چشم‌پوشی می‌کرد و هرگز مجازات نمی‌فرمود و همواره بندگانی که در طول سال خریداری کرده بود، در ماه رمضان آزاد می‌کرد، راویان اخبار نقل کرده‌اند که امام سجاد علیه السلام هیچ‌گاه غلام و کنیزی که مرتکب گناهی شده بودند مجازات نمی‌فرمود و تنها تاریخ آن روزی را که مرتکب خطایی شده بودند یادداشت می‌کرد و آخر ماه رمضان که می‌شد همه آنها را جمع می‌کرد و یادداشتهایی را که خطاهای آنها را ثبت کرده بود نشان می‌داد و می‌فرمود: همگی با صدای بلند بگویند:

«ای علی بن حسین: پروردگار تو تمام اعمال تو را بر شمرده است همان طوری که تو اعمال ما را ثبت کرده‌ای و نزد پروردگار نوشته‌ای است که حق را بیان می‌کند و هیچ گناه صغیره و کبیره را فروگذار نمی‌کند مگر این که تمام اعمال تو را می‌شمارد، و هر کاری که کرده باشی، در پیش

(۱) المحاسن: ص ۳۹۶، بحار الانوار: ۷۲ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۲

روی خود، حاضر می‌بینی، «۱» همچنان که ما هر عملی را که انجام داده‌ایم در نزد تو حاضر می‌بینیم، پس بر ما ببخش و از ما در گذر چنان که از خداوند توانا امیدواری که بگذرد و همان طوری که دوست داری خدای توانا از تو بگذرد تو از ما بگذر خواهی دید که خداوند بخشاینده است و نسبت به تو مهربان بوده و تو را می‌آمرزد و پروردگارت نسبت به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد ... همچنان که نزد تو نوشته‌ای است که حق و حقیقت را به ما بازگو می‌کند هیچ یک از اعمال خرد و کلان ما را فروگذار نکرده مگر آن که بر شمرده است پس ای علی بن حسین! به خاطر آور آن موقعی را که در برابر پروردگار داور دادگر خود با خواری ایستاده‌ای و او به مقدار خردلی به کسی ستم نمی‌کند و آن مقدار ناچیز را نیز در روز قیامت می‌آورد و خدا را بس که حسابرس و گواه بر اعمال بندگان است.

بنا بر این از ما در گذر و ما را ببخش تا خدای توانا از تو در گذرد و تو را ببخشد، زیرا که او می‌فرماید:

وَلْيُغْفِرُوا وَيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ. «۲»

«از بدیها در گذرند و آنها را ببخشند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم از شما بگذرد؟» (۱) همواره، این قبیل کلمات را تلقین به ایشان می‌کرد، کلماتی که بر میزان توجه خاص آن حضرت و ارتباط خاصش به خدای متعال دلالت می‌کرد، و آنگاه شروع

می‌کرد به گریه و از خوف و خشیت باری تعالی اشک می‌ریخت و می‌گفت:

«پروردگارا! تو به ما امر فرمودی تا از کسانی که به ما ستم کرده‌اند درگذریم و ما نیز از ستمگرانمان گذشتیم، همچنان که به ما امر کردی،

(۱) به آیه شریفه: **يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا...** اشاره دارد. (آل عمران / ۳۰).

(۲) نور / ۲۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۳

خود نیز از ما درگذر زیرا که تو سزاوارتر به گذشت و بخشش از ما و از همه کسانی که امر فرمودی هستی. خدایا به ما دستور دادی تا هیچ سائلی را از در خانه‌مان محروم بر نگردانیم و اینک ما درخواست کننده و مستمندانیم که در خانه تو آمده‌ایم و از تو درخواست احسان و بخشش داریم، خداوندا با عنایت خود بر ما ممت بگذار و ناامیدمان مفرما! زیرا که تو از ما و از هر کسی که امر به احسان فرموده‌ای به بخشش و احسان سزاوارتری.

خداوندا! من احسان کردم، پس تو هم احسان کن، خدایا هر وقت از جمله درخواست کنندگان بودم از بزرگواری تو برخوردار شده‌ام، پس هم اکنون نیز، ای خدای بخشنده مرا در زمره کسانی قرار ده که از نعمتها و احسانت برخوردارند.»

(۱) آنگاه صورت مبارکش را به سمت آنان بر می‌گرداند، در حالی که قطرات اشک از دیدگانش جاری بود، می‌فرمود:

«من شما را بخشیدم، آیا شما هم از من گذشتید؟ و از این که بد سرپرستی کردم، مرا بخشیدید؟ زیرا که من سرپرست بد و خوار و پست و ستمگر، اما مملوک پادشاهی بزرگوار، بخشنده، دادگستر، نیکوکار و بخشاینده هستم...»

براستی که این روح ملکوتی چه روح بزرگی است که با صفات و اخلاق برجسته خود روحانیت انبیای الهی را تجسم می‌بخشد!! غلامان با شنیدن این قبیل سخنان از امام سجاده، عرض می‌کردند:

«ای مولا و ای سرور! ما از تو گذشتیم...»

می‌فرمود: بگویید:

«پروردگارا از علی بن حسین بگذر چنان که ما از او گذشتیم و او را از آتش دوزخ آزاد کن، همان طوری که او ما را از قید بردگی آزاد کرد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۴

غلامان نیز این جملات را می‌گفتند، و پس از گفتن ایشان، می‌گفت:

خداوندا اجابت کن ای پروردگار عالمیان!- و رو به ایشان می‌کرد و می‌فرمود:- بروید که من از شما گذشتم و شما را به امید عفو پروردگار و آزادی از آتش جهنم، آزاد کردم. وقتی که روز عید فطر فرا می‌رسید، جایزه ارزشمندی به غلامان می‌داد به قدری که بتواند زندگی کنند و از مال مردم بی‌نیاز شوند. «۱»

در دنیای پرهیزگاران و صالحان کسی همچون امام زین العابدین علیه السلام در تقوا و اخلاص فوق العاده و اطاعت خدا، وجود ندارد، براستی که قلب شریفش آکنده از ایمان و معرفت خدا بوده است.

به هر حال امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان انواع گوناگون احسان از نیکی به ضعیفان و درماندگان و محرومان و آزاد کردن بردگان و هر آنچه را که باعث نزدیک شدن به خدا بود انجام می‌داد.

(۱)

امام زین العابدین علیه السلام در وقت سحر تمام شبهای ماه مبارک رمضان با خدای متعال مناجات می‌کرد و با زاری و تضرع و خالصانه دعا می‌کرد و دعایی را که معروف به دعای ابو حمزه ثمالی است می‌خواند، از این جهت معروف به دعای ابو حمزه گشته است که راوی این دعا اوست و این دعای شریف از مهمترین دعاهاى ائمه اهل بیت علیهم السلام است زیرا که این دعای شریف درجه توجه و ارتباط آن حضرت را با خدا تجسم می‌بخشد، همان طوری که مشتمل بر مواعظی است که باعث جلوگیری نفس از غرور و شهوات نفسانی می‌گردد. علاوه بر اینها به زیبایی اسلوب و سلاست و روانی بیان ممتاز است و دارای حالت تذلل و

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۱۰۳-۱۰۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۵

خشوع در پیشگاه خداست تا آنجا که هیچ دعایی به پای آن نمی‌رسد و ما در اینجا قسمتهایی از آن را برگزیده‌ایم بدون این که تمام آن را نقل کنیم به خاطر آن که این دعای شریف در تمام کتابهای دعا آمده و در دسترس بیشتر قاریان و علاقه‌مندان می‌باشد. پیش از آن که قسمتی از فرازهای این دعای شریف را نقل کنیم مایلیم که به اطلاع خوانندگان عزیز برسانم که این دعا در دل نیکان و شایستگان جایگاه والایی دارد آن مسلمانان صالحی که در هنگام سحر شبهای ماه مبارک رمضان موفق به خواندن دعایند و بطوری که ملاحظه می‌فرمایید برخی از مؤمنان نیز آن را از بر دارند و از حفظ می‌خوانند. اینک فرازهایی از این دعای شریف:

(۱) «الهی: لا تؤدبني بعقوبتك، و لا تمکر بی فی حیلتك، من این لی الخیر یا رب و لا یوجد إلا من عندک، و من این لی النجاة و لا تستطاع إلا بک، لا الذی احسن استغنی عن عونک و رحمتک، و لا الذی أساء و اجترأ علیک و لم یرضک خرج عن قدرتک، یا رب بک عرفتک، و أنت دللتنی علیک و دعوتنی إلیک، و لو لا أنت لم أدر ما أنت ...»

«خداوندا! مرا به کیفر و مجازات خود ادب مفرما و به مجازات عملم غافلگیر مکن، پروردگارا! کجا خیری توانم یافت در صورتی که جز پیش تو خیری نیست و از کجا راه نجاتی بجویم در صورتی که جز به لطف تو نجاتی میسر نیست؛ نه آن کس که نیکوکار است از یاری و لطف و رحمت تو بی‌نیاز است و نه آن که تبهکار است و گستاخی کرده و به راه رضای تو نرفته از قلمرو قدرت تو بیرون است ای پروردگارا! من تو را به وسیله خودت شناختم و تو مرا به وجود خودت رهنماییم فرمودی و اگر تو نبودی من نمی‌دانستم که تو چیستی و تو را نمی‌شناختم.»

آیا ملاحظه می‌کنید که پارسای اهل بیت چگونه با پروردگار خود راز و نیاز

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۶

می‌کند و در پیشگاه او می‌نالد، با سبک و روشی سخن می‌گوید که برخاسته از ژرفای ایمان و معرفت است ... و باز به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) «یا حبیب من تحب الیک، و یا قره عین من لاذ بک، و انقطع إلیک، أنت المحسن، و نحن المسیئون، فتجاوز یا رب عن قبیح ما عندنا بجمیل ما عندک، و ای جهل یا رب لا یسهه جودک؟ و ای زمان أطول من أناتک؟ و ما قدر اعمالنا فی جنب نعمک، و کیف نستکثر أعمالا تقابل بها کرمک، بل کیف یضیق علی المذنبین ما وسعهم من رحمتک، یا واسع المغفرة، یا باسط الیدین بالرحمة، فوعزتک لو نهرتني ما برحت من بابک، و لا کففت عن تملکک لما انتهی إلی من المعرفة بجودک و کرمک ...»

«ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد و ای نور چشم و شادی‌بخش قلب کسی که رو به درگاه تو آورد و از همه کس بگسلد و به تو پیوندد، ای خدایی که تو نیکوکاری و ما بدکار پس تو ای پروردگار به نیکوکاری خود از زشتیهای ما در گذر، خداوندا! کدامین نادانی و بدکاری است که لطف و بخشش تو آن را فرا نگیرد؟ و یا چه وقتی است که بیش از زمان حلم و شکیبایی تو



باشد؟ اعمال نیک ما در برابر نعمتهای تو چه ارزشی دارد؟ و چگونه اعمال بدمان را با وجود لطف و کرم بی‌انتهایت بسیار شماریم؟ و چگونه با وجود رحمت و واسعۀ تو بر گنهکاران مجال تنگ خواهد بود، ای صاحب آمرزش بی‌حساب، ای آن که دست قدرت تو به بخشندگی و رحمت باز است، باری سوگند به مقام عزّت که اگر مرا از درگاهت برانی هرگز به جای دیگری نروم و از التماس و تملق دست بر نمی‌دارم زیرا که تو را به بخشندگی و کرم می‌شناسم ...»

و همین طور امام علیه السلام به التماس و خواهش و زاریش در پیشگاه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۷

آفریدگار بزرگ ادامه می‌دهد و از او طلب مغفرت و آمرزش و رضوان می‌کند، اکنون گوش فرا دهید و ببینید چگونه خواهش می‌کند:

(۱) «اللهم: انی کلما قلت: قد تهيأت، و تعيأت، و قمت للصلاة بين يديك، و ناجيتك القيت على ناعسا إذا أنا صليت، و سلبتني مناجاتك إذا أنا ناجيت ... مالی کلما قلت: قد صلحت سریرتی، و قرب من مجالس التوايين مجلسی، عرضت لی بلیه ازاله قدمی، و حالت بینی و بین خدمتک، سیدی: لعلک عن بابک طردتني و عن خدمتک نحیتني، أو لعلک رأیتني مستخفا بحرمتک فاقصیتني، أو لعلک رأیتني معرضا عنک فقلیتني، أو لعلک وجدتني فی مقام الکاذبين فرفضتني، أو لعلک رأیتني غیر شاکر لنعمائک فحرمتني، أو لعلک فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني، أو لعلک رأیتني فی الغافلین فمن رحمتک ایستني، أو لعلک رأیتني الف مجالس البطلان فبینی و بینهم خلیتني، أو لعلک لم تحب أن تسمع دعائی فباعدتني، أو لعلک بجرمی و جریرتی کافیتني، أو لعلک بقله حیائی منک جازیتني فإن عفوت یا رب فطالما عفوت عن المذنبین قبلی، لأن کرمک أي ربّ یجل عن مکافأة المقصرین ...»

(۱) «خداوندا من چندان که تصمیم گرفتم و با خود گفتم و خود را آماده و مهیای طاعت تو کردم و در پیشگاه تو به نماز ایستادم و با تو به راز و نیاز ایستادم و در وقت نماز خواندن خواب را بر من مستولی کردی و حال راز و نیاز در وقت مناجات را از من باز گرفتی ... خداوندا! چه شد که هر چه با خود عهد کردم و گفتم که از این پس باطنم نیکو خواهد شد و به مجالس و مجامع توبه‌کاران نزدیک خواهم شد، بلیه و حادثه‌ای پیش آمد که به عهدم ثابت قدم و پایدار نماندم و آن حادثه بین من و محضر تو فاصله افکند؟! سرور من! شاید تو مرا از درگاه لطف خود رانده‌ای و از خدمت بندگی دورم کرده‌ای و یا این که دیدی من حق بندگی تو را سبک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۸

شمردم بدین جهت مرا از درگاهت راندی و یا آن که دیدی من از تو رو گرداندم به این سبب بر من خشم گرفتی یا آن که در مقام دروغگویم یافتی از نظر عنایت خود دور انداختی یا شاید دیدی که نسبت به نعمتهایت ناسپاسم مرا محروم ساختی و یا شاید مرا در مجالس اهل دانش نیافتی به خواری و ذلتم کشیدی و یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی به این جرم از رحمت خودت مرا ناامید کردی و یا شاید مرا در مجالس اهل باطل دیدی که من با آنها انس دارم مرا در میان آنان وا گذاشتی، گویا تو دوست نداشتی که دعا و درخواست مرا بشنوی مرا از درگاهت دور کردی و یا شاید به جرم گناهانم مکافات و کیفرم کردی و یا شاید به کم حیایی در حضورت مرا مجازات کردی- به هر حال- خداوندا! اگر مرا عفو کنی (که شایسته بزرگی توست) پیش از من چه بسیار از گنهکاران را عفو کرده‌ای چرا که لطف و کرمت بالاتر و برتر از آن است که مقصران را به کیفر رسانی ...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعا، به اموری اشاره کرده است که در حال نماز و مناجات انسان را از توجه به خدا بازمی‌دارند، برخی از آن امور به شرح زیر است:

۱- سبک شمردن حقوق الهی، به نحوی که باعث خوار شمردن آنها گردد.

۲- رو گرداندن و غفلت از خدا.

۳- خودداری نکردن از دروغ که ریشه تمام رذایل و گناهان است. (۱)

۴- ناسپاسی نسبت به نعمتهایی که خداوند به بندهاش عطا فرموده است.

(۱) در حدیث آمده است: «الکذب مفتاح کل شر» دروغ کلید همه بدیهاست- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۹

۵- همنشین نشدن با دانشمندان و علمای راستین که انسان را به یاد سرای آخرت می‌اندازند و به کارهای نیک وادار می‌نمایند.

۶- غفلت از یاد خدا و فراموش کردن مرگ که این دو باعث جلب انسان به شقاوت و هلاکت می‌شوند.

۷- همنشینی با اهل باطل که اوقات خود را به بیهودگی می‌گذرانند و عمر خود را در کارهای بیهوده و هرزگی تباہ می‌کنند، زیرا

که مجالس آنان باعث رو بر تافتن از خدا می‌شود (۱).

این بود بخشی از اموری که مانع توفیق پیوستن به خدا گشته و آدمی را از انجام کار خیر بازمی‌دارند، خداوند ما را از این امور

نگهدارد! و باز به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۱) «الهی و سیدی و عزتک و جلالک لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنک بعفوک، و لئن طالبتني بلؤمي لأطالبنک بکرمک، و لئن

ادخلتني النار لأخبرن أهل النار، بحبي لک، الی و سیدی إن كنت لا تغفر إلا لأولیائک، و أهل طاعتک فإلی من یفزع المذنبون، و

إن كنت لا تکرّم إلا أهل الوفاء بک فبمن یستغیث المسیئون الی إن ادخلتني النار ففی ذلک سرور عدوک- یعنی الشیطان الرجیم-

و إن ادخلتني الجنة ففی ذلک سرور نییک، و أنا و الله أعلم أن سرور نییک أحب إلیک من سرور عدوک ...»

«خداوندا ای مولای من به عزت و جلالت قسم که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی من هم به عفو و کرمت از تو بازخواست

خواهم کرد و اگر از من به پستی و خواریم مؤاخذه کنی من هم به بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به آتش

دوزخ وارد کنی، اهل دوزخ را از محبت خودم نسبت به تو آگاه می‌سازم، ای خدای من و ای مولای من!

(۱) مصباح شیخ طوسی و مصباح کفعمی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۰

اگر تو بر غیر اولیا و بندگان فرمانبر خود نبخشایی پس گنهکاران به درگاه چه کسی تضرع و زاری کنند و اگر تو با غیر وفاداران،

اکرام و احسان نکنی پس بدکاران به درگاه چه کسی پناه ببرند؟ خدای من! اگر مرا در آتش بیندازی دشمنت شیطان شاد می‌گردد

و اگر به بهشت ببری پیامبرت (حضرت محمد- صلی الله علیه و آله-) شادمان می‌گردد، به خدا سوگند که من یقین دارم تو

شادمانی پیامبرت را از شادی دشمنت دوست‌تر داری ...»

(۱) برآستی که سرور و آقای پرهیزگاران و پیشوای عارفان امام سجاد علیه السلام از آفریدگار بزرگ که رحمتش همه چیز را فرا

گرفته است درخواست عطف توجه کرده و از او برای گنهکاران و کسانی که در عبادت و بندگی او تقصیر کارند طلب آمرزش و

رضوان کرده است زیرا که فیض و بخشش او منحصر به مؤمنان و مطیعان نیست بلکه شامل حال تمام بندگان است. و با این مقدار

از فرازهای گزیده از دعای شریف امام علیه السلام سخن ما درباره دعای سحر شبهای ماه مبارک رمضان آن حضرت پایان

می‌پذیرد.

(۲)

## اشاره

امام زین العابدین علیه السلام موقعی که ایام ماه مبارک رمضان به آخر می‌رسید سخت ناراحت می‌شد زیرا که آن ایام بهار نیکوکاران می‌باشد، همواره امام علیه السلام با این دعای شریف ماه مبارک رمضان را وداع می‌گفت:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ، وَلَا يَنْدُمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَيَا مَنْ لَا يَكْفِي عَبْدُهُ عَلَى السَّوَاءِ، مَتَّكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوَكُ تَفْضُّلًا، وَ عَقُوبَتِكَ عَدْلًا، وَ قَضَاؤُكَ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۱

خیره ان اعطيت لم نشب عطاءك بمنّ، و ان منعت لم يكن منعك تعدّيًا تشكر من شكرك، و انت الهمته شكرك، و تكافئ من حمدك، و انت علمته حمدك، تستر على من لو شئت فضحته، و تجود على من لو شئت منعته، و كلاهما اهل منك للفضيحة و المنع غير أنّك بنيت افعالك على التفضّل، و اجريت قدرتك على التّجاوز، و تلقّيت من عصاك بالحلم، و امهلت من قصد لنفسه بالظلم تستنظروهم باناتك الى الإنابة، و تترك معاجلتهم الى التّوبة، لكيلا يهلك عليك هالكهم، و لا يشقى بنعمتك شقيهم الّا عن طول الإغذار إليه، و بعد ترادف الحجّة عليه، كرما من عفوك يا كريم، و عائده من عطفك يا حلیم ...

«خداوندا ای کسی که هیچ‌گاه در برابر عطا و بخشش خود پاداش نمی‌خواهی و ای آن که از بذل مرحمت و بزرگواری پشیمان نمی‌شوی، و ای خدایی که بر همه بندگان خوب و بد یکسان پاداش نمی‌دهی، احسان و محبت تو بر مخلوق در برابر طاعت نیست و عفو و بخشش صرف تفضل است و مجازات و کیفر گنهکاران نیز عین عدالت است و قضای تو بر اساس مصلحت و خیرخواهی است. خداوندا! اگر به بندگان چیزی عطا کنی هیچ‌گاه آن را با منت گذاشتن آمیخته نمی‌سازی و اگر چیزی را از کسی منع می‌کنی و به او نمی‌دهی نه از باب ظلم و تعدی است، تو آن بخشنده‌ای هستی که بر سپاسگزاران پاداش شکرگزاری می‌دهی در حالی که تو خود، آن سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای و به هر که حمد و سپاس تو را گوید پاداش می‌دهی در حالی که تو آن حمد و سپاس را به او آموخته‌ای، خداوندا! تو با این که می‌توانی بنده‌ات را رسوا کنی، بدیهای او را می‌پوشانی و با این که اگر بخواهی می‌توانی احسان نکنی با این همه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۲

مورد لطف و کرمت قرار می‌دهی، در صورتی که هر دوی اینها شایسته رسوایی و ندادن نعمت بودند جز این که تو همه اعمال و رفتار خود را بر اساس لطف و بزرگواری انجام می‌دهی و همه قدرت خود را در مورد عفو و گذشت از بندگان به کار می‌بردی و با معصیت کاران با حلم و بردباری رفتار می‌کنی و به کسانی که به خود ستم می‌کنند فرصت می‌دهی تا با حلم و شکیبایی تو مجالی پیدا کرده از غفلت بیرون آیند و به سوی تو برگردند تا آنان که مستوجب عذابند، هلاک نشوند و کسانی که اهل شقاوتند از رحمت تو محروم نگردند- مگر آن که با همه حلم و صبر تو و حجت‌های پیاپی که بر او تمام کردی بازهم به شقاوت خود بمانند- و از کرم تو برخوردار شوند ای خدای بخشنده و به اقیانوس رحمت بازگردند ای خدای صبور! ...»

ناگزیریم که در اینجا توفقی کوتاه داشته باشیم تا درباره این فرازهای نورانی از سخنان امام علیه السلام دقت کنیم، این جملات ارزنده مشتمل بر مطالب ذیل است:

(۱)

## ۱- بخشندگی و کرم خدا

اما کرم و بزرگواری و بخشش خداوند بر بندگان آن طوری که امام علیه السلام فرموده به شرح زیر است:

الف- نعمت خداوند متعال بر بندگان به امید پاداشی از جانب ایشان نیست زیرا که خدای تعالی بی‌نیاز از بندگان اوست آنان نیازمند او هستند.

ب- خدای متعال هر چند نعمت بزرگی را شامل حال بنده‌ای از بندگانش بفرماید هرگز از احسان و لطف خود پشیمان نمی‌شود آن طوری که مخلوقات در بذل و بخششهای خود وقتی که فایده‌ای به حال آنها نداشته باشد، پشیمان می‌گردند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۳

ج- همانا نعمتهای الهی همراه با منت نیست زیرا که خدای تعالی از باب لطف و از راه تفضل نعمت می‌دهد.

د- خدای تعالی بدون مقدمه و بی‌چشمداشت به بندگان احسان و کرم می‌کند.

(۱)

## ۲- عفو و مجازات خدا

اما عفو و گذشت پروردگار از گنهکاران و بدکاران، از باب لطف و رحمت است و اما مجازات و کیفر ایشان عین عدالت می‌باشد زیرا که جز به مقدار استحقاق گنهکار مجازات نمی‌فرماید.

(۲)

## ۳- قضای الهی

اما قضای الهی و صدور افعال از باری تعالی، از روی اختیار است و ذات مقدس او، چنان که بعضی از فلاسفه می‌گویند، در افعال خود مجبور نیست.

(۳)

## ۴- سپاس خدا از سپاسگزاران

خدای متعال از کسانی که شکر نعمت او را می‌گزارند، با عنایت بیشتر و افزون کردن الطاف و افزایش نعمتهای خود بر ایشان قدردانی می‌کند و مقصود از شکرگزاری خداوند از بنده، همین است همچنین بر کسی که حمد و سپاس او را بگوید پاداش می‌دهد و الطافش را به او ارزانی می‌دارد.

(۴)

## ۵- پرده‌پوشی از گناه

از جمله الطاف خداوندی بر بنده‌اش، پرده‌پوشی در هنگام ارتکاب معصیت اوست در صورتی که اگر اراده فرماید او را رسوا می‌کند و در انظار مردم بی‌اعتبار می‌سازد، همچنان که الطاف خداوند بر گنهکار آن است که بر او کرم می‌کند و روزی می‌دهد در حالی که اگر بخواهد مانع می‌شود و او را از گرسنگی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۴

می‌میراند و لیکن اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که از گناه گنهکاران بگذرد به امید این که فرصتی پیدا کنند و به راه حق و هدایت برگردند و کسی از آنان نگویند مگر آن که بر گنهکاری و دوری از حق پافشاری و اصرار ورزد ...

این بود قسمتی از محتوای کلمات امام علیه السلام و اینک به فرازهای دیگری از این دعای شریف گوش فرامی‌دهیم.

(۱) انت الّذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک، و سمّیته التّوبه، و جعلت علی ذلک الباب دلیلا. من وحیک لئلا یضلّوا عنه، فقلت تبارک اسمک: تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نُّصُوحاً عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «۱»

فما عذر من اغفل دخول ذلك المنزل بعد فتح الباب و اقامه الدليل، و انت الّذی زدت فی السّوم علی نفسک لعبادک، ترید ربّهم فی متاجرتهم لک، و فوزهم بالوفاده عليك، و الزیاده منک، فقلت تبارک اسمک و تعالیت: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا «۲» و قلت: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ «۳» و قلت: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ\* «۴» اضعافا کثیره، و ما انزلت من

(۱) تحریم / ۸.

(۲) انعام / ۱۱۰.

(۳) بقره / ۲۶۱.

(۴) حدید / ۱۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۵

نظائرهنّ فی القرآن من تضاعیف الحسنات، (۱) و انت الّذی دللتهم بقولک من غیبک و ترغیبک، الّذی فیہ حظّهم علی ما لو سترته عنهم، لم تدرکه ابصارهم، و لم تعه اسماعهم، و لم تلحقه اوامهم، فقلت: فَأَذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ وَ أَشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ «۱» و قلت: لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ «۲» و قلت:

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ «۳» فسَمَّيت دعائك عبادۀ و ترکه استکبارا، و توعدت علی ترکه دخول جهنّم داخرین، فذکروک بمنک، و شکروک بفضلک، و دعوک بامرک، و تصدّقوا لک طلبا لمزیدک، و فیها کانت نجاتهم من غضبک، و فوزهم برضاک، و لو دلّ مخلوق مخلوقا من نفسه علی مثل الّذی دللت علیہ عبادک منک کان موصوفا بالاحسان، و منعوتا بالامتنان، و محمودا بكلّ لسان فلک الحمد ما وجد فی حمدک مذهب، و ما بقی للحمد لفظ تحمد به، و معنی ینصرف الیه، یا من تحمّد الی عبادہ بالإحسان و الفضل، و غمرهم بالمنّ و الطّول ما افشى فینا نعمتک، و اسبغ علینا منتک، و اخصّنا ببرکک، هدیتنا لدینک الّذی اصطفیت، و ملّتک الّتی ارتضیت، و سیلک الّذی سهّلت و بصّرتنا الزّلفه لדיک، و الوصول الی کرامتک

...

(۱) «خداوندا تویی که همیشه دری به روی بندگانت به سوی عفو و بخشش

(۱) بقره / ۱۵۲.

(۲) ابراهیم / ۷.

(۳) غافر / ۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۶

خود گشوده‌ای و آن را توبه نامیده‌ای و برای توبه راهنمایی از طریق وحی گمارده‌ای تا بندگان تو آن را گم نکنند و تو ای خداوند بزرگ فرموده‌ای:

(ای مؤمنان به درگاه خدا توبه نصوح کنید، باشد که خداوند از گناهان شما بگذرد و شما را در باغ بهشت جا دهد که زیر

درختانش نهرها جاری است، در آن روزی که خداوند پیامبر و سایر گروندگان به او را خوار و ذلیل نمی‌سازد، در آن روز نور ایشان در پیش رو و سمت راست آنها می‌رود و در آن حال گویند پروردگارا تو نور ما را به حد کمال رسان و ما را ببخش که تنها تو بر هر چیز توانایی. پس خداوند بانه گنهکارانی که در اثر غفلت خود توبه را به تأخیر اندازند با وجود باز بودن در توبه و اقامه دلیل، چیست؟! در صورتی که تو در معامله با بندگان، رعایت سود آنها را بر خود لازم دانسته‌ای و مایلی که آنها در معاملات خود با تو سود ببرند و هنگامی که پس از مرگ بر تو وارد می‌شوند سعادتمند شوند و علاوه بر مزدشان، پاداش عطا فرمایی، خداوند تو که نام مقدست گرامی است فرموده‌ای: (هر کس کار نیک انجام دهد، ده برابر پاداش می‌بیند و هر که عمل بدی به جا آورد کیفری معادل آن را می‌بیند.) و نیز فرموده‌ای: (مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مانند دانه گندمی است که کاشته می‌شود و از هر دانه هفت خوشه می‌روید و در هر خوشه صد دانه دارد، و خداوند به هر که خواهد بیش از آن هم عطا می‌کند.) و باز فرموده‌ای: (کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد تا آن که خداوند چندین برابر آن را به وی پاداش مرحمت کند؟) و دیگر آیاتی را که نظیر اینها درباره چندین برابر بودن پاداش حسنات فرو فرستاده‌ای، و تو ای خداوند بزرگ با این سخنانی که از عالم غیب فرستاده‌ای بندگان را به نیکی و نیکوکاری ترغیب و تشویق کرده‌ای تا از دریای بیکران احسان تو بهره‌مند شوند که اگر تو اینها را از مردم پنهان می‌داشتی مردم آن حقایق را نه به چشم می‌دیدند و نه به گوش می‌شنیدند و نه فکرشان به آنها می‌رسید، و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۷

(۱) نیز فرمودی: (- ای بندگان من - مرا به یاد آورید تا من هم شما را یاد کنم و سپاسگزار نعمتهای من باشید و ناسپاسی نکنید.) و باز فرموده‌ای:

(اگر سپاسگزاری کنید نعمتها را افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید عذاب من دشوار خواهد بود) و فرموده‌ای: (مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم و کسانی که از عبادت من رو گردان شوند بزودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند شد). خداوند! تو دعا و درخواست بندگان را عبادت نامیده‌ای و ترک مناجات و تضرع را تکبر و استکبار خوانده‌ای و ترک دعا و تضرع به درگاہت را باعث عذاب توأم با ذلت و خواری شمرده‌ای. خداوند! اینک که به لطف تو، توفیق دعا را یافته و به دستور تو جرأت درخواست از تو را پیدا کرده‌اند و به خاطر تو به مستمندان صدقه می‌دهند و امیدوار افزایش احسان تو هستند، در حالی که همان دعا باعث نجات آنان از غضب تو شده و آنان را به مرحله رضا و خشنودی تو می‌رساند. اگر یکی از بندگان با دیگری چنین رفتار می‌کرد بطور یقین به احسان و نیکوکاری معروف می‌شد، پس خداوند! حمد و سپاس تو را به حدی که فهم و ادراک ما برسد به جا می‌آوریم، ای خدایی که با فضل و احسان بی‌انتهایت بندگان را غرق نعمت کرده و به حمد و ثنات واداشته‌ای، چقدر عنایت خود را درباره ما ظاهر ساخته‌ای و نعمتهای خویش را بر ما ارزانی داشته‌ای و ما را به دینی که برگزیده توست هدایت نموده‌ای و ما را جزو ملتی قرار داده‌ای که آنها را پسندیده و راه هدایت خود را به آنان نشان داده‌ای و برای تقرب به پیشگاهت و پیوستن به دریای کرمت به ما چشم بصیرت عطا کرده و به سوی خود دعوت فرموده‌ای - (۱) امام علیه السلام در این بخش از سخنان خود، از لطف بیکران و فضل بی‌پایان پروردگار نسبت به گنهکاران از بندگان سخن گفته است که خداوند در توبه و آمرزش را برای نجات ایشان از هلاکت و رهایی از عذاب در عالم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۸

آخرت به روی ایشان گشوده است و توبه است که گناهان را زایل کرده و آدمی را از گردابهای هولناک نجات می‌دهد، با این شرط که انسان توبه کار واقعاً پشیمان شده و از گناهی که مرتکب شده است نادم باشد و دوباره تکرار نکند.

(۱) امام علیه السلام از لطف دیگر پروردگار نسبت به بندگان سخن گفته است و آن عبارت از تشویق انسانها به احسان و نیکی

به مردم و صدقه و انفاق بر فقرا و مستمندان است و در برابر این احسان و انفاق پاداش فراوانی را در سرای آخرت و جهان ابدی برای ایشان ضمانت فرموده است و تمامی اینها برای نجات و سعادت بندگان می‌باشد، براستی که چقدر لطف او فراوان و فضل و احسانش نسبت به بندگان بی‌حساب است! امام علیه السلام در این بخش از دعا، به شکر و سپاس نعمتهای الهی اشاره فرموده است که خود باعث افزونی نعمت است، و همچنین دعا و تضرع به درگاه باری تعالی را مطرح کرده که خداوند متعال دعا را عبادت دانسته و ترک دعا و زاری را بر حسب بیان و اظهار قرآن مجید سرکشی و استکبار شمرده است. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف توجه می‌کنیم:

(۲) اللَّهُمَّ و انت جعلت من صفایا تلک الوظائف، و خصایص تلک الفروض، شهر رمضان الذی اختصاصه من سائر الشهور، و تخیرته من جمیع الأزمنة و الدهور، و اثرته علی کل اوقات السنه بما انزلت فيه من القرآن و التور، و ضاعفت فيه من الإیمان و فرصت فيه من الصیام، و رغبت فيه من القیام، و اجللت فيه من ليله القدر الّتی هی خیر من الف شهر، ثم آثرتنا به علی سائر الأمم، و اصطفتنا بفضله دون اهل الملل فصمنا بامرک نهاره، و قمنا بعونک ليله، متعرضین بصیامه و قیامه لما عرّضتنا له من رحمتک، و تسببنا الیه من ثوبتک. و انت الملیء بما رغب فيه الیک، الجواد بما سألت من فضلک،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۹

القرب الی من حاول قربک، و قد اقام فینا هذا الشهر مقام حمد، و صحبنا صحبه مبرور و اربحنا افضل ارباح العالمین، ثم قد فارقتنا عند تمام وقته، و انقطاع مدّته و وفاء عدده، فنحن مودّعه و داع من عزّ فراقه علینا و غمنا، و اوحشنا انصرافه عنّا، و لزمنا له الذمام المحفوظ، و الحرمة المرعیة و الحقّ المقضی ...

«خداوندا تو به لطف و احسان خودت، یکی از بهترین وظایف و خصوصی‌ترین تکلیفها، فریضه‌های ماه مبارک رمضان را مقرر فرموده‌ای و به واسطه همین ویژگیها این ماه را نسبت به ماههای دیگر ممتاز کرده‌ای و از میان همه زمانها و روزگاران این ماه را برگزیده‌ای و بر تمام اوقات سال به واسطه نزول قرآن و نور هدایت ترجیح داده‌ای و در این ماه اجر و ثواب ایمان و کارهای نیک را چندین برابر فرموده و روزه گرفتن را به مردم واجب کرده‌ای و مردم را برای ادای نماز و شب‌زنده‌داری در شبهای این ماه، ترغیب و تحریص نموده‌ای و در این ماه شب قدر را گرامی داشته‌ای که فضیلت عبادت در آن شب از هزار ماه بالاتر است. وانگهی ما امت اسلامی را به واسطه روزه ماه رمضان و شب قدرش بر سایر امتهای برتری داده‌ای، پس ما به فرمان تو روزهای آن را روزه دار و شبهایش را به یاری و توفیق تو به اقامه نماز می‌پردازیم و هدف ما از روزه و نماز در این ماه این است که مشمول رحمت و احسان تو گردیم و وسیله‌ای برای آن باشد که شایستگی ثواب و اجر تو را که در این ماه مقرر داشته‌ای، به دست آوریم، همان طوری که مقصود تو از واجب کردن روزه و مقرر داشتن اعمال شب قدر، آن است که بندگان خود را شایسته رحمت و سزاوار احسان خودسازی در صورتی که تو از این اطاعت و عبادت بی‌نیازی و هر چه می‌خواهند بلاعوض می‌بخشی و به هر بنده‌ای که به درگاهت تقرب جوید بسیار نزدیکی. خداوندا! تو مقام این ماه را در میان ما امت اسلامی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۰

پسندیده و گرامی داشته‌ای و برای ما هم مصاحب خوبی شده و عالیترین سود را در این ماه، از میان تمام مردم جهان به ما عطا فرمودی. سپس موقعی که این ماه پایان گرفت و ما آن را وداع گفتیم، اما همچون کسی که فراقش بر ما گران است از آن جدا شدیم، عهد مودت آن در دل‌های ما محفوظ است و ما خود را مدیون آن می‌دانیم و حق آن را رعایت کرده و حرمت آن را پاس می‌داریم ...»

(۱) امام علیه السلام با این عبارات به فضیلت ماه مبارک رمضان اشاره فرموده است که خداوند آن را بر سایر ماهها امتیاز داده و فضایل فراوانی را به این ماه شریف اختصاص داده است، روزه این ماه را واجب کرده و شب‌زنده‌داری و عبادت و اطاعت خود را

در آن مستحب فرموده است و مزد و اجر اعمال نیک را در این ماه چندین برابر مقرر داشته و تنها در این ماه، شب قدر را که بهتر از هزار ماه است، قرار داده و مسلمانان را فقط به چنین افتخاری نایل کرده و به آنها چنین نعمتی را ارزانی داشته است نه بر سایر امتها، به خاطر آن که در پیشگاه او به درجات بالاتر و مقامات عالیہ برسند... و امام علیه السلام اندوه خود را در مورد جدایی از این ماه با عظمت که در هر ثانیه آن حسنات و اعمالی را به دست می‌آورد که هر چه بیشتر باعث نزدیکی او به درگاه الهی می‌گردید، ابراز می‌دارد.

و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) فنحن قائلون: السلام عليك يا شهر الله الأكبر، و يا عيد اوليائه السّلام عليك يا اكرم مصحوب من الأوقات، و يا خير شهر في الأيام و السّاعات، السّلام عليك من شهر قربت فيه الآمال، و نشرت فيه الأعمال، السّلام عليك من قرين جلّ قدره موجودا، و افجع فقده مفقودا، و مرجو آلم فراقه، السّلام عليك من اليق انس مقبلا فسّر، و أوحش منقضيّا فمضّ، السّلام عليك من مجاور رقت فيه القلوب، و قلت فيه الذّنوب، السّلام عليك من ناصر اعان  
تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۱

على الشّيطان، و صاحب سهّل سبيل الإحسان، السّلام عليك ما اكثر عتقاء الله فيك! و ما اسعد من رعى حرمتك بك! (۱) السّلام عليك ما كان امحاك للذّنوب! و استرك لأنواع العيوب! السّلام عليك ما كان اطولك على المجرمين! و اهييك في صدور المؤمنين! السّلام عليك من شهر لا تنافسه الأيام، السّلام عليك من شهر هو من كلّ امر سلام، السّلام عليك غير كرهه المصاحبة، و لا ذميم الملابس، السّلام عليك كما وفدت علينا بالبركات و غسلت عنا دنس الخطيئات، السّلام عليك غير مودّع برما، و لا متروك صيامه سأمًا، السّلام عليك من مطلوب قبل وقته، و محزون عليه قبل فوته، السّلام عليك كم من سوء صرف بك عنا، و كم من خير افيض بك علينا، السّلام عليك و على ليلة القدر التي هي خير من الف شهر، السّلام عليك ما كان احرصنا بالأمس عليك! و اشدّ شوقنا غدا اليك! السّلام عليك و على فضلک الذي حرمناه، و على ماض من برکاتک سلناه...»

«پس ما می‌گوییم: درود بر تو ای ماه بزرگ خدا و ای عید اولیای خدا! درود ای گرامیترین همدم و ای که در همه وقت بهترین مونس ما بودی. و درود بر تو ای ماهی که بهترین روزها و بهترین ساعتها را داشتی، درود بر تو ای ماهی که آمال و آرزوها را نزدیک می‌کردی و اعمال نیک در تو بیشتر از سایر ماهها انجام می‌گرفت، درود بر تو که همدم و همراه با عزت و جلال ما بودی و از فراق و دوری تو ما سخت نالانیم و مایه امید اهل ایمان بودی و دوریت دل آنان را به درد آورد. درود بر تو ای ماه عزیزی که با آمدن تو انس و نشاط آمد و با رفتن تو دلها را وحشت و غم فرا گرفت، درود

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۲

بر تو ای ماهی که در اثر همراهی با تو دل‌های ما رقت یافت و گناهان ما کمتر شد، درود بر تو ای ماه بزرگ که ما را در مبارزه با شیطان یاری کردی و راه احسان و نیکی را- که بر ما سخت و گران می‌آمد- سهل و آسان کردی، درود بر تو ای ماه عزیز، چقدر آزادشدگان از آتش دوزخ در تو فراوان بودند و چه خوشبخت شد آن که حرمت تو را پاس داشت درود بر تو که چقدر گناهان را که تو باعث از میان رفتن و انجام نگرفتن آن شدی و چه عیبهایی که باعث پرده‌پوشی آنها گشتی! درود بر تو که چقدر احسانت بر گنهکاران زیاد و هیبت و جلالت در دل اهل ایمان فراوان است، درود بر تو ای ماه عزیز که هیچ روزگاری در پاکی و زیبایی به پای تو نرسد، درود بر تو ای ماه خدا که خداوند به خاطر تو رحمت و سلام فرو فرستاد، درود بر تو، که مصاحبت تو هیچ سنگینی نداشت و هیچ‌گاه از بودن با تو احساس ناراحتی نکردیم، درود بر تو چنان که با رحمت و برکت بر ما نازل شدی ما را از بدی گناهان پاک و پاکیزه ساختی، درود بر تو نه خداحافظی از روی ملامت و نه آن که از روزه‌داری تو خسته شده و آن را ترک گفته‌ایم، درود بر تو ای ماهی که قبل از آمدن تو مشتاق دیدارت بودیم و هنگام رفتن غمگینیم، درود بر تو که چه بسیار بدیها به



واسطه تو از ما برطرف شد و چه بسیار نیکیهایی که بر ما از طرف خداوند سرازیر گشت، درود بر تو و بر شب قدر تو که از هزار ماه بالاتر است، درود بر تو که چقدر به دیدار تو در گذشته اشتیاق داشتیم و چقدر به دیدار آینده‌ات علاقه‌مندیم! درود بر تو و بر فضیلت و شرف تو که با رفتن از آن همه فضیلت محروم گشتیم و درود بر روزهای گذشته‌ات که از دست ما رفتند...»

(۱) برآستی که امام علیه السلام ماه مبارک رمضان را با این همه تحیات و درودهای گرم عطرآگین و با اشتیاقی آمیخته بر مرارت و تأسف از جدایی و فراق

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۳

آن، وداع می‌گوید، زیرا که این ماه شریف برای آن حضرت میدان کارهای خیر و اعمال پسندیده‌ای بود که باعث نزدیکی وی به خدای متعال می‌شد. امام علیه السلام ویژگیهای این ماه شریف و امتیازات آن را به ماههای دیگر بیان کرده است. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۱) «اللَّهُمَّ اَنَا اهل هذا الشهر الذي شرفتنا به، ووقفنا بمنك له، حين جهل الأشقياء وقته، و حرموا لشقائهم فضله، انت ولي ما آثرتنا به من معرفته، و هديتنا له من سنته، و قد تولينا بتوفيقك صيامه و قيامه على تقصير، و ادينا فيه قليلا من كثير ...»

«خداوندا ما اهل و شایسته این ماه بزرگ تو بودیم که تو ما امت اسلامی را به این ماه شرافت دادی و ما را به لطف خود بر عبادت در این ماه موفق کردی در حالی که مردمان نگویند و اشقیای امت شرافت این ماه را نشناختند و به خاطر شقاوتشان از فضیلت این ماه محروم ماندند. خداوندا تو ولی نعمت مایی که ما را برای کسب فضیلت این ماه برگزیدی و به انجام وظایف و آدابش هدایت کردی و اینک ما با همه تقصیر خود به توفیق تو توانسته‌ایم روزه و نماز آن را به جا آوریم و اندکی از آداب فراوان این ماه شریف را انجام دهیم.»

(۲) «اللَّهُمَّ فلک الحمد اقرارا بالإساءة، و اعترافا بالإضاعة، و لك من قلوبنا عقد التدم، و من ألسنتنا صدق الاعتذار، فاجرنا على ما اصابنا فيه من التفریط اجرا نستدرک به الفضل المرغوب فيه، و نعتاض به من انواع الذخر المحروص عليه، و اوجب لنا عذرک على ما قصرنا فيه من حقک، و ابلغ باعمارنا ما بین ایدینا من شهر رمضان المقبل، فاذا بلغتنا فاعنا على تناول ما انت اهله من العبادة، و اذنا الى القيام بما يستحقه من الطاعة، و اجر لنا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۴

من صالح العمل ما يكون درکا لحقک فی الشهرین من شهر الدھر ...

خداوندا! تو را سپاس می‌گویم و به بدکاری و نقص اعمالمان اعتراف داریم و برای این نقص و کاستی‌مان در دلهایمان احساس پشیمانی می‌کنیم و با زبانمان عذر و پوزش می‌طلبیم پس به عنایت خود در قبال این کاستیها اجر و پاداش کامل بر ما عطا فرما تا به لطف و رحمت تو بدان وسیله مشمول اجر اخروی گردیم، و عذر تقصیر ما را بپذیر و در مورد اعمالی که حق آنها را به جا نیاورده‌ایم از ما بگذر و عمرهای ما را تا ماه رمضان آینده طولانی فرما و چون عمر باقی دادی، توفیق بده تا به فیض عبادتی که شایسته درگاه توست نایل شویم و بر ادای نماز و طاعتی که سزاوار پیشگاه توست ما را موفق بدار و ما را به انجام اعمال شایسته و ادار تا بتوانیم حق طاعت تو را در دو ماه- رمضان گذشته و آینده- از ماها ادا کنیم.

(۱) «اللَّهُمَّ و ما الممنا به فی شهرنا هذا من لمم او اثم، او واقعا فيه من ذنب و اکتسبنا فيه من خطيئة على تعمّد منّا، او انتهكنا به حرمة من غيرنا، فصلّ على محمّد و آله، و استرنا بسترک، و اعف عنا بعفوک، و لا تنصبنا فيه لأعين الشّامتين، و لا تبسط علينا فيه السن الطّاغين، و استعملنا بما يكون حطّة و كفّارة لما انکرت منّا فيه برأفتک الّتی لا تنفد، و فضلك الّذی لا ینقص، اللَّهُمَّ صلّ على محمّد و آله، و اجر مصیبتنا بشهرنا، و بارک فی یوم عیدنا و فطرنا، و اجعله من خیر یوم مرّ علينا، اجلبه لعفو، و امحاه لذنب، و اغفر لنا ما خفی من ذنوبنا و ما علن ...»

پروردگارا در این ماه شریف هر گناه و لغزشی که از ما سرزده و یا از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۵

روی عمد مرتکب خطایی شده‌ایم و یا از روی فراموشی به خودمان ستم روا داشته‌ایم و یا هتک حرمت دیگران را کرده‌ایم، اولاً بر محمد و آل محمد درود فرست و سپس همه آن گناهان را در پرده رحمت خود پوشیده دار و به عفو و کرمت از ما در گذر و ما را در معرض سرزنش ملامتگران قرار مده و زبان طعنه‌گویان را بر ما بازگردان و ما را به راه خیری هدایت کن که باعث محو شدن و کفاره گناهانمان باشد و به لطف و رحمت بی‌پایانت بر محمد و آل محمد درود فرست و مصیبت فراق این ماه عزیز را با لطف خودت جبران کن و روز عید را بر ما مبارک گردان و آن را از نظر عفو و گذشت بهترین روز ما قرار بده و آن را روز محو گناهان ما بگردان و تمام گناهان ظاهری و پنهانی ما را ببخش ...»

(۱) آیا به این همه تواضع و کرنش در برابر پروردگار بزرگ توجه دارید و ملاحظه می‌فرمایید که چگونه طلب مغفرت و بخشش می‌کند و در پیشگاه خداوند به تقصیر از انجام عبادت و طاعت چنان که شایسته ماه مبارک رمضان است، اعتراف دارد، این گوینده و وداع‌کننده امام زین العابدین علیه السلام است، الله اکبر!! حَقًّا که این امام بزرگوار تنها نمونه جهان پرهیزگاران و شایستگان است.

اینک به آخرین بخش این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بَانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا، وَ اخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اجْزَلِهِمْ قَسْمًا فِيهِ، وَ اوفِرْهُمْ حَقًّا مِنْهُ، اللَّهُمَّ وَ مِنْ رَعَى حَقَّ هَذَا الشَّهْرِ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ حَفِظَ حَرَمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَ قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا، وَ اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا، وَ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَرْبِهِ أَوْجِبْتَ رِضَاكَ لَهُ، وَ عَطَفْتَ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ، وَ اعْطِنَا أضعافه مِنْ فَضْلِكَ،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۶

فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ، وَ إِنَّ خِزَانَتَكَ لَا تَنْقُصُ بِلِ تَفِيضِ، وَ إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى، وَ إِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمَهْنَأَ ...

«خداوندا با تمام شدن این ماه، بین ما و خطاهایمان جدایی بینداز و با رفتن این ماه گناهان ما را از نامه اعمالمان محو گردان و ما را از جمله سعادت‌مندترین اشخاص در این ماه قرار بده و جزو کسانی محسوب بدار که بیشترین سهم و بهره را از این ماه شریف داشته‌اند، خداوندا هر کسی که بطور کامل رعایت حق این ماه را کرده و احترام آن را بطور شایسته نگهداشته و به شایستگی به حدود و وظایف این ماه قیام کرده و از ارتکاب گناهان کاملاً دوری جسته و یا به درگاه تو مقرب گشته و با کردار خود موجب رضای تو شده است، سهم ما را نیز از رحمت و کرم خود به اندازه سهم آن کس و چندین برابر بیشتر قرار بده، زیرا که لطف تو با بخشش و کرم کم نگردد و گنجینه‌های احسانت نه تنها کم نشود بلکه فزونتر گردد و معادن احسان تو بی‌پایانند و بخششهای تو گواراترین بخششهاست.

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكتبْ لَنَا مِثْلَ اجْرٍ مِنْ صَامِهِ أَوْ تَعَبِدٍ لَكَ فِيهِ أَلِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ أَنَا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سرورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنِبْنَاهُ أَوْ سَوْءِ اسْلَفِنَاهُ، أَوْ خَاطِرِ شَرِّ أضمْرِنَاهُ تَوْبَةً مِنْ لَّا- يَنْطَوِي عَلَى رَجُوعِ أَلِي ذَنْبٍ، وَ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ وَ الْارْتِيَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا وَ ارْضَ عَنَّا وَ ثَبِّتْنَا عَلَيْهَا ...

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و همانند اجر و مزد تمام کسانی که روزه این ماه را گرفته و یا عبادت تو را تا روز قیامت به جا آورند به ما نیز مرحمت فرما، خدایا ما در روز عید فطری که تو آن را برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۷

مؤمنان عید و باعث خشنودی و سرور قرار داده‌ای و برای امت اسلامی محفل جشن و اجتماع با شکوه قرار داده‌ای از صمیم قلب از

هر گناهی که قبلاً مرتکب شده‌ایم و یا عمل بدی که از ما سر زده است و یا هر فکر بدی که در دل ما خطور کرده است توبه می‌کنیم چنان توبه‌ای که دوباره به سوی گناه بر نگردیم و توبه نصح که هرگز دوباره مرتکب گناه نشویم و توبه‌ای که هرگز آلوده به شک و تردید نباشد، پس خداوند تو با لطف و کرم توبه ما را بپذیر و از ما راضی و خشنود باش و در این توبه ما را استوار مدار.

(۱) اللَّهُمَّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد، و شوق ثواب الموعود حتى نجد لذّة ما ندعوك به، و كآبۀ ما نستجيرك منه، و اجعلنا عندك من التّوابين اللّذين اوجبت لهم محبتك، و قبلت منهم مراجعة طاعتك، يا اعدل العادلين. اللَّهُمَّ تجاوز عن آبائنا و امهاتنا و اهل ديننا جميعا من سلف منهم، و من غير الی يوم القيامة. اللَّهُمَّ صلّ علی محمّد نبينا و آله، كما صلّيت علی ملائكتك المقربين، و صلّ علیه و آله كما صلّيت علی انبيائك المرسلين، و صلّ علیه و آله كما صلّيت علی عبادك الصّالحين، و افضل من ذلك يا ربّ العالمين، صلاةً تبلغنا برکتها، و ينالنا نفعها، و يستجاب لها دعاؤنا، انّك اكرم من رغب الیه، و اكفی من توكلّ علیه، و اعطى من سئل من فضله، و انت علی كلّ شیء قدير... [۱].

پروردگارا به ما حالت ترس از مجازات و وعده عذاب و شوق ثواب و وعده پاداش مرحمت کن تا آن که لذت دعا و مناجات با تو، و دشواری عمل بدی را که باعث طلب عفو است در خود احساس کنیم و ما را از

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و چهارم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۸

جمله توبه‌کنندگان قرار ده که محبت و دوستی خود را بر آنان لازم کرده‌ای و از آنان بازگشت به طاعت و بندگی را قبول کرده‌ای. ای عادلترین عادلان، خداوند از گناهان پدران، مادران و همکیشان ما؛ همه آنهایی که از این دنیا رفته‌اند و کسانی که تا روز قیامت به دنیا می‌آیند، چشم‌پوشی کن و از همه در گذر. خداوند بر پیامبر ما محمد و آل محمد درود فرست همان طوری که بر تمام فرشتگان مقرب درود و رحمت می‌فرستی و بر آن حضرت و خاندانش درود فرست چنان که بر پیامبران مرسل درود و رحمت می‌فرستی و بر او و خاندان پاکش درود فرست همان طوری که بر بندگان شایسته‌ات درود و رحمت می‌فرستی و بلکه افضل و کاملتر از آنها، ای پروردگار جهان! چنان درود و رحمت کاملی که ما هم از آن بهره‌مند شویم و از برکات آن سود ببریم، و از آن رو دعاهای ما را مستجاب نما زیرا که تو بخشنده‌تر از هر کسی هستی که مردم اشتیاق بخشش او را دارند و از هر شخص مورد اعتماد موثق‌تری و بخشنده‌ترین کسی هستی که مردم تقاضای بخشش کنند و تو بر هر کاری توانایی...»

براستی این دعای شریف بلکه سایر دعاهای امام علیه السلام از کلماتی است که بر ژرفای دلها نشیند و قلبها را تکان می‌دهد و باعث نیروی تقوا و ایمان می‌گردد همچنان که گنهکاران را بر پشیمانی و حسرت و تأسف بر تقصیرات و نواقص اعمالش در برابر خدا وامی‌دارد.

(۱)

## در روز عید فطر

امام زین العابدین علیه السلام با دعا و تضرع در پیشگاه خدا به استقبال

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۹

عید فطر می‌رفت در حالی که از درگاه احدیت او قبولی روزه و سایر عبادات و اعمال نیکی را که در ماه رمضان انجام داده بود، درخواست می‌کرد و عفو و رضوان خدای متعال را مسألت می‌نمود، صبح زود به سراغ فقرا می‌رفت و زکات فطره خود و تمام

کسانی را که نانخور او بودند به ایشان مرحمت می‌کرد و نماز عید را می‌خواند و پس از فراغت از نماز رو به قبله می‌ایستاد و این دعای شریف را می‌خواند:

(۱) «یا من یرحم من لا- یرحمه العباد، و یا من یقبل من لا تقبله البلاد، و یا من لا یحترق اهل الحاجه الیه، و یا من لا یخیب الملیحین علیه، و یا من لا یجبه بالردّ اهل الدّالّه علیه، و یا من یجتبی صغیر ما یتحف به، و یشکر سیر ما یعمل له، و یا من یشکر علی القلیل، و یجازی بالجلیل، و یا من یدنو الی من دنا منه، و یا من یدعو الی نفسه من ادبر عنه، و یا من لا یغیر التعمه، و لا یبادر بالتقمه، و یا من یشمر الحسنه حتّی ینمیها، و یتجاوز عن السّیئه حتّی یعفیها، انصرفت الآمال دون مدی کرمک بالحاجات، و امتلأت بفیض جودک اوعیه الطّلبات، و تفسّخت دون بلوغ نعتک الصّیفات، فلک العلوّ الأعلى فوق کلّ عال، و الجلال الأمجد فوق کلّ جلال، کلّ جلیل عندک صغیر، و کلّ شریف فی جنب شرفک حقیر، خاب الوافدون علی غیرک، و خسر المتعزّضون الّا لک، و ضاع الملمون الّا بک، و اجذب المنتجعون الّا من انتجع فضلك، بابک مفتوح للزّاعین، و جودک مباح للسّائلین، و اغاثتک قریبه من المستغیثین، لا یخیب منک الآملون، و لا ییأس من عطائک المتعزّضون، و لا یشقی بنقمتک المستغفرون، رزقک مبسوط لمن عصاک، و حلمک معترض لمن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۰

ناواک، عادتک الإحسان الی المسیئین، و سنّتک الإبقاء علی المعتدین، حتّی لقد غزّتهم اناتک عن الزّجوع، و صدّهم امهالک عن التّزّوع، و أنّما تأنّیت بهم لیفیثوا الی امرک، و امهلتهم ثقّه بدوام ملکک، فمن کان من اهل السّیاده ختمت له بها، و من کان من اهل الشّقاوه خذلت له ...

«ای خدایی که رحم‌کننده بر کسی هستی که دیگران به او رحم نمی‌کنند و ای خدایی که پذیرای کسی هستی که هیچ شهر و دیاری او را پذیرا نیست، ای خدای مهربان که نیازمندان به درگاهت را به چشم حقارت نمی‌نگری و ای کسی که حاجتمندانی را که با اصرار از تو حاجت می‌طلبند، ناامید بر نمی‌گردانی و ای آن که دست رد به سینه بندگان که با کبر و غرور به درگاهت می‌آیند نمی‌زنی، ای خداوندی که اعمال ناچیز بندگان را که به درگاهت هدیه می‌فرستند بر می‌گزینی و به اندک آنان سپاس می‌گویی و بر عمل ناچیز آنان اجر و مزد فراوان می‌دهی و ای خدایی که بر هر که به او تقرب جوید تو نیز به او نزدیک می‌شوی و از بندگان که از روی طغیان از تو رو بر می‌گردانند با عنایت خود رفتار می‌کنی و ایشان را به سوی خود می‌خوانی، و ای آن که ناسپاسی بندگان باعث دگرگونی نعمت ایشان و اقدام به عذاب آنان نگردد، ای خداوندی که با مهربانی خود به ثمره نیکی نیکوکاران رشد و نمو بیشتر می‌دهی و به قدری از گناهان و بدیهای ایشان می‌گذری که گناهی در نامه عمل آنها نمی‌ماند، ای خدایی که آرزوهای بندگان را- قبل از فرا رسیدن وقتش- به لطف خویش برآورده می‌کنی و تمام ظرفهای درخواست کنندگان را از فیض خود و کرمت پر می‌سازی، تو آن خداوندی هستی که توصیف همه توصیف کنندگان در پیش اوصاف جمال و جلال

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۱

تو بی‌ارزش است «۱» پس خدایا مقام والای تو برتر و بالاتر از همه مقامها و جلال و عظمت تو مافوق تمام بزرگیهاست، هر بزرگی در برابر تو کوچک، و هر شریفی در مقابل بزرگواری تو بی‌ارزش است، خداوندا هر که به غیر درگاه تو رو آورد ناامید و زیانکار است و هر که از غیر تو حاجت طلبید محروم گشت و هر که به در خانه دیگری رفت عملش بیهوده و تباه است و هر که از جای دیگری جز از در خانه تو روزی طلبید دست خالی برگشت، در خانه تو به روی علاقه‌مندان باز و سفره احسانت برای مشتاقان گسترده و فریادرس تو نزدیک به فریادخواهان است و هیچ آرزومندی را ناامید بر نمی‌گردانی و هر کس به درگاه کرمت رو آورد نوید برنگشت و هر کس طلب آمرزش و مغفرت کرد، دچار قهر و غضب تو نگردد، خداوندا روزی تو به گنهکاران ارزانی و حلم و بردباری تو نسبت به دشمنان فراوان است، رفتار تو نسبت به بندگان عاصی از روی کرم و احسان است و روش تو با

تجاوزکاران مدارا کردن است و همین مدارا باعث غرور آنها شده و از بازگشت به درگاهت غافل گشته‌اند و مهلتی که برای بازگشت آنها داده‌ای آنها را مانع از بازگشتن به درگاه تو شده است در صورتی که تو به آنان مهلت داده‌ای تا دوباره به سوی تو بازگردند و از آن جهت مهلت داده‌ای که به جاودانگی ملک اطمینان داشته‌ای و تو خواسته‌ای تا هر که شایسته سعادت است بتواند سعادت مند شود و هر که سزاوار شقاوت است (اتمام حجت شده) دچار خواری و ذلت گردد...»

(۱) امام سجاد علیه السلام در این بخش از دعای خود به الطاف الهی و فضل و کرم فراگیرش نسبت به بندگان توجه داده است که او خداوند مهربان است و

(۱) -

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم‌وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم (سعدی) م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۲

نسبت به کسی که از غیر او بگسلد و جز او کسی را بخشنده نیابد، بخشنده و رحیم است همچنان که بخشش او شامل کسانی است که حکومتها او را طرد کرده‌اند و سراپای او را ترس و بیم فرا گرفته است. از جمله الطاف خداوند آن که نیازمندی را که به درگاهی او رو می‌آورند کوچک نمی‌شمارد و آن طوری که مردم به افراد محتاج به دیده حقارت می‌نگرند. و از بزرگی و رحمت اوست آرمانهای کسانی را که با پافشاری و اصرار از او درخواست و مسألت دارند ناامید نمی‌سازد، و از عظمت فضل و وسعت رحمت اوست که از بنده شایسته‌اش عمل ناچیز را می‌پذیرد و در مقابل به او پاداش فراوان می‌دهد و بندگان را دوست می‌دارد و به هر که به او نزدیک شود او نیز نزدیک می‌شود و کسانی را که به او پشت کرده‌اند دعوت می‌کند تا در سرای آخرت مقام و منزلت والایی مرحمت کند و آنان را از هلاکت نجات بخشد. و از جمله الطاف خدا بر بندگان آن که هر نعمتی را که به ایشان مرحمت کرده است دگرگون نمی‌سازد مگر آن که خود آنها باعث دگرگونی آن نعمت گردند، همچنان که خداوند تعالی به کار نیک نیکوکاران رشد و بالندگی می‌بخشد تا در عالم آخرت از آن برخوردار گردند ...

براستی که کرم و بخشندگی خداوند بی‌پایان است و اوصاف و تعریف از بیان آن ناتوان و قاصر. او بالاتر از همه چیز و فوق هر عظمت و جلال و برتر از هر بزرگ و بزرگواری است.

(۱) امام علیه السلام در دعای خود بر کسانی که به غیر خدا پناهنده می‌شوند و امید می‌بندند هشدار داده است که بدان وسیله رشته خیر از دست آنها بیرون رفته و آرزوهایشان نقش بر آب شده است و در معامله خود زیان برده‌اند همان طوری که هر کس به خدا امید بست سود برد و به رستگاری بزرگ نایل گشت. و نیز امام علیه السلام به حلم و بردباری خداوند متعال نسبت به تجاوزگران اشاره فرموده است که خداوند در مجازات ایشان شتاب نورزیده است بدان امید که شاید آنان بر سر عقل آمده و به فرمان خدا و به دامن پرمهر رحمت حق باز گردند ...

این بود برخی از اموری که این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۳

بوده است و اینک به آخرین بخش از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) کَلِّهْم صائِرُونَ إِلَى حَكْمِكْ، وَ امورهم آئله الی امرک، لم یهن علی طول مدّتهم سلطانک، و لم یدحض لترك معاجلتهم برهانک، حجتک قائمه لا تدحض، و سلطانک ثابت لا یزول، فالویل الدائم لمن جنح عنک، و الخیبة الخاذله لمن خاب منک، و الشقاء الأشقی لمن اغترّ بک، ما اکثر تصرّفه فی عذابک! و ما أطول تردّده فی عقابک! و ما ابعد غایته من الفرج! و ما اقنطه من

سهولۃ المخرج! عدلا من قضائك لا- تجور فيه، و انصافا من حکمک لا تحیف علیہ، فقد ظاهرت الحجج، و ابلیت الأعدار، و قد تقدمت بالوعید، و تلطفت فی الترغیب، و ضربت الأمثال، و اطلت الإمهال، و اخرت و انت مستطیع للمعاجله، و تأنیت و انت ملی بالمبادره ...

«آری سرانجام، همه آنها به سوی فرمان تو بازمی‌گردند و عاقبت کار ایشان بازگشت به قدرت تو خواهد داشت چون هیچ‌گاه طول مدت سرکشی آنان به سلطنت جاودانه تو وضعی وارد نمی‌کند و این که تو در انتقام از سرکشان شتاب نمی‌ورزی، حجت بالغه تو بر آنها از بین نمی‌رود، پس بدبختی ابدی نصیب کسانی است که از تو رو برگردانند، خواری و ذلت شایسته و سزاوار آنهاست که از عطای فراگیر تو محروم باشند، بیچارگی از آن کسانی است که از رحمت و بخشش تو غافل باشند زیرا که آنها نمی‌دانند در اثر این غفلت چه مدت طولانی در آتش عذاب خواهند سوخت و چقدر در دوزخ کیفیت گرفتار می‌باشند! و چقدر سرانجام آنها از آسایش و راحتی بدور است! و چقدر از راه خلاص ناامیدکننده است! خداوندا تو عادلی که قضای تو درباره بندگان عدل محض است؛ به هیچ کس در آن ستم روا نمی‌داری و حکم تو، انصاف کامل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۴

است که در اجرای آن به کسی ظلم نمی‌کنی، زیرا که تو در همه این کارهای حجت و برهان را بر بندگان آشکار کرده‌ای و راه هر گونه عذر و بهانه را به روی آنان بسته‌ای، تو از پیش آنان را از عذاب گناهان ترسانده‌ای و با وعده و تشویق آنها را به ثواب و پاداش بندگیت لطف خود را به کمال رسانده‌ای و با مثلهای زیاد، عاقبت نیکوکاران را بیان کرده‌ای، مهلتهایی که بر ایشان طولانی کرده‌ای در حالی که تو می‌توانستی بسرعت در برابر گناهان ایشان انتقام بگیری، مجازات آنها را به تأخیر انداختی، و با تمام قدرت و توان، شتاب نورزیدی.

(۱) لم تکن اناتک عجزا، و لا امهالک وهنا، و لا امساکک غفله، و لا انتظارک مداراه، بل لتکون حجّک ابلغ، و کرمک اکمل، و احسانک اوفی، و نعمتک اتم، کلّ ذلک کان و لم تزل، و هو کائن و لا تزال، حجّک اجلّ من ان توصف بکلّها، و مجدک ارفع من ان تحدّ بکنهه، و نعمتک اکثر من ان تحصی باسرها، و احسانک اکثر من ان تشکر علی اقلّه، و قد قصیر بی السّکوت عن تحمیدک، و فتهنی الإمساک عن تمجیدک، و قسارای الإقرار بالحسور لا- رغبه- یا الهی- بل عجزا فها انا ذا أوّمک بالفاده، و اسالک حسن الزّفاده، فصلّ علی محمّد و آله، و اسمع نجوای، و استجب دعائی، و لا- تختم یومی بخبیتی، و لا تجهنی بالردّ فی مسألتي، و اکرم من عندک منصرفی، و الیک منقلبی، أنّک غیر ضائق بما ترید، و لا عاجز عمّا تسأل، و انت علی کلّ شیء قدير، و لا حول و لا قوه الا بالله العلیّ العظیم. «(۱)»

(۱) صحیفه سجادیه: دعای چهل و پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۵

خداوندا این مدارای تو از روی عجز و ناتوانی نبوده و یا در اثر سهل‌انگاری در کار نمی‌باشد و این خودداری از کیفر آنان به خاطر غفلت از گناهان ایشان نبوده و یا نه برای آن که منتظر فرصت مناسب هستی، بلکه تنها به خاطر آن است که محبت خود را درباره ایشان به حد کمال برسانی چه آن که حجت تو رساتر و بخشش تو کاملتر و احسان تو فراگیرتر و نعمت تو تمامتر است. و همه آنچه که گفته شد از ازل در حق مردم، مقرر فرموده‌ای و تا ابد هم مقرر خواهی داشت، حجت و برهان تو بالا-تر از آن است که بتوان آن را توصیف کرد و بزرگواری و کرمت بیش از آن است که کسی از عهده بیانش برآید و نعمتهای تو بیش از حد شمارش است و جود و احسان تو بیشتر از آن است که کسی بتواند در پایین‌ترین حد، آن را سپاس گوید، پس قاصر شدن و کوتاه آمدن از ادای شکر و سپاس تو مرا به سکوت واداشته و درماندگی از تمجید و تعظیمت مرا به خودداری از توصیف تو واداشته است «(۱)» این

سکوت از حمد و ثنایت نه از آن جهت است که مایل و راغب نیستم بلکه با این سکوت می‌خواهم به منتهای عجز و ناتوانیم درباره حمد و سپاس تو اعتراف کنم. خداوندا با تمام وجودم با همه احساس عجز و ناتوانی به ستایش تو مشتاقم، و از درگاهت بهترین عطایا را درخواست می‌کنم، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و از کرم و لطف این مناجات مرا بپذیر و دعایم را به اجابت برسان و عاقبت کارم را در این روز به ناامیدی مکشان، و دست رد بر پیشانیم مگذار و در ساحت قدس خود جایگاهم را گرمی دار و در بهشت برین جایم ده، چون تو به هر کاری اراده فرمایی توانایی و قدرت کامل تو در انجام هیچ کاری دچار تنگنا نگردد و قدرت لایزالی تو از درخواست

(۱)

– بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد

و ر نه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جا آورد (گلستان سعدی) م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۶

بندگان کاستی ندارد و هیچ نیرو و توانایی جز به قدرت خداوند یکتا، بلند پایه و بزرگ نیست.»

(۱) امام علیه السلام در این سخنان دربرابرش چنین می‌فرماید که تمام خلائق از مؤمن و فاسق، یکتاپرست و کافر همه و همه در قبضه قدرت خدای تعالی هستند؛ همگی در برابر فرمان او خاضع و سرانجام سر در خط فرمان اویند و اما سرکشی طایغان و ادامه آنها در گمراهی و سرکشی و عصیان هیچ صدمه‌ای به قدرت و سلطنت پروردگار نمی‌رساند بلکه بدا به حال ایشان که دچار کیفر دائمی و عذاب همیشگی پروردگار می‌گردند و اگر خدای تعالی در این دنیا به آنان مهلت داده و نسبت به مجازات ایشان شتاب نمی‌ورزد تنها به خاطر محبت و لطفی است که به بندگان خود دارد و این عنایت را می‌فرماید که شاید به دامن محبت و دریای رحمتش بازگردند و در پیشگاه خداوند متعال توبه کنند و بدین وسیله کرم و بخشندگی او رساتر و نعمت و احسانش نسبت به بندگان کاملتر شود.

در اینجا سخن ما درباره روزه امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان پایان می‌پذیرد که این بخش، مشتمل بر انواع عبادات و طاعات و خیرات و مبرات امام علیه السلام بود.

(۲)

## حج امام

اما حج بیت الله الحرام، امام علیه السلام همواره به زیارت خانه خدا می‌رفت زیرا که آن بزرگوار در هر یک از اعمال حج، آرامش روحی و مرهمی برای جان و دل تفتیده‌اش می‌یافت که از مصائب و غمهای کربلا دلش کباب بود، امام سجاد علیه السلام دیگران را نیز بر اعمال حج و عمره تشویق می‌کرد به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۷

خاطر فواید زیادی که بر این عمل عبادی مترتب است، می‌فرمود:

«اعمال حج و عمره به جا آورید تا تن درست باشید و روزیتان فراخ گردد و ایمان صالح پیدا کنید و بدین وسیله به هزینه زندگانی مردم و خانواده‌تان کمک کنید.» «۱»

و نیز می‌فرمود:

«کسی که اعمال حج به جا آورد، آمرزیده است و بهشت بر او واجب می‌گردد و بدان وسیله بر گذشته اعمالش قلم عفو کشیده

می‌شود و زن و فرزند و اموالش در امان است.» (۲)

و نیز می‌فرمود:

«کسی که بین صفا و مروه سعی کند، فرشتگان الهی از او شفاعت می‌کنند.» (۳)

همان طوری که آن حضرت بهنگام مراجعت حاجیان از بیت الله الحرام مردم را به تعظیم و بزرگداشت ایشان دعوت می‌کرد و می‌فرمود:

«وقتی که حاجیان از حج بر می‌گردند به آنها خوشامد بگویند و با ایشان مصافحه کنید و از ایشان تجلیل و احترام به عمل آورید تا شما هم در اجر و پاداش ایشان شریک باشید، پیش از آن که آنان دوباره، آلوده به گناه شوند!» (۴)

(۱) وسائل الشیعه: ۵/۸. تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ۳۵۷ حج امام ..... ص: ۳۵۶

(۲) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۶، وسائل الشیعه: ۵/۸.

(۳) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۹.

(۴) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۸

اینک ما بطور اختصار به برخی از حالات و رفتار امام در وقت اعمال حج اشاره می‌کنیم:

(۱)

### حج پیاده

امام سجاد علیه السلام همچون پدر بزرگوارش و عمویش امام حسن علیهما السلام بارها با پای پیاده به مکه رفت و در یکی از مسافرت‌هایش تا رسیدن به بیت الله، بیست روز طول کشید. (۱)

(۲)

### حج سواره

امام علیه السلام بیست سفر با شتر به حج رفت و در این مسافرت‌ها عده زیادی به همراه آن حضرت بودند. مورخان می‌گویند: هرگز آن بزرگوار تازیانه‌ای به شترش نزد. (۲) ابراهیم بن علی می‌گوید: من سفری در خدمت علی بن حسین به مکه مشرف شدم، شتر آن حضرت مقداری درنگ کرد، امام علیه السلام با چوب‌دستیش اشاره‌ای به آن حیوان کرد اما دستش را رد کرد و او را نزد با این همه فرمود: «آه از قصاص!» و یک بار دیگر بین کوه‌های رضوی، شتر درنگ کرد، امام علیه السلام چوب‌دستیش را به او نشان داد و فرمود:

«باید حرکت کنی اگر نه من خواهم زد.»

(۱) بحار الانوار، و در عقد الفرید: ۳/۱۰۳ آمده است که آن حضرت بیست و پنج مرتبه با پای پیاده به مکه رفت.

(۲) حلیه الاولیاء: ۳/۱۳۳.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۹

سپس سوار شد و شتر به راه افتاد. (۱) آری آن بزرگوار خودش را تا به این اندازه از رحمت و محبت و مدارا با یک حیوان قرار



داده بود که یک تازیانه به او نمی‌زند و او را نمی‌آزارد و به نظر آن حضرت ستم کردن بر یک حیوان نیز، قصاص و مسئولیت عالم آخرت را در پی دارد.

(۱)

### همراهی قاریان با امام

وقتی که امام علیه السلام قصد مسافرت به بیت الله الحرام را می‌فرمود قاریان قرآن و دانشمندان اطراف آن حضرت را می‌گرفتند زیرا که آنان از دریای علوم و معارف و حکمتها و آداب آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند. سعید بن مسیب می‌گوید: قاریان قرآن به مکه نمی‌رفتند مگر این که ببینند امام علی بن حسین می‌رود، سالی آن حضرت راهی مکه شدند و ما هزار تن سوار بر مرکب به همراه آن حضرت حرکت کردیم. «۲» آنان مسائل حج و احکام دین و سایر امور شرعی خود را از آن حضرت فرا می‌گرفتند، زیرا که به اجماع تمام مورخان در آن روزگار کسی داناتر از آن بزرگوار به احکام قرآن و سنت نبود.

(۲)

### توشه سفر حج

امام علیه السلام بهترین و کاملترین تدارکات را برای سفر حج و یا عمره آماده می‌ساخت و از خوبترین توشه و میوه از قبیل بادام و شکر و سویق (تلخان)

(۱) فصول المهمه: ص ۱۸۹.

(۲) حیاة الامام محمد الباقر: ۱/ ۱۳۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۰

ترش و شیرین به همراه بر می‌داشت. «۱» در یکی از مسافرتها خواهرش بانوی بزرگوار حضرت سکینه مقداری توشه گرانبها تهیه فرموده بود که هزار درهم برای آنها مصرف کرده بود، امام علیه السلام وقتی که به بالای «حره» رسید دستور داد تمام آنها را از بین فقرا و مستمندان توزیع کردند. «۲»

(۱)

### نگرانی امام در وقت احرام

امام علیه السلام وقتی که به یکی از میقاتها مانند مسجد شجره می‌رسید که میقات مردم مدینه و کسانی است که از آنجا می‌گذرند و می‌خواست احرام ببندد، شروع می‌کرد به انجام آداب احرام؛ از قبیل غسل و دیگر اعمال احرام را به جا می‌آورد و هنگامی که می‌خواست در وقت محرم شدن، تلبیه بگوید رنگ مبارکش دگرگون می‌شد و حالت ترس و بیم او را فرا می‌گرفت بطوری که نمی‌توانست لبیک بگوید، عرض کردند:

«چرا تلبیه نمی‌گویید؟» در حالی که از عظمت خداوند ترس و لرز او را فرا گرفته بود، می‌فرمود:

«من از آن می‌ترسم که بگویم لبیک، و به من گفته شود: لا لبیک...»

و موقعی هم که لبیک می‌گفت از بیم و خشیت زیاد الهی از خود بی‌خود می‌شد و از مرکبش می‌افتاد و همواره چنین حالتی داشت تا وقتی که اعمال حجش پایان می‌گرفت. «۳»

مالک نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام وقتی که

(۱) بحار الانوار: ۷۱ / ۴۶.

(۲) صفة الصّفة: ۵۴ / ۲.

(۳) نهاية الارب: ۳۲۶ / ۲۱، خلاصة تهذيب الكمال: ص ۱۳۱، تهذيب التهذيب: ۳۰۶ / ۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۱

می‌خواست لیبیک بگوید از خود بی‌خود می‌شد بطوری که از شتر می‌افتاد و مجروح می‌شد. «۱» براستی که او معرفت کامل به خداوند متعال داشت و غرق در محبت او بوده و از کیف و مجازات او بیمناک بود و با تمام احساسات و عواطفش متوجه خدا بود و درست همانند پدرانش بود که سادات و بزرگان اهل تقوا و دلبستگان به خدا بودند.

(۱)

### دعای امام کنار حجر الاسود

امام علیه السلام در وقت طواف وقتی که به حجر الاسود می‌رسید سر به طرف آسمان می‌کرد و عرض می‌کرد:

«اللّهم ادخلني الجنّة برحمتك» «خداوندا به رحمت و کرمت مرا وارد بهشت برینت فرما.»

«و در حالی که به ناودان نگاه می‌کرد، می‌گفت:

«و أجزني برحمتك من النار و عافني من السّقم و أوسع عليّ من الرّزق الحلال، و ادراً عنّي شرّ فسقة الجن و الإنس و شرّ فسقة العرب و العجم.» (۲)

«خداوندا مرا به رحمت و لطف از آتش دوزخ بازدار و از بیماری و مریضی بهبود بخش و روزی حلالم را زیاد کن و مرا از شرّ فاسقان جن و انس و عرب و عجم حفظ کن.»

(۱) تهذيب التهذيب: ۳۰۶ / ۷.

(۲) فروع کافی: ۴۰۷ / ۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۲

(۱)

### نماز امام زیر ناودان رحمت

امام سجاد علیه السلام وقتی که مناسک حج خود از قبیل طواف و سعی بین صفا و مروه را انجام می‌داد زیر ناودان رحمت برای ادای نماز می‌آمد، طاووس یمانی آن حضرت را در آن مکان مقدس دید ایستاده و خدا را می‌خواند و از خشیت خدا می‌گرید، همین که از نمازش فارغ شد، طاووس رو به آن بزرگوار کرد و گفت:

«شما را با چنان خضوع و خشوعی دیدم در حالی که شما سه امتیاز دارید که امید است شما را از ترس و بیم ایمن دارند: یکی آن که شما پسر پیغمبر خداید، دوم آن که از شفاعت جدتان برخوردارید و سوم رحمت پروردگار شامل حال شماست ...»

امام علیه السلام با محبت و لطف خاصی پاسخ داد:

«ای طاووس اما این که من پسر پیامبر خدایم مرا ایمن نمی‌دارد زیرا که من این سخن حق تعالی را شنیده‌ام که می‌فرماید:

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ. «۱»

- (آنگاه که صور قیامت دمیده شود) دیگر خویشاوندی در میان نماند و کسی از حال کسی نپرسد- و اما شفاعت جدم نیز مرا ایمن نمی‌دارد زیرا که خدای تعالی می‌فرماید:

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى. «۲»

- و از کسی شفاعت نکنند مگر آن کسی که خدا از او راضی است-

(۱) مؤمنون / ۱۰۱.

(۲) انبیاء / ۲۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۳

و اما رحمت خدای تعالی نیز خداوند خود می‌فرماید:

إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. «۱»

- البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است- و من نمی‌دانم که نیکوکارم یا نه؟! «۲» براستی که آیا شما چنین تواضع و خود فراموشی در برابر خدای متعال را در کسی سراغ دارید؟ حقا که این امام بزرگوار نسخه منحصر به فردی است که در میان فرزندان آدم و بشریت جز پدران بزرگوارش، همانندی ندارد!

(۱)

### امام با هشام بن عبد الملک

سالی هشام بن عبد الملک به حج بیت الله الحرام رفت و مأموران زیادی همراهش بودند و جیره‌خواران و بزرگان و اعیان شام اطراف او را گرفته بودند و به زحمت می‌خواست حجر الاسود را استلام کند و به خاطر ازدحام جمعیت حاجیان نتوانست، مردم برای بوسیدن حجر الاسود یک دیگر را دور می‌کردند کسی به هشام اعتنا نکرد و راه نداد، چون در آن مکان مقدس امتیازات ملغاست. برای هشام منبری آراسته بودند، بالای آن نشسته و به طواف حاجیان تماشا می‌کرد، در آن میان امام زین العابدین علیه السلام برای انجام طواف آمد، یکی از حاجیان که چشمش به امام افتاد، او را شناخت و با صدای بلند فریاد زد:

«این بقیه الله در زمین است ...»

«این یادگار نبوت است ...»

«این امام المتقین و سید العابدین است.»

(۱) اعراف / ۵۶.

(۲) بقره / ۴۶ / ۱۰۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۴

حاجیان غرق در هیبت امام شدند آن هیبت و شکوهی که هر بیننده را به خود جذب می‌کرد و در برابرش سر تعظیم فرود می‌آوردند، شکوه و جلالی که هیبت و عظمت جدش رسول الله - صلی الله علیه و آله - را به خاطر می‌آورد! از همه طرف مسجد الحرام صدای تهلیل و تکبیر بلند شد و مردم از دو طرف صف را باز کردند و خوشبخت آن کسی بود که بتواند دست امام را ببوسد و لباس احرامش را لمس کند و تمام خانه خدا پر از نوای تکبیر شد، هوش از سر مردم شام پرید و از این منظره با شکوه مات

و مبهوت شدند زیرا که آنان جز خاندان اموی کسی را شایسته این همه تکریم و تعظیم نمی‌دانستند و به نظر آنها خاندان اموی تنها وارث خلافت پیامبر (ص) و خویشاوند او بودند چنان که بزرگان بنی امیه بر این مطلب تأکید ورزیده و در اذهان مردم جا داده بودند! مردم شام با دیدن این صحنه رو به هشام کردند و گفتند:

(۱) «این شخص کیست که مردم این قدر از او تجلیل می‌کنند؟» هشام بر آشفت و رگهای گردنش از خشم ورم کرد و احوال «۱» بودن چشمش پیدا شد و بر سر مردم فریاد کشید و گفت:

«من او را نمی‌شناسم!» البته آشنایی و شناخت امام علیه السلام را از آن جهت منکر شد که بیم داشت مبادا مردم شام به آن حضرت بگردند و از بنی امیه روی بگردانند، فرزندق شاعر بزرگ عرب که در آنجا حاضر بود، وجدانش بیدار شد و حق و حقیقت سراسر فکر و اندیشه‌اش را به خود مشغول کرد و تمام بدنش لرزیدن گرفت و رو به

(۱) جاحظ در صفحه ۸۹ رسائل خود می‌نویسد: «به هشام بن عبد الملک احوال السیراق می‌گفتند»، و ابو النجم عجلی نیز در قصیده خودش درباره وی چنین می‌گوید: «الحمد لله الوهوب المجزل» - که هشام با شنیدن این مصرع شعر خوش حال شد و از خوش حالی دستهایش را بهم زد تا این که رسید به این مصرع که نام خورشید آمده است گفت: «و الشمس فی الأرض کعین الاحول»، دستور داد پشت گردنی زدند و از مجلس بیرون کردند» جاحظ اضافه می‌کند: که این نوع شعر گفتن دلیل ضعف فوق العاده و از نادانی زیاد است!.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۵

مردم شام کرد و با حالی انقلابی و روح حماسی گفت:

«من او را نمی‌شناسم.»

- «ای ابو فراس! او کیست؟» هشام نعره‌ای برآورد و عقل از سرش پرید که مبادا فرزندق امام علیه السلام را به مردم شام معرفی کند و بر سر او فریاد کشید:

«من او را نمی‌شناسم.»

اما صدای فرزندق بلند شد و با حالت اعتراض به هشام گفت:

«آری تو آری می‌شناسی.»

آنگاه فرزندق رو به مردم شام کرد و گفت:

(۱) «ای مردم شام! هر که می‌خواهد این سرور را بشناسد، باید توجه کند ...»

مردم شام و دیگران همه در حال سکوت متوجه شاعر بزرگ عرب شدند در حالی که گوشها را آماده شنیدن سخن او کرده بودند و فرزندق که تمام وجودش حماسه و آماده یاری حق بود بدون مقدمه و بالبداهه این قصیده بلند خود را که بیانگر صداقت بیان و زیبایی اسلوب است انشاد کرد و گفت:

(۲)

هذا سلیل حسین و ابن فاطمة بنت الرسول الذی انجابت به الظلم

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته و البیت يعرفه و الحل و الحرم

هذا ابن خیر عباد الله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم

إذا رأته قریش قال قائلها: إلی مکارم هذا ینتهی الکرم

یرقی إلی ذروة العز الذی قصرت عن نیلها عرب الإسلام و العجم

یکاد یمسکه عرفان راحتہ رکن الحطیم إذا ما جاء یتسلم  
 یغضی حیاء و یغضی من مہابته فلا یکلم إلا حین یتسم  
 بکفہ خیزران ریحہا عقب من کف اروع فی عرنینہ شمم  
 من جدہ دان فضل الأنبیاء له و فضل امته دانت له الأمم  
 ینشق نور الہدی عن نور غرتہ کالشمس تنجاب عن إشراقہا الظلم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۶ مشتقہ من رسول اللہ نبعثہ طابت عناصرہا و الخیم و الشیم  
 هذا ابن فاطمۃ إن كنت جاهلہ بجده انبیاء اللہ قد ختموا  
 اللہ شرفہ قدما و فضلہ جری بذاک له فی لوحہ القلم  
 فلیس قولک من هذا بضائرہ العرب تعرف من أنکرت و العجم  
 کلنا یدیه غیاث عم نفعہما یستوکفان و لا یعروہما عدم  
 حمال أثقال أقوام إذا فدحواحلو الشمال تلحو عنده نعم  
 لا یخلف الوعد میمون نقیبتہ رحب الفناء أریب حین یعترم  
 من معشر حبہم دین و بغضہم کفر و قربہم منجی و معتصم  
 إن عد أهل التقی کانوا ائمتہم او قیل من خیر اهل الارض قیل ہم  
 لا یتطیع جواد بعد غایتہم و لا یدانیہم قوم و إن کرموا  
 ہم الغیوث إذا ما أزمۃ ازمۃ و الأسد أسد الشری و البأس محتدم  
 لا ینقص العسر بسطا من اکفہم سیان ذلک إن أثروا و إن عدموا  
 یتدفع السوء و البلوی بحبہم و یسترد بہ الاحسان و النعم  
 مقدم بعد ذکر اللہ ذکرہم فی کل امر و مختوم بہ الکلم  
 یأبی لہم أن یحل الذل ساحتہم خیم کریم و أید بالندی ہضم  
 أی الخلائق لیست فی رقابہم لأولیہ هذا أولہ نعم  
 من یشکر اللہ یشکر أولیہ ذفالذین من بیت هذا نالہ الأمم «۱» این فرزند امام حسین (ع) و پسر فاطمہ (ع) دختر پیامبر (ص) است کہ  
 ستمہا بر او رفته است.

(۱) نہایۃ الارب: ۲۱/۳۲۷-۳۳۱، این قصیدہ را بطور کامل نقل کردہ و منابع و مآخذ ادبی، تاریخی و سیرہ‌ها قسمتی و یا بیشتر آن  
 را نقل کردہ اند کہ ما ذیلا بہ بعضی از آن منابع اشارہ می‌کنیم:  
 زہر الآداب: ۱/۱۰۳، سرح العیون ابن نباتہ: ص ۳۰۹، فصول المہمۃ ابن صبغ: ص ۱۹۳، الاتحاف بمحب الاشراف: ص ۵۱، اخبار  
 الدول قرمانی: ص ۱۱۰ تاریخ دمشق: ۳۶/۱۶۱، روضۃ الواعظین:  
 ۱/۲۳۹، دائرۃ المعارف بستانی: ۹/۳۵۶، انوار الزبج: ۴/۳۵. البتہ با مقداری اختلاف در ترتیب ابیات.  
 تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۷

این کسی است کہ سرزمین بطحاء (حجاز) جای پای او را می‌شناسد و خانہ خدا، حلّ و حرم او را می‌شناسد.  
 این پسر بہترین ہمہ بندگان خداست، این همان انسان پاک و مطہر و با نام و نشان پاکیزہ است، مردم قریش وقتی کہ او را ببینند،  
 سخنشان این است کہ تمام فضایل بہ این سرور پایان گرفته و این است سرچشمہ تمام کمالات، و بہ اوج عزتی رسیدہ است کہ

کسی را در اسلام از عرب و عجم یارای رسیدن به آن مقام نیست.

وقتی که به استلام حجر می‌آید، رکن حطیم «۱» می‌خواهد- از روی اشتیاق- کف دست او را نگاهدارد.

(موقع نگاه کردن) از روی حیا چشم بر هم می‌نهد و هر که می‌خواهد بر او بنگرد از شکوه و هیبت او چشم می‌بندد و تا لبخند نزنند کسی را یارای سخن گفتن با او نیست، عصای دست آن حضرت بوی خوشی دارد، و چه کف دست با شکوهی که در اصل و از آغاز بوی خوشی دارد! همه انبیا در فضیلت به جد او نمی‌رسند و فضیلت امت او نیز بالاتر از همه امتهاست، انوار هدایت از نور سیمای او جدا می‌شود، همچون خورشید که در اثر تابش آن تاریکیها پراکنده می‌شود، وجود او از وجود رسول خدا سرچشمه گرفته، و عناصر روحی و سجایای اخلاقی پاک و پاکیزه است، این پسر فاطمه (ع) است اگر تو او را نمی‌شناسی، (بدان که) به جد او نبوت انبیاء (ع) ختم می‌شود،

(۱) رکن حطیم یعنی دیوار حجر الاسود و به قولی ما بین رکن، زمزم و مقام ابراهیم است و از آن رو حطیم گفته‌اند که محل ازدحام مردم است- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۸

خداوند از ازل او را شرافت و فضیلت داده است، و قلم قدرت بر لوحه تقدیر الهی چنین جاری گشته است، پس این سخن تو: «این کیست؟! زیان و ضرری به حال او ندارد، زیرا که عرب و عجم، که تو او را نمی‌شناسی! می‌شناسد، دستهای ابری است که برای همگان سودمند است و همه از بخشش او بهره‌مند می‌شوند و تنگدستی محرومان (هر چه از دست او بگیرند بازهم از ابر جود او) چیزی کم نمی‌کند، در وقت بیچارگی و فشار زندگی مردم، او بارهای سنگین مردمان را بر دوش می‌گیرد، شیرین خصلی که بذل و بخشش در نظر او شیرین و گواراست، هرگز وعده خلافی نمی‌کند، مبارک طبع و بلند همت، و در وقت تصمیم‌کاردان و هوشمند است، (۱) جمعیتی که محبت و دوستی ایشان دیانت و دشمنی و عداوت ایشان کفر است و تقرب به ایشان باعث نجات و دستاویز است، اگر اهل تقوا را بشمارند، آنان پیشوایان اهل تقوایند، و یا اگر از بهترین مردم روی زمین بپرسند، گفته شود: آنان بهتر از همه‌اند، هیچ بخشنده‌ای به حد آنها نمی‌رسد و هیچ قومی بهنگام بخشش همتای آنان نیست، آنان ابرهای رحمتند وقتی که بحرانها و شداید رو آورد چون شیرند، شیر حمله‌ور و دلیر خشمگین، از بس که سخاوتمند و دست و دل بازند، سختیها چیزی از بخشندگی آنها نمی‌کاهد چه ثروتمند باشند و چه تنگدست برای آنها بی تفاوت است، به وسیله دوستی و محبت ایشان بدی و گرفتاری را می‌شود برطرف کرد و اصل هر بذل و بخششی به او می‌رسد، پس از ذکر خدا، یاد ایشان در همه چیز مقدم است و تمام سخنها به او ختم می‌شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۹

ساحت قدس آنان بالاتر از این است که خواری و زبونی را بپذیرند، خو و خصلتشان بزرگواری و دستهایشان به بذل و بخشش عادت کرده است، کدام فرد از خلائق است که نعمت ولایت آنان در گردنشان نباشد زیرا این حقیقت مسلمی است (نیازی به برهان ندارد)، هر کس سپاسگزار خدا باشد، از این حقیقت مسلم سپاسگزار خواهد بود، زیرا که دین از خاندان این بزرگوار به تمام مردم عالم رسیده است.

(۱) این قصیده بلند از دیگر اشعار عربی این امتیاز را یافت که به خاطر شوریدن بر باطل و یاری کردن حق، در طول تاریخ جاودانه ماند، زیرا که در زمانی فرزندق مناقب اهل بیت علیهم السلام را بر زبان آورده است که بر دهانها مهر زده بودند و زبانها لال شده بود، بطوری که هر کس سخنی درباره اخلاق و رفتار و یا فضایل ایشان می‌گفت از طرف حکومت ستمگر اموی که تمام نیروی خود را برای نابود کردن آثار اهل بیت از صفحه هستی به کار انداخته بود، به دست اعدام و نابودی سپرده می‌شد.

فرزدق در قصیده خود، در برابر مردم شام و دیگر حجاج سایر کشورها درباره امام بزرگوار سخنانی گفت که خود ضربت سهمگینی برای سیاست اموی شمرده می‌شود، بستانی در تعلیقات خود بر این قصیده می‌گوید: «و دانشمندان و مورخان درباره فرزدق گفته‌اند: همین یک قصیده کافی است که باعث رفتن فرزدق به بهشت گردد.» (۱)

علاوه بر همه اینها که قصیده دارای صراحت و صداقت تمام و پشتیبانی از حق و حقیقت است از زیبایی مخصوصی در انسجام و هماهنگی اشعار برخوردار می‌باشد. سید علی مدنی می‌گوید: اما انسجام اشعار این قصیده به قدری است که قابل درک نیست و در حدی است که دیگری را توان آن نمی‌باشد، برآستی که از هر گونه حشو و زواید برکنار و از زیباترین انسجام برخوردار است. و

(۱) دائرة المعارف بستانی: ۳۵۶ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۰

هر که این شعر فرزدق را ببیند و این قصیده را مشاهده کند، احساس تعجب و شگفتی نماید، زیرا که هیچ مناسبتی بین این اشعار و سایر گفته‌های او؛ از خصوصیت شعری، مدح و هجو وی نمی‌باشد هر چند که این قصیده را بالبداهه و بدون مقدمه سروده است، بدون تردید خداوند سبحان در سرودن این اشعار او را یاری کرده و بهنگام آغاز از پشتیبانی حق تعالی برخوردار بوده است. (۱)

### تشکیک ابو الفرج اصفهانی

ابو الفرج در نسبت این قصیده به فرزدق تردید کرده است به این دلیل که سبک او در شعر گفتن چنین نبوده، زیرا فرزدق در سبک و الفاظ و عبارات و تخیلات شاعرانه خود سبک ناهنجاری داشته است! (۲) و شیخ محمد ابو زهره در ذیل نظریه ابو الفرج می‌گوید: «من دلیلی برای این تشکیک و تردید ابو الفرج نمی‌بینم و آیا ممکن است این نظریه با راه و روش درست بررسی روایات با وجود عوامل و اسباب ذیل سازگار باشد:

۱- روایات زیادی وجود دارد که تمام آنها این قصیده را به فرزدق نسبت داده و ابو الفرج اصفهانی راویان هیچ یک از این روایات را تکذیب نکرده است.

۲- ابو الفرج با ذکر دلیل و برهان، نام هیچ شاعر دیگری از شعرا را نبرده است که اهل بیت علیهم السلام را مدح گفته‌اند، و از طرفی درست نیست که انتساب این قصیده را به سراینده و گوینده اش مهمل گذاشت و آن را مجهول النسبه و یا بی دلیل به دیگری نسبت داد.

۳- شاعری که سبک ناهنجار و مشکلی دارد گاهی بر حسب مقام

(۱) انوار الزبجیع: ۳۵ / ۴.

(۲) اغانی، ابو الفرج اصفهانی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۱

ممکن است، رقت به خرج دهد، بنابراین، شاعر بر حسب مقامی که شعر می‌گوید، (بطور مثال) بیابانی را با پشته‌هایش و دیگر چیزهایی که دارد توصیف می‌کند، قهرا طبع خشن و ناهنجاری خواهد داشت و طبیعت موضوعی که شاعر عهده‌دار بیان آن است چنین اقتضا می‌کند اما اگر موضوعی را که شاعر درصدد بیان آن است، اوصاف و خصصتهای خوب باشد بی تردید به نرمی و ملایمت بیان خواهد کرد، آری شاعر برآزنده کسی است در هر مقامی، سخن مناسب با آن را برگزیند.

(۱) امرء القیس در آخر عمر پس از گرفتاریهایی که برایش پیش آمد رقت قلب پیدا کرد و اشعارش ملایم بود که ما در مقام نقل ادبیات و اشعار او نیستیم تا بیماری و گرفتاریهای او را شرح دهیم، و همچنین اعشی و کعب بن زهیر موقعی که پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- را مدح گفتند، اشعارشان نرم و لطیف و موافق با اخلاق و مکارم پیامبر (ص) بود بنابراین رقت اشعار فرزدق در این قصیده آن قدر عجیب و دور از حقیقت نیست که باعث انکار و تردید شود.

در اینجا لازم است که توضیح دهیم؛ فرزدق علاقه قلبی فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشت و این که اشعار زیادی درباره آنان نگفته است از ترس اذیت و آزار امویان بوده است. «۱»

آری فرزدق گرایش و میل قلبی به علویان داشت و همین الهام قلبی بود که او را به ستایش امام علیه السلام واداشت، سید مرتضی می گوید: «فرزدق شیعه و علاقه‌مند به بنی هاشم بوده است و در آخر عمر، از فسق و فجور و گناهان خود دوری جست و به راه و روش دین بازگشت علاوه بر آن، در خلال عمرش نیز از دین، نبریده بود و بی‌اعتنای به امور دینی نبود.» «۲» به هر حال نسبت این قصیده بلند به فرزدق از جمله اموری است که شک و تردید بر نمی‌دارد و نقل و روایت در نسبت آن به فرزدق، در حد تواتر است.

(۱) امام زید: ص ۲۸-۲۹.

(۲) سرح العیون: ص ۳۹۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۲

(۱)

### دستگیری فرزدق

هشام بن عبد الملک برآشفت و همین که قصیده فرزدق را شنید خشمگین از جا برخاست و آرزو داشت که زمین دهان باز کند و او را در خود فرو برد، زیرا که این قصیده واقعیت امام بزرگوار- حضرت سجاد- را بر ملا ساخت و آن حضرت را به مردم شام که او و نیاکانش را نمی‌شناختند، معرفی کرد؛ فرزدق مقام امام علیه السلام را بیان کرد و محبت و ولایت او را بخشی جدایی‌ناپذیر از اسلام شمرد و فهماند که او بالاترین انسانی است که در آن روزگار فضای عالم هستی در خود دارد.

هشام دستور داد، فرزدق را دستگیر کنند، فرزدق بازداشت شد و به زندان عسفان سپرده شد که ما بین مکه و مدینه قرار داشت، جریان به اطلاع امام زین العابدین علیه السلام، رسید. امام دوازده هزار درهم برای فرزدق فرستاد، فرزدق پذیرفت و از پذیرش آن معذرت خواست و پیغام داد: من این قصیده را بدان جهت گفتم که خدا و پیامبر خدا بر هشام خشم گرفتند و او مغضوب ایشان بود. اما امام سجاد (ع) دوباره آن مبلغ را بازگرداند، این بار فرزدق قبول کرد و شروع کرد به هجو و بدگویی هشام از جمله هجویات وی اشعار ذیل است:

آیا او (هشام) گمان می‌برد که من در زندان بین راه مدینه‌ام، مدینه‌ای که دل‌های مردم برای آنجا پر می‌زند! او (روی گردش) سری را می‌چرخاند که سر یک سرور نیست و همچنین چشمی را که کج بین است و عیب‌هایش بر ملاست. «۱»

(۱) نه‌ایه الارب: ۲۱/۳۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۳

(۱)



از امام زین العابدین علیه السلام مناجات فراوانی در بیت الحرام به یادگار مانده است که در دل‌های تاریک شب با خدای خود راز و نیاز می‌کرد، از جمله مناجات‌های زیر است:

(۲) ۱- محمد بن ابی حمزه نقل کرده، می‌گوید: علی بن حسین علیهما السلام را در صحن کعبه در حال نماز دیدم، آن قدر قیام را طولانی کرد که گاهی به پای راست و گاهی به پای چپش تکیه می‌کرد، آنگاه شنیدم که با صدای بلند می‌گریست و با پروردگارش مناجات می‌کرد و می‌گفت:

«یا سیدی تعدّبنی و حبّک فی قلبی؟! أما و عزّتک لتجمعنّ بینی و بین قوم طالما عادیتهم فیک...» (۱)

«ای مولای من، آیا با وجود محبت تو در دلم مرا عذاب می‌کنی؟! هرآینه به عزّت و جلالت سوگند که اگر چنان کنی و مرا با مردمی جمع کنی که از دیر زمانی به خاطر تو با آنان دشمنی ورزیده‌ام...»

در این مناجات کوتاه امام علیه السلام از درجه توجه خاص خود و تضرع به درگاه خدای متعال پرده برداشته در حالی که از پیشگاه او درخواست عفو و رضوان می‌کند.

(۳) ۲- اصمعی نقل کرده است، می‌گوید: اطراف خانه کعبه طواف می‌کردم ناگاه جوانی را دیدم که به پرده کعبه آویخته و چنان با عبارات حزینی سخن می‌گوید که سراسر دل‌ها را به خود جلب می‌کند؛ عرض می‌کند:

«نامت العیون، و علت النجوم، و أنت الملك الحی القيوم، غلقت

(۱) کافی: ۲/ ۵۷۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۴

الملوک ابوابها و أقامت علیها حراسها، و بابک مفتوح للسائلین، جتتک لتنظر إلی برحمتک یا أرحم الراحمین...»  
 «خداوندا! چشمها در خوانند و ستارگان برآمده‌اند، و تو پادشاه حی و قیومی، تمام پادشاهان در به روی دیگران بسته‌اند و پاسبانان و دربانان بر در کاخهایشان ایستاده‌اند اما در خانه تو به روی مستمندان و گدایان باز است اینک من آمده‌ام تا نظر لطفی بفرمایی، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان...»

(۱) سپس امام علیه السلام شروع کرد به خواندن این اشعار:

یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضر و البلوی مع السقم

قد نام و فدک حول البیت قاطباً و أنت وحدک یا قیوم لم تنم

ادعوک رب دعاء قد أمرت به فارحم بکائی بحق البیت و الحرم

إن کان عفوک لا- یرجوه ذو سرف فمن یجود علی العاصین بالنعم ای کسی که دعای درماندگان را در تاریکیهای شب اجابت می‌کنی و ای برطرف کننده سختیها، گرفتاریها و بیماریها.

تمام حاجیانی که از سراسر عالم آمده‌اند، در اطراف خانه کعبه خوابیده‌اند و تو تنها ای پروردگار قیوم، نخوابیده‌ای! خداوندا تو را چنان می‌خوانم که تو خود دستور داده‌ای پس به اشک چشم من، به حق این خانه و این حرم، رحم کن، اگر بنده گنهکار به عفو و بخشش تو امیدوار نباشد پس چه کسی بر گنهکاران جود و احسان خواهد کرد!

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۵

اصمعی می‌گوید: پی بی آن جوان را گرفتم بینم کیست، ناگاه دیدم او زین العابدین علیه السلام است، «۱» خودم را به او رساندم و عرض کردم: شما علی بن حسین و پدرتان شهید کربلا و جدّتان علی مرتضی و مادرتان فاطمه زهرا و جدّه‌تان خدیجه کبرا و جدّ

بزرگتان محمد مصطفی است، با این همه چنین سخن می‌گویید؟

(۱) امام علیه السلام، پس از شنیدن سخنان من با کمال لطف و محبت فرمود:

«ألم تقرأ قوله تعالى: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (۲) «ألم تسمع قول جدی: «خلقت الجنة للمطيع وإن كان حبشياً، و خلقت النار للعاصي وإن كان قرشياً...» (۳)»

«آیا این سخن خدای تعالی را نخوانده‌ای که «پس آنگاه که نفخه صور دمیده شود، دیگر نسب و خویشاوندی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد» و آیا این سخن جدم (پیامبر) را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «بهشت برای اهل طاعت آفریده شده است اگر چه غلام حبشی باشد و آتش دوزخ برای گنهکار، خلق شده است، اگر چه سید قرشی باشد...»

آری امام بزرگوار به خدای تعالی متمسک بوده و از غیر او بریده و به او پیوسته بود و از روی معرفت، ایمان و اخلاص مطیع و فرمانبر او بود و او را ستایش

(۱) بحار الأنوار: ۴۶/۸۰، كشف الغمّه: ۴/۱۵۰-۱۵۱.

(۲) مؤمنون/ ۱۰۱.

(۳) روضات الجنات: ۵/۱۶۱، در ذیل این داستان چنین نوشته است: «این بود تمام حدیث اما با زمان و طبقه اصمعی مشهور نمی‌سازد و بعید است زیرا که ولادت او مدت زیادی پس از وفات امام سجاد علیه السلام بود، مگر این که این اصمعی، نام مرد دیگری از قدمای قبیله‌ای باشد که منسوب به جد اعلای اصمعی مشهور است.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۶

و بندگی می‌کرد.

(۱) ۳- طاووس یمانی نقل کرده می‌گوید: از کنار حجر الاسود می‌گذشتم ناگاه مردی را دیدم که به رکوع و سجود مشغول است دقت کردم، دیدم علی بن حسین علیهما السلام است، با خود گفتم: این مردی شایسته از اهل بیت نبوت است به خدا سوگند که باید از دعای او بهره‌مند شوم و متوجه او بودم تا این که از نمازش فارغ شد و دستهایش را به طرف آسمان بلند کرد در حالی که خدا را مخاطب ساخته بود عرض می‌کرد:

(۲) «إلهی! سیدی، سیدی! هاتان یدای قد مددتهما إلیک بالذنوب مملوءتین و عینای بالرجاء ممدوتین، و حق من دعاک بالندم تذللأ أن تجیبه بالکرم تفضلاً.

سیدی! أمن أهل الشقاء خلقتنی فأطیل بکائی؟ أم من أهل السعادة خلقتنی فأبشر رجائی؟

سیدی! الضرب المقامع خلقت اعضائی؟ أم لشرب الحمیم خلقت امعائی؟

سیدی! لو أن عبدا استطاع الهرب من مولاة لكنت أول الهاربین من مولاة لکنی أعلم أنى لا أفوتک.

سیدی! لو أن عذابی مما یزید فی ملکک سألتک الصبر علیه، غیر أنى أعلم أنه لا یزید فی ملکک طاعة المطیعین، و لا ینقص منه معصیة العاصین.

سیدی! ها أنا و ما خطری؟ هب لی بفضلک، و جللی بسترک، و اعف عن توبیخی بکرم وجهک.

إلهی! و سیدی، ارحمنی مصروعا علی الفراش تقلبنی أیدی أحتی، و ارحمنی مصروعا علی المغتسل یغسلنی صالح جیرتی، و

ارحمنی محمولاً قد تناول الأقرباء اطراف جنازتی، و ارحم فی ذلک البیت المظلم وحشتی و غربتی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۷

«إلهی! آقای من، مولای من! اینک دستهای من است که پر از گناهان به جانب تو بلند کرده شده است و چشمان من است که به

امید تو چشم دوخته‌اند و سزاوار است آن کسی را که از روی پشیمانی و با ذلت و خواری تو را می‌خواند به لطف و کرمیت پاسخ دهی.

سرور من! آیا مرا از جمله اشقیا آفریده‌ای پس گریه طولانی خواهم کرد؟ و اگر از سعادت‌مندانم خلق کرده‌ای، پس به خود مژده امید می‌دهم؟

مولای من! آیا این اعضا و جوارح مرا برای درهم کوبیدن و مقهور ساختن آفریده‌ای؟ و یا اعضای درون بدنم را برای نوشیدن آبهای گدازنده جهنم آفریده‌ای؟

مولای من! اگر بنده‌ای از مولای خودش فرار کرده باشد من نخستین بنده‌ای هستم که از مولایش فرار کرده است اما من می‌دانم که تو را هرگز فراموش نکرده‌ام.

سرور من! اگر می‌دانستم که عذاب من باعث افزایش سلطنت توست، از تو درخواست می‌کردم که نسبت به آن صبر و شکیبایی کنی جز این که می‌دانم نه طاعت مطیعان چیزی بر سلطنت و قدرت تو می‌افزاید و نه نافرمانی گنهکاران چیزی را از سلطنت تو می‌کاهد.

مولای من! اینک این منم با این همه ترس و بیم، خداوندا به لطف خودت مرا ببخش و با پرده‌پوشی خود مرا گرامی دار و به بزرگواری خود از سرزنش کردن من درگذر.

الهی و سیدی! به من رحم کن آنگاه که در بستر مرگ افتاده‌ام و دست دوستانم مرا حرکت می‌دهد به من رحم کن آن وقت که در وقت غسل دادن، دست همسایگان خوبم مرا به راست و چپ می‌گردانند، به من ترحم کن آنگاه که خویشاوندانم اطراف جنازهام را گرفته باشند، و به من در آن خانه تاریک و ترسناک، بر وحشت و غربتم رحم کن...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۸

(۱) طاووس یمانی همین که مناجات امام علیه السلام را - مناجاتی که دل هر شنونده را به درد می‌آورد و قلبها را می‌لرزاند شنید - نتوانست خودداری کند و شروع کرد به گریه کردن امام علیه السلام رو به او کرد و فرمود:

«یا یمانی ما بیکیک؟ أ و لیس هذا مقام المذنبین؟...»

«ای یمانی چرا گریه می‌کنی؟ مگر اینجا جایی نیست که گنهکاران باید بنالند؟» طاووس با کمال تواضع و احترام رو به امام علیه السلام کرد و گفت:

«بر خدای تعالی حق است که درخواست تو را رد نکند...» (۱)

براستی که روح امام سجاد علیه السلام به ملاً اعلی پیوسته بود و تنها و تنها توجه به خدا داشت.

(۲) ۴- راویان خبر از حسن بصری نقل کرده‌اند که او امام علیه السلام را در اطراف کعبه دید در حالی که مشغول گریه و زاری بود و با عجز و الحاح دعا می‌کرد نزدیک امام رفت و شنید این ابیات حزین را می‌خواند:

«الایها المأمول فی کل حاجه شکوت إلیک الضر فارحم شکایتی

ألا یا رجائی أنت کاشف کربتی فهب لی ذنوبی کلها و اقض حاجتی

و إن إلیک القصد فی کل مطلب و أنت غیاث الطالبین و غایتی

أتیت بأفعال قباح ردیه فما فی الوری خلق جنی کجنایتی

فزادی قلیل لا أراه مبلغی أ للزاد ابکی ام لبعده مسافتی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۷۹. تجمعی و الظالمین مواقف فأین طوافی ثم این زیارتی  
ا تحرقنی بالنار یا غایه المنی فأین رجائی ثم این مخافتی

فیا سیدی فامنن علی بتوبه فإنک رب عالم بمقالتی» «ای خدایی که تنها مرجع برآوردن هر حاجت و نیاز، هستی از گرفتاری و بدحالیم به تو شکایت می‌کنم، پس به شکایت من رحم کن، ای مایه امید، ای کسی که اندوه و غم مرا برطرف می‌سازی، پس همه گناهان مرا ببخش و حاجتم را برآورده ساز، براستی که در مورد هر درخواست و هدفی، مرجع و مقصد تویی و تو فریادرس درخواست کنندگان و آخرین هدف منی، خداوندا با اعمال زشت و بدی به در خانه تو آمده‌ام و کسی در میان مخلوقات همچون جنایت مرا مرتکب نشده است، توشه سفرم اندک است، به نظر نمی‌رسد که مرا به مقصد برساند بنابراین (نمی‌دانم) برای زاد و توشه گریه کنم و یا برای دوری راه؟! خداوندا آیا مرا در مواقف آخرت با ستمگران یک جا ننگه می‌داری؟  
پس طواف من وانگهی زیارت من چه می‌شود؟

ای نهایت آرزوها! آیا مرا در آتش دوزخ می‌سوزانی؟ پس امیدواری من (به رحمت تو)، سپس خوف و خشیت من چه می‌شود؟  
بنابراین ای مولای من، با پذیرش توبه‌ام بر من ممت بگذار زیرا که ای پروردگار من! تو از گفتارم، آگاهی.»  
(۱) این اشعار در روح و روان حسن بصری تأثیر بسزایی گذاشت بطوری که خودش را روی پاهای امام علیه السلام انداخت و پاهای آن حضرت را می‌بوسید و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۰  
می‌گفت:

«ای فرزند پیامبر! این همه راز و نیاز و گریه چیست در حالی که شما از خاندان نبوتید؟ و خداوند درباره اهل بیت فرموده است:  
لِيُذَهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً.» (۱)

«خداوند هر پلیدی را از شما خانواده نبوت برطرف کرده و از هر عیبی پاک و پاکیزه گردانید.»

(۱) امام علیه السلام با شنیدن این سخن شروع کرد به بیان واقعیت اسلام که اساس و معیار کار را اعمال شایسته می‌داند و برای فامیل و نسب ارزشی قائل نیست، فرمود:

«دع هذا خلقت الجنة لمن اطاع الله، و لو كان عبدا حبشيا، و خلقت النار لمن عصاه و لو كان حرا قرشيا. و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: ايتوني باعمالکم لا بأنسابکم...» (۲)

«این سخن را مگو، خداوند بهشت را برای بندگان فرمانبر خود قرار داده است هر چند که غلام حبشی باشد و آتش دوزخ نیز برای گنهکاران آفریده شده است اگر چه آزاد و از قبیله قریش باشد. و رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرموده است: اعمال خویش را به من نشان دهید، نه انسابتان را...»

بعضی از نویسندگان درستی این روایت را دور از واقعیت شمرده‌اند به دلیل ضعیف بودن اشعار که نسبت آن به امام نادرست است! علاوه بر آن، بوسیدن حسن بصری پاهای امام علیه السلام را که شایسته مقام حسن بصری نیست! و خود امام نیز راضی به آن نمی‌شد! (۳) این سخن یک مناقشه واهی و

(۱) احزاب / ۳۲.

(۲) روضات الجنات: ۲۹ / ۳.

(۳) الصلوة بين التصوف و التشيع: ۱ / ۱۶۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۱

بی‌جاست به دلایلی که در ذیل نقل می‌کنیم:

اولاً: امام علیه السلام این اشعار را خوانده‌اند و سراینده آنها معلوم نیست که چه کسی است.

ثانیاً: ما در این اشعار نادرستی و ضعف و رکاکتی نمی‌بینیم بلکه از نظر لطافت و روانی، اشعار ارزنده‌ای است.

ثالثاً: بوسیدن حسن بصری پاهای امام علیه السلام را هیچ اهانتی برای او نیست بلکه شرافت و افتخاری برای اوست زیرا که امام علیه السلام بقیه الله روی زمین و در عصر خود، بزرگ عترت طاهره و پاره جگر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بوده است و حسن بصری از این نویسنده، به مقام آن حضرت آگاهتر بوده است.

(۱) ۵- از جمله مناجاتهای امام سجاد علیه السلام در بیت الحرام مناجاتی است که طاووس فقیه آن را روایت کرده، می‌گوید: علی بن حسین علیهما السلام را دیدم که از شامگاه تا سحر به طواف و عبادت مشغول بود و همین که کسی را در اطراف خود ندید، رو به طرف آسمان کرده و می‌گفت:

«خداوندا ستارگان آسمانت از انتظار ناپدید شدند و چشم مردمان به خواب رفت و درهای رحمت به روی گدایان و درخواست کنندگان گشوده شد، اینک من آمده‌ام تا مرا بیامری و مورد ترحم و بخشش خود قرار دهی، و سیمای جدم محمد- صلی الله علیه و آله- را در عرصات قیامت بر من بنمایانی.»

سپس گریه کرد و خدا را مخاطب قرار داده و عرض کرد:

«خداوندا! به عزت و جلالت سوگند، که من غرضم از معصیت، مخالفت تو نبوده است و هنگامی که به معصیت تو پرداختم، از راه سرکشی و به دلیل شک و تردید به خداوندی تو نبود و نه بدین جهت از کیفر و عقوبت تو ناآگاه بوده‌ام و نه آن که سینه در برابر مجازات تو سپر کرده باشم، بلکه نفس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۲

من، امر را بر من مشتبه کرد و پرده‌پوشی تو به من در این راه کمک کرد و من هم اکنون نمی‌دانم چه کسی می‌تواند مرا از عذاب تو نجات بخشد؟ و اگر تو رشته محبت خودت را از من قطع کنی، به ریسمان که چنگ بزنی؟

وای به رسوایی من، فردای قیامت که در پیشگاه تو بازایستم، آن هنگامی که به سبکباران بگویند، بگذرید و به سنگین باران بگویند در آتش دوزخ فروریزید، آیا من با سبکباران می‌گذرم؟ و یا جزو سنگین باران در آتش فرود می‌آیم؟ وای بر من! که هر چه عمرم طولانی می‌شود، گناهانم زیاد می‌گردد و توبه نمی‌کنم آری هم اکنون وقت آن فرا رسیده است که از پروردگارم شرم کنم...»

(۱) تا این که یک باره اشک از چشمان مبارکش باریدن گرفت و چنین گفت:

«ای نهایت آرزوها! آیا مرا در آتش دوزخ می‌سوزانی؟

پس امیدواریم (به رحمت تو) و سپس خوف و خشیتم چه می‌شود؟

خداوندا با اعمال زشت و پستی به در خانه تو آمده‌ام.

و هیچ کسی از مخلوقات تو همچون جنایت مرا مرتکب نشده است! «۱» خداوندا پاک و منزّه‌ی چنان تو را معصیت می‌کنند که گویا تو معصیت کاران را نمی‌بینی! و چنان صبر و شکیبایی داری که گویا کسی نافرمانی تو را نکرده است، با خوشرفتاریت به قدری به بندگان محبت می‌ورزی که گویی به آنها نیازمندی! و حال این که تو ای مولای من از ایشان بی‌نیازی...»

آنگاه به حال سجده روی زمین افتاد، نزدیک رفتم و سر مبارکش را از

(۱) این دو شعر در ضمن اشعار قبل گذشت- م.

زمین بلند کردم و بر دامنم گرفتم و چند قطره اشک از چشمانم به روی مبارکش جاری شد، از جا بلند شد و نشست و با صدای آهسته و به آرامی فرمود:

«کیست این که مرا از یاد پروردگارم بازداشت؟!» (۱) طاووس با تواضع و احترام عرض کرد:

«من طاووسم، ای فرزند رسول خدا این همه بی‌تابی و فغان برای چه؟ ما باید این چنین بنالیم در حالی که معصیت کار و جنایت پیشه‌ایم! اما شما که، پدرت حسین بن علی، مادرت فاطمه زهرا و جدت رسول خداست چرا؟» امام علیه السلام به آن همه نسبت و خویشاوندی درخشانی که داشت توجهی نکرد و فرمود:

«هیئات! هیئات ای طاووس! سخن از پدر، مادر و جدم مگو خداوند بهشت را برای مطیعان و نیکوکاران آفریده است هر چند که بنده حبشی باشند و آتش دوزخ را برای گنهکاران خلق کرده است اگر چه سید قرشی باشند، مگر این سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ «۱» وقتی صور قیامت دمیده شود، دیگر نسبی در میانشان نماند و کسی از کسی نپرسد. به خدا سوگند که فردای قیامت هیچ چیز سودی به حال تو نمی‌بخشد مگر آن که عمل صالحی در این دنیا به جا آورده باشی.» (۲)

(۲) ۶- از جمله مناجات امام علیه السلام در بیت الله الحرام، مناجاتی است که طاووس نقل کرده، می‌گوید: «در تاریکی شب وارد حجر اسماعیل شدم، ناگاه علی بن حسین علیهما السلام را دیدم که وارد شد و سرپا ایستاد هر چه خدا بخواهد نماز خواند، سپس به سجده رفت و سجده طولانی کرد، من با خودم گفتم

(۱) مؤمنون / ۱۰۱.

(۲) کشف الغمه: ۴ / ۱۵۱، بحار الانوار: ۴۶ / ۸۱ و مجالس ثعلب: ۲ / ۴۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۴

مرد صالحی از خاندان نبوت است گوش بدهم بینم چه می‌گوید شنیدم که می‌گفت:

«خدایا! بنده‌ات در خانه تو آمده و درمانده و درمانده، گدا و نیازمند به تو در خانه تو ایستاده است ...»

طاووس، این مناجات کوتاه را حفظ کرد، مناجاتی که از خود فراموشی و اقرار به بندگی بی‌قید و شرط خداوند متعال حکایت می‌کند، و همواره بهنگام حاجتی این دعا را می‌خواند و به گفته خودش، هر گرفتاری و اندوهی که برایش پیش می‌آمد، خداوند بدان وسیله برطرف می‌کرد. (۱)

این بود برخی از مناجاتهای امام علیه السلام در بیت الله الحرام که بیانگر نهایت توجه و ارتباط آن حضرت با خداست و مناجات دیگری دارد که در مبحث دعاها و مناجاتهای امام علیه السلام نقل خواهیم کرد.

(۱)

### امام سجاد با مردی که طواف می‌کرد

امام علیه السلام شنید مردی در اثنای طواف خانه کعبه از خداوند درخواست صبر و شکیبایی می‌کند، رو به آن مرد کرد و فرمود: «تو درخواست بلا- و گرفتاری داری چنین مگو بلکه بگو: خداوندنا من از تو عافیت، و توفیق شکر و سپاس بر آن عافیت را درخواست دارم.» (۲)

امام علیه السلام چنان که شایسته بود آن مرد را ارشاد کرده است تا از

(۱) نور الابصار: ص ۱۲۷، نهج البلاغه: ۱۹۲/۶.

(۲) دعوات قطب راوندی (خطی): ص ۴۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۵

خداوند عافیت و شکر بر عافیت را بخواهد و او را از دعا برای درخواست صبر و شکیبایی بر حذر داشته است زیرا که ممکن است بلا و یا تنگدستی بر او نازل شود.

(۱)

### اعتراض امام بر گدایان در عرفه

امام علیه السلام در روز عرفه چشمش به گروهی افتاد که از مردم چیزی می‌خواستند و از آنها تقاضای کمک می‌کردند، به ایشان برای این عملشان اعتراض کرد و فرمود:

«وای بر شما آیا در چنین روزی از غیر خدا چیزی می‌خواهید؟ برآستی که در امروز امید می‌رود، کسانی که هنوز در رحم مادرانند، خوشبخت گردند...» (۱)

(۲)

### آزاد کردن بردگان در عرفات

امام علیه السلام غلامان سیاه را که هیچ نیازی هم به ایشان نداشت می‌خرید و آنها را به عرفات می‌آورد و اگر کمبود و مشکلی داشتند برطرف می‌کرد و چون از عرفات فارغ می‌شد، دستور می‌داد همه را آزاد کنند و مقداری جوایز مالی هم به ایشان مرحمت می‌کرد. (۲)

(۱) بحار الانوار: ۱۰۵/۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۶۲/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۶

(۱)

### دعای امام در عرفات

امام سجاد علیه السلام در عرفات نماز می‌خواند و به دعا و تلاوت قرآن کریم مشغول می‌شد و این دعای شریف را که از جمله دعاهاى برجسته اهل بیت علیهم السلام است تلاوت می‌کرد که مشتمل بر امور بسیار با اهمیت است، به شرح ذیل:

«الحمد لله رب العالمين، اللهم لك الحمد بديع السموات والأرض، ذا الجلال والإكرام، رب الأرباب، و اله كل مألوه، و خالق كل مخلوق، و وارث كل شيء، ليس كمثله شيء، و لا يعزب عنه علم شيء، و هو بكل شيء محيط، و هو على كل شيء رقيب ...

«حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است، تو را سپاس ای خداوندی که پدیدآورنده آسمانها و زمین، و صاحب عزت و جلالی و بر صاحبان قدرت حاکم و معبود همه خدانشناسان و آفریدگار همه موجودات و وارث همه چیز عالمی و در همه موجودات نظیر و مانند نداشته و از علم نامتناهی او ذره‌ای پوشیده نیست و بر همه چیز مراقب و نگهبان است.

(۲) أنت الله لا اله الا أنت، الأحد المتوحد الفرد المتفرد، و أنت الله لا اله الا أنت الكريم المتكرم، و انت الله لا اله الا أنت، العلي

المتعال، الشدید المحال، و انت الله لا اله الا انت، الرحمن الرحيم، العليم الحكيم، و انت الله لا اله الا انت، السميع البصير، القديم الخبير، و انت الله لا اله الا انت، الكريم الاكرم، الدائم الادوم، و انت الله لا اله الا انت، الاول قبل كل احد، و الآخر بعد كل عدد، و انت الله لا اله الا انت، الداني في علوه، و العالی فی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۷

دنوه، و انت الله لا اله الا انت، ذو البهاء و المجد، و الکبریاء و الحمد، و انت الله لا اله الا انت، الّذی أنشأت الأشياء من غیر سنخ، و صورت ما صورت من غیر مثال، و ابتدعت المبتدعات بلا احتذاء، انت الّذی قدرت کلّ شیء تقدیرا، و یسّرت کلّ شیء تیسیرا، و دبّرت ما دونک تدبیرا، و انت الّذی لم یعنک علی خلقک شریک، و لم یوازرک فی امرک وزیر، و لم یکن لک مشاهد و لا نظیر، انت الّذی اردت فکان حتما ما اردت، و قضیت فکان عدلا ما قضیت، و حکمت فکان نصفا ما حکمت، انت الّذی لا یحویک مکان، و لم یقم لسلطانک سلطان، و لم یعیک برهان و لا بیان ...

خداوندا تو خداوند یکتایی، خدایی جز تو وجود ندارد، یکتای مطلق، و ذات بی‌همتایی و تو آن خداوندی که جز تو خدای بخشنده بنده‌نوازی نیست و تو ای آن خداوندی که جز تو خدایی با عظمت و قدرت بی‌انتهای وجود ندارد و تو ای آن خداوند یکتایی که جز تو خدایی نیست، تو سمیع بصیر و قدیم و بر همه چیز آگاهی، و تو ای آن خدای یکتای کریمی که از همه بخشندگان بخشنده‌تری و کرم و بخشش‌جاودانه و جاودانه‌تر است و تو آن خدای یکتایی که جز تو خدایی نیست که در عین برتری به همه چیز نزدیکی و در عین نزدیکی به آنان از همه بالاتری و تو آن یکتا خداوندی که جز تو خدایی نیست صاحب عظمت و مجد و کبریایی و ستایشی و تو خدای یگانه‌ای هستی که جز تو خدایی نیست همه چیز را بدون نقشه قبلی و این همه صورتها را بدون نمونه و مثالی ابداع کرده فراهم آورده‌ای و همه موجودات را بگونه بسیار سهل و آسان و بی‌رنج و زحمت قلم تقدیرت رقم زده و به صفحه گیتی در آوردی و تو ای آن آفریدگاری که در آفرینش کسی شریک و یاورت نبوده و مشاور و وزیری نداشتی و برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۸

ذات یگانه‌ات همتا و نظیری نیست، تو ای آن خداوند یکتایی که اراده‌ات به هر چه تعلق گیرد موجود شود و فرمان تو عین عدل و انصاف است.

خداوندا تویی آن که در هیچ مکانی نگنجی و در برابر قدرت و سلطنت تو هیچ قدرتی یارای مقاومت ندارد و هیچ دلیل و برهانی تو را عاجز و ناتوان نگرداند ...»

(۱) این سخنان تابناک مشتمل بر تعظیم و تکریم و ثنای پروردگار و بیان مهمترین صفات ثبوتیه ذات مقدس اوست و از آن جمله؛ خدای تعالی است که همه چیز را بدون سابقه ایجاد کرده و به قدرت بی‌انتهای خود ابداع نموده است و اراده اوست که همه چیز را کامل و در نهایت استواری آفریده و تمام موجودات عالم هستی از محسوسات گرفته تا عالم غیب، همه را روی حکمت آفریده و با قلم تقدیر خود رقم زده است و با حکمت بالغه خویش تدبیر نموده و چنان آنها را با اسرار شگفت‌آمیز آمیخته، که اندیشه و افکار را ربوده و عقول را سرگردان و متحیر ساخته است و چگونه انسان ممکن الوجود، با علم محدود و قدرت و اراده ناچیزش می‌تواند به معرفت و شناخت آفریدگار و بزرگی برسد که با عظمت او فوق تصور و ادراک است؛ و این همان مطلبی است که امام علیه السلام در مقطع ذیل از این دعای شریف بر آن تأکید دارد:

(۲) انت الّذی احصیت کلّ شیء عددا، و جعلت لکلّ شیء امدا، و قدرت کلّ شیء تقدیرا، انت الّذی قصرت الأوهام عن ذاتیتک، و عجزت الأفهام عن کیفیتک، و لم تدرک الأبصار موضع ایتیتک، انت الّذی لا تحدّ فتکون محدودا، و لم تمثّل فتکون موجودا، و لم تلد فتکون مولودا، انت الّذی لا ضدّ معک فیعاندک، و لا عدل فیکاکثرک، و لا ندّ لک فیعارضک، انت الّذی ابتدأ و اخترع، و استحدث و ابتدع، و احسن صنع ما صنع،



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۹

سبحانک ما اجل شأنک! و اسنی فی الأماكن مکانک!! و اصدع بالحق فرقانک ...

(۱) «خداوندا تو ای آن کسی که شمار همه چیز را بطور دقیق می‌دانی و برای هر چیزی مدتی را تعیین کرده‌ای و هر چیزی را به اندازه لازم مقدر فرموده‌ای. خداوندا تو ای آن ذات یگانه‌ای که اندیشه‌ها و اوهام از شناخت ذات مقدس تو قاصر و عقل و ادراک از معرفت چگونگی تو ناتوان است، و چشمها نمی‌توانند در هیچ مکانی تو را ببینند و تو ای آن که هیچ حدی تو را محدود نسازد و تو بی‌مانندی و ذات یگانه تو، موجودی است که از کسی زاییده نشده تا از تو چیزی تولد یابد. خداوندا تویی که در جهان هستی ضدی نداری تا با تو به دشمنی برخیزد و نظیر و مانندی نداری تا بخواهد بر تو غلبه کند و همتایی نداری که با تو معارضه نماید، تو ای آن خدایی که از آغاز جهان را آفریده و اختراع نموده‌ای و پدیدار ساخته و ابداع کرده‌ای و هر آنچه ساخته‌ای بس زیبا و نیکو ساخته‌ای، پروردگارا منزهی تو و چقدر مقام والا و منزلت و قدرتت بالاست و برهان جدایی‌بخش بین حق و باطل (قرآن مجید) تو روشن و آشکار است ...»

(۲) امام و پیشوای یکتاپرستان، در این فرازهای از دعای شریفش به علم بی‌حد خدای تعالی اشاره دارد و بیان می‌کند که تمام موجودات عالم هستی را بطور دقیق بر شمرده و از علم بی‌منتهای او هیچ ذره‌ای در آسمانها و زمین پوشیده نیست زیرا که علم او به همه چیز احاطه دارد همچنان که امام علیه السلام به ناتوانی اندیشه و ادراک از رسیدن به حقیقت ذات مقدس او، و بر ناممکن بودن این امر اشاره فرموده است، زیرا که چگونه می‌تواند ممکن الوجود به حقیقت واجب الوجودی پی ببرد که نه نوع دارد و نه جنس و فصل تا از این طریق به معرفت آن ذات مقدس برسد «۱» و چگونه می‌تواند این انسان ناتوان به ادراک

(۱) فلاسفه می‌گویند چیزی را می‌شود تعریف به حد (چه حد تام و چه حد ناقص) نمود که مرکب از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۰

حقیقت ذات او برسد، در حالی که جان و تن آدمی با اعضای پیکری که دستخوش نابودی و فنا و در عین حال شگفت و عجیب است، حقیقت آفریدگار بزرگی را بشناسد که تمام زمان و مکان و ستارگان و کهکشانهایی را که جز خدا کسی از شمار ستارگان آگاه نیست، همه را او آفریده است.

(۱) برآستی که این بخشهای از دعای شریف امام به بحثهای فلسفی مهمی اشاره دارد، همچون نفی حد و تعریف ذات مقدس خدا و داشتن مثل و ضد و نظایر اینها از ذات کبریایی او که کتابهای فلسفه و کلام به تفصیل آنها را بیان کرده‌اند.

اینک به قسمتهای دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) سبحانک من لطیف ما الطفک، و رؤف ما أرفک، و حکیم ما اعرفک، سبحانک من ملیک ما امنعک، و جواد ما اوسعک، و رفیع ما ارفعک، ذو البهاء و المجد و الکبرياء و الحمد، سبحانک بسطت بالخیرات یدک، و عرفت الهدایة من عندک، فمن التمسک لدین او دنیا وجدک، سبحانک خضع لک من جری فی علمک، و خشع لعظمتک ما دون عرشک، و انقاد للتسلیم لک کل خلقک، سبحانک لا تجس و لا تحس، و لا تمس و لا تکاد، و لا تماط و لا تنازع، و لا تجاری و لا تماری و لا تخادع، و لا تماکر، سبحانک سیلک جدد و امرک رشد، و انت حی صمد، سبحانک قولک حکم، و قضاؤک حتم،

جنس و فصل باشد و چون ذات مقدس خداوند بسیط من جمیع الجهات است تعریف او غیر ممکن است، لذا حاج ملا-هادی سبزواری می‌گوید

«معرف الوجود شرح الاسم و لیس بالحد و لا بالرسم

مفهومه من اعرف الاشیاء و کنهه فی غایة الخفاء» - شرح منظومه، بخش فلسفه - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۱

و ارادتک عزم، سبحانک لا رادّ لمشیتک، و لا مبدّل لکلماتک، سبحانک قاهر الأرباب، باهر الآیات، فاطر السّموات، باری السّمات  
«...»

«ای خداوند منزّه و پاک که لطف و مهربانی تو بیش از حد تصور است و تو چقدر مهربان و رءوفی و ای حکیم که پایه علم تو به موقعیت اشیاء از همه کس بیشتر است و ای خدای سبحان که پادشاهی تو چقدر مقتدر و همراه با قدرت است و بخشندگی تو چقدر گسترده است، تو آن خداوند بزرگ و با عظمت و کبریایی و همه حمد و سپاسها تو را سزااست، پاک و منزّهی تو که دست جود و بخشش به خیرات گشوده و هدایت و رستگاری از جانب تو به بندگان رسیده است، بنا بر این هر کس در کار دنیا و آخرت از تو کمک بخواهد، خواهد رسید. پروردگارا منزّهی تو، هر چه در علم تو تجلی کرده است در برابر ارادهات خاضع و خاشع است و تمام آنچه در زیر عرش تو قرار گرفته در برابر عظمت تو فروتن است و همه مخلوقات سر تسلیم در پیشگاه تو فرود آورده‌اند. منزّهی تو که با هیچ حواسی احساس نشوی و کسی از ذات مقدس تو آگاهی نیابد و لمس نگردی و دست کسی به هیچ حیل و مکرری به تو نرسد تو لایزالی و در حد کسی نیست که با تو در آویزد و بر تو ستم کند و مجادله نماید و یا تو را بفریبد و مغلوب سازد، ای خدای سبحان، راه تو مستقیم و همواره و امر و فرمانت واضح و روشن است، تو تا ابد زنده و از همه کس بی‌نیازی و همگان به تو نیازمندند، خداوند پاک تو را سزااست که گفتارت استوار و فرمانت حتمی و ارادهات راسخ و پابرجاست، ای خداوند پاک هیچ کس را قدرت تغییر اراده تو نباشد و کسی را یارای دگرگون ساختن کلمات نیست، ای خداوند پاک، تو آشکار کننده نشانه‌های خلقت و آفریدگار آسمانها و به وجود آورنده تمام نیروهای حیاتی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۲

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر زیباترین تسیحاتی است که اولیای خدا و پرهیزگاران بدان وسیله خدا را تسیح گویند و پاکترین ستایشهایی که آنان پروردگارشان را به بزرگی می‌ستایند، برآستی که در نزد امام (ع) چقدر خداوند متعال بزرگ، والا و بلند مقام است، آری او نسبت به بندگانش مهربان و رءوف و در عین حال پادشاه مقتدر است، هر کسی به او پناه برد به دژ و حصار محکم و استواری پناه برده است. امام علیه السلام عظمت خدا را چنین بیان کرده است که تمام آنچه در جهان هستی وجود دارد در برابر او خاضع و همه موجودات در پیشگاهش خاشعند و همه مخلوقات به درگاه او سر تسلیم فرود آورده‌اند، همچنان که از نشانه‌های عظمت اوست که از جسم و جسمانیات منزّه است تا آنجا که به هیچ یک از حواس پنج‌گانه درک نشود، در حالی که او روشنی‌بخش آسمانها و زمین است و از عظمت اوست که در حد توان هیچ کسی نیست که در صدد حیل و مکر با او درآید و یا با او به مجادله و نزاع برخیزد بلکه همه چیز در تحت قدرت و سلطنت و فرمان اوست، سخن او استوار و قضای او حتم و اراده‌اش راسخ است.

اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۲) «لک الحمد حمدا یدوم بدوامک، و لک الحمد حمدا خالدنا بنعمتک، و لک الحمد حمدا یوازی صنعک، و لک الحمد حمدا یزید علی رضاک، و لک الحمد حمدا مع حمد کلّ حامد، و شکرنا یقصر عنه شکر کلّ شاکر، حمدا لا ینبغی الاّ لک، و لا یتقرّب به الاّ الیک حمدا یستدام به الأوّل، و یستدعی به دوام الآخر، حمدا یتضاعف علی کرور الأزمنه، و یتزاید اضعافا مترادفه، حمدا یعجز عن احصائه الحفظه، و یزید علی ما احصته فی کتابک الکتبه، حمدا یوازن عرشک المجید، و یعادل کرسیک الرّفیع، حمدا یکمل لدیک ثوابه، و یستغرق کلّ جزاء

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۳

جزاؤه، حمدا ظاهره وفق لباطنه، و باطنه وفق لصدق اللّیه فیہ، حمدا لم یحمدک خلق مثله، و لا یعرف احد سواک فضلہ، حمدا یعان من اجتهد فی تعدیده، و یؤید من اغرق نزعا فی توفیته، حمدا یجمع ما خلقت من الحمد، و ینتظم ما انت خالقہ من بعد، حمدا لا حمد اقرب الی قولک منه، و لا احمد ممن یحمدک به، حمدا یوجب بکرمک المزید بوفورہ، و تصلہ بمزید بعد مزید طولا منک، حمدا یجب لکرم و جهک، و یقابل عزّ جلالک ...

«حمد و سپاس جاودانه تا ابدیت تو را سزااست و سپاس همیشگی به خاطر نعمتهایت زبینه توست، سپاسی که بتواند با احسان تو برابری کند و حمد و سپاس تو را به قدری که افزونتر از خشنودی و رضای تو باشد و حمد و سپاس همراه با حمد و سپاس هر سپاسگزار از آن توست و شکر و سپاسی که شکرگزاری کسی به پایه او نرسد، و چنان حمد و سپاسی که جز تو را نزید و تنها به وسیله آن شکر به سوی تو تقرب حاصل شود؛ حمد و سپاسی که از آغاز آفرینش ادامه داشته و تا پایان استمرار خواهد داشت. حمد و سپاسی که در گردش روزگار چندین برابر شود و پشت سر هم روزافزون گردد، حمد و سپاسی که فرشتگان حسابگر از شمار آن ناتوان و بر همه آنچه در کتاب محفوظ تو نوشته‌اند فزونی یابد حمد و سپاسی که با عرش بلند پایه‌ات برابر و با کرسی بر فرازت هم پایه باشد حمد و سپاسی که ثوابش در پیشگاه تو کامل بوده و هر نوع پاداشی را فراگیرد، حمد و سپاسی که ظاهر و باطنش (از نظر صدق و اخلاص) یکی بوده و باطن آن با صدق یت و همراه با خلوص باشد، حمد و سپاسی که هیچ یک از بندگانت تو را آن چنان نستوده و جز تو کسی فضیلت آن را نداند. حمد و سپاسی که هر کس در شمارش آن بکوشد او را یاری داده و کسی را که

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۴

غرق در خصوصیات آن شود پشتیبانی کند، حمد و سپاسی که جامع تمام سپاسهایی باشد که تا کنون آفریده‌ای و یا بعدها خلق خواهی کرد، حمد و سپاسی که در علم بی‌کران تو نزدیکتر از آن چیزی نباشد و بهتر از آن کسی حمد و سپاس تو را آن چنان نگفته باشد که سزاوار ثواب بیشتر از آن گردد و او را از رحمت و احسانت بیشتر برخوردار سازد، سپاسی که برای ذات پاک تو سزاوار و با عزت و جلال تو برابر باشد ...».

(۱) آری در قاموس حمد و سپاس کلمه‌ای نمانده است مگر آن که امام علیه السلام به پیشگاه بزرگترین محبوبش، آفریدگار بزرگ تقدیم داشته، شکر و سپاسی بی‌کران به خاطر نعمتهای عظیم و الطاف بی‌پایانش تقدیم داشته است. و اینک به صفحه دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

ربّ صلّ علی محمّد و آل محمّد، المنتجب المصطفی المکرّم المقرّب، افضل صلواتک، و بارک علیہ اتمّ برکاتک، و ترخّم علیہ امتع رحمتک، ربّ صلّ علی محمّد و آلہ، صلاة زاکیه لا تكون صلاة ازکی منها، و صلّ علیہ صلاة نامیه لا تكون صلاة انمی منها، و صلّ علیہ صلاة راضیه لا تكون صلاة فوقها، ربّ صلّ علی محمّد و آلہ، صلاة ترضیه، و تزید علی رضاه، و صلّ علیہ صلاة ترضیک و تزید علی رضاک له، و صلّ علیہ صلاة لا ترضی له الا بها، و لا تری غیره لها اهلا ...

«خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست که آن بزرگوار برگزیده و مختار و گرامی و مقرب درگاه توست، بهترین درودت را شامل حال او گردان و کاملترین برکاتت را نصیب او فرما و از بالاترین رحمتهای خود او را بهره‌مند ساز.

پروردگارا بر محمد و آلش درودی پاکیزه بفرست که پاکیزه‌تر از آن

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۵

ممکن نباشد و درودی بالنده نصیب او گردان که بالنده‌تر از آن درودی نباشد و چنان درودی بفرست که پسندیده تو باشد و بالاتر از آن درودی وجود نداشته باشد، خداوندا درودی بر او بفرست که موجب خشنودی تو گردد و فزونتر از رضای او بوده و بر خشنودی از او بیفزاید و درودی بر او بفرست چنان که جز آن درودی برایش نپسندی و کسی جز او را شایسته آن ندانی.

(۱) رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ انبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ انْسِكَ وَ اَهْلِ اجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَيَّ صَلَاةُ كُلِّ مَنْ ذَرَاتٍ وَ بَرَاتٍ مِنْ اصْنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ آلِهِ صَلَاةً تَحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ آلِهِ صَلَاةً مُرَضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تَنْشِئْ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تَضَاعَفَ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتُ، عِنْدَهَا وَ تَزِيدُهَا عَلَيَّ كَرُورِ الْاَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يَعْدهَا غَيْرُكَ ...

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست، درودی که از حد رضای تو افزونتر و با جاودانگی تو ابدی باشد و نابود نگردد همان طوری که کلمات تو جاودانه است آن درود نیز فنا نپذیرد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست چنان درودی که با درود فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبرداران فرمان تو همراه باشد و درودهای بندگانت را از جن و انس و پذیرندگان دعوت فراگیرد و درودی که تمام درودهای خلایق و آفریدگانت از انواع مخلوقات را شامل گردد. پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست درودی که شامل درودهای گذشته و حال به بعد از این

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۶

باشد، و درودی بر او و آل او بفرست که مورد رضای تو و مقربانت باشد و آن درود خود منشأ درودهایی باشد که با وجود آنها چندین برابر گردند و با گردش روزگاران چنان روزافزون گردد که جز تو کسی را یارای شمارش آنها نباشد ...»  
امام علیه السلام با این کلمات به جد بزرگوارش رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - اشاره کرده و از خداوند متعال طلب درود و رحمت نموده و از خداوند خواسته است تا بر او درودی پاک و بالنده و پسندیده فرستد چنان درودی که با گردش شبها و روزها برقرار باشد و به جاودانگی بی‌منتهای خداوند متعال پیوندد و همچون کلمات خدا پایان‌ناپذیر باشد.

اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ اَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِيْنَ اَخْتَرْتَهُمْ لِاَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خِزْنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفْظَةَ دِيْنِكَ، وَ خَلْفَائِكَ فِي اَرْضِكَ، وَ حُجَجِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيْرًا بَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيْلَةَ الْيَكِيَّةَ، وَ الْمَسْلَكَ اِلَى جَنَّتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ صَلَاةً تَجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ تَحْفِكَ وَ كِرَامَتِكَ، وَ تَكْمِلُ لَهُمُ الْاَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ تُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ، وَ فَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمُ صَلَاةً لَا اَمْدَ فِيْ اَوَّلِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِاَمْدِهَا، وَ لَا نِهَايَةَ لِاٰخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَةَ عَرْشِكَ، وَ مَا دُونِهِ، وَ مَلَأْ سَمَوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ وَ عِدِّ اَرْضِيْكَ، وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ صَلَاةً تَقْرَبُهُمْ مِنْكَ زَلْفِي، وَ تَكُوْنُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مَتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ اَبَدًا ...

«پروردگارا! بر محمد و آلش که جزو پاکان عالمند درود فرست که تو آنها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۷

را برای هدایت و ارشاد مردم برگزیده‌ای و گنجینه‌های علم و نگهبانان دین خود و جانشینان حکومت خود در زمین و حجت‌های بالغه بر بندگانت قرار داده‌ای و به اراده خویش از هر نوع ناپاکی و پلیدی آنان را پاکیزه ساخته‌ای و ایشان را وسیله هدایت و ارشاد مردم کرده‌ای و راهنمای مردم جهت سلوک به سوی بهشت رضوانت قرار داده‌ای.

پروردگارا بر محمد و آلش درود و رحمتی بفرست که موهبت و کرامت خود را بر آن بیفزایی و بدان وسیله بهترین و عالیترین عطا و بخشش خود را بر آنان به حد کمال برسانی و بهره آنان را از الطاف و احسانت بی‌حساب سازی.

خداوندا بر او و بر خاندان پاکش درود و رحمتی بفرست که بی‌حد و بی‌نهایت باشد و هرگز منقطع نگردد. پروردگارا بر ایشان درودی بفرست که با عرش اعظم و هر چه در زیر عرش است برابری کند و همه آسمانها و زمینها را و آنچه در بالای آسمانها و در زیر زمینها و ما بین آسمان و زمین است پر کند، درودی که باعث تقرب بیشتر آنان به مقام قربت گردد و مورد رضا و خشنودی

تو باشد در حالی که به درود و رحمت‌های دیگری همانند خود پیوسته باشند...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از کلمات گرانقدر خویش از مقام والا و جایگاه عظیم اهل بیت علیهم السلام و فضائلی را که خداوند به ایشان مرحمت کرده است پرده برداشته است که از جمله بیانگر مطالب زیر است:

الف- خدای تعالی آنان را برای تبلیغ و نشر دین خود و ادای رسالت خویش به بندگانش برگزیده است.

ب- خدای متعال ایشان را گنجینه‌داران علم و دانش و مراکز حکمت خویش قرار داده است.

ج- براستی که آنان پاسداران دین از تحریف و زیاده و نقصانند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۸

د- آنان جانشینان خدا در زمین و حجت‌های بالغه او بر بندگان او هستند.

ه- خداوند متعال آنان را از هر رجس و پلیدی پاک و پاکیزه قرار داده است همان طوری که آیه مبارکه بیان می‌کند:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (۱)

و- خدای تعالی ایشان را وسیله ارشاد و هدایت مردم به درگاه خود و سلوک آنان به بهشت رضوانش قرار داده است، بنا بر این هر کس به سوی ایشان آمد نجات یافت و هر کس از ایشان رو برتافت، غرق و نابود شد.

این بود برخی از فضایل و مناقب ایشان، که امام علیه السلام درباره آنها سخن گفته و از خداوند متعال خواسته است که درود و مغفرت خویش را بر ایشان ارزانی بدارد و رحمت‌های فراوانش شامل آنان گرداند.

(۱) و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ أَنْتَ آيِدَت دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمِيتَ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَمْرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمًا وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مَتَأَخَّرًا، فَهَوِ عَصْمَةَ اللَّائِذِينَ، وَ كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عُرْوَةَ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءَ الْعَالَمِينَ ...

«خداوندا تو دین و شریعت خود را در هر عصر و زمانی به وسیله امام عادل تأیید کردی و آنان را به عنوان شاخصها و مشعلداران بندگان، در همه جا قرار دادی و آن امام عادل را با خود مرتبط کردی و او را وسیله سلوک به بهشت رضوان و رسیدن خلق به مقام رضا و خشنودیت قرار دادی

(۱) احزاب/ ۳۳: همانا خداوند می‌خواهد که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت پیامبر (ص) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۹

و اطاعت او را بر خلق واجب گردانیدی و مردم را از مخالفت با دستورهای او منع کردی و دستور دادی تا همه کس از او امر او اطاعت کنند و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایند و مبادا فردی بر او تقدم بجوید و یا از پیروی و همراهی با او عقب بماند پس او نگهبان خلق و پناه کسانی است که به درگاه تو پناهنده‌اند و پشتیبان مؤمنان و حلقه ارتباط میان مسلمانان و نور هدایت و روشنی‌بخش عالمیان است...»

(۱) اللَّهُمَّ فَارِزِ لَوْلِيَيْكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَوْزَعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اعْنِهِ بِرُكْنِكَ الْإِعْزَازَ، وَ أَشَدِّدْ أَوْرَهُ، وَ قَوِّ عَضْدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ أَحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَ أَنْصِرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَمُدَّهُ بِجَنْدِكَ الْأَغْلَبَ، وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ، وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ، وَ سُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيَّ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْعَلْ بِهِ صِدْقَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنِ بِهِ الصُّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ ازِلْ بِهِ التَّائِكِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَمْحَقْ بِهِ بَغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا، وَ اَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ

ابسط یده علی اعدائک، و هب لنا رأفته، و رحمته و تعطفه و تحننه، و اجعلنا له سامعین مطیعین، و فی رضاه ساعین، و الی نصرته و المدافعه عنه مکنفین و الیک و الی رسولک صلواتک اللهم علیه و آله بذلک متقرّین ...

«خداوندا! پس شکر و سپاس نعمتهایی را که به وی عطا کرده‌ای بر او الهام فرما و مانند همان را نیز بر ما الهام کن و از جانب خود سلطنت و یاری بر او مرحمت فرما و او را به پیروزی شایان برسان و این پیروزی را به آسانی نصیب او کن و با عزّت کامل خود او را یاری کن و پیروانش را نیرومند ساز و بازویش را قوی گردان، و با چشم عنایت خود او را مراقبت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۰

فرما و در سایه حمایت خود او را نگهدار، و به وسیله فرشتگان او را یاری کن و با سپاه برتر خویش او را مدد فرما و به وسیله او حقایق کتاب آسمانی و حدود شریعت و سنتهای رسول گرامیت را- درود تو ای خدا بر او و خاندانش باد- استوار گردان، و آنچه را که ستمگران از تعالیم دینت نابود کرده‌اند به وسیله او دوباره زنده کن و بدان وسیله زنگار ظلم و ستم را از آئینه دینت پاک کن و همه سختیها و مشکلات را به وسیله او زایل گردان و به وسیله او سرکشان و گمراهان بداندیش را که راه راست دین تو را کج معرفی کرده‌اند خوار و نابود گردان و دل آن بزرگوار را نسبت به دوستانت مهربان و او را بر دشمنانت پیروز فرما، و رأفت و محبت او را شامل حال ما (شیعیان و دوستانش) بفرما، و ما را از جمله شنوندگان سخن آن حضرت و فرمانبرداران او قرار بده، و از جمله کسانی مقرر فرما که در راه رضا و خشنودی خودت و در راه حمایت و یاری او و برای دفاع از هدفهای او کوشا باشیم در حالی که این یاری و حمایت ما وسیله تقرب به درگاه تو و نزدیکی به رسول گرامیت باشد که درود تو ای خدای بزرگ بر او و خاندان او باد ...»

(۱) امام علیه السلام در این فراز از دعای شریف خویش از مقام والای امام قائم و اهمیت زیاد او در دنیای اسلام سخن گفته است که او پاسدار دین خدا و راهنمون به راه راست و هدایت است و وسیله‌ای برای جلب رضا و خشنودی خدا می‌باشد، از این رو لازم است که از او اطاعت کنیم و مخالفت با او روا نیست زیرا که او پناه کسانی است که به درگاه خدا پناه می‌برند و پشتیبان مؤمنان و دستاویز مستمسکان و روشنی‌بخش عالمیان است. آنگاه امام علیه السلام برای پیروزی و نصرت شایان آن بزرگوار دعا کرده است تا آن که سنت اسلام را استوار سازد و آنچه را که از آثار شریعت و احکام دیانت به وسیله ستمگران از میان رفته، دوباره زنده کند. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۱

می‌سپاریم:

(۱) اللهم و صلّ علی اولیائهم، المعترفین بمقامهم، المتبعین منهجهم، المقتفین آثارهم، المستمسکین بعروتهم، المتمسکین بولایتهم، المؤتمنین بامامتهم، المسلمین لأمرهم، المجتهدین فی طاعتهم، المنتظرین آیامهم، المادین الیهم اعینهم، الصلوات المبارکات الزاکیات التامیات الغادیات، و سلّم علیهم و علی ارواحهم، و اجمع علی التّقوی امرهم، و اصلح لهم شئونهم، و تب علیهم انک انت التّوّاب الرّحیم، و خیر الغافرین، و اجعلنا معهم فی دار السلام برحمتک یا ارحم الرّاحمین ...

«خداوندا! بر دوستان و موالیان ایشان درود فرست؛ آن کسانی که به مقام ولایت و امامت ایشان معترفند و از راه ایشان پیروی می‌کنند و به آثار علمی و دستوره‌های ایشان پابندند و به ریسمان محکم ولایت ایشان متمسکند و پیرو امامت و پیشوایی آنانند و تسلیم اوامر ایشان بوده و در اطاعت از فرمان ایشان کوشایند، منتظر فرا رسیدن دوران حکومت ایشان و چشم به راه ظهور آن بزرگوارانند، بر این گروه دوستان و شیعیان درودها و رحمتهای پربرکت و بسیار پاکیزه و خوشبو و روزافزون بفرست، بر ایشان و بر ارواح پاکشان رحمت فرست و امور ایشان را بر اساس تقوا گردآور و همه شئون ایشان را اصلاح فرما و توبه آنان را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و بهترین آمرزنده گناهانی و با رحمت واسعه خود ما را نیز با آنان در بهشت جاودانه قرین فرما ای بخشنده‌ترین

بخشایندگان ...»

(۲) امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرده است تا بر شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام درود و رحمت فرستد، کسانی که تجسم عینی تابش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۲

فکری اسلام بوده و پیروان راستین راه و روش ائمه طاهرین و دنباله‌روان آثار ایشان و متمسکین به ولایت و معتقدان به امامت آنان می‌باشند و در راه اطاعت از ایشان می‌کوشند و منتظر فرا رسیدن روزگار حکومت حقّه آنانند. و ایشان هستند که به تمام اصول اسلام پایبند بوده و از همه گفته‌ها و اعمال پیامبر (ص) متابعت می‌کنند که از جمله دستوره‌های پیامبر، پیروی و تمسک به اهل بیت علیهم السلام و عمل به آثار علمی و آنچه در عالم تشریح از ایشان رسیده، می‌باشد. امام علیه السلام درخواست دارد که خداوند امر ایشان را بر اساس تقوا فراهم آورد و شئون و اموال ایشان را اصلاح کند و توبه ایشان را بپذیرد و با رحمت واسعه خود در بهشت جاودان هم‌نشین و همراه ایشان قرار دهد.

(۱) و باز به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ، يَوْمٌ شَرَفَتْهُ وَ كَرَّمَتْهُ، وَ عَظَّمَتْهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ اجْزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ وَ اَنَا عَبْدُكَ الَّذِي انْعَمْتَ عَلَيَّ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ، وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مَمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ ادْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ، وَ ارشَدْتَهُ لِمَوَالِئِهِ اَوْلِيَاءِكَ، وَ مَعَادَاةِ اَعْدَائِكَ، ثُمَّ امْرَتَهُ فَلَمْ يَأْتُمْرَ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ امْرَكَ اِلَى نَهْيِكَ، لَا مَعَانِدَةَ لَكَ، وَ اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ اِلَى مَا زَيَّلْتَهُ، وَ اِلَى مَا حَدَّرْتَهُ وَ اعَانَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ عَدْوُكَ وَ عَدْوُهُ، فَاقْدَمَ عَلَيَّ، عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَ اِثْقًا بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانِ احَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيَّ اَلَّا يَفْعَلَ، وَ هَا اَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا- خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذَّنُوبِ تَحْمَلْتَهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَا اِثْمًا بِرَحْمَتِكَ، مَوْقِنًا اَنَّهُ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۳

لا یجیرنی منک مجیر، و لا یمنعنی منک مانع، فعد علیّ بما تعود به علی من اقترف من تغمّدک، (۱) و جد علیّ بما تجود به علی من القی بیده الیک من عفوک، و امن علیّ بما لا- یتعاضمک ان تمنّ به علی من املک من غفرانک، و اجعل لی فی هذا الیوم نصیباً، انال به حظاً من رضوانک، و لا تردّنی صفراً ممّا ینقلب به المتعیدون لک من عبادک، و ائی و ان لم اقدم ما قدموه من الصّالحات، فقد قدّمت توحیدک و نفی الأضداد و الأنداد و الاشباه عنک، و اتیتک من الأبواب الّتی امرت ان تؤتی منها، و تقربت الیک بما لا یقرب احد منک اَلَّا بالتقرب به، ثمّ اتبعت ذلك بالانابه الیک، و التذللّ و الاستکانه لک، و حسن الظنّ بک و الثقه بما عندک، و شفعتہ برجائک الذی قلّ ما یخیب علیہ راجیک، و سألتک مسأله الحقیر الذلیل، البائس الفقیر، الخائف المستجیر، و مع ذلك خیفه و تضرّعا و تعودا و تلودا، لا مستطیلا بتکبر المتکبرین، و لا متعالیا بدالّه المطیعین، و لا مستظلا بشفاعه الشّافعیین، و انا بعد اقلّ الأقلّین، و اذلّ الأذلّین، و مثل الذرّه او دونها ...

«خداوندا امروز، روز عرفه است، روزی است که تو به آن شرافت و کرامت بخشیده‌ای و خوان رحمت خود را در این روز برای بندگانت گسترده‌ای و با عفو و بخشش خود بر خلق منت نهاده و عنایت زیادی بر ایشان کرده‌ای و به واسطه امروز شریف بندگانت را مشمول فضل و رحمت خود قرار داده‌ای. خداوندا اینک من همان بنده‌ام که پیش از آفرینش و پس از خلقت او درباره‌اش احسان کرده‌ای و او را از جمله هدایت یافتگان به دین خود و موفق به ادای حق خویش قرار داده‌ای و به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۴

وسيله تمسک به رشته رحمت خود او را از گمراهی حفظ کرده‌ای و در زمره حزب خود در آورده‌ای و به دوستی و محبت اولیایت

و دشمنی با دشمنان ارشاد فرموده‌ای و بازهم به او امر کرده‌ای اما او به امر تو اطاعت نکرده و نهی فرموده‌ای و او خودداری نکرده و از نافرمانی خود او را بازداشته‌ای اما او به جای انجام دستور تو مرتکب گناه شده است لیکن نه از باب مخالفت و دشمنی با تو و نه به خاطر سرکشی از فرمانت بلکه هوای نفس بر وی غالب گشته و به انجام نواهی تو دعوت کرده است و دشمن او و تو (شیطان) او را در مخالفت با تو کمک کرده است و با وجود این که به وعده عذابت درباره معصیت آگاه بوده اما به امید عفو تو و با اطمینان به بخشاینده‌گی مرتکب گناه شده است، در صورتی که با این همه احسان و لطف که بر او روا داشتی بهتر آن بود که نافرمانی تو را نکند. خداوندا (۱) اینک این منم آن بنده خوار و ذلیل، ناچیز خاضع و ترسان که بار سنگین گناهانم را بر دوش دارم و خطاهای بزرگی مرتکب شده‌ام، به رحمت و عفو تو پناه آورده‌ام و یقین کامل دارم که هیچ کس نمی‌تواند جز تو مرا پناه دهد و اگر تو بخواهی مرا عذاب کنی هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوگیری کند، پس تمنا می‌کنم که در این حال به عفو و کرمت بنگر همان طوری که به بندگان گنهکارت به لطف و احسان می‌نگری و آنان را مشمول عفو و گذشت خود قرار می‌دهی مرا هم ببخش، همچنان که آنها دست به دامن عفو شدند و بر آنان کرم کردی بر من نیز به غفران و احسان رفتار کن و امروز به من نصیبی عطا کن که بدان وسیله از رضا و خشنودی تو بهره‌مند شوم و مرا از درگاه کرمت محروم مفرما و از آنچه به بندگان که در اطاعت تو خالصند عطا کرده‌ای به من عطا کن هر چند که من اعمال شایسته آنها را انجام نداده‌ام اما هدیه‌ای به نام یکتاپرستی و توحید را به محضر تو تقدیم می‌دارم و ذات پاکت را از هر ضد، مثل و شبیه منزّه می‌دانم. خداوندا من هم از آن درهائی آمده‌ام که تو خود دستور داده‌ای و به وسیله چیزی تقرب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۵

جسته‌ام که کسی بدون آن وسیله نمی‌تواند به درگاهت تقرب جوید، و پس از همه اینها با توبه و زاری و عجز و لابه به سوی تو آمده‌ام و با حسن نیت و اطمینان بر آنچه در نزد توست به درگاهت می‌نالم و با امیدواری که به رحمت تو دارم به درگاه تو آمده‌ام آن امیدواری که کمتر کسی یافت می‌شود که به پیشگاه تو رو آورد و محروم برگردد و از تو با حال خواری و درماندگی و بیچارگی و ترس و پریشانی درخواست امان دارم و با قلبی مملوّ از بیم و وحشت و ناله و زاری به درگاهت پناه آورده‌ام نه با سرکشی و غرور متکبران و نه با ناز و کرشمه مطیعان و نه به خاطر این که تنها به شفاعت شافعان متوسل گشته‌ام زیرا که من از ناچیزترین و خوارترین بندگان ناچیز و خوارم و همچون ذره بی‌مقدار و یا پست‌تر از آنم...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعای خود، از تعظیم و تقدیس خود نسبت به روز عرفه پرده برداشته است روزی که از بزرگترین و والاترین روزهای خداست که خداوند رحمت خود را در آن روز بر بندگان گسترده و عفو و بخشش خویش را بر حجاج بیت الله الحرام ارزانی داشته است. همچنان که امام علیه السلام تذلل و خواری و عبودیت بی‌چون و چرای خود را نسبت به پروردگار با اعتراف به تقصیر و اطمینان به لطف و امید به بخشش و عفو پروردگار ابراز داشته که در پیشاپیش آن، توحید و نفی اضداد و نظایر و اشباه برای خدا را تقدیم نموده و از راهها و دروازه‌هایی به درگاه خدا رو آورده است که خداوند خود دستور داده است تا بندگان از آن دروازه‌ها وارد شوند یعنی راهها و درهای رحمت، ائمه طاهرین علیهم السلام، در این سخن امام درس آموزنده‌ای برای مقصران و کسانی است که از رحمت خدا دور افتاده‌اند تا بدان وسیله از این راه بروند و خود را در سرای آخرت از عذاب الهی نجات بخشند. و باز به بخش دیگری از این دعای شریف بر می‌گردیم و گوش دل می‌سپاریم:

(۲) فیا من لم یعاجل المسیئین، و لا ینده المترفین، و یا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۶

من یمنّ باقاله العاثرین، و یتفضّل بانظار الخاطئین، انا المسیء المعترف الخاطیء العاثر، انا الذی اقدم علیک مجترئاً، انا الذی عصاک متعمّداً، انا الذی استخفی من عبادک و بارزک، انا الذی هاب عبادک و امنک، انا الذی لم یرهب سطوتک و لم یخف بأسک، انا



الجانی علی نفسه، انا المرتهن بلیته، انا القلیل الحیاء، انا الطویل العناء، فبحق من انتجت من خلقک، و بمن اصطفیته لنفسک، بحق من اخترت من بریتک، و من اجتبت لشأنک، بحق من وصلت طاعته بطاعتک، و من جعلت معصيته كمعصیتک، بحق من قرنت موالاته بموالاتک، و من نطت معاداته بمعاداتک، تعمدنی فی یومی هذا بما تتعمد به من جار الیک متصّیلاً، و عاذ باستغفارک تائباً، و تولّی بما تولّی به اهل طاعتک، و الزّلفی لیدیک، و المکانة منک، و توخّدتنی بما تتوخّد به من وفی بعهدک، و اتعب نفسه فی ذاتک، و اجهدها فی مرضاتک، و لا- توأخذنی بتفریطی فی جنبک، و تعدّی طوری فی حدودک، و مجاوزة احکامک، و لا تستدرجنی باملائک لی استدراج من منعی خیر ما عنده، و لم یشرکک فی حلول نعمته بی، و تبهنی من رقدة الغافلین، و سنه المسرفین، و نعهة المخذولین، و خذ بقلبی ما استعملت به القانتین، و استعبدت به المتعبدین، و استنقذت به المتهاونین، و اعذنی ممّا یباعدنی عنک، و یحول بینی و بین حظّی منک، و یصدّنی عمّا احاول لیدیک، و سهّل لی مسلك الخیرات الیک، و المسابقة الیها من حیث امرت، و المشاحة فیها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۷

علی ما اردت، و لا- تمحقنی فی من تمحق من المستخفین بما اوعدت، و لاب تهلکنی مع من تهلک من المتعرضین لمقتک، و لا تبیرنی فی من تبر من المنحرفین عن سبلک، و نجّنی من غمرات الفتنة، و خلّصنی من لهوات البلوی، و اجرنی من اخذ الإملاء...»  
«ای خداوندی که در مجازات گنهکاران شتاب نمی‌ورزی و اسراف کنندگان مغرور را از درگاه کرمت نمی‌رانی، ای خدایی که به بازگشت گنهکاران منت گذاشته و احسان می‌کنی و خطاکاران را به فضل و کرمت مهلت می‌دهی! خداوندا! منم آن بنده گنهکار که به گناه و لغزش خود معترفم و با این که از روی اراده نافرمانی تو را کرده‌ام با جرأت به سوی تو آمده‌ام. منم آن بنده‌ای که نهان از نظر بندگانت ولی آشکارا در نظر تو بر تو معصیت و نافرمانی کرده‌ام. خداوندا منم آن بنده‌ای که از هیبت بندگانت ترسیدم ولی از تو در معصیت و نافرمانی نترسیدم و منم آن که از سطوت و غلبه تو نهراسیدم و از خشم و غضب تو خائف نشدم.

خداوندا منم آن که بر خود ستم کرده‌ام و منم آن کسی که به نتیجه اعمال خود گرفتار شدم، منم آن که شرم و حیایم اندک و رنج و مشقّتم طولانی است! خداوندا به حق آن کسی که تو او را از همه کس برتر می‌دانی و او را برای خودت پسندیدی و به حق آن که از همه خلق برگزیدی و برای امور دین خود انتخاب کردی و به حق آن که طاعت او را به طاعت خود پیوند دادی و معصیتش را همانند نافرمانی خود به حساب آوری، به حق کسی که دوستی او را با دوستی خودت قرین و دشمنی با او را با دشمنی خودت مربوط ساختی، مرا در این روز بزرگ به لباس رحمت و مغفرت خویش ملبّس گردان، با همان لباس مغفرتی که تن کسانی را می‌پوشانی که با آه و زاری به تو پناه می‌آورند و با توبه و استغفار رو به درگاه تو می‌آورند. و مرا در حصار ولایت خود قرار ده همان طوری که بندگان مقرب و صاحب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۸

منزلت و مقام و اهل طاعت خویش را از هر رنج و بلا محافظت می‌کنی، مرا نیز در نزد خود به چنان مقامی برسان، مانند وفاداران به عهد تو و کسانی که در راه دین تو رنج و زحمت کشیده و در جلب رضا و خشنودی تو کوشیده‌اند، و مرا به خاطر تقصیری که در مورد تو و به سبب تجاوز از حدود احکام تو و کوتاهی در اجرای اوامرت مؤاخذه مفرما. خداوندا مرا به عذاب تدریجی در اثر نعمتهای دنیوی که باعث طغیان من می‌شوند، مبتلا- مکن و با وجود عصیان مرا از احسان خود دریغ مفرما. خداوندا مرا گرفتار خواب غفلت مردمان غافل و آن غفلتی که روش مسرفین و مطرودین است، مگردان، بلکه توجه قلبی مرا به سویی معطوف کن که دل بندگان مطیع و بندگان خاصّت بدان سو متوجه است، چنان کن که خداپرستان کامل را به عبادات شائقانه برگماشتی و سهل‌انگاران را به کرم و لطف خود از هلاکت نجات دادی. خداوندا مرا از آنچه باعث دوری از درگاهت می‌شود نگهدار و بین من و نصیبم از رحمت خودت جدایی مینداز و از آنچه که مرا از رسیدن به مقصود نهائیم مانع می‌شود حفظ کن. و انجام کارهای

نیک را که مرا به سوی تو رهنمونند، آسان گردان و مرا برای انجام کارهای خیر از طریقی که امر فرموده‌ای و رضای تو بر آنها تعلق گرفته، شتابان گردان و مرا در زمره کسانی قرار مده که مستحق عذاب بوده و در معرض نابودی و هلاکتند، و با کسانی که بی‌باکانه خود را در معرض خشم و غضب تو قرار داده‌اند هلاک مکن و با کسانی که از راه راست تو منحرف شده‌اند نابودم مگردان و مرا از آشوب و فتنه‌های عالم نجات ده و از مشکلات آزمون خلاصی بخش و مرا به واسطه مهلتی که داده‌ای از مؤاخذه حفظ فرما ...»

(۱) امام علیه السلام در این فرازهای از دعای خود درباره الطاف الهی بر بندگانش سخن گفته است که از آن جمله خداوند نسبت به کیفر و انتقام از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۹

تبهکاران و عاصیان، شتاب نمی‌ورزد و به ایشان مهلت می‌دهد تا این که شاید به راه صحیح برگردند و به اجر و ثواب برسند، همچنان که امام علیه السلام به ندبه و زاری و تذلّل و خواری خود، و خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ به حساب نیابوردن اشاره دارد در حالی که از او درخواست می‌کند و متوسل به اوست که مشمول عفو و رضوان خویش قرار دهد و از خواب غفلتی که غافلان مبتلایند و روش اسرافکاران است بیدار کند و او را به راه نیکان و صالحان هدایت کند. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) «و حل بینی و بین عدوّ یضلّنی، و هوی یوبقنی، و منقصه ترهقنی، و لا تعرض عنی اعراض من لا ترضی عنه بعد غضبک، و لا تؤیسنی من الامل فیک، فیغلب علی القنوط من رحمتک، و لا تمتحنی بما لا طاقه لی به، فتبهظنی ممّا تحمّلنیه من فضل محبتک، و لا ترسلنی من یدک ارسال من لا خیر فیه، و لا حاجه بک الیه، و لا انابه له و لا ترم بی رمی من سقط من عین رعایتک، و من اشتمل علیه الخزی من عندک، بل خذ بیدی من سقطه المترددین، و وهله المتعسّین، و زلّه المغرورین، و ورطه الهالکین، و عافی ممّا ابتلیت به طبقات عیدک و امائک، و بلغنی مبالغ من عنیت به، و انعمت علیه، و رضیت عنه فأعشته حمیدا، و توقّیته سعیدا، و طوّقتی طوق الإقلاع ممّا یحبط الحسنات، و یدهب بالبرکات، و اشعر قلبی الازدجار عن قبائح السيئات، و فواضح الحوبات، و لا تشغلی بما لا ادركه الا بک عمّا لا یرضیک عنی غیره، و انزع من قلبی حبّ دنیا دنیّه تنهی عمّا عندک، و تصدّ عن ابتغاء الوسيله الیک، و تذهل عن التّقرّب منک، و زین لی التّفرد بمناجاتک باللیل و النهار،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۰

و هب لی عصمه تدینی من خشیتک، و تقطعنی عن رکوب محارمک، و تفکّنی من اسر العظام، و هب لی التّطهیر من دنس العصیان، و اذهب عنی درن الخطایا، و سربلنی بسربال عافیتک، و ردّنی رداء معافاتک، و جلّلی سواغ نعمائک، و ظاهر لدی فضلک و طولک، و ایدنی بتوفیقک و تسدیدک، و اعنی علی صالح النیّه، و مرضی القول و مستحسن العمل، و لا تکنی الی حولی و قوتی دون حولک و قوتک، و لا تخزنی یوم تبعثنی للقاءک، و لا تفضحنی بین یدی اولیائک، و لا تنسني ذکرک، و لا تذهب عنی شکرک، بل ألزمنیه فی احوال السیهو عند غفلات الجاهلین لآلائک، و اوزعنی ان اثنی بما اولیتنی، و اعترف بما اسدیته الی، و اجعل رغبتی الیک، فوق رغبه الزّاعین، و حمدی ایاک فوق حمد الحامدین، و لا تخذلنی عند فاقتی الیک، و لا تهلکنی بما اسدیته الیک ...

«خداوندا میان من و دشمنی که باعث گمراهی من است و هوای نفسی که جانم را به تباهی کشد و نقص و عیبی که تمام وجودم را فراگیرد جدایی بیفکن و در همه حال از من همانند کسی که از او ناراضی هستی، و پس از خشم و غضب بر او، دیگر خشنود نخواهی شد، رو بر مگردان، خداوندا مرا از امید که بر تو دارم ناامیدم مکن بطوری که یأس و ناامیدی از رحمتت بر من غلبه کند، و بار سنگینی را که از حد طاقت من بیشتر است برای امتحان بر دوش من مگذار تا آن بار مرا خسته و ناتوان کند بلکه از راه

فضل و کرم امتحان را بر من آسان گیر. خداوندا از عنایت و لطفت با من مانند کسی که هیچ خیر در وجود آنها نیست و هیچ توجهی به او نداری و او نیز هیچ گاه به درگاه تو بر نمی‌گردد رفتار مکن، و مرا مانند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۱

کسی که هرگز چشم عنایت به او نداری و او را با ذلت و خواری از درگاهت می‌رانی از نظر لطف دور مکن و مرا از سقوط رانندگان درگاهت و از ترس و بیم خطاکاران گمراه بازدار بلکه دست مرا از سقوط مردمان رانده شده از درگاهت بگیر و از خوف خطاکاران گمراه و لغزش افراد مغرور و از گرفتاری هلاک‌شدگان در گمراهی نگهدار و از گرفتاریهایی که بندگانت را از مرد و زن مبتلا می‌گردانی مرا معاف دار و به آن مقامی برسان که بندگان خاصت را رسانده‌ای و مشمول احسانت قرار داده و از او خشنود و راضی هستی که دوران عمرش را به نیکی گذرانده و در وقت مردن هم خوشبخت و مقرون به سعادت فرموده‌ای، به گردنم طوقی بینداز که اعمال نیکم را باطل نگرداند و برکات اعمال نیکم را از بین نبرد. و (۱) قلبم را پر از نفرت و انزجار نسبت به اعمال بد و رسوایی گناهان فرما و فکرم را از آنچه که موجب رضای توست به چیز دیگری مشغول مگردان زیرا که اعمال جلب کننده رضای تو را بدون لطف و عنایت تو نمی‌توانم تشخیص دهم. و محبت دنیای پست را که مرا از رسیدن به نعمتهای ابدی باز می‌دارد و از جستن وسیله تقرب به تو محروم می‌سازد، از دل و جانم ریشه کن فرما و در نظر من تنهایی و خلوت و مناجات و راز و نیاز با خودت را در شب و روز بیارای و به من عصمتی مرحمت کن که مرا به مقام خشیت و خداترسی نزدیک کند و از ارتکاب معاصی بازدارد، و گردنم را از زنجیر اسارت گناهان بزرگ برهاند. خداوندا مرا از پلیدی و ناپاکی گناه پاک نما و لکه خطاکاری را از من بزدا و بر تن و جانم لباس عافیت و جامه عفو و عنایت خودت را بپوشان و در نعمتهای کامل مرا مستغرق ساز و فضل و احسان خودت را بر من آشکار کن و با توفیق و تأیید خودت مرا نصرت و قوت عطا فرما و در نیت خالص برای انجام کارهای خیر و شایسته مرا یاری کن و سخنم را دلپسند و عملم را نیکو گردان و کارهایم را به قدرت و توانایی خودم وامگذار بلکه با نیرو و قدرت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۲

بی‌انتهای خودت کارهایم را اصلاح کن و مرا در روز قیامت خوار و ذلیل مگردان و در بین اولیا و دوستانت رسوا و مفتضح مکن و هیچ گاه یاد خودت را از خاطر من مبر و شکر و سپاس خودت را از من محو مکن، بلکه در همه احوالی که مردمان غافل نعمتهایت فراموش کرده‌اند مرا به شکر نعمتها ملزم کن و در برابر انواع نعمتهایی که به من مرحمت کرده‌ای به قلب الهام کن و میل و رغبت را به خودت بالاتر از اشتیاق مشتاقان قرار ده و حمد و ثنای مرا فوق همه حمد و ثنای ثناگویان بگردان و بهنگام نیاز مندم به لطف و عنایت مرا خوار و بی‌کس مگذار و به خاطر اعمال زشتم که در اثر غفلت مرتکب شده‌ام هلاکم مکن ...»

(۱) آیا ملاحظه می‌کنید؛ که این توجه به خدا و اخلاص در فرمانبرداری و اطاعت او تا چه حد است؟ آیا می‌بینید که چگونه امام علیه السلام از پروردگار خود با تذلل و خواری و خضوع و خشوع درخواست می‌کند؟ از او می‌خواهد تا از شر شیطان رجیم دشمن شماره یک انسان نگهدارد و درخواست می‌کند تا او را از هر هوا و هوس که از حق منحرف می‌سازد بازدارد و مشمول عنایت و توجه خود قرار دهد و دست او را بگیرد تا همچون رانندگان از درگاهش دچار سقوط و هلاکت نشود و مانند خطاکاران گمراه در گرداب ترس و بیم گرفتار نگردد و چون لغزش مردمان مغرور نلغزد و موانع نفسانی برای جلوگیری از هر نوع گناه و خطا و دل بستگی به دنیا را که ریشه همه خطاهاست در وجود او فراهم آورد. و طاعت و عبادت خودش را در نظر او جلوه دهد تا از اطاعت و بندگی و تقرب به او لذت ببرد ...

(۲) این بود برخی از مطالبی که مورد درخواست امام علیه السلام از پروردگارش بوده است. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرما می‌دهیم:

و لا تجبهنی بما جبهت به المعاندين لك، فأنی لك

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۳

مسلم، اعلم انّ الحیة لك، و أنّك اولى بالفضل، و اعود بالإحسان، و اهل التقوی و اهل المغفرة، و أنّك بان تعفو اولى منك بان تعاقب، و أنّك بان تستر اقرب منك الى ان تشهر، فاحینی حیاة طیبة، تنتظم بما ارید، و تبلغ ما احبّ من حیث لا آتی ما تكره، و لا ارتكب ما نهیت عنه، و امتنی میتة من یسعی نوره بین یدیه و عن یمینه، و ذلّنی بین یدیک، و اعزّنی عند خلقك، و وضعنی اذا خلوت بك، و ارفعنی بین عبادك، و اغننی عمّن هو غنیّ عنی، و زدنی الیک فاقه و فقرا، و اعزّنی من شماتة الأعداء، و من حلول البلاء، و من الدّلّ و العناء، و تغمدنی فی ما اطّلت علیه منی بما یتغمد به القادر علی البطش لو لا حلمه، و الآخذ علی الجریره لو لا اناته، و اذا اردت بقوم فتنة او سوء فنجنی منها لو اذا بك، و اذ لم تقمنی مقام فضیحة فی دنیاك، فلا تقمنی مثله فی آخرتك، و اشفع لی اوائل مننك باواخرها، و قدیم فوائدك بحوادثها، و لا تمدد لی مدّا یقسو معه قلبی، و لا تفرعنی قارعة یدهب لها بهائی، و لا تسمنی خسیسة یصغر لها قدری، و لا نقیصة یجهل من اجلها مکانی، و لا ترعنی روعة ابلس بها، و لا خيفة اوجس دونها ...

«خداوندا! با من مانند دشمنان و معاندان رفتار مکن و دست رد بر پیشانیم مگذار زیرا که من تسلیم امر و فرمان توأم، می دانم که حجت و برهان تو بر همه خلق روشن و تو به فضل و کرم بر بندگان سزاوارتر و به احسان و بخشش از همه کس افزونتری، تو اهل تقوا و آمرزشی تو هستی که بر عفو و گذشت از بندگان شایسته تری تا عذاب و کیفر ایشان و به پوشاندن عیب و خطای بندگان نزدیکتری تا رسوا کردن ایشان. پس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۴

خداوندا به من حیات پاکیزه مرحمت کن تا بر طبق اراده و خواست خود کارهایم را انتظام بخشم و به هر چیزی که دوست دارم مرا برساند تا نه عملی که پسند تو نیست از من سرزند و نه کاری را که تو نهی فرموده‌ای مرتکب شوم. خداوندا مرا مانند کسانی بمیران که در پیش روی آنها و سمت راستشان نور است و آن نور ایشان را در محشر هدایت می کند، و مرا در پیشگاه خودت ذلیل و خوار و در نزد خلق عزیز و محترم بدار و در خلوت با خودت متواضع و فروتن اما در میان خلق سربلند گردان و از کسی که به من نیازی ندارد بی نیاز کن و به کرم و احسان خودت هر چه بیشتر محتاج و نیازمند ساز، مرا از شماتت دشمنان و از نزول بلا و از رنج و مشقت دنیا نگهدار و از اعمال بدی که مرتکب شده‌ام و تو بر همه آنها آگاهی از روی کرم و احسانت پرده پوشی کن، چنان که شخص قادر به انتقام اگر حلم و بردباری نداشته باشد و بر آن کس مهلت ندهد، آن خطاکار رسوا می شود.

خداوندا هرگاه بخواهی کسانی را که به تو سرکشی و عناد ورزیده‌اند، دچار عذاب کنی مرا که به درگاهت رو آورده‌ام از آن فتنه و عذاب نجاتم ده. حال که مرا در دنیا رسوایم نکردی پس کرم کن، در جهان آخرت نیز رسوا و مفتضح مکن و نعمتهای آخرت را که باقی و ابدی هستند به این نعمتها ضمیمه فرما و مرا تا مدت طولانی به حال خودم وامگذار تا از نافرمانی تو قلبم تیره و ظلمانی شود و مرا چنان سرکوب مکن که آبرویم بر باد رود. هیچ اثر و نشانی از فرومایگی و لثامت در من مگذار که مقام و منزلتم بی ارزش و بی مقدار شود و عیب و نقصی در من قرار مده تا مقام و ارزش من به خاطر آن بر مردم پوشیده بماند و مرا آن چنان از غضب هراسان مکن که باعث ناامیدیم از لطف تو گردد، و دلم را دچار ترس شدید مفرما، تا از این راه مرتکب گناه شده و دچار غضبت گردم.

(۱) و اجعل هبیتی فی وعیدك، و حذری من اعدارك و انذارك، و رهبتی عند تلاوة آیاتك، و امر لیلی بايقاظی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۵

فیه لعبادتك، و تفردی بالتّهجد لك، و تجردی بسکونی الیک، و انزال حوائجی بك، و منازلتی ایّاك فی فكاك رقبتی من نارك، و اجارتی ممّا فیه اهلها من عذابك، و لا تدرنی فی طغیانی عامها، و لا فی غمرتی ساهیا، حتّی حین و لا تجعلنی عظة لمن اتّعت، و لا

نکالا لمن اعتبر، و لا فتنه لمن نظر، و لا تمکر بی فی من تمکر به، و لا تستبدل بی غیر، و لا تغیر لی اسما و لا تبدل لی جسما، و لا تتخذنی هزواً لخلقک، و لا سخرتاً لک، و لا تبعاً الا لمرضااتک، و لا ممتهاً الا بالانتقام لک ... خداوندا از وعده‌های عذابی که به گنهکاران داده‌ای و از هشدار و بیمی که به عاصیان فرموده‌ای دلم را خائف و هراسان کن و بهنگام تلاوت قرآن قلبم را بیمناک گردان و شبم را با بیداری و ذکر عبادت خود آباد کن و به شب‌زنده‌داری و نماز علاقه‌مند ساز و از میل به هر چه که غیر از توجه به درگاه توست بی‌نیاز کن تا تنها روی نیازم را به سوی تو گردانم و برای رجوع به درگاہت و عرض نیاز برای نجات از آتش قهرت به من توفیق بده تا همیشه از رنج و عذاب اهل عذاب به درگاہت پناه آورم، دلم را به وسیله طغیان در ارتکاب معصیت در حیرت و سرگردانی قرار مده و مگذار من تا مدت زیادی در تبهکاری بمانم و مرا مایه عبرت مردم قرار مده و عذاب مرا وسیله موعظه و پند دیگران مگردان و حال مرا مایه آزمون مردم مکن و مرا مورد مکر خود قرار مده تا مانند گرفتارشدگان به مکر هلاک شوم، و نظر لطفت را از من بر مدار و اسم مرا از دفتر سعادت‌مندان محو مکن و جسم مرا به صورت حیوانات مبدل مساز و مرا به وسیله مسخره کردن مردم خوار و ذلیل مگردان و در پیشگاه خودت نیز مرا به صورت مسخره منگر و بجز راه خشنودی و رضای خودت به راه دیگری مبر و جز برای انتقام از دشمنان و مبارزه با اعدای دین مرا به خدمت حاکمان جور مگمار ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۶

(۱) امام علیه السلام مشکلات و خواسته‌های خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ مطرح کرده و از او می‌خواهد تا بر آورده سازد و دست رد بر پیشانی وی نزند؛ درخواست می‌کند تا او را از زندگی پاک و پاکیزه‌ای برخوردار سازد بطوری که تمام آرمانها و خواسته‌هایش بر آورده گردد و مرتکب معصیت و یا نافرمانی و گناهی نگردد و مرگ او را نیز همچون مردن شایستگانی قرار دهد که نور ایشان در پیشاپیش و از طرف راست آنان در رستاخیز راهنمای ایشان باشد، همین طور درخواست می‌کند تا بهنگام مناجات و عبادت در درگاه او ذلیل و خوار باشد و در پیشگاه وی برای خودش هیچ گونه ارزش وجودی قائل نباشد و نیز درخواست دارد که او را در نزد خلق عزیز و گرامی بدارد و مقامش را در میان مردم بالا ببرد و از ایشان بی‌نیاز سازد و از شتمانت دشمنان - که خود از بزرگترین بدبختیها و گرفتاریهای انسان است - نگهدارد و از نزول بلا و رنج و ذلت نجات بخشد و مبادا وقتی که اراده می‌فرماید تا عاصیان و بندگان گنهکارش را عذاب کند، بر او بلا و بدی و عذاب خود را فرو فرستد و دیگر امور مهم و مشکلاتی را که امام علیه السلام از درگاه خداوند بر آوردن آنها را درخواست می‌کند بیان شده است. و (۲) اینک به آخرین فراهای این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

و اوجدنی برد عفوک، و حلاوة رحمتک، و روحک و ریحانک، و جنة نعیمک، و اذقنی طعم الفراغ لما تحبّ بسعة من سعته، و الاجتهاد فی ما یزلف لدیك و عندک، و اتحنفی بتحفة من تحفاتک، و اجعل تجارتي رابحة و کزتی غیر خاسرة، و اخفنی مقامک، و شوّقتی لقاءک، و تب علیّ توبة نصوحا، لا تبقی معها ذنوبا صغيرة و لا کبيرة، و لا تذر معها علانية و لا سريرة، و انزع الغلّ من صدري للمؤمنين، و اعطف بقلبي علی الخاشعين، و کن لی کما تكون للصلّاحين، و حلّنی حلیة المتّقين، و اجعل لی لسان صدق فی الغابرين، و ذکرنا نامیا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۷

فی الآخِرین، و واف بی عرصه الأولین، و تمم سبوغ نعمتک علیّ، و ظاهر کراماتها لیدی، و املاً من فوائدک یدی، و سق کرائم مواهبک الیّ، و جاور بی الطّیبین من اولیائک فی الجنان، الّتی زینتها لأصفیائک، و جلّلتی شرائف نحلک فی المقامات المعدّة لأحبابک، و اجعل لی عندک مقیلاً، آوی الیه مطمئناً، و مثابة أتبوؤها، و اقر عینا، و لا تقایسنی عظیلمات الجرائر، و لا تهلکنی یوم تبلی السیرائر، و ازل عنی کلّ شکّ و شبهة، و اجعل لی فی الحقّ طریقاً من کلّ رحمة، و اجزل لی قسم المواهب من نوالک، و وفر

علیّ حظوظ الإحسان من افضالك، و اجعل قلبی واثقا بما عندك، و همی مستفرغا لما هو لك، و استعملنی بما تستعمل به خالصتك، و اشرب قلبی عند ذهول العقول طاعتك، و اجمع لی الغنی و العفاف و الدعة و المعافاة و الصیحة و السیعة و الطمأنیة و العافیة، و لا تحبط حسناتی بما یثوبها من معصیتك، و لا خلواتی بما یرض لی من نزغات فتنك، و صن و جهی عن الطلب الی احد من العالمین، و ذبنی عن التماس ما عند الفاسقین، و لا تجعلنی للظالمین ظهیرا، و لا لهم علی محو کتابك یدا و نصیرا، و حطنی من حیث لا اعلم، حیاطة تقینی بها، و افتح لی ابواب توبتك و رحمتك، و رأفتك و رزقك الواسع، انی الیک من الزاغین، و اتمم لی انعامك، انك خیر المنعمین، و اجعل باقی عمری فی الحجّ و العمرة، ابتغاء وجهك یا ربّ العالمین، و صلّی الله علی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین، و السّلام علیه و علیهم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۸

ابد الآبدین. [۱]

«خداوندا! لذت عفو و بخشش خودت را در دلم پدید آور و آسایش و نشاط بهشت جاودانهات را نصیبم فرما و با فراغت از هر کار، لذت و خوشی کارهای خوب را بر من بچشان و به رحمت و واسعه خود کوشش مرا در راه تقرب و لذت حضورت قرار بده و از الطاف خاص خودت تحفه‌ای نصیبم گردان و تجارت مرا سودمند کن و بازگشت مرا به سوی خودت زیانبار مگردان و مرا از مقام قهر و جلالت خائف گردان و اشتیاق دیدارت را در قلبم افرون کن و به من توفیق بده تا توبه نصوح کنم بطوری که هیچ گناه بزرگ و کوچک، آشکار و پنهان در نامه عملم باقی نماند و بطور کلی کینه مردمان با ایمان را از سینه‌ام بیرون کن و محبت کسانی را که در درگاهت خاضع و خاشعند در دلم قرار بده. خداوندا با من آنگونه رفتار کن که با شایستگان رفتار می‌کنی و لباس زیبای تقوا را بر پیکر من بپوشان و ذکر خیر و نام نیک مرا در زبان آیندگان جاری کن و آوازه‌ام را بلند گردان. و مرا در جرگه اولین وارد کن و انواع نعمت را بر من کامل گردان و در کرامات و فواید آن بهره‌مند فرما و مواهب گران‌بهایت را به سوی من سوق بده و با بهترین دوستان مرا در بهشتی که برای خاصان درگاهت آراسته‌ای همسایه و همنشین گردان و خلعت نیکوترین عطایت را در آن جایگاههایی که برای دوستان آماده کرده‌ای، بر من بپوشان و در نزد خود پناهگاه و منزلی برای من منظور کن تا با آرامش قلب در آنجا منزل و مأوا بگیرم و باعث روشنی دل و دیده‌ام باشد. خداوندا (در روز محشر) مرا با گناهان بزرگم مؤاخذه مکن و روزی که باطنها آشکار می‌شوند مرا دچار قهر و غضب مگردان و هم اکنون هر گونه شک و ریب را از دلم پاک کن و راه روشم را به سوی حق و حقیقت هدایت فرما و در تقسیم بخششهای خود

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۹

سهم بزرگی به من عطا فرما و از بهره‌هایی که به فضل و کرم بر بندگان ارزانی می‌داری به من هم مرحمت کن و قلبم را نسبت به نعمتهای اخروی استوار گردان و توجه و اهتمام مرا به آن اعمالی جلب کن که مخصوص توست و بر آن کارهایی بگمار که بندگان خالصت را می‌گماری. خداوندا در آن هنگامی که عقلهای مردم از کار می‌افتد در قلبم نور هدایت را پدید آور و هم اکنون بی‌نیازی و پاکدامنی، آسایش و سلامتی و تندرستی و وسعت روزی و اطمینان خاطر و حسن عاقبت را برای من فراهم فرما و اعمال نیکم را که با معصیت آلوده است بدین جهت محو مفرما و بهنگام خلوت با تو از وسوسه‌ها و فتنه‌های عالم که به دلم رو می‌آورد محفوظ بدار و آبرویم را از التماس و درخواست چیزی از دیگران حفظ کن و دل مرا از درخواست آنچه در دست تبهکاران است بازدار و مرا یار و یاور ستمگران و ظالمان قرار مده و در محو احکام خودت مرا همدست ایشان مگردان. خداوندا بدون این که من بدانم با رحمت واسعه خودت از شرّ و بدی نگاه دار و درهای توبه را به روی من بگشای و رحمت و رأفت خودت

و روزی فراخ را شامل حال من بگردان، که دل من از مشتاقان نعمت و کرم توست؛ نعمتهایت را بر من کامل گردان زیرا تو بهترین نعمت‌دهندگان و هر چه از عمرم باقی مانده است به انجام حج و عمره به خاطر کسب رضا و خشنودی ذات مقدّست، موفق بدار ای پروردگار جهان! و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد، و سلام و تحیت بر آن بزرگوار و بر اهل بیت اطهارش تا ابد الآبدین ...»

(۱) در اینجا دعای شریف عرفه که از برجسته‌ترین ادعیه ائمه اهل بیت علیهم السلام است پایان می‌پذیرد دعایی که مشتمل بر بالاترین درسهای حکمت، عرفان، توبه و انابه به سوی خدای تعالی است علاوه بر آن که در منتهای زیبایی و شگفتی از نظر بلاغت، فصاحت و سبک جالب می‌باشد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۰

(۱)

### روز عید قربان

امام زین العابدین علیه السلام روز عید قربان را با زاری و تضرّع به درگاه خدا استقبال می‌کرد با این درخواست که خداوند با قبول مناسک حج و سایر طاعات و عباداتش او را مشمول فضل و کرم خود فرماید و مغفرت و رضوانش را بر او ارزانی دارد، و این دعای شریف را همواره می‌خواند:

(۲) «اللّهُمَّ هذا يوم مبارك ميمون، و المسلمون فيه مجتمعون في اقطار ارضك، يشهد السائل منهم، و الطالب و الرّاعب و الرّاهب، و انت الناظر في حوائجهم، فاسألک بجدك و کرمک، و هوان ما سألتک علیک، ان تصلّی علی محمّد و آله، و اسألک اللّهُمَّ ربّنا بانّ لک الملك، و لک الحمد، لا اله الا انت الحليم الکریم، الحنان المنان، ذو الجلال و الإکرام، بدیع السّموات و الأرض، مهما قسمت بین عبادک المؤمنین من خیر او عافیة او برکة او هدی او عمل بطاعتک، او خیر تمنّ به علیهم، تهدیهم به الیک، أو ترفع لهم عندک درجۀ، او تعطیهم به خیرا من خیر الدّنيا و الآخرة أن توفّر حظّی و نصیبی منه ...»

(۲) «خداوندا! امروز روز مبارکی است و مسلمانان در همه جای عالم در پیشگاهت حاضرند، بعضی از ایشان از تو طلب حاجت می‌کنند و بعضی خواستار رحمت تو هستند و بعضی مشتاق لطف و کرم و بعضی ترسان از قهر و غضب، و تو ناظر بر تمام حوایج ایشان هستی، پس خداوندا از درگاه با عظمت درخواست می‌کنم که به جود و کرم خود بر حاجت ناچیز من توجه کنی؛ بر محمد و آل محمد درود و تحیت بفرستی و ای خداوند بزرگ که پروردگار همه جهانیان و تنها پادشاه ملک و جود تویی و حمد و ثنا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۱

مخصوص ذات مقدس توست و خدایی جز تو در جهان هستی وجود ندارد و تویی که به صفت حلم و بخشندگی و مهربانی و عطا و بخشش متّصفی و دارای عظمت و جلال می‌باشی و پدیدآورنده آسمانها و زمین هستی، از تو درخواست می‌کنم هرگاه خواستی که در میان بندگانت خیر، نیکویی، سلامتی، عافیت، برکت، هدایت و توفیق عمل و طاعت خودت را تقسیم کنی و یا هر خوبی که به ایشان عطا می‌کنی تا بدان وسیله به سوی تو هدایت شوند و یا آن که درجه و مقام آنان را در نزد خود بالا ببری و یا آن که بدان وسیله خیر دنیا و آخرت را به ایشان مرحمت کنی، از همه آنها به من بهره کافی و نصیبم را مرحمت فرما.

(۱) اسألک اللّهُمَّ بانّ لک الحمد، لا اله الا انت ان تصلّی علی محمّد، عبدک و رسولک، و حبیبک و صفوتک، و خیرتک من خلقک، و علی آل محمّد الأبرار، الطّاهرين الأخیار، صلاة لا یقوی علی احصائها الا انت، و ان تشرکنا فی صالح من دعاک، فی هذا الیوم من عبادک المؤمنین، یا ربّ العالمین، و ان تغفر لنا و لهم، انّک علی کلّ شیء قدير. اللّهُمَّ الیک تعبدت بحاجتی، و بک انزلت الیوم فقری و فاقتی و مسکنتی، و انّی بمغفرتک و رحمتک اوثق منّی بعملی، و لمغفرتک و رحمتک اوسع من ذنوبی، فصلّ

علی محمد و آل محمد، و تولّ قضاء کلّ حاجه هی لی بقدرتک علیها، و تیسیر ذلک علیک، و بفقری الیک و غناک عنی، فانی لم اصب خیرا قطّ الاّ منک، و لم یصرف عنی سوءا قطّ احد غیرک، و لا ارجو لأمر آخرتی و دنیای سواک ...  
(۲) اللّهمّ من تهیأ و تعبأ و أعدّ و استعدّ لوفاده الی مخلوق رجاء رفته و نوافله و طلب نیله و جائزته، فالیک یا مولای  
تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۲

کانت الیوم تهیبتی و تعبنتی و اعدادی و استعدادی رجاء عفوک و رفدک و طلب نیلک و جائزتک. اللّهمّ فصلّ علی محمد و آل محمد، و لا- تخیب الیوم ذلک من رجائی، یا من لا یحفیہ سائل، و لا ینقصه نائل، فانی لم آتک ثقه منی بعمل صالح قدّمته، و لا شفاعه مخلوق رجوته، الاّ شفاعه محمد و اهل بیته علیه و علیهم سلامک، اتیتک مقرّا بالجرم و الإساءه الی نفسی، اتیتک ارجو عظیم عفوک الّذی عفوت به عن الخاطئین، ثمّ لم یمنعک طول عکوفهم علی عظیم الجرم ان عدت علیهم بالرحمه و المغفره، فیا من رحمته واسع، و عفوه عظیم، یا عظیم، یا عظیم، یا کریم، یا کریم، صلّ علی محمد و آل محمد، وعد علیّ برحمتک، و تعطف علیّ بفضلک، و توسّع علیّ بمغفرتک ...

خداوندا! من بدان جهت از تو درخواست می‌کنم که تو یگانه مالک آفرینش هستی و همه حمدها و ثناها مخصوص ذات پاک تو می‌باشد و خدایی جز تو وجود ندارد؛ که بر محمد- بنده و فرستاده‌ات و حبیب و برگزیده و گلچین از میان خلقتت- و بر آل پاک و نیکوکارش درود فرستی، درود و تحیتی که از نظر عظمت کسی جز تو قادر بر شمارش آن نباشد و ما را هم در اجر و ثواب دعای بندگان مؤمنت که امروز به درگاهت دعا می‌کنند شریک سازی، ای پروردگار جهانیان، و این که از گناهان ما و ایشان درگذری که تو بر هر کاری توانایی. خداوندا من با اعتمادی که به تو دارم، حاجتم را به درگاه تو آورده‌ام و امروز فقر و بیچارگی و درماندگی را به تو عرضه می‌کنم چون من به آمرزش و بخشش و رحمت تو بیش از عمل خودم اطمینان و یقین دارم و آمرزش و بخشش تو بیشتر از گناهان من است، پس خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و با کرم خود بر آوردن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۳

تمام حاجاتم را که در برابر قدرت تو سهل است، تعهد فرما، خداوندا در اثر فقر و نیازی که من به درگاه تو دارم و بی‌نیازی تو از بندگان، هرگز خیری جز از جانب تو به من نرسیده و جز تو کسی درد و رنجی را از من برطرف نکرده و من در امور دنیا و آخرتم بجز از تو به کسی امیدوار نیستم.

(۱) خداوندا! هر کسی خود را برای امید به صله و بخششهای مخلوقی آماده می‌سازد و به زحمت و رنج مهیای رفتن به نزد او می‌شود، پس مولای من در این روز عید، من هم مهیا و آماده شده و به درگاهت آمده‌ام تا از عفو و بخشش و لطف و احسانت برخوردار شوم، پس ای پروردگار بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در این روز عید از لطف و کرمت ناامید مفرما.  
ای خدایی که اصرار و پافشاری محتاجان عالم تو را از بخشش و عطا باز نمی‌دارد و کرم و احسانت چیزی از گنجینه جودت نمی‌کاهد، خداوندا من اکنون با اطمینان به عمل صالحی که قبلا انجام داده باشم به درگاه تو نیامده‌ام و امیدی هم به شفاعت مخلوقی جز شفاعت محمد و اهل بیتش- درود تو بر او و بر ایشان باد- ندارم، بلکه در حالی برای عرض نیاز به درگاهت آمده‌ام که به گناه خود و ستمی که بر نفسم روا داشته‌ام اقرار دارم، در حالی آمده‌ام که به عفو و بخشش امید بسته‌ام، عفوی که شامل حال همه خطاکاران می‌شود و از جرم و گناه همه گناهکاران جهان بیشتر و فراگیرتر است و پایداری آنان بر ارتکاب گناهان بزرگ، تو را از لطف و عنایت بر ایشان باز نمی‌دارد پس ای خداوندی که رحمت تو گسترده و عفو و بخششت بزرگ است ای خدای بزرگ، بخشنده و کریم بر محمد و آل محمد درود فرست و به رحمت و کرمت به من توجه فرما و با گذشت و مغفرت خود به من وسعت عطا کن ...»

امام علیه السلام، در آغاز دعایش درباره عید قربان و از اهمیت زیاد آن در نزد مسلمین سخن گفته است که در همه جای عالم چه



آنهايي که در موسم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۴

حج حضور دارند و چه کسانی که در قربانگاه حضور ندارند نیازمندیها و گرفتاریهای خود را به پیشگاه خداوند عرضه می‌کنند و برآورده شدن آنها را از خداوند مسألت دارند، امام سجاد علیه السلام از خدای متعال می‌خواهد تا آنچه را که برای بندگانش از خیر و عافیت و هدایت در این روز مبارک مقرر فرموده است، نصیب او نیز بگرداند و امام علیه السلام در درگاه خدای تعالی که همه بخششها و عطا کردن و نکردن به دست اوست، به زاری و تضرع می‌پردازد و از او می‌خواهد تا به لطف و کرمش مغفرت و رحمت و رضوانش را شامل حال او گرداند. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش دل می‌سپاریم:

(۱) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخَلْفَائِكَ وَاصْفِيائِكَ، وَ مَوَاضِعِ اِمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اِخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَرَوْهَا، وَ اَنْتَ الْمَقْدَرُ لِدَلِّكَ لَا- يَغَالِبُ اَمْرَكَ، وَ لَا- يَجَاوِزُ الْمَحْتَمُومَ مِنْ تَدْبِيرِكَ، كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنْتَ شِئْتَ، وَ لِمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ غَيْرِ مَتَّهَمٍ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَ لَا لِرَادَتِكَ، حَتَّى عَادَ صَفْوَتُكَ وَ خَلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ، مَقْهُورِينَ، مَبْتَرِينَ، يَرُونَ حَكْمَكَ مَبْدَلًا، وَ كِتَابَكَ مَبْذُورًا، وَ فَرَائِضَكَ مَحْرَفَةً عَنِ جِهَاتِ اِشْرَاعِكَ، وَ سَنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً اللَّهُمَّ الْعَنِ اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفَعَالِهِمْ، وَ اَشْيَاعِهِمْ، وَ اتَّبَاعِهِمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَنْكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَيَّ اَصْفِيائِكَ اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ وَ عَجَلِ الْفَرَجِ وَ الرُّوحِ وَ النَّصْرَةِ وَ التَّمَكِينِ وَ التَّأْيِيدِ لَهُمْ ...

«خداوند! این مقام (نماز عید) مخصوص رسولان و خلفاء و برگزیدگان توست و آنانی که امانتداران تو می‌باشند و به واسطه دارا بودن این درجه عالی که تو به آنان اختصاص دادی و آنان به خاطر عشق و محبت به تو این مقام را کسب کردند و تو بر ایشان مقدر ساختی و هر کسی نمی‌تواند بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۵

فرمان قطعی تو غالب آید و فضای حتمی تو قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد و هر طور و هر کجا مشیت تو به چیزی تعلق گیرد آن چیز موجود شود و چون تو بر حکمت همه چیز داناتری و در کیفیت آفرینش کسی نمی‌تواند تو را بر خلاف حکمت متهم سازد و بر اراده تو ایراد بگیرد، تا آنجا که برگزیدگان و خلفای تو در زمین به حکم مشیت و اراده تو مغلوب دشمنان شده و مقام خلافت تو را ناهلان ربودند در حالی که می‌بینند فرمان تو را چگونه تغییر و تبدیل داده‌اند؛ کتاب و شریعت تو را پشت سر انداخته و واجبات تو را از راه شریعت بکلی دگرگون ساخته‌اند و سنتهای پیامبرت، رها شده است، خداوند! بر دشمنان ایشان از اولین و آخرین لعنت فرست و بر هر کسی که به عمل بد آنان راضی بوده و از آنها پیروی کرده و با آنان همراهی نموده همه آنها را از رحمت دور کن خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست که تو ستوده و بزرگی، چنان درود، برکات و تحیاتی که بر برگزیدگانت؛ ابراهیم و آل ابراهیم می‌فرستی و فرج عاجل و آسایش و نصرت و اقتدار کامل به ایشان عطا فرما.»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعای خود به شئون حساس سیاسی زمان خودش پرداخته و مطالبی به شرح زیر بیان داشته است:

۱- مقام نماز عید و دیگر امور مربوط به شئون عامه مخصوص ائمه هدی است که آنان خلفا و اوصیای پیامبر- صلی الله علیه و آله- می‌باشند و آنانند که در میان مردم عدل محض و حق و حقیقت ناب را اجرا می‌کنند و امور مردم را به عدل و داد کامل تدبیر می‌نمایند.

۲- زمامداران جور و ضلالت از قبیل پادشاهان اموی مراکز حساس دولتی را ربوده بودند که از هیچ کوشش و تلاشی برای مبارزه با حقایق اسلامی و برچیدن عقیده دینی از واقعیت زندگی مردم کوتاهی نمی‌کردند.

۳- ائمه هدی علیهم السلام و زمامداران حق و حقیقت در دوران سیاه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۶

حکومت بنی امیه مه‌طور و مغلوب شدند و آن ظالمان حقوق حقّه ایشان را ربودند.

(۱) ۴- سیاست اموی بر دگرگون ساختن احکام الهی و پشت سر انداختن قرآن مجید و منحرف ساختن واجبات و ترک سنت رسول خدا- صلّی الله علیه و آله- مبتنی بود.

و اینک به صفحه دیگری از این دعای شریف بر می‌گردیم و گوش جان می‌سپاریم:

(۲) اللهم واجعلنی من اهل التّوحد و الایمان بک، و التّصدیق برسولک، و الأئمّه الذین حتمت طاعتهم، ممّن یجری ذلک به و علی یدیه، آمین ربّ العالمین. اللهم لیس یردّ غضبک الّا حلمک، و لا یردّ سخطک الّا عفوک، و لا یجبر من عقابک الّا رحمتک، و لا ینجینی منک الّا التّضرّع الیک و بین یدیک. فصلّ علی محمّد و آل محمّد، و هب لنا یا الهی من لدنک فرجا بالقدرة الّتی بها تحیی اموات العباد، و بها تنشر میت البلاد، و لا تهلکنی یا الهی غمّا حتّی تستجیب لی، و تعرّفنی الإجابة فی دعائی، و اذقنی طعم العافیة الی منتهی اجلی، و لا تشمت عدوی، و لا تمکنه من عنقی، و لا تسلطه علیّ ...

(۲) «خداوندا! مرا از اهل توحید و ایمان به خودت و تصدیق به پیامبر و ائمه که طاعتشان را بر همه مسلمانان فرض کرده‌ای- آن کسانی که امر اطاعت خودت را به دست آنان جاری ساخته‌ای- قرار بده! ای پروردگار جهانیان این دعای مرا اجابت کن. خداوندا! غضب تو را جز حلم و بردباریت و قهر و خشم را جز عفو و بخشش چیزی فرو نماند و از کيفر و عذابت جز به رحمت تو پناهی نیست و از قهر و سطوتت مرا جز تضرع و زاری به درگاهت راه نجاتی نیست، پس خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از جانب خود در کار من فرج و گشایشی عطا فرما با همان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۷

قدرتی که مردگان را دوباره زنده می‌کنی و سرزمینهای خشک و مرده را سبز و خرم می‌سازی، ای خدای مهربان مرا با غم دنیا و آخرت هلاک مساز، دعایم مستجاب فرما و اجابت آن را به من الهام کن و طعم عافیت را تا آخر عمر به من بچشان و مرا به شماتت دشمنان مبتلا مکن و دست دشمنان را از من کوتاه کن و هیچ دشمنی را بر من مسلط مگردان.

(۱) الهی ان رفعتنی فمن ذا الّذی یضعنی؟ و ان وضعتنی فمن ذا الّذی یرفعنی؟ و ان اکرمتنی فمن ذا الّذی یهیننی؟ و ان اهنتنی فمن ذا الّذی یکرمنی؟ و ان عطبتنی فمن ذا الّذی یرحمنی؟ و ان اهلکتنی فمن ذا الّذی یرض لک فی عبدک او یسألک عن امره؟ و قد علمت انه لیس فی حکمک ظلم و لا فی نعمتک عجله و انما یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد تعالیت یا الهی عن ذلک علوا کبیرا ...

خداوندا! تو اگر مرا بلند کنی و رفعت مقام بدهی چه کسی می‌تواند مرا خوار و ذلیل سازد؟ و اگر تو مرا خوار و ذلیل گردانی چه کسی می‌تواند عزیز و گرامی بدارد؟ و اگر تو مرا گرامی بداری کیست که بتواند مرا خوار و ذلیل کند؟ و اگر تو مرا ضعیف و زبون کنی چه کسی قدرت دارد که مرا قوی و گرامی گرداند؟ و اگر تو مرا عذاب کنی چه کسی بر من ترحم می‌کند؟ و اگر بخواهی تو مرا هلاک کنی چه کسی قادر است که بر حکم نافذ تو نسبت به بنده‌ات اعتراض نماید؟ و یا درباره آن از تو سؤال نماید؟ البته این را می‌دانم که در حکم تو ستم و ظلمی وجود ندارد و در انتقام تو شتاب و عجله‌ای نیست، چون کسی در کار انتقام تعجیل می‌کند که بترسد از این که قدرتش را از دست بدهد و کسی ستم می‌کند که ضعیف و ناتوان باشد در صورتی که تو خداوندا بالاتر از همه اینها هستی.

(۲) اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد، و لا تجعلنی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۸

للبلایه غرضاً، و لا لنعمتک نصباً، و مهلنی، و نفسنی، و أقلنی عشرتی، و لا تبتلنی ببلایه علی اثر بلایه، فقد تری ضعفی و قلبه حیلتی و

تَضَرَّعِي إِلَيْكَ، اَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْرِنِي وَأَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمِّنِّي، وَأَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي، وَأَسْتَنْصِرُكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْصِرْنِي، وَأَسْتَرْحِمُكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْحَمْنِي، وَأَسْتَكْفِيكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَفِّنِي، وَأَسْتَرْزُقُكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْزُقْنِي، وَأَسْتَعِينُكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأُعِنِّي، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي، وَأَسْتَعِصِمُكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْصِمْنِي، فَأَنِّي لَنْ أَعُودَ لَشَيْءٍ كَرِهْتَهُ، مَتَى أَنْ شِئْتَ ذَلِكَ، يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، يَا حَنَّانَ، يَا مَنَّانَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَطَلِبْتُ مِنْكَ، وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَارْدَهُ، وَقَدَّرَهُ، وَأَقْضِهِ، وَأَمْضِهِ، وَخَرْلِي فِي مَا تَقْضِي مِنْهُ، وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَاسْعِدْنِي بِمَا تَعْطِينِي مِنْهُ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسِعَةً مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

[و كان عليه الصلاة والسلام يدعو بعد ذلك بما بدا له

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و هفتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۹

و یصلی ألف مرّة علی محمد و آله علیهم الصّلاة و السلام أبدأ بالبدین.].

خداوندا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا هدف تیر بلا- مگردان و به من فرصت و مهلتی عطا فرما و غمهایم را زایل کن و لغزشهایم را کم کن و مرا به بلایی در پی بلایی مبتلا- مگردان، خداوندا تو ضعف و بیچارگی مرا می بینی، ناله و زاریم را به درگاهت می شنوی، خداوندا من امروز از شرار قهرت به لطف و کرمت پناه آورده‌ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در سایه رحمت پناه بده و امروز من از خشم و انتقامت به مغفرت و گذشت تو پناه آورده‌ام پس بر محمد و آل محمد، درود فرست و مرا پناه بده و از درگاهت ایمنی از عذاب را درخواست دارم، به لطف و کرمت مرا ایمن گردان، خداوندا! من از تو هدایت می طلبم، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا هدایت فرما و از تو یاری می طلبم، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا یاری و نصرت فرما، خداوندا من از پیشگاه تو رأفت و مهربانی درخواست می کنم، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر حالم رحمت فرما خداوندا من از درگاهت روزی و یاری و کمک می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرست و به من کمک کن. و از گناهان گذشته خود طلب آمرزش می کنم، پس خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و از گناهانم در گذر و از تو عصمت و ترک معصیت می طلبم، خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا توفیق ترک معصیت مرحمت فرما، که من هرگز به کاری که مورد رضای تو نباشد بر نگردم، اگر مصلحت بدانی و اراده فرمایی. ای پروردگارا! ای پروردگارا، ای که منتهای مهربانی و احسان و لطف نسبت به مخلوق خود داری ای صاحب جلال و احسان، بر محمد و آل محمد درود فرست و همه آنچه را که از تو درخواست کردم و با شوق و امید از درگاهت طلبیدم اجابت کن و با اراده حتمی و قضا و قدر خود مقدر فرما و آنچه را که از مقدرات نصیب من فرمودی مایه سعادت و خوش حالیم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۳۰

قرار بده و از فضل و کرم و رحمت و بزرگواریت مقرون به خیر و نیکی فرما و از لطف خود افزونتر مرحمت کن و از رحمت واسعه خود برخوردارم ساز که تو گشایش دهنده و بخشاینده‌ای و خیرات این دنیا را به نعمتهای ابدی متصل گردان ای بخشنده‌ترین بخشایندهگان ...

(۱) امام سجاد علیه السلام پس از این دعای شریف هر درخواست و دعای مهمی که داشت معروض می داشت سپس هزار مرتبه

صلوات بر پیامبر گرامی (ص) می‌فرستاد.

در اینجا، دعای شریف عید قربان تمام شد دعایی که مشتمل بر خضوع و تذلل و زاری در پیشگاه خداوند بزرگ و درخواست خیر دنیا و آخرت از درگاه اوست؛ امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست ایمان به ذات مقدس او و تصدیق به پیامبر و ائمه اطهار و اوصیا و خلفای پیامبر در میان امت را نموده است و بدون شك و تردید شخص امام علیه السلام در بالاترین مرتبه ایمان به خدا و تصدیق به پیامبر (ص) و معرفت به اوصیای آن حضرت که خود یکی از آنان است، بوده و بطور مسلم این دعا را به خاطر ارشاد و هدایت امت برای پیروی از راه و روش صحیح در زندگی عقیدتی خود، بیان فرموده است.

الحمد لله اولاً و آخراً اللهم اجعل هذا ذخراً لیوم فقری و فاقتی یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سلیم.  
مشهد مقدس - ۲۸ رجب المرجب ۱۴۱۳ هـ.

محمد رضا عطائی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷

## جلد دوم

### اشاره

(۱)

## علوم امام سجاد علیه السلام

### اشاره

علوم امام سجاد علیه السلام، ادامه راستین علوم پدران بزرگوارش بود که از پیامبر - صلی الله علیه و آله - به ارث برده بودند و چشمه‌ساران دانش و حکمت را در روی زمین جاری ساخته و دنیا را به علوم و معارف خویش روشن کرده بودند، آری امام زین العابدین علیه السلام بحق وارث آنها بود و بطوری که همه مورخان متفقند که آن حضرت از تمام مردم دانشمندتر و از همه افراد بشر نه در یک علم خاص بلکه در تمام علوم و فنون داناتر بود و از جمله شواهد و دلایل مطلب آن که دانشمندان و راویان به قدری از مسائل و علوم مختلف آن حضرت نقل کرده‌اند که قابل شمارش نیست «۱»، و ما به پاره‌ای از علوم و معارف آن حضرت که در ضمن سخنان و گفته‌هایش به فقها و دانشمندان تعلیم داده است، بطور اختصار اشاره می‌کنیم:

(۲)

### حدیث

### اشاره

اما احادیث که در علوم اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است و

(۱) خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸

بیشتر فقه اسلامی بر آن مبتنی است، امام علیه السلام آن را به صورت موضوعی و مشتمل بر تفصیل احکام شرعی که در قرآن کریم وارد است بیان می‌کند و انواع احکام واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح و همچنین اجزاء، شرایط، موانع و سایر چیزهایی که مربوط به آن می‌شود و عمومات و مطلقات قرآن را مطرح و مخصّص و مقتید هر کدام را ذکر می‌کند، علاوه بر اینها آداب سلوک و رفتار و قوانین اخلاقی را بازگو می‌فرماید و برای خوشبختی انسان و ساختن شخصیت آدمی، برنامه‌های کاملی را در اختیار افراد بشر قرار می‌دهد.

(۱) به هر حال، امام زین العابدین علیه السلام از بزرگترین و مهمترین راویان حدیث در عالم اسلام است و راویان آن حضرت در نظر دانشمندان حدیث، بخصوص روایاتی را که زهری از آن بزرگوار نقل می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. أبو بکر بن ابی شیبیه می‌گوید: درست‌ترین سندها از زهری است که از قول علی بن حسین از پدرش علی علیه السلام نقل می‌کند. «۱» امام سجاد علیه السلام مجموعه زیادی از احادیث را از قول اجداد بزرگوارش، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - و امام امیر المؤمنین علیه السلام و از پدرش امام حسین، و دیگران نقل کرده است که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(۲)

### روایات امام از پیامبر (ص)

امام زین العابدین علیه السلام، مجموعه ارزنده‌ای از احادیث را به سند خود از قول جدش رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل کرده است که بعضی از آنها به شرح ذیل است:

(۳) ۱- به سند خود از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نقل کرده است که

(۱) خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹.

آن حضرت فرمود:

«انتظار الفرج عبادة، و أن من رضی بالقلیل من الرزق رضی الله منه القلیل من العمل.» «۱»

«انتظار فرج عبادت است، و هر کس به مقدار اندک از روزی که نصیبش شده راضی باشد، خداوند به عمل کم او راضی خواهد بود.»

در این حدیث شریف دعوت حکیمانه‌ای است از انسان مسلمان به ناامید نشدن و مأیوس نگشتن از رحمت خدا، بلکه باید صبر و استقامت پیشه کرد و منتظر فرج بود زیرا که تمام امور در دست قدرت خداست و او تنها کسی است که اختیار امور بندگان را دارد. و همچنین در این حدیث دعوت آدمی بر آن است که خود را در راه کسب مادیات به نابودی و مهلکه نیندازد زیرا که خدای تعالی روزی را بین بندگان تقسیم کرده است.

(۱) ۲- امام علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«و الذی نفسی بیده ما جمع شیء إلى شیء أفضل من حلم إلى علم...» «۲»

«به خدایی که جان من در قبضه قدرت اوست، هیچ دو چیزی را با هم جمع نکرده است که بالاتر از حلم و بردباری توأم با علم و دانش باشد.»

آری! پیامبر اکرم (ص) انسان مسلمان را به آراسته شدن به علم و حلم دعوت کرده است که از صفات اصیل و ارزشمندی هستند که شخصیت آدمی بدان وسیله می‌درخشد و زندگی و رفتارش به کمال می‌رسد.

(۱) فصول المهمّة ابن صباغ: ص ۱۸۸.

(۲) خصال صدوق: ص ۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰:

(۱) ۳- امام علیه السلام از پدرش امام حسین علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود:

«رأس العقل بعد الإيمان بالله عزّ وجلّ التحبّب إلى الناس.» (۱)

«سرلوحه عقل پس از ایمان به خدای عز و جل، محبت و دوست داشتن مردم است.»

براستی که محبت و دوست داشتن مردم و جلب عواطف ایشان از بارزترین ارزشها برای شخصیت انسان و همچنین دلیل کمال عقل

و خرد اوست و افزونی کمال و فضیلت آدمی از بزرگترین دستاوردهای زندگی او می‌باشد.

(۲) ۴- امام علیه السلام از قول پیامبر- صلی الله علیه و آله- نقل کرده است که فرمود:

«الإيمان قول و عمل ...» (۲)

«ایمان قول توأم با عمل است.»

براستی که ایمان در اشکال و ابعاد گوناگون یک پدیده لفظی نیست که به عالم لفظ منحصر باشد که در فضا پراکنده شود بلکه

عمل و کوشش و جهادی است که از ایمان عمیقی حکایت دارد که در ژرفای وجود ریشه دوانیده است.

(۳) ۵- امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که پیامبر- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«الإيمان اقرار باللّسان، و معرفة بالقلب، و عمل بالاركان.» (۳)

«ایمان عبارت از اقرار به زبان، و شناخت قلبی و عمل به وسیله اعضا و جوارح بدن است.»

(۱) حلیة الاولیاء: ۳/ ۲۰۳، خصال: ص ۱۷.

(۲) خصال صدوق: ص ۵۳.

(۳) تاریخ بغداد: ۱ ک/ ۲۵۵، خصال: ص ۱۶۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱:

براستی که ایمان به سه چیز بستگی دارد:

اول- اقرار به زبان است که بیانگر آن چیزی است که در اعماق جان آدمی وجود دارد.

دوم- آگاهی قلب به چیزی است که به تفصیل بر آن معتقد است زیرا اگر معرفت و آگاهی نباشد، موضوع ایمان از اساس نابود

است.

سوم- این اقرار و معرفت با عمل باید به وسیله اعضای بدن همراه باشد.

(۱) ۶- زهری از امام علی بن حسین علیه السلام نقل کرده است که پیامبر- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«لا يتوارث أهل ملتين، و لا يرث مسلم كافرا، و لا كافر مسلما ...»

«مردم دو ملت از یکدیگر ارث نمی‌برند: نه مسلمان از کافر ارث می‌برد و نه کافر از مسلمان.»

آنگاه این آیه شریفه را تلاوت کرد:

«الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ.» (۱)

«فقهای اسلامی همگی اتفاق نظر دارند که کفر مانع از ارث است.»

(۲) ۷- امام علیه السلام از قول پدرش - امام حسین علیه السلام - به نقل از جدش امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود:

«لا تزول قدم عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع: عن عمره فيما أفناه، و عن شبابه فيما أبلاه، و عن ماله من أين اكتسبه، و فيما أنفقه، و عن حبنا أهل البيت ...» (۲)

(۱) جامع مختصر، از ابن ساعی، ۸۷/۹. سوره انفال / ۷۲: آنان که کافرند دوستدار یکدیگرند.  
(۲) خصال: ص ۲۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲

«روز قیامت، کسی نمی‌تواند قدمی بردارد مگر این که از چهار چیز از وی پرسند: از عمرش که در چه راهی صرف کرده، از جوانیش که چگونه گذرانده و از مالش که از کجا فراهم آورده و در چه راهی خرج کرده و از محبت ما اهل بیت ...»  
(۱) این حدیث شریف نبوی مشتمل بر اموری به شرح ذیل است:

۱- انسان در روز رستاخیز و حضور در پیشگاه خدای تعالی از ایام زندگیش مؤاخذه می‌شود که آیا در طاعت و رضای خدا صرف کرده است تا پاداش دهند و یا آن که در راه معصیت گذرانده است تا به جزای عادلانه آن برسد.

۲- خدای متعال از جوانی انسان که شکوفه زندگی اوست می‌پرسد که آیا روزگار جوانی در راه معصیت سپری شده تا به خاطر آن مجازات شود و یا این که در اطاعت خدا صرف شده، تا پاداش داده شود.

۳- خداوند، از اموال انسان مؤاخذه می‌کند که آیا از راههای مشروع به دست آورده و آیا در راه رضای خدا صرف کرده است تا به خاطر آن، اجر و پاداش دهد و یا آن که از راههای خلاف شرع از قبیل ربا و راههای باطل به دست آورده و در راه معاصی خرج کرده تا بر آن اساس کیفر و مجازات کند.

۴- خدای متعال روز قیامت از محبت اهل بیت علیهم السلام می‌پرسد که ایشان کشتیهای نجات و امین بندگان خدایند؛ هر کس آنان را دوست بدارد بیقین راه او به سوی بهشت است و هر کس ایشان را دشمن بدارد - بطوری که نصوص فراوان دلالت دارد - بیقین، راهی جهنم است.

(۲) ۸- امام سجاده علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش از قول جدش رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«إن أحب الأعمال إلى الله تعالى إدخال السرور على المؤمن.» (۱)

(۱) مصادقة الاخوان صدوق، خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم، نجف.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳

«براستی که پسندیده‌ترین اعمال در نزد خدای تعالی شاد کردن قلب مؤمن است.»

براستی که اسلام با نهایت افتخار، اصرار فراوانی بر وحدت و همبستگی مسلمانان و وحدت کلمه آنان دارد و از مهمترین برنامه‌های اسلام در این زمینه تشویق مؤمنان بر شادمان کردن یکدیگر است زیرا مسرور نمودن دیگران خود باعث گسترش دوستی و محبت می‌گردد.

(۱) ۹- امام علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا (ص) فرمود:

«ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق ...» (۱)

«روز قیامت هیچ عملی را در میزان شخص قرار نمی‌دهند که بالاتر از حسن خلق باشد.»

براستی که آراستگی به مکارم اخلاق از پربهاترین چیزهایی است که انسان در دوران زندگانش به دست می‌آورد و بهترین اعمالی است که برای آخرتش اندوخته می‌کند و همانا اسلام، بر اساس دعوت به اخلاق استوار گشته است.

(۲) ۱۰- امام علیه السلام گوید: رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- در آخر خطبه‌اش می‌فرمود:

«طوبى لمن طاب خلقه، و طهرت سجيته، و صلحت سريره، و حسنت علانيته، و أنفق الفضل من ماله، و أمسك الفضل من قوله، و انصف الناس من نفسه...» (۲)

«خوشا به حال کسی که خلق و خویش خوب و طبعش پاک و باطنش

(۱) اصول کافی: ۲/ ۹۹.

(۲) اصول کافی: ۲/ ۱۵۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴

آراسته و ظاهرش نیکوست، از زیادی مالش به دیگران انفاق و از پرگویی خودداری کند و در میان خود و مردم به انصاف قضاوت کند.»

(۱) پیامبر (ص) انسان مسلمان را دعوت کرده تا خود را به صفات پسندیده آراسته کند و پایبند خصلتهای ذیل باشد:

۱. حسن اخلاق.

۲. پاکی و آراستگی باطن.

۳. آراسته شدن به فضایل و آداب پسندیده.

۴. مازاد اموال خود را در راه خدا انفاق کردن از قبیل اداره زندگی مستمندان و ضعیفان.

۵. از پرگویی خودداری کردن و درباره هر کاری با مردم چانه نزدن.

۶. انصاف و عدالت را با مردم رعایت کردن آن هم به خاطر خدا هر چند که به ضرر خودش باشد.

(۲) ۱۱- امام علیه السلام فرمود: رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرموده است:

«من سرّه أن یمدّ الله فی عمره، و أن یبسط له فی رزقه فلیصل رحمه، فإنّ الرحم لها لسان یوم القيامة ذلق، تقول: یا رب صل من وصلنی، و اقطع من قطعنی، فإنّ الزّجل لیری بسبیل خیر إذا أتته الرحم فتھوی به إلى أسفل قعر فی النار...» (۱)

«هر که دوست دارد که خداوند عمرش را دراز کند و روزیش را فراخ گرداند باید صله رحم کند، زیرا روز قیامت بستگان و خویشان آدمی زبان برّانی دارند، می‌گویند: پروردگارا بیونند بر کسی که با من صله رحم کرده و ببر از کسی که از من بریده است، همانا مردی نیکوکار به نظر می‌رسد،

(۱) اصول کافی: ۲/ ۱۵۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵

اما چون بستگان و خویشان او بیایند او را به پست‌ترین طبقه جهنم اندازند.»

(۱) براستی که صله رحم از جمله عواملی است که باعث همبستگی یک خانواده می‌شود که خود سنگ اول بنای اجتماع انسانی است و طبیعی است وقتی که در خانواده محبت و دوستی سایه افکند، باعث صلاح و وحدت اجتماع می‌گردد و این همان چیزی است که اسلام در دعوت همیشگی خود به وحدت و همبستگی نسبت به آن علاقه شدیدی می‌ورزد و اصرار دارد.

(۲) ۱۲- امام علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود:



«من أحب السبل إلى الله عز و جل جرعتان: جرعة غيظ تردها بحلم، و جرعة مصيبة تردها بصبر...» (۱)

«از محبوبترین راهها به سوی خداوند متعال دو جرعه است: یکی جرعه خشمی که با بردباری آن را فرو خورند و دیگری جرعه مصیبت که با صبر آن را هموار کنند.»

رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- در این گفتار به ساختن شخصیت یک مسلمان بر دو پایه حلم و صبر، دعوت فرموده است که این دو از برجسته‌ترین صفات آدمی هستند و هر که بدانش آراسته باشد در توازن و کمال شخصیت به اوج خود رسیده است.

(۳) ۱۳- امام علیه السلام به سند خود از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«ان الله عز و جل خلق العقل من نور مخزون مکنون، فی سابق علمه

(۱) اصول کافی: ۲/ ۹۹، وسائل الشیعة: ۵/ ۵۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶

الذی لم یطلع علیه نبی مرسل، و لا ملک مقرب، فجعل العلم نفسه، و الفهم روحه، و الزهد رأسه، و الحياء عینه، و الحکمة لسانه، و الرؤفة همه، و الرحمة قلبه، ثم حشاه و قواه بعشرة أشياء: بالیقین، و الايمان، و الصدق، و السکينة، و الإخلاص، و الرفق، و العطفة، و القنوع، و التسليم، و الشکر، ثم قال له عز و جل: ادبر فأدبر، ثم قال له: أقبل فأقبل، ثم قال له: تکلم، فقال الحمد لله الذی لیس له سند و لا ند، و لا شبيه و لا کفو، و لا عدیل، و لا مثیل، الذی کل شیء لعظمته خاضع ذلیل، فقال الله تبارک و تعالی: و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا أحسن منك، و لا أطوع لی منك، و لا أرفع منك، و لا أشرف منك، و لا أعز منك، بک أؤاخذ، و بک أعطی، و بک أوحده، و بک أعبد، و بک ادعی، و بک أرتجی، و بک أبتغی، و بک أخاف، و بک أحذر، و بک الثواب و بک العقاب...» (۱)

«خداوند عز و جل عقل را از نوری که اندوخته و در علم گذشته‌اش پنهان بود آفرید علمی که هیچ پیامبر مرسل و فرشته مقرب از آن مطلع نبود و پس از آفرینش عقل، علم و آگاهی را نفس، عقل و فهم و ادراک را روح آن، و پارسایی را سر، و حیا را چشم، و حکمت را زبان، و رأفت را همت، و رحمت و مهر را قلب آن قرار داد، سپس با ده چیز آن را آکنده و نیرومند ساخت که عبارت است از: یقین، ایمان، راستی، وقار، اخلاص، مدارا، بخشش، قناعت، تسلیم و شکر. آنگاه خدای عزّ و جل به آن فرمود: پس برو، پس رفت و بعد گفت: پیش آی، پیش آمد. سپس به او گفت: سخن بگو! عقل گفت: سپاس خدایی را که پشتیبان و همتا و شبیه و نظیر و برابر و همانندی ندارد، خدایی که همه چیز در برابر عظمت او خوار و ذلیل است. آنگاه خدای تبارک و تعالی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند هیچ

(۱) خصال: ص ۳۹۶-۳۹۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷

خلقی بهتر و فرمانبردارتر و شریفتر و عزیزتر از تو نیافریدم، به وسیله تو مؤاخذه می‌کنم و لطف و بخشش می‌نمایم به وسیله تو به یکتایی پرستیده و خواننده می‌شوم و به من امیدوار و راغب می‌گردند و به وسیله تو خوف مرا در دل می‌گیرند و از عذاب من بیمناکند و اجر و ثواب و کیفر و عقاب را به حساب تو می‌دهم...»

این حدیث شریف مشتمل بر بزرگداشت و تعظیم عقل و بیان اهمیت و ویژگیهایی است که خداوند به عقل مرحمت کرده و او را بر مخلوقات و موجودات دیگر برتری داده است و اوست که در اسلام شرط صحت تکلیف است و کسی که عقل ندارد همچون حیوان گنگ و نادان شایستگی ندارد که مورد تکلیف قرار گیرد.

(۱) ۱۴- امام علیه السلام به سند خویش از پدران بزرگوارش نقل کرده است:

«أن المسلمین قالوا لرسول الله (ص): لو أكرهت يا رسول الله من قدرت عليه من الناس على الإسلام لكثير عددنا و قويتنا على عدونا، فقال رسول الله (ص): ما كنت لألقى الله عز و جل ببدعة، لم يحدث إليّ فيها شيء، و ما أنا من المتكلفين، فانزل الله تبارك و تعالى يا محمد «و لو شاء ربك لآمن من في الأرض كلهم جميعا» (۱) «على سبيل الاجراء و الاضطرار في الدنيا، كما يؤمنون عند المعايئة و رؤیة البأس في الآخرة، و لو فعلت ذلك بهم لم يستحقوا مني ثوابا و لا مدحا، لكنني اريد منهم أن يؤمنوا مختارين غير مضطرين ليستحقوا مني الزلفی و الكرامة و دوام الخلود في جنه الخلد، «أفأنت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين» و أما قوله عز و جل: «و ما كان لنفس أن تؤمن إلّا بإذن الله» (۲) «فليس ذلك على سبيل تحريم الايمان

(۱-۲) یونس / ۹۹ و ۱۰۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸

عليها و لكن على معنى أنها ما كانت لتؤمن إلا- بإذن الله، و اذنه أمره إياها بالإيمان، ما كانت مكلفه متعبده، و الجاؤه إياها إلى الايمان عند زوال التكليف و التعب عنها.» (۱)

«مسلمين به رسول خدا- صلى الله عليه و آله- عرض کردند: يا رسول الله:

اگر افرادی از مردم را که قدرت داری به قبول اسلام و اداری کنی شمار ما مسلمانان زیاد می شود و بر دشمنانمان چیره می شویم. رسول خدا- صلى الله عليه و آله- فرمود: من نمی خواهم خدا را با بدعتی ملاقات کنم که در آن باره چیزی به من نرسیده است و من از زورگویان نیستم. این بود که خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد: ای محمد! اگر پروردگارت اراده می کرد (اراده تکوینی) هر آینه تمام اهل زمین ایمان می آوردند، در دنیا به صورت اجبار و اضطرار ایمان می آوردند همان گونه که وقت مشاهده و دیدار سختی در سرای آخرت ایمان می آورند و اگر تو آنها را به چنین کاری واداشته بودی از جانب من نه پاداشی داشتند و نه ستایشی بلکه اراده من بر این تعلق گرفته است که از روی اختیار و بدون اجبار، ایمان بیاورند تا از جانب من مستحق تقرب و کرامت و بقای در بهشت جاویدان گردند «آیا با وجود این، تو مردم را مجبور می کنی تا ایمان بیاورند؟!» و اما قول خدای تعالی: «هیچ کسی ممکن نیست ایمان آورد مگر با اذن خدا» این هم از باب تحریم ایمان بر ایشان نیست بلکه معنای جمله آن است که نمی تواند مؤمن شود (توفیق پیدا نمی کند) مگر به اذن خدا. و اذن خداوند همان امر پروردگار به ایمان است؛ چیزی که مورد تکلیف و تعب می باشد، در حالی که اجبار وی به ایمان موقعی است که تکلیف و تعب در کار نباشد...» (۲)

(۱-۲) توحید صدوق: ص ۳۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹

(۱) رسول اکرم (ص) شبهه جبر را رد کرده و تمام پندارهای مربوط به آن را در هم ریخته است. زیرا که خدای تعالی مردم را به اراده و اختیارشان آزاد خلق کرده و به کارهای نیک، ایشان را راهنمایی فرموده و آنان را از ارتکاب گناه و بدی منع کرده است، بنابراین این خود مردم هستند که به اراده و اختیار خود هر چه می خواهند انجام می دهند و هر چه اراده می کنند بر می گزینند و بر هیچ کاری مجبور نیستند. راویان اخبار می گویند: حضرت رضا علیه السلام این حدیث شریف را برای مأمون عباسی قرائت کرد و مأمون تعجب کرد و مرتب می گفت: یا ابا الحسن! مشکل مرا حل کردی، خداوند نگرانی تو را برطرف کند. (۱)

(۲) ۱۵- امام علیه السلام فرمود:

«حدثني أبي سيد شباب أهل الجنة الحسين، قال: حدثني أبي علي بن أبي طالب (ع) قال: سمعت النبي (ص) يقول: قال الله عز و جل له: إني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدوني، فمن جاء منكم بشهادة أن لا إله إلا الله باخلاص دخل في حصني، و من دخل في حصني أمن

من عذابی.» (۲)

«پدرم، امام حسین سرور جوانان اهل بهشت از پدرش علی بن ابی طالب نقل کرد که گفت از پیامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - شنیدم که می‌گفت:

خدای عز و جل به او فرموده است: منم آن خدای یکتایی که جز من خدایی نیست، مرا بپرستید و هر کس از شما با اخلاص شهادت دهد که خدایی جز خدای یکتا نیست وارد حصار من شده و هر که وارد حصار من شود از عذابم در امان است.»  
براستی کسی که در یکتاپرستیش به خدا اخلاص ورزد و از روی عقیده

(۱) توحید صدوق: ص ۳۴۲.

(۲) توحید صدوق: ص ۲۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰

قلبی و ایمان به توحید اقرار نماید به خدا چنگ زده و به حصار ایمنی از حصارهای او وارد شده و بدان وسیله از عذاب و کیفر الهی نجات یافته است.

(۱) ۱۶- امام علیه السلام از پیامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نقل کرده است که فرمود:

«كفى بالمرء عيباً أن يبصر من الناس ما يعمى عليه من نفسه، و أن يؤذى جليسه بما لا يعنيه...» (۱)

«همین قدر در عیب یک شخص بس که عیب مردم را ببیند و همان عیب را در خودش نبیند و همنشین خود را بیهوده بیازارد.»  
براستی که از جمله کاستیهای آدمی است که عیبهای مردم را بجوید و از عیبهای خویش بی‌خبر باشد در حالی که او به خودسازی و رفع کاستیهای خویشتن سزاوارتر است و نباید به اسرار مردم پردازد همچنین از معایب اخلاقی یک انسان است که همنشین خودش را بیهوده اذیت کند زیرا بدین وسیله با او دشمنی کرده و او را دشمن خود ساخته در حالی که نیازی به چنین کاری نداشته است.

(۲) ۱۷- امام سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرموده است:

«من حسن إسلام المرء تركه ما لا يعنيه.» (۲)

«از جمله آثار خوب مسلمان بودن یک شخص آن است کاری را که به او مربوط نیست انجام ندهد.»

براستی که این خصلت از بارزترین صفات یک انسان مسلمان است زیرا

(۱) اصول کافی: ۴۶ / ۲.

(۲) الدررّیة الطاهره: ورق ۲۷ فتوکی در کتابخانه امام امیر المؤمنین نجف، المعرفة و التاريخ: ۳۶۰ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱

وارد نشدن او به کاری که به وی ربطی ندارد، دلیل پختگی و فزونی عقل اوست، اما وارد شدن به کاری که به وی مربوط نیست دلیل کوتاه فکری او، و باعث رنج و هلاکت او می‌شود و او را به شر بزرگی دچار خواهد کرد. تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲، ۲۱ روایات امام از پیامبر (ص) ..... ص: ۸

(۱) ۱۸- امام علیه السلام فرمود: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرموده است:

«فی الجنة ثلاث درجات: و فی الآخرة ثلاث درجات: فأعلى درجات الجنة لمن أحبنا بقلبه، و نصرنا بلسانه و یده، و الدرجه الثانية لمن أحبنا بقلبه، و نصرنا بلسانه، و الدرجه الثالثة لمن أحبنا بقلبه، و فی أسفل الدرک من النار من أبغضنا بقلبه...»، و أعان بلسانه، و

فی الدرک الثالث من النار من أبغضنا بقلبه...» (۱)

«در بهشت سه مرتبه است، و جهنم نیز سه مرتبه دارد: بالاترین مراتب بهشت از آن کسی است که ما را قلباً دوست دارد و با دست و زبانش ما را یاری می‌کند و مرتبه دوم آن متعلق به کسی است که ما را قلباً دوست دارد اما تنها به زبان یاری می‌کند و مرتبه سوم مال کسی است که فقط به دل ما را دوست دارد. و آن که قلباً ما را دشمن می‌دارد در پست‌ترین مرتبه آتش دوزخ است اما به زبان یاری می‌کند و آن که ما را به دل دشمن می‌دارد در درجه سوم از آتش است.»

براستی که محبت اهل بیت علیهم السّلام وسیله نجات از هلاکت و عامل رستگاری و صعود به بالاترین درجات فردوس برین است، همان گونه که دشمنی ایشان از جمله عوامل هلاکت و سقوط به پایین‌ترین مرتبه از آتش دوزخ است.

(۲) ۱۹- امام علیه السّلام فرمود: رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرموده است:

(۱) محاسن برقی: ۱/۱۵۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲

«حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن اهلین عظیمه: عند الوفاء، و فی القبر، و عند النشور، و عند الکتاب، و عند الحساب، و عند المیزان، و عند الصراط...» (۱)

«محبت من و اهل بیتم در هفت جا که ترس و گرفتاری زیادی دارد، سودمند است: به هنگام مرگ، در قبر، در وقت حشر و نشر، در وقت دادن نامه اعمال، در وقت حساب، و به هنگام سنجش اعمال و در نزد صراط...»

این موارد از دشوارترین و سخت‌ترین توقفاگاههای انسان است که جز به محبت پیامبر (ص) و مودت و دوستی اهل بیت علیهم السّلام گذشتن از آنها میسر نیست.

(۱) ۲۰- امام علیه السّلام فرمود: رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرموده است:

«سته لعنهم الله، و کلّ نبیّ مجاب، الزائد فی کتاب الله، و المكذب بقدر الله، و التارک لستی و المستحل من عترتی ما حرّم الله، و المتسلط بالجبروت لیدل من أعزّه الله و یعز من أذله الله، و المستأثر بفیء المسلمین، المستحل له...» (۲)

«سه کس را خداوند و همه پیامبرانی که دعایشان پذیرفته است، لعنت کنند: کسی که چیزی را به کتاب خدا بیفزاید و کسی که مقدرات الهی را دروغ بیندارد و کسی که سنت مرا ترک گوید، و نسبت به عترت من آن چه را که خداوند حرام کرده، حلال شمارد و با زور و غلبه سلطه‌گری کند تا آن کس را که خدا عزیز کرده، ذلیل و خوار سازد و هر که را که خدا

(۱) خصال صدوق: ص ۳۳۰.

(۲) خصال صدوق: ۳۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳

ذلیل کرده، عزیز گرداند و اموال مسلمانان را به نفع خود بردارد و به خود حلال شمارد...»

براستی گروههایی را که خدا و تمام انبیا لعنت کرده‌اند، کسانی هستند که از راه حق منحرف شده و از مقررات الهی سرپیچی کرده‌اند و آنها شبکه خرابکار در کشور اسلامی یعنی سلاطین اموی بودند که کمر دشمنی و عداوت با خاندان طهارت بستند و جور و فساد را در روی زمین گسترده کردند.

(۱) ۲۱- امام علیه السلام به سند خویش از جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود:

«قال الله عز و جل: علی بن ابی طالب حجتی علی خلقی، و نوری فی بلادی، و أمینی علی علمی...» (۱)

«خداوند عز و جل فرمود: علی بن ابی طالب، حجت من است بر مخلوق و نور و هدایت من است در زمین و امین علم من است.»  
این حدیث شریف پرده از اهمیت مقام امام امیر المؤمنین علیه السلام و علو مرتبه آن حضرت در پیشگاه خدا برداشته است، زیرا او حجت کبرای الهی است بر بندگان و نور تابان در تمام سرزمینها و امین علم پروردگار است.

(۲) ۲۲- امام علیه السلام فرمود: پدرم امام حسین علیه السلام به من گفت:

(برادرم) حسن بن علی علیه السلام به نقل از پدرمان علی بن ابی طالب فرمود که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«خلقت أنا و علی من نور واحد.» (۲)

«من و علی از یک نور آفریده شده‌ایم.»

(۱) المسلسلات، خطی، موجود در کتابخانه آقای حکیم.

(۲) خصال صدوق: ص ۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴

البته خدای تعالی پیامبر و وصییش را از یک نور آفریده و به وسیله ایشان افکار و عقول را روشنی بخشیده و هدف را مشخص کرده و گمراهان را راهنمایی فرموده است.

(۱) ۲۳- امام علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«یا علی أول ما یسأل عنه العبد بعد موته شهادة أن لا إله إلا الله، و أن محمدا رسول الله، و أنك ولی المؤمنین بما جعله الله، و جعلته لك، فمن أقر بذلك، و كان یعتقده صار إلى النعم الذي لا زوال له...» (۱)

«یا علی نخستین چیزی را که پس از مردن از بنده‌ای می‌پرسند شهادت بر آن است که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد فرستاده خدا و تو سرپرست و ولی مؤمنانی به دلیل آن که خداوند و من آن را برای تو مقرر داشته‌ایم بنابراین هر که بدان اقرار کند و معتقد به آن باشد سرانجامش وصول به نعمت جاودانه‌ای است که پایان ندارد.»

احادیث زیادی به این مضمون رسیده است که چون انسان زندگی این دنیا را ترک گوید، از این سه چیز که در رأس همه چیزهاست مؤاخذه و بر آن اساس محاسبه می‌شود.

(۲) ۲۴- امام علیه السلام به سند خود از قول پدرش از جدش- امام امیر المؤمنین- نقل می‌کند که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«هبط علی جبرئیل فقال: إن الله یقرئک السلام، و یقول: حرمت النار علی صلب أنزلک، و بطن حملک، و حجر کفک...» (۲)

«جبرئیل بر من نازل شد و گفت: خداوند سلام می‌رساند و می‌گوید: آتش

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۸۳ از آقای مقدم.

(۲) التّعظیم و المنة فی أن ابوی رسول الله فی الجنة: ص ۳۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵

دوزخ را بر پستی که تو از او به دنیا آمدی و مادری که به تو حامله شد و دامنی که تو را کفالت کرد، حرام گردانیدم.»  
سیوطی در تفسیر این حدیث می‌گوید: «اما صلیبی که رسول خدا (ص) از او به دنیا آمد، عبد الله است و اما زنی که بر او حامله شد، آمنه است و اما دامنی که او را کفالت نمود، عمویش ابو طالب و فاطمه بنت اسد می‌باشد.» (۱)

(۱) ۲۵- امام علیه السلام می‌فرماید:

«دخل رسول الله (ص) على نفر من أهله، فقال: ألا أحدثكم بما يكون خيرا من الدنيا، والآخرة لكم، وإذا كرتتم أو غمتم دعوتهم الله عز وجل ففرج عنكم، قالوا: بلى يا رسول الله، قال: قولوا: الله، الله، الله، ربنا لا نشرك به شيئا، ثم ادعوا ما بدا لكم...» (۲)

«روزی رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به جمعی از خاندانش وارد شد و فرمود: آیا نمی‌خواهید که چیزی به شما بگویم که خیر دنیا و آخرت برای شما باشد و هر وقت دچار غم و اندوه شدید خدا را بخوانید تا غم شما را برطرف کند؟ عرض کردند: چرا یا رسول الله. فرمود: بگوید: «الله، الله، الله، ربنا لا نشرك به شيئا» (۳) سپس آن چه به فکر شما رسید بخواهید...»

(۲) ۲۶- امام علیه السلام فرمود:

«أتى رجل إلى رسول الله (ص) فقال له: ما بقى من الشر شيء إلا عملته، فهل من توبة؟ فقال (ص): هل بقى من والديك أحد؟ قال: نعم. قال (ص): فبره، فلعله أن يغفر لك، فولى الرجل، فقال (ص):

(۱) التّعظيم و المنة: ص ۳۲ از سیوطی.

(۲) دعوات قطب راوندی، خطی: ص ۲۰.

(۳) یعنی: خدای یکتا، خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار ماست هیچ چیز را شریک او نمی‌دانیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶

لو كانت أمه...» (۱)

«مردی به خدمت رسول خدا شرفیاب شد، عرض کرد: هیچ کار بدی نمانده مگر آن که من انجام داده‌ام، آیا راه توبه‌ای برای من هست؟

پیامبر (ص) فرمود: آیا از پدر و مادرت کسی زنده است؟ عرض کرد: بلی.

پیامبر (ص) فرمود: برو به او خوبی کن، شاید خداوند از گناهان تو بگذرد، آن مرد که رفت پیامبر (ص) فرمود: اگر مادرش باشد بهتر است! این حدیث شریف دلیل بر این است که نیکی و احسان به پدر و مادر از موجبات آمرزش و بخشش گناهان است بخصوص نیکی به مادر.

(۱) ۲۷- امام علیه السلام از پدرش امام حسین علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به امام امیر المؤمنین (ع) فرمود:

«الجنة تشاق إليك، و إلى عمار، و إلى سلمان، و أبي ذر، و المقداد...» (۲)

«بهشت مشتاق تو و عمار، و سلمان و ابي ذر و مقداد است.»

براستی که بهشت مشتاق این گروهی است که عناصر اصلی ایمان و طلایه‌داران مجاهدان راه اسلامند، آنان در پیشگاه خدای تعالی بخوبی از عهده امتحان درآمدند و با کوشش و جهادشان دین خدا را استوار کردند، پس بجاست که بهشت مشتاق دیدار ایشان باشد.

(۲) ۲۸- امام علیه السلام فرمود: پدرم نقل کرد که جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«اعبد الناس من أقام الفرائض، و أسخى الناس من أدى الزكاة،»

(۱) دعوات قطب راوندی: ص ۴۷.

(۲) خصال صدوق: ص ۲۷۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷

و أزهّد الناس من اجتنب المحارم، و اتقى الناس من قال بالحق فى ما له و عليه، و أعدل الناس من رضى للناس بما يرضى لنفسه، و كره لهم ما كره لنفسه، و أكيس الناس من كان أشد ذكرا للموت، و اغبط الناس من كان تحت التراب قد أمن العقاب، و يرجو الثواب، و اعقل الناس من يتعظ بتغير الدّنيا من حال إلى حال، و أعظم الناس فى الدنيا خطرا من لم يجعل للدنيا خطرا، و اعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه، و اشجع الناس من غلب هواه، و أكثر الناس قيمة أكثرهم علما، و أقل الناس لذّة الحسود، و أقل الناس راحة البخیل، و أبخل الناس من بخل بما افترض اللّٰه عليه، و أولى الناس بالحق اعلمهم، و أقل الناس حرمة الفاسق، و أقل الناس وفاء الملوک، و أقل الناس صديقا الملوک، و أفقر الناس الطماع، و أغنى الناس من لم يكن للحرص أسیرا، و أفضل الناس إيمانا أحسنهم خلقا، و أكثر الناس «۱» أتقاهم، و أعظم الناس حذرا من ترك ما لا- يعنيه، و أروع الناس من ترك المراء، و إن كان محقا، و أقل الناس مروءة من كان كاذبا، و أشقى الناس الملوک، و أمقت الناس المتكبر، و أشد الناس اجتهادا من ترك الذنوب، و احلم الناس من فرّ من جهال الناس، و أسعد الناس من حالف كرام الناس، و أعقل الناس أشدهم مداراة للناس و أولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة، و أعتى الناس من قتل غير قاتله أو ضرب غير ضاربه، و أولى الناس بالعفو أقدرهم على العقوبة، و أحق الناس بالذنب السفیه، المغتاب، و أذل الناس من أهان الناس، و أحزم الناس اكظمهم للغیظ، و أصلح الناس أصلحهم للناس، و خير الناس من انتفع به الناس

«...» (۲)

(۱) احتمالا کلمه‌ای (عقلا) از این جمله افتاده باشد و اصل جمله چنین باشد: «و اکثر الناس عقلا أتقاهم».

(۲) الغایات ابن بابویه قمی خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸

«عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد و سخی‌ترین مردم کسی است که زکات را پردازد و پارساترین مردم کسی است که از چیزهای حرام اجتناب کند و باتقواترین مردم کسی است که حرف حق را بگوید چه به سود او باشد، یا به زیان او، و عادلترین مردم کسی است که آن چه را که بر خود می‌پسندد برای مردم بیسندد و آن چه را که بر خود نمی‌پسندد برای ایشان نپسندد و هوشیارترین مردم کسی است که بیشتر از همه به یاد مرگ باشد و بیش از همه کس به حال آن آدمی باید رشک برد که در زیر خاک از کیفر الهی در امان است و امید به اجر و پاداش دارد و (۱) عاقلترین مردم کسی است که از دگرگونی دنیا عبرت می‌گیرد و با اهمیت‌ترین مردم در دنیا کسی است که برای دنیا اهمیتی قائل نباشد و داناترین مردم کسی است که علم و دانش مردم را به دانش خود بیفزاید و شجاعترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غالب شود، گران‌قدرترین مردم دانشمندترین آنهاست و کم‌بهره‌تر از همه مردم آدم حسود است، و کم‌آسایش‌ترین مردم شخص بخیل است، و بخیل‌تر از همه کسی است که در واجبات الهی بخل ورزد، و سزاوارترین مردم به درستی و راستی داناترین آنها و کم‌حرمت‌ترین مردم، آدم بدکار است و از همه کس کم‌وفاتر و کم‌دوست‌تر پادشاهانند و تنگ‌دست‌ترین مردم آدم پرطمع است (۲) و بی‌نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص و آز نباشد و با ایمان‌ترین مردم خوش‌خوترین آنهاست و خردمندترین مردم باتقواترین آنهاست و از همه مردم بااحتیاطتر آن کسی است که کاری را که به او مربوط نیست ترک کند و پرهیزگارترین مردم کسی است که در برابر حق جدال نکند و کم‌مروت‌ترین مردم کسی است که دروغ می‌گوید و شقی‌ترین مردم پادشاهانند و مبعوضترین مردم متکبرانند و کوشاترین مردم کسی است که گناهان را ترک گوید و بردبارترین مردم کسی است که از مردم نادان فرار کند و خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با انسانهای بزرگوار هم‌بیمان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹

گردد و داناترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند و سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت هم‌منشین

شود و ستمگرترین مردم کسی است که جز قاتل خود را بکشد و جز ضارب خود را بزند و شایسته‌ترین مردم به عفو و بخشش کسی است که از همه تواناتر به مجازات رساندن است و سزاوارترین مردم به گنهکاری آدم نادانی است که از دیگران غیبت می‌کند، دوراندیش‌ترین مردم کسی است که بیش از همه خشم خود را فرو خورد، و شایسته‌ترین مردم کسی است که خیرخواهتر از همه کس برای مردم باشد و بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند...»

این حدیث شریف به طبایع و هدفها و گرایشهای مردم پرتوافکننده و راه و روشهای حیات‌بخشی را به خاطر اصلاحی فراگیر برای بسیاری از قضایای روانی و تربیتی مطرح کرده است. برآستی که این حدیث شریف از اصول احادیث نبوی است که مشتمل بر گنجینه‌های دانش و حکمت و عرفان می‌باشد.

(۱) ۲۹- امام علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود:

«ما زلت أنا و من كان قبلي من النبيين مبتلين بمن يؤذينا، و لو كان المؤمن على رأس جبل لقيض الله عز و جل من يؤذيه ليؤجره على ذلك...» (۱)

«همواره من و پیامبران پیش از من، به وسیله کسی که ما را می‌آزارد، آزموده می‌شویم و اگر مؤمن بر قلّه کوهی باشد خداوند عز و جل کسی را برای آزردن او مقرر می‌کند تا به خاطر آن اجر ببرد.»

(۱) وسائل الشیعة: ۴۸۶/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰

البته رسول اکرم- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- و سایر پیامبران پیش از او، از طرف نیروهای ستمگری که در برابر اصلاح اجتماعی ایستاده بودند و با رهبران آن در ستیز بودند در معرض ظلم و تجاوز قرار می‌گرفتند و سنت زندگی بر این جاری گشته است که قوای شر با نیروهای خیر در ستیز باشند، اگر چه مؤمنی بر قلّه کوهی به دور از مردم زندگی کند باز هم نیروی شری به آنجا نفوذ خواهد کرد و او را خواهد آزد تا خداوند بدان وسیله او را اجر و پاداش دهد.

(۱) ۳۰- امام علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود:

«علی بن ابی طالب خلیفه الله، و خلیفتی، و حجة الله و حجتی، و صفی الله و صفیی، و حبیب الله و حبیبی، و خلیل الله و خلیلی، و سیف الله و سیفی، و هو أخی و صاحبی، و وزیری، محبه محبی، و مبغضه مبغضی، و ولیه ولیی و عدوه عدوی، و زوجته ابنتی، و ولده ولدی، و حربه حربی، و قوله قولی و أمره امری، و هو سید الوصیین، و خیر امتی...» (۱)

«علی بن ابی طالب، خلیفه خدا و خلیفه من، حجت خدا و حجت من، برگزیده خدا و برگزیده من، محبوب خدا و محبوب من، دوست خدا و دوست من و شمشیر خدا و شمشیر من است و او برادر و مصاحب و وزیر من می‌باشد، دوستدار او، دوستدار من است و کسی که او را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته، دوست او دوست من و دشمن او دشمن من است، همسر او دختر من و فرزندان او فرزندان من، جنگ با او جنگ با من است، سخن او سخن من و فرمان او فرمان من است. او سرور اوصیا و بهترین فرد امت من است...»

پیامبر- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- در بسیاری از موارد برادر و وصی خود،

(۱) روضات الجنّات: ۱۸۳/۶- ۱۸۴ به نقل از کتاب مناقب امام امیر المؤمنین ابن شاذان قمی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱

رهبر حق و عدالت اجتماعی امام امیر المؤمنین علیه السلام را ستایش کرده است، و طبیعی است که این ستایش و تعریف به منظور



تعیین وی به خلافت پس از خود می‌باشد و این که بعد از وفات آن حضرت، او راهنمای همه مردم در مسیر اسلام است.

(۱) ۳۱- امام سجاد علیه السلام به سند خود از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- به اصحاب خود فرمود:

«أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِي، وَ نَهَاكُمْ عَنِ مَعْصِيَتِي، وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَةَ عَلِيِّ بَعْدِي، وَ نَهَاكُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ هُوَ وَصِيٌّ، وَ وَارِثِي، وَ هُوَ مِنِّي، وَ أَنَا مِنْهُ، حَبِ إِيْمَانٍ، وَ بَغْضَةٍ كُفْرٍ...» (۱)

«خدای متعال اطاعت مرا بر شما واجب کرده و شما را از نافرمانی من بازداشته است و پس از من، اطاعت از علی را بر شما واجب گردانیده و از نافرمانی او منع کرده است، او وصی و وارث من است، او از من است و من از او، دوستی او ایمان و دشمنی با او کفر است.»

(۲) براستی که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- اطاعت امام امیر المؤمنین علیه السلام را تنها بر اصحابش واجب نکرده است بلکه خدای متعال آن را بر همه مسلمانان واجب گردانیده است، همچنان که حدیث غدیر بر این مطلب دلالت دارد، حدیثی که تمام مسلمین بر روایت آن اتفاق نظر دارند. و در اینجا کمترین تردیدی وجود ندارد که انگیزه وجوب اطاعت امیر المؤمنین علیه السلام خصوصیات و ویژگیهای آن حضرت و ارتباط زیاد او با خدای تعالی است زیرا که در بین مسلمین کسی در فضایل و خصوصیات اخلاقی همانند و همسان او وجود ندارد. جاحظ می‌گوید:

«هر زمان که صحبت از سبقت و پیشقدمی در اسلام می‌شود و هر وقت

(۱) ینایع المودّة، باب: ۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲

درباره یاری و دفاع از اسلام سخن گفته می‌شود و هرگاه راجع به فقاقت و آگاهی در دین گفتگو می‌شود و سخن از پارسایی در اموالی به میان می‌آید که مردم به خاطر آنها خون یکدیگر را می‌ریزند و یا در مورد بخشش و احسان و دادن صدقه و زکات سخن گفته می‌شود، جز علی- رضی الله عنه- کسی را در روی زمین که جامع همه این خصلتها باشد نام نمی‌برند.» (۱)

(۱) ۳۲- امام علیه السلام به سند خود از پدر بزرگوارش به نقل از جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که پیامبر- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود:

«يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ صَلَاةَ قَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَسْجُدَ أَوْمًا، وَ جَعَلَ سَجُودَهُ أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَصَلِّيَ قَاعِدًا صَلَاةَ عَلِيٍّ جَنْبَ الْأَيْمَنِ مُسْتَقْبِلًا الْقِبْلَةَ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ صَلَاةَ مُسْتَقْبِلًا رِجْلَيْهِ مِمَّا يَلِي الْقِبْلَةَ...» (۲)

«مریض در حال ایستاده نماز می‌خواند و اگر نتوانست نشسته به جا می‌آورد و اگر بر سجده قادر نبود، اشاره کند و سجده‌اش را با اشاره پایین‌تر از رکوعش انجام می‌دهد و اگر نشسته نمی‌تواند نماز بخواند، به پهلو راست، رو به قبله بخوابد و اگر نتوانست به پشت بخوابد و پاهایش را به سمت قبله دراز کند.»

این حدیث شریف و احادیث دیگری که از ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره رسیده است از جمله مدارکی است که فقها در فتوای به عدم وجوب قیام در نماز، برای مریضی که ایستاده خواندن نماز برایش دشوار است بر آن استناد می‌کنند و می‌گویند وظیفه او آن است که نشسته نماز بخواند زیرا که اسلام

(۱) ثمار القلوب ثعالبی، ص: ۶۷.

(۲) میزان الاعتدال: ۱/ ۴۸۴-۴۸۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳

هیچ دستور طاقت‌فرسایی را مقرر نفرموده است.

(۱) ۳۳- امام علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش روایت کرده است که پیامبر- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ فَيُحْمَدُ اللَّهُ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الصَّائِمِ الْقَائِمِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ.» (۱)

«مؤمن وقتی که از غذا سیر می‌شود و شکر و سپاس خدا را می‌گوید، خداوند پاداش کسی را که روزه‌دار و نمازگزار است به او مرحمت می‌کند، همانا خداوند سپاسگزاران را دوست می‌دارد.»

این بود قسمتی از احادیثی که امام زین العابدین علیه السلام از قول جدش رسول خدا- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- روایت کرده است که بعضی را با سند از قول پدر بزرگوارش به نقل از جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام، از پیامبر (ص) و بعضی را بدون سند روایت کرده است و در هر دو صورت از بالاترین مراتب صحیح برخوردار است، البته در صورتی که سند حدیث به آن حضرت درست باشد.

(۲)

### روایات امام از امیر المؤمنین (ع)

امام زین العابدین علیه السلام برخی از حکمتهای درخشان را از امام امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که برای بسیاری از قضایای اجتماعی راهگشاست، همان گونه که بخشی از خطبه‌ها و مواعظ امام علی علیه السلام را روایت کرده است که در ذیل برخی از آنها را می‌آوریم:

۱- امام علیه السلام فرمود:

(۱) ربیع الابرار: ۴ / ۳۲۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴

«للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له، و يلبس ما ليس له و يشتري ما ليس له...» (۱)

«اسرافکار سه نشان دارد: از مال دیگران می‌خورد، لباسش از مال دیگران است و چیزی را که در شأن او نیست (و نباید بخرد) می‌خرد...»

براستی که آدم اسرافکار در راه و رفتار اقتصادی خود راه انحراف را می‌پیماید، امام علیه السلام با حکمت خود موارد کج‌روی اسرافکار را در دخل و تصرفاتش معرفی فرموده است به این ترتیب که خوراک و پوشاک و خریدش همه و همه بر خلاف شئون وی بوده و با درآمد و دخلش مناسب نیست.

(۱) ۲- امام علیه السلام فرمود: پدرم امام حسین علیه السلام نقل کرد که از پدرم علی علیه السلام شنیدم، می‌فرمود:

«الأعمال على ثلاثة أحوال: فرائض، و فضائل، و معاص، فأما الفرائض فبأمر الله، و برضى الله، و بقضاء الله، و تقديره و مشيئته، و علمه عز و جلّ، و أما المعاصي فليست بأمر الله، و لكن بقضاء الله، و تقدير الله و بمشيئته و علمه، ثم يعاقب عليها.» (۲)

«کارهای آدمی سه نوع است: واجبات، فضیلتها و گناهان. اما واجبات به فرمان خدا و رضای او و به قضا و قدر و مشیت و علم حق تعالی انجام می‌گیرد و اما گناهان به فرمان الهی صورت نمی‌گیرد بلکه به قضا و تقدیر خدا و مشیت و علم او انجام می‌گیرد، سپس آدمی بر آن اساس مجازات و کیفر می‌شود.»

امام علیه السلام اعمال و رفتار انسان و ارتباط آن را با قضا و قدر مورد

(۱) خصال صدوق: ص ۹۴.

(۲) خصال: ص ۱۵۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵

عنایت قرار داده است؛ هر چه که از انسان صادر می‌شود، خداوند می‌داند، خدایی که هیچ ذره کوچکی در زمین و آسمان بر علم او پوشیده نیست ولی بندگان را بر هیچ عملی از اعمال خیر و یا شر، مجبور نمی‌کند، بلکه به اراده و اختیار خود انسانها نهاده است و برای اثبات این مطلب دانشمندان شیعه در کتابهای کلامی خویش استدلال کرده‌اند.

(۱) ۳- امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که امام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«إن الله تبارك و تعالی أخصی أربعة فی أربعة: أخصی رضاه فی طاعته فلا تستصغرن شیئا من طاعته، فربما وافق رضاه و أنت لا تعلم، و أخصی سخطه فی معصيته، فلا تستصغرن شیئا من معصيته فربما وافق سخطه و أنت لا تعلم، و أخصی إجابته فی دعوته، فلا تستصغرن شیئا من دعائه، فربما وافق إجابته و أنت لا تعلم، و أخصی ولیه فی عبادته فلا تستصغرن عبدا من عبید الله فربما یكون ولیه و أنت لا تعلم...» (۱)

«خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان داشته است:

خشنودی خود را در طاعت و بندگی خویش قرار داده است پس نباید طاعت او را هر مقدار باشد ناچیز بدانی و چه بسا که عمل تو موافق رضای خداست اما تو نمی‌دانی. و خشم خود را در معصیت و نافرمانیش پنهان داشته است و چه بسا که عمل تو باعث خشم اوست و تو نمی‌دانی. و خداوند ولیّ خودش را در میان بندگانش مخفی داشته است بنابراین نباید بنده‌ای از بندگان خدا را کوچک بشماری زیرا ممکن است ولی خدا باشد و تو نمی‌شناسی.»

(۱) خصال صدوق: ص ۱۹۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶

امام علیه السلام مردم را بر کوچک نشمردن این چیزها دعوت کرده است زیرا که به دیده تحقیر نگرستن بر اینها، برخی مفسد را در پی دارد که بدانها اشاره فرمود.

(۱) ۴- امام علیه السلام فرمود؛ امیر المؤمنین همواره می‌فرمود:

«إنما الدهر ثلاثة أيام أنت فی ما بینهن: مضي أمس بما فیہ فلا یرجع أبدا، فإن كنت عملت فیہ خیرا لم تحزن لذهابه، و فرحت بما استقبلته منه، و إن كنت قد فرطت فیہ فحسرتك شدیدة لذهابه، و تفریطك فیہ و أنت فی یومك الذی أصبحت فیہ من غد فی غرة، و لا تدری لعلك لا تبلغه، و أن بلغته لعل حظك فیہ فی التفریط مثل حظك فی الأمس الماضي عنك، فیوم من الثلاثة قد مضي أنت فیہ مفرط، و یوم تنتظره لست من علی یقین من ترك التفریط، و إنما هو یومك الذی أصبحت فیہ، و قد ینبغی لك إن عقلت و فكرت فی ما فرطت فی الأمس الماضي مما فاتك فیہ من حسنات ألا تكون اكتسبتها، و من سیئات ألا تكون ابتعدت عنها، و أنت مع هذا مع استقبال غد علی غیر ثقة من أن تبلغه و علی غیر یقین من اكتساب حسنة أو مرتدع عن سیئه محبطة، فأنت فی یومك الذی تستقبل علی مثل یومك الذی استدبرت فاعمل عمل رجل لیس یأمل من الأيام الا یومه الذی أصبح فیہ، و لیلته، فاعمل أودع، و الله المعین علی ذلك...» (۱)

«همانا روزگار سه روز است و تو در آن میانی: دیروز که با هر آن چه در آن بوده است گذشته و دیگر بر نمی‌گردد و اگر تو در آن، کار خوب کردی برای رفتنش غمی نداری و با آن چه در آن روبرو شده‌ای خوش حالی و اگر در آن روز کوتاهی کرده‌ای

افسوس زیادی بر رفتن آن داری و به خاطر تقصیری که در آن کرده‌ای تأسف می‌خوری و تو در آن روزی که هستی

(۱) اصول کافی: ۲/ ۴۵۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷.

درباره فردا مرددی نمی‌دانی چه می‌شود؟ شاید بدان نرسیدی و اگر هم بررسی شاید بهره تو در آن زیان باشد و چون از روز گذشته‌ات خسارت ببری و یکی از این سه روز گذشته و تو در آن تقصیر کردی و روز آینده را هم که منتظری و نمی‌دانی که ترک تقصیر خواهی کرد یا نه و همانا تو هستی با این روزی که در آنی و سزاوار است که اگر عاقل باشی، در تقصیر گذشته بیندیشی که چه حسناتی از دست رفته، دیگر کوتاهی نکنی و چه گناہانی را مرتکب شده‌ای از آنها دوری کنی و با این که رو به فردا هستی اطمینان نداری که به آن بررسی و یقین نداری که در آن کار خیر انجام دهی یا از گناهی کشنده خود را نگهداری و تو درباره روزی که رو بدان داری همانند روزی باشی که بدان پشت کرده‌ای و از آن گذشته‌ای و باید همچون کسی کاری کنی که از هیچ روز از ایام زندگیش امید ندارد جز به همان روز و شبی که در آن است پس به امر و نهی خدا عمل کن که خداوند بر این امور کمک کار است.»

(۱) سرور عارفان و پیشوای پرهیزگاران مردم را به غنیمت شمردن وقت به وسیله کسب حسنات و دوری از گناہان دعوت می‌فرماید، زیرا که انسان روزگاری بس زودگذر دارد و سرانجام به حضور پروردگار می‌رسد و شایسته عملش پاداش می‌یابد؛ اگر خیر باشد پاداش نیک و اگر شر باشد پاداش بد می‌بیند.

(۲) ۵- امام علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام همواره می‌گفت:

«اللهم منّ علی بالتوکل علیک، و التفویض إلیک، و الرضا بقدرک، و التسلیم لأمرک، حتی لا أحب تعجیل ما آخرت، و لا تأخیر ما عجلت یا رب العالمین...» (۱)

(۱) اصول کافی: ۲/ ۵۸۰، نسخ التواریخ: ۱/ ۱۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸.

«خداوندا بر من منت بگذار و توفیقم ده به تو توکل کنم و امورم را به تو واگذارم و به مقدرات تو راضی و خشنود باشم و در برابر فرمان تو تسلیم بوده باشم تا آنجا که تعجیل در آن چه را که تو تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آن چه را که تو تعجیل فرموده‌ای، دوست نداشته باشم ای پروردگار عالمیان.»

امام علیه السلام در این کلام خود به توکل بر خدای تعالی و واگذار کردن امور و رضایت به مقدرات و تسلیم به فرمان خدا دعوت فرموده است زیرا که تمام امور بندگان تنها به دست خداست و جز او هیچ قدرت و سلطنتی بر تصرف در امور وجود ندارد.

(۱) ۶- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«امیر المؤمنین علیه السلام یاران خود را آماده جنگ می‌کرد ناگهان پیرمردی در هیأت مسافر پیش آمد، سلام داد و عرض کرد: من با آن که پیرم از ناحیه شام به خدمت شما آمده‌ام چون شنیده‌ام فضیلت بی‌شماری دارید و از طرفی تصور می‌کنم که بزودی شما را ناجوانمردانه خواهند کشت بنابراین از علومی که خداوند به شما مرحمت کرده است به من بیاموزید.»

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«نعم یا شیخ من اعتدل یوماه فهو مغبون، و من کثرت همّه فی الدنیا کثرت حسرته عند فراقها، و من کان غده شرا من یومه فمحروم، و من لم یبال بما یری فی آخرته إذا سلمت له دنیاه فهو هالک، و من لم یتعاهد النقص من نفسه غلب علیه الهوی، و من کان فی

نقص فالموت خیر له .. یا شیخ إن الدنيا حقیره و لها أهل، و إن الآخرة لها أهل، طلقت أنفسهم عن مناصرة أهل الدنيا، لا يتنافسون فی الدنيا،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹

و لا- یفرحون بغضارتها، و لا- یحزنون لبؤسها، یا شیخ من خاف البیات قل نومه، و ما أسرع اللیالی و الأيام فی عمر العبد، فأخزن كلامك، و عد أيامك، و لا تقل إلا بخیر، یا شیخ ارض للناس ما ترضی لنفسك، و آت إلى الناس ما تحب أن یؤتی الیک ...»  
 «آری ای پیرمرد! هر کس که دو روزش برابر باشد، مغبون است و هر که بیشتر به فکر دنیا باشد هنگام جدایی از دنیا حسرت و افسوسش بیشتر خواهد بود و هر که فردایش بدتر از امروز باشد، آدم محرومی است، و هر که بی پروا باشد که در آخرت چه می بیند به شرط آن که دنیایش سالم بماند، چنین کسی در هلاکت است و هر که نقص و عیب را از خودش نپذیرد، هوای نفسش بر او غالب گشته و هر که رو به کاستی باشد، مرگ برای او بهتر است ... ای پیرمرد! این دنیا ناچیز است و هواخواهانی دارد و آخرت نیز طرفدارانی دارد که خود را از قید همیاری با اهل دنیا آزاد کرده اند و در امور دنیا بر یکدیگر سبقت نمی گیرند و به خوشی دنیا خوش و مسرور و به خاطر محرومیت دنیا غمگین نمی شوند. ای پیرمرد! کسی که از حمله شبانه بترسد کمتر می خوابد، شبها و روزهای عمر بنده چقدر زود گذر است! پس سخنت را حفظ کن و حساب روزهای زندگیت را داشته باش، جز خیر مگو، ای پیرمرد! برای مردم بپسند آنچه بر خود می پسندی و با مردم چنان رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.»

(۱) و پس از این نصایح و مواعظ نورانی که بر آن مرد سالخورده بیان داشت، رو به یاران خود کرد و فرمود:

«أیها الناس أما ترون أهل الدنيا یمسون و یصبحون علی أحوال شتی، فبین صریح مبتلی، و بین عائد و معود، و آخر بنفسه یجود، و آخر لا یرجی، و آخر مسجی، و طالب للدنیا و الموت یطلبه، و غافل و لیس بمغفول عنه، و علی أثر الماضی یصیر الباقی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰

«ای مردم آیا نمی بینید که اهل دنیا به حالتهای گوناگون شب و روزشان را می گذرانند؛ یکی ناخوش و گرفتار و یکی عیادت کننده و دیگری بیمار و آن دیگری که با جاننش بازی می کند و دسته دیگر که از زندگی دست شسته اند و گروه دیگر که چهره در نقاب (خاک) کشیده اند و جمعی در پی دنیا هستند در حالی که مرگ در پی آنهاست و دسته ای در حال غفلت به سر می برند در حالی که خود مورد غفلت نمی باشند و کسانی که مانده اند به دنبال آنهايي که رفته اند روانند و سرانجام به آنها می پیوندند.»

(۱) امام علیه السلام، از زندگانی توده مردم که در طول تاریخ همچنان زندگی می کنند حکیمانه سخن گفته و از شئون و حالات ایشان و از جریان آداب و رسوم آنها خبر داده که همچنان بی کم و کاست و لا یتغیر برقرار است تا وقتی که خداوند، وارث زمین و اهل زمین گردد.

زید بن صوحان عبدی، یکی از اصحاب و شاگردان امام امیر المؤمنین علیه السلام که از بهترین یاران امام و آگاهترین و دانشمندترین آنها بود، رو به آن حضرت کرد و پرسشهایی زیر را مطرح کرد:

«یا امیر المؤمنین أی سلطان أغلب و أقوی؟ ...»

فأجابہ الامام علیه السلام: «الهوی ...»

زید: أی ذل أذل؟

الإمام: الحرص علی الدنیا.

زید: أی فقر أشد؟

الإمام الکفر بعد الإیمان.

زید: أی دعوة أضل؟

الإمام: الداعی بما لا یكون.

زید: أی عمل أفضل؟

الإمام: التقوی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱

زید: أی عمل أنجح؟

الإمام: طلب ما عند الله.

زید: أی صاحب أشر؟

الإمام: المزمین لك معصیة الله.

زید: أی الخلق أشقی؟

الإمام: من باع دینه بدنیا غیره.

زید: أی الخلق أقوى؟

الإمام: الحلیم.

زید: أی الخلق أشح؟

الإمام: من أخذ من غیر حله، فجعله فی غیر حقه.

زید: أی الناس أكیس؟

الإمام: من أبصر رشده من غیه.

زید: من أحلم الناس؟

الإمام: الذی لا یغضب.

زید: أی الناس أثبت رأیا؟

الإمام: من لم یغیره الناس من نفسه، و لم یغیره الدنیا بشقوتها.

زید: أی الناس أحمق؟

الإمام: المغتر بالدنیا، و هو یری ما فیها من تقلب أحوالها.

زید: أی الناس أشد حسرة؟

الإمام: الذی حرم الدنیا و الآخرة، ذلک هو الخسران المبین.

زید: أی الخلق أعمی؟

الإمام: الذی عمل لغير الله تعالى، و یطلب بعمله الثواب من عند الله.

زید: أی القنوع أفضل؟

الإمام: القانع بما أعطاه.

زید: أی المصائب أشد؟

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲

الإمام: المصیبة بالذین.

زید: أی الأعمال أحب إلی الله؟

الإمام: انتظار الفرج.

زید: آیا الناس خیر عند الله؟

الإمام: أخوفهم له، و اعملهم بالتقوى، و أزهدهم فى الدنيا.

زید: آیا الكلام أفضل عند الله؟

الإمام: كثرة ذكره، و التضرع، و دعاؤه.

زید: آیا القول أصدق؟

الإمام: شهادة أن لا إله إلا الله.

زید: آیا الأعمال أعظم عند الله؟

الإمام: التسليم و الورع.

زید: آیا الناس أكرم؟

الإمام: من صدق فى المواطن.

«یا امیر المؤمنین! کدام نیروی مقتدر از همه غالبتر و قویتر است؟» امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «هوای نفس.»

- کدام خواری از هر ذلتی خوارتر است؟

- حرص بر این دنیا.

- کدام فقر و تنگدستی از همه سخت‌تر است؟

- کفر پس از ایمان.

- کدام دعوت گمراه‌کننده‌تر است؟

- دعوت به چیزی که وجود ندارد.

- کدام عمل از همه بالاتر است؟

- تقوا.

- کدام عمل نجات‌بخش‌تر است؟

- جستن آنچه نزد خداست.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳

(۱) - کدام رفیق از همه بدتر است؟

- آن رفیقی که معصیت خدا را برای تو جلوه دهد.

- کدام شخص از همه کس بدبخت‌تر است؟

- آن کسی که دینش را به خاطر دنیای دیگران بفروشد.

- کدامین کس از همه نیرومندتر است؟

- آن کسی که بردبار و حلیم است.

- چه کسی از همه آزمنده‌تر است؟

- کسی که مالی از راه غیر حلال به دست آورد و نابجا مصرف کند.

- چه کسی از همه زیرکتر است؟

- کسی که راه هدایت را از راه ضلالت و گمراهی بشناسد.

- چه کسی از همه مردم بردبارتر است؟

- آن کسی که خشمگین نگردد.
  - چه کسی در عقیده خود استوارتر است؟
  - آن که مردم باعث نشوند تا او غیر از آنچه هست باشد و دنیا مودیانه او را دگرگون نسازد.
  - چه کسی از همه مردم نادانتر است؟
  - کسی که فریفته دنیا شود با این که خود شاهد دگرگونیهای دنیاست.
  - چه کسی بیش از همه حسرت می‌خورد؟
  - آن که از دنیا و آخرت محروم باشد، این همان خسران مبین است.
  - چه کسی نایبناست؟
  - آن که برای غیر خدا کار کند و مزد عملش را از خدا بطلبد.
  - بالاترین شخص قناعت پیشه کیست؟
  - آن که به نصیب الهی قانع باشد.
  - کدام مصیبت از همه مصائب سخت‌تر است؟
  - مصیبت دین.
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴
- (۱) - کدامین عمل نزد خدا محبوبتر است؟
- انتظار فرج.
  - چه کسی در نزد خدا بهتر از همه است؟
  - آن که پیش از همه از خدا بترسد و از همه کس باتقواتر و در دنیا پارساتر از همه باشد.
  - کدام سخن در نزد خدا بالاترین سخن است؟
  - کثرت ذکر و تضرع و دعا در پیشگاه او.
  - راست‌ترین سخن کدام است؟
  - شهادت بر این که جز خدای یکتا خدایی نیست.
  - کدامین عمل در نزد خدا از همه اعمال بالاتر است؟
  - تسلیم و ورع.
  - چه کسی از همه، بزرگوارتر است؟
  - کسی که در همه حال راست بگوید.
- (۲) در اینجا پرسشهای زید از امام علیه السلام پایان می‌پذیرد، در حالی که امام همچون دانشمندی آگاه و محیط به واقعیت امور، بدانها پاسخ داده و سپس رو به آن پیرمرد کرد و فرمود:
- «إن الله عز وجل خلق خلقاً، و ضيق الدنيا عليهم نظراً لهم، فزهدم فيها، و في حطامها، فرغبوا في دار السلام الذي دعاهم إليه، و صبروا على ضيق المعيشة، و صبروا على المكروه، و اشتاقوا إلى ما عند الله من الكرامة و بذلوا أنفسهم ابتغاء رضوان الله، و كانت خاتمة أعمالهم الشهادة و لقوا الله و هو عنهم راض، و علموا أن الموت سبيل لمن مضى و بقي، فتزودوا لآخرتهم غير الذهب و الفضة، و لبسوا الخشن، و صبروا على أدنى القوت، و قدموا الفضل، و أحبوا في الله، و ابغضوا في الله عز وجل، أولئك المصايح، و أهل النعيم في الآخرة...»



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵

«همانا خدای عز و جل گروهی را آفریده است و به خاطر عنایت بر ایشان دنیا را بر آنها تنگ گرفته و ایشان را درباره دنیا و متاع ناچیز آن پارسا و بی‌رغبت قرار داده است، در نتیجه آنان به بهشت رضوانی گرایش دارند که خداوند آنان را بدان جا دعوت کرده است و بر تنگی معیشت صبر دارند و در برابر سختیها ایستادگی کنند و به کرامتهایی که در نزد خداست علاقه نشان دهند و به خاطر کسب رضای خدا جانشان را نثار کنند و پایان کارشان شهادت در راه خدا باشد و خدا را در حالی ملاقات نمایند که از ایشان راضی است و می‌دانند که مرگ تنها راه برای رفتگان و ماندگان است، از این رو برای آخرتشان زاد و توشه‌ای جز طلا و نقره برگیرند و لباس خشن پوشند و بر پست‌ترین خوراکیها بسنده کنند و فضیلت را مقدم دارند و دوستی و دشمنیشان برای خدا عز و جل است، آنان چراغهای هدایت و صاحبان نعمت در آخرتند...»

(۱) این موعظه‌های دلپسند چنان در دل پیرمرد و در اعماق جاننش اثر کرد که رو به امام علیه السلام کرد و گفت:

«این اذهب و أَدع الجنة؟ و أری أهلها معک، جهزنی بقوة أتقوی بها علی عدوک...»

«کجا بروم و بهشت را ترک گویم؟ در حالی که می‌بینم اهل بهشت همراه تو هستند، مرا با نیرویی تجهیز کن تا بدان وسیله در برابر دشمنت نیرومند شوم...»

امام علیه السلام او را با سلاح سهمگین جنگی آراست و او از چهره‌های درخشان مجاهدانی شد که همراه آن حضرت بودند و در میدان نبرد بخوبی از عهده آزمایش برآمد تا آن که در حضور آن بزرگوار به درجه رفیع شهادت نائل آمد، و امام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶

امیر المؤمنین علیه السلام بر پیکر او نماز گزارد و برای او طلب مغفرت کرد. «۱»

(۱) ۷- امام زین العابدین علیه السلام، یکی از خطبه‌های جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام را به شرح ذیل نقل کرده است:

«إن الحمد لله، أحمده، و استعینه، و استهدیه، و أعوذ بالله من الضلالة، من یهد الله فلا مضلّ له، و من یضلل فلا هادی له، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، و أن محمدا عبده و رسوله، انتجبه لأمره، و اختصه بالنبوة، أكرم خلقه، و أحبهم إليه، فبلغ رسالة ربه، و نصح لأمته، و أدى الذی علیه، أو صیکم بتقوی الله، فإن تقوی الله خیر ما توأسی به عباد الله، و أقرب لرضوان الله، و خیره فی عواقب الأمور عند الله، و بتقوی الله أمرتم، و للاحسان و الطاعة خلقتهم، فاحذروا من الله ما حذرکم من نفسه، فإنه حذر بأسا شديدا، و اخشوا الله خشية لیست بتعذیر، و اعملوا فی غیر ریاء و لا- سمعه، فإن من عمل لغير الله، و كله الله إلى ما عمل له، و من عمل لله مخلصا تولى الله أجره... و اشفقوا من عذاب الله فإن لم یخلقکم عبثا، و لم یترک شیئا من أمرکم سدى، قد سمى آثارکم، و علم أعمالکم، و کتب آجالکم، فلا- تغروا بالدنیا فإنها غرارة بأهلها، مغرورون من اغتروا بها، و إلى فناء ما هی، و إن الآخرة هی دار الحیوان لو كانوا یعلمون، أسأل الله منازل الشهداء، و مرافقة الأنبياء، و معیشة السعداء، فإنما نحن له و به...» «۲»

«حمد و سپاس سزاوار خداوند یکتاست، من او را سپاس می‌گویم و از او یاری می‌طلبم و از او درخواست هدایت می‌کنم، و از گمراهی به خدا پناه می‌برم، هر که را خدا هدایت کند کسی نمی‌تواند او را گمراه سازد و هر که را که او گمراه سازد، دیگر کسی را یاری هدایت او نیست و گواهی

(۱) امالی شیخ طوسی: ص ۲۷۷.

(۲) وقعه صفین: ص ۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷

می‌دهم بر این که خدایی جز خدای یکتا نیست، یگانه و بی‌شریک است و محمد (ص) بنده و فرستاده اوست، خداوند او را برای

امر خود برگزیده و به مقام نبوت مخصوص گردانیده است، او گرامی‌ترین خلق خدا و از همه کس در نزد وی محبوبتر است. آن حضرت، رسالت و پیام پروردگارش را رساند و برای امتش دلسوز بود و وظیفه خود را نسبت به او ادا کرد. اینک من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا که تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به یکدیگر سفارش می‌کنند و از همه چیز به رضوان خدا نزدیکتر و در پایان کارها نیز در نزد خدا بهترین چیز است و شما به تقوای الهی مأمورید و برای نیکی و طاعت آفریده شده‌اید، و از عذاب خدا که بدان وسیله شما را ترسانده است بترسید زیرا او شما را از قدرت سختی بیم داده است، از خدا بترسید و ترس شما از روی بهانه نباشد و به قصد ریا و خودنمایی عمل نکنید زیرا کسی که برای غیر خدا عمل کند خداوند مزد او را به کسی که برای او عمل کرده واگذار می‌کند و هر که برای خدا خالصانه عمل کند خداوند خود عهده‌دار اجر او باشد... از عذاب خدا دوری کنید که شما را بیهوده نیافریده و هیچ چیز را سر خود رها نکرده است، بر آثار و اعمال شما آگاه است و مرگ شما را مقرر کرده است پس به دنیا مغرور نباشید که دنیا اهلش را فریب می‌دهد، کسانی که فریفته دنیا و زندگی فانی آنند گول خورده‌اند و همانا آخرت سرای زندگی است در صورتی که بدانند. من از خداوند مرتبه شهیدان و همراهی با پیامبران و زندگی با خوشبختان را مسألت دارم که ما از او بیم و به فضل او زنده‌ایم.»

(۱) در این خطبه شریفه، دعوت به موعظه حسنه و به تقوای الهی شده است که بهترین سفارش بندگان پرهیزگار خدا به یکدیگر می‌باشد، همچنان که دعوت به پاکی و پاکیزگی عمل از ریاست، زیرا کسی که برای غیر خدا عمل کند،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸

عملش را تباه کرده و تلاش و کوشش او بیهوده و آرزویش نقش بر آب است.

(۱) ۸- امام علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَتَدْرُونَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ؟ فَسَكْتُوا، فَقَالَ: يَتَّبِعُهُ الْوَلَدُ يَتْرُكُهُ، فَيَدْعُو لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَتَتَّبِعُهُ الصَّدَقَةُ يَوْفِقُهَا فِي حَيَاتِهِ، فَيَتَّبِعُهُ أَجْرُهَا بَعْدَ مَوْتِهِ، وَتَتَّبِعُهُ السَّنَةُ الصَّالِحَةُ يَعْمَلُ بِهَا بَعْدَهُ فَيَتَّبِعُهُ أَجْرُهَا، وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْوَرَهُمْ شَيْءٌ...»

«ای مردم آیا می‌دانید که انسان پس از مردن، چه کسی را در پی دارد؟»

همگی ساکت ماندند، امام علیه السلام فرمود، فرزندی را در پی دارد که پس از خود به جا می‌گذارد و آن فرزند پس از مرگ وی برایش دعا کرده و طلب آمرزش می‌کند. «۱» و صدقه‌ای را که در زمان حیاتش وقف می‌کند بعد از وی می‌ماند و پس از مردنش اجر و پاداش آن را در پی دارد، و سنت شایسته‌ای را در پی دارد که بعد از او به آن سنت عمل می‌کنند و پاداش آن سنت و هر که بدان عمل کند بدون این که از اجر و مزد ایشان چیزی کم شود در نامه عمل او نوشته می‌شود...»

(۲) ۹- امام علیه السلام می‌فرماید:

«صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِي مَوْضِعِهِ حَتَّى صَارَتْ الشَّمْسُ عَلَى قَيْدِ رِمْحٍ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بَوَّجْهَهُ، فَقَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ أَدْرَكْنَا أَقْوَامًا كَانُوا يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سَجْدًا وَ قِيَامًا يَرَاوِحُونَ بَيْنَ جَبَاهِهِمْ وَ رِكْبِهِمْ كَأَنَّ زَفِيرَ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ، كَأَنَّ الْقَوْمَ بَاتُوا غَافِلِينَ، ثُمَّ قَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مَا رَأَى ضَاحِكًا حَتَّى قَبِضَ.» (۲)

(۱) پر واضح است که چنین فرزندی، جز اولاد صالح نمی‌باشد- م.

(۲) مشکاة الأنوار طبرسی: ص ۵۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹

«امیر المؤمنین علیه السلام نماز گزارد، آنگاه همچنان در جای خود نشسته بود تا وقتی که آفتاب به قدر نیزه‌ای بالا آمد، سپس رو به

طرف مردم کرد و فرمود: به خدا سوگند که اقوامی را درک کردیم که شب را در حال سجده و قیام می‌گذراندند، که پیشانیها و زانوهایشان یک در میان قرار گرفته بود، گویی دم آتش دوزخ در گوشتهایشان طنین انداخته است، هرگاه خدا را در نزد ایشان یاد می‌کردند همچون درختی بر خود می‌لرزیدند، گویا ایشان در غفلت بوده‌اند! بعد از این سخنان امام علیه السلام از جا برخاست و تا زنده بود، خنده بلند نکرد.»

این بود برخی از احادیث که امام علیه السلام از قول جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام پیشوای علم و حکمت در روی زمین نقل کرده است.

(۱)

## در فضای قرآن

### اشاره

پیش از آن که نمونه‌هایی از تفسیر امام علیه السلام را بر بعضی از آیات قرآن کریم بیان کنیم، مایلیم که برخی از آثار امام علیه السلام را در فضای این کتاب بزرگ بیان کنیم.

(۲)

### عشق به قرآن

امام زین العابدین علیه السلام همدم قرآن کریم و سخت عاشق تلاوت آن بود و چنان لذتی از آن می‌برد که هیچ لذتی به پای آن نمی‌رسید و می‌فرمود:

«لومات ما بین المشرق و المغرب لما استوحشت بعد أن یکون القرآن معی.» «۱»

(۱) بحار الانوار: ۱۰۷/۴۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰

«اگر آنچه بین مشرق و مغرب است از میان برود، پس از آن که قرآن با من باشد بیمی به خود راه نخواهم داد.»

(۱)

### قرآن خواندن امام

امام علیه السلام در تلاوت قرآن کریم یکی از خوش‌آوازترین افراد بود و ممکن نبود که کسی صدای قرآن خواندن امام را بشنود و تحت تأثیر قرار نگیرد.

مورخان می‌گویند: سقّاهایی که از در خانه امام علیه السلام می‌گذشتند، می‌ایستادند تا صدای امام را بشنوند. «۱»

(۲)

### تدبّر در قرآن

امام سجاد علیه السلام قرآن مجید را به صورت گذرا تلاوت نمی فرمود، بلکه همواره با تدبیر و دقت نظر قرائت می کرد و در محتوای آن که گنجینه‌هایی از حکمت و معرفت است دقت می فرمود و می گفت:

«آیات القرآن خزائن کَلِّمًا فتحت خزائنه ینبغی لک أن تنظر ما فیها.» (۲)

«آیات قرآن گنجینه‌هایی است؛ هر وقت در گنجینه‌ای گشوده شد، شایسته است که بدقت در آن بنگری.»

و راویان نقل می کنند، وقتی که آن حضرت عبارت «مالک یوم الدین» را قرائت می کرد، آن قدر تکرار می فرمود که نزدیک می شد روح از بدنش مفارقت کند. (۳)

و علت این امر هم آن بود که در محتوای این آیه کریمه تدبیر و دقت زیادی می کرد.

(۱) شرح شافیه ابو فراس: ۲/ ۱۹۸ فتوگرافی موجود در کتابخانه حکیم، اصول کافی، ۲/ ۶۱۶.

(۲) وافی.

(۳) اصول کافی: ۲/ ۶۰۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱

(۱)

### دعای امام به هنگام ختم قرآن

امام علیه السلام وقتی که قرآن کریم را ختم می فرمود، با خشنودی و مسرت این دعای شریف را می خواند:

«اللّٰهُمَّ اَنْتَ اعْتَنَى عَلٰى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِى اَنْزَلْتَهُ نُوْرًا وَّ جَعَلْتَهُ مَهِيْمًا عَلٰى كُلِّ كِتَابٍ اَنْزَلْتَهُ وَّ فَضَّلْتَهُ عَلٰى كُلِّ حَدِيْثٍ قَصَصْتَهُ وَّ فَرَقَانَا فَرَقْتَ بَيْنَ حَالِكَ وَّ حَرَامِكَ وَّ قَرَأْنَا اَعْرَبْتَ بِنُوْرِ شَرَائِعِ اِحْكَامِكَ وَّ كِتَابَا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيْلًا وَّ وَحْيًا اَنْزَلْتَهُ عَلٰى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَّ آلِهِ تَنْزِيْلًا وَّ جَعَلْتَهُ نُوْرًا نَهْتَدِيْ مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَّ الْجَهَالَةِ بِاَتْبَاعِهِ وَّ شَفَاءٌ لِمَنْ اَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيْقِ اِلَى اسْتِمَاعِهِ وَّ مِيزَانٍ قَسَطٌ لَا يَحِيْفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ وَّ نُوْرٌ هَدٰى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِيْنَ بِرَهَانِهِ وَّ عِلْمٌ نَجَاةٌ لَا يَضِلُّ مِنْ اَمٍّ قَصَدَ سَبْتَهُ وَّ لَا تَنَالُ اَيْدِي الْهَلٰكَاتِ مِنْ تَعَلَّقٍ بِعُرُوْةِ عَصْمَتِهِ.

اللّٰهُمَّ فاذا افدتنا المعونة على تلاوته و سهلت جواسى ألسنتنا بحسن عبارته فاجعلنا ممن يراعه حق رعايته و يدين لك باعتقاد التسليم لمحكّم آياته و يفرع الى الإقرار بمتشابهه و موضحات بيناته اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْزَلْتَهُ عَلٰى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَّ آلِهِ مَجْمَلًا وَّ الهمته علم عجائبه مكملًا و ورثتنا علمه مفسرًا و فضّلتنا على من جهل علمه و قوّيتنا عليه لترفعنا فوق من لم يطق حمله.

اللّٰهُمَّ فكما جعلت قلوبنا له حملةً و عرفتنا برحمتك شرفه و فضله فصلّ على محمد الخطيب به و على آله و اجعلنا ممن يعترف بأنه من عندك حتّى لا يعارضنا الشكّ فى تصديقه و لا يختلجنا الزّيف عن قصد طريقه.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲

«ای خدای مهربان تو مرا در ختم کتاب خود یاری کردی، کتابی را که به عنوان نور هدایت نازل کردی و آن را گواه درستی کتابهای آسمانی پیشین قرار دادی، و آن را بر همه سخنانی که برای پیامبران دیگر گفتی برتری دادی و وسیله تمیز میان حق و باطل و حلال و حرام قرار دادی و بدان وسیله پرده از روی شرایع و احکام خود برداشتی و در این کتاب هر چه که برای بندگانت لازم بود، به تفصیل بیان کردی و آن را از طریق وحی بر پیامبرت محمد- درود و رحمت تو بر او و خاندان او باد- نازل فرمودی و برای ما نور هدایت قرار دادی تا در اثر پیروی از آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی نجات یابیم. و آن را برای کسانی که جهت درک و تصدیق حقایق آن به جان و دل گوش می دهند شفافبخش ساختی و این کتاب عزیز مقیاس راستین عدالت است که شاهین آن

هیچ‌گاه از حق منحرف نمی‌شود و به کسی اجازه ظلم و ستم نمی‌دهد و نور هدایتی است که برای اهل ایمان و یقین، حجت و برهان آن هرگز خاموش نمی‌شود و پرچم نجاتی است که هر کس با اراده خالص قدم در راه سنت‌های آن نهد، گمراه نمی‌شود و هر کس به ریسمان عصمت آن چنگ زند دست گمراهی و هلاکت به او نمی‌رسد.

(۱) خداوند اکنون که به یاری خود ما را به خواندن آن موفق ساختی و به لطف خویش تلاوت عبارات آن را بر زبان ما سهل و آسان گردانیدی پس به فضل و کرم خود ما را جزو کسانی قرار ده که احکام آن را کاملاً رعایت می‌کنند و عهد و پیمانی را که دارند پاس می‌دارند و تسلیم آیات محکمت آن هستند و با تواضع به آیات مشابه آن ایمان دارند. خداوند تو این قرآن را بر پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - نازل فرمودی و بطور کامل علم و آگاهی به عجایب آن را به وی الهام کردی و ما اهل بیت را وارثان علم تفصیلی و تفسیر آن قرار دادی و ما را با دادن این نعمت به کسانی برتری دادی که علم کامل آیات قرآن را ندارند و ما را از نیرو و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳

توانی برخوردار کردی و علم تفصیلی به آن را دادی تا نسبت به کسانی که حامل آن نیستند برتری داده باشی.

خدایا همان‌گونه که دل‌های ما را به حمل علوم واقعی قرآن توانایی دادی و شرف و فضیلت قرآن را شناساندی، پس بر محمد که مخاطب این قرآن بود و بر آل پاکش که خزانه‌داران علوم این قرآنند درود و رحمت فرست و ما را از کسانی قرار ده که از دل و جان و با ایمان حقیقی اعتراف دارند بر این که این کتاب از جانب تو نازل شده است و ما را در این ایمان چنان کن که هیچ‌گونه شک و تردیدی نسبت به آن در دل ما پدید نیاید و خلجان و خطور لغزشی بر قلب ما وارد نشود.»

(۱) اما قرآن کریم که از بزرگترین معجزه اسلام است، امام سجاد فرزند پیامبر (ص) در این بخش از دعایش به قسمتی از آثار و انوار آن اشاره کرده و به شرح زیر آنها را بیان فرموده است:

۱- خداوند متعال، قرآن مجید را به عنوان نوری فرستاده تا گمراهان را بدان وسیله هدایت کند و سرگردانان را ارشاد نماید و مقصد و هدف انسانها را روشن سازد.

۲- خدای تعالی قرآن کریم را گواه صادق و محیط بر تمام کتابهای آسمانی خود قرار داده که قبلاً بر پیامبران خود نازل فرموده است و از آن چه در آن کتابها تغییر و تبدیل رخ داده و از جانب منحرفان و مبلغان ضلالت و گمراهی تحریف گشته، پرده بردارد.

۳- خدای متعال این کتاب عزیز خود را بر هر سخنی که برای داستانهای انبیا و امور مربوط به پیامبران فرموده است، برتری داده است، زیرا که این کتاب مجید به صورت موضوعی و فراگیر مشتمل بر تمام احوال و امور مربوط به انبیا و عبرت گرفتن از اقوام و آثار ایشان است.

۴- براستی قرآن کریم یک راه و روش و دستور کلی برای زندگی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴

است، زیرا که میان حلال و حرام تمیز قائل شده و آنها را از هم جدا کرده و پرده از احکام شریعتها برداشته و تمام نیازمندیهای بشر را به تفصیل روشن کرده است بطوری که جای هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی را باقی نگذاشته است.

(۱) ۵- خدای متعال قرآن مجید را نور هدایت قرار داده تا بدان وسیله از تاریکیهای گمراهی و کوری جهالت رها ساخته و هدایت کند، همچنان که آن را شفا بخش بیماریها و امراض نفسانی قرار داده است، البته همه اینها برای کسانی است که به آن ایمان آورند و آن را تصدیق کنند.

۶- براستی که قرآن مجید ترازو و مقیاس قسط و عدالت است و در آن کمترین انحرافی از حق و حقیقت وجود ندارد و هرگز پیروی از هوا و هوس در آن نیست و هر که بدان تمسک جوید به راه راست و استواری رفته است که هیچ کجی در آن نیست و از

گمراهی و هلاکت نجات یافته است.

۷- امام علیه السلام از خداوند درخواست کرده تا عنایت کند و توفیق رعایت کتاب خویش و تسلیم به آیات محکمت و اقرار به تشابهات را به وی مرحمت نماید.

۸- خدای متعال به پیامبر عظیم الشان خود تفضل کرده و عجایب قرآن مجید را به او الهام فرموده و تفسیر آن را به وی آموخته است، چنان که به ائمه هدی، از اولاد پیامبرش که مقام آنان را بالا برده و به بالاترین درجات رسانده است، لطف کرده و ایشان را گنجینه‌داران علم قرآن و راهنمایان کتاب خود قرار داده است.

(۲) پس از این بخش، به قسمت دیگری از دعای شریف ختم قرآن از امام سجاد علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حُرْزِ مَعْقَلِهِ وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ وَيَقْتَدِي بِتَبْلُجِ اسْفَارِهِ وَيَسْتَصِيحُ بِمُصْبَاحِهِ وَلَا يَلْتَمِسُ الْهَدْيَ فِي غَيْرِهِ اللَّهُمَّ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵

و كما نصبت به محمدا علما للدلالة عليك و انهجت بآله سبل الرضا اليك فصل على محمد و آله و اجعل القرآن وسيلة لنا الى اشرف منازل الكرامة و سلما نخرج فيه الى محل السيادة و سببا نجزي به النجاة في عرصة القيامة و ذريعة نقدم بها على نعيم دار المقامة اللهم صل على محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الأوزار و هب لنا حسن شمائل الأبرار واقف بنا آثار الذين قاموا لك به آناء الليل و اطراف النهار حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره و تقفو بنا آثار الذين استضاءوا بنوره و لم يلهمهم الأمل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على محمد و آله و اجعل القرآن لنا في ظلم الليالي مونساً و من نزغات الشيطان و خطرات الوسوس حارساً و لأقدامنا عن نقلها الى المعاصي حابساً و لالسنتنا عن الخوض في الباطل من غير ما آفة مخرساً و لجوارحنا عن اقتراف الآثام زاجراً و لما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشراً حتى توصل الى قلوبنا فهم عجائبه و زواجر امثاله التي ضعفت الجبال الزواسي على صلابتها عن احتمالها اللهم صل على محمد و آله و آدم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوسوس عن صحه ضمائرنا و اغسل به درن قلوبنا و علائق اوزارنا و اجمع به منتشر امورنا و أرو به في موقف العرض عليك ظما هو اجرنا و اكسنا به حلل الأمان يوم الفزع الأكبر في نشورنا.»

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ زدند و در درک معانی تشابهات به پناهگاه مستحکم محکمتاش پناه بردند، و در زیر بال قرآن مجید به آرامش قلبی رسیده و به وسیله نور صبحگاهی آن هدایت شدند و آنان که به پرتو تابناک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶

قرآن اقتدا می‌کنند و از غیر قرآن هدایت و رستگاری نمی‌جویند خدایا، همان گونه که محمد- صلی الله علیه و آله- را به خاطر این قرآن مبعوث کردی تا پیشوا و رهبر و راهنمای مردم به سوی تو باشد و به خاندان او نیز راههای رضا و تسلیم به امر خود را نشان دادی، پس بر محمد و آلش درود بفرست و این قرآن را برای ما (مسلمانان) وسیله رفعت مقام و رسیدن به کرم خویش قرار ده و نردبان عروج برای رسیدن به مراتب عالی و موجب رستگاری ما در روز قیامت بگردان. و آن را برای ما دستاویزی بساز تا بدان وسیله بتوانیم قدم به خانه ابدی (بهشت) (۱) بگذاریم. خداوندا بر محمد و آل پاکش درود فرست و با رحمت خود در اثر ایمان و عمل به احکام قرآن بار سنگین گناهان را از دوش ما بردار، و به ما حسن سیرت خوبان را عطا کن و ما را پیرو آن کسانی قرار ده که در ساعات شبهای تار و در روشنایی روز برای جلب رضای تو به تلاوت قرآن و بپا داشتن احکام تو قیام کنند، تا ما را از هر ناپاکی پاک گردانی. و ما را دنباله‌رو کسانی قرار ده که دلشان از نور حکمت و دانش قرآن روشن شد و آرزوهای دنیا آنان را از عمل به قرآن بازداشت و در اثر فریب دنیا و شیطان دست از اطاعت اوامر قرآن برنداشتند. (۲) خداوندا بر محمد و آلش درود و

رحمت بفرست و قرآن را مونس شبهای تار ما قرار ده و بدان وسیله ما را از خطرات وسوسه‌های شیطانی نجات بخش و آن را وسیله‌ای گردان تا نگذارد قدمهای ما به سوی گناه و عصیان پیش برود و زبان ما را از گفتن سخنان بیهوده و باطل بازدارد و مگذار اعضا و جوارح ما به گناهان نزدیک شود و مگذار مطالب و مسائلی در اثر غفلت و جهل از نظر ما پنهان بماند تا در نتیجه دل‌های ما آماده فهم عجایب قرآن گردد و با مثل‌های قرآن که به صورت موعظه و اندرز بیان فرموده باعث بیداردلی و روشنایی عقل ما گردد، آن مثل‌هایی که کوه‌های سخت با همه سختی از تحمیل آنها عاجزند. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و به وسیله قرآن آراستگی ظاهر ما را همیشگی کن و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷

قرآن را همواره میان ما و وسوسه‌ها حجاب گردان تا دل‌هایمان همیشه پاک بماند، و بدان وسیله آلودگی‌های قلب ما را شستشو بده و از هر گونه دلبستگی‌هایی که بار گناه ما را سنگین کند پاک گردان و امور ما را سر و سامان ده و در هنگام عرضه شدن اعمال نیک و بد تشنگی و عطش ما را که در اثر هول قیامت به وجود می‌آید فرو نشان و به وسیله ایمان به قرآن، لباس امن و امان در روز ترس و بیم فراوان محشر بر ما بپوشان ...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از سخنان دل‌پسند خود به درگاه خدای متعال می‌نالد و از او درخواست می‌کند تا او را از جمله کسانی قرار دهد که به ریسمان محکم قرآن کریم چنگ زده و در متشابهات قرآن به او پناه برده‌اند تا آن چه را که هدف قرآن است بروی روشن گرداند و از پرتو آن روشنی یابد و از غیر قرآن انتظار هدایت و رستگاری نجوید، همچنان که از خدای متعال درخواست کرده است تا آن که قرآن مجید را وسیله‌ای قرار دهد تا بدان وسیله به بالاترین درجات بندگان مقرب برسد و نردبانی برای عروج روح او گرداند تا به مرتبه عالی سلامت و عافیت برسد و موجب رستگاری وی در روز قیامت باشد، و بدان وسیله بار سنگین گناهان را از دوش او بردارد. و تلاوت قرآن و ژرف‌نگری در آیات قرآنی را همدم شبهای تاریک او قرار دهد و بدان وسیله از وسوسه‌های شیطان رجیم نگهدارد. این بود برخی از معانی و محتویات فرازهای یاد شده. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

«اللهم صلّ علی محمد و آله و اجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الاملاق و سق الینا به رغد العیش و خصب سعة الأرزاق و جنبنا به الضرائب المذمومة و مدانی الأخلاق و اعصمنا به من هوة الكفر و دواعی التّفاق حتّی یكون لنا فی القیامة الی رضوانك و جنانك قائدا و لنا فی الدّنیة عن سخطك و تعدّی حدودك ذائدا و لما عندك بتحلیل حلاله و تحریم حرامه شاهدا.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸

اللهم صلّ علی محمد و آله و هوّن بالقرآن عند الموت علی انفسنا كرب السّیاق و جهد الأنین و ترادف الحشارج إذا بلغت النفوس التّراقی و قیل من راق و تجلّی ملک الموت لقبضها من حجب الغیوب و رماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق و داف لها من زعاف الموت كأسا مسمومة المذاق و دنا منّا الی الآخرة رحیل و انطلاق و صارت الأعمال قلائد فی الأعناق و كانت القبور هی الماوی الی میقات یوم التّلاق.

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست، نیازمندی‌های ما را برآورده ساز تا فقر و مسکنت زیاد به ما روآور نشود و زندگانی مرفّه و روزی وسیع را بر ما ارزانی فرما و از اخلاق بد و خست و لثامت دور گردان و از سقوط در گودال تاریک کفر و نفاق محفوظ بدار، تا آن که در روز قیامت، قرآن مجید ما را به سوی بهشت رضوان تو، سوق دهد و در این دنیا نیز از خشم و غضب تو و از تجاوز به حدود و احکام تو بازدارد و ما را شاهد و ناظر آن نعمتهای بی‌پایان خود گردان که برای بندگان مؤمنت ذخیره شده و شایسته است که به خاطر اطاعت از تو تشخیص حلال و حرامت به آنها برسد.

(۲) خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و به برکت این قرآن در دم مردن سختی‌های جان‌کنند و رنج‌های طاقت‌فرسای سفر

آخرت را بر ما آسان گردان و در آن زمان که نفسها به شماره می‌افتد و جان بر لب می‌رسد و ملک الموت برای قبض روح ما از پشت حجابهای غیبی در پیش ما ظاهر می‌شود و تیر سهمگین جدایی و فراق را از کمان مرگ به سمت سینه ما هدف می‌گیرد و کاسه پر از شربت زهر آگین مرگ را به روح ما می‌چشاند و بدین وسیله ما را به طرف عالم آخرت حرکت می‌دهد و روح ما از قید تن خلاص می‌شود در حالی که اعمال گذشته ما را مانند گردنبندی به گردن ما آویخته‌اند، تا زمانی که برای حشر و نشر روز رستاخیز عزیمت

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹

کنیم و در قبرها مدفون شویم ...»

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى وَطُولِ الْمَقَامَةِ بَيْنِ اطْبَاقِ الثَّرَى وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا وَافْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدْنَا وَلا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ دَلَّ مَقَامِنَا وَثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جَسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ اقْدَامُنَا وَنَجَّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشَدَائِدِ اِهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ وَبَيَضَ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدَّ وَجُوهَ الظُّلْمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالتَّدَامَةِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَاً وَلا تَجْعَلِ الْحَيَاءَ عَلَيْنَا نَكْدًا.»

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و ورود ما را به خانه قبر و توقف طولانی ما را در میان آن طبقات خاک مبارک گردان و قبرهای ما را که دری به عالم برزخ و بهشت و دوزخ آن جهان است برای ما بهترین منزلگاه قرار ده و تنگی لحد ما را به لطف و رحمت خود وسیع گردان و در روز قیامت ما را به واسطه عقوبت و حساب گناهان زشت مان رسوا مگردان و به برکت قرآن در موقف عرصات که باید به همه اعمال اهل محشر رسیدگی شود به حال ذلت و خواری ما ترخم کن و هنگام عبور از پل صراط که همه حاضران در آن هنگام نگران و مضطربند قدمهای مرا به برکت قرآن ثابت و استوار نگهدار تا بتوانیم براحتی از آن بگذریم و با تمسک به قرآن ما را از همه غمها و رنجهای روز قیامت و از شاداید و سختیهای آن روز بزرگ نجات ده و آن روزی که روی ستمگران سیاه است یعنی روز حسرت و پشیمانی ما را روسفید گردان و دلهای پاک مؤمنان حاضر در محشر را به سوی ما بگردان و در آن روز زندگی ما را وسیله رنج و مشقت ما قرار مده.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَصَدِّعْ بَامْرِكَ وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلَسًا وَامْكِنْهُمْ مِنْكَ شِفَاعَةً وَاجْلِّهِمْ عِنْدَكَ قَدْرًا وَاوْجِهْهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَرِّفْ بِنْيَانَهُ وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ وَتَقَبَّلْ شِفَاعَتَهُ وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَتِّمْ نُورَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَاحِينَا عَلَى سَنَّتِهِ وَتَوَقَّنَا عَلَى مَلَّتِهِ وَخُذْ بِنَا مَنَاهِجَهُ وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَاحْشِرْنَا فِي زَمْرَتِهِ وَاورِدْنَا حَوْضَهُ وَاسْقِنَا بِكَاسِهِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَبْلُغُهُ بِهَا اَفْضَلَ مَا يَأْمَلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ اِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ. اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ وَادِّىْ مِنْ آيَاتِكَ وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ اَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ احِدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَانْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ» «۱».

(۱) «خداوندا بر بنده و رسول گرامیت محمد (ص) درود فرست همچنان که او پیام رسالت تو را به مردم ابلاغ کرد و فرمانت را با صدای بلند به همگان رساند و بندگانت را نصیحت کرد. بار خدایا پیامبران را که درود و رحمت تو بر او و خاندان او باد، در روز قیامت از تمام پیامبران به خود نزدیکتر و مقربتر گردان و قدرت شفاعت بیشتر از همه مرحمت فرما و قدر و منزلت او را در نزد خودت بیشتر کن و جاه و مقامش را از همه پیامبران بالاتر ببر. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و اساس و بنیاد دین



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱

مقدس او را استوار و برهان او را در پیشگاهت افزون گردان و میزان اعمال او را سنگین تر بفرما و شفاعت او را درباره امتش بپذیر و وسیله تقرب او را به خودت فراهم گردان و او را روسفید کن، نور نبوت او را درخشانتر ساز و درجه او را از همه بالاتر ببر و ما را بر سنت او زنده نگهدار و همیشه در راه راست او ثابت بدار و ما را در راهی که او از جانب تو تعیین کرده موفق بدار و ما در زمره اهل طاعت او قرار ده و در روز قیامت هم ما را به طریق دین اسلام محشور فرما و به حوض کوثر او وارد ساز. پروردگارا بر محمد و آلش درود و تحیتی فرست که بدان وسیله به بیش از آن مقدار از فضل و کرمت که امید داشت، نایل گردد، زیرا که تو تنها صاحب رحمت فراگیر و فضل و کرم فراوان می‌باشی.

(۱) خداوندا به این پیامبر گرامیت در مقابل تبلیغ رسالتها و ادای حق آیات و احکامات، و به خاطر آن که به بندگانت موعظه و نصیحت کرد و در راه دین تو مجاهدت نمود، بهتر از هر فرشته مقرب و پیامبران برگزیده مرسلت پاداش عطا فرما و درود و رحمت و برکات خدا بر او و آل پاک و پاکیزه‌اش باد.

(۲) به این ترتیب این دعای شریف پایان می‌پذیرد، دعایی که از دلنشین‌ترین دعاهاى ائمه اهل بیت علیهم السلام است. امام علیه السلام در این فرازاها از روی تعظیم و بزرگداشت فراوان خود نسبت به قرآن کریم پرده برداشته است و آن را به بهترین اوصاف و بالاترین ستایشها ستوده است، زیرا که کسی بجز ائمه اهل بیت علیهم السلام که گنجینه دانش پیامبر و راویان حکمت آن بزرگوارند مقام این کتاب بزرگ را نمی‌داند و از حقیقت و تفسیر آن آگاه نیست. براستی که امام علیه السلام از خدای تعالی در این فرازاها درخواست کرده است تا این که به وی خیر دنیا و آخرت را مرحمت کند و او را به هنگام انتقال به پیشگاه خود مشمول مغفرت و رضوان خود گرداند و در جوار رحمت خود جای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲

دهد، همان گونه که این فقرات دعا، مشتمل بر تعظیم و بزرگداشت پیامبر اکرم است که باعث نشر اندیشه و دانش در روی زمین می‌باشد، همچنین درخواست اجر و مزد فراوان برای آن بزرگوار- در برابر تلاش و کوشش وی در راه آزادی انسانها و نجات آنان از چنگال کفر و الحاد- نموده است.

(۱)

### نمونه‌هایی از تفسیر قرآن

امام زین العابدین علیه السلام از برجسته‌ترین مفسران قرآن کریم بوده است و دانشمندان تفسیر، بطور فراوان از موارد مختلف به تفسیر دلپذیر آن حضرت استشهاد کرده‌اند و مورخان می‌گویند؛ امام علیه السلام مدرسه‌ای برای تفسیر قرآن داشته و پسرش زید شهید، تفسیر قرآن را از آن حضرت آموخت، «۱» همچنان که فرزندش امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام تفسیری را که زیاد بن منذر «۲»، رهبر مذهبی فرقه جارودیّه از آن حضرت نقل می‌کند، از محضر او فرا گرفت. «۳» به هر حال ما نمونه‌های مختصری از تفسیر آن حضرت بر قرآن مجید را به شرح زیر تقدیم می‌داریم:

(۲) ۱- امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش در تفسیر آیه کریمه:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» «۴» نقل کرده است که فرمود:

(۱) طبق گزارش یکی از مجلات عراق، یک نسخه از این تفسیر در بخش کتابهای خطی کتابخانه کونکرس آمریکا موجود است.

(۲) حیاة امام الباقر: ۱ / ۱۱ به نقل از فهرست شیخ طوسی: ص ۹۸.

(۳) زیاد بن منذر عبدی ملقب به ابو الجارود یا ابو النجم، از علمای زیدیه بود، امام صادق (ع) او را لعنت کرد و فرمود: «أَنَّ أَعْمَى الْقَلْبِ وَ أَعْمَى الْبَصْرِ». کشی می‌نویسد: امام صادق (ع) زیاد بن منذر اعمی ابو الجارود را ملقب به سرحوب کرد و او را از دروغگویان دانست. جارودیه، پس از امامت زید بن علی بن حسین، به امامت محمد بن عبد الله بن حسن بن حسن قائل شدند و بعضی او را امام غایب دانستند، بعضی قاسم علوی و برخی یحیی بن عمر را امام می‌شمردند. م

(۴) بقره/ ۲۱: آن که برای شما زمین را گسترده ساخت.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳

«خدای سبحان زمین را مطابق با طبیعت شما و موافق با اجساد شما قرار داد و آن را نه چنان گرم و سوزان قرار داد تا شما را بسوزاند و نه چندان سرد تا شما را منجمد کند و نه بسیار خوشبو تا سرتان را به درد آورد و نه زیاد بدبو تا باعث نابودی شما شود، و نه زیاد نرم چون آب، تا شما را در خود غرق کند و نه خیلی سخت تا برای شما استفاده از آن در ساختن خانه و بناها و آرامگاههای مردگان مشکل باشد، (۱) بلکه خداوند عزّ و جل زمین را به مقداری که استفاده ببرید مرتفع و استوار ساخت و آن قدر که بهم مربوط شوید و بدنهای و منازل شما بر زمین قرار گیرد و قسمتهایی از زمین را برای خانه‌های شما و قبرهای شما و بسیاری از منافع شما رام گردانید، از این رو زمین را برای شما گسترده ساخت، سپس خدای عز و جل فرمود: «وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» یعنی سقفی در بالای سر شما محفوظ داشت که خورشید و ماه و ستارگانش را برای منافع شما در آن به گردش می‌آورد، آنگاه خدای متعال فرمود: وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً یعنی باران را از بالا نازل می‌کند تا به قله کوهها و بالای تلها و تپه‌ها و بلندیها و پستیها برسد، سپس بارانهای کم و بارانهای شدید و بارانهای مداوم را پراکند تا زمینهای شما آن را جذب کند و یک باره این باران را بر شما نازل نکرد تا زمین، درختان، زراعتها و میوه‌های شما را فاسد کند. آنگاه خداوند عز و جل می‌فرماید: «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» یعنی از آن چه از زمین بیرون می‌آورد، روزی شما را مقدر فرمود، «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا» یعنی از بتهایی که نه می‌فهمند، و نه می‌شنوند و نه می‌بینند و نه توان کاری را دارند، مثل و مانندی برای خدا قرار ندهید، در حالی که شما می‌دانید، آن بتها بر هیچ یک از این نعمتهای ارزنده‌ای که پروردگار شما- تبارک و تعالی- نصیب شما کرده، توانایی ندارند...» (۱)

(۱) عیون اخبار الرضا: ۱/ ۱۳۷-۱۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴

(۱) این بخش زرین از سخنان امام زین العابدین علیه السلام مشتمل بر دل‌پسندترین و مطمئن‌ترین برهانه‌هاست، زیرا که صورت کامل و درخشانی از آفرینش زمین را داده که خداوند آن را به کیفیتی شگفت‌آور آفریده- نه صلب و سخت (چون سنگ)- تا برای انسان زندگی بر روی آن آسان باشد و از خیرات و ثمرات بی‌شمار آن بهره‌گیرد. برآستی که زمین با شگفتیهای موجود در آن از کوهها و دشتهای، معدنها و دریاها و رودها و دیگر چیزها از بزرگترین و استوارترین دلایل وجود آفریدگار بزرگ داناست.

(۲) همچنین امام علیه السلام به آفرینش آسمان و خورشید و ماه و ستارگان که با اشعه تابناک خود این زمین را بهره‌مند می‌سازند، بر عظمت خدای تعالی استدلال کرده است، زیرا که اشعه خورشید اثر فراوانی در ساختار حیات گیاهی دارد، همچنان که تابش ماه در جزر و مد دریاها مؤثر است و همچنین پرتو ستارگان که تأثیر زیادی در پیدایش حیات عمومی تمام موجودات زنده و گیاهان روی زمین دارد... در صورتی که این پدیده‌های هستی تا قرنهای اخیر کشف نشده بود مگر آن که امام علیه السلام در سخنان خود بدانها اشاره کرده است، حَقًّا که او و پدران و فرزندان معصومش، نخستین پیشوایانی هستند که پرچم دانش را برافراشتند و در ساختن تمدن بشری سهمی بسزا دارند.

(۳) امام علیه السلام، تصویری معین و مشخص از بارانها را داده است؛ که به صورت عادی و در اوقات مخصوصی نازل می‌شود تا

زمین را احیا کند و ثمراتش را برآورد، در صورتی که اگر بارندگی دوام می‌یافت و یا یک باره فرود می‌آمد، تمام گیاهان و انسانها و حیوانات را از بین می‌برد.

امام علیه السلام پس از آن که دلایل روشنی بر وجود آفریدگار دانا آورده، مردم را به بندگی و یکتاپرستی او و ترک بتها و خدایان دروغین تشویق کرده است زیرا که پرستش بتها خود، دلیل بر انحطاط فکری و جمود فهم ایشان است زیرا که این خدایان دارای هیچ سود و زیانی نیستند و هیچ گونه توانی در اداره این عالم هستی و دگرگونی آن ندارند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵

(۱) ۲- و از آن حضرت نقل شده است که آیه کریمه: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَزْتِيلاً» (۱) را چنین تفسیر فرمود:

«قرآن را به صورت واضح تلاوت کن؛ نه چنان پراکنده مانند پراکندن گیاه و نه چنان نامفهوم مانند نامفهوم خواندن شعر، بلکه در شگفتیهای آن تأمل کنید تا دلها را بدان وسیله از جا بکنید و نباید هدف فردی از شما این باشد که سوره‌ای را به آخر برسانید...» (۲)

(۲) ۳- در تفسیر این آیه کریمه: «ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (۳) فرمود:

«سلم» همان ولایت امام امیر المؤمنین علیه السلام است. (۴) بدون تردید ولایت امام امیر المؤمنین باب مدینه علم پیامبر - صلی الله علیه و آله - همان سلامتی و امتیث واقعی است که مردم در سایه آن از نعمت امتیث و آسایش و آرامش برخوردار می‌شوند و اگر مسلمانان پس از وفات پیامبر (ص) به ولایت آن حضرت می‌پیوستند، در زندگی سیاسی و اجتماعی خود گرفتار هیچ مشکلی نمی‌شدند.

(۳) ۴- مردی درباره تفسیر آیه کریمه: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْبَ رَبِّي عَلَى مَا فَطَرْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ» (۵) از امام زین العابدین علیه السلام پرسید، امام (ع) در پاسخ وی فرمود:

«جنب الله، علی بن ابی طالب است که حجت خدا بر خلق می‌باشد وقتی که روز قیامت فرا رسد، خداوند به فرشتگان خازن جهنم دستور دهد تا کلیدهای آن را به علی علیه السلام بدهند و آن حضرت هر که را بخواهد

(۱) سوره مزمل / ۴: قرآن را شمرده و مرتب بخوان. از امیر المؤمنین رسیده است که فرمود: ترتیل عبارت است از ادای درست حروف و حفظ وقوف. م

(۲) امام زین العابدین: ص ۲۷۹.

(۳) سوره بقره / ۲۰۸.

(۴) تفسیر برهان: ۱ / ۱۲۹.

(۵) سوره زمر / ۵۸: آن که شخص می‌گوید: ای اندوه و پشیمانی بر آنچه در قرب خدا کوتاهی کردم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶

وارد دوزخ کند و هر که را خواهد نجات دهد، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: یا علی! هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که تو را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است، یا علی! تو برادر منی و من برادر توأم، یا علی! روز قیامت پرچم در دست توست و تو آن را پیشاپیش امتم می‌بری در حالی که مؤذنان از سمت راست و چپ تو حرکت می‌کنند. (۱)

(۱) براستی که خدای متعال، هر مقام والایی که بوده، به امیر المؤمنین علیه السلام، مرحمت کرده؛ از جمله او را تقسیم کننده بهشت و دوزخ قرار داده است، چنان که اخبار فراوانی در این باره رسیده و این مقام والا را به خاطر جهاد عظیم آن حضرت در راه اسلام و تقوا و پارسایی فوق‌العاده او در راه دین بخشیده است.

(۲) ۵- ثویر بن فاخته، از امام زین العابدین علیه السلام درباره تفسیر این آیه کریمه: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ» (۲) پرسید، امام علیه السلام پاسخی طولانی در مورد گرفتاریهای روز قیامت داد که ما برخی از آنها را نقل می‌کنیم: فرمود:

«وقتی که روز قیامت فرا رسد خداوند مردم را از قبرهایشان، بی‌لباس و بدون مویی در صورت و به صورت مادرزاد همچون نوجوانان در یک زمین مرتفعی بر می‌انگیزاند در حالی که روشنایی از پشت سر ایشان است، تاریکی ایشان را یک جا جمع می‌کند تا این که در آستانه محشر می‌ایستند و برای ورود به محشر ازدحام می‌کنند و از رفتن بازداشته می‌شوند به حدی که نفس کشیدن آنها بسختی انجام می‌گیرد و عرق بر سر و صورت ایشان می‌نشیند و کارشان دشوار می‌شود و سخت بی‌تاب و نالاند می‌گردند و فریادشان بلند می‌شود، و این نخستین هول و هراس از احوال رستاخیز

(۱) تفسیر فرات: ص ۳.

(۲) سوره زمر / ۶۹: زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کتاب نهاده شود و پیامبران و شهیدان آورده شوند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷

است و در این هنگام است که خداوند تبارک و تعالی با جلال و عزت تمام از فوق عرش همه را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ای گروه خلائق خاموش باشید و به ندای منادی حق گوش فرا دهید، آنگاه آخرین فرد آنان سخن حق را بشنوند چنان که اولین نفر آنان می‌شنود پس دل‌هایشان بتپد و اعضا و جوارحشان به لرزه درآید و سرها را به سمت آن صدا بر می‌گردانند در حالی که سرافکنده‌اند و نسبت به صاحب صدا احساس ذلت و خواری می‌نمایند و کافران می‌گویند: امروز روز دشواری است! سپس از مصدر جلال ندا می‌رسد: منم خدای یکتایی که جز من خدایی نیست منم آن داوری که ستم نمی‌کند؛ امروز به عدل و داد در بین شما داوری می‌کنم، امروز به کسی در پیشگاه من ستم نمی‌شود، از قوی حق ضعیف و مظلوم را می‌گیرم و نیکبها و بدبها را جزا می‌دهم و آنچه را که در راه من به رایگان داده‌اند پاداش می‌دهم و هیچ ستمگری از این عقبه حق عبور ندارد، و هیچ کسی نیست که به او ظلم شده باشد و او بر ظالم ببخشد مگر این که پاداش آن را می‌دهم و در نزد حساب، حق او را می‌گیرم. ستمهایی را که بر شما رفته از کسانی که در دنیا به شما ستم کرده‌اند، بطلبید که من بر شما گواهم و گواهی من شما را بس است.» (۱)

امام علیه السلام بطور گسترده به تفصیل روز قیامت پرداخته و آنچه را که انسان از گرفتاریها و شداید می‌بیند بیان می‌کند.

(۱) ۶- امام صادق علیه السلام از جدش امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه: «يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ، وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ...» (۲) نقل کرده است که آن حضرت در تفسیر جمله «وَأَخْذُ الصَّدَقَاتِ» فرمود:

«من از طرف پروردگارم ضمانت می‌کنم که صدقه در دست بنده خدا قرار

(۱) تفسیر برهان: ۲ / ۹۵.

(۲) سوره توبه / ۱۰۵: خداست که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد ...

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸

نمی‌گیرد مگر آن که ابتدا در دست پروردگار واقع می‌شود ... و پیوسته می‌فرمود: هیچ چیزی نیست مگر آن که فرشته‌ای بر آن گمارده است جز صدقه که در دست خدای تعالی واقع می‌شود.» (۱)

(۱) ۷- امام زین العابدین علیه السلام، در تفسیر آیه مبارکه: «وَأَسْرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ» (۲) فرمود:

«آن مبلغ ناچیزی که حضرت یوسف را به آن فروختند بیست درهم بود.» (۳)

(۲) ۸- ثویر بن فاخته نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام، آیه کریمه: «وَآتُلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا» (۴) را چنین تفسیر فرمود:

«هاییل با قربانی کردن فربه‌ترین قوچی که در اختیار داشت به درگاه خدا تقرب جست اما قایل با یک خوشه گندم تقرب خواست، خداوند تعالی از هاییل پذیرفت و از قایل نپذیرفت آنگاه ابلیس، قایل را وسوسه کرد که فرزندان هاییل در آینده بر فرزندان تو افتخار کرده و خواهند گفت که ایشان پسران کسی هستند که خداوند قربانی او را پذیرفته است، و این خیال را در او حاکم کرد تا آنجا که قایل به برادرش هاییل حسد برد و بر کشتن او تصمیم گرفت تا نسلی از او نباشد، اما نمی‌دانست که چه کند، ابلیس به او یاد داد که سر برادرش را وسط دو سنگ قرار دهد و بکشد، او نیز چنین کرد و بعد نمی‌دانست که جسد او را چگونه پنهان

(۱) تفسیر برهان: ۱/ ۴۴۱، تفسیر صافی: ص ۲۲۳.

(۲) سوره یوسف / ۲۰: او را به چند درهم معدود، به بهای ناچیزی فروختند ...

(۳) مجمع البیان: ۵/ ۲۲۱.

(۴) سوره مائده / ۳۱: بر ایشان داستان دو پسر آدم را بدرستی بخوان آن هنگامی که آنان قربانی کردند ...

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹

سازد تا این که دو کلاغ آمدند و به نزاع با یکدیگر پرداختند، تا این که یکی بر دیگری چیره شد و او را کشت و جسدش را در خاک پنهان کرد و قایل این منظره را می‌دید از جا بلند شد و گودالی برای هاییل کند و او را دفن کرد و از کرده خود پشیمان شد، این عمل او درباره دفن مردگان به صورت سنتی در آمد.

وقتی که حضرت آدم از او درباره برادرش هاییل پرسید، در جواب گفت: مگر مرا ننگهبان او کرده بودی؟ سپس او را به قربانگاه آورد و روشن شد که او هاییل را کشته است و حضرت آدم قایل را لعنت کرد و دستور داد تا دیگران هم او را لعنت کنند و چهل سال در مصیبت فرزندش گریست تا این که خداوند به او وحی فرمود که من به تو در عوض هاییل پسری مرحمت خواهم کرد، و بعدها به حضرت حوّا، پسری پاکیزه و مولودی مبارک عطا کرد و در روز هفتم تولدش وحی کرد او را هبه الله نام بگذار و او نیز چنین نامید ...» (۱)

(۱) ۹- سعید بن جبیر می‌گوید: از امام زین العابدین علیه السلام در مورد کلمه (قربی) در آیه کریمه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲) پرسیدم، فرمود:

«مقصود، خویشاوندی ما اهل بیت است.» (۳)

(۲) ۱۰- مردی از امام زین العابدین علیه السلام درباره عبارت (حق معلوم) که در آیه شریفه: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (۴) آمده

(۱) تفسیر برهان: ۱/ ۲۸۰.

(۲) سوره شوری / ۲۳: بگو از شما مزدی برای رسالت نمی‌خواهم، جز دوستی نسبت به خویشاوندان را.

(۳) احکام القرآن تألیف جصاص: ۳/ ۴۷۵.

(۴) سوره معارج / ۲۴، ۲۵: آنان که در مالشان حقی است معلوم برای سائل و محروم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰

است، سؤال کرد، آن حضرت فرمود:

«حق معلوم، عبارت از چیزی است که شخص از مال خود بیرون می‌کند و آن غیر از زکات و صدقه واجب است.»  
 آن مرد پس از شنیدن سخن امام عرض کرد: آن مالی را که بیرون می‌کند با آن چه می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود:  
 «با آن صله رحم می‌کند و به ضعیفان کمک می‌نماید و رنج ایشان را برطرف می‌سازد و یا به برادر دینیش محبت می‌کند و گرفتاری او را برطرف سازد.»

آن مرد از دانش و آگاهی امام علیه السلام در حیرت شد و با خود می‌گفت: خدا بهتر می‌داند که رسالت خود را به هر کسی که بخواهد، عطا می‌فرماید. «۱»

(۱) ۱۱- امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه کریمه: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» «۲» فرمود:

«مقصود، عفو بدون رنج و مشقت است.» «۳»

این بود برخی از آیات شریفه‌ای که تفسیر آنها از امام زین العابدین به یادگار مانده است اما شخص جستجوگر در کتابهای تفسیر از نظرات و سخنان آن حضرت در این زمینه به مطالب زیادی بر می‌خورد.

(۱) لآلی الأخبار: ۳/۳، وسائل الشیعه: ۶/۶۹.

(۲) سوره حجر/ ۸۶: در گذر، در گذشت خوبی.

(۳) وسائل الشیعه: ۵/۵۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱

(۱)

## علم فقه

## اشاره

اما علم فقه که یکی از بالاترین و مهمترین علوم اسلامی است، زیرا که این علم بیانگر افعال مکلفین در پرتو قوانین شریعت اسلام می‌باشد، امام زین العابدین علیه السلام برای این علم اهمیت زیادی قائل بود از این رو به نشر و گسترش این علم در میان مردم پرداخت و متخصص بی‌همتای عصر خود در این علم بود، مورخان می‌گویند: آن حضرت در قدرت بر احاطه به مسائل فقهی در تمام ابعاد و بیان فروع و جزئیاتش نظیر جدش امیر المؤمنین علیه السلام بود. «۱» آن بزرگوار تنها مرجعی بود که دانشمندان و فقها در مشکلات مسائل دینی به او مراجعه می‌کردند، مورخان نقل کرده‌اند که زهری از بزرگترین فقهای مشهور مدینه از جمله کسانی بود که در مشکلات احکام شرعی خود به آن حضرت مراجعه می‌کرد، راویان اخبار می‌گویند: وی در عالم خواب دید، گویا دستش را حنا بسته است، در تعبیر خوابش گفتند او به قتل نفس غیر عمد گرفتار خواهد شد و گویا آن زمان کارگزار بنی امیه بوده و مردی را مجازات کرده بود او هم در اثر همان مجازات از دنیا رفت، زهری سخت ناراحت شد و از خدا ترسید و از شهر فرار کرد و به غاری پناه برد و در آنجا به عبادت مشغول شد، سالی امام علیه السلام به سفر بیت الله الحرام می‌رفت از کنار آن غار گذشت که زهری در آنجا بود، به عرض امام رسانیدند، که آیا با زهری کاری دارید؟ فرمود آری، سپس حضرت وارد غار شد و زهری را دید بسیار بی‌تاب و بیمناک است و از رحمت خدا ناامید و مأیوس گردیده است فرمود:

«به قدری که من از این حالت یأس و ناامیدی تو از رحمت خدا می‌ترسم از گناهی که مرتکب شده‌ای نمی‌ترسم! اکنون خونیهایی

کامل برای

(۱) امام زین العابدین: ص ۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۲

بازماندگان آن مقتول بفرست و خود نزد خانواده‌ات برو و به امور دینیت مشغول باش.»

(۱) زهری با شنیدن این سخنان خوش حال شد و عرض کرد: مولای من غم مرا برطرف کردی، خدا بهتر می‌داند که رسالت خدا را به کسی که اراده می‌کند عطا می‌فرماید. «۱» اکنون به نمونه‌هایی از احکام شرعی که امام علیه السلام بیان فرموده اشاره می‌کنیم:

(۲)

### اقسام روزه

زهری با گروهی از فقها به خدمت امام زین العابدین علیه السلام رسیدند، امام از زهری درباره مسائلی که بحث و کاوش می‌کردند، پرسید، عرض کرد:

«ما درباره روزه گفتگو می‌کردیم، همگی به این نتیجه رسیدیم که جز روزه ماه رمضان روزه واجب وجود ندارد.»

امام علیه السلام، کمی معلومات و آگاهی ایشان را نسبت به امور شرعی و احکام دین گوشزد کرد، سپس اقسام روزه را به شرح زیر بیان نمود:

«آن گونه که شما گفتید، نیست بلکه روزه چهل گونه است، ده قسم از آن واجب است همچون روزه ماه رمضان و ده نوع آن روزه حرام است، و چهارده قسم از آن روزه اختیاری است؛ اگر انسان بخواهد می‌گیرد و اگر نخواست نمی‌گیرد، و روزه رخصت که خود سه قسم است، و روزه تربیت، روزه اباحه، روزه سفر و روزه مرض ...»

(۳) زهری و دیگر فقها از وسعت دانش امام علیه السلام و احاطه آن حضرت به احکام دین، متحیر شدند، زهری از آن بزرگوار درخواست کرد تا اقسام مختلف روزه را شرح و توضیح دهد، امام علیه السلام فرمود:

(۱) تاریخ دمشق: ۱۶/۳۶، بحار الانوار: ۷/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۳

«اما روزه واجب عبارت است از: روزه ماه رمضان و روزه دو ماه پیاپی برای کسی که یک روز از روزه ماه رمضان را به عمد افطار کرده است، و روزه دو ماه متوالی برای کسی که از روی خطا مرتکب قتل نفس شده و قادر بر آزاد کردن بنده نباشد نیز واجب است، همان طوری که خدای متعال فرموده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مَسْلُومَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ - تا آنجا که می‌فرماید: - فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ»، «۱» و روزه دو ماه پیاپی در کفاره ظهار، «۲» برای کسی که امکان آزاد کردن برده را نداشته باشد. خدای تعالی فرماید: «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا.» «۳»

(۱) و روزه سه روز؛ در مورد کفاره قسم، برای کسی واجب است که امکان طعام دادن را ندارد، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» «۴» تمام این روزه‌ها پشت سر هم است نه جدا. و روزه درد و آزار سر تراشیدن نیز واجب است، خدای متعال می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ»

(۱) سوره نساء/ ۹۵: هر کس مؤمنی را به خطا بکشد باید بنده با ایمانی را آزاد کند و خونبهایی به کسان مقتول بپردازد. و کسی که

نیافت باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد.

(۲) ظهار، آن است که مردی به همسرش بگوید: انت علیّ کظهر امی. به کتابهای فقهی مراجعه شود.

(۳) سوره مجادله/ ۴، ۵: کسانی که زانشان را ظهار کنند سپس از گفته‌شان برگردند، باید پیش از آن که بهم برسند، بنده‌ای را آزاد کنند، این پندی است که به شما داده می‌شود و خداوند بدانچه انجام می‌دهید، آگاه است. و کسی که توانایی ندارد بنده‌ای را آزاد کند، باید پیش از تماس با هم دو ماه پیاپی روزه بگیرد.

(۴) سوره مائده/ ۹۱: کسی که (امکان دادن طعام را) نیابد، باید سه روز روزه بگیرد، آن است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند یاد کردید.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۴

بِهْ أَدَى مِنْ رَأْسِهِ فَعِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ. «۱» که صاحب درد مختار است که سه روزه روزه بگیرد و یا صدقه دهد و یا قربانی به جا آورد. و روزه خون حج تمتع که بر کسی که به قربانی دسترسی نداشته باشد، واجب است خدای تعالی فرماید: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَيْدِي فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ. «۲» و روزه مجازات بنده که واجب است، خدای تعالی می‌فرماید: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَيْدِيًا بِالْحَبِّ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا، «۳» سپس امام علیه السلام رو به زهری کرد و فرمود: «زهری آیا می‌دانی که مقصود از روزه معادل آن چگونه است؟ عرض کرد: خیر، نمی‌دانم. فرمود: برای صیدی که شده قیمت گذاری می‌کنی سپس آن را بر اساس گندم محاسبه می‌کنی و بعد گندم را صاع به صاع پیمانه می‌کنی و در برابر هر نصف صاع یک روز، روزه می‌گیری، و همچنین روزه نذر واجب است، و روزه اعتکاف نیز واجب است. «۴»

(۱) اما روزه حرام، روزه عید فطر، عید قربان و سه روز ایام تشریق «۵» است،

(۱) بقره/ ۱۹۳: پس هر کس از شما بیمار و یا در سرش آزاری باشد باید در عوض روزه بگیرد و یا صدقه دهد و یا قربانی کند.

(۲) بقره/ ۱۹۳: پس هر که عمره تمتع در حج به جا آورد، هر چه میسر شد باید قربانی کند و کسی که نیافت باید سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت روزه بگیرد تا ده روز کامل شود.

(۳) مائده/ ۹۶: و کسی از شما که از روی عمد آن صید را بکشد پس جزائی دارد مانند آنچه را که کشته است از گاو، شتر و گوسفند مطابق داوری دو شخص عادل از خودتان، در حالی که آن قربانی را به حرم برده و ذبح کنند یا کفاره طعام دادن به مستمندان یا برابر آن روزه واجب است ...

(۴) اعتکاف پس از گذشتن دو روز، روز سوم واجب می‌شود و همچنین با نذر و مانند آن واجب می‌گردد.

(۵) ایام تشریق، روزهای وقوف در منی را می‌گویند که پس از روز قربانی، روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۵

و روزه یوم الشک «۱» را هم مأموریم بگیریم و هم از روزه‌داری آن روز نهی شده‌ایم: مأموریم به عنوان آخر شعبان روزه بگیریم و منع شده‌ایم به این ترتیب که کسی در روزی که همه مردم آن روز را شک دارند و نمی‌دانند آخر شعبان است یا اول رمضان، او تنها به تیت رمضان روزه بگیرد ...»

(۱) زهری رو به امام علیه السلام کرد و عرض کرد: «فدایت شوم، اگر نخواهد از ماه شعبان روزه بگیرد، چه کند؟ امام علیه السلام فرمود:

«شبی را که شک دارد باید به تیت شب شعبان روزه بگیرد؛ اگر از ماه رمضان باشد کفایت می‌کند و اگر شب آخر شعبان نیز باشد



ضرری ندارد.»

زهری اشکال کرد و پرسید: «چگونه روزه داوطلبی جای روزه واجب را می‌گیرد؟» امام علیه السلام پاسخ داد: «اگر کسی یک روز از ماه رمضان را با این که توجه نداشت و نمی‌دانست از ماه رمضان است، داوطلبانه روزه بگیرد و بعدها بداند که ماه رمضان بوده است کفایت می‌کند، زیرا که وجوب به آن روز معین واقع شده است.»

(۲) سپس امام علیه السلام دوباره به بیان اقسام روزه برگشت و فرمود:

«و روزه وصال» (۲) «شبانه روزی) حرام است و روزه سکوت» (۳) حرام است و

(۱) یوم الشَّك اگر نیت کند که آن روز از ماه رمضان است، روزه داشتنش حرام است.

(۲) روزه وصال، آن است که تمام شبانه‌روز پیوسته روزه‌دار باشد که حرمت آن حرمت تشریحی است.

(۳) روزه سکوت، آن است که انسان از سخن گفتن خودداری می‌کند، در شریعت‌های پیشین سخن گفتن بر روزه‌دار حرام بوده است همان طوری که قرآن کریم در داستان حضرت مریم آن را اعلام داشته و می‌گوید: «أَنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنَأْكُلَ الْيَوْمَ أَنسِيًّا» جز این که در شریعت مقدس اسلام این نوع روزه نسخ شده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۶

روزه نذر برای کار معصیت حرام است و روزه روزگاران، حرام است.

(۱) و اما روزه‌ای که روزه‌دار اختیار دارد بگیرد و یا نگیرد؛ روزه روز جمعه، پنج شنبه، دوشنبه (هر هفته)، روزه ایام البیض، (۱) روزه شش روز از روزهای ماه شوال، روز عرفه و روز عاشوراء است، در تمامی اینها روزه‌دار اختیار دارد که روزه بگیرد و یا نگیرد. (۲) و اما روزه رخصت آن است که زن روزه استحبابی را نمی‌گیرد مگر با اجازه شوهرش و بنده روزه نمی‌گیرد مگر با اذن مولایش و مهمان روزه نمی‌گیرد مگر با اجازه میزبانش، رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فرمود: «هر که بر گروهی وارد شد جز به رخصت آنان حق ندارد، روزه استحبابی بگیرد.»

(۳) و اما روزه تأدیب آن است که کودکی را که به حدّ رشد رسیده به خاطر تربیتش وادار به روزه کنند در صورتی که به او واجب نشده است و همچنین کسی را که به دلیل بیماری از اول روز روزه‌دار نبوده اما بعداً بهبود یافته و توان روزه را دارد، باقیمانده روز را از باب تأدیب مأمور به روزه داشتن کنند در حالی که واجب نیست، و همین‌طور مسافر اگر از اول روز، چیزی خورده باشد و سپس به وطنش رسیده است بقیه روز را تأدیباً مأمور به امساک کنند در صورتی که واجب نیست. و اما روزه اباحه چنین است که اگر کسی بدون عمد چیزی بخورد و یا بنوشد و یا بغیر عمد قی کند، خداوند آن را مباح کرده و روزه‌اش را کافی می‌داند.

(۴) و اما روزه سفر و مرض که علمای عامّه در آن باره اختلاف نظر دارند؛ گروهی می‌گویند: باید روزه بگیرد و عده‌ای می‌گویند: نباید روزه بدارد و جمعی معتقدند که اگر خواست روزه بگیرد و اگر نخواست افطار کند! و

(۱) ایام البیض: روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه است، به این دلیل آن شبها را «بیض» گفته‌اند که ماه از اول تا آخر شب آشکار است. (معجم البحرین: ماده بیض).

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۷

اما ما می‌گوییم: در حال سفر و به هنگام بیماری در هر دو مورد نباید روزه بگیرد و اگر در مسافرت و یا در حال بیماری روزه بگیرد، قضای آن نیز بر او واجب است زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ...»

(۱) در اینجا این بحث فقهی که امام علیه السلام به علما و فقها تعلیم داده بود، پایان گرفت، بحثی که حکایت از میزان احاطه امام علیه السلام به احکام شریعت و مسائل فرعی فقه دارد که این همه فروع مهم را که از نظر علما به دور مانده بود درباره روزه بیان فرموده است، و شایان ذکر است که فقهای شیعه در فتوای خود راجع به احکام روزه بر این حدیث شریف استناد جسته‌اند.

(۲)

### جمع بین نماز مغرب و عشاء

اما جمع بین نمازهای مغرب و عشاء جایز است و جدایی انداختن بین آنها اگر چه بهتر است، اما واجب نیست. دلیل بر این مطلب روایتی است که از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود:

«جمع بین نماز مغرب و عشاء برای کودکان بهتر است تا آن که در آن بین بخوابند.»

و از ائمه اطهار علیهم السلام روایات زیادی درباره جمع بین دو نماز واجب رسیده است و در پرتو همین روایات است که فقهای شیعه بر آن فتوا داده‌اند و این روایت نیز بر جواز جمع دلالت دارد اما در خصوص نماز و عشاء، آن هم تنها

(۱) بقره/ ۱۸۱: پس هر که از شما بیمار، یا مسافر باشد، به همان اندازه از روزهای دیگر (روزه واجب است).

(۲) خصال صدوق: ص ۵۰۱-۵۰۴، فروع کافی: ۱/ ۱۸۵، مقنعه: ص ۵۸، تفسیر قمی:

ص ۱۷۲-۱۷۵ و تهذیب: ۱/ ۴۳۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۸

برای کودکان. ولی بطور مسلم نماز مغرب و عشاء و همچنین کودکان هیچ خصوصیتی ندارند بلکه از آن جهت بر آنها تصریح شده است که سؤال مربوط بدانها بوده است.

(۱)

### اعتبار نیت در عبادات

در تمام عبادات نیت معتبر است و هیچ عبادتی بدون نیت درست نیست، و در این باره به روایتی استدلال شده است که از امام زین العابدین علیه السلام نقل گردیده که فرمود:

«هیچ عملی جز به نیت صحیح نیست.» (۱)

(۲)

### تکفیر در نماز جایز نیست

علمای شیعه بر آنند که تکفیر در نماز جایز نیست. تکفیر، عبارت است از قرار دادن یکی از دو دست در حال قیام بر روی دیگری. فقهای شیعه در این باره به دسته‌ای از اخبار استدلال کرده‌اند که در آن میان روایتی است از امام زین العابدین علیه السلام که فرمود:

«نهادن شخص یکی از دستهایش را بر روی دست دیگر در هنگام نماز، خود یک کاری است در صورتی که در حال نماز هیچ کار

دیگری درست نیست.» (۲)

(۳)

**خریدن کنیز خواننده**

خریدن کنیز خواننده به قصد خوانندگی حرام است اما هرگاه به قصد خواندن قرآن کریم و نظایر آن باشد که غناء شمرده نشود، مانعی ندارد، فقهاء در

(۱) وسائل الشیعه: ۴/ ۷۱۱.

(۲) وسائل الشیعه: ۴/ ۱۲۶۴.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۹

این مورد به روایتی استدلال کرده‌اند که مردی از امام زین العابدین علیه السلام درباره خریدن کنیزی که صدای خوشی داشت پرسید، امام علیه السلام فرمود:

«اگر خریدن او تو را به یاد بهشت اندازد یعنی با خواندن قرآن و پارسایی و فضائلی که غناء نباشد، مانعی ندارد، اما غناء روا نیست.»

«۱»

(۱)

**حد زنا با خواهر**

اما زنا با خواهر از زشت‌ترین محرمات است. کسی از امام زین العابدین علیه السلام از حد این نوع زنا پرسید، امام علیه السلام فرمود:

«به شدت با شمشیر زده می‌شود، به هر جا که ضربت رسید، و اگر زنده ماند، حبس ابد می‌شود تا این که بمیرد.» «۲»

در اینجا سخن ما درباره برخی از مسائل فقهی که امام علیه السلام نظر داده بود پایان گرفت و شخص محقق و جويا می‌تواند در کتابهای فقه استدلالی و در مجموعه‌های حدیث، بخش بیشتری از فتوهای فقهی امام را پیدا کند که مشتمل بر تمام ابواب فقه از عبادات، معاملات، عقود و ایقاعات باشد که فقهای شیعه بدانها استناد جسته و در پرتو آن فتوا داده‌اند.

(۲)

**بحثهای کلامی****اشاره**

امام زین العابدین علیه السلام تنها مرجعی بود که دانشمندان برای پرسش از مسائل پیچیده کلامی به آن حضرت مراجعه می‌کردند، و از جمله پرسشهایی که

(۱) وسائل الشیعه: ۱۲/ ۸۶.

(۲) من لا یحضره الفقیه: ص ۲۴۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۰  
از آن حضرت شده و پاسخهایی که داده‌اند، موارد زیر است:  
(۱)

### قضا و قدر

اما مباحث قضا و قدر از مشکلترین و پیچیده‌ترین مسائل کلامی است، مردی در این باره از امام علیه السلام پرسید و چنین گفت:  
«فدایت شوم آیا به مردم آنچه می‌رسد، مربوط به مقدرات است، یا مربوط به عمل خود ایشان؟» امام علیه السلام پاسخی داد که ابعاد مختلف و واقعیت مسأله را در پرتو تفکر اسلامی بازگشوده است، فرمود:  
«همانا قدر و عمل انسان به منزله روح و پیکر است، روح بدون پیکر قابل حس نیست و پیکر بدون روح نیز صورتی بدون حرکت است، اما وقتی که هر دو با هم باشند نیرومند و شایسته گردند. همچنین است عمل انسان و قدر الهی، اگر قدر بر عمل واقع نشود، خالق از مخلوق معلوم نشود و چون قدر چیز نامحسوسی است، اگر عمل بر طبق قدر الهی نباشد انجام نمی‌گیرد و به جایی نمی‌رسد، و لیکن با اجتماع آن دو، کار انجام می‌گیرد و به اتمام می‌رسد. و تقدیر الهی به سود بندگان صالح است.»  
(۲) امام علیه السلام اضافه کرد و فرمود:

«بدان که ستمگرترین مردم کسی است که ستم خود را عدالت پندارد و عدل و داد اهل هدایت را ستم بداند، بدان که بنده خدا چهار چشم دارد:  
دو چشمی که امر آخرت خود را با آنها می‌بیند و دو چشمی که امور دنیوی خویش را، پس هرگاه خداوند برای بنده اش خیر و خوبی اراده فرماید، دو چشم دل او را باز گشاید و بدان وسیله غیب را ببیند و هرگاه جز این را اراده کند، دل را به همان حال بگذارد.»

آنگاه امام علیه السلام توجهی کرد و به آن مرد گفت:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۱  
«این از آن نوع است، این از آن نوع.»

براستی که امام علیه السلام واقعیت قضا و قدر را حل کرده و شک و تردیدهایی را که در اطراف آنها وجود داشت برطرف نموده و حقیقتی را که اسلام در آن باره مقرر داشته، به ثبوت رسانده است.  
(۱)

### خدا نور است!

امام علیه السلام وارد مسجد جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- شد، دید گروهی با هم مشاجره می‌کنند، رو به ایشان کرد و فرمود:

«شما درباره چه چیز بحث می‌کنید؟» همه با هم گفتند: «درباره توحید.»

امام علیه السلام آنها را- به دلیل کمی بضاعت، و سرمایه علمی ایشان در این امر- از فرو رفتن در این مسأله منع کرد و فرمود:  
«از این گفتارتان دست بردارید.»

یکی از آنها رو به آن حضرت کرد و گفت:

«خداوند به وسیله خلقت آسمانها و زمین شناخته می‌شود، او در همه جا هست.» امام علیه السلام او را به گفتن سخن بجا و درست راهنمایی فرمود و گفت:

«خداوند کسی است که هیچ چیز همانند او نیست، او شنوا و بیناست، وصف او نیز به وصف هیچ چیز نماند، پس او خود اوست.»<sup>(۱)</sup>

(۱) توحید: ص ۳۶۶، ۳۶۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۲  
(۱)

### تعجب امام از کسی که در وجود خدا شک دارد

امام علیه السلام از کسی که در وجود خدا شک دارد، بسیار تعجب می‌کند، خدایی که آفریدگار آسمانها و زمین است! همان گونه که از شخص منکر جهان آخرت تعجب کرده، می‌فرماید:

«من بی‌نهایت تعجب دارم از کسی که آفریدگان را می‌بیند اما در وجود خدا شک دارد، و من سخت در شگفتم از کسی که منکر جهان آخرت است در حالی که خلقت آغازین را می‌بیند...»<sup>(۱)</sup>

(۲) برآستی از چیزهایی که باعث تعجب است، انکار وجود آفریدگار بزرگی است که تمام موجودات دلایل وجود اویند، زیرا که محال است بدون علت آفریننده، موجود گردند و اگر انسان قدری دقت کند و بیندیشد نشانه‌های وجود خدای تعالی را همراه همه چیز در روی زمین می‌بیند شاعر می‌گوید: «فی الأرض آیات فلا تک منکرا فعجائب الأشياء من آیاته.»

در روی زمین آیات فراوانی است منکر وجود خدا مباش، زیرا عجایب موجودات از جمله آیات او هستند. تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام ج ۲ ص ۸۲ تعجب امام از کسی که در وجود خدا شک دارد ..... ص: ۸۲

چنین عجب است از کسی که منکر عالم آخرت است در حالی که خلقت اولیه را که به مراتب از عالم آخرت بالاتر است می‌بیند زیرا که کار تکوین و به وجود آوردن مهمتر از کار دوباره بازگرداندن است، خدای متعال می‌فرماید:

«قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ، قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ.»<sup>(۲)</sup>

(۱) بلاغۃ الامام زین العابدین: ص ۵.

(۲) سوره یس / ۷۹: گفت: چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می‌کند؟ بگو! آن کسی که اولین بار آنها را آفرید و او بر هر آفرینشی داناست.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۳  
(۱)

### توصیف خدا، به اوصاف محدود محال است

محال است که خدا را به اوصاف محدودی که از صفات بشری است، توصیف کرد امام سجاده علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«خدا را به اوصاف محدود، نمی‌توان وصف کرد. پروردگار ما بالاتر از توصیف است و چگونه می‌توان کسی را که حد و اندازه‌ای

ندارد به اوصاف محدود در آورد چشمان او را نمی‌بیند و او چشمها را می‌بیند و او لطیف و خبیر است.» (۱)

براستی که شناخت خدای تعالی در عقول بشر نمی‌گنجد، همان‌گونه که چشمان آدمی با نگرش محدودش او را نمی‌بیند و چگونه می‌تواند موجود ممکن فانی، به آن نیرویی احاطه پیدا کند که ابداع کننده این همه موجوداتی است که افکار و اندیشه‌ها، در کیفیت ایجاد و آفرینش آنها سرگرداند و چگونه ممکن است به معرفت آفریدگار بزرگ برسد؟

در اینجا سخن ما درباره برخی از علوم امام زین العابدین علیه السلام که در راستای علوم و سرمایه‌های علمی و فکری پدران بزرگوارش می‌باشد، پایان می‌گیرد.

(۲)

## قسمتی از پندها و حکمت‌های امام

### اشاره

امام زین العابدین علیه السلام به موعظه کردن مردم اهمیت فراوانی می‌داد و از آن حضرت موعظه‌های بسیاری به جا مانده است که بدان وسیله

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۱۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۴

اصحاب خویش و مردم روزگارش را موعظه می‌فرمود و این مواعظ ارزنده همواره زنده‌اند و اندرزهای لازم را پیش روی مردم قرار می‌دهند و آنان را از غرور و سبک مغزی برحذر می‌دارند و به راه حق و راه درست دعوت می‌کنند، همچنان که برخی از حکمت‌های جاودانه‌ای از آن بزرگوار به یادگار مانده است که هدف، اعتدال انسان در راه و رفتار و شکوفایی شخصیت آدمی است، اینک برخی از سخنان آن بزرگوار را در این موارد نقل می‌کنیم.

(۱)

### مواعظ امام

پیش از آن که چیزی از مواعظ امام زین العابدین علیه السلام را نقل کنیم مایلیم هدفها و غرض اصلی مواعظ آن حضرت و سایر ائمه اطهار علیهم السلام را به شرح زیر بیان کنیم:

الف- تهذیب و اصلاح نفوس و ایجاد تمایلات ارزشمند در آنها.

ب- برطرف ساختن عقده‌های روانی از وجود آدمی و نابود کردن تمام تمایلات فاسد و مخرب و خودخواهی، حسد و ظلم و تجاوز به مردم.

ج- مطرح کردن عبرتهایی که در گذرگاه تاریخ بر مردمان گذشته است از قبیل نابودی ستمگران و هلاکت خودکامگان، برای این که آدمی از آنها درس‌هایی بیاموزد تا راه زندگیش را روشن سازد و مقصد او را در زندگی اجتماعی و فردی مشخص کند.

د- توجه دادن به خدای تعالی که بالاترین مقصد زندگی است و اوست که آدمی را از هر بدی و گناه نجات می‌بخشد.

ه- آماده‌سازی برای سرای آخرت که منزلگاه دائمی و حقیقی انسان است، و این آمادگی تنها به وسیله عمل خیر میسر است.

این بود برخی از اهداف نورانی مواعظ ائمه علیهم السلام، و اکنون به مواعظ امام زین العابدین علیه السلام می‌پردازیم:

(۲) ۱- امام علیه السلام در نکوهش دنیا و زنهار از شر و فتنه‌های آن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۵

می‌فرماید:

«إن الدنيا قد ارتحلت مدبره، و أن الآخرة قد ارتحلت مقبله، و لكل واحد منهما بنون فكونوا من أبناء الآخرة، و لا تكونوا من أبناء الدنيا، الراغبين في الآخرة، ألا أن الزاهدين في الدنيا اتخذوا الأرض بساطا، و التراب فراشا، و الماء طيبا، و قرضوا من الدنيا تقريضا، ألا و من اشتاق إلى الجنة سلا عن الشهوات، و من اشفق من النار رجع عن المحرمات، و من زهد في الدنيا هانت عليه المصائب، ألا أن لله عبادا كمن رأى أهل الجنة في الجنة مخلدين، و كمن رأى أهل النار في النار معذبين، شروهم مأمونه، و قلوبهم محزونه، أنفسهم عفيفة، و حوائجهم خفيفة، صبروا أياما قليلة فصاروا بعقبى راحة طويلة، أما الليل فصافون أقدامهم. تجرى دموعهم على خدودهم، و هم يجأرون إلى ربهم، يسعون في فكاك رقابهم، و أما النهار فحلما علماء برره، اتقياء كأنهم القداح قد براهم الخوف من العبادة ينظر إليهم الناظر فيقول: مرضى، و ما بالقوم من مرضى أم خولطوا، فقد خالط القوم أمر عظيم من ذكر النار، و ما فيها...» (۱)

(۱) «همانا دنیا پشت کرده و می‌رود و آخرت رو آورده و می‌آید و برای هر کدام فرزندان است، شما از فرزندان آخرت باشید، نه از فرزندان دنیا، هان! از پارسایان در دنیا باشید و از راغبین به آخرت، بدانید که پارسایان در دنیا زمین را بستر کنند و خاک را زیر سر نهند و آب را مطبوع شمرده و بخوبی دل از دنیا بریده‌اند، هان! براستی که خداوند بندگانی دارد که همچون کسی که اهل بهشت را در بهشت جاودانه ببیند و همچون کسی که اهل دوزخ را در جهنم معذب ببیند، از بدی آنان آسوده و دل‌هایشان غمگین است، روحی پاک و پاکیزه دارند و نیازمندیشان اندک می‌باشد، روزی

(۱) اصول کافی: ۲/ ۱۳۲، معالم العبر تألیف علامه نوری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۶

چند شکیبایی ورزیدند و به سرانجامی که آسایشی طولانی دارد گرایش یافتند اما به هنگام شب، سرپا ایستاده و اشک بر گونه‌هایشان جاری، به درگاه پروردگارشان می‌نالند و در راه آزادی خویش (از عذاب جهنم) می‌کوشند و اما به هنگام روز، افرادی بردبار دانشمند، نیکوکار و پرهیزگارند، گویی چوبه تیری هستند که ترس از خدا آنها را سر تا پا تراشیده و از بیم عبادت لاغر و نزار ساخته است، بیننده بدانها نگرد و گوید که بیمارند در حالی که ایشان بیماری ندارند و یا عقلشان در هم است! بیقین ترس و بیم زیادی از یاد دوزخ و آنچه در آن است در نهاد ایشان در آمیخته و آنان را دژم کرده است...»

(۱) براستی که امام علیه السلام آدمیان را از دل‌بستگی به دنیایی که سرچشمه همه خطاهاست، برحذر داشته است و به پیروی از پارسایان؛ از بندگان شایسته خدا دعوت نموده از آنانی که واقعیت زندگی دنیا و سرانجام کار آن را که زوال و فناست بخوبی شناختند و دانستند که دنیا چیزی جز چند روز معدود نمی‌باشد تا آن که آدمی در پیشگاه خدا حاضر شود و خداوند از رفتار وی در طول حیاتش پرسد تا جزایش دهد؛ اگر عمل نیک داشته باشد پاداش نیک، و اگر عملش بد باشد کیفر بد دهد، از این رو نیکان روی دل و عواطف خویش را به جانب خدا کردند و او را صمیمانه اطاعت و عبادت نمودند.

(۲) ۲- امام علیه السلام فرمود:

«یا ابن آدم لا تزال بخیر ما كان لك واعظ من نفسك، و ما كانت المحاسبة من همك، و ما كان لك الخوف شعارا، و الحزن لك دثارا، یا ابن آدم إنك ميت و مبعوث، و موقوف بين يدي الله عز و جل، و مسئول، فأعدّ جوابا...» (۱)

(۱) دَرِ النَّظِيمِ: ص ۱۳۷، تاریخ یعقوبی: ۴۶/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۷.

«ای فرزند آدم! تا وقتی که خود واعظ خود باشی و بر محاسبه نفست همت گماری و مادامی که ترس و بیم از عذاب الهی را شعار، و غم آخرت را دثار خود قرار دهی همواره در راه خیر و نیکی خواهی بود. ای فرزند آدم! بیقین تو می میری و برانگیخته می شوی و در پیشگاه خدای عز و جل بازداشته می شوی و از اعمال و رفتارت بازخواست خواهی شد، پس هم اکنون پاسخی برای آن مهیا ساز...»

امام علیه السلام، آدمی را بر آن خوانده تا در ژرفای وجود خود و در عمق ذات خویش پنددهنده‌ای را بپا دارد تا او را پند دهد و به حال نفس او نسبت به لغزشها و خطاهایی که از او سر می‌زند، رسیدگی کند، زیرا که او در روز رستاخیز برانگیخته می‌شود و برای گناهان و بدیهایی که مرتکب شده مؤاخذه می‌گردد.

(۱) ۳- زهری روایت کرده، می‌گوید: از علی بن حسین علیهما السلام شنیدم که می‌فرمود:

«من لم يتعز بعزاء الله تقطعت نفسه على الدنيا حسرات، والله ما الدنيا والآخرة إلا ككفتي ميزان، فأيهما رجح ذهب بالآخر. ثم تلا قوله تعالى: «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» - يعني القيامة - «لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَأَذِيَّةٍ خَافِضَةٌ» - خفضت والله باعداء الله إلى النار - «رافعة» - رفعت والله أولياء الله إلى الجنة...»

«هر کس خود را با ارتباط با خدا آرامش و تسکین نبخشد، با حسرت فراوان از دنیا بگسلد، به خدا سوگند، دنیا و آخرت جز دو کفه ترازو نیستند، هر کدام سنگین شود، دیگری را از بین ببرد. سپس امام علیه السلام آیه شریفه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» را قرائت کرد - یعنی قیامت بپاشود - «لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَأَذِيَّةٍ خَافِضَةٌ» - به خدا سوگند که دشمنان خدا را به آتش دوزخ اندازند «رافعة» - به خدا سوگند که اولیای خدا را به جایگاه بهشت برین برسانند.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۸.

(۱) سپس امام علیه السلام، مردی از اهل مجلس خود را مخاطب قرار داد - آنچه از محتوای سخن امام ظاهر می‌شود آن است که او فردی آزمند و خودباخته در طلب دنیا بوده است و امام علیه السلام در حالی که او را موعظه می‌کرد - فرمود:

«اتق الله، و اجمل في الطلب، و لا تطلب ما لم يخلق، فإن من طلب ما لم يخلق تقطعت نفسه، و لم ينل ما طلب، و كيف ينال ما لم يخلق...»

«از خدا بترس و از راه حلال، طلب روزی کن و چیزی را که آفریده نشده، جستجو مکن زیرا کسی که طالب چیزی باشد که آفریده نشده است، نفسش بریده شود و به آنچه می‌جوید نرسد، آخر چگونه ممکن است به چیزی که آفریده نشده است، برسد...» آن مرد فوراً عرض کرد:

«چگونه چیزی ناآفریده را می‌جوید؟» امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«من طلب الغنى و الأموال و السعة في الدنيا فإنما يطلب ذلك للراحة في الدنيا، و الراحة لم تخلق في الدنيا، و لا لأهل الدنيا، إنما خلقت الراحة في الجنة، و التعب و النصب خلقا في الدنيا، و لأهل الدنيا، و ما أعطى أحد منها حفنة إلا أعطى من الحرص مثلها، و من أصاب من الدنيا أكثر كان فيها أشد فقرا لأنه يفتقر إلى الناس لحفظ أمواله، و يفتقر إلى كل آلة من آلات الدنيا، فليس في غنى الدنيا راحة، و لكن الشيطان يوسوس إلى ابن آدم أن له في جمع ذلك المال راحة، و إنما يسوقه إلى التعقب في الدنيا، و الحساب عليه في الآخرة.»

و أضاف الإمام قائلا:

كلا ما تعب أولياء الله في الدنيا للدنيا، بل تعبوا في الدنيا للآخرة... ألا و من اهتم لرزقه كتب عليه حفظه، كذلك قال المسيح



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۸۹

عیسی علیه السلام للحواریین: إنما الدنيا قنطرة فاعبروها، و لا تعمروها... «۱»

(۱) «هر کس ثروت و مال و گشایش زندگی دنیا را بجوید، در حقیقت همه اینها را برای آسایش در دنیا می‌جوید، در صورتی که آسایش (واقعی) در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است بلکه آسایش (واقعی) در بهشت، خلق شده و رنج و مشقت را در دنیا و برای اهل دنیا آفریده‌اند و به کسی مقدار ناچیزی از دنیا را نداده‌اند مگر آن که به همان اندازه حرص و آرزو داده‌اند، و به هر که از دنیا بهره بیشتری رسیده، نیازمندیش نیز افزونتر است زیرا که او به مردم برای پاسداری از اموالش محتاج است و به هر وسیله‌ای از وسایل دنیا نیازمند است بنابراین در توانگری دنیا آسایش نیست و لیکن شیطان فرزند آدم را وسوسه می‌کند که آسایش او در گردآوری مال است و او را به جانب رنج و زحمت دنیا و حساب و مؤاخذه در آخرت سوق می‌دهد.»

(۲) امام علیه السلام اضافه کرد و فرمود:

«هرگز اولیای خدا در دنیا برای دنیا تحمل زحمت نمی‌کنند بلکه در دنیا برای آخرت رنج و زحمت می‌کشند... آگاه باشید که هر که برای روزیش همت گمارد، پاسداری از آن نیز بر وی واجب گردد، عیسی مسیح علیه السلام به حواریون چنین فرمود: همانا دنیا پلی است از آن بگذرید و آن را آباد نسازید...»

در این موعظه امام علیه السلام دعوتی است به پارسایی در دنیا و طلب صحیح مال دنیا، زیرا علت کوشش و تلاش به خاطر مادیات به دست آوردن

(۱) خصال شیخ صدوق: ص ۶۴-۶۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۰

آسایش است و لیکن آسایش در دنیا وجود ندارد و این هم به خاطر غمها و گرفتاریهای زیادی که در دنیا وجود دارد آسایش در بهشت آفریده شده آن بهشتی که خداوند آن را برای بندگان پرهیزگارش مهیا ساخته است بنابراین شایسته است که تلاش و کوشش انسان برای بهشت باشد؛ نه برای دنیا.

(۱) ۴- شخصی از امام زین العابدین علیه السلام پرسید: یا بن رسول الله! چگونه صبح کردید؟ امام علیه السلام فرمود:

«أصبحت مطلوباً بثمان: الله يطالبني بالفرائض، و النبي يطالبني بالسنة، و العیال بالقوت، و النفس بالشهوة، و الشیطان بالتباعد، و الحافظان بصدق فی العمل، و ملك الموت بالروح، و القبر بالجسد، فأنا بین هذه الخصال مطلوب.» «۱»

«صبح کردم در حالی که مورد مطالبه هشت کس بودم: خدای متعال از من واجبات را می‌خواهد و پیامبر از من اجرای سنتش را می‌طلبد و اعضای خانواده از من خوراک روزانه می‌خواهند و هوای نفس مطالبه شهوت دارد و شیطان پیروی از خود را و دو فرشته نگهبان اخلاص در عمل را و ملك الموت روح مرا و قبر پیکر مرا می‌طلبند و من در میان این خصصتهای مطلوب به سر می‌برم!» امام علیه السلام به ابعاد مختلف زندگانی دنیا نگریسته و آن را محدود در این هشت چیز دیده است از این رو بر پارسایی در دنیا و دلخوش نشدن به هیچ چیز از زیب و زیور و عوامل دلخوشی آن تصمیم گرفته است.

(۲) ۵- مردی فریفته دنیا به خدمت امام سجاد علیه السلام رسید و از حال خود بر آن حضرت شکوه کرد، امام علیه السلام ضمن رد سخن او، فرمود:

«مسکین ابن آدم، له فی کل یوم ثلاث مصائب، لا یعتبر بواحدة»

(۱) امالی ابن السیخ: ص ۴۱۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۱

منهن، و لو اعتبر لهانت عليه المصائب، و أمر الدنيا: فأما المصيبة الأولى فاليوم الذي ينقص من عمره... و إن ناله نقصان في ماله اغتم به، و الدرهم يخلف عنه، و العمر لا يرد، و الثانية أنه يستوفى رزقه فإن كان حلالا حوسب عليه، و إن كان حراما عوقب عليه، و الثالثة أعظم من ذلك، فقيل له: و ما هي؟ قال: ما من يوم يمسي إلا و دنا من الآخرة رحله لا يدري «أعلى الجنة أم على النار...» (۱)

(۱) «بیچاره فرزند آدم، هر روز با سه مصیبت روبروست؛ از هیچ کدام درس عبرت نمی‌گیرد در صورتی که اگر عبرت بگیرد، مصائب و تمام امور دنیا بر وی سهل و آسان گردد: اما نخستین مصیبت همان روز است که از عمر او می‌کاهد، در صورتی که اگر چیزی از مال و ثروتش کم شود غمگین و افسرده می‌شود با آن که پول و مال عوض دارد اما عمر بازمی‌گردد. و دوم آن که او روزی خود را بطور کامل به دست می‌آورد؛ اگر از راه حلال باشد محاسبه می‌شود و اگر از راه حرام باشد به خاطر آن مجازات می‌بیند.

و مصیبت سوم از آن دو بزرگتر است، پرسیدند: آن چیست؟ فرمود هیچ روزی شب نمی‌شود مگر آن که سفرش به آخرت نزدیکتر می‌شود در حالی که نمی‌داند آیا سرانجام کارش به بهشت است و یا به دوزخ منتهی شود...»

(۲) امام علیه السلام در این سخنان دربرابرش به پند گرفتن از سه مصیبتی دعوت فرموده است که انسان را محاصره کرده‌اند و این مصائب چنان است که اگر درباره آنها بیندیشد هرآینه او را از دل‌باختگی به دنیا بازدارد و برای آخرت خود کار کند که سرای جاودانگی و بقاست.

۶- امام علیه السلام فرمود:

(۱) اختصاص: ص ۳۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۲

«لو كان الناس يعرفون جملة الحال في فضل الاستنابة، و جملة الحال في صواب التبيين، لأعربوا عن كل ما يتلجلج في صدورهم، و لوجدوا من برد اليقين ما يغنيهم عن المنازعة إلى كل حال سوى حالهم، و على أن ادراك ذلك كان لا يعدمهم في الأيام القليلة العدة، و الفكرة القصيرة المدة، و لكنهم من بني مغمور بالجهل، و مفتون بالعجب، و معدول بالهوى من باب الثبت، و مصروف بسوء العادة عن فضل التعلم...» (۱)

(۱) «اگر مردم بطور کامل فضیلت توبه و اظهار ندامت و همچنین راه درست درد دل کردن را می‌دانستند هرآینه از آنچه در دلهایشان می‌گذشت پرده بر می‌داشتند و از نسیم یقین به قدری برخوردار می‌شدند که از کشمکش بر سر هر حال و احوالی جز حال خویشتن بی‌نیاز می‌گشتند، و به علاوه این که توجه به این مطلب داشتند که در این چند روز ناچیز دنیا و اندیشه این مدت کوتاه، باعث تهیدستی ایشان نگردد و لیکن آنان در جهل فرورفته‌اند و به خودبینی فریفته شده و از راه استوار به راه هوا و هوس منحرف گردیده و بجای فضیلت آموزش، به عادت ناپسند سرگرم شده‌اند.»

(۲) برآستی که اگر انسان در احوال این دنیا بدقت نظر کند و ژرف بیندیشد چنان ایمان راستین بر وجود آفریدگار و مدبری پیدا کند که همه چیز در برابر اراده و قضای او سر تسلیم فرود آورده و جز او را نیرو و توانی نیست، و هیچ گونه شک و تردیدی در آن راه نیابد و چون انسان به چنین ایمانی آراسته شود آرامش یقین را در خود احساس کند و از بسیاری از مشکلات و سختی‌هایی که در این زندگی کوتاه مدت دنیا بر او رو آور شود، آسوده گردد و لیکن کی چنین ایمانی برای او حاصل شود در حالی که نادانی و فریب خودبینی او را در کام خود فرو برده و

(۱) البیان و التبیان: ۸۴/۱، زهر الآداب: ۱۰۲/۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۳

هوای نفس او را از راه فضیلت آموزش و وصول به حق گمراه ساخته است! (۱) ۷- از جمله مواعظ ارزشمند امام علیه السلام که اصحاب و شیعیانش را بدان وسیله موعظه فرموده و از بهترین مواعظ آن حضرت است که به یادگار مانده است، «۱» سخنان دربار ذیل می‌باشد که می‌فرماید:

«أیها الناس، اتقوا الله، و اعلموا أنکم إلیه راجعون، فتجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً، و ما عملت من سوء تود لو أن بینها و بینة أمدا بعيداً، و یحذرکم الله نفسه» و یحک ابن آدم الغافل، و لیس مغفولاً عنه، إن أجلك أسرع شیء إلیک، قد أقبل نحوک حیثا یطلبک، و یوشک أن یدرکک، فکأن قد أوفیت أجلك، و قد قبض الملک روحک، و صیرت إلی قبرک وحیداً، فرد إلیک روحک، و اقتحم علیک ملک منکر و نکیر لمسألتک، و شدید امتحانک، ألا و إن أول ما یسألنک عن ربک الذی کنت تعبده، و عن نبیک الذی أرسل إلیک، و عن دینک الذی کنت تدین به، و عن کتابک الذی کنت تتلوه، و عن أمامک الذی کنت تتولاه، و عن عمرک فیما أفنیته، و عن مالک من این اکتسبته، و فیما أنفقته، فخذ حذرک، و انظر لنفسک، و اعد الجواب قبل الامتحان، و المساءله و الاختبار، فإن تکن مؤمناً عارفاً بدینک، متبعاً للصادقین، موالیاً لأولیاء الله لفتک الله حججتک و أنطق لسانک بالصواب، فاحسنت الجواب، و بشرت بالجنة، و الرضوان من الله، و استقبلتک الملائکه بالروح و الريحان، و إن لم تکن كذلك تلجلج لسانک، و دحضت حججتک، و عییت عن الجواب و بشرت بالنار، و استقبلتک ملائکه العذاب بنزل من حمیم، و تصلیة جحیم.»

(۱) در تحف العقول آمده است که امام علیه السلام در هر روز جمعه این تذکرات را به اصحاب و یارانش می‌فرمود. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۴

(۱) «ای مردم از خدا بترسید و بدانید که بازگشت شما به سوی اوست و هر کس هر چه از نیک و بد کرده، در مقابل خود خواهد دید با این که دوست دارد در میان او و کار بدش فاصله زیادی باشد «و خداوند شما را از (عذاب) خود بر حذر می‌دارد.» ای آدمیزاده غافل وای بر تو که در تحت نظری و مرگت قبل از هر چیز به سوی تو می‌شتابد، تو را می‌طلبد و نزدیک است گریبان‌ت را بگیرد و عمرت به سر آید و روح‌ت را ملک الموت گرفته باشد و تنها میان قبرت قرار گیری و آنگاه روح‌ت به جانب تو برگردد و دو فرشته الهی؛ نکیر و منکر بدون اجازه بر تو وارد شوند تا از تو بازپرسی کنند و به سختی آزمونت نمایند. بدان که نخستین پرسش آنان از تو درباره پروردگارت است که تو را می‌پرستی و از پیغمبرت که به سوی شما فرستاده شده و از دینی که پذیرفته بودی و از قرآنی که می‌خواندی! و از امامی که پیرو او بودی و از عمرت که در چه راهی سپری کردی و از مال و ثروت که از کجا آوردی و در کجا صرف و خرج کردی، بنابراین بر حذر باش و پیش از موعد امتحان و پرسش و آزمون، پاسخ را آماده کن، اگر مؤمن و عارف به حق دین و پیرو امامان راستگو و دوست اولیای خدا باشی خداوند متعال حجت خود را بر تو القا کند و زبانت را به حق بگشاید و پاسخ نیکو دهی و به بهشت و رضوان خدا مژده دهندت و فرشتگان الهی با روح و ریحان از تو استقبال کنند و اگر چنین نباشی زبانت به لکنت افتد و دلیل و برهانت هیچ و پوچ باشد و از پاسخ با زمانی و مژده دوزخ دریافت کنی و فرشته‌های عذاب با آب جوشان و آتش فروزان دوزخ پذیرایت گردند...»

«و اعلم یا ابن آدم أن ما وراء هذا- یعنی السؤال فی القبر- أعظم، و اضعف، و أوجع للقلوب یوم القیامة ذلك یوم مجموع له الناس، و ذلك یوم مشهود، یجمع الله فیہ الأولین و الآخرین، یوم ینفخ فی الصور، و یبعث فیہ القبور، ذلك یوم الآزفة إذ القلوب لیدی الحناجر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۵

کاظمین، ذلك یوم لا تقال فیہ عثرة، و لا تؤخذ من أحد فدیة، و لا تقبل من أحد معذرة، و لا لأحد فیہ مستقبل توبه، لیس إلا الجزاء

بالحسنت، و الجزاء بالسیئات، فمن كان من المؤمنین عمل فی هذه الدنيا مثقال ذره من خیر و جده، و من كان من المؤمنین عمل فی هذه الدنيا مثقال ذره من شر و جده.»

(۱) «ای فرزند آدم! بدان که به دنبال این روز- یعنی پرسش در قبر- رستاخیز است که بزرگتر و هراسناکتر است و دلها را بیشتر به درد آورد؛ روزی که مردم در آن روز جمع شوند و روزی دیدنی است، خدای متعال در آن روز مردم اولین و آخرین را گرد آورد روزی که در صور دمیده شود و هر که در میان قبرهاست بیرون آورده شود، آن است روز قیامت، آن هنگامی که دلها در سینه و حنجره‌ها بتپد، در حالی که نفسها بند آمده است آن روزی است که از هیچ لغزشی نگذرند و از هیچ کس به عوض غرامت نپذیرند و از احدی عذر و بهانه قبول نکنند و برای کسی جای توبه نماند و جز پاداش کارهای نیک و کیفر اعمال بد، چیز دیگری در کار نیست؛ هر که مؤمن بوده و در این دنیا به قدر ذره‌ای کار نیک انجام داده، نتیجه آن را ببیند و هر که بازهم مؤمن بوده و به اندازه ذره‌ای کار بد مرتکب شده است آن را دریابد.»

«فاحذروا أيها الناس من الذنوب و المعاصی ما قد نهاکم عنها، و حذر کموها فی الکتاب الصادق، و البیان الناطق، و لا تأمنوا مکر الله و تدمیره عند ما یدعوکم الشیطان اللعین إلیه من عاجل الشهوات و اللذات فی هذه الدنيا، فإن الله یقول: إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْتَعِرُونَ ﴿۱﴾ و أشعروا قلوبکم خوف الله، و تذکروا ما قد وعدکم فی مرجعکم إلیه من حسن ثوابه،

(۱) سوره اعراف / ۲۰۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۶

کما قد خوفکم من شدید عقابه، فإنه من خاف شیئا حذره، و من حذر شیئا ترکه، و لا تکنوا من الغافلین المائلین إلی زهره الحیاة الدنيا، الذین مکروا السيئات، و قد قال الله تعالی: أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ\* أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ ﴿۱﴾ فاحذروا ما حذرکم الله بما فعل بالظلمة فی کتابه، و لا- تأمنوا أن ینزل بکم بعض ما توعد به القوم الظالمین، فی کتابه، لقد وعظکم الله بغيرکم، و إن السعید من وعظ بغيره، و لقد اسمعکم الله فی کتابه ما فعل بالقوم الظالمین من أهل القرى قبلکم حیث قال: وَ أَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخِرِينَ ﴿۲﴾ و قال: فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّ سَنًا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿۳﴾ یعنی یهربون. قال: لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إلی ما أْتَرَفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْتَمَلُونَ ﴿۴﴾ فلما أتاهاهم العذاب قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۵﴾ فإن قلت أیها الناس: إن الله إنما عنی بهذا أهل الشرك، فكيف ذاك؟ و هو یقول: وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنا حَاسِبِينَ. ﴿۶﴾

(۱) «ای مردم! از گناهان و معاصی که خداوند شما را از آنها نهی کرده و در کتاب صادق و بیان ناطق خویش از آنها بر حذر داشته است، دوری کنید و از مکر و هلاک ساختن خدا شما را در امان نباشید، وقتی که شیطان لعین شما را بدانها می‌خواند و به شهوت‌های نقد و لذت‌های موجود این دنیا

(۱) سوره نحل / ۴۵، ۴۷.

(۲-۳-۴-۵) سوره انبیاء / ۱۱-۱۴.

(۶) سوره انبیاء / ۴۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۷

سوق می‌دهد (غافل مباشید) زیرا خداوند می‌فرماید: «راستی آن کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، چون شیطان و لگردی به آنها

برخورد، به خود آیند و بناگاه بینا شوند» دل خود را از ترس خدا آکنده کنید و به یاد آورید که خدای متعال در برگشت شما به پیشگاه او چه اجر و ثواب خوبی به شما وعده داده است همان گونه که شما را از عذاب دردناکش بیم داده، زیرا هر که از چیزی می‌ترسد، از آن دوری می‌کند و هر که از چیزی بر حذر باشد آن را ترک می‌گوید از غافلان مباشید که به درخشش زندگی دنیا گرایش دارند، آنان که با کردارهای ناپسند نیرنگ زدند و خدای تعالی درباره آنان فرمود: «آیا ایمنند کسانی که نیرنگ بدکرداری زدند از این که خدا به زمینشان فرو برد، یا از آنجا که نفهمند عذاب بر سرشان آید و یا در حالی که سرگرم کارند آنها را بگیرد و نتوانند از خود دفاع کنند و یا آنان را در ترس و هراس مبتلا کند.» بر حذر باشید از آنچه خدایتان بر حذر داشته و از آنچه با ستمگران کرده و در قرآن کریمش بیان فرموده است و در امان نباشید از این که به شماها نیز آن عذابها نازل گردد؛ برخی از آنچه مردم ستمگر را بدان تهدید کرده است. خداوند در قرآن کریم خود، شما را به وضع دیگران پند داده است و خوشبخت کسی است که به وضع دیگری پند گیرد، و براستی خداوند در قرآنش، آنچه را که با مردم ستمگر از اهل آبادیهای پیش از شما کرده به گوش همگان رسانده است آنجا که فرموده است: «و آفریدیم پس از آن مردمی دیگر را» و فرمود: «چون عذاب ما را حس کردند ناگاه از آن بدر می‌رفتند» یعنی می‌گریختند، فرمود: «فرار نکنید، برگردید به آن خوشگذرانها و به جایگاههای خویش! شاید از شما پرسشی بشود» و چون عذاب بر آنها نازل شد «گفتند وای بر ما، براستی که ما ستمکار بودیم»، اگر ای مردم، شما بگویید که مقصود خدای متعال از اینها مشرکان است چگونه چنین است در حالی که می‌فرماید: «روز قیامت ترازوی عدالت در میان نهیم و به هیچ کس ستمی نشود، و اگر هم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۸

به وزن یک ذره باشد آن را به میان آوریم و همین قدر بس که ما خود حسابرس باشیم.»

«اعلموا عباد الله أن أهل الشرك لا- تنصب لهم الموازين، و لا تنشر لهم الدواوين، و إنما يحشرون إلى جهنم زمرا، و إنما تنصب الموازين، و تنشر الدواوين لأهل الإسلام، فاتقوا الله عباد الله، و اعلموا أن الله تعالى لم يحب زهرة الدنيا لأحد من أوليائه، و لم يرغبهم فيها، و في عاجل زهرتها، و ظاهر بهجتها، فإنما خلق الدنيا، و خلق أهلها ليلوهم فيها أيهم أحسن عملا لآخرته، و أيم الله لقد ضربت لكم فيه الأمثال، و ضربت الآيات لقوم يعقلون، فكونوا أيها المؤمنون من القوم الذين يعقلون، و لا قوة إلا بالله، و ازهدوا فيها، زهدكم الله فيه من عاجل الحياه الدنيا، فإن الله يقول:- و قوله الحق- «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْمَأْرُضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ، حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا، وَ أَزْيَنْتْ، وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهَا قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۱) و لا تركنوا إلى الدنيا، فإن الله قال لمحمد (ص): «و لا- تركزنوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار» (۲) و لا تركنوا إلى هذه الدنيا و ما فيها ركون من اتخاذها قرارا، و منزل استيطان، فإنها دار قلعه، و منزل بلغه، و دار عمل، فتزودوا الأعمال الصالحة، قبل تفرق أيامها، و قبل الأذن من الله في خرابها، فكان قد أخرجها الذي عمرها، أول مرة، و ابتدأها، و هو ولي ميراثها، و أسأل الله لنا و لكم العون على تزود التقوى، و الزهد في الدنيا، جعلنا الله و إياكم كم الزاهدين في عاجل هذه الحياه الدنيا،

(۱) سوره يونس / ۲۴.

(۲) سوره هود / ۱۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۹۹

الراغبين في أجل ثواب الآخرة فإنما نحن له و به، و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته ...» (۱)

(۱) «ای بندگان خدا بدانید که برای مشرکان نه ترازویی در کار است و نه نامه اعمال، و محققا بی حساب گروه گروه به دوزخ

روند و همانا ترازو و نامه اعمال برای مسلمانان است. ای بندگان خدا از خدا بترسید و بدانید که خدای تعالی شکوفایی دنیا را برای هیچ کس از دوستانش نمی‌پسندد و آنان را به دنیا و شکوفایی دنیا و خرمی آن تشویق نکرده است و برآستی دنیا و خلق آن را برای آزمایش آفریده است که کدام یک نیک‌کردارترند و برای آخرتشان بهتر عمل می‌کنند و به خدا سوگند که درباره آن برای مانند شما مثلها زده شده و آیاتی (در قرآن) برای خردمندان آمده است، پس ای مؤمنان، از آن مردمانی باشید که خردمندند، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدا و از آنچه خداوند شما را ترغیب فرموده - یعنی این زندگی نقد دنیای گذرا - دوری گزینید زیرا که خدای متعال فرموده، و گفته‌اش درست است: «همانا مثل زندگی این دنیا چون آبی است که از آسمان فرود می‌آوردیم و با آن گیاه زمین درآمیزد که مردم و چهارپایان بخورند و همین که زمین بر و بارش را گرفت و آراسته گشت و مردمش پنداشتند که بر آن تسلط دارند، در شب یا روزی فرمان ما برسد و آنها را درو کنیم، بگونه‌ای که گویی دیروز هم نبوده است همچنین آیات را شرح و تفصیل دهیم برای مردمانی که می‌اندیشند.» و به دنیا تکیه نکنید زیرا که خدای متعال به حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - فرمود: «به»

(۱) تحف العقول: ص ۲۴۹ - ۲۵۲، امالی شیخ طوسی: ص ۳۰۱، روضه کافی: ص ۱۶۰، امالی صدوق: ص ۳۵۶، تنبیه الخواطر ابن ورام\*: ص ۲۲۵ و بحار الانوار: ۱۷/۱۷ چاپ اول.

نگارنده این کتاب نفیس را به توفیق الهی ترجمه کرده‌ام و با نام «اخلاق و آداب اسلامی» در دو مجلد توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۹ به طبع رسیده است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۰

آنانی که ستمگرند تکیه نکنید تا آتش دوزخ شما را فراگیرد.» به این دنیا اعتماد نکنید؛ به این دنیا و هر چه در آن است همانند تکیه کردن کسی که آن را خانه دائمی و وطن همیشگی خود ساخته باشد زیرا دنیا خانه کوچ است و منزلی گذرا و خانه عمل است، شما در این دنیا از اعمال شایسته توشه برگیرید پیش از آن که روزگارش پراکنده شود و از هم بپاشد و خداوند اجازه ویرانی آن را بدهد و آن که او را از اول آباد کرده و آفریده، ویرانش کند و او بماند و زمین! و از خداوند برای خود و شما مسألت دارم که بر توشه‌برداری از تقوا و پارسایی در دنیا به ما کمک کند، خداوند ما و شما را از پارسایان نسبت به نقد این دنیا قرار دهد و از راغبان و مشتاقان به اجر و ثواب آینده سرای آخرت، مقرر فرماید، برآستی که ما از آن اویم و به نیروی او زنده‌ایم و درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد! ...»

(۱) این موعظه ارزنده، تصویر کشنده و هولناکی از مناظر روز قیامت را می‌دهد که در آن روز هیچ لغزشی قابل بخشش نیست و از هیچ کس عوض پذیرفته نمی‌شود بلکه هر کسی کیفر عمل خود را می‌بیند؛ اگر اعمالش نیک باشد پاداش نیک و اگر بد باشد کیفر بد آن را می‌بیند، پس در آن روز هیچ راه نجاتی از عذاب خدا برای انسان وجود ندارد جز به وسیله عمل صالح و آن است که آدمی را از هول و هراسهای روز قیامت و مناظر بیمناکش نجات می‌دهد.

امام علیه السلام از ارتکاب معاصی و گناهان و پیروی از شهواتی که انسانها را دچار شرّ بزرگی کند، بر حذر داشته است همان گونه که از راه و رفتار به روش ستمکاران بر حذر داشته است زیرا که خدای تعالی کیفر و عذاب قاطع خود را به ایشان نازل کرده و ایشان را نابود ساخته و شهر و دیار ایشان را ویران ساخته و به آنان عذاب ستم‌پیشگان را چشاند است.

به مطلب دیگری که در این موعظه ارزنده اهمیت زیادی داده شده است

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۱

عبارت از ترازوهای قسط و عدل است که روز قیامت فقط برای مسلمانان نصب می‌شود و اما کسانی که کافرند نامه اعمالشان

گشوده نشود و ترازوها گمارده نگردد بلکه گروه گروه به سمت جهنم رانده شوند.

(۱) ۸- از جمله مواظپ‌های امام علیه السلام این موعظه جالب و مؤثر است که با عبارات ذیل نقل شده است:

«كفانا الله، و إياكم الظالمين، و بغى الحاسدين، و بطش الجبارين، أيها المؤمنون لا يفتننكم الطواغيت و أتباعهم من أهل الرغبة في الدنيا، المائلون إليها، المفتونون بها، المقبلون عليها، و على حطامها الهامد و هشيمها البائد غدا، و احذروا ما حذرکم الله منها، و ازهدوا فی ما زهدکم الله فيه فيها، و لا ترکوا إلى ما فی هذه الدنيا ركون من اعدھا دارا و قرارا، و بالله إن لكم مما فيها دليلا من زينتها و تصريف أيامها، و تغييرا نقلا بها، و مثلاتها، و تلاعبها بأهلها، إنها لترفع الخميل، و تضع الشريف، و تورد النار أقواما غدا، ففي هذا معتبر و مختبر و زاجر لمتنبه، و إن الأمور الواردة عليكم في كل يوم و ليلة من مظلمات الفتن، و حوادث البدع، و سنن الجور، و بوائق الزمان، و هيبة السلطان و وسوسة الشيطان، لتثبط القلوب عن نيتها، و تذهلها عن موجود الهدى، و معرفة أهل الحق إلا قليلا ممن عصم الله، و نهج سبيل الرشده، و سلك طريق القصد، ثم استعان على ذلك بالزهد، فكرر الفكر، و اتعظ بالعبر، و ازدجر، فزهد في عاجل بهجة الدنيا، و تجافى عن لذاتها، و رغب في دائم نعيم الآخرة، و سعى لها سعيها، و راقب الموت، و شنأ الحياة مع القوم الظالمين، فعند ذلك نظر إلى ما في الدنيا بعين نيرة، حديده النظر، و ابصر حوادث الفتن، و ضلال البدع، و جور الملوک الظلمة، فقد- لعمری- استدبرتم من الأمور الماضية في الأيام الخالية من الفتن المتراکمة، و الانهماك فيها، ما تستدلون به على تجنب الغواة و أهل البدع و البغى و الفساد في الأرض بغير

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۲

الحق، فاستعينوا بالله، و ارجعوا إلى طاعنه، و طاعة من هو أولى بالطاعة من طاعة من اتبع و اطيع.»

(۱) «خداوند توطئه ستمگران و تجاوز حسودان و سختگیری زورگویان را از ما و شما کفایت کند، ای گروه مؤمنان مبادا سرکشان و پیروانشان که به دنبال دنیابند و دلداده آند شما را از حق برگردانند، آنان که فریب خورده دنیابند و بدان متاع پوسیده و نشخوارش که بزودی نابود می گردد روی آورده اند. و باید شما از آنچه خدایان بر حذر داشته است برحذر باشید و در آنچه که خداوند شما را از آنها، برکنار داشته، برکنار باشید، مبادا شما بدانچه در این دنیاست اعتماد کنید مانند اعتماد کسی که آن را خانه همیشگی و قرارگاه جاودانه خود دانسته است. به خدا سوگند که از آنچه در دنیاست برای شما دلیل و حجت است که این خود آرایبی و این گذشت روزگارش و دگرگونی و انقلابش و عبرتها و بازیگریهایش با کسانی که دلباخته و در پی اویند خود دلیل روشنی است، برآستی این که دنیا آدم گمنام فرومایه را بلند آوازه و شخص شرافتمند را پست می سازد و مردمانی را فردای قیامت به آتش دوزخ می کشاند، در همه اینها برای آدم آگاه، عبرت و آزمایش و بازدارندگی از دنیاست و برآستی که این همه پیشامدها که هر روز و هر شب بر شما رخ می دهد از تیرگیهای فتنه و آشوبها و بدعتهای تازه و راه و روشهای خلاف حق و ناگواریهای روزگار و هیبت پادشاهان و وسوسه شیطان دلها را از هدف خیر بازمی دارد و از هدایت موجود بی خود می سازد و از معرفت حق بازمی دارد، بجز اندکی از آنان که خداوند عز و جل آنان را نگاه می دارد، کسی بخوبی انقلابات روزگاران و دگرگونی حالات و انجام زیانبار فتنه هایش را نفهمد مگر آن که خدایش نگهدارد و به راه درست برود و راه عدل و داد را بیامید و بازهم با پارسایی بر این امر کمک جوید و پیوسته بیندیشد و از عبرتها پند گیرد و بازایستد و از شکوفایی نقد دنیا کناره گیرد و از لذاتش دوری جوید و به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۳

نعمت زوال ناپذیر آخرت رو آورد و تا تواند برای آن بکوشد و مرگ را در نظر داشته باشد و زندگی با مردم ستمگر را دشمن بدارد، در این صورت است که به دنیا با دیده روشن و تیزی بینی بنگرد و فتنه های نورس و بدعتهای گمراه کننده و جور و ستم پادشاهان ستمگر را خوب درک کند. به جان خودم سوگند شما از امور گذشته روزگاران پیش که فتنه های درهم و آلودگی بدانها داشته به قدری در پشت سر گذاشته اید و دیده اید که می تواند راهگشای شما باشد برای کناره گیری از گمراهان و از اهل

بدعت و ستم و فساد بناحق در روی زمین، بنابراین از خدا یاری بطلبید و به طاعت او روی آورید و نیز به طاعت کسی که اطاعتش سزاوارتر است از طاعت آن که مردم به دنبالش روند و فرمان او را ببرند.»

«فالحذر الحذر من قبل الندامة والحسرة، والقدم على الله، والوقوف بين يديه، وتالله ما صدر قوم قط عن معصية الله إلا إلى عذابه، وما آثر قوم قط الدنيا على الآخرة إلا -سَاءَ منقلبهم، و ساء مصيرهم، و ما العلم بالله و العمل بطاعته إلا إلفان مؤتلفان، فمن عرف الله خافه، فحثة الخوف على العمل بطاعة الله، و إن أرباب العلم و أتباعهم، الذين عرفوا الله فعملوا له، و رغبا إليه و قد قال الله: «إنما يخشى الله من عباده العلماء» (۱) «فلا تلتمسوا شيئا في هذه الدنيا بمعصية الله، و اشتغلوا في هذه الدنيا بطاعة الله، و اغتنموا أيامها، و اسعوا لما فيه نجاتكم غدا من عذاب الله، فإن ذلك أقل للتبعة، و أدنى من العذر، و أرجى للنجاة، فقدموا أمر الله و طاعته و طاعة من أوجب الله طاعته بين يدي الأمور كلها، و لا تقدموا الأمور الواردة عليكم من طاعة الطواغيت، و فتنة زهرة الدنيا بين يدي أمر الله، و طاعته، و طاعة أولى الأمر منكم، و اعلموا أنكم عبيد الله، و نحن معكم، يحكم علينا

(۱) سوره فاطر / ۲۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۴

و عليكم سيد حاكم غدا، و هو موقفكم، و مسائلكم، فاعدوا الجواب، قبل الوقوف و المساءلة و العرض على رب العالمين، يومئذ لا تكلم نفس إلا باذنه، و اعلموا أن الله لا يصدق كاذبا، و لا يكذب صادقا، و لا يرد عذر مستحق، و لا يعذر غير معذور، بل لله الحجة على خلقه بالرسول و الأوصياء بعد الرسل، فاتقوا الله و استقبلوا من اصلاح أنفسكم، و طاعة الله و طاعة من تولونه فيها، لعل نادما قد ندم على ما فرط بالأمس في جنب الله، و ضيع من حق الله، و استغفروا الله و توبوا إليه فإنه يقبل التوبة، و يعفو عن السيئات، و يعلم ما تفعلون، و إياكم و صحبة العاصين، و معونة الظالمين، و مجاورة الفاسقين، احذروا فتنتهم و تباعدوا من ساحتهم، و اعلموا أنه من خالف أولياء الله، و دان بغير دين الله، و استبد بأمره دون أمر ولي الله، في نار تلتهب، تأكل أبدانا، قد غابت عنها أرواحها، غلبت عليها شقوتها، فهم موتى لا يجدون حر النار، فاعتبروا يا أولى الأبصار، و احمدا الله على ما هداكم، و اعلموا أنكم لا تخرجون من قدرة الله إلى غير قدرته، و سيرى الله عملكم ثم إليه تحشرون، فانتفعوا بالعظة، و تأدبوا بآداب الصالحين...» (۱)

(۱) «پس زنهار! زنهار! پیش از پشیمانی و افسوس و رفتن از دنیا و در پیشگاه خدا ایستادن، به خدا سوگند که هرگز هیچ مردمی از فرمان خدا سرپیچی نکردند مگر آن که به سوی عذاب او شتافتند و هیچ مردمی دنیا را به آخرت ترجیح ندادند جز این که سرانجام کارشان بد بود و بدفرجام شدند، علم و عقیده به خدا با اطاعت او توأم است؛ هر که خدا را بشناسد از او بترسد، پس ترس از او، وی را به کار وادارد و همانا عارفان به خدا و پیروانشان همان کسانی هستند که خدا را شناختند و برای او کار کردند و

(۱) تحف العقول: ص ۲۵۲-۲۵۵، امالی مفید: ص ۱۱۷، روضه کافی: ص ۱۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۵

به او روی آوردند و خدا نیز فرموده است: «همانا بندگان دانا، خدا ترسند.» در این دنیا چیزی را از راه نافرمانی خدا طلب نکنید و همواره به طاعت خدا مشغول باشید و ایام زندگی خود را غنیمت شمارید و بکوشید برای آنچه که فردای قیامت شما را از عذاب خدا نجات می دهد زیرا این راه و روش کمتر مسئولیت دارد و به عذر نزدیکتر است و امید بر نجاتش بیشتر است، پس شما طاعت خدا و طاعت کسانی را که خداوند اطاعت آنها را واجب گردانیده است بر همه چیز مقدم بدارید و کارهایی که به شما پیشنهاد می شود از فرمانبری سرکشان و فریفته شدن به ظاهر خیره کننده دنیا بر امر و طاعت خدا و طاعت ولی امر خود مقدم ندارید و بدانید که شما بندگان خدا هستید و ما نیز با شما بنده او هستیم، بر ما و شما فردای قیامت سروری حاکم است و او شما را بازداشت کند و



از شما بازپرسی نماید، اکنون شما پیش از آن که بازداشته شوید و پیش از پرسش و عرضه بر پروردگار جهانیان پاسخ آن روز را آماده کنید و آن روز هیچ کس قادر بر سخن گفتن نیست مگر با اجازه پروردگارش و بدانید که خداوند سخن دروغگو را تصدیق نکند و راستگو را تکذیب ننماید. عذر و بهانه بجا را رد نکند و عذر و بهانه بی جا را نپذیرد بلکه خداوند با فرستادن پیامبران و اوصیای بعد از آنان حجت را بر خلق خود تمام کرده است. از خدا بترسید و به اصلاح خود همت گمارید و نیز به اطاعت خدا و اطاعت امام خویش گرایید شاید کسی از تقصیر دیروزش در راه خدا و تضييع حق خدا پشیمان باشد، بنابراین از خدا آمرزش بطلبید و به درگاهش توبه کنید زیرا او توبه‌پذیر است و از کردارهای بد بندگانش بگذرد و می‌داند که شما چه می‌کنید. زنه‌ار از همنشینی با گنهکاران و یاری ستمگران و همجواری با فاسقان، از فتنه آنان برحذر باشید و از آستان ایشان دوری کنید و بدانید هر که با اولیای خدا مخالفت کند و بجز دین خدا آیینی را بپذیرد و به امر هوای نفس خویش در برابر فرمان ولی خدا، خودسری و تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۶

گردن‌کشی کند در آتشی در افتد که شعله‌ور است؛ بدن‌ها را بخورد که روحشان بیرون شده و بدبختی بر آنها چیره گشته است، آنان مردگانی باشند که سوزش آتش را درک نکنند، پس ای صاحب‌دلان عبرت بگیرید و خدا را سپاس گوید بر این که شما را هدایت کرده است و بدانید که شما از قلمرو قدرت خدا نمی‌توانید به جای دیگر بیرون روید و محققاً خداوند به عمل شما می‌نگرد و سپس به سوی او محشور می‌شوید از پند و موعظه بهره‌مند شوید و به آداب نیکان و شایستگان مؤدب شوید.»

(۱) این موعظه از برجسته‌ترین مواعظ امام زین‌العابدین علیه السلام است چه آن که امام علیه السلام در این موعظه به دعوت بر پارسایی در دنیا و عمل برای آخرت بسنده نکرده است بلکه پیمانهای سیاسی و اجتماعی را نیز بیان فرموده و مشتمل بر نکات ذیل است:

(۲) ۱. برحذر داشتن از پیروی طاغوتها و دنباله‌روان ایشان از آن کسانی که فریفته حب دنیا بوده و به زینتها و خرمیهای آن گول خورده‌اند، زیرا که این افراد همگی از شبکه خرابکارانند که بر ضد مصالح اجتماعی و برای گسترش ظلم و فساد در روی زمین کار می‌کنند.

(۳) ۲. نکوهش دنیا و بدگویی از طبیعت دنیا که از آن جمله است:

الف- گمنامان فرومایه را بلند کند.

ب- آزادگان و شرافتمندان را خوار سازد.

ج- گروههایی از مردم را به دلیل منحرف ساختنشان از راه، به آتش دوزخ می‌اندازد.

و هرگاه طبیعت دنیا چنین است که فرومایگیها را برقرار و با نیروهای خیر در ستیز است پس بهتر آن که از آنها دوری گزیده و از تمایلات آن کناره‌گیری کنند و در راه رسیدن به نعمتهای اخروی بکوشند.

(۴) ۳. اظهار ناراحتی امام از آنچه که امت در زمان آن حضرت با انواع

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۷

آشوبها و فتنه‌های ظلمانی و حوادث تازه و سنتهای جور و ظلم طاقت‌فرسا و کشنده از طرف حکومت اموی مواجه بودند، حکومتی که همه آن دیار را غرق ظلم و آشوب و ستم کرده بود و این حوادث بر امت دشوار بود زیرا که دلها را ناامید و از نیات و امیدواریهایشان مأیوس می‌کرد و از راه حق و هدایت منحرف می‌ساخت.

(۱) ۴. دعوت به اطاعت خدا و اطاعت امامان حق و هدایت که مردمان را به راه نجات می‌بردند و به صراط مستقیم رهبری می‌کردند، امامانی که تجسم اراده و ایمان امت بودند و هر چه زمینه عزت و کرامت بود برای ایشان فراهم می‌کردند، همچنان که امام علیه السلام بر تمرد از فرمان رهبران جور و سردمداران ظلم و ستم و یاری و همکاری نکردن با ایشان دعوت فرموده است.

(۲) ۵. وادار ساختن بر تقوای الهی و اطاعت خداوند که بدان وسیله زندگانی انسان شکوفا گشته و راه و رفتارش استوار می‌گردد. این بود برخی از محتویات این موعظه شریفه که مشتمل بر امور دینی و شئون سیاسی است.

(۳) ۹- از جمله مواظظ ارزشمنندی که امام زین العابدین علیه السلام در آن از صفات پارسایان سخن گفته به شرح ذیل است: «إن علامة الزاهدین فی الدنیا، الراغبین فی الآخرة، ترکهم کل خلیط، و خلیل، و رفضهم کل صاحب لا یرید ما یریدون، إلا و أن العامل لثواب الآخرة هو الزاهد فی عاجل زهرة الدنیا، الآخذ للموت أهبتة، الحاث علی العمل قبل فناء الأجل، و نزول ما لا بد من لقاءه، و تقدیم الحذر قبل الحین فإن الله عز و جل یقول: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» (۱) فلینزلن أحدکم الیوم نفسه فی هذه الدنیا کمنزلة المکرور إلی الدنیا،

(۱) سوره مؤمنون / ۱۰۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۸

النادم علی ما فرط فیها من العمل الصالح لیوم فاقته، و اعلموا، عباد الله، أنه من خاف البیات تجافی عن الوساد، و امتنع من الرقاد، و امسک عن بعض الطعام و الشراب، من خوف سلطان أهل الدنیا، فکیف، و یحک یا ابن آدم، من خوف بیات سلطان رب العزة، و أخذہ الألیم و بیاتہ لأهل المعاصی و الذنوب، مع طوارق المنایا باللیل و النهار، فذلک البیات الذی لیس فیہ منجی، و لا دونه ملتجأ، و لا- منه مهرب، فخافوا الله، أیها المؤمنون من البیات، خوف أهل التقوی فأن الله یقول «ذَلِکَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِی وَ خَافَ وَعِیدِ» (۱) فاحذروا زهرة الحیاة الدنیا و غرورها و شرورها، و تذکروا عاقبة المیل إلیها فإن زینتها فتنه، و حباها خطیئة.»

(۱) «براستی نشانه پارسایان در دنیا و مشتاقان به آخرت ترک هر معاشر و دوست و هر همصحبتی است که با آنها هماهنگ نیستند. بدانید آن که برای آخرت کار کند همان است که به نقد دنیا دل نبسته و آماده برای سفر آخرت است و پیش از گذشتن عمر و آمدن مرگ- که هیچ گریزی از آن نیست- به کار آخرت مشغول است و پیش از فرا رسیدن مرگ بر حذر است، زیرا که خدای عز و جل فرموده است: «همین که مرگ یکی از ایشان فرا رسد گوید پروردگارا مرا به دنیا برگردان تا شاید کارهای خوبی که ترک کرده‌ام به جا آورم.» باید هر کس خود را در این دنیا چنان پندارد که مرده است و دوباره به دنیا بازگشته و از تقصیر در عمل شایسته برای فردای قیامت پشیمان است. ای بندگان خدا بدانید هر که از حمله ناگهانی مرگ می‌ترسد باید از بستر گرم پهلوی تهنی کند و از خواب خود بگذرد و از ترس تسلط اهل دنیا از بعضی خوردنی و نوشیدنی خود صرف نظر کند ای

(۱) سوره ابراهیم / ۱۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۰۹

فرزند آدم وای بر تو از شیخون سلطان رب العزة و گرفتن عذاب دردناک و شب گیرش؛ اهل معصیت و گنهکاران را به وسیله مرگهای ناگهانی که در شب یا روز نابهنگام می‌رسد این همان شیخونی است که هیچ راه گریزی و پناه و مفری ندارد ای گروه مؤمنان از این شیخون چنان بترسید که اهل تقوا می‌ترسند، زیرا که خدای متعال فرموده است: «این است برای کسی که از مقام من و از وعده عذابم بترسد.» از خوشی فریبکاری و شرور دنیا برحذر باشید و عاقبت گرایش به دنیا را به یاد آورید که زیورش فریب و دل بستگی گناه است ...»

«و اعلم و یحک یا ابن آدم أن قسوة البطنه، و فطرة المیلة، و سکر الشبع، و عزة الملک مما ینبط، و یبطی عن العمل، و ینسی الذکر، و یلهی عن اقتراب الأجل، حتی کأنَّ المبتلی بحب الدنیا به خبل من سکر الشراب، و إن العاقل عن الله، الخائف منه، لیمرن نفسه، و یعودها الجوع حتی ما تشاق إلی الشبع، و کذلک تضمیر الخیل لسبق الرهان.»

(۱) «ای فرزند آدم بدان وای بر تو که پری شکم و تمایلات فراوان و سرمستی بسیار و عزت ملک و قدرت از چیزهایی است که انسان را از عمل بازمی‌دارد و ذکر خدا را از یاد می‌برد و از نزدیک بودن مرگ غافل می‌سازد، بطوری که گویا آن که گرفتار حبّ دنیاست از مستی باده دیوانه است و براستی کسی که خداشناس و خداترس است و برای او کار می‌کند، خود را به ریاضت وادار کرده و به گرسنگی عادت می‌دهد تا شوق سیری از دل او برود و پیش افتادن در مسابقات اسبان این چنین میسر می‌گردد.

«فاتقوا الله عباد الله تقوی مؤمل ثوابه، و خائف عقابه، فقد اعذر الله تعالی و انذر، و شوق، و خوف، فلا أنتم إلی ما شوقکم إلیه من کریم ثوابه تشتاوقن فتعملون، و لا أنتم مما خوفکم من شدید عقابه، و الیم عذابه، ترهبون، فتنکلون، و قد نبأکم الله فی کتابه أنه «من یعمل من

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۰

الصّالحات، و هو مؤمن فلا کفران لیسعیه و إنا له کاتبون» (۱) ثم ضرب لکم الأمثال فی کتابه، و صرف الآیات لتحذروا عاجل زهره الحیاء الدنیا، فقال: «إنما أموالکم و أولادکم فتنة و الله عنده أجر عظیم» (۲) فاتقوا الله ما استطعتم، و اسمعوا، و أطیعوا ... فاتقوا الله و اتعظوا بمواعظ الله، و ما اعلم إلا کثیرا منکم قد نهکته عواقب المعاصی فما حذرها، و اضرت بدینه فما مقتها، أما تسمعون النداء من الله بعینها و تصغیرها حیث قال: «اعلموا أنما الحیاء الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الأموال و الأولاد کمثل غیث أعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مضیماً ثم یكون حطاماً و فی الآخرة عذاب شدید و مغفرة من الله و رضوان و ما الحیاء الدنیا إلا متاع العرور\* سابقوا إلی مغفرة من ربکم و جنه عرضها کعرض السماء و الأرض أعدت للذین آمنوا بالله و رسله ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم» (۳) و قال:

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظرنفس ما قدمت لعد و اتقوا الله إن الله خبیر بما تعملون\* و لا تكونوا کالذین نسوا الله فأنساهم أنفسهم أولئک هم الفاسقون» (۴) فاتقوا الله عباد الله، و تفکروا و اعلموا لما خلقتم له، فإن الله لم یخلقکم عبثاً و لم یترکم سدی، قد عرفکم نفسه، و بعث إلیکم رسوله، و انزل علیکم کتابه فی حلاله و حرامه، و حججه و أمثاله، فاتقوا الله فقد احتج علیکم ربکم فقال: «ألم نجعل له عینین\* و لساناً و شفقتین\* و هدیناه النجدين» (۵) فهذه حجة علیکم، فاتقوا الله ما استطعتم فإنه لا قوة إلا بالله، و لا تتکلوا إلا علیه و صلی الله

(۱) سوره انبیاء / ۹۴.

(۲) سوره تغابن / ۱۹.

(۳) سوره حدید / ۲۰، ۲۱.

(۴) سوره حشر / ۱۸، ۱۹.

(۵) سوره بلد / ۸ - ۱۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۱

علی محمد و آله ...» (۱)

(۱) «ای بندگان خدا از خدا بترسید همچون ترسیدن آرزومند به ثواب و بیمناک از عقاب و کیفر الهی، براستی که شما در برابر اتمام حجت شدید او قرار گرفته‌اید و او شما را تشویق کرده و بیم داده است ولی نه شما به اجر و پاداش ارزنده‌اش که بدان تشویقتان کرده مشتاقید و برای آن کار می‌کنید و نه از عقاب سخت و عذاب دردناکش که شما را بیم داده می‌ترسید و برحذرید! و حال آن که خداوند در کتاب عزیز خود می‌فرماید: «هر کس که کار شایسته کند و مؤمن باشد کوشش او را ناسپاسی نکنیم و ما خود، او را اجر و پاداش مقرر می‌داریم.» سپس در قرآن کریمش برای شما مثلها زده و آیاتی آورده است تا از خوشی نقد دنیا

برحذر شوید، فرموده است: «همانا اموال و اولاد شما فتنه‌اند و خداست که اجر و مزد بزرگ در نزد اوست.» تا می‌توانید از خدا بترسید و از پند و مواعظش پند گیرید، من می‌دانم عواقب بد گناهان، بسیاری از شما را به ستوه آورده و بازهم از آنها خودداری نمی‌کنید و برای دینتان زیانبخش بوده است بازهم آنها را بد نمی‌دانید، آیا فریادها به گوش شما نمی‌رسد که خداوند آنها را حقیر می‌شمارد آنجا که می‌فرماید: «بدانید که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی و آرایش و افتخار شما به یکدیگر است و رقابت در افزونی اولاد و اموال، بمانند بارانی است که رویاندن آن باعث دلخوشی کفار است، و آنگاه پژمرده شود و بینی که زرد شده و سپس به صورت نشخوار گردد، و در آخرت عذاب سخت و یا آمرزش و رضوان از جانب خداست، این زندگی دنیا در برابر آخرت چیزی نیست مگر کالای فریبنده، بر یکدیگر پیشی گیرید به آمرزش از جانب پروردگار خویش و بهشتی که پهنایش به قدر آسمان و زمین است و آماده است برای کسانی

(۱) تحف العقول: ص ۲۷۲-۲۷۴، بحار الانوار: ۳۱۲/۱۷ چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۲

که به خدا و رسول گرویدند، این است لطف خدا به هر که بخواهد مرحمت کند و خداوند صاحب فضل بزرگی است.» و نیز فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بپرهیزید و باید هر کسی از شما بیندیشد که برای فردای خود چه پیش فرستاده است، از خدا بترسید زیرا که خدا بدانچه شما انجام می‌دهید آگاه است. و چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند هم آنان را از خودشان فراموشی داد، آنان همان گروه فاسقان و تبهکارانند.» ای بندگان خدا از خدا بترسید و بیندیشید و بدانچه که برای آن آفریده شده‌اید عمل کنید زیرا خداوند شما را بیهوده نیافریده است و سر خود وانگذاشته، خود را به شما شناسانده و پیامبر خود را به سوی شما فرستاده و کتاب خود را که حلال و حرامش در آن نوشته شده و حجتها و مثلهاش در آن آمده است به شما نازل کرده از خدا بترسید که پروردگار شما حجت را بر شما تمام کرده و فرموده است: «آیا برای او دو چشم نساختیم و یک زبان و دو لب خلق نکردیم؟ و او را به هر دو راه راهنمایی نکردیم؟» این حجت است بر شما تا می‌توانید از خدا بترسید زیرا هیچ توانی نیست جز به خدا و به غیر او توکل نکنید و درود خدا بر محمد و خاندان او باد.»

(۱) این موعظه ارزنده به صفات و ویژگیهای پارسایان اشاره کرده است، زیرا آنان بحق از بهترین خلق خداوند، دنیا آنان را نفریفته و زیورها و جاذبه‌های آن ایشان را فریب نداده است، آنان به سرای آخرت رو آورده‌اند و هر عملی را که باعث نزدیکی ایشان به خدا می‌شود، انجام می‌دهند به این ترتیب آنان در راه و رفتارشان و خوشرفتاری و گفته‌های نیکشان، سرمشق خوبی برای کسانی هستند که به راه ایشان بروند.

(۲) ۱۰- از مواعظ گرانقدری که امام علیه السلام به اصحاب خود می‌فرمود، این موعظه است:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۳

«أحبكم إلى الله أحسنكم عملا، و إن أعظمكم عند الله عملا أعظمكم في ما عند الله رغبة، و إن أنجاكم من عذاب الله أشدكم خشية لله، و إن أقربكم من الله أوسعكم خلقا، و إن أرضاكم عند الله أسبغكم على عياله، و إن أكرمكم على الله أتقاكم لله تعالى...» (۱)

«کسی محبوبترین شما نزد خداست که عملش از همه کس بهتر باشد و آن کسی از شما نزد خدا عملش بالاتر است که از همه کس به پاداش الهی راغب‌تر باشد، و آن کسی از عذاب خدا بهتر نجات پیدا می‌کند که از همه کس بیشتر خوف و خشیت الهی را در دل داشته باشد و خوش‌خوترین شما مقربترین شما در پیشگاه خداست و پسندیده‌ترین شما در نزد خدا کسی است که برای زندگی خانواده‌اش گشایش بیشتری فراهم آورد و گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست...»

(۱) امام علیه السلام، اصحابش را به صفات نیک و اعمالی که ذخیره آخرت باشد دستور داده و آنان را به چیزی راهنمایی فرموده که باعث نجات ایشان از عذاب الهی در سرای آخرت است و در این موعظه شریفه آدمیان را به امور ذیل واداشته است:

الف- اشتیاق و رغبت به اجر و مزد الهی خود از بزرگترین اندوخته‌هاست اما گرایش به دیگران، سرانجامش ناامیدی و زیانکاری است.

ب- خوف و خشیت از خدا انسان را از ارتکاب هر نوع جرم و گناهی منع می‌کند و نهال فضیلت و کرامت را در جان آدمی می‌نشاند.

ج- خوش‌خویی، براستی که تنها امتیاز انسان بر دیگر مخلوقات است و هرگاه آدمی فاقد اخلاق نیک باشد، انسانیت خود را از دست داده است.

د- گشایش بر اعضای خانواده، از اموری است که باعث گسترش انس

(۱) روضه کافی: ص ۱۵۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۴

و محبت میان افراد خانواده می‌گردد که خود خشت اول بنای اجتماع بشری است.

ه- تقوای الهی که از جمله وسایل امتیاز در جامعه اسلامی است، و در کلام خدا آمده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ». «۱»

(۱) ۱۱- و از جمله مواعظ امام علیه السلام به اصحابش، این است که فرمود:

«إن بين الليل والنهار روضة يرتع في رياضها الأبرار، و يتنعم في حدائقها المتقون، فادأبوا رحمكم الله في سهر هذا الليل بتلاوة القرآن في صدره، و بالتضرع و الاستغفار في آخره، و إذا ورد النهار فاحسنوا قراه بترك التعرض لما يرد لكم من محقرات الذنوب فإنها مشرفة بكم على قباح العيوب، و كأن الرحلة قد أظلتكم، و كأن الحادي قد حدا بكم، جعلنا الله و إياكم من أغبطه فهمه، و نفعه علمه...» «۲»

«همانا میان شب و روز سرزمین خرمی است که در باغهای آن نیکان در ناز و نعمت به سر می‌برند و پرهیزگاران در بوستانهای آن متنعمنند، بنابراین، خدا شما را بیامرزد، خویشتن را با بیدار خوابی در شب، اول شب به تلاوت قرآن و در آخر شب به زاری و استغفار، عادت دهید و چون روز فرا رسید، پذیرایی او را با عمل نکردن به گناهان کوچکی که پیش می‌آید نیکو بدارید زیرا که همین گناهان کوچک عیبهای بزرگ را بر شما مسلط می‌کنند و گویا شما در آستانه کوچ کردن و مسافرتید و گویا منادی کاروان شما را ندا در داده است خداوند، ما و شما را از کسانی قرار دهد که فهم و آگاهی او را خوشبخت و علم و دانشش بهره‌مند ساخته است...»

(۱) حجرات/ ۱۴: همانا گرمی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزگارتین شماست.

(۲) الدرّ النظیم: ص ۱۳۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۵

امام علیه السلام در دل تاریکی شب و روشنایی روز به اطاعت و عبادت خدا و دوری از ارتکاب گناهان و معاصی وادار و تشویق فرموده است بدان جهت که گناهان باعث فرو افتادن انسان در مهالک می‌گردد و دیری نمی‌پاید که از این زندگی جدا می‌شود و در پیشگاه خدای متعال حضور می‌یابد و آنگاه خداوند مطابق اعمالش به او جزا می‌دهد؛ اگر اعمالش نیکو باشد پاداش نیک، و اگر بد باشد کیفر و جزای بد می‌دهد.

(۱) ۱۲- از جمله مواعظ امام علیه السلام این موعظه است که در آن روی سخن، با نفس خود و خویشتن خویش است، و آن از مواعظی است که اعضای بدن را می‌لرزاند و دلها را به درد می‌آورد، می‌فرماید:

«یا نفس حتی م إلى الدنيا سکونک، و إلى عمارتها رکونک، أما اعتبرت بمن مضي من اسلافک، و من رواته الأرض من ألافک؟ و من فجعت به من اخوانک، و نقل إلى الثرى من اقرانک؟ فهم فی بطون الأرض بعد ظهورها، محاسنهم فیها بوال دواثر.

خلت دورهم منهم و اقوت عراضهم و ساقهم نحو المنایا المقادر

و خلوا عن الدنيا و ما جمعوا لها و ضمهم تحت التراب الحفائر (۲) «ای نفس تا به کی بر زندگی دنیا دل بسته‌ای و به آبادانی آن علاقه‌مندی، آیا از نیاکان در گذشته‌ات و دوستانت که زمین آنها را در خود پنهان کرد، عبرت نمی‌گیری؟ و کسانی از برادرانت که غم مصیبت ایشان را دیدی و همگنانت را که به گور سپردی؟ در حالی که ایشان قبلاً بر روی زمین بودند اما ایشان در دل زمین دفن شدند و زیباییهای ایشان پوسیده و مندرس شد! خانه‌ها و صحن و فضای آنها از ایشان خالی شد، و مقدرات آنان را به جانب مرگ سوق داد از دنیا رفتند و آنچه از دنیا جمع آوری کرده بودند به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۶

جا گذاشتند و خود زیر خاک گورها پنهان شدند.

کم حرمت أیدی المنون من قرون، و کم غیرت الأرض ببلانها، و غیبت فی ترابها ممن عاشرت من صنوف و شیعتهم إلى الأرماس، ثم رجعت عنهم إلى عمل أهل الأفلاس:

و أنت علی الدنيا مکب منافس لخطابها فیها حریص مکاثر

علی خطر تمشی و تصبح لاهیاً تدری بما ذا لو عقلت تخاطر

و إن امرأ یسعی لدنیاه دائباً و یذهل عن آخره لا شک خاسر فحتی م علی الدنيا إقبالک؟ و بشهواتها اشتغالک؟ و قد وخطک القتیر و أتاک النذیر، و أنت عما یراد بک ساه، و بلذة یومک و غدک لاه، و قد رأیت انقلاب أهل الشهوات، و عینت ما حل بهم من المصیبات.

(۱) چه بسیار مردم روزگاران گذشته که چنگال مرگ آنان را تبه ساخته و چه بسیار اشخاصی که زمین با مصایب و بلاهای خود وضع ایشان را دگرگون کرده، آنانی را که از اقشار مختلف معاشر بودی در دل خود، پنهان ساخت و تو آنها را تا گورستان مشایعت کردی و باز به کار و کردار بیچارگان بازگشتی. با این همه (هیچ پند نگرفتی و به دیده عبرت نظر نکردی، بلکه) به دنیا و کار دنیا چسبیدی و خواستگار عروس نازیبای دنیا شدی و آزمندانه زیاده‌طلبی کردی و با این که در معرض خطرهای بودی روز و روزگارت را به لهو و لعب می‌گذرانی، آیا هیچ می‌دانی، اگر درست بیندیشی، به چه خطرهای دچار گشته‌ای! برآستی که هر که در راه دنیا کوشش و تلاش کند و از کار آخرت غافل بماند بدون تردید، زیان برده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۷

(۱) ای نفس! تا چند به دنیا رو آورده و سرگرم هواهای نفسانی آن می‌باشی؟ در حالی که موهای سر و صورتت سفید شده و هشدار دهنده در رسیده و تو از هدف اصلی آفرینش غافل و سرگرم لذت امروز و فردایی، در صورتی که دگرگونی و تغییر احوال شهوت پرستان را دیدی و مصیبت‌هایی را که بر سرشان آمد، مشاهده کردی.

و فی ذکر هول الموت و القبر و البلی عن اللهو و اللذات للمرء زاجر

أ بعد اقتراب الأربعین تربص و شیب قذال منذر و مکابر

کأنک معنی بما هو ضائر لنفسک عمداً أو عن الرشد حائر انظر إلى الأمم الماضیة، و الملوک الفانیة، کیف اختطفتم عقبان الأيام و وافاهم الحمام، فامحت من الدنيا آثارهم، و بقیة فیها أخبارهم، و اصبحوا رمما فی التراب إلى یوم الحشر و المآب.

(۲) یاد ترس و بیم مرگ و قبر و پوسیدن اعضا برای انسان عامل بازدارنده‌ای از لهو و لعب و لذتهاست آیا پس از رسیدن به حدود چهل سالگی، در کمین آرزوهایی و حال آن که سفید شدن موهای سر و گردن، هشدار دهنده و با انسان در ستیزند؟ گویی که تو عمداً با وسایل زیانبخش خود را هدفگیری کرده و مانع رشد و کمال خویشتی! درباره امتهای گذشته و مردمان قرنهای پیشین و پادشاهان سرکش بیندیش، ببین چگونه حوادث روزگار ریشه وجود ایشان را از بیخ برکنند و مرگ آنان را نابود ساخت و آنگاه آثارشان از دنیا محو شد و تنها شرح احوالشان در دنیا باقی است و تا روز حشر و بازگشت در دل خاک پوسیده و خاکستر بمانند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۸ امسوا رمیما فی التراب و عطلت مجالسهم منهم و اُخلی مقامر و حلوا بدار لا تراور بینهم و اُنی لسکان القبور التراور فما اُن تری إلا قبورا ثووا بها مسطحه تسفی علیها الأعاصر کم من ذی منعه و سلطان، و جنود، و اعوان، تمکن من دنیا، و نال فیها ما تمناه، و بنی فیها القصور و الدساكر و جمع فیها الأموال و الذخائر، و ملیح السراری و الحرائر.

فما صدفت کف المنیه إذ أتت مبادره تهوی إليه الذخائر

و لا دفعت عنه الحصون التي بنی و حف بها أنهاره و الدساكر

و لا قارعت عنه المنیه حیل و لا طمعت فی الذب عنه العساكر أناه من الله ما لا یرد، و نزل به من قضائه ما لا یصد، فتعالی الله الملك الجبار، المتکبر العزیز القهار، قاصم الجبارین، و مبد المتکبرین، الذی ذل لعزه کل سلطان، و آباد بقوته کل دیان.

(۱) همه ایشان در دل خاک پوسیدند و مجالسشان از آنان تهی و کاخهایشان خالی گشت و همگی بار سفر بستند و به سرایی رفتند که یکدیگر را نبینند و چگونه ممکن است ساکنان گور از یکدیگر دید و بازدید کنند.

مگر قبرهایشان را که در دل آن قبرها جا گرفته‌اند، نمی‌بینی که باد، گرد و غبار بر آنها می‌پاشد. چه بسیار مردمان با شکوه و جلال و قدرت و سلطنت و صاحب سپاه و یاران را دیدی که از دنیای خویش برخوردار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱۹

شدند و در دنیا به آرزوهای خود رسیدند و دژهای استوار و کاخهای پر از عیش و عشرت ساختند و اموال و ذخایر فراوان فراهم کردند اما این همه امکانات جلو هجوم مرگ را نگرفت، وقتی که مرگ آمد آن ذخایری که بدان دل بسته بودند حاصلی نداشت نه آن کاخها و دژهایی که ساخته و در اطراف آنها نهرها جاری کرده بودند و نه آن عشرتکده‌ها هیچ یک مرگ را چاره نکرد.

(۱) نه خیل سپاهیان و نه آن همه لشکر و نیرو هیچ کدام در جلو مرگ مقاومت نکردند. از طرف خدا بر سر او آمد آنچه که غیر قابل بازگشت بود و از قضای حتمی الهی بلایی بر او نازل شد که امکان پیشگیری نداشت، پس بلندپایه است خداوند ملک جبار، متکبر عزیز قهار، درهم‌شکننده ستمگران و نابودکننده سرکشان، خداوندی که در برابر عزت او هر صاحب قدرتی خوار و ذلیل و به نیروی او هر تبهکاری محکوم به نابودی است.

ملیک عزیز، لا یرد قضاؤه حکیم علیم، نافذ الأمر، قاهر

عنا کل ذی عز لعزه و وجهه فکم من عزیز للمهمین صاغر

لقد خضعت و استسلمت و تضاءلت لعزه ذی العرض الملوک الجبار (۲) پادشاه با عزت که حکم او را بازگشتی نیست، حکیم دانا که فرمانش نافذ و بر همه قدرتها غالب است.

هر صاحب قدرتی در برابر قدرت ذات مقدس او تسلیم است و چه بسیار عزیزی که در برابر خداوند بزرگ، ناچیز و حقیر است.

پادشاهان ستمگر بیقین در برابر عظمت صاحب عرش خاضعند و تسلیم و ناتوان.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۰

فالبدار، البدار، و الحذار الحذار من الدنیا و مکایدھا، و ما نصبت لک من مصایدھا و تحلت لک من زینتها، و اظهرت لک من

بهبختها، و ابرزت لك من شهواتها، و اخفت عنك من غوائلها و هلكاتها.

و فی دون من عایت من فجعاتها الی دفعها داع و بالزهد آمر

فجّد و لا تغفل و کن متیقظافعما قلیل یترك الدار عامر

فشمرو لا تفترو، فعمرك زائل و أنت الی دار الإقامه صائر

و لا- تطلب الدنيا فإن نعيمها- و إن نلت منها- غبه لك ضائر فهل يحرص عليها لیب، أو یسر بها أریب؟ و هو علی ثقۀ من فئاتها، و

غیر طامع فی بقائها، أم كيف تنام عینا من یخشی الیبات، و تسكن نفس من توقع فی جمیع أموره الممات.

(۱) بنابراین، بشتاب و عجله کن، زنهار، از دنیا و نیرنگهای آن و دامهایی که برای فریب دادنت گسترده و زر و زیوری که به خود

بسته است برحذر باش و هم از اظهار شادی که می کند و جاذبه‌هایش را نشان می دهد و به سوی خود می کشاند اما مکر و حيله و

خطراتش را پنهان می دارد.

در بی اعتباری دنیا همین قدر بس که کمتر از آنچه از فجایع و مصایب آن دیده‌ای تو را به ترک دنیا و به پارسایی فرمان دهد پس

بکوش و غافل مباش و بیدار و بهوش باش که بزودی آن که دنیا را آباد کرده آن را ترک خواهد کرد پس دامن همت به کمر زن

و سستی مکن که عمرت پایان پذیر است و تو به سرای جاویدان منتقل خواهی شد. طالب دنیا مباش که هر چند به مقصود خود نایل

شوی، همانا نعمتهای دنیا سرانجام به زیان تو است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۱

(۱) بنابراین آیا شخص عاقل برای دنیا حرص می ورزد و یا آدم دانا به دنیا دلخوش می شود؟ با این که به فنای آن اطمینان دارد و

هیچ امیدی به بقای آن ندارد. و یا چگونه آن کس که از بیدار خوابی بیمناک است چشمانش به خواب می رود؟ و کسی که در

تمام امورش منتظر فناست چگونه قلبش آرام می گیرد؟

إلا له، و لکن نغرو نفوسناو تشغلنا اللذات عما نحاذر

و كيف یلذ العیش من هو موقف بموقف عدل یوم تبلی السرائر

کأنا نری أن لا- نشور، و أناسدی، ما لنا بعد الممات مصادر و ما عسی أن ینال صاحب الدنيا من لذتها، و یتمتع به من بهجتها مع

صنوف عجائبها و قوارع فجائعها، و کثرة عذابه فی مصابها و فی طلبها، و ما یکابد من اسقامها و أوصابها و آلامها.

أما قد نری فی کل یوم و لیلۀ یروح علینا صرفها و ینا کر

تعاورنا آفاتها و همومهاو کم قد تری یبقی لها المتعاور

فلا هو مغبوط بدنیاه آمن و لا هو عن تطلابها النفس قاصر (۲) این است وضع دنیا ولی ما خود را فریب می دهیم و لذتهای دنیا ما را

از آنچه بیمناکیم غافل می سازد! و چگونه لذت بخش است زندگی آن کسی را که روز قیامت باید در پیشگاه عدل الهی بایستد؟

گویی که به پندار ما حشر و نشری نیست و ما باز بچه‌ایم و پس از مرگ برانگیخته نمی شویم! و چه امید بی جایی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۲

صاحب دنیا به لذتهای دنیا برسد و با وجود عجایب گوناگون و مصایب کوبنده از خرمی آن برخوردار گردد! و با رنج و عذاب

فراوانی که در راه رسیدن و در طلب دنیا وجود دارد و بیماریها و ناخوشیهای مداوم و رنجهایی که تحمل می کند! آگاه باش! در هر

شب و روز، رفت و آمد مداوم این دنیا و دگرگونی آن را درباره خود می بینیم.

هر یک از ما آفتها و غمهای دنیا را به نوبه خود تحمل می کنیم و چه بسیار غمها و آفتهای میان مردم که می ماند بنابراین نه آن که

فریفته دنیاست به وسیله دنیایش ایمن است و نه از این که هوای نفسش دنیا را جلوه دهد، قاصر است.

کم قد غرت الدنيا من مخلد إلیها، و صرعت من مکب علیها، فلم تنهضه من عثرته، و لم تنقذه من صرعته، و لم تشفه من المه، و لم



تبرئه من سقمه، و لم تخلصه من و صمه.

بل آوردته بعد عز و منعه موارد سوء ما لهن مصادر

فلما رأى أن لا نجاه و أنه هو الموت لا ينجيه منه التحاذر

تندم إذ لم تغن عنه ندامه عليه، و ابكنه الذنوب الكبائر (۱) چه بسیار کسانی که به سبب رغبت به این دنیا فریفته شدند و چه بسیار مردمانی که به خاطر رو آوردن به دنیا برای همیشه به زمین خوردند و از آن لغزش خود برنخاستند و از آن زمین خوردگی نجات نیافتند و از آن درد بهبودی پیدا نکردند و از آن بیماری خلاص نشدند و از آن شکست رهایی نیافتند.

بلکه این دنیا از راه مکر و فریب درآمد و آنان را بعد از آن همه عزّ و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۳

شکوه، به مواضع ناخوش در آورد بگونه‌ای که هیچ جای بازگشتی برایشان نبود.

و چون دید که راه نجات و رستگاری نیست و مرگ او را دریافته و از آن هیچ برکناری و گریزی نیست.

در پهنه غم و اندوه در افتاد لیکن چه سود که از آن همه ندامت فایده‌ای نبرد جز آن که گناهان کبیره‌اش او را به گریه و زاری مبتلا کرد.

إذ بکی علی ما سلف من خطایاه، و تحسر علی ما خلف من دنیاه، و استغفر حتی لا ینفعه الاستغفار، و لا ینجیه الاعتذار عند هول المنیة، و نزول البلیة.

احاطت به أحزانه و همومه و ابلس لما اعجزته المقادر

فلیس له من کربة الموت فارح و لیس له مما یحاذر ناصر

و قد جشأت خوف المنیة نفسه ترددها منه اللها و الحناجر هنالك خف عواده، و اسلمه أهله و عواده، و ارتفعت البریة بالعویل، و قد أیسوا من العلیل، فغمضوا بایدیهم عینیة، و مدوا عند خروج روحه رجلیه، و تخلی عنه الصدیق، و الصاحب الشقیق.

(۱) آنگاه بر گناهانی که از او سرزده است گریه کند و بر آنچه از دنیای خود به جا می‌گذارد حسرت و اندوه خورد و استغفار کند اما استغفار سودی ندهد و به هنگام ترس از هیبت مرگ و نزول بلا عذرخواهی او را نجات نبخشد.

غم و اندوه فراوان او را احاطه کرده و او از این که مقدراتش از پا در آورده، متحیر و درمانده است و هیچ چیز او را از غم و اندوه مرگ رهایی ندهد و از آنچه بر حذر است هیچ یار و یآوری او را نباشد همانا ترس و بیم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۴

مرگ سخت او را نگران کرده و جان او را از گلوگاهش به کامش برساند! آنجا که آثار مرگ نمودار گردد و پیک اجل فرا رسد همه کسان و عیادت کنندگانش او را واگذارند و تسلیم مرگ کنند، آنگاه صدای همگی به گریه و شیون بلند شود و از بهبودی بیمار ناامید گردند، چشمان او را ببندند و وقتی که روح از بدنش خارج گشت دو پایش را به جانب قبله کشند و دوستان عزیز و رفیقان مهربان نیز از او جدا شوند.

فکم موجع، بیکى علیه، مفتح و مستنجد صبرا و ما هو صابر

و مسترجع داع له الله مخلصا یعدد منه کل ما هو ذاکر

و کم شامت مستبشر بوفاته و عما قلیل للذی صار صائر فشققت جیوبها نساؤه، و لطمت خدودها اماؤه، و اعول لفقده جیرانه، و توجع لرزیه اخوانه، ثم اقبلوا علی جهازه، و شمروا لابراره، کأنه لم یکن بینهم العزیز المفدی، و لا الحبیب المبدی.

(۱) چه بسیار کسانی که بر او بگریند و داغدار باشند و بسیاری طلب صبر کنند و لیکن دامن صبر از کف بدهند.

و چه بسیار کسانی که کلمه استرجاع بر زبان آورند و از روی اخلاص از خدا طلب مغفرت کرده و از خوبیهای او یاد کنند.

و چه بسا کسانی که از مرگ او شادمان شوند و او را دشنام دهند در حالی که ایشان نیز بزودی به دنبال او روانند. زنها در مصیبت او گریبان پاره کنند و دختران و کنیزانش لطمه به صورت زنند و همسایگان از فقدان او ناله کنند و برادرانش در غم مصیبت او زاری نمایند و آنگاه برای تجهیز و کفن و خاک‌سپاری اقدام کنند و به دفن او مبادرت ورزند، گویی که این عزیز از دست رفته و آن دوست

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۵

مهربان هرگز در میان ایشان نبوده است.

و حل احب القوم کان بقره یحث علی تجهیزه و ییادر

و شمر من قد احضروه لغسله و وجه لما فاض للقبر حافر

و کفن فی ثوبین و اجتمعت له لتشیعہ اخوانه و العشائر فلو رأیت الأصغر من أولاده، و قد غلب الحزن علی فؤاده، و یخشی من الجزع علیه، و خضبت الدموع عینیه، و هو یندب أباه، و یقول: یا ویلاه و احرابه.

لعینت من قبح المنیة منظرایهال لمرآة، و یرتاع ناظر

أكابر اولاد یهیج اکتئابهم إذا ما تناساه البنون الاصاغر

و ربه نسوان علیه جوازع مدامعهم فوق الخدود غوازر (۱) بزرگ خاندان، همه را به تجهیز و کفن و دفن او وادار کند و آنان می‌شتابند و حاضران برای غسل دادن او آماده می‌شوند و قبرکنی را برای کندن قبر او بفرستند و با دو جامه او را کفن کنند و آنگاه دوستان و آشنایان پیکر او را تشییع نمایند.

اگر کوچکترین فرزندان او را ببینی، غم و اندوه بر دلش چیره گشته و از زیادی گریه و بی‌تابی همه بر سلامتی او بیمناکند در حالی که از اشک خونین چهره‌اش رنگین شده و او در غم مرگ پدر می‌گرید و فریاد و ویلا و مصیبت از دل بر می‌آورد.

هرآینه از چهره مرگ منظره‌ای را خواهی دید که از دیدن آن هر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۶

بیننده‌ای به هول و هراس می‌افتد، وقتی که اولاد خردسالش فراموشش کردند فرزندان بزرگ او همچنان بر وی ندبه و زاری کنند و چه بسا زنان که هنوز بر مصیبت او می‌نالند و بسی اشک بر گونه‌هایشان جاری است.

ثم أخرج من سعة قصره، إلى ضيق قبره، فلما استقر فی اللحد، و هیل علیه اللبن احتوشته اعماله، و احاطت به خطایاه، و ضاق ذرعا بما رآه، ثم حثوا بأیدیهم علیه التراب، و اکثروا البكاء علیه و الانتحاب، ثم وقفوا ساعة علیه، و ایسوا من النظر إلیه، و ترکوه رهنا بما کسب و طلب.

فولوا علیه معولین و کلهم لمثل الذی لاقی اخوه محاذر

كشاء رتاع آمینین بدا لها بمدیته بادی الذراعین حاسر

فریعت و لم ترتع قلیلا و اجفلت فلما نأی عنها الذی هو حاذر، ...

(۱) پس از آن که او را غسل دادند و کفن کردند از آن قصر وسیع بیرون کرده به سوی تنگنای گور ببرند و چون در لحد قرار گرفت و با خشت و گل روی او را پوشانند، اعمال و کردارش اطراف او را بگیرند و خطاها و گناهانش او را احاطه کنند و او از دیدن آن حالت سخت دلتنگ شود.

پس از آن که فرزندان و وابستگان با دست خود بدن او را زیر خاک پنهان ساختند و گریه و زاری بسیاری کردند، سپس ساعتی بر سر قبرش می‌ایستند و چون از دیدارش ناامید گشتند او را در گرو اعمال و رفتار و دستاوردهای زندگیش تنها می‌گذارند.

همگی در حالی از آنچه بر سر برادرشان آمده بیمناکند با آه و ناله از سر قبر وی بازمی‌گردند.

عادت‌های مراعات و نسبت ما فی اختها ده‌ها، اُفبأفعال الانعام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۷

اقتدینا؟ أم علی عادت‌ها جرینا؟ عد إلى ذکر المنقول إلى دار البلی، و اعتبر بموضعه تحت الثری، المدفوع إلى هول ما تری.

ثوی مفردا فی لحده و توزعت موارثه أولاده و الأصابه

و احنوا علی أمواله یقسمونها فلا حامد منهم علیها و شاکر

فیا عامر الدنیا و یا ساعیا لها و یا آمنة من أن تدور الدوائر ...

(۱) اما دیگر بار به آسایش و آرامش به غفلت و جهالت می‌گذرانند چون گوسفندان که آسوده در چرا باشند که ناگاه قصاب را

که دست‌ها بالا زده است با کارد آماده بینند، اندکی ترسیده و از چرا دوری کنند و همین که قصاب کناری رود، دوباره به چراگاه

برگردند و آنچه بر سر هم‌نوعشان آمده بود فراموش کنند! آیا برآستی ما باید رفتارمان چون رفتار چهارپایان باشد؟ و یا به روش

آنها عادت کنیم؟ به یاد آن مرده باش که او را در خانه پریم و هراس قبر تنها گذاشتند و از موقعیت او در زیر خاک عبرت بگیر که

به دست آن همه ترس و وحشت سپردند، تنها در زیر خاک جا گرفت و میراث او را فرزندان و خویشانش قسمت کردند و بر تقسیم

کردن اموال او شتافتند و برای این اموال کسی از او سپاسگزاری و ستایش نکرد پس ای که به آبادی دنیا سرگرمی و ای که برای

دنیا در تلاشی! و ای که از گردش روزگار در امانی کیف امنت هذه الحالة و أنت صائر إليها لا محالة؟ أم کیف ضیعت حیاتک، و

هی مطیتک إلى مماتک؟ أم کیف تشبع من طعامک و أنت منتظر حمامک؟ أم کیف تهنأ بالشهوات و هی مطیة الآفات.

چگونه با این حال در امانی در صورتی که تو نیز ناگزیر باید بدان جا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۸

بروی؟ و یا چگونه زندگیت را تباه می‌کنی در حالی که زندگی خود مرکبی است که آدمی را به مقصد مرگ می‌برد؟ و یا چگونه

سیر می‌خوری در حالی که تو در انتظار مرگ به سر می‌بری؟ و یا چگونه از شهوات ترانیه لذت می‌بری در صورتی که شهواتها،

مرکب‌هایی هستند که بارشان آفت‌هاست.

و لم تتزود للرحیل و قد دنا أنت علی حال و شیک مسافر

فیا لهف نفسی کم أسوف توبتی و عمری فان و الردی لی ناظر

و کل الذی اسلفت فی الصحف مثبت یجازی علیه عادل الحکم قادر فکم ترقع بآخرتک دنیاک، و ترکب غیک و هواک، أراک

ضعیف الیقین یا مؤثر الدنیا علی الدین، ا بهذا أمرک الرحمن؟ أم علی هذا انزل القرآن؟ أم تذکر أمامک من شدة الحساب، و شر

المآب، أم تذکر حال من جمع و ثمر، و رفع البناء و زخرف و عمر، أما صار جمعهم بورا، و مساکنهم قبورا.

تخرب ما یبقی و تعمر فانیافلا ذاک موفور و لا ذاک عامر

و هل لک إن وافاک حتفک بغته و لم تکتسب خیرا لدى الله عاذر

أ ترضی بأن تفتنی الحیاة و تنقضی و دینک منقوص و مالک وافر «۱» (۱) و تو توشه سفر آماده نکرده‌ای در حالی که وقت حرکت

نزدیک شده و تو بزودی راهی آخرت خواهی شد پس وای بر حال من که چه بسیار برای توبه، امروز و فردا می‌کنم در حالی که

عمرم فانی و هلاکت مشرف بر من

(۱) البداية و النهاية: ۱۰۹ / ۹، تاریخ ابن عساکر.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۲۹

است و هر عملی که در طول عمرم انجام داده‌ام در نامه عملم ثبت شده و خداوند دادگر توانا جزای اعمالم را می‌دهد.

پس چه بسا که دنیا و آخرت را بهم وابسته و مقصد نهائیت را با هوای نفست در آمیخته‌ای، ای که دنیا را بر دین ترجیح داده‌ای، من تو را سست ایمان و ضعیف الیقین می‌بینم، بگو ببینم آیا خدای مهربان چنین دستوری به تو داده؟ و یا آن که قرآن بر این اساس نازل شده؟ و یا این که امامان و رهبران دینی از شدت حساب و سرانجام تلخ و سخت یاد نکرده‌اند؟ و حال آن کسی که محصول خود را جمع کرد و بهره گرفت و کسی را که ساختمانی را بنا کرد و به زینتها آراست و آباد ساخت، خاطر نشانت نکرد؟ و آیا نگفت که همه اینها سرانجام پراکنده شده و نابود گشتند و منزلهای ایشان به صورت گورها درآمد! خانه آخرت را که سرای همیشگی است خراب می‌کنی و دنیای فانی را آباد می‌سازی، نه از آن بهره‌ای داری و نه این را آباد توانی کرد.

اگر مرگ تو ناگهانی فرا رسد در حالی که هیچ کار خیری در پیشگاه خدا نکرده‌ای، عذر و بهانه‌ای داری؟ آیا به این راضی هستی که زندگیت سپری شده و عمرت به سر آید در حالی که از دینت کاسته شده و مال فراوان داری؟

(۱) این موعظه ارزشمند در اینجا پایان گرفت، موعظه‌ای که واقعیت زندگی و سرانجام کار آدمی یعنی دوری از این دنیا را به تصویر کشیده است، دنیایی که بسی نسبت به آن حریص بوده و سخت دل در گرو آن داشته و به شهوات و لذات آن علاقه‌مند بوده است با این که می‌دانسته سرانجام از آن جدا شده و ساکن گور تنگ و تاریک خواهد شد و در آنجا بند از بند پیکرش جدا شده و تمام جریان زندگی وی برملا شود و هیچ کس جز عملش با او نماند؛ پس اگر عملش صالح باشد با آن همدم خواهد شد و اگر عملش بد باشد تنها عامل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۰

ترس و وحشت او خواهد بود.

ما در مضامین عالی این موعظه کمترین شک و تردیدی نداریم جز این که از جهت ناهنجاری پاره‌ای از الفاظ آن بویژه در عبارات بعضی از اشعار که با بلاغت امام زین العابدین علیه السلام سازگار نیست، امامی که از بلیغترین پیشوایان بلاغت در عالم اسلام و عرب است و او صاحب صحیفه سجادیه‌ای است که زبان عرب، فصیح و بلیغتر از آن را سراغ ندارد.

(۱) ۱۳- از جمله مواعظ امام علیه السلام این موعظه گرانبقدر است که انسانها را از دنیا بر حذر داشته و می‌فرماید:

«احذرکم من الدنیا و ما فیها، فإنها دار زوال و انتقال، تنتقل بأهلها من حال إلى حال، و هی قد أفنت القرون الخالیة، و الأمم الماضیة، و هم الذین كانوا اکثر منکم مالا، و أطول أعمارا، و اکثر آثارا، افنتهم الدنیا، فکانهم لا- كانوا أهلا، و لا سکانا، قد أكل التراب لحومهم، و أزال محاسنهم، و بدد أوصالهم، و شمائلهم، و غیر الوانهم، و طحتهم أیدی الزمان أفتطمعون بعدهم بالبقاء؟ هیئات!! هیئات!! فلا بد من الملتقی، فقد بدد ما مضی من عمرکم، و ما بقی فافعلوا فیہ ما سوف يلتقی علیکم بالاعمال الصالحة قبل انقضاء الأجل، و فروغ الأمل، فعن قریب تؤخذون من القصور إلى القبور حزینین غیر مسرورین، فکم و الله من فاجر قد استکملت علیه الحسرات، و کم من عزیز وقع فی مسالك الهلکات حیث لا- ینفعه الندم، و لا- یغاث من ظلم، و قد وجدوا ما اسلفوا و أخذوا ما تزودوا، «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (۱) فهم فی منازل همود و فی عسکر الموتی خمود، ینتظرون صیحة القيامة و حلول الطامة «لِيُجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤًا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى». (۲) «۳»

(۱) سوره كهف / ۴۹.

(۲) سوره نجم / ۳۰.

(۳) بلاغة الامام زین العابدین: ص ۲۷ به نقل از ناسخ التواریخ: ۴۸۴ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۱

(۱) «مردم من شما را از دنیا و آنچه در دنیا هست بر حذر می‌دارم، زیرا که دنیا سرای ناپایدار و تحول و دگرگونی است، مردمان را

از حالی به حالی در آورد، قرنهای گذشته و ملت‌های پیشین را نابود ساخته است در حالی که آنان ثروتمندتر از شما بودند و عمر بیشتری می‌کردند و آثار بیشتری از خود باقی می‌گذاشتند، و دنیا همه آنان را چنان نابود ساخت، گویی که آنان اهل دنیا و ساکنان آن نبودند، خاک گوشت‌های آنان را خورد و زیبایی‌های آنان را از بین برد، بند از بند آنها را جدا کرد و پیکر آنها را از هم گسست و رنگ آنها را عوض کرد و دست روزگار آنان را خرد کرد، آیا شما طمع دارید که پس از ایشان برای همیشه بمانید؟ هیئات!! هیئات!! ناگزیر با مرگ روبرو می‌شوید، آن چه گذشته بخشی از عمرتان را نابود کرده است و در باقیمانده از عمرتان کاری نکنید، پیش از پایان مهلت و از دست رفتن فرصت اعمال شایسته‌ای انجام دهید که در عالم آخرت با آن روبرو می‌شوید که دیری نخواهد پایید که شما را غمگین و ناشاد از کاخها بیرون کنند و به خانه گور برند. پس به خدا سوگند چه بسیار تبهکاری که پیمانانه اندوه و حسرت ایشان پرگشته و چه بسیار عزیزی که در راههای هلاکت افتاده است، جایی که پشیمانی به حال ایشان سودی ندارد و کسی به فریاد مظلوم نرسد در حالی که آنچه پیش از خود فرستاده بودند دریافت کرده و از زاد و توشه‌ای که فراهم کرده‌اند، بهره گیرند؛ «و آنچه عمل کرده بودند حاضر یافتند و پروردگارت به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد.»

پس ایشان در خانه‌های مرگ ساکن و در میان سپاه مردگان خاموشند، منتظر فریاد قیامت و فرا رسیدن روز گرفتاری و غمند «تا خداوند آنانی را که عمل بد انجام دادند کیفر دهد و آنانی را که عمل نیکو انجام دادند پاداش نیک عطا کند.» و در اینجا بخشی از مواعظ امام زین العابدین علیه السلام پایان می‌گیرد،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۲

براستی که از بالاترین سرمایه‌های روحی و همچنین از بهترین داروهای معالج بیماریهای نفسانی است؛ بیماریهایی که باعث انحطاط انسان و افکندن ایشان در وادیهای مخوف زندگی می‌باشد.

(۱)

### از سخنان دلاویز و تعلیمات امام

امام زین العابدین علیه السلام، حکمت‌های پرارزش و تعلیمات گرانقدر زیادی را از خود به یادگار گذاشته است که از اطلاعات کامل او از واقعیت زندگی و ژرفنگری آن حضرت از شئون اجتماعی و آگاهی او از احوال و امور مردم حکایت می‌کند، که در ذیل برخی از سخنان آن حضرت آمده است:

(۲)

### مذمت تکبر

امام علیه السلام، تکبر را نکوهش و متکبر را به خاطر داشتن این خصلت بد سرزنش کرده است به خاطر این که تکبر راهی است به سوی هر بدی و ریشه همه رذایل است؛ متکبر هیچ کس را جز خود شایسته زندگی نمی‌بیند و از این رو به ظلم و تجاوز بر مردم اقدام می‌کند.

امام علیه السلام در این باره می‌گوید:

«عجبت للمتکبر الفخور، الذی کان بالأمس نطفة ثم هو غدا جيفة.»

«تعجب دارم از متکبر لافزن که دیروز آب گندیده‌ای بود و دیری نمی‌پایید که فردا مرداری می‌شود!» براستی شخص متکبر که به دیگران بزرگی می‌فروشد و به خود مغرور است اگر اندکی در وجود خودش بیندیشد و درباره آغاز پیدایش خود و سرانجام

کارش فکر کند هرگز به دیگران فخرفروشی نمی‌کند و به مال و فرزندی که دارد  
تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۳  
نمی‌بالد.

(۱)

### از همان راه امن خطر می‌آید!

«۱» از جمله سخنان دلاویز جاودانه امام علیه السلام این کلمات زرین پراچ است که می‌فرماید:  
«من مأمنه یؤتی الحذر، یکنفی البیت بوحي الحدیث، وینو البیان عن قلب الجاهل، و لا ینتفع بالقول، و إن کان بلیغا مع سوء  
الاستماع...» «۲»  
«خطر از همان راه امنش، فرا می‌رسد، خردمند را قرینه حال کفایت می‌کند، در حالی که توضیح و بیان هم از دل نادان دور می‌ماند  
و از سخن سودی نمی‌برد، هر چند سخن بلیغ باشد نادان با بد شنیدن خود بهره‌ای از آن نمی‌برد.»  
اما آنچه از این سخنان بلیغ استفاده می‌شود:

(۲) ۱- برآستی که آنچه آدمی از آن می‌ترسد از همان جایی می‌آید که خود را در امان می‌بیند معنای این سخن آن است که  
کسانی محافظان زیادی برای حفظ و پاسداری از زندگیشان می‌گمارند، همان کاری که پادشاهان و رؤسا می‌کنند، بیشتر اوقات  
آنچه را که آنان بر حذرند از طریق همان نگهبانان بر سر ایشان می‌آید، زیرا همانها هستند که خون ایشان را می‌ریزند چنان که در  
مورد بعضی از پادشاهان زیاد اتفاق افتاده است.  
(۳) ۲- خردمند تیزهوش آن کسی است که امور را از اشاره و از روی قرینه احوال می‌فهمد و نیازی به تفکر و بازگشودن سخن  
نیست.

(۱) این ضرب المثل در میان مردم بی‌سواد و عامی معروف است. نظیر این در فارسی و شاید در زبانهای دیگر نیز وجود داشته  
باشد، به کتابهای امثال و حکم مراجعه کنید. م  
(۲) تذکره ابن حمدون: ص ۲۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۴  
۳- سخن روشن و بیان واضح از دل جاهل به دور می‌ماند و به آن نمی‌رسد زیرا نادانی و جهالت آن را فرا گرفته و از درک امور  
ناتوان ساخته است.

۴- بلاغت و حکمت گفتار با سوء استماع بی‌فایده است و تنها با خوب گوش دادن، مفید و سودمند است.  
(۱)

### زهار از مشاجره و جدال

امام علیه السلام از مشاجره بر حذر داشته یعنی مجادله‌ای که مقصود از آن وصول به حق نباشد، بلکه تنها هدف چیره شدن و  
برتری جویی بوده باشد. «۱» امام علیه السلام می‌فرماید:

«المراء یفسد الصداقه القدیمة، و یحل العقد الوثیقه، و أقل ما فیه أن تكون به المغالبه، و المغالبه من أمتن أسباب القطیعه.» «۲»

«جدال و مشاجره، دوستی قدیمی را از بین می‌برد و پیمانهای محکم را بهم می‌زند و کمترین اثر آن این است که هر کسی بدان وسیله می‌خواهد بر دیگری چیره شود و غلبه‌جویی از محکمترین وسایل بریدن دوستی است.»

براستی که مشاجره و جدال کلید هر بدی است و میان مردم دشمنی و ستیز می‌افکند و بسیاری از گرفتاریها و مشکلات را برای ایشان فراهم می‌آورد.

(۱) اما جدال احسن را قرآن مجید مجاز فرموده است: «ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»، نجم/ ۱۲۵، اما جدال غیر احسن همین است که به گفته منطقیون سائل یا ناقض وضع به دروغ، حيله و به هر وسیله می‌خواهد مجیب یا حافظ وضع را بکوبد (تبکیت جدلی) و مغلوب سازد که این نوع جدل مذموم است. م

(۲) زهر الآداب: ۱/ ۱۰۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۵

(۱)

### افتخار به گناه

براستی که شادمانی و افتخار به گناه از افراط شخص در گناه بر می‌خیزد، امام علیه السلام می‌فرماید:

«إياك و الابتهاج بالذنب، فإن الابتهاج بالذنب أعظم من ركوبه.» (۱)

«زنهار از شادمانی به گناه، زیرا که شادمانی و افتخار به گناه بزرگتر از ارتکاب گناه است.»

(۲)

### انواع گناهان

اما انواع گناهانی که باعث خشم و عذاب الهی می‌گردد، امام علیه السلام درباره آنها سخن گفته و از آنها بر حذر داشته است تا این که دین و دنیای انسان سالم بماند می‌فرماید:

«الذنوب التي تغير النعم البغي على الناس، و الزوال عن العادة في الخير، و اصطناع المعروف، و كفران النعم، و ترك الشكر، قال الله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.» (۲)

و الذنوب التي تورث الندم قتل النفس التي حرم الله، قال الله تعالى: في قصة قتل قابيل حين قتل أخاه فعجز عن دفنه «فأصبح من التّادمين» و ترك صلة القرابة حتى يستغنوا، و ترك الصلاة حتى يخرج وقتها، و ترك الوصية ورد المظالم، و منع الزكاة حتى يحضر الموت، و ينغلق اللسان.

و الذنوب التي تنزل النقم عصيان العارف، و التناول على الناس، و الاستهزاء بهم، و السخر بهم. و الذنوب التي تدفع النعم اظهار

(۱) الدرّ النّظيم: ص ۱۷۳.

(۲) سوره رعد/ ۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۶

الافتقار، و النوم عن العتمه، و عن صلاة الغداة، و استحقار النعم، و شكوى المعبود. و الذنوب التي تهتك العصم شرب الخمر، و

اللعب بالقمار، و تعاطی ما یضحک الناس من اللغو و المزاح و ذکر عیوب الناس، و مجالسه أهل الريب. و الذنوب التي تنزل البلاء ترك اغاثة الملهوف، و ترك معونة المظلوم، و تضييع الأمر بالمعروف، و النهی عن المنكر و الذنوب التي تدیل الاعداء المجاهرة بالظلم، و اعلان الفجور، و اباحة المحظور، و عصیان الأخیار، و اتباع الأشرار. و الذنوب التي تعجل الفناء قطیعة الرحم، و اليمين الفاجرة، و الأقوال الكاذبة و الزنا، و سد طرق المسلمين، و ادعاء الامامة بغير حق. و الذنوب التي تقطع الرجاء اليأس من روح الله، و القنوط من رحمة الله، و الثقة بغير الله، و التكذيب بوعد الله و الذنوب التي تظلم الهواء السحر و الكهانة، و الإيمان بالنجوم، و التكذيب بالقدر، و عقوق الوالدين، و الذنوب التي تكشف الغطاء الاستدانة بغير نية الاداء، و الاسراف في النفقة على الباطل، و البخل على الأهل و الولد و ذوی الأرحام، و سوء الخلق، و قلة الصبر، و استعمال الضجر، و الاستهانة بأهل الدين و الذنوب التي ترد الدعاء سوء النية و خبث السريرة، و النفاق مع الاخوان، و ترك التصديق بالاجابة و تأخير الصلوات المفروضات حتى تذهب أوقاتها، و ترك التقرب إلى الله عز و جل بالبر و الصدقة، و استعمال البذاء و الفحش في القول، الزور، و كتمان الشهادة، و منع الزكاة و القرض و الماعون و قساوة القلوب على أهل الفقر و الفاقة، و ظلم الیتيم و الأرملة، و انتهار السائل و رده بالليل...» (۱)

(۱) «گناهانی که باعث دگرگونی نعمتها می شود، عبارت است از: ظلم و ستم بر مردم، انحراف از عادت به کارهای نیک و انجام کار خوب،

(۱) معانی الاخبار صدوق باب ۱۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۷

کفران نعمتها و ناسپاس بودن. خدای متعال می فرماید: «همانا خداوند (نعمتی را) بر قومی دگرگون نمی کند مگر این که آنچه خود دارند تغییر دهند.»

(۱) و گناهانی که باعث پشیمانی می شود عبارت است از: قتل نفسی که خداوند حرام کرده است خدای تعالی در داستان آدم کشتی قابیل به هنگامی که برادرش را کشت و از دفن او عاجز ماند، می فرماید: «او از جمله پشیمانان گردید.» و ترک صله رحم به حدی که احساس خویشاوندی نکنند، نخواندن نماز تا این که وقت نماز بگذرد، وصیت نکردن، ترک رد مظالم و ندادن زکات تا آن که مرگ فرا رسد و زبان بند آید.

(۲) و گناهانی که باعث نزول بلا می شود، عبارت است از: انجام گناه وسیله آدم عارف و آگاه، تجاوز به حقوق مردم و مسخره و استهزا کردن ایشان.

و گناهانی که باعث دفع نعمتها می گردد: اظهار نیاز به مردم، خوابیدن در وقت نماز عشاء و هنگام نماز صبح، حقیر شمردن نعمتها و شکوه از خدایی که می پرستد.

و گناهانی که پرده حیا و عصمت را می برد: می گساری، قماربازی، با یکدیگر شوخی و مسخره بازی کردن که باعث خنده مردمان شود، عیب مردمان گفتن و همنشینی با مردمان نامطمئن و دو دل.

و گناهانی که باعث نزول بلا می شود، عبارتند از: به فریاد مظلوم نرسیدن، و کمک نکردن به ستمدیدگان، ترک امر به معروف و نهی از منکر.

و گناهانی که باعث کامرانی دشمنان می شود، عبارت است از:

آشکارا ظلم کردن، گناهان را فاش کردن، خلافها را مباح شمردن، نافرمانی نیکان و پیروی از بدان.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۸

(۱) و گناهانی که باعث مرگ زودرس می شود عبارت است از: قطع رحم، سوگند بی شرمانه، سخنان دروغ، زنا، سد راه مسلمین



شدن و ادعای رهبری بناحق.

و گناہانی که باعث قطع امید می‌گردد عبارت است از: یأس و نومیدی از لطف و رحمت خدا، اعتماد به غیر خدا و دروغ پنداشتن وعده الهی.

(۲) و گناہانی که فضا را تیره و تاریک می‌سازد، عبارت است از: جادو و کھانت، اعتقاد به نجوم، «۱» و تکذیب قضا و قدر و عاق والدین شدن.

و گناہانی که پرده حیا را برطرف می‌کند، عبارت است از: وام گرفتن به قصد ادا نکردن، ولخرجی در راه باطل، بخل نسبت به زن و فرزند و خویشاوندان، بدخلقی، کم‌صبری، بی‌تابی و کم‌حوصلگی در کارها و اهانت به دینداران.

(۳) و گناہانی که باعث قبول نشدن دعا می‌گردد عبارت است از:

بدگمانی و بدباطنی، دورویی با دوستان، ناباوری در اجابت دیگران، تأخیر انداختن نمازهای واجب تا پایان گرفتن وقت، به خدا تقرب نجستن با کار نیک و صدقه دادن، ناسزا و دشنام در گفتار، شهادت دروغ، کتمان شهادت، ندادن زکات، خودداری از قرض و صدقات واجب، سنگدلی نسبت به مستمندان و تهیدستان، ستم به یتیم و بیوه‌زن و راندن و دست رد به سینه سائل زدن در هنگام شب ...»

امام علیه السلام از ارتکاب این گناہان و جرایم که باعث انحراف در رفتار آدمی و دوری او از آفریدگارش می‌گردد، بر حذر داشته است و آن حضرت

(۱) نجوم، در اینجا، آن علم نجوم (و به عبارت دیگر نجوم ریاضی) نیست که بزرگان و دانشمندان اسلامی نیز در آن باره کتابها نوشته و زحمتهای کشیده‌اند و از جمله علوم اسلامی به شمار می‌آید، بلکه مقصود پیشگوییها و طالع‌بینی‌های ستاره‌شناسی است که مذموم و نکوهید است. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۳۹

آثار ناپسند آنها را و پیامدهای چندین برابری را که پیش از آخرت، در دنیا به دنبال دارند همه را یادآور شده است و برآستی که این حدیث و نظایر آن از احادیثی که از ائمه طاهرین علیهم السلام در این باره رسیده است از منابع بارور تربیت و تهذیب نفوس و تعادل و تنظیم راه و رفتار آنهاست.

(۱)

### حقیقت مرگ

امام علیه السلام، حقیقت مرگ را نسبت به مردمان مؤمن و افراد کافر توصیف کرده و می‌فرماید:

«الموت للمؤمن کنز ثياب وسخه، وفك اغلال ثقیله، والاستبدال بأفخر الثياب، وأوطأ المراكب، وللکافر کخلع ثياب فاخره، والنقل من منازل أنیسه، والاستبدال بأوسخ الثياب، وأخشنها، وأوحش المنازل واعظمها...» (۱)

«مرگ برای شخص با ایمان مانند کندن لباس چرکین از بدن و باز کردن غلهای سنگین، پوشیدن بهترین لباسها و سوار شدن بر راهوارترین مرکبهاست، اما برای کافر همچون کندن لباسهای گرانبها و انتقال از خانه‌های مأنوس و پوشیدن کثیفترین و خشنترین لباسها و رفتن به وحشتناکترین و بیمناکترین منزلهاست.»

(۲) اخبار فراوانی از ائمه هدی علیهم السلام رسیده است مبنی بر این که دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و هرگاه مرگ مؤمن فرا رسد او هیچ‌گونه دشواری احساس نمی‌کند بلکه آسایش بزرگی را به خاطر انتقال به نعمتهای اخروی و جایگزینیش در هر

جای بهشت که بخواهد، در خود احساس می‌کند و اما کافر وقتی که مرگ را در چند قدمی خود احساس می‌کند، آن روز را روز بدبختی و

(۱) معانی الاخبار صدوق، باب ۱۳۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۰

گرفتاری خود می‌بیند و با حسرتها و دردهای زیاد خود را رودررو مشاهده می‌کند؛ به خاطر این که از بهشت دنیا به زندان آخرت و عذاب همیشگی منتقل می‌شود.

(۱)

### بالاترین انواع پارسایی

کسی از امام زین العابدین علیه السلام درباره زهد و پارسایی پرسید، امام علیه السلام فرمود:

«الزهد عشرة أشياء، فأعلى درجة الزهد أدنى درجة الورع، وأعلى درجة الورع أدنى درجة اليقين، وأعلى درجة اليقين أدنى درجة الرضا، ألا وإن الزهد في آية من كتاب الله قوله: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». (۱) «۲»

«زهد و پارسایی در ده چیز است و بالاترین درجه زهد، کمترین درجه ورع است و بالاترین درجه ورع کمترین درجه یقین است و بالاترین درجه یقین کمترین درجه رضاست، و بدانید که تعریف زهد در یک آیه از قرآن مجید آمده است، می‌فرماید: «تا بر آنچه از دست داده‌اید، افسوس نخورید و بدانچه به دست شما رسید، شاد نشوید.»

(۲) این حدیث شریف به پاره‌ای از حقایق عرفانی به شرح ذیل اشاره دارد:

الف- بالاترین درجه زهد، به پای پست‌ترین درجه ورع و پرهیز از محرمات الهی که ناشی از ضبط نفس و سیطره و تسلط بر هوای نفس است، نمی‌رسد.

(۱) سوره حدید/ ۲۳.

(۲) اصول کافی، باب ذم الدنیا و الزهد فیها. مرحوم مجلسی در شرح خود بر این حدیث، فرموده است:

زهد، ده جزء دارد؛ بعضی گفته‌اند: اجزای زهد عبارتند از: ترک محبت به مال، اولاد، لباس، خوراک، همسر، خانه، مرکب سواری، انتقام از دشمن، حکمرانی و شهرت طلبی. و بعضی نیز، اقسام زهد را دوازده قسم شمرده‌اند و اینها تکلفی است که بدانها نیازی نمی‌باشد- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۱

ب- بالاترین درجه ورع معادل پست‌ترین درجه یقین به خدای تعالی که خود از بالاترین مراحل ایمان است.

ج- بالاترین مرتبه یقین عبارت از پایین‌ترین درجه از رضای به مقدرات است که خود جوهره ایمان است.

د- حقیقت زهدی که آیه کریمه بدان اشاره فرموده، آن است که از تاسف و اندوه برای از دست دادن چیزی از منافع مادی دنیوی و همچنین از خوش حالی و شادمانی بدانچه انسان به دست می‌آورد و چیزی از امور لذت‌بخش این دنیا و خیرات مادی آن که موفق می‌شود، برحذر داشته است به این دلیل که همه اینها سرانجام به خاک بر می‌گردد.

(۱)

**بهترین اعمال در پیشگاه خدا**

از امام سجاد علیه السلام درباره بهترین اعمال در نزد خدا پرسیدند، امام علیه السلام فرمود:

«ما من عمل أفضل عند الله تعالى بعد معرفة الله، و معرفة رسوله أفضل من بغض الدنيا، و إن لذلك شعبا كثيرة، و إن للمعاصي شعبا، فأول ما عصى الله به الكبر، و هو معصية ابليس حين أوى، و استكبر، و كان من الكافرين، و الحسد و هو معصية ابن آدم حيث حسد أخاه فقتله، فتشعب من ذلك حب النساء، و حب الدنيا، و حب الرئاسة، و حب الراحة، و حب الكلام، و حب العلو، و حب الثروة، فصرن سبع خصال، فاجتمعن كلهن في حب الدنيا، فقال الأنبياء و العلماء بعد معرفة ذلك ... حب الدنيا رأس كل خطيئة، و الدنيا دنیا بلاء ...» (۱)

(۲) «هیچ عملی پس از معرفت به خدای تعالی و معرفت رسول خدا، بهتر از

(۱) اصول کافی باب ذم الدنيا و الزهد فيها. آنچه در کافی آمده است تفاوت زیادی با اینجا دارد، هم از وسط روایت و هم از ذیل آن عبارات زیادی حذف شده است محتمل است که نقل به اختصار شد. باشد- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۲

بغض به دنیا نیست برآستی که بغض دنیا شعبه‌هایی دارد و گناهان هم اقسامی دارد. نخستین چیزی که بدان وسیله معصیت خدا شد، کبر بود که معصیت ابلیس است؛ او از فرمان خدا سرپیچی کرد و بزرگی را به خود بست و از کافران گردید، و حسد که گناه فرزند آدم است هنگامی که به برادرش حسد برد و او را کشت، و حبّ زنان، حب دنیا، حب ریاست، راحت‌طلبی و شهوت کلام و جاه‌طلبی و مال دوستی از آن منشعب گردید و جمعا هفت خصلت شدند و تمام آنها در حب دنیا جمع است. و پیامبران و دانشمندان با علم و آگاهی از اینها فرموده‌اند: حبّ دنیا در رأس همه گناهان است و این دنیا، دنیای گرفتاری است ...»

(۱) برآستی که حب دنیا اساس گرفتاریها و ریشه فتنه‌ها و خطرهایی است که انسان به آنها دچار می‌شود، زیرا که حرص زیاد آدمی به دنیا، او را به سوی بسیاری از نافرمانیها و گناهان می‌کشاند و در شرّ عظیمی می‌افکند، امام علیه السلام بعضی از آفاتی را که منشأ آنها حب دنیاست نام برده، از آن جمله:

۱- تکبر ۲- حسد ۳- حب زنان و ریاست‌طلبی ۴- آسایش‌طلبی ۵- شهوت کلام و سخنان بیهوده گفتن ۶- برتری‌جویی نسبت به دیگران ۷- مال دوستی این آنها هستند که انسان را به راه دلبستگیها می‌برند و او را در گناهان غرق کرده و از راه حق دور می‌سازند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۳

(۱)

**شناخت عدالت**

از برجسته‌ترین سخنان دلاویز امام علیه السلام این حدیث شریف است که عدالت و درستکاری انسان را تعریف کرده و می‌فرماید:

«إذا رأيتم الرجل قد حسن سمته، و هديه، و تمادی فی منطقه، و تخاضع فی حرکاته، فرويدا لا یغرنکم، فما أكثر من یعجزه تناول الدنيا، و رکوب الحرام منها، لضعف بنيتها، و مهانتها، و جبن قلبه، فنصب الدين فخاله، فهو لا يزال یختل الناس بظاهرة فإن تمکن من حرام اقتحمه، و إذا وجدتموه یعف عن المال الحرام فرويدا لا یغرنکم، فإن شهوات الخلق مختلفة، فما أكثر من يتأبی عن الحرام و إن

کثر، و يحمل نفسه على شوهاء قبيحة، فيأتي منها محرما، فإذا رأيتموه كذلك فرويدا لا يغرنكم حتى تنظروا عقده عقله، فما أكثر من ترك ذلك اجمع ثم لا- يرجع إلى عقل متين، فيكون ما يفسده بجهله أكثر مما يصلحه بعقله... فإذا وجدتم عقله متينا فرويدا لا يغرنكم حتى تنظروا أ يكون هواه على عقله، أم يكون عقله على هواه؟

و كيف محبته للرئاسة الباطلة و زهده فيها؟ فإن في الناس من يترك الدنيا للدنيا، و يرى أن لذة الرئاسة الباطلة أفضل من رئاسة الأموال و النعم المباحة المحللة، فيترك ذلك أجمع طلبا للرئاسة، حتى إذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالإثم فحسبه جهنم و بشس المهاد، فهو يخبط خبط عشواء، يقوده أول باطله إلى أبعد غايات الخسارة، و يمد به بعد طلبه لما لا يقدر في طغيانه، فهو يحل ما حرم الله، و يحرم ما أحل الله لا- يبالي ما فات من دينه إذا سلمت له الرئاسة التي قد شقى من أجلها فأولئك الذين غضب الله عليهم و لعنهم و أعد لهم عذابا أليما.

و لكن الرجل كل الرجل الذي جعل هواه تبعا لأمر الله، و قواه

تحليلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۴

مبدولة في قضاء الله، يرى الذل مع الحق أقرب إلى عز الأبد مع العز في الباطل، و يعلم أن قليل ما يحتمله من ضرائها يؤدي إلى دوام النعيم في دار لا- تبید، و لا- تنفد، و أن كثيرا ما يلحقه من سرائها إن اتبع هواه يؤدي به إلى عذاب لا انقطاع له، و لا زوال، فذلك الرجل تمسكوا به، و اقتدوا بسنته، و إلى ربكم توسلوا به، فإنه لا ترد له دعوة، و لا يخيب من طلبه...» (۱)

(۱) «هرگاه کسی را دیدید که ظاهرش و راه و رفتارش نیکوست و زیاد حرف می‌زند (۲)» و در حرکاتش کرنش دارد، پس مواظب باشید که مبدا شما را بفریبد، زیرا چه بسیار کسانی هستند که به خاطر ضعف و زبونی و سستی اراده و بزدلی از دسترسی به دنیا و ارتکاب محرمات آن عاجزند، بنابراین از راه دین‌داری وارد می‌شوند و مردم را با ظاهر خود فریب می‌دهند، و اگر دستشان به حرام برسد ابا ندارند و اگر دیدید که از مال حرام خودداری می‌کنند پس مواظب باشید که مبدا شما را بفریبند، زیرا که تمایلات مردم مختلف است؛ چه بسیارند کسانی که از مال حرام، هر چند که فراوان باشد، دوری می‌کنند ولی خود را به کارهای سخت و ناروا و امی دارند و از آن راه مرتکب حرام می‌شوند وقتی چنین کسان را دیدید پس مواظب باشید که مبدا فریبتان دهند، تا ببیند که چقدر پایبند عقلند، و چقدر فراوانند کسانی که تمام اینها را ترک کرده و با وجود آن از عقلی استوار بهره ندارند و فسادی را که از روی نادانی مرتکب می‌شوند بیشتر از کار شایسته‌ای است که با عقل خود انجام می‌دهند، بنابراین در مورد چنین فردی، هرگاه عقل او را نیز استوار یافتید مواظب باشید تا شما را گول نزنند مگر این که ببیند (چگونه است) آیا با هوای نفس در برابر عقل ایستاد، و یا با

(۱) تفسیر امام عسکری: ص ۱۹، تنبیه الخواطر: ص ۳۱۶، احتجاج طبرسی: ۱۷۵ / ۲.

(۲) در نسخه مترجم تنبیه الخواطر ج ۲ / ۲۳۶ به جای «تمادی» تماوت فی منطقه، آمده یعنی آرام حرف می‌زند- م.

تحليلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۵

عقل همراه شده و در برابر هوای نفس ایستاده است؟ و علاقه‌اش نسبت به ریاست باطل و پارسایش در این باره چگونه است؟ زیرا که در میان مردم کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیانکارند، دنیا را به خاطر دنیاخواهی ترک می‌کنند، و لذت ریاست باطل را بالاتر از تسلط بر اموال و نعمتهای مباح و حلال می‌دانند و تمام اینها را به خاطر ریاست ترک می‌کنند، تا آنجا که اگر به ایشان بگویند: از خدا بترسید! عزت توأم با گناه ایشان را در خود گرفته و در این صورت جهنم آنان را بس است و بد جایگاهی است.

پس کورکورانه به راه خود ادامه دهند گامهای اول خلافکاریشان آنان را به دورترین سرانجام زیانکاری بکشد، در نتیجه حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می‌شمارند، از این که چیزی از دینشان را در برابر سلامت ریاستشان از دست بدهند، باکی ندارند؛

ریاستی که به خاطر آن خود را نگویند کرده‌اند. چنین کسانی هستند که مورد خشم و لعن خداوند و خداوند عذابی دردناک برای ایشان فراهم ساخته است.

(۱) اما مرد کامل، آن مردی است که هوای نفسش را تابع فرمان خدا ساخته و تمام نیرویش را در راه قضای الهی صرف کند و خواری در راه حق را به عزت ابدی نزدیکتر تا عزت در راه باطل می‌داند، و می‌داند که رنج و رحمت اندکی را که در دنیا متحمل می‌شود او را به نعمت جاودانه در سرایی می‌رساند که کهنگی و زوال ندارد. و برآستی بیشتر خوشیهایی که به او می‌رسد اگر به پیروی از هوای نفس باشد به عذابی ناگسستنی و بی‌پایان می‌انجامد، پس به دامن چنین مردی در دنیا چنگ بزنید و از روش او پیروی کنید، و نزد پروردگارتان به او متوسل شوید، زیرا خداوند به خاطر وی هیچ دعایی را رد نمی‌کند و هیچ درخواست کننده‌ای را ناامید نمی‌گرداند.»

(۲) هدف این سخن امام علیه السلام، شناخت عدالت است که از بالاترین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۶

ملکات نفسانی است زیرا بدین وسیله، مقام انسان بالا می‌رود و از گرفتاریهای مادی و فریبه‌ها و خواسته‌های نفسانی بطوری آزاد می‌شود که هیچ یک از انگیزه‌های شر و فساد نمی‌تواند بر او غلبه پیدا کند. بعضی از فقها به این حدیث استناد جسته‌اند و گفته‌اند فقیهی که متصدی مرجعیت عامه می‌شود لازم است که او بالاترین مراتب عدالت را داشته باشد. (۱)

(۱) این حدیث بطور آشکار دلالت دارد بر این که شناختن مرد عادل کامل در جهت ورع و تقوایش باید به کنجکاوی دقیق و بررسی کامل مستند باشد، نه به نگرش گذرا و سطحی، از جمله:

الف- بی‌سروصدا بودن، که دلیل بر عدالت و تقوا نیست.

ب- خود را ظاهر الصِّلاح ساختن، که این نیز دلیل عدالت نمی‌باشد زیرا گاهی ممکن است از روی دغل‌بازی و نفاق باشد، دین را وسیله رسیدن به آرمانها و مطامع و خواسته‌هایش قرار دهد بعد از این که دید از راههای دیگر به اینها نمی‌رسد از وسیله دین استفاده کند.

ج- خودداری از مال حرام، این نیز دلیل تقوا نمی‌شود، زیرا گاهی ممکن است شخصی خود را به این کار وادارد و از آن در راه رسیدن به آرزوها و هدفهایی که هیچ ارتباطی به دین ندارد استفاده کند.

اما وسایلی که بدان وسیله کمال ورع و درستکاری و دین‌داری شخص کشف می‌شود عبارت است از:

الف- عقل انسان بر هوای نفس و تمایلاتش غلبه کند.

ب- دل به ریاست باطل نبسته و از آن دوری کند که این خود از استوارترین نشانه‌های عدالت و تقواست.

ج- پیروی از اوامر الهی و تسلیم کامل به فرمان خدا به گونه‌ای که تمام نیروهایش را متوجه رضای خدا و تقرب به او کند، این است آن عدالت واقعی که

(۱) سفینه النجاة.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۷

از اندیشه و تفکر و ایمان شخص سرچشمه می‌گیرد.

(۱)

امام سجاد علیه السلام حدیث ذیل را که بیانگر برخی از صفات و ویژگیهای افراد منافق و مردمان با ایمان است، بیان داشته و می‌فرماید:

«المنافق ینهی و لا ینتهی، و یأمر و لا یأتی، إذا قام للصلاة اعترض، و إذا رکع ربض، و إذا سجد نقر، یمسی و همه العشاء، و لم یصم، و یصبح و همه النوم و لم یسهر.

و المؤمن خلط علمه بحلمه، یجلس لیعلم، و ینصت لیسلم، لا یحدث بالامانة للاصدقاء، و لا یکتّم الشهادة للبعداء، و لا یعمل شیئا من الحق ریاء، و لا یترکه حیاء إن زکی خاف مما یقولون: و یستغفر الله لما لا یعلمون، و لا یضره جهل من جهله...» (۱)

(۲) «شخص منافق دیگران را از کار بد نهی کند اما خود باز نایستد و دیگران را به کار نیک امر کند و خود عمل نکند و چون به نماز ایستد، رو به هر سو کند و چون به رکوع رود، زانو زند و چون سجده کند مانند کلاغ منقار به زمین بزند و روز را به شب برساند در حالی که روزه نگرفته و هم‌تث شام خوردن است بیدار خوابی نکشیده، صبح کند و هنوز در فکر خواب است.

شخص با ایمان، عملش توأم با بردباری است، می‌نشیند تا آگاهی پیدا کند و خاموش می‌ماند تا در امان باشد، سخن امانت را به دوستان هم نگوید و شهادت را درباره بیگانگان هم کتمان نکند، کار حق را به خاطر ریا انجام ندهد و به خاطر خجالت و حیا ترک نکند. اگر مردم او را بستایند او بیمناک شود و از آنچه مردم نمی‌دانند استغفار کند و جهل نادانان به حال او زیان نرساند.»

(۱) تحف العقول: ص ۲۸۰، بحار الانوار: ۱۷/۳۱۵ چاپ جدید، و قسمتی از این حدیث در وسائل الشیعة: ۱۱/۲۷۲ آمده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۸

(۱) این حدیث امام علیه السلام به برجسته‌ترین صفات منافقان و مؤمنان اشاره دارد، اما صفات منافقان از این قرار است:

الف- منافق دیگران را از کار بد نهی کند ولی خود باز نایستد و امر به معروف کند و خود عمل نکند زیرا چنین کسی ممکن نیست در باطن خود مؤمن باشد اما علت امر و نهی او، نیرنگ و فریب دیگران است که گمان کنند که از مردمان نیکوکار و خوبان است.

ب- منافق در وقت نماز به هر سو توجه دارد، چنان که در وقت رکوع مانند گوسفندان در آغلشان زانو زند و اما در سجده نیز آرام نمی‌گیرد، همانند پرنده‌ای است که برای طعمه‌اش منقار بر زمین می‌زند.

ج- منافق چون چهارپایان که هم‌تشان به علف است، او نیز صبح و شب جز به خوردن نمی‌اندیشد.

(۲) اما صفات برجسته مؤمن، عبارتند از:

الف- شخصیت مؤمن از دو عنصر علم و حلم ترکیب یافته او هم دانا و هم بردبار و شکیباست و هر که دارای این دو صفت باشد به بالاترین مراتب کمال رسیده است.

ب- مؤمن در نزد کسی نمی‌نشیند مگر برای این که از او علم و حکمت بیاموزد و در مجالس لهو و بیهودگی که هیچ بهره‌ای نبرد هرگز نمی‌نشیند.

ج- مؤمن وقتی که در برابر کسی خاموش است برای آن است که از شر و تجاوز او در امان بماند. (۱)

د- مؤمن وقتی که امین شمرده شود آن امانت را مخفی بدارد و به هیچ کس، حتی دوستانش ابراز ندارد.

ه- وقتی که شاهد بر مطلبی بود آن را به موقع ابراز می‌دارد و کتمان

(۱) این سکوت از باب حفظ زبان، در هر داستانی وارد نشدن و از موارد شبهه‌ناک خودداری کردن و از همنشینی مردمان فاسق دوری جستن است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۴۹

شهادت نمی‌کند.

و- وقتی که کار حقی را انجام دهد، به خاطر ریا و سمعه انجام ندهد بلکه تنها برای رضای خدا انجام دهد.

ز- وقتی که از مؤمن تعریف کنند و او را با بعضی از اوصاف حمیده بستایند، به خاطر این که مبدا دارای این اوصاف نباشد، بیمناک گشته و برای کسی که این اوصاف را به او نسبت داده است استغفار نماید.

ح- مؤمن به نادانان که او را نشانند اهمیت ندهد و ارزشی قائل نشود.

آری این اوصاف ارزشمند مؤمن دلیل بر ارزش ذاتی و کمال شخصیت اوست.

(۱)

### نصایح ارزشمند

امام سجاد علیه السلام، این نصیحت پرارزش را به یکی از اصحابش فرموده و می‌گوید:

«لَيْسَ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ مَعَ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ، وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (۱) و لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا شِئْتَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (۲) و لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ خَيْرًا فَنَعِمَ أَوْ صَمَتَ فَسَلِمَ» و لَيْسَ لَكَ أَنْ تَسْمَعَ مَا شِئْتَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

(۱) سوره انعام / ۶۸.

(۲) سوره اسراء / ۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۰

وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (۱)» (۲)

(۱) «تو حق نداری با هر کسی مجالست کنی، زیرا که خدای تعالی می‌فرماید: «چون کسانی را ببینی که درباره آیات ما به عناد گفتگو می‌کنند پس از ایشان رو بگردان تا این که درباره مطلب دیگری سخن بگویند و اگر شیطان از خاطر تو برد، بعد از آن که به خاطرت آمد، با گروه ستمگران منشین.» و حق نداری هر سخنی را بگویی، زیرا که خدای تعالی می‌فرماید: «از آنچه که علم نداری پیروی مکن» و رسول اکرم فرموده است: «خداوند پیامرزد آن بنده‌ای را که سخن نیکو گفته و فایده برده است و یا خاموشی گزیده و سالم مانده است.» و تو حق نداری به هر سخنی گوش فرا دهی، زیرا که خدای تعالی می‌فرماید: «همانا گوش، چشم و دل همه اینها مورد بازخواست قرار می‌گیرند.»

براستی که انسان مسلمان اگر این نصایح ارزنده‌دار وی واقعیت زندگی خود پیاده کند به خیر کلی رسیده و از بدبختی و گرفتاری نجات یافته است.

(۲)

### مواسات و احسان به دیگران

امام سجاد علیه السلام شیعیان و اصحابش را بر مواسات و احسان به یکدیگر وادار می‌کرد زیرا بهترین ضامن اتحاد و وحدت کلمه ایشان همین احسان به یکدیگر است و اخبار زیادی از آن حضرت در این باره رسیده از جمله اخبار ذیل است.

(۳) ۱- فرمود:

«إن أرفعكم درجات، و أحسنكم قصورا و أبنیة- یعنی فی الجنة-

(۱) سوره اسری / ۳۸.

(۲) تفسیر برهان: ۱ / ۳۲۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۱

أحسنکم ایجابا المؤمنین، و أكثرکم مواساة لفقرائهم، إن الله لیقرب الواحد منکم إلى الجنة بکلمة طيبة یکلم بها أخاه المؤمن الفقیر، بأكثر من مسیره الف عام یقدمه، و إن کان من المعذبین بالنار، فلا تحتقروا الاحسان إلى اخوانکم، فسوف ینفعکم حیث لا یقوم مقام غیره...» (۱)

«بلندمرتبه‌ترین شما و صاحب بهترین کاخها و بناها در بهشت کسی است که بهتر از دیگران پاسخگوی مشکل مؤمنان باشد و از همه کس با مستمندانشان بیشتر مواسات کند، زیرا که خدای متعال فردی از شما را به خاطر کلمه خوشی که با برادر مؤمن فقیرش می‌زند، بیشتر از مسیر هزار سال به بهشت نزدیک می‌کند، هر چند که از اهل عذاب در آتش دوزخ باشد، بنابراین احسان به برادران مؤمن را کوچک نشمارید که چنان سودی به شما خواهد داد که هیچ چیز جای آن را نگیرد.»

آری امام علیه السلام به مواسات و احسان به فقرا ترغیب کرده و آن اجر فراوانی را که در نزد خدا دارد خاطر نشان فرموده است و از جمله مواسات، کلام خوشی را شمرده است که انسان مسلمان به برادر مسلمانش می‌زند، زیرا سخن خوش از عوامل گسترش محبت و دوستی میان مسلمانان است.

(۱) ۲- امام علیه السلام می‌فرماید:

«من بات شعبانا و بحضرتة مؤمن جائع طاو فان الله تعالی یقول لملائکته: اشهدوا علی هذا العبد أمرته فعصانی، و أطاع غیری، فوکلته إلى عمله، و عزتی و جلالی لا غفرت له أبدا...» (۲)

«هر که سیر بخوابد و مؤمنی سخت گرسنه در پیش روی او باشد، خدای

(۱) تفسیر برهان: ۱ / ۴۴.

(۲) عقاب الاعمال: ص ۳۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۲

تعالی به فرشتگان می‌فرماید: شما گواه باشید که من به این بنده امر کردم، او از من نافرمانی و از غیر من اطاعت کرد و من او را به کردار خویش واگذاشتم به عزت و جلالم سوگند که هرگز او را نیامرزم.»

این حدیث و نظایر آن از احادیثی است که از ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده و از جمله عناصر اصلی بنای مسئولیت متقابل اجتماعی به حساب می‌آید که اسلام آن را بنا نموده و این همان چیزی است که (اگر رعایت شود) بطور حتم، بر فقر و محرومیت خاتمه می‌بخشد.

(۱) ۳- امام علیه السلام فرمود:

«من کان عنده فضل ثوب فعلم أن بحضرتة مؤمنا یحتاج إليه، فلم یدفعه إليه أکبه الله علی منخریه فی النار.» (۱)

«هر که جامه زیاده بر نیاز خود داشته باشد و بداند که مؤمنی در نزد وی محتاج به آن است و به او ندهد، خداوند او را به رو در آتش اندازد...»



براستی که اسلام با نهایت سرفرازی و افتخار، بیماری فقر را یک بیماری اجتماعی مهلک می‌داند و به هر وسیله و هر طریقی از بین بردن آن را لازم می‌شمارد و تمام نیروهایش را برای نابودی آن و نجات اجتماع از آن بیماری بسیج فرموده است.

(۲) ۴- آن حضرت می‌فرماید:

«إِنِّي لِأَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَرَى أَخَا مِنْ إِخْوَانِي، فَاسْأَلَ اللَّهَ لَهُ الْجَنَّةَ وَابْخَلَ عَلَيْهِ بِالْدِينَارِ وَالدَّرْهَمِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِيلَ لِي: لَوْ كَانَتْ الْجَنَّةُ لَكَ لَكُنْتُ بِهَا أَبْخَلَ، وَابْخَلَ، وَابْخَلَ...» (۲)

(۱) محاسن برقی: ۹۷/۱.

(۲) مصادقة الاخوان: ۳۴، سير اعلام النبلاء: ۴/۲۳۹، تهذيب الكلام: ۷/۲ فتوگرافی ص ۳۳۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۳

«همانا من از پروردگارم شرم می‌کنم که برادری از برادران مؤمنم را بینم و از خداوند برای او بهشت را مسألت کنم در حالی که از دینار و درهم نسبت به او بخل می‌ورزم، پس چون روز قیامت شود، به من بگویند: اگر بهشت از آن تو بود هرآینه هرچه بیشتر بخل می‌ورزیدی...»

این حدیث شریف از میزان توجه امام علیه السلام نسبت به مسأله نیکی و احسان و تشویق بر آنها حکایت می‌کند.

(۱) ۵- امام علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَشْبِعَ، لَمْ يَدْرَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ لَا مَلِكٌ مَقْرَبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...»

و أضاف الإمام قائلا: من موجبات المغفرة اطعام المسلم السغبان، ثم تلا قوله تعالى: «أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ \* يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ \* أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ.» (۱)

«هر که مؤمنی را اطعام کند به قدری که سیر شود، هیچ مخلوقی اجر و پاداش او را در آخرت نداند، نه ملک مقرب و نه پیامبر مرسل جز خداوند پروردگار جهانیان... اضافه کرد و فرمود: از جمله موجبات آمرزش، غذا دادن به مسلمان گرسنه است. و سپس این آیه شریفه را تلاوت کرد: «و یا خورانیدن طعام در روز گرسنگی، یتیمی را که خویشاوند است، و یا در مانده‌ای را که نیازمند می‌باشد.»

(۲) در این حدیث شریف دعوت به اطعام گرسنه و رفع گرسنگی از اوست، براستی که اسلام خلق را بر این مطلب وادار کرده و آن را یک ضرورت قطعی اسلامی دانسته که انسان مسلمان از آن مؤاخذه می‌شود و مخصوصا اگر فقیری نیاز

(۱) سوره بلد/ ۱۵-۱۷.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۴

مبرم به خوراک داشته باشد مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

(۱) ۶- امام علیه السلام فرمود:

«مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ مَائَةَ حَاجَةٍ، وَ مِنْ نَفْسٍ عَنْ أَخِيهِ كَرِبَةٌ نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرِبَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِالْغَا مَا بَلَغَتْ، وَ مِنْ أَعَانَةٍ عَلَى ظَالِمٍ لَهُ، أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى إِجْزَاءِ الصَّرَاطِ عِنْدَ دَحْضِ الْأَقْدَامِ، وَ مِنْ سَعَى لَهُ فِي حَاجَةٍ حَتَّى قَضَاهَا لَهُ فَسَرَّ بِقَضَائِهَا، كَانَتْ كَادِحًا عَلَى السَّرُورِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ مِنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمًا، سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَ مِنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَ مِنْ كَسَاهُ مِنْ عَرَى، كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ اسْتَبْرَقٍ وَ حَرِيرٍ، وَ مِنْ كَسَاهُ مِنْ غَيْرِ عَرَى لَمْ يَزَلْ فِي ضِمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى الْمَكْسَى مِنَ الثُّوبِ»

سلک، و من کفاه ما أهمه أخذمه الله من الولدان، و من حملة علی راحله بعثه الله یوم القیامة علی ناقه من نوق الجنة یباهی به الملائکه، و من کفنه عند موته کساه الله یوم ولدته أمه إلى یوم یموت، و من زوجه زوجته یأنس بها، و یسکن إليها آنسه الله فی قبره بصوره أحب أهله إليه، و من عاده فی مرضه حفته الملائکه تدعو له حتی ینصرف، و تقول: طبت، و طابت لك الجنة ... و الله لقضاء حاجته أحب إلى الله من صیام شهرین متتابعین باعتکافهما فی الشهر الحرام ...» (۱)

«هر که برای برادر مؤمنش حاجتی را برآورد، خداوند صد حاجت او را برآورده سازد و هر کس غمی را از برادرش برطرف کند، خداوند روز قیامت غم او را به هر مقدار که باشد برطرف گرداند، و هر که در برابر ستمگری به برادر مؤمنش کمک کند خداوند او را در موقعی که قدمها می‌لرزد بر عبور از صراط یاری کند و هر که در راه حاجت برادرش بکوشد تا آن را برآورد و او به خاطر برآورده شدن حاجتش شادمان گردد، گویی که قلب رسول خدا

(۱) ثواب الاعمال: ص ۸۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۵

– صلی الله علیه و آله- را شادمان کرده است، و هر کس برادرش را به وقت تشنگی سیراب کند، خداوند او را از آب کوثر سیراب کند و هر که او را به وقت گرسنگی سیر کند خداوند او را از میوه‌های بهشت بخوراند و هر کس او را در وقت برهنگی بپوشاند، خداوند او را از استبرق و حریر بپوشاند و هر کس دیگری را در وقت غیر برهنگی بپوشاند، همواره در پناه خدا باشد تا وقتی که تاری از آن جامه باقی است و هر که مشکل برادر مؤمنش را برآورد، خداوند از غلمان بهشتی خدمتگزاری برای او بگمارد، و هر کس او را به مرکبی سوار کند، خداوند در روز قیامت او را بر شتری از شتران بهشتی سوار کند در حالی که به فرشتگان مباحث نماید و هر که مؤمنی را پس از مرگش کفن کند، خداوند او را از روز تولد تا روز مردنش بپوشاند و هر که زنی را به همسری او درآورد که انیس یکدیگر باشند خداوند انیسی در قبر به صورت محبوبترین فرد خانواده‌اش برای او فراهم آورد و هر که به وقت بیماری، عیادتش کند، فرشتگان او را احاطه کرده و برای او دعا کنند تا وقتی که بر می‌گردد؛ فرشتگان می‌گویند؛ خوشا به حال تو و بهشت گوارایت باد ... به خدا سوگند که برآوردن حاجت برادر مؤمن، محبوبتر است نزد خدا از دو ماه پیایی روزه‌داری با اعتکاف، آن هم در ماههای حرام.»

(۱) براستی این تعلیمات ارزنده‌ای را که امام سجاد علیه السلام بیان کرده از سلسله نصایحی می‌باشد که باعث تعهد و توجه متقابل مسلمین و گسترش محبت و دلسوزی در بین آنهاست.

(۲) ۷- امام علیه السلام می‌فرماید:

«یحشر الناس یوم القیامة أعرى ما یکون، و أجوع ما یکون، و اعطش ما یکون، فمن کسی مؤمنا فی دار الدنیا کساه الله من حلل الجنة، و من أطعم مؤمنا فی دار الدنیا أطعمه الله من ثمار الجنة، و من سقی مؤمنا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۶

فی دار الدنیا شربه، سقاها الله من الریحق المختوم ...» (۱)

«روز قیامت مردم به برهنه‌ترین و گرسنه‌ترین و تشنه‌ترین حالت ممکن محشور گردند پس هر کس در سرای دنیا مؤمنی را بپوشاند خداوند او را از لباسهای فاخر بهشتی بپوشاند و هر که در دار دنیا مؤمنی را اطعام کند خداوند او را از میوه‌های بهشتی بخوراند و هر که مؤمنی را در سرای دنیا با شربتی آب سیراب کند، خداوند او را از آب کوثر سیراب گرداند.»

براستی که اسلام نهایت پافشاری را برای از بین بردن فقر و درماندگی و رفع نیاز از اجتماع اسلامی دارد و پاداش بسیاری را در سرای آخرت برای کسانی تضمین کرده است که به کمک و احسان برادر مؤمنش اقدام کند.

(۱) ۸- امام علیه السلام می‌فرماید:

«من أطعم مؤمنا من جوع أطعمه الله من ثمار الجنة، و من سقى مؤمنا عن ظمأ سقاه الله من الرحيق المختوم، و أيما مؤمن كسى مؤمنا من عرى، لم يزل فى ستر الله و حفظه ما بقيت منه خرقه...» (۲)

«هر کس برادر مؤمنش را در وقت گرسنگی اطعام کند، خداوند از میوه بهشت به او بخوراند و هر کس مؤمن تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند او را از آب کوثر سیراب گرداند و هر مؤمنی که مؤمن برهنه‌ای را بپوشاند همواره در پوشش و حفظ خدای تعالی است تا وقتی که پاره‌ای از آن لباس باقی است.»

(۱) امام زین العابدین: ص ۱۹۴.

(۲) المؤمن: ص ۱۹ تألیف حسین بن سعید اهوازی از کتب خطی کتابخانه آقای حکیم به شماره ۱۹۶ که مدرسه امام مهدی (عج) در سال ۱۴۰۴ ه با کتاب التّمحيص شيخ ابو على محمد بن همام اسكافى متوفى سال ۳۳۶ ه به تحقیق و نشر آن اقدام فرموده است، این حدیث به شماره ۱۵۹ در صفحه ۶۳ آن آمده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۷

(۱) براستی این اصولی را که امام علیه السلام بیان فرموده است جوهره و واقعیت اسلام را تجسم می‌بخشد و اگر مسلمانان آن را در زندگیشان به کار برند بیقین سرآمد امتها و ملتها خواهند شد.

(۲)

### صله ارحام

امام زین العابدین علیه السلام به صله ارحام تشویق فرموده و از قطع رحم بر حذر داشته است به دلیل پیامدهای ناروای فراوانی که در پی دارد، می‌فرماید:

«من سره أن یمد الله فى عمره، و أن یبسط له فى رزقه فلیصل رحمه، فإن الرحم لها لسان، یوم القیامه، ذلق تقول: یا رب صل من وصلنى، و اقطع من قطعنى، فالرجل لیری بسبیل خیر إذا أته الرحم التى قطعها فتهوی به إلى اسفل قعر فى النار...» (۱)

«کسی که خوش حال می‌شود که خداوند عمرش را زیاد کند و در روزیش گشایش بخشد، پس باید صله رحم کند، زیرا صله رحم در روز قیامت زبان فصیحی دارد و می‌گوید: پروردگارا بیبوند کسی را که صله رحم کرده و قطع کن با کسی که قطع رحم کرده است، بنابراین شخص بخوبی می‌بیند آن موقعی را که رحم او می‌آید همان رحمی که او قطع کرده است، او را به پایین‌ترین مرتبه آتش دوزخ می‌اندازد...»

(۳) اخبار زیادی از ائمه هدی علیهم السلام در تشویق بر صله رحم و این که صله رحم باعث طول عمر انسان و زیادی روزی و پاداش فراوان در سرای آخرت می‌شود، رسیده است به خاطر این که صله رحم باعث همبستگی اجتماع و گسترش محبت و صفا در میان مسلمانان می‌گردد و این خود از مهمترین چیزهایی است که اسلام بشریت را بدان دعوت می‌کند.

(۱) بحار الانوار.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۸

(۱)

## دوستی برای خدا

امام علیه السلام، مسلمانان را به همبستگی و دوستی با یکدیگر تنها برای خدا بدون هیچ شائبه‌ای از شئون مادی که خدشه‌ناپذیر است دعوت فرموده و می‌گوید:

«إذا جمع الله الأولين و الآخرين نادى مناد يسمعه الناس يقول: أين المتحابون في الله؟ فيقوم عنق من الناس، فيقال لهم: اذهبوا إلى الجنة بغير حساب، فتلقاهم الملائكة و يسألونهم عن العمل الذي جازوا به إلى الجنة، فيقولون: نحن المتحابون في الله، فيقولون: و أی شیء كان أعمالكم؟ فيقولون: كنا نحب في الله، و نبغض في الله فيقولون لهم: نعم أجر العاملين.» (۱)

«وقتی که خداوند مردم اولین و آخرین را (در محشر) جمع کند، منادی ندا دهد بطوری که همه مردم بشنوند، می‌گوید: کجا ایند کسانی که به خاطر خدا یکدیگر را دوست می‌داشتند، گروهی از مردم از جا برخیزند، به ایشان گفته می‌شود: بدون حساب به بهشت وارد شوید، پس فرشتگان با روی باز ایشان را ملاقات کنند و از عمل آنها پرسند که چه کرده‌اید تا باعث ورود به بهشتان گردید؟ بگویند: ما یکدیگر را به خاطر خدا دوست داشتیم، پس پرسند: اعمالتان چگونه بود؟ پاسخ دهند: ما برای خدا دیگران را دوست می‌داشتیم و برای خدا دشمن می‌داشتیم، فرشتگان می‌گویند: چه خوب است اجر عاملان.»

(۲) براستی دوستی برای خدا باعث اتحاد می‌شود و از تفرقه جلوگیری می‌کند و همه را جمع می‌کند و متفرق نمی‌سازد، زیرا که آن ناشی از ایمان عمیق به

(۱) وسائل الشیعة: ۱۱ / ۴۳۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۵۹.  
خداست.

(۱)

## دعا برای مؤمن

امام علیه السلام مؤمنان را در پشت سر به دعا و ثنای برادرانشان دعوت فرموده، می‌گوید:

«إن الملائكة إذا سمعوا المؤمن يدعو لأخيه بظهر الغيب أو يذكره بخير، قالوا: نعم الأخ أنت لأخيك، تدعو له بالخير، و هو غائب عنك، و تذكره بخير، قد أعطاك الله مثلي ما سألت له، و أثنى عليك مثلي ما أثنيت عليه، و لك الفضل عليه، و إذا سمعوه يذكر أخاه بسوء و يدعو عليه، قالوا له: بسئ الأخ أنت لأخيك، كف أيها المستر على ذنوبه و عورته، و اربع على نفسك، و احمد الله الذي ستر عليك، و اعلم أن الله أعلم بعبده منك...» (۱)

«همانا وقتی که فرشتگان بشنوند که مؤمن در پشت سر برای برادر مؤمنش دعا می‌کند و یا او را به نیکی یاد می‌کند، گویند چه خوب برادری هستی تو برای برادرت که در حق او دعای خیر می‌کنی در حالی که او حضور ندارد و از او به نیکی یاد می‌کنی هر آینه خداوند عزّ و جل دو برابر آنچه را که برای او درخواست کردی به تو می‌دهد و او از تو دو برابر آنچه که از او به نیکی یاد کردی، به نیکی یاد کند، در حالی که تو بر او فضیلت داری.»

و هرگاه فرشتگان الهی بشنوند که او به برادر مؤمنش بد می‌گوید و بر او نفرین می‌نماید، بگویند: چه بد برادری باشی، برای برادرت، ای کسی که خداوند پرده روی گناهان و عیبهایش کشیده از این سخنان دست بردار و خود را باش! و خدا را حمد و سپاس گو به خاطر آن که پرده روی اعمال تو کشیده است و بدان که خدای تعالی به حال بنده خود از تو داناتر است...»

(۱) اصول کافی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۰

براستی که این سنتها و آداب ارزشمند از جمله عواملی است که باعث وحدت و همبستگی مسلمانان می‌گردد و هم دوستی و برادری را میان ایشان برقرار می‌سازد.

(۱)

### پاداش اهل فضیلت

امام زین العابدین علیه السلام، اصحاب خویش را به بهره‌مند ساختن مردم از فضل و کار نیکشان ترغیب و تشویق فرموده است همچنان که ایشان را بر آراسته شدن به زیور صبر و بردباری و کمک و همیاری با یکدیگر دعوت کرده، می‌فرماید:

«إذا كان يوم القيامة نادی مناد: ليقم أهل الفضل. فيقوم ناس قبل الحساب، فيقال لهم: انطلقوا إلى الجنة، فتلقاهم الملائكة و يسألونهم إلى أين؟ فيقولون: إلى الجنة، فإذا سألوهم عما استحقوا ذلك، يقولون: كنا إذا جهل علينا حلمنا، و إذا ظلمنا صبرنا، و إذا أسىء إلينا غفرنا. فيقال لهم: ادخلوا الجنة فنعلم أجر العاملين، ثم ينادى مناد: ليقم أهل الصبر. فيقوم ناس، فيقال لهم: انطلقوا إلى الجنة، فتلقاهم الملائكة و يسألونهم مثل الأول. فيقولون: صبرنا أنفسنا على طاعة الله، و صبرناها عن معصية الله عز و جل، فيقولون لهم: ادخلوا الجنة فنعلم أجر العاملين، ثم ينادى مناد: ليقم جيران الله عز و جل، فيقوم ناس، فيقال لهم: انطلقوا إلى الجنة فتسألهم الملائكة عما استحقوا ذلك، و ما مجاورتهم لله عز و جل؟ فيقولون: كنا نتزاور في الله، و نتجالس في الله، و نتبادل في الله، فيقولون: ادخلوا الجنة فنعلم أجر العالمين...» (۱)

«وقتی که روز قیامت فرا رسد، منادی ندا در دهد: اهل فضیلت بپاخیزید!

(۱) حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۵۹، تاریخ یعقوبی: ۳ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۱

پس گروهی پیش از حساب از جا برخیزند، به آنان گفته شود: به بهشت بروید، فرشتگان با روی گشاده روبرو شوند و از ایشان پرسند که به کجا می‌روید؟ می‌گویند: به سوی بهشت، و چون پرسند که از کجا مستحق بهشت شدید؟ می‌گویند: ما چنان بودیم که وقتی کسی به نادانی با ما برخورد می‌کرد بردباری می‌کردیم و هرگاه به ما ظلم می‌شد، صبر می‌کردیم و هرگاه کسی بدی می‌کرد می‌بخشیدیم. آنگاه به ایشان گفته می‌شود: به بهشت وارد شوید، چه خوب است اجر عاملان! سپس منادی ندا در دهد:

اهل صبر بپاخیزند، پس گروهی از مردم بپاخیزند و به ایشان بگویند: به سوی بهشت بروید، فرشتگان با روی باز با ایشان ملاقات کنند و از آنان نظیر دسته اول سؤال می‌کنند و آنها در جواب می‌گویند: ما خود را به صبر و پایداری بر طاعت خدا و خودداری از معصیت خدای عز و جل واداشتم پس به ایشان گفته می‌شود: به بهشت وارد شوید چه نیکوست اجر عاملان! سپس منادی ندا در دهد: همسایگان خدا بپاخیزند! پس گروهی از مردم برخیزند، به ایشان گفته می‌شود: به سوی بهشت بروید! فرشتگان از ایشان می‌پرسند که چه چیز باعث استحقاقی این چنین برای شما گردید؟ و چه همسایگی با خدا داشتید؟ می‌گویند: ما برای خدا با یکدیگر دید و بازدید داشتیم و همنشینی و گفتگو می‌کردیم، فرشتگان می‌گویند: به بهشت وارد شوید، خوب پاداشی است پاداش عاملان! در این حدیث شریف دعوت بر آراستگی به اخلاق والا- و صفات پسندیده‌ای است که باعث بالا- رفتن مقام انسان و

رسیدن او به اوج شرف و کمال است.

(۱)

### دعوت به دین

مردی به خدمت امام علیه السلام رسید و از آن حضرت درباره دعوت به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۲

دین داری سؤال کرد، امام علیه السلام به او فرمود:

«ادعوك إلى الله تعالى، و إلى دينه، و جماعه أمران: الأول: معرفه الله، و الآخر العمل برضوانه، و إن معرفه الله أن تعرفه بالوحدانيه، و الرأفة، و الرحمة، و العلم و القدره، و العلو على كل شيء، و أنه النافع، الضار، القاهر لكل شيء، الذي لا تدرکه الابصار، و هو يدرك الأبصار و هو اللطيف الخبير، و أن محمدا عبده و رسوله، و أن ما جاء به هو الحق من عند الله تعالى، و أن ما سواهما هو الباطل، فإذا اجابوا إلى ذلك فلهم ما للمسلمين، و عليهم ما على المسلمين...» (۱)

(۱) «تورا به سوی خدا و دین خدا دعوت می‌کنم، و اینها در دو چیز جمع شده است: نخست شناخت خدای تعالی و دیگری عمل کردن بر طبق رضای او. و همانا شناخت خدا آن است که او را به یکتایی و رأفت و مهربانی، علم و توانایی و برتری بر همه چیز بشناسی و بدانی که سود و زیان به دست اوست و بر همه چیز غالب است، کسی است که چشمها او را نمی‌بیند و او چشمها را می‌بیند و او مهربان و بسیار داناست و این که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست و آنچه را که او از جانب خدا آورده، بر حق است و جز خدا و پیامبر (و راه آنها) همه چیز بر باطل است، و هرگاه اینها را پذیرفتند آنها نیز حقی مانند دیگر مسلمانان دارند و هر چه به زیان مسلمین است بر زیان آنها نیز هست.»

(۲) برآستی دعوت به دین داری و ورود در گروه دینداران بر محور شناخت خدای تعالی و ایمان به یکتایی او و اعتراف به نبوت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است و هر که به این دو امر اقرار کند، احکام اسلام، از قبیل محفوظ بودن جان و مال او و رفتار با او همچون دیگر مسلمانان درباره او جاری است.

(۱) تهذیب شیخ طوسی: ۴۷/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۳

(۱)

### بر حذر داشتن امام از بعضی محرمات

امام زین العابدین علیه السلام مردم را از ارتکاب بعضی از محرمات بر حذر داشته است برای این که این محرمات از عواملی است که انسان را از خدای تعالی دور می‌سازد و او را دچار شرّ بزرگی می‌کند؛ فرمود:

«اتقوا المحرمات كلها، و اعلّموا أن غیبتکم لأخیکم المؤمن من شیعه آل محمد صلی الله علیه و آله اعظم فی التحريم من المیتة، قال الله تعالی: «وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أُوْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (۱) و إن الدم أخف فی التحريم عليكم أكله من أن یشی أحدکم بأخیه المؤمن من شیعه آل محمد (ص) إلى سلطان جائر، فإنه یهلك نفسه و أخاه المؤمن، و السلطان الذی وشی به إليه، و إن لحم الخنزیر أخف تحريما من تعظیمکم من صغر الله، و تسميتهم باسمائنا أهل البيت، و تلقیهم بالقابنا، و قد سماهم الله

باسماء الفاسقین، و لقبهم بالقاب الفاجرین، و أن ما أهل به لغير الله، أخف تحريما عليكم من أن تعقدوا نكاحا، أو صلاة جماعة، مع اعدائنا الغاصبين لحقوقنا، إذا لم يكن منكم تقيه، قال الله تعالى: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (۲) و من اضطره اللهو إلى تناول شيء من هذه المحرمات و هو معتقد لطاعة الله فلا اثم عليه...» (۳)

«از تمام محرمات پرهیزید و بدانید که گناه غیبت شما از برادر مؤمنان از پیروان آل محمد- صلی الله علیه و آله- بالاتر از خوردن مردار است، خدای تعالی فرموده است: «نباید غیبت یکدیگر را بکنید، آیا دوست

(۱) سوره حجرات / ۱۲.

(۲) سوره بقره / ۱۷۰.

(۳) بحار الانوار: ۷ / ۳۳۱ چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۴

می‌دارد کسی از شما که گوشت مردار برادرش را بخورد پس ناخوش دارید آن را...» و حرمت خوردن خون بر شما سبکتر است تا سخن چینی کسی از شما از برادر مؤمنش که از شیعیان آل محمد- صلی الله علیه و آله- است در نزد سلطان جائز، زیرا چنین کسی هم خود و برادر مؤمنش و هم آن پادشاه ستمگر را هلاک کرده است. و حرمت خوردن گوشت خوک سبکتر است تا تعظیم شما از کسی که خداوند او را تحقیر کرده است و به نام و لقب ما آنها را بخوانید در صورتی که خداوند ایشان را به نام فاسقان و به القاب تبه‌کاران نامیده است. و همانا حرمت (گوشت حیوانی که) با نام خدا سر بریده نشده کمتر برای شما از ازدواج کردن و یا نماز جماعت خواندن با دشمنان ما که غاصبان حقوق ما هستند؛ آنگاه که از روی تقيه نباشد، خدای تعالی فرموده است: «پس کسی که مضطر شد در حالی که نه ستمگر است و نه تجاوزکار پس گناهی بر او نیست.» اما اگر کسی از روی ناچاری، یکی از این محرمات را مرتکب شود در حالی که به اطاعت از خدا اعتقاد دارد، گناهی بر او نوشته نشود...»

(۱) امام علیه السلام از ارتکاب همه محرمات بر حذر داشته و بویژه بر اجتناب از محرمات ذیل تأکید و اصرار ورزیده است:

الف- غیبت، زیرا که غیبت مانع وحدت اسلامی و باعث گسترش نارضایتی و عداوت در میان مسلمانان است، و این مطلب حتمی است که هر که دلش با ایمان به خدا آبادان باشد، از غیبت دوری می‌کند و امام علیه السلام در بسیاری از نصایح خود از غیبت بر حذر داشته است. مردی به خدمت امام علیه السلام عرض کرد: فلان شخص مردم را به گمراهی و بدعت سوق می‌دهد، امام علیه السلام از سخن او ناراحت شد و رو به او کرد و فرمود:

«ما رعیت حق مجالسة الرجل حیث نقلت کلامه إلینا، و لا رعیت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۵

حقى حیث أبلغتني عن أخى ما لست أعلمه، إن الموت یعمنا، و البعث محشرنا و یوم القیامة موعدنا، و الله یحکم فینا، إیاک و الغیبة فإنها إدام کلاب أهل النار، و اعلم أن من أكثر عیوب الناس شهد علیه الاکثار أنه إنما یطلبها بقدر ما فیہ...» (۱)

(۱) «تو رعایت حق همنشینی آن مرد را نکردی و سخن او را نزد ما گفتی و حق ما را نیز رعایت نکردی از آن جهت که به ما چیزی از برادر مسلمانی گفتی که نمی‌دانستیم، همانا مرگ برای همه ماست و همه ما در محشر برانگیخته می‌شویم و روز قیامت وعده‌گاه ماست و خداوند در آن روز بین ما داوری می‌کند، زنده‌ای از غیبت که غیبت خودش سگان اهل دوزخ است و بدان که هر که معایب مردم را بیشتر بازگو کند، معایب او بیشتر بر ملا- شود زیرا که او خود، معایب خویش را در دیگران می‌جوید.» تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۱۶۵ بر حذر داشتن امام از بعضی محرمات ..... ص: ۱۶۳

بدگویی از مؤمن در نزد سلطان ظالم، که از بزرگترین گناهان است به خاطر آن که سرانجام به نابودی فراگیری می‌انجامد.

ج- نسبت دادن القاب والایی را که ائمه اهل بیت علیهم السلام به آنها ملقبند بر ستمگرانی که ظلم و فساد را در عصر خود گسترش داده‌اند.

د- پیوستن به دربار ستمگران و همکاری با ایشان که این خود باعث تقویت موضع ایشان و بالا بردن مقام آنها می‌گردد. این بود برخی از محتویات سخن امام علیه السلام.

(۲)

### برحذر داشتن از طمع

امام زین العابدین علیه السلام انسان را به آزادی از ذلت و خواری طمع دعوت کرده، می‌فرماید:

(۱) مشکاة الانوار: ص ۲۹۱، احتجاج طبرسی: ص ۱۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۶

«رأيت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی أیدی الناس، و من لم یرج الناس فی شیء، ورد أمره إلی الله تعالی فی جمیع أمور، استجاب الله له کل شیء...» (۱)

«تمام نیکیها را در بریدن طمع، از آنچه در دست مردم است، می‌بینم و هر که کمترین امیدی به مردم نبندد و کار خود را در همه امور به خدا واگذارد، خداوند خود، تمام خواسته‌های او را برآورده سازد.»

(۱) براستی که طمع آفت‌هایی دارد که برای انسان خطرناک است؛ طمع آدمی را دچار مهالک می‌کند و او را در ورطه شر عظیمی می‌اندازد و دعوت امام به آزادی از طمع دعوت به کمال، بالندگی و علو مقام است.

(۲)

### سپاسگزاری از نیکی نیکوکار

امام علیه السلام بر ضرورت سپاسگزاری از نیکوکار تأکید ورزیده است تا این که نیکی از میان نرود، می‌فرماید:

«إن الله تعالی یحب کل قلب حزین، و یحب کل عبد شکور و یقول الله لعبد من عبیده یوم القیامة: اشکرت فلانا؟ فیقول: بل شکرتک یا رب فیقول الله سبحانه: لم تشکرنی إن لم تشکره.

و أضاف الإمام بعد ذلك قائلا: أشکرکم أشکرکم للناس...» (۲)

«همانا خدای تعالی هر دل غمگین را و هر بنده سپاسگزار را دوست می‌دارد و در روز قیامت خدای متعال به بنده‌ای از بندگانش می‌فرماید:

آیا از فلانی تشکر کردی؟ می‌گوید: خیر، بلکه از شما ای پروردگار! سپاسگزاری کردم. خدای سبحان می‌فرماید: اگر از او تشکر نکرده‌ای

(۱) اصول کافی، باب استغناى از مردم، وسائل الشیعة: ۳۱۴/۶.

(۲) اصول کافی، باب شکر.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۷



شکر ما را نیز به جا نیاورده‌ای. - آنگاه امام علیه السلام افزود- شاکرترین شما (نسبت به من) سپاسگزارترین شما از مردم است.»  
براستی که شکر منعم و نیکوکار یک ضرورت مبرم اسلامی است برای بقای نیکوکاری و احسان در بین مردم لازم است و باعث تشویق نیکوکاران به عمل خیر و نیکی، و گسترش خدمات اجتماعی به مردم است.  
(۱)

### امر به معروف

یکی از برجسته‌ترین مبادی اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است و آن را دین مقدس اسلام به صورت مثبتی استوار داشته است به خاطر آن که عدالت اجتماعی در بین مردم گسترش یابد و در میان مردم خلاف و تجاوز و ظلم در واقعیت زندگی جامعه نماند. اخبار زیادی از ائمه هدی علیهم السلام مبنی بر ضرورت و لزوم امر به معروف رسیده است. امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«التارك للأمر بالمعروف، والنهي عن المنکر کتاب الله وراء ظهره، إلا أن يتقى تقاه، فقيل له: ما تقاته؟ قال: يخاف جباراً أن يفرط عليه، أو أن يطغى...» (۱)

«تارک امر به معروف و نهی از منکر همچون کسی است که کتاب خدا (قرآن) را به پشت سر انداخته باشد، مگر این که نهایت پرهیزگاری را بورزد، پرسیدند: حق پرهیزگاری چگونه است؟ فرمود: از ستم پیشه‌ای بترسد که مبادا بر او ظلم کند و یا مبادا آن که خود طغیان کند.»

براستی که ترس از ستم‌پیشه ستیزگر باعث سقوط تکلیف امر به معروف و

(۱) حلیه الأولیاء: ۳ / ۱۴۰، طبقات ابن سعد: ۵ / ۲۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۸

نهی از منکر از مکلف می‌گردد، فقها در رساله‌های عملیه‌شان شرایط قیام به این واجب مهم اسلامی را بیان کرده‌اند.  
(۱)

### فضیلت سخن بر سکوت

مردی از امام علیه السلام درباره خاموشی و سخن گفتن پرسید که کدامیک بهتر است؟ امام علیه السلام فرمود:

«لکل واحد منهما آفات، فإذا سلما من الآفات، فالکلام أفضل و انبری إليه شخص فقال له:

«کیف ذاک یا ابن رسول الله؟» فأجابه علیه السلام:

«إن الله سبحانه لم یبعث الأنبياء و الأوصیاء بالسکوت، إنما بعثهم بالکلام، و لا استحققت الجنة بالسکوت، إنما ذلک کله بالکلام، و

ما كنت لأعدل القمر بالشمس...» (۱)

«هر کدام از آنها آفاتی دارند، پس هرگاه از آفات برکنار باشند، سخن گفتن بهتر است. آن شخص با شنیدن این سخن امام، فوری عرض کرد:

یا بن رسول الله چگونه سخن بهتر است؟

امام علیه السلام پاسخ داد:

خدای سبحان، پیامبران و اوصیای آنان را به خاموشی مبعوث نفرمود بلکه آنان را به سخن گفتن مبعوث داشته است و بهشت را به خاموشی ندهند بلکه تمام استحقاقها به سخن گفتن مربوط می‌شود و من کسی نیستم که ماه را بر خورشید برتری دهم...»

(۱) احتجاج طبرسی: ص ۱۷۲ چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۹

(۱)

### خوشبختی انسان

امام سجاد علیه السلام راجع به آنچه باعث خوشبختی انسان در این دنیا می‌شود سخن گفته و می‌فرماید:

«و من سعادة المرء أن يكون متجربه في بلاده، و يكون خطاؤه صالحين، و يكون له ولد يستعين بهم.» (۱)

«از خوشبختی انسان آن است که محل کسب و کارش در دیار خود او باشد و همنشینانش صالح باشند و فرزندان داشته باشد که یار و یاور او باشند.»

براستی کسی که دارای این امور باشد به خیر و خوشی دنیا دست یافته و از مردمان خوشبخت دنیاست.

(۲)

### مشترکات ادیان

مردی از امام سجاد علیه السلام از اموری که در تمام ادیان آسمانی بوده است پرسید، امام علیه السلام فرمود:

«قول الحق، و الحكم بالعدل، و الوفاء بالعهد...» (۲)

«گفتن حرف حق، قضاوت به عدل و داد و وفای به عهد.»

ادیان آسمانی در این موارد سه گانه که مایه حیات اجتماعی است مشترک می‌باشند و اینها شعار تمام انبیا و مرسلین بوده است.

(۱) خصال صدوق: ص ۲۴۵.

(۲) همان مدرک: ص ۱۰۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۰

(۱)

### خصلتهای ارزنده

امام سجاد علیه السلام درباره برخی از صفات والایی که شایسته است هر مسلمانی بدانها آراسته باشد و صفاتی که اسلامش بدانها کامل می‌شود، سخن گفته است، می‌فرماید:

«اربع من كن فيه كمل اسلامه، و محصت عنه ذنوبه، و لقي ربه عز و جل و هو عنه راض: من وفي الله عز و جل بما يجعل على نفسه

للناس، و صدق لسانه مع الناس، و استحيا من كل قبيح عند الله و عند الناس، و حسن خلقه مع أهله...» (۱)

«چهار چیز است که هر کس دارای آنها باشد اسلامش کامل است و از گناهان به دور می‌باشد و خداوند عز و جل را در حالتی

ملاقات کند که از او راضی است: کسی که به خاطر خدای عزّ و جلّ به حقوقی که مردم در گردن او دارند وفا کند، و زبانش با مردم راست باشد و از هر عمل زشتی که در نزد خدا و خلق بد است شرم کند و با اعضای خانواده‌اش خوش‌خو باشد.»  
براستی کسی که به این صفات والا متّصف باشد، بحق مؤمن و دارای ایمان کامل است و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند از او راضی و خشنود است.

(۲)

### نشانه‌های مؤمن

امام علیه السلام فرمود:

«علامات المؤمن خمس: فقال له طاووس الیمانی: و ما هی یا ابن

(۱) خصال صدوق: ص ۲۰۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۱

رسول الله؟ قال: الورع فی الخلوّة، و الصدقة فی القلّة، و الصبر عند المصیبة، و الحلم عند الغضب، و الصدق عند الخوف.» (۱)  
«نشانه‌های مؤمن پنج تا است، طاووس یمانی عرض کرد: یا بن رسول الله آن نشانه‌ها کدامند؟ فرمود: پارسایی در خلوت، صدقه دادن در حال تنگدستی، صبر و شکیبایی در هنگام مصیبت، بردباری در وقت خشم و راستی و صداقت در وقت ترس و بیم...»  
براستی این صفات پنج‌گانه بیانگر ایمان کسی است که دارای این اوصاف است و نشان می‌دهد که او از بندگان شایسته خدا و از کسانی است که نفوس خود را به زیور تقوا آراسته‌اند.

(۱)

### سخن نیکو

امام علیه السلام اصحاب خود را به سخن نیکو گفتن با مردم تشویق کرده و منافع آن را یادآور شده است، می‌فرماید:

«القول الحسن یشری المال، و ینمی الرزق، و ینسأ فی الأجل، و یحبب إلی الأهل، و یدخل الجنة...» (۲)

«سخن نیکو باعث افزونی مال و زیادی روزی می‌گردد، اجل را به تأخیر می‌اندازد و در بین اهل سخن و سخندانان محبوبیت ایجاد می‌کند و باعث رفتن به بهشت می‌شود.»

این حدیث شریف امام سجاد علیه السلام به ره‌آوردهای سخن نیکو و کلام خوش اشاره دارد و از آن جمله است:

(۱) خصال صدوق: ص ۲۴۵.

(۲) همان مدرک: ص ۲۸۹، وسائل الشیعة: ۵ / ۵۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۲

الف- سخن نیکو باعث رشد ثروت و گشایش رزق می‌شود، اثر این مطلب برای صنعتگران و پیشه‌وران و بازرگانان بروشنی معلوم می‌شود، زیرا مردم در خرید و فروش و تجارت خود با طرف مقابل از اهل کسب و کار و با افراد خوش سخن معامله می‌کنند و طبیعی است که این مطلب از عواملی است که باعث افزایش درآمد شخص از آنان می‌گردد همان طوری که انزجار طبیعت افراد از

آدم بدزبان و بداخلاق امری است که باعث کسادی کالا و تنگی رزق و روزی می‌شود.

ب- و از جمله نتایج سخن خوب آن است که اجل را به تأخیر می‌اندازد، به این ترتیب که هرگاه سخنی باعث رفع ستم از مؤمنی گردد و یا سودی به مؤمنی برساند خدای تعالی پاداش صاحب آن سخن را طول عمر در دنیا و اجر و مزد فراوان در آخرت مرحمت می‌کند.

ج- از فواید کلام خوب آن است که باعث می‌شود تا صاحب کلام در نزد اهل سخن و سخن‌شناسان عزیز و محبوب گردد، زیرا که نفوس به انسان خوش سخن و خوش خوی مجذوب می‌شوند.

ز- از جمله منافع سخن نیکو آن است که باعث رسیدن صاحب سخن به بهشت می‌گردد به این ترتیب که اگر در مورد آشتی دادن بین دو نفر و یا امر به معروف و نهی از منکر باشد چنین ثمره‌ای را در پی خواهد داشت.

(۱)

### طبقات مردم

امام علیه السلام با زراره بن اوفی درباره طبقات مردم سخن گفته و فرمود:

«یا زراره، الناس فی زماننا علی ست طبقات: أسد، و ذئب و ثعلب، و کلب، و خنزیر، و شاة، فأما الأسد فملوک الدنیا یحب کل واحد منهم أن یغلب، و لا یغلب، و أما الذئب فتجار کم یدمون إذا اشتروا و یمدحون إذا باعوا، و أما الثعلب فهؤلاء الذین یأکلون بأدیانهم و لا یکون فی قلوبهم ما یصفون بالستهم، و أما الکلب فهو الذی یهر علی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۳

الناس بلسانه، و یکرهه الناس من شر لسانه، و أما الخنزیر فهؤلاء المخنثون و اشباههم لا یدعون إلى فاحشه إلا أجابوا، و أما الشاة فالمؤمنون الذین تجز شعورهم، و یؤکل لحومهم، و یکسر عظمهم، فکیف تصنع الشاة بین أسد، و ذئب، و ثعلب، و کلب، و خنزیر؟ ...» (۱)

«ای زراره! مردم زمان ما شش دسته‌اند: شیر، گرگ، روباه، سگ، خوک و گوسفند. اما دسته شیر، پادشاهان دنیا هستند که هر کدام می‌خواهد بر دیگران غالب گردد و خود مغلوب دیگران نشود. و اما دسته گرگ، بازرگانان شما هستند که وقتی چیزی را می‌خرند مذمت می‌کنند و چون می‌فروشند تعریف می‌کنند! و اما گروه روباه‌صفتان کسانی هستند که به نام دین نان می‌خورند ولی از آنچه به زبان وصف می‌کنند چیزی در دلشان نیست. و اما دسته سگ گروهی است که با زبانش به مردم حمله می‌برد و مردم از ترس زبانش به او احترام می‌کنند. و اما گروه خوک صفتان، آن نامردان (زن‌صفتان) و نظایر ایشانند که به هیچ عمل ناشایستی دعوت نمی‌شوند مگر آن که قبول می‌کنند. و اما گروه گوسفند آن مؤمنانی هستند که موهایشان را می‌کنند و گوشتشان را می‌خورند و استخوانشان را در هم می‌شکنند، پس چه کند گوسفند در بین گروه‌های شیر، گرگ، روباه، سگ و خوک؟؟...»

(۱) امام علیه السلام از روی ژرفنگری و بینشی همه جانبه به اجتماعی که در میان آنها زندگی می‌کرده است نگرسته و اجتماع را به شش طبقه تحلیل می‌کند و ویژگیهای هر طبقه را به همان صورتی که انطباق دارد و تخلف‌ناپذیر است، یادآوری می‌کند.

(۱) خصال صدوق: ص ۳۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۴

(۱)

## فروتنی

اما فروتنی از جمله زیباییهای اخلاقی است که انسان بدان وسیله شرافت پیدا می‌کند، امام علیه السلام انسانها را بر آراسته شدن به این صفت تشویق کرده می‌فرماید:

«لا حسب لقرشی، و لا لعربی إلا بتواضع، و لا کرم إلا بتقوی، و لا عمل إلا بنیة، ألا و إن أبغض الناس إلى الله عز و جل من یقتدی بسنة إمام، و لا یقتدی باعماله...» (۱)

«نژاد و خانواده برای شخص قرشی و عربی هیچ ارزشی ندارد مگر به وسیله تواضع، و کرامتی نیست مگر به تقوا، و هیچ عملی نیست مگر با نیت، بدانید که مبعوضترین مردم نزد خدا کسی است که خود را پیرو امامی داند و به کردار او پایبند نباشد.» (۲)

## فرا گرفتن حکمت

امام علیه السلام به دریافت حکمت، هر چند که از منافق باشد، وادار کرده است زیرا که حکمت از سرچشمه‌های اندیشه و تفکر است که اسلام بر تکامل آن پافشاری دارد امام علیه السلام می‌فرماید:

«لا تحتقر اللؤلؤة النفیسة أن تجلبها من الکبا الخسیسة، فإن أبی حدثنی، قال: سمعت أمير المؤمنين علیه السلام یقول: إن الکلمة من الحکمة لتلجج فی صدر المنافق نزاعا إلى فطانها، حتی یلفظ بها فیسمعها المؤمن فیکون احق بها و أهلها فیلقنها...» (۲)

(۱) خصال شیخ صدوق: ص ۱۹. در تحف العقول پس از جمله و لا عمل إلا بنية؛ چنین آمده است: و لا عبادة الا بالتفقه یعنی هیچ عبادتی درست نیست مگر با آگاهی - م.

(۲) بحار الانوار: ۱/ ۹۵ چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۵

«اگر مروارید گرانمایی را از زباله‌دان بی‌ارزشی به دست آوردی، کوچک مشمار زیرا پدرم به من فرمود که من از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم، می‌فرمود: همانا کلمه‌ای از حکمت در سینه منافق، باهوش و ذکاوت او در کشمکش و مضطرب است تا این که به زبان بیاورد و مؤمن آن را بشنود که او سزاوارتر و شایسته آن است پس آن را فراگیرد.»

(۱)

## طینت مؤمن و کافر

امام علیه السلام در حدیثی راجع به طینتی که مؤمن و کافر را از آن آفریده‌اند سخن گفته و می‌فرماید:

«إن الله عز و جل خلق النبین من طینة علیین؛ قلوبهم و ابدانهم، و خلق قلوب المؤمنین من تلك الطینة، و جعل خلق ابدان المؤمنین من دون ذلك. و خلق الکفار من طینة سجین: قلوبهم و ابدانهم فخلط بین الطینتین، فمن هذا یلد المؤمن الکافر، و یلد الکافر المؤمن، و من هاهنا یصیب المؤمن السیئة و من هاهنا یصیب الکافر الحسنه، فقلوب المؤمنین تحن إلى ما خلقوا منه، و قلوب الکافرین تحن إلى ما خلقوا منه...» (۱)

«خدای عز و جل، پیغمبران را از سرشت آسمان بالا آفرید؛ هم دلها و هم بدنهای آنان را و دلهای مؤمنین را نیز از همان سرشت آفرید و پیکر آنان را از سرشت عالم پایین تر از آن و کافران را از سرشت سجینی (گل پست سخت) آفرید؛ هم دلها و هم

بیکرهایشان را و میان هر دو سرشت در آمیخت و از این روست که از مؤمن، کافر به دنیا می‌آید و از کافر، مؤمن متولد می‌شود و از اینجاست که مؤمن را مرتکب کار بد و کافر خوشرفتار می‌شود؛ دل‌های مؤمنان بدان چیز اشتیاق دارد که از آن آفریده شده‌اند و

(۱) اصول کافی: ۲/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۶

دل‌های کافران نیز به آن چیزی علاقه‌مند است که از آن خلق گردیده‌اند.

(۱) روایات زیادی رسیده مبنی بر این که خدای تعالی انسان را از گل آفریده است، خدای متعال می‌فرماید: «اوست خدایی که شما را از گل آفرید» (۱) و «آفرینش انسان را از گل آغاز کرد» (۲) و پیامبران و مؤمنان را از مقدس‌ترین و پاک‌ترین زمینها خلق کرده است، از این رو ایشان راهنمایان و سرمشقها هستند و هم آنان نجات‌دهندگان و آزادی‌بخشند. و کافران و منحرفان را از پست‌ترین و کثیف‌ترین سرزمینها آفرید و از این رو آنان چون سنگ جلو پای انسان در پیشرفت و تکامل زندگی اجتماعی او هستند... و حکمت خدای متعال بر این تعلق گرفت که این دو نوع گل را با یکدیگر در آمیزد و از آن دو، برعکس و خلاف طبیعتشان بیرون آید، از این رو گاهی از پیامبران و مؤمنان بعضی از اشقیاء و بی‌دینان به دنیا می‌آیند مانند حضرت نوح نبی الله که از وی فرزندی گمراه و منحرف از راه عدل به دنیا آمد که منکر رسالت پدرش بود و خداوند او را غرق کرد و نوح دلش به حال او سوخت و درباره او از خداوند درخواست کرد اما خدای متعال در پاسخ وی فرمود: «او از خاندان تو نیست و او عمل غیر صالح است» همچنان که بعضی از کافران و گمراهان گاهی فرزندان با ایمان و شایسته‌ای دارند و همه اینها - چنان که امام علیه السلام فرموده است - از نتایج آمیزش دو نوع سرشت است.

(۲)

### صبر

امام علیه السلام انسانها را به صبر و بردباری تشویق کرده و می‌فرماید:

«الصبر من الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد، ولا إيمان لمن لا صبر له...» (۳)

(۱) سوره انعام / ۲.

(۲) سوره سجده / ۷.

(۳) اصول کافی: ۲ / ۸۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۷

«صبر نسبت به ایمان بمنزله سر است نسبت به تن، و آن که صبر ندارد ایمان ندارد.»

براستی که بزرگترین وسیله دفاع انسان در برابر رویدادها و مشکلات زندگی که با آنها مواجه می‌شود، پوشیدن زره صبر و واگذار کردن کارها به خدای تعالی و راضی شدن به مقدرات اوست زیرا که صبر جوهره ایمان است.

(۱)

### برخی از اخلاق مؤمنان

امام علیه السلام درباره صفات والایی که انسان مؤمن بدانها آراسته می‌باشد سخن گفته و می‌فرماید:

«من اخلاق المؤمن الانفاق علی قدر الاقتار و التوسعة علی قدر التوسع، و انصاف الناس، و ابتداؤه إياهم بالسلام عليهم...» (۱)  
 «از اخلاق مؤمن است که در تنگدستی به قدر امکانش انفاق کند و در وسعت رزق نیز به مقدار وسعتش انفاق نماید و با مردم به انصاف رفتار کند و بر ایشان در سلام دادن سبقت بگیرد.»

براستی از اخلاق مؤمن است که در زندگی اقتصادی با دیگران هماهنگ باشد بنابراین نباید در وقت تنگدستی و لخرجی کند و باید در وقت وسعتش دست و دل باز باشد همان طوری که از اخلاق مؤمن است که با مردم رفتار منصفانه داشته باشد حتی اگر به زیان خود او هم باشد، که این دلیل بر پارسایی اوست و از اخلاق مؤمن است که او آغازگر سلام به دیگران باشد زیرا این عمل از خوش‌خویی او و متکبر و برتری جو نبودن او حکایت می‌کند.

(۱) اصول کافی: ۲ / ۲۴۱، وسائل الشیعة: ۱۱ / ۱۴۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۸

(۱)

### عصیبت

از امام سجاد علیه السلام راجع به عصیبت که از اخلاق جاهلیت است پرسیدند آن حضرت در پاسخ فرمود:

«العصیبة التي یأثم علیها صاحبها أن یری الرجل شرار قومه من خیار قوم آخرین، و لیس من العصبیة أن یحب الرجل قومه، و لکن من العصبیة أن یعین قومه علی الظلم.» (۱)

«تعصبی که صاحبش به خاطر آن گنهکار می‌شود آن است که بدیهای نیاکان و خاندان خود را از نیکیهای دیگران بهتر بداند، در حالی که این تعصب نیست که کسی قبیله و تبار خود را دوست بدارد، بلکه تعصب آن است که قبیله و تبار خود را در ظلم و ستمشان یاری کند.»

براستی امام علیه السلام تعصب کورکورانه‌ای را که صاحب آن بدان وسیله گنهکار می‌شود با این تعریف شیوا بیان کرده است به این ترتیب که مردی بدکاران و تبهکاران قبیله خود را از بهترین و شایسته‌ترین مردمان بپندارد و آنان را بر ظلم و تجاوزشان یاری کند زیرا که این عمل به واقع حق‌ناشناسی و زیر پا گذاشتن ارزشها است اما این که انسان ایل و تبارش را دوست بدارد به هیچ وجه از عصیبت نیست.

(۲)

### پرهیز از دروغ

امام علیه السلام فرزندان خود را از دروغ بر حذر داشته و فرمود:

«اتقوا الکذب، الصغیر منه و الکبیر، فی کل جد و هزل. فإن الرجل إذا کذب فی الصغیر اجترأ علی الکبیر، أما علمتم أن رسول الله (ص)

(۱) اصول کافی: ۲ / ۳۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۹

قال: ما يزال العبد يصدق حتى يكتبه الله صديقا، و ما يزال العبد يكذب حتى يكتبه الله كذابا... «(۱)»

«از دروغ بپرهیزید، چه کوچک باشد و چه بزرگ جدی باشد، یا شوخی زیرا وقتی که کسی دروغ کوچکی را گفت به دروغ بزرگ جرأت پیدا می‌کند، آیا نمی‌دانید که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرموده است:

بنده خدا همواره راست می‌گوید تا خداوند او را راستگو بنویسد و بنده‌ای پیوسته دروغ می‌گوید تا این که خداوند او را دروغگو قلمداد کند.»

امام علیه السلام انسان را از دروغ گفتن درباره هر چه باشد بر حذر داشته است زیرا دروغ از زشت‌ترین گناهان و پرمجازات‌ترین معصیتها در پیشگاه خداست، همچنان که بر آراستگی به راستگویی امر فرموده است بدین جهت که راستی ریشه هر فضیلت و سرآغاز تمام شرافتها و کرامتهای انسانی است.

(۱)

### استواری در گفتار

امام علیه السلام اصحاب خود را به استواری در گفتار دعوت کرده و بر این که نسبت به گفته خود چه نیک و یا بد، باید یقین داشته باشند، می‌فرماید:

«لا يقول رجل: في رجل من الخير ما لا يعلم إلا أو شك أن يقال فيه من الشر ما لا يعلم...» «(۲)»

«کسی از خوبی دیگری ندانسته سخن نمی‌گوید، مگر این که دیری نپاید، از بدی وی ناآگاهانه سخن گوید.»

(۱) اصول کافی: ۲/ ۲۲۳.

(۲) عیون الاخبار ابن قتیبه: ۱/ ۲۷۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۰

(۱)

### پاکدامنی

امام علیه السلام، اصحابش را بر آراستگی به صفت پاکدامنی تشویق فرموده و آن را از بهترین انواع عبادت دانسته و می‌گوید:

«إن أفضل العبادة عفة البطن و الفرج.» «(۱)»

«بالاترین عبادت پاکداشتن شکم و شهوت است.»

(۲)

### قناعت

اما قناعت که از بالاترین صفات انسانی است، هرگاه انسانی بدان آراسته باشد از غمهای دنیا آسوده شده است، امام علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«من قنع بما قسم الله فهو من أغنى الناس...» «(۲)»



«هر که بر آنچه خداوند نصیب او کرده، قانع باشد او از بی‌نیازترین مردمان است.»

براستی قناعت گنجی فنا ناپذیر است بنابراین هر که به نصیب الهی قانع باشد از توانگرترین و بی‌نیازترین و آسوده‌ترین مردمان و از همه کس اندوهش کمتر است.

(۳)

### از عوامل نجات مؤمن

امام علیه السلام به عوامل نجات دهنده مؤمن اشاره فرموده می‌گوید:

«ثلاث منجیات للمؤمن: کف لسانه عن الناس، و عن اغتیا بهم، و شغله بما ینفعه لدنیاه و آخرته، و طول بکائه علی خطیئته...» (۳)

(۱) الاختصاص: ص ۲۲۳.

(۲) فصول المهمة ابن صباغ: ص ۱۸۷؛ جمهرة الأولیاء: ۷۴/۲، وسائل الشیعة: ۳۰۴/۱۱.

(۳) الدر النظیم: ص ۱۷۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۱

«سه چیز باعث نجات مؤمن است: ۱- زبانش را از بدگویی و از غیبت آنها بازدارد، ۲- به آنچه برای دنیا و آخرتش مفید است سرگرم شود. ۳- بر گناهایی که دارد همواره گریه کند.»

(۱)

### از سنتها و حکمتهای انبیا

امام علیه السلام مجموعه‌ای از سنتها، حکمتها و داستانهای انبیا علیهم السلام را برای اصحابش نقل فرمود تا از راه و روش ایشان پیروی کنند و از رفتار ایشان استفاده نمایند که در ذیل، بعضی از آنها آمده است.

(۲)

### سفارش خضر به موسی (ع)

زهری نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«کان آخر ما أوصی به الخضر لموسی بن عمران أنه قال: لا تعیرن أحدا بذنب، و إن أحب الأمور إلی الله عز و جل ثلاثة: القصد فی الجدة، و العفو فی المقدره، و الرفق بعباد الله و ما رفق أحد بأحد فی الدنیا إلا رفق الله عز و جل به یوم القیامة، و رأس الحکمة مخافة الله.» (۱)

«آخرین سفارشی که حضرت خضر (ع) به موسی بن عمران (ع) کرد، این بود که گفت: هرگز کسی را به خاطر گناهی که مرتکب شده است سرزنش مکن زیرا که محبوبترین چیز نزد خدای تعالی سه چیز است:

اعتدال در خشم و نفرت، عفو و گذشت در وقت توانمندی و رفق و مدارای با بندگان خدا، زیرا هیچ کسی در دنیا با کسی مدارا نکند مگر آن که خداوند عزّ و جل در روز قیامت با او مدارا کند، و سرچشمه حکمت ترس از خداست.»

(۱) خصال صدوق: ص ۱۰۶، الغایات خطی: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۲

چه زیبا و جالب است مفاهیم و معانی این فراز دلاویز و چه بلند است اهداف آن! زیرا به آنچه که باعث خوشبختی انسان است و او را بر هر موجود زنده برتری می‌بخشد سفارش کرده است.

(۱)

### از جمله وحی الهی به موسی (ع)

امام علیه السلام یکی از گفتگوهای پروردگار را با پیامبرش موسی (ع) برای اصحابش نقل کرده، می‌فرماید:

«أوحى الله إلى موسى: حبيبي إلى خلقي، وحبب خلقي إلى، فقال موسى: يا رب كيف أفعال؟ قال: ذكرهم آلائى، و نعمائى ليحبونى، فلا ترد أبقا عن بابى، او ضالا عن فنائى. إن ذلك أفضل لك من عبادة مائة سنة، يصام نهارها، و يقام ليلها، قال موسى: من هذا العبد الأبق منك؟ قال الله: المتمرد، قال: فمن الضال عن فنائك؟ قال:

الجاهل بإمام زمانه، و الغائب عنه بعد ما عرفه، الجاهل بشريعة دينه، تعرفه شريعته، و ما يعبد به ربه تعالى، و يتوصل به إلى مرضاته.»

(۱)

«خدای تعالی به موسی بن عمران (ع) وحی کرد: ای موسی! مرا به مخلوقم و آنان را نسبت به من مهربان کن! حضرت موسی (ع) عرض کرد:

پروردگارا چگونه مهربان کنم؟ خطاب رسید: نعمتهای ظاهری و باطنی مرا برای ایشان بازگو کن تا مرا دوست بدارند و هیچ گریزپایی را از در خانه من و هیچ گمراهی را از آستانه من بازنگردان که این عمل برای تو از عبادت یک سال که روزها روزه بداری و شبهایش را نماز بگزاری بالاتر است. موسی (ع) عرض کرد: پروردگارا! این بنده گریزپا کیست؟

خطاب رسید: آن بنده‌ای است که از فرمان من سرکشی کند. عرض کرد:

پس آن که از آستانه تو راه را گم کرده و آن گمراه کیست؟ فرمود: کسی

(۱) بحار الانوار: ۱ / ۷۱. چاپ اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۳

که امام زمانش را شناسد و پس از شناخت او نیز به حضور او نرسد و به احکام دینش آشنا نگردد، در حالی که احکام دین و آنچه را که بدان وسیله خدا را عبادت کند و آنچه را که باعث خشنودی پروردگار است برسد به او شناسانده است.»

امام علیه السلام در این حدیث شریف مبلغان و دعوت‌کنندگان به سوی خدای تعالی را به کوشش بیشتر برای نجات مردم از معاصی و نافرمانیهای حق و ترغیب و تشویق ایشان به اطاعت پروردگار و ادا فرموده و این که مبادا ایشان را از درگاه خدا و از طاعت او دور سازند دیگر این که بدانند، عمل آنان در این راه از بالاترین و محبوبترین عبادات در پیشگاه خداست.

(۱)

### حکمت در انجیل

امام علیه السلام حکمتی درخشان از حکمت‌های انجیل را برای اصحابش نقل کرده و فرمود:

«مکتوب فی الانجیل، لا تطلبوا علم ما لا تعملون، و لما تعملوا بما علمتم، فإن العلم إذا لم يعمل به لم یزد صاحبه إلا کفرا، و لم یزد من الله إلا بعدا.» (۱)

«در انجیل نوشته شده است که در پی دانستن چیزی که عمل نمی‌کنید نروید و حال این که هنوز بدانچه می‌دانید عمل نکرده‌اید زیرا علم تا وقتی که بدان عمل نکنند برای صاحبش جز کفر چیزی نیفزاید و جز دوری از خدا چیزی اضافه نکند.»  
براستی که امام علیه السلام به عمل توأم با علم دعوت کرده است و این

(۱) اصول کافی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۴

که به هیچ وجه صحیح نیست، انسان چیزی را بداند و به آن عمل نکند چون این کار جز دوری از خدا نتیجه دیگری به بار نمی‌آورد.

(۱)

### موسی و عابد

امام علیه السلام داستان موسی (ع) را با عابدی برای اصحابش نقل کرده و فرمود:

«مر موسی برجل رافع یده إلى السماء یدعو الله تعالی فغاب سبعة أيام، ثم رجع إليه فرآه رافعا یده إلى السماء، فقال موسی: یا رب هذا عبدك رافع یده إليك یسألک المغفرة منذ سبعة أيام لا تستجیب له؟

فأوحى الله إليه: یا موسی لو دعانی حتى تسقط یداه، و یقطع لسانه ما استجبت له، حتی یأتینی من الباب الذی أمرته به.» (۱)

«حضرت موسی (ع) به مردی گذر کرد که دستش را به طرف آسمان دراز کرده و در پیشگاه خدا دعا می‌کرد، هفت روز گذشت سپس دوباره برگشت، دید آن مرد دستش همچنان به طرف آسمان بلند است، حضرت موسی (ع) عرض کرد پروردگارا! این بنده تو دستش را به سوی تو دراز کرده و از تو هفت روز است که درخواست آمرزش دارد و تو دعای او را مستجاب نمی‌کنی؟ خداوند به موسی (ع) وحی کرد: ای موسی! اگر این بنده به قدری مرا بخواند که هر دو دستش قطع شود و زبانش از کار بماند دعایش را مستجاب نخواهم کرد تا این که از آن دری که ما به او دستور داده‌ایم، بیاید.»

اما این حدیث، هر انسانی را که روی عبادت به سوی خدا آورده، دعوت می‌کند بر این که در طاعت خدا از راههایی که خداوند تعیین کرده برود و در راه و

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۰۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۵

رفتارش از آن راهها منحرف نشود.

(۱)

### حضرت موسی با خدا

امام علیه السلام فرمود:

«سأل موسى بن عمران ربه تعالى: من أهلك الذين تظلمهم بظل عرشك يوم لا ظل إلا ظلك؟ فأوحى إليه سبحانه و تعالى: الطاهرة قلوبهم، و التربة أيديهم، الذين يذكرون جلالی، و الذين يكتفون بطاعتي، كما يكتفى الصغير باللين، و الذين يأوون إلى مساجدي، كما تأوى النسور إلى أوكارها، و الذين يغضبون لمحارمی إذا استحلث مثل النمر إذا حرد...» (۱)

«موسی بن عمران (ع) از پروردگار متعال مسألت کرد: چه کسانی شایستگی دارند تا در آن روزی که جز سایه عرش تو سایه‌ای نیست آنان را در سایه عرش خود نگهداری؟ خدای سبحان وحی کرد: ای موسی! آنهایی که دل‌های پاکی دارند و دست‌هایشان خاک‌آلوده است، آن کسانی که بزرگی مرا یاد می‌کنند و به اطاعت من اکتفا می‌نمایند همچنان که طفل خردسال به شیر مادر بسنده می‌کند و آنهایی که به مساجد من پناه می‌برند همچنان که عقابها به آشیانه‌شان پناه می‌برند و کسانی که به خاطر محرمات من خشمگین می‌شوند، موقعی که محرمات مرا مردم حلال بشمارند آنان مثل پلنگ خشمگین، غضبناک می‌شوند...»

(۲) براستی که این گروه با ایمان به خدا از بهترین انسان‌ها هستند هم در پاکدلی و هم در سلامت باطنها و نیاتشان که با دلها و عواطفشان تنها به سوی خدا توجه دارند و جز او را نمی‌بینند و به غیر او ایمان ندارند و خداوند به خاطر این ویژگیها

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۰۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۶

به ایشان پاداش می‌دهد و آنان را در سایه خود نگه می‌دارد و مشمول لطف و مخصوص عنایت خاص خود می‌فرماید.

(۱)

### وفات پیامبر

امام علیه السلام جریان وفات جدش رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- و رویدادها و حوادثی را که به همراه داشت نقل کرده است که ما عین روایت آن حضرت را نقل می‌کنیم:

«روی الإمام جعفر الصادق علیه السلام عن أبيه أبي جعفر، قال:

دخل على أبي علي بن الحسين (ع) رجلان من قريش، فقال: أ لا أخبركما عن رسول الله؟» فقالا: بلى، فقال: سمعت أبي يقول: كان قبل وفاة النبي (ص) بثلاثة، هبط عليه جبرئيل، فقال: يا أحمد أن الله تبارك و تعالى، أرسلني إليك تفضيلاً لك، و خاصة لك، يسألك عما هو أعلم به منك يقول: كيف تجددك؟ فقال رسول الله: أجدني يا جبريل مغموماً، و أجدني يا جبريل مكروباً، فلما كان اليوم الثالث هبط جبريل و ملك الموت، و هبط معهما ملك من الهواء، يقال له اسماعيل، على سبعين ألف ملك. فسبقهم جبريل، فقال: يا محمد إن الله تبارك و تعالى أرسلني إليك إكراماً لك و تفضيلاً و خاصة لك، يسألك عما هو أعلم به منك، يقول: كيف تجددك؟ فقال: يا جبريل أجدني مغموماً، و أجدني مكروباً و استأذن ملك الموت على الباب، فقال جبريل: يا أحمد هذا ملك الموت يستأذن عليك، لم يستأذن على آدمي قبلك، و لن يستأذن على آدمي بعدك، فقال: ائذن له، فأذن له جبريل، فأقبل بين يديه، فقال: يا أحمد إن الله تبارك و تعالى أرسلني إليك و أمرني أن أطيعك في ما أمرتني، إن أمرتني أن أقبض نفسك قبضتها، و إن كرهت، تركتها، فقال النبي: يا ملك الموت أ تفعل ذلك؟ فقال:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۷

نعم، أمرت أن أطيعك في ما أمرتني به، فقال جبريل: يا أحمد إن الله تبارك و تعالى قد اشتاق إلى لقائك، فقال النبي: يا ملك الموت امض لما أمرت به، فقال جبرئيل: يا أحمد هذا آخر وطأتی الأرض إنما كنت أنت حاجتی من الدنيا.

فلما توفي النبي (ص) جاءتهم التعزية، جاءهم آت يسمعون حسه، و لا يرون شخصه، فقال: السلام عليكم و رحمة الله و بركاته «كُلُّ

نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱) «إِن فِي اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِزًّا مِنْ كُلِّ مَصِيبَةٍ، وَخَلْفًا مِنْ كُلِّ هَالِكٍ، وَدِرْكَامٍ مِنْ كُلِّ فَائِتَةٍ، فَبِاللَّهِ تَقْوَا، وَإِيَّاهُ فَارْجُوا، فَإِنَّ الْمَصَابِ مِنْ حَرَمِ الثَّوَابِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ، وَبَرَكَاتِهِ. قَالَ جَعْفَرُ: قَالَ أَبِي:

قال علي: أ تدررون من هذا؟ هذا هو الخضر.» (۲)

(۱) «امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام نقل کرده، می گوید: دو مرد قرشی به محضر پدرم علی بن حسین علیهما السلام وارد شدند، پدرم رو به ایشان کرد و فرمود: آیا نمی خواهید درباره رسول خدا (ص) به شما خبر دهم؟ عرض کردند: چرا. فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: سه روز پیش از آن که پیامبر وفات کند جبرئیل نازل شد، عرض کرد: یا احمد! خدای تبارک و تعالی به خاطر لطف و عنایت خاص به تو مرا فرستاد تا از تو پیرسم راجع به آنچه که خود از تو آگاه تر است، می فرماید: تو خودت را چگونه می یابی؟ رسول خدا (ص) فرمود: یا جبرئیل! خودم را غمنده می یابم و خودم را نگران می بینم و چون روز سوم فرا رسید، جبرئیل به همراه ملک الموت نازل شد و با ایشان فرشته هوا به نام اسماعیل به همراه هفتاد هزار فرشته فرود آمدند. جبرئیل بر آنها

(۱) سوره آل عمران / ۱۸۵.

(۲) التَّشَوُّفُ إِلَى رِجَالِ التَّصَوُّفِ، نوشته یوسف تالی: ص ۳۱-۳۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۸

سبقت گرفت و عرض کرد: یا محمد! خدای تبارک و تعالی مرا برای احترام و بزرگداشت تو و لطف مخصوصش به نزد تو فرستاد، تا از آنچه که خود داناتر از توست بپرسد، می فرماید: خودت را چگونه می بینی؟ فرمود: جبرئیل! خودم را غمگین و پریشان می بینم.

(۱) ملک الموت پشت در ایستاده اجازه خواست، جبرئیل عرض کرد: یا احمد! اینک فرشته مرگ است که اجازه ورود می خواهد؛ او پیش از تو از هیچ آدمی اجازه نخواست و هرگز بعد از تو نیز از هیچ آدمی اجازه نخواهد خواست. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: اجازه بده تا وارد شود، جبرئیل اجازه داد، ملک الموت مقابل پیامبر ایستاد، عرض کرد: یا احمد! خدای تبارک و تعالی مرا به سوی تو فرستاده و دستور داد تا هر چه دستور دهید از شما اطاعت کنم؛ اگر امر کنید که جان شما را بگیرم، قبض روح می کنم و اگر راضی نباشید، به حال خود می گذارم، پیامبر (ص) فرمود: ای ملک الموت! آیا این کار را می کنی؟ عرض کرد: آری یا رسول الله، من مأمورم تا هر چه را شما بفرمایید اطاعت کنم. جبرئیل عرض کرد: یا احمد! خدای تبارک و تعالی مشتاق دیدار شماست پیامبر (ص) فرمود: ای ملک الموت! مأموریت خودت را انجام بده، جبرئیل عرض کرد: یا احمد! این آخرین بار است که من قدم بر روی زمین می گذارم، تنها نیازم از دنیا تو بودی.

(۲) همین که پیامبر (ص) دار دنیا را وداع گفت، تسلیت برای ایشان آمد؛ تسلیت گوینده‌ای که صدای او را می شنیدند ولی شخص او را نمی دیدند، می گفت: درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد! «هر کسی شربت مرگ را خواهد چشید و البته روز قیامت اجر و مزدتان را کامل دریافت خواهید کرد» همانا در درگاه خدای تبارک و تعالی تسلیت از هر مصیبتی است و جایگزینی هر چه از دست رفته و جبران هر فوت شده‌ای در نزد اوست بنابراین به خدا توکل کنید و به او امیدوار باشید، زیرا که مصیبت باعث

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۸۹

اجر و ثواب است، و درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

جعفر بن محمد می گوید: پدرم از قول جدم؛ علی بن حسین گفت: آیا می دانید که این (صاحب صدا) که بود؟ این همان خضر (ع)

است.

در اینجا سخن ما درباره پاره‌ای از دریافتهای مربوط به سنتها و حکمت‌های انبیاء (ع) که امام علیه السلام به اصحاب و شاگردانش نقل کرده بود پایان گرفت.

(۱)

### دوستی اهل بیت

امام علیه السلام بر ضرورت دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام تأکید فرموده و آن را یکی از عناصر مهم اسلام شمرده است، به ابو حمزه ثمالی می‌فرماید:

«أى البقاع أفضل؟...»

و حار أبو حمزة فى الجواب فقال:

«الله و رسوله أعلم...»

فأجابه عليه السلام:

«إن أفضل البقاع ما بين الركن و المقام، و لو أن رجلاً عمّر ما عمّر نوح فى قومه ألف سنة إلا خمسين عاماً، يصوم النهار، و يقوم الليل

فى ذلك الموضع، ثم لقى الله بغير ولايتنا لم ينفعه ذلك شيئاً.» (۱)

«کدام نقطه زمین از همه جا بهتر است؟»

ابو حمزه متحیر ماند، عرض کرد: خدا و رسولش بهتر می‌دانند.

امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

بالاترین سرزمین‌ها ما بین رکن و مقام است، اگر مردی به قدر عمر

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۰۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۰

نوح در میان قومش یعنی نهصد و پنجاه سال عمر کند و تمام این مدت روزها روزه بگیرد و شبها را در آن محل به نماز و قیام بگذراند سپس بدون ولایت ما خدا را ملاقات کند هیچ سودی به حال او نخواهد داشت.»

(۱) اخبار زیادی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و اوصیای آن حضرت علیهم السلام وارد شده است که ولایت ائمه از

ضروریات اسلامی است و در روز حشر و نشر هر مسلمانی از ولایت ائمه بازخواست می‌شود و همچون سایر واجبات اسلامی مورد مؤاخذه واقع می‌شود. بعضی از دانشمندان بر آنند که ولایت اهل بیت، شرط صحت عمل است نه قبولی آن همانند شرایط دیگر

صحت در واجبات. (۱)

به هر حال امام زین العابدین علیه السلام در حدیث دیگری درباره اجر فراوانی که در سرای آخرت و در دار دنیا نصیب دوستان

اهل بیت علیهم السلام می‌گردد بیاناتی دارد؛ گروهی از شیعیان که برای دیدن آن حضرت آمده بودند، عرض کردند:

«کیف أصبحت یا ابن رسول الله؟» فأجابهم الإمام بلطف:

«فی عافیة، و الله المحمود علی ذلك. و کیف أصبحتم أنتم جميعاً؟».

فانبروا قائلین:

«أصبحنا و الله لك محبین...»

فبشرهم بما یظفرون به من الجزاء الأوفی عند الله قائلاً:

«من أحبنا لله أدخله الله ظلاً ظليلاً، يوم لا ظل إلا ظله، و من أحبنا يريد مكافأتنا كافاه الله عنا الجنة، و من أحبنا لغرض دنياه آتاه الله

(۱) كفاية الاصول مرحوم آخوند خراسانی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۱

رزقه من حیث لا یحتسب...» (۱)

«یا بن رسول الله! چگونه شب را به صبح رسانیدید؟

امام علیه السلام با لطف و محبت فرمود:

«در عافیت و سلامتی، و خدا را بر این عافیت شکر و سپاس می گویم، شما همگی چگونه به سر بردید؟» همگی با هم در جواب امام علیه السلام عرض کردند:

به خدا سوگند که ما در حال محبت و دوستی شما به سر بردیم.

امام علیه السلام با شنیدن این سخن آنان را به پاداش فراوانی که در نزد خدا داشتند، بشارت داد و فرمود:

«هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه لطف او نیست در سایه‌ای مخصوص قرار می‌دهد و هر که ما را به خاطر پاداش ما دوست بدارد خداوند از طرف ما بهشت را بر او عنایت می‌کند و هر که به منظور دنیوی دوست بدارد روزی او را بی حساب مرحمت کند.»

(۱)

### حق پیامبران و علی بر مسلمانان

امام سجاد علیه السلام در حدیثی راجع به حقوق مهمی که پیامبر - صلی الله علیه و آله - و جانشینش؛ باب مدینه علم، امام امیر المؤمنین علیه السلام بر این امت دارد فرموده است:

«إن كان الأبوان عظم حقهما علی أولادهما لإحسانهما إليهم، فأحسان محمد و علی صلوات الله عليهما و علی ابنائهما إلى هذه الأمة أجل و أعظم، فهما أحق أن يكونا أبويها...» (۲)

(۱) فصول المهمة ابن صباغ: ص ۱۹۲، صراط السوی: ص ۱۹۳.

(۲) امام زین العابدین: ص ۲۰۲ به نقل از محاسن برقی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۲

«اگر حق پدر و مادر به خاطر احسانشان به فرزندان مهم است پس احسان محمد و علی - صلوات الله عليهما و علی ابنائهما - به این امت بالاتر و مهمتر است بنابراین ایشان سزاوارترند برای پدری این امت.»

(۱) برآستی که پیامبر و وصی آن حضرت دارای حقوقی بس بالاتر از حقوق پدران بر این امتند زیرا که آن دو بزرگوار این امت را آزاد کرده و از قید بردگی و تاریکیهای جهل و نادانی نجات داده‌اند و به ایشان زندگی والای آزادانه مرحمت کرده‌اند، و لیکن افسوس که این امت الطاف ایشان را قدردانی نکرد بلکه دست عترت پاک پیامبر را از مرکز حکومت و زمامداری کوتاه کرد و حاکمان امت به شکل بسیار هولناکی به نابودی عترت در سرزمین کربلا همت گماردند، امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«كان رسول الله صلى الله عليه و آله مكفراً لا يشكر معروفة، و لقد كان معروفة على القرشي و العربي و العجمي، و من كان أعظم

معروفا من رسول الله (ص) علی هذا الخلق؟ و كذلك نحن أهل البيت مكفرون لا يشكر معروفنا.» (۱)

«نسبت به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- ناسپاسی شد و شکر احسان و خوبیهای ایشان به عمل نیامد در حالی که به مردم قریش و به عرب و عجم نیکی کرد و چه کسی از پیامبر خدا (ص) به این مردم بیشتر احسان کرده است؟ و همچنین نسبت به ما اهل بیت ناسپاسی شد و شکر احسان ما را نکردند.»

(۲)

### سروری اهل بیت بر مردم

مردی از امام سجاد علیه السلام پرسید: شما چه فضیلتی بر همه مردم

(۱) وافی: ۳/ ۱۳۳.

تلمیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۳

دارید و چرا بر ایشان سیادت دارید؟

امام علیه السلام فرمود:

«اعلم أن الناس جميعا لا يخلون من أحد ثلاثة: أما رجل أسلم على أيدينا فهو مولى لنا، يرجع إلينا ولاؤه فنحن سادته، و أما رجل قاتلناه، فقتلناه فمضى إلى النار، و بقى ماله مغنما لنا و إما رجل أخذنا منه جزيته و هو صاغر، و لا رابع فأى فضل لم نحزه، و شرف لم نحصله؟» (۱) «بدان که همه مردم از سه صورت خارج نیستند: یا کسی است که به دست ما اسلام آورده است پس او غلام ماست، سرپرستیش به ما مربوط می شود و ما سرپرستان اویم و یا کسی است که با ما مبارزه کرده است و ما او را به قتل رسانده ایم و او به آتش دوزخ افتاده و از او ثروتی به غنیمت مانده است و یا کسی است که ما از او جزیه گرفته ایم و او تن به تحمل داده و تسلیم گشته است و قسم چهارم ندارد، پس کدام فضیلت است که ما نداریم و کدام شرافت است که ما احراز نکرده ایم؟» (۱) به احتمال قوی امام علیه السلام این حدیث را در برابر سؤال کسی فرموده است که اقرار به فضیلت اهل بیت علیهم السلام نداشته و به سیادت مطلقه آنان بر همه این امت معترف نبوده است و اگر نه آن قدر این بزرگواران فضایل و مواهب دارند که قابل شمارش نیست و این افتخار ایشان را بس که خداوند از ایشان پلیدی را برطرف کرده و پاک و پاکیزه داشته است و محبت و دوستی ایشان را بر جمیع این امت واجب ساخته و پیامبر اکرم (ص) آنان را قرین قرآن کریم دانسته و کشتیهای نجات و امین بندگان خدا قرار داده است.

(۱) غرر الآثار و درر الآثار دیلمی: ص ۸۰، خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم به شماره ۵۴۹.

تلمیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۴

(۱)

### سخنان دلایز و کلمات قصار امام

اما کلمات قصار پراج امام علیه السلام که تجسم بخش هر نوآوری و تکامل اندیشه و اصالت نظر است و حکایت از خلاصه تجربه‌هایی دارد که امام علیه السلام در دوران زندگیش به دست آورده است و این سخنان منحصر به یک جنبه خاص زندگی نبوده بلکه تمام جنبه‌های زندگی را شامل می شود، امام علیه السلام با ژرفنگری و نظری فراگیر به تمام شئون انسانی توجه فرموده و تلمیلی قاطع از تمام قضایا و شئون آدمی فرموده است و در ذیل برخی از حکمتها و آداب برجسته‌ای که به یادگار مانده، نقل



می‌شود:

(۲) ۱- امام علیه السلام می‌فرماید:

«من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنيا.» (۱)

«هر که خویشتن را ارج نهد، دنیا در نظر او پست می‌نماید.»

چقدر این سخن زیباست! براستی که بیانگر واقعیت آزادگانی است که دنیا در راه کرامت و عزتشان خوار می‌نماید و در برابر ذلت و خواری سر تسلیم فرود نمی‌آورند و در رأس این گروه سرور آزادگان و سالار شهیدان است که خویش را ارجمند می‌دانست، دنیا در نظرش خوار بود و با ستمگران سازش نکرد و در برابر قدرت ایشان به زانو در نیامد و پرچم کرامت انسانی را به دوش کشید تا آن که با سرافرازی و کرامت فراوان شربت شهادت را نوشید.

(۳) ۲- امام علیه السلام فرمود:

«الخير كله في صيانه الانسان نفسه.» (۲)

(۱-۲) تحف العقول: ص ۲۷۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۵

«تمام نیکی آن است که انسان خویشتن دار باشد.»

براستی که خیر در تمام شکلها و مفهومهایش در خودداری انسان از گناهان و معاصی و نافرمانیهایی است که آدمی را به ورطه هلاکت غیر قابل تحملی می‌اندازد.

(۱) «ما أحب المؤمن معافی فی الدنيا، و فی نفسه و ماله، و لا یصاب بشيء من المصائب.» (۱)

«دوست ندارد مؤمن که از مصائب دنیا و از مصیبت در جان و مالش در امان باشد و هیچ نوع مصیبتی به او نرسد!» البته آنچه به مؤمن می‌رسد از گرفتاریها و نکبتهای دنیوی کفاره گناهایی است که مرتکب شده است همچنان که باعث افزونی حسنات وی می‌گردد، طبیعی است که اگر به هیچ مصیبتی از مصائب دنیا گرفتار نشود از اینها محروم می‌ماند.

(۲) ۴- فرمود:

«ضل من لیس له حلیم یرشده، و ذل من لیس له سفیه یعضده...» (۲)

«کسی گمراه است که راهنمایی بردبار نداشته باشد تا او را راهنمایی کند و آن که یاور جسوری، برای یاری و کمک نداشته باشد خوار است.»

براستی که انسان اگر راهنمای بردباری نداشته باشد تا او را در مشکلات امور و شئون زندگی راهنمایی کند، در راه زندگیش می‌لغزد و در پیچ و خم

(۱) التمیحص ابو علی محمد بن همام اسکافی (به حاشیه صفحه ۸۱ مراجعه کنید) شماره حدیث: ۱۲ ص ۳۲.

(۲) الاتحاف بحب الأشراف: ص ۷۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۶

هولناک و ناشناخته زندگی پایمال می‌شود، چنان که اگر یار و یاور جسوری نداشته باشد که به او کمک کند و از او دفاع نماید در معرض ذلت و خواری قرار می‌گیرد.

(۱) ۵- امام علیه السلام فرمود:

«ویل لمن غلبت آحاده اعشاره» و سأل هشام بن سالم الإمام الصادق عليه السلام عن معنى هذا الحديث، فقال: أما سمعت الله عز وجل يقول: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا» (۱) «فالحسنة الواحدة إذا عملها كتبت له عشرة، و السيئة الواحدة إذا عملها كتبت له واحدة، فنعوذ بالله ممن يرتكب في يوم واحد عشر سيئات، ولا تكون له حسنة واحدة فتغلب حسناته سيئاته.» (۲)

«وای بر کسی که یکانش بر دهگانش غلبه کند، هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام درباره معنای این حدیث پرسید، امام علیه السلام فرمود:

مگر نشنیده‌ای که خدای عز و جل می‌فرماید: «هر که یک حسنه به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد و هر که یک سیئه به جا آورد، کیفی جز همانند آن را نمی‌دهند» پس هر که یک حسنه انجام دهد ده برابر برایش نوشته شود و اگر یک سیئه انجام دهد تنها یک سیئه در نامه عملش ثبت می‌شود، پس به خدا پناه می‌بریم از کسی که در یک روز ده سیئه انجام دهد و یک حسنه هم نداشته باشد تا حسناتش بر سیئاتش غلبه کند.»

(۲) ۶- امام علیه السلام فرمود:

«اللئيم يأكل ما له الاعداء، و الذي خبث لا يخرج إلا نکدا...» (۳)

«مال شخص فرومایه را دشمنان می‌خورند و آنچه ناپاک و پلید شد جز

(۱) سوره انعام / ۱۶۱.

(۲) معانی الأخبار، خطی (از شیخ صدوق) موجود در کتابخانه آقای حکیم.

(۳) نزهة الناظر تألیف حسین محمد حلوانی: ص ۳۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۷

نتیجه اندک و بی‌فایده ندهد.»

براستی لئیم کسی است که نسبت به مال و ثروتش فرومایگی می‌ورزد نه به فقیری می‌دهد و نه به مستمندی کمک می‌کند، زیرا خدای متعال او را از مالش محروم داشته است و دشمنان را بر او مسلط می‌کند تا از اموال او بهره‌مند شوند و او تنها وزر و وبال آنها را به دوش بکشد! (۱) ۷- امام علیه السلام فرمود:

«إن الجسد إذا لم يمرض يأشر ولا خير في جسد يأشر...» (۱)

«همانا تن آدمی اگر بیمار نشود، ناسپاس می‌گردد، و در جسمی که ناسپاس باشد خیری نیست...»

براستی اگر انسان در تمام اوقات زندگانش از سلامتی کامل برخوردار باشد و طعم ناگوار بیماریها را نچشد، طبیعی است ناسپاس شده و کفران نعمت خواهد کرد و در بدنی که چنین باشد خیری نیست.

(۲) ۸- امام علیه السلام فرمود:

«عليكم بآداء الامانة، فو الذي بعث محمداً بالحق نبيا لو أن قتل أبي الحسين بن علي ائتمنى على السيف الذي قتله به لأدبته إليه...» (۲)

«بر شما باد، ادای امانت سوگند به خدایی که محمد (ص) را به حق بر نبوت مبعوث کرده است اگر قاتل پدرم حسین بن علی علیه السلام، شمشیری را که با آن پدرم را به قتل رسانده است نزد من به امانت بسپارد، من آن را به او بازمی‌گردانم.»

(۲) دار السلام، نوری: ۱۴۰ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۸

براستی که ادای امانت از برجسته‌ترین صفاتی است که اسلام در مورد آن تأکید فرموده و آن را به عنوان عنصر مهمی در خلق و خوی انسان مسلمان به حساب آورده و کسی که در امانت خیانت کند از اسلام بی بهره است.

(۱) ۹- امام علیه السلام فرمود:

«أفضل الأعمال عند الله ما عمل بالسنة.» (۱)

«بالاترین عملها در پیشگاه خدا آن عملی است که مطابق سنت انجام شود.»

البته کسی که مطابق سنت پیامبر (ص) عمل کند در حقیقت دستورهای اسلام را در واقعیت زندگی و راه رفتار خود به کار برده است و طبیعی است که این رفتار از بهترین نوع و محبوبترین عملها در پیشگاه خداست.

(۲) ۱۰- امام علیه السلام فرمود:

«لقد استرقك بالود من سبقك بالشكر...» (۲)

«هر که زودتر شکر و سپاس نعمت تو را به جا آورد، در حقیقت با دوستی و محبت خود تو را برده خود نموده است.»

براستی که قبل از دیگران سپاسگزار احسانی باشد که نسبت به او انجام گرفته است دل صاحب احسان را به دوستی و محبت خود جلب کرده است.

(۳) ۱۱- امام علیه السلام فرمود:

«لا يكون الصديق صديقاً حتى يقطع لأخيه المؤمن قطعة من دينة يرقعها بالاستغفار...» (۳)

«دوست، دوست صمیمی نیست تا وقتی که قسمتی از دین خود را برای

(۱) وافی: ۶۷ / ۱، امام زین العابدین: ص ۲۱۹.

(۲) نهاية الأرب في فنون الأدب: ۳۳۱ / ۲۱.

(۳) بهجة المجالس و انس المجالس: ۶۸۵ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۹۹

برادر مؤمنش جدا کند و آن را به وسیله طلب مغفرت وصله بزند.»

براستی که دوستی خالص در اسلام آن است که بر اساس محبت و برادری در راه خدا استوار باشد و بر طبق این حدیث از لوازم چنین دوستی آن است که دوست برای دوستش طلب مغفرت نماید.

(۱) ۱۲- امام علیه السلام فرمود:

«ضمنت على ربي أنه لا يسأل أحد من غير حاجة إلا اضطرته المسألة يوماً إلى أن يسأل من حاجة...» (۱)

«من از طرف پروردگارم ضمانت می کنم که کسی بدون حاجت از دیگران درخواست نکند مگر آن که همین درخواست روزی او را ناگزیر سازد تا از روی احتیاج و نیاز درخواست کند.»

براستی که سؤال بدون حاجت دلیل بر ضعف نفس و بیچارگی آن است و خدای تعالی همین سائل را روزی دچار فقر و تنگدستی خواهد کرد تا ناچار به سؤال و درخواست شود.

(۲) ۱۳- امام علیه السلام فرمود:

«إياك، و ما تعتذر منه.» (۲)

«زنهار کاری نکنید که از آن عذر خواهی کنید.»

امام سجاد علیه السلام از ارتکاب هر عملی که باعث عذرخواهی شود برحذر داشته است و طبیعی است که چنین کاری را عملی زشت و ناپسند می‌شمرند.

(۱) وسائل الشیعه: ۳۰۵/۶.

(۲) کشف الغمه.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۰

(۱) ۱۴- امام علیه السلام فرمود:

«إن الله جل جلاله يقول: و عزتی و عظمتی و جمالی، و بهائی، و علوی، و ارتفاع مکانی لا یؤثر عبد هوای علی هواه إلا جعلت همه فی آخرته، و غناه فی قلبه، و کففت عنه ضیعتہ، و ضمننت السماوات و الأرض رزقه، و أته الدنيا و هی راغمه.» (۱)

«همانا خداوند متعال می‌فرماید: به عزت و جلالم و به جمال و بزرگی و مرتبه و بلندی مقامم سوگند که هیچ بنده‌ای خواسته مرا بر خواسته خویش ترجیح ندهد مگر آن که هدف و دل بستگی او را در امر آخرت و بی‌نیازی او را در قلبش قرار می‌دهم و زندگی او را کفایت می‌کنم و آسمانها و زمین ضامن روزی او گشته و دنیا بدون این که او بخواهد به او رو آور شود.»

براستی که خدای تعالی بنده مؤمنی را دوست می‌دارد که اطاعت او را بر هر چیزی مقدم بدارد و از هوای نفس و تمایلات نفسانیش پیروی نکند و البته خداوند متعال الطاف و نعمتهای خود را در دنیا و آخرت به او ارزانی می‌دارد.

(۲) «رب مغرور، مفتون، یصبح لاهیاً ضاحکاً، یا أکل و یشرّب، و هو لا یدری لعله قد سبقت له من اللّٰه سخطه، یصلی بها نار جهنم...» (۲)

«بسا مغرور و فریفته دنیا که بازیگر و خندان است، می‌خورد و می‌نوشد و نمی‌داند که شاید مشمول غضب حق گردد و آتش دوزخ او را در گیرد.»

امام سجاد علیه السلام از غرور و هرزگی و بی‌مبالاتی در معاصی خداوند بر حذر داشته است؛ که چنین کسی در امان نیست از این که خدای تعالی او را مورد خشم خود قرار داده و از اهل آتش دوزخ مقرر فرموده باشد و آن حیات

(۱) وسائل الشیعه: ۲۲۲/۱۱.

(۲) تحف العقول: ص ۲۸۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۱

شقاوتمندانہ دائمی است.

(۱) ۱۶- امام علیه السلام فرمود:

«سبحان من جعل الاعتراف بالنعمة له حمداً، سبحان من جعل الاعتراف بالعجز عن الشکر شکراً...» (۱)

«منزه است آن خدایی که اعتراف به نعمتش را سپاس خود شمرده است و پاک و منزه است آن خدایی که اقرار به ناتوانی را از شکر و سپاس خویش سپاسگزاری دانسته است.»

براستی که اعتراف به نعمتها و الطاف الهی، خود حقیقت حمد و سپاس خداست همچنان که اقرار به عجز و ناتوانی از سپاس گفتن، عین شکر و سپاسگزاری اوست.

(۲) ۱۷- امام علیه السلام فرمود:

«طلب الحوائج إلى الناس مذلة للحياة، و مذهبة للحياء، و استخفاف بالوقار، و هو الفقر الحاضر، و قلة طلب الحوائج من الناس هو الغنى الحاضر...» (۲)

«درخواست حوائج از مردم باعث خواری در زندگی است و حیا را از بین می‌برد و وقار و شخصیت آدمی را می‌کاهد و بیچارگی بالفعل است و کمتر درخواست کردن حوائج از مردم بی‌نیازی بالفعل است.»

این مطلب قطعی است که کرنش در برابر مردم و درخواست از مال ایشان باعث ذلت و خواری و از بین رفتن شرم و حیاست و خود دلیل فقر و ضعف نفس است، زیرا شخص با عزت، کسی است که خویشان دار باشد و کرامت خود را

(۱) تحف العقول: ص ۲۸۳.

(۲) تحف العقول: ص ۲۸۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۲

حفظ کند و از کسی جز پروردگارش چیزی نخواهد.

(۱) ۱۸- امام علیه السلام فرمود:

«من عتب علی الزمان طالت معتبه...»

«کسی که بر زمان خشم گیرد، خشم و ناراحتیش روزافزون گردد.»

براستی آن که بر زمان خشم می‌کند، خشم و ناراحتیش طولانی می‌شود و این مسأله به خاطر گرفتاریها و مشکلات و ناراحتیهای زیاد او خواهد بود.

بخصوص نسبت به آزادگان که ضربات روزگار به ایشان بیای و سنگدلش با آنان همیشگی است.

(۲) ۱۹- امام علیه السلام فرمود:

«ما استغنی أحد من الناس إلا افتقر الناس الیه.»

«هیچ کس از مردم اظهار بی‌نیازی نکرد مگر آن که مردم به او نیازمند گردیدند.»

براستی کسی که بداند چه دارد و یا با علم و دانش خود اظهار بی‌نیازی کند، یقین مردم به او نیازمند خواهند بود و از او بی‌نیاز نمی‌شوند.

(۳) ۲۰- امام علیه السلام فرمود:

«الکریم یتهج بفضله، و اللئیم یفتخر بملکه...»

«شخص بزرگوار به فضل خودش خرسند است اما آدم فرومایه به ملک و دارایی خودش می‌بالد.»

در حقیقت این سخن واقعیت انسان بزرگوار و شخص فرومایه را بیان کرده و می‌گوید: شخص بزرگوار شادمان و مفتخر است به آن فضل و احسانی که نسبت به مردم می‌کند ولی آدم فرومایه به موجودی خود از اموال و کالاهایی که سرانجام به خاک بازمی‌گردند، می‌بالد زیرا که او فاقد هر نوع صفت ارزنده و خصلت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۳

والاست تا بداند ببالد و افتخار کند.

(۱) ۲۱- امام علیه السلام فرمود:

«استح من الله لقربه منك...»

«از خدا به خاطر نزدیکی او به تو، حیا کن...»

امام علیه السلام انسانها را به خوف از خدای تعالی دعوت فرموده است و آن به خاطر تسلط حق تعالی بر جمیع بندگانش می‌باشد، زیرا تمام موجودات و همه هستی در برابر اراده او خاضعند و همگی در ید قدرت او می‌باشند، هر طور که بخواهد در آنها تصرف می‌کند.

(۲) ۲۲- امام علیه السلام فرمود:

«لا تعادین أحدا، و إن ظننت أنه یضرك...»

«نباید با کسی دشمنی و عداوت بورزی، اگر چه گمان می‌بری که او به تو زیان می‌رساند.»

براستی که دور از حکمت است و از عقل و منطق نیست که انسان با کسی؛ هر که باشد، دشمنی بورزد، اگر چه گمان برد که او زبانی می‌رساند زیرا عاقل کسی است که دلها را به خود جذب کند و کسی را مورد کینه و عداوت قرار ندهد.

(۳) ۲۳- امام علیه السلام فرمود:

«لا ترهدين فی صداقة أحد، و إن ظننت أنه لا ینفعک، فإنک لا تدری متی ترجو صدیقک...»

«نباید از دوستی کسی دوری گزینی هر چند که گمان بری که او سودی به تو نمی‌رساند زیرا تو نمی‌دانی چه وقت به کمک و یاری دوست امیدواری.»

براستی حکمت و عقل کامل، ایجاب می‌کند که انسان از صداقت و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۴

دوستی با هیچ کسی دوری نگزیند زیرا که او اطمینان ندارد ممکن است زمانی برسد که در آن زمان بخصوص به یاری و کمک آن دوست محتاج گردد.

(۱) ۲۴- امام علیه السلام فرمود:

«من اتکل علی حسن اختیار الله عز و جل له لم یتمم غیر الحاله التي اختارها الله له...»

«هر کس به حسن انتخاب (و قضای) خداوند عزّ و جل اعتماد کند، بجز همان حالتی را که قضای الهی بر آن تعلق گرفته است آرزو نخواهد کرد.»

براستی که حقیقت ایمان همان اعتماد و توکل بر حسن انتخاب خدای تعالی و راضی بودن به قضای الهی است زیرا کسی که به آن ایمان داشته باشد و آن را در زندگی واقعی خویش به کار برد از خوشبخت‌ترین و آسوده‌ترین و استوارترین فرد در ابعاد روحی خواهد بود.

(۲) ۲۵- امام علیه السلام فرمود:

«لا یعتذر إلیک أحد إلا قبلت عذره، و إن علمت أنه کاذب.»

«نباید هیچ کسی از تو معذرت خواهی کند مگر آن که عذر او را بپذیری هر چند که بدانی او دروغ می‌گوید.»

البته از جمله مکارم اخلاق پذیرش عذر خلافکار و معامله به مثل نکردن با اوست زیرا که این خود باعث وحدت کلمه و دوری از تفرقه و پراکندگی است.

(۳) ۲۶- امام علیه السلام فرمود:

«لیقل عیب الناس علی لسانک...»

«باید عیب مردم، بر زبانت مبعوض و ناپسند آید.»

(۴) ۲۷- امام علیه السلام فرمود:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۵

«استعن علی الکلام بالسکوت فإن للقول حالات تضر...»

«از سکوت بر سخن گفتن یاری بطلب زیرا سخن گفتن حالت‌های زیانبخشی دارد.»

امام حکیم علیه السلام به سکوت و خودداری از سخن بی‌جا که هیچ فایده دینی و دنیوی ندارد سفارش فرموده است به این دلیل که سخن - در بسیاری از اوقات - حالت‌های مضر و کشنده دارد.

(۱) ۲۸- امام علیه السلام فرمود:

«من رمی الناس بما هم فيه رموه بما ليس فيه...»

«هر کس از اوصاف مردمان به بدی یاد کند، مردم نیز او را به آنچه ندارد متهم کنند.»

براستی هر که مردم را به بدی یاد کند هر چند که آن بدیها را دارا باشند، آنها نیز متقابلاً به وی صفات بدی را که او ندارد نسبت خواهند داد.

(۲) ۲۹- امام علیه السلام فرمود:

«خير مفاتيح الأمور الصدق، و خير خواتيمها الوفاء.»

«بهترین کلید کارها راستگویی و صداقت است و بهترین سرانجام در هر کاری وفاداری است.»

امام علیه السلام بر ضرورت آراسته شدن به زیور راستی و وفا تأکید فرموده است زیرا که این دو صفت از بالاترین صفاتی است که انسان بدان وسیله به شرافت می‌رسد.

(۳) ۳۰- امام علیه السلام فرمود:

«شهادة أن لا إله إلا الله هي الفطرة...»

«شهادت بر این که هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست، امری فطری

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۶

است.»

براستی که ایمان به خدا و اقرار به وحدانیت او هر دو امری فطری می‌باشد که خدای متعال آدمی را بر آن فطرت آفریده است و تنها به وسیله تربیت گمراه‌کننده و محیط منحرف است که از فطرت خود دور شده و اینها هستند که او را هلاک می‌کنند و از راه راست بازمی‌دارند.

(۱) ۳۱- امام علیه السلام فرمود:

«صلاة الفريضة هي الملة...»

«نماز واجب، نشانه دینت و ملیت اسلام است.»

براستی که پایبندی به ادای نماز واجب، همان اقرار و تدین به ملت اسلامی است زیرا نماز به عنوان نشانه قطعی اسلام و تمیز بین مسلمان و کافر می‌باشد.

(۲) ۳۲- امام علیه السلام فرمود:

«طاعة الله هي العصمة...»

«اطاعت و فرمانبرداری خدا باعث مصونیت از شر شیطان و نفس اماره است.»

براستی اطاعت خدای تعالی و دوری از نافرمانیهای او، عصمت و مصونیت از شر شیطان و پاکی از آلودگیها و پلیدیهاست.

(۳) ۳۳- امام علیه السلام فرمود:

«لا يهلك مؤمن بين ثلاث خصال: شهادة أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، و شفاعة محمد (ص)، وسعة رحمة الله.»

«هیچ مؤمنی با وجود داشتن سه خصلت هلاک نمی‌شود: شهادت بر این که خدایی جز خدای یکتا نیست، او یگانه و بی‌شریک است و شهادت بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۷

شفاعت محمد- صلی الله علیه و آله- و شهادت بر رحمت واسعة خدا.»

براستی که این سه خصلت هرگاه قرین مؤمن گردند باعث نزدیکی و تقرب وی به خدا می‌شوند و او را به پیشگاه رحمت و رضوان الهی می‌رسانند، اما شهادت بر توحید خدا انسان را از تاریکیهای کفر خارج می‌کند و اما شفاعت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- آدمی را از آتش دوزخ نجات می‌دهد و وسعت رحمت پروردگار به قدری گسترده و همه چیز را فرا گرفته است که در روز رستاخیز زنان جوان تبه‌کار، به آن چشم امید دارند. «۱»

(۱) ۳۴- امام علیه السلام فرمود:

«إذا تكلفت عناء الناس كنت أغواهم...»

«هرگاه تو خود را به خاطر رنج و گرفتاری مردم (نه به خاطر خدا) به زحمت بیندازی گمراهتر از همه خواهی بود.»

براستی کسی که برای گرفتاری مردم و برآوردن نیازمندیهایشان نه به قصد قربت به خدا، خود را به زحمت اندازد، این کار را تنها با انگیزه‌های دیگری به دور از هدفهای خیرخواهانه انجام دهد بی‌یقین از گمراه‌ترین و نادانترین مردم خواهد بود.

(۲) ۳۵- امام علیه السلام فرمود:

«عجبت ممن يحتمى الطعام لمضرته، و لا يحتمى من الذنب لمضرته...» «۲»

«در شگفتم از کسی که به خاطر ضررش از خوراکی پرهیز می‌کند اما از گناه به خاطر ضرر و زیانش اجتناب نمی‌کند...»

(۱) در حدیث شریف نبوی آمده است: «خداوند را در روز قیامت چنان رحمت و بخششی است که ابلیس هم بدان سو گردن می‌کشد!»، در ذیل حدیث ۴۶ تفصیل مطلب خواهد آمد.

(۲) به جای این عبارت؛ «لمعرته» درست‌تر است، یعنی ننگ و عارش.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۸

براستی که پرهیز از گناهان و پیامدهای ننگینی که دارد و فرار از معاصی و زیانهایی که در پی دارند به اجتناب و پرهیز سزاوارتر است تا پرهیز از غذای زیانبخش زیرا که گناه، عذاب و بدبختی را در سرای آخرت که منزل جاودانگی و دائمی است به دنبال دارد.

(۱) ۳۶- امام علیه السلام فرمود:

«إذا صليت فصلَّ صلاةً مودع...»

«هرگاه نماز می‌خوانی، همچون نماز وداع بخوان.»

امام علیه السلام در این کلام نفیس خود به توجه و ادای خالصانه نماز دعوت کرده و می‌فرماید که شایسته است مسلمان نمازی را که می‌خواند همچون کسی بخواند که گویی از زندگی دنیا خداحافظی می‌کند.

(۲) ۳۷- امام علیه السلام فرمود:

«اللجاجة مقرونة بالجهالة...»

«لجبازی قرین نادانی است.»

براستی که لجبازی در کارها از نادانی و کج‌اندیشی و از ناآگاهی به واقعیت اموری که جریان همه آنها به دست خدای تعالی



است، سرچشمه می‌گیرد.

(۳) ۳۸- امام علیه السلام می‌فرماید:

«لکل شیء فاکهة، و فاکهة السمع الکلام الحسن ...»

«هر چیزی میوه‌ای دارد، و میوه گوش دادن، سخن نیکوست.»

براستی که سخن خوب از گران‌قدرترین چیزهایی است که بر قوه شنوایی انسان وارد می‌شود و آن میوه شنیدن، بلکه میوه زندگی نیز هست.

(۴) ۳۹- امام علیه السلام فرمود:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۰۹

«سبب الرفعة التواضع ...»

«تواضع وسیله بلندمقامی است.»

براستی که آدمی تنها در سایه تواضع و خوش‌خویی بلند مقام می‌شود و مرتبه‌اش بالا- می‌رود و بدان وسیله بر دیگران سروری می‌یابد. (۱)

(۱) ۴۰- امام علیه السلام فرمود:

«کلکم سیصیر حدیثا فمن استطاع أن یکون حسنا فلیفعل ...»

«هر کدام از شما در آینده قصه و داستان خواهید شد، بنابراین هر که می‌تواند خوب باشد باید این کار را بکند.»

این سخن زرّین را شاعر عرب، ابن درود به نظم آورده، می‌گوید:

«و إنما المرء حدیث بعده فکن حدیثا حسنا لمن وعی» «به یقین هر کسی پس از خود به صورت داستان در خواهد آمد، بنابراین داستان خوبی برای شنوندگان باش.»

(۲) ۴۱- امام علیه السلام می‌فرماید:

«الحسود لا ینال شرفا، و الحقود یموت کمدا ...»

«آدم حسود به شرف و بزرگی نایل نشود و شخص کینه‌توز رنجور می‌میرد.»

براستی که حسد بیماری ناپاکی است که انسانها را در مهلکه عظیمی

(۱) همین مضمون را سعدی شاعر بزرگ ایران چه نیکو سروده است:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۰

می‌اندازد و هر که گرفتار آن شود تمام برجستگیهای اخلاقی را از دست می‌دهد و از هر صفت ارزشمندی فاصله می‌گیرد، همچنان که آدم کینه‌توز که کینه دیگران را در دل دارد وقتی که می‌بیند مردم مشمول نعمتهای الهی شده‌اند، با رنج و خشم می‌میرد.

(۱) ۴۲- امام علیه السلام فرمود:

«فقد الأحبّ غریبه ...»

«از دست دادن دوستان، باعث غربت است.»

براستی از دست دادن دوستان یکی از بدترین مصیبت‌هایی است که به انسان رو می‌آورد زیرا که او غریب و تنها در چنگال غمها و گرفتاریها می‌ماند.

(۲) ۴۳- امام علیه السلام فرمود:

«الرضا بمكروه القضاء ارفع درجات اليقين...»

«راضی بودن به قضای الهی، آنجا که بر خلاف میل آدمی باشد بالاترین درجات یقین است.»

البته هر کسی که به قسمت الهی و آنچه را که از رویدادهای مهلک مقدر گشته است راضی باشد و بی‌تابی و جزع نکند، در راحتی و آرامش روحی به سر خواهد برد و برآستی چنین کسی از جمله پرهیزگاران است؛ کسانی که کارهایشان را به خدا وا گذاشته و به قضا و قدر الهی راضی گشته‌اند.

(۳) ۴۴- امام علیه السلام فرمود:

«نظر المؤمن فی وجه أخیه المؤمن للمودة و المحبة عبادة...»

«نگاه کردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از راه مهر و محبت، عبادت است.»

همانا اسلام پیروانش را به محبت و الفت و اداری کرده و از اختلاف و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۱

تفرقه بر حذر داشته است، طبیعی است که نگاه کردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از روی لطف و محبت از جمله عواملی است که باعث گسترش محبت و ارتباط محکم میان مسلمانان می‌گردد و خود از بالاترین عبادات در اسلام است.

(۱) ۴۵- امام علیه السلام فرمود:

«إذا التاجران صدقا و برا، بورك لهما. و إذا كذبا و خانا، لم يبارك لهما...»

«هرگاه دو بازرگان (که با هم معامله دارند) هر دو راستگو و نیکوکار باشند به تجارتشان برکت داده خواهد شد و هرگاه دروغگو و خیانتکار باشند برکت از آنها برداشته می‌شود.»

برآستی یکی از عوامل رشد تجارت راستی در معامله و نیکی به مردم است پس اگر بازرگانی این دو صفت را داشت خداوند به کار و کوشش او برکت داده و روزیش را زیاد کند و هرگاه از این اوصاف تهی شد و راههای کج را پیش گرفت بهره او زیان و خسران خواهد بود.

(۲) ۴۶- به حضور امام سجاد علیه السلام عرض کردند که حسن بصری می‌گوید: تعجب نیست از آن که هلاک شد، یا چگونه به هلاکت رسید، بلکه تعجب از کسانی است که نجات یافتند، که چگونه نجات یافتند، امام علیه السلام این سخن را رد کرد و فرمود: من می‌گویم:

«ليس العجب ممن نجا كيف نجا؟ وإنما العجب ممن هلك كيف هلك مع سعة رحمة الله...»

«عجب نیست از کسی که نجات یافته است، چگونه نجات یافته است؟

بلکه تعجب از کسانی است که هلاک شدند، چگونه با همه وسعت رحمت پروردگار بازم هلاک شدند؟!» برآستی که رحمت خدای تعالی، همه چیز را فرا گرفته است، حتی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۲

ابلیس، به آن چشم طمع دارد و امام علیه السلام از حسن بصری و دیگران به آن آگاهتر و داناتر است.

(۱) ۴۷- امام علیه السلام فرمود:

«إذا نصح العبد لله في سره أطلعته على مساوئ عمله، فتشاغل بذنوبه عن معائب الناس...»

«هرگاه بنده‌ای در نهان برای خدا خالص و صمیمی بود، خداوند او را از بدیهای عملش آگاه می‌سازد و در نتیجه او به جای عیبهای مردم به گناهان خود توجه پیدا می‌کند.» تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲، ص: ۲۱۲ سخنان دلاویز و کلمات قصار امام.....

ص: ۱۹۴

استی که اگر انسان در باطن خودش خداترس باشد و از گناهان و نافرمانیهای حق تعالی اجتناب ورزد، خدای تعالی الطاف خود را بر او ارزانی می‌دارد؛ از جمله او را بر بدیهای عملش آگاه می‌سازد و او را در عوض عیبجویی از مردم بدانها مشغول می‌گرداند، تا از پیامدهای غیبت مردم که از بدترین گناهان است نجات پیدا کند.

(۲) ۴۸- امام علیه السلام فرمود:

«أقرب ما يكون العبد من غضب الله، إذا غضب.»

«نزدیکترین موقعی که بنده به خشم خدا نزدیک می‌شود هنگامی است که خشمگین می‌گردد.»

براستی غضب از عوامل هلاکت انسان است و خشم است که آدمی را از حال تعادل بیرون می‌کند و در شرّ عظیمی می‌اندازد و- اکثر اوقات- بدترین جرمها را که آدم کشی است در حال خشم مرتکب می‌شود و این خود از عواملی است که باعث خشم و عذاب خدا نسبت به بنده می‌گردد.

(۳) ۴۹- امام علیه السلام فرمود:

«للدابة على صاحبه ست خصال: يبدأ بعلفها إذا نزل، و يعرض عليها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۳

«الماء إذا مر به، و لا يضر بها إلا على حق، و لا يحملها إلا ما تطيق، و لا يكلفها من السير إلا طاقتها، و لا يقف عليها موقا...»

«هر حیوانی بر صاحبش شش حق دارد: وقتی که از آن پیاده شد، قبل از هر چیز به او علف بدهد و هر وقت به آب رسد، آب را به او عرضه کند. و جز به حق او را نزند و بیش از حد توانش بر او بار نکند و بیش از آن مقداری که می‌تواند راه برود، مجبور نکند و (اگر حیوان شیرده است) زیادتیر از وقت مقرر او را ندوشد.»

امام سجاد علیه السلام در این حدیث شریف حقوق حیوان را بر صاحبش بیان کرده است که مشتمل بر رحم و محبت و مدارای کامل با آن است و در هیچ جای دنیا چنین حقوقی برای مدارای با حیوان، مقرر نشده است.

(۱) ۵۰- امام علیه السلام فرمود:

«إذا قدرت على عدوك فاجعل العفو شكرا للمقدرة عليه، فإن العفو عن قدره، فضل من الكرم...»

«هرگاه به دشمنت دست یافتی، گذشت از او را شکر بر نعمت توانمندی خود بدان زیرا که عفو با قدرت فضیلتی از خانواده کرم است.»

براستی عفو با قدرت دلیل شرافت نفس و بردباری فراوان است که خود بخشی از کرم و بخشندگی است و اما انتقام، از فرومایگی و پستی و تنگ نظری سرچشمه می‌گیرد.

(۲) ۵۱- امام علیه السلام فرمود:

«إياكم و صحبة العاصين، و معونة الظالمين...»

«زنهار از مصاحبت با گنهکاران و یاری ستمگران.»

امام علیه السلام مؤمن را از مصاحبت گنهکاران برحذر داشته است زیرا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۴

که مصاحبت در رفتار آدمی مؤثر است و او را از راه راست منحرف می‌سازد، چه آن که زندگی اجتماعی- بطوری که جامعه‌شناسان می‌گویند- زندگی تأثیر و تأثر است. همچنین امام علیه السلام از کمک به ستمگران برحذر داشته است از آن جهت که یاری به ظلم باعث گسترش ظلم و کمک بر همگانی شدن ستم می‌شود.

(۱) ۵۲- امام علیه السلام فرمود:

«سئل الإمام عليه السلام عن أعظم الناس خطراً؟ فقال: من لم يرض الدنيا لنفسه خطراً.»

«از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: چه کسی از همه مردم ارزشمندتر است؟ فرمود: «آن کسی که دنیا را مایه ارزش خود نداند.»  
براستی خوش‌فکرترین مردم و دوراندیش‌تر و فهمیده‌تر از همه آنها کسی است که خود را بالاتر از دنیا ببیند و آخرتش را به دنیایش نفروشد و روی دلش به سوی خدا باشد و برای آخرت عمل کند تا زاد و توشه بیشتری برای آنجا فراهم آورد.

(۲) ۵۳- امام علیه السلام فرمود:

«الرزق الحلال قوت المصطفين...»

«روزی حلال خوراک بندگان برگزیده خداست.»

براستی روزی حلال که یکی از وسائل مشروع است، خوراک نیکان و برگزیدگانی است که در کسب و کارشان و زندگیشان نهایت احتیاط را دارند و جز مال حلال و پاکیزه نمی‌خورند و از آنچه خداوند حرام کرده است خودداری می‌کنند.  
(۳) ۵۴- امام علیه السلام فرمود:

«اخذ الناس ثلاثة من ثلاثة، الصبر من أيوب، والشكر من نوح، والحسد من بني يعقوب...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۵

«مردم سه چیز را از سه کس فرا گرفته‌اند: صبر را از ایوب (ع) و شکرگزاری را از نوح (ع) و حسد را از پسران یعقوب.»  
مردم این سه خصلت را از این اشخاص فرا گرفته‌اند؛ آنها هستند که اصول و پایه‌های این خصلتها را بنیاد نهاده‌اند و ارکان آنها را در این زندگی دنیا بنا کرده‌اند.

(۱) ۵۵- امام علیه السلام فرمود:

«ليس لك أن تتكلم بما شئت لأن الله تعالى يقول: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (۱) و ليس لك أن تسمع ما شئت لأن الله عز وجل يقول: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (۲)»

«تو حق نداری که هر چه خواستی بر زبان آوری، زیرا که خدای تعالی فرموده است «آنچه را که علم نداری پیروی مکن» و نیز حق نداری آنچه را که دلت خواست بشنوی زیرا که خدای عز و جل می‌فرماید: «همانا گوش، چشم و دل، همه آنها مورد بازخواست قرار می‌گیرند.»

امام علیه السلام، سخن مجازی را که انسان می‌تواند بگوید، تعریف کرده است و چنین سخنی مربوط می‌شود به تدبیر امور انسان در معاملات و سایر هدفهای مجاز و مباح وی. اما سخنی که برای ترویج از باطل و ناروا گفته می‌شود، حرام است و مورد مؤاخذه می‌باشد، و همچنین امام علیه السلام سخنی را که انسان می‌تواند بشنود نیز تعریف کرده است که آن عبارت از کلام خوب و سخن خوش است بنابراین گوش دادن به غیبت و ناسزا نهی شده است، حتی آدمی نسبت به احساسات درونی و خطورهای قلبیش محاسبه می‌شود.

(۱-۲) سوره اُسرئ / ۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۶

(۱) ۵۶- امام علیه السلام می‌فرماید:

«إنه ليعجبني الرجل أن يدر که حلمه عند غضبه.»

«براستی که مرا به اعجاب وامی‌دارد آن مردی که حلم و بردباریش به هنگام خشمگین شدن او را در می‌یابد.»

امام سجاد علیه السلام، مردم را به آراسته شدن به زیور حلم و بردباری دعوت کرده است که از برجسته‌ترین صفاتی است که انسان می‌تواند به آن آراسته شود و بیش از هر چیز به آن خو بگیرد که باعث می‌شود انسان از بسیاری از مشکلات و گرفتاریها نجات پیدا کند.

(۲) ۵۷- مردی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد: یا بن رسول الله! من شما را به خاطر خدا بسیار دوست می‌دارم. حضرت فرمود:

«اللهم إني أعوذ بك أن أحب فيك، و أنت لي مبغض.»

«خداوندا پناه می‌برم به تو از این که مرا به خاطر تو دوست بدارند در حالی که تو مرا دشمن بداری.»

امام علیه السلام پناه به خدا برده است از این که به خاطر او دوست بدارند در حالی که او مورد خشم خدا باشد، این خود دلیل بر نهایت خود فراموشی و چنگ زدن به خدا و توجه خاص به او و امیدواری آن حضرت به عفو و رضای خداست.

(۳) ۵۸- امام علیه السلام فرمود:

«لا- يقل عمل مع تقوى، و كيف يقل ما يتقبل؟» «هیچ کاری با وجود تقوا کم نیست و چگونه عملی اندک است در حالی که مورد پذیرش خداست.»

براستی عملی که آمیخته به تقوا باشد هرگز کم نیست، چگونه می‌تواند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۷

کم باشد در حالی که در پیشگاه خدا پذیرفته شده است؟.

(۱) ۵۹- امام علیه السلام فرمود:

«لو اجتمع أهل السموات والأرض على أن يصفوا الله بعظمته لم يقدروا.»

«اگر تمام اهل آسمانها و زمین جمع شوند تا آن که خدا را به عظمتش توصیف کنند، قادر نخواهند بود.»

براستی تمام موجوداتی که در عالم هستی وجود دارند نمی‌توانند عظمت خدا را وصف کنند زیرا چگونه می‌تواند ممکن الوجودی که در قوای فکری و سایر نیروهای محدود است به وصف آن ذات مقدس ازلی برسد که آفرینش موجودات را ابداع فرموده و آن خداوندی که در ادراک بشر ننگجد! (۲) ۶۰- امام علیه السلام فرمود:

«النجدة الأقدام على الكريهة، و الصبر عند النائبة، و الذب عن الإخوان ...»

«بزرگی و دلاوری عبارت است از اقدام بر جنگ (جهاد) و ایستادگی و صبر به هنگام مصیبت و دفاع از برادران ایمانی.»

اما نجده، همان شجاعت و یا جرأت زیاد است که خود از برجسته‌ترین صفات مردان است و یکی از مظاهر شجاعت اقدام بر جنگ و جهاد است. و صبر بر نائبه یعنی مقاومت در برابر مصیبت. و ذب از برادران، یعنی دفاع از ایشان.

(۳) ۶۱- امام علیه السلام فرمود:

«لا ينتفع البليغ بالقول مع سوء الاستماع ...»

«سخن رسا و بلیغ، با بد گوش دادن بی‌فایده است.»

براستی هرگاه به سخن شخص بلیغ درست گوش ندهند و با بی‌توجهی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۸

روبرو شود، بلاغت سخن او بر باد است.

(۱) ۶۲- امام علیه السلام فرمود:

«لينفق الرجل بالقصد، و بلغة الكفاف، و يقدم الفضل منه لآخرته، فإن ذلك أبقى للنعمه، و أقرب إلى المزيد من الله تعالى، و أنفع

فی العاقبة...»

«انسان باید به مقدار اعتدال و به قدر کفاف، خرج کند و زیادی آن را برای آخرتش بفرستد زیرا چنین رفتاری باعث بقای بیشتر نعمت گشته و به فزونی نعمت از جانب خدا نزدیکتر و در عاقبت سودمندتر است.»

امام علیه السلام به میانه‌روی و ولخرجی نکردن دعوت کرده و این که انسان مازاد اموال خود را به مستمندان و محرومان ببخشد و یا به امور عامه کشور صرف کند که این کار بقای نعمت و تقرب به خدای تعالی و رسیدن به عاقبت ارزنده‌ای را در پی دارد.

(۲) ۶۳- امام علیه السلام فرمود:

«إياك و ظلم من لا يجد عليك نصرا إلا الله...»

«زنهار از ظلم و ستم بر کسی که جز خدا در برابر تو یار و یاورى ندارد.»

این سخن ارزشمند از همه ائمه علیهم السلام رسیده است، و آن حاکی از آراستگی ایشان به رحمت و رأفت و مخالفت آنان با تمام انواع ظلم و تجاوز به دیگران است، بویژه ظلم بر ناتوانانی که جز خدا یار و یاورى ندارند، زیرا که تجاوز به حقوق این قبیل مردمان از زشت‌ترین نوع ستمهاست.

(۳) ۶۴- امام علیه السلام فرمود:

«بئس الأخ يرا عاك غنيا، و يقطعك فقيرا...»

«بد برادری است آن که در وقت توانگری به تو توجه دارد و به هنگام نیازمندیت از تو می‌بزد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۱۹

امام علیه السلام مردی را که برادر و یا دوستش را در حال توانگری و بی‌نیازی دوست می‌دارد اما وقتی که تهیدست شد او را ترک می‌کند، مورد نکوهش قرار داده است زیرا چنین حالتی از فرصت‌طلبی و بی‌شرافتی و نداشتن کرامت انسانی سرچشمه می‌گیرد.

(۱) ۶۵- امام علیه السلام فرمود:

«اعرف المودة من قلب أخيك بما له من قلبك...»

«مقدار محبت قلبی برادرت را از مقدار محبت قلبی خودت نسبت به او بشناس.»

براستی انسان هر گاه بخواهد دوستی برادر دینی و یا دوستش را بیازماید، باید از محبت و دوستی خودش نسبت به او جستجو کند زیرا که او نیز به همان مقدار او را دوست می‌دارد و اخلاص می‌ورزد.

(۲) ۶۶- امام علیه السلام فرمود:

«من كانت الآخرة همه كفاه الله هم الدنيا...»

«هر کس آخرت را وجهه همت خود قرار دهد، خداوند غم دنیایش را کفایت کند.»

براستی کسی که برای آخرت کار می‌کند و از خدای تعالی می‌ترسد، خداوند امر این دنیای او را کفایت می‌کند و از بسیاری از مشکلات دنیا او را آسوده می‌سازد.

(۳) ۶۷- امام علیه السلام فرمود:

«سادة الناس فى الدنيا الأسخياء، و سادة الناس فى الآخرة الأتقياء...»

«سروران مردم در دنیا سخاوتمندانند و سروران مردم در آخرت پرهیزگاران.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۰

بی‌تردید، بخشندگان، بزرگان و برگزیدگان و اشراف مردمانند، همچنان که در آخرت پرهیزگاران و شایستگان از همه بالاترند.

(۱) ۶۸- امام علیه السلام فرمود:

«لو أنزل الله عز و جل کتابا أنه معذب رجلا واحدا لرجوت أن أكونه، أو أنه راحم رجلا لرجوت أن أكونه، أو أنه معذبي لا محالة ما ازددت إلا اجتهادا لئلا ارجع نفسي بلائمة...»

«اگر خداوند نوشته‌ای از آسمان نازل می‌کرد که یک نفر را عذاب می‌کند، من احتمال می‌دادم، همان یک نفر باشم، و یا آن که یک نفر را ببخشد باز امیدوار بودم که همان یک نفر من باشم که مرا ببخشد و یا آن که مرا عذاب کند، ناگزیر جز بر کوشش و تلاش من نمی‌افزود که مبادا کاری کنم که باعث شود تا خودم را سرزنش کنم.»

امام علیه السّلام در این فراز از سخنانش از خوف و رجای فراوان خود نسبت به خدای متعال پرده برداشته است و این که اگر خداوند او را محکوم به عذاب کند باز هم چیزی جز بر کوشش و تلاش در طاعت و عبادتش نمی‌افزود تا این که باعث ملامت خود نگردد.

در اینجا سخن از پاره‌ای کلمات قصار و سخنان دلاویز امام زین العابدین علیه السّلام پایان می‌گیرد و ما سخن را درباره مواعظ و حکمت‌های امام خاتمه می‌دهیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۱

## تألیفات امام سجاد (ع)

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۲

(۱) تألیفات امام سجاد علیه السّلام (۲)

## ۱- صحیفه سجادیه

### اشاره

محققان نخستین کسانی که در دنیای اسلام دست به تألیف و تدوین زده‌اند، ائمه اهل بیت علیهم السّلام و علمای بزرگ شیعه می‌باشند «۱»، بنابراین ایشان نخستین پیشاهنگانی هستند که خط سیر فرهنگی این امت را ترسیم کردند و چشمه‌های علم و حکمت را در زمین جاری ساختند.

شایان ذکر است که تألیفات و سایر بحث‌های ایشان به علم خاصی منحصر نبوده بلکه مشتمل بر تمام انواع دانش است؛ مانند علم فقه، تفسیر، حدیث، اصول، نحو، کلام و فلسفه، علاوه بر اینها ایشان بنیانگذاران قوانین اخلاق، آداب سلوک، و اصول تربیتی هستند... و نخستین کسی که در این میدان گوی سبقت را ربود، بزرگ این امت و رهبر نهضت فکری و علمی آن، امام امیر المؤمنین علیه السّلام است؛ او نخستین کسی است که ابواب علوم عقلی و نقلی را مشخص کرد و اصول و قواعد آنها را بنیان نهاد. عقّاد می‌گوید: بیقین امام امیر المؤمنین علیه السّلام ابواب سی و دو رشته علمی را روشن کرد و قواعد و اصول

(۱) تأسیس الشّیعه لعلوم الاسلام سید حسن صدر.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۴

آنها را پی ریخت. «۱» ابن شهر آشوب می‌گوید: صحیح آن است که نخستین کسی که تصنیف فرمود، امام امیر المؤمنین علیه السّلام بود، سپس سلمان و بعد از او ابو ذر و بعد، اصیغ بن نباته و پس از او عبید الله بن ابی رافع و بعد از اینها بود که صحیفه

کامله تصنیف شد. «۲»

و از جمله مؤلفان از میان ائمه طاهرين عليهم السّلام، امام زين العابدين عليه السّلام است که مؤلفات آن حضرت نمونه برجسته‌ای برای تکامل اندیشه اسلامی و پیشرفت حرکت فرهنگی و علمی است، از جمله مؤلفات گرانقدر آن حضرت موارد ذیل است:

(۱)

### صحیفه سجّادیه

اما صحیفه سجّادیه، از جمله گنجینه‌های میراث اسلامی و از منابع کتابهای بلاغت، تربیت، اخلاق و ادب در جهان اسلام است و با توجه به اهمیت فراوان این کتاب اندیشمندان بزرگ و بزرگان از رجال علم و دانش آن را اخت القرآن و انجیل اهل بیت و زبور آل محمد (ص) نامیده‌اند. «۳»

از جمله آنچه باعث اهمیت بیشتر این کتاب شریف شده، این است که در عصری به وجود آمده است که عصر تهاجم رویدادهای سهمگین و مشکلات سیاسی وارد بر حیات مسلمانان بوده و همه جا را ابرهای ظلمانی پوشانده بود و هیچ درخششی از پرتو اسلام و هدایت و روشننگری آن به چشم نمی‌خورد و مسلمانان به خاطر مصالح و مطامع خود سرگرم گروه‌بندیهای حزبی و سیاسی بودند و هیچ شبحی از روحانیت اسلام و تعلیمات و آداب و حکمت‌های آن باقی نمانده بود.

صحیفه سجّادیه، افق‌های تازه‌ای از اعتقاد دینی را گشود که پیش از آن،

(۱) عبقریة الامام علی.

(۲) معالم العلماء.

(۳) الذریعة فی تصانیف الشیعة: ۱۸/۱۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۵

مسلمین هرگز آنها را نمی‌شناختند؛ مسلمانان را به تجرد و صفای روح و طهارت نفس و برکناری از خودخواهی، حرص، طمع و دیگر خصلتهای بد، دعوت کرده و همچنین به ارتباط با خدای تعالی، آفریننده جهان و هستی‌بخشی که منبع فیض و خیر به همه مخلوقات است خوانده، و ما ناگزیر از آنیم که توقف کوتاهی داشته باشیم تا درباره این کتاب شریف سخن بگوییم.

(۱)

### سند صحیفه

اما سند صحیفه، به امام بزرگوار ابو جعفر محمد باقر علیه السّلام و به شهید جاوید زید بن علی بن حسین علیه السّلام می‌رسد، که سلسله سند در مقدمه صحیفه نقل شده و به حد تواتر رسیده و به بیش از پنجاه و شش هزار بالغ می‌گردد، دانشمندان همواره آن را با اسناد بهم پیوسته دست به دست می‌کنند. «۱» مرحوم سید محسن امین عاملی می‌گوید: «و بلاغت الفاظ صحیفه و فصاحت بی‌رقیب و مضامین بلندش با انواع تذلل در پیشگاه خدای تعالی و ثنای بر او، و اسلوبهای شگفت در طلب عفو و بخشش و توسل به خدا که در صحیفه موجود است همگی قویترین گواه بر درستی سند و صحت نسبت آن است و برآستی که این درّ قیمتی از آن دریا و این گوهر گرانقدر از آن معدن و این میوه از آن درخت است، مضافاً به چنان شهرت غیر قابل تردیدی که دارد و اسانید متعددی که به وجود آورنده آن می‌پیوندد، درود خدا بر او و بر پدران و فرزندان پاکش باد، افراد مورد اعتماد با اسناد متعدد بهم پیوسته تا



امام زین العابدین علیه السلام، آن را روایت کرده‌اند، از جمله نسخه‌ای از آن در نزد زید شهید بوده است که به فرزندانش انتقال یافته و چنان که در آغاز صحیفه آمده است، از ایشان به اولاد حسن مثنی انتقال یافته است، علاوه بر نسخه‌ای که در نزد امام باقر علیه السلام موجود بوده است. مردم به صحیفه توجه خاصی داشته و آن را روایت نموده و الفاظ آن را ضبط و استنساخ

(۱) مجله البلاغ شماره هفتم سال اول، صفحه ۵۴ مقاله دکتر حسین علی محفوظ.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۶

می‌کردند و در هر شب و روز و شامگاه و بامدادان بر ادعیه آن مواظبت می‌کردند و آنها را می‌خواندند. «۱»  
براستی که سند صحیفه قطعی و غیر قابل بحث و تردید است و تا حد یقین به تواتر رسیده است، علاوه بر همه اینها بلاغت فوق العاده این کتاب بیانگر آن است که جز از این امام بزرگ صادر نشده است، «گواه شاهد صادق در آستین باشد.» «۲»  
(۱)

### امتیازات صحیفه

صحیفه سجادیه و دیگر دعا‌های امام سجاد علیه السلام از امتیازات فوق العاده‌ای برخوردار است، از جمله:  
(۲) اولاً- این صحیفه مبارکه تجسم بخش تجرد کامل از عالم ماده و انقطاع از خلق و ارتباط با خدای تعالی و اعتصام به اوست که گران‌قدرترین سرمایه زندگی است و اینک به سخنان امام علیه السلام در این باره گوش فرا می‌دهیم:  
«اللهم انی اخلصت بانقطاعی الیک، و اقبلت بکلی علیک، و صرفت وجهی عنّ ینحتاج الی رفدک، و قلبت مسألتی عنّ لم یستغن عن فضلک، و رأیت أنّ طلب المحتاج الی المحتاج سفه من رایه، و ضلّه من عقله، فکم قد رایت یا الهی من اناس طلبوا العزّ بغيرک فذلّوا، و راموا الثروة من سواک فافتقروا، و حاولوا الارتفاع فأتضعوا، فصحّ بمعاینه امثالهم حازم، و فقه اعتباره، و ارشده الی طریق صوابه اختباره، فانت یا مولای دون کلّ مسؤل موضع

(۱) الذریعه فی تصانیف الشیعه.

(۲) در اینجا مصرعی از ابیات ابو الطیب متنبی در توصیف سرعت سیر اسب آمده است «سبوح لها منها علیها شواهد» به این مضمون که خود آن سرعت اسب بر سرعتش گواه است، که ما به خاطر تقارن مضمونی، مصرع شعر فارسی را به جای آن آوردیم- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۷

مسألتی، و دون کلّ مطلوب الیه ولیّ حاجتی، انت المخصوص قبل کلّ مدعوّ بدعوتی، لا یشرکک احد فی رجائی، و لا یتفق أحد معک فی دعائی، و لا یمنظمه و ایاک ندائی، لک یا الهی وحدائیة العدد، و ملکه القدرة الصمد، و فضیله الحول و القوه، و درجه العلوّ و الزفعه، و من سواک مرحوم فی عمره، مغلوب علی امره، مقهور علی شأنه، مختلف الحالات، متنقل فی الصیفات، فتعالیت عن الأشباه و الأضداد، و تکبرت عن الأمثال و الأنداد، فسبحانک لا اله الا انت.» «۱»

(۱) «خداوندا من به خاطر اخلاص خود از همه کس بریده و رو به سوی تو آورده‌ام، اینک تمام وجودم متوجه به لطف و کرم توست. و من از کسانی که خود دست نیاز به سوی تو دارند رو برگردانیدم و چون دریافتم که اظهار حاجت به کسانی که خود نیازمندند دلیل بر بی‌خردی و کج‌اندیشی است. پس چه بسیار مردمانی را دیدم ای خداوند بزرگ! که از غیر تو عزت خواستند در حالی که ذلیل شدند و از دیگری ثروت خواستند، همگی فقیر شدند و خواستند به وسیله دیگران به مقامات بالا برسند، پست و حقیر شدند، این بود که با مشاهده این آثار دریافتم دوراندیشی سزاوار عقل و عبرت گرفتن راه پیروزی و اختیار چنین راهی راه

هدایت می‌باشد.

پس ای مولای من از همه اهل عالم تنها از تو درخواست می‌کنم و حاجتم را می‌طلبم و غیر از هر مطلوبی تو خود ولی حاجتم می‌باشی و قبل از هر مدعوی تو خود مخصوص دعوت منی، و در امیدواریم به درگاه احدیت هرگز شریکی برای تو قائل نیستم و هیچ کس را در دعای خود شریک تو نمی‌دانم و ندا و روی دعای من فقط به سوی توست، خداوندا همان گونه

(۱) صحیفه سجادیّه دعای بیست و هفتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۸

که در خداوندیت یکتایی، ملک قدرت و توانایی در هر کاری نیز مخصوص توست، و تو بی‌نیاز از همه، بلکه تکیه‌گاه همه قدرتهایی و تو در حول و قوهات بالا-تر از همه و در علوّ درجه و مقام، یگانه و بی‌همتایی. و جز تو همه موجودات در هستی خود به رحمت تو نیازمندند و مغلوب اراده تو می‌باشند و مقهور نوامیس خلقت هستند. همه موجودات غیر از تو حال و صفاتشان در تحوّل و دگرگونی است و همین دگرگونی خود دلیل بر عجز و ناتوانی آنهاست. پس تنها تو هستی که از هر شبیه و ضد و مثل و مانند مبرایی پس تو ای که شایسته تسبیح و تقدیسی چون جز تو خدایی نیست.»

(۱) این صفحه زرین از صحیفه، میزان توجه امام علیه السلام به خدا و پیوستگی به او را و انصراف آن حضرت و پارسایی او را نسبت به غیر خدا تجسّم می‌بخشد، و امام علیه السلام برای این حالات خود، دلایلی به شرح زیر آورده است:

الف- برآستی که از نادانی و کج‌اندیشی است که انسان به غیر آفریدگار خود چشم امید داشته باشد، زیرا که آن غیر، هر چه مقامش بالا باشد بازهم ناتوان و محتاج به لطف و عنایت خداست، پس چگونه انسان به او امیدوار باشد و از او آرزوی خیر داشته باشد؟

ب- تجربه‌ها خود رهنمود امام علیه السلام بر اینند که گروهی از مردم، شرف و عزّت و مقام را از غیر خدای تعالی خواستند اما آرزوهای ایشان نقش بر آب شد و به زیان آشکاری دچار شدند همچنان که بخش عظیمی از مردم، از غیر خدا ثروت و مال خواستند، دچار تنگدستی و محرومیت شدند، این امور بود که باعث شد امام علیه السلام آگاهی و یقین بیشتری پیدا کند که دلبستگی به غیر خدا بیهودگی و سرابی بیش نیست.

ج- همانا حول و قوّت تنها به دست خداست و اما جز او در تمام دوران عمرش از رحمت خدا برخوردار و مغلوب فرمان او و مقهور قدرت اوست، همگی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۲۹

در حال تغییر و دگرگونی و سرانجام دستخوش فنا و زوالند ... این امور هستند که امام علیه السلام را از غیر خدا به دور ساخته‌اند.

(۱) ثانیاً- صحیفه امام بیانگر کمال معرفت و ایمان عمیق آن حضرت نسبت به خدای متعال است و این حالت ناشی از احساسات و یا تقلید از دیگری نیست بلکه بر اساس علم و آگاهی استوار می‌باشد. امام علیه السلام در صحیفه خود بسیاری از مباحث کلامی را مطرح کرده است که دانشمندان علم کلام و فلاسفه اسلامی در کتابهای خود آنچه راجع به واجب الوجود نوشته‌اند از آن حضرت استفاده کرده‌اند، و اینک به قسمتی از دعای آن بزرگوار که بر عظمت خالق دانا اشاره دارد، گوش فرا می‌دهیم:

«الحمد لله الأوّل بلا- أوّل کان قبله، و الآخر بلا آخر یكون بعده، الّمدی قصرت عن رؤیته ابصار الناظرین، و عجزت عن نعته اوهام الواصفین ... ابتدع بقدرته الخلق ابتدعا، و اخترعهم علی مشیّته اختراعا ...» (۱)

«همه سپاسها از آن خداوندی است که او مبدأ و سرآغاز جهان هستی است و برای ذات مقدس او آغازی نیست، خداوندی که پایان همه چیز به او منتهی می‌شود ولی او را نهایی نیست، خداوندی که چشمان بینندگان از دیدن او قاصر و اندیشه و اوهام

توصیف کنندگان از بیان صفاتش ناتوانند، خداوندی که جهان هستی را از مرحله عدم به وجود آورد و بدون هیچ سابقه‌ای با خواست و اراده خویش آنها را آفرید...»  
این جهاتی که امام علیه السلام درباره آفریدگار بزرگ بیان کرده، از مهمترین مباحث کلامی است:  
الف- سرآغاز و مبدئی که او را آغازی نیست.

(۱) بخشی از دعای اول صحیفه.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۰

ب- پایانی که پس از آن پایانی نباشد. در علم کلام برای این دو جهت (یعنی ازلیت و ابدیت خدا) برهان آورده‌اند.  
ج- نارسایی چشمها از دیدن او، زیرا چگونه ممکن است ممکن الوجود، توانایی دیدار و مشاهده آن نیروی نامتناهی و به وجود آورنده و هستی بخش این عالم را داشته باشد! د- ناتوانی از توصیف و بیان وصفش، زیرا که تمام عبارات و الفاظ توانایی آن را ندارند که به بعضی از اوصاف و نعوت او برسند.

ه- آفرینش خلق از عدم و ایجاد موجودات بدون آن که شریکی در آفرینش و یا شبیهی در عظمتش باشد.

و اینک به بخش دیگری از دعای آن حضرت در وصف عظمت آفریدگار بزرگ گوش فرامی‌دهیم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بَقْوَةً وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حُدًّا مَحْدُودًا وَ اَمَدًا مَمْدُودًا يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ وَ يُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِي مَا يَغْذُوهُمْ بِهِ وَ يَنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَاخْلُقْ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّوْبِ وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ فَيَكُونُ ذَلِكَ جَمَامًا وَ قُوَّةً وَ لِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةً وَ شَهْوَةً وَ خَلَقْ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَبَوَّأُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ لِيَتَسَبَّوْا اِلَى رِزْقِهِ وَ يَسْرَحُوا فِي اَرْضِهِ...» (۱)

(۱) «سپاس خداوندی را که شب و روز را به قدرت خود آفرید و به وسیله قدرت خویش میان آن دو فرق گذاشت و برای هر کدام از آنها حد معین و امتداد محدودی تعیین کرد. خداوندی که هر یک از شب و روز را در

(۱) صحیفه سجادیه، قسمتی از دعای ششم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۱

دیگری داخل کرده است تا زندگی انسانها آسانتر باشد و بندگان بتوانند برای تهیه غذا و زندگی کوشش کنند. و شب را آفرید، تا به هنگام فرا رسیدن شب به وسیله استراحت و خواب از رنج کار و زحمت روزانه آسوده شوند و شب را به منزله لباس و پوششی قرار داد تا با نشستن کنار خانواده و لذت بردن از حلال خویش به بقای نسل کمک کنند، و روز را آفرید و به وسیله نور آفتاب روشن گردانید تا در طلب روزی و با اتکای به فضل الهی در راه سعادت خویش گام بردارند و در روی زمین گردش کنند.»

(۱) امام حکیم، برای عظمت پروردگار متعال به آفرینش شب و روز و درهم شدن هر کدام از آنها در دیگری و به حرکت آرام آنها استدلال کرده است حرکتی که نه کسی می‌تواند نگه دارد و نه می‌تواند ضبط کند و نه قادر بر تقسیم و تحدید آن است، براستی داخل شدن شب در روز و یا داخل شدن روز در شب بطوری تدریجی انجام می‌گیرد و تداخل می‌شود که جدا کردن لحظه‌ها و تمیز و تشخیص دگرگونیها امکان‌پذیر نیست. اندک اندک تاریکی شب به قلمرو روشنایی روز وارد می‌شود و کم به کم سفیده صبح در میان انبوه تاریکیها پدیدار می‌شود و هر دوی اینها بارها مشهود بوده و دیده شده است. همچنان که امام علیه السلام حکمت آفرینش شب و روز را بیان فرموده است؛ خدای تعالی شب را آفریده تا انسان از رنج کارهای روزانه و تلاشهای خسته کننده آن آرامشی پیدا کند و در حقیقت تمام نیروهایی را که انسان در اثنای کار روزانه‌اش از دست داده است دوباره با

خواب و استراحت بازیابد و خداوند روز را آفریده است و آن را روشن قرار داده تا از لطف او برخوردار گشته و روزی خود را به دست آورد و برای زندگی خود و خانواده‌اش کار کند.

براستی دعاهای امام علیه السلام مشتمل بر مجموعه‌ای از دلایل توحید

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۲

است و این دعاها خود دلیل بر آنند که امام سجاد علیه السلام از سران و پیشاهنگان عارفان و شیفتگان خداست.

(۱) ثالثاً- صحیفه سجادیه بیانگر کمال خضوع و تذلل در پیشگاه خدای تعالی است و بدین وسیله از بقیه دعاهای ائمه طاهرین علیهم السلام متفاوت است. فاضل اصفهانی در مقدمه خود بر صحیفه می‌گوید: «براستی که دعاهای مولایمان زین العابدین علیه السلام با وجود کثرتش از دعاهای دیگر معصومین علیهم السلام به خاطر انواع تضرعاتش و اظهار تذلل و بیچارگی در پیشگاه خدای تعالی که در دیگر دعاها نظیر ندارد، متمایز و متفاوت است... و اضافه می‌کند و می‌گوید: خدای تعالی هر یک از ائمه علیهم السلام را به مزیت و خصوصیتی اختصاص داده که در دیگری نیست بطور مثال شجاعت را به امیر المؤمنین علیه السلام و پسرش امام حسین علیه السلام داده و رقت قلب و سوز و گداز را در دعاهای زین العابدین علیه السلام بویژه در صحیفه کامله قرار داده است که در بین علمای شیعه امامیه گاهی به زبور آل محمد (ص) و گاهی به انجیل اهل بیت علیهم السلام معروف است.

(۲) و اینکه به بخش دیگری از بعضی از دعاهای امام سجاد علیه السلام که بدان وسیله در پیشگاه خدای متعال می‌نالد، گوش فرا می‌دهیم، امام علیه السلام عرض می‌کند:

«ربّ افحمتنی ذنوبی، و انقطعت مقالتی، فلا- حَیْةَ لی، فانا الأسیر بلیتی، المرتهن بعملی، المتردّد فی خطیبتی، المتحیر عن قصدی، المنقطع بی، قد اوقفت نفسی موقف الأذلاء المذنبین، موقف الأشقیاء المتجرّین علیک، المستخفّین بوعدک، سبحانک ایّ جرأه اجترت علیک، و ایّ تغریر غرّرت بنفسی؟! مولای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۳

ارحم کبوتی لحرّ وجهی، و زلّة قدمی، وعد بحلمک علی جهلی، و باحسانک علی اساءتی، فانا المقرّ بذنوبی، المعترف بخطیبتی، و هذه یدی و ناصیتی استکین بالقود من نفسی، ارحم شیبتی، و نفاذ ایامی، و اقتراب اجلی، و ضعفی، و مسکنتی، و قلّة هیلتی، مولای: و ارحمنی اذا انقطع من الدنیا اثری، و امّحی من المخلوقین ذکری، و کنت فی المنسین کمن قد نسی، مولای و ارحمنی عند تغیر صورتی و حالی إذا بلی جسمی، و تفرّقت اعضائی، و تقطعت اوصالی، یا غفلتی عمّا یراد بی، مولای و ارحمنی فی حشری و نشری و اجعل فی ذلک الیوم مع اولیائک موقفی، و فی احبائک مصدری، و فی جوارک مسکنی یا ربّ العالمین.» (۱)

(۱) «ای خداوند مهربان گناهانم مرا خاموش کرده و سخنم را بریده است از این رو برای من حجت و برهانی نمانده است، پس من به رنج و سختی خود گرفتار و در گرو عمل خویشتم هستم و درباره گناهانم سرگردانم و از این که از راه راست منحرف گشته‌ام درمانده و در راه خود وامانده‌ام. نفس خویش را در موضع خوارترین گنهکاران واداشته‌ام، در جایگاه بدبختانی هستم که بر تو گستاخی کرده‌اند، آنان که وعده تو را سبک شمرده‌اند.

خداوندا منزهی تو، به کدام جرأت نسبت به تو گستاخی کردم، و به کدام تباهی خود را مبتلا ساختم؟! مولای من بر افتادن بر تمام رخسارم و بر لغزیدن پایم ترحم کن، و به حلم و بردباریت بر نادانی من و به احسان و نیکوکاریت بر بدی من رحم کن زیرا من به گناه خود اقرار و به خطای خویش اعتراف دارم و این دست و موهای جلو سر من است در اختیار تو،

(۱) صحیفه سجادیه: دعای پنجاه و دوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۴

زاری می‌کنم و خود را برای مجازات علمم تسلیم می‌دارم، بر پیریم و پایان رسیدن عمر و نزدیک شدن اجلم و ناتوانی و بیچارگیم ترحم فرما! مولای من به من رحم کن، چون نشان من از دنیا بریده و یادم از میان مخلوقات رخت بریسته و همچون کسی که فراموش شده و در ردیف فراموش شدگان درآمده باشم. مولای من به من در هنگام دگرگونی شکلم و حالم رحم کن آن هنگامی که جسم پوسیده شود و اندامم از هم پراکنده و بند از بندم جدا شود، ای وای از غفلت و بی‌خبری من از وظایفی که دارم! مولای من! به من در برانگیخته شدنم و دوباره زنده شدنم رحم کن، و مرا در آن روز در میان اولیایت و جایگاهم را در میان دوستانت و منزل و جایم را در جوار رحمت خودت قرار ده ای پروردگار جهانیان.»

(۱) از این دعای شریف فرع و بی‌تابی و ترس از خدای تعالی و پیوستن به او استفاده می‌شود، آری این امام بزرگوار در برابر آفریدگار حکیم ذوب شده و شیفته او گشته است و آنچه باعث تقرب به اوست به خاطر آمرزش و کسب رضای او انجام داده است.

(۲) رابعاً- صحیفه امام علیه السلام درهای آرزو و امید به رحمت پروردگار را گشوده؛ آن رحمتی که همه چیز را فرا گرفته است، زیرا که انسان هرچه پرگناه و خطاکار باشد سزاوار نیست که از رحمت و عفو و کرم خدای تعالی ناامید شود، امام علیه السلام در یکی از دعاهای خود عرض می‌کند:

«إلهی و عزتک و جلالک، لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنک بعفوک، و لئن طالبتني بلؤمی لأطالبنک بکرمک...»

«خداوندا به عزت و جلالت سوگند که اگر تو مرا به گناهانم مؤاخذه کنی، من هم یقین از عفو و مغفرت مطالبه خواهم کرد، و اگر به فرومایگی و خستیم مؤاخذه کنی، هر آینه از کرم و بزرگواریت مطالبه خواهم کرد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۵

و بسیاری دیگر از دعاهای امام علیه السلام، امیدواری زیادی را نوید می‌دهد که باعث آکنده شدن دل از اشراق، طمع و امید به عفو و گذشت خدای متعال می‌گردد.

(۱) خامساً- صحیفه سجادیه باب مناظرات تازه‌ای را با خدای تعالی به روی انسان می‌گشاید در حالی که پر از برهانهای رسا در زمینه طلب عفو و بخشش از درگاه خداست، اینک به بخشی از آنها گوش فرا می‌دهیم که عرض می‌کند:

«إلهی إن كنت لا- تغفر إلا لأوليائك و أهل طاعتك، فإلی من یفزع المذنبون؟ و إن كنت لا تكرم إلا أهل الوفاء لك فبمن یستغیث المسیئون؟ إلهی إنك أنزلت فی كتابك العفو، و أمرتنا أن نعفو عن ظلمنا، و قد ظلمنا أنفسنا فاعف عنا، فإنك أولى بذلك منا، و أمرتنا أن لا- نرد سائلا- عن أبواننا، و قد جتتك سائلا فلا تردنی عن بابك، و أمرتنا بالاحسان إلی ما ملكت أیماننا، و نحن أرقاؤك فاعتق رقابنا من النار...»

(۲) «خداوندا اگر بناست که جز دوستان و اهل طاعتت را نیامرزی پس گنهکاران به چه کسی پناه ببرند؟ و اگر جز بر وفاداران به خود بر دیگران بخشش و کرم روا نداری پس بدکاران از چه کسی کمک و یاری بطلبند؟

خداوندا تو در کتاب آسمانی خود عفو و بخشش را نازل کرده و به ما دستور داده‌ای تا از کسانی که بر ما ستم کرده‌اند در گذریم و ما به خود ستم کرده‌ایم، از ما در گذر، زیرا که تو از ما به عفو و بخشش سزاوارتری. الهی تو خود به ما دستور داده‌ای تا سائلا را از در خانه‌مان دست خالی رد نکنیم در حالی که ما به گدایی در خانه تو آمده‌ایم پس ما را از در خانه‌ات ناامید بر مگردان، و ما را به احسان و نیکی نسبت به بردگانمان امر فرموده‌ای در حالی که ما مملوک و بردگان توایم، ما را از آتش دوزخ آزاد کن.»

امام علیه السلام در دعای دیگری عرض می‌کند:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۶

«إلهی إنی امرؤ حقیر، و خطری یسیر، و لیس عذابی مما یزید فی ملکک مثقال ذره و لو أن عذابی مما یزید فی ملکک لأحببت أن

يكون ذلك لك، و لكن سلطانك أعظم، و ملكك أدوم من أن تزيد طاعة المطيعين أو تنقصه معصية المذنبين ...» (۱) «خداوندنا من فردی ناچیزم و قدر و منزلتم اندک است و عذاب و کیفر من چیزی نیست که به قدر ذره‌ای در قدرت تو بیفزاید و اگر عذاب من چیزی بود که در سلطنت تو می‌افزود هر آینه دوست داشتم که آن فزونی برای تو باشد، ولی سلطنت تو بالاتر و قدرت تو جاودانه‌تر از آن است که اطاعت اطاعت‌کنندگان و یا نافرمانی گنهکاران از آن بکاهد.»

(۱) مرحوم علامه شیخ محمد جواد مغنیه بر این بخش از دعای امام علیه السلام پی‌نوشتی دارد، می‌گوید: «آیا دفاعی بالاتر از این دیده‌ای؟ و یا برهانی استوارتر از این برهان مشاهده کرده‌ای؟ خدای متعال مادامی که از قدرت او چیزی کاسته نمی‌شود و عذاب کردن بندگان چیزی بر سلطنت او نمی‌افزاید، مجازات و کیفر مردم را چه می‌کند؟ امام علیه السلام از متن شریعت استدلال کرده است که خدای تعالی خود بر خویشتن و بر همه مردم مقرر داشته است آنجا که می‌فرماید:

«كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ... (۲) يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.» (۳)

«(خداوند رحمت را بر خود مقرر داشته است ... (و می‌گوید): ای بندگان من که بر خودتان اسراف روا داشته‌اید از رحمت خدا ناامید نشوید یقین خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، همانا او آمرزنده مهربان است.»

(۱) بخشی از دعای پنجاهم صحیفه. در بعضی نسخه‌ها قبل از جمله و احببت ... «لسألتك الصبر عليه» آمده است. م

(۲) سوره انعام / ۵۵.

(۳) سوره زمر / ۵۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۷

(۱) برآستی که امام زین العابدین علیه السلام انگشت روی نکته‌های حساس کلام خدا گذاشته و ارقامی را با ستایش و تقدیس ذات مقدس پروردگار به پیشگاه داور بزرگ تقدیم داشته است و چون سخن خدا حق است و درست پس احتجاج امام علیه السلام موافق با آن حق و صحیح است ...» (۱)

(۲) سادسا- بیشتر دعاهای صحیفه، برنامه‌هایی برای اخلاق و کمالات روحی وضع کرده است که بدان وسیله مقام انسانی بالا می‌رود و آدمی ارتقاء مرتبه پیدا می‌کند، همچنان که آداب سلوک و اصول فضائل نفسانی را ترسیم فرموده است، از جمله دعاهای آن حضرت است که می‌گوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ بَايْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَانْتَهِ بَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ التِّيَّاتِ وَبِعْمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ اللَّهُمَّ وَفَرِّ بِلُطْفِكَ بَيْتِي وَصَحِّحْ بَمَا عِنْدَكَ يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامَ بِهِ وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدَا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِي مَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَاغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ وَاعْزِّنِي وَ لَا تَبْتَلِينِي بِالْكِبَرِ وَ عَيْدِنِي لَكَ وَ لَا تَفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ وَ اجْر لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَ لَا تَحْدِثْ لِي عِزًّا

(۱) معالم الفلسفة الاسلامية: ص ۱۹۰-۱۹۱. این کتاب تحت عنوان «خطوط برجسته‌ای از فلسفه و کلام» توسط این جانب ترجمه و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی تاکنون دو بار آن را چاپ و منتشر کرده است. م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۸

ظاهراً إلاّ احدثت لی ذلّة باطنه عند نفسی بقدرها اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و متّعنی بهدی صالح لا استبدل به و طریقه حقّ لا از یغ عنها و نئیة رشد لا اشکّ فیها و عمّرنی ما کان عمری بذلّه فی طاعتک فاذا کان عمری مرتعا للشیطان فاقبضنی الیک قبل ان یسبق مقتک الّی او یستحکم غضبک علیّ.

اللّهم لا تدع خصله تعاب منّی الاّ اصلحتها و لا عائبه اؤتّب بها الاّ حسنتها و لا اکرومه فیّ ناقصه الاّ اتممتها ...»

(۱) «خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ایمان مرا به آخرین مرتبه کمال برسان و یقینم را برتر از همه یقینها قرار ده، و نیتهای خیر مرا به نیکوترین نئیات تبدیل کن، و اعمالم را بهترین اعمال قرار ده، بار خدایا علاقه و نیت مرا به انجام امور خیر بیشتر گردان، و یقینم را به آنچه در نزد تو (از صفات باری و معاد و بهشت و دوزخ) است صحیح تر قرار ده، و اعمال فاسدی را که از من سر زده است اصلاح کن.

خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست، و مرا از سعی و کوشش در امور دنیوی که از توجه به آخرت بازمی‌دارد بر حذر بدار، و به انجام کارهایی که فردای قیامت درباره آنها از من سؤال خواهی کرد، وادارم کن. و روزهای فراغتم را با انجام کارهایی به سر آر که به خاطر آنها مرا آفریده‌ای و مرا با احسان و کرم خودت بی‌نیاز کن و به روزیهایی که مرحمت می‌کنی وسعت ده. و مرا به خودخواهی مبتلا مکن و عزّتم ده و دچار کبر و خودبینیم مگردان، و به من توفیق بندگی خودت را مرحمت کن و عبادت‌هایم را به وسیله عجب و خودپسندی باطل مکن و به دست من کارهای خیر را برای مردم جاری کن و چنان کن که با منت گذاردن به مردم، آن کمکها و کارهای خیرم باطل نشود، به من عالیترین اخلاق را مرحمت کن و از فخر فروشی نسبت به دیگران بازدار.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۹

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و هر درجه و مرتبه‌ای که در بین مردم به من می‌دهی به همان اندازه مرا در نزد خودم کوچک جلوه گر ساز و به هر اندازه عزّت ظاهری در بین مردم مرحمت می‌کنی همان قدر در باطنم به خواری و حقارتم متوجه کن. خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و مرا از رشد و هدایت شایسته‌ای بهره‌مند ساز بطوری که با چیز دیگری عوض نکنم و راه راست را به من نشان ده، به گونه‌ای که از آن منحرف نشوم و به من نیت خیر کاملی بده که هیچ‌گاه در آن تردیدی به خود راه ندهم اگر عمر من در طاعت تو صرف می‌شود، به من عمری طولانی مرحمت کن و اگر بناست که عمرم چراگاه شیطان باشد، پیش از آن که مشمول خشم و غضب تو گردم آن را قطع کن.

خداوندا به لطف خود همه صفات زشت مرا اصلاح کن و وجود مرا از هر عیب و نقصی که باعث سرزنش و ملامت تو گردد پاک گردان و همه خصلتهای ناقصی که دارم به حد کمال برسان.»

(۲) امام علیه السلام از آفریدگار بزرگ درخواست می‌کند تا هر فضیلتی را که باعث کمال این انسان است به او مرحمت کند؛ از پیشگاه خدای تعالی مسألت نموده تا کاملترین ایمان و بالاترین مرتبه یقین را به او عنایت کند و او را در راه طاعت و رضا و خشنودی خویش به کار گمارد و در روزی او گشایشی بدهد و دچار تنگدستی و محرومیت نفرماید و به خودبزرگی بینی و کبر مبتلا نکند و او را بنده‌ای فرمانبردار و فروتن در پیشگاه خودش قرار دهد و امور خیر را به دست او برای مردم جاری کند و احسان و نیکوکاریش را با منت گذاری بر مردم باطل نسازد و اخلاق فاضله و صفات نیک را به او مرحمت کند و هر درجه و مرتبه‌ای که در بین مردم به او می‌دهد به همان اندازه در پیش خودش کوچک جلوه دهد تا این که خود را بر بندگان دیگر برتر نپندارد ... آنگاه امام علیه السلام چنین افزوده

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۰

و عرضه می‌دارد:

اللّهم صلّ علی محمد و آله و سدّدنی لأن اعارض من غشّنی بالتّصحّ و اجزی من هجرنی بالبرّ و ائیب من حرمنی بالبدل و اکافی من

قطعنی بالصلّة و اختلف من اغتابنی الی حسن الذّکر و ان أشکر الحسنه و أغضی عن السّیئه.

اللّهم صلّ علی محمّد و آله و حلّنی بحلیه الصّالحین و البسنی زینة المتّقین فی بسط العدل و کظم الغیظ و إطفاء النّائرة و ضمّ اهل الفرقة و اصلاح ذات البین و افساء العارفة و ستر العائبة و لین العریکه و خفض الجناح و حسن السّیره و سکون الرّیح و طیب المخالقة و السّبق الی الفضیله و اثار التّفصّل و ترک التّعیر و الإفضال علی غیر المستحقّ و القول بالحقّ و ان عزّ و استقلال الخیر و ان کثر من قولی و فعلی و استکثار الشّرّ و ان قلّ من قولی و فعلی و اکمل ذلك لی بدوام الطّاعة و لزوم الجماعة و رفض اهل البدع و مستعمل الرّأی المخترع.

(۱) «پروردگارا بر محمّد و آلش درود فرست و به من توفیق ده تا هر کس به من خیانت کند در عوض به او مهربانی کنم و هر کس از من دوری جوید با محبت تلافی کنم و به کسی که از محبت و احسانش محروم ساخته، به او عطا و بخشش کنم و کسی که از من قطع دوستی می کند من با او ارتباط پیدا کنم و با محبت خود او را جلب کنم. و کسانی که از من عیبجویی می کنند من آنها را به نیکی یاد کنم و محبت دیگران را سپاسگزاری کنم و از کارهای بد مردمان چشم‌پوشی نمایم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۱

(۱) خداوند بر محمّد و آلش درود و رحمت فرست، و جان مرا به زیور بندگان شایسته‌ات آراسته کن و بر من لباس تقوا بیوشان تا بتوانم در گسترش عدالت نقشی داشته باشم و بر خشم خویش غالب آیم و آتش فتنه را در میان مردم خاموش سازم، و امت را از تفرقه بازدارم و میان مردمی که با هم اختلاف دارند، صلح برقرار کنم و نیکوکاری دیگران را افشا کنم و کارهای زشت دیگران را پنهان سازم و با مردم خوشرفتار، متواضع خوش اخلاق و بی تکبر و خوش برخورد باشم و در راه فضل و کمال از دیگران پیشی بگیرم و زیادی مالم را به مستمندان بدهم و دیگران را بی جا سرزنش و ملامت نکنم و همیشه حرف حق را بگویم اگر چه گران باشد و کارهای خیر خود را - چه در گفتار و چه در رفتار - اگر چه زیاد باشد اندک و ناچیز بینم، و گفتار و رفتار بد مرا هر چند کوچک باشد در نظرم بزرگ جلوه بده، همه این اوصاف نیک را که از تو درخواست کردم با توفیق ادامه عبادت و بندگیت کامل گردان و به من توفیق بده تا با جمع مسلمین بوده و از اهل بدعت و ریاکاران باطل گرا به دور باشم.»

امام علیه السلام در این فرازهای از دعایش از خدای تعالی خواسته است تا صفات نیکو و اخلاق والا و آنچه را که باعث تقرب او به درگاه خود شود به وی مرحمت کند تا با کرامتی افزون زندگی کند و بتواند مردم را به راه حق و درست هدایت و راهنمایی فرماید.

(۲) سابقاً - صحیفه سجّادیه مشتمل بر یک سلسله حقایق علمی است که هنوز در عصر امام علیه السلام شناخته نشده بود، بطور مثال آن بخش از سخنان امام را که در مورد نفرین بر دشمنان اسلام می گوید، در اینجا خاطر نشان می کنیم:

«اللّهم و امزج میاهم بالویا، و أطعمتهم بالأدواء...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۲

«خداوند آبهای ایشان را به وبا و خوراکیهای ایشان را به بیماریها در آمیز.»

(۱) امام سجّاد علیه السلام به یک حقیقت علمی اشاره کرده است که در قرنهای اخیر کشف شده و آن میکرب و با معروف به «کلرا» (۱) است که تنها از طریق آب خوردن منتقل می شود، ابتدا آب به میکرب و با آلوده می شود و بعد از طریق آب آشامیدنی، هر که از آن آب بنوشد مبتلا می شود، همچنان که همین میکرب وبا، به خوراکیها منتقل می شود، همین که انسان آنها را می خورد بطور حتم از طریق خوردنیهای آلوده، به این بیماری مبتلا می شود پس بطور کلی این بیماری خطرناک از راه آب و غذا وارد بدن می شود، و کسی تا قرن اخیر از این حقیقت آگاهی نداشت.

از جمله حقایق علمی که صحیفه سجّادیه مشتمل بر آن است این سخن امام علیه السلام است:



«و الحمد لله الذی ركب فینا آلات البسط و جعل لنا ادوات القبض.» (۲)

«سپاس خدا را که ابزار بسط و گسترش و وسایل قبض و درهم کشیدن را در بدن ما قرار داده است.»

(۲) امام علیه السلام به دستها و پاها توجه کرده است که از عجیب‌ترین

(۱) در فرهنگ عمید، ص ۱۲۲۲ آمده است: و با به فتح واو، کلرا مرضی است واگیر و خطرناک که هر وقت بروز کند، عده کثیری را مبتلا می‌سازد. سرایت آن به وسیله میکروب مخصوصی است که در آب و ماکولات تولید می‌شود و عوارض آن قی و اسهال شدید و پیدا شدن دانه‌های سفید شبیه برنج خیس خورده در مدفوع مریض، کیود شدن لبها و گونه‌ها، انقطاع بول، احساس برودت شدید و عطش مفرط، کند شدن نبض و فرورفتگی چشمها و گونه‌ها و گرفتگی صدا می‌باشد. م (۲) صحیفه سجّادیه از دعای اول.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۳

دستگاههای بدن انسان است زیرا که اینها جمع می‌شوند و بازمی‌گردند مطابق فرمانهایی که از مغز آدمی به آنها می‌رسد. مجله علوم انگلستان می‌نویسد:

«دست آدمی در رأس عجایب مسلم طبیعی است، براستی که بسیار مشکل و بلکه محال است که ابزاری از جهت پیچیدگی و توانایی و سرعت شکل‌گیری نظیر دست بشر ساخته شود؛ موقعی که می‌خواهید کتابی را بخوانید آن را با دست برمی‌دارید سپس در وضع مناسب با خواندن نگاه می‌دارید و همین دست است که کتاب را مطابق دلخواه شما روبرویتان نگاه می‌دارد و چون یکی از صفحات کتاب را برمی‌گردانید انگشتها را زیر آن ورق قرار می‌دهید و روی آن ورق به مقداری که باید برگردانید فشار وارد می‌کنید، و بعد فشار به خود آن برگ منتقل می‌شود و با دست قلم را می‌گیرد و با آن می‌نویسد و همه وسایلی را که انسان لازم دارد از یک قاشق تا یک کارد تا وسیله نوشتن از دست استفاده می‌کند، در و پنجره را باز می‌کند و آنها را می‌بندد و هرچه انسان بخواهد بر می‌دارد. دو دست آدمی بیست و هفت استخوان و هر دستی نوزده مجموعه از عضلات را داراست.» (۱)

طب جدید به صورت موضوعی و فراگیر، از ویژگیهای دستها و عجایبی که در آنهاست بحث و گفتگو کرده است که خود دلیل بر وجود آفریدگار بزرگ می‌باشد.

(۱) ثامننا- صحیفه سجّادیه از مهمترین رصدهای روحی و اخلاقی در تفکر اسلامی است و دارویی شفا بخش برای نفوس سرگردان و سرچشمه‌ای گواراست که بندگان خالص خدا و پرهیزگاران از آن سیراب می‌شوند. صحیفه، تجسم بخش فلسفه دعاست؛ دعایی که معراج مؤمن و وسیله عروج به پیشگاه خداست و باعث رسیدن او به بالاترین مراتب کمال می‌باشد زیرا که چیزی در این زندگی بالاتر از پیوستن به خداوند و آفریدگار جهان و هستی بخش نمی‌باشد زیرا که نفوس سرگردان گم شده خود را در دعا می‌یابند برای آن که پس از نگرانی و اضطراب

(۱) الله و العلم الحدیث.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۴

احساس آرامش و بعد از نومیدی و یأس احساس امیدواری می‌کنند ... براستی که دعای خالصانه آدمی را تا عالم ملکوت بالا می‌برد و او را از پلیدیهای مادی و نتایج بد هوا و هوسی که انسان را تا سطح نگوینختی و نابسامانی می‌کشاند، رهایی می‌بخشد، آری این فلسفه درخشان دعا بروشنی در صحیفه سجّادیه جاودانه به چشم می‌خورد.

(۱) تاسعا- صحیفه سجّادیه در حقیقت نهضتی در برابر فساد و بی‌بندوباری و افسارگسیختگی بود که در آن عصر به وسیله

سیاست اموی اعمال می‌گردید که فساد و هرزگی و بی‌بندباری را در میان مسلمین ترویج می‌کردند و نیروهای اسلامی منجمد گشته و هیچ شبیحی از واقعیت حیات در آنها دیده نمی‌شد.

براستی که صحیفه سجادیه با آن فرازهای پر نور خود در عالم اندیشه و زندگی نهضتی بود در مقابل جمود و انحطاط فکری و عقب‌افتادگی‌هایی که از پیامدهای حکومت اموی بود.

(۲) عاشرا- صحیفه امام سجاد علیه السلام در بالاترین مراتب بلاغت و فصاحت قرار گرفته است و من پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، سخنی را در جهان عرب سراغ ندارم که بلیغتر و فصیحتر از دعاهای امام زین العابدین علیه السلام باشد، از ویژگی‌های این دعاها اسلوب زیبا و چهره بدیع و ظرافت الفاظ است و امام علیه السلام هیچ کلمه‌ای را به کار نبرده مگر آن که تمام معیارهای زیبایی در آن کلمه جمع آمده باشد.

براستی که صحیفه سجادیه از نمونه‌های بلاغی و معیارهای ادبی است که متخصصان از علمای بلاغت آنها را شناخته و بها می‌دهند. دکتر حسین علی محفوظ برای صحیفه و سایر دعاهای ائمه اهل بیت علیهم السلام مقاله‌ای دارد، می‌گوید: «علی رغم این که دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام نثر فنی دلپسند و سبک روشنی از نوع سخن منثور است و اسلوب تازه‌ای از فنون بیان و طریقه برجسته‌ای از انواع بیان را دارد و دارای سبک شگفتی از فنون کلام می‌باشد، حقیقت این است که چنین سبک برجسته معجزآسا از بلاغتهای پیامبر (ص) و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۵

اهل بیت علیهم السلام است که جز شاهین بیان ایشان تا بدان جا پرواز نکند و جز قلمهای ایشان به آن بلند نرسد.

بنابراین دعا خود، ادبی زیبا و سخنی میمون و زبانی پسندیده و روشی ارزنده و بلاغتی برجسته، نشانی از خدا و رنگ و بویی از نبوت است...» (۱)

(۱) از جمله آثار زیبایی و بلاغت در دعاهای امام علیه السلام، اطناب «۲» و تفصیل در وصف بهشت و نعمتها و آسایش موجود در آن و کاخهای زیبای آن است، علت این امر، تشویق و ترغیب مردم به اعمال نیک و امور خیریه است تا بدان وسیله به بهشت نایل شوند و از نعمتهای آن بهره‌مند گردند، همچنان که امام علیه السلام در بیم دادن از عمل آتش دوزخ و سختی عذاب الهی اطناب فرموده و سخن را به درازا کشانده است و این نیز برای برحذر داشتن مردم از ارتکاب گناهان و دور ساختن آنان از انجام جرایم و زشتیهاست امام سجاد علیه السلام در این امور با قرآن کریم همدم شده است که در بسیاری از آیات خود راجع به توصیف بهشت و دوزخ اطناب به کار برده است و این عمل قرآن مجید به دلایلی است که ما بدانها اشاره کردیم و دانشمندان علم بلاغت تصریح کرده‌اند بر این که اطناب در آن، از بلندترین مراتب بلاغت و از زیباترین اشکال آن است.

این بود برخی از جهاتی که صحیفه سجادیه بدان وسیله از دیگر سخنان ممتاز و متفاوت است و چنان که گفتیم از ذخایر میراث اسلامی و از برجسته‌ترین کتابهای تربیتی و اخلاقی است.

(۲)

### توجه بزرگان به صحیفه

دانشمندان اسلامی و دیگران اهمیت زیادی به صحیفه سجادیه داده‌اند و

(۱) مجله البلاغ: شماره ششم از سال اول: ص ۵۶.

(۲) اطناب یکی از صنایع ادبی و محسنات بلاغت است در علم معانی آمده است که هرگاه لفظ به خاطر هدفی بیش از معنی منظور

بیاید آن را اطناب گویند، ولی اگر بدون فایده باشد تطویل و یا حشو است که این دو ناپسند و نکوهیده‌اند. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۶

از نشانه‌های این توجه و اهتمام موارد ذیل است:

الف- دانشمندان اسلامی و شایستگان همواره در تاریکیهای دل شب و در اوقات روز با حال تضرع در پیشگاه خدا و درخواست بخشش و نجات از آتش دوزخ به خواندن صحیفه مداومت داشته‌اند.

ب- اهمیت صحیفه، منحصر به جهان عرب نبوده است بلکه به علل دیگر جهان نیز سرایت کرده و به زبانهای انگلیسی، فارسی، آلمانی، اردنی، فرانسوی و دیگر زبانها ترجمه شده است. و شایان ذکر است که به زبان فارسی بارها ترجمه شده است؛ از جمله حاج میرزا ابو الحسن شعرانی، سید صدر الدین بلاغی، حاج عماد الدین حسین اصفهانی، محمد جواد فاضل و سید علی نقی فیض الاسلام، آن را ترجمه کرده‌اند و این صحیفه را که یکی از گنجینه‌های تفکر و دانش و حکمت است به جامعه خودشان هدیه کرده‌اند.

ج- و از جمله دلایل بر اهمیت زیاد این کتاب شریف آن است که خطاطان در قرون و اعصار مختلف اسلامی به نوشتن آن اقدام کرده‌اند با خطی که در منتهای زیبایی بوده و همچنین با تزینات جالبی نیز آن را آراسته‌اند و بسیاری از گنجینه‌های خطی کتابخانه‌های اسلامی نسخه و یا نسخه‌هایی از آن را دارد، عملی که بیانگر میزان اهمیت و گرامیداشت این کتاب ارزنده است.

(۱)

### شرح‌های صحیفه

دانشمندان بر آموزش صحیفه سجّادیه و شرح و توضیح مفاهیم و مقاصد آن علاقه زیادی داشته‌اند و در این خصوص مجموعه‌ای از کتابهای ارزنده تألیف کرده‌اند که شیخ المحققین حاج شیخ آغا بزرگ تهرانی آنها را نام برده است و در ذیل عین نوشته ایشان را نقل می‌کنیم:

۱- شرح صحیفه از میرزا ابراهیم بن محمد علی سبزواری ملقب به وثوق الحکماء متوفای ۱۳۵۸ هـ، این شرح به فارسی و به گونه عرفانی است، کلمات و جملات مشکل را توضیح داده است، سال چاپ: ۱۳۴۴ هـ.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۷

۲- شرح صحیفه از میرزا ابراهیم بن میر محمد، معصوم بن میر فصیح بن میر حسن تبریزی قزوینی، متوفای سال ۱۱۴۹ هـ. فرزند وی سید حسن نیز در کتاب خاتمه المعارج از این شرح یاد کرده می‌نویسد: «شرح پاره‌ای از دعاها صحیفه ...»

۳- شرح صحیفه از شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح بن اسماعیل کفعمی صاحب مصباح، متوفای سال ۱۱۹۵ هـ، که آن را فوائد الطریفه نامیده است.

۴- شرح صحیفه مولی شریف ابو الحسن بن محمد طاهر بن عبد الحمید فتونی عاملی اصفهانی غروی متوفای حدود سال ۱۱۴۰ هـ.

۵- شرح صحیفه فارسی، نوشته دانشمندی از علمای شیعه.

۶- شرح صحیفه موجود در کتابخانه امام رضا از یکی از دانشمندان شیعه.

۷- شرح صحیفه موجود در کتابخانه امام رضا (ع) نوشته یکی از علمای شیعه که تاریخ آن معلوم نیست.

۸- شرح صحیفه از سید جلیل میرزا محمد باقر بن حسین به فارسی.

۹- شرح صحیفه از علامه ملا محمد باقر مجلسی به فارسی که منحصراً موارد مهم و مشکل را شرح کرده است.

۱۰- شرح صحیفه از علامه ملا محمد باقر مجلسی که ناتمام است به نام (الفوائد الطریفه) به زبان عربی نوشته است.

۱۱- شرح صحیفه از بدیع هرنندی به فارسی با نام ریاض العابدین.

۱۲- شرح صحیفه از محمد تقی بن مقصود.

۱۳- شرح صحیفه به فارسی، مجهول المؤلف.

۱۴- شرح صحیفه از سید جمال الدین کوبانی یمانی ساکن هند، متوفای سال ۱۳۳۹ هـ، در بغداد.

۱۵- شرح صحیفه از یکی از علمای شیعه که به دلیل افتادگی اول و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۸

آخر آن نویسنده آن شناخته نشده است.

۱۶- شرح صحیفه از حبیب الله بن علی مدد کاشانی که یک نسخه آن در نزد نوادگان آن مرحوم در کاشان موجود است.

۱۷- شرح صحیفه از شیخ عباس بن محمد علی بلاغی نجفی صاحب تنقیح المقال که شرحی مزجی است، آن را در مشهد الرضا

علیه السلام وقتی که به خراسان برای زیارت رفته بود نوشته؛ در اول جمادی الاولی سال ۱۱۰۵ هـ شروع کرده و در ماه رجب همان

سال به پایان رسانده است و بعدها پس از مراجعتش به اصفهان پاک‌نویس کرده است.

۱۸- شرح صحیفه میرزا حسن بن مولی عبد الرزاق لاهیجی صاحب شمس یقین در سه مجلد ناتمام است.

۱۹- شرح صحیفه از تاج الدین حسن بن محمد اصفهانی پدر فاضل هندی که در کتابخانه ابو الهدای کلباسی در اصفهان موجود

است.

۲۰- شرح صحیفه فارسی از محقق آغا حسین خوانساری متوفای سال ۱۰۹۹ هـ.

۲۱- شرح صحیفه از حسین بن ملا حسن گیلانی اصفهانی، متوفای سال ۱۱۲۹ هـ.

۲۲- شرح صحیفه از سید حسین بن حسن بن ابی جعفر محمد موسی کرکی که به صورت حاشیه و تعلیق نوشته است.

۲۳- شرح صحیفه از شیخ عز الدین حسین بن عبد الصمد حارثی عاملی پدر شیخ بهائی متوفای سال ۹۸۴ هـ، که به صورت تعلیق

می‌باشد.

۲۴- شرح صحیفه از خلیل بن غازی قزوینی که یک نسخه آن در کتابخانه الشریعه اصفهانی در نجف موجود است.

۲۵- شرح صحیفه از سید محمد رضا اعرجی.

۲۶- شرح صحیفه از رضا علی طالقانی.

۲۷- شرح صحیفه از محمد سلیم رازی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۹

۲۸- شرح صحیفه از محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی به فارسی.

۲۹- شرح صحیفه از محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی به عربی.

۳۰- شرح صحیفه از شیخ عباس بن محمد علی بن محمد بلاغی نجفی.

۳۱- شرح صحیفه از سید صدر الدین بن میر محمد صالح طباطبائی جد سادات مدرس در یزد.

۳۲- شرح صحیفه از مفتی میر عباس لکنه‌وری که در کتابخانه سید ناصر حسین کتوری در لکنه‌ور نسخه آن موجود است.

۳۳- شرح صحیفه از جمال السالکین عبد الباکی خطاط تبریزی- بطوری که در کتاب ریاض آمده است- مشروح و مفصل به روش

صوفیه نوشته شده است.

۳۴- شرح صحیفه از عبد الغفار رشتی از دانشمندان عصر شاه عباس.

۳۵- شرح صحیفه از ابن مفتاح ابو الحسن عبد الله بن ابی القاسم بن مفتاح زیدی یمانی.

۳۶- شرح صحیفه، از عبد الله افندی صاحب ریاض العلماء.

۳۷- شرح صحیفه از محمد طاهر بن حسین شیرازی ساکن قم.

۳۸- شرح صحیفه از صدر الدین علی بن نظام الدین احمد اشتکی شیرازی معروف به مدنی، متوفای سال ۱۱۲۰ هـ، به نام ریاض السالکین.

۳۹- شرح صحیفه از سید شرف الدین علی بن حجه الله شولستانی حسینی طباطبائی.

۴۰- شرح صحیفه از نور الدین ابو الحسن بن عبد العال کرکی متوفای سال ۹۴۰ هـ.

۴۱- شرح صحیفه از ابو الحسن علی بن حسن زواری، به زبان فارسی.

۴۲- شرح صحیفه از شیخ علی بن شیخ زین العابدین از نوادگان شهید ثانی که شرح مفصّلی شبیه تفسیر مجمع البیان است؛ نخست دعا را نقل می‌کند و بعد لغتها را می‌آورد سپس از نظر ادبی بحث می‌کند و در آخر معنای دعا را

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۰ می‌آورد.

۴۳- شرح صحیفه از شیخ علی بن شیخ ابی جعفر که او نیز از نوادگان شهید ثانی زین الدین عاملی است، یک نسخه آن در کتابخانه سید محمد مشکات در تهران موجود است.

۴۴- شرح صحیفه از محمد علی بن نصیر چهاردهی رشتی نجفی متوفای سال ۱۳۳۴ هـ، که به عنوان حاشیه در یک مجلد بزرگ به فارسی نوشته است.

۴۵- شرح صحیفه خطی از شیخ محمد علی بن حاج سلیمان جشی بحرانی نویسنده لغات و غرایب آن را بیان می‌کند، اما این شرح ناتمام است.

۴۶- شرح صحیفه از فتح الله خطاط صوفی که به روش صوفیانه در آن بحث کرده است.

۴۷- شرح صحیفه از شیخ فخر الدین طریحی نجفی متوفای سال ۱۰۸۵ هـ، به نام «النکت اللطیفه».

۴۸- شرح صحیفه از میرزا قاضی که چهار دعا از صحیفه را شرح داده و آن را تحفه الرضویه نامیده است.

۴۹- شرح صحیفه که اول و آخرش افتاده و مؤلفش معلوم نیست و این کتاب در شوشتر نزد شیخ مهدی شرف الدین می‌باشد.

۵۰- شرح صحیفه از سید محسن بن قاسم بن اسحاق صنعانی زیدی از مردمان قرن سیزدهم هجری.

۵۱- شرح صحیفه از سید محسن بن احمد شامی حسینی یمنی زیدی، متوفای سال ۱۲۵۱ هـ، خطی. از این شرح ابن زیاده در مجله نشر العرف نام برده است.

۵۲- شرح صحیفه از محمد بن محمد بن محمد رضا مشهدی، مؤلف کتاب کثر الدقائق، در چهار جلد، نسخه‌ای از آن در قم نزد سید شهاب الدین تبریزی است.

۵۳- شرح صحیفه از سید افصح الدین محمد شیرازی مؤلف کتاب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۱

المواهب الالهیه فی شرح نهج البلاغه، از این کتاب سید شهاب الدین در مقدمه خود بر کتاب صحیفه چاپ شده، نام برده است.

۵۴- شرح صحیفه از محمد معروف به عبد الباقي که لغتهای صحیفه را در آن آورده است.

۵۵- شرح صحیفه از شیخ ابو جعفر محمد بن جمال الدین ابو منصور حسن بن شهید ثانی - خدایش بیامرزد - متوفای سال ۱۰۳۰ هـ.

۵۶- شرح صحیفه از محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی عاملی متوفای سال ۱۰۳۰ هـ، به نام حدائق الصالحین و این غیر از شرح دیگری است که به سبک تعلیق و حاشیه‌نویسی دارد.

۵۷- شرح صحیفه از قطب الدین محمد بن علی که در لاهیجان به دنیا آمده ولی پدرانش اهل دیلم بوده‌اند، شرح مختصر است به زبان فارسی و ترجمه‌ای که حاصل معنا را با عباراتی شیوا و همه کس فهم آورده و دارای تحقیقات دقیقی می‌باشد، یک نسخه از این کتاب در کتابخانه جلال الدین محدث در تهران موجود است.

۵۸- شرح صحیفه از سید محمد بن حیدر حسینی طباطبائی نجفی متوفای سال ۱۰۹۹ هـ، از علمای عصر صفویه و از شاگردان شیخ بهائی و استاد علامه مجلسی است.

۵۹- شرح صحیفه از محمد معروف به شاه محمد اصطهباناتی شیرازی به نام ریاض العارفین و روضه العارفین.

۶۰- شرح یا تعلیق بر صحیفه از محدث محمد بن شاه مرتضی کاشانی معروف به ملا محسن فیض، متوفای سال ۱۰۹۱ هـ، که به چاپ رسیده است.

۶۱- شرح صحیفه از شیخ ابو جعفر محمد بن منصور بن احمد بن شهید ثانی.

۶۲- شرح صحیفه از شیخ الاسلام و المسلمین بهاء المله و الدین محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی عاملی متوفای سال ۱۰۳۰ هـ، به نام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۲

حدائق الصالحین. (۱)

۶۳- شرح صحیفه از محدث سید نعمه الله بن عبد الله موسوی شوشتری جزایری متوفای سال ۱۱۱۲ هـ، به نام نور الانوار که در سال ۱۳۱۶ به چاپ رسیده است.

۶۴- شرح صحیفه دیگری از سید نعمه الله جزایری که غیر از نور الانوار بلکه بزرگتر و مقدم بر آن است.

۶۵- شرح صحیفه از فاضل هادی بن ملا محمد صالح بن احمد مازندرانی به فارسی.

۶۶- شرح صحیفه از شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حوزی متوفای سال ۱۰۵۰ هـ، سید حسن صدر نقل می‌کند که من آن را به خط مؤلف دیده‌ام.

در اینجا شرحهایی را که محقق بزرگ شیخ آغا بزرگ تهرانی از شروح صحیفه یاد کرده بود، پایان می‌پذیرد (۲) و بعد از آنها نیز دو شرح دیگر بر صحیفه نوشته شده است که عبارتند از:

۶۷- شرح صحیفه از علامه مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه که در بیروت به چاپ رسیده است.

۶۸- شرح صحیفه از حجه الاسلام سید محمد شیرازی که در کربلای معلا به چاپ رسیده است.

این بود نام برخی از شرحهای صحیفه سجادیه که تجسم بخش میزان اهمیتی است که علمای اسلام در دوره‌های مختلف و در طول قرن‌ها به آن می‌داده‌اند که در حقیقت گنجهایی از علم و حکمت و عرفان را در آن یافته و برآستی که از مهمترین سرمایه‌های فکری پس از قرآن و نهج البلاغه در جهان اسلام می‌باشد.

(۱) در شماره ۵۶ قبل از این شرح یاد شد.

(۲) الدررعیة فی تصانیف الشیعة: ۳۵۴/۱۳ - ۳۵۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۳

(۱)

## اشاره

صحیفه سجادیه‌ای را که از امام ابو جعفر علیه السلام و برادرش شهید بزرگوار زید بن علی علیه السلام نقل کرده‌اند مشتمل بر پنجاه و سه دعاست و تمام صحیفه را شامل نیست زیرا بعضی از ادعیه - بطوری که در مقدمه آن آمده است - افتاده است و دانشمندان در مورد دیگر دعاهای صحیفه کاوش کرده و به جمعی از ادعیه دست یافته‌اند و آنها را به صحیفه سجادیه ضمیمه کرده‌اند که در ذیل اسامی این بخش ملحقات با نام نویسندگان آنها آمده است:

صحیفه اول - محدث مشهور شیخ حر عاملی صاحب وسائل الشیعه متوفای سال ۱۱۰۴ هـ، آن را جمع آوری کرده و از اصول مورد اعتماد خود استخراج نموده است و در آخر آن چنین می‌نویسد: «این بنده محمد بن حسن بن علی بن محمد حرّ عاملی - خداوند از او درگذرد - می‌گوید: این است آن مقداری که از دعاهای صحیفه کامله به دست این جانب رسیده است.» (۱) و این صحیفه مشتمل بر شصت و سه دعا می‌باشد.

صحیفه دوم - از فاضل عبد الله بن میرزا عیسی بن محمد بن صالح اصفهانی معروف به افندی مؤلف کتاب ریاض العلماء که آنچه از نظر شیخ حرّ عاملی به دور مانده بود جمع آوری و بدان افزوده است و به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است. (۲)

صحیفه سوم - از میرزا حسین نوری که آنچه از نظر میرزا عبد الله - گردآورنده صحیفه دوم - به دور مانده بوده است وی در هفتاد و هفت دعا جمع آوری کرده و اینها در سایر صحیفه‌ها ذکر نشده است. (۳)

صحیفه چهارم - از محقق بزرگ سید محسن عاملی که اضافاتی نسبت به

(۱) الذریعه فی تصانیف الشیعه: ۱۸/۱۵، روضات الجنات: ۹۷/۷.

(۲) اعیان الشیعه: ۴/۱ ق ۵۰۰.

(۳) الذریعه: ۱۹/۱۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۴

صحیفه‌های قبلی دارد و مجموع دعاهای آن به یک صد و هشتاد و دو دعا می‌رسد که پنجاه و دو مورد را منحصر او نقل کرده است. (۱)

صحیفه پنجم - که شیخ محمد صالح بن میرزا فضل الله مازندرانی حائری آن را جمع آوری کرده است. (۲)

(۱)

## بعضی از ملحقات صحیفه

ما به مجموعه‌ای از دعاهای امام زین العابدین علیه السلام برخورد کردیم که در صحیفه ما در نیامده و آنها عبارتند از:

(۲)

## دعای امام برای نیک‌سیرتی

از جمله دعاهای امام علیه السلام این دعای شریف است:

«اللهم إني أعوذ بك أن تحسن في لوامع العيون علانيتي، و تقبح سريرتي، اللهم كما أسأت، و أحسنت إلي فإذا عدت فعد علي ...»  
(۳)

«خداوندا به تو پناه می‌برم از این که در برابر برق چشمها، ظاهر مرا نیکو جلوه دهی در حالی که باطنم زشت و ناپسند است، بار الها همچنان که من هر چه بدی کرده‌ام و تو در برابر به من خوبی کرده‌ای، پس اگر دوباره هم بدی کردم باز هم تو خوبی کن.»  
امام علیه السلام از خداوند درخواست کرده است تا باطن او، و آنچه را

(۱-۲) الذريعة: ۱۵ / ۱۹.

(۳) صفة الصفة: ۳ / ۵۲، درر الابكار: ورق ۷۰، سير اعلام النبلاء: ۴ / ۲۳۷، عقد الفريد: ۳ / ۱۵۵، و در این کتاب، عبارت ذیل نیز در دنبال دعا آمده است: «و ارزقني مواساة من قترت عليه رزقه بما وسعت علي» یعنی: به من توفیق مواساة با کسانی را مرحمت کن که در تنگنای زندگی قرار دارند تا با وسعت رزق خود با ایشان همراهی کنم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۵

که در ضمیر خود دارد نیکو گرداند و به او پناه برده است از این که ظاهر او را در مقابل چشم مردم نیکو جلوه دهد بدون این که این ظاهر ارتباطی با باطن وی داشته باشد، همچنان که از خداوند مسألت کرده تا این که آمرزش و خشنودی خود را، در صورتی که وی به یکی از تمایلات نفسانی خود بازگردد، دوباره شامل حال وی نماید.

(۱)

### دعای امام علیه السلام در وقت نزول فقر

امام علیه السلام وقتی که فقر و تنگدستی به او رو می‌آورد و یا از کاری بیمناک می‌شد این دعای شریف را مرتب می‌خواند و به فرزندانش نیز سفارش می‌فرمود، که آن را بعد از نمازهای چهاررکعتی و دو رکعتی به شرح زیر بخوانند:  
«یا موضع کل شکوی، یا سامع کل نجوی، یا شافی کل بلوی، یا عالم کل خفیة، و یا کاشف ما یشاء من کل بلیة، أدعوك دعاء من اشتدت فاقته، و ضعف قوته، و قلت حيلته، دعاء الغريب، الغريق، الفقير، الذي لا يكشف ما هو فيه إلا أنت يا أرحم الراحمين، لا إله إلا أنت سبحانك، إني كنت من الظالمين ...»

«ای خدایی که مرجع هر شکایت و شنونده هر نجوایی و ای خدایی که شفابخش هر غم و گرفتاری و دانای هر نهانی و ای که هر چه را بخواهی از هر بلائی برکنار می‌داری، خداوندا از تو درخواست می‌کنم چون درخواست کسی که سخت نیازمند شده و توانایی و راه چاره‌اش سستی و کاستی یافته است و همچون غریب، غریق و فقیری که جز تو؛ کس دیگری قادر نیست گرفتاری او را برطرف سازد، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان، ای خدایی که جز تو خدایی نیست، تو (از شرک و شریک) پاک و منزهی، و من در حق تو از جمله ستمکاران و ظالمانم ...»

آن حضرت همواره می‌فرمود: کسی این دعا را نمی‌خواند مگر آن که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۶

خداوند غم او را برطرف می‌کند. «۱» براستی که این دعای شریف میزان اعتصام و توسل امام علیه السلام را به خدا می‌رساند و او یقین دارد که خدای تعالی تنها قادر توانایی است که می‌تواند گرفتاریها و محرومیتها را برطرف سازد، و جز خدای تعالی هیچ نیروی دیگری که بتواند بیچارگی و بدبختی انسان را برطرف کند، وجود ندارد.



(۱)

**دعای امام در پناهندگی به خدا**

از جمله دعاهای امام علیه السلام این دعای شریف است که زید بن اسلم از آن حضرت نقل کرده است و این است متن آن دعا:

«اللهم لا تكلني إلى نفسي فأعجز عنها، ولا تكلني إلى المخلوقين فيضيعوني ...» (۲)

«خداوندا! مرا به خودم وامگذار که در برابر نفس خویش ناتوانم و به دیگر مخلوقات نیز وامگذار که مرا به تباهی خواهند کشید.»

امام علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرده است تا او را هرگز به خودش وانگذارد زیرا که نفس آدمی انسان را به سوی بدیها می کشاند. و نیز درخواست کرده تا به دیگر مخلوقات نیز وانگذارد زیرا که آنان نیز به تباهی و ذلت می کشانند، اما توکل به خدای تعالی در دنیا و آخرت باعث رستگاری و نجات است.

(۲)

**دعای امام برای آمرزش و توبه**

امام علیه السلام این دعا را برای درخواست آمرزش و توبه می خواند:

«يا من ذكره شرف للذاكرين، و يا من شكره فوز للشاكرين، و يا من

(۱) اخبار الدّول: ص ۱۰۹، فصول المهمّة ابن صباغ: ص ۱۹۲.

(۲) تاریخ اسلام ذهبی: ۲/ ۲۶۶، سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳، تاریخ دمشق: ۳۶/ ۱۵۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۷

طاعته نجاه للمطيعين، اشغل قلوبنا بذكرك عن كل ذكر، و ألسنتنا بشكرك عن كل شكر، و جوارحنا بطاعتك عن كل طاعة، فإن قدرت لنا فراغا عن شغل، فاجعله فراغ سلامة، لا تدرکنا فيه تبعه، و لا تلحقنا فيه سيئه حتى ينصرف إليك كتاب السيئات عنا بصحف خالية من ذكر سيئاتنا، و يتولى كتاب الحسنات عنا مسرورين، بما كتبوا من حسناتنا، فإذا انقضت أيام حياتنا، و تصرمت مدد اعمارنا، و استحضرتنا دعوتك التي لا بد من إجابتها، فاجعل ختام ما تحصي علينا الكتبه توبه مقبولة، لا نوقف بعدها على ذنب اجترحناه، و لا معصية اقترفناها، و لا تكشف عنا ستر سترته على رءوس الشهداء، و يوم أخبار العباد إنك رحيم بمن دعائك، مستجيب لمن ناداك.»

(۱)

(۱) «ای خدایی که یاد تو شرف یادکنندگان است و ای آن که شکر و سپاس تو کامیابی سپاسگزاران است و ای آن که اطاعت و بندگیت باعث رستگاری مطیعان است خداوندا دلهای ما را از یاد هر چیز دیگری به یاد خودت مشغول کن و زبان ما را از شکر و سپاسهای دیگران به شکرگزاری خودت گویا ساز و اعضای بدن ما را از هر طاعتی به طاعت خودت سرگرم کن پس اگر فراغتی برای ما مقدر فرموده‌ای آن را در سلامتی ما قرار ده تا عقوبت و عذابی در زمان فراغت نداشته باشیم و دچار گناهان مفرما تا وقتی که نامه اعمال ما خالی از گناهان به محضر تو برسد و به جای آن پر از حسنات شادی بخش باشد، حسناتی که فرشتگان از اعمال ما نوشته‌اند و هنگامی که زندگی ما پایان می گیرد و دوران عمر ما سپری می شود و دعوت تو را که ناگزیر از اجابتیم، آماده پذیرش باشیم و آخرین چیزی را که فرشتگان کاتب می نویسند توبه قبول شده باشد دیگر پس از آن ما گناه و معصیتی مرتکب نشویم و در

حضور مردم در روز محشر و روزی که

(۱) دعوات قطب راوندی: ص ۴۹، خطی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۸

بندگان از اخبار و احوال یکدیگر باخبر می‌شوند آبروی ما را مبر و رسوایمان مکن زیرا که تو به درخواست کنندگان مهربانی و به فریاد منادیانت پاسخ می‌دهی...»

امام علیه السلام در پیشگاه خدا با تضرع و زاری درخواست می‌کند تا دل و زبان و تمام اعضا و جوارح او را در ذکر و عبادت خودش مسخر کند و بکارگیرد و محور نهایی از زندگی او را به توبه خالص پذیرفته شده، قرار دهد.

(۱)

### دعای امام درباره صلوات بر پیامبر

از جمله دعاهاى امام علیه السلام این دعای شریف است که درباره صلوات بر جدّش رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - دعا می‌کند به این شرح:

«یا دائم، یا دیوم، یا حی، یا قیوم، یا کاشف الغم، یا فارج الهم، یا باعث الرسل، و یا صادق الوعد، صل علی محمد و آل محمد، و افعّل بی ما أنت أهله...» (۱)

«ای خدای دائم سرمدی و ای زنده و پاینده ابدی، ای برطرف کننده رنج و اندوه و ای از بین برنده محنت و غم و ای آن که پیامبران و رسولان را برای ارشاد و هدایت خلق فرستادی و ای که وعده‌هایت همه راست است، بر محمّد و آل محمد درود و رحمت فرست و آنچه را که زیننده مقام و شایسته کرمت می‌باشد همچنان با من رفتار کن...»

(۲)

### دعای امام در وقت استجابت دعا

امام علیه السلام در وقت استجابت دعایش، این دعا را می‌خواند:

«اللهم قد أكدي الطلب و اعیت الحيلة إلا عندك، و ضاقت

(۱) الجنة الواقية و الجنة الباقية كفعمی از کتابهای خطی کتابخانه آقای حکیم، شماره مسلسل: ۱۲۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۹

المذاهب، و امتنعت المطالب، و عسرت الرغائب، و انقطعت الطرق إلا إليك، و تصرمت الآمال، و انقطع الرجاء إلا منك، و خابت الثقة، و اخلف الظن إلا بك.

اللهم إني أجد سبل المطالب إليك منهجه، و مناهل الرجاء إليك مفتحة و اعلم أنك لمن دعاك بموضع إجابة، و للصارخ إليك بمرصد إغاثة، و أن القاصد إليك لقريب المسافة منك، و مناجاة العبد إياك غير محجوبة عن استماعك، و أن في التلطف إلى جودك، و الرضا لعدتك و الاستراحة إلى ضمانك عوضاً عن منع الباخلين، و مندوحة عما في أيدي المستأثرين، و درکا من ختل

الموارین فلا إله إلا أنت، فاغفر ما مضى من ذنوبی، و اعصمنی فی ما بقى من عمری، و افتح لی أبواب رحمتک و جودک التی لا تغلقها عن احبائک، و اصفیائک یا أرحم الراحمین ...» (۱)

(۱) «خداوند! جز در پیشگاه تو هر درخواست و طلبی ناکام و هر راه چاره و تدبیری نافرجام است و جز به درگاه تو هر گذرگاهی بر راهروان تنگ و وصول به هر حاجت و مقصدی ناممکن و هر آرزویی دشوار است و تمام راهها جز به سوی تو، بنیست می‌باشد، و جز از مقام فضل و کرم تو آرزوها بر باد و رشته امید گسسته است و توکل و اعتماد به غیر تو ناکامی و شکست می‌باشد.

خدایا من راه حوائج خلق را به سوی تو باز می‌بینم، و چشمه‌های امید بندگان را به جانب تو گشوده می‌یابم و به یقین می‌دانم که تو برای اجابت هر که تو را بخواند آماده‌ای و مراقب حال کسی هستی که تو را به فریاد بطلبد و هر که آهنگ تو کند، راهش نسبت به تو بسیار نزدیک است و مناجات بندگان با تو، دور از حیطه شنواییت نیست و برآستی که نالیدن به

(۱) دعوات قطب راوندی: ص ۲۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۰

درگاه جود و احسانت و دل‌بستگی به وعده‌ات و خشنودی به کفالت تو جایگزین محروم داشتن فرومایگان و علاج و چاره‌جویی از آنچه در اختیار سوجدویان و جبران نیرنگ نیرنگ‌بازان است، پس ای خدای مهربانی که جز تو خدایی نیست گناهان گذشته مرا بیامرز و باقیمانده عمر مرا از ارتکاب گناه حفظ کن و درهای جود و رحمت خود را به روی من بگشا؛ درهای رحمتی که به روی دوستان و برگزیدگان نمی‌بندی، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

(۱) امام علیه السلام به خدای تعالی تمسک و اعتصام جسته و تنها به او پیوسته و تمام آرمانها و آرزوها و خواسته‌هایش را متوجه او ساخته و آن حضرت یقین دارد که پناهندگی به غیر خدا از سست ایمانی و ضعف عقل است زیرا چنین کسی از گمان خود پیروی کرده و در پی سراب شتافته است.

(۲)

### دعای امام در وقت آوردن و برداشتن سفره غذا

امام علیه السلام وقتی که غذا را در جلو آن حضرت می‌گذاشتند این دعا را می‌خواند:

«اللهم هذا من مَنیک و فضلک، و عطائک، فبارک لنا فیهِ، و سوغناه، و ارزقنا خلفا إذا أکلناه، و رب محتاج إلیهِ، رزقت فاحسنت، اللهم و اجعلنا من الشاکرین ...»

«خداوند! این غذا از جمله احسان و فضل و بخشش توست، پس آن را برای ما با برکت کن و گوارایمان گردان و چون تناول کردیم عوض آن را روزی و نصیب ما فرما، خدایا، بسا کسانی که نیازمند به این غذا بودند، تو روزی دادی و احسان کردی، خداوند! ما را از سپاسگزاران نعمت قرار ده.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۱

و موقعی که سفره را برمی‌داشتند، این دعا را می‌خواند:

«الحمد لله الذی حملنا فی البر و البحر و رزقنا من الطیبات، و فضلنا علی کثیر من خلقه تفضیلا ...» (۱)

«حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که ما را در خشکی و دریا بالا برد و از خوراکیهای پاکیزه روزی داد و بر بسیاری از

مخلوقات خود برتری کامل بخشید.»

براستی امام علیه السلام در تمام اوقات زندگی خود بی‌وقفه و بدون هیچ فاصله‌ای به ذکر خدای متعال مشغول بوده است.  
(۱)

### دعای امام در واگذاشتن کار خود به خدا

از جمله دعا‌های امام علیه السلام این دعای شریف است:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَ إِلَى اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، اللَّهُمَّ إِنِّي اسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَ فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَ وَجْهَتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَ مِنْ خَلْفِي، وَ عَنِ يَمِينِي، وَ عَنِ شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي، وَ مِنْ تَحْتِي، فَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ لَا حَوْلَ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ...» (۲)

«به نام خدا و ذات خدا و در راه خدا و به وسیله خدا و از جانب خدا و به سوی خدا و بر آیین رسول خدا- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- خداوندا من خودم را به تو تسلیم کردم و امورم را به اراده تو واگذار نمودم و روی دلم را به سوی تو گردانیدم و تو را تکیه گاه و پشتیبان خودم قرار دادم، بنابراین مرا به وسیله

(۱) فروع کافی: ۶/ ۲۹۴.

(۲) قرب الاسناد حمیری: ص ۳.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۲

حفظ ایمان به خودت از (همه جوانب) پیش رو، پشت سر، از راست، از چپ، و از سمت بالا- و پایین حفظم کن و به حول و قوه خودت همه بلاها را از من دفع کن، هیچ نیرو و توانی وجود ندارد مگر به وسیله خداوند برتر و بزرگ...»

حقا که امام علیه السلام خود را به خدا سپرده و کارهای خود را به او واگذار کرده است در حالی که به ریسمان او چنگ زده و تمسک جسته است با یقین به این که هیچ نیرو و توانی جز به وسیله او در کار نیست.  
(۱)

### دعای امام در پناهندگی از خشم خدا

امام علیه السلام این دعای شریف را در مورد پناهنده شدن از خشم خدای تعالی می‌خواند:

«اللَّهُمَّ مِنْ أَنَا حَتَّى تَغْضَبَ عَلَيَّ؟ فَوْعَزَّتْكَ مَا يَزِينُ مَلِكُكَ إِحْسَانِي، وَ لَا تَقْبِحْهُ إِسَاءَتِي، وَ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِكَ غِنَايَ، وَ لَا يَزِيدُ فِيهَا فَقْرِي...» (۱)

«خدایا من کیستم که مورد خشم و غضبت قرار دهی؟ پس به عزت و جلالت سوگند که نه نیکوکاری من زینت بخش ملک و سلطنت توست و نه کردار بد من تأثیری در زشت کردن آن دارد و توانگری من چیزی از خزائن تو نمی‌کاهد و فقر من باعث فرونی آن نمی‌گردد.»

(۲)

## دعای امام در وقت خواب

امام علیه السلام وقتی که به رختخواب می‌رفت این دعا را می‌خواند:  
«اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ،

(۱) بحار الأنوار: ۴۶ / ۱۰۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۳

و أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ، اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ رَبَّ التُّورَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...» (۱)  
«خداوندا تو سرآغازی و هیچ چیز پیش از تو نبوده است و تو بر همه غالبی و قدرتی بالاتر از قدرت تو نیست و تو حقیقت همه چیزی هیچ حقیقتی جز تو نیست و تو پایانی و چیزی بعد از تو نخواهد بود، ای خدای هفت آسمان و پروردگار هفت طبقه زمین و تورات و انجیل و زبور و قرآن کریم، از شرّ هر جنبنده‌ای که اختیار کامل آنها به دست توست به تو پناه می‌برم، البته که تو بر راه و روش استواری.»

(۱)

## دعای امام در دفع هر بیم

امام علیه السلام وقتی که از چیزی بیمناک می‌شد این دعای شریف را برای رفع آن می‌خواند:  
«الهِیْ أَنْتَ لَیْسَ یَرِدُ غَضَبُكَ إِلَّا حَلْمُكَ، وَ لَا یَنْجِیْ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَ لَا یَخْلُصُ مِنْكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَ التَّضَرُّعُ إِلَیْكَ فَهَبْ لِي يَا هِیْ فِرْجًا بِالْقَدْرَةِ الَّتِیْ بِهَا تُحِیِّیْ مِیتَ الْبِلَادِ، وَ بِهَا تُنْشِرُ أَرْوَاحَ الْعِبَادِ وَ لَا تَهْلِكُنِیْ وَ عَرَّفْنِی الْإِجَابَةَ يَا رَبِّ، وَ ارْفَعْنِی وَ لَا تَضَعْنِی، وَ انْصُرْنِی، وَ ارْزُقْنِی، وَ عَافِنِی مِنَ الْآفَاتِ يَا رَبِّ انْ تَرْفَعْنِی فَمَنْ یَضَعْنِی، وَ انْ تَضَعْنِی فَمَنْ یَرْفَعْنِی وَ قَدْ عَلِمْتَ يَا هِیْ انْ لَیْسَ فِی حُكْمِكَ ظَلَمٌ وَ لَا فِی نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَ أَنْمَا یُعْجَلُ مِنْ یَخَافُ الْقُوَّةَ، وَ یَحْتَاجُ إِلَى الظَّلْمِ الضَّعِیْفِ،

(۱) فلاح السائل سید بن طاووس.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۴

وَ قَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا سَيِّدِي عَلَوْا كَبِيرًا رَبِّ لَا- تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَ لَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا، وَ مَهْلَنِي وَ نَفْسَنِي وَ اِقْلَنِي عَثْرَتِي، وَ لَا تَتَّبِعْنِي بِالْبَلَاءِ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي، وَ صَبْرَنِي فَأَنْتَ يَا رَبِّ ضَعِيفٌ مُتَضَرِّعٌ إِلَيْكَ يَا رَبِّ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ فَاعْذِنِي وَ اسْتَجِرْ بِكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ فَأَجْرَنِي وَ اسْتُرْ بِكَ فَاسْتُرْنِي، يَا سَيِّدِي مِمَّا اخَافُ وَ احْذِرْ وَ اَنْتَ الْعَظِيمُ اعْظِمْ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ بِكَ بَكَ اسْتُرْتْ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.» (۱)

(۱) «خداایا! جز بردباری و حلم تو هیچ چیز مانع خشم و غضب تو نگردد و جز عفو و بخشش چیزی باعث نجات از کیفر و عقابت نشود و به غیر از رحمت تو و ناله و زاری به درگاهت چیزی وسیله خلاصی از عذابت نگردد، بنابراین خداوندا با آن قدرتی که زمینهای مرده را احیا می‌کنی و ارواح بندگان را می‌گستری، بر من گشایش ده و مرا هلاک مفرما و ای پروردگار راه پذیرش خودت را بر من بشناسان و مرا سرفراز کن و خوار و ذلیل مکن و یاری فرما و رزق و روزیم ده و از آفاتم برکنار گردان، خداوندا

اگر تو مقام و مرتبه مرا بالا ببری، چه کسی می‌تواند خوار گرداند؟ و اگر تو خوارم سازی پس چه کسی سربلندم می‌سازد؟ و ای خدای من می‌دانم که در حکومت تو ستم وجود ندارد و در مجازات کردنت شتابی نیست، بلکه کسی شتاب می‌ورزد که از فوت آن بترسد و بر ستم کردن به ضعیف نیازمند باشد در حالی که ای آقای من تو بسی بالاتر از آنی، پس مرا هدف تیر بلا مساز و در معرض عذابت قرار مده و مرا با نفسم مهلتی ده و لغزشم را ببخش و بلا پشت سر بلا بر من نازل مفرما در حالی که تو ناتوانی و

(۱) صحیفه سجّادیه شیخ حرّ عاملی: ص ۱۵۹-۱۶۰.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۵

بیچارگی مرا می‌بینی، ای پروردگار مهربان مرا استوار گردان که من ناتوانم به درگاه تو ای پروردگار می‌نالم و از عذاب تو به درگاہت پناه آورده‌ام و از هر بلا و گرفتاری به تو پناهنده‌ام، پناهم بده، و از تو درخواست پرده‌پوشی دارم، بدیهیم را بپوشان، ای مولای من از آنچه بیمناکم و می‌ترسم، در حالی که تو بزرگی، بزرگتر از هر بزرگی، به وسیله تو پوشش خطاهایم را می‌طلبم ای خدا بر محمد و آل پاکش درود و رحمت فرست و بر ایشان سلام و تحیت فراوان ابلاغ فرما.

این بود برخی از ملحقات صحیفه سجّادیه که از کتابهای مختلف پیدا کردیم و هر که بیش از اینها بخواد باید به ملحقات پنج‌گانه صحیفه، مصباح کفعمی، مصباح شیخ طوسی، مهج الدعوات و کتاب دعاهای دیگر مراجعه کند.

(۱)

### نمونه‌های برجسته‌ای از صحیفه

### اشاره

همچنان که به بحث درباره صحیفه سجّادیه مشغول بودیم به برخی از گوهرهای پربها برخورداریم گوهرهایی که کسی بهای آنها را نمی‌داند و هر توصیفی در حدّ اعلاّی فکری و فنی درباره آنها نارساست و در ذیل برخی از آنها را می‌آوریم:

(۲)

### دعای امام علیه السلام در درود بر پیامبر

امام سجّاد علیه السلام این دعای شریف را می‌خواند که در آن کوششهای جدش رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- و دشواریهایی را که آن حضرت در راه دعوت اسلامی و اعلاّی کلمه الله در روی زمین شاهد بوده، بیان کرده است به این شرح:

«و الحمد لله الذی من علینا بمحمد نبیّه صلی الله علیه و آله دون الامم الماضیه و القرون السالفه بقدرته الّتی لا

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۶

تعجز عن شیء و ان عظم و لا یفوتها شیء و ان لطف فختم بنا علی جمیع من ذرا و جعلنا شهداء علی من جحد و کثرنا بمنه علی من قلّ. اللهم فصلّ علی محمد أمینک علی وحیک، و نجیبک من خلقتک و صفیّک من عبادک امام الرّحمه و قائد الخیر و مفتاح البرکة کما نصب لأمرک نفسه و عرض فیک للمکروه بدنه و کاشف فی الدّعاء الیک حامته و حارب فی رضاک اسرته و قطع فی إحياء دینک رحمه و اقصی الأذنین علی جحودهم و قرب الأقصین علی استجابتهم لک و والی فیک الأبعدین، و عادی فیک الأقربین و

أدأب نفسه فی تبلیغ رسالتک و اتعبها بالدعاء الی ملتک و شغلها بالنصح لأهل دعوتک و هاجر الی بلاد الغربه و محلّ النأی عن موطن رحله، و موضع رحله و مسقط رأسه و مأنس نفسه اراده منه لإعزاز دینک و استنصارا علی اهل الکفر بک حتی استتب له ما حاول فی اعدائک و استتم له ما دبّر فی اولیائک فنهد الیهم مستفتحا بعونک و متقویا علی ضعفه بنصرک فغزاهم فی عقر دیارهم و هجم علیهم فی بحبوحه قرارهم حتی ظهر امرک و علت کلمتک و لو کره المشرکون اللّهم فارفعه بما کدح فیک الی الدرجه العلیا من جتتک حتی لا یساوی فی منزله و لا یکافأ فی مرتبه و لا یوازیه لیدیک ملک مقرب و لا نبی مرسل و عرفه فی اهله الطاهرین و اتمه المؤمنین من حسن الشفاعة اجلّ ما وعدته یا نافذ العده یا وافی القول یا مبدل السیئات باضعافها من الحسنات إنک ذو الفضل العظیم الجواد الکریم.» (۱).

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای دوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۷

(۱) «حمد و سپاس خدای را که بر ما به وجود پیامبرش محمد- صلی الله علیه و آله- منت نهاد، نه بر امتهای گذشته و در قرنهاي سپری شده؛ این نعمت را به قدرت کامله خود به ما مرحمت کرده است قدرتی که از انجام هیچ چیز عاجز نیست هر چند بزرگ باشد و هیچ چیز از حیله آن خارج نیست هر چند ظریف و لطیف باشد، پس خداوند با علم نامتناهی خویش آن حضرت را خاتم پیغمبران برای همه مخلوقات قرار داد و ما را برای امتهای دیگر گواه ساخت که منکر نبوت شدند و با این که در ابتدا کم بودیم خداوند ما را به لطف و منت خودش افزون گردانید. پس بار خدایا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست زیرا او امین وحی تو و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات و بندگان توست، او پیشوای رحمت و خیر و کلید برکات تو بر بندگان است، او بود که برای اجرای امر رسالت تو خود را به زحمت انداخت و در شناساندن راه تو آن همه رنج و مکر دشمنان را به جان خرید، و به خاطر اشاعه دعوت مردم به توحید تو دشمنی خویش را با خویشان مشرک و منکران دعوت، آشکار کرد و به خاطر جلب رضای تو از خویشاوندانش برید و برای زنده کردن دین تو نزدیکترین خویشان خود را که به دین تو ایمان نیاوردند از خود دور ساخت و بر آنها نفرین کرد و در راه رساندن رسالت تو خود را به مشقت انداخت و خویشتن را دچار رنج و زحمت کرد و عمر خویش را با بند و نصیحت و تربیت کسانی که دعوت تو را پذیرفته بودند صرف کرد، و از محل اقامت خویش که جای انس و الفت او بود به شهرهای غربت و دور از وطنش مهاجرت کرد و از زادگاه خویش به خاطر عزت دین تو و برافراشتن پرچم توحید دور شد، تا در آنجا بر کافران پیروز شود و سرانجام به آنچه میخواست رسید، دشمنان را منکوب کرد و آنچه درباره دوستان تو میخواست بطور تمام و کمال به دست آورد، با یاری خواستن از تو به دشمنان حمله برد و بر آنها پیروز شد، در مهمترین شهر کافران (مکه) با آنان مبارزه کرد تا این که درستی امر تو

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۸

را بر آنان آشکار ساخت و با وجود این که مشرکان به تصدیق دین اسلام مایل نبودند، با این همه کلمه توحید تو را اعتلا بخشید و آنان را به دین تو درآورد. پس خداوند درجه او را در بهشت رضوانت تا آنجا بالا ببر که هیچ کدام از فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل تو بدان جایگاه راه نداشته باشند و او را در میان اهل بیت طاهرین و همچنین در بین امت مؤمنش از نظر حسن شفاعت معروف گردان و بیش از آن که وعده داده‌ای به او مرحمت کن که وعده تو انجام‌پذیر است، قول و پیمانت بطور کامل انجام می‌گیرد، ای کسی که گناهان بندگان خود را به لطف خویش به چندین برابر حسنات تبدیل می‌کنی همانا تو صاحب فضل بزرگ و بخشش فراوانی.»

(۱) امام علیه السلام بدانچه جدش رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- از مشقتها و رنجها در راه نشر اسلام و اعلاي کلمه توحید

مشاهده فرموده، اشاره می‌کند، از جمله آن رنجها این بود که مشرکان از قوم و قبیله او برای مبارزه با او و فرونشاندن دعوت او، دست بهم دادند و با وی اعلان جنگ کردند و پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - از ایشان دوری کرد و به افراد دور که هیچ نسبتی با پیامبر نداشتند همانند عمار بن یاسر و سلمان فارسی و ابو ذر پیوست که اینان از همه کس به آن حضرت نزدیکتر و پیوسته‌تر بودند، و از جمله رنجهایی که پیامبر (ص) دید مهاجرت آن حضرت به طایف و مدینه بود و گرفتاریهایی که دید و به انواع تلخیها از اذیت و شکنجه که در این هجرت دچار شد اما خدای تعالی او را عزت و نصرت بخشید و امر او را آشکار و مقام او را بالا برد و به او عزت داد و توانست با مشرکان در میان خانه‌هایشان بجنگد و سر و دندان آنها را درهم بشکند و اسلام را با نیروی خدادادی و قوت بازوی خود راست و استوار سازد و هیچ نیرو و قدرتی را یارای مبارزه با او نماند و این بود همان پیروزی آشکارای اسلام.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۶۹

(۱)

### دعای امام برای پیروان انبیا

امام علیه السلام در این دعا به پیروان و گروندگان به انبیا علیهم السلام اشاره کرده و پس از آن، به وصف اصحاب جدش رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - که اسلام را در روزگار محنت و غربتش یاری کردند، پرداخته است؛ می‌گوید:

«اللَّهُمَّ وَاَتْبَاعَ الرَّسْلِ وَمُصَدِّقِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مَعَارِضِ الْمَعَانِدِينَ لَهُمْ بِالْكَذِيبِ وَالْاِشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا وَأَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنِ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أُمَّةٍ الْهَدَىٰ وَقَادَةَ أَهْلِ التَّقَىٰ عَلَىٰ جَمِيعِهِمُ السَّلَامَ فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفَرَةٍ وَرِضْوَانٍ.»

(۲) «بار خدایا و به همه پیروان و باورداران انبیا درود و رحمت بفرست؛ به کسانی از اهل زمین که هنگام تکذیب معاندان و مخالفت و مبارزه آنان با پیامبران تو ایشان به غیب ایمان آوردند و در هر روزگار و در تمام زمانها به پیامبران از روی اشتیاق گرویدند و برای اتمام حجت از زمان آدم تا زمان حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - هر پیامبری که فرستادی و امامان هدایت و پیشوایان پرهیزگار بر همه آنان درود فرست و همه آنان را به لطف خویش مورد مغفرت و خشنودی خود قرار بده.»

امام علیه السلام ثنای کاملی بر پیروان و گروندگان انبیا از زمان حضرت آدم تا خاتم الانبیا و سرور ایشان حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - فرستاده است؛ پیروانی که تجسم ایمان راستین بودند؛ به خدای تعالی ایمان آوردند و پیامبران خدا را با آنچه از اخبار غیبی آورده بودند تصدیق کردند و به گمراه‌سازی نیروهای مخالف انبیا توجه نکردند بلکه با آنان به مبارزه برخاستند، و جنگیدند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۰

و اینک به بخش بعدی این دعای شریف گوش می‌دهیم که می‌گوید:

«اللَّهُمَّ وَاصْحَابَ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصِّحْبَةَ وَالَّذِينَ ابْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ وَسَرَعُوا إِلَىٰ وَفَادَتِهِ وَسَابِقُوا إِلَىٰ دَعْوَتِهِ وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ اسْمَعْتَهُمْ حِجَّةَ رِسَالَتِهِ وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي أَظْهَارِ كَلِمَتِهِ وَقَاتَلُوا الْآبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ وَانْتَصَرُوا بِهِ وَ مِنْ كَانُوا مَنْطُوبِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةَ لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرَ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ وَانْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ وَارْضَهُمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشَا الْخَلْقَ عَلَيْكَ وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دَعَا لَكَ الْيَكُ وَاشْكُرْهُمْ عَلَىٰ هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَىٰ ضَيْقِهِ وَ مِنْ كَثْرَتِ فِي اعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.»



(۱) «خداوند بویژه اصحاب محمد- صلی الله علیه و آله- را مشمول سلام و تحیت خودت بفرما که نیکوترین اصحاب بودند و در راه کمک به پیامبرت هر بلائی سخت و ناگواری را با اشتیاق تحمل کردند و پیامبر را در کنف حمایت خود قرار دادند و بسرعت وسیله غلبه او را بر دشمنان فراهم ساختند و در پذیرش دعوت او بر یکدیگر پیشی گرفتند؛ وقتی که پیامبرت، برهان رسالت خویش را به گوش ایشان رساند دعوتش را به جان و دل پذیرفتند و در نشر آیین توحیدش از زن و فرزند خود چشم پوشیدند و از ایشان دور شدند و حتی در راه استواری رسالت با پدران و فرزندان خود به جنگ پرداختند و به وسیله او بر دشمنان پیروز شدند. و به کسانی که دل‌هایشان از مهر پیامبر آکنده بود و به خاطر این علاقه و محبت تجارتنی را که در هر دو جهان سودمند است امیدوار شدند. و آن کسانی که به خاطر چنگ زدن به ریسمان محکم پیامبرت از خویشان و دوستان خود بریدند و به هنگام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۱

پیوستن به پیامبرت همه خویشان را از دست دادند زیرا که در سایه قرب پیامبرت آرام گرفتند، پس اینان را فراموش مکن، بار خدایا آنچه را که ایشان به خاطر شناخت تو در راه اشاعه دین تو از دست دادند با بهره‌مند ساختن ایشان از بهشت رضوانت جبران کن کسانی که پیامبرت را در دعوت مردم یاری کردند و آنان را به شناخت توحید واداشتند، آنان که به خاطر پیروی از راه تو ناچار به ترک دیار خود شدند و از خویشان دور افتادند و در راه کمک به پیامبر گرفتار تنگی معاش گردیدند و چه بسیار از آنها که در راه عظمت بخشیدن به دینت، ستمها دیدند، رحمت خود را از آنان دریغ مدار.»

(۱) در این بخش از دعا امام علیه السلام سخن از اصحاب جدش رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- به میان آورده است که بهترین اصحاب بودند و در راه یاری اسلام و دفاع از اصول و قوانین آن امتحان خوبی دادند و ایمانی بی‌شائبه به آن داشتند و در راه اسلام انواع تلخیها و مشقات را تحمل کردند که از آن جمله است:

- ۱- ترک همسران و فرزندان، آنها که به اسلام نگریدند.
- ۲- مبارزه و پیکار با پدران و فرزندان، آنها که با اسلام مخالف بودند و در این راه با خدا تجارتنی کردند که هرگز بی‌سود نمی‌ماند.
- ۳- جدایی خویشان و دوستان از ایشان به خاطر عشق و ایمان به اسلام و پیوستن به پیامبر (ص).
- ۴- دچار شدن ایشان به تنگنای اقتصادی در راه اسلام. این بود برخی از اموری که اصحاب مجاهد پیامبر- صلی الله علیه و آله- دیدند و اینک به بخش دیگری از این دعا گوش می‌سپاریم:

«اللهم و اوصل الى التابعين لهم باحسان الذين يقولون:

«ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذين سبقونا بالإيمان» خير جزائك الذين قصدوا سمتهم و تحرّوا وجهتهم و مضوا على

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۲

شاكلتهم لم ينهم ريب في بصيرتهم و لم يخلجهم شك في قفو آثارهم و الائتمام بهداية منارهم مكانفين و مؤازرين لهم يدينون بدينهم و يهدون بهديهم يتفقون عليهم و لا يتهمونهم في ما أدوا اليهم.

«اللهم و صلّ على التابعين من يومنا هذا الى يوم الدين و على ازواجهم و على ذرياتهم و على من أطاعك منهم صلاة تعصمهم بها من معصيتك و تفسح لهم في رياض جنتك و تمنعهم بها من كيد الشيطان و تعينهم بها على ما استعانوك عليه من برّ و تقيهم طوارق الليل و النهار الأطارقا بطرق بخير و تبعثهم بها على اعتقاد حسن الرّجاء لك و الطمع في ما عندك و ترك النّهمه في ما تحويه ایدی العباد لتردهم إلى الرّغبه اليك و الرّهبه منك و ترهدهم في سعة العاجل و تحبب اليهم العمل للآجل و الاستعداد لما بعد الموت و تهون عليهم كلّ كرب يحلّ بهم يوم خروج الأنفس من ابدانها و تعافيمهم ممّا تقع به الفتنة من محذوراتها و كبرية النار و طول الخلود فيها و تصيرهم الى امن من مقيل المتقين.» (۱)

(۱) «بار خدایا درود و رحمت فرست بر کسانی که متابعت از صحابه پیامبرت را به نیکی پذیرفتند، آنانی که می‌گویند: «پروردگارا

ما و برادران دینی ما را که در قبول اسلام از ما پیشی گرفتند مشمول آمرزش و رحمت خودت بفرما» بهترین جزا را به ایشان عطا کن، زیرا ایشان به راه پیامبر رفتند و با ایمان پاک در پی او شتافتند و با همان روش اصحاب پاک در تعظیم دین تو و فداکاری در راه اشاعه آن و وفاداری به احکام آن از دنیا رفتند.

(۱) صحیفه سجّادیه دعای چهارم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۳

اینان بودند که هیچ تردیدی در پیروی از اصحاب به خود راه ندادند و در متابعت آثار نیک صحابه شکی بر دل آنها وارد نشد، در حالی که از روش پیشروان اسلام حمایت می‌کردند، دین پاک آنها را پذیرفتند و به راه هدایتی که آنان نشان داده بودند، رفتند، بدون اختلاف کلمه، موافق آن صحابه بودند، و آنچه از طرف اصحاب به ایشان داده شد همه را بدون تکذیب پذیرا شدند و میان مسلمانان اختلاف نینداختند.

(۱) خداوندا به همه تابعین که از امروز تا قیامت تابع پیامبر تو هستند و بر همسران و فرزندانشان و بر هر کسی که فرمان تو را ببرد، درود فرست، درودی که از ارتکاب معصیت تو بازدارد برای ایشان در باغهای بهشت فضای پهناوری ایجاد کند و آنها را از کید شیطان محفوظ بدارد، بدان وسیله ایشان را بر آنچه که به انجام کارهای نیک وادار می‌کند کمک نمایی، و از گزند حوادث شب و روز مصون بداری، جز رویدادهای خیر که به سود آنهاست، با آن درود و رحمت آنان را به اعتقاد صحیح به خود و امیدواری به نعمتهایی که در نزد توست و ترک علاقه به آنچه در دست مردگان است برانگیزی، و بدان وسیله به لطف تو امیدوار و از عذاب تو بیمناک گردند و باز به رحمت خود آنان را از وسعت در دنیا به دور گردانی و به عمل برای آخرت و آمادگی برای عوالم پس از مرگ علاقه‌مند سازی و هر گرفتاری که در وقت مردن و روز بیرون شدن جانها از بدنها بر ایشان وارد می‌شود، آسان فرمایی و از انجام هر عملی که موجب فتنه و آشوب می‌گردد و از شر فتنه‌های دیگران مصون بداری و به لطف خود از افتادن در آتش دوزخ و جاودانه ماندن در آن حفظ کنی و آنان را به مقام امن که جایگاه پرهیزگاران است، منتقل نمایی.»

(۲) امام علیه السلام از خدای متعال درخواست کرده است تا بر آنانی درود فرستد که به نیکی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - متابعت کردند با این

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۴

که شخص پیامبر را ندیدند ولی در اعماق جانشان به او ایمان پیدا کردند و به راهی که اصحاب آن حضرت رفته بودند، آنان نیز رفتند و هیچ تردیدی به خود راه ندادند و در پیروی از ایشان هیچ گونه شکی به دل آنها راه نیافت و بدون تردید در راه هدایت ایشان حرکت کردند و پرچم توحید را برافراشتند و اصول و مبادی این دین را بین مردم گسترش دادند و برای ایشان، به شرح ذیل به درگاه خدا دعا کرد:

۱- محفوظ داشتن از ارتکاب معاصی.

۲- نگهداشتن ایشان از مکر شیطان رجیم.

۳- کمک به ایشان بر انجام خیر و پرهیزگاری.

۴- مصون داشتن آنان از حوادث ناگوار شب و روز.

۵- خداوند به ایشان حسن امید به خودش را مرحمت کند تا از آنچه در دست دیگران است خود را بی‌نیاز ببینند.

۶- به ایشان پارسایی در دنیا را مرحمت کند، و کار کردن برای سرای آخرت را در نظر ایشان محبوب گرداند.

این بود برخی از محتویات دعای امام علیه السلام برای تابعین اصحاب جدش رسول خدا (ص).

## دعای امام برای خود و دوستانش

از جمله دعاهای دلپسند امام علیه السلام این دعای شریف است که برای خود و دوستانش بدان وسیله دعا می‌کند:

«یا من لا تنقضی عجائب عظمته صلّ علی محمد و آله و احبنا عن الإلحاد فی عظمتک و یا من لا تنتهی مدّه ملکه صلّ علی محمد و آله و اعتق رقابنا من نعمتک؛ و یا من لا تنفی خزائن رحمته صلّ علی محمد و آله و اجعل لنا نصیباً فی رحمتک و یا من تنقطع دون رؤیته الأبصار صلّ علی محمد و آله و ادنا الی قریبک و یا من تصغر عند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۵

خطره الأخطار صلّ علی محمد و آله و کرمنا علیک و یا من تظهر عنده بواطن الأخبار صلّ علی محمد و آله و لا تفضحنا لدیك اللهم اغنا عن هبة الوهابین بهبتک و اکفنا وحشة القاطعین بصلتک حتی لا نرغب الی احد مع بذلک و لا نستوحش من احد مع فضلك اللهم فصلّ علی محمد و آله و کد لنا و لا تکد علینا و امکر لنا و لا تمکر بنا و ادل لنا و لا تدل منا اللهم صلّ علی محمد و آله و قنا منک و احفظنا بک و اهدنا الیک و لا تباعدنا عنک انّ من تقیه یسلم و من تهده یعلم و من تقرّبه الیک یغنم اللهم صلّ علی محمد و آله و اکفنا حدّ نوائب الزّمان و شرّ مصائد الشّیطان و مرارة صولة السّلطان ...»

(۱) «ای خدایی که برای عظمت و عجایب آفرینش تو نهایی نیست بر محمد و آلش درود فرست و ما را از گمراهی و انکار عظمت خودت مصون بدار، و ای خدایی که مدت مالکیت بر جهان بی پایان است، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از عذاب خودت آزاد کن و ای خدایی که خزانه‌های رحمتت پایان‌ناپذیر است بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و به ما نیز از رحمت و اسعه خویش نصیبی عطا فرما و ای خدایی که نه تنها چشمان موجودات از مشاهده ذات تو و درک عظمت تو ناتوانند بلکه چشمان بصیرت قادر به مشاهده جبروت ذات تو نمی‌باشد بر محمد و آلش درود فرست و ما را نیز به قرب خودت نزدیک فرما ای خدایی که هر حادثه‌ای هر چند بزرگ در برابر عظمت تو کوچک است، بر محمد و آلش درود فرست و ما را نیز به درک آن عظمت گرامی بدار، و ای خدایی که به ظاهر و باطن هر خبری آگاهی داری بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و ما را در نزد خودت مفتضح و رسوا مکن. خداوندا ما را به وسیله لطف و کرم خود از عطا و بخشش سایر بخشندگان بی‌نیاز گردان و با

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۶

نزدیک کردن به خودت از وحشت ترک دیگران نجات ده، بطوری که به عطا و بخشش دیگران مایل نباشیم و با وجود لطف تو از کسی بیمناک نگردیم خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و به سود ما مقدر کن نه بر ضرر ما و وسایل خواری ما را فراهم مکن بلکه اسباب رفعت ما را فراهم نما، و نیروی حاکم را به نفع ما هدایت کن نه بر شکست ما، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و ما را از خشم خود در امان بدار و از هر ناگواری حفظ کن و به خودت رهبری فرما و از خودت دور مکن زیرا کسی را که تو نگهداری کنی از آفات در امان است و هر که را که تو هدایت کنی او با علم و آگاهی قرین خواهد شد و هر که را به خود مقرب ساختی به غنیمت بزرگی نایل کرده‌ای، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و ما را در برابر حوادث روزگار و از وسوسه‌های شیطان و خشم و غضب پادشاه محفوظ بدار.»

البته امام علیه السلام در این بخش از دعا ابتدا به حمد و ثنای پروردگار بزرگ پرداخته و آنگاه از خداوند درخواست کرده تا او را از انکار عظمت پروردگار که باعث بیرون شدن انسان از انسانیت است، برکنار دارد و پس از آن بتدریج به ذکر عظمت پروردگار و درخواست از او می‌پردازد تا این که الطاف و نعمتهای خود را بر او ارزانی دارد و با بخشش خود او را از بخشش دیگران بی‌نیاز

کند و با تقرب و پیوستن به خود از وحشت تنهایی از کسانی که از او بریده‌اند نجات دهد و از گزند حوادث روزگار او را کفایت کند و از شر و سوسه‌های شیطان و از تلخی خشم پادشاه نگه دارد. این قسمت از دعا مهمترین الفاظ و زیباترین بیان را شامل است و از زیباترین قطعه‌های بلاغی در ادبیات عرب است. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

«اللَّهُمَّ أَنْمَّا يَكْتَفِي الْمَكْتَفُونَ بِفَضْلِ قَوْلِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اكْفِنَا وَ أَنْمَّا يَعْطَى الْمَعْطُونَ مِنْ فَضْلِ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۷

جَدَّتْكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اعْطِنَا وَ أَنْمَّا يَهْتَدِي الْمَهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اهدنا اللَّهُمَّ أَنْكَ مِنْ وَالِيَتِ لَمْ يَضُرُّهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ وَ مِنْ اعْطَيْتِ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ وَ مِنْ هَدَيْتِ لَمْ يَغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضْلَلِينَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اَمْنَعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ اغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ وَ اسْلِكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرشَادِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَ فِرَاقِ اِبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ انْطِلاقِ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مَنَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ دَعَاتِكَ الْدَّاعِينَ إِلَيْكَ وَ هِدَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» (۱)

(۱) «خداوندا کسانی که به آرامش رسیدند تنها به فضل و قدرت تو رسیدند، پس بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و ما را نیز از آن فضل نامتناهی خود بهره‌مند فرما، و کسانی که اهل جود و بخشش شدند تنها به جود و کرم تو به آن مقام رسیدند، پس بر محمد و آلش درود فرست و به ما نیز عطا فرما، و کسانی که در این دنیا هدایت شدند و به راه راست رفتند همگی در پرتو هدایت تو این راه را شناختند، پس بر محمد و آلش درود فرست و ما را نیز هدایت فرما، خداوندا هر که را تو دوست بداری هرگز از خوار گذاشتن خوارکنندگان زیانی نمی‌بیند و اگر به کسی مال و ثروت بدهی دیگران نمی‌توانند جلو آن را بگیرند و هر که را تو هدایت و رهبری نمایی، و سوسه‌های گمراه‌کنندگان او را گمراه نسازد، پس بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و ما را به عزت خودت از نیازمندی به بندگانت

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۸

بازدار و با کرم و لطف خودت ما را به عطای دیگران محتاج مکن و ما را با راهنمایی خودت به راه درست راهنمایی کن، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و سلامتی دل‌های ما را در ذکر عظمت ذات مقدس خودت قرار بده و یگانه وسیله آرامش بدن‌های ما را شکرگزاری نعمتها و الطاف خودت مقرر فرما و زبان ما را به ذکر اوصاف جلال خودت بگشا، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و ما را از کسانی قرار ده که مردم را به سوی تو می‌خوانند و بندگانت را به شناخت و معرفت هدایت می‌کنند و از جمله خاصان و مقربان در گاهت محسوب کن ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

شگفتا از این همه شکوه ایمان و عجا از این همه عظمت محبت به خدا!! آیا کسی را دیده‌اید که همچون امام سجاد علیه السلام در مودت و اخلاصش به خدا این قدر گداخته و ذوب شده باشد که براستی اعتقاد دارد که تمام اسباب و عوامل رویدادها به دست خداست و جز او نیرو و توانی نیست و از این رو تمام آمال و آرزوها و آرمان و امیدش را متوجه او کرده است و بس.

(۱)

### دعای امام در صبح و شام

از مهمترین دعا‌های امام زین العابدین علیه السلام این دعای شریف است، آن حضرت این دعا را هر بامداد و شامگاه می‌خواند و

این دعا مشتمل بر دلایل متقنی است بر وجود آفریدگار و بر قدرت عظیم او.

«الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته و ميز بينهما بقدرته و جعل لكل واحد منهما حداً محدوداً و امداً ممدوداً يولج كل واحد منهما في صاحبه و يولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد في ما يغذوهم به و ينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من حركات التعب تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۷۹»

و نهضات النَّصب و جعله لباساً ليلبسوا من راحته و منامه فيكون ذلك جماماً و قوّة و لينالوا به لذّة و شهوةً و خلق لهم النهار مبصراً ليتتغوا فيه من فضله و ليتسببوا الى رزقه و يسرحوا في ارضه طلباً لما فيه نيل العاجل من دنياهم و درك الأجل في اخراهم بكل ذلك يصلح شأنهم و يبلوا اخبارهم و ينظر كيف هم في اوقات طاعته و منازل فروضه و مواقع احكامه ليجزى المذنب أساءوا بما عملوا و يجزى الذين احسنوا بالحسنى ...»

(۱) «حمد و سپاس خداوندی را سزاست که شب و روز را به قدرت خود آفرید و با قدرت اراده و توانایش میان آنها فرق گذاشت، و برای هر کدام حد معین و امتداد زمانی مشخصی را تعیین کرد، و آنها را در یکدیگر داخل کرد، و این کار را به خاطر آن کرد تا زندگی برای بندگان آسان شود و بتوانند غذا و وسایل زندگی برای خود فراهم کنند؛ پس شب را آفرید تا به وسیله استراحت و خواب، از رنج و تلاش روزانه آسوده باشند و همچنین بتوانند از حلال خود لذت ببرند و زمینه بقای نسل فراهم شود، و روز را روشن ساخت تا موجودات و انسانها در طلب روزی و کسب معاش برآیند و از فضل و کرم خدا برخوردار گردند و در روی زمین به گردش و سیاحت پردازند تا هم برای زندگی دنیای خود بکوشند و هم وسیله آسایش و راحتی خود را در آخرت فراهم آورند و تا بندگان را بدان وسیله آزمایش کند تا معلوم شود که چگونه در اوقات معین برای ادای تکالیف و انجام واجبات استفاده می‌کنند که در روز جزا آنان که بدی کرده‌اند به جزای عمل بدشان بدشان برسند و آنان که کار نیک انجام داده‌اند پاداش نیکوکاری خود را ببینند.»

اما این فرازها خود از جمله دلایل توحید اسلامی هستند که بر اساس تفکر و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۰»

حس استوار است و ایمان به خدا از نظر دین مبین اسلام یک اصل تقلیدی و یا یک خصلت عاطفی نیست بلکه بر محکمترین دلایل استوار است که این ادله از هر دلیلی قابل قبول تر و اصیلتر می‌باشد.

امام آگاه و بصیر در این بخش از دعا، توجهی به عالم هستی و زندگی فرموده و ایمان عمیق خود را نسبت به خدای متعال بر این اساس استوار کرده؛ به شب و روز نگریسته است که بر یک مسیر و جریان مرتبی استوارند و ناخودآگاه پیوسته به راه خود ادامه می‌دهند؛ قرآن مجید این مسأله را در آیه شریفه اعلان فرموده، می‌گوید:

«لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ.» (۱)

«نه آفتاب را می‌سزد که ماه را دریابد و نه شب می‌تواند بر روز سبقت گیرد و هر کدام در گردونی بخصوص رفت و آمد می‌کنند.» (۱) برآستی کیست که این گردش را مرتب کرده و به وجود آورده و با این دقت محیر العقول تنظیم نموده است؟ که به اندازه جوی بلکه به مقدار ثانیه‌ای از آن مقدار تنظیم یافته تجاوز نمی‌کند ... البته که او کسی جز خداوند بزرگ، خداوند هستی بخش کس دیگری نیست! امام علیه السلام در این قسمت از دعایش فواید زندگی را، در حرکت شب و روز، برای انسان برشمرده و می‌فرماید؛ خداوند متعال شب را آفریده تا وسیله استراحت از رنج و تلاش روزانه باشد و آن را لباس و پوششی برای بندگان قرار داده تا آسایش و نیرو برای خود فراهم آورند اما روز را آفرید تا روشن و قابل دیدن باشد، انسانها از فضل و کرم خدا برخوردار باشند و در طلب روزی و کسب معاش برآیند؛ کشت و زرع کنند و یا به کار و تجارت پردازند و به دیگر کارهایی که راه

(۱) سوره یس / ۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۱

به دست آوردن روزی است اشتغال ورزند تا زندگی ایشان در روی این زمین که به سر می‌برند برقرار بماند. و اینکه به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

«اللهم فلك الحمد على ما فلقت لنا من الإصباح و متعتنا به من ضوء النهار و بصرتنا من مطالب الأوقات و وقتنا فيه من طوارق الآفات اصبحنا و اصبحت الأشياء كلها بجملتها لك سماؤها و ارضها و ما بثت في كل واحد منهما ساكنه و متحرّكه و مقيمه و شاخصه و ما علا في الهواء و ما كنّ تحت الثرى أصبحنا في قبضتك يوحينا ملكك و سلطانك و تضمنا مشيتك و نتصرّف عن امرك و نتقلّب في تدبيرك ليس لنا من الأمر إلّا ما قضيت و لا من الخير إلّا ما اعطيت و هذا يوم حادث جديد و هو علينا شاهد عتيد ان احسنّا و دعنا بحمد و إن أسأنا فارقنا بدمّ.

اللهم صلّ على محمّد و آله و ارزقنا حسن مصاحبه و اعصمنا من سوء مفارقه بارتكاب جريره او اقتراف صغيره او كبيره و اجزل لنا فيه من الحسنات و اخلنا فيه من السيئات و املاً لنا ما بين طرفيه حمدا و شكرا و اجرا و ذخرا و فضلا و احسانا اللهم يسّر على الكرام الكتابين مؤنثنا و املاً- لنا من حسناتنا صحائفنا و لا- تخزنا عندهم بسوء اعمالنا اللهم اجعل لنا في كلّ ساعة من ساعاته حظاً من عبادتك و نصيباً من شكرك و شاهد صدق من ملائكتك اللهم صلّ على محمّد و آله و احفظنا من بين ايدينا و من خلفنا و عن أيماننا و عن شمائلنا و من جميع نواحيننا حفظا عاصما من معصيتك هاديا الى طاعتك مستعملا لمحبتك.

اللهم صلّ على محمّد و آله و وقّنا في يومنا هذا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۲

و ليلتنا هذه و في جميع ايامنا لاستعمال الخير و هجران الشرّ و شكر النعم و اتباع السنن و مجانبة البدع و الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و حياطة الإسلام و انتقاص الباطل و اذلاله و نصره الحقّ و اعزازه و ارشاد الضالّ و معاونة الضعيف و ادراك اللّهيّف.

اللهم صلّ على محمّد و آله و اجعله أيمن يوم عهدناه، و أفضل صاحب صحبناه و خير وقت ظللنا فيه و اجعلنا من ارضى من مرّ عليه اللّيل و النهار من جمله خلقك، أشكرهم لما أوليت من نعمك و اقومهم بما شرّعت من شرائعك و اوقفهم عمّا حذرت من نهيك اللهم انّی اشهدك و كفی بك شهيدا و أشهد سماءك و ارضك و من اسكنتهما من ملائكتك و سائر خلقك في يومی هذا و ساعتی هذه و ليلتی هذه و مستقرّی هذا انّی اشهد أنّك انت الله الذي لا اله الا انت قائم بالقسط عدل في الحكم رءوف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق و انّ محمّدا عبدك و رسولك و خيرتك من خلقك حملته رسالتك فاذاها و امرته بالنصح لأمته فنصح لها.

اللهم فصلّ على محمّد و آله اكثر ما صلّيت على احد من خلقك و آته عنّا افضل ما آتيت احدا من عبادك و اجزه عنّا افضل و اكرم ما جزيت احدا من انبيائك عن امته أنّك انت المنان بالجسيم الغافر للعظيم و انت ارحم من كلّ رحيم فصلّ على محمّد و آله الطيبين الطاهرين الأخيار الانجيين. «(۱)»

(۱) صحيفه سجّاديه: دعای ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۳

(۱) «خداوندا پس حمد و سپاس تو را سزااست از آن جهت که گریبان صبح را شکافتی و ما را از روشنایی روز بهره‌مند ساختی و در اثر تابش نور به ما بصیرت دادی تا بتوانیم در پی روزی خود برآییم و در ساعات روز از آفات و حوادث ناگوار ما را محفوظ بداری، و تمام موجودات عالم از آسمانها گرفته تا زمین و آنچه که در هر یک از آنها چه به حال حرکت و یا در حال سکون و یا در حال قیام و یا به صورت شاخص و در حال سفر، همگی ملک تو هستند و در اختیار تو می‌باشند؛ ابرهای آسمان و آنچه در فضا

بالا- می‌رود چه ساکن و یا متحرک و هر چه که در دل زمین قرار دارد، همگی ما شب را به صبح رساندیم در حالی که همه در قبضه قدرت کامل تو هستیم و تحت سلطنت تو قرار داریم و همیشه قدرت تو بر ما محیط است و مشیت و اراده توست که ما را پدید آورده و به پیروی از سنت آفرینش تو همه، شب را به روز و روز را به شب آورده‌ایم و اعمال و حرکات ما موجودات از اراده تو ناشی می‌شود و همگی مقهور اراده و تقدیر تو هستیم و هیچ چیزی به ما نمی‌رسد مگر تو عطا می‌کنی و امروزی که ما در آن هستیم، بر افعال و کردار ما شاهد و گواه است که اگر ما امروز کارهای نیک انجام دادیم ما را با حمد و سپاس وداع می‌کند و اگر کارهای بد انجام دادیم با نکوهش و مذمت از ما جدا می‌گردد.

(۲) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و توفیق ده تا در این روز جدید با اعمال نیک با آن روبرو شویم و مگذار که با انجام کارهای بد از امروز جدا گردیم و از ارتکاب گناهان صغیر و یا کبیره مصون باشیم و اعمال نیک زیادی در این روز داشته باشیم و از اعمال و کردار بد برکنار بمانیم، خداوندا به ما توفیق بده تا همه ساعت‌های امروز را از صبح تا به شب در کارهای خیر صرف کنیم و به حمد و سپاس تو و فراهم آوردن اجر و پاداش اخروی و فضل و احسان بگذرانیم، خداوندا به ما توفیق ده تا با ترک گناهان فرشتگان کاتب اعمال را از نوشتن گناهانمان رنجیده

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۴

نسازیم و نامه اعمال ما را در امروز مملو از کار خیر و ثواب کن و ما را در نزد فرشتگان به واسطه کثرت گناه خوار و ذلیل مفرما، خداوندا در هر یک از ساعات امروز ما را موفق بدار تا با اعمال نیک خود از بهره‌ای که بندگان صالح تو دارند ما نیز بهره‌مند شویم و از شکر و سپاست نصیبی داشته باشیم و بتوانیم ملائکه را شاهد صادق بر این شکرگزاری و عمل نیکمان قرار دهیم. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و ما را از طرف روبرو، پشت سر، سمت راست و طرف چپ و از همه طرف در حفظ و حمایت خودت قرار بده و از ارتکاب گناه مصون بدار و به اطاعت از او امرت هدایت کن و در راه محبت خودت به کارمان وادار.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و امروز و امشب و همه روزها ما را به انجام کارهای نیک موفق بدار و از شرّ و بدی دور کن و ما را سپاسگزار نعمتها و پیرو سنتها و احکام خودت و به دور از بدعت‌گذاریهای در دینت قرار ده و توفیق امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و از بین بردن باطل و خوار ساختن گمراهان و یاری حق و بزرگداشتن آن و هدایت گمراهان و یاری مظلومان و کمک به دردمندان به همه ما مرحمت بفرما.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و امروز را مبارکترین روز و بهترین مصاحب ما و بهترین اوقاتی قرار ده که ما می‌گذرانیم و ما را از خشنودترین بندگان قرار ده که از گذشت شب و روز خود راضی هستند، و از سپاسگزارترین بندگان در برابر نعمتهای خودت و از استوارترین افراد در اجرای احکامات و از خوددارترین کسان از نافرمانیهای مقرر فرما، خداوندا من تو را گواه می‌گیرم و با این که گواهی تو تنها کافی است با این همه، آسمانها و زمین و ساکنان آنها از ملائکه و سایر مخلوقات را در این روز و در این ساعت و در این شب و این مکانی که ساکنم گواه می‌گیرم که من شهادت می‌دهم که تو خداوند یکتایی و جز تو خدایی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۵

نیست و در میان مخلوقات به انصاف و عدالت حکم می‌کنی و نسبت به بندگان رءوف و مهربانی، مالک تمام عالم هستی تویی و به همه موجودات براستی عنایت و لطف داری و گواهی می‌دهم که محمد- صلی الله علیه و آله- بنده و فرستاده تو و بهترین خلق توست که او را برگزیده‌ای و او را حامل رسالت خود قرار داده‌ای و او بخوبی این وظیفه را انجام داد و به او امر کردی تا امت خویش را با خیرخواهی و اندرز هدایت کند و او دستور تو را به ایشان رساند.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش رحمت و درود بفرست بیش از آنچه که بر فردی از مخلوقات می‌فرستی و از طرف ما بهترین پاداشی

را که به پیامبری از طرف امتش عطا می‌کنی عطا کن و بالاترین و ارزنده‌ترین پاداش را به او مرحمت نما که تو بخشنده بزرگ و آمرزنده گناهان و مهربانترین مهربانانی، پس بر محمد و آل نیکوکارش و آن پاکان و نجیب‌ترین مردمان درود و رحمت بفرست.» امام علیه السلام، در این بخش از دعاهای خود از این که تمام اشیاء در برابر قدرت و اراده خدا سر تسلیم فرود آورده و در پیشگاه او خاضعند سخن گفته است و این که اوست که به هر نحو بخواهد دخل و تصرف می‌کند و پس از آن شروع می‌کند به درخواست توفیق از خدا برای انجام کار خیر و دوری از شرّ و بدی و شکر نعمتها و پیروی از سنتهای الهی و اجتناب از بدعتها و انجام امر به معروف و نهی از منکر و حمایت از اسلام و محو کردن باطل و یاری و بزرگداشت حق و راهنمایی و هدایت گمراهان و کمک به ضعیف و یاری مظلوم و دیگر اعمال نیک و اخلاق فاضله‌ای که باعث رفعت مقام انسان می‌شود. امام علیه السلام در این دعا زیباترین و بلیغترین الفاظ و عبارات را برگزیده و قابل توجه است که در کلام عرب پس از قرآن و نهج البلاغه سخنی بلیغتر و فصیحتر از این دعا وجود ندارد.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۶

(۱)

### دعاهای امام برای عاقبت به خیری

از بهترین دعاهای امام یکی این دعای شریف است، امام علیه السلام بدان وسیله از خداوند متعال خواسته است تا به لطف خود عاقبت او را ختم به خیر کند به این شرح:

«یا من ذکره شرف للذاکرین و یا من شکره فوز للشاکرین و یا من طاعته نجاه للمطیعین صلّ علی محمد و آله و اشغل قلوبنا بذکرک عن کلّ ذکر و ألسنتنا بشکرک عن کلّ شکر و جوارحنا بطاعتک عن کلّ طاعة فان قدرت لنا فراغا من شغل فاجعله فراغ سلامة لا تدرکنا فيه تبعه و لا تلحقنا فيه سامة حتى ينصرف عنا کتاب السیئات بصحيفة خالية من ذکر سیئاتنا و يتولّى کتاب الحسنات عنا مسرورین بما کتبوا من حسناتنا و اذا انقضت ایام حیاتنا و تصرّمت مدد اعمارنا و استحضرتنا دعوتک الّتی لا بدّ منها و من اجابتها فصلّ علی محمد و آله و اجعل ختام ما تحصی علینا کتبه اعمالنا توبه مقبولة لا توقفنا بعدها علی ذنب اجترحناه و لا معصیة اقترفناها، و لا تکشف عنا ستره علی رءوس الأشهاد یوم تلبو اخبار عبادک أنّک رحیم بمن دعاک و مستجیب لمن ناداک.» (۱)

«ای خدایی که یاد تو شرف و بزرگی برای گویندگان است و ای خدایی که شکر نعمتهای تو رستگاری برای سپاسگزاران و ای آن که اطاعت و فرمانبرداری از تو سبب نجات اطاعت کنندگان است، بر محمد و آلش تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۲۸۶ دعاهای امام برای عاقبت به خیری ..... ص: ۲۸۶»

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای یازدهم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۷

درود و رحمت فرست و دلهای ما را چنان به فکر و ذکر خودت مشغول کن که از یاد هر چیز دیگر بازماند و زبان ما را چنان به شکرگزاری نعمتهایت مشغول کن که هیچ‌گاه به شکر دیگری نرسد و اعضا و جوارح ما را چنان به طاعت و بندگی خودت سرگرم کن که از اطاعت غیر تو بازماند، خداوندا اگر ما قرار است که فراغت و فرصتی داشته باشیم آن فراغت را زمان سلامتی ما قرار بده تا رنج و ناراحتی در پی نداشته باشد و کار بد و ناروا از ما سر نزند بطوری که فرشتگان کاتب بدیها، با نامه خالی از گناه ما را ترک گویند و فرشتگان نویسنده حسنات با شادمانی و سرور ما را ترک کنند و زمانی که روزهای زندگی ما به پایان می‌رسد و



مدت عمر ما سپری می‌شود، به دعوتی که همه مردم در پذیرش آن دعوت شریکند به پیشگاه تو حاضر شویم در آن وقت بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و توفیق بده تا آخرین عملی که از ما سر می‌زند و نویسنندگان اعمال، آن را در آخر نامه عمل ما می‌نویسند، توبه قبول شده، باشد و پس از آن گناهی از ما سر نزنند که نامه اعمال ما را خدشه‌دار کند و مرتکب خلافی بشویم. خداوندا در روز محشر آن روزی که اهل محشر از اعمال یکدیگر باخبر می‌شوند ما را رسوا و بی‌آبرو مکن، زیرا که تو در حق کسی که از تو یاری بطلبد و درخواست کند مهربانی و ندای درخواست کنندگان را اجابت می‌کنی.»

(۱) آیا کسی را تا این حد از اخلاص به خدا دیده‌اید؟ و آیا تا به این حد فانی شدن در محبت و دوستی خدا از کسی سراغ دارید؟ براستی امام علیه السلام از خداوند خواسته تا زندگی او را ختم به خیر کند و به او توبه نصوح روزی فرماید تا از هول و هراسهای آخرت نجات یابد و از عذاب قیامت خلاصی پیدا کند و چشمش به بهشت برین روشن گردد و دلش شادمان شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۸

(۱)

### دعای امام در طلب توبه

امام علیه السلام این دعا را می‌خواند و از خداوند متعال درخواست می‌کرد تا بر او منت بگذارد و توفیق توبه و آمرزش مرحمت کند:

«اللَّهُمَّ أَنَّهُ يَحْجِبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلالَ ثَلَاثٍ وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ يَحْجِبُنِي أَمْرٌ بِهَا فَابْطَأْ عَنِّي وَ نَهِي نَهِيْتِي عَنِّي فَاسْرِعْ إِلَيْهِ وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصِّرْ فِي شُكْرِهَا وَ يَحْدُونِي عَلَيَّ مَسْأَلَتُكَ تَفْضُّلُكَ عَلَيَّ مِنْ أَقْبَلِ بِوَجْهِهِ عَلَيْكَ وَ وَفِدٌ بِحَسَنِ ظَنِّهِ عَلَيْكَ إِذْ جَمِيعٌ إِحْسَانُكَ تَفْضُّلٌ وَ إِذْ كَلَّ نِعْمَتُكَ ابْتِدَاءً فَهِيَ أَنَا إِذَا يَا إِلَهِي وَاقِفٌ بِبَابِ عَزْرِكَ وَ قَوْفُ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلُ وَ سَائِلُكَ عَلَيَّ الْحَيَاءُ مَنِّي سَوَالُ الْبَائِسِ الْمَعِيلِ مَقَرٌّ لَكَ بِأَنِّي لَمْ اسْتَسْلِمْ وَ قَدْ إِحْسَانُكَ أَلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عَصِيَانِكَ وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ أَمْتَانِكَ فَهَلْ يَنْفَعُنِي يَا إِلَهِي إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا أَكْتَسَبْتُ وَ هَلْ يَنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقُبْحِ مَا ارْتَكَبْتُ أَمْ أُوجِبُ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سَخَطُكَ أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دَعَائِي مَقْتُكَ سَبْحَانِكَ لَا أَيْسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ عَلَيْكَ بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخَفِّ بِحَرَمَةِ رَبِّهِ الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ وَ أَدْبَرَتْ أَيْامُهُ فَوَلَّتْ حَتَّى إِذَا رَأَى مَدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ وَ غَايَةَ الْعَمْرِ قَدْ انْتَهَتْ وَ يَقْنُ أَنَّهُ لَا- مَحِيصٌ لَهُ مِنْكَ وَ لَا- مَهْرَبٌ لَهُ عِنْدَكَ تَلْقَاكَ بِالْإِنَابَةِ وَ إِخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ فَمَامَ عَلَيْكَ بِقَلْبِ طَاهِرٍ نَقِيٍّ ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ حَائِلٍ خَفِيٍّ قَدْ تَطَاوَأَ لَكَ فَانْحَنِ وَ نَكْسِ رَأْسَهُ فَانْتَنَى وَ قَدْ ارْعَشْتَ خَشِيْتَهُ رَجْلِيهِ وَ غَرَقْتَ دُمُوعَهُ خَدْيَهُ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۹

یدعوك بيا ارحم الراحمين و يا ارحم من انتابه المسترحمون و يا اعطف من اطاف به المستغفرون و يا من عفوه اكثر من نعمته و يا من رضاه اوفر من سخطه و يا من تحمده الى خلقه بحسن التجاوز و يا من عود عباده قبول الإنابة و يا من استصلح فاسدهم بالتوبة و يا من رضى من فعلهم باليسير و يا من كافي قليلهم بالكثير و يا من ضمن لهم اجابة الدعاء و يا من وعدهم على نفسه بتفضله حسن الجزاء ما انا باعصى من عصاك فغفرت له و ما انا بالوم من اعتذر اليك فقبلت منه و ما انا بأظلم من تاب اليك فعدت عليه اتوب اليك فى مقامى هذا توبه نادم على ما فرط منه مشفق مما اجتمع عليه خالص الحياء مما وقع فيه عالم بان العفو عن الذنب العظيم لا يتعاطمك و ان التجاوز عن الإثم الجليل لا يستصعبك و ان احتمال الجنايات الفاحشه لا يتكادك و ان احب عبادك إليك من ترك الاستكبار عليك و جانب الإصرار و لزم الاستغفار و أنا ابرا اليك من ان استكبر و اعوذ بك من ان اصبر و استغفرك لما قصرت فيه و استعين بك على ما عجزت عنه.

اللهم صلّ علی محمّد و آله و هب لی ما یجب علیّ لک و عافنی ممّا استوجبه منک و أجزنی ممّا یخافه اهل الإساءة فانّک ملیء بالعفو مرجوّ للمغفرة معروف بالتجاوز لیس لحاجتی مطلب سواک و لا لذنبی غافر غیرک حاشاک و لا اخاف اخاف علی نفسی الاّ ایتاک انّک اهل التّقوی و اهل المغفرة و صلّ علی محمّد و آل محمّد و اقض حاجتی و انجح طلبتی و اغفر ذنبی و آمن خوف نفسی انّک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۰

علی کلّ شیء قدیر و ذلک علیک سیر آمین ربّ العالمین. (۱)

(۱) «خداوند! سه چیز مرا از درخواست و مراجعه به درگاه تو بازمی‌دارد و از نعمت مناجات محروم می‌کند ولی یک عامل مرا وادار می‌کند، اما آن سه عامل که مانع من است این است که تو مرا به اطاعت از او امر خویش دستور داده‌ای و من کوتاهی کرده‌ام، دیگر این که مرا از ارتکاب گناهان نهی فرموده‌ای و من در ارتکاب آن گناهان شتاب کرده‌ام، و تو نعمت بی‌شماری به من مرحمت کرده‌ای ولی من در سپاسگزاری از آنها کوتاهی کرده‌ام. اما آن عاملی که مرا به مسألت از درگاهت وادار می‌کند لطف و عنایت تو نسبت به کسانی است که رو به درگاه تو آورده و با حسن ظن دست نیاز به سوی تو دراز می‌کنند، زیرا هر چه به بندگان احسان کنی همه از فضل و کرم توست و هر نعمتی که به بندگان مرحمت کنی، تازه و بی‌سابقه است، پس ای خدای مهربان من یکی از آن بندگان هستم که در پیشگاهت با منتهای خجالت و سرافکنندگی و با حال عجز و فقر و با آوار به اعمال ناروا ایستاده‌ام اعتراف دارم که تا از گناهان خودم را بری نسازم و خودم را برای آینده به نحوی آماده نکنم که از سپاس نعمتهایت غفلت نکنم شایسته احسان تو نیستم، پس خداوند! آیا این اعتراف و اقرار خالصانه‌ام به آن اعمال گذشته‌ام مفید است یا نه؟ آیا از نتایج بد آن اعمال نجاتم می‌دهد یا نه؟ و یا آن که بازهم خشم تو در اثر نافرمانی گذشته‌ام فرا خواهد گرفت؟ و بازهم در وقت تقاضا و در این حال از من ناراضی خواهی بود؟ خداوند! تو منزّه‌ای، و من با همه گناهان و غفلت‌ها از لطف و احسان تو ناامید نیستم زیرا تو در توبه را به روی من باز گذاشته‌ای، بلکه مانند تضرع یک بنده ذلیل که به خودش ستم کرده و به

(۱) صحیفه سجاده‌یه: دعای دوازدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۱

مقام پروردگارش اهانت کرده، عرض می‌کنم: (۱) خداوند! من آن بنده‌ای هستم که گناهان بزرگی مرتکب شده و مدّت عمرش به پایان رسیده و اکنون بازگشته و چون راه گریزی نداشته ناچار با توسل به توبه و تضرّع به پیشگاهت آمده و خالصانه توبه می‌کند و بدون هر گونه شبهه‌ای تو را با صدای ضعیف می‌خواند در حالی که از خجالت گناه سر به زیر افکنده و پشت به طاعت خم کرده و از وحشت و اضطراب پاهایش می‌لرزد و اشک چشمانش به رخسارش جاری است و تو را با نام یا ارحم الراحمین می‌خواند و ای مهربانترین کسی که متقاضیان ترحم و بخشش فقط از او طلب بخشش می‌کنند و ای باعاطفه‌ترین کسی که استغفارکنندگان به گرد او می‌گردند و از او آمرزش می‌طلبند و ای خدایی که بخشش او بیش از غضبش و لطف و کرمش بیشتر از قهرش می‌باشد و ای که بندگان همواره به دلیل عفو و گذشت از گناهان و آمرزش توبه‌کاران، به حمد و ستایش تو مشغولند و ای خدایی که بندگان خود را به پذیرش توبه عادت داده‌ای و ای بخشنده‌ای که اعمال بد بندگان را به وسیله توبه اصلاح کرده‌ای و ای که به اعمال اندک و اطاعت ناچیز بندگان خشنود و طاعت آنان را به کرم خویش پاداش بزرگ عطا می‌کنی و ای آن که اجابت درخواست بندگان را ضمانت کرده‌ای و ای خدای مهربان که با فضل خود به بندگان در برابر اعمال نیک و عده پاداش نیکو داده‌ای. خداوند! من گنهکارتر از کسانی که گناه آنان را بخشیده‌ای نیستم و اعمال من بدتر از اعمال کسانی که از گناهان خود طلب عفو و توبه کردند و تو عذر آنها را پذیرفتی، نیست و من ستمکارتر از آنانی که به درگاهت آمده و زاری کرده‌اند و تو هم به ایشان احسان

کرده‌ای نیستم، پس هم‌اکنون در اینجا با این حالت به سوی تو بازگشته‌ام و توبه می‌کنم همچون کسی که از گذشته خویش پشیمان و از اعمالی که مرتکب شده نادم و شرمنده است و می‌داند که عفو و بخشش از گناهان بزرگ در نزد لطف بیکران تو مهم تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۲

نیست و چشم‌پوشی از گناهان عظیم او در نزد تو آسان است و می‌داند که تحمیل و بردباری در برابر جنایات بد او تو را رنج نمی‌دهد، خداوند با علم به این که به بهترین بندگان در پیشگاه تو کسی است که در مقام بندگی تو کبر و خودخواهی او را نگیرد و با کمال خضوع و پافشاری به سوی تو می‌آید تا با استغفار و اظهار ذلت، عزت و شرف خود را بازیابد و از اصرار به گناه به تو پناه آورده‌ام و از کوتاهی در انجام وظیفه استغفار می‌کنم و از آنچه ناتوانم از تو کمک می‌طلبم.

(۱) خداوند بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و در انجام طاعت خودت به من توفیق ده و مرا از گناهانی که باعث مجازات است بازدار، و از ارتکاب اعمالی که گنهکاران از انجام آنها بیمناکند مرا ایمن گردان زیرا که عفو و بخشش تو فراوان است و هر گنهکاری به آمرزش تو امیدوار است زیرا توبه گذشت و بخشش معروفی، خدایا من مطلوبی جز تو و برای گناهانم بخشنده‌ای غیر از تو نمی‌شناسم و بر خود جز از عذاب تو بیمی ندارم چه آن که تو اهل تقوا و بخششی، پس بر محمد و آلش درود فرست و حاجتم را برآور و مرا در تقاضایی که دارم موفق بدار و گناهم را ببخش و از بیم نفسم در امان بدار زیرا که تو بر هر کاری توانایی و این درخواستهای من بر تو بسی آسان است، دعای مرا مستجاب کن ای پروردگار جهانیان ...»

(۲) امام سجاد علیه السلام در این دعای شریف باب گفتگوی با خدا را که - به نظر من - راه تازه و بی‌سابقه و نشناخته‌ای بوده است به روی بندگان گشوده که جز در سخنان امام امیر المؤمنین علیه السلام در پاره‌ای از دعاهایش، در زبان عربی نمونه ندارد ... امام علیه السلام عواملی را که باعث جلوگیری از درخواست و مسألت اوست و همچنین راهی را که راه مسألت را هموار می‌کند به خدا عرضه می‌کند و آن را به صورت مفصل و مهیج مطرح می‌سازد، در حالی که از خداوند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۳

درخواست توبه و عفو و بخشش دارد و به زبان شخص بیمناک و خوار و درمانده در پیشگاه خدای تعالی سخن می‌گوید در حالی که کمرش خمیده و سرافکنده و بدنش لرزان و اشکهایش جاری؛ با گریه و زاری و نسبت به تقصیراتی که داشته است پشیمان است و به خاطر کوتاهی در حق خدای تعالی می‌نالد و طلب آمرزش می‌کند، در حالی که آن حضرت سرور ساجدان و پیشوای پرهیزگاران و رهبر موحدان است آری کدام روح ملکوتی است این روح بزرگی که برای تعظیم و تجلیل در برابر آفریدگار بزرگ این قدر کوچک و ذوب شده است؟

(۱)

### دعای امام به هنگام بیماری

امام علیه السلام وقتی که مریض می‌شد و یا غم و گرفتاری پیش می‌آمد این دعا را به شرح ذیل می‌خواند:

«اللهم لك الحمد على ما لم ازل اتصرف فيه من سلامة بدني، و لك الحمد على ما احدثت بي من علة في جسدي فما أدري، يا الهی، ای الحالین احق بالشكر لك و ای الوقتین اولی بالحمد لك؟ أ وقت الصیحة الّتی هتاتنی فیها طیبات رزقك، و نشطنتی بها لا بتغاء مرضاتك و فضلک، و قوینتی معها علی ما وفقتنی له من طاعتك؟

ام وقت العلة الّتی محصنتی بها، و النعم الّتی اتحفتنی بها تخفیفا لما ثقل به ظهري من الخطیئات و تطهیرا لما انعمت فی من السیئات، و تنبیها لتناول التوبة، و تذكیرا لمحو الحوبة بقدم النعمة و فی خلال ذلك ما كتب لی الکاتبان من زکی الأعمال، ما لا قلب فکّر فیها،

و لا لسان نطق به و لا جارحة تكلفته بل افضالا منك عليّ، و احسانا من صنعك اليّ.

اللّهم فصلّ على محمّد و آله و حبّب اليّ ما رضيت لي،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۴

و یسرّ لی ما احللت بی و طهرنی من دنس ما اسلفت، و امح عنّی شرّ ما قدّمت، و اوجدنی حلاوة العافیة، و اذقنی برد السّلامه و اجعل مخرجی عن علّتی الی عفوک و متحوّلی عن صرعتی الی تجاوزک و خلاصی من کربی الی روحک و سلامتی من هذه الشّدة الی فرجک أنّک المتفضّل بالإحسان المتطوّل بالامتنان الوهّاب الکریم ذو الجلال و الإکرام.» (۱)

«خداوندا همواره از تو در مقابل نعمت سلامتی که به من داده‌ای سپاسگزارم، و برای بیماری که در بدنم ایجاد می‌کنی سپاس می‌گویم و نمی‌دانم خداوندا کدام یک از این دو حالت سزاوار شکر و سپاس بیشتری است، آیا حالت سلامتی که من از نعمتهای خوب زندگی بهره‌مندم؟ که بدان وسیله به من نشاط و شادمانی داده و این تندرستی مرا به برخورداری از فضل و کرم یاری می‌کند؟ و بدان وسیله نیرومندم ساخته و موفق به اطاعت خود می‌گردانی؟ و یا هنگام بیماری که آن نیز لطفی است و بدان وسیله از گناهان قبلی پاک می‌شوم و آن گناهانی را که بر دوش من سنگینی می‌کند، تخفیف می‌دهی و در وقت بیماری به یاد نعمتهای خود انداخته و گناهان را محو می‌کنی و در اوقات بیماریم دو فرشته نویسنده اعمال، خوبیهایی را در نامه عملم می‌نویسند که نه به قلبم خطور کرده و نه به زبان آورده‌ام و نه با اعضا و جوارح انجام داده‌ام بلکه تنها لطف و احسانی است که از جانب خود بر من ارزانی داشته‌ای.

(۱) پس خداوندا بر محمّد و آلش درود فرست و هر چه را که مورد رضای توست در نظرم محبوب گردان و رنج و مشقتی را که به من می‌رسد، آسان فرما و در اثر تحمّل رنج و زحمت از پلیدی گناهان گذشته‌ام پاک ساز و

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پانزدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۵

آثار آن شرارتهای قبلی را از من دور کن و بر من لذت سلامتی و عافیت را بچشان و از بیماری نجاتم ده و به سوی عفو و بخشش خودت رهنمون باش و این حال بیماری و افتادگی را وسیله آمرزش و گذشت خودت قرار بده و مرا پس از بهبودی از غمهایی که دارم به یاد ذات پاکت و رحمت واسعه خودت خلاصی بخش و از این شدت و سختی به فرج و گشایشم متحوّل کن و به ساحل تندرستی برسان، زیرا که تو صاحب فضل و کرمی و پربخشنده و صاحب احسان و بخششی.»

(۱) امام علیه السلام ایمان راستین دارد و بی‌هیچ تردیدی معتقد است که تندرستی و سلامتی و بیماری و مرض، همه اینها در ید قدرت خدای متعال است و اوست که تندرستی و عافیت می‌دهد و از بندگان هر که را اراده کند به بیماری و درد مبتلا می‌کند، از این رو امام علیه السلام در هر دو حالت سپاسگزار پروردگار خود می‌باشد؛ در حال سلامتی او را سپاس می‌گوید به خاطر آن که از روزیهای خوب و پاکیزه او را برخوردار کرده و به او نشاط بخشیده است تا در راه رضای او بکوشد و نیرو داده تا به طاعت و عبادت او مشغول شود و در اوقات بیماری او را سپاس می‌گوید زیرا که بیماری باعث تخفیف گناهان و پاک شدن او از آلودگی به گناه است و هشداری برای اقدام به توبه و بازگشت به سوی خداست. امام علیه السلام پس از اینها از خداوند درخواست کرده است تا طعم سلامتی و عافیت را به او بچشانند و از غمها و بلاها برکنار فرماید و از نعمت فرج و گشایش او را برخوردار سازد.

(۲)

از جمله دعا‌های دلپسند امام علیه السلام این دعاست که در وقت تقاضای عفو از گناهان و یا هنگام تضرع در پیشگاه خدا جهت نادیده گرفتن معایبش - بطوری که در صحیفه عنوان شده - این دعا را به شرح ذیل می‌خواند:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۶

«اللهم یا من برحمته يستغيث المذنبون و یا من الی ذکر احسانه یفرع المضطرون و یا من لخيفته ينتخب الخاطئون یا انس کلّ مستوحش غریب و یا فرج کلّ مکروب کئیب و یا غوث کلّ مخذول فرید و یا عضد کلّ محتاج طرید انت الذی وسعت کلّ شیء رحمة و علما و انت الذی جعلت لکلّ مخلوق فی نعمک سهما و انت الذی عفوه اعلى من عقابه و انت الذی تسعی رحمته امام غضبه و انت الذی عطاؤه اکثر من منعه و انت الذی اتسع الخلاق کلهم فی وسعه و أنت الذی لا یرغب فی جزاء من اعطاه و انت الذی لا یفرط فی عقاب من عصاه و انا یا الهی عبدک الذی امرته بالدعاء فقال لئیک و سعديک ها انا ذا یا ربّ مطروح بین یدیک انا الذی اوقرت الخطایا ظهره و انا الذی افنت الذنوب عمره و انا الذی بجهله عصاک و لم تکن اهلا منه لذاک هل انت یا الهی راحم من دعاک فابلق فی الدعاء ام انت غافر لمن بکاک فاسرع فی البکاء ام انت متجاوز عمن عقر لک وجهه تذللًا؟ ام انت مغن من شکا الیک فقره توکلاً؟ الهی لا تخیب من لا یجد معطیا غیرک و لا تخذل من لا یستغنی عنک باحد دونک الهی فصلّ علی محمّد و آله و لا تعرض عنی و قد اقبلت علیک و لا تحرمنی و قد رغبت الیک و لا تجبهنی بالردّ و قد انتصبت بین یدیک انت الذی وصفت نفسک بالرحمة فصلّ علی محمّد و آله و ارحمنی و انت الذی سمیت نفسک بالعفو فاعف عنی قد تری یا الهی فیض دمعی من خيفتک و وجیب قلبی من خشیتک و انتفاض جوارحی من هیبتک کلّ ذلک حیا»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۷

منی لسوء عملی و لذلك خمد صوتی عن الجأ الیک و کلّ لسانی عن مناجاتک ...»

(۱) «ای خداوندی که گنهکاران به رحمت تو پناه می‌برند و ای خدایی که بندگان پریشان‌حال با یاد احسان تو به درگاه تو تضرع و زاری می‌کنند و ای کسی که بندگان گنهکارت از ترس عذابت می‌نالند و ای آن که هر وحشت‌زده سرگردان به تو انس می‌گیرد و ای خدایی که شادی‌بخش دل‌های پرغم و اندوهی و ای پناه هر بی‌پناه و محروم، و ای یار و یاور نیازمند رانده‌شده از همه جا، تو ای آن خداوندی که علم بی‌نهایت تو و رحمت بی‌کرانت همه جا را فرا گرفته و همه چیز را زیر پوشش خود دارد و تو هستی که با حکمت بالغهات به هر مخلوقی از نعمتهای بی‌پایان سهمی عطا کرده‌ای و تو ای که عفو و بخششت بالاتر از کیفر و عقاب توست و تو ای آن که همیشه رحمت بر خشم و غضب سبقت دارد و جود و کرمت بیش از منع و محروم داشتن توست، خداوندا تو هستی که همه مخلوقات را زیر پوشش رحمت خود قرار داده‌ای و در مقابل احسان و بخشش از کسی پاداش نمی‌خواهی و در عذاب و کیفر گنهکاران به کسی ستم روا نمی‌داری خداوندا اینک من همان بنده گنهکارم که دستور دعا داده‌ای و او نیز لئیک گفته و امر تو را اطاعت کرده است و اینک منم که در پیشگاه تو به خاک مذلت افتاده‌ام و این منم که بار خطاها و گناهان بر دوشم سنگینی می‌کند، و این منم که سراسر عمرم را در معصیت تو به هدر داده‌ام و منم آن بنده‌ای که در اثر نادانی نافرمانی تو را کرده‌ام در صورتی که تو شایسته نافرمانی و عصیان نبوده‌ای، و اینک آیا درباره کسی که با تضرع و زاری به درگاہت آمده و دعا می‌کند، ترحم می‌نمایی تا به تضرع خود بیفزایم؟ و یا کسی را که با گریه و زاری طلب بخشش می‌کند، پذیرایی، که با امیدواری به درخواست و زاریم ادامه دهیم؟ و یا آن که از گناه کسی که پیشانی بر خاک می‌ساید،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۸

درمی‌گذری و یا آن که به امید و توکل به تو از فقر و بیچارگی خود به درگاه تو شکایت دارد، بی‌نیاز می‌کنی؟ خداوندا کسی را که جز تو بخشنده‌ای سراغ ندارد، ناامید مگردان و کسی را که غیر از تو از هیچ کس رفع نیازش را نمی‌طلبد، خوار مساز پس ای

پروردگار بر محمّد و آتش درود و رحمت فرست و از من روی مگردان در حالی که من با تمام وجودم به تو رو آورده‌ام و مرا از درگاهت محروم مساز در حالی که من به تو دل بسته‌ام و دست رد به سینه‌ام مزین در حالی که با ذلّت و خواری در حضورت ایستاده‌ام زیرا که تو خود را به رحمت و بخشش ستوده‌ای! پس بر محمّد و آتش درود و رحمت فرست و مرا نیز مشمول عفو و رحمت خود بفرما و تو ای که خود را به عفو و گذشت توصیف کرده‌ای پس از گناه من در گذر، خداوند اشک چشمم را می‌بینی که از ترس عذابت به رخسارم جاری است و طپش قلبم را مشاهده می‌کنی که از خوف و خشیت تو لرزان است و تو خود شاهدی که اعضا و جوارحم از یاد هیبت تو به رعشه افتاده است، تمام اینها به خاطر شرم از گناهانی است که مرتکب شده‌ام و از این رو صدای ناله‌ام به درگاه تو ضعیف شده و زبانم از مناجات با تو لال گشته است.»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام از ایمان عظیم آن حضرت و توجه عمیق وی به خدای تعالی حکایت دارد که در تمام حالات و شئون خود و در همه گرفتاریها و شدایدش به او پناهنده می‌شود زیرا که او منبع هر فیض و نعمت و خیر است که رحمت او همه جا را فرا گرفته و همه چیز را زیر پوشش خود دارد، امام علیه السلام می‌نالد و به او متوسّل می‌شود و تذلّل و خواری می‌کند و از درگاه او طلب بخشش و توبه و آمرزش دارد. اینک به بخش دیگری از دعای امام علیه السلام گوش می‌سپاریم:

«یا الهی فلک الحمد فکم من عائبه سترتها علیّ فلم تفضحنی و کم من ذنب غطّيته علیّ فلم تشهرنی و کم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۹۹

من شائبه ألممت بها فلم تهتك عني سترها و لم تقلدني مكره شنارها و لم تبد سواتها لمن يلتمس معايبي من جیرتی و حسده نعمتك عندي ثم لم ينهني ذلك عن أن جریت الی سوء ما عهدت منی فمن أجهل منی یا الهی بر شده؟ و من اغفل منی عن حظه و من ابعده منی من استصلاح نفسه حين انفق ما اجریت علیّ من رزقك فی ما نهيتني عنه من معصيتك و من ابعده غورا فی الباطل و اشدّ إقداما علیّ السوء منی حين اقف بين دعوتك و دعوة الشیطان فأتبع دعوته علی غیر عمی منی فی معرفه به و لا نسیان من حفظی له و انا حينئذ موقن بانّ منتهی دعوتك الی الجنه و منتهی دعوته الی النار سبحانك ما اعجب ما اشهد به علی نفسي و اعدده من مكتوم امری و اعجب من ذلك اناتك عني و إبطاؤك عن معاجلتی و ليس ذلك من كرمی عليك بل تأتيا منك لی و تفضلا منك علیّ لأن ارتدع عن معصيتك المسخطة و اقلع عن سيئاتی المخلفة و لأنّ عفوك عني احب اليك من عقوبتی بل انا یا الهی اكثر ذنوبا و أفبح آثارا و اشنع افعالا و اشدّ فی الباطل تهورا و اضعف عند طاعتك تیظا و اقلّ لوعيدك انتباها و ارتقبا من ان احصى لك عیوبی او اقدر علی ذکر ذنوبی و انما اوبخ بهذا نفسي طمعا فی رأفتك الّتی بها صلاح امر المذنبین و رجاء لرحمتك الّتی بها فكاك رقاب الخاطئين ...»

(۱) «ای خداوند بخشنده، حمد و سپاس تو را سزاست، چه بسیار عیبهای مرا که پوشاندی و ما را با فاش ساختن آنها رسوا نکردی و چه بسیار گناهانم را که عفو کردی و نادیده گرفتی و در میان مردم به بدی معروفم نکردی و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۰

چه بسیار کارهای ننگ‌آلودی که مرتکب شدم و تو پرده‌داری نکردی و نشانه آنها را به گردنم نیاویختی و آنها را به همسایگان عیبجو و حسودان نعمت آشکار نساختی، وانگهی این همه لطف و کرم تو مرا از شتافتن به کارهای بد و پیمان‌شکنی بازداشت، پس خداوند چه کسی از من نادانتر بر خیر و صلاح خودش است؟ و چه کسی از من غافلتر در تشخیص بهره و سعادت خویش است؟ و چه کسی از من دورتر به اصلاح حال خودش می‌باشد؟ در حالی که هر چه نعمت به من دادی همه را در راه معصیت‌هایی که مرا از ارتکاب آنها نهی کرده بودی، صرف کردم! و چه کسی پیش از من گرفتار باطل شده و بیشتر بدرفتاری کرده است در حالی که من در میان دعوت تو به اطاعت و دعوت شیطان به معصیت قرار گرفتم و بی‌توجه به سوی دعوت شیطان رفتم، در حالی که یقین دارم دعوت تو مرا به سوی بهشت جاودانه هدایت می‌کند ولی دعوت شیطان به جانب آتش می‌کشاند، (۱) خداوند تو

پاک و منزهی چقدر شگفت آور است که من با این کار به ضرر خودم شهادت می‌دهم و این را یکی از اسرار کار خودم می‌دانم و عجیب‌تر از کار من آن است که تو در برابر نافرمانی من، حلم و بردباری می‌ورزی و در کیفر و مجازات من شتاب نمی‌کنی البته این شکیبایی تو به خاطر آن نیست که من کرامت و عزت دارم بلکه به واسطه فضل و کرم تو بر بندگان است زیرا که عفو و گذشت در نزد تو محبوبتر از عقوبت و کیفر است، بلکه ای خدای بزرگ من می‌دانم که اعمال بد من بی‌شمار است و در انجام کار باطل و زشتکاری و معصیت گستاخی من افزون بوده است اما هنگام اطاعت تو خود را ناتوان و از وعده‌های قهر تو به عاقبت کارم کم توجه و در غفلتم، من کوچکتر از آنم که عیبهایم را بشمارم و قادر به زبان آوردن گناهانم باشم ولی با این همه به خاطر امید به مهربانی تو که اصلاح کار گناهکاران بسته به رحمت توست، ضمن اقرار به گناهانم نفس خویش را سرزنش می‌کنم و به رحمت تو که تنها وسیله

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۱

نجات است امیدوارم.»

(۱) برآستی که امام علیه السلام در تمام اوقات زندگی خود هرگز مرتکب گناهی نشده و هیچ خطایی از او سر نزده است و او نهایت پرهیز را در امور دینی خود داشته و در راه و رفتارش کمال مراقبت را می‌نموده است اما از شدت خوف از پروردگار و توجه فوق العاده به او و گسستن از غیر او و پیوستن به اوست که خود را به منزله گناهکاران قرار داده و از پیشگاه خدای متعال امید عفو و رهایی و نجات از عذاب را دارد. اینک به آخرین بخش این دعا گوش فرا می‌دهیم:

«اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أُرْقَتْهَا الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ أَعْتَقْهَا بَعْفُوكَ وَ هَذَا ظَهْرِي قَدْ اِثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتَ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ اشْفَارُ عَيْنِي وَ اِنْتَجَبْتَ حَتَّى يَنْقُطَ صَوْتِي وَ قَمَتَ لَكَ حَتَّى تَتَشَرَّ قَدَمَايَ وَ رَكَعْتَ لَكَ حَتَّى يَنْخَلَعَ صَلْبِي، وَ سَجَدْتَ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حِدْقَتَايَ وَ اَكَلْتَ تَرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عَمْرِي وَ شَرِبْتَ مَاءَ الزَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي وَ ذَكَرْتَكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكُلَّ لِسَانِي ثُمَّ لَمْ اَرْفَعْ طَرَفِي اِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءَ مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتَ بِذَلِكَ مَحُو سَيِّئِهِ وَاحِدَةً مِنْ سَيِّئَاتِي وَ اِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ وَ تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ وَ لَا اَنَا اَهْلٌ لَهُ بِاسْتِجَابٍ إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارُ فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي ...»

«الهي فاذ قد تعمّدنتي بسترک فلم تفضحني و تأييتني بكرمك فلم تعاجلني و حلمت عني بتفضلك فلم تغير نعمتك علي و لم تكدر معروفك

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۲

عندی فارحم طول تضرّعی و شدّه مسکنتی و سوء موقفی اللهم صلّ علی محمد و آلہ و قنی المعاصی و استعملنی بالطّاعه و ارزقنی حسن الإنابہ و طهرنی بالتوبه بالعافیة و اذقنی حلاوة المغفرة و اجعلنی طلیق عفوک و عتیق رحمتک و اکتب لی امانا من سخطک و بشرنی بذلک فی العاجل دون الآجل بشری اعرفها و عرفنی فیہ علامه أتبینها انّ ذلک لا یضیق علیک فی وسعک و لا یتکأدک فی قدرتک، و لا یتصعّدک فی أناتک، و لا یثودک فی جزیل هباتک الّتی دلّت علیها آیاتک أنّک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید أنّک علی کلّ شیء قدیر.» (۱)

(۱) «خداوندا این گردن من است که زیر بار گناهان خم شده است پس بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و به عفو و کرم گردنم را از قید گناهان آزاد کن. خداوندا اگر من آن قدر گریه کنم که تمام مژگانم بریزد و چنان بنالم که صدایم بریده شود و چندان عبادت کنم و سرپا بایستم که گوشت پاهایم متلاشی شود و آن قدر در پیشگاهت رکوع کنم که مهره‌های ستون فقراتم از هم بگسلد و به قدری در حضورت سجده کنم تا چشمانم از حدقه بیرون رود و در سراسر عمرم خاک زمین خوراکم و آب خاکستر آشامیدنی من باشد و در تمام این مدت همه‌اش به ذکر تو مشغول باشم تا آنجا که زبانم از حرکت بازایستد و سپس از

شرمندگی سر به طرف آسمان بلند نکنم و با این همه مستحق محو کردن یکی از گناهانم نخواهم بود و حال اگر تو مرا مستحق مغفرت ببینی و به فضل و کرمت مرا ببخشی از کرم و گذشت توست، نه آن که من سزاوار این مغفرت بوده‌ام و در برابر شایستگی من مرا مورد لطف خودت قرار داده‌ای زیرا در نخستین

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای شانزدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۳

گناهی که مرتکب شدم پاداشم آتش دوزخ بوده پس اگر مرا عذاب کنی به من ستم نکرده‌ای.

(۱) خداوندا در حالی که بدیهای مرا پنهان ساختی و میان مردم رسوایم نکردی و با آن همه گناهانم به لطف و کرمت با من مدارا کردی و در کیفر من شتاب نکردی و نعمتهای خودت را بر من دگرگون نساختی. خداوندا اینک بر آه و زاری طولانی من رحم کن و بر بیچارگی و درماندگیم ترحم نما، بار الها بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و مرا از گناهان بازدار و به اطاعت و بندگی خودت وادار و بازگشتی نیکو روزیم کن و با توبه واقعی از گناهانم پاک ساز و مرا یاری کن که دیگر به سوی گناه بازنگردم و به عافیت و سلامتی حالم را اصلاح فرما و شیرینی آمرزش و مغفرت خودت را بر من بچشان و مرا آزاد شده از آتش دوزخ به عفو و رحمت قرار بده و امان نامه‌ای از خشم خودت را برای من بنویس و بدان وسیله نه تنها خیر اخروی را بلکه اثر خیر آن را در دنیا نیز بشارتم ده، بشارتی که باعث اطمینان به ایمن بودنم از عذاب تو و آگاهیم برداشتن امان نامه گردد، البته انجام این درخواستها در مقابل رحمت واسعه تو و قدرت بی‌منتهایت مهم نیست و رنج و زحمتی ندارد و در برابر ذات حلیم و بردبارت دشوار نیست و در مقابل بخششهایت که آیات قرآن کریم بر آنها دلالت دارند اجابت درخواستهای من دشوار نیست زیرا که به هر چه اراده کنی، توانایی انجام آن را داری و هر چه را بخواهی حکم می‌کنی و بر همه چیز قادر و توانایی.»

(۲) امام سجّاد علیه السلام هر آنچه را که باعث تقرب به خداست انجام داده و برای آخرتش آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نظیر آن عمل را از کسی نشنیده است، پیشاپیش فرستاده، در میدان عبادت خدا هیچ نافله و مستحبی را فروگذار نکرده، بلکه انجام داده است زیرا که بسیاری از اوقات

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۴

زندگی خویش را روزها روزه‌دار و شبها را به نماز و مناجات گذرانده و در صحنه امور خیریه و احسان بر درماندگان و محرومان هیچ نوع خیر و احسانی نبوده مگر آن که نسبت به ایشان انجام داده است، با وجود این، خود را در پیشگاه خدای تعالی مقصّر می‌دید درست در این امور، روش انبیا و اوصیا را داشته که عبادات و طاعاتشان را تنها و تنها برای خدا انجام می‌دادند و با این همه، آنان برای اعمال خالصانه خود در پیشگاه خداوند هیچ اهمیتی قائل نبودند.

(۱)

### دعای امام برای در امان ماندن از شر شیطان

از جمله دعاهاى ارزنده امام علیه السلام این دعای شریف است که هرگاه نام شیطان برده می‌شد، از عداوت و مکر او بدین وسیله به خدا پناه می‌برد:

«اللّهُمَّ اَنَا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَائِدِهِ، وَ مِنَ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَائِدِهِ وَ اِنْ يَطْمَعُ نَفْسَهُ فِى اضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ وَ اِمْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ، اَوْ اِنْ يَحْسِنُ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا اَوْ اِنْ يَثْقُلُ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ الْاَلِهَمَّ اِحْسَاهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَ



اكتبه بدؤوبنا فی محبتك و اجعل بیننا و بینه سترالا- یهتکه و ردما مصمتا لا یفتقه اللهم صل علی محمد و آله و اشغله عنا بیعض اعدائك و اعصمنا منه بحسن رعایتك و اكفنا ختره و ولنا ظهره و اقطع عنا اثره اللهم صل علی محمد و آله و امتعنا من الهدی بمثل ضلالتة و زودنا من التقوی ضد غوایتة و اسلك بنا من التقی خلاف سیله من الرذی اللهم لا تجعل له فی قلوبنا مدخلا و لا توطنن له فیما لدینا منزلا اللهم و ما سؤل لنا من باطل فعرفناه و اذا عرفتناه ففناه و بصیرنا ما نکایده به و الهمنا ما نعدّه و یقظنا عن سنه الغفلة بالزکون الیه و احسن بتوفیقك عوننا علیه اللهم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۵

و أشرب قلوبنا انكار عمله و الطف لنا فی نقض حیلہ اللهم صل علی محمد و آله و حوّل سلطانه عنا و اقطع رجاء منا و ادراه عن اللولوع بنا.

«خداوندا ما از وسوسه‌ها و کید و مکرهای شیطان رجیم و از اعتماد به وعده‌های دروغ و فریبها و وسوسه‌های فریبنده او، به درگاه تو پناه می‌بریم؛ مبادا که بر ما طمع ببندد و از طاعت و بندگی تو ما را بازدارد و با نافرمانی تو ما را به ذلت و خواری بکشد و کارهای زشت و ناپسند را در نظر ما خوب جلوه دهد و یا آن که کارهای شایسته و اعمال صالحی را که مورد پسند تو هستند در نظر ما بسیار سنگین و طاقت‌فرسا جلوه دهد، خداوندا ما را با عبادت و بندگی خودت از جاذبه‌های وسوسه شیطان بازدار؛ و با حسن رعایت خود ما را از شر او حفظ کن، بین ما و او پرده محکمی بیفکن و در بین ما و او سد محکمی بنا کن که نتواند آن پرده را پاره کند و آن سد را بشکند. (۱) خداوندا بر محمد و آتش درود فرست و شیطان را با سرگرم ساختن به فریب دشمنانت از ما دور نگهدار و ما را به حسن رعایت خود از شر او بازدار و از کینه‌های او حفظ کن و او را پشت سر ما قرار بده و او را موفق به ردیابی ما مگردان، خداوندا بر محمد و آتش درود و رحمت بفرست و ما را به هر اندازه که شیطان در گمراهی و ضلالت است، از هدایت خود همان قدر بهره‌مند فرما و از توشه تقوایمان در برابر گمراه‌سازیهایی او برخوردارمان گردان، و ما را به راهی هدایت کن که ضد راه شیطان باشد. خداوندا دل‌های ما را محل ورود شیطان قرار مده و اجازه مده تا در دل‌های ما برای خود منزل بگیرد و آنجا را برای خود وطن قرار دهد، خداوندا تو چشم و گوش ما را باز کن تا کارهای باطلی را که به ما تلقین می‌کند بشناسیم و چون به لطف خود ما را با آنها آشنا کردی، از توجه بدانها نیز بازدار، و چشمان ما را باز کن تا حیل‌های شیطان را ببینیم و در چاه فریب او نیفتیم، و آنچه برای رفع خطر شیطان لازم است به ما

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۶

الهام کن و ما را از خواب غفلت اعتماد به او، بیدار ساز و ما را با حسن توفیقت در مخالفت با او کمک کن. خداوندا دل‌های ما را با انکار کارهای شیطان سیراب کن و در خراب کردن بنیان مکر او به لطف خودت یاری کن خداوندا بر محمد و آتش درود و رحمت بفرست و به قدرت نامتناهی خود ما را از تسلط شیطان بازدار و امید و طمع او را از فریب دادن ما قطع کن.»

(۱) برآستی هر خصلتی از خصلتهای ناپسند و هر فکر باطلی که انسان را از راه راست بازدارد و گناهان را در نظر او جلوه دهد و به جرایم و گناهان تشویق کند و بر بدی و دشمنی وادارد، بیقین از الهامات و القانات شیطان رجیم است، زیرا که او نخستین دشمن انسان است که او را از انسانیت بیرون کرده و در سطح مهلکی از انحطاط و بیچارگی می‌اندازد. امام علیه السلام در این فقرات از دعا درخواست کرده تا خداوند او را از کید و مکرهای شیطان نجات دهد و از اعتماد به خواسته‌ها و وعده‌ها و فریبها و دروغها و وسوسه‌هایش که باعث گمراهی مردم و انداختن در مهالک و دور ساختن ایشان از الطاف الهی و رحمت او می‌گردد نگهدارد. اینک به بقیه این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللهم صل علی محمد و آله و اجعل آباءنا و امهاتنا و اولادنا و اهلینا و ذوی ارحامنا و قراباتنا و جیراننا من المؤمنین و المؤمنات منه فی حرز حارز و حصن حافظ و كهف مانع و البسهم منه جننا و اقیه و اعطهم علیه اسلحة ماضیه اللهم و اعمم بذلك من شهد لك

بالرَبُّوبِيَّةِ و اخلص لك بالوحدانيَّة و عاداه لك بحقيقة العبوديَّة و استظهر بك عليه في معرفة العلوم الرُّبَّابِيَّةِ.  
اللَّهُمَّ احلل ما عقد و افتق ما رتق و افسخ ما دبر و ثبطه اذا عزم و انقض ما ابرم اللهم و اهزم جنده و ابطل كيده  
تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۷

و اهدم كهفه و ارغم انفه اللهم اجعلنا في نظم اعدائه و اعزلنا عن عداد اوليائه لا نطيع له اذا استهوانا و لا نستجيب له اذا دعانا نأمر  
بمناواته من اطاع امرنا و نعظ عن متابعتة من اتبع زجرنا اللهم صل على محمد و آله خاتم النبيين و سيد المرسلين و على اهل بيته  
الطيبين الطاهرين و اعذنا و اهالينا و اخواننا و جميع المؤمنين و المؤمنات مما استعدنا منه و اجرنا مما استجرنا بك من خوفه و اسمع  
لنا ما دعونا به و اعطنا ما اغفلناه و احفظ لنا ما نسيناه و صيرنا بذلك في درجات الصالحين و مراتب المؤمنين آمين رب العالمين. «(۱)»  
(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و پدران، مادران، فرزندان و اهل خانواده و خویشان و نزدیکان و همسایگان  
ما را از مردان و زنان با ایمان، همه را با قرار دادن در حصار محکم و دژ استوار و پناهگاه دائم رحمت خود، از شر شیطان محفوظ  
بدار و بر تن آنان زره‌های نگهدارنده از شر شیطان ببوشان و به دست ایشان سپرهای محکمی از ایمان مرحمت کن و در برابر سپاه  
جزار شیطان آنها را با سلاح ایمان مجهز کن. خداوندا این دعاها را در باره همه کسانی که به ربوبیت تو معتقدند و با اخلاص  
کامل به یکتایی تو شهادت می‌دهند و از روی حقیقت بندگی، شیطان را دشمن خود می‌دانند، اجابت فرما و نیز درباره هر کسی که  
به واسطه اشراقات علوم ربّانی از تو در مبارزه با شیطان یاری می‌طلبد، بپذیر.  
(۲) خداوندا هر دری را که شیطان به روی ما می‌بندد به لطف خود بر ما بگشای و هر روزنه‌ای که به روی ما باز می‌کند، آن را ببند  
و هر تدبیری که

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای هفدهم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۸

درباره ما می‌اندیشد به لطف خود بر هم زن، و هر تصمیمی که می‌گیرد از بین ببر. خداوندا لشکر شیطان را مغلوب کن و تمام  
مکرها و سنگرهای او را ویران کن و دماغش را به خاک بمال. خداوندا ما را در برابر سپاه منظم شیطان غالب گردان و جزو لشکر  
شیطان و دوستدارانش قرار مده تا به هنگام فریبکاری و دعوت به گمراهی از او اطاعت نکنیم و در وقت دعوت به باطل، دعوتش را  
نپذیریم و بتوانیم دیگران را به مخالفت با شیطان امر کنیم و هر که از ما پیروی کند، او را با موعظه و اندرز از پیروی شیطان دلسرد  
نماییم. خداوندا بر محمد خاتم پیغمبران و سرور رسولانت و بر اولاد و اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش درود و رحمت فرست، ما و  
خاندان، برادران و تمام اهل ایمان از مرد و زن را در شمار کسانی قرار ده که از شر شیطان به تو پناه آورده و در وقت بیم از اغوای  
او به تو، پناهنده‌ایم. خداوندا این دعاها را اجابت فرما و آنچه را که غفلت کردیم و نگفتیم به ما عطا کن و هر چه را که ما  
فراموش کردیم تو برای ما پاس دار و بدین وسیله ما را در درجات صالحان و در مراتب مؤمنان قرار ده، دعای ما را به درگاہت  
قبول کن ای پروردگار جهانیان ...»

(۱) امام علیه السلام از آفریدگار بزرگ درخواست کرده تا بر اولاد، خویشان و بستگان و همسایگان آن حضرت احسان کند و به  
لطف خودش از حيله‌های شیطان رجیم بازدارد. و در حصار محکم و دژ استواری در برابر فریبهای شیطانی و آفات و شرور او  
نگهدارد، و همچنین برای کسانی که اقرار به ربوبیت خدا و شهادت به وحدانیت او دارند از پیروان تمام ملل و ادیان از پیشگاه خدا  
تقاضا کرده است تا از شر شیطان رجیم نجات دهد و از اعتماد و اطمینان به او نگهدارد، و سپس از درگاه خدای متعال خواسته  
است تا تصمیمان شیطان را نقش بر آب کند و بنیان مکر او را ویران سازد و سپاهیان او را در هم شکند و مکر و فریب او را باطل  
گرداند و مؤمنان را پناه دهد و از چنگ این دشمن فریبکار ناپاک برهاند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۰۹

(۱)

### دعای امام در طلب باران

امام علیه السلام به هنگام طلب باران در ایام قحطی و خشکسالی این دعای شریف را که از دل‌پسندترین دعاهاى اوست، می‌خواند:

«اللَّهُمَّ اسقنا الغيث و انشر علينا رحمتك بغيثك المغدق من السحاب المنساق لنبات ارضك المونق في جميع الآفاق و امنن على عبادك بايناع الثمرة و احى بلادك ببلوغ الزهرة و اشهد ملائكتك الكرام السيفرة بسقى منك نافع دائم عزره واسع درّه و ابل سريع عاجل تحيى به ما قد مات و تردّ به ما قد فات و تخرج به ما هو آت و توسّع به فى الأقوات سحبا متراكما هنيئا مريئا طبقا مجلجلا غير ملتّ و دقه و لا- خلّب برقه اللهم اسقنا غيثا مغيثا مريعا ممرعا عريضا و اسعا غزيرا تردّ به التّهيض و تجبر به المهيض اللهم اسقنا سقيا تسيل منه الطراب و تملأ منه الجباب و تفجّر به الأنهار و تنبت به الأشجار و ترخص به الأسعار فى جميع الأمصار و تنعش به البهائم و الخلق و تكمل لنا به طيبات الرزق و تنبت لنا به الزرع و تدرّ به الصّرع و تزيدنا به قوّة الى قوتنا.

اللهم لا- تجعل ظلّه علينا سموما و لا تجعل برده علينا حسوما و لا تجعل صوبه علينا رجوما و لا تجعل ماءه علينا اجاجا اللهم صلّ على محمّد و آل محمّد و ارزقنا من بركات السّموات و الأرض أنّك على كلّ شىء قدير.» (۱)

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای نوزدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۰

«خداوندا با باران رحمت خود ما را سیراب کن و با فرستادن باران زیاد و سودمند ما را مشمول لطف و رحمت خود بگردان، از ابرهائی که به وسیله تندبادها در این فضای پهناور به هر طرف کشیده می‌شوند تا گیاهان را در همه جای عالم سبز و شاداب کنند و با نزول باران بر بندگانت منت بگذار، میوه‌هایشان را برسان و اهل همه بلاد را با سرسبز کردن زراعتها و گیاهان زنده بدار. و فرشتگان خود را که رسانندگان پیامند بر این نزول باران رحمت خود، که همیشه برای همه موجودات سودمند است با دانه‌های درشت و سیل آسا زمینهای خشک را زنده می‌کند و همه جا را سرسبز و پر از گیاه و نبات می‌سازد، شاهد و گواه قرار ده، خداوندا ابرهائی را بفرست که متراکم و پر باران است (و با آبهای گوارای خود همه جا را فراگیرد)، ابرهائی پرشکوه و همراه با صدای رعد و برق، نه بارانی بسیار طولانی باشد، نه ابرهائی که رعد و برقش فریبنده است خداوندا ما را با فرستادن باران کامل، فراوان، مفید و رویاننده گیاهان و سرسبزکننده همه جا و فراگیر و زیاد سیراب کن، بارانی که گیاهان مقاوم را برویاند و نباتات ضعیف را تقویت کند، بارانی که چشمه‌ها را از کوهها جاری و چاهها و قناتها از آن پر شود و رودها را آکنده سازد و درختان را بدان وسیله برویانی و در اثر فراوانی نعمت همه جا نرخها را ارزان کنی، و حیوانات فربه شوند، و بدان وسیله پاکترین روزیها را به ما عطا کنی و کشتزارها را برویانی و پستان حیوانات را پر از شیر کنی و به نعمتها و روزیهای ما بیفزایی.

(۱) خداوندا سایه ابرها را مسموم مکن و سرمایه آن را سبب قطع نعمتهای ما مگردان و نزول باران زیاد را باعث دوری ما از رحمت خودت مگردان و آب بارانها را تلخ مساز. خداوندا بر محمّد و آلش درود و رحمت فرست و از بركات آسمانها و زمین به ما روزی ده، زیرا که تو به همه چیز قادر و توانایی.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۱

به اعتقاد من در زبان عربی سخنی فصیحتر و بلیغتر از این سخنانی که امام علیه السلام در وصف ابر فرموده است وجود ندارد زیرا

که آن حضرت به دقیقترین اوصاف ابر را توصیف کرده، اوصافی که واقعیت ابر و آثاری که در حیات و زندگی موجودات زمین دارد و دگرگونیهایی که در اوضاع طبیعت به وجود می‌آورد و منافع و نتایجی که برای انسان بلکه سایر جانداران دارد، همه را بیان می‌کند. براستی که این امام بزرگوار همچون پدران گرامیش جوامع الکلم و فصل الخطاب را ایراد کرده است.

(۱)

### دعای امام در مواجهه با امری حزن آور

امام علیه السلام وقتی که امری او را غم‌انده و یا خطاهای دیگران او را افسرده می‌کرد این دعای شریف را به شرح زیر می‌خواند:

«اللهم یا کافی الفرد الضعیف و واقی الأمر المخوف افردتني الخطايا فلا صاحب معي و ضعفت عن غضبك فلا مؤيد لي و اشرفت على خوف لقائك فلا مسكن لروعتي و من يؤمنني منك و انت اخفتني و من يساعدني و انت افردتني و من يقويني و انت اضعفتني لا- يجير يا الهی اما ربّ علی مربوب و لا- يؤمن اما غالب علی مغلوب و لا يعين الا طالب علی مطلوب و بيدك يا الهی جميع ذلك السبب و اليك المفزّ و المهرب فصلّ علی محمّد و آله و اجر هربي و انجح مطلبی.

اللهم انك ان صرفت عني وجهك الكريم او منعتني فضلك الجسيم او حصرت علي رزقك او قطعت عني سبيك لم اجد السبيل الي شيء من املي غيرك و لم اقدر علی ما عندك بمعونه سواك فاني عبدك و في قبضتك ناصيتي بيدك لا امر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۲

لی مع امرک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک و لا قوه لی علی الخروج من سلطانتک و لا استطیع مجاوزة قدرتک و لا استمیل هواک و لا ابلغ رضاک و لا انال ما عندک الا بطاعتک و بفضل رحمتک الهی اصبحت و امسیت عبدا داخرا لک لا املك لنفسي نفعاً و لا ضرّاً الا بک اشهد بذلك علی نفسي و اعترف بضعف قوتي و قلبه حيلتي فانجز لي ما وعدتني و تمم لي ما آتيتني فاني عبدك المسكين المستكين الضعیف الدليل الحقیق المهین الفقیر الخائف المستجیر...»

«ای خدایی که امور هر فرد ناتوان را کفایت می‌کنی و بندگان خود را در برابر کارهای سهمگین نگاه می‌داری. اینک خطاها مرا تنها یافته و همراهی و کمکی ندارم و در برابر خشم تو با وجود این خطاها ضعیف و ناتوانم و یار و یآوری ندارم و خود را مشرف به خوف دیدار تو می‌بینم و کسی نیست که این وحشت را برطرف سازد و هیچ کس نمی‌تواند در برابر بیم از عذاب تو و آنجا که تو مرا هراسان کنی بر من ایمنی بخشد و چه کسی می‌تواند به من کمک کند وقتی که تو مرا تنها بگذاری و کیست که مرا نیرو دهد هنگامی که تو مرا ناتوان سازی؟ خداوندا من می‌دانم که برای آفریدگان جز آفریدگار پناهی نیست و بندگان مغلوب را جز تو خداوند غالب کسی ایمنی نمی‌دهد، و جز تو خداوندی که طالب مسئولیتی از بندگان، کسی بنده مسئول و مطلوب را کمک نمی‌کند، خداوندا تمام این اسباب ایمنی و توانایی به دست توست و ملجأ و مقر همه بندگان تنها درگاه رحمت توست، پس بر محمّد و آلش رحمت و درود فرست و من فراری را به درگاہ پناه ده و حاجتم را برآورده ساز.

(۱) خداوندا اگر تو روی عنایتت را از من بگردانی و یا از فضل عظیمت بی‌بهره سازی و یا از عطایای رزقت محروم فرمایی و یا رابطه لطف خود

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۳

را از من قطع کنی دیگر هیچ راهی برای رسیدن به آرزوهای خود پیدا نخواهم کرد و هرگز به خیرات و مقامات بالاتری که در نزد توست بدون کمک تو نمی‌رسم آری من بنده تو و در قبضه قدرت تو هستم و اراده تو بر تمام مقدرات من حاکم است و در برابر فرمان نافذ تو من اراده‌ای ندارم، حکم قضای تو درباره من جاری گشته و حکم تو نیز عین عدل است و من هیچ قدرتی برای

سریچی از فرمان تو را ندارم و مرا توانایی تجاوز از حیطة قدرت تو نیست، نه این شایستگی را دارم که خواسته تو را برآورم و نه قادرم که به رضا و خشنودی تو برسم و می‌دانم که به آن مقامات عالیه که در نزد توست جز به وسیله اطاعت از اوامر تو و به کرم و رحمت و اسعه تو نمی‌توانم نایل شوم. خداوندا شب و روز را به سر می‌برم در حالی که بنده حقیر توأم و جز به عنایت تو مالک سود و زیان خویش نیستم. من خود بدین وسیله به زیان خویش گواهی می‌دهم و به عجز و ناتوانی خودم اعتراف دارم، بنابراین به وعده احسانت نسبت به من وفا کن و نعمتهایی را که تاکنون عطا فرموده‌ای کاملتر کن که من، بنده بیچاره، درمانده، ناتوان، رنج‌دیده، حقیر، ترسان، فقیر، هراسان و پناهنده تو هستم.»

(۱) البته امام بزرگوار علیه السلام به قدرت مطلقه پروردگار ایمان راستین دارد و یقین می‌داند که تمامی اسباب و عوامل عالم هستی تنها و تنها به دست قدرت اوست که مالک و قاهر و غالب بر همه است، هیچ قدرتی را در برابر فرمان او یارای مقاومت نیست. امام علیه السلام با اعتراف به بندگی، ناتوانی و ضعف و بیچارگی خود در برابر خدا و توانایی نداشتن بر ایجاد هیچ چیز جز به یاری او خود را از تمام عوالم امکانی گسسته است. و اینک به بقیه این دعا گوش فرا می‌دهیم:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا تَجْعَلَنِي نَاسِيًا لِّذِكْرِكَ فِي مَا أَوْلَيْتَنِي وَ لَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِي مَا أَبْلَيْتَنِي وَ لَا آيسَا مِنْ أَجَابَتِكَ لِي وَ انْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سِرَّاءِ كُنْتُ أَوْ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۴

ضِرَّاءٌ أَوْ شِدَّةٌ أَوْ رِخَاءٌ أَوْ عَافِيَةٌ أَوْ بِلَاءٌ أَوْ بؤْسٌ أَوْ نِعْمَاءٌ أَوْ جِدَّةٌ أَوْ لَأْوَاءٌ أَوْ فَقْرٌ أَوْ غِنَى.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَ مَدْحِي آيَاكَ وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا أَحْزَنَ عَلٰى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا وَ اشْعُرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَ اسْتَعْمَلْ بَدَنِي فِي مَا تَقْبَلُهُ مِنِّي وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحْبَّ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ وَ لَا- اسْخَطَ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ فَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَ انْعِشْهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ وَ قُوَّةَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ امله الی طاعتك و اجر به فی احب السبیل الیک و لله بالرغبة فی ما عندك ایام حیاتی کلها و اجعل تقواك من الدنیا زادی و الی رحمتك رحلتی و فی مرضاتك مدخلی و اجعل فی جنتك مثوای و هب لی قوه احتمال بها جمیع مرضاتك و اجعل فراری الیک و رغبتی فی ما عندك و البس قلبی الوحشه من شرار خلقك و هب لی الأانس بك و باولیانك و أهل طاعتك و لا تجعل لفاجر و لا كافر علی منة و لا له عندی یدا و لا بی الیهم حاجه بل اجعل سکون قلبی و انس نفسی و استغنائی و کفایتی بك و بخیار خلقك اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا وَ اَمِنْ عَلَيَّ بِشَوْقِ إِلَيْكَ وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تَحَبُّ وَ تَرْضَى أَنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ ذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.» (۱)

(۱) صحیفه سجاده: دعای بیست و یکم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۵

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و ثنا و ستایش و سپاسم را نسبت به خودت در همه حال خالص گردان، بطوری که به آنچه از دنیا مرحمت کرده‌ای دلخوش نباشم و بر آنچه مرحمت نکرده‌ای غمگین نشوم و در دلم تقوای خودت را ایجاد کن و بدنم را به اعمالی که مقبول در گاه توست مشغول بدار و نفسم را به طاعت خودت مشغول بدار تا اعمالی را که سبب خشم توست نپسندم و به سوی آنها گرایش نداشته باشم و از آنچه باعث خشنودی توست دوری نکنم و به من عنایتی کن که آنچه مورد پسند توست دلخواه من هم باشد و هر چه مبعوض تو می‌باشد مورد تنفر من هم باشد.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و دلم را با نیروی رغبت و توجه به خودت از همه چیز دیگر بازدار و قلب مرا با ذکر خودت مشغول فرما و به واسطه خوف و ترس از جلال و عظمتت به من مرتبه والا-یی مرحمت کن و با نیروی اشتیاق به خود دلم را قوت

بیخس و به اطاعت و بندگی خودت علاقه‌مند گردان و به بهترین صورت وسیله سلوک به محضر خودت را فراهم کن و آن را در تمام اوقات زندگیم با علاقه به مقامات اخروی خوار گردان و زاد و توشه مرا در این دنیا تقوا قرار ده و چنان کن که انتقال من از دنیا به سوی رحمت تو باشد و ورودم به بهشت رضوان تو باشد و جایگاه و مأوایم را بهشت مخصوص خود گردان و میل و اشتیاقم را منحصر به مقاماتی کن که برای بندگان صالحت در نظر گرفته‌ای، و مرا از پیوستن به مردمان شر و متنفر فرما و با کسانی که اطاعت و بندگی تو را دارند مأنوس گردان و هرگز اشخاص بدکار و کافر را منت گذار ما قرار مده و محتاج آنان مساز بلکه آرامش خاطر و اطمینان و استغنائیم را به عنایت خود و به دست مردمان نیکوکار منحصر گردان، پروردگارا به محمد و آتش درود و رحمت فرست و مرا با ایشان قرین ساز و یار و یاور آنان کن و با علاقه‌مند کردن به خودت و عمل کردن برای خشنودی ذات مقدست بر من منت گذار، زیرا که تو بر همه چیز قادر و توانایی و بر آوردن تمام این خواسته‌ها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۶

بر تو آسان است.»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعایش پرده از اعتماد و ایمان فوق‌العاده خود نسبت به خدا برداشته است در حالی که از او مسألت دارد تا او را همواره به ذکر خودش مشغول بدارد و از احسان و الطاف خویش غافل نسازد و از اجابت درخواست وی در تمام شئون و احوالش ناامید نگرداند، همچنان که از او تقاضا کرده تا مدح و ثنای خودش را در همه احوال برای او چنان قرار دهد که جز رضای او را نجوید و تنها به طاعت خود در تمام فراز و نشیبهای دنیا مشغول سازد، چنان که درخواست کرده تا دلش را برای محبت و علاقه به ذات مقدس خود فارغ ساخته و در این دنیای فانی تقوا را زاد و توشه وی قرار دهد و فردوس برین را جایگاه و منزل ابدی او بگرداند.

امام علیه السلام از خدای تعالی مسألت کرده است تا دلش را از انزجار و تنفر نسبت به شرار خلقش آکنده سازد و توفیق انس با اولیا و بندگان صالحش را به او مرحمت کند و هیچ فاسق و فاجر و هیچ کافری را بر او حق و احسانی نباشد و به ایشان نیازمند نگرداند بلکه تمام شئون و احوال او را در دست با کفایت خودش قرار دهد زیرا که فقط پروردگار می‌تواند او را از جمیع مخلوقاتش بی‌نیاز سازد.

(۲)

### دعای امام در وقت سختی

از جمله دعا‌های امام علیه السلام در وقت سختی و فشار و مشکلات امور این دعای شریف است:

«اللَّهُمَّ أَنْكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مَنِّي وَ قَدْرَتَكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ قَدْرَتِي فَاعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي وَ خذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةِ اللَّهِمْ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا قُوَّةَ لِي

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۷

عَلَى الْفَقْرِ فَلَا- تحظر عَلَيَّ رِزْقِي وَ لَا- تَكُنْ لِي خَلْقَكَ بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي وَ تَوَلَّ كِفَايَتِي وَ انْظُرْ إِلَيَّ وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَأَنْتَ أَنْتَ وَ كَلَّفْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجْزَتِ عَنْهَا وَ لَمْ أَقْمِ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا وَ أَنْ وَ كَلَّفْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجْهَمُونِي وَ أَنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرْمُونِي وَ أَنْ اعْطُوا اعْطُوا قَلِيلًا نَكِدًا وَ مَنُوا عَلَيَّ طَوِيلًا وَ ذَمُّوا كَثِيرًا بِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ فَاعْنِنِي وَ بَعْضَتِكَ فَانْعَشْنِي وَ بَسْعَتِكَ فَابْسُطْ يَدِي وَ بَمَا عِنْدَكَ فَاعْنِنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ وَ احْصِرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَ وِرْعَنِي عَنِ الْمُحَارِمِ وَ لَا تَجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي وَ اجْعَلْ

هوای عندک و رضای فی ما یرد علی منک و بارک لی فی ما رزقتنی و فی ما خوّلتنی و فی ما انعمت به علی و اجعلنی فی کلّ حالاتی محفوظا مکلّوا مستورا ممنوعا معادا مجارا.

اللّهم صلّ علی محمّد و آله و اقض عنی کلّ ما الزمتنیه و فرضته علی لک فی وجه من وجوه طاعتک او لخلق من خلقک و ان ضعف عن ذلک بدنی و وهنت عنه قوتی و لم تنله مقدرتی و لم یسهه مالی و لا ذات یدی ذکرته او نسیته هو یا ربّ، ممّا قد احصیته علی و اغفلته انا من نفسی فاذه عنی من جزیل عطیتک و کثیر ما عندک فانک واسع کریم حتّی لا یبقی علی شیء منه ترید ان تقاضنی به من حسناتی او تضاعف به من سیئاتی یوم القاک یا ربّ...»

«خداوندا تو مرا به کاری تکلیف کرده‌ای که خود بر آن کار از من تواناتری و قدرت تو نسبت به انجام آن کار و بر خود من بیشتر است، پس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۸

خداوندا به لطف خودت به من توفیق اعمال خیری را عطا کن که باعث خوشنودی و رضای تو باشد، و خوشنودی خودت را نسبت به من باعث عافیت و رستگاریم قرار بده. خداوندا من طاقت تحمّل سختی را ندارم و صبر و شکیبایی من در برابر بلا اندک است و سنگینی فقر را نمی‌توانم تحمّل کنم پس از رزقی که مقرر کرده‌ای محروم مکن و مرا به خلق خودت وامگذار بلکه تنها به خودت نیازمند ساز و امور زندگیم را کفایت فرما و به چشم عنایت به سوی من نظر کن و در تمام کارها مراقب اعمال من باش زیرا اگر تو مرا به خودم واگذاری قطعا در برابر نفسم عاجزم و آنچه به صلاح من است نمی‌توانم انجام دهم و اگر به مخلوقت واگذار کنی آنها با ترشویی و منت مرا به چیزی نگیرند و اگر به خویشاوندانم محتاج کنی مرا محروم خواهند کرد و اگر عطا و بخششی کنند، ناچیز و توأم با کدورت خواهد بود و منت زیادی بر من نهاده و سرزنش فراوانی خواهند کرد پس خداوندا به فضل و کرمت مرا بی‌نیاز کن و به بزرگی خودت مرا گرامی بدار و به کرم و وسیع خودت دست مرا باز کن و از نعمتهای بیکرانت برخوردارم ساز.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و دلم را از حسد پاک کن و از گناهانم بازدار و بر ارتکاب حرام و ناشایست گستاخم نفرما و میل و علاقه قلبی مرا فقط در مقام و مرتبه‌ای که نزد توست قرار ده و چنان کن که هر چه از جانب تو می‌رسد با رغبت پذیرا باشم، و هر چه را که روزی و نصیبم کردی و در اختیارم قرار دادی خیر و برکت عطا کن و در همه حال مرا تحت حمایت خودت قرار ده و معایبم را پوشیده و زشتیهایم را پنهان بدار و از خطرات و بلاها حفظم فرما.

(۲) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و مرا بر ادای همه آن تکالیفی که برایم مقرر فرموده‌ای و طاعتی را که بر من واجب کرده‌ای و یا برای فردی از بندگانت بر من حقی است موفق گردان. اگر چه به واسطه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۱۹

ضعف جسمی و ناتوانیم و یا تنگی معیشت قادر به ادای آن نیستم، به خاطر دارم و یا از خاطرم رفته است و تو ای پروردگار تو آن را در نامه عمل من نوشته‌ای و من نسبت به خودم آن را فراموش کرده‌ام، تو با کرم و بزرگی خودت آن را از جانب من ادا کن، که تو وسعت دهنده و بخشنده‌ای، تا در روز ملاقات، چیزی بر گردن من نماند که تو بخواهی با حسنات من آنها را جبران کنی و یا آنها را به گناهانم اضافه کنی.»

(۱) با دقت نظر بر این فرازهای از دعای امام توجه کنید تا ژرفای ایمان و نهایت اخلاص و گسستن کامل از هر نوع دلبستگی مادی را بخوبی ببینید ...

امام علیه السلام از خدای تعالی خواسته است تا او را مشمول عنایت و الطاف خود بفرماید و تفضّلاتی به شرح زیر بفرماید:

۱- او را بدانچه تاب و توانش را ندارد، مکلف نفرماید.

۲- او را دچار فقر و تنگدستی و بیچارگی نفرماید زیرا که فقر و حرمان از بدترین مصائب زندگی و تیره‌بختی دنیاست.

۳- او را به احدی از خلق؛ خویشاوند باشد، یا بیگانه وانگذازد، زیرا که آنان هر که را که محتاج و نیازمند ایشان باشد تحقیر می‌کنند.

۴- او را از حسد خلاص کند که پلیدترین خصلتهای ناپسند است.

۵- او را از ارتکاب گناهان و از انجام معاصی بازدارد.

۶- پارسایی و پرهیز از ارتکاب محرمات الهی را نصیب او گرداند و هیچ‌گونه میل و رغبتی در دل او برای گستاخی در ارتکاب گناهان قرار ندهد.

۷- علاقه و میل قلبی او را به پاداش الهی و مقاماتی که در پیشگاه اوست گرایش دهد.

۸- در آنچه از اموال و اولاد روزی و نصیب او می‌کند برکت و فزونی مرحمت کند.

۹- او را در تمام احوال و شئون زندگیش حمایت کند و معایش را

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۰

پوشیده دارد و از هر بدی نگهدارد.

۱۰- او را برای انجام واجبات و فرایضی که قضای آنها واجب است، موفق بدارد.

این بود برخی از درخواستهای امام علیه السلام و اینک به باقیمانده این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى اعْرِفَ صَدَقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبَ عَلَيَّ الرَّهْدُ فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى اعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا وَآمَنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ فِرْقًا وَخُوفًا وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّيَّاسِ وَاهْتَدِيَ بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَاسْتَضِيءَ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا ادْعُوكَ لَهُ وَكَابَةَ مَا اسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ.

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يَصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيَسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ حَتَّى اتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَطَمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مَنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِي مَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالصَّرِّ وَالنَّفْعِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسَدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رِخَاءٍ أَلَّا رَجُوتَ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۱

لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةِ سِوَاءِ عَامِلًا بِطَاعَتِكَ مُؤَثِّرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظَلْمِي وَجُورِي وَبِيَأْسٍ وَلِيئِي مِنْ مِيلِي وَانْحِطَاطِ هَوَايَ وَاجْعَلْنِي مَمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرِّخَاءِ دَعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدَّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ» (۱)

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و به من شوق انجام عمل خالص عطا فرما تا ذخیره آخرتم باشد؛ تا خالص بودن آن اعمالم را با قلب خود احساس کنم و تا در دنیا زهد و بی‌میلی به مادیات دنیا بر من غلبه کند و اعمال نیک را از روی میل و اشتیاق انجام دهم و در اثر مرتکب نشدن گناهان از بیم عذاب تو ایمن باشم. خداوندا به من نوری عطا کن تا در روشنایی آن نور در میان مردم زندگی کنم و بدان وسیله از تاریکیهای جهان مادی و گمراهیها نجات یابم و شک و شبهه‌ها را بشناسم. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و به لطف خود حالت بیم از عذاب روز قیامت را نصیبم کن و شوق اجر و ثوابی را که به بندگان



شایسته و پرهیزگارت وعده دادی در دلم بینداز تا آن که لذت دعا و تلخی و دشواری عذاب تو را دریابم.

(۲) خداوندا تو خود آنچه را که باعث اصلاح امر دنیا و آخرت من است خوب می‌دانی پس حاجات مرا مورد عنایت خودت قرار ده، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست، و به هنگام تقصیر و کوتاهی من در شکرگزاری از نعمتهایی که در حال رفاه و سختی و سلامتی و بیماری به

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای بیست و دوم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۲

من مرحمت کرده‌ای، تو با لطف و کرمیت روح حق‌شناسی را به من مرحمت کن تا روح رضا و آرامش قلب را در خودم احساس کنم و در حال خوف و ایمنی و در وقت خشم و سود و زیان، شکر لازم را به جا آورم.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و دلم را چنان از رشک و حسد پاک و پاکیزه کن که نسبت به هیچ کسی از مخلوق در مورد نعمتهایی که از فضل خود عطا کرده‌ای رشک نبرم و هر نعمتی از نعمتهای دنیوی و دینی و یا عافیت و تقوا و یا گشایش و رفاهی بینم، تنها به فضل و کرم تو امیدوار باشم که بهتر از آنها را به من خواهی داد و تو یکتا و بی‌شریکی. خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و به من توفیق خودداری از گناهان و حفظ از لغزشهای دنیوی و اخروی در حال خشنودی و غضب، روزی فرما تا بدان جا که در همه حال مطیع فرمان تو باشم و اطاعت و خشنودی تو را چه در میان دوستان باشم و چه در میان دشمنان، بر دیگر امور مقدم بدارم و تا آنجا که دشمن هم از ظلم و ستم من در امان باشد و دوست از گرایش و تمایل من به سوی هوا و هوس مأیوس گردد، و مرا جزو کسانی قرار ده که در حال نعمت و رفاه مخلصانه همچون پاکدلان تو را می‌خوانند و کسانی که در دعای خود چون درماندگان تضرع و زاری می‌کنند، همانا تو خداوند ستوده و بزرگواری ...»

این قسمتهای از دعای امام علیه السلام مشتمل بر بخشی از خواستهای قلبی مصرّانه آن حضرت است که از خدای متعال درخواست دارد تا آنان را به شرح ذیل برآورده سازد:

۱- علاقه به عمل برای آخرت.

۲- پارسایی در دنیا.

۳- اقدام به کارهای نیک و امور خیریه.

۴- خداوند به او نوری مرحمت کند تا در پرتو آن نور میان مردم زندگی

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۳

کند و در تاریکیهای دنیا بدان وسیله هدایت شود و در شناخت موارد شبه‌ناک از آن استفاده کند.

۵- خدای متعال، ترس از احوال قیامت و اشتیاق به اجر فراوان آخرت را که به پرهیزگاران و بندگان صالح خود وعده داده است، نصیب او گرداند.

۶- او را از رشک و حسد که از خطرناکترین آفتهای روحی است در امان بدارد.

۷- خداوند به او توفیق خودداری از خطاها و برکناری از لغزشها را مرحمت کند.

این بود برخی از محتوای این بخش از دعای امام علیه السلام.

(۱)

از جمله دعاهاى گرانقدر امام عليه السلام، اين دعاست كه به هنگام درخواست عافيت و شكرگرارى نسبت به آن همواره مى‌خواند: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ أَلْبَسْنِي عَافِيَتَكَ وَ جَلِّئِي عَافِيَتَكَ وَ حَصِّئِي بِعَافِيَتِكَ وَ اَكْرَمْنِي بِعَافِيَتِكَ وَ اغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَ افرشني عافيتك و اصلح لي عافيتك و لا تفرق بيني و بين عافيتك في الدنيا و الآخرة اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَلِيَّةً نَامِيَةً عَافِيَةً تَوْلُدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اَمِنْنِي عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي وَ البصيرة في قلبي و التّفاد في اموري و الخشيّة لك و الخوف منك و القوّة على ما امرتني به من طاعتك و الاجتناب لما نهيتني عنه من معصيتك.

اللّٰهُمَّ وَ اَمِنْنِي عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعَمْرَةِ وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۴

صلواتك و رحمتك و بركاتك عليه و على آله و زياره آل رسولك عليهم السّلام ابدا ما ابقيتني في عامي هذا و في كلّ عام و اجعل ذلك مقبولا مشكورا مذكورا لديك مذخورا عندك و انطق بحمدك و شكرك و ذكرك و حسن الثناء عليك لسانی و اشرح لمرشد دينك قلبی و اعذني و ذرّيتي من الشّيطان الرّجيم و من شرّ السّامّة و الهامّة و العامّة و اللّامة و من شرّ كلّ شيطان مرید و من شرّ كلّ سلطان عنيد و من شرّ كلّ مترف حفيد و من شرّ كلّ ضعيف و شديد و من شرّ كلّ شريف و وضيع و من شرّ كلّ صغير و كبير و من شرّ كلّ قريب و بعيد و من شرّ كلّ من نصب لرسولك و لأهل بيته حربا من الجنّ و الإنس و من شرّ كلّ دايّة انت آخذ بناصيتها أنّك على صراط مستقيم.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ مِنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ ادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ وَ رَدِّ كِيدَهُ فِي نَحْرِهِ وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّى تَعْمِيَ عَنِّي بَصْرُهُ وَ تَصَمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعُهُ وَ تَقْفَلَ دُونَ اِخْطَارِي قَلْبَهُ وَ تَخْرُسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَ تَقْمَعَ رَأْسَهُ وَ تَذَلَّ عِزَّهُ وَ تَكْسَرَ جَبْرُوتَهُ وَ تَذَلَّ رَقَبَتَهُ وَ تَفْسَخَ كِبْرَهُ وَ تُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ عِدَاوَتِهِ وَ حَبَائِلِهِ وَ مَصَائِدِهِ وَ رَجَلِهِ وَ خَيْلِهِ أَنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.» (۱)

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و لباس عافیت و سلامتی را بر من بیوشان و بدین وسیله مرا گرامی بدار و مرا در سنگر عافیت خود قرار ده، و با عافیت بخشیدن از جانب خود مرا عزیز و بی نیاز کن و وجود مرا با عافیت بیوشان و شئون مرا اصلاح فرما و در دنیا و آخرت مرا از

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای بیست و سوم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۵

عافیت جدا مکن. خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و به من عافیتی کامل و شفایی در بالاترین مرتبه و روزافزون، مرحمت کن، چنان عافیتی که در بدنم عافیت دنیوی و همچنین برایم عافیت اخروی به ارمغان آورد، و با دادن تندرستی و امتیّت و سلامتی دینی و بدنی و بینش قلبی بر من منت بگذار و همچنین با اصلاح امورم و دادن مقام خشیت به خاطر کسب رضای خودت و خوف از عذابت و نیرومندی بر انجام طاعت و اجتناب از معصیت و نافرمانیت مرا رهین منت خود قرار بده.

(۱) خداوندا بر من منت بگذار و حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - درود و رحمت و برکاتت بر او و خاندانش باد- و قبر فرزندان پیامبرت علیهم السلام را تا وقتی که زنده‌ام؛ امسال و همه سالها نصیبم گردان و آن را مقبول درگاه خود و توأم با اخلاص و مورد توجه خویش و ذخیره آخرتم بفرما و زبانم را همیشه به شکر و سپاس و ذکر و توصیف عظمت خودت گویا بگردان، و قلبم را برای هدایت‌های دینیت موفق بدار، و من و فرزندانم را از شر شیطان رجیم و از شر جانوران سهمگین و جانداران زهر آگین و از شر همه انسانها و بلایا و حوادث و از شرّ هر شیطان فریبکار و هر پادشاه ستمکار و از شرّ هر ثروتمند گردنفرافز و هر ضعیف و قوی و از شر

هر شریف و وضع و هر کوچک و بزرگ و از شر هر خویش و بیگانه و از شر کسانی از جن و انس که در برابر پیامبرت و اهل بیتش به جنگ برخاسته و از شر هر موجودی که در قبضه قدرت توست حفظ کن زیرا که تو همه را به راه راست و صراط مستقیم هدایت می‌کنی.

(۲) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و همه کسانی را که درباره من سوءقصدی دارند منصرف گردان و مکر آنها را بی‌اثر فرما و شر ایشان را از من دور کن و مکر آنان را به خودشان برگردان و در پیش روی آنان سدی قرار ده بطوری که چشمشان مرا نبیند و گوششان سختم را نشنود و قلبشان برای یاد آوردن من قفل شود و زبانشان از بردن نام من لال شود و تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۶

سرشان از تن جدا کن و عزتشان را به ذلت مبدل ساز، کبر و غرورشان را پایمال کن و مرا از تمام شر و زیان و بدگویی و عیبجویی و حسد و دشمنی و تهمت‌ها و کینه‌ها و خدم و حشم آنان مصون بدار زیرا که تو صاحب عزت و توانایی ...»

(۱) براستی ارزنده‌ترین چیز در زندگی دنیا و گران‌قدرترین نعمت، نعمت عافیت و سلامتی از دردها و بیماریهاست و امام علیه السلام از خدای متعالی درخواست می‌کند تا او را از این نعمت برخوردار سازد تا بدان وسیله توان اطاعت و انجام واجبات الهی و اجتناب از محرمات و معاصی را داشته باشد، سپس از خدای تعالی خواسته است تا با توفیق انجام حج و عمره و زیارت قبر پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و زیارت قبور ائمه علیهم السلام فرزندان پاک پیامبر، که کشتیهای نجات و باعث ایمنی بندگان خدا از عذابند، بر او منت گذارد، و آنگاه امام علیه السلام از شر جن و انس و سایر مخلوقات به خدا پناه برده و از پیشگاه او خواسته است تا او را از این شرور حفظ کند و از گزند آنان ایمن و سالم بدارد.

(۲)

### دعای امام در وقت تنگدستی

از جمله دعا‌های امام علیه السلام در وقتی که در تنگنای رزق و روزی قرار می‌گرفت و وسایل زندگی بر او تنگ می‌شد: «اللهم انك ابتليتنا في ارزاقنا بسوء الظنّ و في آجالنا بطول الأمل حتى التمسنا ارزاقك من عند المرزوقين و طمعنا بآمالنا في اعمار المعمرين فصلّ على محمد و آله و هب لنا يقينا صادقا تكفينا به مؤنة الطلب و الهما ثقة خالصة تعفينا بها من شدة النصب و اجعل ما صرّحت به من عدتك في وحيك و اتبعته من قسمك في كتابك

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۷

قاطعاً لاهتمامنا بالرزق الّذي تكفّلت به و حسماً للاشتغال بما ضمنّت الكفاية له فقلت و قولك الحقّ الأصدق و قسمت و قسمك الأبرّ الأوفى و في السماء رزقكم و ما توعدون «۱» ثمّ قلت فو ربّ السماء و الأرض انه لحقّ مثل ما انکم تنطقون «۲» «۳»

«خداوندا تو ما را به خاطر رزق و روزیمان دچار سوء ظن نمودی و نیز در دنیایمان به آرزوی زیاد ما را مبتلا کردی تا آنجا که ما روزی خود را از دیگر مخلوقات که خود روزی خوار تواند خواستیم و با آرزوهای دراز خویش به عمرهای سالخوردگان، طمع بستیم، پس خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و ما را از نعمت یقین و ایمان راستین برخوردار فرما تا آن باور، ما را از زحمت درخواست اضافه بر آنچه مقدر فرموده‌ای برهاند و به ما اعتماد و اطمینان خالص بر روزی‌رسانی خودت مرحمت کن تا ما را از رنج زیاد بازدارد، خداوندا آن وعده و نویدی که در وحی به پیامبرت آشکارا بیان داشته‌ای و در کتاب کریمت بر آن وعده‌ها سوگند یاد کرده‌ای تا ما را به قناعت بر رزقی که معین کرده‌ای، وادار نمایی و به غیر خودت متوسّل نشویم؛ تو خود فرموده‌ای و گفتار تو درست و صادقترین سخنهاست بر این گفته قسم خورده‌ای و سوگند تو درست‌ترین و استوارترین سوگندهاست: «ای

بندگان من روزی شما در آسمان (یعنی از طرف من و به اراده من) است.» و بعد هم فرموده‌ای: «سوگند به خداوند آسمان و زمین، این وعده الهی همانند وعده مطمئنی که شما به یکدیگر می‌دهید، محقق و حتمی است.»

(۱-۲) سوره ذاریات / ۲۲، ۲۳.

(۳) صحیفه سجّادیه: دعای بیست و هشتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۸

(۱) امام علیه السلام در این دعای شریف از دو خصلت از خصایص روانی انسان سخن گفته است که عبارتند از:

۱- انسان وقتی که در تنگنای روزی قرار می‌گیرد و راههای زندگی بر او تنگ می‌شود بدین وسیله خدا را مَتَّهَم می‌کند و این مضیقه را به خدا نسبت می‌دهد و او را سرزنش کرده و بر او پرخاش می‌کند.

۲- گاهی انسان گرفتار آرزوهای دراز و بقا و جاودانگی در دنیا می‌شود زیرا که او با دید احمقانه‌ای به افراد سالخورده نگاه می‌کند و با خودش حساب می‌کند که او نیز مانند ایشان عمر زیادی خواهد کرد، از این رو دچار گناهان زیادی می‌شود؛ از جمله وقتی که آدمی به عمر طولانی اطمینان داشت قهرا در امور آخرتش سهل انگاری می‌کند و تمام همت و قدرتش را صرف دستیابی به دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی می‌نماید. و آنگاه امام علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرده است تا او را بر این یقین برساند که ارزاق بندگان به دست خدا تقسیم شده است تا از رنج و زحمت و کوشش بیش از حد برای معاش برکنار بماند.

(۲)

### دعای امام علیه السلام در کمک به ادای دین

از جمله دعاهاى امام علیه السلام، دعای ذیل در کمک به ادای دین است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنِ تَخَلَّقَ بِهِ وَجْهِي وَيَحَارِفِيهِ ذَهْنِي وَيَتَشَعَّبُ لِي فِكْرِي وَيَطُولُ بِمَمَارَسَتِهِ شَغْلِي وَاعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَفِكْرِهِ وَشُغْلِ الدَّيْنِ وَسَهْرِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْزِزْنِي مِنْهُ وَاسْتَجِرْ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ وَ مِنْ تَبَعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاءِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْرِنِي مِنْهُ بَوْسَعِ فَاضِلٍ أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْجِبْنِي عَنْ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۲۹

السَّيْرِفِ وَالْإِزْدِيَادِ وَقَوْمِي بِالْبُذْلِ وَالْإِقْتِصَادِ وَعَلَّمْنِي حَسْنَ التَّقْدِيرِ وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْدِيرِ وَاجْرِنِي مِنْ سَبَابِ الْحَلَالِ ارْزَاقِي وَجْهٍ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْفَاقِي وَازْوَعْنِي مِنَ الْمَالِ مَا يَحْدُثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْذِيًا أَلِي بَغِيٍّ أَوْ مَا اتَّعَقَّبَ مِنْهُ طَغْيَانَا اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي صَحْبَةَ الْفُقَرَاءِ وَعَنْتِي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسَنِ الصَّبْرِ وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ وَاجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حَطَامَتِهَا وَعَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بَلْغَةً أَلِي جَوَارِكٍ وَوَصَلَّهُ أَلِي قَرِيبِكَ وَذَرِيعَةً أَلِي جَتِّكَ أَنْتَكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَانْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.» (۱)

«خداوند! بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و مرا از رنج و غم بدهکاری عافیت ببخش که آبرویم را در برابر طلبکار می‌کاهد و خاطر مرا پریشان و فکرم را آشفته می‌سازد و در اثر آن دستم به کار نمی‌رود.

(۱) پروردگارا از غم قرضداری و از پریشان‌فکری و گرفتاری و بیدارخوابی وام داشتن به تو پناه می‌برم، پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا از رنج طاقت‌فرسای آن نگهدار و ای پروردگار مهربان من از ذلت و خواری و امداری در دنیا به تو پناه می‌برم و از

عقوبت عدم پرداخت آن در بعد مردن به تو ملتجی می‌شوم، بنابراین بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و مرا با گشایش در رزق و معیشت کافی از قرضداری حفظ کن، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا از اسرافکاری و ولخرجی‌ها برکنار بدار و راه بذل و بخشش به مستمندان با میانه‌روی و اعتدال در مصرف را به من نشان بده، و خوب اداره کردن زندگی را به من بیاموز، و به لطف و کرمت از تجمل و اسرافم بازدار، و وسایل روزی مرا از راه حلال فراهم کن و مرا به انفاق در راه خیر موفق بدار و مرا از جمع‌آوری مال و ثروتی که باعث

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سی‌ام.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۰

غرور و گردنفرایم گردد، و یا موجب طغیان و سرکشی شود، دور ساز، خداوندا لذت دوستی با فقرا و مستمندان را بر کام من گوارا کن، و مرا بر معاشرت با آنان بردبار و خوش‌خو گردان و آنچه از مال و منال دنیای زودگذر محروم داشته‌ای، آنها را در خزاین رحمت خود برای عالم آخرتم اندوخته فرما و آنها را وسیله تقرب به درگاهت و وصول به بهشت رضوانت قرار ده، زیرا تو تنها صاحب فضل عظیم و بخشنده کریمی ...»

(۱) این دعای شریف مشتمل بر نکات ذیل است:

اولاً، امام علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرده و در درگاهش تضرّع و زاری نموده تا او را از قرضداری معاف دارد به خاطر زیان و اندوهی که وامداری در پی دارد از جمله:

الف- وامداری آبرو را می‌کاهد و چهره آدمی را فرسوده می‌سازد، به خاطر غمهای فراوانی که بر شخص وامدار هجوم می‌آورد بخصوص اگر قادر بر ادای آن هم نباشد.

ب- قرضداری باعث آشفتگی خاطر و پریشانی و پراکندگی فکر می‌گردد زیرا که شخص بدهکار درباره نحوه ادای دین و نجات از آن همواره خاطرش پریشان است.

ج- وامداری باعث تلاش و اشتغال به کار و فعالیت زیاد برای ادای دین و خلاصی از آن می‌گردد.

د- برآستی که بدهکاری باعث ذلت و خواری در زندگی دنیاست زیرا که بدهکار در برابر طلبکار همواره احساس ذلت می‌نماید.

ه- بدهکار پس از مرگش نیز زیر بار دین طلبکار است و جز با پرداخت وام، راه خلاصی ندارد. با توجه به این امور و پیامدهای وامداری است که امام علیه السلام از خدای متعال درخواست دارد تا بر روزی او گشایشی دهد و او را از رزق و روزی بیشتری برخوردار سازد تا از غمها و زیانهای قرض برکنار بماند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۱

ثانیاً، امام علیه السلام از خداوند متعال خواسته است تا او را از اسرافکاری و ولخرجی نگهدارد زیرا که ولخرجی و بیش از حد لازم مصرف کردن باعث از بین بردن و تباه ساختن اموال است.

ثالثاً، امام علیه السلام از خداوند درخواست کرده است تا راه درست مصرف کردن اموال را به او بیاموزد و او را راهنمایی کند تا بجا مصرف کند و ولخرجی نکند و بر خود و خانواده‌اش تنگ نگیرد بلکه میانه‌رو و معتدل باشد.

رابعاً، امام علیه السلام از خداوند متعال خواسته است تا روزیش را از راههای مشروعی قرار دهد که شرع مقدس از آنها منع نکرده است.

خامساً، از خداوند مسألت کرده است که انفاق او را در راههای خوب و امور خیریه و در راههای رضای خدا قرار دهد.

سادساً، امام علیه السلام از خداوند درخواست کرده است تا او را گرفتار ثروتی نکند که باعث تکبر نسبت به مردم و خودپسندی و

یا ظلم و تجاوز نسبت به دیگران شود.

سابعاً، امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرده تا مصاحبت با فقرا و بیچارگان را مورد علاقه او قرار دهد و در معاشرت با ایشان یاریش کند تا هر اذیت و آزاری از ایشان ببیند، به آسانی تحمل کند. این بود برخی از محتویات این دعای شریف.

(۱)

### دعای امام درباره ذکر و طلب توبه

از جمله دعاهای امام در ذکر توبه و درخواست پذیرش آن به شرح ذیل است:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصْفَهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ وَيَا مَنْ لَا يَجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ اجْرُ الْمُحْسِنِينَ وَيَا مَنْ هُوَ مِنْتَهَى خَوْفُ الْعَابِدِينَ وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ تَدَاوُلْتَهُ أَيْدِي الدُّنُوبِ وَقَادَتْهُ أَزْمَةُ الْخَطَايَا وَاسْتَحُوذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَقَصِّيرٌ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۲

و تعاطی ما نهیت عنه تعزیراً کالجاهل بقدرتک علیه او کالمنکر فضل احسانک الیه حتی اذا انفتح له بصر الهدی و تقشعت عنه سحائب العمی احصی ما ظلم به نفسه و فکر فی ما خالف به ربّه فرای کثیر عصیانه کثیراً و جلیل مخالفته جلیلاً فاقبل نحوک مؤملاً لک مستجیباً منک و وجه رغبتہ الیک ثقۀ بک فأمک بطمعه یقیناً و قصدک بخوفه اخلاصاً قد خلا طمعه من کلّ مطموع فیه غیرک و افرخ روعه من کلّ محدود منه سواک فمثل بین یدیک متضرعاً و غمض بصره الی الأرض متخشعاً و طاطا رأسه لعزّتک متذللاً و ابّتک من سرّه ما انت اعلم به منه خصوصاً و عدّد من ذنوبه ما انت احصی لها خشوعاً و استغاث بک من عظیم ما وقع به فی علمک و قبیح ما فضحه فی حکمک من ذنوب ادبرت لذّاتها فذهبت و اقامت تبعاتها فلزمت لا ینکر یا الهی عدلک ان عاقبتہ و لا یستعظم عفوک ان عفوت عنه و رحمته لأنک الرّبّ الکریم الذی لا یتعاضمه غفران الذّنب العظیم...»

(۱) «ای خداوندی که هیچ یک از توصیف کنندگان نمی‌توانند او صافش را بگویند و ای آن که امید همه امیدواران فقط به پیشگاه احدیت تو منتهی می‌شود، و ای کسی که اجر و مزد نیکوکاران در نزد تو تباه نمی‌شود، و ای که ترس و بیم تمام عبادت کنندگان سرانجام تنها از اوست و همه اهل تقوا تنها در پیشگاه او و از هیبت او در هراس و خشیتند، خداوند اینجا، جایگاه کسی است که گناهان از هر طرف او را احاطه کرده و خطاها زمام اختیار او را در دست گرفته و شیطان بر او مسلط گشته است، و در نتیجه در انجام او امرت کوتاهی کرده و در اثر غرور، همانند بی‌خبرانی که از قدرت تو ناآگاهند دست به طرف چیزهایی دراز کرده که تو نهی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۳

فرموده‌ای، و یا همچون کسی که فضل و احسان تو را منکر گشته است تا این که چشم هدایت گشوده و ابرهای گمراهی از جلو چشم بصیرتش دور شده درباره مخالفت با پروردگارش اندیشیده است آن وقت نافرمانی خود را بزرگ دیده و پی به عظمت مخالفت خود برده است و با شرم و خجالت بسیار رو به درگاه تو آورده و از همه عالم با شوق و رغبت روی به سوی تو کرده با امید راستین به تو و خضوع و خشوع بسیار و بدون ترس از غیر تو با تضرع و زاری به پیشگاه تو آمده است و از خجالت چشم به زمین دوخته و در برابر شکوه و جلال تو سر به زیر افکنده و با خضوع فراوان راز خویش را که تو بر همه آنها آگاهتری عرضه می‌کند و به گناهانی که تو همه آنها را بخوبی می‌دانی خاشعانه اعتراف دارد و از تو در برابر آنچه در علمت گذشته و لغزشهای ناروایی که در مقابل فرمانت مرتکب شده، به درگاہ استغفار و استغاثه می‌کند؛ از گناهانی که لذات آنها گذشته و گرفتاریهایش باقی مانده

است، خداوندا اگر تو چنین کسی را کیفر دهی منکر عدالت تو نیست و اگر از گناهانش بگذری این گذشت و رحمت را برای تو کار بزرگی نمی‌داند زیرا که تو همان پروردگار بخشنده‌ای هستی که آمرزش گناه بزرگ برای او اهمیتی ندارد...»

(۱) اما این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر توحید و ثنای الهی است و این که توصیف کنندگان و واصفان توانایی وصف او را ندارند، زیرا چگونه ممکن الوجود، با وجود هستی و ادراکات و علم و قدرت و فعالیت‌های محدودش به واجب الوجودی احاطه پیدا کند که علم و سایر اوصاف او نامتناهی است؟! امام علیه السلام به گنهکاران از بندگان خدا نگریسته و خود را از باب تواضع در زمره ایشان شمرده است زیرا که خطاها و هواهای نفسانی آنان را به مخالفت با اوامر خدای تعالی واداشته و موقعی که از خواب غفلت بیدار می‌شوند،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۴

خاطرات تلخی در ذهن خود دارند و سخت در پیش وجدانشان به خاطر مخالفت با اوامر پروردگار و گستاخی خود پشیمان می‌شوند و با ناله و زاری از درگاه او تقاضای عفو و بخشش و گذشت می‌کنند. اکنون به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

«اللهمّ فها انا اذا قد جئتک مطيعاً لأمرك في ما امرت به من الدعاء متنجزاً وعدك في ما وعدت به من الإجابة اذ تقول [ادعوني استجب لكم] [۱] اللهم فصل على محمد وآله والقني بمغفرتك كما لقيتك باقراي و ارفعني عن مصارع الذنوب كما وضعت لك نفسي و استرني بسترک كما تأييتني عن الانتقام مني اللهم و ثبت في طاعتك تيتي و احکم في عبادتك بصيرتي و وقّني من الأعمال لما تغسل به دنس الخطايا عني و توقّني على ملتک و ملّة نبيک محمد عليه السلام اذا توقّيتني.

اللهمّ اني اتوب اليک في مقامي هذا من کبائر ذنوبي و صغائرها و بواطن سيئاتي و ظواهرها و سوائف زلاتي و حوادثها توبه من لا يحدث نفسه بمعصية و لا- يضمّر ان يعود في خطيئه و قد قلت يا الهی في محکم کتابک انک تقبل التوبه عن عبادک و تعفو عن السيئات و تحبّ التوايين فاقبل توبتي كما وعدت و اعف عن سيئاتي كما ضمنت و اوجب لي محبتك كما شرطت و لك يا ربّ شرطي الا اعود في مكروهك و ضمانی الا ارجع في مذمومك و عهدي ان اهجر جميع معاصيك.

«اللهمّ انک اعلم بما عملت فاغفر لي ما علمت و اصرفني بقدرتك الي ما احببت اللهم و عليّ تبعات قد

(۱) سوره غافر / ۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۵

حفظتھن و تبعات قد نسيتھن و کلھن بعينک التي لا تنام و علمک الذي لا ينسى فعوّض منها اهلها و احطط عني وزرها و خفف عني ثقلها و اعصمني من ان اقارف مثلها.

اللهمّ و انه لا وفاء لي بالتوبه الا بعصمتك و لا استمساک بي عن الخطايا الا عن قوتك فقوني بقوة كافيه و تولني بعصمه مانعه اللهم ايما عبد تاب اليك و هو في علم الغيب عندك فاسخ لتوبته و عائد في ذنبه و خطيئته فاني اعوذ بك ان اكون كذلك فاجعل توبتي هذه توبه لا احتاج بعدها الي توبه، توبه موجب لمحو ما سلف و السلامه في ما بقى...»

(۱) «خداوندا اینک من برای اطاعت از امر تو که فرموده‌ای به در گاهت دعا کنند تا بپذیری، به سویت آمده و اجابت دعای خود را از تو می‌طلبم، خدایا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و مرا با عفو و بخشش پذیرا باش همان‌طوری که من با اقرار به گناهانم به دیدار تو آمده‌ام و مرا از مرحله هلاکت به وسیله گناهان، بالا-تر ببر، همان‌گونه که من خودم را در پیشگاه تو خوار کردم، و عیبها و بدیهایم را همان‌طوری که به من مهلت داده و انتقام نگرفتی به کرم خودت پوشیده نگهدار، خداوندا نیت قلبم را پایدار کن و بصیرت مرا در پرستش ذات مقدست استوار گردان و مرا به انجام کارهای نیک موفق بدار تا بدین وسیله از پلیدی و

ناپاکی گناهان پاک شوم و به من این توفیق را مرحمت کن که در وقت مردن بر آیین تو و آیین پیامبرت محمد - صلی الله علیه و آله - بمیرم.

(۲) خداوندا من از همه گناهان بزرگ و کوچک و از همه بدیهای پنهان و آشکار و تمام لغزشهای گذشته و آینده‌ام، با این حالتی که دارم توبه می‌کنم توبه کسی که در آینده هرگز خود را به گناه آلوده نکند و حتی لفظ گناه را بر زبان جاری نسازد و بازگشت به گناه را به فکرش راه ندهد،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۶

خداوندا تو در قرآن کریمت فرموده‌ای: توبه بندگانت را می‌پذیری و از گناهانشان می‌گذری و توبه‌کنندگان را دوست می‌داری، پس چنان که وعده داده‌ای توبه مرا بپذیر و کارهای زشت مرا چنان که ضمانت به عفو فرموده‌ای عفو کن و محبتی را که به توبه‌کنندگان اعلام فرموده‌ای دوباره من هم لازم شمار و من هم در مقابل، عهد می‌کنم که دیگر به کارهایی که در نظر تو ناپسند است بر نگردم و به گردن می‌گیرم که دوباره به کارهای ناشایست بازنگردم و تا زنده‌ام از همه گناهان دوری کنم.

(۱) خداوندا تو از خود من به گناهانم آگاهتری پس آنچه از گناهانم را که می‌دانی انجام داده‌ام ببخش و با قدرت خودت مرا به سوی اعمالی برگردان که دوست می‌داری، خدایا بر گردن من حقوقی از مردم است که آنها را به خاطر دارم و حقوقی را فراموش کرده‌ام ولی تمام آنها در برابر دیدگان تو که هرگز به خواب نمی‌رود و علم حضوری تو که فراموشی در آن راه ندارد آشکار و عیان است پس خداوندا به صاحبان آنها عوض عطا فرما و بار سنگین آنها را از شانه من بردار و مرا از آنها آسوده ساز و در آینده نیز از ارتکاب نظیر آنها مرا بازدار.

(۲) خداوندا اگر عنایت تو نباشد و تو مرا حفظ نکنی من توانایی مداومت بر توبه را ندارم و اگر قوت و اراده تو نباشد مرا نیروی خودداری از گناهان نیست، پس به کرمت مرا از توانایی لازم برخوردار کن و در وجود من حس خودداری از گناهان را پایدار فرما، خدایا چه بسیار بندگانی که به درگاهت توبه کرده‌اند ولی در علم غیب تو معلوم بوده که آنان در آینده توبه خود را خواهند شکست و به ارتکاب گناهان بازخواهند گشت، بنابراین من پناه می‌برم به تو که از چنین بندگانی باشم، این توبه مرا به لطف خودت توبه‌ای قرار ده که تا پایان عمرم دوباره محتاج توبه نباشم و همین توبه موجب محو گناهانم گردد و هم باعث سالم ماندنم از خطا در باقیمانده عمرم باشد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۷

(۱) در این بخش از دعا، امام علیه السلام با خضوع و تذلل و شکستگی در برابر آفریدگار بزرگ ایستاده و سراسر وجودش امید و آرزوی به استجاب دعا از طرف خدا می‌باشد و امیدوار است که مغفرت و رضوانش را بر او ارزانی دارد و از هلاکت به وسیله گناهان برهاند، و با بزرگواری خود آبروی او را حفظ کند و خطاهایش را پوشیده و مخفی بدارد و توبه نصوح به درگاه خدا کرده و بازگشت نموده و خالصانه به عبادت و طاعت او پرداخته است تا دوباره به ارتکاب عمل ناروا و فعل نکوهیده برنگردد و از همان راه برود که رضای او در آن است و دوباره قبول توبه‌اش پافشاری می‌کند و از درگاه خدا می‌خواهد تا او را از ارتکاب هر گناهی بازدارد و هر لغزشی را از نامه عمل او محو سازد.

اینک به باقیمانده این دعای شریف گوش دل می‌سپاریم:

«اللهم انى اعتذر اليك من جهلى و استوهبيك سوء فعلى فاضمنى الى كنف رحمتك تطولا و استرنى بستر عافيتك تفضلا اللهم و انى اتوب اليك من كل ما خالف ارادتك او زال عن محبتك من خطرات قلبى و لحظات عينى و حكايات لسانى توبه تسلّم بها كل جارحة على حياها من تبعاتك و تأمن مما يخاف المعتدون من اليم سطواتك اللهم فارحم وحدتى بين يدىك و وجيب قلبى من خشيتك و اضطراب اركانى من هيبتك فقد اقامتنى يا ربّ ذنوبى مقام الخزى بفنائك فان سكت لم ينطق عنى احد و ان شفعت



فلست باهل الشفاعة.

اللهم صلّ علی محمد و آله و شفّع فی خطایای کرمک و عد علی سیئاتی بعفوک و لا تجزنی جزائی من عقوبتک و ابسط علی طولک و جلّنی بسترک و افعّل بی فعل عزیز تضرّع الیه عبد ذلیل فرحمه او غنیّ تعرّض له عبد فقیر فنعشه اللهم لا خفیر لی منک فلیخفرنی عزّک و لا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۸

شفیع لی الیک فلیشفع لی فضلک و قد اوجلتنی خطایای فلیؤمّنی عفوک فما کلّ ما نطقت به عن جهل منّی بسوء اثری و لا نسیان لما سبق من ذمیم فعلی و لکن لتسمع سماؤک و من فیها و ارضک و من علیها ما اظهرت لک من الندم و لجات الیک فی من التوبة فعلل بعضهم برحمتک یرحمنی لسوء موقفی او تدرکه الرقة علیّ لسوء حالی فیالنّی منه بدعوة هی اسمع لدیك من دعائی او شفاعة او کد عندک من شفاعتی تكون بها نجاتی من غضبک و فوزتی برضاک.

اللهم ان یکن الندم توبه الیک فانا اندم النادمین و ان یکن الترتک لمعصیتک انابه فانا اول المنیین و ان یکن الاستغفار حطه للذنوب فانی لک من المستغفرین اللهم فکما امرت بالتوبة و ضمنت القبول و حثت علی الدعاء و وعدت الإجابة فصلّ علی محمد و آله و اقبل توبتی و لا ترجعنی مرجع الخیبه من رحمتک انک انت التواب علی المذنبین و الرّحیم للخاطئین المنیین.

اللهم صلّ علی محمد و آله کما هدیتنا به و صلّ علی محمد و آله کما استنقذتنا به و صلّ علی محمد و آله صلاة تشفع لنا یوم القيامة و یوم الفاقه الیک انک علی کلّ شیء قدير و هو علیک یسیر. «۱»

(۱) «خداوندا من از نادانی خود پوزش می‌طلبم و از گناهان و بدرفتاریم درخواست عفو دارم ... پس مرا در کنف حمایت و رحمت خود قرار ده و در پرده عافیت به فضل خودت مستورم بدار، خدایا من از آنچه خلاف اراده تو

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سی و یکم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۳۹

و یا موجب از بین رفتن محبت توست، از خطورهای قلبی گرفته تا نگاه‌های بیجای با چشم و گفتار به زبان، توبه می‌کنم، چنان توبه‌ای که همه اعضا و جوارح را از معاصی تو بازدارد و از قهر و عذاب تو که گنهکاران و تجاوزگران هراسانند مرا ایمن سازد خداوندا پس به تنهایی من که در پیشگاهت ایستاده‌ام و بر پیش قلبم از هیبت قهر و جلالت و بر ارتعاش اعضای بدنم در برابر عظمت ترحم فرما، پروردگارا گناهانم مرا در پیشگاه والایت با ذلت و خواری زیاد، بپا داشته است؛ اگر نتوانم سخن بگویم کسی از طرف من سخن نگوید و اگر از خود شفاعت کنم، شایستگی چنین شفاعتی را ندارم.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و برای بخشش گناهانم رحمت خودت را شفیع من قرار ده و قلم عفو بر گناهانم درکش و کیفر اعمال بدم را جزای من قرار مده بلکه پرتو احسانت را بر من بگستران و در پرده عیب پوشیت عیب مرا بپوشان و با من چنان رفتار کن که شخص بزرگوار با بنده ذلیلش، که به درگاه او زاری می‌کند و او ترحم می‌نماید و یا چون شخص توانگری که فقیری نزد او آمده و تهیدستی خویش را بر او عرضه کرده و او نیازش را برآورده می‌سازد. خداوندا جز عنایت تو وسیله دیگری ندارم پس مرا به لطف خویش در پناه رحمت خود قرار ده و می‌دانی که من شفیع ندارم فضل و کرمت را شفیع من گردان، خطاها و گناهانم مرا سخت پریشان کرده‌اند به لطف خودت دلم را از این ترس و نگرانی آسوده کن، نه از آن جهت که من به نافرمانیها و خطاهایم نسبت به تو ناآگاهم و یا آنکه گناهان گذشته‌ام را در اثر غفلت فراموش کرده‌ام بلکه برای آن است که آسمان و زمین و اهل آسمان و زمین از اظهار ندامت من مطلع شوند و شاهد پناهندگی من به درگاه تو باشند، و شاید از آن میان بعضی وسیله رحمت تو شوند و به پریشانی من ترحم کرده و به حال بد من، رقت نمایند و دعایی در حق من کنند که از دعای

من در نزد تو

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۰

مستجاب تر باشد و یا شفاعت آنان در درگاه تو از شفاعت من پذیرفته تر باشد تا باعث نجات من از خشم و غضبت و برخورداری از رضا و خشنودی تو گردد.

(۱) خداوندا اگر پشیمانی واقعی، توبه محسوب می شود هم اکنون من از همه کس پشیمان ترم و اگر ترک معصیت بمنزله بازگشت به درگاه توست، من نخستین بازگشته به درگاه تو هستم و اگر استغفار و طلب آمرزش باعث محو شدن گناهان است پس من از آمرزش طلبان واقعی هستم، خداوندا تو خود بندگان را مأمور به توبه فرموده و پذیرش آن را نیز ضمانت کرده‌ای و وادار به دعا و بازگشت نموده‌ای و وعده اجابت داده‌ای پس بر محمّد و آلش درود و رحمت فرست و توبه مرا بپذیر و به مرحله ناامیدی از درگاهت و محرومیت از رحمت بی‌پایانت بازگردان زیرا که تو تنها پذیرنده توبه گناهکارانی و نسبت به خطاکاران پشیمان و نالان مهربان و رؤوفی ...

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، چنان که ما را به وسیله او هدایت فرمودی، و بر محمد و آلش درود فرست، چنان که ما را به وسیله او هدایت فرمودی، و بر محمد و آلش درود فرست همان طوری که ما را به وسیله او از ورطه جهل و شرک نجات دادی و بر محمد و آلش چنان درود و رحمتی بفرست تا در روز قیامت و روز بیچارگی از ما شفاعت کند براستی که بر هر کاری قادر و توانایی و اجابت درخواستهای ما بر تو آسان است.»

(۲) آیا چنین گسستن از همه چیز و تنها رو به خدا آوردنی سراغ دارید؟

براستی که امام علیه السلام از خوف و خشیت و اضطراب در پیشگاه خدای متعال ذوب شده است در حالی که او سرور پرهیزگاران و پیشاهنگ توبه کنندگان و سر دسته موحدان است.

آنچه مسلم است امام علیه السلام در تمام دوران زندگیش هرگز مرتکب گناهی نشده و همواره زندگیش نور تقوا و ایمان را پرتوافشانی کرده و با روح هدایت و تقوا آمیخته بوده است بلکه بدین وسیله می خواهد به امت اسلامی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۱

درسهای آموزنده از اصول ارزنده اسلامی بدهد که انسان را به درگاه خدا بخواند او باب توبه را به روی مردم گشوده است و نباید کسی که تقصیری در زندگی دارد و از راه راست انحرافی پیدا کرده از فضل و کرم خدا ناامید باشد بلکه اگر بخواد توبه کند و به سوی خدا بازگردد و از قلب خودش انگیزه گناه و نافرمانی را از بیخ و بن برکند راه بازگشت به روی او باز است.

(۱)

### دعای امام در وقت استخاره

از جمله دعاهای امام علیه السلام دعای استخاره است:

«اللّهُمَّ اِنِّي استخیرک بعلمک فصلّ علی محمّد و آله و اقض لی بالخیره و الهمنا معرفه الاختیار و اجعل ذلک ذریعۀ الی الرضا بما قضیت لنا و التسلیم لما حکمت فأزح عنا ریب الارتیاب و ایدنا بیقین المخلصین و لا تسمنا عجز المعرفة عمّا تخیرت فنغمط قدرک و نکره موضع رضاک و نجنح الی التی هی ابعده من حسن العاقبه و اقرب الی ضدّ العافیۀ و حبّ الینا ما نکره من قضائک و سهّل علینا ما نستصعب من حکمک و الهمنا الانقیاد لما اوردت علینا من مشیتک حتّی لا نحبّ تأخیر ما عجلت و لا تعجیل ما اخرت و لا نکره ما احببت و لا نتخیر ما کرهت و اختم لنا بالتی هی احمد عاقبه و اکرم مصیرا انک تفید الکریمۀ و تعطی الجسیمۀ و تفعل ما ترید و

انت علی کلّ شیء قدیر.» (۱)

«خداوندا من از علم تو طلب خیر می‌کنم، پس بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و درباره من به نیکی و خیر حکم کن و به من توفیق

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سی و سوم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۲

گزینش کار خیر را مرحمت کن و این عمل را وسیله راضی بودن به قضای خودت درباره ما و تسلیم شدن به مقدراتت قرار ده و هرگونه شک و ریب را از دل من برطرف کن و با یقینی چون یقین بندگان مخلصت تأییدمان بفرما و ما را از درک حکمت تقدیر خودت ناتوان مگردان تا اراده تو را سبک بشماریم و آنچه رضای توست برای ما ناگوار آید و چنان باشیم که به سوی چیزی میل کنیم که از حسن عاقبت و سعادت بدور و به ضد عافیت مقرون باشد. (۱) خداوندا آن معرفت را به ما عطا کن که بدان وسیله همه تقدیرهای تو برای ما خوب جلوه کند، و آنچه از قضای تو برای ما دشوار می‌نماید، آسان کن و بر قلب ما اطاعت هر امری را که اراده کرده‌ای الهام فرما تا آن که آنچه از ما با تعجیل خواسته‌ای به تأخیر نیندازیم و آنچه را که تأخیر آن را خواسته‌ای ما در آن عجله نکنیم؛ آنچه مورد رضای تو نیست اختیار نکنیم و آنچه را که تو دوست می‌داری مکروه نداریم، خداوندا عاقبت ما را به بهترین وجه ختم به خیر فرما و سرانجام کار ما را بهترین منزلگاه قرار بده زیرا که تو هر چه ببخشی نیکوست و هر چه عطا کنی بزرگ است و هر چه را که اراده کنی انجام می‌دهی و تو بر هر کاری قادر و توانایی.»

(۲) این دعای شریف دلیل بر پناهندگی امام علیه السلام در همه کارهایش به خداست و حکایت از آن دارد که در مشکلات خود از خداوند طلب خیر می‌کرده و از او راهنمایی می‌طلبیده است اگر قضای الهی بر انجام کاری صادر شده بود، انجام می‌داد، اگر نه آن را ترک می‌گفت.

(۳)

### دعای امام در وقت گرفتاری

از جمله دعاهاى امام علیه السلام این دعای شریف است که در وقت گرفتاری و یا موقعی که شخص مبتلا به عقوبت گناه را می‌دید، قرائت می‌کرد:

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۳

«اللّهم لك الحمد على سترك بعد علمك، و معافاتك بعد خبرك، فكنا قد اقترف العائبه فلم تشهره، و ارتكب الفاحشه فلم تفضحه و تستر بالمساوى فلم تدلل عليه كم نهى لك قد أتينا و امر قد وقفنا عليه فتعدينا و سيئه اکتسبناها، و خطيئه ارتكبتها كنت المطلع عليها دون الناظرين، و القادر على اعلانها فوق القادرين، كانت عافيتك لنا حجابا دون ابصارهم، و ردما دون اسماعهم فاجعل ما سترت من العورة، و اخفيت من الدخيلة واعظا لنا، و زاجرا عن سوء الخلق و اقرار الخبيئه، و سعيا الى التوبه الماحيه و الطريق المحموده، و قرب الوقت فيه، و لا- تسمنا الغفله عنك انا إليك راغبون، و من الذنوب تائبون و صلّ على خيرتك اللهم من خلقك محمد و عترته الصفوة من برّيتك الطاهرين، و اجعلنا لهم سامعين و مطيعين كما امرت.» (۱)

(۱) «خداوندا تو را سپاس می‌گویم به خاطر این که با وجود علم به گناهان من آنها را از دید دیگران پنهان ساختی و با وقوف به اعمال زشتم مجازاتم نکردی، با این که همه ما مرتکب بدیهایی هستیم اما تو آنها را برملا نکردی و عمل زشتی که به جا آوردیم

رسوا نساختی و بر آنها پرده پوشی کردی و بر دیگران فاش نمودی؛ چه بسیار اعمالی را که تو نهی فرمودی و ما مرتکب شدیم و چه بسیار کارهایی که به انجام آنها امر کردی و ما را از نتایج آن آگاه ساختی اما ما از روی نادانی پا روی امر تو نهادیم و چه بسا گناهی که ما به دست خود فراهم کردیم و خطاهایی که مرتکب شدیم و تنها تو از آنها آگاه بودی نه دیگران و تو می‌توانستی آنها را از هر کسی بهتر

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای ۳۴.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۴

به مردم نشان دهی، اما عفو و بخشش تو جلو چشمهای مردم حجابی شد و سدی گشت تا گوشه‌هایشان خبر گناهان ما را نشنود، پس خداوندا آن همه پرده پوشی از عیبهات و آن همه پنهان داشتن نارواییهای ما را، موعظه و اندرز و مانعی از بد اخلاقی و ارتکاب گناهان قرار بده، و به ما توفیق بده تا به توبه و بازگشتی بشتابیم که باعث محو شدن گناهانمان گردد و به راهی برویم که مورد پسند تو باشد و هنگام چنان توبه و موفقیت را نزدیک کن، نه آن که آن همه لطف تو باعث غفلت ما گردد زیرا که اشتیاق رسیدن به قرب تو را داریم و می‌خواهیم از گناهانمان توبه کنیم، خداوندا به بهترین بندگانت محمد (ص) و عترت پاکش که از هر گونه نقص و عیبی میزایند درود و رحمت فرست و ما را چنان که خودت امر فرموده‌ای از شنوندگان و مطیعان دستورهای ایشان قرار بده.»

(۱) امام علیه السلام در این دعای شریف از الطاف خدای تعالی نسبت به عاصیان و گنهکاران از بندگان خویش سخن گفته است که ایشان را در حین ارتکاب گناهان رسوا نساخته و در بین مردم مفتضح نکرده است تا موقعیت اجتماعی ایشان از بین برود بلکه با پرده لطف و کرمش پرده پوشی کرده و گناهانشان را از انظار مردم پنهان نموده است تا شاید آنان به راه حق برگردند و از گمراهی بازایستند.

(۲)

### دعای امام در مقابل رضا

از جمله دعا‌های امام علیه السلام در مورد رضایت به روزی مقدر است آنگاه که به اهل دنیا نگاه می‌کرد این دعا را می‌خواند:

«الحمد لله رضی بحکم الله، شهدت ان الله قسم معایش عباده بالعدل، واخذ علی جمیع خلقه بالفضل، اللهم صل علی محمد و آله، و لا تفتنی بما اعطيتهم و لا تفتنهم بما منعتنی فأحسد خلقك، و أغمط حکمك

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۵

اللهم صل علی محمد و آله و طیب بقضائک نفسی و وسع بمواقع حکمک صدري و هب لی الثقة لأقرّ معها بانّ قضاءک لم یجر الّا بالخیره و اجعل شکری لک علی ما زویت عنی أوفر من شکری إیّاک علی ما خوّلتنی.

و اعصمنی من ان اظنّ بذي عدم خساسة او اظنّ بصاحب ثروة فضلا فانّ الشریف من شرفته طاعتک و العزیز من اعزته عبادتک فصل علی محمد و آله و متعنا بثروة لا تنفد و ایدنا بعز لا یفقد و اسرحنا فی ملک الأبد انک الواحد الأحد الصمد الذی لم تلد و لم تولد و لم یکن لک کفوا احد.» (۱)

(۱) «سپاس خدایی را که من به فرمان او راضیم، گواهی می‌دهم که نصیب روزی همه بندگانش را از روی عدالت میان آنها تقسیم کرده و دادن روزی را به تمام مخلوقاتش از روی تفضّل و احسان ضمانت کرده است، خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت

فرست و مرا به آنچه به دیگران داده‌ای و دیگران را با آنچه به من مرحمت کرده‌ای آزمایش مفرما زیرا اگر چنین باشد من به دیگران حسد می‌برم و فرمان تو را می‌شکنم، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و تمام قضا و قدرت را برای من خوشایند و گوارا ساز و در برابر همه مواردی که حکم تو تعلق می‌گیرد به من شرح صدر مرحمت کن و اطمینان خاطر بدی که بدان وسیله معترف باشم که مقدرات تو جز به خیر و سعادت ما نیست و شکر و سپاس مرا نسبت به آنچه محروم کرده‌ای بیش از نعمتهایی که داده‌ای، مقرر فرما و مرا از این گمان حفظ کن که تصور کنم تهیدستان و فقرا در درگاه تو خوار و ذلیلند و یا گمان برم که توانگران صاحب مقام و فضیلتند، زیرا می‌دانم که

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سی و پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۶

شرافت واقعی از آن کسانی است که مطیع اوامر تو باشند و عزیز واقعی کسی است که در اثر عبادت تو به این عزّت رسیده است. پس بر محمد و آلش درود فرست و ما را از ثروتی برخوردار کن که فناپذیر باشد و آن عزّتی را مرحمت فرما که جاودانه و بی‌پایان است و در ملک دائمی و لایزال خودت راحت و آرامش کامل عطا کن، چون خدای یکتا و یگانه و بی‌نیاز از همه کس و تکیه‌گاه همگان تویی؛ نه از کسی زاییده و نه کسی از تو زاییده شده و هیچ موجودی کفو و همتای تو نیست...»

(۱) بطور اختصار به برخی از محتویات دل‌پسندی که در این دعای شریف وجود دارد اشاره می‌کنیم:

اولاً، امام علیه السلام یادآور شده است که خدای متعال روزی بندگانش را از روی عدالت در میان ایشان تقسیم کرده و در عین حال به حکمت بالغه خویش بعضی را بر بعضی در روزی فزونی بخشیده است زیرا اگر در ارزاقشان برابر بودند همگی به تباهی کشیده می‌شدند، همان طوری که این مطلب در حدیث نیز وارد شده است.

ثانیاً، امام علیه السلام از خدای متعال درخواست کرده تا او را به وسیله ثروت و فزونی نعمتی که بر بعضی از بندگانش داده است، آزمایش نکند و در نتیجه او را از حسد ورزیدن به توانگران حفظ کند.

ثالثاً، امام علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرده است تا او را از گمان باطل نسبت به این که فقرا خوار و ذلیلند و از این جهت که آنان کاستی دارند خداوند آنان را از روزی محروم داشته است! و همچنین از خداوند خواسته است تا او را از این گمان ناروا مصون دارد که ثروتمندان فضیلت و برتری دارند، زیرا شرافت و فضیلت واقعی از آن کسی است که توفیق اطاعت و عبادت خدا را یافت و به شرف بندگی خدا نایل گردید.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۷

(۱)

### دعای امام علیه السلام هنگام دیدن ابر و برق و صدای رعد

از جمله دعاهای امام علیه السلام این دعاست که هنگام مشاهده ابر و برق و وقت شنیدن صدای رعد قرائت می‌کرد:

«اللّهُمَّ اِنَّ هَذِيْنَ آيَاتِنَ مِنْ آيَاتِكَ وَ هَذِيْنَ عَوْنَانِ مِنْ اَعْوَانِكَ يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ اَوْ نَقْمَةٍ ضَارَّةٍ فَلَا تَمْطِرْنَا بِهَمَا مَطَرِ السَّوْءِ، وَ لَا تَلْبَسْنَا بِهَمَا لِبَاسِ الْبَلَاءِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ انْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّيِّئَاتِ وَ بَرِّكْهَا وَ اصْرِفْ عَنَّا اِذَاهَا وَ مَضِرَّتَهَا، وَ لَا تَصْبِنَا فِيهَا بِآفَةٍ وَ لَا تَرْسِلْ عَلٰى مَعَايِشِنَا عَاهَةً.

اللّهُمَّ وَ اِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نَقْمَةً وَ ارْسَلْتَهَا سَخَطَةً فَانَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ نَبْتَهِلُ الْيَكَّ فِي سَوْءِ عَفْوِكَ فَمَلِّ بِالْغَضَبِ اِلَى الْمَشْرُكِيْنَ

و أدر رحى نعمتك على الملحدین اللّهم اذهب محل بلادنا بسقياك و اخرج وحر صدورنا برزقك و لا تشغلنا عنك بغيرك و لا تقطع عن كافتنا مادّة برك فانّ الغنى من اغنيت و انّ السّالم من وقيت ما عند احد دونك دفاع و لا باحد عن سطوتك امتناع تحكّم بما شئت على من شئت و تقضى بما أردت فى من اردت فلك الحمد على ما وقيتنا من البلاء و لك الشكر على ما خولتنا من النعماء حمدا يخلف حمد الحامدين وراه حمدا يملأ ارضه و سماء انك المّان بجسيم المنن الوهاب لعظيم النعم القابل يسير الحمد الشّاکر قليل الشكر المحسن المجمل ذو الطّول لا اله الا انت اليك المصير.» (۱)

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سى و ششم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۸

«خداوندا این رعد و برق آسمانی دو نشان از نشانه‌های قدرت تو و دو کمک کار از یاران و خدمتکاران تو هستند که بر اساس اطاعت فرمان تو باران رحمت می‌بارند بارانی که گاهی رحمت و مفید و گاهی هم عذاب و زیانبخش است، پس خداوندا این دو را وسیله باران زیان آور قرار مده، و بدان وسیله لباس بلا و محنت بر ما میپوشان، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و از این ابرها باران سودمند و با برکت نازل بفرما و رنج و ضرر آن را از ما دور کن، و بر محصولات و ارزاق ما عیب و آفت مرسان.

(۱) خداوندا اگر باران را برای عذاب و از روی قهر و غضبت می‌فرستی ما از غضب تو به درگاه رحمت پناه می‌بریم و با تضرع و زاری تقاضای عفو داریم پس قهر و خشم خودترا به دیار مشرکان منصرف کن و باران عذابت را بر ملحدان نازل فرما، خداوندا با بارانهای رحمت خود دیار ما را سیراب گردان تا به رزق مقدر تو قانع شده و شکر و ریب را بدان وسیله از دل ما بیرون کن و ما را از خود، به دیگران مشغول مساز و از همه ما احسان و برکات را قطع مکن زیرا بی‌نیاز واقعی کسی است که تو بی‌نیاز سازی و هر که را تو در امان بداری، ایمن است، هیچ کس بدون کمک تو قدرت دفاع از خود را ندارد و هیچ موجودی از حیثه قدرت تو بیرون نیست تو ای که حکومت خود را بر همه چیز نافذ می‌کنی و درباره هر کس هر چه اراده کنی اجرا می‌کنی، پس شکر و سپاس تو را سزاست که ما را از بلا یا حفظ می‌کنی و از نعمتهای خود برخوردار می‌سازی، چنان سپاسی که جانشین سپاس همه سپاسگزاران باشد، سپاسی که زمین و آسمان را پر کند، زیرا تو ای که به مخلوقات نعمتهای فراوان مرحمت کرده‌ای و بدان وسیله منتهای عظمتی بر آنها نهاده‌ای، بخشنده نعمتهای بزرگ و پذیرنده شکر و سپاس ناچیز بندگان، صاحب احسان و نیکوکار و بخشاینده تویی، خدایی جز تو خدای یکتا نیست باز گشت همه به سوی توست.»

(۲) امام علیه السلام در این دعا از ابر و برق آسمانی که دو نشانه از نشانه‌های

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۴۹

قدرت خدا و دو کارگزار از کارگزاران خدا هستند سخن گفته است که خداوند آنها را یا به عنوان نعمتی برای بندگانش می‌فرستد تا بدان وسیله زمین پژمرده را احیا کند و نعمتها و خیرات را برای بندگانش فراهم آورد و یا آن که عذابی است که برای مردم می‌فرستد و بارانهای زیان آور می‌بارد و شهر و دیارشان را ویران می‌کند و کشت و زرع آنان را نابود می‌سازد و به همراه آن برق آسمانی را با زلزله‌های ویرانگر و سوزان می‌فرستد ... و امام علیه السلام از درگاه خدا با ناله و زاری درخواست کرده است که باران زیانبخش را بر دشمنان مشرک بی‌دین و منحرف خود مقرر دارد و بارانهای با خیر و رحمت را مخصوص مسلمانان بفرستد تا آنان را از فضل و کرم خویش توانگر سازد و از نعمتهای خود نصیب و روزیشان کند.

(۱)

از جمله دعا‌های امام علیه السلام این دعای شریف است که هنگام اعتراف به تقصیر از ادای شکر و سپاس خدای تعالی قرائت می‌کرد:

«اللَّهُمَّ اِنَّ اَحَدًا لَّا- يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ اَلْمَا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ اِحْسَانِكَ مَا يَلْزَمُهُ شُكْرًا وَ لَّا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ اِنْ اجْتَهَدَ اَلَّا كَانُ مَقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنِ شُكْرِكَ وَ اَعْبُدْهُمْ مَقْصِرٌ عَنِ طَاعَتِكَ وَ لَّا- يَجِبُ لِاَحَدٍ اَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ وَ لَّا اِنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبَطُولِكَ وَ مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ بِفَضْلِكَ تَشْكُرُ يَسِيرًا مَا تَشْكُرُ بِهِ وَ نَثِيبٌ عَلَيَّ قَلِيلٌ مَا تَطَاعَ فِيهِ حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي اَوْجِبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ وَ اعْظَمْتَ عَنْهُ جِزَاءَهُمْ اَمْرٌ مَلَكَوا اسْتِطَاعَةَ الْاِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ اَوْ لَمْ يَكُنْ سَبِيحَةً يَبْدُكَ فَجَازَيْتَهُمْ بِلِ مَلَكَتَ يَا اَلْهَى اَمْرَهُمْ قَبْلَ اَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ وَ اَعْدَدْتَ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۰

ثَوَابَهُمْ قَبْلَ اَنْ يَفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ وَ ذَلِكَ اِنَّ سَتَّتَكَ الْاِفْضَالَ وَ عَادَتَكَ الْاِحْسَانَ وَ سَبِيلَكَ الْعَفْوَ فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِاَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ وَ شَاهِدَةٌ بِاَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَافِيَةٍ وَ كُلُّ مَقَرٍّ عَلَيَّ نَفْسُهُ بِالْتَقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجِبْتَ فَلَوْلَا اِنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنِ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ وَ لَوْ لَا اَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالًّا فَسُبْحَانَكَ مَا اَبِينُ كَرَمَكَ فِي مَعَامَلَةٍ مِنْ اطَاعَتِكَ اَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ لِلْمَطِيْعِ مَا اَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ وَ تَمْلِي لِلْعَاصِي فِي مَا تَمْلِكُ مَعَاجِلَتَهُ فِيهِ اَعْطَيْتَ كَلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ وَ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ وَ لَوْ كَافَاتِ الْمَطِيْعِ عَلَيَّ مَا اَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لِأَوْشَكَ اِنْ يَفْقَدُ ثَوَابَكَ وَ اِنْ تَزُولُ عَنْهُ نِعْمَتِكَ وَ لَكِنَّكَ بَكْرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَيَّ الْمُدَّةَ الْقَصِيرَةَ الْفَائِيَةَ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ وَ عَلَيَّ الْغَايَةَ الْقَرِيبَةَ الزَّائِلَةَ بِالْغَايَةِ الْمُدِيدَةِ الْبَاقِيَةَ ثُمَّ لَمْ تَسْمَهُ الْقِصَاصَ فِي مَا اَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ لَمْ تَحْمَلْهُ عَلَيَّ الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْاَلَاةِ اَلَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا اِلَى مَغْفِرَتِكَ وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جَمَلَهُ مَا سَعَى فِيهِ جِزَاءٌ لِلصَّيْغَرَى مِنْ اَيَادِيكَ وَ مِنْكَ وَ لَبَقِيَ رَهْنًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعْمَتِكَ فَمَتَى كَانِ اسْتَحَقَّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ لَّا مَتَى.

هذا يا إلهي حال من اطاعك و سبيل من تعبد لك فإما العاصي امرك و المواقع نهيك فلم تعاجله بنقمتك لكي يستبدل بحاله في معصيتك حال الإنابة الى طاعتك و لقد كان يستحق في أول ما هم بعصيانك كل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۱

ما اعددت لجميع خلقك من عقوبتك فجميع ما آخرت عنه من وقت العذاب و ابطات به عليه من سطوات النعمة و العقاب ترك من حقك و رضی بدون واجبك فمن اكرم منك يا الهی و من اشقى ممن هلك عليك لا من فتابرت ان توصف الا بالاحسان و كرمت ان يخاف منك الا العدل لا يخشى جورك على من عصاك و لا يخاف اغفالك ثواب من ارضاك فصل على محمّد و آله و هب لي املی و زدنی من هداك ما اصل به الى التوفيق في عملی اَنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ. «۱»

(۱) «خداوندا هیچ کسی از بندگان شکرگزارت نمی‌تواند شکر ترا به حد کمال به جا آورد زیرا هر شکری که به جا آورد، خود نعمتی است و برای آن هم باید شکر کند، و هر کس هر چه در طاعت و بندگی تو بکوشد باز هم در انجام وظیفه بندگی قاصر است زیرا نتوانسته حق تو را ادا کند بنابراین شاکرترین بندگان از ادای شکر تو عاجزند و عبادت کننده‌ترین بندگان از عبادتی که سزاوار تو باشد ناتوانند، و کسی را یاری آن نیست که از روی شایستگی در خور آمرزش تو باشد و بتواند رضایت تو را جلب کند پس هر که را بیامرزی از روی لطف، منت نهاده‌ای و از هر کس تو خوشنود شوی از روی کرم و احسان می‌باشد که بر شکر اندک و عمل ناچیز بندگان پاداش می‌دهی و کرم تو به حدی است که گویا پاداش شکر بندگان را بر خود واجب می‌دانی و چنان پاداش دهی که گویی آن بندگان بدون عنایت تو قادر بوده‌اند و اینک باید پاداش نیک بگیرند در صورتی که اسباب همان مقدار اندک از شکر و طاعت هم به دست توست با این همه به ایشان مزد می‌دهی، خداوندا پیش از آن که آنان یاری انجام عبادت تو

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای سی و هفتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۲

را داشته باشند، مالک امر ایشان تو بوده‌ای و قبل از آن که ایشان توفیق طاعت پیدا کنند برای عمل ایشان اجر و پاداش مقرر کرده‌ای، این عمل نشان می‌دهد که سنت تو فضل و بخشش و عادت تو جود و احسان و روش تو عفو و کرم است. از این رو تمام خلائق اعتراف دارند که هر کس را عذاب کنی بی‌یقین بیدادگری نکرده‌ای و همه گواهی می‌دهند که به هر کس عافیت دهی به فضل و کرم رفتار کرده‌ای و همگان اقرار دارند که در انجام وظایف بندگی چنان که تو شایسته‌ای قاصرند، پس اگر شیطان بندگانت را با نیرنگ و فریب از راه طاعت تو منحرف نمی‌کرد هیچ بنده‌ای تو را معصیت نمی‌کرد و اگر او باطل را در نظرشان حق، جلوه نمی‌داد، هیچ کسی از راه بندگی تو گمراه نمی‌شد، (۱) پس خداوندا تو از هر عیب و نقصی منزّهی، لطف و کرم بر هر که تو را اطاعت کند و یا از فرمان تو سرپیچی نماید چه آشکار و واضح است!! تو ای که بر مطیعان با آنچه که قبلاً آماده ساخته‌ای پاداش می‌دهی، و بر عاصیان به قدرت صبر و شکیبایی فرصت توبه عنایت می‌کنی؛ به هر یک از آنان، نه به استحقاقشان بلکه با فضل و کرم رفتار می‌کنی و پاداشی بالاتر از حد عمل آنان را مرحمت می‌نمایی چون اگر می‌خواستی با اهل طاعت به عدالت رفتار کنی، بدین سبب که تو آنها را بر طاعت و بندگی هدایت فرموده‌ای مستحق پاداش نبودند و ممکن بود چنان اجر و نعمتی را از دست بدهند، ولی تو در مقابل اعمالی که در مدت کوتاه انجام دادند اجر و پاداش بسیار طولانی و جاودانه دادی و در برابر اعمالی که در مدت کوتاه و گذرای عمر انجام داده بودند پاداش طولانی و ماندنی مرحمت کردی و انگهی اگر تو محاسبه روزی که به آنان داده بودی، و آنها بدان وسیله قدرت بر اطاعت تو را پیدا کرده بودند، می‌نمودی، هیچ بنده‌ای با توجه به اسبابی که برای آنان در طاعت و بندگی خود فراهم کردی، استحقاق آن پاداش را نداشتند و بندگان مطیعت در گرو سایر نعمتهایی بودند که برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۳

بقایشان به آنها عطا فرموده‌ای در این صورت چه کسی می‌توانست از تو پاداش اعمال خود را بخواهد، هرگز، کی چنین استحقاقی را داشت؟

(۱) خداوندا! این وضع مطیعان و حال کسانی است که راه عبادت را پیش گرفته‌اند، اما گنهکاران و سرکشان از فرمان تو و کسانی که خلاف امر و نهی تو را کردند، در عذاب و مجازاتشان تعجیل نکردی تا بتوانند گناهانشان را با توبه و انابه به طاعت تبدیل کنند، در صورتی که همان بندگان گنهکار در ابتدا و اولین گناه، مستحق همه عذابهایی بودند که برای ایشان تعیین کرده بودی پس این تأخیر تو در مجازات از روی کرم و بخشندگی بوده و بعد هم در اثر توبه از ایشان راضی شدی. پس خداوندا چه کسی از تو بخشنده‌تر است؟! و چه کسی شقی‌تر از آن بنده‌ای است که معصیت چون تو خدای مهربان را مرتکب شود؟ هرگز، چه کسی می‌تواند چنین باشد، پس تنها تو هستی که فقط به احسان و بزرگواری توصیف می‌شوی و تو آن خداوند کریمی که تنها باید از عدل تو بیمناک باشند و گرنه بیم امکان ستم بر عاصیان از جانب تو نمی‌رود و اهل طاعت نیز نباید از این بیمناک باشند که پاداششان را فراموش کنی. خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست و خواسته‌ام را بر آور و از راه لطف و کرم بر هدایت من بی‌فرا هدایتی که مرا به انجام هرگونه عمل نیک موفق می‌سازد، زیرا که عطای تو بی‌حساب و کرم و بخشش فراوان است.»

(۲) در اینجا برای نگرش در محتویات این دعای شریف توقف کوتاهی می‌کنیم زیرا که این دعا مشتمل بر مطالب ذیل است: اولاً- الطاف و نعمتهای الهی بر بندگانش بی‌شمار است و شاکران نعمتش در هر حدی که شکر کنند، حق نعمتهای او را ادا نکرده‌اند زیرا که تمام وسایل و مقدمات سپاسگزاری او از طرف خداست و این خود موجب شکر و سپاس است.



ثانیا- انسان هر چه در طاعت و عبادت خدا بکوشد، از جهت آن که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۴

الطاف خدای متعال بر بندگان نامتناهی است، بازهم از ادای حق عبادتش قاصر است.

ثالثا- این که خدای متعال، بندگان مؤمنش را به لطف و کرم خود می‌آمزد و پاداش اعمال نیک ایشان را فردوس برین مقرر فرموده است، هیچ یک از اینها به خاطر شایستگی ایشان نیست بلکه از باب فضل و کرم او و لطفی است از جانب او، که در مباحث کلامی این مطلب به صورت موضوعی به اثبات رسیده است.

رابعا- کسی که مردم را از اطاعت خدا منحرف می‌کند و آنان را به نافرمانیها و ادار می‌سازد شیطان رانده شده از درگاه خداست و اگر او نبود هیچ کسی از راه حق منحرف نمی‌شد و کسی به گمراهی نمی‌افتاد.

خامسا- خداوند متعال بر بندگان صالحش پاداش می‌دهد و گنهکاران را نیز فرصت می‌دهد و در مجازاتشان تعجیل نمی‌کند، در صورتی که اگر در کیفر ایشان شتاب می‌ورزید، هرگز جنبنده‌ای باقی نمی‌ماند.

سادسا- خدای تعالی جزای بندگان صالح خود را در سرای آخرت مرحمت می‌کند که بی‌پایان است و آنان را در بهشت ابدی جایگزین می‌کند که تا بخواهند در آنجا ماندگارند ... این بود برخی از محتویات این دعای شریف.

(۱)

### دعای امام، وقت شنیدن خبر مرگ کسی

وقتی که به امام علیه السلام خبر مرگ کسی را می‌دادند و یا یاد مرگ می‌کرد، این دعا را می‌خواند:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنَا طَوْلَ الْأَمَلِ وَقَصِّرْهُ عَنَّا بِصَدَقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤَمَّلَ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ وَلَا لِحُوقِ قَدَمٍ بِقَدَمٍ وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ وَآمَنَّا مِنْ شُرُورِهِ وَانْصَبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِنًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۵

الأعمال عملاً نستبطن مع المصير اليك و نحرص له على و شك اللّٰحق بك حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْسُ بِهِ وَ مَأْلَفْنَا الَّذِي نَشْتَأِقُ إِلَيْهِ وَ حَامَتْنَا الَّتِي نَحَبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا فَإِذَا أوردته علينا و انزلته بنا فاسعدنا به زائرا و آنسنا به قادما و لا تشقنا بضيافته و لا تخزنا بزيارته و اجعله بابا من ابواب مغفرتك و مفتاحا من مفاتيح رحمتك امتنا مهتدين غير ضالين طائعين غير مستكرهين تائبين غير عاصين و لا مصرين يا ضامن جزاء المحسنين و مستصلح عمل المفسدين.» (۱)

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و ما را از آرزوهای دور و دراز بازدار، و به واسطه انجام عمل صالح رشته آمال دنیوی ما را کوتاه کن، بطوری که پس از گذشتن یک ساعت از عمرمان آرزوی ساعت دیگر را نکنیم و پس از سپری شدن یک روز از عمرمان آرزوی روز بعد را نداشته باشیم و انتظار دمی را از پس از پایان دمی نکنیم و برداشتن قدمی را پس از قدمی آرزو نکنیم، و ما را از فریفته شدن به زندگی حفظ کن و از شرّ و آفات زندگی ایمن بدار و مرگ را همواره در جلو چشمانمان قرار ده، و طوری ما را سرگرم زندگی مساز که از یاد مرگ غافل باشیم و به ما توفیق بده تا زندگی در نظر ما فرصتی برای انجام اعمال خالص باشد تا بتوانیم از هر لحظه آن برای سرانجام کارمان توشه برداریم و به محض احساس مردن به انتقال از دنیا حریصتر باشیم، بطوری که مرگ برای ما مأنوس باشد و وسیله انس با تو گردد و برای ما از آن جهت مأنوس باشد که باعث رسیدن ما مشتاقان به تو می‌گردد و مورد علاقه ماست که ما فرا رسیدن او را دوست می‌داریم و چنان باشد که هنگام فرا رسیدن مرگ ما را

بدان وسیله

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای چهلم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۶

سعادت‌مند کنی تا به زیارت تو نایل آییم و ما را بدان جهت به مرگ مأنوس کن که باعث وصول ما به رحمت تو گردد و در حال مهمان شدن به مرگ شقی و نگویند نباشیم و از دیدار مرگ غمگین و محزون نگردیم و آن را یکی از درهای مغفرت و کلیدی از کلیدهای رحمت قرار بده، ما را با نور ایمان و هدایت بمیران نه با گمراهی و کفر، و در حال اشتیاق به رحمت و نه به حال ترس و کراهت، در حالی که موفق به توبه و انابه باشیم نه در حال عصیان و گناه و نه در حالی که پافشاری و اصرار به معصیت داشته باشیم ای آن که پاداش نیکوکاران را ضمانت کرده‌ای و ای آن که وعده اصلاح حال تبهکاران را داده‌ای ...»

(۱) برآستی که طول امل و آرزوی دراز در دنیا از جمله موانعی است که انسان را از انجام اعمال شایسته باز می‌دارد و آخرت را از یاد آدمی می‌برد، که امام علیه السلام به خدا از شر طول امل پناه برده است و از خداوند به زاری خواسته است تا مرگ را همواره در برابر چشمش تجسم بخشد و لحظه‌ای از زندگیش یاد مرگ را از خاطر نبرد تا برای سرای آخرت کار کند و چون لحظه مرگ فرا رسد با مرگ مأنوس باشد. «۱»

(۲)

### دعای امام در طلب پرده‌پوشی

امام علیه السلام درباره طلب پرده‌پوشی و حفظ از گناه این دعا را می‌خواند:  
«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْرَشْنِيْ مَهَادِ كِرَامَتِكَ

(۱) شعر زیر از اشعار لسان الغیب حافظ مناسب این مقام است:

بیا که طول امل سخت سست بنیاد است بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد که این عجوزه عروس هزار داماد است. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۷

و اوردنی مشارع رحمتک و احللنی بحبوحه جنتک و لا تسمنی بالردّ عنک و لا تحرمنی بالخیبه منک و لا تقاصنی بما اجترحت و لا تنافسنی بما اکتسبت و لا تبرز مکتومی و لا تکشف مستوری و لا تحمل علی میزان الإنصاف عملی و لا تلعن علی عیون الملاء خبری اخف عنهم ما یكون نشره علی عارا و اطو عنهم ما یلحقنی عندک شنارا شرف درجتی برضوانک و اکمل کرامتی بغفرانک و انظمی فی اصحاب الیمین و وجهنی فی مسالک الآمنین و اجعلنی فی فوج الفائزین و امر بی مجالس الصّیّ الحین آمین ربّ العالمین.» «۱»

(۱) «خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست و فرش لطف و کرامت خود را برایم بگستر و به جویبار رحمت خویش واردم کن و مرا در بهشت برینت جای ده، و با راندن از درگاهت مرا بیچاره مکن، و با محروم ساختن از رحمت خویش ناامیدم مفرما و به خاطر اعمال بدم، کیفر و مجازاتم مکن، و برای گناهای که مرتکب شده‌ام، محاکمه مفرما و راز باطنی مرا بر دیگران فاش مکن و

عیب‌هایم را برملا مفرما و اعمال بد و خوب مرا در میزان عدالت مسنج، و خیر گناهان مرا در جلو چشم دیگران آشکار مکن و هر یک از اعمال و کردارم که انتشارش سبب سرشکستگی من است به لطف و کرمت از چشم خلق پنهان بدار و آنچه باعث ننگ من خواهد شد از دیگران مخفی بدار و درجه و مقام مرا تا بهشت رضوانت بالا-ببر، و کرامت و شرف مرا با آموزش خودت کامل گردان و مرا در زمره اصحاب یمین قرار ده و در ردیف کسانی در آور که از عذاب تو در امانند. و مرا در جمع نجات‌یافتگان و رستگاران محشور فرما و زندگی مرا با همنشینی

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای چهل و یکم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۸

صالحان آباد کن، خداوندا با لطف و کرمت دعای مرا مستجاب فرما.»

(۱) امام علیه السلام خاشعانه به درگاه خدا می‌نالد و از پیشگاه او درخواست می‌کند تا فرش لطف و کرمش را برای وی بگسترده، و به آبشخور رحمتش وارد سازد و با جا دادن او در فردوس اعلا بر او منت گذارد و با راندن از درگاهش بیچاره نسازد و ناامیدانه از پیشگاه خود محرومش نفرماید همچنان که درخواست می‌کند تا گناهان او را در سرای آخرت زیر پوشش و حفاظت رحمت خود مستور دارد و مرتبه و مقام او را به بهشت رضوانش بالا ببرد و کرامت و شرف او را با آموزش خویش کامل سازد. برآستی که حقیقت تقوای امام زین العابدین علیه السلام از حد وصف بیرون است و هر عبارتی برای بیان ورع و کمال و شدت توبه و انابه آن بزرگوار در پیشگاه خدای تعالی نارساست.

(۲)

### دعای امام به هنگام رؤیت هلال

از جمله دعا‌های امام علیه السلام به هنگام رؤیت هلال این دعای شریف است:

«إيها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في منازل التقدير المتصرف في فلك التدبير آمنت بمن نور بك الظلم و اوضح بك البهم و جعلك آية من آيات ملكه و علامه من علامات سلطانه و امتهنك بالزيادة و التقصان و الطلوع و الأقول و الإنارة و الكسوف في كل ذلك انت له مطيع و الی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبّر فی امرک و الطف ما صنع فی شأنک جعلک مفتاح شهر حادث لأمر حادث فاسأل الله ربّي و ربّک و خالقک و مقدری و مقدرک و مصوّرک و مصوّرک ان یصلی علی محمّد و آله

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۵۹

و ان يجعلک هلال برکة لا تمحقها الأيام و طهارة لا تدنسها الآثام هلال امن من الآفات و سلامة من السيئات هلال سعد لا نحس فيه و یمن لا نکد معه و یسر لا یمازجه عسر و خیر لا یشوبه شرّ هلال امن و ایمان و نعمة و احسان و سلامة و اسلام.

اللهم صلّ علی محمّد و آله و اجعلنا من ارضی من طلع علیه و ازکی من نظر الیه و اسعد من تعبد لک فيه و وقفنا فيه للتوبة و اعصمنا فيه من الحوبة و احفظنا فيه من مباشرة معصیتک و اوزعنا فيه شکر نعمتک و البسنا فيه جنن العافیة و اتمم علينا باستكمال طاعتک فيه المنة أنك المنان الحمید و صلّی الله علی محمّد و آله الطيبين الطاهرين.» (۱)

(۱) «ای هلال ماه! ای آفریده خدا و ای فرمانبری که دائما در گردشی و در منازل تعیین شده، رفت و آمد می‌کنی و در فلک معینی می‌چرخی، من به خدایی که با روشنایی تو تاریکیهای شب را منور کرده و به وسیله تو تیرگیها را روشن ساخته و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت و علامتی از علائم حکومت و تسلط خود بر جهان هستی قرار داده است ایمان و اعتراف دارم و با کم و زیاد شدن

و طلوع و غروب و نور افشانی و گرفتگی (خسوف) تو نمونه‌ای از قدرت خود را به ما نشان داده است. در همه این حالات تو مطیع اراده خدا هستی و به سوی خواست او روان می‌شوی، پاک و منزّه است او که چه قدر شگفت آور است آنچه را که در آفرینش تو تدبیر کرده و چقدر دقیق و ظریف تو را ساخته است! تو را کلید ماه تازه برای کارهای تازه قرار داده است، بنابراین از خدای تعالی پروردگار و آفریننده

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای چهل و سوم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۰

من و تو و از خدایی که تقدیر و تصویر من و تو به دست اوست مسألت دارم که بر محمد و آلش درود و رحمت بفرستد و تو را هلال با برکت گرداند که گذشت روزها برکت و میمنت تو را از بین نبرد و چنان پاک دارد که سپری شدن ایام پاکی تو را آلوده نسازد، و تو را هلال ایمنی از آفات و برکناری از بدیها و هلال خوشبختی قرار دهد، نه نحوست. و با برکت و آسانی که آمیخته به رنج و دشواری نباشد و خیر و نیکی به دور از شر و بدی و همچنین، هلال امن و ایمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام گرداند. (۱) خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت بفرست و ما را از کسانی قرار ده که از ورود این ماه راضی بوده و از پاکترین کسانی که بر این ماه می‌نگرند و خوشبخت‌ترین بندگانی که در این ماه عبادت تو را به جا می‌آورند و ما را در این ماه موفق به توبه نموده و از گناه و لغزش ایمن بدار و از ارتکاب معصیت خودت حفظ کن و شکر نعمتهایت را نصیب و روزی ما بفرما و لباس تندرستی و عافیت بر ما بپوشان و لطف و ممت خود را با تکمیل عبادت و طاعت خودت بر ما تکمیل نما زیرا که تو بهترین نیکوکاران و ستوده شدگانی و درود و رحمت الهی بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد! (۲) امام علیه السلام در این دعای شریف راجع به نشانه‌ای از نشانه‌های بزرگ خدا یعنی سیاره دلپسند و زیبای ماه سخن گفته است که خداوند بدان وسیله آسمان این دنیا را آراسته و برای آن منزلگاههایی قرار داده است که در آن منازل با حرکتی منظم و با نظم دقیقی حرکت می‌کند؛ طلوع و غروبش و نور افشانی و خسوفش نشانه‌های شگفت‌آوری بر وجود آفریدگار دانا و عظمت تدبیر و صنع عجیب اوست. امام علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرده است تا در آن ماه، خیر و برکت برایش مقدر فرماید و آن را هلال ایمنی از آفات و

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۱

سلامتی از بدیها قرار دهد و هلال خوشبختی سازد نه هلال نحوست و دیگر خواسته‌های نیکی و خیری که امام علیه السلام از خداوند درخواست کرده است تا به او مرحمت نماید.

(۱)

### دعای امام درباره رفع کید و مکر دشمنان

از جمله دعا‌های امام علیه السلام درباره رفع کید و مکر دشمنان و بازگرداندن خطر ایشان این دعای شریف است که مشهور به دعای جوشن صغیر است، و شایان ذکر است که این دعا غیر از دعای جوشن صغیری است که از پیامبر - صلی الله علیه و آله - نقل شده است:

«الهی هدیتنی فلهوت و وعظت فقسوت و ابلیت الجمیل فعصیت ثمّ عرفت ما اصدرت اذ عرفتیه فاستغفرت فاقلت فعدت فسترت فلک الحمد الهی تقحمت اودیة الهلاک و حللت شعاب تلف تعرّضت فیها لسطواتک و بحلولها عقوباتک و وسیلتی الیک التّوحد و ذریعتی ائی لم اشرك بک شیئا و لم اتخذ معک الها و قد فررت الیک بنفسی و الیک مفرّ المسیء و مفرع المضیع لحظّ نفسه

الملتجئ فكم من عدو انتضى علي سيف عداوته و شحذ لي ظبه مديته و ارفه لي شبا حده و داف لي قواتل سمومه و سدّد نحوى صوائب سهامه و لم تنم عنى عين حراسته و اضمران يسومنى المكروه و يجزعنى زعاف مرارته فنظرت يا الهى الى ضعفى عن احتمال الفواح و عجزى عن الانتصار ممن قصدنى بمحاربتة و وحدتى فى كثير عدد من ناوانى و ارسد لي بالبلاء فى ما لم اعمل فيه فكرى فابتداتنى بنصرك و شدت ازرى بقوتك ثم فللت لي حده و صيرته من بعد جمع عديد وحده و اعليت

تحليلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۲

كعبى عليه و جعلت ما سدده مردودا عليه فرددته لم يشف غيظه و لم يسكن غليله قد عضّ على شواه و ادبر مؤليا قد اخلفت سراياه و كم من باغ بغانى بمكائده و نصب لي شرك مصائده و وكلّ بي تفقّد رعايته و اضبأ اليّ اضباء السبع لطريدته انتظارا لانتهاز الفرصه لفريسته و هو يظهر لي بشاشه الملق و ينظرني على شدة الحنق فلما رايت يا الهى تباركت و تعاليت دغل سريرته و قبح ما انطوى عليه اركسته لأّم رأسه فى زيبته و رددته فى مهوى حفرته فانقمع بعد استطالته ذليلا فى ربق جبالته الّتى كان يقدر ان يرانى فيها و قد كان ان يحلّ بي لو لا رحمتك ما حلّ بساحته و كم من حاسد قد شرق بي بغصته و شجى منى بغيظه و سلقنى بحدّ لسانه و وحرني بقرف عيوبه و جعل عرضى غرضا لمراميه و قلّدى خللا لم تزل فيه و وحرني بكيده و قصدنى بمكيدته فناديتك يا الهى مستغيثا بك واثقا بسرعه اجابتك عالما انه لا يضطهد من آوى الى ظلّ كنفك و لا يفزع من لجأ الى معقل انتصارك فحصىنتنى من باسه بقدرتك و كم من سحائب مكروه جليتها عنى و سحائب نعم امطرتها علىّ و جداول رحمه نشرتها و عافية البستها و اعين احداث طمستها و غواشى كربات كشفتها و كم من ظنّ حسن حقتك و عدم جبرت و صرعه انعشت و مسكنه حوّلت كلّ ذلك انعاما و تطولا منك و فى جميعه انهماكا منى على معاصيك لم تمنعك اساءتى عن اتمام احسانك و لا حجرنى ذلك عن ارتكاب مساخطك لا تسال عمّا تفعل و لقد سألت فاعطيت و لم تسأل فابتدات و استميتح

تحليلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۳

فضلك فما اكديت ابيت يا مولاى الّا احسانا و امتنانا و تطولا و انعاما و ابيت الّا تقحما بحرمتك و تعديا لحدودك و غفله عن وعيدك فلك الحمد الهى من مقتدر لا يغلب و ذى اناه لا يعجل هذا مقام من اعترف بسبوغ النعم و قابلها بالتقصير و شهد على نفسه بالتضييع.

اللهم فاني اتقرب اليك بالمحمدية الرفيعة و العلوية البيضاء و أتوجه اليك بهما ان تعيذنى من شرّ [كذا و كذا] فانّ ذلك لا يضيق عليك فى وجدك و لا- يتكأذك فى قدرتك و انت على كلّ شىء قدير فهب لي يا الهى من رحمتك و دوام توفيقك ما أتخذة سلما اعرج به الى رضوانك و آمن به من عقابك يا ارحم الراحمين.» «(۱)»

(۱) «خداوندا تو مرا به لطف خویش هدایت کردی و من از روی غفلت به لهُو و لعب پرداختم و تو مرا پند دادی و من از روی سنگدلی نپذیرفتم، و به من کرم و نیکی کردی بازهم نافرمانی کردم و پس از اینها آنچه را که به من شناساندی شناختم و به درگاہت برگشتم و استغفار کردم و تو مرا مورد عفو قرار دادی و باز دوباره به حال اول برگشتم و تو پرده پوشی کردی. پس تو را حمد و سپاس می گویم ای خداوند مهربان و اعتراف می کنم که خود را در وادیهای هلاکت افکندم و به پرتگاه نابودی افتادم و در معرض قهر و سطوهای تو قرار دادم و خود را مورد عقوبتهای تو ساختم، اما با وجود اینها تنها وسیله من به درگاہت یکتاپرستی تو و دستاویزم این بود که چیزی را شریک تو قرار نداده و کسی را با تو خدای خود نگیرم و از تمام مهلکه ها و گناهان به سوی تو فرار کردم؛ تو که پناه گنهکاران و کسانی هستی که در معرض تباهی نفس خود قرار دارند. خداوندا چه بسیار دشمنی که شمشیر

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای چهل و نهم.

ستیزش را بروی من کشیده و خنجر کین خود را تیز کرده و نیزه و سنانش را به جانب من روان کرده است و چشمانش از مراقبت من به خواب نرفته و در دل می‌خواست مرا هدف شکنجه خود قرار دهد و زهر کشنده خود را بر من بچشاند و تو ای خدا از راه تفصّل به ناتوانی من، از تحمّل بار گران ستمهای دشمن، نگریستی و مرا از غلبه بر آن کسی که با من در ستیز است عاجز یافتی و دیدی در برابر نیروهای زیاد دشمن کمین کرده، من تنهایم و فکر و تدبیر من در مقابل آنها به جایی نمی‌رسد، پس تو با لطف و قدرت بی‌پایانت مرا یاری کردی و در برابر دشمن پشت مرا محکم نمودی و تیغ تیز دشمن را بر ضدّ من کند ساختی و او را با آن همه سپاه تنها گذاردی و مرا بر او برتری بخشیدی و مکر و حيله او را درباره من، به خودش بازگرداندی، بازهم آتش کین او بر من خاموش نشد و شراره خشمش فرو نشست، و کینه باطنش آرام نگرفت، در حالی که سپاهش بر غنیمتی دست نیافت و به پشت سر خود بازگشت، (۱) خداوند چه بسیار ستمگرانی که با نقشه‌های شیطانی خود در صدد آزار من برآمده و دامهایی برای شکار کردن من گسترده و برای دست یافتن به من مراقبان خویش را برانگیخت و چون درنده‌ای که در کمین شکار خود است در کمین من نشست تا مرا بدرد و برای فریفتن من سیمای بشّاش نشان داد، و در دل با خشم و کین به من نگریست، اما تو ای خدای تبارک و تعالی چون بد باطنی و زشتی نیت او را دیدی، از مغز سر به چاه هلاکت افکندی و به گودال عمیقش سرنگون کردی و با خواری و ذلّت در داخل تارهای مکر و حيله‌ای که انتظار داشت مرا گرفتار ببیند، خود اسیر و گرفتار آمد، و اگر لطف تو شامل حال نمی‌شد نزدیک بود آن بلایی که به وی رسد بر من وارد شود، و چه بسیار حسودانی که از شدت کینه قلبی حسدش را بر من آشکار کرد، و غضبش نسبت به من به جوش آمد و زبانش مانند تیر زهرآلوده مرا هدف بدگویی و زخم زبان می‌کرد و با گوشه چشم خشم‌آلوده

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۵

به من خیره گشت و آبرویم را هدف تهمت‌ها قرار داد و نقصهای خود را به گردن من انداخته و از راه مکر و کینه به من طعنه می‌زد و از راه فریب قصد کشتن مرا داشت خداوند همواره من در برابر ایشان تو را به یاری طلبیدم و از دست دشمنانم به تو پناهنده شدم، زیرا که به سرعت اجابت و یاری تو اطمینان داشتم و می‌دانستم کسی که در سایه حمایت تو درآید هرگز مغلوب نمی‌شود و هر که در سنگر یاری تو قرار گیرد سنگ حوادث سرش را نمی‌شکند، پس خداوند مرا به قدرت خود از شرّ جور و ستم دشمن پناه ده، (۱) خدایا چه بسیار ابر تیره‌ای را که از من برطرف کردی و از ابر نعمت خویش باران رحمت را بر من نازل کردی و در جویبار کرم خویش آب رحمت روان ساختی و لباس عافیت پوشاندی و حوادث و مصایب سخت را برطرف کردی و رنج و غمهایی را که از میان بردی و چه بسیار حسن ظنی را که به تو داشتم محقق ساختی و کم بودیم را جبران کردی و از لغزشهایم محافظت نمودی و بیچارگیم را برطرف ساختی، همه اینها را از راه انعام و احسان به من عطا کردی در حالی که من در برابر این همه محبت تو در نافرمانی تو فرو رفته بودم، با وجود این اعمال ناروایم تو را از اتمام احسانت باز نداشت و مرا از ارتکاب عملی که باعث خشم توست مانع نشد. خداوند کسی از آنچه تو به جا آوری حق سؤال ندارد و تو هر چه را که بندگان درخواست کردند عطا نمودی و اگر درخواست هم نکردند بازهم به لطف خود بدون سابقه درخواست عطا می‌فرمایی و همواره راه فضل و کرمت به روی مردمان باز است، ای مولای من! تو بر کسی بخل نکردی و در حق بندگان جز احسان و نیکی چیز دیگری روا نمی‌داری و من بنده ناتوان از آن بیم دارم که از روی غفلت اوامرت را بشکنم و به نافرمانی و تجاوز از حدود فرمانت پافشاری کنم و از وعده عذابت غفلت بورزم، خداوند تو را حمد و سپاس می‌گویم که تو آن خدای توانایی که هیچ کس توان غلبه بر تو را ندارد، و تو آن شکیبایی که شتاب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۶

در عذاب بدکاران نورزی، و اینجا که من هستم مقام کسی است که اقرار دارد بر این که نعمتهایت را بر او کامل ساخته‌ای و او در

برابر لطف تو، قصور ورزیده و گواهی می‌دهد که در حق خویش ستم روا داشته و نفس خود را با معصیت تباه کرده است. (۱) خداوندا من با توسل به آیین پاک محمدی و تمسک به ولایت پر نور علوی به درگاہت تقرب می‌جویم، و به وسیله آنان رو به سوی تو می‌آورم تا مرا از شرّی چنین و چنان در امان داری و پناهم دهی چون پناه دادن من بر تو آسان و در برابر قدرت کامل تو و توانایی ذات مقدست مشکل نیست، تو بر همه چیز قادر و توانایی. خداوندا از رحمت بی‌انتهایت و توفیقات همیشگی عطا فرما تا بتوانم آن را نردبانی برای عروج به مقام رضوانت قرار داده و از قهر و عقابت ایمن گردم. ای بخشنده‌ترین بخشاینده گان...»

(۲) برآستی که امام علیه السلام مشکلات سیاسی سخت و دشواری را پشت سر گذاشته و در روزگار حکومت اموی در معرض شکنجه‌های سهمگینی بوده است زیرا که سلطه وقت امام سجاد علیه السلام را بشدت تحت مراقبت سختی گرفته و لحظه به لحظه او را از نظر دور نمی‌داشت و با شدت و سنگدلی فوق‌العاده‌ای با آن حضرت رفتار می‌کرد.

این دعای شریف سند مطمئنی از انواع مصایب و گرفتاریهای امام است که از طرف دشمنان سیاسی خود مشاهده کرده، و بیانگر آن نقشه‌های شومی است که طرح کرده بودند تا به زندگی آن حضرت خاتمه دهند و همچنین دامهایی که بر سر راه آن بزرگوار گسترده و در آشکار و نهان مکر و حيله‌هایی که برای نابودی آن امام بزرگوار به کار می‌بردند، آری دامهای خود را برای شکار کردن او گسترده بودند و دل‌هایشان مملو از کینه آن حضرت بوده است اما خدای تعالی از روی لطف و تفضل خود نسبت به آن بزرگوار تیرهای مکر و کین ایشان را به گلوگاههای خودشان بازگرداند و آنان را گرفتار فتنه و بلا کرد و عذاب دردناکی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۷

بر ایشان فرو ریخت و امام علیه السلام را از شرّ آنان نجات داد.

(۱)

### دعای امام در مورد ترس از عقاب

از جمله دعا‌های امام علیه السلام این دعای شریف درباره ترس از عقاب و کيفر الهی است:

«اللّهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَرَبِّيتَنِي صَغِيرًا وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًا اَللّهُمَّ اِنِّي وَجَدْتُ فِي مَا اَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَبَشَّرْتَ بِهٖ عِبَادَكَ اَنْ قَلْتُ يَا عِبَادِيَ الَّذِيْنَ اسْرَفُوْا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذَّنُوْبَ جَمِيْعًا وَ قَدْ تَقَدَّمَ مَنِّيْ مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مَنِّيْ فَيَا سُوْاْتَا مِمَّا اَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابِكَ فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفَ الَّتِيْ اُوْمَلُ مِنْ عَفْوِكَ الْاَذَى شَمَلُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا لَقِيْتُ بِيَدِيْ وَ لَوْ اَنْ اَحْدَا اسْتَطَاع الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهٖ لَكُنْتُ اَنَا اَحَقُّ بِالْهَرَبِ وَ اَنْتَ لَا تَخْفِيْ عَلَيَّكَ خَافِيَةٌ فِي الْاَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ اِلَّا اَتَيْتَ بِهَا وَ كَفَيْتَ بِهَا حَسِيْبًا.

اللّهُمَّ اَنْتَ طَالِبِيْ اَنَا هَرَبْتُ وَ مَدْرَكِيْ اَنَا اَنَا فَرَرْتُ فَهِيَ اَنَا اَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيْلٌ رَاغِمٌ اَنْ تَعَذَّبْنِيْ فَاِنِّيْ لَذَلِكُ اَهْلٌ وَ هُوَ يَا رَبَّ مَنْكَ عَدْلٌ وَ اَنْ تَعْفَ عَنِّيْ فَقَدِيْمًا شَمَلْنِيْ عَفْوِكَ وَ اَلْبَسْتَنِيْ عَافِيَتِكَ فَاَسْأَلُكَ اللّهُمَّ بِالْمَخْزُوْنِ مِنْ اَسْمَائِكَ وَ بِمَا وَاْرْتَهَ الْحَجْبُ مِنْ بَهَائِكَ اَلَّا رَحْمَتَ هَذِهِ النَّفْسِ الْجَزُوْعَةَ وَ هَذِهِ الرُّمَّةَ الْهَلُوْعَةَ الَّتِيْ لَا تَسْتَطِيْعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيْعُ حَرَّ نَارِكَ وَ الَّتِيْ لَا تَسْتَطِيْعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيْعُ صَوْتَ غَضْبِكَ فَارْحَمْنِيْ اللّهُمَّ فَاِنِّيْ اَمْرٌ حَقِيْرٌ وَ خَطِرِيْ يَسِيْرٌ وَ لَيْسَ عَذَابِيْ مِمَّا يَزِيْدُ فِيْ مَلِكِكَ مَثَقَالِ ذَرَّةٍ وَ لَوْ اَنْ عَذَابِيْ مِمَّا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۸

یزید فی ملکک لسألتک الصبر علیه و احببت ان يكون ذلك لك و لكن سلطانک اللهم اعظم و ملکک ادوم من ان تزيد فيه طاعة المطيعين او تنقص منه معصية المذنبين فارحمني يا ارحم الراحمين و تجاوز عني يا ذا الجلال و الاكرام و تب عليّ انك انت التواب

الرَّحِيمِ.» (۱)

«خداوندا تو مرا با اندامی سالم آفریدی و از کودکی به مرحله رشد رساندی و به قدر کافی روزی دادی، خدایا من در آیات کتاب آسمانیت آنچه را که بر بندگانت بشارت داده‌ای پیدا کردم که فرموده‌ای: «ای بندگان من که به نفس خود ستم کرده‌اید و از راه اطاعت من منحرف شده‌اید و راه اسراف پیش گرفته‌اید، از رحمت خدا ناامید نباشید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.» خداوندا تو بر تمام گناهان گذشته من آگاهی و از خود من به آنها داناتری پس وای به رسوایی من از آنچه که در نامه معلم ضبط شده است، پس اگر موفقیت و موقعیت آرزومندی من به عفو تو نبود عفوی که شامل حال تمام موجودات است، خودم را به دست خویش هلاک کرده بودم، و اگر کسی قدرت فرار از حکومت پروردگارش را داشت من از هر کس به فرار سزاوارتر بودم در صورتی که هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست و همه چیز را در نزد خویش حاضر داری و برای جزا دادن همه خلائق علم تو کافی است و برای محاسبه به تمام اعمال بندگان آگاهی.

(۱) خداوندا اگر من به واسطه شرمندگیم از تو فرار کنم، تو مرا می‌جویی و به هر جا فرار کنم تو مرا می‌یابی، پس من همواره با خضوع و خشوع و خواری صورت بر خاک نهاده‌ام اگر مرا عذاب کنی خود را سزاوار می‌بینم که درباره من به عدالت رفتار کرده‌ای و اگر هم مرا ببخشی و عفو

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پنجاهم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۶۹

کنی سپاسگزارم زیرا از قبل نیز عفو تو شامل حال من بوده و لباس عافیت بر تنم پوشانده‌ای، پس خداوندا از درگاه تو، به حق اسماء جلالیت می‌خواهم آن آسمایی که در خزانه غیبت نهان داشته‌ای و به آن نامهای مقدست که رحمت را شامل حال من بگردانی و این نفس ناشکیبا و بیچاره مرا که تاب تحمل تابش آفتاب را ندارد پس چگونه طاقت تحمل آتش دوزخ تو را خواهد داشت؟ و از شنیدن صدای رعد و برق آسمانیت بی‌تاب می‌شود چگونه بر قهر و غضب طاقت خواهد داشت؟ پس ای خدا به من رحم کن که من بسیار ناچیزم و قدرتم اندک است، و عذاب کردن من به مقدار ذره‌ای بر ملک تو نخواهد افزود و اگر عذاب من چیزی بر ملک تو نمی‌افزود من تن به آن عذاب می‌دادم و از تو درخواست شکیبایی بر تحمل عذابت می‌نمودم و دوست می‌داشتم عذابی را که چیزی به ملک تو می‌افزاید تحمل کنم، لیکن ای خدای بزرگ سلطنت و بی‌نیازی تو بالاتر از اینها و پابنده‌تر از آن است که طاعت مطیعان چیزی بر آن بیفزاید و یا نافرمانی گنهکاران چیزی از آن بکاهد، بنابراین به حال زارم ترحم فرما ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان و از گناهانم درگذر، ای صاحب جلال و عظمت و توبه‌ام را بپذیر ای خداوندی که تو توبه‌پذیر و بسیار مهربانی.»

(۱) این دعای شریف مشتمل بر تضرع امام علیه السلام و توسل او به خدای تعالی است با این امید که خداوند بر او منت نهاده رحمت و آمرزش خود را شامل حال او گرداند و عفو فراگیر خویش را که همه چیز را دربر گرفته است او را نیز فراگیرد و همچنین مشتمل بر بی‌تابی و ترس او از عذاب خداست زیرا که این نفس آدمی تاب مقاومت حرارت خورشید را ندارد پس چگونه می‌تواند در برابر آتش دوزخ و آن همه هول و خطر مقاومت کند و تحمل نماید؟

و اینک به دعای دیگری از دعاهای امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۰

(۱)



«الهی احمدک- و انت للحمد اهل- علی حسن صنعک الی و سبوغ نعمائک علی و جزیل عطائک عندی، و علی ما فضّلتنی من رحمتک و اسبغت علی من نعمتک فقد اصطنعت عندی ما یعجز عنه شکری و لو لا احسانک الی و سبوغ نعمائک علی ما بلغت احراز حظی و لا اصلاح نفسی و لکنک ابتدأتنی و الاحسان و رزقتنی فی اموری کلّها الکفایه و صرفت عنی جهد البلاء و منعت عنی محذور القضاء.

الهی فکم من بلاء جاهد قد صرفت عنی و کم من نعمه سابقه اقررت بها عینی و کم من صنعیه کریمه لک عندی انت الذی اُجبت عند الاضطرار دعوتی و اقلت عند العثار زلتی و اخذت لی من الأعداء بظلامتی الی ما وجدتك بخيلا حين سألتک و لا منقبضا حين أردتک و جدتک لدعائی سامعا و لمطالبی معطيا و وجدت نعماک علی سابقه فی کل شأن من شانی و کلّ زمان من زمانی فانت عندی محمود و صنعک لدی مبرور نعمدک نفسی و لسانی و عقلی حمدا يبلغ الوفاء و حقیقه الشکر حمدا يكون مبلغ رضاک عنی فنجنی من سخطک یا کهنی حين تعیننی المذاهب و یا مقیلی عثرتی فلولا سترک عورتی لکنت من المفضوحین و یا مؤیدی بالنصر فلولا نصرک ایای لکنت من المغلوبین و یا من وضعت له الملوک نیر المذلّه علی اعناقها فهم من سطواته خائفون و یا اهل التقوی و یا من له الأسماء الحسنی سألتک ان تعفو

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۱

عنی و تغفر لی فلست بریئا فاعتذر و لا بدی قوه فانتصر و لا مفرّ لی فافرّ و استقیلک عثراتی و أتصلّ الیک من ذنوبی الّتی قد اوبقتنی و احاطت بی فاهلکتنی منها فررت الیک ربّ تائباً فتب علیّ متعوّذا فاعذنی مستجیراً فلا- تخذلنی سائلاً فلا تحرمنی معتصماً فلا تسلمنی داعياً فلا تردّنی خائباً دعوتک یا ربّ مسکینا مستکینا مشفقاً خائفاً و جلاً فقیراً مضطراً الیک اشکو الیک یا الی ضعیف نفسی عن المسارعه فی ما وعدته اولیاءک و المجانبه عمّا حدّرتہ اعداءک و کثره همومی و وسوسه نفسی.

الهی لم تفضحنی بسریرتی و لم تهلکنی بجریرتی ادعوک فتجیبنی و ان کنت بطیئاً حين تدعوننی و اسالک کلّ ما شئت من حوائجی و حیث ما کنت وضعت عندک سرّی فلا ادعو سواک و لا ارجو غیرک لئیک لئیک تسمع من شکا الیک و تلقی من توکل علیک و تخلّص من اعتصم بک و تفرّج عنّ لاذ بک.

الهی فلا تحرمنی خیر الآخره و الأولى لقله شکری و اغفر لی ما تعلم من ذنوبی و ان تعدّب فانا الظالم المفترط المضیع الآثم المقصیر المضجع المغفل حظّ نفسی و ان تغفر فانت ارحم الراحمین. «۱»

(۱) «خدایا تو را سپاس می گویم و تو سزاوار حمد و سپاسی، به خاطر آن که در حق من نیکی و رأفت کرده‌ای و نعمتهای بسیاری به من مرحمت نموده‌ای و به خاطر لطف بزرگی که به من روا داشته‌ای و در میان بیشتر

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پنجاه و یکم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۲

موجودات به رحمت خاص خویش مرا ممتاز گردانیده‌ای (و به مقام خلافت و امامت بر خلق، مرا برگزیده‌ای) و احسانت را نسبت به من کامل کرده‌ای، آن قدر لطف کرده‌ای که من از شکر آنها عاجزم و اگر لطف و احسان تو نبود من هرگز به این مرحله از کمال نرسیده بودم و به اصلاح نفسم موفق نمی شدم لکن تو از ابتدای خلقتم در حقم احسان فرموده و در تمام امورم به حد کافی روزی داده‌ای و مشقّات بلاها را از من برطرف ساخته‌ای و قضا و قدر ناگوار را از من دور کرده‌ای.

(۱) پس خدایا چه بسیار بلاهای پررنج و مشقّت را از من دور ساخته‌ای و چه بسیار نعمتهای کامل را به من عطا کرده‌ای و بدان وسیله چشم و دلم را روشن ساختی و چه بسیار عنایتهای خاصه تو که در نزد من است، خدایا تو ای آن که در وقت بیچارگی و

درماندگیم دعایم را اجابت فرمودی و از لغزشهایم درگذشتی و حق مرا از دشمنانم که به من ظلم کردند، گرفتی.

خداوندا هر وقت از تو درخواستی کردم هرگز تو را بخیل و ممسک نیافتم بلکه تو را بخشنده و کریمی دیدم که دعایم را مستجاب کردی و هر چه خواستم به من عطا فرمودی و چنان یافتم که نعمتهایت را بیش از حد استحقاقم به من دادی و در هر شأنی از شئونم و در هر زمانی از دوران زندگیم هر چه لازم بود به من دادی، پس تو در نزد من بسیار محبوب و شایسته ستایشی و بسی شایان تعظیمی، من احسان تو را به جان و با زبان و عقل خود سپاس می گویم چنان حمد و سپاسی که شایسته ذات مقدس تو باشد و باعث خشنودی تو گردد، خداوندا مرا از قهر و غضب نجات ده، ای آن که تو تنها پناهگاه منی وقتی که از هر جا وامانده‌ام و ای که از لغزشهای من می‌گذری در حالی که اگر پرده‌پوشی تو نبود، من میان مردم رسوا می‌شدم و ای خدایی که با نصرت و یاری خویش مرا تأیید کردی و اگر کمک تو نبود من در مقابل فشار زندگی و مشکلات مغلوب می‌شدم.

و ای آن که بر گردن شاهان خودسر جهان یوغ مذلت می‌گذاری و آنها با

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۳

همه گردنکشی از قهر و سطوت تو بیمناکند، و ای آن که اهل تقوا و مغفرتی و دارای نامهای نیکو هستی از تو درخواست می‌کنم که گناهانم را ببخشی و مرا بیامری و چون من از گناه برکنار نیستم، پس معذرت خواهم و قدرت و توانی ندارم تا از آن کمک بگیرم و پناه و مفرّی ندارم تا از عذابت فرار کنم پس درخواست می‌کنم و از درگاهت تقاضا دارم که از لغزشهایم درگذری و اگر گناهانم را ببخشی باعث هلاکت من می‌گردند من از آن گناهانم تبری می‌جویم؛ گناهایی که مرا احاطه کرده و باعث بیچارگی من شده است و من از آن میان با حال توبه به درگاهت رو آورده‌ام پس به لطف خویش توبه مرا بپذیر و پناه آورده‌ام پناهم بده و به امان خواهی آمده‌ام ناامید مگردان و درخواست عفو دارم محروم مساز، به ذیل عنایت تو چنگ زده‌ام مرا وامگذار و من به درگاهت دعا می‌کنم، مرا از درگاهت ناامید مگردان، خداوندا من در حالی تو را می‌خوانم که درمانده، نالان، دل‌شکسته، بیمناک و هراسان، تهیدست و بیچاره‌ام و به سوی تو به شکایت آمده‌ام خدایا ناتوانم از این که به سوی آن مقام عالی که به دوستان و وعده‌های بشتابم و نمی‌توانم از وعده‌های عذابی که به دشمنانم داده‌ای دوری جویم، من از زیادی غمها و وسوسه‌های نفسم به تو پناه آورده‌ام.

(۱) خداوندا مرا به وسیله بد اخلاقی و گناهان باطنیم رسوا مکن و به واسطه اعمال بدم هلاک مگردان خدایا من تو را می‌خوانم، اجابت می‌کنی در حالی که تو مرا به اطاعت خود می‌خوانی من کاهلی می‌ورزم، هر حاجتی که دارم از تو درخواست می‌کنم و هر کجا باشم اسرار درونیم را نزد تو به امانت می‌سپارم؛ جز تو کسی را به یاری نمی‌طلبم و از غیر تو آرزو و چشم‌داشتی ندارم. خدایا لیبک لیبک! هر که به درگاهت شکوه کند، تو شکایت او را می‌شنوی و هر که به تو توکل کند امور او را کفایت می‌کنی و هر کس از درگاهت ایمنی بخواهد او را از هر خطری حفظ می‌کنی و هر کس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۴

به تو پناهنده شود، مشکل او را برطرف می‌سازی، الهی مرا از خوبیهای دنیا و آخرت محروم مفرما به خاطر آن که کمتر شکر نعمت را می‌گویم و آنچه از گناهانم تو خود می‌دانی ببخش زیرا اگر مرا عذاب کنی من شایسته عذابم چون منم که به خود ستم روا داشته و راه خطا رفته و تقصیر کارم و از حظّ و بهره خود غفلت کرده‌ام ولی اگر از راه لطف مرا بیامری تو بخشوده‌ترین بخشاینده‌گانی...

(۱) این دعای شریف مشتمل بر تضرّع و زاری و اظهار درماندگی امام علیه السلام است در حالی که با فخر و مباهات در برابر آفریدگار بزرگ، اقرار و اعتراف به الطاف فراوان و نعمتهای بی‌شمار او دارد و از پیشگاهش درخواست عفو و بخشش نموده و به درگاه او توبه می‌کند. و اینک به دعای دیگری از دعاهای ارزنده امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

### دعای امام هنگام التماس به درگاه خدا

از جمله دعا‌های امام علیه السلام در وقت التماس و زاری به درگاه خدای تعالی:

«یا الله المذی لا- یخفی علیه شیء فی الأرض و لا فی السّماء و کیف یخفی علیک یا الهی ما انت خلقتہ و کیف لا تحصی ما انت صنعتہ او کیف یغیب عنک ما انت تدبّره او کیف یستطیع ان یهرب منک من لا حیاة له الا برزقک او کیف ینجو منک من لا مذهب له فی غیر ملکک سبحانک اخشی خلقک لک اعلمهم بک و اخضعهم لک اعلمهم بطاعتک و اهونهم علیک من انت ترزقه و هو یبعد غیرک سبحانک لا ینقص سلطانک من اشرك بک و کذب رسلک و لیس یستطیع من کره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۵

قضاءک ان یرد امرک و لا- یمتنع منک من کذب بقدرتک و لا- یفوتک من عبد غیرک و لا- یعمّر فی الدنیا من کره لقاءک سبحانک ما اعظم شأنک و اقهر سلطانک و اشدّ قوتک و انفذ امرک سبحانک قضیت علی جمیع خلقک الموت من وحدک و من کفر بک و کلّ ذائق الموت و کلّ صائر الیک فتبارک و تعالیت لا اله الا انت وحدک لا شریک لک آمنت بک و صدقت رسلک و قبلت کتابک و کفرت بکلّ معبود غیرک و برئت ممّن عبد سواک.

اللهم انی اصبح و امسی مستقلا لعملی معترفا بذنبی مقرا بخطایای انا باسرافی علی نفسی ذلیل عملی اهلکنی و هوای اردانی و شهواتی حرمتنی فاسالک یا مولای سؤال من نفسه لاهیة لطول امله و بدنه غافل لسکون عروقه و قلبه مفتون بکثرة النعم علیه و فکرة قلیل لما هو صائر الیه سؤال من قد غلب علیه الأمل و فتنه الهوی و استمكنت منه الدنیا و اظله الأجل سؤال من استکثر ذنوبه و اعترف بخطیئته سؤال من لا رب له غیرک و لا ولی له دونک و لا منقذ له منک و لا ملجأ له منک الا الیک.

الهی اسألک بحقّمک الواجب علی جمیع خلقک و باسمک العظیم الذی امرت رسولک ان یسبحک به و بجلال وجهک الکریم الذی لا یبلی و لا یتغیّر و لا یحول و لا یفنی ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغنینی عن کلّ شیء بعبادتک و ان تسلی نفسی عن الدنیا بمخافتک و ان تثنینی بالکثیر من کرامتک برحمتک فالیک افتر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۶

و منک اخاف و بک استغیث و ایاک ارجو و لک ادعو و الیک ألبأ و بک اثق و ایاک استعین و بک أومن و علیک اتوکل و علی جودک و کرّمک اُتکل.» (۱)

(۱) «ای خدایی که در زمین و آسمان هیچ چیز بر تو پوشیده نیست، خداوندا چگونه آنچه را که خود آفریده‌ای بر تو پوشیده می‌ماند؟ و چگونه نتوانی بشماری آنچه را که خود ساخته‌ای؟ و چگونه ممکن است آنچه را که خود تدبیر کرده‌ای از نظر تو مخفی بماند؟ و یا چگونه موجوداتی که بدون روزی تو حیات ندارند می‌توانند از تو فرار کنند؟ و کسی که نمی‌تواند از ملک تو خارج شود چگونه می‌تواند از قهر تو نجات یابد؟ خداوندا بی‌مناک‌ترین بندگان از سطوت تو کسی است که علم و آگاهی به عظمت تو بیشتر باشد، و خاضع‌ترین کس در درگاهت آن بنده‌ای است که از همه مطیعتر باشد. و بی‌ارزشترین شخص در نزد تو کسی است که روزی تو را می‌خورد و دیگری را پرستش می‌کند، خداوندا از هر نقص پاک و منزهی، آن کس که به تو شرک آورد و پیامبرانت را تکذیب کند، چیزی از قدرت تو نکاهد و کسی که قضا و قدر تو را نپسندد، بی‌یقین قادر بر بازگرداندن قضا و قدر تو نیست و کسی که تو را تکذیب کند عاجزتر از آن است که بر خلاف قدرت تو اقدامی کند و آن که جز تو را پرستش می‌کند هرگز از حیطة قدرت تو بیرون نمی‌باشد، و آن کس که مردن را دوست ندارد عمر جاودانه نمی‌یابد پس ای خداوند چقدر

شأن و جلال تو مهم و سلطنت تو قاهر، و قدرت تو شدید و فرمان و امرت در جهان نافذ است! خداوندا پاک و منزهی تو همه خلایق را؛ چه آنهایی که بر یکتایی تو معترفند و چه مشرکان و کافران را به فنا محکوم ساخته‌ای و همگی سرانجام شربت مرگ را خواهند چشید و همه به جانب تو خواهند شتافت،

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پنجاه و دوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۷

پس خداوندا تو بزرگ و متعالی هستی و جز تو خدایی نیست، یگانه و بی‌شریکی و من به یکتایی تو ایمان دارم و پیامبران را تصدیق دارم، و کتاب آسمانیت را پذیریم و هر معبودی جز تو را منکریم و از هر کسی که غیر تو را پرستد، بیزارم.

(۱) خداوندا هر صبح و شامی که بر من می‌گذرد اعمال و طاعتم ناچیز است، من به گنہکاری خود معترف و به خطای خویش اقرار دارم و به واسطه اسراف بر نفس خویش ذلیل و خوارج اعمال زشتم مرا هلاک کرده و هوای نفسم مرا پست و خوار ساخته و شهواتم مرا از لطف و عنایت تو محروم نموده است. مولای من! از این رو من از درگاه تو همچون کسی درخواست می‌کنم که به سبب آمال و آرزویش به لهو و لعب سرگرم بوده و بدنش به واسطه تن‌پروری و آرامش جسمانی از یاد حق غافل گشته و دلش به سبب نعمتهای زیاد فریفته و مغرور شده و دنیا در دل او ریشه دوانده و مرگ بر سرش سایه انداخته است، و نیز چون درخواست کسی که گناهانش فراوان و به خطایش معترف است و درخواست کسی که جز تو خدایی و ولی نعمتی و نجاتبخشی و پناهگاهی ندارد.

(۲) الهی من تو را به حق خودت که بر همه خلایق واجب است و به اسم اعظمت که پیامبرت را دستور دادی تا به آن نام تو را تسبیح گوید، و به حق عظمت و جلال ذات مقدست که عظمش هرگز دستخوش فرسودگی و تغییر و فنا نگردد، درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرستی و مرا نیز به وسیله عبادت خود از هر چیز بی‌نیاز سازی و نفس مرا به خاطر ترس از عذابت بکلی از توجه به دنیا منقطع کنی و روی دلم را به لطف و کرم خویش به سوی رحمت بگردانی تا به سوی خودت بشتابم و تنها از قهر خودت بیمناک باشم و از تو فریادخواهی کنم، و به لطف و کرم تو امیدوار باشم و تو را بخوانم و به تو پناه آورم و تنها به تو توکل کنم و از تو یاری بطلبم و از درگاهت امن و امان جویم و به تو اعتماد نمایم و بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۸

جود و کرم تو چشم امید بسته و پشت گرم باشم ...»

(۱) این دعای شریف حکایت از کمال معرفت و ایمان کامل امام علیه السلام نسبت به خدای تعالی دارد، برخی از محتویات دعا به شرح ذیل است:

۱- علم خدای تعالی بی‌حدّ و حصر است، خداوند به همه چیز احاطه علمی دارد و هیچ ذره‌ای در زمین و آسمان از علم او پوشیده نیست.

۲- همه موجودات در قبضه قدرت حق تعالی هستند و لحظه‌ای از او بی‌نیاز نمی‌باشند زیرا همگی مملوک او و در تحت سیطره و قدرت او می‌باشند.

۳- براستی بیمناکترین مخلوق از عذاب خدا و مطیع‌ترین و عابدترین بنده او، کسانی هستند که به عظمت ذات مقدس او آگاهی و معرفت دارند و در پیشاپیش همه اهل عرفان جمع علما هستند که خداوند درباره ایشان فرموده است:

«إنما یخشی الله من عباده العلماء.»

«فقط از بندگان خدا دانشمندان خوف و خشیت الهی را دارند.»

۴- پست‌ترین بندگان و زیانکارتر از همه و کم‌بینش‌تر و نادانتر، آن کسانی هستند که غیر خدا را می‌پرستند و نسبت به او مشرکند و پیامبران او را تکذیب می‌نمایند.

۵- همانا خدای تعالی مرگ را بر تمام مخلوقات خویش گسترش داده است و سرانجام همه به سوی او خواهند رفت تا نیکوکاران را پاداش نیک بدهد و کافران را به جزای بد اعمالش برساند.

۶- امام علیه السلام، در این دعای شریف، ایمان بدون قید و شرط خود را نسبت به خدا و تصدیق به پیامبران و انبیای او و بیزاری از هر معبود و غیر خدا اعلام کرده است.

۷- امام علیه السلام از خضوع و خشوع مطلق خویش در پیشگاه خدای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۷۹

تعالی و خواری و تذللش در مقابل او پرده برداشته است در حالی که از درگاه خدا طلب بخشش و عفو را نموده است، این بود قسمتی از محتویات این دعای شریف.

(۱)

### دعای امام به هنگام اظهار تذلل

از جمله دعا‌های امام علیه السلام در هنگام تذلل و خواری به پیشگاه خدای بزرگ این دعای شریف است:

«ربّ افحمتنی ذنوبی، و انقطعت مقالتي، فلا- حجة لي، فانا الأسير بليتي، المرتهن بعملی، المتردد في خطيئتي، المتخیر عن قصدي، المنقطع بي، قد اوقفت نفسي موقف الأذلاء المذنبين، موقف الأشقياء المتجرّين عليك، المستخفين بوعدك، سبحانك ايّ جرأه اجترأت عليك، و ايّ تغرير غررت بنفسی؟! مولای ارحم کبوتی لحرّ وجهی، و زلّة قدمی، و عد بحلمک علی جهلی، و باحسانک علی اساءتی، فانا المقرّ بذنبي، المعترف بخطيئتي، و هذه يدي و ناصيتي استكين بالقود من نفسي، ارحم شيبتي، و نفاذ ايامي، و اقتراب اجلي، و ضعفي، و مسكنتي، و قلّة حيلتي، مولای: و ارحمني اذا انقطع من الدنيا اثری، و امحي من المخلوقين ذكری، و كنت في المنسيين كمن قد نسي، مولای و ارحمني عند تغير صورتی و حالی اذا بلي جسمی، و تفرقت اعضائي، و تقطعت اوصالي، يا غفلتي عمّا يراد بي، مولای و ارحمني في حشري و نشري و اجعل في ذلك اليوم مع اوليائك موقفي، و في احبائك مصدري، و في

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۰

جوارك مسكني يا ربّ العالمين.» (۱)

«پروردگارا گناهانم نور ایمان را از من سلب کرده و قدرت سخن گفتن را از من گرفته است از این رو من حجت و برهانی ندارم، و من گرفتار رنج سختی هستم؛ گروگان عملم قرار گرفته‌ام؛ درباره گناهم سرگردانم و از مقصدم متخیر و در بین راه مانده‌ام، نفس خودم را در جایگاه گناهکاران خوار و ذلیل و در جای کسانی قرار داده‌ام که بر نافرمانی تو گستاخی کرده‌اند و آنانی که وعده تو را سبک شمرده‌اند. خداوندا پاک و منزهی تو، با کدام جرأت، بر تو گستاخی ورزیدم و به وسیله چه هلاکتی خود را تباه ساختم!! (۱) مولای من بر افتادن من رحم کن که با تمام صورت به زمین خورده‌ام و بر لغزش پایم ترحم فرما و با بردباریت بر نادانیم و با احسان و کرمت بر من ببخش زیرا که من به گناه خود اقرار دارم و به خطای خویش معترفم و این دست و موی پیشانیم را در اختیار تو می‌نهم و خود را برای کیفر کردارم با التماس و زاری تسلیم می‌نمایم بر موی سفید و پایان رسیدن عمرم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی و نیازمندیم و بر بیچارگیم رحم کن. مولای من! آنگاه بر من رحم کن که نشان من از دنیا بریده شود و یادم در میان مخلوقات محو شود، و چون کسی که از یاد رفته باشد جزو گروه فراموش شدگان باشم. مولای من به من ترحم نما در آن وقتی که

بیکرم دگرگون شود و حالم تغییر کند، آن هنگامی که بدنم پیوسد و اندامم از هم بپاشد و مفاصلم از هم بگسلد، ای وای از غفلت و بی‌خبری من از آنچه که مورد بازخواست قرار می‌گیرم! مولای من! و بر من در وقت حشر و نشرم رحم کن، و در آن روز موضع ایستادن مرا در میان اولیاء و دوستان و جایگاهم را در جوار رحمت خویش قرار ده ای پروردگار عالمیان...»

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پنجاه و سوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۱

امام علیه السلام در این دعای شریف از توجه و ارتباطش و توکل و توسّلش به خدای تعالی سخن گفته است و در پیشگاه او همچون بندگان ذلیل خاضع خاشع ایستاده است در حالی که از درگاه خدا درخواست می‌کند تا هنگام انتقال از این دنیا به سرای آخرت او را مشمول آموزش و رحمت خویش قرار دهد.

و اینک به آخرین دعای امام از دعاهای صحیفه سجّادیه گوش جان می‌سپاریم:

(۱)

### دعای امام درباره رفع غمها

از جمله دعاهای امام علیه السلام این دعای شریف درباره رفع غمها و اندوههاست:

«یا فارح الهمّ و کاشف الهمّ یا رحمن الدّنيا و الآخرة و رحیمهما صلّ علی محمد و آل محمد و افرج همّی و اکشف غمّی یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد اعصمّنی و طهرنی و اذهب بلیتی. [و اقرأ آیه الكرسي و المعوذتين و قل هو الله احد و قل:] اللهم انی اسالک سؤال من اشتدّت فاقته و ضعفت قوّته و کثرت ذنوبه سؤال من لا یجد لفاقته مغیثا و لا لضعفه مقویا و لا لذنبه غافرا غیرک یا ذا الجلال و الإکرام اسالک عملا تحبّ به من عمل به و یقینا تنفع به من استیقن به حقّ یقین فی نفاذ امرک.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و اقبض علی الصّدق نفسی و اقطع من الدّنيا حاجتی و اجعل فی ما عندک رغبتی شوقا الی لقائک و هب لی صدق التّوکل علیک و أسألک من خیر کتاب قد خلا و اعوذ بک من شرّ کتاب قد خلا اسالک خوف العابدين لک و عبادة الخاشعين لک و یقین المتوکّلین علیک و توکل المؤمنین علیک اللهم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۲

اجعل رغبتی فی مسألتي مثل رغبة اولیائک فی مسائلهم و رهبتی مثل رهبة اولیائک و استعملنی فی مرضاتک عملا لا اترک معه شیئا من دینک مخافة احد من خلقک.

اللهم هذه حاجتی فاعظم فیها رغبتی و اظهر فیها عذری و لّنی فیها حجّتی و عاف فیها جسدی اللهم من اصبح له ثقة او رجاء غیرک فقد اصبحت و انت ثقتی و رجائی فی الأمور کلّها فاقض لی بخیرها عاقبة و نجّنی من مضلّات الفتن برحمتک یا ارحم الرّاحمین.» (۱) «ای زداینده غم و ای برطرف کننده اندوه، ای بخشنده دنیا و آخرت و ای که در دو جهان بر بندگان مهربانی، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست غم مرا برطرف کن و اندوهم را بزدای ای خدای یگانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای که کسی را نزاده و از کسی زاده نشده‌ای و هیچ همتایی نداری، مرا از گناه بازدار و پاک گردان و گرفتاری مرا برطرف کن.»

(سپس آیه الكرسي و سوره‌های قل اعوذ برّب الفلق و قل اعوذ برّب الناس و قل هو الله احد را می‌خواند و می‌گفت:) (۱) «خداوندا من از تو درخواست می‌کنم همچون درخواست کسی که سخت نیازمند و توانش کم، و گناهانش افزون است و چون کسی که

برای نیاز خود فریادرسی و برای ناتوانیش نیروبخشی و برای گناهانش آمرزنده‌ای جز تو ای صاحب جلال و اکرام، پیدا نمی‌کند، از تو توفیق انجام عملی را خواهانم که بدان وسیله هر که انجام دهد، دوست بداری و یقینی را که هر کس در جریان قضا و قدر تو به آن مرحله از یقین برسد او را

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای پنجاه و چهارم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۳  
بهرمندسازی.

(۱) خداوند بر محمّد و آل محمد درود و رحمت فرست و دلم را به راستی متمایل کن و نیازم را از دنیا ببر، و مرا از سر شوق به لقای خود، نسبت به آنچه در نزد توست علاقه‌مند ساز و صدق توکل بر خودت را به من ارزانی بدار، و از تو می‌خواهم نیکی و خیر آنچه را که درباره من نوشته شده و در قضای تو گذشته است و به تو پناه می‌برم از بدی آنچه نوشته و مقرر گشته است، از پیشگاه تو ترس عبادت‌کنندگان و عبادت خاشعان در گاهت، و یقین توکل دارندگان بر تو و توکل مؤمنان به تو را خواستارم خداوند امیل مرا در خواهشماند مانند رغبت دوستانت درخواست‌هایشان و خوفم را مانند ترس اولیایت مقرر فرما و مرا در راه رضای خود چنان کن که با وجود آن چیزی از دین تو را به علت ترس از آفریده‌ای ترک ترک نکنم.

(۲) خداوند این حاجت من است پس رغبتم را در آن بیشتر گردان و عذر مرا در آن آشکار کن و حجتم را در آن باره بر زبانم جاری ساز و به من صحت بدن مرحمت فرما، خداوند هر که صبح کند در حالی که به غیر از تو اعتماد کند و به دیگری امیدوار باشد پس من صبح کردم در حالی که در همه کارها اعتماد و امیدم به توست پس عاقبت به خیری برایم حکم کن و مرا به رحمت خویش از فتنه‌های گمراه‌کننده نجات ده ای مهربانترین مهربانان عالم و درود خدا بر سرور ما محمد مصطفی رسول خدا و بر خاندان پاک او باد ...»

در اینجا سخن ما از سیر در گلستان صحیفه سجّادیه که از دل‌پسندترین میراث‌های اندیشه اسلامی است، پایان می‌پذیرد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۴  
(۱)

## ۲- مناجاتهای پانزده گانه

### اشاره

از جمله مؤلفات ارزنده امام زین العابدین علیه السلام، مناجاتهای پانزده گانه است که از سرمایه‌های معنوی جهان اسلام است؛ امام علیه السلام بسیاری از قضایا و مسائل روانی را بدان وسیله چاره‌جویی کرده، همچنان که افقهای روشنی برای ارتباط با خدای تعالی به روی جهانیان گشوده است؛ زیرا که آن حضرت با قلبی لبریز از امید و آرزو با خدا راز و نیاز می‌کند و با اظهار ذلت و خشوع می‌نالد و در برابر عظمت آفریدگار محو می‌شود و همچون مخلصان و تائبان به رحمت او امیدوار گشته و روی دل و تمام مشاعرش را متوجه او می‌سازد؛ جز او کسی را نمی‌بیند؛ در درگاه جلالش با خواری و ذلت و شکستگی ایستاده و با او راز و نیاز می‌کند، چشم امید به عفو و بخشش او دارد و از پیشگاه او طلب آمرزش می‌کند. مناجات امام علیه السلام دل‌های پرهیزگاران و شایستگان از شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام را فرا گرفته و آنان به وسیله این مناجاتها در دل‌شبهای تار و در اماکن مقدسه با خدای تعالی راز و نیاز می‌کنند و از پیشگاه او آرزو می‌کنند تا ایشان را نیز مشمول عنایت و الطاف خویش قرار دهد.

(۲) نسبت این مناجات‌ها به امام زین العابدین علیه السلام مشهور است و علامه مجلسی آنها را در کتاب بحار الانوار خود آورده است و دانشمندانی که ملحقات صحیفه سجّادیه را تدوین کرده‌اند این مناجات‌ها را در زمره فصلهای آن آورده‌اند، همچنین مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان آنها را نقل کرده است و دانشمندان با اهمیت زیادی بدانها نگریسته‌اند و به بعضی از زبانها ترجمه شده؛ از جمله به زبان فارسی توسط سرتیپ رشدیّه برگردانده شده و در تهران به چاپ رسیده است، و با خطوط تاریخی زرانود و تزینی نگارش یافته که از ذخایر خطوط عربی به شمار می‌آید و در بخش گنجینه‌های خطی کتابخانه‌های جهان تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۵

اسلام نگهداری می‌شود و از جمله یک نسخه قدیمی آن با خطّ زیبایی در کتابخانه امام امیر المؤمنین علیه السلام به شماره مسلسل ۲۰۹۸ موجود است. و آن مناجات‌ها به شرح ذیل است:

(۱)

### مناجات اول

این مناجات معروف به «مناجات تائبین» است که امام علیه السلام در این مناجات روی دل را جهت درخواست رحمت و آمرزش به درگاه خدای تعالی نموده است، به این شرح:

«الهی البستنی الخطایا ثوب مدلتی، و جللنی التباعد منک لباس مسکنتی، و امات قلبی عظیم جنایتی، فاحیه بتوبه منک یا املی و بغیتی، و یا سؤلی و منیتی، فو عزّتک ما اجد لذنوبی سواک غافرا، و لا اری لکسری غیرک جابرا، و قد خضعت بالإنباء الیک و عنوت بالاستکانه لدیك، فان طردتني من بابک فبمن ألوذ؟ و ان رددتني عن جنابک فبمن اعوذ؟ فوا اسفاه من خجلتی و افتضاحی، و وا لهفاه من سوء عملی و اجتراحی.

أسألك يا غافر الذنب الكبير، و يا جابر العظم الكسير، ان تهب لي موبقات الجرائر، و تستر علي فاضحات الشرائر، و لا تخلني في مشهد القيامة من برد عفوك و غفرک، و لا تعرنني من جميل صفحك و سترک الی ذنوبی غمام رحمتک، و ارسل علی عیوبی سحاب رأفتک الی هل يرجع العبد الأبق إلا الی مولاہ؟ ام هل یجیره من سخطه احد سواه؟ الی ان كان التّدم علی الذنب توبه، فآئی و عزّتک من التّادمین، و ان كان الاستغفار من الخطیئه حطه، فآئی لک من المستغفرین لک العتبی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۶

حتی ترضی الی بقدرتک علیّ تب علیّ، و بحلمک عنی اعف عنی، و بعلمک بی ارفق بی الی انت الّذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک سمّیته التّوبه، فقلت:

[توبوا الی الله توبه نصوحا]، فما عذر من اغفل دخول الباب بعد فتحه؟ الی ان كان قبح الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک الی ما انا باؤل من عصاک، فتبت علیه، و تعرّض بمعروفک فجذبت علیه، یا مجیب المضطرّ، یا کاشف الضّرّ، یا عظیم البرّ، یا علیما بما فی السّیرّ، یا جمیل السّتر استشفعت بجودک و کرمک الیک، و توسّلت بجنابک و ترخّمک لدیك، فاستجب دعائی، و لا تخیب فیک رجائی و تقبل توبتی و کفر خطیئتی، بمنک و رحمتک یا ارحم الرّاحمین.

(۱) «خداوندا خطاهایم لباس خواری و ذلت بر من پوشانده و دوری از تو جامه درماندگی بر پیکرم افکنده و عظمت جنایتم مرا دل مرده ساخته است پس ای خدای مهربان به خاطر توبه و بازگشت به در خانهات دلم را زنده گردان، ای مقصد و مقصود من و ای خواسته و آرزوی من، به عزّت و جلالت سوگند که جز تو بخشنده‌ای بر گناهانم سراغ ندارم و به غیر تو کسی را نمی‌بینم که در هم شکستگی مرا جبران نماید، از این رو من با آه و ناله، خاضعانه رو به درگاه تو آورده‌ام و به امید بخشش با خواری و ذلت به سوی تو آمده‌ام، پس اگر تو مرا از در خانهات برانی به چه کسی رو آورم؟ و اگر تو دست رد به سینه من بزنی پس به که پناه ببرم؟



بنابراین آه از تأسّف و حسرت و شرمساری و رسوایی من! و وای از کردار زشت من! (۲) ای بخشنده گناه بزرگ و ای ترمیم کننده هر استخوان شکسته، از تو درخواست دارم که گناهان خطرناک مرا ببخشی و زشتیهای پنهانی مرا ببوشانی و در عرصه قیامت مرا از نسیم خوش عفو و بخشش محروم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۷

نگردانی و از گذشت نیکو و پرده پوشیت مرا ناامید نسازی.

خدایا سایه ابر رحمت خویش را بر گناهانم بیفکن و ابر لطف و محبتت را بر عیبهایم بیار.

خدایا آیا بنده گریز پا جز به درگاه مولا-یش به جایی می تواند بازگردد؟ و یا از خشم و غضب آقایش کسی جز او حمایتش می کند؟

خداوندا اگر پشیمانی از گناه همان توبه است، به عزّت و جلالت سوگند که من از جمله پشیمان شدگانم و اگر طلب آمرزش از خطا باعث محو شدن گناه است که من از آمرزش طلبانم.

الهی تو را سزاست که ما را آن قدر عقوبت کنی که از ما راضی و خشنود گردی.

(۱) خدایا به قدرتی که بر من داری به عزّت سوگند که توبه‌ام را بپذیر و به حلم و بردباریت نسبت به من از گناهم درگذر و با علم و آگاهی که بر احوال داری نسبت به من مدارا کن.

خدایا تو ای آن که در عفو و بخشش را به روی بندگان بازگشوده و آن را در توبه نامیده‌ای و فرموده‌ای: «ای بندگان با توبه حقیقی به درگاه خدا باز آید» بنابراین عذر آن کسی که با وجود باز بودن، از ورود به این درگاه غفلت ورزد چه خواهد بود؟ خداوندا اگر گناهکاری از جانب این بنده‌ات ناپسند است اما عفو و گذشت از جانب تو زیباست.

(۲) خدایا من اولین بنده تو نیستم که نافرمانی تو را کرده و تو در گذشتی و خود را در معرض جود و کرم قرار داده و تو بر او احسان کردی، ای فریادرس درماندگان و ای برطرف کننده غم و رنج، ای که احسانت بزرگ و ای که از سر بندگان آگاهی ای که گناهان را به نیکی پرده پوشی، جود و کرم را به درگاهت واسطه آورده‌ام و به آستان تو توسل جسته‌ام و به آن مهربانی که در تو سراغ دارم متوسل گشته‌ام تا دعایم را

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۸

مستجاب کنی و امیدم را به لطف خویش ناامید نفرمایی و توبه‌ام را بپذیری و به رحمت و عنایت خویش از خطایم درگذری ای مهربانترین مهربانان ...»

(۱) آنچه مسلم است و کمترین تردیدی نیست؛ امام زین العابدین علیه السلام در سراسر زندگیش یک چشم بر هم زدن بر خلاف دستور خدا عمل نکرده و هرگز مرتکب گناهی نشده است و در هدایت، پرهیزکاری و تقوایش در صف اول از این امت بود و به وسیله این مناجات و نظایر آن، تنها به این منظور با خدای تعالی چنین راز و نیاز می کند تا این امت را آگاهی دهد و به راه خیر و صحیح راهنمایی کند و به توبه و انابه دعوت نماید زیرا که توبه انسان را از گناهان و جرایمی که در زندگیش مرتکب شده است پاک می کند و بدیها و خطاهایش را می زداید و مشمول مغفرت و رضوان الهی می گرداند.

(۲)

## مناجات دوم

این مناجات معروف به «مناجات شاکین» است، که امام علیه السلام در این مناجات از نفس خود شکوه کرده و از خداوند به شرح ذیل درخواست اصلاح حال آن را دارد:

«الهی الیک اشکو نفساً بالسوء اّماره و الی الخطیئه مبادره، و بمعاصیک مولعه، و لسخطک متعرّضه، تسلك بی مسالك المهالك، و تجعلنی عندک اهون هالك، کثیره العلل طویلۀ الأمل، ان مسیها الشّرّ تجزع، و ان مسیها الخیر تمنع، میالۀ الی اللّعب و اللّهو مملوۀ بالغفله و السهو، تسرع بی الی الحوبه، و تسوفنی بالتوبه.»

الهی اشکو الیک عدواً یضلّنی، و شیطانا یغوینی، قد ملأ بالوسواس صدری، و احاطت هواجسه بقلبی، یعاصد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۸۹

لی الهوی، و یزین لی حبّ الدّنیاء، و یحول بینی و بین الطّاعه و الزّلفی.

الهی الیک اشکو قلباً قاسیا مع الوسواس متقلّباً، و بالزّین و الطّبع متلبّساً، و عینا عن البکاء من خوفک جامده، و الی ما یسرّها طامحه. الهی لا حول و لا قوه الا بقدرتک، و لا نجاه لی من مکاره الدّنیاء الا بعصمتک، فاسالك ببلاغه حکمتک، و نفاذ مشیتک، ان لا تجعلنی لغير جودک متعرّضاً، و لا تصیّرنی للفتن غرضاً، و کن لی علی الأعداء ناصراً، و علی المخازی و العیوب ساتراً، و من البلاء واقیاً، و عن المعاصی عاصماً، برافتک و رحمتک یا ارحم الرّاحمین.»

«خدایا از نفس خویش که مرا به بدیها وامی دارد و بسوی هر خطایی می شتابد و به نافرمانی تو بسیار حریص است و مرا در معرض خشم تو در می آورد و همواره به راه هلاکت می کشاند، به پیشگاه تو شکایت می کنم، و مرا در نزد تو خوارترین هلاک شده قرار داده است؛ نفسی که تعلّش در طاعت و بندگی تو و آرزویش در دنیا بسیار است اگر شری به او رو آورد بی تابی می کند و اگر خیری به او رسد، از احسان به دیگران مانع می شود سخت به لهو و لعب متمایل و از غفلت و فراموشی آکنده است مرا بسرعت به سوی مهالك می کشاند و توبه ام را به تأخیر می اندازد.»

(۱) خداوندا به درگاه تو از دشمنی نفس خود شکایت دارم که مرا گمراه می سازد و نیز از شیطانی که به راه باطل می کشاند و سینه ام را از وسوسه ها مملو کرده و خیال پردازیهایش بر دلم احاطه نموده است؛ به هواپرستیم کمک کرده و حبّ دنیا را برایم جلوه می دهد و بین من و اطاعت و تقرب به تو جدایی می افکند.

خدایا از دلی سخت که با دست و سوسه دگرگون شده و زنگار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۰

خودسری و طمع در پوشیده و از چشمی که از بیم عذاب تو اشک بریزد و به هر چه خوش آید می نگرد، به پیشگاهت شکایت دارم.

(۱) الهی مرا قوت و نیرویی جز به وسیله قدرت تو نیست و راه نجاتی از ناگواریهای دنیا جز به حفظ و نگهداری تو ندارم پس به حکمت بالغه و اراده نافذت درخواست دارم که مرا جز به معرض جود و احسان خودت در نیاوری و هدف تیر بلا و آشوبم نگردانی و مرا بر دشمنان پیروز گردانی و بر رسوایی و عیبهایم پرده پوشی کنی و مرا از بلاها نگهداری و از گناهان حفظ کنی به رحمت و رأفت خودت ای بخشنده ترین بخشاینده گان ...»

(۲) امام علیه السلام در این مناجات درباره نفس آدمی و بیماریها و اهداف ناروای او که انسان را از یاد خدا بازمی دارد و در ورطه شرّ عظیم می اندازد، سخن گفته است که از جمله بیماریهای خطرناک نفس موارد ذیل است:

الف- مبادرت بر خطاها و گناهان؛ ب- در معرض خشم و غضب خدای تعالی قرار گرفتن؛ ج- آرزوهای طولانی که انسان را از اطاعت و یاد خدا بازمی دارد؛ د- گرایش به لهو و لعب؛ ه- غفلت از یاد خدا؛ و- توبه را به تأخیر انداختن و نشتافتن به سوی آن؛ ز- سنگدلی و دچار شدن دل به وسوسه و آکنده شدن قلب از طمع.

و این بیماریهاست که انسان را به انحرافات می کشاند و او را آلت بی اراده ای در دست شیطان رجیم قرار می دهد. خداوندا ما را از این حالت نگهدارد!

## مناجات سوم

این مناجات مشهور به «مناجات خائفین» است، امام علیه السلام در این

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۱

مناجات از خوف و خشیت خود نسبت به خدای تعالی پرده برداشته است و اینک اصل آن مناجات:

الهی اتراک بعد الایمان بک تعذّبتی؟ ام بعد حبّی ایّاک تبعدنی؟ ام مع رجائی برحمتک و صفحک تحرمنی؟ ام مع استجارتی بعفوک تسلمنی؟ حاشا لوجهک الکریم ان تخیننی، لیت شعری، أ للشفاء ولدتنی امّی؟ ام للعناء ربّتی؟ فلیتها لم تلدنی و لم تربّنی، و لیتنی علمت امن اهل السّعادة جعلتنی، و بقربک و جوارک خصصتنی؟ فتقرّ بذلک عینی، و تطمئنّ له نفسی.

الهی هل تسوّد وجوها حرّت ساجده لعظمتک، او تخرس السنه نطقت بالثناء علی مجدک و جلالک، او تطبع علی قلوب انطوت علی محبتک، او تصمّ اسماعا تلذّذت بسماع ذکرک فی ارادتک، او تغلّ اکفما رفعتها الآمال الیک رجاء رأفتک او تعاقب ابدانا عملت بطاعتک حتّی نحلّت فی مجاهدتک، او تعذّب ارجلا سعت فی عبادتک؟ الاهی لا تغلق علی موحدیک ابواب رحمتک، و لا تحجب مشتاقیک عن النّظر الی جمیل رؤیتک.

الهی نفس اعزّزتها بتوحدک کیف تدلّها بمهانه هجرانک؟ و ضمیر انعقد علی مودّتک کیف تحرقه بحراره نیرانک؟ الاهی اجرنی من الیم غضبک و عظیم سخطک یا حنان یا منان یا رحیم یا رحمن یا جبار یا قهار یا غفار یا ستار، نجّنی برحمتک من عذاب النار، و فضیحه العار، اذا امتاز الأخیار من الأشرار، و حالت الأحوال، و هالت الأحوال و قرب المحسنون، و بعد المسيئون، و وفّیت کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۲

«خدایا! آیا بر این باور باشم که تو با وجود ایمان به خود، مرا عذاب خواهی کرد؟ و یا پس از دوستی به تو مرا از خود دور خواهی ساخت؟ یا با وجود لطف و رحمت و چشم امید داشتن به عنایت تو بازهم محروم خواهی کرد؟ و یا با این که به عفو و رحمت تو پناه آورده‌ام بازهم مرا تسلیم کیفر و عذاب خواهی کرد؟ حاشا از ذات مقدس کریمت که ناامیدم سازی! خدایا کاش می‌دانستم که مادرم مرا برای بدبختی زاییده و یا برای رنج و عذاب پروریده که در این صورت ای کاش نمی‌زایید و پرورش نمی‌داد، و ای کاش می‌دانستم که آیا مرا از اهل سعادت مقرر فرموده‌ای و برای تقرب به خود و همسایگی خویش مخصوص گردانیده‌ای؟ تا دلم شاد و چشمم روشن می‌شد و قلبم آرام می‌گرفت.

(۱) خدایا، آیا کسانی را که در پیشگاه عظمت، صورت به خاک ساییده‌اند، روسیاه می‌گردانی؟ و یا زبان آنانی را که بر مجد و بزرگواریت ثنا گفته‌اند، گنگ می‌کنی؟ و آیا دل‌هایی را که محبت تو را در خود دارند، تیره می‌سازی؟ و یا گوش‌هایی را که از شنیدن ذکر تو لذت می‌برند، کر می‌کنی؟ و یا آن دست‌هایی را که با امید به لطف تو به درگاہت بلند شده‌اند به غل و زنجیر می‌بندی؟ و یا بدن‌هایی را که در راه طاعت تو رنج برده‌اند و با تلاش و کوشش در راه عبادتت لاغر و ضعیف شده‌اند، کیفر و عذاب خواهی کرد؟ و یا آن پاهایی را که در راه بندگیت دویده‌اند دچار عذاب خواهی ساخت؟

(۲) خداوند درهای رحمت خویش را به روی بندگان یکتا پرست خود مبند و علاقه‌مندان به خودت را از مشاهده جمالت محجوب مگردان.

خدایا آن جانی را که به افتخار تو حید خودت گرامی داشتی چگونه به ذلت و خواری هجران دچار خواهی ساخت؟ و دلی را که در کمند عشق و محبت خود گرفتار کردی چگونه در آتش خشم خود می‌سوزانی؟

خدایا مرا از خشم و غضبت که بسیار دشوار است در پناه خویش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۳

نگهدار، ای مهربان خدا و ای پرمهر و احسان و ای بخشنده و با رأفت و ای جبران‌کننده و با جبروت و ای آمرزنده، ای پرده‌پوش، به رحمت خودت مرا از آتش عذابت نجات ده و از ننگ و رسوایی مصون دار در آن روزی که نیکان را از بدان جدا می‌سازی و هنگامه حالات و عقبات سهمگین فرا می‌رسد و نیکوکاران به مقام قربت می‌رسند و بدکاران از لطف و رحمت دور می‌شوند و هر کسی به جزای اعمالش می‌رسد و به هیچ کس ستم روا نمی‌گردد...»

(۱) امام علیه السلام در این مناجات در گفتگو با خدای تعالی را گشوده است، و با تمام ادب و خضوع با ذات مقدس حق سخن می‌گوید، با این امید که او مؤمنان و موحدان را عذاب نکند و آتش دوزخ بدن ایشان را نسوزاند، حاشا بر کرم و بزرگواری خدای تعالی، صورتهایی را که در برابر عظمت او به خاک ساییده شده، دچار عذاب کند و زبانهایی را که ثنای او را گفته و گوشه‌هایی را که از شنیدن یاد او لذت برده و دستهایی را که به درگاه او برای دعا و به آرزوی لطف و رحمت او بلند شده است به عقوبت مبتلا نماید زیرا که عذاب خدا مخصوص گنهکاران و مجرمان از دشمنان اوست.

(۲)

### مناجات چهارم

این مناجات معروف به «مناجات راجین» است و امام علیه السلام در این مناجات به بخششها و الطاف الهی نسبت به خود، به شرح زیر امیدوار است:

«یا من اذا سأله عبد اعطاه، و اذا امل ما عنده بلغه مناه، و اذا اقبل علیه قرّبه و ادناه، و اذا جاهره بالعصیان ستر علی ذنبه و غطاه، و اذا توکل علیه احسبه و كفاه.

الهی من الذی نزل بک ملتسماً قراک فما قریته؟ و من الذی اناخ ببابک مرتجیا نداک فما اولیته؟ أ یحسن ان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۴

ارجع عن بابک بالخیبة مصروفا و لست اعرف سواک مولی بالاحسان موصوفا، کیف ارجو غیرک و الخیر کله بیدک؟ و کیف اؤمل سواک و الخلق و الأمر لک؟ أ اقطع رجائی منک و قد اولیتنی ما لم اسأله من فضلک، ام تفقرنی الی مثلی و انا اعتصم بجبلک، یا من سعد برحمته القاصدون، و لم یشق بنقمته المستغفرون، کیف أنساک و لم تزل ذاکری؟ و کیف الهو عنک و انت مراقبی؟

الهی بذیل کرمک اعلقت یدی، و لنیل عطایاک بسطت املی، فاخلصنی بخالصة توحیدک، و اجعلنی من صفوة عبیدک، یا من کلّ هارب الیه یلتجی، و کلّ طالب اِیاه یرتجی، یا خیر مرجو و یا اکرم مدعو، و یا من لا یردّ سائله و لا یخیب آمله، یا من بابه مفتوح لداعیه و حجاب مرفوع لراجیه، اسالک بکرمک ان تمنّ علیّ من عطائک بما تقرّ به عینی، و من رجائک بما تطمئنّ به نفسی، و من الیقین بما تهوّن به علیّ مصیبات الدنیا، و تجلو به عن بصیرتی غشوات العمی برحمتک یا ارحم الرّاحمین.»

«ای خدایی که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند، عطا فرماید و هرگاه از درگاهش چشم امید داشته باشد به امیدش برساند، و هرگاه به او رو آورد، به نزد خود مقرب سازد و هرگاه آشکارا او را معصیت کند، او بر گناهش پرده‌پوشی کند و هرگاه بر او توکل کند، او را کفایت کند و بس باشد.

(۱) خداوندا کیست که بر تو وارد شود و از تو درخواست مهمانی کند و تو از او پذیرایی نکنی؟ و کیست که به امید بخشش و عطای تو به درگاهت فرود آید و تو محروم گردانی؟ خدایا آیا زیننده است که من از درگاهت نومید برگردم در صورتی که جز تو

مولایی معروف به لطف و احسان سراغ ندارم؟ چگونه به غیر تو امیدوار باشم در حالی که هر خیر و نیکی به دست

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۵

توست؟ و چگونه به غیر از تو آرزومند باشم در صورتی که آفرینش و فرمان هستی به دست توست؟ آیا از تو امیدم را ببرم در صورتی که بدون درخواست از فضل و کرمت به من احسان فرمودی؟ و یا آن که چگونه مرا به محتاجی مثل خودم نیازمند می کنی در حالی که به ریسمان لطف چنگ زده‌ام؟ ای آن که شیفتگان رحمت تو خوشبخت شدند و آمرزش طلبان از عذابت رنج و سختی ندیدند خداوندا چگونه تو را فراموش کنم در صورتی که تو همواره مرا در نظر داری؟ و چگونه از تو غافل باشم در حالی که پیوسته مراقب حالم می باشی؟

(۱) خدایا من به ذیل عنایت و لطف تو دست دراز کرده‌ام و برای رسیدن به عطا و بخشش تو دامن آرزویم را گشوده‌ام، پس خداوندا مرا در مقام یکتاپرستی خویش خالص گردان، و از جمله خاصّیان درگاه خودت قرار ده، ای کسی که هر که هر کجا بگریزد به سوی او پناه می برد و هر که هر چه بخواهد از درگاه او امیدوار است. ای بهترین کسی که به او می توان امید داشت و ای بخشنده ترین کسی که از او می توان درخواست کرد، ای خدایی که هیچ سائلی را از درگاهش محروم نگرداند و آرزومندی را ناامید نسازد، ای آن که درگاهش به روی درخواست کنندگان باز و پرده درش در مقابل امیدواران برداشته است. خداوندا به کرم و لطفت درخواست دارم که بر من منت گذاری و از عطا و بخشش خویش که باعث چشم روشنی من باشد، مرحمت کنی و از امیدی که به درگاهت دارم قلبم را آرام گردانی و یقینی که رنج و مصائب دنیا را بر من آسان کند و از جلو چشم بصیرتم پرده های جهل و ظلمت را برطرف کند، عطا فرمایی، به رحمت بی پایانت ای بخشنده ترین بخشنندگان ...»

(۲) امام علیه السلام در این مناجات نهایت آرزوی خود را به عفو و بخشندگی خدا ابراز داشته و از ایمان استوار خویش به رحمت گسترده او که شامل حال همه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۶

امیدواران است، او و هر امیدواری را فراگیر است پرده برداشته است.

امام بزرگوار در حد اعلاّی پیوستن به خدا به درگاه او پیوسته و در همه کارها و امور خود به احدی از مخلوقات او امید نبسته است با این عقیده که امیدواری و چشم طمع به آنچه در دست دیگران است سرابی بیش نیست و آرزو داشتن از ایشان بیهوده و زیانکاری قطعی و حتمی است.

(۱)

### مناجات پنجم

این مناجات معروف به «مناجات راغبین» است که امام علیه السلام به آنچه در نزد خداست دل بسته و از آنچه در دست دیگران است دل بریده است:

«الهی ان کان قلّ زادی فی المسیر الیک فلقد حسن ظنی بالتوکل علیک، و ان کان جرمی قد اخافنی من عقوبتک فان رجائی قد اشعرنی بالأمن من نعمتک، و ان کان ذنبی قد عرّضنی لعقابک فقد آذنتی حسن ثقتی بثوابک، و ان انامتنی الغفلة عن الاستعداد للقاءک، فقد تبهتني المعرفة بکرمک و آلائک، و ان اوحش ما بینی و بینک فرط العصیان و الطغیان، فقد آنسنی بشری الغفران و الرضوان، اسالک بسبحات و جهک و بانوار قدسک، و ابتهل الیک بعواف رحمتک و لطائف برک، ان تحقّق ظنی بما أوّمله من جزیل اکرامک، و جمیل انعامک فی القربى منک، و الزّلفی لیدیک، و التّمّع بالنظر الیک، و ها انا متعرّض لنفحات روحک و عطفک، و منتجع غیث جودک و لطفک، فازّ من سخطک الی رضاک هارب منک الیک راج احسن ما لیدیک معوّل علی مواهبک،

مفتقر الی رعایتک.

الهی ما بدأت به من فضلک فتّممه، و ما وهبت لی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۷

من کرمک فلا تسلبه، و ما سترته علیّ بحلمک فلا تهتکه، و ما علمته من قبیح فعلی فاغفره.

الهی استشفعت بک الیک و استجرت بک منک اتیتک طامعا فی احسانک راغبا فی امتنانک مستسقیابا و ابل طولک مستمطرا غمام فضلک طالبا مرضاتک قاصدا جنابک و اردا شریعه رفدک ملتصبا سنّی الخیرات من عندک، و افدا الی حضره جمالک، مریدا وجهک، طارقا بابک، مستکینا لعظمتک و جلالک، فافعل بی ما انت امله من المغفره و الرّحمه، و لا تفعل بی ما انا امله من العذاب و الثّمه برحمتک یا ارحم الرّاحمین.»

(۱) «خداوندا! اگر راه توشه من برای سفر به سوی تو اندک است، اما حسن ظنم نسبت به اعتماد به تو بسیار است و اگر جرم من باعث بیمناک شدن از عقوبت توست، ولی امیدم به کرمت مرا به بخشش تو از انتقام گرفتنت نوید می‌دهد، و اگر گناه مرا در معرض کیفر تو قرار می‌دهد و لیکن وثوق و اطمینانم از اجر و ثوابت خبر می‌دهد، و اگر غفلتم مرا از دیدار تو باعث شد که استعداد مرا از دست داده و به خواب روم اما ایمان و معرفتم به بزرگواری و نعمتهایت توجه داد و اگر زیاده‌روی در عصیان و سرکشی مرا بیمناک ساخته است و لیکن بشارت مغفرت و رضای تو باعث آرامش خاطر من شده است، خدایا به اشراق جمال و انوار ذات بی‌مثالت درخواست دارم و به عواطف رحمت و لطایف احسان التماس می‌کنم که امیدم را نسبت به احسان فراوان و انعام نیکویت در مقام قرب و تقرب به پیشگاهت و به مشاهده حسن و جمالت مرا بهره‌مند گردانی و من که خود را در معرض نسیم لطفت قرار داده‌ام و درخواست باران جود و سخایت را دارم و از خشم و غضبت به سوی لطفت گریزانم و از عذابت به سوی عفو تو می‌گریزم و بدانچه در نزد تو بهتر است امیدوارم و تنها اعتمادم به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۸

بخششهای توست و به رعایت تو نیازمندم.

خدایا نعمتی را که از فضل و کرم خویش آغاز فرموده‌ای به انجام رسان و آنچه از راه کرم به من داده‌ای زایل مگردان و گناهای را که از روی حکمت و مصلحت پنهان داشته‌ای بر ملا مساز و از کارهای بدم که تو آگاهی در گذر.

(۱) خداوندا ذات مقدس تو را به درگاهت شفیع قرار داده و از قهر تو به پیشگاهت پناه می‌آورم، خدایا در حالی که سوی تو آمده‌ام که چشم طمع به احسان تو دارم و به نعمتهایت اشتیاق می‌ورزم، تشنه باران لطف و ابر عنایت هستم، خشنودی تو را طالبم و قصد توجه به درگاهت را دارم و بر جویبار احسانت وارد گشته و درخواست عالیترین نوع خیرات تو را می‌جویم، در حالی که به محضر بسیار نیکویت به مهمانی آمده و آهنگ مشاهده رحمت تو را دارم و حلقه بر در کرمت می‌کوبم و به دیدار عظمت و جلالت نیازمندم، پس خدای من، با من چنان رفتار کن که خود شایسته آنی از روی بخشش و رحمت خویش نه آن چنان که من شایستگی دارم از عذاب و کیفر، به حق رحمت و احسانت ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

(۲) امام علیه السلام در این مناجات حسن ظن خود را نسبت به کرم و عفو الهی و امید فراوان خویش به بزرگواری و کرم خداوندی و ایمان و اعتقاد راسخ به نیکوکاری وی ابراز داشته و دست توّسل به عنایت ذات اقدس او زده و تنها به او دل بسته است با امید به عواطف رحمت و رأفتش و این مناجات توأم با تضرّع و خضوع و خشوع به درگاه الهی می‌باشد.

(۳)

این مناجات مشهور به «مناجات شاکران» است که امام علیه السلام در این مناجات شکر و سپاس الهی را نسبت به احسان فراوان و نعمتهای والایش،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۳۹۹

تقدیم داشته است، و پس از بسم الله الرحمن الرحیم چنین آمده است:

«الهی اذهلنی عن اقامه شکرک تتابع طولک، و اعجزنی عن احصاء ثنائک فیض فضلک، و شغلنی عن ذکر محامدک ترادف عوائدک، و اعیانی عن نشر عوارفک توالی آیدیک، و هذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء، و قابلها بالتقصیر، و شهد علی نفسه بالإهمال و التضييع، و انت الرءوف الرحیم البرّ الکریم، الّذی لا یخیب قاصدیه، و لا یطرد عن فئائه آملیه، بساحتک تحطّ رحال الرّاجین، و بعرضتک تقف آمال المسترفدین فلا تقابل آمالنا بالتّخیب و الأیّاس، و لا تلبسنا سربال القنوط و الإیلاس.

الهی تصاعر عند تعاضم آلائک شکرى، و تضاعل فی جنب اکرامک ایّی ثنائى و نشرى، جلّلتنى نعمک من انوار الإیمان حللا، و ضربت علیّ لطائف برك من العزّ کللا، و قلمدتنى مننک قلائد لا- تحلّ، و طوّقتنى اطواقا لا تفلّ، فالأؤک جمیه ضعف لسانی عن احصائها، و نعمائک کثیره قصر فهمی عن ادراکها فضلا عن استقصائها، فکیف لی بتحصیل الشکر، و شکرى ایّاک یفتقر الی شکر، فکلما قلت لک الحمد و جب علیّ لذلك ان اقول لک الحمد.

الهی فکما غدّیتنا بلطفک و ربّیتنا بصنعک، فتمّم علینا سوابغ النعم، و ادفع عنّا مکاره التّم، و آتنا من حظوظ الدّارين ارفعها و اجلّها عاجلا و اجلا، و لک الحمد علی حسن بلائک و سبوغ نعمائک حمدا یوافق رضاک، و یمتری العظیم من برك و نداک یا عظیم کریم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۰

«خدایا نعمتهای پیاپی تو مرا از انجام وظیفه، شکر و سپاس غافل کرد و فیضان فضل و کرم از حمد و ستایش عاجزم گردانید و عطا و بخشش مداومت، مرا از ذکر اوصاف و محامد تو بازداشت و رحمتهای پی در پی تو مرا از شرح و بیان نیکوییهای ناتوان ساخت و همین عجز و ناتوانی موضع کسی است که به نعمتهای فراوان تو اعتراف دارد و با تقصیر در ادای شکر آن نعمتها روبروست و به زیان خویش گواهی می دهد که نفس خود را تبه ساخته و ضایع گردانیده است در حالی که تو مهربان و رؤوف و نیکوکار و بزرگواری، پروردگاری که هر کس رو به تو آورد محروم نمی سازی و آن که را که چشم امید به درگاه تو داشته باشد از درگاه کرمت دور نمی کنی، ای خدایی که امیدواران به پیشگاهت بازایبند و طالبان کرمت به ساحت عنایت تو اقامت کنند، امیدهای ما را به نومیدی مبدل مکن و لباس یأس و ناامیدی بر تن ما میپوشان.

(۱) خداوندا شکر و سپاس من در برابر نعمتهای بزرگ تو بسیار ناچیز و حمد و ثنایم در مقابل بزرگواری و احسانت بسی ناقابل است، نعمتهای تو از انوار ایمان مرا به زیورها آراسته و لطایف نیکی و کرمت تاج عزت بر سرم نهاده و احسانهای گردنبندها و طوقهای شرافتی به گردنم افکنده است که گشوده نگردد و این قدر نعمتهای فراوان است که زبانم یارای شمارش آنها را ندارد و به قدری زیاد است که از ادراکش عقل و فهمم قاصر است تا چه رسد که همه را دریابم پس چگونه بتوانم سپاس آن همه نعمت را به جای آورم و حال آن که سپاس گفتن بر هر نعمتی خود به شکر نیازمند است پس من هر چه حمد و سپاست را بگویم به خاطر آن نیز حمد و سپاسی دیگر باید بگویم. تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۴۰۰ مناجات ششم ..... ص: ۳۹۸

(۲) خدایا همچنان که مرا از آغاز به لطف خود غذا دادی و در گهواره آفرینش خویش پروراندی پس نعمتهای بی حسابت را بر ما تمام کن و ناگواریهای انتقامت را از ما دور ساز و در هر دو عالم بهره بالاتر و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۱

بزرگتری کرامت فرما و ستایش مخصوص توست به خاطر آزمون نیکو و نعمتهای فراوانت آن گونه ستایشی که مورد پسند تو

گشته و احسان و بخشش تو را بر ما فرو می‌ریزد، ای خدای بزرگ و ای پروردگار کریم به رحمت و لطف ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان...»

امام علیه السلام، در این مناجات به ما آموخته است که چگونه به خاطر نعمتهای فراوانی که خداوند بر ما ارزانی داشته و الطاف والایی که شامل حال ما نموده است او را شکر و سپاس گوئیم، و انسان هر چه قدر در شکرگزاری او بکوشد باز هم از انجام وظیفه شکر و سپاس عاجز و ناتوان است.

(۱)

### مناجات هفتم

این مناجات معروف به «مناجات مطیعان» خدای تعالی است، به این شرح:

«اللَّهُمَّ الهمنا طاعتك، و جنبنا معصيتك، و يسِّر لنا بلوغ ما نتمنى من ابتغاء رضوانك، و احللنا بجبوحه جنانك، و اقصع عن بصائرنا سحاب الارتياب و اكشف عن قلوبنا اغشيه المريه و الحجاب، و ازهق الباطل عن ضمائرنا، و اثبت الحق في سرائرنا فان الشكوك و الظنون لواقح الفتن، و مكدره لصفو المنائح و المنن.

اللَّهُمَّ احملنا في سفن نجاتك، و متعنا بلذيد مناجاتك، و اوردنا حياض حبك، و اذقنا حلاوه ودك و قربك، و اجعل جهادنا فيك، و همنا في طاعتك، و اخلص نياتنا في معاملتك، فاننا بك و لك، و لا وسيله لنا اليك الا انت.

الهي اجعلني من المصطفين الاخيار، و الحقني

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۲

بالصالحين الأبرار السابقين الى المكرمات المسارعين الى الخيرات العاملين للباقيات الصالحات الشاعين الى رفيع الدرجات، أنك على كل شيء قدير و بالإجابة جدير برحمتك يا ارحم الراحمين.»

«خداوند! طاعت و بندگیت را بر قلبمان الهام کن، و نافرمانی خود را از ما دور گردان، و آنچه از شوق به مقام رضوانت آرزو مندیم راه وصولش را برای ما آسان نما و در میان بهشت جاودانت به ما منزل عطا کن و از چشم بصیرت ما ابرهای تاریکی و از دل‌های ما پرده‌های ظلمانی شک و دودلی را دور ساز و گرایش به باطل را از باطن ما محو گردان و حق و حقیقت را در دل‌های ما استوار کن زیرا که شک و گمانهای فاسد، باعث پیوند فتنه و فساد گشته و خوشیها و برخوردارگی ما را از نعمتها و بخششهایت، تیره و ناگوار می‌سازند.

(۱) خدایا ما را در کشتیهای نجات خود قرار ده و ما را از لذت مناجات خویش برخوردار ساز و از جویبارهای محبت خودت سیراب کن و حلاوت مقام قرب و دوستی خودت را بر ما بچشان و کوشش و تلاش ما را در راه معرفت خودت قرار ده و همت ما را در راه طاعت خودت مصروف گردان و ما را در معامله با خودت تبت خالص عنایت فرما زیرا که ما وابسته به تو و از آن توئیم و وسیله‌ای جز تو نداریم.

(۲) خدایا مرا از برگزیدگان و خوبان در گاهت قرار ده و به نیکان و شایستگان ملحق کن که آنان به مقامات والا از دیگران پیشی گرفته و به سوی اعمال نیک مبادرت کردند و به کار شایسته و جاودانه پرداخته و به سوی درجات رفیع شتافتند، ای خدایی که بر هر کاری توانا و به استجابت هر دعایی سزاواری به حق رحمت بی‌پایانت ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۳

امام علیه السلام از درگاه خدا درخواست کرده و به پیشگاهش نالیده است تا اطاعت و بندگی خویش را در دل او اندازد و از نافرمانیهای خود او را به دور دارد و به گران‌قدرترین و بالا-ترین آرزوهایش از وصول به رضوان و دستیازی به خشنودی و قرب



جوار رحمتش برساند و در معامله با خود تبتش را خالص سازد و او را از جمله شتابندگان به خیرات و در زمره کارکنان برای مقامات جاودانه بهشتی قرار دهد.

(۱)

### مناجات هشتم

این مناجات به نام «مناجات مریدان» معروف است و خود از دل‌پسندترین مناجاتهای امام علیه السلام به شرح ذیل می‌باشد:

«سبحانک ما اذیق الطرق علی من لم تکن دلیله و ما اوضح الحق عند من هدیته سیله.

الهی فاسلک بنا سبل الوصول الیک و سیرنا فی اقرب الطرق للوفود علیک، قزب علینا البعید، و سهّل علینا العسیر الشدید، و الحقنا بعبادک الذین هم بالبدار الیک یسارعون، و بابک علی الدوام یطرقون، و ایاک فی اللیل و النهار یعبدون، و هم من هیبتک مشفقون، الذین صفیت لهم المشارب، و بلّغتهم الرغائب، و انجحت لهم المطالب، و قضیت لهم من فضلک المآرب، و ملأت لهم ضمائرهم من حبک و رؤیتهم من صافی شربک، فبک الی لذید مناجاتک و صلوا، و منک اقصى مقاصدهم حصّلوا، فیا من هو علی المقبلین علیه مقبل، و بالعطف علیهم عائد مفضل، و بالغافلین عن ذکره رحیم رءوف و بجدبهم الی بابه و دود عطوف، اسألک ان تجعلنی من اوفرهم منک حظًا، و اعلاهم عندک منزلا، و اجزلهم من

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۴

ودک قسما، و افضلهم فی معرفتک نصیبا فقد انقطعت الیک همّتی، و انصرفت نحوک رغبتی فانت لا- غیرک مرادی، و لک لا لسواک سهری و سهادی و لقاؤک قرّة عینی، و وصلک منی نفسی، و الیک شوقی و فی محبتک ولهی، و الی هواک صبابتی، و رضاک بغیتی، و رؤیتک حاجتی، و جوارک طلبی، و قربک غایه سؤلی، و فی مناجاتک روحی و راحتی، و عندک دواء علّتی، و شفاء علّتی، و برد لوعتی، و کشف کربتی، فکن انیسی فی وحشتی، و مقیل عثرتی، و غافر زلّتی، و قابل توبتی، و مجیب دعوتی، و ولی عصمتی، و مغنی فاقتی، و لا تقطعنی عنک، و لا تبعدنی منک یا نعیمی و جتّی، و یا دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین.»

«خداوندا! پاک و منزهی چقدر راهها برای کسی که راهنمایش تو نباشی، تنگ است! و چه قدر راه حق اگر تو راهنما باشی، واضح و روشن است! (۱) خدایا ما را به راه وصالت ببر و به نزدیکترین راه برای ورود به درگاهت رهسپار گردان دور را برای ما نزدیک و مشکل و دشواری را بر ما سهل و آسان کن و ما را به بندگانی که با سرعت به سویت می‌شتابند و همواره حلقه بر درگاهت می‌زنند ملحق فرما، به آن بندگانی که شب و روز تو را عبادت می‌کنند و از عظمت و شکوه تو بیمناک و هراسانند؛ آنانی که آب از سرچشمه زلال توحید نوشانیدی و به آرزوهایشان نایل گردانیدی و نیازهایشان را برآوردی و به فضل و کرمت از مقاصد عالیه‌شان برخوردار نمودی و دل‌هایشان را پر از محبت خود فرمودی و آن تشنه‌کامان وصال را از آب زلال عشق خود سیراب گردانیدی و به لطف و کرمت به مرتبه و مقام لذت مناجاتت رسیدند و از احسان تو شاهد مقصود را در آغوش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۵

گرفتند، پس ای خداوند مهربان، هر کس رو به سوی تو آورد به او توجه و عنایت فرمودی و با فضل و کرمت بر او احسان نمودی و به کسانی هم که از یاد تو غافل ماندند، مهربان و رءوفی، و با جاذبه محبت خویش آنان را نیز به درگاهت می‌کشانی و ای خدای کریم از تو درخواست دارم که سهم مرا از فضل خود افزونتر و منزلتم را نزد خویش بالا-تر از همگان قرار دهی و قسمتم را از دوستی و عشق خود بیشتر و نصیبت معرفتم را بالا-تر قرار دهی بطوری که توجهم از همه منقطع و تنها به سوی تو باشد و دلم مشتاق تو گردد خدایا مقصد و مقصودم تویی نه غیر تو و از شوق تو بیدارم و کمتر به خواب می‌روم و مقام وصال تنها آرزوی من است، شوق و علاقه‌ام منحصر به تو و سرگردان و شیدای محبت توأم و دل‌باخته تو هستم و هدفم خشنودی توست و محتاج دیدار

رحمت توأم و نعمت جوارت خواسته من، و مقام و مرتبه قرب در گاهت منتهای آرزوی من است و حال راز و نیاز با تو باعث شادی و آرامش بخش خاطر من است، ای آن که در نزد تو داروی شفابخش بیماری و تسکین حرارت دل و رفع غم و اندوه من است، پس ای خدای بزرگ در هنگام وحشت و ترس انیس و مونس من باش و عذر مرا نسبت به لغزشهایم ببخش و از بدیهایم در گذر و توبه‌ام را بپذیر و دعایم را مستجاب گردان و مرا از انجام گناه نگهدار و از فقر و درماندگیم بی‌نیاز کن و مرا از درگاه خویش جدا مساز ای آن که تو نعمت و بهشت و دنیا و آخرت منی، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

(۱) امام علیه السلام در این مناجات، از غیر خدا بریده و تنها روح و عواطف و تمام مشاعرش به او پیوسته است بطوری که جز او را ندیده و صمیمانه از او درخواست دارد که راه رسیدن به قرب در گاهش را نصیب او گرداند و از نزدیکترین راهها او را به دربار خود راه دهد و به بندگان شایسته خویش ملحق سازد، آن کسانی که هیچ کس بر ایشان سبقت نگرفته و پیش از همه کس به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۶

دستور او عمل می‌کنند.

(۱)

### مناجات نهم

این مناجات معروف به «مناجات محبین» است، در این مناجات چنین آمده است:

«الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک، فرام منک بدلا، و من ذا الذی انس بقربک، فابتغی عنک حولا؟

الهی فاجعلنا ممن اصطفیته لقربک و ولایتک و اخلصته لودک و محبتک، و شوقته الی لقاءک و رضیته بقضائک، و منحتہ بالنظر الی وجهک و حبوتہ برضاک، و اعدتہ من هجرک و قلاک و بواته مقعد الصدق فی جوارک، و خصصتہ بمعرفتک، و اهلته لعبادتک، و هیئت قلبه لإرادتک، و اجتبیته لمشاهدتک، و اخلیت وجهه لک، و فرغت فؤاده لحبک، و رعبتہ فی ما عندک، و الهمتہ ذکرک، و اوزعتہ شکرک، و شغلته بطاعتک، و صیرتہ من صالحی بریتک، و اخترتہ لمناجاتک، و قطعت عنہ کل شیء یقطعه عنک.

اللهم اجعلنا ممن دابهم الاریاح الیک و الخیر، و دهرهم الزفره و الأنین، جباهم ساجده لعظمتک و عیونهم ساهره فی خدمتک، و دموعهم سائله من خشیتک، و قلوبهم متعلقه بمحبتک، و افئدتهم منخلعه من مهابتک، یا من انوار قدسه لأبصار محبیه رائقه، و سبحات وجهه لقلوب عارفيه شائقه، یا منی قلوب المشتاقین، و یا غایه آمال المحبین اسالک حبک و حب من یحبک، و حب کل عمل یوصلنی الی قربک، و ان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۷

تجعلک احب الی من سواک و ان تجعل حبی ایاک قائدا الی رضوانک، و شوقی الیک ذائدا عن عصیانک، و امنن بالنظر الیک علی، و انظر بعین الود و العطف الی، و لا- تصرف عنی وجهک، و اجعلنی من اهل الإسعاد و الحظوة عندک یا مجیب یا ارحم الزاحمین.»

«خداوندا کیست که حلاوت محبت تو را چشیده و در عین حال جز تو را بخواهد؟ و کیست که به مقام قرب تو رسیده باشد و با وجود آن لحظه‌ای از تو رو برگرداند؟

(۱) پس خدایا ما را از آنانی قرار ده که برای تقرب و دوستی خودت برگزیده‌ای و آنان را ویژگیان عشق و محبت خویش قرار داده‌ای و مشتاق لقا و خشنود به قضای خود ساخته‌ای و نعمت شهود خویش را به او عطا کرده‌ای و او را برای مقام رضایت انتخاب کرده‌ای و از هجران به پناحت آورده‌ای و در جوار رحمت خویش در نشیمن گاه عالم صدق و حقیقت جا داده‌ای و به مقام معرفت مخصوص گردانیده‌ای و لیاقت پرستش خویش را به او عطا کرده‌ای و او را دل‌باخته عشق و محبت و برگزیده دیدار رحمت

کرده‌ای و یکباره روی او را به سوی خود گردانده‌ای و دلش را از هر چه غیر از دوستی توست تهی کرده‌ای و او را بدانچه در نزد خویش داری علاقه‌مند ساخته‌ای و ذکرت را بر قلب او انداخته‌ای و شکر و سپاست را به او آموخته‌ای و به طاعت خود مشغول نموده‌ای و او را از شایستگان مخلوق قرار داده‌ای و برای مناجاتت برگزیده‌ای و از آنچه باعث دوری از درگاه تو باشد علاقه‌اش را بریده‌ای.

(۲) خدایا ما را از آنانی قرار ده که فطره به تو شادمان و خرسندند و از دل، فریاد شوق بر آورند و تمام عمر با ناله عاشقانه همراهند و پیشانی‌شان را در پیشگاه عظمتت به خاک ساییده و چشمانشان در محضر تو بیدار و اشک دیدگان‌شان از خوف و خشیت تو جاری و دل‌هایشان به عشق و محبت تو

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۸

وابسته و قلب‌هایشان را هیبت و شکوه تو از همه جهان گسسته است، ای خدایی که انوار قدسیت برای چشم دوستان در کمال روشنی و تجلیات ذات مقدست بر دل‌های عارفان شوق و نشاط‌انگیز است ای آرزوی دل‌شیفتگان و ای منتهای آرمان محبان و عاشقان از تو درخواست می‌کنم دوستی خودت و دوستی دوستانت را و دوستی هر کاری را که باعث تقرب من به پیشگاه تو گردد و هم درخواست می‌کنم که خود را از هر چه غیر توست بر من محبوبتر سازی و محبتم را به مقام خشنودی خودت منتهی نمایی و شوقم را به خودت بیشتر از عصیان و نافرمانیم قرار دهی و بر من به نگاهی به جمال بی‌مثالت منت‌گذاری و مرا به چشم لطف و محبت خویش بنگری و هیچ‌گاه از من رو نگردانی و مرا از اهل سعادت و سالکان راه محبت خود قرار دهی ای اجابت‌کننده دعای بندگان و ای مهربانترین مهربانان.»

(۱) امام علیه السلام در این مناجات خود پرده از روی محبت خالص و علاقه عمیق خود نسبت به ذات اقدس حق تعالی برداشته است در حالی که از او درخواست کرده تا برای تقرب به درگاه خود او را برگزیند و مشتاق لقای خود سازد و قلب او را به محبت خود مشغول گرداند و در طاعت و عبادتش انیس و مونس او باشد و هر عملی را که باعث تقرب وی به پیشگاه خدا و مجاورت رحمت او می‌گردد بر آن عمل وادارد.

(۲)

## مناجات دهم

این مناجات معروف به «مناجات متوسلین» است که امام علیه السلام بدان وسیله به درگاه خدا نالیده و رحمت و رضوان او را درخواست کرده است:

«الهی لیس لی وسیله الیک الا عواطف رأفتک، و لا لی ذریعه الیک الا عوارف رحمتک، و شفاعه نبیک نبی

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۰۹

الرّحمه، و منقذ الائمة من الغمه فاجعلهما لی سببا الی نیل غفرانک، و صیرهما لی وصله الی الفوز برضوانک، و قد حلّ رجائی بحرّم کرمک، و حطّ طمعی بفناء جودک، فحقّق فیک املی و اختم بالخیر عملی، و اجعلنی من صفوتک الذین احللتهم بحبوحه جنتک، و بواتهم دار کرامتک و اقررت اعینهم بالنظر الیک یوم لقائک، و اورثتهم منازل الصّدق فی جوارک.

یا من لا یفد الوافدون علی اکرم منه، و لا یجد القاصدون ارحم منه، یا خیر من خلا به وحید، و یا اعطف من اوی الیه طرید، الی سعۀ عفوک مددت یدی و بذیل کرمک اعلقت کفی، فلا- تولنی الحرمان، و لا- تبلنی بالخیبه و الخسران، یا سمیع الدعاء یا ارحم الرّاحمین.»

«خدایا مرا وسیله دیگری جز عواطف لطف و مهربانیت به سوی تو نیست و دستاویزی از عطایای رحمت خویش و شفاعت پیامبر،

نبی رحمت، آن که در دو جهان نگهدار امت از رنج و غم است وجود ندارد، پس خداوند این دو را وسیله آمرزش و سبب وصول من به مقام سعادت و بهشت رضوانت قرار ده و کاروان امید مرا به حریم درگاه کرمت وارد بفرما و راحله طمع در آستان جود و احسانت فرود آمده است پس امید و آرزویی را که به لطف و کرمت دارم برآورده و محقق گردان و پایان کارم را ختم به خیر فرما و مرا از جمله بندگان خاص و با اخلاص خودت قرار ده آن بندگان که در میان بهشت مخصوص خود درآوری و در جایگاه عزت و کرامت منزل دهی و به مشاهده حسن و جمالت در روز دیدار، چشمشان را روشن سازی و آنها را وارثان منزلهای صدق و صفا در جوار رحمت خود گردانی.

(۱) ای خدایی که هیچ کس بر شخصی کریمتر و بزرگوarter از تو وارد نشده و هیچ نیازمندی مهربانتر و بخشنده تر از تو را نیافته است ای بهترین کسی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۰

که درماندگان به خلوت تو راه یافتند و ای مهربانترین کسی که گریختگان به سوی تو پناه آوردند، ای خدای مهربان، من به ساحت عفو و بخشندگیت رو آورده و دست نیاز دراز کرده‌ام و به دامن احسانت چنگ زده‌ام پس خداوند! امیدم را ناامید مکن و مرا دچار زیان و حرمان مفرما ای شنونده دعاها ای بخشنده ترین بخشاینده‌گان ...»

(۱) امام علیه السلام در این مناجات به خدای تعالی توسل جسته و از او درخواست کرده تا عواطف رحمت خویش و شفاعت پیامبرش را نصیب او گرداند و این دو را وسیله وصول به رضوان و مغفرت خویش قرار دهد، و زندگی عطرآگین و ارزنده او را ختم بخیر گرداند و او را در آخرت، در سرای کرامت خود منزل دهد و از برگزیدگان بندگان منتخب و نیکوکار خود قرار دهد.

(۲)

### مناجات یازدهم

این مناجات معروف به «مناجات نیازمندان» است، امام علیه السلام در این مناجات فقر و نیاز خود را به پیشگاه خدای تعالی ابراز داشته است:

«الهی کسری لا- یجبره الا لطفک و حنانک، و فقری لا یغنیه الا عطفک و احسانک، و روعتی لا یسکنها الا امانک، و ذلتی لا یعزها الا سلطانک، و امنیتی لا یبلغنیها الا فضلک، و خلّتی لا یسدّها الا طولک و حاجتی لا یقضیها غیرک، و کربی لا یفرّجه سوی رحمتک، و ضرّی لا یکشفه غیر رأفتک، و علّتی لا یردّها الا وصلک، و لوعتی لا یطفیها الا لقاءک و شوقی الیک لا یبیله الا النظر الی وجهک و قراری لا یقرّ دون دنوی منک، و لهفتی لا یردّها الا روحک، و سقمی لا یشفیة الا طبک، و غمی لا یزیه الا قربک، و جرحی لا یرؤه الا صفحک، و رین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۱

قلبی لا یجلوه الا عفوک، و وسواس صدری لا یزیه الا امرک.

فیا منتهی امل الاملین، و یا غایه سؤال السائلین، و یا اقصی طلبه الطالبین، و یا اعلی رغبه الراغبین، و یا ولی الصالحین، و یا امان الخائفین، و یا مجیب دعوه المضطربین، و یا ذخر المعدمین، و یا کنز البائسین، و یا غیاث المستغیثین، و یا قاضی حوائج الفقراء و المساکین، و یا اکرّم الأکرّمین، و یا ارحم الراحمین، لک تخضّعی و سؤالی، و الیک تصرّعی و ابتهالی، أسألک ان تنیلنی من روح رضوانک، و تدیم علی نعم امتنانک، و ها انا بباب کرمک واقف، و لنفحات برک متعرّض، و بحبلک الشدید معتصم، و بعروتک الوثقی متمسک.

الهی ارحم عبدک الدلیل، ذا اللسان الکیل و العمل القلیل، و امن علی بطولک الجزیل، و اکنفه تحت ظلمک الظلیل یا کریم یا

جمیل، یا ارحم الراحمین.»

«خدایا شکستگی مرا هیچ چیز جز لطف و کرم تو جبران نمی‌کند و فقر و نیازمندیم را بجز جود و احسان تو بی‌نیاز نمی‌سازد و ترس و نگرانی را جز امان دادن تو ایمن نمی‌گرداند، و ذلت و خواری را جز قدرت و سلطنت تو هیچ چیز بدل به عزت و کرامت نمی‌کند و جز فضل تو کسی مرا به آرزویم نمی‌رساند و در احتیاج و فقرم را جز عطا و بخشش تو نمی‌بندد و حاجتم را غیر از تو کسی برآورده نمی‌کند، و غم و اندوهم را جز رحمت بی‌پایان تو چیز دیگری مبدل به شادمانی نمی‌سازد، و رنج و زیانم را غیر از رأفت و مهربانیت برطرف نمی‌گرداند و حرارت شوقم را غیر از وصال تو فرو نمی‌نشانند و شعله سوز و گدازم را جز دیدارت خاموش نمی‌کند و بر آتش شوقم چیزی جز نظر به جمال ذات اقدس آب نمی‌ریزد، و دلم جز در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۲

قرب جوارت آرام نمی‌گیرد و اندوه و حسرت را غیر از نسیم رحمت برطرف نمی‌سازد و دردم را جز داروی عنایت تو شفا نمی‌بخشد و غیر از راه تقرب به تو راهی برای زدودن غم نمی‌بینم و بر زخم دلم جز بخشش تو چیزی مرهم نمی‌نهد، و زنگار قلبم را غیر از عفو و گذشت پاک نمی‌سازد و وسوسه‌ها و افکار باطل را جز فرمان تو زایل نمی‌گرداند.

(۱) پس ای خدای بزرگ که منتهای آرزوی آرزومندان و مقصد نهایی نیازمندی و عالیترین مطلوب طالبان و بالاترین خواسته درخواست کنندگان و علاقه‌مندی و ای که دوستدار درستکاران و ایمنی‌بخش دل‌های ترسانی و اجابت‌کننده دعای درماندگان و اندوخته تهیدستانی و ای که گنجینه بیچارگان و فریادرس فریادخواهانی و برآورنده حوایج نیازمندان و بینوایانی و ای که کریمترین کریمان و بخشنده‌ترین بخشاینده‌گانی خداوند خضوع و درخواستم برای تو و ناله و زاریم در پیشگاه توست از تو درخواست می‌کنم که مرا به آسایش مقام رضا و خشنودیت نایل گردانی و نعمتهایی که داده‌ای پاینده و برقرار سازی، خدایا اینک من در درگاه کرمت ایستاده‌ام و خودم را در معرض نسیم الطافت قرار داده‌ام و به ریسمان محکم تو چنگ زده و خویش را به حلقه استوار تو آویخته‌ام.

(۲) خداوند به این بنده ذلیل که زبانش از خجالت بسته و عملش ناچیز است رحم کن و با عطا و بخشش بی‌سیار بر من منت گذار و مرا در حمایت سایه مستدام نگهدار ای بخشنده، و ای که دارای حسن و جمالی ای مهربانترین مهربانان...»

امام علیه السلام در این مناجات به دوستی و محبت سید و مولای خود؛ آفریدگار هستی و آن که نعمت حیات و زندگی را به او عطا فرموده است، اهتمام ورزیده و تمام آرزوهای خود را متوجه او کرده و تنها امیدش در برآوردن تمام مشکلات و همه کارهایش به اوست.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۳

(۱)

## مناجات دوازدهم

این مناجات معروف به «مناجات عارفان» است، به شرح ذیل:

«الهی قصرت الألسن عن بلوغ ثنائک، كما یلیق بجلالک، و عجزت العقول عن ادراک کنه جمالک و انحسرت الأبصار دون النظر الی سبحات وجهک و لم تجعل للخلق طریقا الی معرفتک الا بالعجز عن معرفتک.

الهی فاجعلنا من المذین ترسیخت اشجار الشوق الیک فی حدائق صدورهم، و اخذت لوعه محبتک بمجامع قلوبهم فهم الی اوکار الأفکار یاوون و فی ریاض القرب و المکاشفه یرتعون، و من حیاض المحیة بکأس الملاطفة یکرعون، و شرایع المصافاة یردون، قد کشف الغطاء عن ابصارهم، و انجلت ظلمة الزیب عن عقائدهم، و انتفت مخالجه الشک عن قلوبهم و سرائرهم، و انشرح بتحقیق

المعرفة صدورهم، و علت لسبق السعادة في الزهادة همهم، و عذب في معين المعاملة شربهم و طاب في مجلس الأئس سرهم، و امن في موطن المخافة شربهم و اطمأنت بالرجوع الى رب الأرباب انفسهم، و تيقنت بالفوز و الفلاح ارواحهم، و قرت بالنظر الى محبوبهم اعينهم، و استقر بادراك السؤل و نيل المأمول قرارهم، و ربحت في بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم.

الهي ما الذّ خواطر الإلهام بذكرك على القلوب، و ما احلى المسير اليك بالأوهام في مسالك الغيوب، و ما اطيب طعم حبك، و ما اعذب شرب قربك، فاعدنا من

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۴

طردك و ابعادك، و اجعلنا من اخص عارفيك، و اصلح عبادك، و اصدق طائعيك و اخلص عبادك، يا عظيم يا جليل يا كريم يا منيل برحمتك و منك يا ارحم الراحمين.»

«خدایا زبانها از رسیدن به حدّثا و ستایشی که سزاوار تو باشد قاصر است و عقلها از ادراک واقعیت جمالت عاجز و دیده‌ها از نزدیک شدن به انوار جمال ذات مقدس تو خسته و درمانده و برای خلق هیچ راهی به معرفت تو جز ناتوانی و نارسایی به شناخت و معرفت وجود ندارد.

(۱) خداوندا ما را از آن بندگان قرار ده که نهالهای شوق لقای در باغستان دلپایان جوانه زده و سوز محبت سراسر قلبشان را فرا گرفته است، از این روست که آنان در آشیانه‌های افکار عالی انس با تو، منزل گرفته و در باغهای مقام قرب و شهودت می‌خرامند و از سرچشمه محبت با جام لطف و مهربانیت سیراب می‌گردند و در جویبار صفای تو وارد گشته‌اند در حالی که پرده جهل از جلو چشمانشان به یکسو رفته و ظلمت شک و ریب از عقاید و ضمائرشان زایل گشته است و وسوسه‌های اوهام و شک از دلپایان برطرف شده است و با استواری شرح صدر یافته و با سبقت گرفتن به سعادت از راه بی‌اعتنایی و پارسایی در دنیا به همت عالی رسیده‌اند، و از جویبار طاعت و بندگی آب خوشگوار نوشیدند و در محفل انس با خدا باطنشان پاکیزه و در جایگاه خوف و خشیت راهشان امن و به سبب رجوع مداوم به پروردگار ربّ الأرباب نفوسشان آرام گرفته و به مرحله یقین رسیده‌اند و به پیروزی و رستگاری روحانی نایل گشته‌اند و با نظر به جمال محبوب خویش چشمپایان روشن و دلپایان شادمان است و چون به مقصود خود رسیده و به آرزوی نهایی خود دست یافته‌اند آرامش خاطر پیدا کرده و در تجارت خود و فروش دنیا به آخرت سود کامل برده‌اند.

(۲) خدای من، چقدر یاد تو که بر دل خطور می‌کند برای دلها لذت بخش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۵

است! و چقدر فکر و اندیشه‌ها که در پرده‌های غیب به سوی تو سیر می‌کنند با حلاوت است! و چه اندازه طعم محبت تو گوارا و شربت قرب به درگاهت خوشگوار است! پس خداوندا ما را به درگاه خود پناه ده بطوری که از آن در نرانی و دور نسازی و ما را از خاص‌ترین عارفان و شایسته‌ترین بندگان قرار دهی و از صادقترین مطیعان و پاکترین بندگان گردانی ای خدای بزرگ و ای با عزت و جلال و ای کریم و ای بخشنده به رحمت و عنایت ای بخشنده‌ترین بخشندگان ...»

حقا که امام علیه السلام، زین العابدین و سید الموحّدین و پیشاهنگ عارفان بالله است و عبادت او برای خدا یک عبادت تقلیدی نیست بلکه برخاسته از کمال معرفت او به خدای تعالی است.

امام علیه السلام در این مناجات از کوتاهی و قصور زبانها از رسیدن به حدّ ثنای پروردگار و ناتوانی عقول از ادراک کنه جمال حق تعالی پرده برداشته است زیرا که چگونه می‌تواند موجود ممکن، به ادراک ذات او و به معرفت واجب الوجود و هستی بخش احاطه پیدا کند.

## مناجات سیزدهم

این مناجات به «مناجات ذاکرین» معروف است و در این مناجات امام علیه السلام کمال خضوع و خشوع خود را در پیشگاه خدای متعال اظهار داشته است:

«الهی لو لا الواجب من قبول امرک، لنزّهتک من ذکرى ایاک، علی انّ ذکرى لک بقدرى، لا بقدرک، و ما عسى ان یبلغ مقداری، حتّى اجعل محلا لتقدیسک، و من اعظم النعم علینا، جریان ذکرک علی ألسنتنا و اذنک لنا بدعائک و تنزیهک و تسبیحک. تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۶»

الهی فالهمنا ذکرک فی الخلاء و الملاء، و اللیل و النهار، و الإعلان و الإسرار، و فی السّراء و الضّراء و آنسنا بالذّکر الخفی، و استعملنا بالعمل الزّکی، و السّعی المرضی، و جازنا بالمیزان الوفی.

الهی بک هامت القلوب الوالیه، و علی معرفتک جمعت العقول المتباینه، فلا تطمئن القلوب الاّ بذكراک. و لا تسکن النفوس الاّ عند رؤیاک، انت المسبّح فی کلّ مکان، و المعبود فی کلّ زمان، و الموجود فی کلّ اوان، و المدعوّ بكلّ لسان، و المعظم فی کلّ جنان، و استغفرک من کلّ لذهّ بغير ذکرک، و من کلّ راحه بغير انسک، و من کلّ سرور بغير قربک، و من کلّ شغل بغير طاعتک.

الهی انت قلت و قولک الحقّ: [یا ایها الذّین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا، و سبّحوه بکره و اصیلا،] «۱» و قلت و قولک الحقّ: [فاذکرونی اذکرکم،] «۲» فامرتنا بذكرک، و وعدتنا علیه ان تذکرونا تشریفا لنا و تفخیما و اعظاما، و ها نحن ذاکروک کما امرتنا، فانجز لنا ما وعدتنا یا ذاکر الذّاکرین، و یا ارحم الرّاحمین.»

«خداوندا! اگر امر واجب القبول تو نبود، من تو را منزّه تر و پاکتر از آن می دانستم که ذکر تو را بگویم و با این که ذکر من از تو به قدر فهم و درک من است نه به قدر شایستگی مقام تو و ارزش من وقتی بدان مقام نزدیکتر شود که محل تقدیس تو گردد و این که ذکر تو بر زبان ما جاری گشت این

(۱) سوره احزاب / ۴۲.

(۲) سوره بقره / ۱۵۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۷

خود یکی از نعمتهای توست که به ما مرحمت فرموده‌ای و اجازه توست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح تو را بگویم.

(۱) خداوندا بنابراین ذکر تو را در خلوت و در میان مردم و در شب و روز و در ظاهر و باطن و در حال خوشی و ناخوشی به ما الهام کن، و ذکر نهانی خود را که دل‌های ما به یاد تو باشد در قلب ما بیفکن و ما را به عمل خالص و پاکیزه و تلاش پسندیده سرگرم کن و به میزان کامل بگذران.

خدایا دل‌های شیدا و حیران پایبند عشق و محبت تو گشته و بر مقام معرفت تو تمام عقول با همه اختلاف درجه متفقند که دل‌های بندگان جز به یاد تو آرام نگیرد و نفوس آدمیان جز به دیدارت تسکین نیابد. و تو ای آن خدایی که در همه جا تسبیح و ستایشت کنند و در هر زمان معبود عالمیانی و همیشه بوده و هستی و به هر زبانی بندگانت تو را بخوانند و در هر دلی به بزرگی و عظمت یاد کنند خداوندا غیر از یاد تو از هر لذت و خوشی استغفار می‌کنم و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی جز وصول به قرب تو و از هر کاری غیر از طاعت و بندگی تو عفو و پوزش می‌طلبم.

(۲) خدایا تو خود در کتاب آسمانیت فرموده‌ای و سخن تو حق است: [ای اهل ایمان خدا را بسیار یاد کنید، و هر صبح و شام به ستایش و تسبیح او بپردازید] و باز فرموده‌ای: [مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم] به این ترتیب ما را به ذکر خود امر کرده‌ای و وعده

داده‌ای که اگر تو را یاد کنیم تو نیز ما را یاد کنی و یاد تو باعث شرافت و عزت و بزرگی ماست، خداوند اکنون ما به فرمان تو به یاد تو هستیم تو هم مطابق وعده‌ای که فرموده‌ای از ما یاد کن، ای که از یاد کنندگان یاد می‌کنی و ای مهربانترین مهربانان...»  
براستی که لرزه بر اندام ما می‌افتد و هوش از سر انسان می‌پرد وقتی که مناجات امام علیه السلام را می‌خوانیم که بیانگر صورت روشن و قابل درکی از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۸

ناله و زاری و تذلل و خواری آن حضرت در درگاه خدای تعالی است خداوندی که هیچ رمز و رازی در زمین و آسمان از او پوشیده نیست... براستی که این امام بزرگوار هیچ مشکلی را برای طاعت و بندگی طاقت‌فرسای الهی اهمیت نمی‌دهد و با تمام خضوع و خشوع از درگاه خداوند می‌خواهد تا عبادت او را به کرم و لطف خود بپذیرد.

(۱)

### مناجات چهاردهم

این مناجات معروف به «مناجات معتصمین» است که امام علیه السلام در این مناجات به شرح زیر توسل و تمسک خود را به ذیل عنایت خدای متعال ابراز داشته است:

«اللهم یا ملاذ اللائذین، و یا معاذ العائذین، و یا منجی الهالکین، و یا عاصم البائسین، و یا راحم المساکین، و یا مجیب المضطربین، و یا کنز المفتقرین و یا جابر المنکسرین، و یا مأوی المنقطعین، و یا ناصر المستضعفین، و یا مجیر الخائفین، و یا مغیث المکروبین و یا حصن اللاجین، ان لم اعد بعزتك فبمن اعوذ؟ و ان لم اذ بقدرتك فبمن ألوذ؟ و قد ألتجأتی الذنوب الی التثبیت باذیال عفوک، و احوجتنی الخطایا الی استفتاح ابواب صفحک، و دعنتی الإساءة الی الإناخة بفناء عزک، و حملتني المخافة من نعمتك علی التمسک بعروة عطفک، و ما حق من اعتصم بحبلک ان یخذل، و لا یلیق بمن استجار بعزک ان یهمل.

الهی فلا تخلنا من حمایتک، و لا تعرنا من رعایتک و ذدنا عن موارد الهلکة فإننا بعینک و فی کفک و لک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۹

أسألك باهل خاصیتک من ملائکتک، و الصالحین من بریتک ان تجعل علينا واقيةً تنجينا من الهلکات، و تجنبنا من الآفات، و تکفنا من دواهی المصیبات، و ان تنزل علينا من سکینتک، و ان تغشی وجوهنا بانوار محبتک، و ان تؤوبنا الی شدید رکنتک، و ان تحوینا فی اکناف عصمتک برافتک و رحمتک یا ارحم الراحمین.»

«خداوند ای پناه پناهندگان و ای چاره‌بخش، چاره‌خواهان و ای نجات‌بخش به هلاکت افتادگان و ای نگهدار در ماندگان و ای کننده به حال بیچارگان و ای اجابت کننده دعای پریشان حالان و ای گنج تهیدستان و ای جبران کننده دل شکستگان و ای پناه دهنده از همه جا بریدگان و ای یاور ضعیفان و ای پناه و حامی بیمناکان و ای فریادرس ستمدیدگان و ای دژ استوار پناه‌جویان، اگر من به عزت و جلال تو پناهنده نشوم به چه کسی پناه ببرم؟ و اگر به قدرت و شوکت تو پناه نبرم پس به کجا پناهنده شوم؟ خدایا گناهان بی‌شمارم مرا ناچار کرده تا به دامن عفو و کرمیت چنگ زنی و خطاهای فراوان محتاجم ساخته تا از درگاه لطف و بخشش گشایش بطلبم، و کردار ناپسندم مرا به درگاه عزت تو فرود آورده و ترس و بیم از کیفر و عذابت مرا بر آن داشته است که دست به حلقه مهر و عطوفت تو بزنی و هرگز کسی که به ریسمان احسان تو چنگ زند مستحق حرمان و نومیدی نگردد و آن که به مقام عزت تو پناه آورد سزاوار تسلیم بلا و مورد بی‌التفاتی قرار نگیرد.»

(۱) پس خداوند! ما را از حفظ و حمایت خویش بی‌بهره مفرما و از رعایت و لطف خویش دور مساز و از هلاکت و نابودی نگهدار، که در برابر چشم عنایت تو و در کنف حمایت تو قرار داریم و از تو تقاضا داریم به حق و یژگان در گاهت از فرشتگان



مقرب و نیکان از خلقت که برای ما حافظی قرار دهی تا از مهلکه‌ها نجاتمان دهد و از بلاها و آفات دور سازد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۰

و از مصائب دشوار پیشگیری کند، و بر ما سکینه و وقاری نازل گردانی که روی دل ما را با انوار عشق و محبت پوشاند و ما را در رکن استوار خود (توحید خدا و ایمان کامل) جای ده و از هر سو در حفظ و حراست خویش ما را فراگیر به حق مهر و محبت ای مهربانترین مهربانان...»

براستی که در این مناجات امام علیه السلام به ما آموخته است که چگونه در گرفتاریها و مشکلاتمان به خدای تعالی پناه ببریم و چگونه بر آوردن حاجاتمان را از درگاه او بخواهیم، و مسلم است که هیچ وسیله‌ای برای ما جز تضرع و زاری از روی اخلاص و درخواست از روی ادب وجود ندارد و این که برای خود هیچ نیرو و توانی نمی‌بینیم و هیچ کسی در عالم نیست مگر آن که نیازمند به ذات مقدس اوست.

(۱)

### مناجات بانزدهم

این مناجات معروف به «مناجات زاهدان» است و از دل‌پسندترین مناجاتهای آن حضرت می‌باشد:

«الهی اسکنتنا دارا حفرت لنا حفر مکرها. و علقتنا بایدی المنایا فی حبال غدرها، فالیک نلتجئ من مکائد خدعها، و بک نعصم من الاغترار بزخارف زینتها فانها المهلکه طلباها، المتلفه حلالها، المحشوه بالآفات المشحونه بالنکبات.

الهی فرهدنا فیها، و سلمنا منها بتوفیقک و عصمتک، و انزع عنا جلابیب مخالفتک و تول امورنا بحسن کفایتک، و اوفر مزیدنا من سعۀ رحمتک، و اجمل صلاتنا من فیض مواهبک، و اغرس فی افتدتنا و اجمل صلاتنا من فیض مواهبک، و اغرس فی افتدتنا اشجار محبتک، و اتمم لنا انوار معرفتک و اذقنا حلاوه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۱

عفوک و لذۀ مغفرتک، و اقرر اعیننا یوم لقائک برؤیتک، و اخرج حب الدنيا من قلوبنا کما فعلت بالصالحین من صفوتک و الأبرار من خاصتک یا ارحم الراحمین، و یا اکریم الأکریمین.»

«خداوندا! ما را در این سرای دنیا منزل، دادی سربایی که به مکر و حيله بر سر راه ما چاهها کنده و دست آمال و آرزوها به رشته‌های فریبش آویخته است، از تو درخواست داریم که ما را از فریفته شدن به زخارف دنیا و زر و زیورش نگهداری، زیرا که این دنیا طالبانش راه هلاک می‌سازد و واردانش را نابود می‌کند، دنیایی است پر از آفات و رنج و نکبتها.

(۱) خداوندا! ما را با توفیق پارسایی و بی‌علاقگی به دنیا از شرّ و فساد آن حفظ کن و از تن ما جامه‌های مخالفت با اوامر خودت را بیرون کن و به حسن کفایت خویش عهده‌دار امور ما باش و از رحمت بی‌منتها و عطای جاودانهات بر نعمت ما بیفزا و از مواهب بخشش خود جوایز و نصیب ما را افزون کن و در باغ دلهای ما نهالهای عشق و محبت خودت را بنشان و انوار معرفت خویش را برای ما به حد کمال برسان و حلاوت عفو و لذت بخشش خودت را بر ما بچشان و در روز لقایت چشم ما را به شهود جمال خویش روشن گردان و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن بطوری که با شایستگان و بندگان نیکوکار و ویژگان در گاهت رفتار می‌کنی به حق رحمت و بخشایشت ای بخشنده‌ترین بخشندگان و ای بزرگوارترین بزرگواران.»

در اینجا سیر ما در مناجاتهای امام علیه السلام با آفریدگار بزرگ پایان می‌گیرد در حالی که همین مناجاتها تجسم بخش روحانیت امام است و میزان ارتباط آن حضرت به خدای متعال و گسستن او را از غیر خدا بخوبی نشان می‌دهد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۲

(۱)

**مناجات منظوم****اشاره**

میرزا حسین نوری در صحیفه سجّادیه چهارم دو قطعه مناجات منظوم به امام سجاد علیه السلام نسبت داده است و یادآور شده که آنها را به خط یکی از علما یافته و به دستش افتاده است.

(۲)

**مناجات اول**

«ألم تسمع بفضلک یا منیادعاء من ضعیف مبتلاء» (۱)  
 غریقاً فی بحار الغم حزناً أسیراً بالذنوب وبالخطاء  
 أنادی بالتضرع کل یوم مجداً بالتبتل والدعاء  
 لقد ضاقت علیّ الأرض طراو أهل الأرض ما عرفوا دوائی  
 فخذ بیدئی إنی مستجیر بعفوک یا عظیم، و یا رجائی  
 أتیتک باکیا فارحم بکائی حیائی منک أكثر من خطائی

(۱) عبارت به همین نحو است و ناموزونی این شعر پرواضح است، و نسبت چنین شعری به امام زین العابدین علیه السلام بسیار بعید است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۳ و لی هم و أنت لکشف همی ولی داء و أنت دواء دائی

و أیقظنی الرجاء فقلت ربی رجائی أن تحقق لی رجائی

تفضل سیدی بالعفو عنی فإنی فی بلاء من بلاء» (ای مقصد و مقصود من آیا به فضل و کرمت به دعای این بنده ضعیف و گرفتار توجه نمی کنی؟)

بنده‌ای که در دریا‌های غم و اندوه غرق و اسیر و گرفتار گناهان و خطاهاست! خدایا همه روزه از روی تضرع و زاری، تو را می‌خوانم در حالی که برای خلوص و نیایش کوشایم.

خداوندا همه زمین بر من تنگ شده و اهل زمین دواي درد مرا نشناختند! پس تو ای خدای بزرگ و ای مایه امید من، از روی لطف دست مرا بگیر که به عفو تو پناه آورده‌ام.

(۱) خدایا با چشم گریان به در خانه تو آمده‌ام پس به گریه‌ام ترحم کن که شرمندگیم بیشتر از گناهم می‌باشد.

خداوندا مرا اندوهی است که تنها تو می‌توانی برطرف سازی و مرا دردی است که داروی دردم تویی.

و امید به درگاهت مرا از خواب غفلت بیدار کرد، این بود که گفتم:

پروردگار من، ای امید من! امیدم را برآور.

مولای من به لطف و بخشش خود بر من تفضل کن که من دچار بلاهای بی‌پای هستم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۴

(۱)

### مناجات دوم

«إلیک یا رب قد وجهت حاجاتی و جئت بابک یا ربی بحاجاتی

أنت العلیم بما یحوی الضمیر به یا عالم السر علام الخفیات

أقض الحوائج لی ربی فلست أری سواک یا رب من قاض لحاجاتی ...» (۱)

«پروردگارا حاجت‌هایم را به سوی تو آورده‌ام و ای پروردگار با نیازمندیهای خود به در خانه تو آمده‌ام.

تو به آنچه در دل دارم آگاهی ای دانای راز نهانی و ای که از همه نهانها بخوبی آگاهی! پروردگار من! حوایج مرا برآور که من

جز تو ای خدای بزرگ برآورنده حاجاتی سراغ ندارم!»

(۱) این قطعه شعر نیز مانند مناجات قبلی به همان منوال دارای ناهنجاری و اختلال وزن است و آنچه به نظر من می‌رسد، این است که بیقین هر دو قطعه از مجعولاتی است که به امام علیه السلام نسبت داده‌اند زیرا چگونه ممکن است چنین اشعار مشوشی را که هیچ آرایش ادبی و یا بلاغی ندارد به امام سجاد علیه السلام نسبت داد امامی که صاحب صحیفه سجادیه است که در میان کلام عرب در بلاغت و فصاحت نظیر آن دیده نشده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۵

(۱)

### ۳- رساله الحقوق

#### اشاره

از جمله مؤلفات مهم جهان اسلام «رساله الحقوق» امام بزرگوار زین العابدین علیه السلام است که راههای رفتار و سلوک انسانی و تکامل حیاتی و ساختن تمدن بشریت را بر اصولی استوار کرده است که تمام عوامل آرامش روحی و نگهداری آن از برخورد با هر نوعی از انواع نگرانی و اضطراب و دیگر عوامل و مشکلاتی که بر سر راه زندگی آدمی است، به وفور در آنها وجود دارد. امام بصیر و آگاه به صورت عمیق و گسترده انسان را مورد توجه قرار داده و تمام ابعاد زندگی و روابط او را با آفریدگار و خویشتن و خانواده و جامعه و حکومت و معلم و دیگر کسان، در نظر گرفته و آنگاه حقوق و واجباتی برای او مقرر فرموده و او را مسئول رعایت و پاسداری از آنها قرار داده است تا بدان وسیله بنیاد جامعه اسلامی به تمام و کمال ایجاد شود که عدالت اجتماعی و روابط محکم بین افراد از اعتماد و علاقه‌مندی و دیگر چیزها از وسایل و عوامل تکامل و پیشرفت اجتماعی بر آن جامعه سایه افکند.

(۲) به عقیده من، نظیر چنین حقوقی را که امام عظیم الشان مقرر فرموده، سابقه ندارد چه آن قوانینی که دانشمندان در عالم اندیشه سیاست وضع کرده‌اند و یا آنهایی که در مسائل اجتماعی و جز اینها قوانینی را که برای حقوق انسان و روابط اجتماعی و اصول اخلاقی و تربیتی به وجود آورده‌اند.

به هر حال امام علیه السلام این رساله گرانقدر را نوشته و آن را به یکی از اصحابش هدیه نموده است، «۱» این رساله را عالم بزرگ ثقه الاسلام ثابت بن ابی صفیه معروف به ابو حمزه ثمالی شاگرد امام سجاد علیه السلام نقل کرده

(۱) خصال صدوق.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۶

است، «۱» و محدث بزرگ شیخ صدوق «۲» و حجة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی، «۳» و حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی در کتاب «تحف العقول» به سند خویش از وی نقل کرده‌اند و ما از این کتاب نقل می‌کنیم که شرح کامل آن در ذیل آمده است:

(۱)

### بیان اجمالی حقوق

پیش از آن که امام علیه السلام به شرح حقوق پردازد، ابتدا بطور اجمال و اختصار آنها را بیان فرموده است:

«اعلم رحمک الله، إن لله عليك حقوقاً محیطة بك، فی کل حركة تحرکتها أو سکنه سکنتها، أو منزله نزلتها، أو جارحة قلبتها، و آله تصرفت بها، بعضها أكبر من بعض.

و أكبر حقوق الله عليك، ما أوجه لنفسه تبارک و تعالی من حقه الذى هو أصل الحقوق، و منه تفرع، ثم أوجه عليك لنفسك من قرنك إلى قدمك، على اختلاف جوارحك، فجعل لبصرک عليك حقاً، و لسمعک عليك حقاً، و لسانک عليك حقاً، و ليدک عليك حقاً، و لرجلك عليك حقاً، و لبطنک عليك حقاً، و لفرجک عليك حقاً، فهذه الجوارح السبع التى بها تكون الأفعال، ثم جعل عز و جل لا-فعالک عليك حقوقاً، فجعل لصلاتک عليك حقاً، و لصومک عليك حقاً، و لصدقتک عليك حقاً، و لهديک عليك حقاً، و لأفعالک عليك حقاً، ثم تخرج الحقوق منك، إلى غير ذلك من ذوى «۴» الحقوق الواجبة عليك، و أوجبها عليك حقاً أئمتک، ثم

(۱) رجال کشی، خصال صدوق.

(۲) من لا يحضره الفقيه، خصال.

(۳) فلاح السائل سید علی بن طاووس.

(۴) در تحف العقول ص ۱۸۴، به جای ذوی، ذی آمده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۷

حقوق رعیتک، ثم حقوق رحمک، فهذه حقوق یتشعب منها حقوق، فحقوق أئمتک ثلاثة أوجبها عليك: حق سائسک بالسلطان ثم سائسک بالعلم، ثم حق سائسک بالملک، و کل سائس أمام، و حقوق رعیتک ثلاثة: أوجبها عليك حق رعیتک بالسلطان، ثم حق رعیتک بالعلم، فإن الجاهل رعیة العالم، و حق رعیتک بالملک من الأزواج، و ما ملکت من الإیمان، و حقوق رحمک متصله بقدر اتصال الرحم فى القرابة، فأوجبها عليك حق أمک، ثم حق أبیك، ثم حق ولدک، ثم حق أخیک ثم الأقرب فالأقرب، و الأول فالأول، ثم حق مولا-ک، المنعم عليك، ثم حق مولا-ک الجارى نعمته عليك، ثم حق ذوى المعروف لیدک، ثم حق مؤذنک بالصلاة، ثم حق إمامک فى صلاتک، ثم حق جلیسک ثم حق جارک، ثم حق صاحبک، ثم حق شریکک، ثم حق مالک، ثم حق غریمک الذى تطالبه، ثم حق غریمک الذى يطالبک، ثم حق خلیطک، ثم حق خصمک، المدعى عليك، ثم حق خصمک الذى تدعى علیه، ثم حق مستشیرک، ثم حق المشیر عليك، ثم حق مستنصحک ثم حق الناصح لک، ثم حق من هو أكبر منك، ثم حق

من هو أصغر منك، ثم حق سائلك، ثم حق من سألته، ثم حق من جرى لك على يديه مساءة بقول أو فعل أو مسرة بذلك بقول أو فعل، عن تعمد منه أو غير تعمد منه، ثم حق أهل ملتك عامة، ثم حق أهل الذمة، ثم الحقوق الجارية بقدر علل الأحوال، و تصرف الاسباب فطوبى لمن أعانته الله على قضاء ما أوجب عليه من حقوقه، و وفقه و سدده ...» (۱)

(۱) ملاحظه می‌کنید که امام علیه السلام، سخن را با کلمه «اعلم بدان» آغاز می‌کند، چون شرط کمال و انجام تکلیف، وظیفه‌شناسی و آگاهی و علم است و بسیاری از خلافاکارها و لغزشها از نداشتن معرفت و ناآگاهیها سرچشمه می‌گیرد. به دنبال تذکر شنونده بر این که سخن را مورد توجه قرار دهد و به منظور دانستن و آگاهی به دقت تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۸

«ای آن که امید است مشمول رحمت حق باشی، بدان و آگاه باش که خداوند در هر حال، چه در حال حرکت و چه در حال سکون و آرامش و در هر عضو پیکرت که به حرکت در آوری و هر ابزاری که به کار می‌بری، به گردن تو حقوقی دارد که تو را در میان گرفته‌اند، بعضی از آن حقوق بزرگتر و پراهمیت تر است.

(۱) بزرگترین حقوقی را که خداوند بر تو واجب کرده است، حقی است که نسبت به خود بر تو واجب گردانیده که اساس همه حقوق است و تمام حقوق از آن نشأت گرفته و پس از آن، حقوقی که از فرق سر تا به قدم با اختلاف اعضایت و انواع گوناگونی که دارند بر عهده تو قرار داده است، بنابراین، چشم، گوش، زبان، دست، پا، شکم و شهوت بر تو حق دارند و اینها هفت عضو اندام تو است که همه کارهایت را به وسیله آنها انجام می‌دهی. آنگاه خدای عز و جل برای اعمال و رفتارت نیز حقوقی به گردن تو نهاده است؛ نماز، روزه، صدقه، زکات، قربانی و همه کارهایت بر تو حق دارند.

گوش فرا دهد جمله «رحمك الله» که جمله دعاست می‌آورد. در حقیقت به ما می‌آموزد که موعظه و تعلیم اخلاق و تربیت انسانها باید با ملاطفت و شفقت همراه باشد نه با تندی و خشونت.

در ترتیب بیان وظایف و حقوق، سخن امام علیه السلام از چنان نظم و نسقی برخوردار است که فطرت انسان نیز جز آن را پذیرا نیست، از نظر اولویتها و تقدم و تأخر و اهمیت هر یک از وظایف، بدیهی است که مهمترین حقوق، حقی است که خداوند بر انسان دارد که هستی‌بخش اوست و دیگر حقوق را نیز او واجب کرده و به قصد تقرب به او باید در ایفای تمام این حقوق، بکوشیم. بنابراین بالاترین وظیفه آدمی، یعنی ادای حق الله را سرآغاز تمام حقوق قرار داده و آنگاه حقوقی را که اعضای بدن، و اعمال و رفتار، پیشوایان، زیردستان، پدر و مادر و بالاخره جامعه بر انسان دارد بیان فرموده است، باری همان طوری که شرط بلاغت است ابتدا به صورت اجمال وظایف را گوشزد کرده و آنگاه به شرح و تفصیل هر یک از وظایف می‌پردازد، بدیهی است که مخاطب امام علیه السلام هر مسلمان مکلف و هر انسانی است که طالب سعادت و خوشبختی است و می‌خواهد بگونه یک انسان وارسته زندگی کند و با کمالات انسانی بمیرد، دیگران از همزیستی با او خشنود و خداوند از او راضی باشد. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۲۹

(۱) پس از حقوق مربوط به خودت، نوبت به حقوق دیگر کسانی می‌رسد که بر تو حق واجب دارند. واجب تر از همه آنها، حق رهبران و پیشوایان و آنگاه حقوق رعیت و سپس حقوق خویشاوندان و اقوام توست، اینها حقوقی هستند که دیگر حقها از آنها سرچشمه می‌گیرند.

اما حقوق رهبران سه نوع است که مهمترین آنها حق کسی است که زمام امر تو و تدبیر کارت به دست اوست سپس حق کسی که به تو علم و دانش می‌آموزد و بعد حق کسی که او اختیاردار و سرپرست توست، ضمناً هر که زمامدار و تدبیر امور تو به دست

اوست رهبر تو می‌باشد.

(۲) حقوق زیردستان نیز سه گونه است: مهمتر از همه حق رعیتی است که در قلمرو حکومت تو قرار دارد سپس حق شاگردی که از تو چیزی می‌آموزد زیرا که نادان در حقیقت زیردست دانا و دانشمند است و همچنین حق زیردستانی که صاحب اختیار آنانی، مثل همسران و خدمتگزاران.

اما حقوق خویشاوندان فراوان است به هر اندازه که خویشاوندی نزدیک باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است، بنابراین مهمتر از همه حق مادر، بعد پدر، و بعد حق فرزندان، سپس حق برادر، و انگهی به ترتیب قرابت هر خویشاوندی که نزدیکتر است حق بیشتری دارد.

(۳) آنگاه حق مولا- و صاحب اختیاری که ولی نعمت توست و بعد حق آن که تو صاحب اختیار و ولی نعمت اوئی، سپس هر کس که به تو نیکی کرده است و حق آن که برای اعلام وقت نمازت اذان گوید، حق پیشنماز، همنشین، همسایه، رفیق، شریک و حق مالی که داری و پس از آنها حق بدهکاری که تو از او طلب داری و حق طلبکاری که از تو مطالبه دارد و کسانی که با آنها رفت و آمد داری و حق دشمنی که ادعایی بر تو دارد و حق خصمی که تو بر او ادعایی داری و بعد کسی که با تو مشورت می‌کند و حق آن که تو با او مشورت می‌کنی و حق کسی که گوش به پند و اندرز

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۰

تو دارد و آن که خیرخواه توست.

علاوه بر اینها حق بزرگترها و کوچکترها و حق کسی که از تو کوچکتر است و حق کسی که از تو چیزی بپرسد و کسی که از او چیزی می‌پرسی، سپس حق کسانی که به تو بدی کرده‌اند و سخن ناروا گفته و یا رفتار بدی کرده و یا به مسخره گرفته‌اند و کسی که با گفتار و رفتار از روی عمد و یا به سهو تو را دست انداخته است و بالاخره حق توده همکیشان و هموطنان و سرانجام حق کافران ذمی که در قلمرو اسلام و مملکت اسلامی زندگی می‌کنند، و همچنین حقوقی که در شرایط مختلف پیش می‌آید، خوشا به حال کسی که خداوند او را بر ادای این حقوق واجب یاری کرده و او را موقف و ثابت قدم بدارد...»

این فرازهای تابناک از سخنان امام علیه السلام، مشتمل بر بیان اجمالی حقوق اساسی است که آن حضرت برای یک انسان وضع کرده است. «۱»

(۱)

## تفصیل حقوق

### اشاره

اما تفصیل این حقوق ارزشمند را، گوش دل به امام علیه السلام می‌سپاریم تا برای ما بیان فرماید:

(۲)

### ۱- حق الله

«فأما حق الله الأكبر فإنك تعبه، لا تشرك به شيئاً، فإذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك على نفسه أن يكفيك أمر الدنيا والآخرة،

(۱) پس از این اجمال، امام علیه السلام شروع به تفصیل و توضیح بیشتری فرموده است تا کاملاً در مغزها و دلها جایگزین شود و با تأکید بیشتر و با بیانی دلنشین‌تر بازگو کند تا مبادا ابهامی باقی بماند و هر کس از هر طبقه بتواند از این رهگذر به خودسازی و تربیت خویشتن خویش پردازد. م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۱

و یحفظ لک ما تحب منهما ...»

«اما بالاترین حقی را که خدای متعال دارد آن است که او را پیرستی و هیچ چیز را (در عبادت خود) شریک او ندانی، در صورتی که این کار را از روی اخلاص انجام دهی، خداوند بر خود لازم و واجب کرده است تا امر دنیا و آخرت تو را کفایت کند، و هر چه از او بخواهی برایت پاس دارد.»

براستی که از مهمترین حقوق خدای تعالی بر بندگانش این است که او را از روی اخلاص عبادت کند و در عبادتش کسی را شریک او قرار ندهد، زیرا که این عمل باعث پاک داشتن دلهای ایشان از تیرگی و آزادی عقل و اندیشه ایشان از قید بردگی و دنباله‌روی دیگران است و اما عبادت غیر خدا از بتها و مجسمه‌ها باعث ذلت و بردگی و نابودی کرامت و عزت انسانی و سقوط وی در حوض انحطاط بی حساب است.

در حالی که خداوند متعال برای بندگانی که او را براستی عبادت کنند، تعهد کرده است تا امور دنیا و آخرت ایشان را تأمین کند.

(۱)

## ۲- حق خویشتن

«و أما حق نفسک علیک فأن تستوفیها فی طاعة الله، فتؤدی إلی لسانک حقه، و إلی سمعک حقه، و إلی بصرک حقه، و إلی یدک حقه، و إلی رجلک حقه، و إلی بطنک حقه، و إلی فرجک حقه، و تستعین بالله علی ذلك ...»

«و اما حق خویشتن بر تو آن است که بی کم و کاست آن را بر طاعت خدا و اداری تا حق زبان، گوش، چشم، دست، پا، شکم و شهوت را ادا کنی و از خداوند متعال بر انجام این وظایف کمک و یاری بخواهی ...»

امام علیه السلام به حق خویشتن خویش نیز اشاره فرموده است و این که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۲

حقوقی بر عهده اوست، که مهمترین آنها آن است که بی کم و کاست او را در راه رضای الهی و طاعت حق به کار برد و نگذارد که شیطان بر او مسلط شود و بدین وسیله او را از خطرات و مهالک نجات دهد و از شرّ عظیمی برهاند، و امام علیه السلام یادآور شده است که هر عضوی از اعضای بدن آدمی حقی بر او دارد، و اینک به سخنان امام علیه السلام که به تفصیل بیانگر آن حقوق است، گوش فرا می‌دهیم:

(۱)

## ۳- حق زبان

«و أما حق اللسان فاکرامه عن الخنی، و تعویده علی الخیر، و حمله علی الأدب، و اجمامه إلا لموضع الحاجة و المنفعة للدين و الدنيا،

و اعفاؤه عن الفضول الشنعة القليلة الفائدة، التي لا يؤمن ضررها مع قلة عائدتها و بعد شاهد العقل و الدليل عليه، و تزين العاقل بعقله حسن سيرته في لسانه، و لا قوة إلا بالله العلي العظيم...»

«اما حق زبانت آن است که زبان را بارزتر از آن بدانی که به ناسزا و ناروا بیالایی و باید که بر سخنان نیکو عادت دهی و بر روش ادب و متانت واداری، و جز به هنگام نیاز و برای فایده دینی و دنیوی زبان در کام داری و از پرحرفی و بیهوده گویی که علاوه بر این که کم فایده است، از زیانش در امان نیستی، آن را معاف بداری، براستی که زبان گواه و دلیل بر خردمندی انسان به شمار می آید، و آراستگی خردمند به زیور عقل و خرد و به زبان آوردن حسن نیت اوست، هیچ نیرو و توانی جز به خداوند علی عظیم نیست...»

(۲) براستی که زبان از مهمترین اعضای بدن انسان است، همان گونه که از خطرناکترین اعضا برای زندگی اوست بنابراین نسبت به اقرار و اعتراف زبان درباره حقوق و اموال مردم دو جهت دارد، فقها فرموده‌اند: اقرار شخص بر زبان تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۳

خودش نافذ است همچنان که انسان به وسیله منطق و بیان خود مورد احترام و یا نکوهش قرار می گیرد پس اگر سخن خیر از او سر زند محترم است و اگر حرف شرّ و ناروایی از زبان او خارج شود مورد نکوهش قرار می گیرد. امام علیه السلام انسان را بر تسلط و سیطره بر زبانش دعوت نموده و از او خواسته تا زبانش را به مراعات حقوق ذیل وادار کند:

الف- او را گرامیتر از آن بداند که به دشنام بیالاید زیرا که دشنام باعث سقوط و پستی آدمی می گردد.

ب- آن را بر سخن نیک و آنچه برای مردم نافع و بی زیان است عادت دهد.

ج- زبان را به گفتار مؤدبانه و سخنان پاکیزه‌ای واداری که قابل صعود به درگاه خدا باشد.

د- زبان را در کام کشیده و سکوت اختیار کند جز به هنگام نیاز نسبت به امور دینی و دنیوی سخن نگوید.

ه- معاف داشتن و جلوگیری آن از سخنان بیهوده‌ای که نه برای خود گوینده فایده‌ای دارد و نه برای مردم.

این بود برخی از اموری که سزاوار است انسان مسلمان زبان خود را بر آنها وادارد و قطعی است که این امور مقام و منزلت او را بالا می برد.

(۱)

#### ۴- حق گوش

«و أما حق السمع فتزیهه عن أن تجعله طريقا إلى قلبك إلا لفوهة كريمة تحدث في قلبك خيرا، أو تكسب خلقا كريما، فإنه باب الكلام إلى القلب، يؤدي إليه ضروب المعاني على ما فيها من خير أو شر، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق گوش، پاک داشتن آن است از این که راهی به سوی دلت قرار دهی جز به منظور شنیدن مطلب خوبی که در دلت ایجاد نیکی کند یا

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۴

باعث خلق و خوی پسندیده شود، زیرا که گوش دریچه‌ای به جانب دل است که هر نوع مطالب نیک و بد را به آن می‌رساند، هیچ نیرو و توانی جز به خداوند متعال نیست...»

براستی که دستگاه شنوایی، وسیله کارسازی در ساختن شخصیت و راه و رفتار انسانی است و این بدان جهت است که شنیده‌های خود را که در باطن ذات و در باطن نفس مؤثر است منتقل می‌سازد، از جمله حقوق آن بر انسان آن است که پیام آور و واسطه نقل



آداب پسندیده و فضایل نیکو و خصلتهای ارزنده باشد تا تحت تأثیر قرار داد، و جزء صفات و خصیصه‌های وی گردد.

(۱)

### ۵- حق چشم

«و أما حق بصرک فغضه عما لا- يحل لک، و ترک ابتذاله إلا لموضع عبرة تستقبل بما بصرا أو تستفید بها علما فإن البصر باب الاعتبار.»

«اما حق چشمت آن است که آن را از هر ناروا و حرامی بیوشانی و به هرزگی نکشانی، جز در جایی که عبرت آور است و باعث بینایی تو می‌گردد و آگاهی و دانش تو را در پی دارد، براستی که چشم وسیله خوبی برای پند و عبرت گرفتن است.»

البته که چشم حقی بر گردن انسان دارد و آن پوشاندن چشم از محرمات الهی است که خود کلید ورود در صحنه ارتکاب گناهان می‌باشد، بنابراین بر هر مسلمانی لازم است تا چشم را از آنچه خداوند روا ندانسته، ببندد و به امور عبرت‌آمیز بنگرد تا در ساختار شخصیت خود، از آنها بهره گیرد، همچنان که شایسته است از چشم برای آگاهی و بینش خود استفاده کند آگاهی که باعث تزکیه نفس وی گشته و به اجتماع سود رساند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۵

(۱)

### ۶- حق پاها

«و أما حق رجلیک فأن لا تمشی بهما إلی ما لا يحل لک، و لا تجعلهما مطیتک فی الطريق المستخفه بأهلها فیها، حاملتک، و سالکة بک مسلک الدین، «۱» و السیق لک، و لا قوة إلا بالله...»

پاها برای این خلق شده‌اند تا انسان به وسیله آنها برای فراهم آوردن رزق و روزی خود برود و زحمت بکشد و کار کند تا خود و اعضای خانواده‌اش زندگی کنند و از جمله حقوق آنها بر انسان این است که بدان وسیله در راه خیر و صلاح گام بردارد و حق ندارد که در راه حرام نظیر خبرکشی از مؤمن و یا دزدی مال کسی و دیگر محرمات الهی قدم بردارد.

(۲)

### ۷- حق دست

«و أما حق یدک فأن لا تبسطها إلی ما لا يحل لک، فتنال بما تبسطها إلیه من الله العقوبة فی الآجل، و من الناس بلسان اللائمة، فی العاجل و تقبضها مما افترضه الله علیها و لکن توقرها بقبضها عن کثیر مما لا يحل لها و بسطها إلی کثیر مما لیس علیها، فإذا هی قد عقلت، و شرفت فی العاجل و جب لها حسن الثواب فی الآجل...»

«اما حق دستت آن است که مبادا به ناروا دراز کنی که در آخرت گرفتار مجازات الهی و در دنیا به سرزنش و ملامت مردم مبتلا خواهی شد. و مبادا آن را از انجام واجبات الهی بازداری، بلکه حرمت آن را رعایت کنی و از محرمات و با انجام بسیاری از مباحات، پاسداری و چون دست آدمی در دنیا از انجام حرام بازایستاد و حرمت خود را نگهداشت، به اجر و

(۱) صحیح جمله چنین است: فأنهما حاملتاك و سالكتان بك ...

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۶

پاداش نیکی در آخرت خواهد رسید ...»

امام علیه السلام، حق دستها را بر انسان مطرح کرده و می‌فرماید: از جمله حقوق آنها این است که حق ندارد آنها را در محرمات الهی از قبیل غارت اموال مردم و تجاوز به حقوق ایشان و یاری ظالم در راه ظلم و ستمش به کار برد زیرا که این عمل باعث عذاب در عالم آخرت می‌گردد همان گونه که باعث ملامت و سرزنش مردم در عالم دنیا می‌شود بنابراین لازم است که حرمت آنها را با پایبندی به دستور الهی پاس دارد.

(۱)

## ۸- حق شکم

«و أما حق بطنك فأن لا- تجعله وعاء لقليل من الحرام، و لا لكثير، و ان تقتصد له في الحلال، و لا تخرجه من حد التقوية إلى حد التهوين، و ذهاب المروءة، و ضبطه إذا هم بالجوع و الظم، فإن الشبع المنتهى بصاحبه إلى التخم مكسله، و مشبته، و مقطعه عن كل بر و كرم، و أن الری المنتهى بصاحبه إلى السكر مسخفه و مذهبه للمروءة ...»

«اما حق شکمت آن است که مبدا آن را ظرفی برای انباشتن - کم و بیش - از حرام قرار دهی، بلکه از حلال نیز، به اندازه در آنجا دهی و از حد لازم به شکم‌بارگی و ناجوانمردی نرسانی، و در وقت گرسنگی و تشنگی آن را کنترل کنی زیرا سیری بی‌اندازه و پرخوری باعث ناراحتی و تبلی و بازماندن از هر کار نیک و ارزشمندی است، برآستی آن نوشیدنی که باعث مستی شود مایه سبکسری و نادانی و بی‌مروتی خواهد بود ...»

امام علیه السلام در این فرازها به حقوق شکم بر انسان به شرح زیر پرداخته است:

الف- نخوراندن غذای حرام زیرا خوردن غذای حرام پیامدهای ناپسند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۷

فراوانی دارد از قبیل قساوت قلب، لاابالیگری که باعث انحراف از راه راست می‌گردد.

ب- اعتدال در خوردن و میانه‌روی در خوردن غذای حلال.

ج- بازداشتن از پرخوری که باعث تخمه و نتیجه‌اش تبلی و دوری از نیکوکاری و بزرگواری و خلق و خوی والاست همچنان که باعث از کار افتادن همه قوای عقلانی می‌شود علاوه بر آن که زیانهای بهداشتی مانند ابتلای به بیماری بیهوشی و فشار خون و چاقی و امثال اینها را در پی دارد.

(۱)

## ۹- حق شهوت

### اشاره

«و أما حق فرجك فحفظه مما لا- يحل لك، و الاستعانة عليه بغض البصر، فإنه من أعون الأعوان، و كثرة ذكر الموت، و التهدد

لنفسک باللّٰه، و التّخویف لها به، و باللّٰه العصمۃ و التّأیید، و لا حول و لا قوۃ إلاّ به...»

«اما حق شهوت آن است که از غیر حلال بازداری و با چشم‌پوشی از نامحرم آن را یاری کنی که بهترین یار و یاور است. و بسیار به یاد مرگ بودن و نفس را از عذاب خدا بیم دادن و ترساندن که خودداری از گناه و کمک و توفیق به دست اوست و جز او را نیرو و توانی نیست...»

در دین مقدس اسلام، حیات غریزه جنسی، بر اساس عفت و فضیلت و بازداشتن نفس از ارتکاب زنا و فحشا استوار گشته است، اما چنان که امام علیه السلام فرموده راههای مصونیتی که می‌تواند انسان را از این قبیل گناهان حفظ کند به قرار ذیل است:  
الف- چشم‌پوشی از موارد حرام، زیرا نگاه به محارم نخستین عامل ارتکاب حرام است که در بعضی از اخبار از آن به زنا یا چشم تعبیر شده است.

ب- بسیار یاد کردن مرگ زیرا که یاد مرگ به طغیان شهوت جنسی  
تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۸  
پایان می‌دهد.

ج- نفس را از عذاب و کیفر خدا بیم دادن، زیرا که این خود یکی از عوامل از بین بردن عمل زشت زناست.  
(۱)

### حقوق افعال آدمی

امام علیه السلام پس از آن که درباره حقوق اعضای بدن بر انسان سخن گفته است سخن را در بیان حقوق افعال آدمی چنین ادامه می‌دهد:  
(۲)

### ۱۰- حق نماز

«فأما حق الصلاة فأن تعلم أنها وفادة إلى الله، و أنك قائم بها بين يدي الله، فإذا علمت ذلك كنت خليقا أن تقوم فيها مقام الدليل، الراغب، الراهب، الخائف، الراجي، المسكين، المتضرع، المعظم من قام بين يديه، بالسكون و الاطراق و خشوع الاطراف، و لين الجناح، و حسن المناجاة له في نفسه، و الطلب إليه في فكاك رقبتك التي أحاطت به خطيئتك، و استهلكتها ذنوبك، و لا قوۃ إلاّ باللّٰه...»

«اما حق نماز آن است که بدانی نماز شرفیابی به درگاه خدای تعالی است و تو در حال نماز در مقابل خدا ایستاده‌ای و اگر به این نکته توجه داشته باشی خود را سزاوار خواهی دید که چون بنده‌ای ذلیل، مشتاق، بیمناک؛ بیمناک از عذاب خدا ولی امیدوار به رحمت او، محتاج و نالان در برابر او بایستی در حالی که آرام، سر به زیر و تمام اعضای بدنت خاضع و خاشع است او را بزرگ می‌داری و از جان و دل به نیکی با او راز و نیاز می‌کنی و از او می‌خواهی تا از گناهانی که تو را در خود غرق کرده‌اند نجات بخشد و از زیر بار معصیتهایی که تو را به پرتگاه هلاکت کشانده‌اند آزادت کند. و هیچ توانی جز به خدا نیست...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۳۹

اما نماز از بزرگترین و مهمترین آداب دینی، در اسلام است و وسیله تقرب به خداست- چنان که در روایت وارد است- بازیافتن به درگاه خدای تعالی است و از جمله حقوق نماز بر شخص مسلمان آن است که نماز گزار بداند که در پیشگاه خداوند مقتدر جبار؛

آفریننده آسمان و زمین، خداوند هستی‌بخش، ایستاده است و باید با تمام احساسات و عواطفش روی دل را به سمت خدا کند و همچنین بنده‌ای ذلیل، مشتاق به رحمت و رضوان خدا و بیمناک از عذاب و کیفر، و امیدوار به مغفرت و خشنودی اوست و محتاج و تهیدست که آرزوی بازیافتن به پیشگاه او را دارد و باید با آرامش و وقار و خشوع کامل و راز و نیاز پسندیده، نماز بگذارد، مبادا فکرش را به امری از امور دنیا مشغول کند و باید از خداوند بخواهد تا او را از ناگواریها و خطاها نجات بخشد و از آتش دوزخ آزادش کند.

(۱)

## ۱۱- حق روزه

«و أما حق الصوم فأن تعلم أنه حجاب ضربه الله على لسانك، و سمعك و بصرک و فرجک و بطنک، لیسترك به من النار، و هكذا جاء في الحديث «الصوم جنّة من النار» فإن سكنت أطرافك في حجبها رجوت أن تكون محبوبا، و إن أنت تركتها تضطرب في حجابها، و ترفع جنبات الحجاب، فتطلع على ما ليس لها بالنظره الداعية للشهوة و القوة الخارجة عن حد التقية له، لم تأمن أن تخرق الحجاب، و تخرج منه، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق روزه آن است که بدانی روزه به منزله پرده‌ای است که خداوند روی زبان، گوش، چشم، شهوت و شکمت انداخته تا تو را از آتش دوزخ بازدارد و در حدیث نبوی نیز چنین آمده «روزه سپری در برابر آتش دوزخ است» حال اگر تمام اعضای بدن در پس آن قرار گرفته‌اند امید مصونیت داری و اگر به حال خود رها کنی تا هر چه خواهند بکنند و پرده

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۰

را بالا- بزنی تا به مناظر شهوت‌انگیز سرکشی کنند و از حدّ تقوای الهی بیرون روند، در امان نخواهی بود و ممکن است آن پرده دریده شود و تو در معرض عذاب الهی قرار بگیری، هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست...»

امّا روزه از جمله عبادات مهم اسلامی است؛ در حدیث آمده است که آن سپری در برابر آتش دوزخ است، و فواید بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و روحی فراوانی بر آن مترتب است از جمله فواید آن تقویت نیروی اراده و بالاندن آن است، نیرویی که بدان وسیله آدمی به مهمترین خواسته‌های خود در دوران زندگی می‌تواند برسد؛ روان‌شناسان و اهل معنی در مباحث اسلامی برای روزه فواید زیادی را نام برده‌اند، همان‌گونه که بعضی کتابهای خاص، فواید روزه را به رشته تألیف درآورده‌اند.

به هر حال، امام علیه السلام در این گفتار خویش آنچه را که لازم بوده، درباره روزه‌دار- که باید در خلال روزه‌داریش انجام دهد- بیان فرموده است، امام یادآور شده که روزه‌دار نباید تنها به خودداری از خوردن و آشامیدن بسنده کند بلکه باید زبان خود را از سخن دروغ و بیهوده‌گویی نگهدارد و گوشش را از شنیدن غیبت و شهوتش را از حرام و شکمش را از تناول غذای حرام حفظ کند تا بدین وسیله از عذاب و کیفر الهی نجات یابد.

(۱)

## ۱۲- حق صدقه

«و أما حق الصدقة فأن تعلم أنها ذخرك عند ربك، و وديعتك التي لا تحتاج إلى الاشهاد، فإذا علمت ذلك كنت بما استودعته سرا، أو ثق بما استودعته علانية، و كنت جديرا أن تكون اسررت إليه أمرا أعلنته، و كان الأمر بينك و بينه فيها سرا على كل حال، و لم

يستظهر عليه في ما استودعته منها باسهاد الاسماع و الابصار عليه بها، كأنها أوثق في نفسك لا كأنك لا تثق به في تأديه وديعتك إليك، ثم لم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۱

تمتن بها على أحد لأنها لك، فإذا امتنت لم تأمن أن تكون بها على تهجين حالك منها إلى من منت بها عليه، لأن في ذلك دليلاً على أنك لم ترد نفسك بها، و لو أردت نفسك بها لم تمتن بها على أحد، و لا قوة إلا بالله ...»

«اما حق صدقه و زکاتی که می‌دهی آن است که بدانی آن پس‌اندازی است نزد پروردگارت و امانتی است که شاهد نمی‌خواهد، وقتی که چنین باوری داشتی، بر آنچه در نهان به امانت می‌گذاری اطمینان بیشتری خواهی داشت تا بدانچه که آشکارا می‌دهی و خود را سزاوار خواهی دید تا آنچه را که می‌خواهی در نظر دیگران به خدا بسپاری، در نهان بسپاری و در هر حال به عنوان رازی نهفته بین تو و او باشد و حتی در این امانتی که به او می‌سپاری از گوشها و چشمها- به دلیل اعتماد بیشتر به اینها و نه به آن جهت که در بازپرداخت امانتت به خدا اعتماد نداری- به عنوان شاهد و گواه پشتیبانی نخواهی، وانگهی به خاطر صدقه‌ای که داده‌ای بر کسی منت نگذاری زیرا قدمی به سود خود برداشته‌ای، در صورتی که اگر منت گذاری در امان نیستی، شاید به روزگار همان کسی که منت می‌کنی گرفتار شوی، زیرا این عمل تو دلیل بر آن است که تو این کار را به خاطر خود نکرده‌ای، در صورتی که اگر برای خود می‌خواستی بر کسی منت نمی‌نهادی! هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست ...»

(۱) امام علیه السلام بر دادن صدقه تأکید ورزیده و آن را اندوخته‌ای برای صدقه دهنده در نزد خدا دانسته است که از پیش برای خودش می‌فرستد زیرا که آن را در روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌بخشد در نزد خود حاضر می‌بیند.

همچنان که امام علیه السلام بر ضرورت صدقه نهانی تأکید ورزیده و اصرار فرموده تا خالی از منت باشد زیرا که صدقه دادن در حقیقت برای خود اوست پس چگونه بر صدقه گیرنده منت می‌گذارد؟ و نظر به اهمیت صدقه نهانی امام علیه السلام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۲

صد خانواده را در شهر مدینه، اداره می‌فرمود در حالی که خود این خانواده‌ها نمی‌دانستند که اداره کننده آنان چه کسی است! و ما تفصیل این مطلب را در ضمن بحثهای گذشته بیان کردیم.

(۱)

## ۱۳- حق قربانی

### اشاره

«و أما حق الهدى فأن تخلص بها الإرادة إلى ربك، و التعرض لرحمته و قبوله، و لا تريد عيون الناظرين دونه، فإذا كنت كذلك لم تكن متكلفاً و لا متصنعاً، و كنت إنما تقصد إلى الله، و اعلم أن الله يراد باليسير، و لا يراد بالعسير، كما أراد بخلقه التيسير، و لم يرد بهم التعسير، و كذلك التذلل أولى بك من التدهن لأن الكلفه و المؤونه في المتدهقنين، فأما التذلل و التمسك فلا كلفه فيهما، و لا مؤونه عليهما، لأنهما الخلقه، و هما موجودان في الطبيعه، و لا قوة إلا بالله ...»

«و اما حق قربانی دادن آن است که صمیمانه برای خدا باشد و تنها به قصد رحمت و پذیرش او باشد، نه برای جلب نظر مردم. در این صورت خود را بیهوده زحمت نداده و ظاهرسازی نکرده‌ای، بلکه برای خدا کار کرده‌ای. بدان که تقرب خدا را با اندک و آسان می‌توان جست نه با سختی و دشواری، چنانچه او نیز از بندگانش تکلیف ساده و آسان خواسته نه تکلیف دشوار و همچنین فروتنی برای تو بهتر از خودنمایی و ارباب منشی است زیرا زحمت و پرخرجی روش ارباب مآبان است اما خاک نشینی و درویش

مسئله زحمت و خرجی ندارد، بلکه مطابق سرشت و فطرت آدمی است و ریشه در نهاد و طبیعت آدمی دارد. و نیرویی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام، در این فرازها به حق قربانی اشاره فرموده است و آن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۳

چیزی است که حاجیان بیت الله الحرام در مکه و یا در منی از چهارپایان ذبح می‌کنند. امام علیه السلام تأکید فرموده است که این عمل خالصاً لوجه الله تعالی و بدون در نظر گرفتن هیچ انگیزه‌ای از انگیزه‌های فاسد همچون ریاکاری و جلب نظر مردم باشد، زیرا که خدای تعالی چنان عملی را پذیرا نیست. و امام علیه السلام این مطلب را نیز بیان داشته است که تقرب به خدای تعالی با عمل اندک از بندگان میسر است نه عمل سخت و دشوار، از این رو هیچ تکلیف دشواری را برای بندگان مقرر نفرموده است، سپس آن حضرت به دنبال این مطلب می‌فرماید، فروتنی برای انسان بهتر از ارباب منشی است زیرا که ارباب مآبی به زحمت و رنج احتیاج دارد اما کسی که به دنبال مقام نباشد از این امور بی‌نیاز است.

### حقوق ائمه

(۱)

### ۱۴- حق ائمه

«فأما حق سائسك بالسلطان فان تعلم أنك جعلت له فتنة، و أنه ابتلى فيك، بما جعله الله له عليك من السلطان، و أن تخلص له في النصيحة و أن لا تماحك و قد بسطت يده عليك، فتكون سبب هلاك نفسك و هلاكه، و تذلل و تلتطف لاعطائه من الرضى ما يكفه عنك، و لا يضر بدینك، و تستعين عليه في ذلك بالله، و لا تعازره و لا تعانده فإنك إن فعلت ذلك عقتة و عقتت نفسك فعرضتها لمكروهه، و عرضته للهلكة فيك، و كنت خليفاً أن تكون معيناً له على نفسك، و شريكاً له في ما أتى إليك، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق رهبر حکومت آن است که بدانی تو وسیله آزمون او، و او به خاطر سلطه‌ای که خدایش بر تو قرار داده گرفتار توست، باید خیرخواه او باشی و با او درگیر نشوی زیرا دست او بازوی مسلط بر توست، ممکن است باعث

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۴

نابودی خود و او گردی. برای جلب نظر او تا بدان جا که زیانی به تو نرساند و برای دینت زیانبخش نباشد (به چاپلوسی و تملق منتهی نگردد) در برابر او فروتنی و نرمش به خرج ده و در این باره از خداوند استمداد کن با او ستیز و عناد موز، زیرا در این صورت هم او و هم خود را مردود شمرده و خود را در خشم او قرار داده‌ای و هم درباره خود، او را دچار مهلکه ساخته‌ای و نیز سزاوار آن خواهی بود که کمک او بر زیان خود و شریک او در هر چه بر سرت آورد، محسوب شوی! و هیچ نیرویی جز به خدا نیست...»

امام علیه السلام در این کلمات نظری به شئون سیاسی انداخته است و پیش از آن که از حقوق سخنی بگوید، درباره حقوق ائمه و حاکمان بر امور رعایا سخن گفته است و به نظر آن حضرت، رعایا وسیله آزمون پادشاهان، فرمانروایان و والیان هستند، و این مطلب به دلیل سلطه آنهاست که خود از مهمترین عوامل آزمون و انگیزش آنهاست اما حقوقی را که از ملوک و فرمانروایان به عهده رعیت است: اولاً صمیمیت نسبت به سلطنت شرعی و بذل کمال خیرخواهی و نصیحت نسبت به آنهاست بطوری که او بتواند در انجام واجبات خود در برابر رعیت اقدام کند؛ از قبیل آبادانی مملکت و گسترش امتیت و رفاه و پیشبرد همه‌جانبه کشور، طبیعی

است وقتی که نگرانی و دلهره همه جا را گرفته باشد، آشوبها فراگیر گشته و امکان ادای مسئولیت و انجام امور لازم میسر نخواهد بود.

ثانیا درگیر نشدن با حکومت، زیرا که درگیری باعث نابودی و ویرانی عمومی می‌گردد.

ثالثا محبت و احترام نسبت به مقام حکومت البته تا آنجا که برخوردی با دیانت انسان نداشته باشد.

رابعا مخالفت نکردن با مقام حاکمیت و نایستادن در برابر خواست او، زیرا که این روش - مخالفت - از عواملی است که هم برای حکومت زیان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۵

فراوانی دارد و هم به توده مردم، صدمه بسیاری وارد می‌کند.

این بود برخی از حقوقی که لازم است مردم یک کشور در برابر حکومت شرعی رعایت کنند و از جمله عوامل هماهنگی و وحدت مردم با مقام حکومت است.

(۱)

## ۱۵- حق معلم

«و أما حق سائسك بالعلم فالتعظيم له، و التوقير لمجلسه، و حسن الاستماع إليه، و الاقبال عليه، و المعونة له على نفسك، في ما لا غنى عنه، بأن تفرغ له عقلك، و تحضره فهمك، و تذكى له قلبك، و تجلى له بصرك، بترك اللذات و نقص الشهوات، و أن تعلم أنك في ما الهى إليك رسوله إلى من لقيك من أهل الجهل فلزمك حسن التأديء عنه إليهم، و لا تخنه في تأديء رسالته، و القيام بها عنه إذا تقلدتها، و لا حول و لا قوة إلا بالله...»

«و اما حق معلم عبارت است از بزرگداشت او، و اهمیت دادن به مجلس و محضر او و توجه عمیق به سخنان او، و این که روی دل به سمت او کرده و او را یاری کنی تا بدانچه نیاز داری به تو بیاموزد، به این ترتیب که عقل و هوش به او بسپاری و دل در گرو آموزش او قرار دهی و با ترک لذایذ و کاستن از هواهای نفسانی، چشم بر لذت تعلیم و تربیت او بدوزی، و بدانی که آنچه او به تو می‌آموزد تو نیز واسطه‌ای باشی تا آموخته‌های خود را به نادانی که برخورد می‌کنی ابلاغ نمایی و باید این رسالت را بخوبی انجام دهی و در ادای این وظیفه به او خیانت نورزی و بر تکلیفی که بر عهده‌داری اقدام کنی. هیچ نیرو و توانی جز به خدای تعالی نیست...»

براستی که معلم سازنده اندیشه و تمدن است و او حق بزرگی بر همه انسانیت و بویژه بر دانش آموز و دانشجوی خود دارد، امام علیه السلام مقام و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۶

منزلت معلم را بیان داشته و حقوقی به شرح ذیل برای او بر متعلم لازم شمرده و او را مسئول رعایت و ادای آنها دانسته است:

۱- بزرگداشت و احترام او به هر شکل ممکن از گرامیداشت و تعظیم و این هم به خاطر آن فضل و احسان مهمی است که معلم بر شاگرد خود فرموده است.

۲- گرامیداشت محضر معلم و اهمیت دادن به درک فیض مجلس او.

۳- توجه عمیق به سخنان او و با جان و دل از گفتگوی او استقبال کردن.

۴- عقل و هوش به او سپردن و روی دل به سمت او کردن و گوش جان به درسهای او دادن و فرا گرفتن تعلیمات او، طبیعی است

که اگر شاگرد به درس استاد توجه نکند تنها حضور او در مجلس درس بی‌فایده است.

۵- ترک لذتها و خواسته‌های نفسانی زیرا که اینها شرط اساسی تحصیل علوم است- بویژه در تحصیل علوم دینی- زیرا اگر دانشجویی در پی لذتها و شهوات نفسانی برآید، غالباً موفق به فراگیری هیچ علمی نمی‌شود.

۶- از جمله حقوق اساسی معلم آن است که دانشجوی وی معارف و علمی را که از استادش آموخته است منتشر کند و او نیز به دیگران بیاموزد، زیرا بدین وسیله است که رسالت استاد خویش را بخوبی ادامه داده است.

(۱)

## ۱۶- حق مالک

«و أما حق سائسك بالملك فنحو من سائسك بالسلطان إلا أن هذا يملك ما لا يملكه ذاك، تلزمك طاعته في ما دق و جل منك إلا- أن تخرجك من وجوب حق الله، و يحول بينك و بين حقه، و حقوق الخلق، فإذا قضيته رجعت إلى حقه، فتشاغلت به، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق سرپرست نیز همانند حق رهبر حکومت است، با این تفاوت که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۷

سرپرست اختیار بیشتری دارد از این رو، اطاعت از او در هر مورد؛ کوچک و بزرگ بر تو لازم است مگر این که از حق واجب خدا، تو را بازدارد و مانع ادای حق الله و حقوق مردم شود، که در این صورت پس از ادای حقوق الهی و حق الناس به حق او می‌پردازی و سرگرم این وظیفه می‌شوی. هیچ توانی جز به خدا نیست.»

آنچه مسلم است، اگر ائمه اهل بیت علیهم السلام زمام امور این امت را پس از پیامبر- صلی الله علیه و آله- بطور مستقیم در دست می‌گرفتند هر آینه بر بردگی و رقیبت خاتمه داده بودند و هیچ گونه اثری در دنیا از آن باقی نبود و در بحثهای قبلی گذشت که امام زین العابدین علیه السلام بطور مداوم بردگانی را (می‌خرید) و آزاد می‌کرد، و هدفی جز پایان دادن به بردگی و نجات انسانها از قید عبودیت دیگران نداشت، همان گونه که ائمه علیهم السلام با بردگان همچون فرزندان خویش با لطف و مهربانی و شفقت رفتار می‌کردند و هرگز اجازه نمی‌دادند که بردگان احساس بندگی و ذلت کنند.

به هر حال امام علیه السلام، حق سرپرست و مالک را نسبت به برده، در اینجا بیان داشته و اطاعت او را- جز در موردی که به معصیت خدا فرا خواند که نباید اطاعت کرد- واجب و لازم دانسته است.

(۱)

## ۱۷- حق رعیت

«فأما حقوق رعيتك بالسلطان فأنت تعلم أنك إنما استرعتهم بفضل قوتك عليهم، فإنه إنما أحلهم محل الرعية لك ضعفهم، و ذلهم، فما أولى من كفاكه ضعفه و ذله، حتى صيره رعية، و صير حكمك عليه نافذا، لا يمتنع منك بعزة و لا قوة، و لا يستنصر في ما تعاضمه منك إلا- بالله، بالرحمة و الحياطة، و الأناة، و ما أولاك إذا عرفت ما أعطاك الله من فضله هذه العزة و القوة التي قهرت بها، أن تكون لله شاكرا،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۸



و من شکر الله أعطاه فيما «۱» أنعم عليه، و لا قوة إلا بالله ...»

«اما حق رعیتت که تو بر آن حاکمی، این است که بدانی تو با قدرت و توان بیشتر خود بر آنها تسلط یافته‌ای و آنان به خاطر ضعف و ناتوانی رعیت تو گشته‌اند، پس چقدر شایسته است، کسی که ضعف و ناتوانی او باعث شده تا رعیت و زیردست تو باشد و حکم تو را بر خود نافذ قرار داده تا با شوکت و قدرت در برابر تو ایستادگی نکند، و جز از خداوند- در مقابل کارهای سنگین و ناگوار تو- به لطف و حمایت و بردباری کمک نخواهد و بسیار ضروری است وقتی که فهمیدی خداوند این عزت و قدرت زیادی که به تو داده و به وسیله آن بر دیگران تسلط یافته‌ای، خدا را سپاس گویی که هر که شکر نعمت کند خداوند بر نعمتش بیفزاید. هیچ نیرویی جز به خدا نیست.»

(۱) نظر امام علیه السلام به حکومتی است که در عصر آن حضرت سر کار بودند و اساس حکومتشان بر قهر و غلبه استوار بود و هیچ ارتباطی به گزینش توده‌ها نداشتند و مردم ناگزیر تن به جور و ذلت داده بودند و در برابر پادشاه زمان خود هیچ گونه کرامت و قدرتی نداشتند، امام علیه السلام به این قبیل حاکمان سفارش کرده است که با رعیت و توده‌های مردم با مدارا و رحمت رفتار کنند و به حال آنها توجه کنند و در تصرف امور آنها حوصله به خرج دهند، همچنان که توصیه فرموده است تا آنچه را که خداوند از راه تفضل و کرم خویش به ایشان داده به خاطر بیاورند و با احسان به رعیت و مدارای با مردم خدا را سپاس گویند.

(۲)

## ۱۸- حق شاگردان

«و أما حق رعیتک بالعلم فأنت تعلم أن الله قد جعلك لهم في ما

(۱) در بیشتر منابع همین گونه است، اما به نظر می‌رسد که «مما» صحیحتر باشد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۴۹

أتاك من العلم، و ولاك من خزائنه الحكمة فإن أحسنت فيما ولاك الله من ذلك، و قمت به لهم مقام الخازن الشفيق الناصح لمولاه في عبده الصابر المحتسب الذي إذا رأى ذا حاجة أخرج له من الأموال التي في يديه، كنت راشداً، و كنت لذلك آملاً معتقداً، و إلا كنت له خائناً، و لخلق ظالماً، و لسلبه عزه متعرضاً ...»

«اما حق شاگردان این است که بدانی خداوند به خاطر علمی که به تو داده و تو را خزانه‌دار حکمتی که قرار داده است، سرپرست شاگردان ساخته، حال اگر در این سرپرستی که خدا به تو مرحمت کرده، وظیفه‌ات را خوب انجام دهی و جای یک خزانه‌دار مهربان و دلسوزی را از طرف مولا نسبت به بندگانش را پر کنی یعنی با حوصله و روش خداپسندانه وقتی که محتاجی را بینی از سرمایه‌هایی که در اختیار داری به او بدهد، معلّم خوبی خواهی بود و فردی مورد انتظار و با ایمان و اگر نه به مولا (خدا) ی خود خیانت کرده‌ای و نسبت به خدا ستم روا داشته‌ای و خویشتن را در معرض زوال نعمت و عزت قرار داده‌ای.»

امام سجاد علیه السلام، دانشمندان را بر نشر و بذل علم و دانش خویش نسبت به شاگردان تشویق و ترغیب فرموده و این را یک حق و وظیفه‌ای برای آنها شمرده و آنان را به رعایت این حق موظف فرموده است، زیرا که خدای تعالی دانش و حکمتی را که نصیب آنان کرده است، آنان را خزانه‌دار ایشان قرار داده است؛ اگر بر شاگردان سخاوتمندانه تعلیم دهند وظیفه خود را انجام داده‌اند و رسالت خویش را ادا نموده‌اند و اگر نه خیانتکار بوده و ستم کرده‌اند و خود را در معرض انتقام و غضب الهی قرار داده‌اند.

(۱)

## ۱۹- حق همسر

«و أما حق رعیتک بملک النکاح فأن تعلم أن الله جعلها سکناً

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۰

و مستراحا، و أنسا و واقیة، و كذلك کل واحد منكما یجب أن یحمد الله علی صاحبه، و یعلم أن ذلك نعمه منه علیه، و وجب أن یحسن صحبه نعمه الله، و یکرهما و یرفق بهما، و إن کان حقک علیها أغلظ، و طاعتک بها الزم فی ما أحببت و کرهت، ما لم تکن معصیه، فإن لها حق الرحمه، و المؤمنه، و موضع السکون إليها قضاء اللذة التي لا بد من قضائها، و ذلك عظیم، و لا قوة إلا بالله...»  
 «و اما حق همسری که زیر دست توست آن است که بدانی خداوند متعال او را وسیله آرامش و آسایش و انیس و مونس و نگهدارنده تو (از انحراف) قرار داده است و همچنین هر یک از شما زن و شوهر باید به خاطر وجود همسرش خدا را شکر کند و بداند که این نعمت از جانب اوست، و باید با نعمت خدا داده خوشرفتاری کند و آن را گرامی دارد و با وی مدارا کند، هر چند که حق تو بر همسرت دشوارتر و اطاعت او از تو در تمام کارهایی که تو از او بخواهی و یا نخواهی لازمتر است، تا وقتی که خواسته تو معصیت خدا نباشد او باید فرمان تو را ببرد، با این همه همسر، حق نوازش و همدمی و جایگاه آرامش دارد، جایگاه بر آوردن لذتی که تو ناگزیر از آنی و این حق بزرگی است. هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام نسبت به کسی که زنی را به همسری گرفته و به وی سرپرستی و تعهدی دارد، توصیه فرموده است تا با وی به مهر و احسان رفتار کند و با وی مدارا نماید و باید بداند که آنچه از وی بهره‌برداری می‌کند نعمتی است از جانب خدای متعال پس باید این نعمت را پاس بدارد و رعایت کامل آن را بنماید.

(۱)

## ۲۰- حق خدمتگزاران

### اشاره

«و أما حق رعیتک بملک الیمین فأن تعلم أنه خلق ربک، و لحمک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۱

و دمک و أنك تملکه «۱» لا أنت صنعته دون الله، و لا خلقت له سمعا و لا بصرا، و لا أجریت له رزقا، و لکن الله کفاک ذلك بمن سخره لک، و ائتمنک علیه، استودعک إیاه لتحفظه فیه، و تسیر فیه بسیرته فتطعمه مما تأکل، و تلبسه مما تلبس، و لا تکلفه ما لا یطیق، فإن کرهته خرجت إلى الله منه، و استبدلت به، و لم تعذب خلق الله، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق خدمتگزاران، که زیر دست تو اند، آن است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و آفریدگار او نیز همان خدایی است که گوشت و خون تو را آفریده است، اکنون تو صاحب اختیار او شده‌ای، این بدان معنا نیست که تو او را آفریده‌ای، نه تو به او گوش و چشم داده‌ای و نه روزی او به دست توست بلکه این خدای تعالی است که همه اینها را به کسی که تو را سرپرست او قرار داده و امانتدار ساخته، مرحمت نموده است و او را به تو سپرده است تا خدا را درباره او پاس بداری و با روش خداپسندانانه با او رفتار کنی و از هر چه می‌خوری به او بخورانی و از آنچه می‌پوشی بر او بپوشانی و حق نداری بیش از حد توان او به او دستور دهی، و در صورتی که نمی‌خواهی با او بسازی، مسئولیت خدایی که نسبت به او داری از خودت رفع کن و به جای او کس دیگری

را به خدمت بگیر، تا بنده خدا را اذیت نکرده باشی و هیچ نیرویی جز به خدا نیست.»

(۱) امام بزرگوار نسبت به خدمتگزار از نظر حقیقت و واقع بینی یک نظر همه جانبه‌ای فرموده است زیرا که خدمتکار نیز مانند یک فرد آزاد آفریده خداست خداوند برای او گوش و چشم خلق کرده و روزی او را مقدر ساخته همان طوری که فرد آزادی را آفریده است بنابراین سرپرست او حق ندارد که او را مجبور کند

(۱) در روایتی «و اِنَّكَ لَم تملكه» آمده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۲

و یا بر او بزرگی بفروشد و حق ندارد به او ظلم کند و یا بیش از حدّ توانش دستور دهد بلکه باید به نیکویی با وی رفتار کند؛ از آنچه خود می‌خورد به او بخوراند و از آنچه می‌پوشد بر او بپوشاند، و به او همانند یکی از اعضای خانواده‌اش بنگرد و به این ترتیب اسلام مقام یک خدمتکار را پاس داشته و هر نوع کاستی و یا شکستگی را از او به دور نموده است.

(۱)

### حقوق خویشاوندان

امام علیه السلام، توجهی به مقام خویشاوندان نموده و حقوق ایشان را بیان فرموده است.

(۲)

### ۲۱- حق مادر

«فحق أمك أن تعلم أنها حملتك، حيث لا يحمل أحد أحدا، و أطعمتك من ثمرة قلبها ما لا يطعم أحد أحدا، و أنها وقتك بسمعها و بصرها، و يدها و رجلها و شعرها و بشرها، و جميع جوارحها، مستبشرة بذلك، فرحة موبلة محتملة لما فيه مكروهها، و المها، و ثقلها و غمها حتى دفعتها عنك يد القدرة، و أخرجتك إلى الأرض، فرضيت أن تشبع و تجوع هي، و تكسوك و تعري، و ترويك و تظماً، و تظلك و تضحي، و تنعمك ببؤسها، و تلذذك بالنوم بأرقها، و كان بطنها لك وعاء، و حجرها لك حواء و ثديها لك سقاء، و نفسها لك وقاء، تباشر حر الدنيا و بردها لك، و دونك، فتشكرها على قدر ذلك، و لا تقدر عليه إلا بعون الله و توفيقه...»

«اما حق مادرت آن است که بدانی او بار سنگینی تو را به نحوی تحمل کرده که هیچ کس چنین باری را از دیگری حمل نمی‌کند، و از میوه دلش تو را تغذیه کرده که هیچ کسی چنین اطعامی نمی‌کند، و اوست که تو را با

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۳

چشم، گوش، دست، پا، مو و سراپای وجود و تمام اعضایش پاسداری کرده و به این همه فداکاری شاد و خرم بوده و ادامه داده است، و هر ناگواری، درد، سنگینی و غم و غصّه را خود تحمل کرد، که مبادا به تو صدمه‌ای برسد، تا این که تو را بر عرصه زمین قرار داد. او خوش حال بود که تو سیر باشی و خود گرسنه، تو لباس و پوشاک داشته باشی و او برهنه، تو سیراب باشی و او تشنه تو را در سایه نگهدارد هر چند که خود در مقابل آفتاب بماند و به قیمت رنج و مشقت خویش تو را متنعّم سازد و به بهای بیدار خوابی خود تو را بخواباند، آری شکمش ظرف تو و دامنش آسایشگاه تو و پستانش مشک آب تو و خود پاسدار تو بوده است، گرما و سرمای دنیا را به خاطر تو و برای تو بر خود هموار می‌کرد، بنابراین تو در مقابل این همه، باید از او سپاسگزار باشی، و از عهده چنین وظیفه جز به یاری خدا و توفیق الهی بر نیایی...»

(۱) چقدر حقوق مادر مهم است! و چقدر الطاف و احسانش به فرزند فراوان است! زیرا اوست که زندگی فرزندش را می‌سازد و اگر عواطف و محبت‌های او نبود هرآینه فرزند زنده نبود، و نمی‌توانست به زندگی ادامه دهد؛ از آغاز تکوین در رحم با جان خود او را نگهداری کرده و مشقّات بارداری و خطرات وضع حمل را تحمیل کرده و پس از ولادت او نیز خود را در راه رشد فرزندش ذوب نموده و تمام توانش را در راه پاسداری از او به کار برده؛ و به خاطر او بیدار خوابی کشیده و صمیمانه به خدمت او همت گمارده و با لطف و محبت به او توجه نموده تا آن که بزرگ شود و راه زندگی خود را پیدا کند و وقتی که از او جدا می‌شود و یا از نظر او غایب می‌گردد گویی جان از بدن او مفارقت کرده است.

محمد بن ولید فقیه، اشعار ذیل را درباره عواطف مادر و پدر سروده است:

«لو كان يدري الابن أیه غصه يتجرع الأبوان عند فراقه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۴ أم تهیج بوجده حیرانه و أب یسح الدمع من آماقه

یتجرعان لبنیه غصص الردی و یبوح ما کتماه من اشواقه

لرثی لأم سل من أحشائها و بکی لشیخ هام فی آفاقه

و لبدل الخلق الأبی بعطفه و جزاهما بالعذب من أخلاقه» (۱) «اگر پسر می‌دانست که پدر و مادر وقت جدایی از او، چه غم و غصه‌ای می‌خورند؛ و چگونه با خوش حالی فرزند، مادر هیچان زده می‌شود و سر از پا نمی‌شناسد و پدر از گوشه‌های چشم اشک شوق می‌ریزد! به خاطر فرزندشان، غم و غصه‌های جانکاهی را تحمل می‌کنند و عشق و شوق درونی خود را بروز می‌دهند هرآینه به حال مادری که پاره تن اوست دلسوزی می‌کرد و برای پدر پیرش که به جان و دل دوستش داشت می‌گریست و به جای بد اخلاقی به آنها محبت می‌کرد و پاداش آنان را از خلق و خوی گوارایش می‌داد...»

براستی چقدر انسان از ادای حقوق مادرش ناتوان است! و اگر تمام خدمات و خوبیها را به او تقدیم کند بازهم چیزی از آن همه حقوق بی‌شمار مادر را ادا نکرده است.

(۱)

## ۲۲- حق پدر

«و أما حق أیک فتعلم أنه أصلک، و أنك فرعه، و أنك لولاه لم

(۱) معجم البلدان: ۳/۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۵

تکن، فمهما رأیت فی نفسک ما یعجبک فاعلم أن أباک أصل النعمه علیک فیه، و احمد الله و اشکره علی قدر ذلک، و لا قوه إلا بالله.»

«اما حق پدرت، تو می‌دانی که او اصل، و تو شاخه و فرع او هستی و براستی اگر او نبود تو نیز نبود، بنابراین هر کمال و برجستگی که در خود دیدی، بدان که در حقیقت مرهون پدرت هستی و آن نعمت را از پدرت داری، خدا را شکر کن و به همان اندازه از پدرت سپاسگزار باش.»

اما حق پدر بر فرزند، بسیار بزرگ است زیرا که او اصل است و اگر او نبود، فرزند هم نبود بنابراین رعایت حقوق پدر بر وی لازم است و باید به دستور او عمل کند و نیازمندیهای او را برآورد بخصوص وقتی که پدر، پیر و ناتوان گردد، در آن صورت هر گونه

کمک و خدمت به پدر مورد تأکید قرار گرفته و انجام هر خدمتی را نسبت به پدر بر خود لازم شمارد تا شاید بخشی از حقوق او را ادا کرده باشد.

(۱)

### ۲۳- حق فرزند

«و أما حق ولدك فتعلم أنه منك، و مضاف إليك، فی عاجل الدنيا بخیره و شره، و إنك مسئول عما وليته من حسن الأدب، و الدلالة علی ربه، و المعونة علی طاعته فیک و فی نفسه فمثاب علی ذلک، و معاقب، فاعمل فی أمره عمل المترین بحسن أثره علیه فی عاجل الدنيا، المعذر إلى ربه فی ما بینه و بینه بحسن القيام علیه، و الأخذ له منه و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق فرزندت، آن است که بدانی که اگر او در این دنیا خوب باشد و یا بد، وابسته به توست و تو مسئول سرپرستی او هستی، تا او را خوب تربیت کنی و به راه پروردگارش راهنمایی کرده و بر اطاعت از او امر الهی - چه درباره خودت باشد و چه درباره او - یاری نمایی، زیرا که تو در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۶

برابر عمل او اجر و ثواب می‌بری و در مقابل گناه و معصیتش کیفر و مجازات می‌شوی، پس طوری درباره‌اش رفتار کن که در دنیا به عمل نیک و حسن رفتار او افتخار کنی و در پیشگاه خداوند نیز به دلیل حسن انجام وظیفه و سرپرستی صحیح و رسیدگی درست به رفتار او معذور باشی. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

براستی که فرزند امتداد زندگی پدر و ادامه وجود اوست، فرزند پاره تن پدر بلکه تمام هویت او می‌باشد، امام امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود به فرزندش امام حسن می‌فرماید:

«و وجدتك بعضی، بل وجدتك کلی حتی كأن شیئا لو اصابك أصابنی، و كأن الموت لو أتاك أتانی، فعنانی من أمرک ما یعنینی من أمر نفسی...» (۱)

«تو را جزئی از خود بلکه تمام خود یافتم بطوری که اگر خطری به تو رو آورد چنان است که به من رو آورده است و اگر مرگ تو را دریابد مانند آن است که مرا دریافته است، و کار تو مرا دچار اندوه کند به طوری که کار خودم مرا در اندوه افکند.»

(۱) در دین مقدس اسلام، تربیت صحیح اسلامی فرزند به عنوان یک مسئولیت سنگین بر عهده پدر شمرده شده و بر اوست که در اعماق جان فرزندش، خصلت‌های ارزنده و صفات خوب را همچون نهالی غرس کند و با عادات نیکو بار بیاورد و از رذایل اخلاقی دور نگهدارد و دلایل اثبات وجود آفریدگار بزرگ را که ملکوت همه چیز در دست اوست برای او ذکر کند و اگر این وظایف را انجام دهد به تکلیف خود نسبت به فرزندش و همچنین نسبت به تمامی جامعه‌اش عمل کرده

(۱) نهج البلاغه، فیض الاسلام: ۵/ ۸۹۸ بخش کتب شماره ۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۷

است زیرا که انسان شایسته، خشتی است در بنای جامعه، و اگر به این تکلیف عمل نکند در پیشگاه خداوند مورد بازخواست بوده و مجازات می‌گردد.

## ۲۴- حق برادر

«و أما حق أخیک فتعلم أنه یدک الی تبسطها، و ظهرک الی تلتجئ إلیه، و عزک الی تعتمد علیه، و قوتک الی تصول بها، فلا تتخذہ سلاحا علی معصیتہ، و لا عدۃ للظلم بحق اللہ» (۱) «و لا تدع نصرته علی نفسه، و معونته علی عدوه، و الحول بینه و بین شیاطینہ، و تأدیۃ النصیحۃ إلیه، و الاقبال علیه فی اللہ، فان انقاد لربه، و احسن الاجابۃ له، و إلا فلیکن اللہ آثر عندک، و أکرم علیک منه ...»

«اما حق برادرت آن است که بدانی او دست و بازوی قدرت تو و پشت و پناه تو می‌باشد و باعث عزت توست که متکی به او هستی و نیرو و توان تو می‌باشد که بدان وسیله- به دشمن- حمله می‌بری، پس مبادا او را به عنوان اسلحه‌ای در راه معصیت خدا بکار ببری و همچنین ابزاری در راه ظلم و پایمال کردن حق خدا قرار دهی، از کمک و یاری او در برابر هوای نفس و پشتیبانی از وی در مقابل دشمن را ترک مکن و همچنین دور ساختن و سوسه‌گران و شیاطین را از او و از نصیحت و توجه به او به خاطر خدا، غفلت مکن، با این همه اگر او مطیع امر پروردگارش بود و دستور او را بخوبی پذیرا بود چه بهتر و اگر نه (مبادا به خاطر مهر و محبت برادری تو نیز دچار معصیت شوی) باید خداوند نزد تو مقدم بر او و عزیزتر از او باشد ...»

اما برادر دست و بازوی برادر است و باعث عزت و شرف و توانمندی

(۱) در نسخه‌ای «للظلم لخلق اللہ» آمده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۸

اوست و پشتیبان وی در گرفتاریها و شدايد است، امام علیه السلام حقوقی به شرح زیر برای او بر شمرده است:

۱- مبادا او را به عنوان اسلحه‌ای در راه معاصی الهی بکار ببرد.

۲- از او برای ظلم به مردم و تجاوز نابجا به حقوق مردم استفاده نکند.

۳- از وظیفه کمک به او، غفلت نکند، به این ترتیب که او را به راه خدا راهنمایی کند و به طریق سعادت و کمال هدایت نماید.

۴- برادرش را در مقابل دشمن یعنی شیطان یاری دهد و از او بر حذر بدارد و از کیفر الهی بترساند که مبادا شیطان او را بفریبد و از راه راست منحرف سازد.

۵- او را در امور آخرت و دنیایش نصیحت کند؛ اگر از حق اطاعت کرد چه بهتر و اگر نه از او دوری کند، و با وجود معصیت علنی وی و جنگ با خدا نباید با او ارتباط داشته باشد بلکه از او قطع رحم کند.

(۱)

## ۲۵- حق منعم

«و أما حق المنعم علیک بالولاء فتعلم أنه أنفق فیک ماله، و أخرجک من ذل الرق، و وحشته إلی عز الحریۃ، و أنسها، و أطلقک من أسر الملکۃ، و فک عنک حلق العبودیۃ، و أوجدک رائحۃ العز، و أخرجک من سجن القهر، و دفع عنک العسر، و بسط لک لسان الانصاف، و أباحک الدنیا، فملکک نفسک، و حل أسرک، و فرغک لعبادۃ ربک، و احتمال بذلک التقصیر فی ماله، فتعلم أنه أولى الخلق بک بعد أولى رحمک فی حیاتک و موتک، و احق الخلق بنصرک و معونتک، و مکافأتک فی ذات اللہ فلا تؤثر علیه نفسک ما احتاج إلیک ...»

«اما حق آن که نعمت آزادی را بر تو ارزانی داشته، آن است که بدانی او دارایی خودش را در راه آزادی تو صرف کرده و تو را از

## ذلت و وحشت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۵۹

بردگی بیرون آورده و به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از قید اسارت دیگران نجات داده و حلقه بندگی را از تو گشوده و نسیم خویش عزت و آزادی را به مشامت رسانیده است، و از زندان قهر و سلطه نجات داده و مشقت و رنج و سختی را از تو برطرف کرده و زبان عدل و انصاف را به سود تو گشوده و تمام امکانات دنیا را بر تو مباح ساخته است، در حقیقت تو را صاحب اختیار خود قرار داده و از قید اسارت رها کرده و برای عبادت پروردگارت تو را باز گذاشته و بدین وسیله خود زیان و خسارت مالی متحمل شده است، پس باید توجه داشته باشی که او بعد از خویشان نزدیکت، از همه کس در حیات و ممات به تو نزدیکتر است و از همه مردم سزاوارتر به یاری و همکاری و پشتیبانی تو در راه خداست، بنابراین وقتی که به تو نیاز داشت مبادا از ایثار درباره او مضایقه کنی.»

براستی آن که نعمت آزادی را برای بنده‌ای فراهم می‌کند حق بزرگی دارد، زیرا که غل‌ها را از او گشوده و او را از ذلت بندگی آزاد کرده و بر او عزت آزادی را چشانده است، بنابراین بر او حق بزرگی دارد و در برابر واجب است سپاس فراوان به جا آورد و کمک و یاریش کند و به خاطر عمل نیک و کار خیر او، پاداشی در خور و خداپسندانه به او بدهد.

(۱)

## ۲۶- حق آزاد کرده

«و أما حق مولاك، الجارية عليه نعمتك، فأن تعلم أن الله جعلك حاميه عليه، و واقية و ناصرا، و معقلا، و جعله لك وسيلة، و سببا بينك و بينه، فبالحرى أن يحجبك عن النار فيكون في ذلك ثواب منه في الآجل و يحكم لك بميراثه في العاجل إذا لم يكن له رحم مكافأه لما أنفقته من مالك عليه، و قمت به من حقه بعد انفاق مالك، فإن لم تخفه خيف عليك أن لا يطيب لك ميراثه، و لا قوة إلا بالله...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۰

«اما حق کسی که آزاد کرده توست، آن است که بدانی این خدا بوده است که تو را حامی و نگهبان و یار و یاور و پشتیبان او و او را وسیله ارتباطی بین تو و پیشگاه خود قرار داده است، پس وسیله خوبی است برای آن که تو را از آتش دوزخ بازدارد و از این ناحیه، اجر و ثوابی در آخرت نصیب گردد، و در دنیا با این که خویشاوند تو نیست امّا به خاطر سرمایه گذاری که درباره او کرده‌ای و پس از صرف مال و داراییت در راه آزادی او، چون او را سرپرستی کرده‌ای، در دنیا نیز اگر وارثی نداشته باشد، میراث او به تو می‌رسد؛ اکنون اگر رعایت حال او را نکنی بیم آن می‌رود که میراثش بر تو گوارا نباشد. و هیچ نیرویی جز به خدا نیست.» امام علیه السلام، مولا را به رعایت حقوق آزاد کرده‌هایش دعوت فرموده است زیرا که خداوند او را وکیل و پشتیبان ایشان قرار داده است بنابراین باید حقوق ایشان را رعایت کند و با ایشان بزرگووارانه رفتار کند و با تمام امکاناتش به آنان احسان نماید، پس اگر چنین کرد و اقدام لازم را نمود خداوند به خاطر این رفتارش به او پاداش می‌دهد و احسانش را نسبت به ایشان وسیله حفظ وی از آتش دوزخ می‌گرداند.

(۱)

## ۲۷- حق کسی که به تو نیکی کرده

«و اما حق ذی المعروف علیک، فأن تشکره و تذکر معروفه، و تنشر له المقالۃ الحسنه، و تخلص له الدعاء فیما بینک و بین الله سبحانه، فإنک إذا فعلت ذلك کنت قد شکرته سرا و علانیه، ثم إن أمکن مکافأته بالفعل کافأته و إلا کنت مرصدا له، موطننا نفسک علیها...»

«اما حق کسی که به تو نیکی کرده، آن است که از او سپاسگزاری کنی و به یاد نیکی او باشی و در بین مردم از او به خوبی یاد کنی و بین خود و خدای سبحان صمیمانه برایش دعا کنی، زیرا تو با این عملت، در نهان و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۱

آشکار از او سپاسگزاری کرده‌ای، علاوه بر اینها در صورت امکان، خوبی او را جبران کن و اگر نه در صدد باش و تصمیم بگیر تا در فرصت مناسب جبران کنی...»

دین مقدس اسلام به صورت مثبت دعوت به نیکوکاری و سپاسگزاری از نیکوکار و تشویق وی بر این صفت ارزنده را مورد توجه قرار داده با این هدف که در بین مسلمین ایجاد همبستگی نموده و جامعه برتری به وجود آید که تمام عناصر قوی در آن جامعه همگانی باشد.

امام علیه السلام انسانها را بر سپاس گفتن از نیکوکاران تشویق کرده و به خاطر بزرگداشت فضیلت در میان مردم، به نشر فضل و احسان آنان وادار نموده است. همچنان که بر دعای خالصانه برای او و بر جبران اعمال او ترغیب فرموده است.

(۱)

## ۲۸- حق اذان گو

«و اما حق المؤذن فأن تعلم أنه مذکرک بربک، و داعیک إلی حظک، و أفضل أعوانک علی قضاء الفریضه التي افترضها الله علیک، فتشکره علی ذلك شکرک للمحسن إلیک، و إن کنت فی بیتک متهما لذلك، لم تکن لله فی أمره متهما، و علمت أنه نعمه من الله علیک، لا شک فیها فأحسن صحبه نعمه الله بحمد الله علیها علی کل حال، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق مؤذن آن است که بدانی او تو را به یاد خدا می‌اندازد و تو را به بهره‌ای که باید ببری دعوت می‌کند و او بهترین یار و یاور تو بر ادای فریضه‌ای است که خداوند بر تو واجب گردانیده است پس باید از او همچون کسی که به تو احسانی کرده، سپاسگزار باشی و تو اگر در خانه خود بدان جهت متهمی، اما در کار او که برای خداست متهم نیستی و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۲

می‌دانی که بدون تردید او نعمتی از جانب خدا می‌باشد پس در هر حال با سپاسگزاری از خدای متعال به خاطر آن نعمت با نعمت خدا خوشرفتار باش! و هیچ نیرویی جز به خدا نیست...»

اما اذان گو که وقت نماز را اعلام می‌کند، حقی بر مسلمین دارد برای این که فرا رسیدن وقت نماز را به ایشان اعلام می‌کند که از مهمترین واجبات اسلامی است و بدین وسیله استحقاق شکر و سپاس دارد زیرا که او مردم را برای ادای این فریضه بزرگ و انجام وظیفه آماده می‌سازد.

(۱)

## ۲۹- حق پیشنماز



«و أما حق إمامك في صلاتك فأنت تعلم أنه قد تقلد السفارة في ما بينك وبين الله، والوفاء إلى ربك، و تكلم عنك، و لم تتكلم عنه، و دعا لك، و لم تدع له، و طلب فيك، و لم تطلب فيه، و كفاك هم المقام بين يدي الله، و المسألة له فيك، و لم تكفه ذلك، فإن كان في شيء من ذلك تقصير كان به دونك، و إن كان آثما لم تكن شريكه فيه، و لم يكن لك عليه فضل، فوقي نفسك بنفسه، و وقى صلاتك بصلاته فتشكر له على ذلك، و لا حول و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق پیشنماز آن است که بدانی او واسطه میان تو و خدا و نماینده تو به درگاه پروردگار است، او از طرف تو سخن می گوید اما تو از جانب او سخن نمی گویی او برای تو دعا می کند در صورتی که تو برای او دعا نمی کنی، و او درباره تو از خدا مسألت دارد و تو درباره او درخواست نمی کنی و عمل مهم ایستادن در پیشگاه خدا و درخواست از درگاه الهی را او از جانب تو بر عهده گرفته و تو چنین کاری را در حق او نکرده‌ای و اگر در این اعمال کوتاهی کرده باشد به گردن اوست نه تو و اگر گناهی مرتکب شود تو شریک گناه او نیستی در صورتی که تو هیچ فضیلتی و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۳

حقی بر او نداری، او خود را سپر برای تو قرار داده و نماز تو را به وسیله نماز خود پاس داشته است، بنابراین به خاطر این همه سپاسگزار او باش! و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

(۱) اما امام جماعت حق بزرگی بر مأمومین خود دارد، به خاطر آن اجر و ثواب بسیاری که بر نماز جماعت مترتب است، زیرا اخبار زیادی در این باره که نماز جماعت مستحب مؤکد است رسیده و این که هر چه تعداد نماز گزاران با جماعت زیاد باشد اجر و ثواب آن زیادتر می شود و چند برابر می گردد، واضح است آنچه از اجر فراوان نصیب مأموم می گردد تنها به وسیله امام جماعت است که عهده دار سفارت و واسطه بین مأموم و خدای تعالی است علاوه بر این، امام از طرف مأموم در خواندن فاتحه و سوره نیابت می کند و بدین وسیله زحمت خواندن را تحمّل می کند در صورتی که مأموم هیچ نیابتی از او نمی کند و به خاطر این عمل و دیگر کارهای اوست که حق بزرگی به گردن مأمومین خود دارد.

(۲)

### ۳۰- حق همنشین

«و أما حق المجلس فأنت تلبس له كنفك و تطيب له جانبك، و تنصفه في مجاراة اللفظ، و لا تغرق في نزع اللحظ إذا لحظت، و تقصد في اللفظ إلى افهامه إذا نطقت، و إن كنت المجلس إليه كنت في القيام عنه بالخيار، و إن كان المجلس إليك كان بالخيار، و لا تقوم إلا بإذنه، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق همنشین آن است که به گرمی از او پذیرایی کنی، و با او خوش برخورد باشی و در گفتگوی با او رعایت انصاف را بکنی و در وقت توجه به او، یکباره چشم از او بر نگردانی، و هدف در سخن گفتن با وی فهماندن مطلب باشد و هرگاه تو همنشین او شدی اختیار با توست هر وقت خواستی برخیزی و اگر او به همنشینی تو آمد او مختار است مبدا تا او

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۴

اجازه نداده است از جا برخیزی. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

چه قدر نظام اجتماعی که اسلام مقرر فرموده، جالب است! زیرا تمام شئون اجتماعی و فردی در آن رعایت شده و رابطه عواطف و احساسات افراد به هم نزدیک شده و در این نظام به هر نوع عقده‌ای که باعث دوری مسلمین از یکدیگر و بر هم زدن اجتماع آنان می شده، خاتمه داده است. و از جمله مقررات اسلام در این زمینه حقوق همنشین است که بطور کامل آداب مربوط به آن را رعایت

کرده و این آداب بطوری که امام علیه السلام بیان فرموده، به شرح زیر است:

۱- با همنشین خود، به نرمی رفتار کند و از روی درشتی و تندی که باعث انزجار است رفتار نکند.

۲- و با او خوشرفتاری کند؛ یعنی او را بزرگ بدارد و احترام کند.

۳- در وقت گفتگوی با او رعایت انصاف را بنماید و اظهار تکبر و برتری جویی نکند.

۴- در امر معاشرت مبالغه نکند.

۵- در وقتی که روی سخنش با اوست، هدف فهماندن مطلب به او باشد.

۶- هرگاه بعد از او در جلسه حضور یافت اختیار رفتن با اوست، و لیکن اگر پیش از او بود، باید اگر قصد رفتن داشت از او اجازه بگیرد.

طبیعی است که این آداب را اگر مسلمانان با واقعیت زندگی خود تطبیق دهند، دوستی و همدلی بر جامعه آنها سایه گستر خواهد بود.

(۱)

### ۳۱- حق همسایه

«و أما حق الجار فحفظه غائبا، و کرامته شاهدا، و نصرته و معونته فی الحالین جمیعا، لا تتبع له عوره، و لا تبحث له عن سوء لتعرفها، فإن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۵

عرفتها منه عن غیر إرادة منك و لا تکلف، کنت لما علمت حصنا حصینا، و ستر استیرا، لو بحث الألسنة عنه لم تتصل إلیه لانطوائه علیه. لا تستمع علیه من حیث لا یعلم، لا تسلمه عنه شدیدة، و لا تحسده عند نعمة، تقیل عثرته، تغفر زلته، و لا تدخر حلمک عنه إذا جهل علیک، و لا تخرج أن تكون سلما له، ترد عنه الشتیمة، و تبطل فیہ کید حامل النصیحة، و تعاشره معاشره کریمه، و لا حول و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق همسایه عبارت از این است که حرمت او را در نبودنش حفظ کنی و در حضورش محترم شماری و در هر حال به او کمک و یاری کنی و برای پی بردن به عیبه و لغزشهایش جستجو نکنی و اگر هم ناخودآگاه از عیب او مطلع شدی، چون دژ محکم و پرده ضخیمی باشی که اگر با سر نیزه‌ها بخواهند دل تو را بشکافند و به لابلای دلت دست یابند، نتوانند. به سخنان ناآگاهانه او گوش مده و در سختی او را وامگذار و اگر چیزی دارد بر او حسد مبر، از لغزش او درگذر و از خلاف او چشم‌پوشی کن و اگر ندانسته به تو بدی کرد، حوصله به خرج بده، و بردبار باش، مبادا بدرفتاری کنی. اگر کسی خواست درباره او بدگویی کند جلوگیری کن و اگر کسی خواست مکرری درباره او بورزد با دلسوزی آن را نقش بر آب کن و با بزرگداشت او و بزرگواری با وی معاشرت کن. هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

(۱) امام علیه السلام برای همسایه اهمیت زیادی قائل شده و رعایت حق او را سفارش فرموده است، امام امیر المؤمنین علیه السلام می گوید:

«و أوصانا رسول الله صَلَّى الله عليه و آله بالجار حتی ظننا أنه سیورته.»

«(آن قدر رسول خدا- صَلَّى الله عليه و آله- درباره همسایه، به ما سفارش کرد، که تصور کردیم، ممکن است همسایه از همسایه ارث ببرد!)»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۶

اخبار زیادی از ائمه هدی علیهم السلام در سفارش و عنایت به امور و شئون همسایه رسیده است و هدف از این همه سفارشها ایجاد همبستگی اجتماعی در میان مسلمانها و ساختن چنان جامعه اسلامی است که محبت و دوستی بر آن سایه افکند و هیچ گونه اختلاف و بددلی در میان افراد آن جامعه نماند، امام زین العابدین علیه السلام، حقوق همسایه را به شرح زیر بیان فرموده است:

۱- همسایه در پشت سر، حرمت همسایه‌اش را حفظ کند؛ از اموال و آبروی او پاسداری کند و از وصول هر ناروایی به او جلوگیری نماید.

۲- در حضور، احترام او را حفظ کند.

۳- در حضور و غیاب به او کمک و یاری نماید.

۴- از هیچ عیب و لغزش او نباید جستجو کند.

۵- هر بدی که از او مشاهده کرد، بپوشاند و آن را در میان مردم پخش نکند.

۶- در وقت گرفتاری و پیشامد ناگواری او را تنها نگذارد بلکه در کنار او بایستد و در پیشامدی که شده است او را یاری دهد.

۷- اگر خداوند به او نعمتی داده است بر او رشک نبرد.

۸- از لغزشها و خطاهایش چشم‌پوشی کند.

۹- اگر خطایی از روی ناآگاهی از وی سرزد، حوصله به خرج دهد و مقابله به مثل نکند.

۱۰- کسی را که به او دشنام دهد و یا بدگویی کند منع کند.

۱۱- اگر کسی از او حرف بدی نقل می‌کند تا در بین ایشان دشمنی و عداوت ایجاد کند، باور نکند.

۱۲- با او با بزرگواری معاشرت نماید.

این بود حقوقی را که امام علیه السلام اعلام فرمود، حقوقی که باعث وحدت مسلمین و از هم نپاشیدن اجتماع و گسترش محبت و دوستی میان آنان می‌گردد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۷

(۱)

### ۳۲- حق رفیق

«و أما حق الصاحب فان تصحبه بالفضل ما وجدت إليه سيلا، و إلا فلا أقل من الانصاف، و أن تكرمه كما بكرمك، و تحفظه كما يحفظك، و لا يسبقك في ما بينك و بينه إلى مكرمة، فإن سبقك كافتة، و لا تقصر به عما يستحق من المودة، تلزم نفسك نصيحتة، و حياطته، و معاضدته على طاعة ربه، و معونته على نفسه في ما لا يهيم به من معصية ربه.

ثم تكون عليه رحمة، و لا تكون عليه عذابا، و لا قوة إلا بالله ...»

«اما حق رفیقت آن است که با لطف و بزرگواری با او برخورد کنی و یا لااقل با او به انصاف رفتار نمایی، همان طوری که او به تو احترام می‌کند، تو نیز او را محترم شماری و در حدی که او تو را پاس می‌دارد تو نیز حرمت او را نگهداری؛ طوری باشی که او در نیکی و نیکوکاری از دست پیش تو نزند و اگر پیش از تو احسانی کرد تو نیز جبران کنی، و در حدی که شایسته است از محبت به او کوتاهی نکنی، نصیحت و پاسداری و کمک به او در راه طاعت پروردگار و یاری در برابر سرکشی نفسش از فرمان خدا را بر خود واجب شماری. وانگهی نسبت به او مایه رحمت باشی نه عذاب و باعث ناراحتی او. هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام حقوق رفیق بر رفیق را یادآوری فرموده و به شرح زیر بیان کرده است:

- ۱- رفاقت بر اساس فضیلت و نیکی استوار گردد.
  - ۲- هر یک از دو طرف رفیقش را پاس دارد.
  - ۳- رفاقت بر اساس دوستی و محبت و برادری استوار باشد.
  - ۴- هر کدام نسبت به دیگری خیرخواه باشد.
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۸
- ۵- هر یک از دو طرف، دوستش را در راه طاعت خدای تعالی و دوری از معاصی الهی کمک کند.
  - ۶- رفاقت بر پایه رحمت و نعمت باشد، نه عذاب و ناراحتی.
- (۱)

### ۳۳- حق شریک

«أما حق الشريك فإن غاب كفيته، وإن حضر ساويته، ولا تعزم على حكمك دون حكمه، ولا تعمل برأيك دون مناظرته، وتحفظ عليه ما له، وتنفى عنه خيائته في ما عزّ و هان، فإنه بلغنا «إن يد الله على الشريكين ما لم يتخاونا، ولا قوة إلا بالله.»

«اما حق شریک آن است که اگر در محل نباشد کار او را انجام دهی و اگر حاضر است به اندازه او کار کنی و بطور خودرأی و بدون مشورت با او تصمیم نگیری و مال او را پاسداری، چه کم و چه زیاد نسبت به او خیانت نکنی زیرا از پیامبر - صلی الله علیه و آله - چنین رسیده است: «دست خدا بالای سر دو شریک است تا وقتی که به هم خیانت نورزیده‌اند» هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

شرکت مالی در اسلام بر اساس رشد ثروت و گسترش روح امانتداری میان شرکاء است و هیچ حق تصرف خودسرانه در مال مشترک از انجام بیع و نقل و انتقال و نظایر آن را ندارند همچنان که هر کدام از آنها موظف به پاسداری از مال مسامحه و حق ندارند خیانت، و یا درباره آن مشترکند کاری کنند و اگر یکی از آنها درباره مال کوتاهی کند حکم تکلیفی یعنی مجازات، به علاوه حکم وضعی؛ یعنی ضمانت متوجه او می‌گردد.

(۲)

### ۳۴- حق مال

«و أما حق المال فإن لا تأخذه إلا من حله، ولا تنفقه إلا في حله،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۶۹

و لا تحرفه عن مواضعه، ولا تصرفه کن حقائقه، ولا تجعله إذا كان من الله إليه، و سببا إلى الله، و لا تؤثر به على نفسك من لعله لا يحمدك، و بالحرى أن لا يحسن خلافته في تركتك، و لا يعمل فيه بطاعة ربك، فتكون معينا على ذلك، و بما أحدث في مالك، أحسن نظرا لنفسه، فيعمل بطاعة ربه فيذهب بالغنيمه، و تبوء بالإثم و الحسرة و الندامة مع التبعه، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق مال و ثروت آن است که جز از راه حلال به دست نیاوری و بجز در راه حلال صرف و خرج نکنی. و مبادا بی جا و بی مورد در غیر راههای درست به کار ببری و چون مال از آن خداست نباید جز در راه خدا و در آن جایی که وسیله تقرب به خدا

باشد به کار بندی. و به کسانی که شاید از تو تشکر هم نکنند با وجود نیاز خودت ایثار کن، سزاوار آن است که میراث گذاردن آن را به دیگران صحیح ندانی در حالی که اگر اینان در راه نافرمانی خدا به کار برند در این صورت تو هم در این معصیت کمک کرده‌ای، و یا از تو بهتر به سود خود منظور دارند و در طاعت خدا به مصرف رسانند و غنیمت را او ببرد امّا بار گناه و افسوس و پشیمانی با عقوبت و کیفر نصیب تو گردد. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

(۱) اما حق مال و ثروت در اسلام آن است که شخص مسلمان نباید آن را جز از راههای مشروع مانند کسب حلال به دست آورد، اما به دست آوردن مال از راههای حرام همچون ربا و غشکاری و کسب و معامله در اجناس حرام از قبیل خرید و فروش شراب و ساختن آن و یا خوردن اموال مردم از راه باطل مانند رشوه و نظایر آن، از طرفی (در مواردی از اینها) مالی که به دست می‌آورد بر ملکیت صاحبش باقی است علاوه بر آن که گناه و عقوبتش نیز در نزد خدا محفوظ است، بنابراین اسلام پایه اقتصاد خلّاق خود را بر این اساس نهاده است که وسایل تازه‌تری را به کار بندد تا باعث جمع شدن مال در دست گروهی از مردم و حرمان بقیه توده‌ها از آن مال نگردد، وانگهی امام علیه السلام به انفاق مال در راههای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۰

حلالی دعوت کرده که اجر و ثواب بر آنها مترتب بوده و باعث رسیدن به رضا و خشنودی خداست مانند ساختن بیمارستانها و زایشگاهها و مدارس و ایجاد کتابخانه‌های عمومی و نظایر اینها از امور خیریه‌ای که مردم از آن بهره‌مند می‌گردند اما وقتی که انفاق نکند و آن را اندوخته کرده و برای ورثه بگذارد؛ اگر آنان در راه معصیت خدا مصرف کنند پس گناهِش به گردن اوست به دلیل آن که آنها را در راه گناه و حرام یاری داده است و اگر هم در راه طاعت خدا صرف کنند، بهره و غنیمت را آنها برده‌اند اما حسرت و ندامت و عذاب و خسران را او برده است.

(۱)

### ۳۵- حق طلبکار

«و أما حق الغريم المطالب لك فإن كنت موسرا أوفيته و كفيته، و لم ترده، و تمطله، فإن رسول الله صَلَّى الله عليه و آله قال: «مطل الغني ظلم» و إن كنت معسرا أرضيته بحسن القول، و طلبت منه طلبا جميلا و رددته عن نفسك ردا لطيفا، و لم تجمع عليه ذهاب ماله، و سوء معاملته، فإن ذلك لؤم، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق طلب کاری که مطالبه می‌کند آن است که اگر داری پیردازی و کارسازی کنی و او را بی‌نیاز گردانی و امروز و فردا نکنی و به سهل‌انگاری نگذرانی، زیرا رسول خدا- صَلَّى الله عليه و آله- فرموده است: «سهل‌انگاری توانگر، در بازپرداخت بدهی خود ظلم است» و اگر نداری، با زبان خوش رضایت طلبکار را جلب کنی و با نرمش فرصت بخواهی، و او را بخوبی از نزد خود بازگردانی، نه آن که هم مالش را بازپس ندهی و هم بدرفتاری کنی که این پستی و فرومایگی است. و هیچ نیرویی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام به حق طلبکار بر بدهکار اشاره فرموده است و این که بدهکار باید طلب او را در صورتی که دارد بپردازد و حق ندارد سهل‌انگاری کند،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۱

زیرا مسامحه کاری و امروز و فردا کردن در پرداخت دین نوعی ظلم و حرام است و اگر تنگدست است باید با زبان خوش و بهترین برخورد با او روبرو شود و از او معذرت بخواهد و ناتوانی خودش را به اطلاع او برساند و بگوید که من قادر به بازپرداخت نیستم،

اما برخورد با سخنان درشت و الفاظ ناروا باعث بستن در خیر و نیکوکاری و نوعی از فرومایگی است که از بی‌ارزشترین صفات و از مغضوبترین اعمال در نزد خداست.

(۱)

### ۳۶- حق دوستی که با او معاشرت داری

«و أما حق الخلیط فأن لا تغره، و لا تغشه، و لا تکذبه، و لا تغفله، و لا تخدعه، و لا تعمل فی انتقاصه، عمل العدو الذی لا یبقی علی صاحبه، و أن اطمأن إلیک استقصیت له علی نفسک، و علمت أن غین المسترسل ربا و لا قوة إلا بالله...»  
 «اما حق کسی که با تو رفت و آمد دارد، آن است که او را نفریبی و با او دغل‌بازی نکنی و دروغ‌نگویی و غفلت‌زده نکنی و نیرنگ‌زنی، و همچون دشمنی با او رفتار نکنی که برای شکستن طرف از هیچ چیز فروگذار نیست و اگر به تو اعتماد کرد هر کاری از دستت برآمد، برایش انجام ده، و بدان که فریفتن کسی که به تو اعتماد کرده نوعی رباخواری است، و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

اما دوست معاشری که با تو شریک در مال مشترکی است، امام علیه السلام حقوقی به شرح زیر بیان فرموده است:

۱- مبادا در مالی که به او می‌فروشد، او را فریب دهد.

۲- حق ندارد در فروش مال خود، به او غش وارد آن کند.

۳- در آنچه می‌گوید، دروغ‌پردازی نکند.

۴- در هیچ کاری از کارهای مربوط به جنس مورد معامله او را فریب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۲

ندهد و غفلت‌زده نسازد بلکه هر چه هست او را آگاه سازد.

۵- در معامله‌ای که بین آنها صورت می‌گیرد دغل‌بازی نکند.

۶- وقتی که امور خود را به دوست واگذار کرد، واجب است تمام توان خودش را در خیرخواهی او به کار ببرد و اگر او را فریب دهد، نوعی از ربا را مرتکب شده که باعث خشم خدا می‌گردد.

(۱)

### ۳۷- حق طرفی که بر تو ادعایی دارد

«و أما حق الخصم المدعی علیک، فن کان ما یدعی علیک حقا لم تنفسخ فی حجتته، و لم تعمل فی إبطال دعوته، و کنت خصم نفسک له، و الحاکم علیها و الشاهد له بحقه دون شهادة الشهود، فإن ذلک حق الله علیک، و إن کان ما یدعیه باطلا رفقت به، و ورعته، و ناشدته بدینه، و کسرت حدته عنک بذكر الله، و ألقیت حشو الکلام و لغظه الذی لا یرد علیک عادیة عدوک، بل تبوء بائمه، و به یشحذ علیک سیف عداوته لأن لفظه السوء تبعث الشر، و الخیر مقمعه للشر، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق کسی که بر تو ادعایی دارد آن است که اگر ادعای درستی دارد، دلیل او را رد مکن و خواسته‌اش را باطل شمار که در این صورت او را با خودت دشمن کرده و به زیان خود حکم کرده‌ای و بدون شهادت شهود، به سود او گواهی داده‌ای، زیرا که در حقیقت این حق خداست بر تو اما اگر ادعای باطلی دارد، با او مدارا کن و او را برحذر دار و به یاد تعهد دینی بینداز و با یاد خدا از

تندی او بکاه، و از پرحرفی و ناسزاگویی خودداری کن که اینها مانع تجاوز دشمن نشده، بلکه گرفتار گناه او شده و باعث تیزی شمشیر عداوت او می‌گردد، زیرا که حرف بد باعث شرّ و حرف خوب براندازنده شرّ است. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام در این فرازها راجع به حق شخص مدّعی بر کسی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۳

ادّعا بر زیان او شده، سخن گفته است و این که بر عهده شخص مدّعا علیه است که اگر ادّعی طرف حق بود خواسته او را بر آورد و حق او را بپردازد و ستم روا ندارد که خداوند در کمین ستمکاران است. و اوست که میان بندگانش به حق داوری می‌کند، و اگر هم ادّعی او باطل است باید از باب ادب با او مدارا کند و نصیحت کند و به یاد عالم آخرت بیندازد، مبادا با درشتی و تندی با او روبرو شود که شاید این روش جلو گمراهی او را بگیرد و از ادّعی بیهوده خود دست بردارد.

(۱)

### ۳۸- حق کسی که تو بر او ادّعا داری

«و أما حق الخصم المدعی علیه، فإن كان ما تدعیه حقا اجملت فی مقاولته بمخرج الدعوی، فإن للدعوی غلظة فی سمع المدعی علیه، و قصدت قصد حجتك بالرفق، و امهل المهلة، و أبین البیان، و ألطف اللطف، و لم تتشاغل من حجتك بمنازعته بالقیل و القال فتذهب عنك حجتك، و لا یكون لك فی ذلك درك، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق کسی که تو ادّعی بر او داری، آن است که اگر حرفت درست است، در گفتگوی با او برای یکسره شدن مطلب، سخن خوب بگویی زیرا که دعوی، کوبنده گوش طرف است، و دلیل را با نرمش مطرح کن و به طرف فرصت بده و سخن را واضح بگو و با لطف و خوش رویی برخورد کن و به دلیل ستیز با او، عوض دلیل و برهان به جنجال رو میاور که فرصت برهان را از دست می‌دهی و جبران پذیر نخواهد بود، و هیچ قدرتی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام به حال کسی که صاحب ادّعاست نگریسته، می‌فرماید اگر او در ادّعی خود به حق است، باید از سخنان تند با خصم خود دوری کند و با وی سخنان خوب و با لطف بگوید و از جنجال اجتناب کند که هیچ دردی را دوا نمی‌کند و باعث بازگرداندن حقی نمی‌شود بلکه چه بسا دلیل و برهان او را از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۴

بین می‌برد و حقی را ضایع می‌سازد.

(۱)

### ۳۹- حق کسی که با تو مشورت می‌کند

«و أما حق المستشار، فإن حضرک له وجه رأی، جهدت له فی النصیحة، و أشرت علیه بما تعلم أنك لو كنت مكانه عملت به، و ذلك لیکن منك فی رحمة ولین، فإن اللین یؤنس الوحشة، و إن الغلظ یوحش موضع الأنس، و إن لم یحضرک له رأی، و عرفت له من تتق برأیه، و ترضی به لنفسك دلته علیه، و أرشدته إلیه لم تأله خیرا، و لم تدخره نصحا، و لا حول و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق کسی که با تو مشورت می‌کند، آن است که اگر به نظرت چیزی می‌رسد، در خیرخواهی او بکوشی و آنچه می‌دانی بگویی، زیرا که اگر تو به جای او بودی خودت این کار را می‌کردی و این کار باید از روی محبت و نرمش باشد چون نرمش

باعث رفع وحشت و درشتی موجب تبدیل انس به ترس و نگرانی می‌شود. اما اگر نظر خاصی نداری ولی کسی را می‌شناسی که به نظر او اطمینان داری و نظر او را می‌پسندی، طرف را به او راهنمایی کن تا بدین وسیله در خیرخواهی و نصیحت او کوتاهی نکرده باشی. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

اما حق کسی که با طرف، مشورت می‌کند آن است که خالصانه نصیحت و خیرخواهی کند، و بکوشد تا آنچه به نظرش درست می‌رسد بگوید و این کار را از روی محبت و نرمش انجام دهد، نه از روی تند و درشتی زیرا که درشتی باعث نفرت و نگرانی و وحشت دلهاست و اگر چیزی که برای مشورت کننده مفید باشد به نظرش نمی‌رسد؛ کسی را می‌شناسد که به نظر او اعتماد دارد، باید به او راهنمایی و ارشاد کند که بدین وسیله در خیرخواهی و نیکی به او کوتاهی نکرده و وظیفه‌اش را ادا کرده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۵

(۱)

#### ۴۰- حق کسی که تو با او مشورت می‌کنی

«و أما حق المشير عليك فلا- تهمة في ما يوافقك عليه من رأيه إذا أشار عليك، فإنما هي الآراء، و تصرف الناس فيها و اختلافهم. فكن عليه في رأيه بالخيار إذا اتهمت رأيه، فأما تهمة فلا تجوز لك، إذا كان عندك ممن يستحق المشاورة، و لا تدع شكره على ما بدا لك من إشخاص رأيه، و حسن وجه مشورته، فإذا وافقك حمدت الله، و قبلت ذلك من أخيك بالشكر، و الارصاد بالمكافأة في مثلها إن فزع إليك، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق آن که مشورت می‌کنی، آن است که در نظری که بر خلاف میل تو دارد، اگر پیشنهاد کرد متهم نسازی، زیرا مردم نظریات گوناگونی دارند، اگر نسبت به رأی او خوش بین نیستی در پذیرفتن و نپذیرفتن نظر او مختاری اما حق نداری در صورتی که در خور مشورت است، متهم کنی، و به خاطر نظری که او به خوبی توانسته از عهده مشورت برآید، نباید از تشکر و قدردانی او غفلت کنی، و اگر مطابق میل تو نظر داده بود، خدا را شکر کن و از آن برادر نیز سپاسگزار باش و در صدد باش که اگر به تو نیازی داشت یک روز جبران کنی، هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

امّا حق کسی که تو با او مشورت می‌کنی آن است که مبادا او را در مورد نظری که داده است متهم کنی و از خیرخواهی او دلگیر باشی و در صورتی که او را در نظری که داده است متهم کنی و به رأی او بدبین باشی، در پذیرفتن و نپذیرفتن نظر او مختاری و در هر حال باید سپاسگزار او باشی و واجب است به خاطر خیراندیشی او، روزی عمل او را جبران کنی.

(۲)

#### ۴۱- حق آن که از تو نصیحت می‌طلبد

«و أما حق المستنصح فإن حقه أن تؤدى إليه النصيحة على الحق

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۶

الذی تری له إنه يحمل، و يخرج المخرج الذی یلین علی مسامعه، و تکلمه من الکلام بما یطیقه عقله، فإن لكل عقل طبقه من الکلام یعرفه، و یجتنبه، و لیکن مذهبک الرحمة، و لا قوة إلا بالله...»

(۱) «اما حق آن که از تو نصیحت می‌طلبد، آن است که به قدر شایستگی و تحملی که دارد و آن گونه که گوشش را نوازش دهد،



سخن بگویی و حرفی بزنی که درخور فهم و عقلش باشد، زیرا هر عقلی توان درک سخنی را دارد و جز آن را درک نمی‌کند، علاوه بر این باید نصیحت به همراه محبت و با مهربانی توأم باشد. هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست...»  
 اما حق کسی که نصیحت طلب است بر آن که از او نصیحت خواسته آن است که با احترام و تعظیم و به نرمی با او برخورد کند و روی دل و گوشش را برای شنیدن نصیحت او، به جانب او گرداند و درباره گفته‌های او بیندیشد، پس اگر موافق حق و بجا بود، حمد و سپاس خدا را بگوید و اگر هم بر خلاف واقع بود حق ندارد او را متهم کند زیرا که او هیچ کوششی را در نصیحت وی دریغ نداشته است جز این که در این مورد به راه خطا رفته است و ایراد و اشکالی بر او وارد نیست.  
 (۲)

#### ۴۲- حق نصیحت‌کننده

«و أما حق الناصح فأن تلین له جناحک، ثم تشرئب له قلبک، و تفتح له سمعک، حتی تفهم عنه نصیحتہ، ثم تنظر فیها، فإن کان وفق فیها للصواب حمدت الله علی ذلک، و قبلت منه، و عرفت له نصیحتہ.  
 و إن لم یکن وفق لها فیها رحمته، و لم تتهمه، و علمت أنه لم یألک نصحا إلا أنه أخطأ إلا أن یكون عندک مستحقا للثمه، فلا تعبأ بشيء من أمره علی کل حال، و لا قوه إلا بالله...»

«اما حق آن که تو را نصیحت می‌کند، این است که در برابر او متواضع

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۷

باشی و به جان و دل نصیحتش را گوش کنی، تا بفهمی، و انگهی درباره آنچه شنیده‌ای فکر کنی، اگر به حق سخن گفته خدا را شکر کنی و نصیحتش را پذیرا باشی و ارج بنهی اما اگر نادرست بود بازهم به مهر و محبت با او برخورد کنی نه آن که او را متهم سازی، بدانی که در نصیحت تو کوتاهی نکرده مگر این که اشتباه کرده است، البته در صورتی که او سزاوار اتهام باشد هرگز نباید به حرف او اعتنا کنی. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

اما حق نصیحت‌کننده بر تو که از او نصیحت طلبیده‌ای آن است که با خوش‌خویی با او روبرو شوی سپس روی دلت را به طرف او کنی و گوش به سخن او بسپاری تا بخوبی نصیحتش را بفهمی و آنگاه در آن باره دقت کنی؛ اگر سخن حقی گفته است خدا را بدان جهت سپاس گویی و نصیحتش را پذیرا باشی و به گفتار او ارج نهی، و اگر نادرست بود بازهم به مهر و محبت برخورد کنی و مبادا او را متهم سازی، زیرا که او در خیرخواهی وی کوتاهی نکرده مگر این که اشتباه کرده است و بر او اشکال و ایرادی نیست.

(۱) تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۴۷۷ ۴۳ - حق بزرگتر ..... ص: ۴۷۷

#### ۴۳- حق بزرگتر

«و أما حق الکبیر فإن حقه توقیر سنه، و اجلال إسلامه إذا کان من أهل الفضل فی الإسلام بتقدیمه فیه، و ترک مقابلته عند الخصام و لا تسبقه إلى طریق، و لا تؤمه فی طریق و لا تستجمله، و إن جهل علیک تحملت و أکرمته بحق إسلامه مع سنه، فإنما حق السن بقدر الإسلام، و لا قوه إلا بالله...»

«اما حق بزرگتر آن است که به خاطر سنش او را بزرگ شماری و به خاطر این که عمر بیشتری در اسلام گذرانده است، گرامی بداری و اگر در میان مسلمانان در زمره اهل فضل و کمال باشد او را مقدم بداری و مبادا با او در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۸

مقابل دشمنان رودررو بایستی، و حق نداری در راه رفتن جلوتر از او حرکت کنی و پیش بیفتی، و مثل کسی که نمی‌شناسی با او رفتار کنی و اگر او کاری ندانسته کرد، تحمل کنی و به خاطر این حق که عمر زیادی را در اسلام به سر برده است او را گرمی بداری، زیرا ارزش عمر به ارزش اسلام است. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

از جمله آداب اجتماعی که اسلام به خاطر ساختن اجتماعی اصیل مقرر فرموده است، بزرگداشت پیران سالخورده است وقتی که از اهل فضل و کمال و سابقه بیشتری اسلامی داشته باشند اما مظاهر بزرگداشت ایشان بطوری که امام علیه السلام فرموده است به شرح ذیل می‌باشد:

۱- مقابله نکردن و مردود نشمردن مسائلی را که خواسته اوست و با وی به جدل و خصومت رفتار نکردن.

۲- وقتی که به همراه او حرکت می‌کند نباید جلوتر از او راه برود.

۳- در راه، او را بر خود مقدم بدارد.

۴- اگر مطلبی از نظر شخص سالخورده دور ماند حق ندارد ناآگاهی او را به رخش بکشد.

۵- اگر بزرگتر در موردی به او ستم روا داشت، این ستم او را تحمل کند و به خاطر عمر زیاد و سابقه اسلام او، احترامش کند.

(۱)

#### ۴۴- حق کوچکتر

«أما حق الصغیر فرحمته، و تنقیفه، و تعلیمه، و العفو عنه، و الستر علیه، و الرفق به، و المعونه له، و الستر علی جرائر حدائته، فإنه سبب للتوبه، و المداراه، و ترک مباحکته، فإن ذلک أدنی لرشده...»

«اما حق خردسال آن است که به او محبت کنی و به پرورش و آموزش همت گماری و از لغزشهای او گذشت و چشم‌پوشی کنی، و با او مدارا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۷۹

نموده و به او کمک کنی و نسبت به اشتباهاتی که در نوجوانی از او سر زده، نادیده انگاری، زیرا که چنین برخوردی خود باعث توبه و بازگشت او می‌گردد، و با وی به ملایمت رفتار کنی و مبادا احساسات او را تحریک نمایی که این روش برای رشد او پسندیده‌تر است...»

امام علیه السلام، حقوقی را برای خردسال بر بزرگتر اعلام فرموده است که از ارکان تربیت اسلامی و به شرح زیر می‌باشد:

۱- لطف و محبت بر خردسال و برخورد نکردن با او به درستی و سنگدلی زیرا که اینها باعث انحراف و ایجاد عقده روحی در وی می‌گردد.

۲- پرورش و تعلیم و بازگشودن افقهای معرفت و آگاهی در برابر او تا از آنها بهره‌مند شود.

۳- مدارا کردن با او که خود باعث جلب نظر او می‌گردد.

۴- و در کارهای مورد نیاز، به او کمک کردن.

۵- چشم‌پوشی و گذشت از اشتباهاتی که در نوجوانی از او سر زده و بر ملا نکردن آنها زیرا که این پرده‌پوشی باعث دوری جستن از آنها می‌گردد.

۶- مدارا کردن و ترک مخاصمه با او، زیرا که این روش برای رشد او مناسبتر است.

این بود اموری که امام علیه السلام آنها را از عوامل صلاح رشد و تهذیب وی دانسته است.

(۱)

#### ۴۵- حق سائل

«و أما حق السائل فاعطاؤه إذا تهيأت صدقته، و قدرت على سد حاجته، و الدعاء له في ما نزل به، و المعاونة له على طلبته، و إن شككت في صدقه، و سبقت إليه التهمة، و لم تعزم على ذلك لم تأمن من أن يكون من كيد الشيطان أراد أن يصدك عن حظك و يحول

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۰

بينك و بين التقرب إلى ربك، و تركته بستره، و ردته ردا جميلا، و إن غلبت نفسك في أمره، و أعطيته على ما عرض في نفسك منه، فإن ذلك من عزم الأمور...»

«اما حق سائل آن است که اگر صدقه‌ای آماده داری به او بدهی و اگر توان برآوردن حاجت او را داری برآوری و برای گرفتاریهایش دعا کنی. و به خواسته‌ای که دارد به او کمک کنی، و اگر در صدق گفتار او تردید کنی و زود او را متهم کنی در صورتی که یقین نداری بعید نیست که شیطان می‌خواهد تو را فریب داده و از اجر و ثواب بی‌بهره کند و تو را از تقرب به خدا بازدارد، در این صورت آبروی او را حفظ کن و با روی خوش او را از خود دور کن، اما اگر بر نفست غلبه کنی و چیزی را که در دلت گذشته به او بدهی، کار بجا و از امور پسندیده است...»

امام علیه السلام بر احسان و کمک به سائل و برآوردن حاجتش تشویق فرموده است برای همیاری اجتماعی در اسلام و دور ساختن کابوس فقر و گرسنگی از جامعه مسلمانان. البته این در صورتی است که بدانند سائل راست می‌گوید، و اما اگر در کار فقیر تردید داشت و او را در اظهار فقر و تنگدستیش متهم به دروغ‌گویی کرد، بعید نیست که این تهمت از کید و مکر شیطان باشد برای این که طرف سؤال را از اجر و ثواب فراوانی که خدای تعالی بر صدقه‌دهندگان وعده داده، محروم سازد، و اگر او با این وسوسه مخالفت کند و به فقیر چیزی بدهد، کاری بجا کرده و از جمله امور پسندیده است.

(۱)

#### ۴۶- حق مسئول

«و أما حق المسؤول: فحقه إن أعطى قبل منه ما أعطى بالشكر له، و المعرفة لفضله، و طلب وجه العذر في منعه، و احسن به الظن و اعلم أنه إن منع فما له منع، و إن ليس التثريب في ماله، و إن كان ظالما فإن الانسان لظلوم كفار...»

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۱

«اما حق کسی که از او چیزی می‌طلبد، آن است که اگر چیزی داد، با تشکر و قدردانی از لطفی که کرده بپذیرد و اگر نداد عذر او را بپذیرد و با خوشبینی تلقی شود. و بدان که اگر او چیزی نداده از مال خود نداده است و کسی را به خاطر ندادن مال خود، نمی‌شود ملامت کرد، هر چند که ستمکار باشد، چون انسان بسی ستمگر و ناسپاس است.»

امام علیه السلام به حقی که طرف سؤال بر سائل دارد اشاره فرموده و این که از حقوق اولیه وی آن است که سائل از وی متشکر باشد و به خاطر احسان و اکرامی که کرده برای او دعا کند و اگر چیزی نداد با خوشبینی تلقی کند، همچنان که اگر کسی با وجود

قدرت و تمکن، به سائل چیزی ندهد در حقیقت خویشتن را از مال خود محروم داشته است، زیرا که خدای تعالی به صدقه‌دهندگان بیشترین اجر و ثواب را وعده داده است.

(۱)

#### ۴۷- حق کسی که باعث خشنودی تو شده است

«و أما حق من سرک الله به و علی یدیه، فإن کان تعمدھا لک حمدت الله أولا ثم شکرته علی ذلک بقدره فی موضع الجزاء، و کافأته علی فضل الابتداء، و ارضدت له المكافأة، و إن لم یکن تعمدھا حمدت الله و شکرته، و علمت أنه منه، توحدک بها، و أحببت هذا إذا کان سبباً من أسباب نعم الله علیک، و ترجو له بعد ذلک خیراً، فإن أسباب النعم برکة حیث ما کانت، و إن کان لم یعتمد، و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق کسی که خداوند او را باعث مسرت و شادی تو ساخته و تو را به دست او شادمان کرده است این است که اگر براستی او قصد شادی تو را داشته، خدا را شکر کنی و به اندازه کافی از او سپاسگزار باشی و به خاطر آغاز چنین خدمتی از طرف او، متقابلاً تو نیز باعث خشنودی او را فراهم کنی و در صدد جبران خدمت او برآیی. اما اگر او چنین قصدی را نداشته

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۲

بازهم شکر و سپاس خدا را به جا آوری و بدانی که از جانب خداست که وی باعث شادمانی تو شده و آن شخص را نیز که یکی از عوامل نعمتهای خدا بر تو گردیده، دوست بداری و خیرخواه او باشی زیرا وسایل نعمتهای الهی هر جا باشند، خود موجب برکنند، هر چند که از روی قصد نباشد. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

براستی آن که بر خشنود ساختن برادر مؤمن خود مبادرت می‌کند از بهترین مردم است، زیرا اوست که به خاطرش گذشته تا به برادرش نیکی کند و او را مورد احسان خود قرار دهد، شایسته است که متقابلاً از او سپاسگزاری کند و به یاد احسان و اکرام او باشد و به خاطر تشویق به چنین مرحمت و قدردانی از عمل خیر او، نیکی او را جبران کند.

(۱)

#### ۴۸- حق کسی که درباره تو بد قضاوت کرده است

«و أما حق من ساءک القضاء علی یدیه بقول أو فعل، فإن کان تعمدھا، کان العفو أولى بک، لما فیہ من القمع و حسن الأدب، مع کثیر أمثاله من الخلق فإن الله یقول: [و لمن انتصر بعد ظلمه فأولئک ما علیهم من سبیل - إلى قوله - من عزم الأمور] «۱» و قال عز و جل:

[و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به، و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین] «۲» هذا فی العمد، فإن لم یکن عمدا لم تظلمه بتعمد الانتصار منه، فتکون قد کافأته فی تعمد علی خطأ، و رفقت به، و رددته بالطف ما تقدر علیه، و لا قوة إلا بالله...»

«و اما حق کسی که با دست و یا به وسیله گفتار و یا رفتارش به تو بدی

(۱) سوره شوری / ۴۱.

(۲) سوره نحل / ۱۲۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۳

کرده، آن است که اگر به عمد بدی کرده، شایسته است که تو از وی در گذری، چون عمل وی در حقیقت تیشه به ریشه خود زدن است ولی شایسته است که با بسیاری از مردمان نظیر او خوشرفتاری کرده و با حسن ادب برخورد کنی، زیرا خدای متعال می‌فرماید: [و کسی که مورد ستم قرار گرفته، در انتقام گرفتنش مسئول نیست] تا آنجا که می‌فرماید: [این از کارهای بجاست] و نیز می‌فرماید: [اگر مجازات کردید به همان اندازه مجازات کنید که صدمه دیده‌اید، ولی اگر شکبیا باشید و بگذرید، این کار برای صابران بهتر است] همه اینها در صورتی است که کسی بعمد، بدی کرده باشد. اما اگر بعمد نباشد، مبادا تو از جهت انتقام گرفتن ستم بر او روا داری و در برابر خطای او از روی عمد مقابله به مثل کنی، بلکه تا می‌توانی به نرمی و ملاحظت رفتار کن، و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.»

امام علیه السلام متعرض حق قضات شده است که آنان هرگاه به کسی با گفتار و یا رفتارشان ستم کنند و این عمل را از روی عمد انجام دهند، بهتر آن است بر طبق آداب ارزنده اسلامی - که بر گذشت و مؤاخذه نکردن کسی که بر انسان بدی کرده است، تشویق کرده - ایشان را عفو و اغماض کنند، اما اگر این بدی از روی خطا از ایشان سرزده باشد، مؤاخذه کردن ایشان سزاوار نیست چون قصد ظلم و ستم را نداشته‌اند.

(۱)

#### ۴۹- حق توده مردم

«و أما حق أهل ملتک عامه فاضمار السلامه، و نشر جناح الرحمه، و الرفق بمسئهم و تألفهم، و استصلاحهم، و شکر محسنهم إلى نفسه، و إلیک، فإن احسانه إلى نفسه إحسانه إلیک، إذ کف عنک أذاه، و کفاک مئونه، و حبس عنک نفسه، فعمهم جمیعا بدعوتک،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۴

و انصرهم جمیعا بنصرتک، و أنزلهم جمیعا منازلهم، کبیرهم بمنزله الوالد، و صغیرهم بمنزله الولد، و أوسطهم بمنزله الأخ، فمن أتاک تعاهدته بلطف و رحمه، وصل أخاک بما یجب للأخ علی أخیه ...»

«اما حقوق توده مردم آن است که با حسن نیت و مهر و محبت و مدارا با بدیهایشان رفتار کنی و با دلجویی در صدد اصلاح حالشان بر آیی و از کسانی که به ایشان و شما نیکی می‌کنند سپاسگزار باشی، زیرا که احسان کسی نسبت به خود در حقیقت احسان به توست به خاطر آن که آزاری به تو نرسانده و زحمتی بر دوش تو ندارد و جلو هوای نفسش را گرفته است، وانگهی همه را دعا کن و به همه کمک کن و هر کدام را در حد خودش محترم شمار؛ بزرگترها را به منزله پدر و کوچکترها را به جای فرزند و میان سالها را همچون برادر خودت بدان. هر کس نزد تو آمد، با او به مهر و محبت برخورد کن و با برادرانت با رعایت حقوق برادری رابطه برادرانه داشته باش ...»

(۱) برآستی که تمام مسلمانان حقوقی دارند، بر هر مسلمانی رعایت آن حقوق لازم است و آن حقوق بطوری که امام علیه السلام اعلان فرموده، به شرح زیر می‌باشد:

۱- بر هر مسلمانی لازم است نسبت به تمام مسلمانان حسن نیت و مهر و محبت داشته باشد.

۲- با آنان به نرمش و ملایمت رفتار کند و به هیچ کس برتری جویی و تکبر نرورد.

۳- نسبت به کسی که بدی کرده است مدارا کند، و با درستی برخورد نکند زیرا که این خود باعث اصلاح وی می‌گردد.

۴- و در راه همبستگی و اتحاد و وحدت کلمه مسلمین قدم بردارد.

۵- از کسانی که نیکی کرده‌اند به خاطر نیکوکاریشان سپاسگزاری

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۵

کند و ایشان را بر این خصلت کریمانه‌ای که فایده‌اش عاید جامعه می‌گردد، تشویق کند.

۶- اگر دشمنی به ایشان هجوم آورد، به یاری ایشان قیام کند.

۷- بزرگترها را به منزله پدر و کوچکترها را به جای فرزند و میانسالان را همچون برادر خود بداند ... و مسلم است که این حقوق را

اگر مسلمین بر واقعیت زندگی خود منطبق کنند، همگی به منزله یک دست و یک قدرت می‌شوند و اختلاف کلمه در میان ایشان

نخواهد بود و جدایی و تفرقه در جامعه اسلامی به وجود نخواهد آمد و هیچ یک از ملل جهان چشم طمع به آنها نخواهد داشت.

(۱)

## ۵۰- حق اهل ذمه

«و أما حق أهل الذمة فالحكم فيهم أن تقبل منهم ما قبل الله، و تفي بما جعل الله لهم من ذمته و عهده، و تكلمهم إليه في ما طلبوا من أنفسهم، و أجبروا عليه، و تحکم فيهم بما حکم الله به علی نفسک فی ما جرى بینک و بینهم من معامله، و لیکن بینک و بین ظلمهم من رعاية ذمة الله، و الوفاء بعهده، و عهد رسول الله صلى الله عليه و آله حائل فإنه بلغنا أنه قال: «من ظلم معاهدا كنت خصمه» فاتق الله، و لا حول و لا قوة إلا بالله...»

«اما حق اهل ذمه، حکم خدا درباره آنها این است که آنچه را خداوند پذیرفته تو نیز بپذیری و بر پیمان و عهدی که خداوند بر ایشان مقرر فرموده است وفا کنی و بر آنچه از ایشان خواسته‌اند و بر آنچه مجبورند، تسلیم باشی و در معامله و رفتارت با آنها مطابق حکم خدا عمل کنی و باید رعایت این جهت که آنان در پناه اسلام و پیمان خدا هستند و هم به دلیل وفای به پیمان خدا و رسول-صلی الله علیه و آله- از ظلم و ستم به ایشان تو را بازدارد، زیرا این سخن از پیامبر (ص) به ما رسیده است که فرمود:

«هر کس به اهل ذمه و معاهدی ستم کند، من خصم او باشم» بنابراین از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۶

خدا پرهیز. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست ...»

- در پایان امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«فهذه خمسون حقا محیطا بک، لا- تخرج منها فی حال من الأحوال یجب علیک رعایتها و العمل فی تأدیتها، و الاستعانة بالله جلّ

ثناؤه علی ذلک، و لا حول و لا قوة إلا بالله، و الحمد لله رب العالمین...»

«این بود، پنجاه حقی که بر عهده تو نهاده است که در هیچ حال نمی‌توانی از آنها شانه خالی کنی، رعایت و انجام آنها بر تو لازم

است و باید از خداوند بزرگ بر ادای این حقوق کمک و یاری بطلبی که هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست و سپاس از آن

پروردگار جهانیان است ...»

(۱) دین مقدس اسلام اهل ذمه یعنی یهود و نصاری را که در ذمه اسلام وارد شده‌اند، رعایت فرموده است زیرا با ایشان همان

رفتار را می‌کند که با مسلمانان در برخورداری از آزادی و رفاه و ایمنی و آسایش و آرامش دارد و امام علیه السلام حقوقی را برای

ایشان به شرح زیر اعلام فرموده است:

۱- درباره ایشان احکام و قوانینی را که خداوند مقرر فرموده است، پذیرا باشد.

۲- حقوقی را که خداوند برای آنان قرار داده است ادا نماید.

۳- مطابق دستور قرآن مجید درباره ایشان حکم کند.

۴- ستم کردن بر ایشان حرام است و ظلم و تجاوز به ناحق بر ایشان روا نیست.

در اینجا سخن ما درباره «رسالة الحقوق» امام علیه السلام پایان می‌پذیرد کتابی که با همه اختصارش از پربرترین کتابهای اسلامی است و راه و روشهای زندگی برای خوشبختی و اصلاح امور مسلمانان در آن آمده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۷

(۱)

#### ۴- کتاب علی بن حسین (ع)

##### اشاره

از جمله مؤلفات امام زین العابدین علیه السلام، کتابی است به نام «کتاب علی بن حسین»، این کتاب همانند دیگر کتابهای مهم اسلامی از دست رفته است، و ما به قسمت کمی از آن دست یافتیم که امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام از آن حضرت نقل کرده، می‌فرماید:

«در کتاب علی بن حسین علیهما السلام چنین یافتیم: [الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.] «۱» بدانید که اولیای خدا را هراسی نیست و آنان اندوهگین نمی‌شوند، در صورتی که واجبات را به جا آورند و به سنتهای رسول خدا- صلی الله علیه و آله- عمل کنند و از محرمات الهی بپرهیزند و از شکوه زندگانی دنیا دوری کنند و بدانچه در نزد خداست علاقه‌مند باشند و رزق الهی را از راه حلال بجویند، و قصدشان از مال دنیا افتخار به یکدیگر و افزون‌طلبی نباشد، وانگهی مال دنیا را در راه لازم و ضروری یعنی حقوق واجب صرف کنند، اینها کسانی هستند که خداوند در کسبشان برکت می‌دهد و آنچه را که از پیش برای آخرت بفرستند اجر و مزد داده می‌شوند...» «۲»

(۲) امام علیه السلام با این سخنان اولیای خدا را ستوده و نشانه‌های شخصیت‌های ایشان را به شرح زیر بیان کرده است:

الف- انجام فرایض الهی.

ب- پیروی از سنتهای رسول خدا- صلی الله علیه و آله-.

(۱) یونس / ۶۲.

(۲) ناسخ التواریخ: ۱/ ۹۴۷، معالم العبر نوری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۸

ج- پرهیز از محرمات الهی.

د- پارسایی در دنیا.

ه- اشتیاق به آنچه در نزد خداست.

و- تحصیل روزی پاک و حلال.

ز- پرداختن حقوق مالی که در اسلام واجب شده از قبیل زکات، خمس و دیگر چیزها. طبیعی است که هر کس از مؤمنان دارای این صفات باشد، او از اولیای خداست، کسانی که خداوند در مال ایشان برکت داده و در سرای آخرت بهشت برین را برای آنان

مهیا ساخته است؛ که در هر جای آن که بخواهند منزل گزینند.

(۱)

### دیوان شعر منسوب به امام

دیوان شعری را که مشتمل بر نصایح و مواعظ است به امام زین العابدین علیه السلام نسبت داده‌اند و یک نسخه خطی از آن به خط سید احمد بن حسین جزایری در کتابخانه امام امیر المؤمنین موجود است که نویسنده در روز سه‌شنبه بیست و ششم ماه رجب سال ۱۳۵۸ هـ. از نوشتن آن فارغ گشته و آن را از روی نسخه‌ای به خط سید محمد بن سید عبد الله شوشتری متوفای سال ۱۲۸۳ هـ نوشته است.

این دیوان را دکتر حسین علی محفوظ در مجله البلاغ، شماره هشتم سال اول، صفحه ۲۴؛ منتشر کرده و در مقدمه‌ای که بر آن نوشته است، می‌گوید:

«سیصد و هشتاد و هفت بیت شعر به امام سجاد علیه السلام منسوب است، که استاد ما مرحوم محمد علی تبریزی مدرس متوفای سال ۱۳۷۳ هـ. آنها را در کتاب تحفه المهدیه - چاپ تبریز (۱۳۵۷ هـ.) - جمع‌آوری کرده است و آن دومین جلد از دیوان ائمه معصومین علیهم السلام است که به نام الدر المنثور نامیده است و دوست محقق فاضل بزرگوار مرتضی مدرس معروف مقیم تهران چهارده سال پیش یک نسخه خطی از شرح دیوان امام سجاد علیه السلام را به من

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۸۹

مرحمت کرد که در اوایل قرن سیزدهم هجری نوشته شده بود و در آن بیست و نه قطعه به بحر وافر پنج بیتی به ترتیب هجاء به تعداد ۱۴۵ بیت آمده است. و اگر نسبت چیزی از این شعرها به امام علیه السلام درست باشد، احتمال قوی می‌رود که در میان این مضامین، بخشی از کلمات امام، علیه السلام به نظم درآمده باشد که در حقیقت چهارچوبی برای سخنان امام و منظوم ساختن معانی مورد نظر آن حضرت و پیروی از راه و روش وی، و بهره‌گیری و پیروی از خلق و خوی و تبعیت از هدایت آن بزرگوار است ...»

(۱) ما در نادرستی نسبت این دیوان به امام زین العابدین علیه السلام کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دهیم؛ نه تنها به دلیل آشفتگی معانی، بلکه به خاطر سستی بسیاری از الفاظ و عبارات آن. و کسی که صحیفه سجادیه و دیگر آثار بازمانده از حکمتها و سخنان ادیبانه امام را می‌خواند در می‌یابد که آن حضرت بالاترین و روان‌ترین و پرجاذبه‌ترین الفاظ را برای خواننده، به کار برده است، زیرا امام علیه السلام بطور کلی از فصیحترین بلغای امت عربی است و صحیفه سجادیه یکی از منابع و سرچشمه‌های کتب بلاغت در جهان اسلام است، علاوه بر اینها در منابع قدیمی از این که این دیوان را به امام نسبت دهند، سخنی گفته نشده و به عقیده من بدون هیچ شک و تردید این دیوان سروده امام علیه السلام نیست ... و اینک چند قطعه از این دیوان را برای اثبات آنچه گفتیم (برای خوانندگان) نقل می‌کنیم:

«تبارک ذو العلی و الکبریاء تفرد بالجلال و بالبقاء

و سوی الموت بین الخلق طرافکلهم رهائن للفناء

و دنیانا و إن ملنا إلیها فطال بها المتاع إلی انقضاء

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۰. ألا أن الركون علی غرور إلی دار الفناء من العناء

و قاطنهما سریع الظعن عنها و ان كان الحریص علی الثواء» (۱) «خداوند تبارک و تعالی که دارای علو و بزرگی و در عظمت و جاودانگی یکتاست.

خدایی که مرگ را میان همه مخلوقات یکسان قرار داد، پس همه آنها در گرو فنا و زوالند.



و این دنیای ما نیز؛ هر چند که به آن دل بسته‌ایم، اما مهلت کالای بی‌ارزش آن تا منقضی شدن است.

بدانید که اعتماد از روی فریفتگی به سرای فانی دنیا از امور پردردسر است! و ساکن دنیا بزودی از آن کوچ خواهد کرد، هر چند که بر اقامت در آن حریص است.»

«یحول عن قریب من قصورمزخرفة إلی بیت التراب

فیسلم فیه مهجورا فریداأحاط به شحوب الاغتراب

و هول الحشر افضع کل أمر إذا دعی ابن آدم للحساب

و ألفی کل صالحه أتاها و سیئه جناها فی الکتاب

لقد آن التزود إن عقلنا و أخذ الحظ من باقی الشباب» (۲) «بزودی از کاخهای زینت یافته به خانه خاک (قبر) منتقل می‌شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۱

و در آن غریب و تنها سر فرود می‌آورد در حالی که غمهای هجران او را در میان گرفته است.

هول و وحشت قیامت از هر چیزی بیمناکتر است، آن هنگامی که آدمیزاد را برای حساب بطلبند.

هر کار خوبی که انجام داده و هر بدی که مرتکب شده است همه را در نامه عملش بیابد.

اگر توجه کنیم هم اکنون وقت توشه گرفتن فرا رسیده و هنگام بهره‌برداری از باقیمانده جوانی است.»

«فعقبی کل شیء نحن فیه من الجمع الکثیف إلی الشتات

و ما حزناه من حل و حرم یوزع فی البنین و فی البنات

و فی من لم نوهلهم بفلس و قیمه حبه قبل الممات

و تنسانا الأحبه بعد عشر و قد صرنا عظاما بالیات

کأنا لم نعاشرهم بودو لم یک فیهم خل مؤات» (۱) «بنابراین سرانجام همه چیز محیط ما از حالت جمع فشرده و انبوه به سوی پراکندگی است.

و چه اندوهبار است که، بازمانده ما از حلال و حرام در میان پسران و دختران تقسیم می‌شود! و در میان کسانی که ما پیش از مردن آنان را به مقدار فلس و ارزش دانه‌ای بها نمی‌دادیم.

دوستانمان پس از ده سال چنان ما را از خاطر می‌برند و ما به صورت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۲

استخوانهای پوسیده در می‌آییم.

که گویی ما رابطه دوستی نداشتیم و در بین آنان دوست همراه و موافقی وجود نداشته است!»

«لمن یا أیها المغرور تحوی من المال الموفر و الأثاث

ستمضی غیر محمود فریدا و یخلو بعل عرسک بالتراث

و یخذلک الوصی بلا و فاء و لا اصلاح أمر ذی التیاث

لقد أوقرت وزرا مرجحنا یسد علیک سبل الانبعاث

فمالک غیر تقوی الله حرزو لا- وزر و مالک من غیاث» (۱) «ای که فریفته دنیایی! برای چه کسی این همه ثروت فراوان و وسایل زندگی را جمع می‌کنی؟

بزودی ناستوده و تنها از دنیاخواهی رفت و تنها شوهر همسرت وارث تو خواهد شد! و وصی تو نیز با بی‌وفایی و به سامان نرساندن امور مهم، تو را خوار و ذلیل خواهد گذاشت.

با بار گناه سنگینی از دنیا کوچ خواهد کرد، راههای برانگیخته شدن را بر تو می‌بندند.

بنابراین جز تقوای الهی سنگر و کمک کار نداری و تو را یار و یآوری نیست.»

«تعالج بالتطبب کل داء و لیس لداء دینک من علاج

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۳ سوی ضرع إلى الرحمن محض بنیه خائف و یقین راج

و طول تهجد بطلاب عفولیل مدلهم الستر داج

و اظهار الندامه کل وقت علی ما کنت فیه من اعوجاج

لعلک أن تکون غدا حظیابیبلغه فائز و سرور ناج» (۱) «هر دردی را با مراجعه به پزشک معالجه می‌کنی اما درد دینت هیچ علاجی

ندارد، جز عجز و لابه خالصانه به پیشگاه خداوند مهربان با نیت بیمناک و یقین امیدوار.

و عبادت مداوم با درخواست بخشش در هنگام شب که پرده قیرگونش همه جا را پوشانده.

و همیشه اظهار پشیمانی نسبت به کجی‌هایی که در طول زندگی داشته‌ای.

شاید بدان وسیله فردای قیامت از رستگاری کافی و شادی نجات دهنده برخوردار گردی.»

تمام این دیوان از نظر سستی و نادرستی عبارات بر این منوال است و یقین اینها سروده امام علیه السلام نیست بلکه یکی از شیفتگان

مواعظ و نصایح و سخنان دلایز آن حضرت این اشعار را سروده و به آن بزرگوار نسبت داده است، علاوه بر آن که من بطور قطع

می‌دانم که سراینده از طبع شعری خوبی نیز برخوردار نبوده و بیشتر اشعارش از الفاظ سست و عبارات نادرست ترکیب یافته که در

آنها هیچ مقدمه خوبی و اسلوب زیبای قابل ذکری وجود ندارد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۴

(۱)

### از آثار خطی امام علیه السلام

دکتر حسین علی محفوظ نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام دارای چند مصحف است که به خط شریف آن حضرت

نسبت داده‌اند و این مصحفها در کتابخانه‌های شیراز، قزوین، اصفهان و مشهد موجود است. (۱)

(۱) مجله البلاغ، شماره هفتم، سال اول، ص ۵۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۵

### مدرسه، شاگردان و اصحاب امام علیه السلام

#### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۶

(۱) مدرسه، شاگردان و اصحاب امام علیه السلام جهان اسلام در عصر امام دچار رکود فکری و سقوط علمی و فرهنگی خطیری

شد، حکومت اموی بطور رسمی به جنگ علم و دانش و نابودی فکر و اندیشه همت گماشت، تا بتواند مدت زیادی بر کرسی

حکومت تکیه زند و ثروتهای امت را به غارت ببرد و سرانجام به استبداد و خودکامگی حکومت کند.

و قدر مسلم آن است که در عصر امام علیه السلام پرتوی از علوم اسلام و دیگر چیزهایی که باعث تکامل و رشد عقل آدمی است

وجود نداشته است و امام زین العابدین علیه السلام شاهد پژمردگی حیات فکری جامعه و گسترش جهل و نادانی بود که امت اسلامی بدان مبتلا بودند از این رو امام به تأسیس مدرسه بزرگی اقدام کرد که جمع کثیری از رجال دانش و قانون‌گذاری را به خود جذب کرد و ما شرح حال آنان را بیان خواهیم کرد.

به هر حال در آن دوران، امت اسلامی هیچ دستاوردی را مهمتر و سودمندتر از فیضی که امام زین العابدین علیه السلام به آنها رساند سراغ نداشتند و این هم به خاطر تأسیس مدرسه علمی بود که آن حضرت در سرزمین ایشان به وجود آورد و افقهای اندیشه و دانش و معرفت را به روی آنها گشود ... و ما پیش از تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۸ آن که درباره مدرسه و شاگردان آن حضرت سخن بگوییم باید به برخی از جنبه‌های علمی آن بزرگوار اشاره کنیم:

### [مدرسه]

#### اشاره

(۱)

#### صرف وقت برای نشر دانش

امام بزرگوار ملاحظه فرمود که در نشر دانش پیام و رسالتی لازم و مسئولیتی اسلامی است از این رو توجه خاصی بدان مبذول داشت، چنان که در این کار تسلی خاطر برای خود یافت خاطری که آکنده از غمها و آلام بود. شیخ ابو زهره می‌گوید: «امام علیه السلام از آن جهت به علم و دانش و درس و بحث سرگرم شد که غذای دل و آرامش روحی و تسلی خاطر خود را در آن یافت و از غم و اندوه مداوم و رنج طاقت‌فرسا او را منصرف می‌کرد و از این رو به بحث و حدیث رو آورد.» (۱)

براستی امام علیه السلام برای نشر علم و دانش در میان مسلمین به حدی وقت صرف کرد که او را از هر چیز دیگری بازداشت. (۲) و تنها هدفش تربیت مسلمین و تهذیب نفس و تأدیب آنان به آداب برجسته شریعت اسلامی بود تا آنان پس از وی مشعلداران فکر و روشنگری باشند.

(۲)

#### ستایش امام از فضیلت دانش

امام علیه السلام همواره از فضیلت دانش تمجید می‌کرد و بر طلب دانش ترغیب می‌فرمود و آن حضرت فرمود:

«لو يعلم الناس ما فی طلب العلم لطلبوه و لو بسفک المہج، و خوض

(۱) امام زید: ص ۲۴.

(۲) حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۳۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۹۹

اللَّجج انَّ الله تبارک و تعالی اوحی الی دانیال ان أمقت عبد الی الجاهل، المستخفَّ بحق اهل العلم، التَّارک للاقتداء بهم، و إن

أحب عبیدی الی، التقی، الطالب للثواب الجزیل اللّازم للعلماء التّابع للحکماء...» (۱)

«اگر مردم می‌دانستند در طلب علم چه فایده‌ای است دنبال آن می‌رفتند اگر چه در راه آن خون دل بریزند و به گردابها فرو افتند، براستی که خدای تبارک و تعالی به دانیال نبی علیه السلام وحی کرد که مبعوضترین بندگانم نزد من آن نادانی است که حق اهل دانش را سبک شمارد و از آنان پیروی نکند و دوست‌ترین بندگانم در نزد من پرهیزگار طالب اجر و ثواب فراوان و ملازم دانشمندان و پیرو دانیان است...»

آیا توجه دارید که امام علیه السلام چگونه از دانش تجلیل می‌کند و بر دانشجویی تشویق می‌فرماید و براستی که امام علیه السلام اعتقاد دارد که حیات امت جز به نشر و گسترش دانش در میان مردم مسلمان امکان‌پذیر نیست.

(۱)

### تشویق امام به جنبش علمی

امام زین العابدین علیه السلام نقش مهمی را در تشویق به حرکت علمی ایفا کرد و آن حضرت با آن عظمت و مقام ذاتی در انجمن زید بن اسلم می‌نشست، نافع بن جبیر به آن حضرت اعتراض کرد و گفت: خداوند شما را غریق رحمتش کند، شما سرور مردمانید با وجود این با این برده هم مجلس می‌شوید؟

امام علیه السلام در جواب او فرمود:

«علم مطلوب و به دست آوردنی است و از هر جا باشد باید آن را

(۱) اصول کافی: ۱/ ۳۵، محجّة البیضاء: ۱/ ۲۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۰  
جست ...» (۱)

«از نظر اسلام این مطلب درست نیست که موانع پوچ و بی‌ارزشی از فرا گرفتن علم و بهره‌مندی از حاملان دانش را- هر که باشند- جلوگیری کند.»

(۱)

### احترام امام به دانشجویان

امام علیه السلام دانشجویان را دوست می‌داشت و به آنان احترام می‌کرد و منزلت آنان را بالا می‌برد، مورخان می‌گویند: وقتی که دانشجویی وارد می‌شد، خوشامد می‌گفت و می‌فرمود: مرحبا به وصیت رسول خدا- صلّی الله علیه و آله- و ابو جعفر- امام باقر- علیه السلام می‌گوید: پدرم وقتی که جوانان دانشجو را می‌دید، آنان را نزدیک خود می‌خواند و می‌فرمود: مرحبا به شما، شما امانت‌های علم و دانشید و دیری نخواهد پایید که شما خردسالان قوم، بزرگسالان دیگران خواهید شد. (۲)

(۲)

### آداب دانش‌پژوهان

امام علیه السلام آدابی برای دانش‌پژوهان مقرر فرموده است از آن جمله می‌فرماید:

«من ضحك ضحكه میخ من العلم مجة.» (۳)

«هر که - در حضور معلمش - بخندد، بخشی از علم را از کف داده است.» (۴)

ابن جماعه، از این حدیث چنین استنباط کرده است که شاگرد در مقابل

(۱) تاریخ دمشق: ۱۴۶/۳۶، تهذیب الکمال: م ۷/ق ۲/ورق ۳۳۵، صفه الصفوة: ۵۵/۲.

(۲) در التظیم: ص ۱۷۳، انوار البهیة: ص ۱۰۳.

(۳) سیر اعلام النبلاء: ۴/۳۸، تذکره الحفاظ: ۱/۷۱، حلیة الأولیاء: ۳/۱۳۴.

(۴) تذکره السامع: ص ۹۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۱

استادش، از راه ادب و بزرگداشت او، نباید بخندد.

(۱)

### حقوق معلم

امام علیه السلام برجسته‌ترین و اصیل‌ترین حقوق را برای معلم مقرر داشته بطوری که هیچ یک از به وجود آورندگان قوانین تعلیم و تربیت چنین حقوقی را وضع نکرده‌اند.

امام علیه السلام می‌فرماید:

«اما حق معلم و استادت تعظیم او و بزرگداشت مجلس و خوب گوش دادن به سخن او و توجه و اقبال بر اوست و نباید صدایت را از او بلندتر کنی و اگر از کسی چیزی می‌پرسد، تو حق نداری جواب دهی تا این که خود او جواب دهد و در محضر او با کسی صحبت مکن و در نزد او از کسی غیبت مکن و اگر کسی از او بدگویی کرد، باید دفاع کنی و عیبهایش را بپوشانی و اوصافش را بیان کنی و با دشمنش همنشین نشوی و با دوستش دشمنی نکنی، و هرگاه چنین باشی فرشتگان الهی گواهی دهند که او مورد توجه توست و علم او را برای خدا آموخته‌ای نه برای مردم...»

امام علیه السلام برنامه‌های بلندی برای حقوق معلم بر شاگردان مقرر فرموده است حقوقی که باید صمیمانه و با آگاهی ادا شود، حقوق معلمی را که سخاوتمندانه شاگردان را ارشاد کرده و از تاریکیهای جهل به فضای آگاهی و تمدن رسانده و باعث رشد عقلی و روشنی افکارشان گردیده است بنابراین باید با همه انواع محبت و نیکی و احسان جبران کرد.

(۲)

### اجر و ثواب دانشجو

امام علیه السلام درباره اجر فراوانی که خداوند به دانشجو مرحمت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۲

می‌کند، سخن گفته و می‌فرماید:

«دانشجو وقتی که از خانه‌اش بیرون می‌آید هیچ گامی برتر و خشک زمین نمی‌نهد مگر آن که تا هفت طبقه زمین، برای او تسبیح

می‌گویند.» (۱)

(۱)

**خودداری از تعلیم**

امام علیه السلام معتقد است که نشر و اشاعه دانش در بین مردم باید رایگان و بدون دریافت اجرت باشد، و در این باره می‌گوید: «هر که دانش خود را پنهان بدارد و یا برای آموزش آن مزد قابل توجهی بگیرد، پس هیچ سودی به حال وی نخواهد داشت...» (۲) برآستی امتیاز اسلام بر ادیان دیگر و سیستمهای اجتماعی آن است که ایمان بدون قید و شرطی نسبت به علم و دانش دارد و دانشجویی را بر هر مرد و زن مسلمان واجب می‌داند و گرفتن اجرت برای تعلیم، بخصوص تعلیم قرآن کریم را ناروا می‌شمارد، اسحاق بن عمار می‌گوید، از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدم، همسایه‌ای داریم که به کودکان خواندن و نوشتن می‌آموزد؟ امام علیه السلام فرمود: به او بگو؛ وقتی که بچه را به او می‌سپارند به ولی او بگوید:

من تنها به او خواندن و نوشتن و حساب می‌آموزم و به وسیله آموزش قرآن با خدا معامله می‌کنم، تا این که شغل او پاک و گوارا باشد. (۳)

اما معاش زندگی معلم بر عهده دولت است و دولت مسئول آن است و باید زندگی او را اداره کند تا از آنچه در دست مردم است بی‌نیاز گردد.

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۳.

(۲) حلیة الاولیاء: ۳ / ۱۴۰ و در جمهره الاولیاء: ۲ / ۷۳ آمده است: «هر که علم را پنهان کند و یا به اجبار مزدی برای تعلیمش بگیرد، علم او هرگز سودی نخواهد داشت».

(۳) استبصار: ۳ / ۶۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۳.

(۱)

**تواضع معلّم**

امام علیه السلام جامعه آموزشی را بر تواضع و ترک خودخواهی و تکبر نکردن به مردم تشویق فرموده و به یکی از معلمان می‌گوید:

«اگر به مردم خوب تعلیم دادی و بر ایشان تکبر نکردی خداوند از لطف خود بر تو فزونی دهد، اما اگر تو جلو علمت را بگیری و به هنگام درخواست دانشجویان، آنان را نادان بگذاری بر خدا لازم خواهد بود تا علم و ارزش علمی را از تو بگیرد و محبت تو را از دلها بیرون کند.» (۱)

(۲)

**محل مدرسه امام**

امام سجاد علیه السلام مسجد پیامبر (ص) را محل و مرکز مدرسه خود قرار داد و در شبستان مسجد، بحث و مذاکرات خود را بر علما و فقها القای فرمود و این مباحث شامل علم فقه، تفسیر، حدیث، فلسفه، علم کلام و قوانین رفتار و اخلاق بود که ما در

بحثهای گذشته به برخی از آنها اشاره کردیم، مورخان می‌گویند: امام علیه السلام در تمام جمعه‌ها یک خطابه عمومی برای مردم ایراد می‌کرد و در این خطابه مردم را موعظه می‌فرمود و آنان را از دنیا بر حذر می‌داشت و به آخرت ترغیب می‌نمود و مردم سخنان امام را به خاطر می‌سپردند و می‌نوشتند. «۲»

و شایان ذکر است که مجلس امام علیه السلام هیچ‌گاه از مذاکرات و فواید علمی خالی نبود، عبد الله بن حسن بن حسن می‌گوید: مادرم فاطمه بنت حسین، به من امر می‌کرد تا در محضر دائمی علی بن حسین علیهما السلام حاضر شوم و من هرگز در مجلس او حضور نیافتم، مگر آن که با دست پر برخاستم؛ یا دستاورد من خوف و خشیت الهی بود و یا علمی بود که از آن حضرت استفاده کرده بودم. «۳»

(۱) مکارم الاخلاق: ص ۱۴۳.

(۲) روضه کافی، خطی.

(۳) اعیان الشیعه: حرف ث، ۱/۴/۳۴۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۴  
(۱)

### اجتماع دانشمندان در محضر امام

دانشمندان علم فقه و قاریان در اطراف امام علیه السلام حلقه زده بودند و در سفر و حضر از آن حضرت جدا نمی‌شدند، چنین بود که هرگاه قصد سفر به بیت الله الحرام می‌فرمود، بیش از هزار دانشمند و قاری، امام را همراهی می‌کردند «۱» و نظریات و فتوای آن حضرت و آنچه از علوم و حکمتها و آداب دل‌پسندی را که بر ایشان القا می‌فرمود، ثبت می‌کردند.  
(۲)

### شاگردان و اصحاب امام

#### اشاره

از مدرسه امام علیه السلام جمع زیادی از بزرگان علما و فقها برخاستند؛ کسانی که علم و عرفان را در جهان اسلام منتشر کردند و ما در ذیل شرح حال آنان و همچنین شرح حال اصحاب امام را نقل می‌کنیم و به نظر ما این مطلب از متممات بحث درباره شخصیت آن حضرت است.

— الف —

#### اشاره

(۳)

**۱- ابان بن ابی عیاش**

شیخ او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام برشمرده و ابن غضائری می‌گوید: وی یکی از تابعین است؛ از انس بن مالک و از امام علی بن حسین علیهما السلام روایت کرده است وی ضعیف است و قابل توجه نمی‌باشد. علمای شیعه کتاب سلیم بن قیس را از مجعولات او می‌دانند. «۲» و احمد بن حنبل می‌گوید:

(۱) بحار الأنوار.

(۲) معجم رجال الحدیث: ۱/ ۱۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۵

او متروک الحدیث است، مردم از دیرباز حدیث او را رها کردند. «۱»

(۱)

**۲- ابان بن تغلب****اشاره**

ابو سعد ابان بن تغلب بن رباح بکری جریری، از بزرگان و از متفکران برجسته اسلامی است. وی از ائمه اهل بیت علیهم السلام بهره زیادی برد و علوم و آثار ایشان را حفظ کرد و نگهبان امین برای فقه ایشان بود، اینک به اختصار برخی از احوال او را بیان می‌کنیم:

(۲)

**ولادت و رشد ابان**

وی در کوفه به دنیا آمده است اما مصادری که در اختیار ماست سال ولادت او را تعیین نکرده و رشد او نیز در کوفه بوده است شهری که پایتخت اهل بیت علیهم السلام بود و مجالس و محافلش پر از ذکر آثار و فضایل ایشان بود، از این رو ابان نیز به محبت و ولایت اهل بیت پرورده شد تا بدان جا که یکی از میرزترین شیعیان و از علمای بزرگ مذهب گردید، وی علوم اسلامی را در جامع اعظم آموخت، آنجا که یکی از مهمترین دانشگاهها و مدارس دینی آن عصر بود.

(۳)

**مقام علمی ابان**

ابان از برجسته‌ترین علمای مسلمین و آگاهترین ایشان در آن زمان بود، نویسندگان شرح حال وی می‌گویند؛ او در هر فنی از علوم قرآن، حدیث، ادب، لغت و نحو بر دیگران مقدم بود. «۲»

و از جمله مطالبی که بر عظمت مقام علمی وی دلالت دارد آن است که

(۱) تهذیب التهذیب: ۱/ ۹۸.

(۲) معجم رجال الحدیث: ۱/ ۲۰.



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۶

هرگاه به مدینه می‌رفت، حوزه درس به او واگذار می‌شد و اسطوانه (موضع خطابه) پیامبر - صلی الله علیه و آله - در اختیار او قرار می‌گرفت. «۱» و فقها و علما برای استفاده از سرمایه‌های علمی او، اطراف او را می‌گرفتند.

(۱)

### روایات ابان از ائمه

ابان از جمله رازداران علوم ائمه علیهم السلام بود، وی از امام زین العابدین علیه السلام و از امام ابو جعفر باقر علیه السلام و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، «۲» از این بزرگوار سه هزار حدیث نقل کرده است.

امام صادق علیه السلام به ابان بن عثمان فرمود: ابان بن تغلب از قول من سه هزار حدیث نقل کرده تو نیز آنها را از قول او نقل کن. «۳» سلیم بن ابی حیة روایت کرده، می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، وقتی که خواستم خدا حافظی کنم، عرض کردم دوست داشتم از محضر شما فیضی ببرم، فرمود: نزد ابان بن تغلب برو که او از من حدیث فراوان شنیده است و هر چه برای تو روایت کرد تو نیز آن را از قول من روایت کن. «۴»

(۲)

### بزرگداشت ائمه از ابان

ابان مورد احترام و افتخار ائمه علیهم السلام بود و این بزرگداشت از آن جهت بود که وی علاوه بر سرمایه‌های علمی فراوانی که در اختیار داشت از تقوا و پرهیزگاری و احتیاط دینی فوق العاده برخوردار بود، چنان بود که هر وقت بر امام صادق وارد می‌شد با عنایت و تعظیم فراوان آن حضرت روبرو می‌شد، امام علیه السلام با او مصافحه و معانقه می‌کرد و به او خوشامد می‌گفت و دستور می‌داد پستی برای او می‌آوردند. «۵» و امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره او می‌گفت:

(۱) المعجم: ۲۲ / ۱.

(۲) رجال طوسی.

(۳-۴-۵) المعجم: ۲۲ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۷

«در مسجد مدینه بنشین، و در مسائل دینی مردم فتوا بده که من دوست دارم نظیر تو را در میان شیعیانم ببیند.» «۱»

این حدیث دلیل بر اجتهاد ابان است و این که او برای فتوا دادن در بین مردم شایستگی داشت همچنان که بر احترام و بزرگداشت امام از وی دلالت دارد، امام ابو عبد الله صادق علیه السلام به او فرمود:

«با مردم مدینه مجالست کن که من دوست دارم، آنان نظیر تو را در میان شیعیان ما ببینند...» «۲»

ائمه علیهم السلام این عالم بزرگ را گرامی می‌داشتند زیرا دارای علوم ایشان بوده و به راه و روش ایشان می‌رفته و از ایشان پیروی می‌کرده است.

(۱)

### امانتداری ابان

نویسندگان احوال ابان، همگی بر وثاقت و امانت و راستگویی او در نقل حدیث متفقند و کسی از این جهت بر او خرده نگرفته است و لیکن گروهی به دلیل محبت وی به اهل بیت علیهم السلام از او انتقاد کرده‌اند، جوزجانی می‌گوید: «او کج‌رو، نکوهیده مذهب بوده و آشکارا بر این مذهب بوده است.» «۳» و ذهبی می‌گوید: وی شیعی نستوده بود و با این همه راستگو بوده است بنابراین راستگویی به سود ماست و بدعتش به زیان او! و اضافه می‌کند: چگونه رواست که بدعتگذاری را توثیق کرد در حالی که حدّ امانتداری عدالت و استواری است؟

و چگونه ممکن است بدعتگذار عادل باشد؟

پاسخ ذهبی این است که بدعت دو نوع است: یکی بدعت کوچک مانند

(۱) معجم الآداب: ۱۰۸/۱.

(۲) معجم رجال الحدیث: ۲۱/۱.

(۳) معجم رجال الحدیث: ۲۱/۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۸

غلو تشیع و یا تشیع بدون غلو و انحراف که این نوع بدعت در میان تابعین و تابعان تابعین با وجود دین‌داری، پارسایی و راستگویی‌شان بسیار بود و اگر حدیث اینان رد شود تمام آثار نبوی از بین رفته است و این مفسده‌ای آشکار است، و سپس بدعت بزرگ مانند رفض کامل و غلو در آن باره و فرو گذاردن ابو بکر و عمر و دعوت بر این روش که با این نوع از بدعت نه قابل استدلال است و نه کرامتی برای صاحب بدعت می‌باشد. «۱» اما این نظر ذهبی حامل هیچ نوع انگیزه اصیلی نمی‌تواند باشد، زیرا که تحقیق علمی، بر پذیرش قول شخص موثق راستگویی حکم می‌کند که از دروغ برحذر است، و به خصوصیات عقیدتی در این مسأله هیچ دخالتی داده نمی‌شود.

(۱)

### دوستی اهل بیت

خداوند به ابان معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام را مرحمت کرده بود و او حافظ علوم و آداب ایشان و در فقه اهل بیت مجتهد بوده است و همواره در میان مردم فتوا می‌داد و در پرتو فتوایش مشکلات مردم را حل می‌کرد و همچنین در مجالس و محافل کوفه فضایل ایشان را می‌گفت و با دشمنان و مخالفانشان در زمانی محابجه و مناظره می‌فرمود که هر کس نام ایشان را به نیکی یاد می‌کرد در معرض سخت‌ترین نوع گرفتاریها و ناگواریها قرار می‌گرفت، زیرا که امویان برای سرکوبی و وارد ساختن سخت‌ترین مجازات نسبت به محبان و موالیان اهل بیت بسیار جدی بودند و لیکن ابان خودش را برای این مشکلات آماده کرده بود زیرا که محبت وی نسبت به اهل بیت علیهم السلام تنها یک مسأله عاطفی نبود بلکه بر اساس تفکر و دلیل استوار بود؛ کتاب و سنت، دوستی اهل بیت را بر مسلمانان واجب دانسته و آن را جزئی غیر قابل انفکاک از اسلام شمرده‌اند.

به هر حال ابان ولای اهل بیت را بشدت در دل داشت و معتقد بود که

(۱) میزان الاعتدال: ۵-۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۰۹

فضیلت صحابه پیامبر (ص) و علو مقام و مرتبه‌شان به میزان ارتباط آنان به عترت طاهره بستگی دارد زیرا عبد الرحمن بن حجاج

روایت کرده، می‌گوید: ما در مجلس ابان بن تغلب بودیم در آن میان جوانی وارد شد و رو به ابان کرد و گفت: «ای ابو سعید، بگو بینم چند تن از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - با علی بن ابی طالب همعقیده بودند؟ ...» ابان مقصود او را فهمید و در پاسخ او گفت: «گویا تو می‌خواهی فضل و برتری علی علیه السلام را نسبت به کسانی از اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را که از او پیروی کردند، بدانی ...» آن جوان فوراً گفت:

«همین طور است ...»

آنگاه ابان در حق امام علیه السلام جوابی آگاهانه داد و فرمود:

«به خدا سوگند که ما برای صحابه فضیلتی جز به پیروی ایشان از علی نمی‌شناسیم.» (۱)

حقا که امام امیر المؤمنین علیه السلام رهبر حکمت و عدالت در جهان اسلام بود و او میزان و وسیله سنجشی است که ارزش افراد به او شناخته می‌شود، بنابراین هر کس صمیمانه او را دوست بدارد به فضیلت بزرگی دست یافته و هر که او را دشمن بدارد از حق و حقیقت منحرف گشته و بیراهه رفته است.

از جمله مظاهر دوستی ابان نسبت به ائمه اطهار و اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - آن است که وی بر گروهی گذر کرد و آنها به خاطر این که از امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت می‌کرد شروع به بدگویی او کردند و او به ایشان ریشخند زد و گفت: «چگونه مرا به خاطر روایتم از مردی سرزنش می‌کنید که چیزی از او نپرسیدم مگر آن که می‌فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - چنین فرمود.» (۲)

(۱) حیات الامام محمد باقر: ۱۹۲ / ۲.

(۲) حیات الامام الباقر: ۱۹۳ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۰

براستی روایت ابان از امام باقر علیه السلام به روایت از پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌پیوندد و آن از نظر سند مطمئن‌ترین و درست‌ترین روایتهاست.

(۱)

### مؤلفات ابان

ابان مجموعه‌ای از کتب را تألیف کرده که خود دلیل بر گستردگی علوم و معارف اوست و برخی از آن کتابها به شرح زیر است:

۱- تفسیر غریب القرآن، ابان شواهدی از شعر در آن باره آورده و بعدها عبد الرحمن بن محمد ازدی کوفی آمده و از کتابهای ابان و محمد بن سایب کلبی و ابن رواق بن عطیه کتابی فراهم کرد.

۲- الفضائل، «۱» و شاید این کتابی بوده باشد که در آن فضایل اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده است.

۳- الاصول درباره روایت بر اساس مذهب شیعه است. «۲»

(۲)

### وفات ابان

این شخصیت بزرگ، در سال ۱۴۱ ه از دنیا رفت و مرگ او خسارت بسیار بزرگی برای جهان اسلام بود و امام صادق علیه السلام

بر مصیبت او غمگین شد و با تأسف و اندوه می‌فرمود:

«به خدا سوگند که مرگ ابان دل مرا به درد آورد.» (۳)

ابو البلاد می‌گوید:

«مردی از شیعه در دورترین نقطه زمین، اگر از مرگ ابان سوگوار نشود،

(۱) فهرست ابن ندیم، فهرست طوسی: ص ۴۲.

(۲) فهرست ابن ندیم.

(۳) معجم الأدباء: ۱/ ۱۰۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۱

باید بسیار فرومایه و پست فطرت باشد.» (۱)

خداوندا ابان را پیامرزد که از حق حمایت کرد و همچون قهرمانان، در راه حق و برای اعلائی کلمه الله مبارزه کرد و مرگش از جمله مصیبت‌های بزرگی بود که دین مقدس اسلام در آن عصر سوگوار شد.

(۱)

### ۳- ابراهیم بن ابی حفصه

مولی بنی عجل، شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام برشمرده است. (۲)

(۲)

### ۴- ابراهیم بن بشیر

ابراهیم بن بشیر انصاری مدنی، شیخ او را با همین عنوان از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است. (۳)

(۳)

### ۵- ابراهیم بن عبد الله

ابراهیم بن عبد الله بن معبد بن عباس بن عبد المطلب بن عبد مناف، شیخ او را با این عنوان از اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته

است. (۴)

(۴)

### ۶- ابراهیم بن محمد

ابراهیم بن محمد بن علی بن ابی طالب بن حنفیه مدنی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام برشمرده است. (۵)

(۱) الامام الصادق و المذهب الأربعة: ۵۷/۳. عَضُّ بِيظَرٍ أَمَّ رَجُلٍ ... (نك فرج مادرش را گاز گرفته مردی ...) کنایه از فرومایگی است.

(۲-۳-۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۲

(۱)

#### ۷- ابراهیم بن یزید

ابراهیم بن یزید نخعی کوفی، مکئی به ابو عمران متوفای سال ۱۰۶ هـ.

وی غلام و از یک چشم نابینا بوده است، شیخ این چنین ذکر کرده است. «۱» و گروهی نسبت به او کینه ورزیدند به این دلیل که او گفته بود: ابو هریره فقیه نبوده است. «۲»

(۲)

#### ۸- احمد بن حمویه

شیخ او را با همین عنوان از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام شمرده است. «۳»

(۳)

#### ۹- اسحاق بن عبد الله

اسحاق بن عبد الله بن حرث بن نوفل بن حرث بن عبد المطلب مدنی، شیخ او را با این عنوان از اصحاب امام سجاد علیه السلام دانسته است. «۴»

(۴)

#### ۱۰- اسحاق بن عبد الله بن ابی طلحه

اسحاق بن عبد الله بن ابی طلحه مدنی، شیخ او را از اصحاب امام سجاد و نیز از اصحاب امام باقر علیهما السلام شمرده است. «۵»

(۵)

#### ۱۱- اسحاق بن یسار

اسحاق بن یسار مدنی مولی قیس بن مخرمه، پدر محمد بن اسحاق صاحب

(۱) رجال طوسی.

(۲) میزان الاعتدال: ۱/ ۷۵.

(۳) رجال طوسی.

(۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۳

واقدی، شیخ او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام و همچنین از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده است. «۱»

(۱)

### ۱۲- اسماعیل بن امیه

شیخ او را با همین عنوان از اصحاب امام سجاد علیه السلام دانسته است. «۲»

(۲)

### ۱۳- اسماعیل بن رافع

اسماعیل بن رافع مدنی، شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام شمرده است. «۳» و ذهبی می گوید: وی اهل مدینه و معروف بوده، و در بصره اقامت گزید و از مقبری و قرطبی نقل حدیث می کرد و وکیع و مکی و گروهی دیگر از او روایت کرده‌اند، احمد و یحیی و جمعی دیگر او را ضعیف دانسته‌اند و دارقطنی و دیگران می گویند او متروک الحدیث است و ابن عدی گفته است: که تمام احادیث وی مورد اشکال است. «۴»

(۳)

### ۱۴- اسماعیل بن عبد الخالق

شیخ او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام بر شمرده و می گوید: وی تا زمان امام ابو عبد الله صادق زندگی کرد. «۵» نجاشی می گوید: وی بزرگی از بزرگان اصحاب ما و فقیهی از جمله فقهای ما بود و او از خانواده شیعه بوده و عموهایش شهاب، عبد الرحیم و وهب و پدرش عبد الخالق همگی از افراد موثق بوده‌اند، او از ابو جعفر و ابو عبد الله (ع) روایت نقل کرده است و اضافه می کند که او کتابی داشته است. «۶»

(۱-۲-۳) رجال طوسی.

(۴) میزان الاعتدال: ۱/ ۲۲۷.

(۵) رجال طوسی.

(۶) رجال نجاشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۴

(۱)

### ۱۵- اسماعیل بن عبد الرحمن

اسماعیل بن عبد الرحمن بن ابی کریمه سدی کوفی. شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام دانسته است همچنان که او را از اصحاب امام باقر نیز برشمرده و می‌گوید: وی ابو محمد قرشی مفسر کوفی می‌باشد. «۱»

(۲)

### ۱۶- اسماعیل بن عبد الله

اسماعیل بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، تابعی، شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام شمرده است همان گونه که در شمار اصحاب امام باقر علیه السلام آورده است. «۲»

(۳)

### ۱۷- افلح بن حمید

افلح بن حمید رواسی کلابی کوفی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است و از آن حضرت روایت نقل کرده، همانگونه که مبارک نیز از او روایت کرده است. «۳»

(۴)

### ۱۸- ایوب بن حسن

ایوب بن حسن بن علی بن ابی رافع غلام رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و نام ابو رافع، اسلم بوده است. شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته است. «۴»

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) معجم رجال الحدیث: ۳/ ۳۲۱.

(۴) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۵

(۱)

### ۱۹- ایوب بن عابد

ایوب بن عایذ طائی بختری، شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام شمرده است. «۱»

— ب —

### اشاره

(۲)

### ۲۰- برد اسکاف

شیخ او را از جمله اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام دانسته، «۲» نجاشی می‌گوید: وی غلام مکاتب بود، و کتابی داشته است که ابن ابی عمیر از آن نقل می‌کند. «۳»

(۳)

### ۲۱- بشر بن غالب

بشر بن غالب اسدی کوفی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام بر شمرده، «۴» و برقی او را از اصحاب امام امیر المؤمنین علیه السلام و حسنین و سجّاد علیهم السلام دانسته است. «۵»

(۴)

### ۲۲- بکر بن اوس

ابو منهل طائی بصری، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است «۶».

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) رجال نجاشی.

(۴) رجال طوسی.

(۵) رجال برقی.

(۶) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۶

(۱)

### ۲۳- بکیر بن عبد الله



بکیر بن عبد الله بن اشبح، شیخ او را با همین عنوان از اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته است. «۱»

— ن —

### اشاره

(۲)

### ۲۴- ثابت بن اسلم

ثابت بن اسلم بنانی قرشی تابعی، وی از انس روایت شنیده است، و شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است. «۲»

(۳)

### ۲۵- ثابت بن ابی صفیه

### اشاره

وی همان ابو حمزه شمالی عالم گرانقدر و پارسای پرهیزگاری است که به آداب اهل بیت علیهم السلام تربیت یافته و حامل علوم و معارف ایشان بوده است و ما به برخی از شئون و احوال او اشاره می‌کنیم:

(۴)

### نشو و نمای ثابت

ابو حمزه در شهر کوفه که مرکز تشیع و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بود، نشو و نما یافت و علوم خود را از استادانی کسب کرد که حامل علوم و فقه اهل بیت علیهم السلام بودند، و خود یکی از برجسته‌ترین علما و اساتید و پارسایان آن دیار گردید. «۳»

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) الکنی و الالقب: ۲/ ۱۳۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۷

(۱)

### وثاقت ابو حمزه

تمام نویسندگان شرح حال وی به وثاقت، عدالت و درستی حدیثش متحد القولند و او به فرموده امام صادق علیه السلام همچون سلمان فارسی در زمان خود بود «۱» و ابن معین او را به خاطر شیعه بودن و دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، که خداوند

دوستی آنان را بر مسلمانان واجب شمرده است، مورد انتقاد قرار داده است. «۲»

(۲)

### مقام علمی ابو حمزه

وی در علم حدیث، فقه، علوم لغت و جز اینها از برجسته‌ترین علمای زمان خود بوده است و ابن ماجه در کتاب الطَّهَّارَه از او حدیث نقل کرده «۳» و شیعیان در کوفه به خاطر احاطه وی به فقه اهل بیت علیهم السلام، به او مراجعه می‌کردند.

(۳)

### مؤلفات ابو حمزه

وی مجموعه‌ای از کتابها را در علوم مختلف تألیف کرده است که خود دلیل بر علم و دانش فراوان اوست، از جمله:

۱- کتاب التَّوَادِر.

۲- کتاب الزَّهْد. «۴»

۳- کتاب تفسیر القرآن. «۵»

۴- روایت وی رساله الحقوق را از امام زین العابدین علیه السلام. «۶»

(۱) رجال نجاشی.

(۲) میزان الاعتدال: ۱/ ۳۶۳، تهذیب التهذیب: ۷/ ۲.

(۳) تهذیب التهذیب: ۸/ ۲.

(۴-۵) فهرست طوسی.

(۶) تحف العقول.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۸.

۵- روایتش دعای سحر معروف به دعای ابو حمزه «۱» را که از امام بزرگوار امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند.

(۱)

### روایات ابو حمزه از ائمه

ابو حمزه تعداد زیادی از احادیث را از قول ائمه طاهرين عليهم السلام نقل کرده است؛ از امام زین العابدین علیه السلام و از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده «۲» و همچنین از ابو رزین اسدی و جابر بن عبد الله انصاری نقل حدیث کرده است. و ابو ایوب و ابو سعید مکاری و ابن رآب و ابن محبوب و ابن مسکان و ابان بن عثمان و دیگران از او حدیث نقل کرده‌اند. «۳»

(۲)

### وفات ابو حمزه

این عالم گرانقدر در سال ۱۵۰ هجری وفات یافت «۴» و مسلمانان با فقدان او یکی از بزرگان اندیشه و جهاد دوران خود را از دست دادند.

(۳)

**۲۶- ثابت بن عبد الله**

ثابت بن عبد الله بن زبیر بن عوام بن اسد بن خویلد بن عبد العزّی قرشی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است.

«۵»

(۴)

**۲۷- ثابت بن هرمز**

ثابت بن هرمز فارسی، ابو مقدم عجلی حدّاد، غلام بنی عجل. شیخ او را

(۱) الکنی و الالقاب.

(۲) رجال کشی.

(۳) معجم رجال الحدیث: ۱۶۲/۲۱.

(۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۱۹

از اصحاب امام سجّاد علیه السلام بر شمرده است. «۱» و نجاشی می گوید: مجموعه‌ای از علی بن حسین علیهما السلام روایت شده و آن را پسر ثابت، عمرو بن ثابت از آن حضرت نقل کرده است. «۲» علامه او را از گروه بتریه «۳» شمرده است در حالی که امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره بتریه فرمود: تعداد بسیاری از افرادی را که گمراه شدند، ایشان به گمراهی کشیدند و اینان از جمله کسانی هستند که خداوند عز و جل درباره ایشان فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ. «۴» «۵» امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر بتریه میان مشرق و مغرب صفی تشکیل داده بودند، خداوند دین را به وسیله ایشان عزّت نمی بخشید.» «۶» احمد بن معین و ابن حیان او را توثیق کرده‌اند، «۷» و شاید توثیق ایشان از او به دلیل بتریه بودن اوست.

(۱) رجال نجاشی.

(۲) خلاصه.

(۳) «بتریه به فتح، و یا به ضم باء از فرق زیدیه بودند که ایشان را صالحیه نیز می خواندند و از یاران حسن بن صالح بن حی و کثیر النّوی شاعر معروفند که او را ابتر لقب داده بودند، نوبختی گوید: ابتریه می گفتند که برترین مردم پس از پیغمبر و شایسته‌ترین ایشان برای امامت علی (ع) بود.

ایشان از هواخواهان استوار و پابرجای علی (ع) بودند و می گفتند که مخالفان وی اهل دوزخ و آتشند ... باید دانست که بتریه از اصحاب حدیث و پیروان حسن بن صالح بن حی همدانی ثوری کوفی (۱۰۰-۱۸۶ ه) و کثیر النّوی (یعنی کثیر هسته فروش) از معاصران حضرت محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) و از یاران سالم بن ابی حفصه (م ۱۳۷ ه) و حکم بن عتیبه کوفی (م ۱۱۵ ه) و ابو المقدم ثابت حدّاد از اصحاب امام سجّاد و حضرت باقر و سلمه بن کهیل (م ۱۲۲ ه) بودند ... (فرهنگ فرق اسلامی: ص ۱۰

دکتر محمد جواد مشکور) - م.

(۴) بقره/ ۸: و از مردم کسانی می‌گویند: به خدا و روز واپسین ایمان آوردیم در حالی که ایمان نیاورده‌اند.

(۵-۶) رجال کشی.

(۷) تهذیب التّهذیب: ۱۶/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۰

(۱)

## ۲۸- ثویر بن ابی فاخته

ثویر بن ابی فاخته کوفی، غلام امّ هانی و بعضی گفته‌اند وی غلام همسر وی جعه بوده است. «۱» شیخ او را از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام و از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده است. «۲» ثویر نقل کرده، می‌گوید: به قصد حج خانه خدا بیرون شدم و عمرو بن ذی القاضی و ابن قیس ماصر و صلت بن مهرا م نیز با من همراه بودند و ایشان وقتی که در مقصد فرود آمدند، گفتند: اکنون توجّه کن، ما چهار هزار مسأله‌ای را که نوشته‌ایم تا هر روز سی مسأله از ابو جعفر- امام باقر- علیه السلام بپرسیم، ما این مطلب را به تو واگذار می‌کنیم، ثویر می‌گوید: این موضوع مرا غمگین کرد تا این که به مدینه رسیدیم و از هم جدا شدیم و من بر ابو جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: فدایت شوم؛ ابن ذر و ابن قیس ماصر و صلت همراه من بودند و من از ایشان شنیدم که می‌گفتند:

چهار هزار مسأله را نوشته‌ایم و می‌خواهیم آن مسائل را از ابو جعفر علیه السلام بپرسیم و این مطلب مرا غمگین کرد، امام ابو جعفر علیه السلام پرسید: چرا غمگین شدی؟ وقتی که ایشان آمدند به ایشان اجازه بده وارد شوند، و چون فردا شد غلام ابو جعفر علیه السلام وارد شد و عرض کرد: فدایت شوم ابن ذر به همراه گروهی به در منزل آمده‌اند، (ثویر می‌گوید) ابو جعفر علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ثویر! برخیز و به ایشان اجازه ورود بده. من برخاستم و آنها را به منزل درآوردم، همین که وارد شدند، سلام دادند و نشستند و چیزی نگفتند. چون سکوت ایشان به درازا کشید، امام ابو جعفر علیه السلام رو به ایشان کرد و از ایشان خواست تا سخن بگویند و آنان چیزی نمی‌گفتند، ابو جعفر علیه السلام وقتی که چنین دید، به کنیزش به نام سرحه فرمود: سفره غذا را بیاور. همین که سفره را حاضر کرد، امام

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳۶/۲.

(۲) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۱

علیه السلام فرمود: سپاس خدا را که برای هر چیزی حد پایانی قرار داده حتی برای این سفره نیز حدّ پایانی قرار داده است، ابن ذر فوراً پرسید:

حد سفره چیست؟

«وقتی که سفره نهاده می‌شود، نام خدا را می‌برند و چون بر می‌دارند حمد و سپاس خدا را می‌گویند...»

(۱) امام علیه السلام به ایشان دستور داد تا غذا میل کنند و به آن کنیز گفت آب خوردن بیاورد و او ظرف آبی از پوست آورد، امام

علیه السلام فرمود: سپاس خدای را که برای هر چیزی حد پایانی مقرر فرموده است، ابن ذر فوراً پرسید:

حد آب خوردن چیست؟

«حد آب خوردن آن است که وقت نوشیدن نام خدا را ببرند و پس از نوشیدن حمد خدا را بگویند و نباید از طرف دسته ظرف و همچنین اگر شکستگی دارد از جای شکستگی آب بخورند...»

و همین که از خوردن غذا فارغ شدند، امام علیه السلام رو به ایشان کرد و از ایشان خواست تا سخن بگویند، ایشان از هیبت و شکوه امام ساکت بودند و امام علیه السلام به ابن ذرّ توجهی کرد و فرمود:

«آیا ممکن است یکی از احادیث ما را که به شما رسیده است نقل کنی؟»

آری یا بن رسول الله، رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود: من در میان شما دو شیء گرانقدر می‌گذارم؛ یکی بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا و اهل بیت، اگر به آن دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهند شد...»

امام ابو جعفر علیه السلام فرمود:

«یا بن ذر، اگر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را ملاقات کنی و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۲

بگویند: درباره ثقلین پس از من چه کردید؟ چه خواهی گفت؟» ابن ذر آماده شد و چنین گفت:

«اما ثقل اکبر- یعنی قرآن- را پاره پاره کردیم و اما ثقل اصغر- یعنی عترت طاهره- را کشتیم.»

امام ابو جعفر فرمود:

«یا بن ذر آیا با وجود این حدیث پیامبر را باور داری؟ نه به خدا سوگند، روز قیامت قدمی بر نخواهی داشت مگر این که از سه چیز می‌پرسند: از عمر، که در چه راهی گذرانده‌ای و از مال و ثروت که از کجا به دست آورده‌ای و در چه راهی صرف کرده‌ای و از

محبت ما اهل بیت مؤاخذه می‌شوی.»

(۱) آن گروه از سرای امام علیه السلام بیرون شدند، و امام به غلامش دستور داد تا در پی ایشان برود و ببیند چه می‌گویند؛ غلام رفت و برگشت و به امام علیه السلام عرض کرد: شنیدم که به ابن ذر می‌گفتند: برای این مطالب به همراه تو آمدیم؟ گفت:

وای بر شما ساکت باشید و به آنچه می‌گویم گوش فرا دهید: مردی که معتقد است خداوند از ولایت ایشان می‌پرسد با وجود این چگونه ممکن است از چنین کسی که حد سفره انداختن و حد ظرف آب‌خوری را می‌داند، من چیزی پرسم؟. (۱)

(۲)

## ۲۹- ثویر بن یزید

ثویر بن یزید شامی، شیخ او را از جمله اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام شمرده است. (۲) وی از خالد بن سعدان روایت کرده و عبد الرحمن بن

(۱) حیاة الامام الباقر: ۲/ ۲۲۳-۲۲۵.

(۲) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۳

محمد عرزمی نیز از وی روایت کرده است. (۱)

- ج -

## اشاره

(۱)

## ۳۰- جابر بن محمد

جابر بن محمد بن ابی بکیر، شیخ او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام دانسته است. «۲»

(۲)

## ۳۱- جعفر بن ابراهیم

جعفر بن ابراهیم جعفری هاشمی مدنی، شیخ او را در زمره اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام یاد کرده است. «۳»

(۳)

## ۳۲- جعفر بن ایاس

ابو بشر جعفر بن ایاس نصری، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام شمرده است. «۴»

(۴)

## ۳۳- جعفر بن محمد

امام جعفر بن محمد بن علی بن حسین- امام صادق علیه السلام- وی عقل متفکر در اسلام و تجدید کننده این دین و سنگردار شریعت جدش سید المرسلین، یعنی کسی است که تمام علوم را منتشر کرد و قواعد و اصول هر علمی را استوار ساخت، علوم و معارف آن حضرت به علوم شریعت اسلامی منحصر نبود بلکه شامل فلسفه، کلام، علوم پزشکی، شیمی، فیزیک، تشریح، و

(۱) معجم رجال الحدیث: ۴۱۳/۳.

(۲-۳-۴) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۴

هیأت بوده است و این بزرگوار از نظر دانشمندان غربی به مغز متفکر انسانیت «۱» معروف است، همچنان که از دیدگاه دانشمندان اسلامی عنوان بزرگ معجزه اسلامی را گرفته است. اما بحث و بررسی کامل شئون و احوال آن حضرت مجموعه بزرگی را می‌طلبد که از خداوند متعال توفیق ورود به بحث درباره زندگی آن حضرت را مسألت دارم. شیخ آن بزرگوار را نیز از جمله اصحاب امام

علی بن حسین علیهما السلام شمرده است، «۲» و احادیث زیادی از آن حضرت نقل کرده است.

(۱)

### ۳۴- جعید همدان

برقی او را از اصحاب امام و امام سجّاد علیهما السلام شمرده است «۳» و می‌گوید: وی از جمله اصحاب رسول خدا- صلی الله علیه و آله- نیز بوده است. «۴»

وی از امام علی بن حسین علیهما السلام روایت کرده و عمران بن اعین نیز از او روایت کرده است.

(۲)

### ۳۵- جهم هلالی

جهم هلالی کوفی، شیخ او را در زمره اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام بر شمرده است. «۵»

(۱) کتابی با همین نام «مغز متفکر جهان شیعه» یا جعفر صادق، به قلم جمعی از دانشمندان غربی نوشته شده است که آن را آقای ذبیح الله منصوری ترجمه و اقتباس کرده است- م.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال برقی.

(۴) معجم رجال الحدیث: ۳ / ۰.

(۵) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۵

-ح-

### اشاره

(۱)

### ۳۶- حارث بن جارود

حارث بن جارود تمیمی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته است. «۱»

(۲)

**۳۷- حارث بن فضیل**

حارث بن فضیل مدنی، شیخ او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام شمرده است. «۲»  
(۳)

**۳۸- حیب بن ابی ثابت**

ابو یحیی حیب بن ابی ثابت اسدی کوفی تابعی، وی فقیه کوفه بوده است، شیخ او را از جمله اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام دانسته «۳» و همین طور برقی او را از اصحاب امام شمرده است. «۴» وی از امام امیر المؤمنین علیه السلام و از علی بن حسین، علیهما السلام روایت کرده و عامر بن سمط و دیگران نیز از او روایت نقل کرده‌اند. «۵» او در سال ۱۱۹ هـ از دنیا رفت. «۶»  
(۴)

**۳۹- حیب بن حسان**

حیب بن حسان بن ابی اشرس اسدی که غلام خاندان اسدی بوده است، وی از امام علی بن حسین علیهما السلام و از ابو جعفر و از ابو عبد الله- امام

(۱- ۲- ۳) رجال طوسی.

(۴) رجال برقی.

(۵) معجم رجال الحدیث: ۴ / ۰.

(۶) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۶

صادق- علیهم السلام روایت کرده است. «۱»

(۱) تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۵۲۶ ۴۰ - حیب بن معلی ..... ص: ۵۲۶

**۴۰- حیب بن معلی**

حیب بن معلی سجستانی، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام شمرده، «۲» و کشی می گوید: او ابتدا از خوارج بود ولی بعدها وارد این مذهب شد، او از اصحاب ابو جعفر و ابو عبد الله علیهما السلام و از ملازمین ایشان بوده است. «۳»  
(۲)

**۴۱- حدیم بن سفیان**



حدیم بن سفیان اسدی کوفه، از اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام است، شیخ در رجال خود او را چنین معرفی کرده است.

«۴»

(۳)

#### ۴۲- حدیم بن شریک

حدیم بن شریک اسدی، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته است. «۵»

(۴)

#### ۴۳- حرّ بن کعب

حرّ بن کعب ازری کوفی، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است. «۶»

(۵)

#### ۴۴- حسان عامری

برقی او را از جمله اصحاب امام سجّاد علیه السلام دانسته است. «۷»

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) رجال کشی.

(۴-۵-۶) رجال طوسی.

(۷) رجال برقی.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۷

(۱)

#### ۴۵- حسن بن رواج

حسن بن رواج بصری، شیخ او را از جمله اصحاب امام علی بن حسین علیهما السلام دانسته است. «۱»

(۲)

#### ۴۶- حسن بن علی

حسن بن علی بن ابی رافع، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است. «۲»

(۳)

**۴۷- حسن بن عماره**

حسن بن عماره کوفی، عامی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته «۳» و برقی او را در زمره اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام آورده است. «۴»

(۴)

**۴۸- حسن بن محمد**

حسن بن محمد بن حنفیه بن امام امیر المؤمنین علیه السلام، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵»

(۵)

**۴۹- حسین بن علی**

حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از اولاد امام زین العابدین علیه السلام، شیخ مفید درباره او می‌گوید: او فاضلی پرهیزگار بوده است، حدیث بسیاری از پدرش علی بن حسین علیهما السلام و عمه‌اش فاطمه بنت الحسین علیه السلام و برادرش ابو جعفر علیه السلام نقل کرده است «۶» و امام باقر

(۱-۲-۳) رجال طوسی.

(۴) رجال برقی.

(۵) رجال طوسی.

(۶) ارشاد مفید.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۸

علیه السلام درباره او می‌فرماید: و اما حسین مردی بردبار بوده، با تواضع روی زمین حرکت می‌کرد و هنگامی که افراد نادان او را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دادند در مقابل به ایشان سلام و درود می‌فرستاد. «۱»

وی در سال ۱۵۷ ه، در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد و در وقت مردن هفتاد و چهار سال عمر داشت. «۲»

(۱)

**۵۰- حصین بن عمرو**

حصین بن عمرو همدانی کوفی مشعاری، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳»

(۲)

### ۵۱- حطان بن خفان

ابو جبیره حطان بن خفان جرمی، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام دانسته است. «۴»  
(۳)

### ۵۲- حفص بن عمر

حفص بن عمر انصاری کوفی، شیخ او را در ردیف اصحاب امام سجاد علیه السلام آورده است. «۵»  
(۴)

### ۵۳- حکم بن عتیبه

ابو محمد حکم بن عتیبه کنندی کوفی، برقی او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام شمرده «۶» و همچنین شیخ او را در ردیف اصحاب امام علیه السلام آورده

(۱) حیاة الامام محمد الباقر: ۱ / ۰.

(۲) معجم رجال الحديث: ۴۴ / ۶.

(۳-۴-۵) رجال طوسی.

(۶) رجال برقی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۲۹

است و اضافه فرموده که وی از گروه بتریه است «۱» و کشی، گروهی از اخبار را در انتقاد و نکوهش او نقل کرده و این که او از جمله منحرفین و گمراهان است.

ابو بصیر روایت کرده، می گوید: از ابو جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حکم بن عتیبه، سلمه، کثیر التوی، ابو المقدم و ثمار (یعنی سالم) بسیاری از این گمراهان را به گمراهی کشیدند و اینان از جمله کسانی هستند که خداوند درباره ایشان فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» «۲» و این روایت دلالت دارد که حکم از ریشه‌های گمراهی آن زمان بوده است و او از جمله عاملان فاسد کردن عقیده اسلامی و انحراف مسلمانان از راه حق و حقیقت بوده است.

ابن حجر او را توثیق و از او تمجید کرده است و سخنان زیادی در توصیف او گفته است «۳» احتمال قوی آن است که ابن حجر تنها به خاطر انحراف وی از ولایت اهل بیت علیهم السلام که طبق نص پیامبر (ص) پس از قرآن کریم ثقل اکبرند، او را توثیق کرده باشد.

**۵۴- حکیم بن جبیر**

حکیم بن جبیر بن مطعم بن عدی بن عبد مناف قرشی مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است «۴» و استاد ما آقای خویی می‌گوید: او از علی بن حسین علیهما السلام روایت کرده و حنان بن سدیر از طریق پدرش از وی روایت کرده است. «۵»

(۲)

**۵۵- حکیم بن حکم**

حکیم بن حکم بن عباد بن حنیف انصاری، از امام علی بن حسین و امام

(۱) رجال طوسی.

(۲) بقره/ ۸.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۲/ ۴۳۴.

(۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۰

ابو جعفر و امام صادق علیهم السلام روایت کرده و از اصحاب امام سجاد علیه السلام است. «۱»

(۱)

**۵۶- حکیم بن صهیب**

ابو سدیر حکیم بن صهیب صیرفی، کوفی. شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده همان گونه که او را از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته است. «۲»

(۲)

**۵۷- حمید بن نافع**

حمید بن نافع همدانی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳»

(۳)

**۵۸- حمید بن مسلم**

حمید بن مسلم کوفی، شیخ او را در شمار اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۴» و شاید وی همان کسی باشد که

برخی از رویدادهای غم‌انگیز کربلا را نقل کرده و به همراه یاران ابن سعد بوده است.

-خ-

**اشاره**

(۴)

**۵۹- خشرم بن بسار**

خشرم بن بسار مدنی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵»

---

(۱-۲-۳-۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۱

-د-

**اشاره**

(۱)

**۶۰- داوود صرمی**

شیخ او را در رجال خود از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱»

-ر-

**اشاره**

(۲)

**۶۱- رباح بن عبیده**

رباح بن عبیده همدانی، شیخ در رجال خود او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۲»

(۳)

**۶۲- ربیعۀ بن ابی عبد الرحمن**

وی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده و فضیل بن عثمان نیز از او روایت کرده است. «۳»

(۴)

**۶۳- ربیعۀ بن عثمان**

وی استاد ابو حنیفه است، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است «۴» ابن حجر می گوید: ابو عثمان، ربیعۀ بن عثمان بن عبد الله بن هدیر تمیمی مدنی، از سهل بن سعد بطور مرسل، حدیث نقل کرده و از

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) معجم رجال الحدیث: ۱۷۹ / ۷.

(۴) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۲

زید بن اسلم و عابر بن عبد الله بن زبیر و دیگران روایت کرده است. ابو حاتم می گوید: او مردود الحدیث است و او دیگران را به نوشتن حدیث وادار می کرد.

نسائی می گوید: او قابل اعتنا نیست. واقدی گوید: وی در سال ۱۵۴ ه در سن هفتاد و هفت سالگی درگذشت. «۱»

(۱)

**۶۴- رزین بن عبید**

رزین بن عبید سلولی کوفی، شیخ او را در ردیف اصحاب امام سجاد علیه السلام آورده است. «۲»

(۲)

**۶۵- رشید هجری****اشاره**

وی یکی از قهرمانان اسلام و یکی از بزرگمردان مبارز و مدافع سرسخت اصول و عقیده و از برجسته ترین صاحبان رسالت در اسلام است، رشید از خواص اصحاب امام امیر المؤمنین علیه السلام و از دوستان صمیمی آن حضرت بود، امام علیه السلام به او علاقه مند بوده و او را دوست می داشت به این دلیل که او از ایمان زیاد و عقل فراوانی برخوردار بوده است، و امام علیه السلام آنچه از ظلم و طغیان ستمگر جانی عبید الله بن زیاد که بعدها بر او گذشت به او خبر داد و فرمود:

«ای رشید، چگونه خواهد بود صبر تو در وقتی که زنازاده بنی امیه تو را بطلبد، و دست، پاها و زبان تو را ببرد.»  
 رشید با اطمینان و رضایت فراوان از خبری که امام علیه السلام داده بود استقبال کرد و عرض کرد:  
 «یا امیر المؤمنین آیا سرانجام کار من بهشت خواهد بود؟»

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳/ ۲۵۹.

(۲) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۳

امام علیه السلام فوری در پاسخ وی فرمود:

«آری یا رشید، تو در دنیا و آخرت با من خواهی بود.» (۱)

(۱) امام علیه السلام علوم زیادی را به او تعلیم داد و آنچه از ظلم و فساد که در روزگار بنی امیه بر سر امت خواهد آمد با او در میان گذاشت، مورخان می گویند:

امام علیه السلام علوم بلایا و منایا را به او تعلیم داد. «۲» روزی به همراه امام علیه السلام به نخلستان برنی رفتند و جمعی از اصحاب آن حضرت نیز با وی بودند، امام زیر درخت خرمایی نشست و به برنی دستور داد از درختی مقداری خرما چید و نزد ایشان آوردند، رشید از خوبی خرماها تعجب کرد، آنگاه امام علیه السلام به رشید خبر داد که بزودی او را بر چوب آن درخت بر دار خواهند کشید، بعد از آن رشید همواره به نزد آن درخت می آمد و آن را آب می داد و مراقب آن بود تا این که روزی دید آن را بریده‌اند پس یقین پیدا کرد که اجلش نزدیک شده است. «۳» و پس از آن که بشریت به سوک فقدان رهبر خود امام امیر المؤمنین علیه السلام مبتلا شد، رشید از خواص اصحاب امام حسین علیه السلام شد و پس از حادثه غمبار کربلا در زمره خواص اصحاب علی بن حسین علیهما السلام درآمد. «۴»

(۲)

### در پیمان جاودانگی

پسر مرجانه پس از کشتن نواده رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- به

(۱) رجال کشی.

(۲) حضرت امیر المؤمنین علیه السلام او را رشید مبتلا- می نامید، علم بلایا و منایا را که به او تعلیم داد چه بسا به بعضی از مردم می رسید و می گفت تو چنین خواهی شد و چنین کشته می شوی و آنچه می گفت واقع می شد- م.

(۳) رجال کشی.

(۴) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۴

جستجوی شیعیان امام امیر المؤمنین علیه السلام پرداخت و او را از مقام و منزلتی که رشید در نزد اهل بیت علیهم السلام داشت باخبر ساختند، دستور داد تا او را دستگیر کنند، رشید را گرفتند و تحت نظر مأموران نزد ابن زیاد طاغوت آوردند، همین که در حضور وی ایستاد، طاغوت آکنده از خشم فریاد زد:

- «از علی بیزاری بجوی.»

- «بیزاری نمی جویم.»

- «امام تو چگونه تو را خبر داده که کشته خواهی شد؟» - «محبوبم علی علیه السلام به من خبر داد که تو به من تکلیف خواهی کرد تا از او بیزاری جویم، آنگاه دستها، پاها و زبان مرا خواهی برید.»

طاغوت سخت خشمگین شد و در برابر جیره‌خوارانش رو به رشید کرد و گفت:

«به خدا سوگند که دروغ بودن سخن امام تو را درباره تو ثابت می‌کنم.»

و دستور داد تا او را به همان شاخه درختی ببندند - که امام فرموده بود؛ او را به چوبه آن درخت خواهند آویخت - و دستها و پاهای او را ببرند اما زبانش را باقی گذارند، دختر رشید با عجله خودش را رساند و اعضای بریده بدن پدرش را برداشت تا با پیکر مقدسش در خاک دفن کند و به پدرش گفت:

«پدر جان با این درد و المی که به تو رسیده چگونه هستی؟» رشید در پاسخ دخترش فرمود: من احساس درد نمی‌کنم مگر به قدر آن کسی که در میان ازدحام مردم باشد و فشاری ببیند! توده مردم در پیرامون او جمع شدند و به او می‌نگریستند در حالی که از بدنش خون جاری بود و او خطاب به حاضران می‌فرمود:

«دوات و کاغذی بیاورید تا خبر دهم شما را به آنچه مولا می‌خبر داده است که بعد از این تا قیامت واقع خواهد شد» و شروع کرد به سخن گفتن همانند کسی که بر فراز منبری قرار گرفته باشد از آنچه از ظلم و جور در روزگار حکومت اموی بر آنها خواهد گذشت خبر می‌داد، جریان را فوراً به اطلاع ابن زیاد رساندند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۵

و گفتند:

«با این که دست و پای او را بریده‌ایم او از آینده خبر می‌دهد نزدیک است آشوب بپا شود، با او چه کنیم؟» طاغوت دستور داد: بروید زبان او را ببرید و همچنان بر آن چوبه درخت خرما بیاویزید، و مأموران دستور او را اجرا کردند. (۱) به این ترتیب زندگی این مصلح بزرگ به دست پلیدترین انسان و پست‌ترین مخلوق خدا - ابن زیاد - پایان پذیرفت در حالی که رشید پرچم مبارزه و اصلاح اجتماعی را برافراشته و در برابر ظلم و فساد قیام کرده بود.

- ز -

اشاره

(۱)

۶۶- زیاد بن سوجه

زیاد بن سوجه جریری کوفی از غلامان بود، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده «۲» و برقی او را از اصحاب امام ابو جعفر باقر علیه السلام دانسته است. «۳» زیاد در سلسله سند تعدادی از روایات قرار دارد که این روایات بالغ بر نوزده مورد می‌باشد. «۴»

(۲)



**۶۷- زید بن اسلم**

زید بن اسلم عدوی مدنی غلام عمر بن خطاب، وی با امام زین العابدین علیه السلام مجالست زیادی داشت «۵» و از جمله فقهای مشهور است. مالک بن

(۱) رجال کشی.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال برقی.

(۴) معجم رجال الحدیث: ۳۰۹ / ۷.

(۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۶

عجلان درباره او می‌گوید: هرگز کسی هیبت مرا فرو نریخت مگر زید بن اسلم! ابن سعد می‌گوید: زید حدیث فراوانی نقل کرده است، وی پیش از خروج محمد بن عبد الله بن حسن دار دنیا را وداع گفت. «۱»

(۱)

**۶۸- زید بن حسن**

زید بن حسن بن امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده «۲» و ابن حبان او را در ردیف افراد موثق نام برده و می‌گوید وی از بزرگان بنی هاشم و متولی صدقات رسول خدا- صلی الله علیه و آله- در مدینه بوده است، عمر بن عبد العزیز درباره او به کارگزار خود در مدینه نوشت: «اما بعد: بدان که زید بن حسن بزرگ بنی هاشم و سالخورده‌ترین آنهاست...» «۳» شیخ مفید می‌گوید: زید شخصی جلیل القدر، کریم الطبع، پاک نفس پراحسان و بخشنده بود، شعرا او را مدح گفته‌اند و مردم برای دریافت احسان او از همه جا قصد رسیدن به خدمت او را داشتند. «۴» و در اینجا تعدادی روایات ساختگی وجود دارد که از مقام او می‌کاهد؛ (بطور مثال در روایتی آمده است: «وی با امام باقر علیه السلام مخالف بود و در زمان عبد الملک بن مروان سعی کرد او را به قتل برسانند! آقای خوئی درباره این روایت می‌نویسد: «این روایت مرسله است و قابل تصدیق نیست زیرا که عبد الملک تا زمان امام باقر علیه السلام بطور قطع زنده نبود، بنابراین این روایت ساختگی است.» «۵»

(۱) تهذیب التهذیب: ۳۹۵ / ۳ - ۳۹۷.

(۲) رجال طوسی.

(۳) تهذیب التهذیب: ۴۰۶ / ۳.

(۴) ارشاد مفید.

(۵) معجم رجال الحدیث: ۳۴۱ / ۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۷

(۱)

**۶۹- زید بن علی**

زید بن علی بن حسین علیه السلام، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است «۱» وی دارای مقام والایی از علم و تقوا بوده و شیخ مفید درباره او می‌گوید: «زید بن علی بن حسین بعد از ابو جعفر- امام باقر- علیه السلام از همه برادرانش برجسته‌تر و فاضلتر بوده و او عابد، پرهیزگار، فقیه، بخشنده و دلیر بود و با شمشیر برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد در حالی که خونخواهی امام حسین علیه السلام را می‌کرد.» «۲»

ما راجع به سیره، ادب، علم و شهادت این بزرگوار در کتاب حیاة الامام الباقر علیه السلام سخن گفته‌ایم و در اینجا نیازی به تکرار آن نیست.

(۲)

**۷۰- زید العمی**

زید العمی بصری، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳»

- س -

**اشاره**

(۳)

**۷۱- سالم بن ابی الجعد**

سالم بن ابی الجعد اشجعی کوفی مکّنی به ابو اسماء، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است «۴» و استاد ما آقای خوئی، چند تن معروف از خاندان سالم را توثیق کرده و می‌گوید: سالم بن ابی الجعد از امام

(۱) رجال طوسی.

(۲) ارشاد مفید.

(۳-۴) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۸

امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده و اعمش نیز از وی روایت نقل کرده است. «۱»

(۱)

**۷۲- سالم بن ابی حفصه**

سالم بن ابی حفصه غلام ابن عجل کوفی، وی از امام زین العابدین علیه السلام و از امام ابو جعفر باقر علیه السلام و از امام صادق علیه السلام روایت کرده و دارای کتابی است. «۲» کشی چند روایت درباره او نقل کرده که دلیل بر انحراف و گمراهی او می‌باشد از جمله روایتی است که به سند خویش از ابو عبیده حدّاء نقل کرده، می‌گوید: به ابو جعفر- امام باقر- علیه السلام عرض کردم: سالم بن ابی حفصه از من می‌پرسید که: آیا نشنیده‌ای که هر که بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگش چون مرگ زمان جاهلیت خواهد بود؟ و من جواب دادم: آری شنیده‌ام، آنگاه پرسید: امام تو کیست؟ گفتم: آل محمّد- صلی الله علیه و آله- امامان منند. پس از شنیدن سخن من گفت: به خدا قسم من از تو نشنیده بودم که تو امامی را شناخته باشی. امام ابو جعفر باقر علیه السلام رو به من کرد و فرمود:

«وای بر سالم، او چه می‌داند که مقام و منزلت امام چیست؟ منزلت امام، بزرگتر و بالاتر از آن است که سالم و تمام مردم بدان معتقدند.» «۳»

سالم در روزگار حکومت اموی مخفی شد و همچنان از ترس ظلم و ستم امویان در گوشه خانه‌اش بود، همین که مردم با ابو العباس سفاح بیعت کردند، از کوفه با لباس احرام لیک گویان درآمد و می‌گفت: «ای درهم شکننده بنی امیه، لیک» و همچنان این ذکر لیک را می‌گفت تا در مکه مکرمه فرود آمد. وی در سال ۱۳۸ ه. زمان حیات امام جعفر صادق علیه السلام از دنیا رفت. «۴»

(۱) معجم رجال الحدیث.

(۲) رجال نجاشی.

(۳) رجال کشی.

(۴) رجال نجاشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۳۹

(۱)

**۷۳- سالم غلام عمر**

سالم بن عبد الله، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱»

(۲)

**۷۴- سدیر بن حکیم**

سدیر بن حکیم بن صهیب صیرفی کوفی مکنی به ابو الفضل از جمله موالی بوده است شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام می‌داند، «۲» صدوق به نقل از حنان بن سدیر از پدرش روایت کرده، می‌گوید: من به همراه پدر، جد و عمویم در مدینه وارد حمامی شدیم ناگهان مردی در رخت کن حمام رو به ما کرد و گفت: این قوم کیستند؟ گفتیم اهل کوفه، فرمود: «آفرین بر شما ای مردم کوفه، خوش آمدید، چرا تن پوش و ساتر ندارید و بعد گفت: چه چیز مانع از پوشش شماست؟ زیرا رسول

خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است...»

و چون از حمام بیرون شدیم پرسیدیم آن مرد که بود؟ گفتند: علی بن حسین علیه السلام است و پسرش محمد بن علی نیز همراه او بود. «۳» وی از امام زین العابدین و ابو جعفر و ابو عبد الله علیهم السلام و همچنین از حکیم بن جبیر روایت کرده و ابو طالب و ابو الوفاء و پسرش حنان بن سدیر و دیگران از وی روایت کرده‌اند. «۴»

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) من لا یحضره الفقیه. در وسائل الشیعه (ج ۱ / ۳۶۸) کتاب الطهاره باب آداب حمام آمده است که راوی گفت: آنگاه پدرم قطعه کرباسی به عمویم داد و او چهار قسمت کرد و هر کدام قسمتی را پوشش قرار داده و وارد حمام شدیم- م.

(۴) معجم رجال الحدیث.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۰

(۱)

### ۷۵- سری بن عبد الله

سری بن عبد الله بن حارث بن عباس بن عبد المطلب، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام برشمرده است. «۱»

(۲)

### ۷۶- سعد بن حکیم

شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۲»

(۳)

### ۷۷- سعد بن ابی سعید

ملقب به مقبری- به دلیل این که در محل مقابر سکونت داشت- ابن قتیبه- مطابق صریح گفتار شیخ طوسی- او را در ردیف

اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۳»

(۴)

### ۷۸- سعد بن طریف

سعد بن طریف حنظلی اسکافی مولی بنی تمیم کوفی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۴» نجاشی

می گوید: سعد از اصبع بن نباته و او از ابو جعفر و ابو عبد الله علیهما السلام روایت کرده است، سعد شغل قضاوت داشته و دارای

کتابی به نام «رسالة ابی جعفر» می باشد که امام علیه السلام به او نوشته است. «۵»

(۵)

**۷۹- سعید بن جبیر****اشاره**

ابو محمد، غلام بنی‌البنی، در اصل اهل کوفه بوده و در مکه اقامت

(۱- ۲- ۳- ۴) رجال طوسی.

(۵) رجال نجاشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۱

داشته، و تابعی است شیخ او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام دانسته «۱» و او از مجاهدان بزرگ و حامیان اسلام و مدافعان حقوق ضعیفان و محرومان بود که ما در ذیل به اختصار به برخی از شئون و احوال او می‌پردازیم:

(۱)

**مقام علمی او**

سعید از برجسته‌ترین علمای زمان خود بود و او را ناقد علما می‌خواندند... و کسی روی زمین نبود مگر این که به دانش او نیاز داشت. «۲»

ابن کثیر می‌گوید: سعید در تفسیر، فقه، انواع علوم و فزونی عمل صالح از جمله رهبران و پیشاهنگان بود. «۳»

(۲)

**تقوا و شایستگی او**

سعید بن جبیر در پیشاپیش پرهیزگاران عصر خود بود و همواره به تلاوت قرآن اشتغال داشت و در کعبه مکرمه می‌نشست و قرآن تلاوت می‌کرد و بر نمی‌گشت تا این که قرآن را به پایان می‌رساند «۴» و از خداوند خشیت بسیاری داشت و بارها می‌گفت: بالاترین خوف و خشیت آن است که چنان از خدا بترسی که جلو معصیت و نافرمانی تو را بگیرد، و تو را به طاعت خدا وادارد و این است خشیت سودمند. «۵»

(۳)

**قیام سعید با ابن اشعث**

وقتی که عبد الرحمن بن محمد بن اشعث بر ضد حکومت حجاج قیام کرد، سعید و گروهی از قاریان دیدند که وظیفه شرعی ایشان ایجاب می‌کند که

(۱) رجال طوسی.

(۲) مناقب ابن شهر آشوب.

(۳-۴) البداية و النهایة: ۹۸ / ۹.

(۵) البداية و النهایة: ۹۹ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۲.

ابن اشعث را تأیید کنند و به همراه او برای نابود ساختن حکومت طاغوت تبهکار حجاج بن یوسف ثقفی قیام کنند که هیچ حرمتی را برای دین خدا باقی نگذاشته بود مگر آن که از میان برده و هیچ جنایتی نبوده مگر این که مرتکب شده است، زمین از جور و ستم و فساد او به لرزه درآمده است همین که نهضت ابن اشعث به سستی گرایید، سعید به اصفهان گریخت و هر سال دو مرتبه: یک بار برای عمره و یک بار برای حج به مکه رفت و آمد می کرد، و چه بسا موقعی پنهانی وارد کوفه می شد و با مردم دیدار داشت و درباره امور دینی و علمی با ایشان صحبت می کرد. «۱»

(۱)

### شهادت سعید

جیره خواران و مزدوران حجاج، سعید بن جبیر را که یکی از بزرگان تفکر و دانش در جهان اسلام بود دستگیر کردند و او را تحت نظر به نزد طاغوت تبهکار حجاج بن یوسف آوردند، همین که در برابر او ایستاد، فریاد زد و گفت:

«تو شقی بن کسیری؟» سعید با منطق حق چنین پاسخ داد:

«مادرم به نام من آگاهتر بود، او نام مرا سعید بن جبیر نهاد...»

طاغوت خواست تا دستاویزی معتبر برای ریختن خون وی به دست آورد، رو به سعید کرد و گفت:

«نظر تو درباره ابو بکر و عمر چیست، آیا آنها اهل بهشتند و یا اهل دوزخ؟» سعید با منطق خروشان خود گفت:

«اگر من وارد بهشت شدم اهل بهشت را بنگرم خواهم دانست چه کسی در بهشت است، و اگر وارد دوزخ شدم و اهل دوزخ را دیدم خواهم دانست چه

(۱) البداية و النهایة: ۹۸ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۳.

کسی در آنجاست...»

طاغوت با شنیدن این پاسخ هیچ روزنه‌ای برای رسیدن به مقصود خود نیافت، این سؤال را کرد:

«نظر تو درباره خلفا چیست؟...»

سعید، چون عالمی آگاه، پاسخ داد:

«من وکیل ایشان نیستم...»

آن ناپاک جنایتکار پرسید:

«کدام یک از خلفا را بیشتر دوست داری.»

می خواست بدین وسیله نظر او را به دست آورد، شاید او نام امام امیر المؤمنین علیه السلام را به نیکی برد و آن را دستاویزی برای شکنجه کردن وی قرار دهد، و هدف شوم او بر سعید پوشیده نماند و در جواب او گفت:

«هر کدام از آنها که آفریدگارشان راضی تر باشد...»

«کدام یک مورد رضای بیشتر آفریدگار است؟» - «این مطلب برای کسی معلوم است که از سر و راز و نیاز ایشان آگاه باشد.»

- «نمی‌خواهی سخن مرا تصدیق کنی؟» - «مایل نیستم که سخن تو را تکذیب کنم...» (۱)  
 طاغوت پس از این گفتگو دستور داد گردن سعید را بزنند، جلادان گردن او را زدند و سر مبارکش روی زمین افتاد و سه مرتبه کلمه لا إله إلا الله را گفت، نخستین بار به زبان فصیح ادا کرد اما بار دوم و سوم با فصاحت نگفت. (۲) و به این ترتیب زندگی این عالم بزرگ که دوران حیاتش را در راه نشر علم و فضیلت در میان مردم گذرانده بود سپری شد و مسلمانان با کشته شدن او سوگوار شدند زیرا

(۱) رجال کشی.

(۲) ابن اثیر: ۱۳/۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۴

که آنان پیشاهنگ حیات علمی خود را از دست دادند، عمرو بن میمون از پدرش نقل کرده است که او همین که از کشته شدن سعید اطلاع یافت از روی غم و اندوه چنین گفت:

«براستی سعید بن جبیر از دنیا رفت، آن کسی که در روی زمین کسی نبود مگر نیازمند به علم و دانش او بود.» (۱)

شهادت سعید بن جبیر در ماه شعبان سال ۹۵ ه در سن ۴۹ سالگی واقع شد. (۲)

حجاج از کشتن او سخت نگران شد و همواره او را در خواب می‌دید که گریانش را می‌گیرد و به او می‌گوید: ای دشمن خدا برای چه مرا کشتی؟ و آن طاغوت جانی از کشتن وی پشیمان شده و همواره می‌گفت: مرا با سعید بن جبیر چه کار؟! (۳) و پیش از او نیز معاویه پسر هند نسبت به قتل حجر بن عدی صحابی بزرگ پیامبر همین‌طور پشیمان شد.

(۱)

## ۸۰- سعید بن حارث

سعید بن حارث مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. (۴)

(۲)

## ۸۱- سعید بن عثمان

شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. (۵)

(۳)

## ۸۲- سعید بن مرجانه

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است (۶) و

(۱) تهذیب التهذیب: ۱۲/۴.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۱۳/۴.

(۳) تاریخ ابن اثیر: ۱۳/۴.

(۴-۵-۶) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۵

همچنین برقی در شمار اصحاب امام آورده است. «۱» ابن حبان او را در ردیف افراد ثقه شمرده است و می گوید: او یکی از افاضل مدینه بوده است، و در سال ۹۶ ه از دنیا رفت. «۲»  
(۱)

### ۸۳- سعید بن مرزبان

سعید بن مرزبان بقال کوفی اعور غلام حدیفه، ابو داوود می گوید: وی از همه مردم قاری تر بود، و عقیلی گوید: او مردی ثقه و استوار بوده است و ابن عیینه او را ضعیف شمرده و گروه دیگری او را مورد انتقاد قرار داده‌اند. «۳» شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۴»  
(۲)

### ۸۴- سعید بن مسیب

#### اشاره

ابو محمد سعید بن مسیب بن حزن مخزومی، شیخ او را از جمله کسانی شمرده است که از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده «۵» و بعضی از نویسندگان شرح حال، وی او را یکی از نام‌آوران دنیا و بزرگ تابعین دانسته‌اند.  
ابن عمر می گوید: اگر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- او را دیده بود، مسرور می شد. «۶» و ما به اختصار شرح حال او را بازگو می کنیم:  
(۳)

#### مقام علمی او

وی از بزرگترین علمای عصر خویش و از داناترین افراد در علم حدیث بوده است. مکحول می گوید: من تمام زمین را برای کسب علم گشتم، داناتر از

(۱) رجال برقی.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۷۸/۴.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۷۹/۴.

(۴-۵) رجال طوسی.

(۶) شذرات الذهب: ۱/۱۰۲.



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۶

سعید بن مسیب را ندیدم. «۱» علی بن مدین می‌گوید: «من کسی را با گستردگی دانش سعید بن مسیب در میان تابعین سراغ ندارم.»  
«۲» وی از همه مردم بیشتر از احکام و قضاوت‌های عمر حفظ داشت عبد الله بن عمر همواره از امور زندگی خود از وی می‌پرسید،  
«۳» و امام زین العابدین علیه السلام درباره او فرمود:

«سعید بن مسیب از همه کس به آثار گذشتگان داناتر بوده و فصیحترین فرد روزگار خود بود.» «۴»

(۱)

### سخنان حکیمانه

از سعید بن مسیب سخنان حکیمانه بسیاری به جا مانده که ما گزیده‌ای از آنها را بیان می‌کنیم:  
فرمود: چشمانتان را از دیدن یاران ستمگر پر نکنید مگر آن که در دلتان از آنان منزجر باشید تا این که اعمال شایسته‌تان بی‌اثر نشود. و فرمود: شیطان از هیچ چیز ناامید نمی‌شود مگر آن که همان را از سوی زنها می‌آورد!! و می‌گفت:  
بندگان خدا خودشان را با هیچ وسیله‌ای همانند طاعت خدا گرامی نداشتند، و جز با معصیت خدا خود را خوار نساختند. و فرمود:  
همین قدر در یاری خدا نسبت به انسان بس که ببیند دشمنش مرتکب معصیت خدا می‌شود. و نیز فرمود: هر که از خدا بی‌نیازی بطلبد مردم به او محتاج شوند. و فرمود: دنیا پست است و به طرف هر فرومایه‌ای بیشتر مایل است و فرومایه‌تر از آن کسی است که از راه نادرست به دست آورد و در راه ناروا مصرف کند. و فرمود: هیچ بزرگ و دانشمند و صاحب فضیلتی نیست مگر آن که دارای عیبی است ولی عیب بعضی از مردم را سزا نیست که بازگو کنند. «۵» این بود برخی از سخنان حکیمانه او که حاکی از نگرش

(۱) تهذیب التّهذیب: ۸۴ / ۴.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۸۵ / ۴.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۸۶ / ۴.

(۴) البدایة و النّهایة: ۱۰۰ / ۹.

(۵) رجال کشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۷

درست او نسبت به زندگی است.

(۱)

### تعظیم امام

سعید، امام زین العابدین علیه السلام را احترام و تعظیم می‌کرد و همواره می‌گفت: هرگز کسی را بالاتر از علی بن حسین علیهما السلام ندیدم و هرگز او را ندیدم مگر آن که از خود بیزار شدم. «۱» ما در بحث‌های گذشته به بخشی از سخنان وی اشاره کردیم که دلیل بر تعظیم و بزرگداشت وی از امام علیه السلام بوده است.

(۲)

### اختلاف در وثاقت سعید

راویان اخبار درباره وثاقت سعید بن مسیب اختلاف نظر دارند، گروه زیادی معتقد به عدالت و وثاقت او گشته و در این باره به روایتی استناد جسته‌اند که از امام ابو عبد الله صادق علیه السلام نقل شده که او از افراد مورد اعتماد امام زین العابدین علیه السلام بوده است. «۲» همچنان که در این باره به تعظیم و بزرگداشت وی از امام و بیان فضیلت و تقدم آن حضرت بر تمام مسلمانان در علم و ورع و تقوا استدلال کرده‌اند چیزی که بر معرفت کامل وی نسبت به امام علیه السلام و اعتقاد به امامت آن بزرگوار دلالت دارد.

اما بدگویان وی به روایتی استدلال کرده‌اند که وی از نماز خواندن بر پیکر مقدس امام زین العابدین علیه السلام پس از وفاتش خودداری می‌کند، «۳» جز این که به فرموده استاد ما آقای خوبی این روایت مرسله است. «۴» و از جمله اتهامات وی آن است که او از همه کس به حدیث ابو هریره و شوهر دخترش داناتر

(۱) تاریخ یعقوبی: ۴۶ / ۳.

(۲) اصول کافی: ۱ / ۰.

(۳) رجال کشی.

(۴) معجم رجال الحدیث: ۱۳۷ / ۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۸

بوده است، این حدیث نیز برای کاستن از مقام و مرتبه او صلاحیت ندارد، استاد ما آقای خوبی می‌گوید: صحیح آن است که به دلیل تمام نبودن سند مدح و نکوهش درباره این مرد توقّف شود ... «۱» و چه کار نیکی کرده مرحوم مجلسی که بر نقل موارد اختلاف درباره این مرد اکتفا کرده است بدون این که قولی را ترجیح دهد. «۲»

(۱)

### ۸۵- سلام بن مستنیر

سلام بن مستنیر جعفری کوفی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین و امام ابو جعفر محمد باقر علیهما السلام شمرده است. «۳» وی از امام باقر علیه السلام روایت کرده و ابو جعفر احوال نیز از او روایت کرده است. «۴»

(۲)

### ۸۶- سلمه بن ثبیط

ابو فراس سلمه بن ثبیط بن شریط بن انس اشجعی همدانی کوفی، شیخ او را در زمره اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵»

(۳)

### ۸۷- سلمه بن دینار

سلمه بن دینار مکنی به ابو حازم اعرج افروز تمار مدنی القاص غلام اسود بن سفیان مخزومی، وی از گروهی روایت کرده است؛ از آن جمله سهل بن سعد ساعدی، ابو امامه بن سهل، سعید بن مسیب، ابن عمرو و دیگران. و احمد، ابو حاتم، عجلی و نسائی او را توثیق کرده‌اند و ابن خزیمه می‌گوید: وی ثقه‌ای

(۱) معجم رجال الحدیث: ۸ / ۱۴۱.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال برقی.

(۴) معجم رجال الحدیث.

(۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۴۹

بوده که در زمان خودش نظیر نداشت، ابن سعدی می‌گوید: سلمه بن دینار در مسجد مدینه قضاوت می‌کرد سلیمان بن عبد الملک زهری کسی را دنبال وی فرستاد تا نزد وی بیاید، وی به زهری پیغام داد که اگر نیازی به او دارد خود نزد وی بیاید، اما مرا نیازی به او نیست. «۱» شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۲» (۱)

## ۸۸- سلمه بن کهیل

ابو یحیی سلمه بن کهیل حضرمی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته. «۳» و او را متهم کرده‌اند که از پیروان بتریه بوده است، کشی به سند خود از امام ابو عبد الله صادق علیه السلام نقل کرده است:

«اگر بتریه یک صف از مشرق تا مغرب تشکیل بودند خداوند دین خود را به وسیله ایشان عزت نمی‌بخشید.» «۴»

و بتریه پیروان کثیر التواء و حسن بن صالح بن یحیی و سالم بن ابی حفصه و حکم بن عتیبه و سلمه بن کهیل و ابو المقدم ثابت حداد می‌باشند و ایشان کسانی هستند که ابتدا مردم را به ولایت امام امیر المؤمنین علیه السلام دعوت کردند، سپس با ولایت ابو بکر و عمر مخلوط ساختند در حالی که برای این دو تن نیز مقام امامت قائل بودند ولی با عثمان، طلحه، زبیر و عایشه مخالف بودند و عقیده داشتند که با فرزندان علی بن ابی طالب می‌توان قیام کرد و امر به معروف و نهی از منکر همین است و هر که از اولاد علی علیه السلام قیام کند، در وقت قیام، به مقام امامت رسیده است. «۵» کشی، به سند خود از عذافر صیرفی نقل کرده، می‌گوید: من با حکم بن عتیبه نزد ابو جعفر علیه السلام بودیم، حکم همواره

(۱) تهذیب التهذیب: ۴ / ۱۴۴.

(۲-۳) رجال طوسی.

(۴-۵) رجال کشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۰

سؤالاتی از آن حضرت می‌کرد و امام ابو جعفر علیه السلام او را گرامی می‌داشت تا این که در موردی با امام اختلاف نظر پیدا کردند، امام ابو جعفر علیه السلام به پسرش فرمود: پسرم برخیز و برو و نوشته علی علیه السلام را بیاور، او رفت و نوشته‌ای بزرگ به

صورت طوماری پیچیده را آورد، امام علیه السلام آن را گشود و همچنان نگاه می‌کرد تا این که آن مسأله را یافت، آنگاه ابو جعفر علیه السلام فرمود: این خط علی و املائی رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- است و رو به حکم کرد و گفت: ای ابو محمد تو و سلمه بن کهیل و ابو مقدم هر جا که می‌خواهید بروید به سمت راست و چپ بروید، به خدا سوگند، علمی را مطمئن تر از علم قومی که جبرئیل بر آنها نازل می‌شود پیدا نخواهید کرد. «۱»

(۱)

### ۸۹- سلیم بن قیس

سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی، شیخ او را از اصحاب امام امیر المؤمنین علیه السلام و از اصحاب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده «۲» و برقی او را از جمله اصحاب امام امیر المؤمنین علیه السلام دانسته «۳» و او صاحب کتاب مشهوری است که معروف به «کتاب سلیم بن قیس» می‌باشد و از نخستین مؤلفان کتاب در اسلام است و در این کتاب بسیاری از حوادث غم‌انگیزی را نقل کرده که در آن زمان اتفاق افتاده است. ابان بن عیاش این کتاب را در محضر امام زین العابدین قرائت کرد و آن حضرت فرمود: سلیم رحمه الله علیه راست گفته است، این حدیث را ما می‌دانیم «۴» و استاد ما آقای خوئی درباره این کتاب سخن گفته و تهمتهایی را که بر این کتاب وارد کرده‌اند مردود شمرده است. «۵»

(۱) رجال کشی.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال برقی.

(۴) رجال کشی.

(۵) معجم رجال الحدیث: ۸/ ۲۲۲-۲۲۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۱

(۱)

### ۹۰- سلمان بن ابی مغیره

سلمان بن ابی مغیره عبسی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱»

(۲)

### ۹۱- سلیمان بن سلیمان

ابو عبد الله سلیمان بن سلیمان عبسی کوفی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۲»

(۳)

**۹۲- سَمَّاك بن حرب**

ابو مغیره سَمَّاك بن حرب ذهلی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السَّلام شمرده است. «۳» وی از زید بن سمره و نعمان بن بشیر و انس بن مالک و دیگران روایت کرده است ابن عدی می گوید: ابن سَمَّاك- ان شاء الله- حدیث زیادی داشته و از بزرگان تابعین اهل کوفه بوده و احادیثش نیکو و بدون تردید راستگو می باشد. «۴»

- شی -

**اشاره**

(۴)

**۹۳- شرحبیل بن سعد**

غلام انصاری، مولی بنی حنظله، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السَّلام شمرده است. «۵» وی از زید بن ثابت، ابو رافع، ابو سعید، حسن بن علی علیهما السَّلام و دیگران روایت کرده است، همچنان که عکرمه از وی روایت نقل

(۱- ۲- ۳) رجال طوسی.

(۴) تهذیب التَّهذیب: ۶ / ۲۳۲- ۲۳۴.

(۵) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۲

کرده است و ابن مدینی گوید: از سفیان بن عیینه پرسیدم: آیا شرحبیل بن سعد فتوا می داد؟ گفت: آری، کسی درباره جنگجویان و مجاهدان بدر از او داناتر نبوده است. ابن حبان او را در ردیف افراد موثق نام برده و می گوید: وی در سال ۱۲۳ ه زندگی را وداع گفت. «۱»

**۹۴- شیبۀ بن نعامه**

(۱) شیبۀ بن نعامه ضَبَّی بصری، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السَّلام شمرده است. «۲»

- ص -

**اشاره**

(۲)

**۹۵- صالح بن ابی حسان**

صالح بن ابی حسان مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۳»  
وی از عبد الله بن حنظله راهب، سعید بن مسیب، ابو سلمه بن عبد الرحمن و عبد الله بن ابی قتاده روایت کرده و ابن ابی ذئب، خالد بن الیاس و بکیر بن اشبح نیز از او روایت کرده‌اند. ابن حبان نام او را در ردیف افراد موثق برده است. «۴»  
(۳)

**۹۶- صالح بن خوان**

صالح بن خوان بن جبیر انصاری مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵» وی از پدر و دائیش و از سهل و عبد الله

(۱) تهذیب التّهذیب: ۴/ ۳۲۰.

(۲-۳) رجال طوسی.

(۴) تهذیب التّهذیب: ۴/ ۳۸۵.

(۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۳

روایت کرده و نسایی او را توثیق نموده است. و ابن سعد می گوید: او قلیل الحدیث می باشد. «۱»  
(۱)

**۹۷- صالح بن کیسان**

صالح بن کیسان مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۲» وی معلم و مربی پسران عمر بن عبد العزیز بوده است، مصعب زبیری می گوید: صالح جامع حدیث، فقه و صفت جوانمردی بوده و نسائی او را توثیق کرده است. حاکم می گوید: صالح بن کیسان در حالی از دنیا رفت که صد و شصت و اندی سال عمر داشت. «۳»  
(۲)

**۹۸- صفوان بن سلیم**

صفوان بن سلیم زهری مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۴»  
ابن حجر او را از فقها قلمداد کرده و می گوید که او از ابن عمر، انس، ابو بصره غفاری و دیگران روایت کرده است، و در نزد احمد نام او برده شد، احمد گفت: این مرد با حدیث خود مردم را سیراب می کند و با ذکر خود قطرات باران از آسمان فضیلت می بارد.

عجلی و نسائی او را توثیق کرده‌اند. «۵»

(۳)

### ۹۹- صهیب

ابو حکم صهیب صیرفی کوفی تابعی، شیخ او را از جمله اصحاب امام

(۱) تهذیب التّهذیب: ۴/ ۳۸۷.

(۲) رجال طوسی.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۴/ ۳۹۹.

(۴) رجال طوسی.

(۵) تهذیب التّهذیب: ۴/ ۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۴

زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱» وی خبر دار زدن میثم تمار را از قول او نقل کرده و یکی از هفت نفری است که جنازه او را پس از آویختن به دار به زیر آورده و تجهیز کردند. «۲»

- ض -

### اشاره

(۱)

### ۱۰۰- ضحاک بن عبد الله

ضحاک بن عبد الله مشرقی، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۳»

(۲)

### ۱۰۱- ضحاک بن مزاحم

ضحاک بن مزاحم خراسانی، او اصلاً اهل کوفه و از تابعین است، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است.

«۴» وی از ابن عمر، ابن عباس، ابو هریره ابو سعید، زید بن ارقم، انس بن مالک و دیگران روایت کرده و ابن معین و ابو ذرعه او را

توثیق کرده‌اند، و او در تفسیر قرآن مشهور بوده و وفاتش در سال ۱۰۶ ه اتّفاق افتاده است. «۵»

- ط -

## اشاره

(۳)

### ۱۰۲- طارق بن عبد الرحمن

طارق بن عبد الرحمن احمسی کوفی بجلي، شيخ او را از جمله اصحاب

(۱) رجال طوسی.

(۲) معجم رجال الحديث: ۸ / ۰.

(۳-۴) رجال طوسی.

(۵) تهذيب التهذيب: ۴ / ۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۵

امام زین العابدین علیه السلام شمرده است، «۱» وی از عبد الله بن ابی اوفی، سعید بن مسیب، زید بن وهب، سعید بن جبیر و دیگران روایت کرده، ابن معین و عجللی او را توثیق کرده‌اند و ابو حاتم درباره او می‌گویند: ایرادی بر او نیست، حدیث وی قابل نوشتن است، حدیثش نظیر حدیث مخارق است، و نسائی می‌گوید: اشکالی بر او نیست. «۲»

(۱)

### ۱۰۳- طاووس بن کيسان

ابو عبد الرحمن طاووس یمانی، شيخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳» ابن حجر می‌گوید: وی از مردم ایران بود، وارد خدمت سربازی و سپاه شد به او مولی همدان می‌گفتند، بعضی گفته‌اند: نام وی ذکوان و لقبش طاووس بوده است. وی از چهار تن، عبد الله نام و ابو هریره و عایشه، زید بن ارقم و دیگران روایت کرده است. ابن حبان می‌گوید: او از بردگان اهل یمن و از بزرگان تابعین است. چهل مرتبه به حج مشرف شده و مستجاب الدعوه بوده است و در سال ۱۰۱ ه از دنیا رفته و بعضی نیز جز این را گفته‌اند. «۴» وی برخی از مناجاتهایی که امام زین العابدین علیه السلام در بیت الله الحرام داشته، نقل کرده است و او گفتگوهایی جالب با امام علیه السلام دارد که در بحثهای گذشته بدانها اشاره کردیم.

(۲)

### ۱۰۴- طلحة بن عمرو

طلحة بن عمرو مدنی، شيخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵»



(۱) رجال طوسی.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۵/۵.

(۳) رجال طوسی.

(۴) تهذیب التّهذیب.

(۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۶

(۱)

**۱۰۵- طلحة بن نضر**

طلحة بن نضر مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱»

- ظ -

**اشاره**

(۲)

**۱۰۶- ظالم بن عمرو**

ظالم بن عمرو مکتبی به ابو الاسود دؤلی، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۲» وی از درخشانترین چهره‌های علمی عصر خود بوده و نخستین بنیانگذار علم نحو است، البته پس از آن که امام امیر المؤمنین علیه السلام قواعد و اصول علم نحو را به او تعلیم داد وی از جمله شعرای با ذوق و قریحه بوده و از جمله اشعار اوست:

وما طلب المعیشه بالتمنی و لكن ألق دلوک فی الدلاء «۳»

تجیء بملئها طورا و طوراتجیء بحماء و قلیل ماء - کسب معیشت به آرزو میسر نیست و لیکن تو نیز مثل دیگران دنباله وسیله روزی برو، (و دلوت را میان دلوها بیفکن) هر بار به نوعی پر خواهی یافت از گل (ته چاه) و اندکی آب.

ابو الاسود از بلغای نام آور بوده است، از جمله سخنان دلایز او در وصیت به پسرش آمده است: «پسرم هرگاه در میان گروهی بودی به اندازه سنّ خود سخن بگو و به قدر جایگاهت با آنان گفتگو کن و زبانی که شخص بزرگتر از تو صحبت

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) جمله «اللق دلوک فی الدلاء» یعنی تو نیز دلو خودت را در میان دلوها بیفکن کنایه از این است که دنبال وسیله برو، بقیه‌اش به تو مربوط نیست بلکه روزی رسان خداست - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۷

می‌کند، نباید صحبت کنی که بر شنوندگان گران آبی و همانند پست‌تر از خودت نیز حرف مزین که آنان تو را حقیر شمارند. پسر! هرگاه خداوند گشایشی به تو داد تو نیز بذل و بخشش کن و هرگاه در تنگدستی قرار داد تو نیز خودداری کن، با خدا در جود و بخشش انبازی مکن که بیقین خداوند بخشنده‌تر از توست و بدان که چیزی چون اقتصاد در زندگی نیست و هیچ معیشتی چون اعتدال و میانه‌روی نمی‌باشد و هیچ عزتی به پای دانش نمی‌رسد، همانا پادشاهان فرمانروایان مردمند و دانشمندان بر شاهان حاکمند، آنگاه این شعر را سرود:

العیش لا عیش إلا ما اقتصدت فإن تسرف و تبذر لقیق الفقر «۱» و العطباً

و العلم زین و تشریف لصاحبه فاطلب، هدیت، فنون العلم و الأدبا - زندگی، چیزی جز اقتصاد و میانه‌روی تو نیست زیرا که اگر تو ولخرجی کنی با فقر و نابودی روبرو خواهی شد.

علم، زینت و باعث شرف و بزرگی صاحب خود است پس علم را بجوی تا به علوم و آداب مختلف راه یابی.  
- تا آنجا که می‌گویی:

العلم کنز و ذخر لا نفاذ له نعم القرین إذا ما صاحب صحبا

قد یجمع المرء شیئا ثم یسلبه عما قلیل فیلقى الذل و الحربا - علم، گنج و اندوخته‌ای بی‌زوال است و نیکو همدمی است اگر همدم کسی شود.

گاهی شخص چیزی را فراهم می‌آورد، سپس طولی نمی‌کشد که از دست می‌دهد و گرفتار فرومایگی و خشم و کین می‌گردد.

و حامل العلم مغبوط به أبدأو لا یحاذر منه الفوت و السلبا

یا جامع العلم نعم الذخر تجمعه لا تعدلن به درا و لا ذهبا

(۱) این کلمه در نسخه اصلی «الفر» با حرف فاء نوشته شده بود اما صحیح همان است که ما ثبت کردیم. مؤلف

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۸

- و صاحب علم همواره مورد رشک است و بیم از دست دادن و زوال آن نمی‌رود.

ای گردآورنده دانش خوب چیزی را گرد آورده‌ای مبادا با درّ و مرجان و طلا برابر شماری ...

ابو الاسود، از جمله مردمانی بود که دوستی، اخلاص و محبت زیادی به امام امیر المؤمنین علیه السّلام داشت «۱» و معاویه

می‌خواست که او را از این دوستی و محبت به علی علیه السّلام بازدارد اما موفق نشد. ابو الاسود در سال ۶۹ ه. به بیماری عمومی

طاعون مبتلا شد و در بصره درگذشت. «۲»

-ع-

اشاره

(۱)

عامر بن سمط مکتبی به ابو یحیی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳» وی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده و صفوان جمال نیز از او روایت کرده است و همچنین عامر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. «۴»

(۱) ابو الأسود از کسانی است که در جنگ صفین حضور داشت و او اولین بار قرآن مجید را به صورت نقطه اعراب گذاری نمود. مورخان درباره او نوشته‌اند؛ وقتی که معاویه هدیه‌ای فرستاد تا از محبت علی علیه السلام منحرفش سازد دختری داشت به سن پنج یا شش سالگی مقداری از حلوی اهدایی را برداشت و در دهان گذاشت ابو الاسود گفت: دخترم معاویه این حلواها را فرستاده تا ما را از ولای امیر المؤمنین برگرداند دخترک گفت: قبحه الله یخدعنا عن السید المطهر بالشهد المزعفر تباً لمرسله و آکله ... اشعار و مرثیاتی او درباره امام امیر المؤمنین علیه السلام در کتب سیره و رجال آمده است - م.

(۲) الکنی و اللقب: ۱/ ۹ - ۱۰.

(۳) رجال طوسی.

(۴) معجم رجال الحدیث: ۹ / ۱۹۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۵۹

(۱)

### ۱۰۸ - عامر بن وائله

عامر بن وائله کنانی مکتبی به ابو طفیل، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده و اضافه می‌کند که وی از خواص اصحاب امام امیر المؤمنین علیه السلام بوده است «۱» عامر شاعری خوش قریحه بوده و از اشعار اوست:

و یدعوننی شیخاً و قد عشت حقبه و هن من الأزواج نحوی نوازع

و ما شاب رأسی من سنین تتابعت علی و لکن شیتنی الوقائع - او مرا پیرمرد می‌خواند در حالی که من مدت کوتاهی است که زندگی می‌کنم و آنان از همسران منند که با من در ستیزند.

موهای سرم از گذشت سالها سفید نشده است، بلکه حوادث و وقایع روزگار مرا پیر کرده است ...

عامر به همراه مختار برای خونخواهی سید الشهداء علیه السلام قیام کرد، و همواره می‌گفت: از هفتاد تن جز من کسی نمانده و این شعر را می‌خواند:

و بقیة سهمای فی الکنانة و احداسیرمی به او یکسر السهم کاسره من به عنوان یک تیر در قبیله کنانه باقی مانده‌ام، و آن هم بزودی به سمت دشمن پرتاب خواهد شد و یا آن که خود خواهد شکست.

و پیوسته این شعر را می‌خواند:

و ان لاهل الحق لا بد دولة علی الناس ایها أرجی و ارقب و بیقین پیروان حق ناگزیر، بر مردم حکومت خواهند کرد و من امیدوار و منتظر آن هستم.

امام صادق علیه السلام پیوسته به این شعر استشهاد می‌کرد و می‌گفت:

«به خدا سوگند که من از آن کسانی هستم که مردم امیدوارند و انتظار می‌کشند ...»

(۱) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۰

طاغوت تبه‌کار حجاج بن یوسف خواست او را به دلیل دوستی و ولایت اهل بیت علیهم السّلام به قتل برساند اما او از دست این ستمگر - به خاطر حمایت کسی از او در نزد عبد الملک - نجات یافت. «۱»

(۱)

### ۱۰۹ - عبد الغفار بن قاسم

عبد الغفار بن قاسم مکنّی به ابو مریم، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده است. «۲» نجاشی می گوید: وی از ابو جعفر و از ابو عبد الله علیهما السّلام روایت کرده و مورد وثوق است. او دارای کتابی است که از جمعی علمای شیعه نقل می کند. «۳»

(۲)

### ۱۱۰ - عائذ احمسی

عائذ بن حبیب احمسی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام دانسته است. «۴»

(۳)

### ۱۱۱ - عباس بن عیسی

وی از امام علی بن حسین علیهما السّلام روایت کرده و فضل بن سلیمان نیز از او روایت کرده است. «۵»

(۴)

### ۱۱۲ - عبد الرحمن بن قصیر

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده است. «۶»

(۱) معجم رجال الحدیث.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال نجاشی.

(۴-۵-۶) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۱

(۱)

**۱۱۳- عبد الله برقی**

شیخ او را در زمره اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۱»  
(۲)

**۱۱۴- عبد الله بن ابی بکر**

عبد الله بن ابی بکر بن عمرو بن حزم انصاری مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. وی در سال ۱۲۶ هـ. در مدینه از دنیا رفت. «۲»  
(۳)

**۱۱۵- عبد الله بن ابی ملیکه**

عبد الله بن ابی ملیکه مخزومی مکی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۳»  
(۴)

**۱۱۶- عبد الله بن جعفر**

عبد الله بن جعفر مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۴»  
(۵)

**۱۱۷- عبد الله بن حارث**

وی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده و پسرش اسحاق نیز از وی روایت کرده است. «۵»  
(۶)

**۱۱۸- عبد الله بن دینار**

غلام عمر بن خطاب، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۶»

---

(۱-۲-۳-۴-۵-۶) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۲

**۱۱۹- عبد الله بن ذکوان**

ابو الزناد عبد الله بن ذکوان، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۱» ابن حجر می گوید: عبد الله غلام رمله و به قولی عایشه بنت شیبیه بن ربیع و بعضی گفته‌اند: غلام عایشه بنت عثمان بوده است. و بعضی گفته‌اند پدر وی برادر ابو لؤلؤ قاتل عمر می‌باشد. وی از انس، عایشه بنت سعید، ابو امامه بن سهل بن حنیف، سعید بن مسیب و دیگران روایت کرده است.

ابن مدینی می گوید: بعد از بزرگان تابعین هیچ کس در مدینه اعلم از او و از ابن شهاب و یحیی بن سعید و بکیر بن اشبح نبوده است. لیث از قول عبد ربه بن سعید نقل می‌کند: ابو الزناد را دیدم که وارد مسجد شد در حالی که مانند همراهان سلطان جمعی پشت سر او بودند، و ابن حبان او را در زمره افراد موثق شمرده و می گوید: وی مردی فقیه و صاحب کتابی بوده است، خلیفه و دیگران گفته‌اند: او در سال ۱۳۰ ه. در سن ۶۶ سالگی درگذشت. «۲»

(۲)

**۱۲۰- عبد الله بن زبید**

عبد الله بن زبید هاشمی مولی آل علی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۳»

(۳) تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۵۶۲ ۱۲۱ - عبد الله بن سعید ..... ص: ۵۶۲

**۱۲۱- عبد الله بن سعید**

عبد الله بن سعید بن ابی هند مدنی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۴» ابن حجر می گوید: وی از پدرش و ابو امامه بن سهل بن حنیف، سعید بن مسیب و دیگران روایت کرده است، ابن حبان او را در ردیف

(۱) رجال طوسی.

(۲) تهذیب التهذیب.

(۳-۴) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۳

افراد مورد وثوق آورده و می گوید: (در حالی که به اشتباه به جای ابن سعید، نام ابن سعد را می‌برد) وی مردی ثقه و کثیر الحدیث می‌باشد و او در سال چهل و شش و یا چهل و هفت هجری درگذشت. «۱»

(۱)

**۱۲۲- عبد الله بن شبرمه**

عبد الله بن شبرمه ضبی کوفی مکتبی به ابو شبرمه قاضی ابو جعفر در نواحی کوفه بوده است و شعر می‌سروده، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام می‌شمارد. «۲» وی از ولایت اهل بیت علیهم السلام منحرف بود و در فتوای خود بر قیاس تکیه داشت و بر ائمه هدی علیهم السلام که در بانان علم پیامبر - صلی الله علیه و آله - بودند، رجوع نمی‌کرد. به خدمت امام ابو جعفر علیه السلام عرضه شد که مردی با دختر خردسالی ازدواج کرده است که همسرش او را شیر داده و سپس زن دیگر آن مرد به وی شیر داده بوده است، ابن شبرمه گفته است که هم آن دخترک و هم آن دو زن بر او حرام شده است، امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: ابن شبرمه اشتباه کرده است، بلکه آن دخترک و آن زنی که اول او را شیر داده است بر او حرام شده اما زنی که بعدا دخترک را شیر داده بر او حرام نمی‌شود زیرا که او گویا دختر خودش را شیر داده است. «۳» ابن مبارک می‌گوید: من مدتی با او همنشین بودم ولی از او روایت نمی‌کنم. «۴»

(۲)

### ۱۲۳- عبد الله بن شریک

عبد الله بن شریک عامری، وی از امام زین العابدین و امام ابو جعفر علیهما السلام روایت کرده و مکتبی به ابو المحجل است و در نزد آن دو بزرگوار

(۱) تهذیب التهذیب.

(۲) رجال طوسی.

(۳) فروع کافی جلد پنجم باب نوادر رضاع.

(۴) میزان الاعتدال: ۴۳۸ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۴

موجه و مقرب بوده «۱» و در اوایل عمرش از یاران مختار بوده است، احمد و ابن معین و دیگران او را توثیق کرده و نسائی او را انعطاف‌پذیر دانسته است، ابن عینه می‌گوید: ما با عبد الله بن شریک همنشین بودیم در حالی که او صدساله بود. «۲»

(۱)

### ۱۲۴- عبد الله بن عطاء

عبد الله بن عطاء بن رباح، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده «۳» و کلینی به سند خویش از او روایت کرده، می‌گوید: ابو عبد الله امام صادق علیه السلام در حالی که یک استر و یک الاغ زین کرده و آماده بود، مرا احضار کرد و فرمود: آیا مایلی با ما به یکی از این مرکبها سوار شوی؟ می‌گوید:

عرض کردم: آری. فرمود: کدام یک را دوست داری سوار شوی؟ عرض کردم:

مایلم بر الاغ سوار شوم، فرمود: الاغ برای من مناسبتر است و اضافه کرد: من دوست ندارم به استر سوار شوم و تو سوار الاغ شوی می‌گوید: امام علیه السلام بر الاغ سوار شد و من بر استر سوار شدم، حرکت کردیم تا از شهر مدینه بیرون شدیم و در بین راه آن حضرت با من صحبت می‌کرد، ناگهان مدتی به طرف زین خم شد، گمان کردم که زین او را آزرده است و یا آن که در فشار

بوده، تا این که امام سرش را بلند کرد، عرض کردم: فدایت شوم، چه شده، می بینم که زین شما را ناراحت کرده، خوب است که بر  
استر سوار شوید، فرمود: هرگز ... «۴»  
(۲)

### ۱۲۵- عبد الله بن علی

عبد الله بن علی بن حسین بن امام امیر المؤمنین علیه السلام، شیخ او را از اصحاب امام سجّاد علیه السلام شمرده است. «۵» سید بن  
مهنا می گوید: عبد الله بن

(۱) معجم رجال الحدیث.

(۲) تهذیب التّهذیب.

(۳) رجال طوسی.

(۴) معجم رجال الحدیث.

(۵) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۵

علی بن حسین به خاطر زیبایی و جمالش به باهر ملقب شده بود. گویند: هیچ مجلسی نبود که او بنشیند مگر آن که حاضران از  
جمال و زیبایی او مبهوت می شدند، وی متولّی صدقات پیامبر - صلی الله علیه و آله - بود، و با برادرش امام محمد باقر علیه السلام از  
یک مادر بودند. وی در سن پنجاه و هفت سالگی، در حالی که سرپرست صدقات امیر المؤمنین علیه السلام بود، درگذشت. «۱»  
(۱)

### ۱۲۶- عبد الله بن عبیده

عبد الله بن عبیده زهری، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۲»  
(۲)

### ۱۲۷- عبد الله بن مستورد

عبد الله بن مستورد مدنی هاشمی غلام امام زین العابدین علیه السلام، شیخ او را از اصحاب آن حضرت شمرده است. «۳»  
(۳)

### ۱۲۸- عبد الله بن محمد

عبد الله بن محمد بن محمد بن عمر بن امام امیر المؤمنین علیه السلام، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام



دانسته است. «۴»

(۴)

### ۱۲۹- عبد الله بن محمد جعفی

شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۵»

(۵)

### ۱۳۰- عبد الله بن هرمز

عبد الله بن هرمز مکی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام

(۱) عمده الطالب.

(۲-۳-۴-۵) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۶

شمرده است. «۱»

(۱)

### ۱۳۱- عبد المؤمن بن قاسم

شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است، «۲» نجاشی می گوید: وی از ابو جعفر و ابو عبد الله علیهما

السلام روایت کرده، هم او و هم برادرش ثقه بوده‌اند، وی برادر ابو مریم عبد الغفار بن قاسم و قیس بن فهد است و اضافه می کند

که او در سال ۱۴۷ از دنیا رفته است در حالی که هشتاد و یک سال داشت و کتابی دارد که جمعی از جمله سفیان بن ابراهیم بن

فرید حارثی از آن کتاب روایت نقل می کنند. «۳»

(۲)

### ۱۳۲- عبید الله بن ابی الجعد

که به وی عبید نخعی و برادر قبیله سالم و غلام ایشان می گفتند، از اهل کوفه بوده است و شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین

علیه السلام شمرده است. «۴»

(۳)

### ۱۳۳- عبید الله بن ابی الوثیم

از مردم کوفه و به او عید جنابی نیز می‌گفتند، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۵»  
(۴)

#### ۱۳۴- عید الله بن ابی الرحمن

عید الله بن ابی الرحمن بن موهب مدنی، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۶»

(۱) رجال نجاشی.

(۲-۳-۴-۵-۶) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۷

(۱)

#### ۱۳۵- عید الله بن مسلم

عید الله بن مسلم عمری کوفی، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۱»  
(۲)

#### ۱۳۶- عید الله بن مغیره

عید الله بن مغیره عبسی کوفی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۲»  
(۳)

#### ۱۳۷- عقبه بن بشیر

عقبه بن بشیر اسدی، شیخ او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام و امام ابو جعفر علیه السلام شمرده است. «۳»  
(۴)

#### ۱۳۸- علی بن ثابت

بنا به نقل شیخ طوسی، وی از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام می‌باشد. «۴»  
(۵)

**۱۳۹- عمران بن میثم**

عمران بن میثم تمّار، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده است. «۵» نجاشی می گوید: وی غلام و مورد وثوق بوده، از امام ابو عبد الله و امام ابو جعفر علیهما السّلام روایت کرده است. «۶»

(۱-۲-۳-۴-۵) رجال طوسی.

(۶) رجال نجاشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۸

(۱)

**۱۴۰- عیسی بن علی**

شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام آورده است. «۱»

- ف -

**اشاره**

(۲)

**۱۴۱- فرات بن احنف**

فرات بن احنف عبدی، متهم به غلو و نادرستی در گفتار است، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده، «۲» ابن غضائری می گوید: فرات بن احنف کوفی از علی بن حسین، ابو جعفر و ابو عبد الله علیهم السّلام روایت کرده و چنان که دیگران معتقدند وی اهل غلو و دروغ بود، مورد توجه و قابل ذکر نیست. «۳»

(۳)

**۱۴۲- فرزددق**

بزرگترین شاعر عرب، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده است، «۴» وی امام زین العابدین علیه السّلام را موقعی یاری کرد که هشام بن عبد الملك اظهار ناآشنایی نمود و فرزددق آن قصیده دلپسند خود را که مشتمل بر تعدادی از خصوصیات اخلاقی و ذکر فضایل آن حضرت بود انشاد کرد و در نتیجه هشام سخت ناراحت شد و رگهای گردنش حرکت کرد و دستور داد او را زندانی کردند که ما در ضمن بحثهای آینده، این جریان را نقل خواهیم کرد.

(۴)

**۱۴۳- فلیح بن ابی بکر**

فلیح بن ابی بکر شیبانی، برقی او را از جمله اصحاب امام زین العابدین و

(۱-۲) رجال طوسی.

(۳) معجم رجال الحدیث: ۳۷۵ / ۱۳.

(۴) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۹

امام باقر و امام صادق علیهم السلام آورده است. «۱» وی از امام علی بن حسین و امام محمد بن علی علیهما السلام و از جابر روایت کرده و حنان بن سدیر نیز از او روایت کرده است. «۲»

- ق -

**اشاره**

(۱)

**۱۴۴- قاسم بن عبد الرحمن**

ابو القاسم بن قاسم بن عبد الرحمن، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده است. «۳»

(۲)

**۱۴۵- قاسم بن عوف**

قاسم بن عوف شیبانی، برقی او را از اصحاب امام زین العابدین شمرده است، «۴» و شیخ طوسی می گوید: وی خدمت علی بن حسین علیهما السلام و محمد بن حنفیه در رفت و آمد بود. «۵» کشی به سند خویش از او نقل کرده می گوید:

من به خدمت علی بن حسین و محمد بن حنفیه رفت و آمد می کردم، یک بار به خدمت این می رسیدم و یک بار به حضور آن می رفتم، می گوید: روزی به خدمت علی بن حسین علیهما السلام رسیدم، به من فرمود:

«شیبانی! مبادا تو، به نزد مردم عراق بروی و بگویی که ما علم را به نزد تو به ودیعت گذارده ایم زیرا که به خدا سوگند ما چنین کاری را نکرده ایم و مبادا که به نام ما ریاست طلبی کنی که خدا تو را ناتوان خواهد کرد و

(۱) رجال برقی.

(۲) معجم رجال الحدیث: ۱۳ / ۳۷۱.

(۳) رجال طوسی.

(۴) رجال برقی.

(۵) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۰

زهار از طریق ما نان بخوری که خداوند بیشتر تو را نیازمند خواهد کرد و بدان که تو اگر در راه خیر عقب بمانی برای تو بهتر است که در راه شر رئیس باشی و بدان که هر کس حدیثی را از قول ما نقل می‌کند روزی از او بازخواست می‌کنیم پس اگر راست گفته باشد خداوند او را راستگو خواهد نوشت و اگر دروغ گفته باشد خداوند او را دروغگو ثبت خواهد کرد و زهار که تو آهنگ سفر کنی زیرا اینجا مرکزی است که علم را می‌توان جست، و سپس امام علیه السلام شروع کرد به بیان فضیلت فرزندش امام ابو جعفر، محمد بن علی علیهما السلام و بر امامت آن حضرت راهنمایی فرمود.» (۱)

(۱)

**۱۴۶- قاسم بن محمد**

قاسم بن محمد بن ابی بکر، وی از بزرگان تابعین و یکی از فقهای هفتگانه مدینه است. قاسم برترین فرد زمان خود بود، و او از جمعی از صحابه روایت نقل کرده و جمعی از بزرگان تابعین از وی روایت کرده‌اند، یحیی بن سعید می‌گوید: ما کسی را نیافتیم که بتوانیم بر قاسم بن محمد ترجیح دهیم... قاسم در سال ۱۳۱ ه. وفات یافت و بعضی نیز تاریخ دیگری را برای درگذشت او نقل کرده‌اند. (۲)

- ۵ -

**اشاره**

(۲)

**۱۴۷- کنکر**

مکنی به ابو خالد کابلی، بعضی گفته‌اند: نام وی وردان بوده است، شیخ

(۱) رجال کشی.

(۲) وفيات الاعیان: ۳ / ۲۲۴.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۱

او را از اصحاب امام زین العابدین شمرده است، «۱» کشی به سند خود از ابو بصیر نقل کرده، می‌گوید: از ابو جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ابو خالد کابلی روزگاری خدمتگزار محمد بن حنفیه بود و تردیدی نداشت که او امام است تا این که روزی به نزد وی آمد و گفت: فدایت شوم، مرا احترام و دوستی و علاقه‌ای به شما خانواده است از شما به حرمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و امیر المؤمنین علیه السلام درخواست دارم بفرمایید آیا شما هستید آن امامی که خداوند اطاعت او را بر بندگانش واجب کرده است؟ ابو بصیر می‌گوید: محمد بن حنفیه در پاسخ گفت: ای ابو خالد، مرا سوگند عظیمی دادی، امام من و تو و هر مسلمانی علی بن حسین علیه السلام است، ابو خالد همین که سخن محمد بن حنفیه را شنید به سمت خانه علی بن حسین علیهما السلام حرکت کرد، و چون اجازه خواستند و عرض کردند که ابو خالد بر در خانه ایستاده است و اذن می‌طلبد امام علیه السلام اجازه داد، همین که وارد منزل شد، به نزدیک امام رسید فرمود:

خوش آمدی، کنکر، تو هیچ وقت به دیدار ما نمی‌آمدی، چه چیزی درباره ما به نظر تو رسیده است؟ ابو خالد، به خاطر سخنی که از امام علی بن حسین علیهما السلام شنید، سجده شکر خدا را به جا آورد و گفت: سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا این که امام را شناختم، امام سجاد علیه السلام فرمود: ابو خالد، چگونه امامت را شناختی؟ عرض کرد: این که شما مرا به نامی که مادرم نامگذاری کرده بود خواندید، در حالی که من نسبت به امر امامت ناآگاه بودم و مدتی از عمرم را در خدمت محمد بن حنفیه بودم تردیدی نداشتم که او امام است، تا این که در همین نزدیکیها او را به حرمت خدا، رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین سوگند دادم و درخواست کردم که امام را معرفی کند و او مرا به امامت شما راهنمایی کرد و گفت: او امام من و تو و همه خلق خداست، آنگاه شما به من اجازه فرمودید، شرفیاب شدم و به حضور شما که رسیدم، شما مرا به نامی خواندید

(۱) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۲

که مادرم مرا به آن نامگذاری کرده بود از این رو دانستم که شما آن امامی هستید که خداوند اطاعت او را بر هر مسلمانی واجب کرده است. «۱» ابو خالد ملازم امام شد و از علوم آن حضرت استفاده کرد تا آنجا که از افراد مورد وثوق امام به شمار آمد.

(۱)

## ۱۴۸- کیسان بن کلب

کیسان بن کلب مکتبی به ابو صادق، شیخ او را از اصحاب امام حسن زکی علیه السلام و از اصحاب امام سید الشهداء حسین بن علی علیهما السلام و از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام و از اصحاب امام ابو جعفر باقر علیه السلام شمرده است. «۲»

- م -

اشاره

(۲)

**۱۴۹- مالک بن عطیه**

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته «۳» و نجاشی می گوید: ابو الحسین مالک بن عطیه احمسی بجلی کوفی، ثقه بوده و از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده و دارای کتابی است که جماعتی از او روایت می کنند. «۴» مالک به خدمت امام صادق علیه السلام رسید، عرض کرد: من مردی از قبیله بجلیه هستم و در پیشگاه خداوند عز و جل اعتراف می کنم که شما صاحب اختیار و سروران منید و بعضی از کسانی که مرا نمی شناسند از من می پرسند و می گویند: این مرد از کدام قبیله است؟ و من می گویم: من مردی از نژاد عرب و از قبیله بجلیه ام، آیا در این گفتار مرتکب گناهی شده ام که نگفته ام من غلام

(۱-۲-۳) رجال طوسی.

(۴) رجال نجاشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۳

بنی هاشم؟ امام علیه السلام فرمود: خیر، مگر در دل و میل قلبی خود معتقد نیستی که از دوستان مایی؟ عرض کردم: آری به خدا قسم، فرمود: هیچ اشکالی ندارد که بگویی من از نژاد عربم، براستی که تو در نسب از عربی. «۱»

(۱)

**۱۵۰- محمد بن جبیر**

محمد بن جبیر بن مطعم، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته است. «۲» و او یکی از پنج تنی است که معتقد به امامت آن حضرت شدند «۳» و ابن شهر آشوب او را از رجال اصحاب امام شمرده است. «۴»

(۲)

**۱۵۱- محمد بن شهاب****اشاره**

محمد بن شهاب زهري، شیخ او را در ردیف اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده و اضافه می کند که این نسبت یک جهش است؛ «۵» چون شیخ او را به جدّ اعلايش (شهاب) نسبت داده است، زیرا که وی محمد بن مسلم بن عیید الله بن عبد الله شهاب می باشد. «۶» و ما ناگزیریم توقف کوتاهی برای بحث و گفتگو درباره وی داشته باشیم.

(۳)

**الف- ولادت زهري**

زهري در سال ۵۰ ه به دنیا آمده، اما این که بعضی گفته اند، او هم سنّ امام سجاد علیه السلام بوده، درست نیست زیرا که امام علیه السلام سیزده سال از

(۱) معجم رجال الحديث: ۱۴ / ۱۷۸.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال کشی.

(۴) مناقب ابن شهر آشوب.

(۵) رجال طوسی.

(۶) تهذیب التهذیب: ۹ / ۴۴۵، البداية و النهایة: ۹ / ۳۴۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۴.

زهري بزرگتر بوده است. «۱»

(۱)

### ب- دوران رشد

زهري در مدینه رشد علمی یافت، وی با امام علیه السلام ارتباط پیدا کرد و بسیاری از علوم را از آن حضرت آموخت، همان گونه که با دیگر فرزندان اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - نیز ارتباط داشت.

(۲)

### ج- مقام علمی زهري

زهري چنان که ابن حجر و ابن کثير می گویند یکی از بزرگ پيشاهنگان اسلام است. «۲» لیث می گوید: من عالمی از ابن شهاب جامعتر و داناتر ندیده‌ام، چنان بود که اگر سخن نوی از او در ترغیب می شنیدم می گفتم بهتر از این نمی شود و اگر درباره انسان مطلبی می گفتم کسی جز وی انسان را نشناخته و اگر درباره قرآن و سنت سخن می گفتم: سخنش به نحو جامع و کامل بود ... لیث از زهري نقل کرده، می گوید: هیچ کسی از مردمان، این علم را چون من انتشار نداد و همانند من در اختیار مردم نگذاشت. «۳»

(۳)

### د- سخاوت زهري

محمد بن شهاب از بخشنده ترین مردم عرب بود، عمرو بن دینار می گوید: من کسی را صریح اللهجه تر از زهري در نقل حدیث و بی اعتنائتر به دینار و درهم از او ندیدم، درهم و دینارها در نزد او به منزله سرگین شتر بود. «۴» فایده بن اقرم در این باره می گوید:

(۱) تهذیب التهذیب: ۷ / ۳۰۷.

(۲) البداية و النهایة: ۹ / ۳۴۰.

(۳) تهذیب التهذیب: ۹ / ۴۴۹.

(۴) البداية و النهایة: ۹ / ۳۴۲.



تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۵ زر ذا واثن علی الکریم محمد و اذکر فواضله علی الأصحاب

و إذا یقال من الجواد بماله قیل الجواد محمد بن شهاب

أهل المدائن يعرفون مكانه و ربيع نادیه علی الاعراب

یشری وفاء جفانه و یمدها بکسور انتاج و فتق لباب «۱» - دیدار کن و ثناگوی شخص کریم - محمد بن شهاب - باش و امتیازات او را بر اصحاب یاد آور شو و هرگاه سخن از کسی که به مال خود بذل و بخشش می کند، در میان آید نام بخشنده، محمد بن شهاب برده شود مردم مداین مقام او را می شناسند و بهار بذل و بخشش او بر اعراب روشن است جود و بخشندگیش تا آنجاست که کاسه های غذا را آماده کرده و محتوای دانه ها را شکسته و مغز کرده برای مردم می نهد.

رجاء بن حیاة، زهری را به خاطر اسرافکاریش مورد سرزنش قرار داده و به او گفت: من اطمینان ندارم که این قوم - یعنی بنی امیه - اموالی را که در اختیار دارند برای تو نگهدارند و تو بتوانی در راه آرزوهایت صرف کنی، زهری پس از شنیدن سخن وی وعده داد که به اعتدال روی آورد و اسراف نوزد، بعدها رجاء بن حیاة گذرش به منزل وی افتاد، سفره غذا گسترده در حالی که مشتمل بر عسل و دیگر چیزها بود، رجاء گفت: ای ابو بکر این چیست که تو وعده دادی که از آن جدا باشی؟ زهری جواب داد، فرود آی و بفرما که آدم سخاوتمند را آزمونها ادب نکند. یکی از شعرا همین معنا را به شرح زیر سروده است:

له سحائب جود فی أنامله أطارها الفضة البيضاء و الذهب

یقول فی العسر إن أیسرت ثانیة أقصرت عن بعض ما أعطی و ما أهب

حتی إذا عاد أيام الیسار له رأیت أمواله فی الناس تنهب «۲» - وی ابرهای جود و بخشش را در بند انگشتانش دارد، قطرات باران

(۱) البداية و النهایة: ۳۴۲ / ۹

(۲) البداية و النهایة: ۳۴۴ / ۹

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۶

أنها سیم سفید و زر است.

در تنگدستی او می گوید: دوباره اگر در گشایش و رفاه باشم مقداری از بذل و بخشش را می کاهم.

تا این که چون روزگار گشایش او باز می گردد، می بینم که اموالش در دست مردم قرار می گیرد.

(۱)

#### ه - پیوستن به بنی امیه

زهری با بنی امیه ارتباط محکمی داشت و اموال زیادی را بر او ارزانی می داشتند زیرا که وی ملازم رکاب ایشان بوده و از ستمگریهای آنان حمایت می کرد، در یک نوبت هشام بن عبد الملک هشتاد هزار درهم وامی که او داشت، پرداخت «۱» و زمانی به دمشق نزد عبد الملک رفت و او مقدمش را گرمی داشت و وامی که داشت ادا کرد و از بیت المال مقررری برای او تعیین کرد «۲» و از این رو زهری نهایت صمیمیت و اخلاص را به ایشان پیدا کرد و از سرسخت ترین مدافعان آنان گردید.

(۲)

#### و - با امام زین العابدین

زهری از جمله شیفتگان امام زین العابدین علیه السلام بود، مورخان یک سلسله عبارات ارزشمندی را از وی نقل کرده اند که بدان

وسيله فضيلت و فزونی علم و فقاہت امام را ستوده است که ما در بحثهای سابق بدانها اشاره کردیم.  
(۳)

### ز- غمزدایی امام از زهری

امام علیه السلام بار غمی را که بر دل زهری نشسته بود، برطرف کرد،

(۱) البداية و النهایة: ۳۴۳/۹.

(۲) البداية و النهایة: ۳۴۱/۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۷.

مورخان نقل کرده‌اند، موقعی که زهری کار گزار بنی امیه بود، مردی را بگونه‌ای مجازات کرد که در اثر عقوبت وی درگذشت، زهری درمانده و سرگردان از شهر بیرون رفت و وحشت زده به غاری پناه برد و چند سال در آن غار ماند، تا این که سالی امام زین العابدین علیه السلام عازم حج بیت الله الحرام شد، زهری به خدمت امام علیه السلام رسید، امام فرمود: «من از ناامیدی تو از رحمت خدا بیش از گناهی که مرتکب شده‌ای بیمناکم هم اکنون دیه کاملی برای ورثه آن مرد بفرست و خودت نیز برو نزد زن و بچه‌ات و به امور دینیت پرداز...»  
زهری خوش حال شد و رو به آن حضرت کرد و گفت: «سرورم غم مرا برطرف کردی خداوند بهتر می‌داند که رسالت خود را در خاندانی که می‌داند قرار دهد، و آنجا را ترک گفت و به نزد خانواده‌اش برگشت. «۱» به این ترتیب امام علیه السلام او را از غمی جانکاه نجات داد که نزدیک بود به زندگیش خاتمه دهد.  
(۱)

### ح- نامه امام به زهری

۱- امام علیه السلام نامه ذیل را به زهری نوشت، نامه‌ای که یکی از سندهای افتخارآمیز سیاسی اسلام است و امام زهری را به خاطر ارتباطش با بنی امیه و خدمت به ایشان مورد سرزنش قرار داده و او را از عذاب و عقاب خداوند بر حذر داشته است زیرا که وی همواره ملازم رکاب ایشان بوده است، اینک اصل نامه:  
«کفانا الله و إياک من الفتن، و رحمک من النار، فقد أصبحت بحال ینبغی لمن عرفک بها أن یرحمک، فقد أثقلتک نعم الله بما أصح من

(۱) مناقب ابن شهر آشوب و در عقد الفرید: ۱۲۷/۵ فریب به این مضمون آمده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۸.

بدنک، و أطال من عمرک، و قامت علیک حجج الله بما حملک من کتابک، و فقهک فیه من دینک، و عرفک من سنه نبیه محمد (ص)، فرض لک فی کل نعمه أنعم بها علیک و فی کل حجه احتج بها علیک الفرض، فما قضی إلا ابتلی شکرک فی ذلک، و أبدی فیه فضله علیک، فقال: «لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید.» «۱»

(۱) «خداوند، ما و تو را از فتنه‌ها ننگه دارد، و به تو از عذاب دوزخ رحم کند، تو امروز در وضعی قرار داری که هر که تو را به آن حال بیند، سزاست که برایت درخواست ترحم کند، براستی که بار نعمتهای الهی که به تو تنی سالم و عمری دراز داده، بر دوش تو

سنگینی می‌کند، حجت‌های خدا که علم قرآن داری و تو را از دین خود آگاه و فقیه گردانیده و به سنت پیامبرش محمد-صلی الله علیه و آله- آشنایت ساخته، بر تو استوار گشته است و در برابر هر نعمتی که به تو داده و هر حجتی که در برابرت نهاده و وظیفه‌ای بر عهده تو مقرر داشته و هدفی ندارد جز آن که سپاسگزار تو را بیازماید و فضل خود را بر تو آشکار سازد و فرموده است: «اگر شکر نعمت گویند نعمت‌هایم را بر شما افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید، البته عذابم سخت و دشوار است.»

«فانظر أى رجل تكون غدا إذا وقفت بين يدي الله فسألك عن نعمه عليك كيف رعتها؟ و عن حجه عليك كيف قضيتها؟ و لا تحسبن الله قابلا- منك بالتعذير و لا راضيا منك بالتقصير، هيهات هيهات ليس كذلك أخذ على العلماء فى كتابه إذ قال «لتبينته للناس و لا تكتمونه» (۲) و اعلم أن أدنى ما كتمت، و اخف ما احتملت إن آنست

(۱) ابراهیم / ۷.

(۲) آل عمران / ۱۸۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۷۹

وحشه الظالم، و سهلت له طريق الغى بدنوك منه حين دنوت، و إجابتك له حين دعيت، فما أخوفنى أن تكون تبوء باثمك غدا مع الخونه، و أن تسأل عما أخذت بإعانتك على ظلم الظلمة، إنك أخذت ما ليس لك ممن أعطاك، و دنوت ممن لم يرد على أحد حقا، و لم ترد باطلا حين أدناك، و أحببت من جاد الله، أو ليس بدعائه إياك حين دعاك، جعلوك قطبا أداروا بك رحى مظالمهم، و جسرا يعبرون عليك إلى بلاياهم، و سلما إلى ضلالتهم، داعيا إلى غيهم، سالكا سبيلهم، يدخلون بك الشك على العلماء، و يقتادون بك قلوب الجهال إليهم، فلم يبلغ أخص وزرائهم و لا- أقوى أعوانهم إلا- دون ما بلغت من اصلاح فسادهم، و اختلاف الخاصة و العامة إليهم. فما أقل ما أعطوك فى قدر ما أخذوا منك، و ما أيسر ما عمروا لك، فكيف ما خربوا عليك؟ فانظر لنفسك، فإنه لا ينظر لها غيرك، و حاسبها حساب رجل مسئول.»

(۱) «توجه کن فردای قیامت وقتی که در پیشگاه خدا بایستی چگونه مردی باشی؟ آن روزی که خداوند از تو بازخواست کند نعمت‌های مرا چگونه رعایت کردی؟ و درباره حجت‌های من چگونه قضاوت نمودی؟ گمان مبر که خدا از تو عذری را بپذیرد و به تقصیر تو راضی باشد، هیهات هیهات چنین نیست خداوند دانشمندان را در قرآن مسئول دانسته و می‌فرماید:

«باید آن را برای مردم بیان کنید و پوشیده ندارید،» و بدان، کمترین کتمان حق و سبکترین وظیفه‌ای که بر عهده داری آن است که به وحشت ظالم انس گرفته و با نزدیک شدن به او و اجابت دعوتش راه گمراهی را برای او هموار کرده‌ای، پس چه قدر بیم دارم که فردای قیامت به همراه خائنان گرفتار گناه خود باشی و از این که هر چه به دست آوری به خاطر یاری ستمگران از آن بازخواست شوی، زیرا تو مالی را از کسی گرفته‌ای که از آن تو نیست و به کسی نزدیک شده‌ای که او به کسی حقش را رد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۰

نکرده و تو با تقرب به او هیچ باطلی را رد نکردی، تو با کسی دوستی کرده‌ای که با خدا در جنگ است، آیا چنین نیست که تو را دعوت کردند و تو را محور ستمگری خود ساختند و پلی قرار دادند تا از آن برای عبور به بلایای خود استفاده کنند و تو را نردبان گمراهی خود ساخته و به راه خود رفتند، تو را درباره علما به شک انداختند و به وسیله تو دل نادانان را به خود جلب کردند و وزیران ویژه و نیرومندترین یارانشان به اندازه تو بر فساد آنان سرپوش نهادند و دل خاص و عام را به سوی ایشان جلب نکردند، و چه بسیار مزد ناچیزی در برابر آنچه از تو گرفتند به تو دادند و چه اندک است آنچه برای تو آباد کردند و چگونه باعث خرابی تو شدند پس مراقب خودت باش که دیگری مراقب تو نباشد و همچون فرد مسئولی باش که باید خود به حساب خودت برسی.»

«و انظر كيف شكرك لمن غداك بنعمه صغيرا و كبيرا، فما أخوفنى أن تكون كما قال الله تعالى فى كتابه: [فخلف من بعدهم خلف

ورثوا الكتاب يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون: سیغفر لنا] «۱» إنك لست فی دار مقام، أنت فی دار قد آذنت برحیل، فما بقاء المرء بعد قرنائه طوبی لمن كان فی الدنيا علی و جل، یا بؤس لمن یموت و تبقى ذنوبه من بعده.»

(۱) «و بین چگونگی قدردانی می‌کنی از کسی که تو را غذا داده و از نعمت علم خود- چه خرد چه کلان- به تو آموخته، برآستی که می‌ترسم تو از آن کسانی باشی که خداوند در کتاب خود فرموده است: [به جای آنان جانشینانی ماندند که کتاب را به ارث بردند و به دنبال کالای پست دنیا رفتند و می‌گویند بزودی ما را بیامرزد،] برآستی که تو در این خانه ماندگار نیستی بلکه در خانه‌ای هستی که بانگ کوچ در داده‌اند آیا مرد پس از

(۱) اعراف / ۱۶۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۱

مرگ همسالانش چه قدر زندگی می‌کند؟ خوشا به حال کسی که در دنیا از عذاب خدا بیمناک باشد و بدا به حال کسی که بمیرد و گناهانش پس از او بمانند.»

«احذر فقد نبئت، و بادر فقد أجلت، إنك تعامل من لا یجهل، و إن الذی یحفظ علیك لا یغفل، تجهز فقد دنا منك سفر بعید، و دار ذنبك فقد دخله سقم شدید، و لا- تحسب أنى أردت تویبخك و تعنیفك، و تعییرك، لكنى أردت أن ینعش الله ما قد فات من رأیک، و یرد إلیك ما عذب من دینك، و ذكرت قول الله تعالى فی كتابه:

[«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذُّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ.»] «۱»

(۱) «زنگار که آگاه شدی، بشتاب که موعد مقرر داری، راستی تو با کسی معامله داری که ناآگاه نیست و آن که نگهبان توست غفلت ندارد، آماده باش که سفر دوری در پیش داری و گناهت را معالجه کن که بیماری دشواری بر تو وارد شده و گمان مکن که منظور من توییخ و سرزنش و سرکوفت توست بلکه می‌خواهم خداوند دل از دست رفته‌ات را زنده کند و آن چه از دینت از کف داده‌ای به تو بازگرداند، و تو را به یاد سخن خدا در کتابش می‌اندازم: [یادآوری کن که یادآوری مؤمنان را سود بخشد.]»

[«أغفلت ذكر من مضى من أسنانك و أقرانك و بقیت بعدهم كقرن أعصب انظر هل ابتلوا بمثل ما ابتليت، أم هل وقعوا فی مثل ما وقعت فیه، أم هل تراهم ذكرت خیرا علموه، و علمت شیئا جهلوه، بل حظیت بما حل من حالك فی صدور العامة، و كلفهم بك إذ صاروا یقتدون برأیک، و یعملون بأمرك، إن احللت أحلوا، و إن حرمت حرما، و لیس عندك و لكن أظهرهم علیك رغبتهم فی ما لدیک

(۱) ذاریات / ۵۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۲

ذهاب علمائهم، و غلبه الجهل علیك و علیهم، و حب الرئاسة و طلب الدنيا منك، و منهم، أما ترى ما أنت فیه من الجهل و الغر و ما الناس فیه من البلاء و الفتنة قد ابتلیتهم و فتنتهم بالشغل عن مكاسبهم مما رأوا، فتاقت نفوسهم إلى أن یبلغوا من العلم ما بلغت، أو یدركوا به مثل الذی أدركت، فوقعوا منك فی بحر لا یدرك عمقه، و فی بلاء لا یقدر قدره، فالله لنا و لك و هو المستعان.»

(۱) «تو از یاد همسن و همگنان که در گذشتند غافل مانده‌ای و پس از ایشان چون شاخ شکسته به جا ماندی، بنگر که آیا آنان چون تو گرفتار شدند و آیا در این پرتگاه تو افتادند؟ یا بین که اگر کار خیری داشتند و نیکی کردند و چیزی که آنان ندانستند تو آموختی و عمل کردی، بلکه تفاوت همین است که در دل عوام جا گرفتی و آنها به اطراف تو جمع شدند و از نظر تو پیروی کردند و به دستور تو عمل کردند، اگر تو چیزی را حلال دانستی حلال شمردند و اگر حرام دانستی حرام شمردند و تو چنین حقی نداری

ولی رغبت آنان به تو، ترا به آنان مسلط کرده و همچنین از دست رفتن دانشمندان آنان و غلبه جهل بر تو و بر ایشان، و حب ریاست و دنیاطلبی تو و آنان، تو نمی‌فهمی که خود در نادانی و فریب گرفتاری و مردم در بلا و فتنه، تو آنان را گرفتار کردی و در فتنه افکندی و از کار و زندگی بازداشتی از این که تو را در این مقام دیده و شیفته شدند تا به آن مقام علمی برسند که تو رسیده‌ای یا آن را کسب کنند که تو کسب کرده‌ای و از جانب تو به دریایی افتادند که بی‌انتهاست و در بلا-یی بی‌حساب گرفتار آمدند، خداوند به داد ما و تو برسد که او یار و یاورست.»

«أما بعد: فأعرض عن كل ما أنت فيه حتى تلحق بالصالحين الذين دفنوا في أسماهم لاصفة بطونهم بظهورهم ليس بينهم وبين الله حجاب، ولا تفتنهم الدنيا، ولا يفتنون بها، رغبوا فطلبوا فما لبثوا أن لحقوا فإذا كانت الدنيا تبلغ من مثلك هذا المبلغ مع كبر سنك تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۳»

«و رسوخ علمك و حضور أصلك فكيف سلم الحدث في سنه، الجاهل في علمه، المأفون في رأيه و المدخول في عقله إنا الله و إنا إليه راجعون، على من المقول؟ و عند من المستعجب؟ نشكو إلى الله بثنا، و ما نرى فيك، و نحتسب عند الله مصيبتنا بك.»

(۱) «باری از روشی که داری خودداری کن تا به آن شایستگی بیبندی که در جامه‌های کهنه خود در خاک دفن شدند و از گرسنگی شکمشان به پشت چسبیده بود اما میان آنان و خدا پرده‌ای نبود و دنیا ایشان را فریب نداد و فریفته دنیا نشدند، به پاداش اخروی دل بستند و در پی بی‌آن رفتند و درنگی به خود راه ندادند، اگر دنیا تا این اندازه به دل امثال تو جا کرده با این سالخوردگی و علم و دانش که در دم مرگ قرار داری پس جوان نورس ناآگاه که فکرش ناتوان و خردش ناپخته است، چه کند؟ انا لله و انا اليه راجعون، به چه کسی باید اعتماد کرد و نزد چه کسی باید شکوه کرد، ما شکایت خویش را به پیشگاه خدا برده و آن چه را که در تو می‌بینیم و مصیبتی که از طرف تو به ما رسیده به حساب خدا می‌گذاریم.»

«فانظر كيف شكرك لمن غذاك بنعمه صغيرا و كبيراً؟ و كيف اعظامك لمن جملك بدینه في الناس جميلاً؟ و كيف صيانتك لكسوة من جعلك بكسوته في الناس ستيراً، و كيف قربك أو بعدك ممن أمرك أن تكون منه قريباً ذليلاً؟ مالك لا تنتبه من نعستك و تستقيل من عثرتك فتقول: و الله ما قمت لله مقاما واحداً أحيت به له دينا أو أمت له فيه باطلاً، فهذا شكرك من استحملك، ما أخوفني أن تكون كما قال الله في كتابه: [أضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون عقاباً] (۱) استحملك كتابه، و استودعك علمه فأضعتها،

(۱) مریم / ۵۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۴

فحمد الله الذي عافنا مما ابتلاك و السلام. « (۱) »

(۱) «زنهار، ببین که قدردانی نسبت به کسی که در خردسالی و پیری به تو نعمت داده و تغذیه نموده چگونه است؟ و چگونه احترام خدا را پاس می‌داری که به وسیله دینش تو را در میان مردم آبرو داده است؟ و چگونه حفظ می‌کنی پوشش کسی را که تو را در میان مردم پوشانده است و چگونه نزدیکی یا دوری می‌کنی از کسی که به تو امر کرده است مقرب او باشی و در برابرش تواضع کنی، تو را چه شده که از چرت زدن بیدار نمی‌شوی و از لغزش دست بر نمی‌داری تا بگویی به خدا سوگند که یک مورد هم نشد که دین خدا را زنده بدارم و یا باطلی را از بین ببرم، این است قدردانی و سپاسگزاری از کسی که تو را به نیرو و توان خود بر عهده گرفته است چه بسیار بیمناکم که تو چنان باشی که خدای متعال در کتاب خود فرماید: [نماز را ضایع کردند و به دنبال شهوات رفتند و بزودی چاه دوزخ را ببینند] خدا قرآنش را به تو آموخت و علم آن را به تو سپرد اما تو او را ضایع کردی، ما سپاسگزاریم آن خدایی را که عافیت داد و از آنچه تو را گرفتار کرد، سلامتمان داشت، و السلام...»

(۲) هیچ سند سیاسی، برجسته‌تر از این سراغ ندارم، سندی که مشتمل بر مطالب زیر است:

- ۱- این سند زهری را به خاطر پیوستنش به بنی امیه با وجود مقام بلند علمیش مورد ملامت قرار داده است.
- ۲- این سند ارتباط با حکومت ستمگر اموی را حرام شمرده است، زیرا که تأیید این حکومت و کار کردن در تشکیلات آن تأیید ظلم و جور و مبارزه با خدا و رسول خداست.

(۱) تحف العقول: ص ۲۷۴-۲۷۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۵

- ۳- دیگر این که محور قرار دادن امویان زهری را که یکی از برجسته‌ترین علمای زمان خود بود در حقیقت پل ساختن او برای گذر کردن از روی آن به سمت ظلم و ستم بر رعیت و غارت کردن ثروتهای آنها و حکم بر خلاف دستور الهی در میان آنها، بوده است.
  - ۴- پیوستن زهری به امویان باعث جلب قلوب نادانان و سیطره یافتن بر عواطف ایشان گشته و حکومت ستمگرانه آنان را مشروعیت می‌بخشید.
  - ۵- استفاده زهری از اموال امویان و بخششهای فراوانی که بر او ارزانی داشتند هیچ قابل مقایسه با آن چه از دست او گرفتند نبوده است زیرا که بنی امیه دین و کرامت زهری را از او سلب کردند.
  - ۶- پیوستن زهری به امویان باعث تشویق نوجوانان اسلامی به کسب دانش به منظور رسیدن به مقام وی گشت و بدان لحاظ هدف از تحصیل علم برای خدا نبود بلکه برای پیوستن به هیأت حاکمه و دست یافتن به احسان و بخششهای ایشان بود.
  - ۷- این سند زهری را به یاد الطاف و نعمتهای الهی انداخته و او را از عذاب و کیفر الهی برحذر داشته است ... این بود برخی از محتویات این سند زرین.
- (۱)

### ط- روایات زهری از امام (ع)

زهری مجموعه‌ای از اخبار را از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که برخی از آنها مربوط به احکام شرعی و بعضی در آداب رفتار و اخلاق حسنه و قسمتی درباره سیره و احوال امام علیه السلام است که ما در ضمن بحثهای گذشته بدانها اشاره کردیم.

(۲)

### ی- اتهام زهری به دشمنی اهل بیت (ع)

شیخ طوسی در کتاب رجال خود بصراحت می‌گوید زهری از مخالفان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۶

اهل بیت علیهم السلام بوده است و این مطلب را چند تن از بزرگان نقل کرده‌اند، جز این که مصادر و منابعی که در دسترس ماست و در آنها بسیاری از شئون و احوال او را نقل کرده‌اند هیچ رویدادی را که دلیل دشمنی وی با اهل بیت علیهم السلام باشد نقل نکرده‌اند و آقای خوئی می‌گوید: و از آن چه ما گفتیم روشن می‌شود که نسبت دشمنی وی با اهل بیت علیهم السلام مطابق گفته شیخ طوسی به ثبوت نرسیده بلکه ظاهر عدم صحّت آن است. «۱»

(۱)

**ک- وفات زهری**

زهری در سال ۱۲۳ هـ. و به قولی در تاریخی دیگر از دنیا رفته است. «۲»  
(۲)

**۱۵۲- محمد بن علی**

محمد بن علی بن حسین (ع) «۳» امام باقر، باقر علوم اولین و آخرین علیه السلام، شیخ نام آن حضرت را در زمره کسانی آورده که از پدرش امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است «۴» در حالی که آن بزرگوار خود از بزرگان دنیا و از سازندگان تاریخ امت اسلامی است و در جای جای آن، چشمه سارهای حکمت را جاری ساخت، و سپاس خدای را که من توفیق بحث از سیره تابناک آن حضرت را یافتم که همان استمرار واقعی سیره پدران بزرگوارش می باشد که خداوند پلیدی را از ایشان برطرف کرده و آنان را پاک و پاکیزه نموده است، و دوباره نیازی برای بحث درباره آن بزرگوار نمی بینم و هر که بخواهد از احوال آن حضرت مطلع شود به کتاب حیاة الامام الباقر در دو مجلد مراجعه کند.

(۱) معجم رجال الحدیث: ۲۰۲ / ۱۶.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۴۵۰ / ۹.

(۳-۴) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۷  
(۱)

**۱۵۳- محمد بن عمر**

محمد بن عمر بن امام امیر المؤمنین علیه السلام، شیخ او را در شمار اصحاب امام زین العابدین علیه السلام آورده و اضافه می کند که بعضی گفته اند:

هیچ روایتی از آن حضرت نقل نکرده است. «۱» ابن شهر اشوب می گوید: پدر وی، عمر، نسبت به امام علی بن حسین علیه السلام جسارت کرد و پس از آن، محمد، به خدمت امام علیه السلام شرفیاب شد و خودش را روی پاهای آن حضرت انداخت و پاهای امام را می بوسید، امام علیه السلام فرمود: پسر عم این که پدرت قطع رحم کرد مانع از صله رحم کردن من نمی شود، من دخترم خدیجه را به ازدواج تو در آوردم. «۲»  
(۲)

**۱۵۴- محمد بن قیس**

محمد بن قیس انصاری، شیخ او را از جمله اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۳»

(۳)

**۱۵۵- مسلم بن علی**

مسلم بن علی بن بطین، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۴»  
(۴)

**۱۵۶- معروف بن خربوذ**

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام دانسته «۵» و کَشی او را

(۱) رجال طوسی.

(۲) مناقب ابن شهر آشوب.

(۳) رجال طوسی.

(۴-۵) رجال طوسی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۸

یکی از آن گروهی شمرده است که شیعه بر تصدیق و اطاعت از فقه ایشان اجماع دارند. «۱» وی از امام علی بن حسین و امام جعفر علیهما السلام و از ابو الطفیل و حکم بن مستورد روایت کرده و خفان بن سدیر و ربیع مسلمی و عبد الله بن سنان و دیگران از او روایت کرده‌اند «۲» و ابن حبان او را در ردیف افراد موثق نام برده است. «۳»  
(۱)

**۱۵۷- منذر ثوری**

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام نام برده «۴» و ابن حجر می گوید: منذر بن یعلی ثوری مشهور به ابو یعلی کوفی از محمد بن علی بن ابی طالب، ربیع بن خثیم، سعید بن جبیر و دیگران روایت کرده و ابن سعد او را در طبقه سوم از اهل کوفه یاد کرده و می گوید: وی مردی ثقه و قلیل الحدیث می باشد. «۵»  
(۲)

**۱۵۸- منهال بن عمرو**

منهال بن عمرو اسدی، شیخ او را با همین عنوان از اصحاب امام حسین علیه السلام و از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده «۶» وی از امام علی بن حسین و امام ابو جعفر و امام ابو عبد الله علیهم السلام روایت کرده «۷» و ابن معین و نسائی و دیگران او را توثیق کرده‌اند. «۸»



- (۱) رجال کشی.
- (۲) معجم رجال الحدیث: ۲۶۵ / ۱۸.
- (۳) تهذیب التّهذیب: ۲۳۱ / ۱۰.
- (۴) رجال طوسی.
- (۵) تهذیب التّهذیب: ۳۰۴ / ۱۰.
- (۶) رجال طوسی.
- (۷) معجم رجال الحدیث: ۱۰ / ۱۹.
- (۸) تهذیب التّهذیب: ۳۲۰ / ۱۰.
- تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۸۹
- (۱)

### ۱۵۹- منہال بن عمر

منہال بن عمر طائی، موقعی در شام امام زین العابدین علیه السّلام را ملاقات کرد که آن حضرت را به اسارت نزد طاغوت بنی امیه، یزید بن معاویه می بردند، عرض کرد: یا بن رسول اللّٰه، حال شما چگونه است، امام علیه السّلام فرمود: وای بر تو می پرسی حال ما چگونه است، ما در میان شما همانند بنی اسرائیل در بین آل فرعونیم که پسران آنها را سر بردند و زانیشان را اسیر کردند. «۱»

(۲)

### ۱۶۰- میمون بان

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده، چنان که او را از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السّلام دانسته است. «۲»

(۳)

### ۱۶۱- میمون قدّاح

شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السّلام شمرده است. «۳» وی زیاد به خدمت ائمه طاهرين عليهم السّلام می رسیده و از سخنان و اهدافشان برخوردار بوده است، سلام بن سعید مخزومی نقل کرده می گوید: من در خدمت امام صادق علیه السّلام نشسته بودم در آن میان عباد بن کثیر عابد اهل بصره، و ابن شریح فقیه اهل مکه وارد شدند، میمون قدّاح غلام حضرت ابو جعفر- امام باقر- علیه السّلام نیز در خدمت امام بود، عابد بن کثیر از امام علیه السّلام پرسید:

یا ابا عبد اللّٰه، رسول خدا- صلی اللّٰه علیه و آله- را در چند پارچه کفن کردند؟

امام علیه السّلام فرمود: در سه جامه: دو جامه صحاری و یک جامه حبری، و چون

(۱) معجم اخبار الزجال: ۱۹ / ۱۱.

(۲-۳) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۰

این نوع جامه در میان پارچه‌ها اندک بود گویا عباد بن کثیر باورش نیامد، امام صادق علیه السلام فرمود: درخت خرما می‌مریم (ع) یک هسته خرما بود که از آسمان نازل شد و آن چه از ریشه آن درخت روید نیز هسته بود و آن چه باقی ماند و به دست مردم افتاد، همان رنگ و نمود بود. آنان پس از شنیدن این سخنان از نزد امام علیه السلام بیرون رفتند، عباد بن کثیر به ابن شریح گفت: به خدا سوگند نمی‌فهمیدم که این مثلی را که امام ابو عبد الله علیه السلام برایم زد چه بود، ابن شریح گفت: این غلام - یعنی میمون قداح - توضیح خواهد داد زیرا که این از جمله ایشان است، از میمون پرسیدند، او پاسخ داد: آیا نمی‌فهمیدی امام علیه السلام چه می‌گفت؟ گفت: نه به خدا قسم. میمون گفت: آن حضرت شخص خودش را برای تو مثل زد و به تو گفت که او از فرزندان رسول خدا - صلی الله علیه و آله - است و علم رسول خدا نزد ایشان است و هر چه از ایشان صادر شود درست است و هر چه از دیگران باشد همان ته‌مانده و رنگه‌است. «۱»

- ی -

اشاره

(۱)

۱۶۲ - یحیی بن امّ طویل

اشاره

یحیی بن امّ طویل مطعمی، شیخ او را از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده است. «۲» یحیی از ایمان زیادی برخوردار بود و همین قدر در عظمت مقام او بس که امام ابو عبد الله الصادق علیه السلام درباره او فرمود: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام همه مرتد شدند جز سه تن: ابو خالد کابلی، یحیی بن امّ طویل و جبیر بن مطعم، سپس مردم به ایشان پیوستند و زیاد شدند.» «۳»

(۱) معجم اخبار الزجال: ۱۹ / ۱۴۱.

(۲) رجال طوسی.

(۳) رجال کشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۱

حجاج بن یوسف طاغوت جنایتکار او را طلبید، وی را نزد حجاج بردند، دستور داد تا به امیر المؤمنین علیه السلام ناسزا گوید، یحیی خودداری کرد به جلادانش دستور داد تا دستها و پاهای او را ببرند و او را به قتل برسانند، جلادان دستور حجاج را اجرا

کردند، «۱» و یحیی در حالی که از عقیده و دینش دفاع می‌کرد، شربت شهادت را نوشید.

### کنیه‌ها

(۱)

۱۶۳- ابو مریم

### اشاره

از جمله اصحاب امام علیه السلام که به کنیه شهرت دارند، یکی ابو مریم یعنی بکر بن حبیب است، «۲» و چیزی از شرح حال وی در جایی ضبط نشده است.

### زنان

(۲)

۱۶۴- ام‌بَرّ

از جمله زنانی که از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده‌اند، بانوی با فضیلت ام‌بَرّ و یا به قولی حبابه والبیّه است. «۳» و تا اینجا سخن ما درباره اصحاب امام زین العابدین علیه السلام و راویان حدیث و شاگردان آن حضرت پایان گرفت شاگردانی که هیأت علمی آن عصر را تشکیل می‌دادند و از علوم امام علیه السلام قسمت‌های زیادی برخوردار بوده و از مهمترین عوامل نهضت در جهان اسلام و پیشرفت حیات علمی در آن روزگار بودند.

(۱) رجال کشی.

(۲-۳) رجال طوسی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۳

### پادشاهان معاصر امام علیه السلام

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۵

(۱) پادشاهان معاصر امام علیه السلام اما بحث و تحقیق از پادشاهان معاصر امام زین العابدین علیه السلام،- مطابق تحقیقات جدید- یک امر ضروری است، زیرا که چنین تحقیقی پرده از روی برنامه‌ها و سیاست کلی که این پادشاهان داشتند، برمی‌دارد، و مسلم است که زندگی اجتماعی در تمام جنبه‌های خود تحت تأثیر و درخور عوامل اجرایی رویدادهای سیاسی بوده است و مطابق نظریه‌ای که روان‌شناسان مقرر داشته‌اند، تأثیر مستقیم بر روی خطمشی عمومی مردم دارد.

اما پادشاهانی که معاصر امام علیه السلام بوده‌اند، همگی از خاندان بنی امیه بودند و آنان به حکم قانون وراثت و تربیت از احیاکنندگان و دنباله‌روان افکار جاهلیت بوده‌اند و از این رو بیشتر آنها می‌کوشیدند تا جلو پیشرفتهای اسلامی را بگیرند و روحیه اعتقادی را در میان مسلمین بمیرانند. ما به اختصار درباره برخی از شئون و اهداف ایشان سخن می‌گوییم:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۶

(۱)

## معاویه

### اشاره

نخستین فرد از پادشاهان معاصر امام زین العابدین علیه السلام معاویه بن ابی سفیان است، امام علیه السلام در زمان حکومت وی در شکوفایی عمر و آغاز جوانی شاهد آن سیاست تیره و سیاهی بود که معاویه در برابر اهل بیت علیهم السلام و شیعیان نشان در پیش گرفته بود، سیاستی که در سایه شوم آن می‌خواست بنیان عترت طاهره را از بیخ و بن برکند و شیعیان و مؤمنان به حق ایشان را نابود سازد علاوه بر آن بساط ترس و وحشت را در همه جای عالم اسلام برای واداشتن مسلمانان به ذلت و بردگی گسترده بود. و ما اینک بطور اختصار به پاره‌ای از احوال وی اشاره می‌کنیم:

پیش از پرداختن به جهات زندگی معاویه بطور گذرا راجع به پدر و مادرش صحبت می‌کنیم تا روشن شود کینه‌توزی وی نسبت به اسلام چیزی بوده است که از پدر و مادرش به ارث برده بود، آنانی که سراسر وجودشان آکنده به روح جاهلیت و دشمنی با تمام ارزشهای انسانی بود.

(۲)

### پدر و مادر معاویه

اما ابو سفیان پدر معاویه، از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر - صلی الله علیه و آله - و از کینه‌توزترین افراد بود، برآستی که این گوساله (سامری) جاهلیت همه امکانات خود را برای خاموش کردن چراغ دعوت اسلامی و نابود ساختن در همان مراحل آغازینش به کار گرفت، آتش جنگ را مشتعل ساخت و در جنگ بدر سپاهیان کفر را رهبری کرد، جز این که خدای تعالی پیامبرش را یاری نمود و دینش را عزت بخشید و خواری و خسران را برای ابو سفیان مقرر فرمود و او با ذلت و خواری به هزیمت رفت و نیروهایش دچار از هم پاشیدگی و شکست شدند.

و اما مادرش هند، دل‌پلیدش پر از کینه و دشمنی پیامبر اکرم - صلی الله

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۷

علیه و آله - بود و پس از شکست مهلکی که در جنگ بدر نصیب سپاهیان ابو سفیان شد، غم و غصه از دست دادن اقوام و خویشان قلب او را می‌فشرد و از این رو شروع کرد به تحریک خرد و کلان زن و مرد بر خونخواهی و مهیا شدن برای جنگ تا آنجا که جنگ احد را به راه انداخت و ابو سفیان در آن جنگ پیروز شد و هند توانست انتقام خود را بگیرد و در این جنگ بود که حمزه عموی پیامبر (ص) و هفتاد تن از قهرمانان اسلام به شهادت رسیدند و اگر لطف و فضل الهی نبود نزدیک بود که طومار رسالت اسلامی درهم بیچد و پیامبر - صلی الله علیه و آله - به وسیله دفاع دلیرمرد اسلام امام امیر المؤمنین علیه السلام و پاسداریش با جان خود از آن حضرت، نجات یافت، ابو سفیان پیروزمندانه به مکه بازگشت و در حالی که هند (جگرخوار) با دلی خنک شده و

چشمی روشن به همراه او بود، پیکر پاک حمزه شهید بزرگوار اسلام را مثله کرده و انتقام خود را گرفته و آتش کین خود را فرونشانده بود.

(۱)

### فتح مکه

پس از جنگ احد و مراجعت پیامبر - صلی الله علیه و آله - به مدینه، شروع به جمع آوری قوا فرمود و برای فتح مکه که تنها مرکز قوای دشمن بود آماده شد و توانست با یاری و کمک الهی وارد مکه شود و بدون خونریزی آنجا را فتح کند، و با صدور عفو عمومی، رحمت و رأفت و کرامت اسلامی را به نمایش گذارد و پیامبر - صلی الله علیه و آله - سران سپاه دشمن را که می‌خواستند تمام نیروهای آن حضرت را نابود کنند و اعلان جنگ با او را داشتند مورد تعقیب قرار نداد بلکه همه را مشمول رحمت خود قرار داد و از جمله مشمولان عفو، ابو سفیان و اعضای خاندانش بودند که در زوایای ذلت و گمنامی خزیده بودند و مسلمانان به دیده خواری به ایشان می‌نگریستند زیرا آنان دشمنان و مخالفان شکست خورده اسلام بودند.

معاویه پس از فتح مکه یکی از آزادشدگان روز فتح و مستمندی بدون مال

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۸

و ثروت بود که در رکاب علقمه بن وائل حضرمی پا برهنه حرکت می‌کرد. «۱» و زنی با پیامبر - صلی الله علیه و آله - درباره ازدواج با معاویه مشورت کرد، پیامبر او را بر حذر داشت و فرمود: معاویه بی‌نواست! به هر حال، نفوس بنی امیه عموماً از کینه و دشمنی با اسلام آمیخته بود به دلیل آن که اسلام ایشان را خوار ساخت، و بر بزرگی و قدرت‌نمایی ایشان خاتمه داد و آنان همواره مترصد فرصت و در پی فتنه و آشوب بودند و در دل شب تا روز روشن در برابر اسلام، مکر و توطئه می‌کردند و در حدیث شریف آمده است: «اگر از بنی امیه جز پیرزنی فرتوت نمانده باشد، همو در دین خدا انحراف به وجود خواهد آورد.» «۲»

(۱)

### خصوصیات روحی معاویه

#### اشاره

اما صفات و خصوصیات روانی معاویه به شرح زیر بود:

(۲)

### سنگدلی

قلب معاویه رأفت و رحمت نمی‌شناخت بلکه سخت و آلوده به تمام جنایات بود، معاویه کسی بود که تهدیدگران جهنمی خود و در رأس همه، بسر بن ابی ارقطه را بر مردم مسلمان مسلط کرد و به او دستور داد تا هر کسی را که پیرو دین امیر المؤمنین علیه السلام یعنی دین خدا بود، به قتل برساند و نیز این ستمگر فرومایه، قتل و اعدام را گسترش داد و در بزهکاری خود تا آنجا پیش رفت که به کشتار زنان و کودکان پرداخت؛ از جمله دو کودک عبید الله بن عباس را که در سرسبزی و جمال چون دو قرص ماه

بودند به قتل رساند؛ یکی از بانوان درباره او فرموده است: سلطه‌گری که برای پادشاه تبهکارش کاری جز کشتن زنان و کودکان انجام نمی‌دهد!

(۱-۲) المحاسن و المساوی بیهقی: ۲۹ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۹۹

(۱)

### خیانت

از جمله صفات بارز معاویه یکی خیانت بود و این طرفدار سرسخت جاهلیت بر وفای به عهد و دیگر ارزشهای انسانی اعتقادی نداشت و از جمله خیانت‌های بزرگ وی آن بود که در صلح با امام بزرگوار، حسن بن علی علیه السلام شرایطی را قائل شد و بی‌شرمانه در حضور گروههای مردم اظهار داشت که همه آنها را زیر پا گذاشتم و به هیچ کدام عمل نخواهم کرد. به این ترتیب خلق و خوی جاهلیت خود را که تجسم وقاحت، گرافه‌گویی، بی‌شرمی و پرویی بود، آشکار کرد.

(۲)

### دروغگویی

معاویه دروغگویی ناسپاس بود که هیچ ارتباطی با راستی و صداقت نداشت، به مردم شام دروغ گفت و آنان را فریب داد بر این که او از همه کس به پیامبر گرامی اسلام نزدیکتر است و آن حضرت وارثی جز معاویه ندارد، و همچنین به مردم شام دروغ گفت و مدعی شد که امام امیر المؤمنین علیه السلام، عثمان بن عفان را به قتل رسانده و خود در پی خونخواهی اوست، همچنان که به آن مردم دروغ گفت و مدعی شد که امام علیه السلام کسی است که صحابی بزرگ، عمار بن یاسر را در جنگ صفین به قتل رسانده است، و از علاقه شدید و پافشاری که بر دروغ داشت به منظور دروغ بستن به خدا و رسول خدا، دستگاهی به وجود آورده بود و جمعیهایی از دروغ‌پردازان را جهت دروغ‌پردازی فراهم کرده بود که گاهی در فضیلت صحابه و گاهی در پایین آوردن مقام اهل بیت علیهم السلام احادیثی جعل می‌کردند ... بر راستی که معاویه بر دروغ خو گرفته و روش زندگی خود و آیین حکومت خود را بر اساس آن نهاده بود.

(۳)

### پیمان‌شکنی معاویه

از جمله صفات معاویه پیمان‌شکنی و حيله‌گری بود، وی با گروهی از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۰

مسلمانان و در رأس همه، با گل بوستان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و نواده آن حضرت، امام حسن علیه السلام پیمان‌شکنی کرد؛ او را ولی عهد خویش قرار داد ولی بعدا عهد خود را شکست و زهر کشنده‌ای فراهم کرده و به دست کارگزار خود مروان بن

حکم داد که همسر امام (ع)؛ جعده دختر اشعث را وادار کرد تا آن زهر را به شوهرش امام حسن علیه السلام خوراند و نواده پیامبر (ص) پس از خوردن آن زهر، طولی نکشید که به لقاء الله پیوست.

این بود برخی از صفات معاویه و تأکید می‌کنیم که وی به هیچ صفت ارزنده و هیچ خصلت خوبی متصف نبود.

(۱)

### صفات انتسابی

معاویه را به زیرکی، حلم و حسن سیاست توصیف کرده‌اند و اینها صفات انتسابی است که جیره‌خواران خودفروخته و وعیاض السیلاطین به وی نسبت داده‌اند و امام زین العابدین علیه السلام این ادعاها را رد کرد، وقتی که سخن نافع بن جبیر درباره معاویه را شنید که او بردبار بود و از روی علم سخن می‌گفت، در رد این گفته‌ها فرمود:

«دروغ می‌گویند، بلکه سکوتش معلول ناتوانی و سخنش گزافه‌گویی بود.» (۱)

پس اگر او ذره‌ای حلم و بردباری داشت، صحابی بزرگ حجر بن عدی و همراهان با ایمانش را که از پیشاهنگان شهادت در اسلامند، به قتل نمی‌رساند و اگر دارای صفت حلم بود صحابی جلیل القدر عمر بن حمق خزاعی را نمی‌کشت و اگر او اندکی حلم و حسن سیاست و تدبیر داشت پسر می‌گسارش یزید را بر مسلمانان، به عنوان پادشاه، تحمیل نمی‌کرد تا آنان را گرفتار بلایا و بدبختیها کند.

(۱) اعیان الشیعه: ۲۶/۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۱

و از جمله اوصاف مختلفی که به وی نسبت داده‌اند آن است که او نویسنده وحی بوده است! چگونه ممکن است پیامبر -صلی الله علیه و آله- چنین انسان پیرو جاهلیت را که نور اسلام بر اندیشه او نتابیده و هیچ فروغی از نور هدایت و حقیقت بر قلب او راه نیافته، امین بر نوشتن آیاتی کند که از جانب پروردگار عالمیان بر او وحی می‌شود؟! در حالی که وی با همان افکار تیره جاهلیت باقی مانده است. البته این قبیل اوصاف را مزدوران و جیره‌خواران وی از وعیاض السیلاطین به او نسبت داده‌اند در صورتی که هر کس با دقت و خالی الذهن تاریخ زندگی او را مطالعه کند می‌بیند فرد خطرناک و تهدیدگر حرفه‌ای بوده و هیچ ارتباطی با فضایل ارزنده و اوصاف نیک و برجسته نداشته است.

(۱)

### حکومت دمشق

حادثه دردناکی که دل را می‌آزارد و چیزی که هیچ قابل توجیه نبوده و دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد، حاکم ساختن وی بر مسلمانان (دمشق) بود تا با ایشان نماز (جمعه و جماعت) بخواند و مطابق دستور الهی قضاوت کند و عهده‌دار جمع‌آوری زکات و مالیات آنان باشد درحالی که برای این کارها شایستگی نداشت با توجه به این که اسلام در تعیین والیان و همه کارگزاران حکومت احتیاط و دقت لازم را مقرر داشته و مشروط بر تحقیق و بررسی زندگی و دقت در اخلاق و اهداف و گرایشهای ایشان نموده است، تا هر که خود و اقوامش پرهیزگار و پاک‌نفس و بزرگواری بوده و به امور اداره و حکومت آشنا باشد می‌تواند در تشکیلات دولتی مشغول کار شود، و اما کسی که در دیانتش متهم و در رفتارش انحراف داشته و در وجود خود و خاندانش پستی و فرومایگی داشته

باشد، گماردن او در هر شغلی از مشاغل دولتی خیانت به اسلام و مفسده برای مسلمانان است.

اما تعیین معاویه به عنوان حاکم دمشق که از مهمترین مراکز حساس جهان اسلام آن روز بود، کسی که در برابر دستورهای زندگی اسلام تسلیم نبود و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۲

هیچ توجهی به اعمال اسلامی نداشت بلکه پیرو خواسته‌های سیاسی خود بود و هیچ علاقه‌ای در هیچ شرایطی به مصلحت امت اسلامی نداشت، و جدا جای تأسف است که خلیفه دوم او را مقرب ساخت و در تأیید و استوار ساختن او کوتاهی نکرد با این که پیاپی خبر می‌رسید که ابریشم و حریر می‌پوشد و از ظروف نقره و طلا استفاده می‌کند و رفتارش از احکام اسلامی به دور است، اما خلیفه در مقام اعتذار از جانب وی می‌گفت: او کسرای عرب است! عجب! مگر در اسلام هم کسرا و قیصر وجود دارد؟! بلکه آنچه همگان از اسلام می‌شناسند این است که اسلام نقش مثبت الغای این قبیل عناوین را بخوبی ایفا کرده و شالوده برابری را در میان تمام پیروانش پی‌ریزی کرده و تنها امتیاز را به تقوا و عمل صالح دانسته است که مهمتر از همه خدمت به اجتماع اسلامی و تلاش در راه ترقی و پیشرفت آن است.

(۱)

### ایام حکومت معاویه

دولت اسلامی پس از رویدادهای خطرناکی که دیپلماسی اموی همه انواع مکر و فریب را برای دست یافتن به حکومت و تسلط به سرمایه‌های کشور به کار برد، به دست معاویه افتاد. ثروتمندان قریش و سرمایه‌داران عرب به منظور حفظ مصالح خاص خود که در زمان حکومت امام امیر المؤمنین علیه السلام، پیشاهنگ عدالت اجتماعی در روی زمین، از دست داده بودند به معاویه کمک کردند. نیکلسون می‌گوید: «مسلمانان پیروزی بنی امیه و در رأس ایشان پیروزی معاویه را یک پیروزی برای حکومت اشرافی بت‌پرستی می‌دانستند که دشمن دیرینه پیامبر بودند، همان چیزی که پیامبر مبارزه کرد تا بر آن خاتمه داد و مسلمانان در راه پیکار با آن و ایستادگی در برابر آن استقامت کردند تا آن که خداوند پیروشان کرد و توانستند حکومت اشرافی را نابود کنند و روی خرابه‌های آن پایه‌های اسلام را استوار نمایند، دین بلندنظری که همه مردم را در رفاه و سختی برابر دانسته و سیادت گروهی را که تهیدستان را حقیر و ناتوانان را خوار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۳

می‌شمردند و اموال عمومی را به غارت می‌بردند، از میان برد.» (۱) مسلمانان در روزگار حکومت معاویه به سخت‌ترین وضع گرفتار شدند، همه جا در مصائب سخت و رویدادها و حوادث سهمگین غرق بودند و اراده مسلمین را بطور جدی به مبارزه طلبیده و برای به ذلت کشیدن آنان و سلب آزادیهایشان فعالیت می‌کرد و آنان را از هر نوع حقی که قوانین اجتماعی و انسانی منع می‌کرد، و از جمله روشهای ظالمانه‌ای که معاویه اصرار داشت تا در برابر اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان که منبع اندیشه و تفکر اسلامی بودند اعمال کند، موارد ذیل است:

(۱)

### دور ساختن مسلمین از اهل بیت علیهم السلام

این اموی ستم‌پیشه از هر وسیله پستی برای خاموش کردن نور آل محمد- صلی الله علیه و آله- و فاصله انداختن بین ایشان و امت



اسلامی و محروم ساختن جامعه از بهره‌مند شدن از آداب و اخلاق بلندشان، استفاده می‌کرد؛ جوّ ترس و وحشت طاقت‌فرسایی را برای هر که مناقب و اوصاف ایشان را می‌گفت و یا با ایشان ارتباط داشت، به وجود آورد همان گونه که رسماً ناسزا گفتن به امام امیر المؤمنین علیه السلام را اعلان کرد امامی که وجودش بالاترین مرکز و محور تفکر اسلامی بود. روی چوبه‌های منبر و در خطبه‌های نماز جمعه، جیره‌خواران و وعاظ السلاطین بر یکدیگر سبقت می‌جستند، البته سیره امام علیه السلام در تعقیب معاویه بوده و او را در میان کاخهایش مورد پیگرد قرار می‌داد این بود که سرپیچی در برابر ظلم و جور وی همه جا را فرا گرفت و افقهای امیدبخشی برای آگاهی سیاسی و دینی پدید آمد.

(۲)

### تصفیه شیعه

سیاست شوم معاویه بر این شد که عناصر طرفدار اهل بیت علیهم السلام را

(۱) تاریخ اسلام: ۱/ ۲۷۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۴

تصفیه کند و ریشه آنان را برآورد و ایشان را از بیخ و بن برکند و به کارگزاران و استاندارانش در همه جا نوشت تا هر که دوستدار عترت رسول الله - صلی الله علیه و آله - است پراکنده سازند و بکشند و مقرری آنها را از دولت قطع کنند و اموال ایشان را مصادره نمایند و در سیاهچالهای زندان بازداشت کنند، جلّادان و تهدیدگران از کارگزاران وی به انجام این دستور اقدام کردند و ترس و وحشت در همه جا سایه گسترد و بر شیعیان اهل بیت سخت گرفتند و کار به جایی رسید که اگر به کسی می‌گفتند زندیق و یا بی‌دین است بهتر از آن بود که بگویند دوستدار اهل بیت علیهم السلام است و از موالیان ایشان می‌باشد، زیرا در این صورت در معرض قتل و شکنجه قرار می‌گرفت، به این ترتیب گروه زیادی از بزرگان اسلام نظیر حجر بن عدی، رشید هجری، عمر بن حمق خزاعی و دیگر شخصیت‌های آزاده را به قتل رسانید در حالی که هیچ گناهی جز دوستی اهل بیت علیهم السلام نداشتند.

(۱)

### استانداران و کارگزاران معاویه

معاویه، مشتی از خائنان و جنایتکاران نظیر زیاد بن ابیه، مغیره بن شعبه، عمرو بن عاص، بسر بن ارطاة و نظایر ایشان را که از منحرفین بودند و جز قتل و ویران کردن و تجاوز بر مردم چیزی نمی‌فهمیدند، بر مردم گماشت؛ زنازاده زیاد بن ابیه از سیاست شوم خود که عراق را با همان سیاست اداره می‌کرد، اعلان کرد که سالم را به جرم بیمار و آینده را به جرم رونده دستگیر می‌کند و به مجرد گمان و تهمت مجازات می‌نماید، و در عصر خود زندگی مردم عراق را به جهنمی غیر قابل تحمل مبدل ساخت و مردم را به حالی گذاشت که به یکدیگر می‌گفتند:

سعد را نجات ده، سعید که هلاک شد! این ستم‌پیشگان کشور اسلامی را غرق مصائب و بلایا کردند و سایه ترس و وحشت را در همه جا گستردند.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۵

(۱)

**حکومت یزید را بر مردم تحمیل کرد**

معاویه، زندگی خود را با بدترین جرم و جنایتها به پایان رساند و آن تحمیل کردن حکومت و سلطنت فرزند هرزه و فاسد خود بر مردم مسلمان پس از مرگ خویش بود که دین و دنیای مسلمین را برباد داد و با قوانین و احکام جاهلیت پیشین فرمانروایی می‌کرد و برآستی که این جنایتکار خطرناک زندگی را در جهان اسلام به جهنم طاقت‌فرسا تبدیل نمود و فجایعی را مرتکب شد که روی تاریخ عرب و اسلام را سیاه کرد.

(۲)

**بعضی از خصوصیات معاویه****اشاره**

جمعی از مسلمانان عصر معاویه از خصوصیات زشت او مطالبی به شرح زیر گفته‌اند:

(۳)

**۱- ابن عباس**

اندیشمند بزرگ اسلامی عبد الله بن عباس درباره معاویه چنین اظهار نظر می‌کند: «در معاویه هیچ خصلتی که باعث تقرب او به مقام خلافت باشد وجود نداشت.» (۱)

(۴)

**۲- صعصعه بن صوحان**

مجاهد بزرگ صعصعه بن صوحان عبدی در ایام حکومت معاویه با وی ملاقات کرد، معاویه از او پرسید:

«به نظر شما کدام یک از خلفا نظیر من بودند؟» صعصعه با شجاعتی کم نظیر پاسخ داد:

(۱) مسعودی، حاشیه ابن اثیر: ۷/۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۶

«آن که، با زور و سلطه بر مردم حکومت می‌کند کی می‌تواند خلیفه باشد و با کبر و خودخواهی با مردم برخورد کند و با وسایل باطل از دروغ و حيله‌گری زمام قدرت را به دست می‌گیرد؟! به خدا سوگند که تو در روز جنگ بدر نه (برای اسلام) شمشیری زدی و نه تیری رها کردی و بی‌یقین تو و پدرت بی‌اهمیت و ناچیز بودید و از جمله کسانی بودید که در برابر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- آشوب پیاکردید و بلکه تو آزادشده فرزند آزادشده‌ای، تو و پدرت را رسول خدا (ص) آزاد کرد، کجا مقام خلافت شایسته یک فرد آزاد شده است.» (۱)

(۱)

**۳- مغیره بن شعبه**

دوست و شریک جرم و جنایاتش، مغیره بن شعبه، اظهار نفرت می‌کند؛ روزی بر معاویه وارد شد و از او سخنی شنید که به پیامبر گرامی اسلام بد می‌گفت، از نزد وی بیرون آمد در حالی که قرقر می‌کرد و به پسرش گفت: من از نزد پلیدترین مردم می‌آیم، و حرفی را که معاویه زده بود، برای پسرش نقل کرد. «۲»

(۲)

**۴- سمره بن جندب**

از جمله کسانی که از معاویه بدگویی کرده، منافق دروغگو سمره بن جندب است؛ موقعی که معاویه او را از استانداری بصره برکنار کرد، گفت:

«خدا معاویه را لعنت کند، به خدا سوگند که اگر همان گونه که از معاویه اطاعت کردم از خدا اطاعت می‌کردم، هرگز مرا عذاب نمی‌کرد...» «۳»

در اینجا سخن ما درباره معاویه پایان می‌گیرد و هر که به سیاست او نظری افکند می‌بیند، هر عملی را که مخالف قرآن و سنت پیامبر (ص) از قبیل

(۱) مسعودی، حاشیه ابن اثیر: ۷/۶.

(۲) مروج الذهب: ۳۴۲/۲.

(۳) طبری، چاپ اول: ۱۵۷/۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۷.

کشتار آزاد مردان و تارمار مصلحان و هتک آبروی مردم و دیگر جرایم و جنایات بود، همه را مرتکب شده است.

(۱)

**حکومت یزید**

بزرگترین خطری که در آن عصر متوجه امت اسلامی گردید، حکومت یزید بود که از زشت‌ترین صفحات تاریخ می‌باشد و یزید خود از روح، هدف و معنای اسلام از هر پادشاهی، دورتر بود و مسلمانان را دچار ناگواریها و مشکلات کرده و آنان را در ورطه شرّ بزرگی افکند.

براستی این طاغوت تبهکار نسبت به تمام ارزشها و خوبیها بی‌اعتنا بود و به دنبال شهوات و کام‌جوییهایش روان بود، مسعودی او را چنین توصیف کرده می‌گوید: «یزید در پی لذت خود بود و آشکارا معصیت خدا را می‌کرد و خطای خود را نیکو می‌شمرد و آنجا که دنیا به سود او می‌شد، دین در نظر او خوار بود...» «۱»

بولس سلامه درباره او می‌گوید:

«همراه صاحب آن تخت باش تا ببینی که از خدا رو بر تافته و به خوانندگان زیبارو سرگرم است هزار «الله اکبر» را در مقابل یزید با

یک بار باده‌گساری برابری نمی‌کرد!» برآستی که یزید با جنایات مهمی که مرتکب شد، مسلمین را داغدار کرد، جنایاتی که دل انسانی را می‌لرزاند و مسلمانان هرگز در طول تاریخ آنها را از یاد نمی‌برند؛ نواده و گل بوستان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- سرور جوانان اهل بهشت، امام حسین علیه السلام را به قتل رساند و عترت طاهره

(۱) التنبیه و الاشراف: ص ۲۶۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۸

اهل بیت او را آواره شهرها کرد و همچنین مدینه الرسول (ص) را بر سر بازانش مباح کرد و بیت الله الحرام را بی حرمت شمرد که ما در ضمن رویدادها و کارهای یزید به تفصیل نقل خواهیم کرد.

(۱)

### حکومت معاویه بن یزید

معاویه بن یزید در حالی زمام امور را به دست گرفت که در آغاز جوانی و بحران شباب بود، جز این که وی چیزی از ورع و تقوا را در اختیار داشت، این بود که بیش از نگرش به دنیا، توجه به آخرت داشت، زیرا که او جدش معاویه را دیده بود که بناحق با خلیفه و جانشین رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و باب مدینه علم پیامبر (ص)، امام امیر المؤمنین علیه السلام مخالفت کرد و پدرش یزید را دید که با کشتن عترت پیامبر (ص) و مباح ساختن مدینه منوره و دیگر کارهای زشت، بدترین جنایات را مرتکب شد، این بود که از سلطنت کناره گرفت و از حکومت به شدت متنفر شد، و خود را از سلطنت خلع کرد و در پیشگاه خدا و ائمت از خود رفع مسئولیت نمود؛ تمام مسئولین، سران سپاه و سایر طبقات مردم شام را جمع کرد و خطبه بلیغ و مؤثری ایراد کرد و صرف نظر کردن و کناره‌گیری خویش از ریاست دولت را به اطلاع عموم رساند، و در این خطبه پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر گرامی (ص) چنین گفت:

(۲) «ای مردم من مایل به قبول امارت و فرمانروایی بر شما نیستم به دلیل نارضایتی فراوان من از شما و البته می‌دانم که شما نیز از ما ناراضی هستید، زیرا که ما گرفتار شما و شما گرفتار ما شدید، جز این که جدم معاویه در این امر با کسی مخالفت کرد که از او و از دیگران شایسته‌تر بود؛ به خاطر خویشاوندیش با رسول خدا (ص) و فضیلت فراوانی که داشت و سابقه‌اش در اسلام، او از همه مهاجران با منزلت‌تر و شجاع‌تر و داناتر و ایمانش از همه بیشتر بود، و او

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۰۹

ارجمندترین و قدیمترین صحابی و پسر عمو، داماد و برادر رسول خدا (ص) بود، پیامبر، دخترش فاطمه را به همسری او در آورد و پیامبر با خواست وی او را شوهر دخترش قرار داد و با اختیار فاطمه او را همسر وی ساخت، پدر دو نواده پیامبر؛ سرور جوانان اهل بهشت، افضل این ائمت و تربیت‌یافتگان دست پیامبر (ص) و پسران فاطمه بتول، شاخه‌های شجره طیبه، بانوی طاهره زکیه همان کسی که جد من با وی مرتکب شد آن چه را که شما می‌دانید و شما با وی کردید آن چه را که نمی‌دانستید تا این که امور بر وفق مراد جدم شد و چون اجل حتمی وی فرا رسید و مرگ گریبانش را گرفت او در گرو عمل خویش ماند، تنها در خانه قبرش و به جزای عمل خود رسید و آن چه را که مرتکب شده و ستمی را که روا داشته بود، دید، و پس از آن خلافت به پدرم یزید منتقل شد و به دلیل علاقه‌ای که پدرش به او داشت زمام امر شما را به دست گرفت و البته البته که پدرم یزید با رفتار ناروا و ظلم به نفسی که داشت شایسته خلافت بر امت محمد (ص) نبود، این بود که زمام اختیار را به دست هوای نفس داد و خطای خود را نیک پنداشت و در برابر خدا گستاخی شگفت‌انگیزی کرد و حرمت کسانی از اولاد رسول خدا (ص) را به ستم نادیده گرفت این بود که مدت

عمرش کوتاه و اثرش گسسته شد و دمساز عملش گشت و همدم قبرش و گروگان جرمش گردید، اما وبال و تبعاتش باقی ماند، و آن چه قبلا فرستاده بود عایدش شد و هنگامی پشیمان شد که پشیمانی سود نداشت و غمی که برای او داشتیم ما را از اندوه بر او بازداشت پس ای کاش می‌دانستم که چه گفت و چه چیز به او گفتند؟ آیا کیفر بدیش را دید و به خاطر عملش مجازات شد و این پندار من است...» و آنگاه شروع به گریستن کرد و گریه و فغانش طول کشید، سپس رو به جمعیت کرد و گفت: «من سومین فرد این خاندان شدم و ناراضیان از من بیش از افراد راضی هستند و من کسی نیستم که گناهان شما را تحمل کنم و نمی‌خواهم که خداوند متعال مرا در حالی ببیند که بار سنگین گناهان شما را بر دوش گرفته و پیامد اعمال شما را به گردن دارم، پس این شما و فرمانروایی شما، آن را بگیرید و هر کس را بر امارت خودتان

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۰

می‌پسندید، بر عهده او بگذارید، و من برآستی بیعت خویش را از گردن شما برداشتم، و السلام...» (۱)

(۱) این سخنرانی دلیل بر بیش‌نسبه خوب دینی اوست؛ زیرا او نقاب از چهره جد و پدرش بر گرفته و روشن ساخته است که ایشان از راه راست منحرف بوده‌اند و من هیچ خطابه سیاسی سراغ ندارم که بر اساس حق و واقعیت و بیداری وجدان و به دور از خودخواهی و پارسایی در دنیا همانند این خطابه استوار گشته باشد که از یک قلب آمیخته به فضایل و صفات ارزنده برخاسته است.

امویان از این رویداد سخت نگران شدند و دستخوش آشفتگی گشتند و به نزد آموزگار معاویه بن یزید شتافتند و او را متهم کردند که او محبت اهل بیت علیهم السلام را به وی آموخته از این رو، او را زنده به گور کردند. «۲» هرج و مرج و آشفتگی در همه نواحی شام سایه افکند.

شاعری در آن باره می‌گوید: «آئی اری فتنه تغلی مراجلها و الملک بعد ابی لیلی لمن غلبا» برآستی می‌بینم دیگهای فتنه و آشوب در حال جوشیدن است و سلطنت پس از ابو لیلی مال کسی است که بر دیگران غالب شود.

به این ترتیب بنای سلطنت آل ابو سفیان به دست معاویه بن یزید؛ نجیب‌ترین فرد اموی که تاریخ سراغ دارد، از هم پاشید.

(۲)

## مروان بن حکم

### اشاره

چه خنده‌آور است روزگار! و چه مسخره است سرنوشتها! آیا چون مروان بن کلپاسه کلپاسه‌زاده که پیامبر خدا- صلی الله علیه و آله- او را از مدینه

(۱) حیاة الحیوان دمیری: ۱ / ۶۱-۶۲، النجوم الزاهرة: ۱ / ۱۶۴.

(۲) حیاة الحیوان: ۱ / ۶۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۱

اخراج کرد، ممکن است خلیفه مسلمین شود؟ و این مقام والا به او سپرده شود؟! اگر اوضاع فکری و اجتماعی و قلت آگاهی دینی سقوط کرده و به نابودی کشیده شود، البته چنین فاجعه‌ها و گرفتاریها را بر سر مسلمین می‌آورد و این قبیل ستمگر را بر آنان حاکم می‌کند.

براستی که مروان بن حکم عنصری مخرب و از جمله طرفداران باطل و نفاق بود و موضع تخریب و ستیز با اسلام را داشت و به اجماع تمام مورخان فریبکاری پلید و مورد خشم همه مسلمین بوده است تا بدان جا که او را رشته باطل لقب داده بودند و او با پدرش در زمان پیامبر - صلی الله علیه و آله - و حکومت ابو بکر و عمر به طایف تبعید شده بودند و در گرسنگی و فقر به سر می‌بردند، اما چون زمام خلافت به دست عثمان افتاد، آنان را به مدینه طلبید و مقرب خود ساخت و ثروت فراوانی به ایشان بخشید و عثمان تا آنجا به مروان اعتماد کرد که او را مشاور خود قرار داد و تمام امور سیاسی را به دست او سپرد با علم به این که او هیچ نظر صحیح سیاسی و یا اندیشه اصیلی نداشت تا باعث شود که او را این قدر به خود نزدیک کند و یا تمام امور را به او واگذارد، و لیکن تعصب قبیله‌ای عثمان را وادار کرد تا بنی امیه و آل ابی معیط را به گردن خود سوار کرد، و اموال مسلمین را به ایشان بخشید و مناصب عالی دولتی را به ایشان واگذار نمود و از ایشان گروه اشرافی خطرناکی ساخت که بر سرنوشت کشور تسلط یافتند و به هیأتی درآمدند که محدود ساختن نفوذ ایشان و پایان دادن بر سیطره آنها بسیار مشکل شد.

(۱) به هر حال، در حقیقت مروان در روزگار خلافت عثمان، حاکم مطلق بود که در تمام امور دولت به دلخواه خود عمل می‌کرد و جلوداران شورش‌ی که از نواحی مختلف کشور اسلامی بر ضد عثمان به مدینه آمدند اصرار می‌کردند که مروان باید از تشکیلات دولت اسلامی برکنار شود اما عثمان پاسخ مثبت نداد و در مقابل، بیشتر به او تمسک جست این بود که شورشیان به کشتن عثمان ناگزیر شدند و او را با آن وضع فجیع کشتند که خود دلیل خشم مردم نسبت به عثمان و به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۲

چشم حقارت نگریستن به اوست.

پس از قتل عثمان، مسلمانان با اتفاق با امام امیر المؤمنین پیشاهنگ عدالت اجتماعی در روی زمین بیعت کردند و این بیعت همگانی بود، و جشنهای مردمی، که در مدینه و سایر شهرهای اسلامی برپا شد، بیانگر میزان شادمانی و سرور مسلمانان نسبت به بیعت با امام علیه السلام است چیزی که در بیعت با خلفا نظیر آن مشاهده نشده است.

(۱) موقعی که مردم مسلمان با امام امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کردند، قوای اشرافی قرشی بشدت ناراحت شدند و این ناراحتی به خاطر آن بود که می‌ترسیدند اموالی را که در ایام حکومت عثمان اختلاس کرده‌اند، دیری نخواهد پایید که امام علیه السلام مصادره خواهد کرد، از این رو انجمنها برگزار کردند و رایزنیها نمودند تا به این نتیجه رسیدند که خون عثمان را مطالبه کنند و امام علیه السلام را به پناه دادن قاتلان عثمان متهم کنند و در برابر آن حضرت اعلان قیام مسلحانه کنند و بانو عایشه را وسیله قرار دادند و از او سرپوشی برای آشوب خود ساختند تا تبلیغات خود را به هر نحو که می‌خواهند شکل دهند و این گروه همان کسانی هستند که در طول تاریخ باعث گرفتاری شدند، به هر حال آنان رهبری این حرکت و سردمداری قوای مسلح خود را به عایشه سپردند و عموم امویان و در رأس همه، مروان، به شورشیان پیوستند و دسته جمعی به سمت بصره حرکت کردند و حکومت بصره را در اختیار گرفتند و امام امیر المؤمنین علیه السلام با عجله سپاهی برای پایان دادن به این سرکشی گسیل داشت و پس از نبرد هولناکی که مورخان نقل کرده‌اند قوای عایشه از هم پاشید و عایشه دستگیر شد و سران برجسته سپاه او و در رأس همه مروان نیز دستگیر شدند تا این که حسنین علیهما السلام نزد پدرشان واسطه شدند تا او را رها کند و امام علیه السلام نیز او را مورد عفو قرار داد و مروان نیز با تمام افراد خانواده و بستگان خود به شام یعنی پناهگاه امویان گریخت و با پسر عمومیش معاویه در آنجا زندگی می‌کرد تا این که به همراه معاویه برای مبارزه با حکومت مشروع اسلام، در سپاه وی به صفین رفت و پس از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۳

حوادث سهمگین و پیشامدهای ناگواری که بر سر مسلمانان آمد، معاویه با جنگ و کشتار و با مکر و حيله به خلافت رسید و مروان، چندین بار به استانداری مدینه منصوب شد و چون معاویه هلاک شد و یزید زمام امور حکومت را به دست گرفت، مروان

در پیشاپیش کسانی بود که از حکومت یزید پشتیبانی می‌کردند و او کسی بود که به ولید استاندار مدینه پیشنهاد دستگیری امام حسین علیه السلام را داد اما او اجابت نکرد و پس از هلاکت یزید و کنار رفتن معاویه بن یزید - معاویه دوم - از خلافت، مروان مصمم بود تا با ابن زبیر بیعت کند اما عبید الله بن زیاد او را از این بیعت منع کرد. «۱» زیرا او چنین مقامی را برای ابن زبیر پیش‌بینی نمی‌کرد به خاطر این که گذشته درخشانی نداشت و هیچ خدمتی به مسلمانان نکرده بود تا او را شایسته چنین مقام خطیری نماید.

(۱) به هر حال، حصین، مروان را به خلافت نامزد کرد و مدعی شد که در خواب خود دیده است که قنذیلی از آسمان آویخته است و هر که آن را دریافت کند عهده‌دار خلافت شود، و کسی دریافت نکرد، مگر مروان. «۲» و جریان خواب خویش را برای مردم شام نقل کرد و مردم پیشنهاد او را پذیرفتند و روح بن زنباع، در میان جمعیت مردم شام بپا خاست و خطبه خواند و گفت:

«مردم شام! اینک این مروان بن حکم، بزرگ قریش و خونخواه عثمان و کسی است که در جنگ جمل و صفین با علی بن ابی طالب مبارزه کرده است، با او محترمانه بیعت کنید.» «۳» فرصت طلبان و اوباش برای بیعت با مروان بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و او نخستین حاکم دولت مروانی بود که مسلمانان در سایه حکومت شوم او دچار ظلم و فقر و محرومیت شدند.

(۱) مروج الذهب: ۳/ ۳۱.

(۲) تاریخ ابن اثیر: ۳/ ۳۲۷.

(۳) تاریخ یعقوبی: ۳/ ۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۴

(۱)

### پنهان شدن شیعیان

در زمان حکومت مروان، شیعیان از بیم جان و مالشان در خفا به سر می‌بردند، مسعودی می‌گوید: مؤمنان خود را مخفی می‌کردند و مأموران دولت شیعیان را در هر نقطه‌ای از زمین که بود تعقیب می‌کردند و خون و مالشان را هدر می‌دادند و مروانیا لعن امیر المؤمنین علیه السلام را بر روی منابر علنی کردند. «۱»

(۲)

### ناسزاگویی به امیر المؤمنین

مروان به ناسزا گفتن بر امام امیر المؤمنین علیه السلام حرص زیادی داشت و تا وقتی که استاندار مدینه بود در هر جمعه بر روی منابر به آن حضرت ناسزا می‌گفت «۲» و هنگامی که با امام زین العابدین علیه السلام برخورد کرد، از انگیزه‌ای که او را وادار بر این امر کرده بود پرده برداشت و چنین گفت:

«هیچ کس در میان این مردم از صاحب ما - یعنی عثمان - از صاحب شما - یعنی علی - گریزان تر نبود.» امام علیه السلام فرمود:

«پس شما چرا علی را در روی منبرها ناسزا می‌گویید؟» مروان فوراً پاسخ داد:

«زیرا که حکومت جز از این طریق برای ما میسر نمی‌شود...» «۳»

براستی، ضایع کردن حقوق امام امیر المؤمنین علیه السلام و بد جلوه دادن واقعیت درخشان آن حضرت جزئی جدایی‌ناپذیر از سیاست دولت اموی بود که بر اساس دروغ و نیرنگ و فریبکاری متمرکز گشته بود.

(۱) اثبات الوصیة: ص ۱۶۸.

(۲) حیاة الامام الباقر (ع): ۱۶/۲.

(۳) نهج البلاغه: ۲۲۰/۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۵

(۱)

### مجموعات

تاریخ عربی و سنت اسلامی مشتمل بر بسیاری از مجموعاتی است که سازندگان آنها به منظور بد جلوه دادن حق و برای حفظ مصالح تنگ‌نظرانه خود، جعل می‌کردند، و از جمله این مجموعات مطالبی است که بعضی از راویان نقل کرده‌اند که امام زین العابدین علیه السلام رابطه محکمی با مروان داشته است به شرح زیر:

(۲) ۱- ذهبی «۱» و ابن حجر، «۲» نقل کرده‌اند که امام زین العابدین علیه السلام بعضی از احادیث نبوی را از قول مروان بن حکم نقل کرده است، این سخن به هیچ وجه قابل قبول نیست زیرا مروان به احادیث نبوی و سنت اسلامی اعتنایی نداشت و تنها توجهش به امور سیاسی و استوار ساختن حکومت بنی امیه و افزایش ثروتهایی بود که از بیت المال مسلمین اختلاس کرده بود.

(۳) ۲- ابن سعد نقل کرده است که مروان کسی را به خدمت امام زین العابدین علیه السلام فرستاد و به او پیام داد که پدرت امام حسین علیه السلام از مروان چهار هزار دینار وام درخواست کرد و در آن وقت این مبلغ در دست مروان نبود اما او این مبلغ را برای آن حضرت فراهم کرد که اگر بخواهد برایش بفرستد و امام از وی خواست و در نزد وی ماند، و هیچ کس از بنی مروان درباره آن وام سخن نگفت تا این که هشام بن عبد الملک بر سر کار آمد و آن را از امام علیه السلام طلبید و امام نیز آن را فراهم کرد اما هشام به وی بخشید. «۳» مجعول بودن این روایت روشن است زیرا امام حسین علیه السلام مخالف ظلم و ستم بود، به مروان بی‌اعتنا بود و او را به چیزی نمی‌گرفت و این همه به خاطر اصرار مروان به ناسزا گفتن به امام امیر المؤمنین علیه السلام و ضایع کردن حق او بود و او کسی

(۱) تاریخ اسلام: ۲/ ورقه ۲۶۶ در کتابخانه آقای حکیم.

(۲) تهذیب التّهذیب: ۳۰۴/۷.

(۳) طبقات الکبری: ۲۱۵/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۶

بود که به والی مدینه دستور داد تا اگر امام حسین علیه السلام با یزید بیعت نکرد او را بکشد و با وجود این دشمنی مسلم در بین ایشان چگونه امام حسین علیه السلام به خود اجازه می‌دهد که خود را در برابر او کوچک کند و از او وام بطلبد؟ وانگهی امام زین العابدین علیه السلام این مبلغ را از او با وجود ارتباط محکم بین مروان و بنی امیه که دل آن حضرت را با کشتن پدرش به درد آورده بودند، به وام بگیرد؟

(۱) ۳- از جمله مجموعات مطلبی است که یکی از راویان نقل کرده است که مروان بن حکم به امام زین العابدین علیه السلام پیشنهاد کردند که با یکی از زنان ازدواج کند تا خداوند به او فرزندی بدهد که امتداد اولاد امام حسین علیه السلام باشد که شمشیر امویان آنان را از میان برد، امام علیه السلام در پاسخ مروان فرمود: او مبلغی را که به وسیله آن ازدواج کند در اختیار ندارد، این بود



که مروان صد هزار دینار به او قرض داد و امام آن مبلغ را گرفت و با زنی ازدواج کرد، و چون هنگام فوت مروان فرا رسید، به فرزندانش سفارش کرد تا آن مبلغ را از علی بن حسین علیهما السلام نگیرند، ذهبی به دنبال نقل این داستان می‌نویسد:

مروان به اجل خود از دنیا نرفت بلکه همسرش امّ خالد همسر سابق یزید او را خفه کرد. پس چه وقت توانست در حال مرگش درباره آن مبلغی که از علی بن حسین علیهما السلام طلب داشت، وصیت کند؟! «۱»

(۲)

## فوت مروان

خلافت مروان چندان طول نکشید، فقط چند ماهی بر کرسی خلافت نشست امام امیر المؤمنین علیه السلام از مدت خلافت وی خبر داده بود، که بمانند لیسیدن سگ بینی خود راست. «۲» با مرگ مروان صفحه‌ای از صفحات خیانت و

(۱) طبقات الکبری: ۵ / ۲۱۵.

(۲) سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۲۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۷  
گناه و باطل درهم پیچید.

(۱)

## عبد الملک بن مروان

### اشاره

خلافت اسلامی که در حقیقت سایه خدا در روی زمین است به دست جباری مستبد از ستم‌پیشگان بنی امیه یعنی عبد الملک بن مروان افتاد که در زمان حیات پدرش با وی بیعت شده بود، و پس از آن که پدرش به هلاکت رسید در دمشق و مصر دوباره با او بیعت کردند. «۱» راویان اخبار می‌گویند: عبد الملک پیش از آن که عهده‌دار خلافت شود، اظهار پارسایی و عبادت می‌کرد و این کار را به خاطر فریفتن مردم و زمینه‌سازی برای حکومت خویش می‌کرد، همین که مژده رسیدن به سلطنت را به او دادند، قرآن کریم دستش بود، آن را بست و گفت: این آخرین دیدار من و تو بود، و یا این که گفت: اینک وقت جدایی من و توست. «۲» و در این گفتارش صادق بود، زیرا که او از همان لحظه اول حکومت خویش با کتاب خدا و احکام اسلام فاصله گرفت و با سیاست شومی به اداره مسلمین پرداخت و گرگان بشری را بر ایشان مسلط کرد و آنان ظلم و جور و ترس را در همه جا گسترده کردند.

براستی که عبد الملک طاغوتی جبار بود و به تعبیر منصور دوانیقی هیچ باکی نداشت که چه می‌کند. «۳» و او خود می‌گفت: پس از رسیدن من به این مقام، کسی مرا به تقوای الهی امر نکرد مگر آن که گردنش را زدم. «۴» و به این سخن او گوش فرا دهید که می‌گوید: من جز با شمشیر مشکل این امت را حل نمی‌کنم، تا وقتی که جریان امور شما به دلخواه من استوار شود. «۵» ملاحظه می‌فرمایید که با

(۱-۲) تاریخ ابن کثیر: ۸ / ۲۶۰.

(۳) التّزاع و التّخاصم، مقریزی: ص ۸.

(۴) تاریخ الخلفاء سیوطی: ص ۲۱۹.

(۵) الذهب المسبوك مقریزی: ص ۲۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۸

رعیت چگونه رفتار می کند و نسبت به ایشان قساوت قلب به خرج می دهد؟

مشکل آنان را با لطف و احسان چاره جویی نمی کند بلکه با یورش، جور و ستم با ایشان رفتار می کند که از جمله عوامل بهره کشی ذاتی او بلکه از ویژگیها و خصلتهای وجودی او می باشد. برآستی که عبد الملک در خونریزی بناحق افراط می کرد؛ و داغ فرزند و غم و گرفتاری را در تمام خانه های مسلمین رایج کرد.

روزی امّ درء به وی گفت: شنیده ام که تو پس از آن پرهیزگاری و عبادت باده گساری کرده ای، گفت: آری و الله و خون هم خوردم! «۱» برآستی که آن قدر خون مسلمین را خورد که سیراب شد و از خون آنها جویها جاری کرد.

علاوه بر ستمگری و بی باکی و جور، بخیل نیز بود. تا آنجا که مشهور به «رشح الحجارة» گردید. «۲» امت اسلام در دوران حکومت وی دچار گرسنگی، فقر و محرومیت شدند که ما به برخی از مظالم وی و موضعگیریهایش نسبت به امام زین العابدین علیه السلام اشاره می کنیم:

(۱)

## استانداری حجاج

### اشاره

عبد الملک رگباری از عذاب سخت بر سر مسلمین فرو ریخت و زندگی مردم را به جهنمی طاقت فرسا مبدل ساخت؛ وی حجاج بن یوسف ثقفی را که از پلیدترین افراد مخوفی بود که بشریت در تمام مراحل تاریخ خود دیده است، بر مردم مسلط کرد و امکان هر گونه تعدی را در اختیار او گذاشت از جمله به او اجازه داد تا در امور دولتی مطابق خواستها و تمایلات خویش دخل و تصرف کند که در هیچ حالی در برابر منطق قانون تسلیم نبود و تنها منطق مورد قبول او بی باکی و خودسری بود؛ اعدام، زندان و تبعید مردم کار معمول او بود، آن هم نه به خاطر حفظ نظام بلکه به خاطر خاموش کردن لهیب هوا و تمایلات نفسانیش بود و بس و

(۱) تاریخ طبری.

(۲) تاریخ قضاعی: ص ۷۲: کنایه از این که از دستش نمی پس نمی داد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۱۹

جوی از سختگیریهای سیاسی را به وجود آورد که در قساوت و مرارت کسی نظیر آنها را ندیده بود، ما برخی از مظالم او را به اختصار بیان می کنیم.

(۱)

## خونریزی حجاج

این طاغوت ستم پیشه بناحق خون مسلمانان را ریخت، دمیری می‌گوید:

«حجاج از خونریزی و ارتکاب جنایت بی‌سابقه بازمی‌ایستاد» (۱) از کشتار بی‌رحمانه وی غیر از کشتار در صحنه‌های جنگ تا صد و بیست هزار نفر را بر شمرده‌اند. (۲) و بعضی صد و بیست هزار گفته‌اند، (۳) او خود بر خونریزی نابجای خویش رسماً اعتراف کرده، می‌گوید: به خدا سوگند، که امروز مردی را روی زمین سراغ ندارم که بیش از من جرأت بر خونریزی داشته باشد. (۴) براستی که شمشیرش را در گردن قاریان قرآن و عابدان و عالمان قرار داده بود به این دلیل که ایشان قیام ابن اشعث را تأیید کرده بودند و از جمله کسانی که با شکنجه کشته شدند عالم بزرگ سعید بن جبیر یکی از بزرگان شیعه بود که حسن بصری در سوک او می‌گوید: به خدا قسم که سعید بن جبیر روزی از دنیا رفت که تمام مردم روی زمین از مشرق تا مغرب همگی به علم او نیازمند بودند. (۵)

(۲)

### توهین به پیامبر

حجاج از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر - صلی الله علیه و آله - و از کینه‌توزترین افراد نسبت به آن حضرت بود و عبد الملک را بر پیامبر اکرم (ص) ترجیح می‌داد، خدای متعال را در حضور مردم مخاطب قرار داد و گفت: آیا

(۱) حیاة الحیوان: ۱ / ۱۶۷.

(۲) تهذیب التهذیب: ۲ / ۲۱۱، تیسیر الوصول: ۴ / ۳۱.

(۳) حیاة الحیوان: ۱ / ۱۷۰.

(۴) طبقات ابن سعد: ۶ / ۶۶.

(۵) حیاة الحیوان: ۱ / ۱۷۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۰

فرستاده تو - یعنی پیامبر (ص) - افضل است یا خلیفه تو - یعنی عبد الملک -؟ (۱) و مسلمانانی را که به زیارت قبر پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌رفتند مسخره می‌کرد و انتقام می‌گرفت و می‌گفت: نفرین بر ایشان که اطراف چوبها و استخوانهای پوسیده طواف می‌کنند، چرا به اطراف کاخ امیر المؤمنین عبد الملک طواف نمی‌کنند مگر نمی‌دانند که شخص خلیفه بهتر از فرستاده اوست؟ (۲) این سبکسر بی‌ادب، عبد الملک را بر پیامبر گرامی اسلام که خداوند او را رحمة للعالمین فرستاده است، ترجیح می‌دهد، همان گونه که این آدم مسخ شده، به پیامبر (ص) توهین می‌کرد به بازماندگان از اصحاب آن حضرت نیز جسارت می‌کرد. مورخان می‌گویند: وی بر خوار ساختن ایشان کمر بسته بود (۳) و روی گردن و دستشان علامت گذاشته و آنها را مشخص کرده بود. (۴)

(۱) تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۶۲۰ دشمنی حجاج با اهل بیت ..... ص: ۶۲۰

### دشمنی حجاج با اهل بیت

این جنایتکار پلید از کینه‌توزترین افراد نسبت به اهل بیت علیهم السلام بود که خداوند از ایشان پلیدی را بر طرف کرده و پاک و پاکیزه قرار داده است.

وی در نامه‌ای به عبد الملک نوشت؛ اگر می‌خواهی سلطنت تو پایدار بماند، علی بن حسین علیهما السلام را بکش، اما عبد الملک پذیرفت و در پاسخ او نوشت: «اما بعد، مرا از ریختن خون بنی هاشم دور نگهدار و خودت خون آنها را بریز زیرا که من شاهد بودم آل ابی سفیان وقتی که دستشان به خون آنها آغشته شد درنگ نکردند مگر این که خداوند سلطنت ایشان را به زوال آورد.» وقتی که امام علیه السلام از این جریان مطلع شد از عبد الملک تشکر و

(۱) رسائل جاحظ: ص ۲۹۷، النزاع و التخاصم مقریزی: ص ۲۷.

(۲) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۵ / ۲۴۲.

(۳) خلاصه الذهب المسبوك اربلی: ص ۹.

(۴) تاریخ الخلفاء: ص ۲۲۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۱

قدردانی کرد. «۱» مورخان می‌گویند؛ بهترین وسیله تقرب در نزد حجاج بد گفتن به امام امیر المؤمنین علیه السلام بود، یکی از جیره‌خواران و از اوباش مردم نزد وی آمد، در حالی که داد می‌زد و می‌گفت: «ای امیر، اعضای خاندانم از این که نام مرا علی گذاشته‌اند حق مرا ضایع کرده‌اند و من یک نفر فقیر بیچاره‌ام و به مرحمت امیر نیاز دارم.»

(۱) حجاج از شنیدن این سخن شادمان شد و گفت: «به لطف آن چه را که تو وسیله قرار داده‌ای سرپرستی فلان جا را به تو واگذار کردم.» «۲» هشام کلبی روایت کرده می‌گوید: من طایفه او را دیدم که ناسزا گفتن به علی بن ابی طالب علیه السلام را به فرزندان و خانواده‌شان تعلیم می‌دادند و مردی از تیره عبد الله بن ادریس بن هانی در میان ایشان بود بر حجاج بن یوسف وارد شد، جمله‌ای گفت که حجاج در پاسخ آن درشتی کرد و او رو به حجاج کرد و گفت: «ای امیر! این سخن را به ما مگویید، نه برای قریش و نه برای راست کردن منقبتی که مورد توجه ایشان بلکه به خاطر مناقبی که ما به آن قبیل مناقب توجه داریم!»

حجاج متحیر ماند، پرسید: آن مناقب شما چیست؟

آن مرد فوراً پاسخ داد، از عثمان در مجالس ما هرگز بدگویی نمی‌شود و از او کسی به بدی یاد نمی‌کند.

حجاج با صدای بلند گفت: آری این خود منقبتی است.

آن مرد گفت: و دیگر این که کسی از قبيله ما هرگز دیده نشده که بر خلیفه خروج کند.

حجاج گفت: این نیز منقبتی برای شماست.

آن مرد شروع کرد و اوصاف قوم خودش را یکی یکی می‌شمرد، گفت:

«جز یک مرد از قبيله ما در هیچ موردی با ابو تراب حضور نداشته است که او نیز از

(۱) الخرائج و الجرایح از کتابهای خطی کتابخانه آقای حکیم، به شماره مسلسل ۲۳۱.

(۲) حیاة الامام الحسن بن علی: ۲ / ۳۳۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۲

نظر ما افتاد و در انزوا و گمنامی به سر می‌برد و قدر و منزلتی نزد ما ندارد» حجاج با شنیدن این سخنان شادمان شد و گفت: «این منقبت است ...»

آن مرد گفت: «و هیچ مردی از قبيله ما اراده ازدواج با زنی را نمی‌کند مگر این که از او می‌پرسد؛ آیا دوستدار ابو تراب است و از او به نیکی یاد می‌کند یا نه، پس اگر بگویند که آن زن چنین است از او دوری می‌کند و با وی ازدواج نمی‌کند.»

(۱) حجاج گفت: «این منقبت است.»

آن مرد گفت: «هرگز پسری در قبیله ما به دنیا نیامده است که نام او را علی، حسن و حسین بگذارند، و هیچ دختری نبوده که فاطمه نامگذاری کنند.»

حجاج گفت: «این منقبت است.»

آن مرد گفت: «زنی از قبیله ما - موقعی که حسین بن علی عازم عراق بود - نذر کرد؛ اگر خداوند او را بکشد، ده شتر جوان قربانی کند، و چون او را کشتند، آن زن به نذر خود وفا کرد.» و حجاج با شنیدن این منقبت شکفته شد و گفت: «و این منقبتی است.»

آن مرد گفت: «و مردی از قبیله ما را به براءت از علی و لعن کردن او، دعوت کردند، و او گفت: آری و من حسن و حسین را نیز به پیشنهاد شما می‌افزایم.»

حجاج فوری گفت: «به خدا سوگند که این منقبتی است.»

آن مرد گفت: «امیر المؤمنین عبد الملک به ما گفت: شما شعارید نه دثار و شما انصار پس از انصارید.»

حجاج گفت: «این نیز منقبتی است.» (۱)

همین قدر در فخر و عظمت امام امیر المؤمنین علیه السلام بس که او را دشمن نمی‌دارد مگر کسانی همچون حجاج بن یوسف ثقفی از مسخ‌شدگان که

(۱) بحار الانوار: ۱۱۹/۴۶ - ۱۲۰، بعضی این مطالب را به مسلم بن عقبه نسبت داده‌اند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۳

هیچ پیشینه شرافت و فضیلت ندارند.

(۱)

### خراب کردن کعبه

از جمله جرایم و جنایات حجاج، تجاوز او بر بیت الله الحرام بود که خداوند آنجا را برای مردم، حرم امن قرار داده است، شش ماه و هفده روز - در وقتی که عبد الله بن زبیر به آنجا پناهنده بود - آن را محاصره کرد و دستور داد تا کعبه مکرمه را هدف تیر قرار دهند، این بود که از بالای کوه ابو قیس با منجیق تیرباران کردند و افرادی تیراندازی می‌کردند و این رجز را می‌خواندند:

«خَطَّارَةٌ مِثْلَ الْفَنِيقِ، الْمَزِيدُ نَوْمِي بِهَا أَعْوَاءَ هَذَا الْمَسْجِدِ» (۱) - فلاخنی که چون مرکب پر جست‌وخیز، ما بدان وسیله چوبه‌های این مسجد را تیرباران می‌کنیم.

این طاغوت هیچ گونه حرمتی برای بیت الله الحرام قائل نبود و حرمت آن را از میان برد و پیش از وی یزید بن معاویه هیچ حرمتی برای آن نگذاشت.

(۲)

### بازگرداندن حجر الأسود

پس از آن که حجاج کعبه معظمه را ویران کرد و خواست دوباره آنجا را بسازد، علما و قضات هر چه حجر الاسود را در جای

خودش می گذاشتند، نمی ایستاد تا این که امام زین العابدین علیه السلام جلو آمد در حالی که هاله‌ای از تعظیم او را در میان گرفته بود، حجر الاسود را برداشت و در جای خودش قرار داد و استوار گشت، صدای مردم با دیدن این منظره به تکبیر بلند شد. «۲»

(۳)

## زندانیها

حجاج، این موجود خطرناک و ستمگر زندانهای ساخت که نه مانع گرما

(۱) تهذیب ابن عساکر: ۴ / ۵۰.

(۲) صراط مستقیم: ۲ / ۱۸۱ از زین الدین عاملی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۴

بود و نه سرما و زندانیان را به سخت ترین نوع شکنجه‌ها و انواع عذابها معذب می کرد، و زندانی را به دست زندانبان سرکش خود به نام قصب فارسی شکنجه می کرد و روی زمین می کشید تا وقتی که خون از بدنش جاری می شد، مورخان می گویند: در زندان وی پنجاه هزار مرد و سی هزار زن از جمله شانزده هزار زنان بی شوهر جان سپردند، و مردان و زنان را در یک جا زندانی می کرد. «۱» در زندان وی تا سی و سه هزار زندانی را سرشماری کردند که بی جرم و گناه آنها را زندانی کرده بودند. «۲» وی از کنار زندانیان گذر می کرد و به آنها می گفت: «در آنجا خفه شوید و حرف نزنید» «۳» آنها را به دوزخیان تشبیه می کرد و خودش را از خودکامگی و تکبر مانند آفریدگار بزرگ می دانست.

(۱)

## هلاکت حجاج

خدای متعال از این جنایتکار پلیدی که همه جا را غرق غم و مصائب کرده بود، انتقام گرفت به بیماری خوره در ناحیه شکم مبتلا شد، و خداوند زمهریر (تب لرزه شدید) را بر او مسلط کرد بطوری که داغ گذاران اطراف او را پر از آتش می کردند و به او نزدیک می ساختند به حدی که پوست بدنش می سوخت و او حس نمی کرد و سخت دچار درد و آلام شده و از وضع خویش به حسن بصری شکوه کرد، حسن به وی گفت: من بارها تو را از متعرض شدن افراد صالح بر حذر داشتم و تو لجبازی کردی، جواب داد: ای حسن من از تو درخواست نمی کنم که از خدا بخواهی گرفتاری مرا برطرف سازد بلکه درخواست دارم که از خدا بخواهی تا مرا زودتر قبض روح کند و بیش از این عذابم نکند. «۴» جلاّد پلید همچنان آلام مرگ و شدت جان کندن را می چشید تا هلاک شد و روح خبیثش به جهنم قرین

(۱) حیاة الحیوان: ۱ / ۱۷۰.

(۲) معجم البلدان: ۵ / ۳۴۹.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۲ / ۲۱۲.

(۴) وفیات الأعیان: ۶ / ۳۴۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۵

غل و زنجیر پیوست و با مرگ او دری از درهای ستم درهم شکست و روح ظلم و ستم دچار حسرت شد و چه با خواری و ذلت هلاک و نابود گشت! وقتی که خبر هلاکت او را به حسن بصری دادند، گفت: خدایا حال که او را هلاک کردی سنت او را نیز نابود کن میان ما چون خفّاشی حقیر با بند انگشتان کوتاه پدید آمد، به خدا سوگند که هرگز چهره‌ای در زمان او در راه خدا عرق نکرد، از آثار کفر و خودسری او این بود که می‌گفت: با من بیعت کنید، اگر نه گردنتان را می‌زنم. «۱» عمر بن عبد العزیز می‌گفت: اگر تمام امتها پلیدترین فرد خود را بیاورند و ما مسلمین حجاج را بیاوریم در پلیدی بالاتر از آنها خواهد بود. «۲» شعبی می‌گوید: اگر هر امتی پلید و تبه‌کار خود را بیاورند و ما تنها حجاج را بیاوریم بر آنان فزونی خواهیم داشت. «۳» مسلمانان خبر فوت این جنایتکار را با شادمانی زیادی دریافت کردند و لعنت و نفرین ایشان از روز هلاکت وی تا وقتی که خداوند وارث زمین و اهل زمین گردد نثار او می‌گردد.

(۱)

### ظلم استانداران به مردم

عبد الملک، تبه‌کاران را بر جهان اسلام مسلط کرد و آنان ظلم و جور را در همه جا شایع کردند هشام بن اسماعیل مخزومی را بر مدینه گماشت و او تاریخ را لکه‌دار کرد و در احکام به ظلم و جور عمل کرد و به خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - ستم روا داشت، «۴» همچنان که فقیه سعید بن مسیب را دستگیر و به ظلم و جور شصت تازیانه به او زد و در بین مردم گردش داد، «۵» و مردم از او به عبد الملک شکایت کردند اما جوابی نشنیدند بلکه در عوض سرزنش و دشنام

(۱) - تهذیب التّهذیب: ۲/ ۲۱۳.

(۲) کامل ابن اثیر: ۴/ ۱۳۳.

(۳) تحفه الانام فاقوری: ص ۹۳.

(۴) تاریخ یعقوبی: ۲/ ۳۴۰.

(۵) تاریخ یعقوبی: ۲/ ۳۲۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۶

عایدشان گردید، نمیری از وی به خاطر ظلم و ستمی که به قومش روا داشته و اموال ایشان را به غارت برده بود نزد عبد الملک شکایت برد و در قصیده‌ای چنین می‌گوید:

اما مستمند که ناقه‌اش افسرده و لاغر شده و اعضای خانواده‌اش دست خالی مانده و تمام اموالش را مصادره کرده‌اند. و ثروتمندان فقیر گشته و توانگران به خاطر آن که اموالشان را به غارت برده‌اند، نگران و پریشان‌حالدند اگر تو خود شخصا به آنها رسیدگی کنی، به آنان نیرو و قوت بخشیده‌ای و اگر مثل ایشان را نجات ندهی تباه گردند. «۱»

معنای این شعر آن است که نیروهای سلطه‌گر قوت و غذای مستمندان را مصادره کرده و تمام ثروت ایشان را به غارت برده‌اند و حتی کرک شتری را نیز برای ایشان باقی نگذاشته‌اند و همچنین بر ثروتمندان ستم روا داشته و جلو مال و ثروتشان را گرفتند و شاعر نظر عبد الملک را جلب می‌کند تا به قوم و قبیله او قوت و نیرویی ببخشد و ظلم و ستمها را از ایشان برطرف سازد که اگر به ایشان توجهی نکند طولی نخواهد کشید که همگی هلاک خواهند شد.

**امام و عبد الملک**

اما برخوردارهای امام علیه السلام با عبد الملک بن مروان به شرح زیر است:  
 امام و عبد الملک در طواف عبد الملک مشغول طواف بیت الله الحرام بود و امام علیه السلام نیز طواف می کرد در حالی که از طرف حاجیان در هاله‌ای از احترامات قرار داشت، پس عبد الملک پرسید این کیست؟ گفتند: این علی بن حسین علیهما السلام است، رو به امام کرد و گفت:  
 «ای علی بن حسین من قاتل پدر شما نیستم پس چه باعث شده است که

(۱) طبقات ابن سلام: ص ۴۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۷

نزد ما نمی آیی؟» امام علیه السلام اعتنایی به او نفرمود و در پاسخش گفت:

«همانا قاتل پدرم با عملی که مرتکب شد، دنیای پدرم را تباه کرد و پدرم نیز آخرت را بر او تباه فرمود، پس اگر تو نیز دوست داری که قاتل پدر من باشی، بوده باش ...»

عبد الملک از آن حالت نخوت پایین آمد و گفت:

«هرگز! اما نزد ما بیا تا از دنیای ما برخوردار شوی ...»

امام علیه السلام از پاسخ وی خودداری کرد. «۱»

(۱)

**عبد الملک شمشیر پیامبر را مطالبه می کند**

به عبد الملک اطلاع دادند که شمشیر رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- در نزد امام زین العابدین علیه السلام است، کسی را نزد امام فرستاد تا شمشیر را به وی هدیه دهد و در عوض از او چیزی بخواهد. امام علیه السلام از پاسخ به درخواست او خودداری کرد، عبد الملک در نامه‌ای که به آن حضرت نوشت او را تهدید کرد و به وی وعده داد که از بیت المال مقرری او را خواهد برید، پس امام علیه السلام چنین پاسخ داد:

«باری خدای متعال برای پرهیزگاران ضمانت کرده است گریزگاهی را از جایی که خود نمی‌خواستند و روزی را از جایی که فکرش را نکرده‌اند فراهم کند، و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (۲) اکنون بین کدام یک از ما به این آیه سزاوارتریم، و السلام.» (۳)

(۲)

**اعتراض عبد الملک به امام**

عبد الملک در مدینه جاسوسی داشت که تمام حوادث آنجا را برای او

(۱) اثبات الهداة: ۵ / ۲۲۹.



(۲) سوره حج / ۴۰: بدرستی که خداوند دوست نمی‌دارد هر خیانتکار ناسپاس را.

(۳) اعیان الشیعه: ۴/ ق ۲ / ۹۸۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۸

می‌نوشت، امام علیه السلام کنیزی داشت که اول او را آزاد کرد و سپس با او ازدواج کرد و جاسوس عبد الملک این جریان را برای او نوشت و عبد الملک از این رویداد بهره‌برداری کرد و به امام علیه السلام اعتراض کرد و نوشت:

«اما بعد به من اطلاع دادند که تو با کنیز خودت ازدواج کرده‌ای در حالی که تو می‌دانی در میان قریش کسانی هم‌پایه تو هستند و تو می‌توانستی مفتخر به دامادی او شوی و فرزند نجیبی از او داشته باشی، تو نه به خودت فکر کرده‌ای و نه برای فرزندی که از خود باقی می‌گذاری، و السلام...»

این نامه مشتمل بر روح جاهلیت و روشهای جاهلی است که برای عربها ازدواج با غیر عرب را حرام می‌شمرد، (۱) امام علیه السلام با منطوق اسلام در پاسخ وی نامه ذیل را نوشت:

«باری نامه تو به دست من رسید در حالی که تو در آن ازدواج مرا با کنیزم مورد سرزنش قرار داده‌ای و پنداشته‌ای که در میان زنان قریش کسانی بودند که من به وصلت با ایشان مفتخر می‌شدم و می‌توانستم فرزند نجیب داشته باشم و بدان که در مجد و عظمت کسی بالاتر از رسول خدا- صلی الله علیه و آله- نیست و هیچ کس در کرامت افزونتر از آن حضرت نمی‌باشد و کنیز زرخرید من از ملکیت من به امر خدای عزّ و جل بیرون شد و من اجر و ثواب الهی را در او جستم سپس مطابق سنت الهی به او رجوع کردم (و با او ازدواج کردم) و هر کس در دین خدا پاکیزه باشد، هیچ چیزی بر او خللی وارد نمی‌کند، در حالی که خداوند به وسیله اسلام پستی را برطرف کرده و کاستی را به کمال مبدل ساخته و ملامت را برداشته است پس بر شخص مسلمان ملامتی نیست بلکه ملامت و سرزنش، ملامت جاهلیت است، و السلام...» (۱)

(۱) اعیان الشیعه: ۴/ ق ۲ / ۴۷۹ و در عقد الفرید: ۷/ ۱۲۱ قریب به این مضمون آمده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۲۹

اسلام بطور مثبت و فعّال بر اساس لغو نژادپرستیها و سایر موانعی که میان مردم مسلمان و جامعه اسلامی باعث تفرقه می‌گردد و خودخواهی و نارضایتی در بین مردم ایجاد می‌کند مبتنی گشته و تشکیل خانواده را بر اساس مساوات در اسلام استوار نموده است، نه بر پایه حسب و نسبها و عبد الملک این واقعیت تابناک را درک نکرده بود از این رو به امام علیه السلام اعتراض می‌کند که چرا آن حضرت با کنیزی بیچاره پس از آزاد ساختنش ازدواج کرده است؟! چه عیب و یا سرزنشی متوجه امام است بلکه ملامت و سرزنش ملامت جاهلیت و عادات زشت آن است مورخان می‌گویند: عبد الملک همین که نامه امام علیه السلام را خواند، متحیر شد و گفت:

«براستی که علی بن حسین به چیزی که مردم آن را پست می‌شمارند، افتخار می‌کند.» (۱)

(۱)

### نامه امام به عبد الملک

امام علیه السلام نامه‌ای به عبد الملک نوشت و در این نامه او را به تقوای الهی و لزوم اطاعت وی دعوت کرد، عبارت نامه چنین است:

«اما بعد، همانا، عزّت تو هرچه بیشتر به خدا وابسته است و از هر چیز بیشتر به او نیازمندی، بنابراین اگر به وسیله او عزّت یافتی پس

به خاطر او از یزهدکاران درگذر زیرا قدرت تو وابسته به اوست و به سوی او بازمی‌گردی، و السّلام...» (۲) این نامه با تمام اختصارش از بلیغترین نامه‌های عربی است که مشتمل بر امر بسیار مهمی به شرح زیر است:

(۱) عقد الفرید: ۱۲۱ / ۷.

(۲) بصائر و ذخایر، ابو حیان توحیدی: ص ۲۱۷، بهجۀ المجالس و انس المجالس: ۲ / ۳۲۱ - ۳۲۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۰

۱- دعوت به تقوای الهی که باعث عزّت و بزرگی است و ملک و سلطنت باعث عزّت نیست.

۲- عبد الملک به هر مرتبه‌ای از سلطنت که برسد باز هم نیازمندترین موجود، به خداست زیرا که خداوند قادر است که سلطنت را از او بگیرد.

۳- دعوت به بخشش و گذشت از مرتکبین بعضی گناهان به قصد تقرب به خدایی که سرانجام کار بندگان به سوی اوست. (۱)

### دستگیری امام

علم، زهد و پارسایی و تقوای امام علیه السلام در همه جای جهان اسلام منتشر شده و در انجمنها از فضایل و آثار آن حضرت سخن می‌گفتند و اینها را برای عبد الملک نقل می‌کردند، خواب از چشمانش پرید و از خشم و کین به خروش آمد و دستور داد آن بزرگوار را دستگیر کنند و به دمشق ببرند، در راه سفر کرامتی از امام علیه السلام به وقوع پیوست که زهری جریان را برای ما بازگو کرده، می‌گوید:

روزی که عبد الملک بن مروان علی بن حسین علیهما السلام را از مدینه به شام می‌برد و او را در زنجیر گران بسته و چندین پاسبان و محافظ بر او گمارده بود، من از مأموران اجازه خواستم تا به خدمت آن حضرت برسم سلامی عرض کنم و خداحافظی نمایم، به من اجازه دادند، وارد شدم در حالی که امام در زیر سقف گنبدی شکل، کنده در پا و غل جامعه در دستهایش بود، «۱» گریه کردم و گفتم:

ای کاش من عوض شما بودم و شما در امان بودید، فرمود: زهری! آیا تو گمان می‌بری که از آن چه بر من مشاهده می‌کنی و از این غل و زنجیر گردنم، مرا می‌آزارد؟ بدان که اگر من بخواهم اینها نباشند نیستند، البته در آن صورت اگر تو و امثال تو از جریان مطلع شدید، باید عذاب خدا را به خاطر بگذرانید، آنگاه دستها و پاهایش را از غل و زنجیر در آورد و سپس رو به من کرد و فرمود: من بیش از

(۱) در روایتی، به جای دستها، گردن آمده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۱

دو منزل از مدینه با اینها همراه نیستم، زهری می‌گوید: چهار شب گذشته بود که مأموران به مدینه آمده بودند و او را می‌جستند و نیافتند و من خود از جمله کسانی بودم که در جستجوی آن حضرت بودیم، یکی از مأموران به من گفت: ما همواره با او بودیم و او در اختیار ما بود و ما اطراف او را گرفته بودیم و از او مراقبت می‌کردیم و یکباره دیدیم غل و زنجیری بیش در جای او نمانده است. زهری می‌گوید: پس از آن به شام رفتم، عبد الملک را دیدم، او از من راجع به علی بن حسین علیهما السلام پرسید و من آنچه دیده بودم برای وی نقل کردم، گفت:

همان روزی که مأموران در پی او می‌گشتند، به خانه من آمد و رو به من کرد و گفت: تو را با من و مرا با تو چه کار؟ گفتم: نزد ما باش! فرمود: من دوست ندارم که با تو باشم و بعد بیرون رفت، به خدا سوگند که چنان هیتی از او دیدم که از ترس جامه‌ام را آلوده کردم. زهری می‌گوید: گفتم: یا امیر المؤمنین! علی بن حسین چنان نیست که تو گمان می‌بری بلکه او به عبادت خود مشغول است، گفت: خوشا به حال کسی که به شغل او مشغول است و چه نیکو شغلی است! «۱»

براستی که خدای تعالی کرامات و مناقبی را به دست اولیایش - به خاطر بزرگداشت و تعظیم از مقام ایشان، و محکوم ساختن نیروهای مخالف - اجرا می‌کند.

و بدین وسیله سخن ما درباره برخی از رویدادهایی که در ارتباط با امام علیه السلام و عبد الملک به وقوع پیوست، پایان می‌گیرد.  
(۱)

### هلاکت عبد الملک

عبد الملک به بیماری مبتلا شد که به مرگش انجامید و پزشکان معالج وی از علاج وی درماندند و لحظه به لحظه مرگ بسرعت نزدیک می‌شد، آن گونه

(۱) کفایه الطالب: ص ۴۴۸ - ۴۴۹، جامع کرامه الأولیاء: ۱۵۶ / ۲، شرح شافیه ابو فراس ج ۲ ورق ۱۰۴، تاریخ دمشق ۱۴۸ / ۲۰۶، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول: ۴۳ / ۲ - ۴۴، بحر الأنساب ورق ۴۲، بحار الأنوار: ۱۲۳ / ۴۶، اعیان الشیعه: ۲۳۵ / ۴ / ۱، حلیه الاولیاء و دیگر منابع.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۲

که مورخان نقل می‌کنند، نگرانی و اضطراب از جانب اعمال زشت و ظلم و ستمهایی که مرتکب شده بود و خونهای بناحقی که ریخته بود او را فرا گرفته بود و بر سر می‌زد و می‌گفت: کاش کارگری ساده بودم و روز بروز خرم را درمی‌آوردم و به عبادت و طاعت پروردگارم مشغول می‌شدم! «۱» پسرش ولید را ولیعهد خود قرار داد و به او سفارش کرد که نسبت به خونخوار خطرناک حجاج نیکی کند و گفت: «به حجاج توجه کن و او را گرامی بدار، زیرا او کسی است که برای شما این مقامات را فراهم کرد! و ای ولید بدان که او شمشیر تو و قدرتی است در برابر مخالفان و مبادا سخن کسی را درباره او بشنوی زیرا نیاز تو به او بیش از نیاز او به توست، و پس از مرگ من مردم را به بیعت با خود دعوت کن و هر کس سرپیچی کرد، تو نیز با شمشیر پاسخ او را بده...» «۲» این وصیت، گرایشهای او را به شرارت - حتی در لحظه‌های آخر عمرش - می‌رساند؛ نسبت به خونخوار جنایتکار حجاج توصیه خیر می‌کند در حالی که حجاج همه جا را غرق در بلایا و مصائب کرد و داغ فرزند و غم شداید را در بین مسلمین گسترده همچنان که سفارش می‌کند هر کس تن به حکومت اموی نداد و اظهار نارضایتی کرد او را بکش! و پس از این وصیتها چیزی نگذشت که مرگ او را در ربود. «۳» مرگ وی در روز چهارشنبه نیمه شوال سال ۸۶ هـ. اتفاق افتاد. «۴» از حسن بصری راجع به او پرسیدند، گفت: چه بگویم درباره مردی که وجود حجاج گناهی از گناهان اوست. «۵»

(۱) البداية و النهایة: ۶۸ / ۹.

(۲) تاریخ الخلفاء سیوطی: ص ۲۲۰.

(۳) حیاة الامام الباقر: ۴۰ / ۲.

(۴) البداية و النهایة: ۶۸ / ۹.

(۵) مروج الذهب: ۹۶/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۳.

(۱)

**ولید بن عبد الملک****اشاره**

روزی که عبد الملک در گذشت، ولید زمام امور مملکت را به دست گرفت، مسعودی در وصف او گفته است که او سرکشی خدانشناس و ستمگری بیدادگر بود، «۱» و همیشه کلمات را غلط ادا می‌کرد، روزی در مسجد پیامبر (ص) سخنرانی می‌کرد، و گفت: یا اهل المدینه! به ضم لام، با این که «أهل» منادای مضاف است و قاعده نحوی اقتضا می‌کند که به نصب لام خوانده شود. و روزی خطبه می‌خواند، گفت: یا لیتها کانت القاضیه، و تاء را ضمه داد، عمر بن عبد العزیز گفت: تو باید ما را از خودت آسوده کنی (کنایه از این که بگویی عرب زبان و از آن قوم نیستیم). پدرش او را به خاطر غلطهای عبارتی سرزنش کرده و می‌گفت: کسی نمی‌تواند زمامدار عرب شود مگر با زبان آنها خوب آشنا باشد، این بود که تمام علمای نحو را جمع کرد تا به او تعلیم دهند و شش ماه تمام از خانه بیرون نرفت اما پس از آن که خارج شد نادانتر از روزی بود که وارد خانه شده بود. «۲» عمر بن عبد العزیز او را درباره حکومتش ملامت کرده و آن سخن مشهور را درباره او گفته است:

«از کسانی است که روی زمین از ظلم و جور او پر شد.» «۳»

در زمان این طاغوت سرکش، دانشمند بزرگ اسلام سعید بن جبیر به دست جَلاد مسخ شده او حجاج بن یوسف به شهادت رسید و شهادت وی یکی از مصائب مهمی بود که جهان اسلام بدان مبتلا شد. این طاغوت صالح بن عبد الله نمری را والی مدینه کرد و به او نوشت تا

(۱) مروج الذهب: ۹۶/۳.

(۲) تاریخ ابن اثیر: ۱۳۸/۴.

(۳) تاریخ الخلفاء: ص ۲۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۴.

حسن بن حسن این سید علوی را از زندان بیرون کند و پانصد تازیانه بزند و او نیز حسن را بیرون کرد و به سمت مسجد برد تا در حضور مردم تازیانه بزند، و امام زین العابدین علیه السلام همین که از جریان مطلع شد، با عجله خودش را به او رساند و گفت: «پسر عمو، دعای غم و گرفتاری را بخوان تا خداوند گرفتاری تو را برطرف کند.»

پرسید: آن دعا کدام است؟

فرمود: بگو:

لا- اله الا الله الحليم الكريم، لا- اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السماوات السبع و رب العرش العظيم، و الحمد لله رب العالمين... «۱»

(۱) و حسن پیوسته این دعا را می‌خواند و خالصانه از خدا می‌خواست، تا این که خداوند مانع شد و والی دستور ولید را انجام نداد و دلش به حال حسن سوخت و جریان حال او را به ولید بن عبد الملک نوشت و او نیز دستور آزادی وی را صادر کرد. «۲»

مورخان می‌گویند: ولید کینه‌توزترین فرد نسبت به امام زین العابدین علیه السلام بوده و اعتقاد داشت که ملک و سلطنت او با وجود امام علیه السلام به پایان نمی‌رسد این بود که آن حضرت را مسموم کرد، «۳» و ما در پایان دور سخن، راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

(۱) یعنی: خدایی نیست بجز خداوند یکتای حلیم کریم، نیست خدایی جز خداوند علی عظیم، منزه است خداوندی که پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است، و سپاس سزاوار خداوند پروردگار جهانیان است.

(۲) الاتحاف بحب الاشراف: ص ۷۶.

(۳) الدر النظیم: ص ۱۸۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۵

(۱)

### موضع امام

اما موضع امام علیه السلام با پادشاهان زمان خویش، با نارضایتی و بغض نسبت به ایشان مشخص بود و این هم به خاطر فساد اعمال و سیاست ناروا و انحراف ایشان از راه راست بوده است و لیکن در همان حال تنها آرزویش عزت اسلام و پیروزی سپاهیان آن، بر سپاهیان کفر و الحاد، بود، تا بتواند پرچم توحید را بر فراز جهان در اهتزاز آورند.

(۲)

### دعای امام برای مرزبانان

این دعا یکی از عالیترین دعاهایی است که از عظمت روح امام علیه السلام و ملکات فاضله آن حضرت برخاسته است که هیچ گرایش نفسانی جز انگیزه‌ای که باعث ارتباط با خدا شود او را بر ایراد این دعا و انداشته است و اکنون به این دعای جلیل القدر گوش فرا می‌دهیم که بدان وسیله مرزبانان را دعا می‌کند:

«اللهم صلّ علی محمد و آله و حصّن ثغور المسلمین بعزّتک و ایدّ حمايتها بقوّتک و اسبغ عطایاهم من جدتک اللهم صلّ علی محمد و آله و کثر عدّتهم و اشحذ اسلحتهم و احرس حوزتهم و امنع حومتهم و ألف جمعهم و دبّر امرهم و واتر بین میرهم و توحد بکفایة مؤنهم و اعضدهم بالنصر و اعنهم بالصبر و الطف لهم فی المکر اللهم صلّ علی محمد و آله و عزّفهم ما یجهلون و علمهم ما لا یعلمون و بصرهم ما لا یبصرون.

اللهم صلّ علی محمد و آله و انسهم عند لقائهم العدو ذکر دنیاهم الخداعة الغرور و امح عن قلوبهم خطرات المال الفتون و اجعل الجنة نصب اعینهم و لوّح منها لأبصارهم ما اعددت فیها من مساکن الخلد و منازل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۶

الکرامة و الحور الحسان و الأنهار المطرودة بانواع الأشربة و الأشجار المتدلّیة بصنوف الثمر حتی لا یهمّ احد منهم بالإدبار و لا یحدّث نفسه عن قرنه بفرار ...»

«خداوندا بر محمد و آلش رحمت فرست و با عزت و قدرت خود مرزهای مسلمین را از شر دشمنان مصون بدار و سپاهیان اسلام را یاری کن و پاداش زحمات ایشان را از خزانه کرمات افزون نما خدایا بر محمد و آلش درود فرست و تعداد سپاهیان مرزدار را

زیادتر کن و سلاحهای ایشان را برنده‌تر فرما و حدود آنان را از آسیب دشمن حفظ کن و دل‌های ایشان را با هم متحد نما تو خود امور ایشان را تدبیر و نیازها و آذوقه آنان را کفایت فرمای و به پیروزی در جنگها رهنمون باش و به آنان استقامت عطا کن و به آنان فکر و دقت در طرحهای جنگی عطا فرما، خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و بر سپاهیان اسلام آنچه از فنون رزمی نمی‌دانند بیاموز و هر چه را که بصیرت ندارند، آگاهی و بصیرت بده.

(۱) خداوندا بر محمد و آلش رحمت فرست و مرزبانان اسلام را هنگام درگیری با دشمن، از یاد افکار فریبنده و مغرور کننده دنیا غافل گردان و اندیشه مال دنیا را از خاطرشان محو کن یاد بهشت را در نظر ایشان مجسم کن و همه آن چه را که از قصرهای بهشت و منازل و حوریان زیبا و نهرها و جویبارهای پر از نوشیدنیها متنوع و درختان پر از میوه‌های گوناگون وعده داده‌ای در مقابل چشمشان جلوه گر ساز تا هیچ کدام از سپاهیان اسلام روی از جنگ بر نتابند و خیال فرار در دلشان رخنه نکند...»

این بخش از دعای شریف مشتمل بر حفظ و نگهداری اسلام و حامیان آن یعنی مزددارانی است که به صورت سد استواری در برابر دشمن ایستاده و مانع از نفوذ دشمن به دیار اسلامی می‌گردند امام علیه السلام از خداوند، عزت و یاری و فزونی عدد آنان و برندگی سلاح ایشان را بر گردن دشمنان خواسته و همچنین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۷

برای اتحاد و تدبیر امور و کفایت آذوقه و هزینه ایشان دعا فرموده است تا آنان پایدار و بی‌نیاز باشند و برای ایشان در زمان کارزار با دشمنان درخواست پیروزی کرده و این که خداوند یاد دنیا و اندیشه مال دنیا را که مانع از مقاومت زیاد در برابر دشمنان است از خاطر ایشان ببرد و بهشت را در برابر چشمانشان قرار دهد، تا از روی صدق و اخلاص پیکار کنند.

(۱) برآستی که این فرازهای تابناک از دعای امام علیه السلام دلیل بر اطلاعات وسیع آن حضرت از فنون جنگی و احاطه او به راه و روشهای روانی است که برای یک مبارز در جنگ با دشمن پیروزی را قطعی می‌سازد، و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرامی‌دهیم:

«اللهم افل بذاک عدوهم و اقلم عنهم اظفارهم و فرق بینهم و بین اسلحتهم و اخلع و ثائق افئدتهم و باعد بینهم و بین ازودتهم و حیرهم فی سبلهم و ضللهم عن وجههم و اقطع عنهم المدد و انقص منهم العدد و املاً افئدتهم الزعب و اقبض ایدیهم عن البسط و اخزم ألسنتهم عن التطق و شرد بهم من خلفهم و نکل بهم من وراءهم و اقطع بخزبهم اطماع من بعدهم.

اللهم عقم ارحام نساءهم و یبس اصلاب رجالهم و اقطع نسل دوابهم و انعامهم لا تأذن لسمائهم فی قطر و لا لأرضهم فی نبات. اللهم و قو بذلک محالاً اهل الإسلام و حصن به دیارهم و ثمر به اموالهم و فرغهم عن محاربتهم لعبادتک و عن منابذتهم للخلوة بک حتی لا یبعد فی بقاع الأرض غیرک و لا تعفر لأحد منهم جبهه دونک...»

«خدایا شمشیر دشمنان را کند کن، ناخن و چنگال ایشان را از لشکر اسلام قطع کن، و میان دشمنان و اسلحه‌شان جدایی انداز و میان دشمنان و خواسته‌ها و تدارکات و آذوقه‌شان فاصله بینداز و آنان را در تصمیمات

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۸

جنگی دچار تردید و سرگردانی کن و در انتخاب هدفهایشان گمراه ساز، و همه راههای کمک‌رسانی را از عقب قطع کن، تعداد نفرات ایشان را کم کن دل‌های سپاه دشمن را پر از ترس و هراس نما، دستشان را در جنگ باز مگذار و زبانشان را لال کن و افراد جلو سپاه دشمن را چنان مغلوب کن که یا اسیر شوند و یا از جبهه فرار کنند تا با شکست آنها افراد پشت سر قطع امید نمایند.

(۱) پروردگارا رحم زنان و صلب پدران دشمن را نازا کن و نسل چهارپایان ایشان را نیز قطع کن و به آسمانشان اجازه باریدن و به زمینشان اجازه رویاندن گیاه مده، خداوندا با فرو ریختن باران و خرم شدن سرزمینهای مسلمانان و با ازدیاد نعمت به مسلمانان قدرت بده و اموال ایشان را بارور کن و در اثر قدرتمندی آنان را از جنگ با دشمن فارغ ساز تا به عبادت تو مشغول شوند و آنان

را از شر دشمنان و راندن آنها از مرزهایشان آسوده ساز تا با فراغت به راز و نیاز تو پردازند و چنان دشمن را ریشه کن ساز که در همه جای زمین هیچ کس غیر تو را نپرستد و احدی جز برای تو پیشانی بر زمین نساید...»

(۲) این فرازهای از دعا مشتمل بر درخواستهای خالصانه بر ضد نیروهای دشمن و مخالف اسلام است امام علیه السلام از خدای متعال درخواست کرده تا سپاه دشمن را ناچیز کرده و به تفرقه کشاند و مابین ایشان و اسلحه‌شان جدایی اندازد و دل‌هایشان را از ترس و بیم مسلمین پر کند، همچنان که از درگاه خدای متعال درخواست کرده تا زبان دشمنان را از سخن گفتن بازدارد و آنان را دچار شکست کوبنده‌ای سازد تا عبرتی برای جهانیان باشند و مسألت نموده تا زنان و مردانشان را عقیم گرداند زیرا که آنان جز کافران و بی‌دینانی نزنند و نیز از خدا درخواست نموده است تا زندگی اقتصادی ایشان را نابود سازد تا قادر بر جنگ و مبارزه با مسلمانان نباشند و سپس برای مسلمانان طلب قوت و برتری و عزت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۳۹

نموده است تا بتوانند از روی فراغت خدا را عبادت و اطاعت کنند. و اینکه به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

«اللهم اغز بكل ناحیه من المسلمین علی من بازائهم من المشرکین و امددهم بملائکة من عندک مردفین حتی یکشفوهم الی منقطع التراب قتلا فی ارضک و اسرا او یقرؤوا بانک انت الله الّذی لا اله الا انت وحدک لا شریک لک اللهم و اعمم بذلک اعداءک فی اقطار البلاد من الهند و الروم و التّرك و الخزر و الحبش و التّوبه و الزّنج و السّیقالبه و الدیالمه و سائر امم شرک الّذین تخفی اسمائهم و صفاتهم و قد احصیتهم بمعرفتک و اشرفت علیهم بقدرتک. اللهم اشغل المشرکین بالمشرکین عن تناول اطراف المسلمین و خذهم بالتّقص عن تنقصهم و ثبطهم بالفرقه عن الاحتشاد علیهم. اللهم اخل قلوبهم من الأمنه و ابدانهم من القوه و اذهل قلوبهم عن الاحتیال و اوهن ارکانهم عن منازلہ الرجال و جنبهم عن مقارعه الأبطال و ابعث علیهم جندا من ملائکتک بیاس من باسک. کفعلک یوم بدر تقطع به دابره و تحصد به شوکتهم و تفرّق به عدددهم...»

«خداوندا در هر نقطه‌ای از زمین که مسلمانان ساکنند آنها را در برابر مشرکان عزت ده و در هنگام نبرد با کفار فرشتگانی را پشت سرهم به یاری ایشان بفرست تا دشمنان را شکست دهند و کفار را در همه نقاط زمین به مرگ و کشته شدن و اسارت گرفتار کن تا این که باقیمانده ایشان به یگانگی تو اعتراف و اقرار کنند که تو تنها خدای آفریدگار جهانی و تو را شریکی نیست خداوندا این پیروزی را در همه جا؛ در هند، روم، ترک، ساکنان سواحل خزر، سرزمین حبشه، نوبه سودان، زنگبار، سقلانیان،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۰

دیالمه و سایر ملت‌های مشرکی که نام و اوصافشان بر ما مخفی است و تو در علم ازلی خود همه را می‌شناسی و شمار آنها را می‌دانی و به قدرت خویش بر آنان محیط و مسلطی نصیب کن و همه را به زیر پرچم توحید درآور، خداوندا مشرکین را با یکدیگر مشغول کن تا هوای دست‌اندازی به مرزهای اسلامی را در سر نپروراند و آنها را به کاستی جان و مال گرفتار ساز و به تفرقه و اختلاف دچار کن تا نتوانند علیه سپاه اسلام متحد شوند.

(۱) خداوندا با هیبت خود دل‌های آنان را از آرامش خالی و بدنشان را از نیرو تهی ساز و دل‌هایشان از حيله و نیرنگ درباره مسلمین منصرف کن و سران ایشان را از مقاومت در برابر سران اسلام ناتوان گردان و دلاوران ایشان را از جنگ با قهرمانان اسلام بازدار و سپاهی از فرشتگان را مأمور عذاب آنان کن همان گونه که در جنگ بدر به یاری مسلمین فرستادی، تا بدان وسیله تا آخرین افراد ایشان را هلاک نموده و یا به اسارت سپاه اسلام درآوری و ریشه شوکتشان را از بیخ برآوری و میانشان تفرقه افکنی...»

(۲) این بخش از دعا بیانگر علاقه شدید امام علیه السلام و اهتمام آن حضرت به پیروزی اسلام بر مشرکین است، زیرا که آن بزرگوار از خداوند درخواست می‌کند تا مسلمانان را به فرشتگان منظمی یاری رساند و بدان وسیله کفار را تا دورترین نقاط زمین

به هزیمت برد و در میان ایشان قتل و اسارت و از هم پاشیدگی را مقرر فرماید و تا آن که به منطق فکر و عقل برگردند و به وحدانیت خداوند آفریدگار جهان و هستی بخش اعتراف کنند.

امام علیه السلام روی دعا را علیه نیروهای کافری که در اطراف زمین پراکنده‌اند بر می‌گرداند و درخواست ذلت و ضعف و خواری برای همه آنها می‌فرماید و این که میان ایشان دشمنی و کین برقرار شود تا نتوانند در برابر سپاه اسلام متحد و همصدا شوند، همچنان که دعا می‌کند تا خداوند دل‌هایشان را از امتیّت و بدن‌هایشان را از قوت تهی سازد و ارکان وجودشان را سست نماید تا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۱

نتوانند با مسلمین بجنگند و مسلمین را توسط سپاهیان منظم فرشتگان، یاری کند همان گونه که در جنگ بدر یاری کرد تا شوکت مشرکین را از بیخ بر کند و میان ایشان تفرقه و پراکندگی ایجاد کند. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

«اللَّهُمَّ و امزج میاهم بالوباء و أطعمتهم بالأدواء و ارم بلادهم بالخشوف و ألخ علیها بالقذوف و افرعها بالمحول.

و اجعل میرهم فی احصّ ارضک و ابعدها عنهم و امنع حصونها منهم اصبهم بالجوع المقیم و السقم الالیم.

اللَّهُمَّ و ایما غاز غزاهم من اهل ملتک او مجاهد جاهدهم من اتباع سنتک لیكون دینک الاعلی و حزبک الأقوی و حظک الأوفی فلقه الیسر و هیئ له الأمر و تولّه بالنجح و تخیر له الأصحاب و استقو له الظهر و اسبغ علیه فی التفقه و متعه بالنشاط و اطف عنه حراره الشوق و اجره من غم الوحشه و انسه ذکر الأهل و الولد و اثر له حسن الثیة و تولّه بالعافیة و اصحبه السلامة و اعفه من الجبن و الهمة الجراء و ارزقه الشدة و ایده بالتصره و علمه السیر و السنن و سدده فی الحکم و اعزل عنه الریاء، و خلصه من السمعة و اجعل فکره و ذکره و طعنه و اقامته فیک و لک فاذا صاف عدوک و عدوه فقللهم فی عینه و صغر شأنهم فی قلبه و ادل له منهم و لا تدلهم منه فان ختمت له بالسعادة و قضیت له بالشهادة فبعد ان یجتاح عدوک بالقتل و بعد ان یجهد بهم الأسر و بعد ان تأمن اطراف المسلمین و بعد ان یولی عدوک مدبرین ...»

(۱) «پروردگارا آبهای نوشیدنی دشمنان را با میکروبهای طاعون و وبا آلوده کن و آذوقه‌های دشمن را با دردها درآمیز و شهرهایشان با خسوف و عوامل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۲

تخریب ویران کن و دیار دشمن را دچار خشکسالی و قحطی کن و آذوقه و وسایل زندگی آنان را در زمینهای بی آب و علف قرار ده و میان آنها با آذوقه و وسایلشان جدایی بینداز و از جاهای امن آنان را بازدار و به گرسنگی مداوم و بیماریهای شدید مبتلا گردان، خداوند هر زمان که افراد سپاه اسلام که اهل ملت تو هستند، با کافران به جنگ برخیزند و یا فردی از پیروان سنت تو با عدالت و معرفت با دشمنان به جهاد برخیزد و از حریم دین دفاع کند تا دین توحید تو را پیش ببرد و حزب الله را پیروز گرداند تا مردم از شناخت تو بیشتر بهره‌مند شوند، تو بر آن مردان مجاهد سختی جنگ را آسان کن و کارشان را سامان ده و مصالحشان را فراهم کن تا با کمک و یاری تو پیروز گردند و برای ایشان اصحاب و یارانی برگزین تا با کمک ایشان نصرت یابند و آذوقه‌شان را به هنگام نبرد فراوان و تسلیحات و وسایل آنان را کامل گردان و دل‌هایشان را پرنشاط و پس از پیروزی شوق به جنگ را و حرارت زود رسیدن به مقصد را در روان آنها فرو نشان و دلشان را از غم وحشت جنگ فارغ ساز و در وقت جنگ فکر زن و فرزند را از ایشان دور کن و به آنان حسن نیت عطا کن و به حسن عاقبت و رستگاری هدایت نما، نعمت صحت و سلامتی را از مجاهد اسلام مگیر و او را از ترس در برابر دشمن حفظ کن و پردلی را به او الهام فرما، به او صبر و پایداری عطا کن و با پیروزی تأیید فرما و اخلاق نیکو و حسن تدبیر بیاموز و او را از ریا دور و قصدش را خالص گردان و فکر و ذکرش را در راه رضای خودت قرار ده تا سفر و حضر او در راه تو و برای تو باشد و در میدان جنگ، سپاه دشمن را در نظر او ناچیز جلوه گر ساز و قدرت دشمنان را در دل



او کوچک کن و او را بر دشمن مسلط فرما و مگذار دشمن بر او غلبه کند و اگر اراده فرموده‌ای که عاقبت کارش شهادت و رسیدن به سعادت باشد آن قدر فرصت بده که دشمنان را به خاک اندازد و پس از خوار کردن دشمن و اسیر نمودن او و پس از ایمن ساختن مرزهای کشور و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۳

پس از آن که باعث فرار دشمنان تو شد آن وقت فیض شهادت را نصیب کن ...»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر مطالب ذیل است:

اولا نفرین بر نیروهایی کرده که با اسلام می‌جنگند و بر حریم آن تجاوز کرده‌اند که از خداوند درخواست میکرب و با- که امروزه به آن (کولیرا) می‌گویند- نموده است، این میکرب از طریق آب منتشر می‌شود و هرکس از آن آب بیاشامد مبتلا می‌شود، و امام علیه السلام در دعای خود از این حقیقت علمی پرده برداشته است همان گونه که از خداوند خواسته تا غذاهایشان، آلوده به میکربها شود و از این راه دچار بیماریها گردند و نتوانند با اسلام مبارزه کنند و از خدای متعال خواسته تا ایشان را به خسوف و زلزله‌های ویرانگر مبتلا کند و آنان را درگیر خشکسالی و قحطی کند و آذوقه‌شان را اندک سازد تا دچار بدترین احوال باشند.

(۲) ثانيا برای جنگجوی مجاهد در راه اسلام و اعلاي كلمه الله و هزیمت نیروهای دشمن اسلام عزت و شوکت و یاری درخواست کرده و از خداوند پیروزی، قدرت، نشاط، سلامتی، شجاعت، جرأت و مقاومت او را در برابر دشمنان را خواسته است و امام علیه السلام هیچ خصلتی از خصال نیک را فروگذار نکرده مگر آن که از خداوند مسألت نموده تا بر مجاهدان اسلام ارزانی دارد. و بالاخره به آخرین قسمت این دعای شریف گوش جان می‌سپاریم:

«اللَّهُمَّ وَايْمَا مُسْلِمٍ خَلْفَ غَازِيَا أَوْ مِرَابِطَا فِي دَارِهِ أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ أَوْ أَمَدَّهُ بِعَتَادٍ أَوْ شَحَذَهُ عَلَيَّ جِهَادًا أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِ دَعْوَةٍ أَوْ رَعَى لَه مِنْ وَرَائِهِ حَرَمَةً فَأَجْرُ لَه مِثْلُ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْزَنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ وَ عَوْضُهُ مِنْ فَعْلِهِ عَوْضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورٌ مَا أَتَى أَلِيَّ أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ أَلِيَّ مَا أَجْرِيَتْ لَه مِنْ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۴

فضلک و اعددت له من کرامتک.

اللَّهُمَّ وَايْمَا مُسْلِمٍ أَمْرَ الْإِسْلَامِ وَ أَحْزَنَهُ تَحَرُّبَ أَهْلِ الشَّرْكَ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَزَاؤًا أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَتَعَدَّ بِهِ ضَعْفًا أَوْ أَبْطَأَ بِهِ فَاقَةً أَوْ آخَرَ عَنْهُ حَادِثًا أَوْ عَرَضَ لَه دُونَ ارَادَتِهِ مَانِعٌ فَأَكْتَبَ أَسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ وَ أَوْجِبَ لَه ثَوَابَ الْمَجَاهِدِينَ وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَاةً عَالِيَةً عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ صَلَاةً لَا يَنْتَهِي مَدَدُهَا وَ لَا يَنْقُطُ عِدْدُهَا كَاتِمَةً مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمَبْدِيُّ الْمَعِيدُ الْفَعَّالُ لَمَّا تَرِيدُ. «(۱)»

«خداوندا هر مسلمانی که فرزند مجاهد و یا مرزداري را از خود به یادگار بگذارد و یا در غیاب وی برای کسانش امکانات فراهم کند و یا با دادن مال و اسلحه و لوازم جهاد مجاهدی را یاری کند و یا برای مبارزه با دشمنان اسلام او را ترغیب کند و یا حضوراً مردم را به پیروی از جهاد دعوت کند و یا در غیاب مبارزی، احترام او را حفظ کند، خداوندا به چنین مسلمانی همان پاداشی را مرحمت کن که به مجاهدان می‌دهی، و در عوض این کارهای نیک، هم در دنیا به وی سود برسان و هم در روز قیامت از ثوابی که به لطفت مهیا کرده‌ای به او عنایت فرما.

(۱) خداوندا هر مسلمانی که به امور مسلمانان اهمیت دهد و نیرومندی مشرکان در مقابل مسلمین او را غمگین سازد و در نتیجه عزم میدان جنگ کند و یا به دفاع اقدام نماید اما بیماری و ضعف مانع از اجرای آن هدفش گردد و یا فقر و بیچارگی او را از جهاد بازدارد و یا رویدادی، رفتن او را به

(۱) صحیفه سجّادیه: دعای بیست و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۵

میدان جهاد تأخیر اندازد و یا به هنگام اراده جهاد مانعی پیش آید که نتواند تصمیم خود را عملی سازد، نام او را از کرم‌ت در دفتر عابدان ثبت کن و ثواب مجاهدان را به او مرحمت فرما و در صف شهدا و بندگان شایسته خویش قرار ده.

(۱) خدایا بر بنده و رسولت محمد و آلش درودی فرست که بالاترین درود و رحمتهاست و درودی نثار کن که بی‌پایان و بی‌شمار باشد؛ آن چنان درودی که در گذشته بر یکی از اولیای فرستاده‌ای زیرا تو خداوند بخشنده و ستوده‌ای و آن خدایی هستی که آغاز هستی از تو و همه موجودات را به سوی خود بر می‌گردانی، که تو بر هر چه اراده کنی قدرت به انجام رساندن آن را داری...»

(۲) امام علیه السلام برای هر کسی که جانشین رزمنده‌ای و یا مرزدار، از خود به یادگار گذارد و یا در غیاب ایشان به اعضای خانواده‌اش رسیدگی کند و یا با مال و اسلحه و تجهیزات آنان را یاری کند و یا ایشان را به جهاد وادار کند، برای همه اینها از خداوند درخواست کرده تا اجر و ثواب فراوان دهد و اجر و مزد مرزداران و جنگجویان را به او مرحمت کند و همچنین برای هر مسلمانی که به امور مسلمین اهمیت دهد و برای قوّت و توان مشرکین بر نبرد با اسلام غمگین و ناراحت شود و در نتیجه عازم نبرد گردد و یا آماده باشد ولی رویداد ناگواری او را از هدفش بازدارد، دعا فرموده و از خداوند درخواست کرده تا خداوند ثواب مجاهدان را به او مرحمت کند و اجری بسان اجر ایشان به او کرامت فرماید و او در ردیف شهیدان و شمار بندگان صالح قرار گیرد.

تا اینجا سخن ما درباره پادشاهانی که معاصر امام علیه السلام بودند، پایان گرفت.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۷

(۱)

## عصر امام علیه السلام

### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۴۹

عصر امام علیه السلام به نظر من هیچ عصری از عصرهای اسلامی بمانند عصر امام زین العابدین علیه السلام دچار اضطراب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نبوده است. این دوره چنان در آشوبها و رویدادهای سهمگینی فرو رفته بود که روح آرامش و امتیّت از میان رفته و همواره دچار نگرانی و اضطراب بود، همچنان که هر فردی از افراد اجتماع با اعصابی دستخوش غمها و رنجها به سر می‌برد؛ هر گونه امیدی به زندگی با عزت و شرف از میان رفته بود، و حکومت اموی بر انتشار ظلم و ستم و اعمالی که موجب نارضایتی مردم شود همت گمارده بود.

اکنون به اختصار درباره ویژگیهای زندگی توده مردم در عصر امام علیه السلام رویدادهای ناگوار و مشکلات سیاسی که مسلمین گرفتار بودند و فتنه‌ها و بدبختی‌هایی که مشاهده کردند سخن می‌گوییم و همچنین از خصوصیات زندگی اقتصادی و اجتماعی و نظایر آن گفتگو می‌کنیم زیرا که بحث و بررسی این قبیل مسائل از متممات بحث زندگی امام علیه السلام می‌باشد.

(۲)

اما زندگی سیاسی در عصر امام علیه السلام بی‌نهایت نگران‌کننده بود،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۰

ترس و وحشت بر عموم مردم سایه افکنده بود و هیچ نوع امنیت و آرامشی وجود نداشت و به اعتقاد من تمام عوامل از هم گسستن جامعه و گسترش مشکلات حادث سیاسی از اول تا آخر جملگی ناشی از فساد حکومت اموی بود، که با تمام نیروهایش به مبارزه با اصلاحات اجتماعی و گسترش فساد در روی زمین برخاسته بود و این مطلبی است که بدون هیچ گونه موضعگیری خاصی در بحثهای آینده به صورت موضوعی به بحث و بررسی می‌گذاریم.

(۱)

## طبیعت حکومت اموی

### اشاره

اما حکومت اموی عامل بسیاری از مشکلات و بدبختیها برای مسلمانان شد و آشوبها و گرفتاریها را دامنگیر مردم ساخت و آنان را دچار شرّ عظیمی کرد، اما طبیعت این حکومت و ویژگیهای بارز آن به قرار ذیل است:

(۲)

### استبداد

امویان در حکومت بر جوامع اسلامی خودکامه بودند و هیچ قانونی بر دولت اموی حاکم نبود بلکه تنها، عواطف پادشاهان و خواستهای وزرا و تمایلات اطرافیان ایشان محور حکومت بود و بس، علایلی می‌گویند: «برای نظام حکومتی عهد پادشاهان اموی نامی نمی‌توان پیدا کرد جز این که در زبان روز آن را نظام حکومت نظامی نامید؛ این نظام، خون انسانها را مباح می‌دانست و تعارف و برخورد مردم با یکدیگر بر اساس منطق قانون از میان رفته بود و هر کسی از خودش می‌ترسید و در عصر موجود هرگاه در شرایط استثنایی و در حالات بخصوصی، ترس و تهدید و در اوقاتی دیگر امتیّت حاکم است اما در عهد اموی نظام ترس، حاکم بود و در حقیقت ما نمی‌توانیم آن را یک سلطه قضائی بنامیم بلکه با تمام قدرت می‌گوییم در عصر اموی سلطه قضائی به معنای صحیح را قبول نداریم مگر در برهه‌هایی از زمان که آن هم دیری نمی‌پایید با خودکامه‌ای برخورد می‌شد و بزرگترین گواه بر این مدعا آن که خلیفه و یا حاکمان وی به دلخواه خود عمل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۱

می‌کردند بدون این که برای کارهای خود کمترین شکل قانونی داده باشند که بیانگر احترام به زمامداری باشد.» (۱)

استبداد سیاسی ویژگی بارز حکومت اموی بود و امویان استبداد را به عنوان راه و رسم مخصوص حکومت خویش قرار داده بودند و این بود که قوانین و مقررات عدالت سیاسی و اجتماعی بکلی منهدم شد.

(۱)

### قدرت‌نمایی

یکی دیگر از ویژگیهای بارز در حکومت اموی، قدرت‌نمایی و خودبینی حاکمان بود؛ آنان نسبت به رعیت برتری‌جویی می‌کردند

و ضعف را کوچک می‌شمردند و فقرا را به چیزی نمی‌گرفتند و تنها خودشان را در تمام کشور مصادر قدرت می‌دانستند نه جامعه را، و آنها بودند که هر که را می‌خواستند پایین می‌آوردند و هر که را دلشان می‌خواست بالا می‌بردند، معاویه می‌گفت: «زمانه ما، هر که را بخواهیم پست می‌کنیم و هر که را مایل باشیم بالا می‌بریم.» معنای این سخن آن است که خدمات ملی و اجتماعی که آزادگان و مصلحان جامعه به کشورشان انجام می‌دهند هیچ ارزشی در بالا بردن شخصیت و مقام و منزلت اجتماعی آنان ندارد بلکه در عرف اموی آن که پایین و بالا می‌برد تنها و تنها سلطه حاکم است.

ولید بن یزید قدرت‌نمایی و سرکشی امویان را در این اشعار تجسم بخشیده است: «یاد و خاطره آل سعدی را فروگذار، که ما از نظر تعداد افراد و هم در ثروت فزونی داریم و ما با زور و قدرت مالک مردمانیم، ما آنان را به ذلت می‌کشیم و عبرت دیگران قرار می‌دهیم و ما آنان را به ذلت وارد آبگیرهای خواری می‌سازیم و جز پریشانی عاید ایشان نمی‌سازیم» «۲» برآستی ولید به وجود خود و خاندانش

(۱) الامام الحسین: ص ۳۳۹.

(۲) فدع عنک اذکارک آل سعدی فنحن الاکثرون حصی و مالا و نحن المالکون الناس قسرا نسومهم المذلّة و التکال و نوردهم الحیاض الخسف ذلا و ما نالوهم الا خبالا.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۲

افتخار کرده و می‌بالد و بر مردم فخرفروشی می‌کند به این ترتیب که:

اولا ایشان از دیگران اموال بیشتری دارند؛ اموالی که از بیت المال مسلمین دزدیده‌اند.

ثانیا از سیاست ابلهانه خود نسبت به مردم سخن می‌گوید که به شرح ذیل بر مردم حکمرانی می‌کنند:

الف. مردم را به خواری و مذلّت می‌کشند بدون این که برای کسی کرامت، آزادی و یا هیچ‌گونه اختیاری در کارها قائل شوند.

ب. مردم را به آبگیرهای ذلت و خواری وارد می‌کنند نه به جایگاه شرافت و کرامت! ج. آنان برای مردم تحت سلطه، با نیروی

شمشیر جز نکبت و پریشانی حاصلی ندارند، کدام قدرت‌نمایی بالاتر از این ممکن است؟ و کدام خودبینی از این بالاتر می‌شود؟

(۱)

## از بین بردن آزادیهای مردم

آزادیهای عمومی در عهد امویان از توده‌های مردم مسلمان گرفته شد و هیچ سایه‌ای از واقعیت زندگی در جامعه وجود نداشت بویژه آزادیهای فکر و اندیشه، که هیچ فردی از جامعه نمی‌توانست اندیشه و عقیده خودش را بیان کند، بویژه در امور مربوط به ولایت ائمه اهل بیت علیهم السلام که اتهام به کفر و زندقه و الحاد آسانتر از اتهام به دوستی ایشان بود و در کوفه میان میدانهای عمومی پیکر گروهی از متفکران و دانشمندان اسلامی را به خاطر محبتشان به امام امیر المؤمنین علیه السلام، مانند میثم تمار و رشید هجری و ... به دار آویخته بودند.

(۲)

## نابود ساختن اسلام

امویان اسلام را قبول نداشتند و از این رو همه نظام و قوانین اسلامی را از مسلمانان دور کردند و هیچ اثری در ادارات و تشکیلات

## حکومت ایشان برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۳

احکام قرآن وجود نداشت نیکلسون می گوید: «امویان به خاطر بی حرمتی ایشان به قوانین و احکام اسلام و تحقیر آنان شخصیت‌های والای اسلامی را و زیر پا گذاشتن حرمت آنان طاغوت‌هایی خودکامه بودند...» (۱) «براستی حاکمان بنی امیه تمام اصول و آداب اسلامی را فراموش کردند و بیشتر پادشاهان ایشان تظاهر به کفر و بی دینی و بی اعتنایی به پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - می کردند بخصوص یزید بن معاویه که گفت:

خاندان هاشم حکومت را بازیچه قرار دادند، نه خبری (از جانب خدا) آمده و نه وحیی نازل شده است. (۲)»

(۱)

## انتشار ظلم و جور

زمان امویان ظلم و جور در همه جای کشور اسلامی منتشر شد و ترس و شکنجه فراگیر گشت، مردم در روزگار زیاد بن ابیه می گفتند: «سعد را خلاص کن، سعید که هلاک شد!» و این ظلم و جور، جزئی از سیاست اموی و عنوانی برای طبیعت حکومت ایشان بود که یکی از گسترده ترین شاخصه‌های قوانین این دولت بود.

(۲)

## سیاست ایجاد تفرقه و اختلاف

سیاست اموی بر پایه ایجاد تفرقه، و برافروختن آتش جنجال و کشمکش در میان مسلمین بود و این کار را با ایجاد شعارهای قومی و قبیله‌ای میان گروه‌های اسلامی عملی می ساختند از جمله میان یمنی‌ها و نزاری‌ها که دو قبیله

(۱) امام حسین: ص ۶۴.

(۲) از جمله قصیده ابن زبیری است که یزید پس از قتل سید الشهداء در حضور جمع زیاد، کفر خود را اظهار کرد و به این اشعار استشهاد کرد. از جمله گفت: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۴

نیرومند عربی از نظر افراد و امکانات بودند کشمکشی به وجود آوردند همچنین میان عربها و مسلمانان غیر عرب (موالی) نزاعی آفریدند، به این ترتیب این سیاست بطور کلی از هدایت اسلامی که بر وحدت مسلمین و نشر محبت و دوستی در میان آنها تأکید دارد، دور افتاده بوده است.

با این مختصری که بیان کردیم، سخن ما درباره طبیعت حکومت اموی که در اعمال و رفتارشان از مصالح جامعه اسلامی به دور و همه حقوق آنان را نادیده گرفته بود، پایان می پذیرد.

(۱)

## نهضت‌های داخلی

## اشاره

سیاست اموی باعث انفجار آتشفشان ویرانگر بنیاد ظلم و جور شد که چون تندبادی بر امتیت و آرامش و آسایش امت وزیدن گرفته بود، به این ترتیب نیروهای خیراندیش همچون نیروی سرکشی پر قدرت به صورت نهضت‌های سهمگینی پشت سر هم به وجود آمد و همگی فریاد حقوق اجتماعی را برآورده و به ایجاد عدل اجتماعی میان مردم دعوت می‌کردند که از جمله این نهضت‌ها موارد ذیل است:

(۲)

### نهضت امام حسین علیه السلام

این نهضت از مهمترین انقلاب‌های جهانی است که مسیر تاریخ را عوض کرد و همواره زنده است، و الهام‌بخش تمام امت‌ها و جوامع بشری برای رسیدن به آزادی و کرامت و استقلال می‌باشد، براستی که عواطف آزادگان و مصلحان عالم را برافروخت و به همگان درست فداکاری در راه دفاع از کرامت امت و رسیدن به اهداف و خواست‌های نهایشان را داد.

براستی که این انقلاب عظیم جاودانه، رابطه تنگاتنگ با عواطف و

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۵

احساسات مردم داشت زیرا تنها هدف نهضت حسینی رضای حق بود و در نهایت اخلاص و بدون هیچ مصلحت و یا هدف مادی که در نهایت به خاک مربوط می‌شود، به خاطر حق صورت گرفت و در جستجوی کرامت انسان و نجات جامعه از چنگال آن حکومت سیاه بود که زندگی مردم را به جهنمی طاقت‌فرسا مبدل کرده بود.

ما در بحث‌های پیشین از این نهضت عظیم و آنچه در این نهضت از انواع گرفتاریها و مصائب غیر قابل تحمل بر امام زین العابدین علیه السلام گذشت سخن گفتیم.

(۱)

### انقلاب مدینه

این انقلاب یکی از انقلابات هولناکی بود که دل‌های مسلمین را داغدار و احساسات و عواطف ایشان را جریحه‌دار کرد و پس از حادثه ناگوار کربلا که تأثر مسلمانان را ابدی ساخت در درجه دوم اهمیت می‌باشد... و ما ناگزیر از توقف کوتاهی هستیم تا در آن باره سخن بگوییم.

(۲)

### عوامل نهضت

اما عوامل اصلی و انگیزه‌های این نهضت به شرح زیر است:

۱- اکثریت قاطع از مردم مدینه کینه و عداوت بنی امیه را در دل داشته و نسبت به ایشان موضع مخالف را داشتند، بنابراین، انصار همواره با بنی امیه مخالف بودند و آنان کسانی بودند که بر عثمان شوریدند و او را کشتند و با علی علیه السلام بیعت کردند و به یاری او قیام کردند و معتقد بودند که خاندان پیامبر (ص) از دیگران برای رهبری و زعامت امت سزاوارترند و در رأس انصار ابو ایوب انصاری بود که در جنگ صفین با امام امیر المؤمنین حضور داشت و همچنین هفتاد تن از انصار با وی حاضر بودند و امویان خود از خشم انصار نسبت به ایشان آگاه بودند و یزید بن معاویه به کعب بن جعیل شاعر معروف پیام داد که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۶

انصار را هجو کند و او خودداری کرد و گفت: آیا می‌خواهی پس از ایمان دوباره به شرک برگردم؟ من هرگز قومی را که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را یاری کردند، هجو نمی‌کنم! اما تو را به غلام نصرانی که در میان ما زندگی می‌کند راهنمایی می‌کنم و اخطل را معرفی کرد و او انصار و همچنین عبد الرحمن بن حسان را در قصیده‌ای هجو کرد که در آن قصیده می‌گوید:  
قریش تمام فضیلتها را بردند و ملامت و سرزنش زیر عمامه‌های انصار قرار دارد! «۱» علاوه بر انصار، خانواده‌های ذیل نیز کینه امویان را در دل داشتند.

الف- خاندان پیامبر (ص) که معتقد بودند از امویان به خلافت شایسته‌ترند.

ب- خاندان زبیر.

ج- خاندان ابی بکر.

د- خاندان عمر.

تمام این خاندانها کینه امویان را در دل داشتند و در برابر ایشان همدست بودند و شب و روز برای نابود ساختن حکومت اموی تلاش می‌کردند.

(۱) ۲- از جمله مهمترین عوامل نهضت در مدینه، ماجرای کشتار و سرکوب و اسارت خاندان رسالت و پرده‌نشینیان وحی بود که احساسات و عواطف همه را جریحه‌دار کرده بود و توده‌ها را برای اعلان انتقام گرفتن و خشم بر حکومت اموی واداشت و علاوه بر اینها چیزی که در برانگیختن توده مردم و واداشتن آن به انقلاب مؤثر شد، شیون بانوان بنی هاشم و گریه و زاری شدید آنان برای امام حسین علیه السلام بود، یکی از این بانوان در حالی که مسلمانان را مخاطب ساخته بود می‌گفت:

«اگر پیامبر (ص) از شما پرسد در حالی که شما آخرین امتها هستید نسبت به عترت و خاندان من پس از رحلم چه کردید؟ شما جواب پیامبر را چه

(۱) عقد الفرید: ۳ / ۱۴۰: «ذهبت قریش بالمکرم کلها و اللؤم تحت عمائم الأنصار».

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۷

خواهید داد در حالی که بعضی از آنان اسیر و بعضی به خونشان آغشته شده‌اند! پاداش من این نبود که من شما را نصیحت کردم که مبدا نسبت به خویشاوندان من پس از من بدی کنید».

براستی که این سوز و گداز نسبت به اهل بیت علیهم السلام باعث بیداری گروههای مردم مدینه شد و آنها را به غیرت واداشت تا به قیام مسلحانه در برابر حکومت اموی مبادرت ورزند.

(۱) ۳- و از جمله عوامل این نهضت هرزه‌گرایی یزید و تجاهر وی به فسق و فجور و علنی ساختن ارتکاب جنایات و تبه‌کاریها بود، بطوری که نیکان و پرهیزگاران در امور دینی بر آن شدند که قیام در برابر حکومت یزید یک واجب شرعی است و آنان در پیشگاه خدای متعال به خاطر سکوتشان مسئولند، یکی از رهبران این انقلاب؛ عبد الله بن حنظله در این باره چنین می‌گوید:

«به خدا سوگند که ما در برابر یزید قیام نکردیم مگر آن که ترسیدم از آسمان سنگ بر ما بیارد...» زیرا که او مردی بود با مادران و دختران خویش آمیزش می‌کرد و می‌گساری می‌کرد و تارک الصلاة بود، به خدا سوگند؛ اگر هیچ کسی از مردم با من نبود هرآینه من به تنهایی برای رضای خدا با او درگیر می‌شدم و خودم را به نیکی می‌آزمودم...» «۱» و منذر بن زبیر، در حالی که قیام خود را اعلام می‌دارد چنین می‌گوید: «یزید، با این که صد هزار درهم برایم جایزه و پاداش تعیین کرده، اما آنچه او کرد مانع از این امر نشده است که من جریان او را به اطلاع شما برسانم؛ به خدا سوگند که او باده‌گساری می‌کرد و به خدا قسم که او به قدری مست

می‌شد که نماز را ترک می‌گفت...» (۲)

به نظر من این عوامل از جمله مهمترین عوامل انقلاب و شورش مدینه بر ضد حکومت یزید بود.

(۱) طبقات ابن سعد.

(۲) طبری: ۴/۳۶۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۸

(۱)

### برکناری حاکم مدینه

نظر تمام انقلابیون بر این تعلق گرفت که استاندار مدینه و سایر بنی امیه را بر کنار کنند و حکومت موقتی را تشکیل دهند تا اعضای انقلاب را اداره کند و حاکم مدینه فردی به نام عثمان بن محمد بن ابی سفیان بود، جوانی مغرور بود که هرگز تجربه‌ای نداشت و روزگار او را نساخته بود بطوری که مردم او و همه امویان را سنگ‌باران می‌کردند. «۱»

(۲)

### پناهدگی مروان به امام

مروان از قیام مردم بشدت وحشت‌زده شد، زیرا این شورش یکی از عناصر ویرانگر و از عوامل تخریب و تباهی بود، از جمله می‌ترسید که از ناحیه شورشیان به زنانش تجاوز شود، این بود که ابتدا به عبد الله بن عمر پناه برد و از او درخواست کرد تا از زنان او حمایت کند اما عبد الله بن عمر، اجابت نکرد، مروان ناامید شد و برگشت در حالی که می‌گفت: خدا روی چنین شخصی را زشت کند، «۲» و با عجله به خدمت امام زین العابدین علیه السلام که معدن بخشندگی و رأفت بود شتافت و تقاضای خود را مطرح کرد، امام علیه السلام جواب مثبت داد، این بود که زنان اموی را به حرم آن حضرت بردند و امام علیه السلام آنان را به «ینبع» برد و پس از آن عایشه دختر عثمان زن مروان راهی طایف شد و بر امام زین العابدین علیه السلام گذر کرد، امام بر او بیمناک گردید از این رو پسرش عبد الله را برای محافظت وی به همراه فرستاد و عبد الله تا پایان حادثه با وی ماند. مورخان می‌گویند: امام علیه السلام چهارصد زن را با اولاد و خدمتگزاران تحت تکفل گرفت و آنها را با خانواده خودش اداره می‌کرد تا این که مسلم بن عقبه از مدینه بیرون شد و یکی از

(۱) طبقات ابن سعد: ۵/۴۷.

(۲) الاغانی: ۱/۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۵۹

آن زنان سوگند یاد کرد که در منزل پدرش آن آسایش و زندگی راحتی را که در منزل امام علی بن حسین علیهما السلام دید، هرگز ندیده بود. «۱»

(۱)

### مأموریت مسلم بن عقبه برای جنگ



این خبر به شام رسید که مردم مدینه، یزید را از حکومت بر کنار ساخته و کار گزار او را بیرون کرده‌اند یزید طاغوت نگران شد و از گسترش انقلاب و کشیده شدنش به دیگر مناطق اسلامی بیمناک شد این بود که به خطرناکترین جنایتکار مخوف یعنی مسلم بن عقبه مأموریت داد تا با مردم مدینه النبی - صلی الله علیه و آله - بجنگد، فخری در وصف او گفته است، یکی از جنابان عرب بود و موقعی که یزید او را مأمور جنگ ساخت پیرمردی سالخورده بوده است. صاحب کتاب عقد الفرید درباره سیمای وی می‌گوید: یک چشم داشت، دهان گشاده و موهای سرش سفید بود و هنگام راه رفتن طوری قدم بر می‌داشت گویی که پا از گل بیرون می‌کشد. دوزی مستشرق معروف می‌گوید: وی نه به خدا ایمان داشت و نه به اسلام، و مریض بود، وقتی که یزید منصب فرماندهی لشکر را به او داد، غرور شادمانی او را فرا گرفت، یزید به وی گفت: اگر مایل باشی تو را از این کار معذور بدارم زیرا می‌بینم سخت بیمار و فرسوده‌ای! آن ناپاک گفت: تو را به خدا مرا از اجری که خدا مرحمت کرده است محروم مکن. «۲»

یزید ستمگر این سفارش جهنمی را که مشتمل بر کفر و الحاد است به او کرد و گفت: «وقتی که به مدینه رسیدی، هر که مانع از ورود تو شد و یا به جنگ تو برخاست، شمشیر، شمشیر و کسی از آنها را باقی مگذار تا سه روز اموالشان را غارت کن، کار مجروحان را با یک ضربت یکسره کن و فراریان را بکش.» «۳»

این توصیه برخاسته از خصلتهای زشتی است که ناشی از کینه‌توزی

(۱) امام زین العابدین علیه السلام، از احمد فهمی: ص ۶۴.

(۲) معاویه بن ابی سفیان از عمر ابو نصر: ص ۲۶۶.

(۳) التنبیه و الإشراف مسعودی: ص ۲۶۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۰

نسبت به انسان بوده و با وجود آنها از بدی به دیگران لذت می‌برد.

(۱)

### حرکت سپاه برای جنگ

لشکریان ضلالت به سرکردگی موجود خطرناک، یعنی مسلم بن عقبه برای ورود به مدینه پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - حرکت کرد و سپاه گروه گروه از کنار یزید عبور می‌کردند و او در جای بلندی ایستاده بود و به آنها شادباش می‌گفت در حالی که مسئولین رده بالا و سران گروههای مختلف سپاه اطراف او را گرفته بودند این شعر را سرود و گفت:

أبلغ أبا بكر إذا الأمر انبرى وانحطت الرايات من وادي القري «۱»

اجمع سكران من القوم تری أم جمع يقظان نفی عنه الكری؟ «۲» به أبو بكر، آن هنگامی که شكست خورده و ناتوان شد و پرچمها از سمت وادی القری سرازیر گشت بگو.

آیا به نظر تو این قوم، گروه فرستاده مست و یا گروهی هستند از ناحیه هوشیاری که از بی‌خودی به خود آمده است! در این شعر آنچه را سران مخالف با فرمانروایی یزید اظهار می‌کردند؛ که او دائم الخمر است و از مستی به خود نمی‌آید، او خود بیان می‌کند و به ایشان می‌گوید که این سپاهیان را که برای نبرد ایشان گسیل داشته است آیا برانگیختگانی از ناحیه شخص مست هستند و یا از طرف فردی هوشیار که حالت مستی و بی‌خودی از او برطرف شده است!

(۲)

## محاصره مدینه

سپاهیان یزید بدون وقفه بیابان را درمی‌نوردیدند تا این که به مدینه

(۱) وادی القری، نام دشتی است بین جزیره العرب و شام سر راه تجارتنی قدیم واقع گشته است. م

(۲) التنبیه و الإشراف: ص ۲۶۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۱

رسیدند و آنجا را به محاصره خود درآوردند، مردم مدینه بیخاسته بودند و به حفر خندق اقدام کردند، همان خندقی را که رسول

خدا- صلی الله علیه و آله- در جنگ احزاب کنده بود، دوباره گود کردند، و شاعر ایشان خطاب به یزید، می‌گفت:

إن بالخندق المکمل بالمجد لضربا بیدی عن النشوات

لست منا، و لیس خالک منا یا مضیع الصلوات للشهوات

فإذا ما قتلنا فتنصرو اشرب الخمر و اترك الجمعات «۱» - همانا خندقی که تاج عظمت بر سر دارد، خود بیانگر نوعی از افتخارات

است.

(ای یزید) نه تو از مایی و نه خالوی تو از ماست، ای که به خاطر شهوات، نمازها را ضایع می‌کنی.

پس هرگاه ما را به قتل رساندی شادمان باش، می‌گساری کن و نمازهای جمعه را واگذار.

(۱)

## ورود به مدینه

نیروهای یزید امکان ورود به مدینه را نداشتند جز این که عبد الملک بن مروان به اشاره پدرش نزد مسلم بن عقبه شتافت و او را بر

جاهای خالی از مراقبت راهنمایی کرد و از آن طریق سپاهیان یزید توانستند به داخل شهر نفوذ کنند و دو سپاه در یک نبرد خونین

درگیر شدند و در آن، قهرمان بزرگ اسلام عبد الله بن حنظله با پسرانش و نخبه‌ای از مهاجران و انصار به شهادت رسیدند و در این

واقعه مدینه هشتاد تن از اصحاب پیامبر- صلی الله علیه و آله- را از دست داد. بطوری که یک نفر از مجاهدان بدر باقی نماند و

همچنین هفت صد تن از قریش و انصار و

(۱) التنبیه و الإشراف: ص ۲۶۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۲

ده هزار نفر از دیگر مردمان جان خود را از دست دادند. «۱»

(۱)

## جنایات و زشتیها

مسلم بن عقبه جانی خطرناک هر نوع جرم و جنایاتی را مرتکب شد؛ حرمت مدینه پیامبر (ص) را در هم شکست، و مدینه را شهر

فتنه و آشوب می‌نامید «۲» در حالی که پیامبر- صلی الله علیه و آله- آن را مدینه طیبه نامید، آنجا را برای سپاه جنایتکارش مباح

ساخت و شروع کرد با تمام توان نیکان را از کودکان گرفته تا پیرمردان و زنان به قتل رساندن و هتک ناموس کردن و از باقیمانده

مردم نیز بر این اساس بیعت گرفت که ایشان بردگان و غلامان برای یزید بن معاویه‌اند و هرگونه که بخواهد می‌تواند با آنها عمل کند. «۳» سید امیر هندی این حادثه را تعریف کرده و به دنبال آن می‌گوید: «در این معرکه که بار سنگینی بر دوش اسلام شد از نواحی مختلف ستارگان درخشان اهل مدینه از دلیران و از بهترین اصحاب رسول خدا (ص) به شهادت رسیدند و همچنین امویان مدینه را مباح کردند و آن شهر مقدس را آلوده ساختند شهری که پیامبر را در مدتی از زندگیش در خود جا داد و آنجا که مهبط وحی و رسالت پیامبر بود همچنان که نسبت به مردمش سنگدلی به خرج دادند، مردمی که پیامبر (ص) را پناه دادند و در وقت گرفتاری و شدت به خاطر او از جانشان گذشتند، نسبت به این مردم بدترین عذابها و بالاترین جنایات را روا داشتند که در طول تاریخ نظیر نداشت مگر آن چه را که کونستابل فرانسوی و نظایر او مرتکب شدند از انواع وحشی‌گری که لوثریون از یاران جرج فرندسیرنگ در وقت محاصره روم انجام داد.

جای شگفتی نیست، زیرا که سپاه یزید مسجد جامع را به اصطبل اسبهایشان مبدل کردند و حرم و اماکن مقدسه را برای این که هر چه ااث و

(۱) تاریخ طبری: ۷/ ۵-۱۲.

(۲) مروج الذهب: ۳/ ۱۷.

(۳) ابو الفداء: ۱/ ۲۰۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۳

متاعی داشت به غارت ببرند به ویرانه‌ای تبدیل نمودند و مقدر چنین بود که بت پرستی اگر چه یک مرتبه هم که شده، در برابر اسلام پیروز شود، آن بت پرستی که- بنا به گفته مورخ اروپایی- این بار انتقام خودش را از اسلام گرفت ... و این چنین از اسلام نسبت به رحمت و مدارایی که روز پیروزی بر ایشان ابراز داشته بود، قدردانی کردند.

و اما خوبان اهل مدینه، بعضی کشته شدند و بعضی برای نجات جان خودشان به جاهای دوردست فرار کردند و اما اندکی از ایشان که در مدینه ماندند، اسیر و برده یزید بن معاویه شدند و هر کدام از آنها هم که خودداری کرد با آتش، روی گردنش را داغ کردند تا نشانی از آن ذلت باشد. «۱»

(۱)

### امام با مسلم بن عقبه

امام زین العابدین علیه السلام، از این جنایتکار پلید، احساس خطر می‌کرد زیرا دید حرمت مدینه منوره را از بین برده و خونهای مسلمین بناحق ریخته شده است از این رو این دعا را می‌خواند:

«رب کم من نعمه انعمت بها علیّ، قلّ لک عندها شکری، و کم من بلیه ابتلینتی، بها قلّ عند بلائی بها صبری، فلا تخذلنی یا ذا المعروف الذی لا یقطع أبدا، یا ذا النعماء الّتی لا تحصی عددا صلّ علی محمد و آل محمد، و ادفع عنی شره، فإنی أدرا بک فی نحره، و استعیذ بک من شره ...» «۲»

«پروردگارا چه بسیار نعمتی که به من مرحمت کرده‌ای اما من کمتر شکر و سپاس تو را گفتم و چه بسیار گرفتاری که مرا بدانها مبتلا کردی اما من در وقت گرفتاریم کمتر صبر و شکیبایی به خرج دادم پس ای خدایی که

(۱) معاویه بن ابی سفیان: ص ۲۶۵-۲۶۶.

(۲) بهجۀ الابرار، قانی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۴

احسان تو هرگز گسستی نیست و ای صاحب نعمتهای بی‌شمار مرا خوار مکن و بر محمد و آلش رحمت فرست و شرّ آن جانی را از من دور کن زیرا که من به وسیله تو بهتر می‌توانم کشتار او را دفع کنم و از شر او به تو پناه آورم...»

(۱) موقعی که این جنایتکار پلید به مدینه حمله کرد امام علیه السّلام با ترس و بیم به قبر جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- پناهنده شد، آن حضرت را دستگیر کردند و نزد آن طاغوت آوردند، وقتی که امام علیه السلام را دید از هیبت و شکوه وی بر خود لرزید و برای احترام آن حضرت از جا برخاست و عرض کرد هر حاجتی داری از ما بخواه! و آن بزرگوار نیز از هر که محکوم به اعدام بود شفاعت می‌کرد مسلم نیز می‌پذیرفت، و چون امام از نزد او برگشت، از ایشان پرسیدند که ما دیدیم شما لبهایتان را حرکت می‌دهید، چه می‌گفتید؟ فرمود: می‌گفتم:

«اللّهم ربّ السموات السبع، و ما أظللن، و الأرضین السبع، و ما أقللن، و ربّ العرش العظیم، ربّ محمد و آله الطاهرين، أعوذ بک من شره، و أدرأ بک فی نحره، أسألك أن تؤتینی خیره، و تکفینی شره.»

«خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آن چه را که سایه گسترده‌اند و زمینهای هفتگانه و آن چه در زیر دارند، و پروردگار عرش عظیم، ای پروردگار محمد و آل پاکش، خداوندا از شرّ او (مسلم بن عقبه) به تو پناه می‌برم و به وسیله تو از کشتار او دوری می‌جویم، از تو درخواست می‌کنم که خیر او را به من برسانی و شر او را از من بازداری.»

(۲) به آن طاغوت خونخوار گفتند، ما دیدیم تو را که به این غلام و نیاکانش دشنام می‌دهی اما چه شد وقتی که به نزد تو آمد، او را گرامی داشتی؟ گفت:

این عمل به میل خودم نبود بلکه با دیدن او دلم را ترس و بیم فرا گرفت، «۱» امام

(۱) مروج الذهب: ۱۸/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۵

علیه السّلام با یزید بیعت نکرد، همچنان که علی بن عبد الله بن عباس نیز بیعت نکرد، حصین بن نمیر فوری نزد مسلم بن عقبه شتافت و گفت: خواهرزاده ما بیعت نمی‌کند مگر آن که علی بن حسین بیعت کند، علاوه بر این، او پسر عموی امیر المؤمنین است و اگر نه باید ما با هم بجنگیم، این بود که او را از بیعت معاف کردند. علی بن عبد الله در افتخار به خالوهایش که او را در برابر این طاغوت حمایت کرده بودند، می‌گوید:

أبی العباس قوم بنی قصی و أخوالی الملوک بنو ولیعا

هم منعوا ذماری یوم جاءت کتائب مسرف و بنو اللکیعا

أراد بی التی لا- عز فیها فحالت دونه أید منیعۀ «۱» - پدرم عباس از قوم و قبیله بنی قصی و خالوهایم پادشاهان، فرزندان ولیع می‌باشند.

آنان از آبروی من، در روزی که گردانهای خرابکار و زنازادگان آمدند، دفاع کردند.

آن کسانی که هیچ شرف و کرامتی نداشتند، قصد مرا کردند، اما دستهای با عزّت، جلو آنها را گرفتند.

(۱)

طاغوت جانی مسلم بن عقبه، دستور داد سرهای شهدای مدینه را به سوی شام ببرند به این ترتیب سرها را حرکت دادند و آنها را برای طاغوت بزرگ یزید بن معاویه هدیه فرستادند، همین که سرها را مقابل یزید گذاشتند، بسیار خرسند شد و به اشعار ابن زبیری در روز جنگ احد تمثّل جست و گفت:

لیت أشیاخی بیدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الأسل  
لأهلوا و استهلوا فرحاو لقالوا: یا یزید لا تشل «۲»

(۱) کامل مبرد: ۱/ ۲۲۲، کامل ابن اثیر.

(۲) سیره ابن هشام: ۳/ ۱۴۳، ابن سلام: ص ۸۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۶

- کاش بزرگان قبیله من که در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند حاضر بودند، تا جزع و بی‌تابی.

خزرجیان را می‌دیدند، شادمان می‌شدند و از خوش حالی چهره‌شان می‌درخشید و می‌گفتند: یزید دستت درد نکند! پیش از آن نیز، یزید به این شعر استشهاد کرده بود، موقعی که سر بریده گل خوشبوی رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و سرور جوانان اهل بهشت امام حسین علیه السلام را در برابر او گذاشتند. یزید آرزو کرد که کاش هم‌پیمانان پدرانش که سرهایشان به شمشیر مسلمین قطع شده بود، حضور داشتند تا می‌دیدند که انتقام خونشان را گرفته و از پیامبر- صلی الله علیه و آله- و از مسلمانان بطور کامل انتقام آنان را گرفته است! و با نقل این ماجرا سخن ما از حادثه «حزّه» که از بزرگترین و سخت‌ترین مصائب در جهان اسلام بود، پایان می‌گیرد حادثه‌ای که در دل امام زین العابدین سوز و گداز و غم فراوانی به جا گذاشت، زیرا که او با تأثر زیاد مدینه جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را می‌دید، که سپاه یزید آن را ویران کردند و به صورت ویرانه‌ای در کویر وحشتناک درآوردند که تمام خانه‌هایش از مصیبت و اندوه و سوز و گداز آکنده بود.

(۱)

## انقلاب توأین

### اشاره

شیعیان کوفه، بشدت پشیمان شدند که چرا امام حسین علیه السلام را یاری نکردند، زیرا آنها بودند که به امام نامه نوشتند و از او عاجزانه خواستند تا ایشان را از ظلم و جور امویان نجات دهد تا همین که آن حضرت درخواست ایشان را اجابت کرد، او را واگذاشتند تا دستخوش شمشیرها و نیزه‌ها گشت و به یاری و دفاع از او نشتافتند.

شیعیان در میان خود، یکدیگر را ملامت می‌کردند، در حالی که هول فاجعه و عظمت مصیبت را هر چه بیشتر احساس می‌کردند و در این باره می‌اندیشیدند که برای جبران گناه عظیم خود چه کنند هیچ وسیله‌ای برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۷

شستشوی گناهانشان پیدا نکردند جز پرداختن به یک انقلاب و خونخواهی امام حسین علیه السلام، این بود که شعار معروف خود «یا لثارات الحسین...» را سر دادند.

این شعار حماسی در دل‌های شیعه، بلکه در دل هر مخالف حکومت اموی، حرارتی ایجاد کرد اینک ما به اختصار به این انقلابی که نشان تشیع دارد و نخستین قیامی است که شیعه در سرزمین غیر تشیع انجام داده به شرح ذیل می‌پردازیم:

(۱)

**نخستین گردهمایی توأیین**

توآیین نخستین جلسه مشورتی خود را در منزل صحابی جلیل القدر، بزرگ شیعه، سلیمان بن صرد خزاعی تشکیل داد و در این انجمن سخنانی از طرف رهبران جنبش گفته شد، قبل از هر چیز ندامت و تأسّف خود را از تنها گذاشتن امام حسین علیه السلام ابراز داشتند و این که اگر به خونخواهی او برنخیزند، خود را در معرض خشم خدا قرار داده‌اند، تعداد شرکت کنندگان در این گردهمایی پیش از صد مرد از دلیران و جنگجویان و بزرگان شیعه بودند، «۱» و این جریان در سال شصت و یک هجری اتفاق افتاد، «۲» یعنی همان سالی که امام حسین علیه السلام در آن سال به شهادت رسید.

(۲)

**قطعه‌نامه کنگره**

کنگره به اجماع، چند ماده بسیار مهم را به تصویب رساند که دلیل بر پختگی فکر سیاسی اعضای آن به شرح ذیل می‌باشد:  
الف- انتخاب سلیمان بن صرد خزاعی به عنوان سرپرست جنبش و رهبر

(۱) طبری: ۴۹۹ / ۱ / ۲

(۲) طبری: ۵۰۶ / ۱ / ۲

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۸

عمومی انقلاب، و ترسیم خطوط سیاسی و نظامی و واگذاری مکاتبه و ارسال پیام به مناطق شیعه‌نشین عراق و خارج عراق به وی.  
ب- پنهان داشتن جنبش و مخفی ساختن جریان آن، از بیم آن که مبدا سلطه از آن اطلاع یابد بدین جهت موافقت کردند که جریان را کاملاً سرّی و پوشیده نگهدارند.

ج- گردآوری اموال و هدایا از جانب شیعیان برای خرید اسلحه و تجهیزات جنگی. خالد بن سعد تمام ثروت خود را اهدا کرد و همه را در اختیار انقلاب نهاد، «۱» همچنین ابوالمعتمر کنانی تمام ثروتش را تقدیم کرد «۲» و عبد الله بن وال تمیمی، برای جمع‌آوری اموال و خرید اسلحه تعیین گردید. «۳»

د- تعیین وقت قیام، تمام اعضای کنگره بر آن شدند که قیامشان در آغاز ماه ربیع الآخر سال شصت و پنج هجری باشد و این چهار سال دوران تهیه امکانات و آمادگی برای قیام باشد.

ه- محلی که در آنجا جمع شوند و از آنجا بر ضد امویان قیام کنند، جایی به نام نخيله باشد.

(۱)

**اظهار جنبش**

همین که زمان مورد اتفاق فرا رسید، توآیین از کوفه بیرون آمدند، و جمعیتشان حدود چهار هزار نفر بود «۴» و در نخيله به یکدیگر رسیدند و با کاملترین تجهیزات مجتمع شدند، این جریان در سال شصت و پنج هجری، همان سالی که طاغوت تبه‌کار یزید بن معاویه به هلاکت رسید و سپاه توآیین به کنار قبر امام حسین علیه السلام رفت و یک شبانه‌روز در آنجا ماند در حالی که بر امام

بزرگوار درود می‌فرستادند و طلب تحیت و غفران می‌کردند و می‌گریستند و می‌نالیدند و

(۱-۲-۳) ابن اثیر: ۳/۳۳۳.

(۴) التنبیه و الإشراف: ص ۳۱۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۶۹

ندامت و پشیمانی خویش را از تنها گذاشتن نواده و ریحانه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند اظهار می‌کردند، سپس از کنار آن قبر شریف بازگشتند در حالی که برای خونخواهی آن حضرت سوگند یاد می‌کردند، و عبد الله بن عوف احمر با شعر انقلابی خود در دل‌های سپاهیان آتش حماسه را برمی‌افروخت و با این اشعار گروه‌های سپاه را مخاطب قرار می‌داد:

صحوت و ودعت الصبا و الغوانیاو قلت لأصحابی: أجيئوا المنادیا

و قولوا له- إذ قام يدعو إلى الهدی و قبل الدعا-: لبيك لبيك داعيا - به خود آمدم و عشق و معشوقه‌ها را وداع گفتم و به یاران خویش گفتم منادی را اجابت کنید.

و آنگاه که شما را به هدایت دعوت می‌کند، پیش از دعوتش، به او لبيك لبيك بگوئید.

(۱) سپس شاعر به بند حساسی می‌رسد که اراده نفوس را بر می‌انگیزاند و آن داستان به شهادت رسیدن امام بزرگوار علیه السلام است که می‌گوید:

فاضحی حسین للرماح درینئو غودر مسلوبا لدی الطف تاویا

فیا لیتنی إذا ذاک کنت شهده فضا ربت عنه الشانین الأعدایا

سقی الله قبراً ضمن المجد و التقی بغریبه الطف الغمما الغوادیا - امام حسین هدف نیزه‌ها شد و در نزدیکی طف پیکر مقدسش برهنه ماند.

ای کاش من آن روز حضور داشتم، دشمنان تبهکار را از او دور می‌کردم.

ابرها بر آن قبری که در مغرب طف است و بزرگواری و پرهیزگاری را در بردارد، بیارد آنگاه شاعر روی سخن را به سمت امت می‌کند و می‌گوید:

فیا أمه تاهت و ضلت سفاهه انیبوا فأرضوا الواحد المتعالیا «۱» ای امتی که از غفلت گمراه شدید، توبه کنید و خدای یکتای متعال را

(۱) مروج الذهب: ۳/۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۰

راضی کنید.

براستی که این شاعر عواطف و احساسات توأیین را مشتعل کرده و برای ریشه کن ساختن نیروهای ظلم و ضلالت به جانبازی و مبارزه وادار نموده است.

(۱)

### توآیین در عین الورد

گردانهای سپاه توآیین بی‌وقفه بیابانها را درمی‌نوردید در حالی که عبد الله بن عوف در پیشاپیش آنان حرکت می‌کرد و این رجز را می‌خواند:

خرجن یلمعن بنا ارسالا عوایسا یحملنا ابطالا  
 نرید أن نلقى بها الاقیالا الناسطین الغدر الضلّالا  
 و قد رفضنا الولد و الأموالو الخفرات البیض و الحجالا نرضی به ذا النعم المفضالا «۱»- آنان بیرون شدند و ما را به همراه خود  
 می‌بردند در حالی که آنان قهرمانانی هستند.  
 می‌خواهیم به مقابله ستمگران منحرف و حيله گران گمراه بشتاییم.  
 و ما از زن و فرزند و اموال و پرده‌نشینان سفیدرو و خلوتگاهان گذشته‌ایم.  
 تا خداوند بخشنده نعمت را از خود راضی کنیم.  
 این رجز تجسم کننده حماسه‌ای بزرگ و آمادگی فوق العاده برای جنگیدن است که بر توّابین سیطره افکنده و آنان به قصد پیکار  
 برای نبرد با ستمگران و مکاران گمراه حرکت کرده بودند و هدفشان از این پیکار رضای خدای تعالی بود و بس.  
 (۲) گردانها و افراد سپاه به عین الوردی رسیدند و در آنجا اقامت کردند در حالی که سپاهیان اهل شام به سرکردگی جنایتکار عبید  
 الله بن زیاد برای پیکار با آنان حرکت کرده بود و بطور وحشتناکی با آنان درآویختند و میان دو سپاه

(۱) مروج الذهب: ۳/ ۳۸، طبری: ۲/ ۱/ ۵۴۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۱

سخت‌ترین جنگها به وقوع پیوست و توّابین از خود دلآوری و صلابت و صف‌ناپذیری را نشان دادند و در این جنگها سران توّابین از  
 قبیل سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، عبد الله بن سعد و دیگران به شهادت رسیدند و توّابین دیدند که توان پیروزی بر اهل شام را  
 ندارند، میدان جنگ را ترک گفتند و از تاریکی شب استفاده کرده و به کوفه بازگشتند و سپاهیان شام نیز آنها را تعقیب نکردند،  
 اما شهادت سران و بزرگان توّابین سوز و غمی در دل‌های شیعه به جا گذاشت، شاعر بزرگ اعشی همدانی با قصیده‌ای آنان را مرثیه  
 گفته و در آن قصیده که بعضی از اشعار آن در ذیل آمده است، از دلآوری و استواری آنان در برابر سپاه شام یاد کرده، می‌گوید:

توجه من دون الثنیة سائرالی ابن زیاد فی الجموع الکتاب  
 فساروا و هم من بین ملتمس التقی و آخر مما جرّ بالأمس تائب  
 فلاقوا بعین الوردة الجیش فاضلا علیهم فحیوهم بیض قواضب  
 فجاءهم جمع من الشام بعده جموع کموج البحر من کل جانب  
 فما برحوا حتی أبیدت جموعهم و لم ینج منهم ثم غیر عصائب  
 و غودر أهل الصبر صرعی فاصبحوا تعاونهم ریح الصبا و الجنائب  
 و أضحی الخزاعی الرئیس مجدلا کأن لم یقاتل مرة و یحارب  
 و رأس بنی شمش و فارس قومه جمیعا مع التیمی هادی الکتاب  
 و عمرو بن عمرو و ابن بشر و خالدو بکر و زید و الحلیس بن غالب  
 ابوا غیر ضرب یفلق الهام وقعته و طعن بأطراف الأسنه صائب  
 فیا خیر جیش للعراق و أهله سقیمت روایا کل اسحم ساکب  
 فلا تبعدوا فرساننا و حماتنا إذا البیض أبیدت عن خدام الکواعب  
 فإن تقتلوا فالقتل اکرم میتة و کل فتی یوما لاحدی النوائب  
 و ما قتلوا حتی أصابوا عصابة محلین حورا کاللیوث الضوارب «۱»



(۱) مروج الذهب: ۳/ ۴۰ - ۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۲

(۱) - از پایین ثنیة العقاب به جانب ابن زیاد در دسته‌های رزمنده روان شدند.

برفتند و بعضی از آنها جویای تقوا بودند و بعضی دیگر روز قبل از آن توبه کرده بودند.

در عین الورده با سپاه دشمن برخوردند و با شمشیر از آنها استقبال کردند.

پس از آن از شام سپاهی بمانند موج دریا از هر طرف به سوی آنها آمد.

آنان همچنان مقاومت کردند تا جمع آنها به نابودی کشیده شد و جز دسته‌های پراکنده نجات نیافت.

آنها که صبر کردند به خاک افتادند و چنان شدند که باد صبا و اسبها بر آنها می‌گذرد.

و سالارشان آن مرد خزاعی از پا درآمد، گویی هرگز جنگی نکرده و یک بار هم سابقه پیکار نداشت.

و رئیس قبیله شمش که رهبر گردانها بود با آن مرد قبیله تیم که رهبر پیش‌پیش‌قراولان بود.

و عمرو بن عمرو، و ابن بشر و خالد و بکر و زید و حلیس پسر غالب.

ضربتهای شکافنده سر و زخمهای کاری زدند به وسیله نیزه‌هایشان.

ای بهترین سپاه عراق و مردم آنجا سیراب باشید و به هدفهایتان برسید.

پراکنده نشوید شما ای سواران و پشتیبانان ما زیرا بهشتیان زیبارو جلوه‌گرند.

زیرا اگر کشته شدید کشته شدن در راه هدف بهترین مرگ است و هر جوانمردی روزی طعمه حوادث می‌شود.

آنها کشته نشدند مگر آن که دسته‌های دلاوران دشمن را از پا درآوردند.

اعشی همدانی در این تابلو شعری خود استادانه صورت زیبایی از توأین را ترسیم کرده و می‌گوید: آنها دو دسته‌اند: یک دسته در

پی کسب تقوایند در مبارزه و جهادی که دارند و دسته دیگر می‌خواهند گناهانشان آمرزیده شود و به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۳

پیشگاه خدا توبه و انابه دارند و همگی دلاوری و پایداری وصف‌ناپذیری از خود نشان دادند و هر که از آنان در میدان مبارزه به

روی خاک افتاد، باد صبا و نسیم جنوب بر آرامگاه ایشان در حالی می‌گذرد که پیام تحیت و درود و رضوان بر ایشان دارد.

(۱) اعشی همدانی با تعظیم و تجلیل از بزرگان و سران نهضت یاد می‌کند که آنان در میدان نبرد به شهادت رسیدند و به ایشان

درودی عطر آگین نثار می‌کند و تحیت و درود خویش را با دعا برای ایشان به پایان می‌رساند و می‌گوید خداوند آنها را از رحمت

خویش دور نخواهد کرد زیرا که ایشان از نوامیس خود دفاع کردند ... برآستی که این قصیده از برجسته‌ترین قصایدی است که

درباره نهضت توأین سروده شده است.

به هر حال جنبش توأین، دل‌های خونخواران جنایتکار؛ از قاتلان امام حسین علیه السلام را پر از ترس و بیم و نگرانی ساخت و

شیعیان نیز آماده نبرد بر ضد امویان شدند، دکتر یوسف خلیف می‌گوید:

«نتیجه‌ای که نهضت توأین بدان منتهی شد، هر چه باشد، چیزی که نمی‌توان در آن تردید کرد، این است که این قیام پس از

شهادت علی علیه السلام شدیدترین نهضتی بود که تا آن زمان به وقوع پیوست و این قیام، خاکستر از روی آتش تشیع برداشت و

آتش را فروزان کرد تا این که در نهایت بر نابودی حکومت امویان انجامید همچنان که از سوی دیگر زمینه‌ساز نهضت مهم دیگر

شیعی یعنی نهضت مختار شد.» (۱)

## جنبش مختار

## اشاره

یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های عرب و اسلام که تاریخ در خود سراغ دارد، مختار بن یوسف ثقفی آن یگانه‌تاز عرب است که توانست بر مسیر حوادث

(۱) حیاة الشَّعر فی الکوفه: ص ۷۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۴

غالب آید و بزرگترین انقلاب اجتماعی را بر اساس عدالت سیاسی و اجتماعی و قانون همسانی میان مردم را با اختلاف قومی و دینی که داشتند فراهم آورد و ما بطور اختصار به برجستگی‌های شخصیت او و ره‌آوردهای مهم جنبش وی اشاره می‌کنیم و به شرح ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

(۱) اما برازندگیهای وجودی این قهرمان عبارتند از:

۱- تیزهوشی زیاد- مختار بسیار هوشمند بود و از نشانه‌های هوش زیاد وی آن که اعماق دل مردم را می‌خواند و عواطف مردم را مخاطب قرار می‌داد، و با همین هوش و ذکاوتش بود که توانست آن نهضت بزرگ را به وجود آورد و دلها و عواطف مردم را به خود جذب کند و چنان بود که با کمترین اشاره‌ای رویدادها را می‌فهمید و به جریان‌ات احاطه پیدا می‌کرد، نویسندگان شرح حال وی اتفاقات کم‌نظیری از هوشیاری وی نوشته‌اند.

(۲) ۲- زیرکی- مختار از برجسته‌ترین افراد زیرک عرب است و از آثار زیرکی وی این است که در ترسیم خطوط سیاسی موفقیت چشمگیری داشت و تیرش در مورد پایان بخشیدن به قوای مخالف اهل بیت علیهم السَّلام که به صورت یک طبقه اشراف و اعیان در کوفه تجسم یافته بود به هدف نهایی رسید و توانست به نفوذ آنها پایان دهد و آنان را از تخته‌های قدرت به میان زندانها و دل قبرها بکشانند.

(۳) ۳- رهبری الهام یافته- از نشانه‌های برجسته شخصیت مختار این است که وی یک رهبر رزمی الهام یافته بود و یکی از برجسته‌ترین سرلشکران در ترسیم خطوط جنگی و وضع قوانین نظامی برای غلبه یافتن بر وقایع بوده و کسی است که خطوط موفقیت را برای انقلاب نظامی که در کوفه به وجود آورد، ترسیم کرد و کسی است که نظیر او را در جهان اسلام آن زمان کسی سراغ نداشته است.

(۴) ۴- تقوا و پارسایی- مختار مردی پارسا و پرهیزگار بود و نهایت احتیاط را در امور دینی خود داشت و پایه‌های حکومت خویش را بر اساس عدالتی فراگیر در میان مردم نهاد و علی‌رغم گرفتاریهای زیادی که داشت، خود شخصا به قضاوت می‌نشست و فصل خصومت و رفع اختلافات می‌کرد، او سیاست امام امیر المؤمنین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۵

علیه السَّلام را آیین حکومت خویش قرار داده بود، راویان اخبار درباره تقوای او نقل می‌کنند که وی در روزگار کوتاه حکومتش روزها روزه‌دار و زبانش به ذکر خدا گویا بود.

(۱) ۵- ولایت اهل بیت (ع)- اما ولای اهل بیت علیهم السَّلام یکی از ویژگیها و خصوصیات ذاتی مختار بود، و غرق در ولایت و محبت ایشان بود و از جمله دلایل ولایت وی آن است که مسلم بن عقیل فرستاده امام حسین علیه السَّلام به کوفه در خانه کسی مهمان نمی‌شد مگر خانه مختار، و اسرار خود را به او می‌گفت و درباره هر چیز که به امور نهضت مربوط می‌شد با او گفتگو

می‌کرد و تمام کسانی را که با امام حسین علیه السّلام بیعت کرده بودند به مختار معرفی کرد، وقتی که یزید طاغوت، عید الله بن زیاد را به استانداری کوفه تعیین کرد، نخستین هدف وی نابود کردن عناصر علاقه‌مند و دوستدار امام حسین علیه السلام و در بند کردن ایشان بود، یکی از همین دستگیرشدگان، مختار بود که در زندان وی ماند تا وقتی که امام حسین علیه السّلام به شهادت رسید، عبد الله بن عمر شوهر خواهر مختار در نزد یزید از وی شفاعت کرد و او پذیرفت، همین که مختار از زندان آزاد شد، شروع به مبارزه و مجاهده کرد، تا بتواند بر سلطه مسلط شود و از این راه به مهمترین هدف خویش یعنی گرفتن انتقام عترت طاهره جامه عمل بپوشاند و چون خداوند متعال پیروزی را نصیب وی کرد و بر حکومت استیلا یافت شروع کرد به پیگیری بی‌امان خونخواران تبهکار از قاتلان امام حسین علیه السّلام، و خون آنها را ریخت و خانه‌هایشان را ویران کرد و آنان را تارمار ساخت. و ما در ذیل ضمن بحثهای آینده درباره مقام والای مختار در نزد ائمه علیهم السّلام سخن خواهیم گفت.

(۲)

### مقام مختار در نزد ائمه (ع)

طبیعی است که مختار در نزد ائمه اهل بیت علیهم السّلام از مقام والایی برخوردار بوده و رضایت قلبی آنان را به دست آورده است زیرا که دل آنها را

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۶

خنک کرده و به خاطر گرفتن انتقام ایشان از ظالمان دلشان را شادمان نموده و خونخواران تبهکار از قاتلانشان را به هلاکت رسانده است، اخبار فراوانی در ستایش و تقدیر و تجلیل از احسان وی نسبت به خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - رسیده که در ذیل، بعضی از آنها را نقل می‌کنیم:

(۱) ۱- امام ابو عبد الله صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ زن هاشمیّه در میان ما خانواده شانه و خضاب نکرد، تا این که مختار سرهای کسانی را که امام حسین علیه السّلام را کشته بودند برای ما فرستاد.» (۱)

براستی که مختار دل خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - را که غم و اندوه شهادت سرور جوانان اهل بهشت امام حسین علیه السّلام قلبشان را می‌فشرد، شادمان ساخت زیرا که او انتقام آن حضرت را از خونخواران تبهکار گرفت.

(۲) ۲- امام ابو جعفر علیه السلام می‌فرماید:

«به مختار ناسزا نگویید زیرا او قاتلان ما را کشت و از دشمنان ما خونخواهی کرد و برای بیوه‌زنانمان وسیله ازدواج فراهم آورد و در وقت تنگدستی در بین کسان ما مال تقسیم کرد.» (۲)

(۳) ۳- عبد الله بن شریک روایت کرده، می‌گوید: روز عید قربان به خدمت امام ابو جعفر (ع) رسیدم، در حالی که او به بالشی تکیه داده و کسی را به دنبال سلمانی فرستاده بود، همین که در حضورش نشستم، پیرمردی از اهل کوفه وارد شد، خواست که دست آن حضرت را ببوسد، امام علیه السّلام اجازه نداد، سپس فرمود: تو کیستی؟ عرض کرد: من ابو محمد حکم بن مختار بن ابو عبیده ثقفی هستم. او دورتر از امام ابو جعفر نشسته بود، امام علیه السّلام دستش را به سمت او

(۱-۲) رجال کشی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۷

دراز کرد بطوری که گویی می‌خواهد او را در کنار خود بنشاند. سپس به خدمت امام علیه السلام عرض کرد: خداوند شما را

تندرست بدارد، مردم درباره پدرم حرفهای زیادی می‌زنند و می‌گویند: به خدا سوگند که حرف، حرف شماسه؟! ابو جعفر علیه السلام فرمود: مردم چه می‌گویند؟ عرض کرد: می‌گویند: او دروغ می‌گفته است! و شما هر چه بفرمایید من می‌پذیرم. امام علیه السلام فرمود:

«سبحان الله!! به خدا سوگند که پدرم فرمود: که مهریه مادرم از وجهی بوده است که مختار فرستاد و آیا او خانه‌های ما را ساخت، و کشندگان ما را نکشت و از دشمنان ما خونخواهی نکرد؟ خدا او را بیامرزد...» (۱)

در این حدیث دلالت روشنی بر مقام والای وی در نزد امام ابو جعفر علیه السلام است و این که او نسبت به اهل بیت احسان نموده؛ با گرفتن انتقام ایشان و ارزانی داشتن اموالی بر ایشان که از جمله مهریه زنان و ساختن خانه‌هایشان بود سلطه‌های امویان را ویران کرده بود.

(۱) ۴- چون مختار سر عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد را به حضور امام زین العابدین علیه السلام فرستاد، آن حضرت برای شکر خدا به حال سجده افتاد و گفت: سپاس خدای را که انتقام ما را از دشمنانمان گرفت و خداوند به مختار جزای خیر مرحمت کند. (۲)

مختار همان طوری که مورد رضای ائمه اهل بیت علیهم السلام بود، مورد رضای همه علویان نیز بود و به خاطر احسانش بر ایشان از وی سپاسگزار بودند، راویان از محمد بن حنفیه نقل کرده‌اند؛ وقتی که سر عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد را برای او فرستاد، سجده شکر به جا آورد و دستهایش را برای دعای به مختار باز کرد و گفت: خداوند چنین روزی را برای مختار از یاد مبر، و او را از جانب اهل بیت پیامبر محمد (ص) بهترین جزا را مرحمت نما، پس به خدا سوگند که

(۱-۲) رجال کشی.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۸

پس از این عمل، مختار را رنج و عذابی نخواهد بود. (۱)

(۱)

## تهمتهای ناروا

به این قهرمان بزرگ تهمت‌های ناروایی زده‌اند؛ این تهمت‌ها را دشمنان و مخالفان وی سر هم کرده‌اند که از جمله تهمت‌ها موارد ذیل است:

۱- متهم کرده‌اند که او مدعی بود به وی وحی می‌شود و فرشته وحی جبرئیل بر او وحی نازل می‌کند و از غیب باخبر می‌سازد. (۲)  
 ۲- فرشتگان در جنگها به همراه او می‌جنگند و آنها به صورت کبوتران سفید فرود می‌آیند و به همراه سپاهیان وی می‌جنگند. (۳)  
 ۳- او برای مردم بهشت را ضمانت می‌کند و در این باره نوشته‌هایی نظیر سندهای بخشش در مسیحیت می‌نویسد. (۴)  
 و او را جز به خاطر خونخواهی امام بزرگوار سرور آزادگان علیه السلام، به این تهمت‌ها متهم نکرده‌اند، و چون او بود که با انقلاب بزرگ خویش هیبت حکومت اموی را از میان برد و بین عرب و مردم غیر عرب تفاوتی قائل نشد و سیاست امام امیر المؤمنین علیه السلام را آیین حکومت خویش قرار داد.

(۲) مختار چون یک رهبر سیاسی به بالاترین مقام در بین مردم عصر خود رسید و یکی از قهرمانان تاریخ شد که بنای حق را پی ریخته و پرچم انقلاب بر ضد تخلف و جمود را برافراشته‌اند، و طبیعی است که حاسدان زیادی داشته باشد و به او تهمت‌های ناروایی بزنند، اما اتهام او بر این که از غیب خبر می‌دهد، مسلم است که او از واقع شدن بعضی از حوادث ناگوار خبر داد که به فعلیت

درآمد، و آن را از میثم تمار شاگرد امام امیر المؤمنین علیه السلام و از برجسته‌ترین

(۱) بحار الأنوار: ۴۵/باب احوال مختار.

(۲) الفرق بین الفرق: ص ۳۳-۳۴.

(۳) الملل و النحل: ۱/۲۸۷.

(۴) طبری: ۲/۲/۶۸۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۷۹

یاران آن حضرت شنیده بود؛ از او که بسیاری از رویدادهایی را که در بستر تاریخ اسلام اتفاق خواهد افتاد خبر داده بود، موقعی که میثم با مختار در زندان طاغوت عبید الله بن زیاد بودند، اسراری را به او آموخت، بنابراین آیا در اطلاعاتی که میثم به مختار داد او را می‌شود متهم به نبوت کرد؟

(۱)

### جنبش بزرگ مختار

مختار نهضت بزرگ خود را با هدف ایجاد عدالت اجتماعی در بین مردم و گرفتن انتقام خون سالار شهیدان امام حسین علیه السلام برپا کرد و مختار اساس قیام خود را خونخواهی امام حسین قرار داد و آن را شعار نهضت خود ساخت و در خیابانها و کوچه‌های کوفه قوم خود را با این فریاد «یا لثارات الحسین...» ندا داد و این فریاد مؤثر در آسمان کوفه طنین انداخت و چون صاعقه‌ای بر سر خیانتکاران و مجرمین فرود آمد؛ بر سر آن کسانی که مرتکب زشت‌ترین جنایاتی شدند که تاریخ انسانی ثبت کرده است. نیروهای خیرخواه و محروم او را اجابت کردند و به نهضت او پیوستند، و اینک به قصیده بلند عبد الله بن همام سلولی شاعر این نهضت گوش فرا می‌دهیم تا در شعر خود، راجع به اجتماع مردم به اطراف مختار و شور و هیجان و از شتافتنشان به جانب وی با ما سخن بگوید:

و فی لیلۃ المختار ما یدهل الفتی و یلهیه عن رود الشباب شموع  
دعا: «یا لثارات الحسین»، فاقبلت کتائب من همدان بعد هزیع  
و من مدحج جاء رئیس ابن مالک یقود جموعا عبیت بجموع  
و من أسد وافی یزید لنصره بکل فتی حامی الذمار منیع  
و جاء نعیم خیر شبیان کلها بأمر لدی الهیجا أحد جمیع  
و ما ابن شمیط إذ یخرض قومه هناك بمخذول و لا بمضیع  
و لا قیس نهد لا و لا ابن هوازن و کل أخو اخباته و خشوع (۱)

(۱) تاریخ طبری: ۲/۲/۶۳۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۰

- و در آن شب مختار، یعنی آن جوان مرد، سراسیمه بود و شمعها واله آن جوان بودند.

به شعار (یا لثارات الحسین) دعوت کرد و گردانهایی از همدان و بعد هزیع پذیرفتند.

و از قبیله مدحج رئیس ایشان، ابن مالک آمد در حالی که جمعیتهایی را رهبری و بسیج کرده بود.

و از قبیله اسد، یزید، با هر جوانمرد طرفدار شرف و بلند همت برای کمک او آمدند. و از قبیله نعیم بهترین جوانان همگی آنهایی که در معرکه جنگ از همه استوارترند آمدند. و ابن شمیط نیز که قوم خود را برای خواری و تباهی نمی‌خواست مرتب کند.

و نه قبیله قیس و نه قبیله هوازن، همگی قیام کردند و هر برادر مسلمانی پشت سر مختار ایستاد و تسلیم فرمان او شد. ابن همام از شعاری سخن می‌گوید که مختار در جنبش انقلابی خود آن را فریاد می‌کرد یعنی شعار (یا لئارات الحسین) و تأثیر زیادی که این شعار در نفوس شیعه داشته و آنان به مختار پاسخ مثبت دادند، و نیز از قبایلی سخن گفته است که در این انقلاب شرکت کردند و با تعظیم و تجلیل نام رهبرانی را یاد کرده است که در این انقلاب سهم مثبت و فعالی را عهده‌دار بودند. به هر حال نهضت به پیروزی درخشانی نایل آمد و پایه‌ها و ارگانش استوار شد، و مختار اداره امور کشور را بر عهده گرفت و از اعضای نهضت خویش و سران حزبش حکومت را تشکیل داد.

(۱)

### هدفهای نهضت

اما هدفهای مهمی که نهضت به آنها رسید، عبارتند از:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۱

(۱) ۱- مساوات بین عرب و غیر عرب (موالی) در تمام حقوق و واجبات و از میان بردن موانعی که حکومت اموی برای برتری عرب به دیگران و اختصاص هر نوع امتیاز به ایشان ایجاد کرده بود و بعضی از مستشرقان بر آنند که مختار با مساواتی که بین عرب و غیر عرب به وجود آورد، خدمتی به اسلام کرد و زمینه را آماده کرد تا بعدها بین گروههای غیر عرب نیز مساوات برقرار شود. «۱» فلهوزن، معتقد است که مختار شایسته ستایش است، چون او از دیگران زودتر دریافت که آن چنان اوضاع و احوال، ماندنی نیست؛ زیرا تنها قوم عرب، در آن دولت از حقوق مدنی کامل برخوردار بود، و اگر مختار به هدف اصلی خود جامه عمل پوشانده بود دولت عربی را نجات داده بود. «۲» و خرطوبی می‌گوید: مختار کسی است که روح قوت و حیات را در حزب غیر عرب (موالی) گسترش داد و مقام آنان را بالا برد و با آنها رفتار عادلانه داشت و از ایشان دفاع کرد و آرزوها و آرمانها در میان آنها گسترده و برای بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایشان فعالیت کرد و مردم غیر عرب (موالی) را برداشتن این حقوق در سراسر حکومت اموی و عباسی واداشت. «۳» و شایان ذکر است که مردم غیر عرب (موالی) ستون فقرات حکومت مختار را تشکیل می‌دادند و او نیز وظایف مهم دولت خود را به آنان واگذار کرد و سرلشکری سپاه خود را به خاطر اطمینانی که به اخلاص آنان داشت به ایشان واگذاشت.

(۲) ۲- خونخواهی امام حسین (ع)- مختار نهضت بزرگ خود را به طمع سلطنت و حب ریاست و پادشاهی به وجود نیاورد- آن گونه که بعضی از حاسدان او را متهم کرده‌اند- بلکه او در پی خونخواهی امام شهید ابو عبد الله الحسین علیه السلام بود و دلش از خشم و کین نسبت به خائنان جنایتکار از قاتلان امام حسین علیه السلام مشتعل بود و همین که زمام امور را به دست گرفت

(۱) دائرة المعارف اسلامی: ۳/ ۷۶۵ چاپ فرانسه.

(۲) المختار: ص ۶.

(۳) المختار: ص ۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۲

آنان را مایه عبرت قرار داد و در هر کجا که بودند پیگیری می کرد و سرهای پلید آنها را از تن جدا نمود و اموالشان را مصادره کرد و خانه هایشان را ویران ساخت.

ما به اختصار در ذیل به بعضی از اقدامات وی بر ضد ایشان اشاره می کنیم:

(۱)

### اشاعه ترس و وحشت

مختار ترس و وحشت به دل همه قاتلان جنایتکار انداخت، آن کسانی که با خدا و پیامبر خدا (ص) جنگیده بودند و ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و سرور جوانان اهل بهشت را کشته بودند؛ یکی از آنها فرار کرد، و نزد عبد الملک بن مروان رفت تا در برابر مختار از او حمایت کند و شخصی از این خونخواران خطاب به عبد الملک، گفت:

به نزد تو آمدم تا به من رحم کنی و دوستی مرا رعایت کنی، و من تو را مدافع خود پنداشتم پس کجا شد آن دفاع؟ «۱» عبد الملک بن حجاج تغلیبی فرار کرد و او از جمله کسانی بود که در جنگ با امام حسین علیه السلام شرکت کرده بود، به عبد الملک بن مروان پناهنده شد، و به عبد الملک گفت:

«من از عراق فرار کرده و به دربار تو آمده‌ام ...»

عبد الملک به سرش داد زد و گفت:

«دروغ گفتی تو برای خاطر ما فرار نکرده‌ای بلکه از ترس انتقام خون امام حسین فرار کرده‌ای و از خون خودت ترسیده‌ای و به ما پناه آورده‌ای ...» «۲»

از جمله کسانی که ترس او را فرا گرفته و از وحشت متواری شد، اسماء بن خارجه بود و او از کسانی بود که با امام حسین علیه السلام جنگیده بود، مختار درباره او گفت: باید از آسمان، توده آتشی فرود آید و باید آن آتش خانه

(۱) عیون الأخبار ابن قتیبه.

(۲) حیاة الامام الباقر: ۱۷۶ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۳

اسماء را بسوزاند. سخن مختار را به اطلاع اسماء رساندند و او از ترس فرار کرد در حالی که می گفت: ابو اسحاق (مختار) قافیه شعرش را با نام من هماهنگ کرد، به خدا قسم که او سرای مرا آتش خواهد زد. و از کوفه فرار کرد.

(۱)

### براندازی عمومی

مختار در اجرای حکم اعدام هر کس که در قتل سرور جوانان اهل بهشت امام حسین علیه السلام شرکت داشت بدون هیچ گذشتی سرعت اقدام کرد، همزمان دویست و چهل و هشت نفر را به قتل رساند، «۱» ناپاک پلید، جنایتکار شمر بن ذی الجوشن فرار کرد و او از همه کس نسبت به امام حسین علیه السلام کینه تیزتر بود، مأموران مختار در جستجوی او برآمدند تا این که او را گرفتند و به قتل رساندند و لاشه او را جلو سگها انداختند، و مختار پیوسته می گفت: روش ما نیست که قاتلان امام حسین علیه السلام را زنده بگذاریم، در آن صورت بد یآوری برای آل محمد- صلی الله علیه و آله- بوده و در دنیا دروغگو خواهیم بود، و من از خداوند بر

ضد ایشان یاری می‌طلبم... برآستی که نان و آب بر من گوارا نخواهد بود تا وقتی که زمین را از لوٹ وجود ایشان پاک کنم. «۲» و گروهی از کسانی را که در کشتن امام حسین علیه السلام شرکت داشتند نزد وی آوردند؛ از جمله عبد الله بن اسید جهنی و مالک بن بشیر بدی و حمل بن مالک محاربی مختار رو به ایشان کرد و گفت: «ای دشمنان خدا و رسول خدا! حسین بن علی کجاست؟ او را به سوی ما برگردانید! شما کسانی را که مأمور بودند بر آنها درود و تحیت بفرستند، به قتل رساندید...»

جواب دادند: ما را به زور فرستادند، بر ما مَنّت بگذار و ما را مکش.

مختار فریاد برآورد و گفت:

(۱) کامل ابن اثیر: ۳/ ۳۶۸.

(۲) کامل ابن اثیر: ۳/ ۳۶۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۴

«چرا شما بر حسین فرزند دختر پیغمبرتان مَنّت نگذاشتید و او را زنده نگذاشتید و به او آب ندادید؟» «۱» دستور داد نخست دست و پاهای مالک بن بشیر بدی را بریدند و رها کردند، دست و پا زد تا وقتی که مرد، چون او کسی بود که کلاه امام حسین علیه السلام را از سرش ربوده بود، همچنین دستور داد هر دو پای دو نفر دیگر را بریدند. «۲» و مأموران مختار، زیاد بن مالک ضبعی، و عمران بن خالد قشیری، عبد الرحمن بن ابی خشاره بجلی، عبد الله بن قیس خولانی را گرفتند وقتی که به حضور وی آوردند، رو به ایشان کرد و با صدای خشن و خشمگین گفت:

«ای کشندگان انسانهای صالح و ای قاتلان سرور جوانان اهل بهشت، (ورس روناس) برای شما یک روز نحس پیش آورد...»

و این افراد کسانی بودند که از آن روناسی که همراه امام حسین علیه السلام بود، به غارت بردند، و حکم اعدام درباره ایشان جاری شد. «۳»

(۱) ناپاک پلید، عمر بن سعد از مختار وحشت زده شده و بی‌نهایت ترسیده بود، کسی را فرستاد و از او درخواست امان‌نامه کرد و مختار امان‌نامه‌ای نوشت و شرط کرد که هیچ حدثی! از او سر نزنند!- و مقصود وی از این حرف، رفتن وی به دستشویی بود- مختار در پیش یارانش اعلان کرد که بزودی مردی را خواهد کشت که پاهای بزرگ دارد و چشمانش فرو رفته و ابروهای آویخته دارد که کشتن وی مؤمنان و فرشتگان مقرب را شادمان سازد، هیثم بن اسود نخعی که پیش مختار بود فهمید مقصود مختار عمر بن سعد است و با وی دوستی داشت این بود که پسرش را نزد وی فرستاد و او را مطلع ساخت آن ناپاک سخت نگران شد و بر شترش سوار شد و از کوفه فرار کرد، به مختار خبر دادند که عمر سعد فرار کرده است مختار گفت: همانا در گردن او زنجیری هست که بازمی‌گرداند، ابن سعد تمام طول شب سوار بر شترش بود و چیزی نمی‌فهمید، همچنان دور کوفه تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۲ ۶۸۴ براندازی عمومی ..... ص: ۶۸۳

(۱-۲-۳) کامل ابن اثیر: ۳/ ۳۶۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۵

می‌چرخید تا این که صبح او را به خانه خودش رساند، از شتر پیاده شد و وارد خانه شد، صبحگاهان مختار ابو عمره را با جمعی از مأمورانش به سوی وی فرستاد آنان به منزل عمر بن سعد هجوم بردند، عمر از جا برخاست تا شمشیر بکشد و از خود دفاع کند اما پایش به دامن جبه‌اش بند آمد و به زمین افتاد، ابو عمره به جانب وی شتافت و سر آن ناپاک را از تنش جدا کرد و به نزد مختار آورد در حالی که پسرش حفص بن عمر در کنار مختار بود و پدرش او را به نزد مختار فرستاده بود تا امان‌نامه بگیرد، مختار رو به



حفص کرد و پرسید: آیا این سر را می‌شناسی؟

حفص گفت: آری، پس از وی زندگی خوش نباشد، مختار دستور داد تا او را نیز به پدرش ملحق ساختند و گفت: این - اشاره به سر عمر - به جای حسین علیه السلام، و این یکی - اشاره به سر حفص - به جای علی بن حسین علیهما السلام اما همسنگی ندارند به خدا سوگند اگر سه چهارم تمام قریش را به جای حسین علیه السلام بکشم معادل یک انگشت او نخواهد بود. «۱»

(۱) و به این ترتیب زندگی این خائن ناپاک که با خدا و رسول خدا جنگید و در روی زمین ایجاد فساد کرد پایان گرفت در حالی که گمان داشت با کشتن امام حسین علیه السلام از حکومت وی برخوردار خواهد شد و زندگی مرفه و آسوده و فرمانروایی خواهد داشت جز این که خداوند آرزوهای او را به ناامیدی مبدل ساخت؛ ابن زیاد عهدنامه‌ای را که مطابق آن، حکومت ری را به او داده بود از دستش گرفت و او در اطراف شهر کوفه همچنان اقامت داشت در حالی که از همه مردم ناسزا می‌شنید و اهانت و تحقیر می‌دید تا این که مختار او را به جهنم فرستاد و بد سرانجامی نصیبش شد.

(۲) از جمله کسانی که به مجازات عادلانه رسید، جنایتکار مسخ شده حرمله بن کاهل بود که عبد الله شیرخواره حضرت امام حسین علیه السلام را به قتل رساند و این پلید با جنایت خود جراحاتی در دل علویان به جا گذاشت، منهال بن

(۱) کامل: ۳/ ۳۷۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۶

عمر، نقل کرده، می‌گوید: موقع بازگشتم از مکه بر علی بن حسین علیه السلام وارد شدم، امام علیه السلام فرمود:

«منهال: حرمله بن کاهل اسدی چه شد؟» گفتم: او وقت آمدنم از کوفه، زنده بود ...»

امام علیه السلام دستهایش را به سمت آسمان بلند کرد و از سوز دل از خداوند مسألت کرد و گفت:

«خداوندا حرارت آهن را به او بچشان. خداوندا حرارت آتش را به او بچشان.»

(۱) منهال می‌گوید: همین که به کوفه رسیدم، آهنگ دیدار مختار را کردم، او با من دوستی داشت، وارد شدم، سلام کردم، دیدم فکرش مشغول است و منتظر جریانی است فاصله‌ای نشد تا این که حرمله بن کاهل جنایتکار را آوردند، مختار دستور داد، آتشی آوردند و امر کرد دست و پایش را ببرند و در آتش افکنند، «۱» من چون این حالت را دیدم، از روی تعجب تکبیر گفتم، مختار رو به من کرد و پرسید: البته تکبیر در هر حال خوب است اما علت تکبیرت چه بود؟ جریان نفرین امام علی بن حسین علیهما السلام را به اطلاع او رساندم، مختار این مطلب را مهم تلقی کرد و آن روز را به شکرانه قبولی دعای امام علیه السلام و انجام آن به دست وی برای خدا روزه گرفت، آری مختار رگباری از عذاب دردناک بر سر خونخواران جنایتکار از قاتلان امام حسین علیه السلام فرو بارید و بر آنان مرارتی طاقت‌فرسا چشاند و خانه‌هایشان را پر از مصیبت، غم و ناله کرد.

(۲)

### قتل طاغوت ابن زیاد

مختار اطلاع یافت که عبد الملک سپاه بزرگی را به سرکردگی جلد پلید

(۱) اثبات الهداء: ۵/ ۲۱۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۷

عبید الله بن زیاد فرستاده تا کوفه را فتح کند و به او دستور داده تا پس از فتح به مدت سه روز آنجا را برای سربازانش مباح سازد

همان کاری که یزید بن معاویه در مدینه النبی - صلی الله علیه و آله - کرد، مختار برای مبارزه با او یک سپاهی با عقیده راسخ فراهم ساخت که دل‌های اکثر آنان آکنده از دوستی آل پیامبر - صلی الله علیه و آله - و دشمنی با بنی امیه بود و فرمان سرلشکری را به رهبر الهی ابراهیم بن مالک اشتر داد در حالی که سپاه ابن زیاد از نظر تجهیزات و نفر از سپاه مختار برتر بود جز این که کمبود روح معنویت و ایمان به جنگ را داشتند، دو سپاه در معرکه هولناکی درگیر شدند و خداوند برای سپاه اسلام و ایمان پیروزی را مقرر کرد و سپاه شام بدترین شکست را خورد و از نظر روحیه و وسایل زیانهای جبران‌ناپذیری را متحمل شد و ابراهیم این رهبر سپاه اسلام سر کفر و ضلالت ابن مرجانه را از بدن جدا کرد و حصین بن نمیر را کشت و همچنین اکثر سران سپاهیان شام را از پا درآورد و سر ابن مرجانه را به نزد مختار فرستاد، مختار بسیار مسرور و شادمان شد. مورخان می‌گویند: ماری وارد دهان پسر مرجانه گشت سپس از دماغش بیرون شد و این را چند بار تکرار کرد. «۱» مختار آن سر پلید را به خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام فرستاد و به قاصدش دستور داد تا موقعی سر را در مقابل امام علیه السلام بگذارد که پس از فراغ از نماز ظهر، غذا بر سر سفره می‌گذراند، قاصد موقعی به در خانه امام علیه السلام رسید که مردم برای خوردن غذا وارد می‌شدند پس آن مرد فریاد زد:

«ای اهل بیت نبوت، و معدن رسالت و محل نزول فرشتگان و فرود آمدن وحی، منم فرستاده مختار بن ابی عبیده و سر بریده عبید الله بن زیاد همراه من است.»

هیچ علوی‌ای در خانه‌های بنی هاشم نماند مگر آن که فریاد کشید، «۲»

(۱) کامل ابن اثیر: ۳ / ۳۸۱.

(۲) تاریخ یعقوبی: ۳ / ۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۸

زیرا آن جناباتی را به خاطر آوردند که پسر مرجانه در مقابل چشم خاندان نبوت و پرده‌نشینان وحی مرتکب شد و چون امام علیه السلام سر بریده آن طاغوت را دید سجده شکر خدا را به جا آورد و گفت:

«سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا این که وعده خود را عملی ساخت و انتقام ما را از دشمنانمان گرفت ...» «۱»

امام علیه السلام رو به حاضران کرد و گفت:

«سبحان الله! فریب دنیا را نخورد مگر کسی که حق نعمت خدا را نشناسد، موقعی سر بریده ابی عبد الله علیه السلام را بر ابن زیاد وارد کردند که او غذا می‌خورد ...» «۲»

(۱) مورخان می‌گویند: امام زین العابدین علیه السلام را از آن روزی که پدر بزرگوارش به شهادت رسید کسی خندان ندید مگر روزی که سر پسر مرجانه را مشاهده کرد و شتری داشت که بار میوه از شام می‌آورد، و در همان روز بار شتر رسید، امام علیه السلام دستور داد تا میوه‌ها را به همین مناسبت مهم و فراموش نشدنی بین مردم مدینه تقسیم کردند. «۳»

(۲) برآستی که قتل این طاغوت چون زنگ شادی و شادمانی در میان جمعیت‌های اسلامی به صدا درآمد و تمام مردم او را لعنت کردند و شعرا او را هجو کردند و ناسزا گفتند و از قتل او اظهار شادمانی کردند، یزید بن مفرغ می‌گوید:

إن المنايا إذا ما زرن طاغيةً هتكن استار حجاب و أبواب

أقول: بعدا و سحفا عند مصرعه لابن الخبيثة، و ابن الكودن الكابي

لا أنت زوحت عن ملك فتمنعوه لا تمتت إلى قوم بأسباب

(۱) غایة الاختصار: ص ۱۵۶، دعوات قطب راوندی: ص ۵۹.

(۲) عقد الفرید: ۱۴۳/۵.

(۳) تاریخ یعقوبی: ۶/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۸۹ لا من نزار و لا من جذم ذی یمن جلمود إذا القیت من بین الهاب لا- تقبل الأرض موتاهم و کیف تقبل رجسا بین أثواب «۱» - همانا وقتی که مرگها و مردنها با طاغوتی دیدار کنند، پرده‌های حجاب و درها را باز کنند.

در وقت هلاکتش به ناپاک‌زاده فرزند ابله نابکار بگویم: دور باد از رحمت حق و مرگ بر او.

نه تو مزاحم سلطنت دیگری شدی تا او را مانع شوی و نه اسباب و وسایل آن را برای قومی فراهم کردی.

نه از قبیله نزار و نه از قبیله بزرگ و مقتدر جذام، آنگاه که میان شراره‌های آتش افتند.

زمین مرده‌های آنان را پذیرا نیست، چگونه موجود پلیدی را در جامه‌ها بپذیرد.

و اضافه می‌کند:

إن الذی عاش ختارا بذمته و مات عبدا قتیل الله بالزباب «۲» - همانا کسی که با تعهد به نیرنگ و حيله گرانه زندگي کرد و او در کنار رود زاب به امر خدا کشته شد.

و سراقه بارقی در ستایش ابراهیم اشتر به خاطر کشتن آن پلید می‌گوید:

أناکم غلام من عرانیین مذحج جریء علی الأعداء غیر نکول

فیا بن زیاد بؤ بأعظم هالک و ذق حد ماضی الشفرتین صقیل

جزی الله خیرا شرطه الله إنهم شفوا من عبید الله أمس غلیلی «۳» - جوانی از بزرگان قبیله مذحج کسی نزد شما آمد که بی‌تردید در برابر دشمنان بی‌باک است.

(۱) کامل ابن اثیر: ۳/۳۸۱.

(۲) عقد الفرید: ۱۴۳/۵.

(۳) کامل: ۳/۳۸۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۰

ای پسر زیاد به دست بزرگترین کشنده قصاص شو و از نوک تیز شمشیر برنده‌اش، عذاب خود را بپوش.

خداوند به مأموران الهی بهترین جزا را بدهد که بر حرارت قلب بندگان خدا مرهم نهادند.

عمیر بن حباب سلمی سپاهی را با ابن زیاد در این جنگ بوده‌اند هجو کرده و می‌گوید: «برای سپاهیان که هم می‌گسار و هم

زن‌باره‌اند، جایی برای پیروزی در وقت برخورد با دشمن نیست.» «۱»

(۱) براستی سپاهی که همراه او بودند از گروهی جنایتکار فراهم آمده بود، به خدا و روز جزا ایمان نداشتند و تنها به خاطر مصالح و

اهداف خود آمده بودند. به هر حال مختار با کشتن این طاغوت جنایتکار و دیگر جانانی که در کشتن سرور جوانان اهل بهشت

شرکت داشتند دل علویان را شاد کرد، مختار به این احسان بزرگ به علویان بسنده نکرد بلکه اموال زیادی به ایشان داد؛ بیست

هزار دینار به خدمت امام زین العابدین فرستاد و آن حضرت قبول کرد و با آن مبلغ خانه‌های فرزندان عقیل را که بنی امیه خراب

کرده بودند تجدید بنا فرمود «۲» و اموال زیادی به خدمت امام علیه السلام فرستاد، همان گونه که به محمد بن حنفیه و سایر علویان

اموال فراوان رساند.

وجود مختار یکی از حسنات دنیا و افتخارات امت عرب و اسلام و از قهرمانان تاریخ است، زیرا او به خاطر حق قیام کرد و مسیر

تاریخ امت را ساخت و با نهضت جاودانه خویش دل‌های آزرده مؤمنان را بهبود بخشید و بر زندگی آن گروه خیانتکار خاتمه داد و نتیجه اعمال شوم آنها را بر آنها چشاند. در اینجا سخن ما از قیام مختار پایان گرفت.

(۱) کامل ابن اثیر: ۳ / ۲۸۲.

(۲) سفینه البحار: ۱ / ۴۳۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۱  
(۱)

## قیام ابن زبیر

### اشاره

دل مردم حجاز آکنده از نارضایتی عمیق نسبت به امویان بود و دلیل این نارضایتی تجاوز بی‌شرمانه ایام حکومت یزید بر مدینه النبیه - صلی الله علیه و آله - و بر کعبه معظمه که جایگاه عزت و افتخار مسلمین است، از این رو، وقتی که ابن زبیر از مردم خواست تا با او بیعت کنند اکثریت قاطع از این مردم پاسخ مثبت دادند و تمام حجاز و همچنین بخشی از مناطق اسلامی در اختیار او قرار گرفت و لیکن ابن زبیر برای این مقام خطیر شایستگی نداشت زیرا که او نسبت به مصالح امت و نجات آنها از ظلم و ستم امویان اهتمام نمی‌ورزید و تنها در پی قدرت و سلطنت بود و عبد الله بن عمر از باطن و هدف او مطلع بود؛ با این که همسرش اصرار به بیعت او را داشت، عبد الله به او گفت: ای زن مگر درختان خرما می‌خواهی که معاویه را ندیدی که سپاهیان بسیاری به امید آنها می‌رفتند، ابن زبیر نیز هدفی جز آنها ندارد. «۱»

(۲) برآستی که او برای استیلای به سلطه به اظهار نیایش و عبادت و ملازمت بیت الله الحرام رو آورده بود، گاهی طواف می‌کرد و گاهی نماز می‌خواند، تمام اینها برای فریب دادن مردم ساده لوح بود، امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود:

«دام دین می‌گسترده تا دنیا را به چنگ آورد.» «۲» ابن زبیر سابقه تیره‌ای داشت، او بود که با وصی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و باب مدینه علم پیامبر و کسی که نسبت به او به منزله هارون نسبت به موسی بود، امام امیر المؤمنین علیه السلام جنگیده بود و او کسی بود که پدرش زبیر را به جنگ آن حضرت وادار کرد و بدان وسیله میدان را برای امویان باز کرد تا در برابر حکومت شرعی امام علیه السلام مسلحانه بشورند و سرانجام زمام حکومت را در دست بگیرند.

(۱) حیاة الامام الحسین: ۲ / ۳۱۰.

(۲) شرح نهج البلاغه: ۷ / ۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۲

توده‌های مردم از او نفرت داشتند و از حکومت او راضی نبودند، و دلیل این مطلب بخالت او بود تا آنجا که گفته‌اند: موقعی که او مال خدا را به مستمندان می‌داد گویی میراث پدرش را می‌دهد. «۱» فخری می‌گوید: او بسیار تنگ‌نظر بود و از این رو کار وی به سامان نرسید. «۲» ابو حزه از بخل او به عنوان یک عیب نکوهش کرده، می‌گوید:

ان الموالی امست و هی عاتبه علی الخلیفه تشکو الجوع و الحربا

ما ذا علینا و ما ذا کان یرزونا ای الملوك علی ما حولنا غلبا «۳» همانا اطرفیان و غلامان خلیفه در حالی که بر خلیفه خشمگین‌اند، از

گرسنگی و شدت خشم شکایت دارند که چه چیز بر ضد ما و چه چیز باعث گرفتاری ماست و به ما چه مربوط که کدام یک از پادشاهان به محیط ما تسلط خواهد یافت؟

(۱) ابن زبیر خواست خود را بر مردم برتری دهد، این بود که می‌گفت: شکمم یک وجب است و شاید که از مال دنیا گشاده شود؟ و من به خانه خدا پناهنده‌ام و از پروردگار پناهندگی می‌طلبم. «۴» و همین کلمه، مسخره کردن همه طبقات مردم را بر ضد او برانگیخت و همگی فهمیدند که او گرگی است که از غارت اموال مسلمین پرهیزی ندارد و او اموال خدا را می‌خورد همچون شتری که گیاه بهاری را می‌خورد، و ضحاک بن فیروز سخن او را به مسخره گرفته، می‌گوید:

تو می‌گفتی که بزودی مشتی تو را کفایت خواهد کرد و شکم تو یک وجب و کمتر از یک وجب است.

در حالی که تو هر وقت به چیزی رسیدی، آن را بلعیدی چنان که آتش فروزان چوب سدر را، زیرا اگر تو به کسی پاداش می‌دادی و یا مقرون به نعمت و

(۱) یعقوبی: ۹/۳.

(۲) الفخری: ص ۱۰۵.

(۳) حیاة الامام الباقر: ۲/۱۸۰.

(۴) الأغانی: ۱/۲۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۳

احسانی بودی هر آینه به دوست مهربانت عمر و احسان می‌کردی. «۱»

تحلیل گران امور سیاسی، علت سقوط حکومت ابن زبیر را به تنگ‌نظری و بیچارگی ذاتی او نسبت می‌دهند و می‌گویند اگر حکومت به دست او بود فقر و بیچارگی در بین مردم شیوع پیدا می‌کرد.

(۱)

### دشمنی او نسبت به علویان

ابن زبیر، خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - را که خداوند دوستی آنان را بر هر مسلمانی واجب کرده است، دشمن می‌داشت و کینه زیادی از آنان بر دل داشت و راجع به کینه او نسبت به ایشان آمده است که وی در خطبه خود صلوات بر آل پیامبر (ص) را ترک کرد، از علت آن پرسیدند، در جواب گفت:

«پیامبر، خاندان بدی دارد، منتظرند که نام او را ببرند وقتی هم که نام او را می‌شنوند سرهاشان را بالا می‌گیرند! ...» «۲»

ابن زبیر به ابن عباس می‌گفت: من کینه شما اعضای این خانه را از چهل سال پیش در دل دارم. «۳» این نابکار مقام عترت پیامبر - صلی الله علیه و آله - را که منبع تعقل و تفکر در اسلامند نشناخته گرفته و فضیلت پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - را بر امت فراموش کرده و حال این که آن حضرت بود که اینان را از زندگی بدبختانه بیابانی نجات داد و کاخ مجد و عظمت را برای ایشان بنا کرد و ایشان را بر همه امتها و جوامع عالم سروری بخشید.

(۲)

### دستگیری علویان

ابن زبیر از علویان خواست تا با او بیعت کنند و آنها خودداری کردند و گفتند تا تمام امت هم رأی نشوند، ما بیعت نمی‌کنیم، این بود که به مأمورانش

(۱) حیاة الامام الباقر: ۲ / ۱۸۰.

(۲) یعقوبی: ۳ / ۸.

(۳) مروج الذهب: ۳ / ۲۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۴

دستور داد تا آنان را بازداشت کنند و ایشان را در زمزم بازداشت کردند و به قتل و سوزاندن تهدید کرد و مدت معینی را تعیین کرد و بعضی از اطرافیان محمد بن حنفیه به او پیشنهاد کردند که از مختار حاکم عراق کمک بخواهد و او نامه‌ای به مختار نوشت و جریان بازداشت علویان را به اطلاع او رساند، مختار نیز فوری پاسخ مثبت داد و یک سپاه مخصوص به سرکردگی عبد الله جدلی فرستاد؛ سپاه با شتاب راهی حجاز شد تا به مکه رسید در حالی که پرچمها را برافراشته بودند و فریاد: «یا لثارات الحسین...» برآوردند تا به مسجد الحرام رسیدند، ابن زبیر جلو در زندان علویان هیزم آماده کرده بود و تصمیم داشت تا آنها را بسوزاند، سپاه مختار به زندان حمله بردند و علویان را از آنجا نجات دادند و از محمد بن حنفیه خواستند تا اجازه دهد با ابن زبیر بجنگند، اما او اجازه نداد و چون مؤمنی بزرگوار این سخن را گفت: من حرمت حرم را نمی‌شکنم و نگذاشت با ابن زبیر بجنگند... کثیر بن عبد الرحمن شاعر، درباره نجات محمد بن حنفیه از زندان ابن زبیر چنین می‌گوید:

فمن یر هذا الشیخ بالخیف من منی من الناس یعلم أنه غیر ظالم

سمى النبى المصطفى و ابن عمه و فکاک اغلال و نفاع غارم

أبی فهو لا یشری هدی بضاللة و لا یتقی فی الله لومه لائم

و نحن بحمد الله نتلو کتابه حلولاً بهذا الخیف خیف المحارم

بھیث الحمام آمن الروع ساکن و هیث العدو کالصدیق المسالم

فما فرح الدنیا بباق لأهلها و لا شدة البلوی بضربة لازم

تخبر من لا قیت أنك عائذبل العائد المظلوم فی سجن عارم «۱» - هر که از مردم این پیرمرد بزرگوار را به مسجد خیف در منی ببیند می‌فهمد که او ستمگر نمی‌باشد.

کسی که همنام مصطفی و پسر عموی او و بازکننده غل و زنجیر و سودمند

(۱) الأغانی: ۸ / ۳۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۵

به حال بدهکاران است.

پدرم فدایش باد او هدایت را به ضلالت نمی‌فروشد و در راه خدا از ملامت ملامتگران باکی ندارد.

و ما بحمد الله از هنگامی که به این مسجد- خیف- محل ترس از محرمات وارد شده‌ایم کتاب او را می‌خوانیم.

جایی که کبوتران در امان از ترس ساکنند و جایی که دشمن مانند دوست در مساوات به سر می‌برد.

پس دنیا به بقای اهل دنیا شادمان نیست و هیچ شدت مصیبتی همیشگی نیست.

هر کس را دیدی مطلع می‌سازی که تو پناهنده‌ای بلکه پناهنده آن مظلومی است که در زندان عازم است.

ما اطمینان داریم که اگر زمام امور در دست ابن زبیر بود یک نفر علوی را در روی زمین باقی نمی گذاشت و لیکن خدای تعالی به لطف خویش ریشه سلطنت او را بر کند و بساط پادشاهی او را برچید.

(۱)

### سقوط حکومت ابن زبیر

طبیعی است که - به گفته عبد الملک بن مروان - حکومت ابن زبیر پس از ابتلای به بخل و خودکامگی و خودخواهی، سقوط کند؛ «۱» سپاهیان اموی به سرکردگی خونخوار جانی، حجاج بن یوسف ثقفی به سمت او حرکت کردند و وارد مکه معظمه شدند و ابن زبیر به بیت الله الحرام به امید سلامتی و نجات پناه برد به گمان این که پناهندگی او به بیت الحرام او را از حمایت بیشتری برخوردار خواهد ساخت و کسی به او تجاوز نخواهد کرد در حالی که تصور غلطی بود زیرا که سپاه اموی برای خدا عظمت و برای بیت حرمتی قائل نبودند و شروع کردند به

(۱) حیاة الامام الباقر: ۲/ ۱۸۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۶

پرتاب کردن گلوله‌های آتش بر روی او در حالی که بیشتر یارانش فرار کرده و از حجاج امان می‌خواستند و او امان نمی‌داد تا این که ابن زبیر با اندکی از یارانش ماند، سپاهیان اموی هجوم بردند و سر ابن زبیر را از بدن جدا کردند و حجاج بدن او را کنار مسجد الحرام به دار آویخت و همچنان بر دار باقی ماند و حجاج اجازه دفن آن را نداد تا این که عبد الملک اجازه داد. در اینجا سخن از انقلاب ابن زبیر که هدفی جز تمایلات خاص خود نداشت و بدون هیچ مصلحت‌اندیشی برای امت و یا این که فایده‌ای برای مسلمین داشته باشد، پایان گرفت.

این بود برخی از جنبشهای عمومی که در آن روزگار پدید آمد و همگی زاینده فشارهای سیاسی بود که امت اسلامی در ایام حکومت اموی گرفتار شده بود و هدفشان از بین بردن آرامش و امتیّت و مانع شدن از تسلط آزادگان امت و رجال عقل و اندیشه بود.

(۱)

### حیات اقتصادی

اما حیات اقتصادی در عصر امام زین العابدین علیه السلام بسیار پریشان و بی‌نهایت بی‌سروسامان بود کشاورزی که ستون فقرات اقتصاد عمومی آن زمان را تشکیل می‌داد از هم پاشیده بود و علت آن نیز همان آشوبهای داخلی و مسامحه کاری دولت برای امکانات آبرسانی و مصالح زمین بود از این رو قحطی‌هایی در همه جا پدید آمد که مورخان در کتب تاریخ از آنها یاد کرده‌اند؛ نرخ اجناس بالا رفت بیشتر منازل از کالای مورد نیاز زندگی تهی شد و شکم مردم گرسنه ماند و بدن‌ها برهنه گشت، شاعر اسدی «۱» وضع بد اقتصادی خود و بدبختی و بیچارگی خود را در قصیده‌ای که یکی از بزرگان کوفه را می‌ستاید در حالی که از او می‌خواهد تا مشمول احسان و خیرش نماید، بیان می‌کند، ملاحظه کنید، چه می‌گوید:

(۱) این شاعر به نام ابن عبدل، قصیده را به نام موش و گربه سروده که از رکیک‌ترین قصاید است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۷ یا ابا طلحة الجواد اغثنی بسجال من سبیک المعتموم

أحی نفس - فدتک نفسی - فإنی مفلس، قد علمت ذاک، قدیم

أو تطوع لنا بسلف دقیق أجرة - إن فعلت ذاک - عظیم

قد علمتم - فلا تقاعس عنی - ما قضی الله فی طعام الیتیم

لیس لی غیر جرء و اصیص و کتاب منمنم کالوشوم

و کساء أبعه برغیف قد رقعنا خروقه بأدیم

و أكاف أعارنیه نشیطو لحاف لكل ضیف کریم «۱» ای ابو طلحه جواد مرا به وسیله جنگ و گریز از حمله به تأخیر افتاده خویش یاری کن.

جانم فدایت، انسانی را زنده کن، تو از قدیم می‌دانی که من مفلسم.

و یا با دادن مقداری آرد به قرض، قدم پیش بگذار، اگر این کار را بکنی اجر عظیمی داری.

تو خود می‌دانی - پس شانه خالی مکن - حکم خداوند درباره غذا دادن به یتیم چیست.

من جز یک کوزه و گلدانی و کتاب «منمنم» همانند خالکوبیها چیز دیگری ندارم.

و عبایی دارم که به گرده نانی معامله می‌کنم در حالی که پارگیهای آن را با پوست وصله کرده‌ام.

و من به این قانعم، آن را زنده‌دلی به من عاریه داده است و لحافی دارم که متعلق به هر مهمان بزرگواری است.

این تملق و چاپلوسی را از این شاعر بینوا ملاحظه می‌کنید که چگونه فقر و محرومیت او را بیچاره کرده است؟ گرسنگی او را از پا

درآورده و درخواست می‌کند که این شخص بخشنده با دادن غذایی خواهش او را برآورده سازد تا

(۱) حیاة الحیوان، جاحظ: ۵/ ۲۹۷ - ۲۹۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۸

خودش را زنده نگهدارد و اثاثیه ساده‌ای که داشته و با وجود آن در نهایت بینوایی و محرومیت بوده، نام برده است.

تمام توده‌های مردم مسلمان زندگی فقیرانه‌ای داشتند، گشایش و رفاه را نمی‌شناختند و اقتصاد مردم به جیبهای امویان و

کارگزارانشان انتقال یافته بود.

(۱)

## خوشگذرانی امویان

### اشاره

امویان غرق نعمتها و خوشگذرانیها بودند، جوانانشان در لباسهای خز گران‌قیمت و جامه‌های عرشی بلند می‌خرامیدند، به گونه‌ای

که گویی آنان مسکوکات زر رومی (هرقلی) بودند. «۱» و عمر بن عبد العزیز جامه‌ای که می‌پوشید، چهارصد دینار قیمت داشت و

با این همه می‌گفت: چه قدر خشن است! «۲» هارون بن صالح از پدرش نقل کرده، می‌گوید: ما به لباسشو، پول زیادی می‌دادیم تا

لباسهای ما را به دنبال جامه‌های عمر بن عبد العزیز از باقیمانده زیادی مشککی که در آنها بود، بشوید. «۳» و مروان بن ابان بن عثمان

هفت پیراهن می‌پوشید که گویی درجه درجه است هر کدام کوتاه‌تر از دیگری و بالای همه آنها ردایی عدنی به بهای دو هزار

درهم بر تن داشت. «۴» مورخان مطالب کم نظیر فراوانی از خوشگذرانی و بازیچه قرار دادن اقتصاد و ثروتهای امت را نقل کرده‌اند.

(۲)



## بخشی به شعرا

امویان در بخشش خود به شعرا افراط می‌کردند و بخشش زیادی به یکی از شعرای دربار به نام احوص داشتند، یک بار، صد هزار درهم به او دادند «۵» و مرتبه

(۱) الاغانی، چاپ دار الکتب: ۳۱۰ / ۱.

(۲) طبقات ابن سعد: ۲۴۶ / ۵.

(۳) الأغانی: ۲۶۲ / ۹.

(۴) الأغانی: ۸۹ / ۱۷.

(۵) الأغانی: ۱۷۲ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۶۹۹

دیگر ده هزار دینار بخشیدند، «۱» او خود در اشعارش اشاره دارد که ثروت فراوان خود را از راه تجارت و یا میراث به دست نیاورده بلکه از راه بخششها و عطایای امویان گرد آورده است، می‌گوید:

و ما کان مالی طارفا من تجارۀ و ما کان میراثا من المال متلدا

و لکن عطایا من امام مبارک ملا الأرض معروفاً وجوداً و سؤددا «۲» - مال و ثروت من از راه تجارت و میراث بازمانده نمی‌باشد، بلکه بخششهایی است از جانب رهبر با برکت که زمین را خوبی جود و آقایی او پر کرده است.

و احوص در مدح ولید بن عبد الملک می‌گوید:

امام آتاه الملک عفوا و لم یثب علی ملکه مالا حراما و لا دما

تخیره رب العباد لخلقہ ولیا و کان اللہ بالناس اعلما

فلما ارتضاه اللہ لم یدع مسلما لیبعتہ إلا أجاب و سلما

ینال الغنی و العز من نال ودهو یرهب موتا عاجلا من تشأما

و أن بکفیه مفاتیح رحمۀ و غیث حیا یحی به الناس مرهما «۳» - رهبری که پادشاهی با عفو و گذشت به دست او آمده، مال حرام و خون کسی به سلطنت او نرسیده است.

او را پروردگار بندگان به سرپرستی خلق خود برگزیده و خداوند به حال بندگان داناتر است.

و چون خدا او را پسندیده بدین جهت هیچ مسلمانی برای بیعت با او دعوت نشد مگر جواب داد و تسلیم شد.

هر که به مقام دوستی او برسد، به ثروت و عزت می‌رسد و کسی که از او رو بتابد به مرگ فوری دچار می‌شود.

(۱-۲) الأغانی: ۸ / ۹.

(۳) الأغانی: ۲۹ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۰

زیرا کلیدهای رحمت و باران حیات به دست اوست، مردم بدان وسیله به زندگی مرفّهی می‌رسند.

معنای آخرین ابیات این شعر آن است که هر که با ولید مربوط شود و به دربار او پیوندد و از کارگزاران او باشد به توانگری و ثروت زیادی می‌رسد و اما آن که از وی رو برتابد به مرگ فوری دچار می‌شود، طبیعی است که این اوصاف یک حکومت

خود کامه است که در پی هوا و هوسهای خود می‌رود و مقید به قانون نیست.

(۱)

### بخشش به آواز خوانان

امویان بخشش زیادی به آواز خوانان می‌کردند، از جمله ولید بن یزید به آواز خوانی به نام معبد دوازده هزار دینار داد. «۱» و او تمام آواز خوانان حجاز را جمع کرد و به همگی جایزه فراوانی داد. «۲» و معبد، مالک بن ابی‌المسیح و ابن عایشه نزد یزید بن عبد الملک رفتند و او به هر کدام از آنها هزار دینار داد. «۳» ولید، مغنی یونس کاتب را طلبید و او نزد ولید رفت و برای او آواز خواند، ولید خوشش آمد سه هزار دینار جایزه داد. «۴»

ثروتهای جامعه اسلامی این چنین بین آواز خوانان و دلکها و هرزه گرایان تقسیم می‌شد در زمانی که فقر و بیچارگی گلوی مردم کشور را می‌فشرده و اقتصاد اسلامی هیچ اثری در واقعیت زندگی توده مردم نداشت.

(۲)

### هوسرانی

هوسرانی، هرزگی و بی‌بندباری در بسیاری از نواحی جهان اسلام،

(۱) الأغانی: ۱/ ۵۵.

(۲) الأغانی: ۵/ ۱۱۱.

(۳) الأغانی: ۴/ ۰.

(۴) الأغانی: ۴/ ۴۰۰.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۱

بخصوص در اماکن مقدسه نظیر مدینه منوره و مکه مکرمه سایه گستر شد، و حکومت اموی به اشاعه هوسرانی همت گمارد تا هیبت آن دو شهر مقدس را از دل مسلمانان ببرد، ما به اختصار راجع به هوسرانی و بی‌بندباری در مدینه منوره سخن می‌گوییم.

(۱)

### آواز خوانی

در مدینه منوره آواز خوانی به قدری شایع شد که به صورت مرکز غنا درآمد، ابو الفرج می‌گوید: آواز خوانی در مدینه چنان معمول بود که دانشمندان بد نمی‌دانستند و عابدان مانع نمی‌شدند. «۱» ابو یوسف به یکی از مردم مدینه می‌گوید:

جریان شما مردم مدینه چه قدر درباره این آواز خوانیها شگفت آور است! نه بزرگ و نه کوچک، هیچ کس از آن پرهیز ندارد. «۲» وقتی که از آن دره آب روان بود، آواز خوانان شروع به آواز خوانی می‌کردند، در مدینه، کسی در خفا نمی‌ماند؛ نه دختران و پسران جوان و نه سالخوردگان مگر این که بیرون می‌آمدند و به آواز خوانی گوش فرا می‌دادند «۳» و از جمله مطالب شیرینی که نقل شده این است که عبد العزیز مخزومی قاضی مدینه شهادت دحمان آواز خوان مشهور را که به نفع مردی از اهل مدینه و به زیان مردی از اهل عراق شهادت داد، قبول کرد و او را عادل دانست، آن مرد عراقی گفت: او آواز می‌خواند و کنیزکان را

آوازه‌خوانی می‌آموزد؟ قاضی گفت: خدا ما و شما را بیامرزد، کدام یک از ما آواز نمی‌خوانیم!! «۴» فقیه مدینه؛ مالک بن انس شناخت کاملی نسبت به آوازه‌خوانی داشت، حسین بن دحمان اشقر نقل کرده، می‌گوید: من در مدینه بودم، روزی به هنگام

(۱) الأغانی: ۸ / ۲۲۴.

(۲) عقد الفرید: ۳ / ۲۳۳.

(۳) عقد الفرید: ۳ / ۲۴۵.

(۴) الأغانی: ۶ / ۲۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۲

ظهر همین طور راه می‌رفتم، شروع کردم به آواز خواندن و این شعر را می‌خواندم:

ما بال اهلک یا رباب خزرا کأنهم غضاب چه شده است کسان تو را ای رباب که به گوشه چشم نگاه می‌کنند، گویی خشمگینند؟! (۱) می‌گوید: ناگاه پنجره‌ای باز شد، و صورتی پدیدار گردید که ریش قرمزی داشت و گفت: ای فاسق! بد ادا کردی و جلو گوینده اصلی را گرفتی و رسوایی را شایع کردی، آنگاه شروع کرد به آواز خواندن، من گمان کردم که نواری را عینا باز کرده است، گفتم: خدا تو را تندرست بدارد! این آوازه‌خوانی برای شما از کجاست؟ گفت: من پسر بچه‌ای بودم، به دنبال آوازه‌خوانان می‌رفتم و از آنها چیزی یاد می‌گرفتم، تا این که مادرم گفت: آوازه‌خوان اگر بدقیافه باشد کسی به آوازخوانی او گوش نمی‌دهد چون صورت زیبایی نداری پس این کار را ترک کن و به دنبال علم فقه برو، زیرا که فقاقت با بدی قیافه ضرری ندارد، این بود که من آوازه‌خوانان را ترک گفتم، و به دنبال فقها رفتم. گفتم: فدایت شوم، دوباره بخوان، گفت: نه، این کار خوبی نیست، تو می‌خواهی که بگویی که آوازه‌خوانی را از مالک بن انس آموخته‌ام! آنگاه فهمیدم که او مالک بن انس است در حالی که قبلا نمی‌دانستم. «۱» چه این روایت درست باشد یا نادرست که مخالفان امام مالک آن را برای کاستن از مقام وی جعل کرده باشند، تردیدی نیست که مدینه مؤثره در آن زمان مرکز غنا در جهان اسلام و دانشکده مخصوص آموزش غنا به کنیزکان بوده است. (۲)

### مجالس غنا و رقص

در مدینه مجالس غنا و رقص برپا می‌شد و چه بسا زنان و مردان با یکدیگر بودند و هیچ پرده‌ای نیز در میان نبود. «۲» ابو الفرج می‌گوید: روزی زن

(۱) الأغانی: ۴ / ۲۲۲.

(۲) الشعر و الغنا فی المدینة و مکة: ص ۲۵۰.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۳

زیبارویی نشسته بود و سرپوش بلندی بر سر داشت و اطرافیان او نیز کلاهی کوتاه‌تر از او بر سر داشتند سپس او از جا بلند شد و رقصید و عود می‌نواخت در حالی که همان کلاه بلند را بر سر و یک برد یمانی بر دوش داشت و دیگران نیز مثل او را داشتند این سریخ از جا بلند شد و رقصید، معبد، غریدی، ابن عایشه و مالک نیز می‌رقصیدند و در دست ابن عایشه و مالک عودی بود که به آهنگ و رقص همان زن زیبارو می‌زدند پس او آواز خواند و این افراد به آهنگ او آواز خواندند، سپس جامه رنگینی خواست و برای آن افراد نیز نظیر همان جامه را طلبید، همگی لباس رنگی پوشیدند او به راه افتاد و آنها نیز به دنبالش به راه افتادند، او آواز

خوانند و آنها به آهنگ آواز او، یک صدا آواز خواندند. «۱» عایشه دختر طلحه، مجالس مختلط از مردان و زنان برپا می‌کرد و در آن مجالس با فخر و مباهات آواز می‌خواند. «۲»

(۱)

### مردم مدینه تحت تأثیر غنا قرار گرفتند

مردم مدینه پس از استیلا و تسلط غنا بر احساسات و عواطفشان، تحت تأثیر آن قرار گرفتند، راویان از قاضی مدینه محمد بن عمران تیمی نقل کرده‌اند که به کنیزی که در نزد وی آواز می‌خواند، گوش می‌داد و چنان تحت تأثیر آن قرار گرفت که بدون توجه به کفش، آن را از شدت شادی به گوش خود آویخت، شروع کرد چهار دست و پا راه رفتن و کنار گوشش را در حالی کفش آویزان بود با دست گرفته بود، می‌گفت مرا راهنمایی کنید که من یک شتر فریه هستم! راه مرا باز کنید که من شتر فریه‌م. «۳»

ابن ابی ربیع صدای آواز جمیله را شنید، یقه پیراهنش را تا پایین پاره کرد و بدون این که بفهمد آن را به صورت قبایی درآورد، «۴» کار مردم از شدت تأثر

(۱) الأغانی: ۲۲۷/۸.

(۲) الأغانی: ۵۷/۱۰.

(۳) الأغانی: ۳۳۱/۷.

(۴) الأغانی: ۲۰۶/۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۴

و تمایل به غنا بدان جا رسید که یزید بن عبد الملک وقتی که آن کنیز آوازخوان (سلامة القس) را از اربابش به بیست هزار دینار خرید، مردم مدینه برای خداحافظی او بیرون رفتند و فضای کاخ را پر کردند و آن کنیز در وسط آنها ایستاد و برای ایشان آوازخوانی کرد:

فارقونی وقد علمت یقینا ما لمن ذاق میتة من إياب - از من جدا شوید در حالی که من یقین دارم که هر کس طعم مرگ چشید دیگر بر نمی‌گردد.

و همچنان این آواز را می‌خواند در حالی که مردم پشت سر او گریه و زاری می‌کردند! «۱» یزید بن عبد الملک حبابه را خریداری کرد و او در نزد عبد الملک آواز می‌خواند و در کنار وی مرد فروشنده‌ای که از اهل مدینه بود نشسته بود، ریش خود را جلو شمع گرفته بود و سوخت در حالی که از شدت خوش حالی به عمل خود توجه نداشت. «۲» مورخان داستانهای کم نظیر فراوانی از زیادی تأثر مردم مدینه از آوازه‌خوانی نقل کرده‌اند.

(۱)

### زنان آوازه‌خوان در مدینه

مدینه پر از زنان آوازه‌خوان شده بود، و آنها نقش فعالی در آموزش غنا به دختران و پسران و گسترش آوازه‌خوانی و اشاعه بی‌بندوباری و فساد داشتند و بحق جای تأسف است که مدینه پیامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - در عصر اموی مرکز خوشگذرانی شده بود، در صورتی که امید می‌رفت که مرکز تمدن و فرهنگ دینی و منبع انتشار تفکر و تمدن در جهان عرب و اسلام باشد، جز این

که امویان این پدیده را از بین بردند و مرکزیت دینی و سیاسی آن را نابود ساختند.

(۱) الأغانی: ۸ / ۳۴۳.

(۲) الأغانی: ۶ / ۳۱۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۵

(۱)

### هرزه‌گرایی امویان

پادشاهان اموی، سراسر زندگیشان خوشگذرانی، بیهودگی و فسق و فجور بود، شب‌زنده‌داریهای آنها پر از باده‌گساری و آواز و رقص بود و نخستین کسی که پی آوازه‌خوانی رفت و از میان بنی امیه آوازه‌خوانها را جمع کرد یزید بن معاویه بود که همه را از مدینه طلبید «۱» و او به فسق و فجور تظاهر می‌کرد و علنی باده‌گساری می‌نمود.

از جمله خوشگذرانهای بنی امیه، ولید بن یزید است که ابن عایشه آوازه‌خوان را طلبید روزی او آواز خواند و چنان از آواز او به نشاط آمد که گفت:

احسنت به خدا قسم ای فرمانروای من! سپس جامه‌اش را درآورد و روی او انداخت و خود برهنه ماند تا وقتی که جامه دیگری آوردند و هزار دینار به او بخشید و بر استری سوارش کرد و گفت: پدرم فدایت سوار استر شو و برگرد در حالی که از حرارت آوازت مرا چون دیگک جوشان وا گذاشتی. «۲»

(۲) ولید، آوازخوانی به نام «عطرده» را طلبید و چون یک دهن آواز او را شنید، چنان تحت تأثیر قرار گرفت لباس گلدوزی‌شده‌ای را که در تن داشت پاره کرد و خودش را در حوضی از شراب انداخت، و همچنان داخل حوض بود تا این که از مستی او را بمانند مرده‌ای بدر آوردند و چون به هوش آمد به عطرده گفت:

گویا تو را می‌دیدم که وارد مدینه شده‌ای و در مجالس آنجا نشست و برخاست می‌کنی و می‌گویی: امیر المؤمنین مرا طلبید و من بر او وارد شدم و او پیشنهاد کرد آواز بخوانم، خواندم و او را به نشاط آوردم و او جامه‌اش را پاره کرد! در حالی که این کار را کرده بود. به خدا سوگند که اگر از آنچه اتفاق افتاد حرفی از دهانت بیرون بیاید گردنت را می‌زنم، سپس هزار دینار به او عطا کرد و او هزار دینار را گرفت و به مدینه باز گردید. «۳»

(۱-۲) الأغانی: ۸ / ۳۲۴.

(۳) الأغانی: ۲ / ۲۲۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۶

از جمله موارد خوشگذرانی یزید بن عبد الملک این بود که روزی ابن عایشه را طلبید، همین که حضور یافت دستور داد آواز بخواند، او یک دهن خواند ولید در حال طرب خدا را انکار کرد و ملحد گشت و به ساقی خود گفت: ما را بحق آسمان چهارم شراب ده. «۱»

این پادشاهان در همه جای جهان اسلام بخصوص در مدینه، فسق و فجور را شایع کردند و این کار را به منظور پایان دادن بر قداست مدینه و موقعیتی که در دل‌های مسلمین داشت انجام می‌دادند.

(۱)

## موضع امام

موضع امام زین العابدین علیه السلام در برابر این جریانهای فاسد ویرانگر اخلاق از یک صلابت و قوتی برخوردار بود، و شعاعهایی از روح مقدس آن بزرگوار بر این اوضاع سایه افکننده بود اشعه‌ای که صحیفه سجادیه با نفوذ در اعماق جانها حکایت از آنها دارد، و تمام اینها به دلیل اشمال صحیفه بر موعظه و ارشاد و درسهای اخلاقی است که بیانگر ارزشهای اسلامی و هدایت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

براستی صحیفه سجادیه که در حقیقت انجیل آل محمد- صلی الله علیه و آله- است به صورت سد برازنده و استواری برای حمایت از اسلام و پاسداری آن از این بی‌بندوباری جاهلیت که حکومت اموی به وجود آورده بود، ایستاد و آنچه را که باعث انحطاط فکری و اجتماعی امت بود به وی یادآور شد و امت اسلامی را به آزادی و نجات از ذلت معصیت و رسیدن به عزت طاعت خداوند آفریدگار جهان و هستی بخش دعوت کرد.

(۱) مروج الذهب: ۹/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۷

علاوه بر صحیفه سجادیه هدایت و سیره امام علیه السلام که حکایت از سیره جدش رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- داشت، مردم را به هدایت می‌خواند و گمراهان را ارشاد می‌نمود و سرگشتگان را به راه راست رهنمود بود.

(۱)

## حیات علمی

اما حیات علمی در عصر امام علیه السلام به معنای واقعی خود، از بین رفته بود، زیرا خط سیاسی که دولت اموی از آغاز تأسیس خود ترسیم می‌کرد، ضد دانش و محو اندیشه فرهنگی از میان مسلمین و واژگون ساختن ایشان در دره هولناک جهل و نادانی بود زیرا تبلور شعور عمومی و گسترش علم و دانش در میان مسلمین، مصالح آنان و سلطنت و حکومتی را که بر پایه‌های جهل استوار بود، به خطر می‌انداخت امام زین العابدین علیه السلام شاهد مصیبت امت و خطراتی بود که وجود و کیان هستی آنان را ویران می‌ساخت این بود که مشعل دانش را برافراشت و جوانهای امت را دعوت کرد تا از قید و بندهای جهل آزاد شوند.

براستی امام زین العابدین علیه السلام افقهای درخشانی از دانش را گشود که پیش از آن مردم از آنها آگاهی نداشتند، مطالبی از علوم شریعت اسلامی از قبیل حدیث، فقه، تفسیر، کلام و فلسفه را عرضه کرد، بعضی از نویسندگان شرح حال آن حضرت می‌گویند: دانشمندان مطالب علمی بی‌شماری را از آن بزرگوار روایت کرده‌اند.

(۲)

## مدرسه تابعین

در عصر امام علیه السلام، مدرسه تابعین، نخستین مدرسه اسلامی پس از مدرسه ائمه اهل بیت علیهم السلام در مدینه برپا شد و این مؤسسه توجه خاصی به علوم شریعت اسلامی داشت و از محدوده آن تجاوز نمی‌کرد. اعضای این مؤسسه عبارت بودند از: سعید بن مسیب، عروه بن زبیر، قاسم بن محمد بن ابی بکر، ابو بکر بن عبد الرحمن بن حارث بن هشام، سلیمان بن یسار، عبید الله بن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۸

عَبْتَةُ بن مسعود و خارجه بن زید. شاعری درباره ایشان می‌گوید:

إذا قيل من في العلم سبعة أبحرروايتهم ليست عن العلم خارجه

فقل: هم عبید الله عروه قاسم سعید أبو بكر سليمان خارجه - هرگاه پرسند که چه کسانی مصداق هفت دریای علم می‌باشند و روایت آنان بیرون از علم و آگاهی نیست.

بگو: ایشان عبارتند از: عبید الله، عروه، قاسم و سعید، أبو بكر، سليمان و خارجه.

و شاعر دیگری می‌گوید:

ألا كل من لا يقتدى بأئمة فقسمة ضيزى عن العلم خارجه

فحدهم: عبید الله، عروه، قاسم سعید، سليمان، أبو بكر، خارجه «۱» - بدان که هر کس از ائمه اهل بیت علیهم السلام پیروی نکند، بهره او از علم بسیار اندک و ناچیز است نمونه آنها که پیروی کردند عبارتند از: عبید الله، عروه، قاسم، سعید، سليمان، أبو بكر و خارجه.

شایان ذکر است که بعضی از این دانشمندان از کسانی بودند که نزد امام زین العابدین علیه السلام شاگردی کرده و از او حدیث و فقه آموخته بودند؛ بخصوص سعید بن مسیب که یکی از راویان حدیث آن حضرت و از ملازمان او بود؛ بسیاری از مسائل حلال و حرام را از او آموخت. «۲» به هر حال حیات علمی در عصر امام علیه السلام شبه معدوم بود، مسلمانان در عوض آن سرگرم احزاب سیاسی بودند که به نوعی بر حکومت اموی و دست یازیدن به خیرات کشور کمک می‌کرد.

(۱)

## حیات ادبی

اما طبیعت مخصوص و ویژگیهای حیات ادبی همان است که شعرای آن زمان در شعر خود بیان می‌کنند؛ آن هم متأسفانه هیچ مشکلی از مشکلات آن

(۱) ابو الفداء.

(۲) حیاة الامام محمد الباقر: ۲ / ۱۳۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۰۹

دوره را با وجود مشکلات فراوانش تجسم نمی‌بخشد، همان گونه که در بخش حیات عقلی و ادبی چیزی را بروشنی بیان نمی‌کند، و تنها شعر قبیله‌ای و در محدوده تعصبات مخصوص می‌باشد؛ هر شاعری امتیازات قبیله خویش از مهمان‌نوازی، شجاعت، ثروت و افراد زیاد و دیگر افتخارات را می‌ستاید، همچنان که بازاری است از هجو، ناهنجاری و القاب بد به یکدیگر دادن و هر وسیله تخریب دیگر، و این مطلب به صورت روشنی در شعر فرزددق و جریر خودنمایی کرده است به نحوی که می‌بینیم بیشتر اشعار آنان، در هجو و دشنام و نسبت ناروا به یکدیگر است، تا آنجا که در کتاب لغت، کلمه هجو و دشنامی نمانده مگر این که در هجو هر یک به دیگری، به رشته نظم در آمده است و اگر این دلیل بر چیزی باشد، یقین دلیل آن است که حیات جاهلیت اولیه که اسلام با آن مبارزه کرد با تمام چهره پلیدش در ایام حکومت اموی دوباره برگشته است ... و شاعر بزرگ اسلام کمیت اسدی نیز از این فرصت استفاده کرده و اوصاف قبیله خود (مضریها) و فضیلت ایشان را بر قحطانیها، سروده و بدان وسیله فتنه و آشوب میان قبایل را برانگیخته است، که خود می‌تواند یکی از عوامل اصلی در نابودسازی حکومت اموی به شمار آید. اکنون به اشعار وی در ستایش قبیله خود و هجو قحطانیان گوش فرا دهید:

لنا قمر السماء و كل نجم تشير إليه أيدي المهتدين  
 وجدت الله إذ سمى نزارا و أسكنهم بمكة قاطنينا  
 لنا جعل المكارم خالصات و للناس القفا و لنا الجبينا  
 و ما خرجت هجائن من نزار فوالح من فحول الأعجمينا  
 و ما حملوا الحمير على عتاق مطهمة فيلفوا مبعلينا  
 و ما ولدت بنات بنى نزار حلائل أسودين و أحمرينا  
 بنى الاعمام أنكحنا الايامى و بالآباء سمينا البنينا «۱»

(۱) مروج الذهب: ۱۹۶/۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۰

(۱) - ماه آسمان و هر ستاره که دست راهجویان بدان اشاره می‌کند، از ماست.

خداوند وقتی که نزار را، نزار نامید و آنها را در مکه سکونت داد.

همه صفات نیک و بزرگیها را مخصوص ما کرد، پشت سر از مردم و پیشانی از ماست.

شتران عجمی به دو رگه‌های نزار نرسیده و خران را با اسبها در نیامیخته‌اند.

و زنان بنی نزار با آن بزرگی و شرف همسران سیاه و سرخ نداشته‌اند.

پسر عموها با زنان آزاده ازدواج کرده‌اند و ما پسران به نام پدران خود نامیده شده‌ایم.

(۲) کمیت اسدی با این اشعار خود بر قحطانیان افتخار کرده و به قوم خود، ماه آسمان و هر ستاره درخشان یعنی رجال خودشان را نسبت داده و آنان را به صفات پسندیده و خصلت‌های نیک اختصاص داده است اما دشمنان قبیله خود یعنی قحطانیها را نکوهش کرده است بر این که دختران خود را به سیاهان و غیر عرب تزویج می‌کنند و در نتیجه سیاه و سرخ می‌زایند و این نژاد نظیر آمیزش خران با اسبان ماده است که نتیجه‌اش استران است ...

این هجوگویی کینه قحطانیان را برانگیخت و آتش آشوب و دشمنی را میان آنان و مضریه‌ها مشتعل ساخت و از آن طرف شاعر عقیده و ایمان، دعبل خزاعی بر رد کمیت شتافت و قوم خود، قحطانیان را ستود و قصیده دعبل بالغ بر ششصد بیت است که از جمله چنین آمده است:

أ فیقی من ملامک یا طعینا کفاک اللوم مر الاربعینا  
 ألم تحزنک أحداث اللیالی یشین الذوائب و القرونا  
 أ حیی الغرّ من سروات قومی لقد حییت عنایا مدینا  
 فإن یک آل اسرائیل منکم و کنتم بالأعاجم فاخرینا  
 فلا تنس الخنازیر اللواتی مسخن مع القرود الخاصینا

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۱ بآیله و الخلیج لهم رسوم و آثار قد من و ما محینا

و ما طلب الکمیت طلاب و ترو لکنا لنصرتنا هجینا

لقد علمت نزار أن قومی إلى نصر النبوة فاخرینا (۱) - ای زن از ملامت و سرزنش ما خودداری کن چهل سال تو را ملامتگری بس است.

آیا حوادث شبها که موها را سپید می‌کند تو را غمگین نساخته است؟! من به پسران و بزرگان قوم خود درود می‌فرستم، ای مدینه از



ما به تو درود باد! اگر آل اسرائیل از شماسست و به مردم عجم (غیر عرب) بر ما افتخار می‌کنند. خوکهایی را که با میمونهای پست و زیانکار مسخ شده‌اند، از یاد مبر که هنوز در ایله و خلیج نشانه‌ها و آثار آن هست و از بین نرفته‌اند.

کمیت از ما انتقام نمی‌خواهد، بلکه به سبب نصرتی که کرده‌ایم، ما را هجو می‌کند. نزاریان بخوبی می‌دانند که قوم من (قحطانیان) به یاری مقام نبوت افتخار داریم. مورخان می‌گویند: فخرفروشی نزاریها بر یمنی‌ها و افتخار کردن یمنی‌ها بر نزاریها به قدری ادامه یافت تا آنجا که باعث خرابی دیار شد و عصبیت در شهر و صحرا بالا گرفت. (۱)

به هر حال طبیعت حاکم بر ادبیات و شعر در عصر اموی فخرفروشی گروهها بر یکدیگر و نام و لقب زشت و مسخره بر هم نهادن بود و هیچ گونه راستی و آزاداندیشی در حیات فکری آن زمان وجود نداشت، همان گونه که هیچ دعوت به نیکی و فضیلت هم در کار نبود. بلکه به پستی و عقب‌ماندگی فرا می‌خواندند ... در اینجا سخن ما راجع به عصر امام علیه السلام پایان می‌پذیرد.

(۱) مروج الذهب: ۱۹۷/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۳

### به بهشت برین

#### اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۵

(۱)

### به بهشت برین

هر چه عمر امام زین العابدین علیه السلام زیاد می‌شد، بر ضعف و پژمردگی آن حضرت افزوده می‌شد، و خود را سخت به زحمت می‌انداخت، و نفس خود را از عبادت زیاد و طاعت فراوان تحت فشار قرار می‌داد، و آن گونه که همه مورخان وحدت نظر دارند، امام علیه السلام بیشتر اوقات زندگی خود را روزها به روزه‌داری و شب را به نماز و قیام گذراند و در عین حال خاطرات تلخ کربلا و آنچه از گرفتاریها و مصائب بر سر پدر و خاندانش آمده بود ذهن او را به خود مشغول می‌داشت و هر گاه به عمه‌ها و خواهرانش می‌نگریست، به یاد می‌آورد که در روز عاشورا از خیمه‌ای به خیمه‌ای فرار می‌کردند، در حالی که منادی قوم مخالف صدا می‌زد؛ خانه‌های ستمگران! را بسوزانید دلش پردرد و غم می‌شد و قلبش را می‌فشرد و طبیعی است که همه اینها اثر وضعی بر سلامتی آن حضرت داشتند که این رنجها و ناراحتیها بدن او را آب کرده بود.

به هر حال ما در آخرین بخش این کتاب قرار داریم و به مرحله آخر زندگانی امام علیه السلام و رویدادها را که آن مرحله همراه داشت اشاره می‌کنیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۶

(۱)

### زهر دادن به امام

امام علیه السلام از ویژگیهای مهمی برخوردار بود، مردم از علم، فقه و عبادت آن حضرت با اعجاب سخن می‌گفتند و در انجمنها از صبر و استقامت و سایر ملکات او با شگفتی گفتگو می‌شد، امام علیه السلام در دلها و عواطف مردم جا گرفته بود؛ خوشبخت کسی بود که او را دیده باشد و کسی که به حضور او شرفیاب شده و سخن او را شنیده باشد. و این وضع بر امویان دشوار بود و آنها را می‌رنجاند و از همه کس بیشتر ولید بن عبد الملک کینه او را در دل داشت، زهری نقل کرده، می‌گوید: ولید می‌گفت: «من تا وقتی که علی بن حسین در دار دنیا وجود دارد راحت نیستم»، «۱» این ناپاک پلید موقعی که زمام سلطنت و پادشاهی به دستش افتاد، تصمیم گرفت تا امام علیه السلام را مسموم کند، این بود که زهر کشنده‌ای را برای کارگزارش به مدینه فرستاد و به او دستور داد تا آن را به امام علیه السلام بخوراند، «۲» و آن نانجیب نیز دستور او را عملی کرد، زهر در بدن امام کارگر افتاد و همچنان سخت‌ترین درد و رنجها را می‌کشید و چند روزی در بستر بیماری افتاد و شکایتش را به خدا می‌کرد و برای خدا از خداوند مغفرت و رضوان می‌طلبد و مردم دسته دسته به عیادت آن حضرت می‌آمدند در حالی که او حمد و سپاس خدا را می‌گفت و بهترین ثنای الهی را به خاطر آن که شهادت را به دست بدترین خلق، نصیب او کرده است بر زبان می‌راند.

(۲)

### تصریح بر امامت امام باقر

امام زین العابدین علیه السلام بر امامت فرزندش امام باقر علیه السلام که پیشاهنگ حرکت علمی و فرهنگی در اسلام بود وصیت کرد، زهری می‌گوید: به

(۱) حیاة الامام لباقر: ۱ / ۵۱.

(۲) الاتحاف بحب الاشراف: ص ۵۲، الصواعق المحرقة: ص ۵۳.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۷

قصد عیادت به خدمت آن حضرت رسیدم، عرض کردم:

«اگر فرمان الهی که حتمی است در رسد، پس از شما به نزد چه کسی - برای رفع مشکلاتمان - رفت و آمد کنیم؟» امام علیه السلام نظر محبت آمیزی کرد و فرمود:

«به سوی این پسر - در حالی که به پسرش محمد باقر اشاره می‌کرد - که او وصی و وارث من و صندوق علم من و معدن حلم و شکافنده علم و دانش است.»

(۱) زهری می‌گوید: عرض کردم «چرا بزرگترین فرزندان را وصی خود قرار ندادید؟» زهری به امر امامت توجه نداشت و نمی‌دانست که او به هیچ وجه به عرفیات قبیله‌ای مربوط نمی‌شود، امام علیه السلام در رد سخن او فرمود:

«ای بنده خدا امامت به بزرگی و کوچکی نیست، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - این گونه با ما سفارش کرده و در لوح و صحیفه این گونه نوشته یافتیم ...»

زهری توضیح بیشتری خواست و عرض کرد:

«یا بن رسول الله! پیامبر به شما عهد و پیمان نهاده است که پس از وی اوصیای او باشید؟» امام علیه السلام فرمود:

«وجدنا فی الصحیفه و اللوح اثنی عشر اسما مكتوبه فی اللوح امامتهم و اسماء آبائهم و أمهاتهم، ثم قال: و یخرج من صلب محمد ابنی سبعة من الأوصیاء منهم المهدی ...» «۱»

«در صحیفه و لوح نام دوازده تن را یافتیم که امامت ایشان و نام پدران و

(۱) کفایه الاثر، خزّاز، اثبات الهداء: ۵/ ۲۶۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۸

مادرانشان نوشته شده بود. سپس فرمود: از صلب پسر محمد، هفت تن از اوصیاء بیرون می‌آیند که مهدی از جمله آنهاست.»  
جمعی از شیعیان آن حضرت برای عیادت شرفیاب شدند، امام علیه السلام ایشان را به امامت فرزندش امام محمد باقر علیه السلام راهنمایی کرد و دستور داد به او رجوع کنند و آن زنبیل و صندوقی را که در آن موارث پیامبران علیهم السلام و سلاح و نامه‌های رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بود به آن حضرت بدهند. «۱»  
(۱)

### وصایای امام به پسرش باقر العلوم

امام زین العابدین علیه السلام وصایای خود را به پسرش امام محمد باقر علیه السلام فرمود، از آن جمله وصیتهایی به شرح ذیل نمود:

۱- امام علیه السلام درباره شتر خویش سفارش کرد و فرمود:

«إني حججت على ناقتي هذه عشرين حجة لم أقرعها بسوط، فإذا نفقت فادفنها، لا تأكل لحمها السباع، فإن رسول الله (ص) قال: ما من بعير يوقف عليه موقف عرفه سبع حجج إلا جعله الله من نعم الجنة، وبارك في نسله.» «۲»  
«من با این شتر بیست سفر برای انجام مناسک حج رفته‌ام و به او تازیانه‌ای نزده‌ام، وقتی که مرد، جسد او را زیر خاک دفن کرد تا گوشت او را درندگان نخورند زیرا که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود: هیچ شتری نیست که هفت سفر حج در موقف عرفه نگهدارند مگر آن که خداوند او را از نعمتهای بهشتی قرار داده و نسل او را مبارک گرداند.»

(۱) بصائر الدرجات: ص ۱۴۶، اثبات الهداء: ۵/ ۲۶۸.

(۲) محاسن برقی: ۲/ ۶۳۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۱۹

امام باقر علیه السلام، این دستور پدر بزرگوارش را اجرا کرد.

۲- امام سجاد علیه السلام، این وصیت گرانقدر را که بیانگر جنبه‌های درخشان و جوانب مختلفی از اوصاف نورانی اهل بیت علیهم السلام است به فرزندش امام محمد باقر علیه السلام کرده می‌فرماید:

«يا بني أوصيك بما أوصاني بي أبي حين حضرته الوفاة، فقد قال لي: يا بني إياك و ظلم من لا يجد عليك ناصرا إلا الله.» «۱»  
«پسر من تو را وصیت می‌کنم به آن چه پدرم در هنگام شهادتش به من وصیت کرد، پدرم به من فرمود: پسر من زنهار ستم مکن بر کسی که در مقابل تو یار و یاورى جز خدا ندارد...»

۳- به فرزندش امام باقر علیه السلام وصیت کرد که خود بدن آن حضرت را غسل دهد و کفن کند «۲» و سایر تجهیزات مربوطه را شخصا عهده‌دار شود تا آن که در آرامگاه ابدیش دفن نماید.

(۱)

حال امام علیه السلام سنگین شد و بیماریش شدت یافت و شاهد درد و رنج طاقت‌فرسا بود زیرا که زهر در سراسر اعضای بدن آن حضرت کارگر افتاده بود و امام علیه السلام به اعضای خاندانش فرمود که در دل تاریکی شب به فردوس اعلا منتقل خواهد شد؛ سه مرتبه از حال رفت، پس از آن وقتی که به خود آمد، سوره فاتحه و سوره اِنَّا فَتَحْنَا رَأْسَ الْقُرْآنِ کرد، سپس فرمود:

«سپاس خدای را که وعده‌اش را درباره ما عملی ساخته و ما را وارث بهشت قرار داده و در هر جای آن بخواهیم جا می‌گیریم و چه نیکوست مزد کسانی که عمل صالح انجام داده‌اند.» (۳)

(۱) امالی: ص ۱۶۱، خصال: ص ۱۸۵.

(۲) خرائج: ص ۲۰.

(۳) روضه کافی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۲۰

روح بزرگ آن حضرت آن چنان به جانب پروردگار بالا رفت آنجا که ارواح انبیا و مرسلین می‌رود؛ فرشتگان الهی و الطاف و تحیات پروردگار با تجلیل و احترام در میان گرفته‌اند. البته آن روح با عظمت پس از آن که کران تا کران این دنیا را با علوم و عبادات و دوری از هر نوع انگیزه هوا و هوس روشن کرد به عالم بالا شتافت.

(۱)

### تجهیز پیکر امام

امام ابو جعفر باقر علیه السلام به تجهیز پیکر مقدس پدر بزرگوارش اقدام نمود، جسد پاک آن حضرت را غسل داد، در حالی که مردم مواضع سجده او را دیدند که در اثر سجده زیاد برای خدای تعالی همچون زانوی شتر، (پینه بسته) و به شانه آن حضرت نگرستند گویی که زانوی شتر است! از امام باقر علیه السلام از علت آن پرسیدند، فرمود: اثر انبانی است که روی شانه‌اش حمل می‌کرد و داخل آن مواد خوراکی می‌گذاشت و آن را بین فقرا و محرومان تقسیم می‌نمود. (۱)

امام باقر علیه السلام پس از فراغ از غسل، پیکر مقدس پدر را در کفن پیچید و نمازی را که مقرر است به جا آورد.

(۲) از پیکر مقدس امام سجاد علیه السلام تشییعی به عمل آمد که در مدینه نظیر آن مشاهده نشده بود زیرا نیک و بد آن را تشییع کردند و توده‌های مردم در اطراف آن پیکر پاک اجتماع کرده و پریشان و گریان و دل شکسته بودند و همگی احساس خسارت عظیمی داشتند زیرا با شهادت آن حضرت خیر فراوانی را از دست داده بودند و آن روحانیت بی‌نظیر از دستشان رفته بود، برآستی که با رحلت امام زبانها بند آمد و عقول سرگردان و تیره گشت و مردم مدینه در اطراف آن پیکر مقدس گرد آمدند خوشبخت کسی بود که موفق به حمل جنازه شود و جای تعجب است که سعید بن مسیب یکی از فقهای هفتگانه مدینه موفق به تشییع

(۱) حیاة الإمام الباقر: ۱/ ۵۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷۲۱

و نماز بر پیکر پاک امام علیه السلام نشد، وقتی که حشرم غلام اشجع به او اعتراض کرد، او در پاسخ گفت: دو رکعت نماز در مسجد می‌خوانم از نظر من بهتر از آن است که بر این مرد صالح در خانه صالح نماز گزارم! (۱) برآستی که این بهانه سست و ناروایی است، زیرا که حضور در تشییع جنازه امام علیه السلام که حامل نور هدایت انبیا علیهم السلام است از بالاترین و بهترین عبادات در نزد خداست.

(۱)

**در آخرین اقامتگاه**

آن پیکر پاک را در میان هاله‌ای از تکبیر و تحمید به قبرستان بقیع آوردند و قبری در کنار قبر عمویش امام زکی حسن بن علی علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت و ریحانه رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- آماده کردند و امام باقر علیه السلام پیکر مقدس پدرش را داخل قبر کرد و در آن آخرین اقامتگاهش دفن نمود و به همراه آن علم، نیکی و تقوا را دفن کرد و به همراه آن روحانیت انبیا و متقین را دفن کرد.

پس از فراغ از دفن پیکر پاک امام سجاد علیه السلام، مردم به سوی امام باقر علیه السلام شتافتند و تسلیتهای گرم خود را به آن حضرت تقدیم می‌کردند و خود را در غم و اندوه وی شریک می‌دانستند و امام باقر علیه السلام به اتفاق برادران و سایر بنی هاشم به خاطر شرکتشان در آن پیشامد ناگوار فوق العاده و مصیبت عظیم قدردانی می‌فرمودند.

الحمد لله اولاً و آخراً دهم ذی‌قعدة الحرام/ ۱۴۱۲ قمری مطابق ۲۲/ ۳/ ۱۳۷۱ شمسی مشهد مقدس - محمد رضا عطائی

(۱) رجال کشی: ص ۷۶.

**درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان**

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

